

ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه

پیشش :

جلال خالقی مطلق

دفتر سوم

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

بکوشش : جلال خالقی مطلق

زیر نظر : احسان یار شاطر

ناشر : بنیاد میراث ایران

پخش کننده : انتشارات مزدا

محل نشر : کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

کلیه حقوق متن برای دکتر جلال خالقی مطلق و حق چاپ برای ناشر در سراسر جهان محفوظ است.

شماره استاندارد بین المللی کتاب : ISBN:0-939214-86-5

فهرست مطالب دفتر سوم

یازده

دستنویس های اساس تصحیح این دفتر
مآخذ دیگر
برخی از نشانه ها
دستنویس های دیگر که بررسی شده اند

کیخسرو

پادشاهی کیخسرو شست سال بود

داستان عَرَض کردن کیخسرو

۴

آغاز داستان

۱۹

گفتار اندر برگزیدن لشکر ایران بنزدیک کیخسرو

پنج

داستان فرود سیاوخش

- ۲۷ آغاز داستان
- ۳۱ گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایران
- ۳۶ گفتار اندر دیدن طوس فرود و تُخوار را بر کوه
- ۴۱ گفتار اندر شدن ریونیز به جنگ فرود
- ۴۴ گفتار اندر رفتن زرسپ پسر طوس به جنگ فرود
- ۴۵ گفتار اندر رفتن طوس نوذر به جنگ فرود
- ۴۸ گفتار اندر رفتن گیو بنزد فرود
- ۵۱ گفتار اندر جنگ بیژن با فرود
- ۵۳ گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود
- ۵۴ گفتار اندر رزم فرود با ایرانیان و کشته شدن فرود
- ۶۰ گفتار اندر رزم کاس رود و نبرد بیژن با بلاشان ترک
- ۶۲ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن لشکر ایران
- ۶۷ گفتار اندر آمدن تراو به جنگ ایرانیان
- ۷۳ گفتار اندر شبیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس
- ۷۷ گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس
- ۸۰ گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوذر
- ۸۲ گفتار اندر جنگ پشن و لاون
- ۸۹ گفتار اندر داستان بهرام گودرز
- ۹۶ گفتار اندر رفتن گیو و بیژن پس بهرام گودرز
- ۹۹ گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از پیش پیران و یسه

داستان کاموس گشانی

- ۱۰۶ آغاز داستان
- ۱۱۲ گفتار اندر رفتن طوس و گودرز به جنگ پیران
- ۱۱۷ گفتار اندر نبرد طوس با هومان و یسه

- ۱۲۵ گفتار اندر نبرد دوم طوس با پیران
- ۱۲۷ گفتار اندر داستان بازور جادوی
- ۱۳۳ گفتار اندر گریختن طوس به کوه هماون
- ۱۳۸ گفتار اندر آمدن پیران ویسه بنزدیک هومان
- ۱۴۱ گفتار اندر تاختن طوس و گیو و رُهام بر سر ترکان
- ۱۴۵ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر
- ۱۴۸ گفتار اندر خواب دیدن طوس نوذر سیاوخش را
- ۱۶۱ گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن لشکر ایرانیان
- ۱۶۵ گفتار اندر رسیدن فریبرز کاوس به کوه هماون
- ۱۷۰ گفتار اندر رزم کاموس با ایرانیان
- ۱۸۲ گفتار اندر رزم رستم با آشکبوس
- ۱۹۱ گفتار اندر رزم رستم با کاموس
- ۱۹۷ گفتار اندر رزم چنگش با رستم زال
- ۱۹۹ گفتار اندر رفتن هومان ویسه به ناشناخت بنزدیک رستم
- ۲۰۵ گفتار اندر آمدن پیران ویسه بنزدیک رستم
- ۲۲۴ گفتار اندر باز آمدن پیران ویسه بار دوم
- ۲۲۷ گفتار اندر رزم رستم با شنگل
- ۲۳۱ گفتار اندر کشته شدن ساوه بر دست رستم زال
- ۲۳۲ گفتار اندر کشته شدن گهار گهانی بر دست رستم
- ۲۳۶ گفتار اندر پیغام فرستادن خاقان چین به رستم
- ۲۳۸ گفتار اندر گرفتن رستم خاقان چین را به کمند
- ۲۴۶ گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو
- ۲۵۰ گفتار اندر پاسخ نامه ی رستم از شاه کیخسرو
- ۲۵۲ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر
- ۲۵۵ گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی
- ۲۷۱ گفتار اندر رزم رستم زال با پولادوند
- ۲۷۹ گفتار اندر گریختن افراسیاب از پیش رستم

۲۸۰

گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان

داستان رستم و آکوان دیو

۲۸۹

آغاز داستان

۲۹۵

گفتار اندر رفتن افراسیاب از پس رستم

داستان بیژن و منیژه

۳۰۶

آغاز داستان

۳۲۱

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن

۳۲۸

گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب

۳۳۵

گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن به ایران

۳۴۸

گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به رستم

۳۵۸

گفتار اندر ستایش کردن رستم بر شاه کیخسرو

۳۶۳

گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری

۳۶۸

گفتار اندر رفتن رستم با هفت گرد ایران به ترکستان

۳۷۱

گفتار اندر آمدن منیژه دختر افراسیاب بنزدیک رستم

۳۸۰

گفتار اندر رفتن رستم به سرچاه بیژن

۳۸۳

گفتار اندر شیخون آوردن رستم و بیژن

۳۸۶

گفتار اندر رزم رستم زال با افراسیاب

۳۹۱

گفتار اندر باز آمدن رستم با بیژن از توران به ایران زمین

فهرست‌ها

۴۰۱

فهرست نام کسان

۴۱۵

فهرست نام جای‌ها

توضیح

در این مجلد اندکی از طول مصراعها کاسته شد تا فاصله کلمات از یکدیگر متناسبتر باشد و کشیدن حروف برای پر کردن فواصل کمتر ضرورت یابد. این تغییر مختصر به توصیه آقای سعیدی سیرجانی که لطفاً در طبع کتاب نظارت کرده اند و تایید آقای دکتر خالقی مطلق انجام پذیرفته است. ا. ی.

دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر

الف - دستنویس‌های اصلی

- ۱- ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. Ill. 24 (G. F. 3)، مورخ ۱۲۱۷ / ۶۱۴
- ۲- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۱۲۷۶ / ۶۷۵
- ۳- س دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰ / ۷۳۱
- ۴- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶ س، مورخ ۱۳۴۱ / ۷۴۱
- ۵- ل^۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۱۴۸۶ / ۸۹۱
- ۶- س^۲ دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸ / ۹۰۳

ب - دستنویس‌های غیر اصلی

- ۱- لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶-۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳ / ۷۳۳
- ۲- ق^۲ دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴ / ۷۹۶
- ۳- لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷ / ۸۴۰
- ۴- ل^۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۴۳۸ / ۸۴۱
- ۵- پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱ / ۸۴۴
- ۶- و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴ / ۸۴۸
- ۷- لن^۲ دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵ / ۸۴۹
- ۸- آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸ / ۸۵۲
- ۹- ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2 4255، مورخ ۱۴۸۹ / ۸۹۴

مآخذ دیگر

- ۱- بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲- لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳- لغت دری ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح الله مجتبائی - علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴- معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیوچم، تهران ۱۳۵۳
- ۵- لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶- راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱

برخی از نشانه‌های دیگر

- (!) در جلوی هر واژه یا بیته که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به صورت درست باشد
- [] در متن هر بیته که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن میرود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است. همچنین در پی نویس ها گاه گاه صورت فرضی افتادگی های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده اند
- < > هر حرف یا واژه ای که در پی نویس ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک یک گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است (از دفتر سوم بجای آن نشانه پیشین بکار رفته است)
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت

- پ بی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویس است. مثال:
- ۱۲ پ، یعنی بی نویس بیت ۱۲، ولی: پ ۱۲، یعنی بی نویس شماره ۱۲)
- متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپسین
- ← نگاه کنید به، نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دستنویس های دیگری که بررسی شده اند

- ۱- دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲- دستنویس کتابخانه چستریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱ (ناقص)
- ۳- دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان N.M. 1957-913/3، مورخ ۷۵۲ / ۱۳۵۱ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۴- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۷۷۲ / ۱۳۷۱
- ۵- دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۷۷۳ / ۱۳۷۲ یا ۷۳۳ / ۱۳۳۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۶- دستنویس کتابخانه چستریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی تاریخ (ناقص)
- ۷- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۸۰۳ / ۱۴۰۰
- ۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۸۴۱ / ۱۴۳۸ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۹- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴
- ۱۰- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۸۶۸ / ۱۴۶۴
- ۱۱- دستنویس انجمن آسیائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۲- دستنویس کتابخانه ملی اطیش در وین، به نشان Mxt. 378، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۳- دستنویس کتابخانه چستریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۴- دستنویس کتابخانه چستریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۵- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۸۸۷ / ۱۴۸۲
- ۱۶- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶
- ۱۷- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۸۹۵ / ۱۴۹۰
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Elliot, 325، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴
- ۱۹- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۲۰- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22-1948، بی تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۱- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی تاریخ

- ۲۲- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی تاریخ
- ۲۳- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی تاریخ
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۷- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱ (?)
- ۲۸- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان 3.218 - II، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۹- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۳۰- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲

(برای معرفی این دستنویس‌ها نگاه کنید به: ایران‌نامه، سال سوم، ۳/ ۱۳۶۴، ص ۳۷۸-۴۰۶؛ سال چهارم، ۱/ ۱۳۶۴، ص ۱۶-۴۷؛ ۲/ ۱۳۶۴، ص ۲۲۵-۲۵۵؛ سال هفتم، ۱/ ۱۳۶۷، ص ۶۳-۹۴)

کپخسرو

پادشاهی کیخسرو شصت سال بود داستان عَرَض کردن کیخسرو^۱

<p>به پالیز چون برکشد سرو شاخ، به^۴ بالای او^۵ شاد باشد درخت؛ سزد گر گمانی برد بر سه چیز هنر با نژادست و با گوهرست هنر کی بود تا نباشد گهر گهر آنک از^{۱۱} فرّ یزدان بود نژاد آنک باشد ز تخم پدر هنر گر بیاموزی^{۱۵} از هرکسی ازین هر سه گوهر بود مایه‌دار</p>	<p>سر شاخ^۲ سبزش برآید ز کاخ^۳، چو^۶ بیندش بینادل و نیک‌بخت، کزین سه گذشتی چه چیزست^۷ نیز: سه چیزست و^۸ هر سه به بند اندرست نژاده بسی دیده‌یی^۹ بی‌هنر^{۱۰} نیازد^{۱۲} به بد دست و بد نشنود سزد کاید آن^{۱۳} تخم پاکی به بر^{۱۴} بکوشی و پیچی ز رنجش بسی که بر یابد از^{۱۶} خلعت کردگار^{۱۷}</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۵

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی کیخسرو شصت سال و هفت ماه دوازده روز بود و کین خواستن خون پدر از افراسیاب؛ ل، ل، آ، س: پادشاهی کیخسرو شصت سال بود؛ س: پادشاهی کیخسرو پسر سیاوش شصت سال بود؛ ق: پادشاهی کیخسرو بن سیاوش شصت سال بود؛ بنداری: ذکر نوبه ملک الملک کیخسرو و ماجری فی آیامه من الوقائع و کانت مدّة ملکه ستین سنه؛ درس^۲ از بیت ۲۱-۴۰ و درق از بیت ۸۱-۹۶ افتاده است
۲- ل: سروگاه ۳- ق: سرسبز شاخش برآید به کاخ ۴- ق: ز؛ متن ← ۵- س: به پالیز ازو؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۶ ۶- س: که؛ س: پس از این بیت افزوده است:

جهانی ز کردار او برخوردار
دل روزگارش همی پرورد
که را پادشاهی بود در گهر
بماید که نیکی کند تاجور

۷- ق: دگر چیز؛ ل، آ، س: سه چیزست؛ متن = ف، ل، س ۸- ق: [و] ۹- ل: دیده ام ۱۰- س: با هنر ۱۱- ق: هنر آنک با؛ ل، آ، س: هنر آنچه از؛ س: هرآنکس که با؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل، س، ل، آ، س: نیارد؛ متن = ف، ق ۱۳- ل، ق، ل، آ، س: از؛ س: ار؛ متن = ف ۱۴- ل، ق، ل، آ، س: پاکیزه بر؛ س: پاکی پسر؛ متن = ف، س ۱۵- س: آنک آموزی؛ ق: کان بیاموزی؛ س: از بیاموزی؛ متن = ف، ل، ل ۱۶- ل، ل، آ، س: که زیبا بود؛ ق: که نیکو بود؛ متن = ف، س ۱۷- ل، آ: شهریار

۱۰ چو هر سه بیابی، خرد بایدت
 چو این چار با یک تن آید بهم
 مگر مرگ کز مرگ خود چاره نیست
 جهانجوی^۵ ازین^۶ چار بُد بی نیاز
 شناسنده‌ی نیک و بد بایدت
 برآساید از آزا^۱ و از درد^۲ و غم
 وُزوا^۳ بتر از بخت^۴، پتیاره نیست
 همش بخت سازنده بود از فراز

آغاز داستان^۷

۱۵ چو کیخسرو شاه بر گاه شد
 چو تاج بزرگی به سر بر نهاد
 به هر جای ویرانی^{۱۱} آباد کرد
 از^{۱۳} ابر بهاری ببارید نم
 جهان گشت پُر چشمه^{۱۵} و رود آب
 زمین^{۱۷} چون بهشتی شد آراسته
 چو جَم و فریدون بیاراست گاه
 ز دادش^۸ جهان یکسر آگاه شد^۹
 ازو شاد شد تاج^{۱۰} و او نیز شاد
 دل غمگنان از غم آزاد^{۱۲} کرد
 ز روی زمین زنگ^{۱۴} بزود غم
 سر غمگنان اندر آمد به خواب^{۱۶}
 ز داد و ز بخشش پر از خواسته
 ز جام و ز رامش نیاسود^{۱۸} شاه

۱- ف، ل؛ رنج؛ ق: درد؛ متن = ل، س، س^۲ ۲- ل، س: وز درد؛ ق: وز رنج؛ ل؛ و آزار؛ س؛ و از رنج؛ متن = ف ۳- ل، ق: وزین؛ متن = ف، س، س^۲ ۴- س: هول [تر] نیز؛ ق: بدتر از دهر؛ متن = ف، ل، س؛ ل؛ بگیتی جز از مرگ ۵- ل: جهانجو ۶- س: زین؛ ف پس از بیت ۱۳ افزوده است:

نهال همایون و فرخنده بخت چو شاه جهان شد بر افراز تخت

ل پس از بیت ۱۳ افزوده است (لی، و، آ، ب نیز بیت دوم را دارند):

سخن راند گویا بدین داستان دگر گوید از گفته باستان (= داستان رفتن گبو، ۷۰۲)

کنون بازگردم به آغاز کار که چون بود کردار آن شهریار

س^۲ پس از بیت ۱۳ افزوده است:

چو جم و فریدون بیاراست گاه ز داد و دهش بر نیاسود شاه (= ۲۰)

چو کیخسرو از تخم شاهان برست بیامد به تخت کیسی برنشست

بنداری بیت‌های ۱-۱۳ را ندارد ۷- ق: گفتار در آغاز داستان ۸- ف: عدلش؛ متن = س^۲ ۹- س: آباد شد (پس او ندارد)؛ متن = ف؛ س: جهان یکسر از دادش آگاه شد؛ ل، ق، ل؛ این بیت را ندارند؛ س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ) پس از بیت ۱۴ افزوده اند:

نشست از بر تخت شاهنشهی به سر بر نهاد آن (س^۲: بر نهاده) کلاه مهی

کجا بود در گیتی آزاده خداوند تاج و کیان (س^۲: تاجی و کی) زاده

نبد در جهان کس به هنگام او کجا سرنیآورد در دام او (س^۲ ندارد)

هم از شاه گیتی و گاه آوری بیامد برش هر چه ناماوری (س ندارد)

ف، ل، ق، ل (نیز ل، و، ب) این بیت‌ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۰- س: تاج شد شاد؛ درس^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- ل؛ که ویران بُد؛ ق: هر آنجا که ویران بُد ۱۲- س: اندران شاد ۱۳- ف: ز؛ متن = ل-

س^۲ ۱۴- ل: زنگ؛ ق: پاک؛ متن = ف، س، ل، س^۲ ۱۵- ل: سبزه؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س: سران را همی سر برآمد ز خواب؛ متن = ف، ل، ق، ل؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۶- س: سران را همی

لن، ق، آ، پ، لن؛ ز داد و ز بخشش نیاسود؛ س^۲: ز داد و دهش بر نیاسود؛ (ب: ز جام و ز رامش برآسود)؛ متن = ف (ب)؛ درس^۲ این بیت پس از بیت ۱۳ آمده است؛ س، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: ویزهر علی التخت کمجشید و آفریدون

جهان شد پُر از خوبی و ایمنی
فرستاده‌یی^۲ آمد از هر سُوی^۳
پس آگاهی آمد سُوی نیمروز
ابا زالِ سامِ نریمان بهم
سپاهی که شد دشت چون آبَنوس^{۲۵}
به پیش اندرون زال با انجمن
تبیره برآمد ز درگاه شاه
یکی کشور^{۱۱} از جای برخاستند
دل شاه شد زان سَخُن شادمان
که او بود^{۱۲} پروردگار پدر
بفرمود تا گِیو و گودرز و طوس
ز پهلُو به پهلُو پذیره شدند
برفتند پیشش به دو روزه^{۱۵} راه
درفش تهنن چو آمد پدید
خروش آمد و ناله‌ی بوق و کوس^{۳۵}

ز بد بسته شد دست آهَرَمَنی^۱
ز هر نامداری و هر پهلوی^۴
بنزد سپهدار گیتی فروز^۵
بزرگان کاوُل^۶ همه بیش و کم
بدرید هر^۷ گوش از آوای^۸ کوس
درفش بَنفَش از پس^۹ پیلتن
همه برنهادند گردان کلاه^{۱۰}
پذیره شدن را بیاراستند
سراینده را گفت کاباد مان!
وُزویست پیدا به گیتی^{۱۳} هنر
برفتند با نای روین و کوس^{۱۴}
همه با درفش و تبیره شدند
چُنین پهلوانان و چندین^{۱۶} سپاه
به^{۱۷} خورشید گرد سیه^{۱۸} برکشید^{۱۹}
ز قلب سپه گِیو و گودرز و طوس^{۲۰}،

- ۱- در س^۲ از این بیت تا بیت ۴۰ را پاک کرده و بجای آن تصویر کشیده‌اند
هر کشوری؛ متن = ف، س، ل^۲ ۴- ق: سروری؛ ل^۲: ز هر کشوری
که بنشست کیخسرو شاه‌زاد
بسازید رستم شدن نزد شاه
ل پس از بیت ۲۳ افزوده است (بیت یکم در ب و بیت دوم در ل^۳ نیز هست):
که خسرو ز توران به ایران رسید
بیاراست رستم به دیدار شاه
ببیند که تا هست زیبایی (ل^۳): که هست اوسزاوار گاه
هیچیک از این بیت‌ها در دستنویس‌های دیگر نیست، ولی برخی از دستنویس‌ها بجای آنها بیت‌های دیگری افزوده‌اند؛ بنداری (۲۳-۲۶): فلما وصل
إلی نیم روز الرسول المنفذ إليها ركب رستم وابنه فرامرزو ابوه دستان فی جمیع اکابر کابل، وأقبلو فی الجم الغفیر والععدد الکثیر نحو الحضرة ۶- ف،
ل، س، ل^۲: کابل؛ ق: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ق: خود ۸- ف، ل: زآوای؛ س، ل^۲: از آواز؛ متن = ق؛ ل پس از
بیت ۲۵ افزوده است: سوی شهر ایران گرفتند راه
۹- ق: از پی؛ ل پس از بیت ۲۶ افزوده است:
پس آگاهی آمد بر شهریار
زواره فرامرزو دستان سام
س پس از بیت ۲۶ افزوده است:
چو آگاهی آمد بنزدیک شاه
که آمد زره پهلوان سوار
بزرگان که هستند با جاه و نام
۱۰- ل این بیت و بیت سپین را پس از بیت ۳۱ آورده است؛ س این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق: لشکر؛ ل^۲: همه لشکر؛ متن = ف، س؛
ل این بیت و بیت پیشین را پس از بیت ۳۱ آورده است ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، و، آ، ب): اویست؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ل، ق، ل^۳، پ،
لن^۲) ۱۳- ل^۲: بهرجا ۱۴- در ل پس از این بیت، بیت‌های ۲۷ و ۲۸ آمده‌اند ۱۵- ق: بشش روزه؛ ل^۲: پذیره به؛
بنداری: فاستقبلوه علی مسیره یومین ۱۶- ق: چندی ۱۷- ق: ز ۱۸- ل (نیز لن، لی - ب): سپه؛ متن = ف، س، ق، ل^۲
(نیز ق^۲) ۱۹- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ل^۳، پ، و، لن^۲، ب): بردمید؛ متن = ف (نیز ق^۲) ۲۰- در ل^۲ این بیت با بیت سپین
پس و پیش شده است؛ ق بیت‌های ۳۵-۳۷ را ندارد

به پیش گو پیلتن تاختندا
 گرفتند هرسه وُرا در کنار
 ز رستم سُوی زالِ سام^۵ آمدند
 نهادند سوی فرامرز روی
 ۴۰ وُزآنجا یگه سوی شاه آمدند
 چو خسرو گو پیلتن را بدید
 فرود آمد از تخت و کرد آفرین
 به رستم چُنین گفت کای پهلوان
 که پروردگار سیاوش توی^{۱۰}
 ۴۵ سر زال از آن^{۱۲} پس به بر درگرفت
 گوان را به تخت کیی^{۱۳} برنشاند
 نگه کرد رستم سراپای^{۱۵} اوی^{۱۶}
 رخس گشت پُرخون و دل پُرز درد^{۱۷}
 به شاه جهان گفت کای^{۱۸} شهریار
 ۵۰ ندیدم من اندر جهان تاجور^{۲۰}
 وُزآن^{۲۳} پس چو از تخت برخاستند
 جهاندار تا نیمی از^{۲۴} شب نخفت
 چو خورشید تیغ از میان برکشید
 تبیره برآمد ز درگاه شاه
 ۵۵ چو طوس و چو گودرز و گیو دلیر^{۲۷}
 نهادند خوان و می آراستند
 گذشته سَخُن ها و می بود جفت^{۲۵}
 شب تیره را گشت سر^{۲۶} ناپدید،
 به سر بر نهادند گردان کلاه
 چو گرگین و گسته م و بهرام شیر^{۲۸}

۱- ل: راندند؛ متن = ف، س، ل ۲- ل: زشاهی ۳- ل: خواندند؛ متن = ف، س، ل؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن رستم با زال و پهلوانان سیستان پیش تخت کیخسرو و آفرین خواندن برو؛ ق (چند بیت بالاتر): آمدن زال و رستم به درگاه شاه کیخسرو ۴- ل، س، ل؛ اوژن؛ متن = ف ۵- ق: هسی سوی زال ۶- ق: به دیدار فرخ کلاه (= ۴۰ ب) ۷- ق: گشاده دل و نیکخواه (۳۸ ب) ۸- س، ل؛ ز دیده. ۹- ل: بدی؛ س: تویی؛ متن = ف، ق، ل؛ س ۱۰- ف، س، ق، ل؛ س؛ تویی؛ متن = ل ۱۱- ل- ل- ل (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن)؛ خردمند؛ متن = ف (نیز ل، و، آ) ۱۲- ل، س: زان؛ متن = ف، ق، ل؛ س ۱۳- ف: کیان؛ ل: مهی؛ متن = س، ق، ل؛ س ۱۴- ل؛ س؛ همه ۱۵- ل، ق: سرو پای؛ متن = ف، س، ل؛ س ۱۶- ل- س؛ او؛ متن = ف ۱۷- ق: و پر آب زرد؛ ق پس از این بیت افزوده است: بسی آفرین بر سیاوش بخواند که خسرو به چهره جزاورا ناماند (= داستان رفتن گیو، ۶۹۲)
 ۱۸- ق: ای ۱۹- س، ق، ل؛ تویی؛ متن = ف، ل؛ س این بیت را ندارد ۲۰- ف: ندیدم کنون در جهان نامور؛ متن = ل- س ۲۱- ق، ل؛ س؛ زیب ۲۲- ل؛ س؛ مانندگی با پدر ۲۳- ل: از آن؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س ۲۴- س: نیم از؛ ل؛ س؛ نیمه؛ متن = ف، ل ۲۵- ل، س، ق (نیز ل- آ): سخن ها همه (ق: هسی) باز گفت (ل؛ به رستم بگفت)؛ متن = ف، ل؛ س ۲۶- س: شب (→ سر)؛ ل، ق (نیز ل، آ): تیره گشت از جهان؛ (ل، پ، ل؛ تیره از بیم شد)؛ متن = ف، ل؛ س ۲۷- ف: گودرز کشواد و گیو؛ متن = ل- س ۲۸- ف: چو گرگین میلاد و شاپور نیو؛ ل: چو گرگین و رهام و گسته م شیر؛ س ۲۹- چو گرگین و بهرام و شاپور شیر؛ (ق، ل، ل؛ آ، ب: چو گرگین و بهرام و گسته م شیر)؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، و، ل، ن)

گردانمایگان نزد شاه آمدند	گردانمایگان نزد شاه آمدند
به نخچیر شد شهریار جوان ^۲	به نخچیر شد شهریار جوان ^۲
ز لشکر برفتند آزادگان	ز لشکر برفتند آزادگان
سپاهی که شد تیره ^۴ خورشید و ماه	سپاهی که شد تیره ^۴ خورشید و ماه
همه بوم ایران سراسر بگشت	همه بوم ایران سراسر بگشت
هر آن بوم و بر کان نه آباد بود	هر آن بوم و بر کان نه آباد بود
درم داد و آباد کردش ز گنج	درم داد و آباد کردش ز گنج
به هر شهر بنشست و بنهاد تخت	به هر شهر بنشست و بنهاد تخت
همه ^۹ بدره و جام می خواستی ^{۱۰}	همه ^۹ بدره و جام می خواستی ^{۱۰}
۶۵	۶۵
وُزآنجا سویی شهر دیگر شدی ^{۱۲}	وُزآنجا سویی شهر دیگر شدی ^{۱۲}
چنین تا در ^{۱۴} آذربادگان ^{۱۵}	چنین تا در ^{۱۴} آذربادگان ^{۱۵}
همی ^{۱۷} باده خوردوهمی ^{۱۸} تاخت اسپ	همی ^{۱۷} باده خوردوهمی ^{۱۸} تاخت اسپ
جهان آفرین را ستایش گرفت	جهان آفرین را ستایش گرفت
بیامد خرامان از آن جایگاه	بیامد خرامان از آن جایگاه
نشستند با او ^{۲۱} بهم شادمان	نشستند با او ^{۲۱} بهم شادمان
۷۰	۷۰
چو پُر شد سر از جام روشن ^{۲۳} گلاب	چو پُر شد سر از جام روشن ^{۲۳} گلاب
چو روز درخشان ^{۲۵} برآورد چاک	چو روز درخشان ^{۲۵} برآورد چاک
جهاندار بنشست و کاوس کی	جهاندار بنشست و کاوس کی
ابا رستم گردو ^{۲۷} دستان بهم	ابا رستم گردو ^{۲۷} دستان بهم
۷۵	۷۵
از ^{۲۹} افراسیاب اندرآمد نخست	از ^{۲۹} افراسیاب اندرآمد نخست
بگسترد یاقوت بر تیره خاک،	بگسترد یاقوت بر تیره خاک،
دو شاه سرافراز ^{۲۶} ، دو نیک پی	دو شاه سرافراز ^{۲۶} ، دو نیک پی
همی گفت کاوس هر ^{۲۸} بیش و کم	همی گفت کاوس هر ^{۲۸} بیش و کم
دو رخ را به خون دو دیده بشست	دو رخ را به خون دو دیده بشست

۱- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲- ل، ل: جهان؛ متن = ف، س، ق، س^۲ ۳- ل، س: ابارستم نامور پهلوان؛ ل، آ، س^۲؛ ابارستم و طوس و دیگر گوان؛ متن = ف، ق؛ در ل^۲ این بیت پس از بیت ۵۳ آمده است ۴- ف: خیره (؟)؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن - پ، ل، آ، ب) ۵- س: خود و کلاه؛ س^۲: رومی کلاه؛ ل: همی رفت با یوز و با باز شاه؛ ل: ز جوشن زترگ و زرومی کلاه؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۶- ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب)؛ ویران همه برگذشت؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ق، ل، آ، س^۲: نیامد به رنج؛ متن = ف، ل، س ۸- ل: خسرو؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فلم یرمیدینه إلا وضع فیها تحته ۹- س: همی ۱۰- ل، آ، س^۲: خواستند ۱۱- ل، آ، س^۲: بیاراستند؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س، ل: شدند ۱۳- ل، ق: همی؛ س، ل، آ، س^۲: همه؛ متن = ف ۱۴- ل: همی رفت تا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۵- ل، آ، س^۲: مرزآبادگان ۱۶- ل: ابا او؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲: بنداری (۶۵-۶۸)؛ فاذا فرغ منها تحوّل لمدينة أخرى حتى أتى علی الکمل. ولما أتى نواحی آذربيجان دخل بیت النار الذی هناک فزاره ۱۷- ل: گهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۸- ل: گهی؛ ل، آ، س^۲: خوردند و می؛ متن = ف، س، ق ۱۹- ف- ل (نیز ل، آ): به آتشکده در؛ (لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب: به آتشکده بر)؛ متن = س^۲: به آتشکده اندر (ضحاک، بیت ۴۰) ۲۰- س: درگاه؛ بنداری: ثم عادوا الی بلاد فارس الی حضرة کیکاوس ۲۱- ل: هردو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲؛ بنداری: وأقاموا عنده ۲۲- ق: نبودی بجز ۲۳- ل، آ، س^۲: از باده چون ۲۴- ق: سخن رفت چندی ز افراسیاب ۲۵- س: درفشان ۲۶- ل: سرافراز؛ متن = ف، س، ق، س^۲ ۲۷- س، س: رستم و گرد ۲۸- ل، آ، س^۲: هرگونه از ۲۹- ف، ق: ز؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲

بگفت آنک او با سیاوش چه کرد
 بسا^۲ پهلوانان که بی‌جان شدند
 بسی شهر بینی از^۳ ایران^۴ خراب
 ترا ایزدی هرچه^۵ بآیدت^۶ هست
 ز فر^۷ تمامی^۱ و نیک‌اختری
 کنون از تو سوگند خواهم یکی
 که پُرکین کنی دل از^{۱۳} افراسیاب
 به^{۱۴} خویشی مادر بدو ننگری^{۱۵}
 به گنج و فرونی نگیری فریب
 به گنج و به تخت و به تیغ^{۲۰} و کلاه
 بگویم که بنیاد سوگند چیست
 بگویی به دادار خورشید و ماه
 به برز و به^{۲۲} نیک‌اختر ایزدی
 میانجی نخواهی^{۲۵} جز از^{۲۶} تیغ و گرز

چو بشنید از^{۲۸} شهریار جوان^{۲۹}
 به دادار دارنده سوگند خورد
 به خورشید و شمشیر و گنج^{۳۱} و کلاه

سوی آتش آورد روی و روان
 به روز سپید و شب لاژورد^{۳۰}
 به مهر و به تخت و به دیهم و گاه^{۳۲}

۱- ل- س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، ب): سراسر برآورد؛ (لی، و، آ: برآورد از ایران آباد)؛ متن = ف ۲- ل، ق، ل، آ، س^۲: بسی؛ متن = ف، س ۳- ل، ق: ز ۴- ف (نیز ل): ایشان؛ متن = ل- س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و ذکر کیکاوس آثار نکایاته فی ممالک ایران ۵- ل: بردست؛ س^۲: از دست ۶- ل، س: هرچ ۷- ل: بایست ۸- ق، ل، آ، س^۲: وز ۹- ل، آ، س^۲: فرّو ۱۰- ق: همایی؛ (ق: کیانی؛ لی، و، آ: بزرگی)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۱- ل: زهرگونه برتری؛ ل، آ، س^۲: که بودند تو برتری؛ ق: ز ایران بگردان تو هر داوری؛ متن = ف، س، (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۲- ق: از بیت ۸۱-۹۶ را ندارد ۱۳- ل، س، ل، آ، س^۲: ز؛ متن = ف ۱۴- ل: ز؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۵- س (نیز ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، آ): ننگری؛ ف: خویشی و مادر پدر ننگری؛ متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ب) ۱۶- ل، آ، س^۲: نبینی؛ متن ← ۱۷- س (نیز لن، ل، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب): نشوی؛ ف: ز دل مهر او را همه بستری؛ متن = ل (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ)؛ بنداری (۸۳-۸۵): و لا تمیل الیه لموضع قرابه أمک منه، و لا تتخدع له بما یبذل من الرغائب، و یسمح به من الخزائن و الذخائر ۱۸- ل: همان گره؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۹- ل، آ، س^۲: از؛ س: به پیش فراز آید از تو (!)؛ س: در اینجا سرنویس دارد: سوگند دادن کاوس شاه کیخسرو را از بهر کین خواستن سیاوش ۲۰- ل: به تاج و به تخت و به کین؛ س: به گنج و به تیغ و به تخت؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۱- ف پس از این بیت افزوده است: به کیوان و زاوش و بهرام و هور به ناهید و تیرومه و فرّوزور این بیت در هیچیک از چهارده دستنویس دیگر نیست ۲۲- ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب): به پیروز؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): به فرّو به؛ متن = ف (نیز ل، و) ۲۳- ل: دلرا ۲۴- س: راه ۲۵- ل: نخواهم ۲۶- ف: بجز؛ ل، آ، س^۲: مگر؛ متن = ل، س ۲۷- ل، ل، آ، س^۲: و؛ متن = ف، س ۲۸- ل: زو ۲۹- ف: جهان؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (← بیت ۵۷) ۳۰- ف، س، ل، آ، س^۲: لاجورد؛ متن = ل ۳۱- س، س، آ: بخت؛ ل: تخت؛ ل: و ماه و به تخت؛ متن = ف ۳۲- ل: به تیغ و بدیهم شاه؛ ل: بتاج و بدیهم و گاه؛ متن = ف، س، س^۲

۹۵ که هرگز نیچم سُوی مهر اوی^۱ یکی خط نبشتند^۲ بر پهلوی گوا بود دستان و رستم برین^۴ به زنهار بر^۶ دست رستم نهاد وُزآنجایگه^۹ خوان و^{۱۰} می خواستند بیودند یک هفته با رود و می جهاندار هشتم سر و تن بشست به پیش خداوند گردان سپهر ۱۰۰ شب تیره تا برکشید آفتاب چُنین گفت کای دادگر یک خدای به روز جوانی تو کردی رها تو دانی که سالار توران سپاه به بیران^{۱۸} و آباد نفرین اوست ۱۰۵ به بیداد خون سیاوش بریخت [دل شهریاران^{۲۲} پر از بیم اوست به کین پدر بنده را دست گیر تو دانی که او را بدی^{۲۵} گوهرست فراوان بمالید رخ بر زمین وُزآنجایگه شد سُوی تخت باز چُنین گفت کای نامداران من بیمودم این بوم^{۲۷} ایران بر اسپ ندیدم کسی را که دل شاد بود

نبینم به خواب اندرون چهر اوی^۱ به مُشک از^۳ بر دفتر خسروی بزرگان لشکر همه همچُنین^۵ چُنین^۷ خط و سوگند و آن^۸ رسم و داد دگرگونه^{۱۱} مجلس بیاراستند بزرگان^{۱۲} به ایوان کاوس کی نیاسود و جای نیایش بچُست برفت آفرین را بگسترد مهر^{۱۳} خروشان همی بود، دیده پُرآب جهاندار و روزی ده و^{۱۴} رهنمای مرا بی سپاه^{۱۵} از دم آژدها نه پرهیز داند^{۱۶}، نه ترس از^{۱۷} گناه دل بی گناهان پُر از کین اوست^{۱۹} برین^{۲۰} مرز باران آتش بیخت^{۲۱} بلا بر^{۲۳} زمین تخت و دیهم اوست^{۲۴}] بیخشای بر جانِ کاوس پیر همان بدنزادست و افسون گریست همی خواند بر کردگار آفرین بر پهلوانان گردن فراز جهان گیر^{۲۶} و خنجرگزاران من ازین مرز تا خان^{۲۸} آذرگشپ توانگر^{۲۹} بُد و^{۳۰} بومش آباد بود

۱- ل، س، ل، س، ل، س: او؛ متن = ف؛ بنداری (۸۶-۹۳): فخالقه کیخسرو علی ذلک ۲- ل: نوشتند؛ س، ل، آ، س: خط بنوشت؛ متن = ف ۳- ل، ل، آ، س: (نیز ق، آ، ل، و، آ): به مشک آب؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، ل، ب) ۴- س: بدین؛ ل، آ: بران؛ س: آ؛ بدان؛ متن = ف، ل ۵- ل: آ: همچنان ۶- ل، آ، س: در ۷- ل: چنان؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۸- س: بن؛ ل، آ، س: خط به سوگند بر؛ متن = ف، ل ۹- ل: از آن پس همی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۰- ل، آ، س: آ؛ جام ۱۱- ل: زهرگونه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۲- س، ل، آ: در ۱۳- ل، ق: چهر؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۴- ق: خداوند روزی ده ۱۵- ل: بی عنا؛ ق: بی سپاس؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۶- ل، آ، س: آ؛ دارد ۱۷- ل: نه شرم؛ ق، ل، آ، س: نه شرم از؛ متن = ف، س ۱۸- ل- س: (نیز ل- ب): ویران؛ متن = ف ۱۹- ل: بیم اوست (پساوند ندارد)؛ ق: بلای زمین تخت و دیهم اوست (= ۱۰۷ ب) ۲۰- ل: بدین؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۱- س: مرز بارز آتش بریخت؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۱۷ آمده است ۲۲- س: در شهر ایران ۲۳- س: بلای ۲۴- ق: دل بی گناهان پر از بیم اوست (= ۱۰۵ ب)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در چهارده دستنویس دیگر هست ۲۵- س: را دوبد؛ ق: دیو بد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۶- ل: جهاندار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ ق: در اینجا سرنویس دارد: سخن گفتن کیخسرو با پهلوانان یران و جواب ایشان ۲۷- ق: مرز ۲۸- س، ق، س، آ: خوان؛ ل، آ: خاک؛ متن = ف، ل ۲۹- س: تونگر ۳۰- س، ق، ل، آ، س: بُد از؛ متن = ف، ل

- ۱۱۵ همه خستگانند از^۱ افراسیاب
نخستین جگرخسته‌ی او^۲ منم
دگر چون نیا شاه آزادمرد
به ایران زن و مرد ازو^۵ با خروش
کنون گر^۸ همه ویژه یار منید
به کین پدر بست خواهم میان
اگر همگان رای^{۱۰} جنگ آورید
مرا این سخن بیش بیرون شود
هر آن خون که آید به کین^{۱۲} ریخته
اگر^{۱۵} کشته آید^{۱۶} کسی زین سپاه
چه گوئید و این را چه پاسخ دهید
بدان اند و بر بد شده پیش دست^{۱۹}
- ۱۲۰
۱۲۵
۱۳۰
- بزرگان به پاسخ بیاراستند
که ای نامدار جهان شاد باش
تن و جان ما سربسر پیش تُست
ز مادر همه جنگ^{۲۳} را زاده‌یم
چو پاسخ چُنین یافت از پیلتن^{۲۴}
رخ شاه شد چون گل و^{۲۶} ارغوان
بریشان^{۲۷} فراوان بخواند^{۲۸} آفرین
- به درد دل از جای برخاستند
همیشه ز رنج و^{۲۱} غم آزاد باش
غم و شادمانی به کم پیش^{۲۲} تُست
همه بنده‌یم، ار چه آزاده‌یم
ز گودرز و از طوس و از انجمن^{۲۵}،
که دولت جوان بود و خسرو جوان
که آباد بادا به گردان زمین

۱- ل: ز ۲- ل، ق: جگرخسته از وی؛ متن = ف، س، ل، س^۲ ۳- س، ل: اویست ۴- ل: آه؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۰۶ آمده است، ولی جای آن به پیروی از چهارده دستنویس دیگر در اینجاست ۵- ف، ل، آ، س: پُر؛ متن = ل، س، ق ۶- ف: غارت و کشتن؛ متن = ل- س^۲ ۷- ل: جنگ‌جوش ۸- ق: ار ۹- ل- س: ز؛ متن = ف ۱۰- س: ابا همگان باد ۱۱- ل پس از این بیت افزوده است:

به ایران مدارید دل را به بزم به توران سپارید جان را به رزم
ببندید دل‌ها یک اندر دگر به نیروی یزدان پیروزگر

این بیت‌ها در هیچیک از چهارده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۱۲- س: بدین ۱۳- ق: گرفتار ۱۴- ل: او باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۵- ل، ق: و گگر؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۶- ل: گرده؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۷- ق: برینش؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س^۲ ۱۸- ق: بکوشید تا ۱۹- ل: بدین بدکننده شویش زدست (!)؛ س: بدانید بر بد شد او پیش دست؛ (لن، پ، ل: آ: بدانید کوشد به بد پیش دست؛ ق: نباید ابر بد شدن پیش دست؛ ل، و، آ، ب: بدان اند و هم بر بدی پیش دست)؛ متن = ف، س، ل، آ^۲ ۲۰- ل: بد را؛ س، ل، آ، س^۲ (نیز ق: ل، و، آ، ب): این را؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ، ل: آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل: [و] ۲۲- ل: شادمانی کم و بیش؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۳- ل- س: (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل: آ): مرگ؛ متن = ف (نیز ب؛ در ف سپس جنگ را به مرگ تصحیح کرده اند)؛ بنداری: وایما ولدنا للحرب والقتال ۲۴- ق: زان انجمن ۲۵- س: آ: و آن انجمن؛ ق: وز طوس وز پیلتن؛ ل، س، ل: آ: ز طوس وز گودرز و آن (ل: وز) انجمن؛ متن = ف ۲۶- ل، ق، ل، آ، س: [و]؛ متن = ف، س؛ در س^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۷- ل: بدیشان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۸- ل، س: بگرد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲

گفتار اندر عَرَض دادن لشکر^۱

<p>چو از خوشه^۳ بنمود خورشید^۴ چهره، سَخُن‌های بایسته چندی براند به نوئی^۵ یکی دفتر اندر شکست که گویند نام کیهان و میهان چُنان^۱ چون بود درخور^{۱۱} پهلوان صدوده سپهبد فگندند بی^{۱۲} کجا بود پیوسته‌ی شاه نو همه گرزدار و همه لشکری که بُردی به هر کار تیمارشان خداوند گوپال و شمشیر^{۱۴} و کوس که لشکر^{۱۶} به رای وی آباد بود دِلیران کوه و سواران دشت فرازنده‌ی اختر کاویان بزرگان و سالارشان گُستهم چو گرگین پیروزگر مایه دار^{۲۱} سواران رزم و نگهبان^{۲۴} گنج به رزم اندرون دست بُردارشان^{۲۷}</p>	<p>بگشت اندرین^۲ نیز گردان سپهر ۱۳۵ ز پهلُو همه موبدان را^۵ بخواند دو هفته در بار دادن بیست بفرمود موبد^۷ به روزی دِهان سزاوار^۸ بنبشت^۹ نام گوان نخستین ز خویشان کاوس کی ۱۴۰ فربرز کاوس‌شان پیشرو گزین کرد هشتاد^{۱۳} تن نوذری زرسپ سپهبد نگهدارشان که تاج کیان بود و فرزند طوس سدیگر^{۱۵} چو گودرز گشواد بود ۱۴۵ نبیره پسر داشت هفتاد و هشت^{۱۷} فروزنده‌ی تاج و تخت^{۱۸} کیان چوشست^{۱۹} و سه از تخمه‌ی گزدهم^{۲۰} ز خویشان میلاد بُد صد سوار ز تخم نوایه^{۲۲} چو هشتاد^{۲۳} و پنج ۱۵۰ کجا برنه^{۲۵} بودی نگهدارشان^{۲۶}</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ف: گفتار اندر نامه نبشتن پهلوانان ایران بر رفتن و فرمودن کارها بدیشان جداگانه با خلعت و اسب و غلام؛ ل: عرض دادن لشکر شاه کیخسرو؛ س: عرض خواستن کیخسرو لشکر را از بهر جنگ افراسیاب؛ ق: گفتار در دیوان عرض شاه کیخسرو و هدایا شاه و پذیرفتن پهلوانان هدایا شاه را جهت رزم توران؛ ل: عرض کردن کیخسرو لشکر را و فرستادن به توران؛ س: لشکر ساختن کیخسرو به کین پدر؛ متن = آغاز ل ۲- س، ل، س: اندران؛ متن = ف، ل، ق ۳- س: چشمه؛ (ب: گوشه)؛ متن = ف - ل (نیز لن، ق، ل، آ) ۴- ل: خورشید بنمود؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۵- ق: پهلوانان ۶- ف - س: نویی؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ف (نیز لی، آ): خسرو؛ ق: روزی؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۸- ق: سرافراز ۹- ل - س: (نیز لن - ب): بنوشت؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل، س: همه ۱۱- ق: از در؛ ف این بیت را ندارد؛ در ل، ق، ل، آ، س ۱۲- در ل، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، و، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۳- س: هفتاد ۱۴- ل، ق: شمشیر و کوبال؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۵- ل، ل، ل: سه دیگر ۱۶- ل، ق: گیتی؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۷- س: هشتاد و هشت ۱۸- ل، س: تخت و تاج ۱۹- ف، ق، ل، آ، س: شصت؛ متن = ل، س ۲۰- در ف، س، ق، ل، آ، س: حرف دوم یک نقطه دارد و در ل، س سه نقطه ۲۱- س: پیروز گرد و سوار (پساوند ندارد)؛ ق: پیروزور مایه دار؛ ل: فروزنده نامدار؛ س: پیروز بُد مایه دار؛ متن = ف، ل ۲۲- ل: لواده؛ ق: کوانه؛ ل، آ، س: نوابه؛ (ق: گرازه؛ لی: نزاره؛ ل: بوابه؛ ب: نوابه؛ و: نوازه؛ ل: نوانه؛ آ: نژاده؛ لغت شهنامه، شماره ۲۵۹۳: نواده)؛ متن = ف، س ۲۳- ق: هفتاد ۲۴- س: جنگ و نگهدار ۲۵- ل، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ل، آ، و، آ، ب): برته؛ (ق: برهه؛ لی: بوته؛ ب: پرته؛ لن: بُرته)؛ متن = ف، س ۲۶- (ل: نگهبانان) ۲۷- (ق، آ، و، ب): نامبردارشان؛ ل: دستگه بانشان)؛ متن = ف - س (نیز لن، لی، ب، لن، آ)

چو سی‌وسه مهتر^۱ ز تخم پشنگ
 به روز نبرد او بُدی پیش کوس^۳
 گزین ابرشهر هفتاد^۶ مرد
 بریشان نگهدار^۸ فرهاد بود
 ز تخم گرازه صدوپنج گرد ۱۵۵
 که روین بُدی شاهشان^۲ روز جنگ
 نگهبان^۴ گردان و داماد طوس^۵
 که بودند گردنکشان^۷ نبرد
 که در جنگ^۹ سندان پولاد بود
 نگهدار^{۱۰} ایشان هم او را شمرد^{۱۱}

گنارنگ با^{۱۲} پهلوان گزین^{۱۳}
 چنان^{۱۶} بُد که موید ندانست مر
 نبشتند^{۱۸} بر دفتر شهریار
 بفرمود کز شهر بیرون شوید^{۱۹}
 سر ماه باید که از کره‌نای^{۲۰} ۱۶۰
 همه سر سویی جنگ^{۲۱} توران نهید^{۲۲}
 نهادند سر پیش او بر زمین
 که ما^{۲۵} بندگانیم و شاهی تراست
 فسیله که بودش به جایی یله^{۲۸}
 بفرمود کان^{۳۰} کو کمندافکن ست ۱۶۵
 به سوی فسیله^{۳۳} کمند افکنید^{۳۴}
 ردان و^{۱۴} بزرگان با آفرین^{۱۵}
 ز بس نامداران با برز^{۱۷} و فر
 همه نامشان تا کی آید به کار
 ز پهلُو سویی دشت هامون شوید^{۱۹}
 خروش آید و زخم هندی درای
 همه شادمانی و سور آن^{۲۳} نهید
 همه یک به یک خواندند آفرین^{۲۴}
 سر گاو^{۲۶} تا برج^{۲۷} ماهی تراست
 به لشکرگه آورد یکسر گله^{۲۹}
 به رزم^{۳۱} اندرون گرد^{۳۲} روین تن ست
 سر بادپایان به بند افکنید^{۳۴}

۱- س: سی و سدبگر ۲- ف: که شیدوش بُد شاهشان؛ ق (نیزلی، ل، آ، ب): که زوین بُدی سازشان؛ لن: که روشن بُدی شاهشان؛ و: که روین بُدی پیششان)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیزپ، لن، ب) ۳- ل: پیشرو ۴- س: نگهدار ۵- ل: گردان بدو ماه نو؛ در ق بیت های ۱۵۲-۱۵۴ درهم ریخته اند: ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ - س: بیت های ۱۵۲-۱۵۴ را ندارد ۶- ف (نیزل): گزین بود از این شهره (ل: شهر) هفتاد؛ ل: ز خویشان شیروی هفتاد؛ ق: گزیدند از آن شهر هشتاد؛ ل: گزین بود ازین شهر هفتاد؛ (لن، پ، لن): گزین کرد ابرشهر هشتاد؛ ق: گزین آور و شهره هشتاد؛ ل، آ: گزین آور شهر هفتاد؛ متن = س (← بیت ۳۱۴: داستان فرود سیاوخش، بیت ۱۳۴) ۷- ل، س، ق، ل: گردان روز؛ متن = ف (نیزق، ل، آ، ب) ۸- ل: گزین گوان شهره؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز هشت دستنویس دیگر؛ ق: بدیشان) ۹- ل: گه رزم؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، س، ل، آ، س: نگهبان؛ متن = ف، ق ۱۱- ل، س: سپرد؛ ق: بایشان سپرد؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۲- ل: وز؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۳- ل، ق، ل، آ، س (نیزلی، و، آ، ب): پهلوانان جزین؛ س: پهلوان زمین؛ متن = ف (نیزلن، ق، آ، پ، لن) ۱۴- س: گزین؛ ق: ز گردان؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۵- ق: ایران زمین ۱۶- س: بدان ۱۷- س: با زبیب؛ ل، آ، س: با زور؛ متن = ف، ل، ق ۱۸- ل، س، ق: نوشتند؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۹- ل: س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): شوند؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۰- ف، ل، س: کرتای ۲۱- ل: رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۲- ق: نهند؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (در ل حرف سوم نقطه ندارد) ۲۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، آ، ب): سوران؛ متن = ف، س (نیزپ، و؛ ضبط ف را می توان سود آن هم خواند) ۲۴- س (نیزلن، ل، پ، لن، آ) بجای این بیت افزوده اند:

بگفتند کای شاه با زبیب و فر
 فروزنده شد از توتاج و کمر

۲۵- س: همه ۲۶- ل، ل، آ، س (نیزل): در گاو؛ س: در گنج؛ متن = ف، ق (نیزلی، آ) ۲۷- ق، ل، آ، س (نیزل): تا پشت؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، آ) ۲۸- ل، ق، ل، آ، س (نیزلی، ل، آ، ب): به جایی که بودند ز (ق، س): [ز] اسپان یله (ق: گله)؛ متن = ف (نیزق) ۲۹- ق: یله؛ س: این بیت را ندارد ۳۰- ل: هر ۳۱- س: جنگ ۳۲- ل، س: گردو؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۳۳- ل، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): به پیش فسیله؛ ق: بدان تا سواران؛ ل، آ، س: برین دیو اسپان؛ (ل: ابریاک اسپان)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۳۴- ل، ق، س: افکنند (در س حرف پنجم نقطه ندارد)؛ س: افکنند؛ متن = ف، ل

داستان غرض کردن کیخسرو

در گنج دینار بگشاد و گفت
 که هنگام کینه بر شهریار^۳
 به مردان همی^۴ گنج و تخت آوریم
 چرا بُرد باید همی^۵ روزگار
 ۱۷۰ سواران ایران در^۶ آن انجمن
 بیاورد صد جامه دیبای روم
 همان خز و منسوج هم زین شمار^۹
 نهادند پیش سرافرازشاه
 ۱۷۵ که اینت بهای سر بی بها
 کجا پهلوان^{۱۴} خواند^{۱۵} آفراسیاب
 سر و تیغ و اسپش^{۱۸} بیارد چو گرد
 سبک بیژن گیو بر پای جَست
 همه جامه برداشت و آن جام زر
 بسی آفرین کرد بر شهریار^{۲۰}
 ۱۸۰ و زانجا بیامد به جای نشست

که گنج بزرگان^۱ نباید^۲ نهفت
 شود گنج دینار بر چشم خوار
 به خورشید بار درخت آوریم
 که گنج از پی مردم آید به کار
 بزرگان نشسته^۷ همه تن به تن
 همه پیکرش^۸ گوهر و زر بوم
 یکی جام^{۱۰} پُر گوهر شاهوار^{۱۱}
 چنین گفت شاه جهان با سپاه
 بلاشان^{۱۲} دُرْخیم^{۱۳} نراژدها
 به بیداری^{۱۶} او شود سیرخواب^{۱۷}
 به لشکرگه ما به روز نبرد
 میان کشتن آژدها را بیست
 به جام اندرون نیز چندی^{۱۹} گهر
 که بادی چنین جاودان کامگار^{۲۱}
 گرفته چنان^{۲۲} جام گوهر به دست

به گنجور فرمود^{۲۳} پس شهریار
 همان خز و دیبای و صد^{۲۶} پرنیان
 چنین گفت کین^{۲۷} هدیه آنرا دهم^{۲۸}

که آرد دوصد^{۲۴} جامه ی زرنگار^{۲۵}
 دو گلرخ به زنار بسته میان
 و زانپس^{۲۹} بسی نیز بر سر نهم^{۳۰}،

۱- ل: گنج از بزرگان؛ س: رنج بزرگان؛ ق: گنج نیاکان؛ متن = ف، ل، س (نیز لن - ب) ۲- ل، س: نشاید؛ متن = ف، ق، ل، س؛ آ؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- ل، س، ق (نیز و، ب): گه بخشش و کینه شهریار؛ س (نیز لن، ق، آ، پ، لن): گه بخشش و کینه و کارزار؛ ل، س؛ آ: گه کینه جستن بر شهریار؛ (ل: گه جستن کینه بر شهریار)؛ متن = ف ۴- س؛ آ: همه؛ س: به میدان همه؛ ق: به مردی همی؛ متن = ف، ل ۵- ل: غم؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ آ ۶- ل: بزرگان ایران؛ متن = ف، س؛ آ ۷- ل: نشسته به پیشش؛ متن = ف، س؛ آ؛ س، ق، ل این بیت را ندارند ۸- ل، ق: پیکراز؛ متن = ف، س، ل، س؛ آ ۹- ل: هم از خز و منسوج و هم پرنیان؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ آ ۱۰- س: جامه ۱۱- ل: اندر میان؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ آ ۱۲- (ق: یلاشان؛ ل: بلاشان) ۱۳- ق: بدخیم ۱۴- ل: پهلوش ۱۵- س، ق، س؛ آ: خواندش؛ متن = ف، ل، ل ۱۶- ل: به بیدادی (!) ۱۷- ل: شیر خواب ۱۸- ف: سرو اسب و تیغش؛ متن = ل - س؛ آ ۱۹- ل: چند گونه؛ س؛ آ: کرده چندی ۲۰- س: خواند بر تاجدار ۲۱- ل: پایدار؛ ل، س؛ آ: که خز بدی (س؛ آ: بزی) تا بود روزگار؛ ق: که پیروز بادا سر تاجدار؛ متن = ف، س؛ ل، س؛ آ (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند: چنان دان که آن آژدها بسی سرست (ل: آژدهای سرست)

کسه در رزم (ل: جنگ) یزدان مسرایاورست

۲۲- ق: همان؛ متن = ف، ل، ل، س؛ آ؛ س این بیت را ندارد ۲۳- س، ل؛ آ: به موبد بفرمود؛ ق: وزانپس بفرمود؛ متن = ف، ل، س؛ آ ۲۴- س، ل؛ آ: که آورد صد؛ ق: که آرد صد؛ متن = ف، ل، س؛ آ ۲۵- ل؛ آ: شاهوار ۲۶- ف: دیبای صد؛ ق: دیا و صد؛ ل: صد از خز دیا و صد؛ س، ل، س؛ آ: همه خز و دیا و صد (ل؛ آ: وهم؛ س؛ آ: واز)؛ متن تصحیح قیاسی است (← ف، ق) ۲۷- س؛ آ: این؛ ق: همی گفت این ۲۸- س؛ آ: او را ۲۹- س: از آنپس؛ متن ← ۳۰- ل: بدو نیز دیگر دهم؛ ل؛ آ: وزو بر دل خویش منت نهم؛ س؛ آ: وزین بیشتر نیز بر سر نهم؛ متن = ف، ق

۱۸۵	که تاج تزاوا آورد پیش من که افراسیابش به سر برنهاد همان ^۴ بیژن گيو برجست بازه پرستنده و هدیه‌ها ^۷ برگرفت بسی آفرین کرد و بنشست شاد ^۹
۱۹۰	بفرمود تا با کمر ده غلام ز پوشیده‌رویان ده آراسته چنین گفت بیدارشاه رمه کسی را که چون سر بیچد تزاو پرستنده‌یی دارد او ^{۱۶} روز جنگ به رخ چون بهار و به بالا چو ^{۱۸} سرو یکی ماه‌روی‌ست ^{۲۰} نام اسپنوی ^{۲۱} نباید زدن چون بیابدش ^{۲۲} تیغ به خم کمند از گرفته کمر بزد دست بیژن بر آن ^{۲۴} هم به بر به شاه جهان بر ستایش گرفت ازو ^{۲۵} شاد شد شهریار بزرگ
	وگر ^۲ پیش این نامدارانجمن ورا خواند بیدار و فرخ‌نژاد ^۳ کجا بود در جنگ چنگش دراز ^۶ ازو مانده بُد ^۸ انجمن در شگفت که گیتی به کیخسرو آباد باد ^{۱۰} ! ده اسپ گزیده ^{۱۱} به زرین‌لگام ^{۱۲} بیاورد موبد چُنین ^{۱۳} خواسته که اسپان و این ^{۱۴} خوب‌رویان همه، — سزد گر ندارد دل شیر گاو ^{۱۵} —، کز آواز او رام گردد پلنگ ^{۱۷} میانش ^{۱۹} چو غرو و به رفتن تذور سمن‌پیکر و دلبر و مُشک‌بوی که از تیغ باشد چنان رخ دریغ بر آنسان که آرد کسی را ^{۲۳} به بر بسیامد بر شاه پیروزگر جهان‌آفرین را نیایش گرفت چُنین گفت کای نامدار سترگ،

۱- ل: تجاو ۲- ق: همان ۳- س: بیدار فرخ‌نژاد؛ ق: داماد فرخ‌نژاد؛ س: همان تاج کورا سیاوش داد؛ متن = ف، ل، ل
۴- س: دگر ۵- ل: زود؛ ق: بر پای جست؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۶- ل: برسان دود؛ ق: به برزد بر آن کار
هشیار دست؛ متن = ف، س، ل، آ، س؛ س: (نیزی، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

جوان بود و جویای نام مهان که نامش فسانه کند (شود) در جهان

۷- ل: جامها؛ س: و آن هدیا؛ ل: بزد دست و آن هدیا؛ متن = ف، س، ق ۸- ل، ق: آن؛ ل: مانند؛ متن = ف، س، س
۹- ق: کرد بر شهریار ۱۰- ق: که جاوید بادی و به روزگار ۱۱- ق، س: سپهید؛ س: همان تازی اسپان؛ متن =
ف، ل، ل ۱۲- ل، س: ستام؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۳- ق: ابا؛ س: کیخسرو این؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۴-
س: که این باره و ۱۵- ف (نیز پ): تاو؛ (ل: سر شیر تاو)؛ متن = ل - س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- س:
این ۱۷- س: ننگ؛ س: پس از این بیت افزوده است:

ز دیدار او بآه (!) گبیرد روا چنو چنگ گیرد بخندد هوا

۱۸- س: به بالای ۱۹- ل: به خوبی؛ در س: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- س: ماه‌روی و
به ۲۱- ف - س (نیز ل - ب): اسپنوی؛ ف، ق، س (نیز ق، ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

سمن‌برنگاری سمن‌بوی کام (س: نام؛ ق: سبینود نام) سواری که آرد مرورا به دام

ل، س، ل (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن) این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا به خطی دیگر در کناره افزوده‌اند ۲۲- ف (نیزی، و): بیایش؛
س: بیاید به؛ ل (نیز ل): بیاید به؛ (ل، ن، ب: بیایدش)؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، ق، پ، آ)؛ ف (نیزی، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

نسباید که بادی برو بر بزد (ل، آ: بروزد) که پزمرده گردد فرو پزمرد (ل، آ: نه ما را سزد)

۲۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): مر او را؛ ق: بدانسان بیارد که آید؛ ل: بر آن بتازد که آرد؛ س: بر آنسانش آرد که دارد؛ (و: بیارد بر آنسان که
آید؛ ب: بر آنسان بیارد که دایه)؛ متن = ف؛ ل این بیت و بیت سپین را ندارد، ولی آنها را به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده‌اند ۲۴-
ق، س: بدان؛ ل: دیدم (!)؛ متن = ف، س ۲۵- ل: بدو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س

همان جان پاک^۱ تو بی تن مباد!

که ده جام زرین بیار از نِهفت
 ده از نقره‌ی خام تا سر گهر^۵
 ز پیروزه دیگر یکی^۶ لاژورد^۷
 به مُشک و گلاب اندر آمیخته^۸
 ده^۹ اسپ گرانمایه زرین لگام^{۱۰}
 بود در تنش^{۱۱} روز جنگ تراو
 به پیش دلاور^{۱۲} سپاه آورد
 میان جنگ آن پهلوان^{۱۳} را بیست
 ببردند پیش وی آراسته
 که بی تو مبادا کلاه و نگین!
 که ده جام^{۱۴} زرین بنه پیش گاه
 پری روی ده با کلاه و کمر^{۱۵}
 یکی خسروی افسر و ده کمر^{۱۶}
 ندارد دریغ از بی نام^{۱۷} و گنج
 دهد بر روان سیاوش درود

چو تو پهلوان یار دشمن مباد!

جهاندار^۱ از آن پس^۲ به گنجور گفت
 شمامه نهاده بر آن^۳ جام زر
 پُر از مُشک جامی ز یاقوت زرد
 عقیق و زبرجد^۴ برو^۵ ریخته
 پرستنده‌یی^۶ با کمر ده غلام
 چُنین گفت کین هدیه آنرا که تاو
 سرش را بدین^۷ زیرگاه^۸ آورد
 به بر زد بر آن^۹ گیو گودرز دست
 گرانمایه خوبان^{۱۰} و آن^{۱۱} خواسته
 همی خواند بر شهریار آفرین
 وُزانیس^{۱۲} به گنجور فرمود شاه
 برو ریز^{۱۳} دینار و مُشک^{۱۴} و گهر
 دو صد خز و دیبای پیکر به زر^{۱۵}
 چُنین گفت کین^{۱۶} هدیه آن را که رنج
 از ایدر شود^{۱۷} تا سر^{۱۸} کاس رود^{۱۹}

۱- ل - س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، پ، و، لن، آ): درخشنده جان؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ل^۳) ۲- س: سپهدار ۳- ل: زان ۴- ل: در آن؛ ق: ابر جام؛ س: نهادند بر؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۵- ل: با شش کمر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۶- س: جامی دگر؛ ل: هم دیگری؛ س: جامی دو از؛ متن = ف، ل، ق ۷- ف، س، ل، آ، س: لاژورد؛ متن = ل، ق ۸- ل، س، ل، آ، س: زمرد؛ متن = ف، ق ۹- ق: درو؛ س: فرو؛ متن = ف، ل، س، ل، آ ۱۰- ف (نیز لن^۲): اندر آویخته (!)؛ متن = ل - س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- س، ق: پرستنده و؛ س: پرستندگان؛ متن = ف، ل، ل، آ ۱۲- ق: دو ۱۳- ل، ل، آ، س: ستام؛ متن = ف، س، ق ۱۴- ف (نیز ل^۳): پیش رو (؟)؛ ل: پیش در؛ (ق): در دلش؛ لن: در پیش؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ی، پ، و، آ، ب) ۱۵- س، س، س: بدان؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ ۱۶- ل (نیز و، ب): بارگاه؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، ل، آ، پ، لن، آ): رزمگاه؛ متن = ف ۱۷- س: دلاور به پیش؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ ۱۸- ل: بدین؛ س، ل، آ: برین؛ ق، س: بدان؛ متن = ف ۱۹- ل: رزم آن پهلوان؛ ق: کشتن ازدها؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۲۰- س: اسبان ۲۱- ل: این؛ س: بجای این بیت و بیت سپین افزوده است:

گهر گرچه بودش ز گودرز گرد که نادمندان را به دشمن سپرد

۲۲- ل: از آنپس ۲۳- ل، آ، س: خوان؛ س: در اینجا سرنویس دارد: هدیه دادن شاه کیخسرو ایرانیان را ۲۴- س: برآمیز؛ ق: درو ریز؛ متن = ف، ل، ل، آ ۲۵- ق، ل، آ: در؛ س: برو ریخته مشک و زر ۲۶- ل: یکی افسر خسروی با کمر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۷- ف: پیکر پرند؛ ق: خز دیبای پیکر به زر؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۸- ف: کمند؛ س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، پ، و، لن، آ): یکی افسر خسروی ده (ق، و: با) کمر؛ ل: یکی یاره و افسر و ده کمر؛ متن = (ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ در س^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۹- ق: این ۳۰- ق، ل، آ، س: تاج؛ متن = ف، ل، س ۳۱- س، ق: رود؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۳۲- ل، ق: در؛ س: سوی؛ متن = ف، س، ل، آ ۳۳- ل - س^۲ (نیز لن - ب): کاسه رود؛ متن = ف

۲۲۰ ز هیزم یکی کوه بیند بلند
چُنان خواست کان را کسی^۲ نسپرد
دلیری از ایران بیاید شدن
بدان تا گر آنجا بود رزمگاه
همان گیو گفت: این^۵ شکار منست
اگر لشکر آید نترسم ز رزم
همه^۷ خواسته گیو را داد شاه
ابی^۹ تیغ تو تاج روشن مباد!

۲۲۵ بفرمود صد دیبه از^{۱۱} رنگ رنگ
هم از گنج صد در^{۱۲} خوشاب جُست^{۱۳}
ز پرده پرستار پنج^{۱۵} آورید
چُنین گفت کین هدیه آنرا سزاست
دلیرست و بینادل و چرب گوی^{۱۸}
پیامی^{۲۱} برد نزد افراسیاب
ز گفتار او پاسخ آرد به من
بیازید گرگین میلاد دست
پرستار و آن جامه‌ی زرنگار
ابر شهریار آفرین کرد و گفت

۱- س، ل، آ، س: ۲؛ ده؛ متن = ف، ل، ق؛ ق، ل، آ، س: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:
که افراسیاب آن بداندیش مرد برآن کوه از بهر آن کسار کرد
۲- ل، س، ل، آ، س: ۲؛ ره کسی؛ ق (نیز لن - آ، ب): راه کسی؛ متن = ف ۳- ل - س: ۲ (نیز لی، ل، آ، وه، آ، ب): از (ق، س: ۲؛ ز) ایران
به توران؛ متن = ف (نیز لن، ق، آ، پ، لن: ۲) ۴- ل - س: ۲ (نیز لن - ب): کاسه رود؛ متن = ف ۵- ف: گفت کان (!)؛ س،
ل: ۲؛ گفت آن؛ ق: گفتا؛ متن = ل، س: ۲ ۶- ق: چون گرام که بزم؛ ل پس از این بیت افزوده است:
ره لشکر از برف آسان کم دل ترک را زان هراسان کم
۷- ل، آ، س: ۲؛ همان ۸- ق: پهلوان ۹- ل، س، ل، آ، س: ۲؛ که بی؛ متن = ف، ق ۱۰- س: بی‌تسو؛ ل: ۲؛ چنین
بارزوی ۱۱- ل، س: دیبه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲ ۱۲- ل، س: دانه؛ س: ۲؛ زره؛ متن ← ۱۳- ق: صد در خوشاب
(وزن ندارد)؛ متن = ف، ل، آ ۱۴- س، ل، آ، س: ۲؛ گویی درست؛ ق: گویی در آب؛ متن = ف، ل ۱۵- س: پیش ۱۶-
ف: سرو جعد از؛ س: سرو جعدو؛ ل، آ، س: ۲؛ سروموی از؛ متن = ل، ق ۱۷- ل، ق، ل، آ، س: ۲؛ جان پاکش؛ متن = ف، س ۱۸-
ف: خوب گوی؛ س، س: ۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): جنگجوی؛ ق: خوب گو؛ (ل: راه جوی)؛ متن = ل (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۹- ق:
نگرداند ۲۰- ق: رو؛ س: ۲؛ از شیروز پیل روی؛ ل: ۲؛ این بیت را ندارد ۲۱- ل، آ، س: ۲؛ پیامه ۲۲- ل، س، ق، س: ۲؛ به
دیده در؛ ل: ۲؛ بدید اندر؛ متن = ف؛ به دیده اندر (صحاک، بیت ۴۰) ۲۳- ل (نیز لن، ل، آ، ب): که دانید ازین (ل: زین)؛ س
(نیز لی، لن: ۲): که دانند ازین (س: این)؛ ق: که راند ازین؛ ل، آ، س: ۲؛ که باشد ازین؛ (و: که دارید ازین)؛ متن = ف (نیز ق: ۲) ۲۴-
ق: بی‌شمار ۲۵- س، ل، آ، س: ۲؛ بران؛ متن = ف، ل، ق ۲۶- س، ل، آ، س: ۲؛ و آن؛ متن = ف، ل، ق

چو روی زمین گشت چون پر زاغ
سپهبد بیامد به ایوان خویش
می آورد^۲ و رامشگران را بخواند
چو از روز شد کوه^۴ چون سندروس^۵
۲۴۰ همتن بیامد بنزدیک^۶ شاه
زواره، فرامرز با او^۱ بهم
چنین گفت رستم به شاه زمین
به زاولستان^{۱۲} در^{۱۳} یکی شهر بود
منوچهر کرد آن ز ترکان تهی
چو کاوس شد بی دل و پیرسر^{۱۶} ۲۴۵
همی^{۱۸} باژ و ساوش به توران برند
فراوان بدان مرز^{۱۹} پیلست^{۲۰} و گنج
ز بس غارت و کشتن^{۲۱} و تاختن
کنون شهریاری به^{۲۳} ایران تراست
یکی لشکری باید اکنون بزرگ ۲۵۰
اگر باژ نزدیک شاه آورند
چون آن مرز یکسر به دست^{۲۵} آوریم
به رستم چنین پاسخ آورد شاه
بین تا سپه چند باید بکار
زمینی که پیوسته ی مرز^{۲۸} تُست ۲۵۵
فرامرز را ده سپاهی گران

ازا افراز کوه اندرآمد چراغ،
برفتند گردان سوی خان خویش
همه شب همی زر^۳ و گوهر فشاند
به ابر اندرآمد خروش خروس،
ازا^۷ ایران^۸ سخن رفت و از^۹ تاج و گاه
همی رفت هر گونه از^{۱۱} بیش و کم
که ای نامبردار با آفرین،
کزان^{۱۴} بوم و بر تور^{۱۵} را بهر بود
یکی خوب جایست با فرهی
بیفتاد ازو فر و نام و گهر^{۱۷}،
سوی شاه ایران همی ننگرد
تن بی گناهان ازیشان به رنج
سر از باد توران^{۲۲} برافراختن
پی مور با چنگ شیران^{۲۴} تراست
فرستاد با پهلوانی سترگ
وگر سر بدین بارگاه آورند
به توران زمین بر شکست^{۲۶} آوریم
که جاوید بادی که اینست راه
تو بگزین ازین لشکر^{۲۷} نامدار
بهای زمین^{۲۸} درخور ارز تُست
چنان چون بیاید ز جنگاوران^{۲۹}

۱- ل، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، س ۲- ف، ل: می و رود؛ متن = س، ق، ل، آ، س (← بیت ۲۶۰) ۳- س، ل، آ، س: در؛ متن = ف، ل، ق ۴- ل: کوه شد روز؛ ق، ل: دور شد کوه؛ متن = ف، س، س ۵- ل: آبنوس ۶- ل، س، آ: به درگاه؛ متن = ف، س، ق، ل ۷- ل، س: ز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۸- ل: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۹- ف، ل، ق، س: آ؛ وز؛ متن = س، ل: آ؛ ق در اینجا سرنویس دارد: رفتن فرامرز به باژ کشور شدن و لشکر آراستن شاه جهت رزم توران ۱۰- ق: وی ۱۱- ل: هرگونه ۱۲- س، ق: زابلستان؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۳- س: بر ۱۴- س: کزین ۱۵- ق: ترک ۱۶- ف: بی پسر؛ (لن: تیزسر)؛ متن = ل - س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- س: (نیز لی): هنر؛ ل (نیز و، ل): نام شاهی و فر؛ س: نام و فر و گهر؛ ق، ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): نام و فر و هنر؛ متن = ف (نیز ق) ۱۸- ق: همه؛ ل: آ؛ کنون ۱۹- ل: شهر؛ س: بران بوم ۲۰- س: بیاج است ۲۱- ل، ق، ل، آ، س: کشتن و غارت؛ متن = ف، س ۲۲- ل: باژ ترکان؛ س: باژ توران؛ ق: ناز ترکان؛ ل: یاد توران؛ متن = ف، س، آ؛ س: پس از این بیت افزوده است: بسی روم از ههند و هم زمین نشان گرفتند آیین ازین سرکشان

۲۳- س: [به] ۲۴- ل (نیز ل، و، ب): تن پیل و چنگال شیران؛ س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): بی (لی، آ: دل) نامور چنگ شیران؛ ق، ل، آ، س: همین مرز تا مرز (ل: شهر) توران؛ (ق: تن مور با چنگ شیران)؛ متن = ف ۲۵- ق: بچنگ ۲۶- ل: نشست؛ ق: به ترکان جهان تار و تنگ ۲۷- ل: تو خود برگزین لشکری ۲۸- ف: بانی چنین؛ ق: بهای چنین؛ (ق: بهار زمین)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۲۹- س: کنداوران

<p>به کام نهنگان رسد شست اوی^۱ بسی آفرین خواند بر شهریار که خوان از^۲ خورشگر^۳ کند خواستار^۴ از^۵ آواز^۶ بلبل همی خیره ماند سراینده آمد ز گفتن ستوه، رده برکشیدند بر^۷ بارگاه برآمد خروشیدن گاو^۸ دم^۹ به بار آمد آن خسروانی درخت^{۱۰} نهاده به سربر ز گوهر^{۱۱} کلاه به در و به^{۱۲} یاقوت کرده نگار یکی طوق^{۱۳} پُر گوهر شاهوار زمین شد بکردار دریای نیل^{۱۴} سیه شد زمین، آسمان لاژورد^{۱۵} و^{۱۶} گرا^{۱۷} گشت خَم سپهر اندر آب</p>	<p>گشاده شود کار بر دست اوی^۱ رخ پهلوان گشت از آن^۲ آبدار بفرمود از آنپس^۳ به سالار بار می آورد و رامشگران را بخواند چو خورشید تابان^۴ برآمد ز کوه تیسره برآمد ز درگاه شاه ببستند بر پیل رویینه^۵ خُم نهادند بر کوهه‌ی پیل تخت بیامد نشست از بر پیل شاه^۶ فروهشته از تاج دو گوشوار به چنگ اندرون گرزهی گاوسار بزد مهره بر کوهه‌ی زنده پیل ز تیغ و ز گرز و ز کوس و ز گرد^۷ تو گفتی به دام^۸ اندر دست آفتاب ۲۶۰ ۲۶۵ ۲۷۰</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

- ۱- ل، س، ق، ل؛ او؛ متن = ف، س^۲ ۲- ل: زان ۳- ل (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب): بفرمود خسرو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ) ۴- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ): و؛ متن = ل (نیز ق، ل، و، آ) ۵- ل: خورشها ۶- ف: که مر بزم را زود کن خواستار ۷- ل، س، ل، آ، س^۲: وز؛ متن = ف، ق ۸- ل: آوای؛ ل پس از این بیت افزوده است:
- سران با فرامرزو و با پیل تن
غریونده نای و خروشنده چنگ
همه تاز روی و همه شاددل
ز هرگونه گفتارها رانندند
۵ که هرکس که در شاهی اوداد داد
همان شاه بیدادگر در جهان
به گیتی بماند از و نام بد
کسی را که پیشه بجز داد نیست
- ۹- س: رخشان؛ بنداری (۱۵۹-۲۶۱): فلما فعلوا ذلك فتح أبواب الخزان فأعطاهم العطايا الوافرة، و خلع عليهم الخلع الرائعة، وأمرهم بأن يستعدوا للخروج إلى العدو ۱۰- ل: آ: در ۱۱- درس بیت های ۲۶۳-۲۶۵ پس از بیت ۲۷۳ آمده اند ۱۲- ل: این بیت را ندارد ۱۳- ق: تخت شاه؛ س: نشست از بر پیل بر تخت شاه؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۱۴- س: آهن؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری (۲۶۲-۲۶۵): ثم بعد ذلك ارتفعت أصوات الكومسات من الميدان صبيحة يوم من تلك الأيام فجاءوا بفيل على ظهره تحت منسوب من الفيروزج. فعلاه الملك كیخسرو معتصبا بتاج من الذهب المرصع بالياقوت ۱۵- س: آ: به دینارو؛ در ل، آ، س^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ل بجای بیت های ۲۶۶ و ۲۶۷ آمده است:
- یکی طوق پرگوهر شاهوار (= ۲۶۷ ب) فروهشته از تاج با گوشوار (= ۲۶۶ آ)
- ۱۶- ق: تاج؛ در ق ل های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- س^۲ پس از این بیت افزوده است:
- یکی تاج بر سر ز یاقوت وزر
به چنگ اندرون گرزهی گاوسر
- ۱۸- ل: آ: و کمر؛ ق: ز کوس و ز تیغ و ز گرز و ز گرد؛ س: ز تیغ و ز کوس و ز گرز و ز گرد؛ متن = ف، ل ۱۹- ف، ق، س: آ: لاژورد؛ متن = ل: ل: زمین شد سیه آسمان پر غبر؛ در س این بیت چنین آمده است:
- ز تیغ و سنان و ز گرز گران
سیه شد زمین لاژورد آسمان
- ۲۰- س: چرم ۲۱- ق: یا

سپهر و ستاره جهان را ندید ^۲ سپاه اندرآمدهمی فوج فوج سپهر ^۵ از خروشیدن آسیمه گشت یکی تخت پیروزه برسان نیل ^۶ ابا زنگ زرین و زرین ستام ^۸ به کیوان رسیده خروش سپاه زدی مهره در ^۱ جام و بستن کمر نشستن مگر بر در پادشا ^{۱۱} چنین بود در ^{۱۴} پادشایی ^{۱۵} نشان	همی چشم روشن عنان ^۱ را ندید ز دریای آرمیده ^۳ برخاست موج سراپرده بردند از ^۴ ایوان به دشت همی رفت شاه از بر زنده پیل همی زد ^۷ میان سپه پیل گام یکی مهره در جام بر دست شاه چو بر پشت پیل آن شه نامور ^۹ نبودى به هر پادشاهی روا از آن نامور ^{۱۲} خسرو ^{۱۳} سرکشان	۲۷۵
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----

گفتار اندر برگذشتن لشکر ایران بنزدیک کیخسرو^{۱۶}

بدان تا سپه پیش او ^{۱۸} برگذشت گذر کرد پیش جهاندار نو پس پشت خورشید پیکر درفش به فتراک بر حلقه کرده کمند سپاهش ^{۲۲} همه غرقه در سیم و زر که بیشی ترا باد و فر مهان همه روزگار تو پیروز باد ^{۲۳}	همی بود با پیل بر ^{۱۷} پهن دشت نخستین فریبرز بُد پیشرو ابا ^{۱۹} تاج و با گرز ^{۲۰} و زرینه کفش یکی باره‌یی برنشسته سمند همی رفت با باد و با برز ^{۲۱} و فر برو آفرین کرد شاه جهان به هر کار بخت تو پیروز باد	۲۸۰ ۲۸۵
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------

۱- س، ق، ل، آ، س: جهان؛ متن = ف، ل ۲- س: سپهر از خروشیدن اندر کشید ۳- ف: آمده (ج-آمده)؛ ل: ساکن چو؛ (ق):
 ارمنده؛ س، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): ز دریا تو گفتمی که؛ متن = (و)؛ بنداری بیت‌های ۲۶۶-۲۷۲ را ندارد ۴- ل، س:
 ز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س؛ درس پس از این بیت، بیت‌های ۲۶۳-۲۶۵ آمده‌اند ۵- ل: سپاه ۶- ق، س: زمین شد بگردار دریای
 نیل؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت سه بیت، ق، ل تنها بیت‌های یکم و سوم و س تنها
 بیت سوم را افزوده‌اند (درس ۲ بیت یکم پس از بیت ۲۶۸ آمده است):

یکی تاج بر سر زیاقوت وزر (ق: یاقوت زرد) به چنگ اندرون گرز گاو سر (ق: زیروزه کرده بر ولا ژورد)
 یکی طوق پر گوهر شاهوار (= ۲۶۷ ب) فروهشته از تاج وز گشوار (= ۲۶۶ آ)

به بازو دویاره ز زرو گهر (س: زیاقوت زرد؛ ل: زیاقوت پرنهاده برز) ز در خوشاب وزیر جد (ل: زمرد؛ س: زخوشاب زرو گهر) کمر
 ۷- ق: در؛ متن = ف، ل، آ، س ۸- ل: لگام؛ س: بیتهای ۲۷۵ و ۲۷۶ را ندارد ۹- س، ق: تاجور؛ متن = ف، ل، آ،
 س ۱۰- ل: بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۱- در ل پس از این بیت، بیت ۲۸۲ آمده است ۱۲- س: بدان
 تاجور ۱۳- ل: شاه ۱۴- س: آمد از ۱۵- ل: س: پادشاهی؛ متن = ف ۱۶- ف: گفتار اندر رفتن شاه کیخسرو به
 صحرا و برگذشتن لشکر ایرانیان برو و نشان دادن علمها و سلیح هریک؛ متن = س ۱۷- ل، ق: در؛ ل: بر پیل در؛ متن = ف، س،
 س ۱۸- ف: سر بر سر (ل: نزد وی)؛ متن = ل- س: (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ب)؛ بنداری (۲۷۳-۲۸۰): و خرج الی الصحراء و فی یده جام
 فیه خرزه متی حرکتها الملك ركب العسكر أجمعون حتی لا یبقی منهم علی وجه الأرض أحد. فوقف وأمر بالعرض ۱۹- س: که با ۲۰- ل:
 گرز و با تاج ۲۱- ف: شادان ابا برز؛ س: با باز و با برز؛ ق (نیز ل، پ، ل، آ): با یال و با برز؛ ل: تابان با برز؛ س: (نیز ل، آ، ب): با تاز و
 با برز (س: زور)؛ (ق): با یار و با برز؛ ل، آ: با باز و با یوز؛ متن = ل (نیز و) ۲۲- س، ق، ل، آ، س: سپاهی؛ متن = ف، ل ۲۳- ل
 ۲۸۶ ب و ۲۸۷ آ را انداخته و از ۲۸۶ آ و ۲۸۷ ب یک بیت ساخته است

<p>به بازآمدن باز^۲ پیروز و شاد که گیتی^۴ به رای وی آباد بود^۵ که جنگش به گرز و به شمشیر بود سوی راستش چون سرفراز^۷ گویو زمین گشته از شیرپیکر بنفش^۹ عنان دار با نیزه‌های دراز پس پشت گویو اندرون با سپاه برافراخته^{۱۴} نیزه را سر به ابر^{۱۵} ازیشان بُد جای بر پهن دشت همه با دل و تیغ و زرینه کفش^{۱۷} سر^{۱۸} سروبان زیر شمشیر اوست بسی آفرین کرد بر تاج^{۲۰} و گاه چه بر گویو و بر لشکرش همچین^{۲۲} که فرزند بیدارگژدهم بود^{۲۴} کمان یار او بود و تیر خدنگ همه^{۲۹} در دل^{۳۰} سنگ و سندان بُدی^{۲۸} پُر از گرز و شمشیر و پُر خواسته به ابر اندرآورده تابان^{۳۳} سرش</p>	<p>به رفتن جز از^۱ تن درستی مباد پس شاه^۳، گودرز گشواد بود درفش از پس پشت او شیر بود به چپ بر همی رفت^۶ رُهام نیو پس پشت شیدوش بُد^۸ با درفش هزار از^{۱۰} پس پشت او^{۱۱} سرفراز یکی گرگ پیکر درفشی^{۱۲} سیاه درفش جهان جوی^{۱۳} رُهام ببر نبیره پسر داشت هفتاد و هشت پس^{۱۶} هر یک اندر دگرگون درفش تو گفتی که گیتی همه زیر اوست چُن^{۱۹} آمد به نزدیکی تخت شاه به گودرز بر^{۲۱} شاه کرد آفرین پس پشت گودرز گُسته^{۲۳} بود همه^{۲۵} نیزه بودی به جنگش^{۲۶} به چنگ ز بازوش پیکان برندان^{۲۷} بُدی^{۲۸} (!) ابا لشکری^{۳۱} گُشن و^{۳۲} آراسته یکی ماه پیکر درفش از برش</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: ۲؛ بجز ۲- ل، س: باد؛ ل: خیره؛ متن = ف، ق، س؛ ۲؛ بنداری: فکان اول من عبر فری برزین کیکاوس. و هو مقدم علی مائة اصبهد و عشرة، من اقارب ابيه. فعرضوا علی الملک فی اتم آله و اکمل عدته (= ۲۸۱، ۱۳۹، ۱۴۰) ۳- س، ل: ۲؛ س: ۲؛ پیش باز؛ متن = ف، ل، ق ۴- ل: ۲؛ لشکر؛ متن ← ۵- ل، ق: که با جوشن و گرز پیولاد بود؛ متن = ف، س، س؛ ۲ ۶- ل: ۱؛ بود ۷- ق: نامبردار ۸- ل: یل؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س؛ ۲ ۹- ف: پیل پیکر بنفش؛ س: جهان گشته از شیر پیکر درفش؛ ق: زمین پرز گرز و ز تیغ بنفش؛ (ق: ۲؛ زمین گشته بود از درفش بنفش)؛ متن = ل، ل، س؛ ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ق، ل: هزاران ۱۱- ل: آن؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- س، ق، س؛ ۲؛ درفش؛ متن = ف، ل، ل؛ ۲ ۱۳- ق: جهاندار ۱۴- س، ل: ۲؛ برافراشته؛ متن ← ۱۵- ل: که برافراخته بود سر تا به ابر؛ س: ۲؛ برافراشته نیز مانند ابر (!)؛ متن = ف، ق؛ ل (نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

پس بیژن اندر درفشی دگر
پرسستارفش بر سرش تاج زر

۱۶- ل: ۲؛ بسر ۱۷- ل، س: ۲؛ جهان گشته بُد سرخ و زرد و بنفش؛ متن = ف، س، ق؛ ل؛ ۲ (نیز ق؛ ۲) ب) ۱۸- س: ۲؛ سرو ۱۹- ل- س: ۲؛ چو؛ متن = ف ۲۰- ق: یکی آفرین کرد بر تخت ۲۱- س: پس ۲۲- ل: ۲؛ ازوشاد شد شاه ایران زمین (= ۳۰۵ ب)؛ بنداری: ثم تلاه جودزین کشواد، و هو مقدم علی ثمانیه و سبعین اصبهدا من اولاده و احفاده. علی میمنته ولده رُهام، و علی میسرته جیو، و علی رأس کل واحد منهم لواء یحقیق، و یتبعه عسکر عظیم ۲۳- ف، ل: ۲؛ بُد گسته؛ متن = ل، س، ق؛ س؛ ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۴- ف، ل: ۲؛ چه (ل: ۲؛ که) فرزند بیدار دل گژدهم (ل: ۲؛ بد گژدهم)؛ متن = ل، س، ق؛ س؛ ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۵- ل: یکی؛ ق: کجا؛ متن = ف، س، ل؛ س؛ ۲ ۲۶- ق: همیشه ۲۷- ل، س: ۲؛ بزندان (در ل حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ق؛ ۲، ل، آ): چویران؛ پ: بندگان؛ و: نزدان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، س، ل؛ ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب) ۲۸- ق (نیز ق؛ ۲، ل، آ): شدی ۲۹- ل: همی ۳۰- س: ۲؛ دلش؛ ل: ۲؛ و گرچه دل ۳۱- س، ق: لشکر ۳۲- ف، ق، ل: [و] ۳۳- ق: زرین

<p>ازو شاد شد^۱ شاه ایران زمین که با رای^۲ دل بود و با مغز و توش^۳ به راهی که جستیش بودی به پای^۴ سگالیده جنگ^۵ و برآورده خوچ^۶ برهنه یک انگشت ایشان ندید همی از درفشش ببارید^۷ جنگ بدان^۸ شادمان گردش روزگار بدید آن^۹ سپه را رده^{۱۰} بر دو میل بر آن^{۱۱} بخت بیدار و فرخ زمین^{۱۲} کزو^{۱۳} لشکر خسرو^{۱۴} آباد بود به هر کار بودی به هر جای یار^{۱۵} بدان سایه‌ی آهو اندر سرش^{۱۶} زره سغدی و زین ترکی نشست^{۱۷}</p>	<p>همی خواند بر شهریار آفرین پس گُستهم آشکش^۱ تیزهوش^۲ یکی گرزدار از نژاد همای^۳ سپاهی^۴ ز گردان کوچ و بلوچ^۵ که کس در جهان پشت ایشان ندید ۳۱۰ درفشی برآورده^۶ پیکر پلنگ بسی آفرین خواند^۷ بر شهریار نگه کرد کیخسرو از پشت پیل پسند آمدش سخت و کرد آفرین گزین ابرشهر^۸ فرهاد بود ۳۱۵ سپه را بگردار^۹ پروردگار^{۱۰} یکی پیکر آهودرفش از برش سپاهش^{۱۱} همه تیغ هندی به دست</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: شادمان: بنداری: ثم عرض گُستهم بن کردهم، و هو مقدم علی ثلاثة و سبعین إصبهنا من أولاد أبیه رماة الحدق، و أصحاب الدبابیس و العمد (= ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۴) ۲- ق. ل. آ. بنداری): اشکس: (لغت شهنامه، شماره ۶۳۳: اشکن): متن = ف، ل، س، س، ۲ (نیزی، ل، ب) ۳- ل. ل. ل. (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن): گوش: س: جوش: متن = ف، س، ق (نیزی، ل، آ، ب) ۴- ل: زور: متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز ل، ب) ۵- ل، ل، س، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، پ، و، ل، ن، ب): هوش (س، ل، آ، ب پساوند ندارند): آ: کوش: لغت شهنامه: تاو و توش): متن = ف، ق (نیزی) ۶- ف (ق): قیاد: س، س: کمای: (ل، ن، ل، ن، آ، کوان، ب): کیان: متن = ل، ق (نیزی، ل، آ، و، آ، ب) ۷- (و، ب، بجای): ف: بد آهن گه رزد مانند باد: ق: همی رفت برسان فرهای: (ل، ن، پ: بر آهن که خستش بودی زیان: ق: سرفراز و آهسته و پاکزاد: ل، آ: ابا قر و با دانش و نیک رای: ل، ن: بر آهن زیبکانش بودی زیان): متن = ل، س، س، ۲ (نیز ل): ل این بیت را ندارد ۸- ل، ل، ل، آ: سپاهش: متن = ف، س، ق، س، ۲ ۹- ل (نیز ل): کوچ بلوچ: س: لوج و بلوچ: (و: کوچ و بلوچ): متن = ف، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: کینه ۱۱- ل (نیز ق): حوج: س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیزی، ل، آ، ب): کوچ: (ل، ل، ب، و، لوج): متن = ف (نیز ب) ۱۲- ل: برآورد ۱۳- س: بیازید: متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، ۲ (حرف دوم در همه دستنویس‌ها بی نقطه است) ۱۴- ل: کرد ۱۵- س، ل، آ، س، ۲: بران: متن = ف، ل، ق ۱۶- س: برد آن: ل پس از این بیت افزوده است:

<p>جزین نامداران لشکر دگر ۱۷- ل: بره ۱۸- ل، ق: بدان: متن = ف، س، ل، آ، س، ۲ ۱۹- ل: نگین: متن = ف، س، ق، ل، آ، س، ۲ همه نامداران جوشن و ران همی دید شادان دل و نیک خواه</p>	<p>برآورده هریک به خورشید سر از آتیس درآمد سپاهی گران سپاهی کزیشان جهاندار شاه</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------

ق. س. ۲ پس از بیت ۳۱۳ و ل. ۲ پس از بیت ۳۱۴ افزوده اند:

پس لشکر اندر دگر (س: آ: یکی) مهتری
 درآمد ابا نامور لشکری

بنداری (۳۰۶-۳۱۳): ثم اشکس صاحب الرأی والشهامة والنجدة والبسالة فی عسکر مجر شاکي السلاح ۲۰- ف، س، ۲ (نیز ق): پس پشت او شهره: ل (نیز ل، ب، ل، ن): گزیده پس اندرش: ق: گزین همه شیر: ل: کریره پس پشت: (ل، و، آ: پس او گزین شهره: ل: بریشان نگهدار: ب: گزین آور شهره): متن = س (بیت ۱۵۳-۱۵۴: داستان فرود سیاوخش، بیت ۱۳۴) ۲۱- س، ۲: ازو ۲۲- ق: شاه ۲۳- س، ۲: نگه دارو ۲۴- س: روزشکار ۲۵- ل، ل، س، ل، آ، س، ۲: به هر جای بودی به هر کار یار (س: کارزار): متن = ف، ق ۲۶- س: بدان سایه آهو بُد اندر خورش: ل: بدان پیکر آهو بُد اندر سرش ۲۷- س، ل، آ، س، ۲: سپاهی: متن = ف، ل، ق ۲۸- ل: توران نشست: س: زره ترکی و زین سغدی بدست: ق: زره توری و زین توری نشست: س: زره سعد و برزین بودی نشست (!): متن = ف، ل

بسی آفرین خواند بر شاه نو همی رفت پرخاشجوی و ژکان ^۳ سپاهش ^۵ کمندافکن و رزمساز بسی آفرین کرد و اندرگذشت ^۷ به زین اندرون حلقه‌های ^۹ کمند بشد با دلیران و ^{۱۱} گنداوران همی راند ^{۱۲} چون کوه رفته ز جای ^{۱۳} که با نیزه و تیغ پولاد بود ^{۱۴} ، سپهبد همی داشت بر پیل جای بر آن بُرزابالا ^{۱۶} و تیغ ^{۱۷} و نگین که با فرّ و با گرز ^{۱۹} و با ارز بود همه جنگجویان و ^{۲۱} گنداوران همه سرفرازان ^{۲۴} گیتی فروز که کس را نبودی ز رستم ^{۲۷} گذر تو گفتی ز بند آمده‌ستی ^{۲۹} رها بسی ^{۳۰} آفرین کرد ^{۳۱} بر شهریار همی کرد با او بسی پند یاد سرافراز باشد ^{۳۲} به هر انجمن ز دستان سامی و از ^{۳۳} نیرمی	چو دید آن نشست و سرا ^۱ گاه نو گرازه سر تخمهی گیوگان ^۲ درفشی همی بُرد ^۴ پیکر گراز سواران جنگی و مردان ^۶ دشت ازو ^۸ شادمان شد که بودش پسند دمان از پیش ^{۱۰} زنگه‌ی شاوران درفشی پس پشت پیکر همای هر آنکس که از شهر بغداد بود همی برگزشتند زیر ^{۱۵} همای بسی زنگه بر شاه کرد آفرین پس او نبرده ^{۱۸} فرامرز بود ابا پیل و کوس ^{۲۰} و سپاهی گران ز کشمیر و از ^{۲۲} کاول ^{۲۳} و نیمروز درفشش ^{۲۵} چو آن ^{۲۶} دلاوریدر سری ^{۲۸} هفت همچون سر آژدها بیامد بسان درختی به بار دل شاه گشت از فرامرز شاد بدو گفت: پرورده‌ی پیلتن تو فرزند بیداردل رستمی	۳۲۰ ۳۲۵ ۳۳۰ ۳۳۵
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------

۱- ق: سرو؛ بنداری بیت‌های ۳۱۴-۳۱۸ را ندارد ۲- ل: کاوگان ۳- ق: پرخاشجو و دمان ۴- ل: پس پشت؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۵- ل، ق: سپاهی؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۶- س: شیران ۷- س، ق، ل، آ، س: و پس برگزشت؛ متن = ف، ل ۸- ل: از آن ۹- ق: حلقه کرده؛ بنداری (۳۱۹-۳۲۲): ثم تلاه جُرازه فی أصحابه و عساکره ۱۰- س: از پس ۱۱- ل: [و] ۱۲- س: رفت؛ متن ← ۱۳- س (نیز ق): آهن زجای؛ ل (نیز ل): سپاهی (ل: دلیر) و چو کوه رونده زجای؛ ق: سپهبد همی داشت بر پیل جای (= ۳۲۶ ب)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، پ-آ) ۱۴- ق این بیت را ندارد؛ درس پس از این بیت، بیت‌های ۳۲۹-۳۳۰ آمده‌اند ۱۵- س: همه برکشیدند فرّ؛ ق ۳۲۴ ب- ۳۲۶ آ را انداخته و از ۳۲۴ آ و ۳۲۶ ب یک بیت ساخته است؛ ل: بیت‌های ۳۲۶ و ۳۲۷ را ندارد ۱۶- ل، س: برز و بالا؛ متن = ف، س، ق ۱۷- ف: تاج؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ بنداری (۳۲۳-۳۲۷): ثم جاء من بعده زنگه بن شاوران فی عساکر بغداد. و کان کلها مرمنهم مقدم وقف فخدم، و أثنی الملك علیه و دعاه ۱۸- ل: ز پشت سپهبد؛ س، ل: ز پس ترنبرده؛ متن = ف، ق، س ۱۹- ل: برز ۲۰- ل، ق: کوس و پیل؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۱- ل: رزم‌جویان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ درس بیت‌های ۳۲۹-۳۳۰ پس از بیت ۳۲۵ آمده‌اند؛ درس بیت ۳۲۴ دوباره آمده است ۲۲- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س ۲۳- ف- س: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- س: نامداران ۲۵- ل، س: درفشی؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۶- ل: کجا چون؛ ق: چنان چون؛ ل: چنان (= چنان)؛ متن = ف، س، س ۲۷- ل، س: ز رستم نبودی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۸- ل: سرش ۲۹- س: که گفتی ز بند آمدست آن ۳۰- ل: یکی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۳۱- ل، ق: خواند؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۳۲- س: باشی ۳۳- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س

کنون سربسر هندوستان^۱ تراست
 هر آنکس که^۳ با تو نجویند جنگ
 به هر جایگه یار درویش باش
 بین نیک تا دوستدار تو کیست
 ۳۴۰
 به بخشش^۶ بیارای و فردا مگوی
 ترا دادم این پادشایی^۹ بدار^{۱۰}
 مشو در جوانی خریدار گنج
 مکن^{۱۳} ایمنی بر^{۱۴} سرای فسوس
 ۳۴۵
 ز تو نام باید که ماند بلند^{۱۷}
 مرا و ترا روز هم^{۱۹} بگذرد
 دلت شادمان بادی و تن^{۲۰} درست
 جهان آفرین از تو خشود باد
 چو بشنود^{۲۳} پند جهاندار نو
 ۳۵۰
 زمین را ببوسید و بردش نماز
 بسی آفرین کرد بر شاه نو
 تهمتن دو فرسنگ با او^{۲۸} برفت
 پیاموختش رزم و بزم^{۳۰} و خرد

ز قَتّوج تا مرز دستان^۲ تراست
 بریشان مکن روز^۴ تاریک و تنگ
 همه راد^۵ با مردم خویش باش
 خردمند و انده گسار تو کیست
 که فردا مگر تنگی^۷ آرد^۸ به روی
 به هر جای خیره مکن کارزار^{۱۱}
 به بی رنج کس^{۱۲} هیچ منمای رنج
 که گه^{۱۵} سَنَدروس ست و گه^{۱۶} آبتوس
 نگر دل نداری به گیتی نژند^{۱۸}
 دمت چرخ گردان همی بشمرد
 سدیگر^{۲۱} بین تا چه بایندت جُست
 سر بدسیگالانت پُر^{۲۲} دود باد
 پیاده شد از باره ی تندرو^{۲۴}
 بتابید سر^{۲۵} سوی راه دراز
 که اندر^{۲۶} فزون باش^{۲۷} چون ماه نو
 همی مغزش از رفتن او بکفت^{۲۹}
 همی خواست کز^{۳۱} روز رامش^{۳۲} برد

۱- ل، س (نیز لن، پ، ل، ن): هندوان مره؛ س: هندوستان؛ ق: مرز هندوستان مره؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و) ۲- ل: نوران؛ ل: نشستن که بت پرستان؛ (لن، پ، ل، ن): ز قَتّوج تا سیستان مره؛ ق: ز قَتّوج تا شهر دستان؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): بنداری (۳۲۸-۳۳۷): و کان آخر القوم عبورا فرامرزمین رستم مقدم عساکر قشمر و کابل و نیم روز. فارتاح له الملک و بش، ووهب له جمیع بلاد الهند من حدّ قَتّوج الی حدّ ممالک دستان ۳- ل: گر ایدونک؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۴- ف، س: بکن روز؛ ل: مکن کار؛ متن = س، ق، ل ۵- ل: راز؛ (لی: یاره؛ و، ب: نیک)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۶- ل: به خوبی؛ س، ق، ل، س (نیز لن- ل، و، ب): بیخش و؛ متن = ف (نیز پ) ۷- س (نیز ق، ل): نیکی؛ ل (نیز ل، آ): تندی؛ س: سختی؛ (ب: انده)؛ ل: که کژی پشیمانی؛ متن = ف، ق (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن) ۸- ق: آید ۹- ل: س: پادشاهی؛ متن = ف ۱۰- ق: بدان ۱۱- س: مکن خیره هر جای بر کارزار؛ ق: که تا کم کنی رای نابخردان؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۱۲- س: پس رنج کس ۱۳- ل: مجو؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۴- ل، س: در؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۵- ل: آگر؛ س: گهی ۱۶- ل: گاه؛ ل: آگر؛ س: روشن است و گهی؛ متن = ف، ق، س ۱۷- ق: دراز ۱۸- ق: نگر تا نیندی دلت را به راز ۱۹- ل: می؛ س: بر ۲۰- ل: شاد باید تن و جان؛ س، ق، ل، س (نیز لن- ب): شادمان باید و تن؛ متن = ف ۲۱- ل، ل: سه دیگر ۲۲- ل، س، ل: سر (ل: دل) بدسیگالت پر از؛ متن = ف، ق، س ۲۳- ل: س: بشنید؛ متن = ف ۲۴- ل، ل، ق، ل: تیزرو؛ س: نیک رو؛ س: که اندر فزون باش چون ماه نو (= ۳۵۱ ب)؛ متن = ف؛ ق پس از بیت ۳۴۹ افزوده است:

زمین را ببوسید و کرد آفرین بتابید سرسوی هندوزمین

۲۵- ق: پیامد سرش؛ س این بیت را ندارد ۲۶- ل: که هر دم؛ ق: که ایدون؛ متن = ف، س، س ۲۷- ق: باد؛ ل این بیت را ندارد؛ س ۳۴۹ ب- ۳۵۱ آ را انداخته و از ۳۴۹ آ و ۳۵۱ ب یک بیت ساخته است ۲۸- ل: دو فرسنگ با او تهمتن ۲۹- ل، س: بتفت؛ متن = ف، ق، ل، س ۳۰- ل، ق: بزم و رزم؛ متن = ف، س، ل، س ۳۱- ل: کش ۳۲- س: کیفر

<p>۳ به سوی سراپرده آمد ز دشت یکی باره‌ی تیزروا برنشست سری پُر ز رامش، دلی^۵ پُر ز رای به جام بزرگ اندرافگند پی به فردا نگوید^۶ خردمند کس همه ناپدیداند^۸ با خاک راست به دل بر همه^{۱۰} آرزو بشکنیم^{۱۱}، رهایی نیابد ازو هیچ^{۱۳} کس چو روشن شود بشمرد روز^{۱۵} پی تبیره برآرند با بوق^{۱۶} و کوس برین^{۱۷} جنگ سوی که آرد^{۱۸} به مهر کز آغاز بود آنچه^{۲۰} بایست بود</p>	<p>پُر از دردا^۱ از آنجایگه بازگشت^۲ ۳۵۵ سپهد فرود آمد از پیلِ مست گرازان بیامد به پرده‌سرای چو رستم بیامد بیاورد می همی گفت: شادی ترا مایه بس کجا تور و سلم و^۷ فریدون کجاست ۳۶۰ بیویم و رنجیم و گنج آگنیم^۹ سرانجام ازو بهره^{۱۲} خاکست و بس شب تیره سازیم با^{۱۴} جام می بگویم تا برکشد نای طوس بینیم تا دست گردان سپهر ۳۶۵ بکوشیم و از^{۱۹} کوشش ما چه سود</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: شهنشاه ۲- ل، س: گشت باز ۳- ل، س: آمد فراز؛ بنداری (۳۵۲-۳۵۴): و شیعه أبوه رستم نحو فرسخین و ودعه. وعاود
حضرة الملك ۴- ل، س، ل، س: تیزتک؛ متن = ف، ق ۵- ل: زباد ودلی؛ س: زکین ودلی؛ ق: زردرد ودلی؛ ل: زکینه دلی؛ س:
دلی پر ز کینه سری؛ متن = ف؛ بنداری (۳۵۴-۳۵۷): فنزل الملك کیخسرو عن الفیل، و رکب فرسا وأقبل الی سراق ضرب له. وجاء رستم
وجلس یشرب معه ۶- ل: نگوید به فردا ۷- ل: سلم و تور ۸- ل: ناپدیدند و ۹- ل، س: آورم؛ متن = ف، ل، س،
ق ۱۰- ل، ق: همی؛ متن ← ۱۱- ل: بدل دادن تن شکنج آگنیم (!)؛ س: به جان و تن خود شکنج آورم؛ متن = ف،
س ۱۲- ل، س: زو بهره؛ س: آن هم به؛ متن = ف، ق، ل ۱۳- ل، س، ل، س: ازین روز؛ متن = ف، ل، ق ۱۴- ل: بر؛ متن =
ف، س، ق، ل، س ۱۵- س: بسپرد زیر ۱۶- ل: با پیل؛ ق: زدرگاه؛ ل: بیارند با بوق؛ س: برآمد ابا بوق؛ متن = ف،
س ۱۷- ل، س، ق: بدین؛ متن = ف، ل، س ۱۸- ل: یازد؛ س، ق: دارد؛ متن = ف، ل، س ۱۹- ل، س، ق، س: وز؛ متن =
ف، ل ۲۰- ق، ل، س: آنچه؛ ف، س، ل، س (نیز ل، ق، ل، پ-آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

اگر یار باشد جهان آفرین به تیغ از عدو (ق: ز خون پدر) باز خواهیم (ف: باز یابیم) کین

ل، ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری بیت‌های ۳۵۸-۳۶۵ را ندارد

داستان فرود سیاوخش^۱

جهانجوی چون شد سرافراز و^۲ گرد
 سرشک^۵ اندر آرد^۶ به مژگان زرشک^۷
 کسی کز نژاد بزرگان بود
 چو^{۱۱} بی کام دل بنده باید بدن
 سپهبد چو خواند^{۱۲} ورا دوستدار
 گرش ز آرزو^{۱۳} بازدارد سپهر
 ورا هیچ خوی نخواهد به دل
 و دیگر که^{۱۴} از بن نباشد خرد
 چو این داستان سربسر بشنوی
 سپه^۳ را به دشمن نباید^۴ سپرد
 سرشکی که درمان نداند بزشک
 ز^۸ بیشی بماند^۹ سترگ آن^{۱۰} بود
 به کام کسی داستانها زدن
 نباشد خرد با دلش سازگار^{۱۲}
 همان آفرینش نخواند^{۱۴} به مهر
 شود ز آرزوهای^{۱۵} او دلگسلی
 خردمندش از مردمان نشمرد
 بدانی^{۱۷} سر مایه بدخوی

آغاز داستان^{۱۸}

۱۰ چو خورشید بنمود بالای خویش
 نشست از بر تندبالای خویش،
 به زیر اندر آورد برج بره
 جهان چون می^{۱۹} زرد^{۲۰} شد یکسره،
 تیره برآمد^{۲۱} ز درگاه طوس
 همان^{۲۲} ناله ی بوق و آوای^{۲۳} کوس

۱- ف: گفتار اندر رفتن طوس به ترکستان به کین خواستن سیاوش و رفتن به راه کلات و جرم و کشته شدن فرود؛ ل: گفتار اندر رزم فرود سیاوش؛ س: داستان فرود سیاوش؛ ق: حکم فرمودن کیخسرو به پهلوانان به مطاوعت طوس و وصیت که لشکر به راه کلات و میم نبرد؛ ل: داستان فرود برادر کیخسرو؛ بنداری: ذکر انفاذ کیخسرو طوسا الی قتال افراسیاب، و وقعة فرود بن سیاوخش ۲- ق، س: [و] ۳- ق: جهان ۴- ل: نشاید؛ متن = ف، س، ق، س: ل: نباید سپه را بدشمن ۵- ق: زنگ؛ س: نخست؛ متن = ف، ل، س ۶- ل، س: اندر آید؛ متن = ف، ق، ل، س: ۷- ف: سرشک (!)؛ ق، س: سرشک؛ متن = ل، س ۸- ل: به؛ متن = ف، س، ل ۹- س: چو بی کام ماند ۱۰- ل: سترگان؛ ل: بزرگ آن؛ ق: بیت های ۳-۸ را ندارد ۱۱- ل: که ۱۲- ل: خرد را دلش خواستار ۱۳- ل: گرش آرزوی؛ س: گراین آرزو؛ ل: گرش راز آرزو؛ متن = ف، س: ۱۴- س: همی آفرین زو نخواهد؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۵- ل: شود آرزوهای؛ متن = ف، س، ل، س: ۱۶- ل، ل: کش؛ متن = ف، س، س: ۱۷- ل- س: (نیز لن، ق، ل، پ، لن)؛ بینی؛ متن = ف (نیز لی، و، آ، ب)؛ بنداری بیت های ۱-۹ را ندارد ۱۸- س: فرستادن کیخسرو لشکر به جنگ افراسیاب، متن = ف، ل، س، ل: ۱۹- ل: چنین تا زمین؛ ق: جهان و زمین؛ متن = ف، س، ل، س: ۲۰- ل: سرخ ۲۱- ف: درآمد؛ متن = ل- س: ۲۲- س: همه ۲۳- س: آواز؛ ق: برفتند با نای رویین و

ز کشور برآمد سراسر خروش
از آوای^۲ اسپان و گرد^۴ سپاه
ز چاک سلیح^۷ و ز آوای پیل^۸
۱۵ هوا سرخ و زرد و کبود و بنفش
به گردش سواران گودرزیان
سپهدار با افسر و گرز و نای^{۱۱}
بشد طوس با کاویانی درفش
بزرگان که با طوق و افسر^{۱۳} بُدند
۲۰ برفتند یکسر ز پیش سپاه^{۱۶}
یکی پیل‌پیکر درفش از برش
هر آن کو ز تخم منوچهر بود
برفتند یکسر چو کوهی سیاه^{۲۱}
۲۵ چو لشکر همه نزد شاه آمدند
بفرمود تا نامداران گرد
بدیشان^{۲۳} چُنین گفت بیدار شاه
به پای‌ست^{۲۵} با اختر کاویان
نیازرد باید کسی را به راه
۳۰ کشاورز گر^{۲۷} مردم پیشه‌ور
نباید که تازد برو^{۲۹} بادِ سرد

۱- س: آسمان ۲- ق: از ۳- ل، س، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س ۴- س: بوق؛ ق، ل: بوق و ۵- ل: بشد؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۶- ف: روز چون شب سیاه؛ ق: چشم خورشید و ماه؛ ل: چشم کرده سیاه متن = ل، س، س ۷- س، ق: سلاح ۸- س: کوس ۹- س: جهان شد بگردار رنگ آبنوس ۱۰- س: پرنیایی ۱۱- ل، س، ق، س: (نیزب): گرز و رای؛ ل: (نیزق، ل، ل، و، آ: کوزه‌زای): متن = ف (نیزلن، پ، ل) ۱۲- درل پس از این بیت، بیت ۲۲ آمده است ۱۳- ل: تاج و افسر؛ س: طوس همسر؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۴- ق: جهانجو ۱۵- ل: س: وز: متن = ف ۱۶- ل: چو کوهی سیاه (= ۲۴)؛ ل، س: به پیش سپاه؛ متن = ف، س، ق ۱۷- ق: شادان؛ ل: تازان ۱۸- س: نتابید خورشید روشن نه ماه (= ۲۴) ۱۹- س: یازان؛ س: این بیت را ندارد؛ درل این بیت پس از بیت ۱۹ آمده است ۲۰- ل، س: این بیت را ندارند ۲۱- ل: بنزدیک شاه؛ ل، س: این بیت را ندارند؛ س ۲۱- ب: ۲۴ را انداخته و از ۲۱ آ و ۲۴ ب یک بیت ساخته است ۲۲- درل این بیت با بیت سیسین پس و پیش شده‌اند ۲۳- س: بریشان ۲۴- س، ق، ل، س: به پشت؛ متن = ف، ل ۲۵- س: بیاراست؛ ل پس از این بیت افزوده است:

بدو داد مهوری به پیش سپاه
به فرمان او بود باید همه
بدو گفت: مگذر ز پیمان من
که سالار او یست و جویننده راه
کجا بنده‌ها زو گشاید همه
نگهدار آیین فرمان من

۲۶- ل، س: که اینست ۲۷- ف، س، ق، ل، س: با (درس نقطه ندارد)؛ متن = ل ۲۸- ق: نیندد به لشکر ۲۹- ل: که یابد بد از س (نیزلن، پ، ل): که بروی وزد (س: بزد)؛ ق: که آید بدو؛ ل، س: (نیزلی، و، آ): که یابد ز کس؛ (ل): که یابد همان؛ ب: که یابد دم از)؛ متن = ف (حرف یکم تازد نقطه ندارد) ۳۰- ل: مکوش ایچ؛ متن = ف، س، ق، ل، س

نباید نمودن به بی رنج^۱ رنج
گذر بر^۲ کلات ایچ گونه مکن
روان سیاوش چو خورشید باد!
پسر بودش^۳ از دُخت پیران^۴ یکی
برادر به من نیز مانده بود
کنون در کلات ست و با مادرست^۵
نداند از^۶ ایران کسی را^۷ به نام
سپه دارد و نامداران جنگ
هم او^۸ مرد جنگست و گرد و سوار
به راه بیابان بیاید شدن
چنین گفت پس طوس با^۹ شهریار
به راهی روم کهم تو فرمان دهی
سپهد بشد تیز و برگشت شاه
یکی^{۱۰} مجلس آراست با پیلتن
فراوان سخن رفت^{۱۱} از^{۱۲} افراسیاب

۳۵
۴۰
۴۵

که بر کس نماند سرای سپنج
کز آن ره روی^{۱۳} خام گردد سخن
بدان^{۱۴} گیتیش جای اوئیده باد!
که پیدا نبود از پدر اندکی
جوان بود و همزاد^{۱۵} و فرخنده^{۱۶} بود
جهاندار و^{۱۷} با فر و با لشکرست^{۱۸}
از آن سو نباید کشیدن^{۱۹} لگام
یکی کوه با^{۲۰} راه دشخوار^{۲۱} و^{۲۲} تنگ
به گوهر بزرگ و به تن نامدار
نه نیکو بود راه شیران زدن^{۲۳}
که از رای تو نگذرد روزگار
نیاید^{۲۴} ز فرمان تو جز بهی

سوی گاه^{۲۵} با رستم و با سپاه
رد و موبد و خسرو رای زن^{۲۶}
ز رنج تن خویش و از^{۲۷} درد باب

۱- س: به کس هیچ ۲- ل: زی؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۳- ق: شوی؛ ل: روی ره (→ ره روی)؛ س، س: پس از این بیت افزوده اند:

کز آن ره فرودست و با مادرست یکی لشکری گشن (س: کی نژادست و) کنداورست
۴- س: بدین ۵- ل- س: امید؛ متن = ف ۶- ل، ق: هستش؛ (ل: دارد)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ- ب) ۷- ف، ل: (نیزو): از تخم ویسه؛ متن = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ إنه کان لسیاوخش ابن من بعض بنات بیران ۸- ف: هم راد (هم زاد)؛ ل- س: (نیز لن، ق، ل، ل: لن، ب): هم سال؛ (ل، آ: هم شاد)؛ متن تصحیح قیاسی است (← ف) ۹- ل، ل، س: خواننده (؟)؛ متن = ف، س، ق: (نیز نه دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و هوشاب یشبینی فی السن والمنظر ۱۰- ل: [و] با مادرش؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۱- س، ق، س: ل، ل: جهانبجوی؛ متن = ف ۱۲- ل: لشکرش؛ ق، ل: افسرست؛ متن = ف، س، س: بنداری؛ و هو صاحب شوکه و قوه. و هویسکن مع امه هذه القلعة و معه عسکر عظیم ۱۳- ق: ز ۱۴- ل، ل: کسی را از (ل: ز) ایران ۱۵- ل: نباید کشیدن از آنسو ۱۶- ل، ق: بر؛ س، س: (نیز لن، ل، پ، ل، آ): در؛ ق: بی؛ متن = ف، ل: (نیزو، ب) ۱۷- ل- س: (نیز لن- ب): دشوار؛ متن = ف ۱۸- س، ق، ل: [و] ۱۹- س، ل، س: همه؛ متن = ف، ل، ق: ۲۰- ف، س، ق، ل: (نیز ق، ل، و): جنگ (و: جنگ) شیر آزدن (ق: آزدن)؛ س: نه ننگی بودتان نه جنگ و زدن؛ (ل، آ، ب: جنگ شیران زدن؛ پ، لن: گرفتار در جنگ شیران بدن)؛ متن = ل ۲۱- ف: با طوس پس؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۲۲- ق: نباشد؛ ل: نیاید ۲۳- ل: کاخ ۲۴- ق: همی ۲۵- س، س: پاک تن؛ ق: وانجمن؛ متن = ف، ل، ل ۲۶- س: گفت ۲۷- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، س ۲۸- ف- ل: وز؛ متن = س: ل پس از این بیت افزوده است:

از آزدن مادر پارسا
مرازی شبانان بی مایه داد
فرستادم این بار طوس و سپاه
جهان بر برداندیش تنگ آوریم
ورا پیل تن گفت کین غم مدار 5
که با ما چه کرد آن بد پُرجفا
ز من کس ندانست نام و نژاد
ازین پس من و تو گذاریم راه
سردشمنان زیر سنگ آوریم
که کام تو گردد همه روزگار

همی رفت^۱، پیش اندرآمد دو راه:
 کلات از دگر سوی^۳ و راه جرم^۲
 بدان تا بیاید سپهدارطوس
 به فرمان رود، گر^۸ به رای^۹ سپاه
 سخن رفت^{۱۱} از آن راه بی آب و گرم^{۱۲}
 اگر گر^{۱۳} عنبر دهد، خاک^{۱۴} مُشک،
 به آب و به آسایش آید نیاز
 برانیم و منزل کنیم از مَم^{۱۹}
 بیابان چه کوبیم^{۲۰} و رنج^{۲۱} روان؟
 چو گزدهم^{۲۳} پیش سپه^{۲۴} راهبر
 مگر^{۲۷} بود حتی نشیب و فراز
 بیابان و فرسنگ‌ها نشمرم^{۲۹}

وَزَان روی منزل به منزل سپاه
 ز یکسو بیابان بی آب و نم^۲
 بماندند^۵ بر جای پیلان و کوس^۶
 کدامین پسند آیدش زین^۷ دو راه
 چُن^{۱۰} آمد بر سرکشان طوس نرم
 به گودرز گفت: این بیابان خشک
 چو رانیم روزی به تندی^{۱۵} دراز^{۱۶}
 همان به که سوی کلات و جرم^{۱۸}
 چپ و راست آباد و آب روان
 مرا بود روزی برین ره^{۲۲} گذر
 ندیدیم ازین^{۲۵} راه رنجی^{۲۶} دراز
 همان به که لشکر بدین سو^{۲۸} بریم

۱- ل، ل: رفت و؛ س: بشدت تا که؛ متن = ف، ق، س^۲ ۲- ق: و گرم ۳- ف، س، ق: سو؛ متن = ل، س^۲ ۴- ل، ق (نیز پ، و، ل، ن): حرم؛ (ل: جرم)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز ل، ق، ل، آ، ب، لغت شهنامه، شماره ۷۲۲)؛ ل این بیت را ندارد ۵- ق: فروماند ۶- س: پیلان ابرجای و کوس ۷- ق: زان ۸- ف، س، ق، س: با؛ متن = ل ۹- ل: پیلان و ۱۰- ل- ل: س: چو؛ متن = ف ۱۱- ل، ل، س: گفت؛ س: رانند؛ متن = ف، ق، ل ۱۲- ل: نم؛ ق: بی راه گرم ۱۳- ق: باد ۱۴- ل: باد ۱۵- ق: بسختی؛ ل: براه؛ س: از ایدر ۱۶- س: فراز ۱۷- ل: [و] ۱۸- ل، ل، ل (نیز پ، و، ل، ن): حرم؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیز ل، ق، ل، آ، ب، بنداری، لغت شهنامه، شماره ۲۳۶۷) ۱۹- ل، ل، س: برانیم و در دل نداریم غم ۲۰- س: جویم ۲۱- ف، ق (نیز ل، آ): ریگ؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز ل، ل، پ، ل، ن، ب)؛ ل این بیت‌های ۵۵ و ۵۶ را ندارد ۲۲- ل، ل، ق، س: بدین ره؛ س: از این راه روزی؛ متن = ف ۲۳- ف، س، ق، س: کزدهم؛ ل: کزدهم ۲۴- س: بُدیش من ۲۵- س: ندیدم درین ۲۶- ل: رنج؛ س: رنج راه ۲۷- س: به ما؛ ل (نیز ل، ب، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت گودرز: پرمایه شاه
 بر آن ره که گفت اوسپه را بران
 نباید که گردد دل آزرده شاه
 بدو گفت طوس: ای گونامدار
 5 کزین شاه را دل نگردهم
 ترا پیشرو کرد پیش سپاه
 نباید که آید کسی را زیان
 بد آید ز آزار او بر سپاه
 ازین گونه اندیشه دل مدار
 سزد گر نداری روان جفت غم

۲۸- س، س: بران ره؛ ق: بدان سو؛ ل: بدان ره؛ متن = ف، ل ۲۹- ف: نسپریم؛ س: بشمریم (!)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل- ب)؛ ف پس از بیت ۵۸ افزوده است: به سوی کلات اندرآمد به راه گرفته همه راه و بی ره سپاه ل پس از بیت ۵۸ دو بیت وق تنها بیت یکم را افزوده اند (لی، پ، و، آنیز هر دو بیت را، ق^۱ بیت یکم را و ب بیت دوم را دارند): بدین گفته بودند (ق: گشتند) همداستان برانندند از آن راه پیلان کوس به فرمان و رای سپهدارطوس س پس از بیت ۵۸ افزوده است: برانندند لشکر بران برز راه نکردند فرمان شه رانگاه س^۲ پس از بیت ۵۸ افزوده است (لی، ل، آ، آنیز بیت‌های یکم و دوم را دارند):

بگفت و بدان راه لشکر براند
 چو فرمان خسرو نیاورد یاد
 خردمند از آن در شگفتی بماند
 نگر تا سرانجام چون جست باد ←

گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایرانیان^۱

چو ^۲ آگاهی آمد بنزد فرود	که شد روی خورشید تابان کبود،
ز باد هیونان و از نعل پیل ^۳	زمین ^۴ شد بکردار دریای نیل
سپاه برادرت ^۵ از ایران زمین	همی سوی توران ^۶ گراید به کین
چو بشنید ناکار دیده جوان	دلش گشت پُر درد و ^۷ تیره روان
فرود از در ^۸ دز فروهشت بند	بیامد نگه کرد کوهی بلند
بفرمود تا هرچه ^۹ بودش گله ^{۱۰}	هیونان و از ^{۱۱} گوسپندان ^{۱۲} یله ^{۱۳} ،
فسیله به بند اندر آورد نیز ^{۱۴}	نماند ایچ ^{۱۵} بردشت و بر کوه چیز ^{۱۶}
همه سوی تیغ ^{۱۷} سپد کوه ^{۱۸} بُرد	به بند اندرون سوی انبوه بُرد ^{۱۹}
وُزآنپس بیامد در دز بیست	یکی باره ی تیزتگ ^{۲۰} برنشست
چو برخاست آواز ^{۲۱} کوس از جَرَم	جهان گشت ^{۲۲} چون آبَنوس از مَیم،
جَریره زنی بود مام فرود	ز بهر ^{۲۳} سیاوش دلش ^{۲۴} پُر ز دود ^{۲۵} ،

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایرانیان و آمدن به تماشا ایشان و داستان او با طوس؛ س، س: آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر (س: ایران به قعله)؛ ق: آغاز داستان فرود سیاوخش با طوس نوذر؛ متن = آغاز ف ۲- ل، س: پس؛ متن = ف، ق، س؛ ل: بیت‌های ۵۹ و ۶۰ را ندارد ۳- (و: پای پیل)؛ ل (نیزلی، آ): ز نعل ستوران (لی، آ: هیونان) و ز پای پیل؛ س (نیزلن، ب، ل، ن): ز پای هیونان و از گرد پیل؛ ق (نیز ل): ز بانک هیونان و ز نعل پیل؛ متن = ف، س؛ (نیز ق، ب) ۴- س: جهان؛ س: پس از این بیت چهار بیت وقی (نیز پ) تنهاییت های دوم تا چهارم را افزوده اند:

همه موج پولاد پوش آمدست
پیر از درد دل تیره گشته (س: آ: گشته تیره) روان
یکی لشکر آمد سوی کوهسار
که آن (س: آ: این) لشکر از توندانند کین

تو گفتی که دریا به جوش آمدست
سوی (س: آ: بر) مادر آمد فرود جوان
چنین گفت کای مادر (س: آ: کامد یکی) نامدار
چنین (س: آ: بدو) گفت مادر که منندیش ازین

۵- س: برادر ۶- ف: ترکان؛ س: دریا؛ ق: ایران (!)؛ متن = ل، س؛ (نیزلن، لی- ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

به کین سیاوش سپاهی بزرگ
به راه کلاتست آهنگشان
فرستاد با کینه خواهی سترگ
ندانم کجا اوفتد جنگشان

۷- س: پیر از درد دل گشته ۸- س، ق، فرود آمد از؛ متن = ف، ل، س؛ ل: درل بیت های ۶۳- ۱۰۸ در هم ریخته اند

۹- ل، س: هرچ ۱۰- ل، س، س؛ یله؛ متن = ف، ق، ل ۱۱- ق، ل: وز؛ س: از اسبان وز؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ف، ل، ق، س: گوسپندان؛ متن = س، ل ۱۳- ل، س، س؛ گله؛ متن = ف، ق ۱۴- ق: شست؛ ل: اندر آرند نیز؛ ل: جمله بکوه اندر آرند نیز؛ متن = ف، س، س ۱۵- ل: نمانند؛ متن = ۱۶- ل: بر کوه و بردشت چیز؛ س: در دشت و در کوه چیز؛ ق: یکی باره تیزتک برنشست (= ۶۷ ب)؛ متن = ف، س، س ۱۷- ل، س؛ (نیزلی، آ): کوه؛ س: همه راه سوی؛ ل: همه جمله نزد؛ (لن، و، ب): همه جمله سوی؛ ق، ل، ن: همه پاک سوی؛ پ: همه سوی راه؛ متن = ف ۱۸- ف، ل، س، س؛ (نیز ق، و، آ): سبد کوه (با یک نقطه)؛ ل: سبید کوه؛ (لن، آ، ب: بسد کوه) ۱۹- س: به بند اندر از بیم اندوه برود؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ل: تیزرو؛ ق ۶۵ ب- ۶۷ آ را انداخته و از ۶۵ آ و ۶۷ ب یک بیت ساخته است ۲۱- ق، س؛ آوای؛ متن = ف، ل، س، ل ۲۲- ل، س: جهان کرد؛ ق، ل، س؛ همان کرد؛ متن = ف ۲۳- س: ز درد ۲۴- س: دلی ۲۵- ف (نیز ق، و، ب): پر درود؛ متن = ل- س؛ (نیزلن، لی، ل، آ، ب، ل، ن، آ)

← به سوی کلات اندر آمد سپاه
همی رفت لشکر به بی راه و راه

لن، ل، ل: هیچیک از بیت های بالا را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده است: فواقفه جوذر ز علی ذلک، و ساروا فیه

- ۷۰ بر مادر آمد فرود جوان
از^۳ ایران سپاه آمد و پیل^۴ و کوس
چه گویی^۶؟ چه باید کنون ساختن؟
جَریره بدو گفت کای^۷ رزمساز
به^۹ ایران برادر^ت شاه نوشت
ترا نیک داند به نام و گهر
۷۵ بدو داد پیران مرا از نخست
نژاد تو از مادر و از^{۱۲} پدر
برادر^ت اگر^{۱۴} کینه جویده‌هی
ترا پیش^{۱۵} باید به کین^{۱۶} تاختن^{۱۷}
۸۰ گر او کینه جویده‌هی از^{۱۹} نیا
برت را به خفتان رومی پیش
ز^{۲۲} پیش سپاه برادر برو^{۲۳}
که زبید^{۲۵} کزین غم^{۲۶} بنالد پلنگ
و^{۲۸}گر مرغ با ماهیان اندر آب
۸۵ که اندر جهان چون سیاوخش نیز^{۳۰}
به گردی و مردی و فرّ و نژاد^{۳۲}
تو پور چنان نامورمهرتری
کمر بست باید^{۳۵} به کین^{۳۶} پدر
به لشکر نگه کن که سالار^{۳۸} کیست
- چنین^۱ گفت کای مام روشن‌روان^۲
به پیش سپه در سرافراز^۵ طوس
نباید که آرد یکی تاختن
بدین^۸ روز هرگز مبادت نیاز
جهاندار و^{۱۰} بیدار کیخسروست
ز همخون و از مهره‌ی یک پدر^{۱۱}
و^{۱۳}گر نه ز ترکان همی زن نجست
همه تاجدار و همه نامور^{۱۳}
روان سیاوش بشویدهمی،
کمر بر میان بستن و ساختن^{۱۸}
ترا کینه زیبا تر^{۲۰} و کیمیا
برو دل پُر از جوش و سرپُر خروش^{۲۱}
تو کین خواه نو باش و^{۲۴} او شاه نو
ز دریا خروشان برآید نهنگ^{۲۷}
بخوانند نفرین بر^{۲۹} افراسیاب
نبندد کمر یک جهان بخش نیز^{۳۱}
به اورنگ و فرهنگ و سنگ و به داد^{۳۳}
ز تخم کیانی و کی منظری^{۳۴}
به جای^{۳۷} آوریدن نژاد و گهر
و^{۳۸}زان مهتران نامبردار کیست

۱- ل: بدو ۲- ل: نوشین‌روان؛ س: دلش گشت پردرد و تیره‌روان ۳- س: کز ۴- ل: س: بوق ۵- ل: سپاه اندرون
میر ۶- ل: س: چوآید ۷- ق: ای ۸- ل: برین ۹- س: در ۱۰- س: ق: [و] ۱۱- ف: واز مهره و یک پدر؛ ل:
ل: وز مهره یک پدر؛ س: و هم مهره یک‌دگر؛ ق: و یک چهره و یک پدر؛ س: ز هم پشت و ز مهره یک‌دگر؛ متن = ل، ل، ل، بنداری؛ و أنت و هو
من اب واحد ۱۲- ل، ق، س: وز؛ متن = ف، س ۱۳- ل: تاجور ۱۴- ل، ق، ل: گر؛ متن = ف، س، س: درس آ بیت‌های
۷۸- ۸۰ درهم ریخته‌اند: ۷۸، ۷۹، ۸۰ ۱۵- ف- س: بیش ۱۶- س: یکی ۱۷- ل، س: ساختن؛ ق، ل: آختن؛ متن = ف،
س ۱۸- ل، س، ق، س: تاختن (س پساوند ندارد)؛ متن = ف، ل ۱۹- س: با ۲۰- ق: ترا درد افزون تر ۲۱- س، ل: برو
سر (ل: دل) پراز خون و دل (ل: سر) پرز جوش؛ متن = ف، ل، ق، س ۲۲- ل- س: به؛ متن = ف ۲۳- س، ل: برادرت رو؛ ق:
برادرت شو؛ متن = ف، ل، س ۲۴- ق: [و] ۲۵- س: که شاید ۲۶- ل: کین ۲۷- س: بچنگ ۲۸- ق: و
یا ۲۹- ل: به ۳۰- ل، ق: سیاوش سوار؛ س (نیز ل): سیاوش نیز (پساوند ندارند)؛ متن = ف، ل، س ۳۱- ل، ق: نیز یک نامدار؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن- ب) ۳۲- ل: جنگ و نژاد؛ ق: بخش و بداد؛ ل: بخش و نژاد؛
س: بفرّ و بگردی و بخش و نژاد؛ متن = ف، س ۳۳- ف: عدل و به داد (!)؛ ق: فرّ و نژاد؛ ق: با سنگ و داد؛ ل: سنگ و نژاد؛ و: دیهم
و داد؛ س: جهاندار چون او ندارد بیاد؛ س (نیز لن، لن): به اورنگ و سنگ و به فرهنگ (س: فرسنگ) و داد؛ متن = ل، ل (نیز
لی، آ، ب) ۳۴- متن = ف- س (نیز لن- ب) ۳۵- س: بیایدت رفتن ۳۶- ق: به خون ۳۷- ل: بجا؛ ق: بکار ۳۸- س:
بین تاز لشکر سپهدار؛ ل این بیت را ندارد

- ۹۰ خِرام آرا و گردنکشان را بخوان
 ز شمشیر و از ۳ ترگ ۴ و برگستوان
 به ۵ گیتی برادر ترا گنج بس
 سپه را تو باش این زمان پیشرو
 چُنین گفت از آن ۸ پس به مادر فرود
 ۹۵ که باید که باشد مرا پامرد
 کزیشان کسی را ندانم ۱۲ به نام
 جَریره چُنین گفت کای ۱۴ شاهپور
 نگه کن سُواری ز گنداوران ۱۷
 نشان خواه ازین دو گو سرفراز
 همیشه سر و نام ۱۹ تو زنده باد!
 ۱۰۰ ازین هر دو هرگز نگشتی ۲۰ جدا ۲۱
 تو زاید بر بی سپه ۲۳ با تُخوار ۲۴
 چو ۲۵ پرسی ز گردان و گردنکشان
 بدو گفت: رای تو ای شیرزن ۲۸
 یکی دیدبان ۲۹ آمد از دیدگاه ۳۰
 ۱۰۵
- می و خلعت آرای و بالای ۲ و خوان
 ز خفتان و از ۳ خنجر هندوان
 ممان کین و آیین به ۶ بیگانه کس
 تو کین خواه نو باش و او شاه نو ۷
 کز ایران ۹ سَخُن با که باید سرود؟
 ازین ۱۰ سرفرازان ۱۱ روز نبرد؟
 نیامد ازیشان بر من پیام ۱۳
 تو ۱۵ چون گرد لشکر ۱۶ بینی ز دور،
 ز بهرام و از ۱۸ زنگه‌ی شاوران
 کزیشان مرا و ترا نیست راز
 روان سیاوش فروزنده باد!
 گنارنگ بودند و او ۲۲ پادشا
 مدار این سَخُن بر دل خویش خوار
 تُخوار ۲۶ دلاور ۲۷ بگوید نشان
 درفشان کند دوده و انجمن
 سَخُن ۳۱ گفت با او ۳۲ از ۳۳ ایران سپاه

۱- ل: سران را؛ س: بزرگان؛ ل: تو بخرام؛ متن = ف، س، ق ۲- ل، ل: و بالا و؛ س: [و] بالای؛ متن = ف، ق، س ۳- ق، ل:، س: وز؛ متن = ف، س ۴- س: گرز؛ ل این بیت را ندارد ۵- ل- ل: س: ز؛ متن = ف ۶- س: به فرمان او کین ز ۷- ل، س، ق: تویی (ل: توی) کینه خواه جهاندار نو؛ متن = ف، س ۸- ل: زان ۹- س: کز اول ۱۰- س: از آن ۱۱- ق: نامداران ۱۲- ل، س: ندانم کسی را؛ ق: یکی را ندانم؛ س: کسی را ندانم ازیشان؛ متن = ف، ل ۱۳- ل- ل: س: (نیز ق، و ب): نیامد بر من درود و پیام (س: خرام؛ ق: سلام)؛ (لن، پ، لن: چگونه فرستم درود و پیام (لن: خرام))؛ متن = ف (نیزی، آ) ۱۴- س، ق: با؛ متن = ف، ل، س ۱۵- س، ق، س: که؛ متن = ف، ل ۱۶- ل: چون لشکرش را؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- س: سواران و جنگاوران ۱۸- س: [و] گر؛ س: وز؛ ق: کجا نام او؛ ل: چو بهرام و چون؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت دو بیت و ل تنها بیت دوم را افزوده اند:

دلیر سرفراز خود کام را
 سزد گر بجویی بدیشان (ل: بریشان) گذر
 ز گودرزیان پرس بهرام را
 که اینند (ل: آنند) همشیرگان پدر
 ۱۹- ل، س، س: س: سر نام؛ متن = ف، ق، ل ۲۰- ق: نبود
 ۲۱- ل: جدای ۲۲- س: وهم ۲۳- ق: با سپه؛ ل: بدو
 گفت زاید بر تو؛ متن = ف، س، ل، س ۲۴- ل، ل: (نیز آ): نخوار؛ س: (نیز لن): نخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق (نیزی، ل، پ، لن، ب، بنداری): نخوار- نخوار؛ ل پس از این بیت دو بیت و س تنها بیت یکم را افزوده اند:
 کز ایران که و مه شناسد همه
 ز بهرام وز زنگه شاوران
 بگوید نشان شبان و رمه
 نشان جوز گردان جنگاوران
 ۲۵- ف: چه؛ ل: که؛ متن = س، ق، س ۲۶- ق (نیز ق): نخار؛ (و: نخوار)؛ متن = ف، س (نیزی، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ل: ترا خود نخاور؛ ل این بیت را ندارد ۲۸- س: نیک زن ۲۹- ق، ل، س: دیده بان ۳۰- ل، ق، ل: دیده گاه؛ س: کوه گاه (!) ۳۱- ق: چنین ۳۲- ق، ل: وی ۳۳- ل، ق، ل، س: ز

که دشت و در و کوه پُر لشکرست
 ز دربند دز تا درازای سنگ^۲
 برفتند پویان تُخواره^۵ و فرود
 از افراز چون کژ گردد سپهر
 جوان با تُخواره^۸ سراینده گفت
 گنارنگ و زهر که^{۱۰} دارد درفش
 چو بینی به من نام ایشان بگوی^{۱۲}

تو خورشید گویی به بند^۱ اندرست
 درفش^۳ ست و پیلان و مردان جنگ^۴
 جوان را سر بخت پُرگرد^۶ بود
 نه تندی به کار آید از بُن نه مهر^۷
 که^۹ هرچت بپرسم نباید نهفت
 خداوند گوپال^{۱۱} و زرینه کفش،
 کسی را که دانی^{۱۳} از ایران^{۱۴} به روی^{۱۵}

سواران رسیدند نزدیک^{۱۶} کوه
 ز بس ترگ زرین و زرین سپر^{۱۷}
 تو گفתי به کان اندرون زر نماند
 سوار و پیاده به زرین کمر
 ز بانگ تبیره میان دو کوه
 سپردار و شمشیرزن سی هزار
 بماندند خیره فرود و تخوار
 چنین گفت کاکنون درفش مِهان
 چنین^{۲۳} گفت کان پیل پیکردرفش

سپاه اندرآمد گروه‌ها گروه
 ز گوپال زرین و زرین کمر^{۱۸}،
 برآمد یکی ابر و گوهر فشاند
 همه تیغ دار و همه نیزه ور^{۱۹}
 دل کرگس اندر هوا شد ستوه
 همی رفت گرد^{۲۰} از در کارزار
 از آن لشکر و آلت کارزار^{۲۱}
 بگوی^{۲۲} و مدار ایچ گونه نهان
 سواران و آن تیغ‌های بنفش،

۱- ق: گفתי به گرد ۲- ف، س: تا در آرز جنگ (!)؛ ل: تا بیابان جنگ؛ ق (نیز ق): تا در (ق: بر) کوه کنگ؛ ل: تا در آرای ننگ (!)؛ آ: تا درازای کنگ؛ ل: تا در آب کنگ؛ و: زردگاه در تا در آرز جنگ؛ متن = س (نیز، ل: ن) ۳- ل: سپاهست ۴- ق: درفش و سپاهست و پیلان جنگ؛ ف، ل، س: آساونند ندارند ۵- ل، س: نخواره؛ (ق: نخار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل: نیزهفت دستنویس دیگر و بنداری) ۶- س، ل، س: برگشته؛ پایایی بیت های ۶۲-۱۰۸ در ل: ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰-۷۵، ۷۸، ۸۰-۸۶، ۷۷، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۲، ۱۰۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۹۹، ۹۲، ۹۳، ۷۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۶۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۶۳، ۶۷، ۱۰۸ (بیت های ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳ را ندارد) ۷- ق این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

گزیبندند تیغ یکی سرزکوه که دیدار بُد یکسر ایران گروه

۸- ل، س: (نیز و): نخوار؛ (ق: نخار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز ل، پ، ل: بنداری) ۹- س: ز ۱۰- ل: هرک؛ س: [و] با آنک؛ س: و از هر که؛ متن = ف، ق، ل: ۱۱- ف- س: کوبال ۱۲- ق: بگو ۱۳- س: بینی ۱۴- ل: ازیشان ۱۵- ق: برو ۱۶- ل: بر تیغ؛ ل: رسیدند میان دو؛ متن = ف، س، ق، س: ل پس از این بیت افزوده است:

سپردار با نیزه ور سی هزار همه رزمجوی از در کارزار (۱۱۸)

۱۷- ل: درفش؛ ل: کمر؛ ق: زرینه کفش؛ متن = ف، س، س: ۱۸- ل: سپر؛ ل: زرینه کفش؛ س: سیمین کمر؛ ق: سیمین و زرین درفش؛ متن = ف، س: ۱۹- در ل این بیت پس از بیت ۱۱۳ آمده است ۲۰- در ف به پیش یکم؛ ل، ل این بیت را ندارند؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: پرسیدن فرود نشان پهلوانان ایران از تخوار؛ ق: پرسیدن فرود سیاوخش نشان ایرانیان از تخوار ۲۱- ل، ق، این بیت را ندارند و در س (نیز ل، ق، ل، پ، ل: آ) این بیت چنین آمده است (در س لت ها پس و پیش شده اند):

بماندند خیره تخوار و فرود از آن لشکر گشن و سازی که بود

متن = ف، ل، س: (نیز و، ب) ۲۲- ل: بگو؛ س: این بیت را ندارد ۲۳- ق: بدو؛ ف، ل پس از این بیت افزوده اند:

که در کینه پرخاش ^۱ او بد بود	پس پشت طوس سپهبد بود	
که خورشید تابان برو پیکرست ^۲	درفشی پس پشت او دیگرست	
سپهبد فربرز کاوس نام	برادر پدرت ^۳ با قر و کام	
دلیران بسیار و گردی ^۵ سترگ	پش ^۴ ماه پیکردرفشی بزرگ	۱۲۵
که لرزان برد ^۸ پیل ازو استخوان ^۹	ورا نام گُستهم گزدهم ^۶ خوان ^۷	
به گرد اندرش لشکری ^{۱۱} رزمساز	پش گورپیکر ^{۱۰} درفشی دراز	
دلیران و گردان و گنداوران ^{۱۳}	به پیش ^{۱۲} اندرش زنگه‌ی شاوران	
تنش لعل و جعد از حریر سیاه ^{۱۵}	درفشی پرستاریکر ^{۱۴} چو ماه	
که خون باسماں برچکانده ^{۱۶} همی	ورا بیژن گیو راندهمی	۱۳۰
همی بشکند زو میان هزبر	درفشی کجا پیکرش تیره ^{۱۷} بر	
چو کوهی ^{۱۸} همی اندرآید ز جای	ورا گرد شیدوش دارد به پای	
سپاه از پس و نیزه‌داران به ^{۲۰} پیش	درفشی پشش پیکر از ^{۱۹} گاویش	
که گویی مگر با سپهرست راست	گزین ابرشهر ^{۲۱} فرهاد راست	
که هزمان سپهر اندرآرد به گاز ^{۲۳}	درفش گرازست ^{۲۲} پیکر گراز	۱۳۵

۱- ل: پیکار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲- ل-س^۲ (نیزلن-ب) چو (ل:۳) که خورشید تابان بدو (و: آ: برو) پیکرست؛ متن = ف، ف، پس از این بیت افزوده است:

پش شیرپیکر درفش مهن ورا گرد گودرز با آفرین

ل-س^۲ (نیزلن-ب) این بیت را ندارند ۳- و نیز میتوان خواند: برادر پدرت^۳ ۴- ف: دگر؛ س: پس؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ ۵- س: بسیار گردو؛ ل، آ، س: بسیار گردش؛ متن = ف، ل، ق ۶- درف، س، ق با یک نقطه ۷- ل: دان ۸- ل (نیزب): بود؛ متن = ۹- س: که ترسد ز روبین او استخوان؛ ق: که ترسان بود پیل ازو از کوان (!)؛ ل، آ، س: که ترسان ازویست (س: ازو پشت) پیل ژیان؛ متن = ف (نیزو) ۱۰- ل، ق (نیزلن، پ، لن، آ): کرک پیکر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۱- ل: به گردش بسی مردم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۱۲- ل-س^۲ (نیزلن، لی-آ): بزیر؛ متن = ف (نیزب) ۱۳- ف: جنگاوران؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن-ب)؛ در ل، آ، س^۲ پس از این بیت، بیت ۱۳۶ آمده است ۱۴- ف: بدو شاخ پیکر؛ س (نیزلن): پس اوست پیکر؛ (لی، آ: بر استاره پیکر؛ ل: سرافراز پیکر؛ لن: پس او به پیکر)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزو، ب) ۱۵- ف: و سبز از حریر و سیاه؛ س: و جعدش چو مشک سیاه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزو) ۱۶- ل-س^۲ (نیزق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): برفشاند؛ متن = ف (نیزلی، و، آ) ۱۷- ل، س: هست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۸- ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): که گویی (برخی را که کوهی هم میتوان خواند)؛ (ل:۳) که گوید؛ و: که هزمان)؛ متن = ل؛ در ل، ل، آ، س^۲ پس از این بیت، بیت ۱۳۵ آمده است ۱۹- ل: پیکر [از]؛ ل: کجا پیکرش؛ س، س: پشش پیکر؛ متن = ف ۲۰- ل: ز؛ س، ل، آ، س: نیزه‌دارانش؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ف (نیزل، آ، و، آ، ب): گزین همه (و، ب: گوان؛ آ: یلان) شهره (ل: شهر)؛ ل: چنان دان که آن شهره؛ ل، آ، س: ازین انجمن دان که؛ (لن: گزین سپه گرد؛ ق: گزین آوران شهره؛ پ: گزین از بهر شهر؛ لن: گزین ابرسه مرد (!))؛ متن = س (نیزلی)؛ داستان عرض کردن کیخسرو، بیت ۱۵۳، (۳۱۴)؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- ل: گرازست و؛ س: درفشش گرازست و؛ س: درفشی گرازست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲۳- س: اندرآید بگاز؛ ل: سپاهی کمندافکن و رزمساز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س؛ در ل، ل، آ، س^۲ این بیت پس از بیت ۱۳۲ آمده و درس با بیت سپین پس و پیش شده است

چنین آلت و دست (ل: ساز) و این دستگاه
چنین داد پاسخ که ای شهریار

→ که را باشد اندر میان سپاه
چو بشنید گفتار او را نخواستار (ل: نخواستار)
س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب) این بیت ها را ندارند

درفشی کجا پیکرش دیزه^۱ گرگ نشان سپهدار گیو سترگ

گفتار اندر دیدن طوس فرود و تُوخوار را بر کوه^۲

چو ایرانیان از بر^۳ کوهسار
برآشفت ازیشان سپهدار طوس
چنین گفت کز^۴ لشکر نامدار
که جوشان^{۱۱} شود زین میان گروه
۱۴۰ ببیند که آن^{۱۳} دو دلاور که اند^{۱۴}
گر ایدونک^{۱۷} از لشکر ما یکیست
وگر ترک باشند و^{۱۸} پرخاشجوی
وگر گشته آرد کشانش^{۲۰} به خاک
بدیدند جای فرود و تُوخوار^۱،
فرومانده^۵ بر جای پیلان و^۶ کوس
سواری بیاید همی^۸ بی کیار^۹
برد اسپ را بر^{۱۱} سر تیغ^{۱۲} کوه
بر آن تیغ گه^{۱۵} ز بهر چه اند^{۱۶}
زند بر سرش تازیانه دویست
ببندد کشانش بیارد به روی^{۱۹}
سزد گر ندارد بدین ترس^{۲۱} و باک

۱- س، ق: هست؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ در ل، س؛ این بیت پس از بیت ۱۲۸ آمده است؛ بنداری (۱۱۳-۱۳۶): فأخذ يسأل تخوار عن

علامة كل واحد من الايرانيين، وهو يخبره ويصف له؛ ق (نیز پ) پس از بیت ۱۳۶ دوازده بیت و ل تنها هفت بیت نخستین را افزوده اند:

درفشی کجا شیر پی کربزر
درفشی پیلننگست پیکر گزار
درفشی کجا آهوش پیکرست (ق: پیکرش هست استب)
درفشی کسجسا غرم دارد نشان
۵ همه شیر مردند گرد و سوار (ق: درفشی که چون باز پیکر بود)
چوبک یک بگفت از (ق: بگفتش) نشان گوان
مهسان و کسهان را همه بنگرید
چنین گفت شاه جهان با تخوار
اگر یار باشد خداوند هور
۱۰ ببه چین و ببه ماچین نام سوار
از افراسیاب آن گوشور بخت
ببه کین پس در من ببرم سرش

۲- ف: گفتار اندر دیدن طوس فرود و تُوخوار را بر کوه و فرستادن بهرام گودرز را به کشتن ایشان و مناظره فرود؛ س: رفتن بهرام گودرز بنزد فرود

سیاوش و مناظره ایشان؛ ق: رفتن بهرام گودرز نزد فرود و سخن گفتن با همدیگر؛ متن = آغاز ف ۳- ل، س؛ از پس ۴- ل، ل؛ (نیز آ):

نخوار؛ (ق: نخار؛ ل، ل، ل، ل، نخار)؛ متن = ف، س، ق، س؛ (نیز ل، ل، پ، و، ب) ۵- ل، ل، ل، س؛ فروداشت؛ متن = ف، س، ق، ل؛ ۶- ل:

[و] ۷- ل، س؛ ازین ۸- ل: کنون؛ س: بیاید سواری مرا؛ متن = ف، ق، س؛ ۹- ف: برگذار؛ ل (نیز ب): مک یار (= نیک یار

بیکیار)؛ س (نیز ل، ل، ل): کامکار؛ ق: ترک دار؛ ل: زین کنار؛ س: بی کنار (بی کیار)؛ (ق: پایدار؛ ل: هوشیار؛ پ: بی گزار؛ و: نامدار؛

ل، آ: که آید بکار)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل: بیوشان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، س؛ (نیز ل-

ب) ۱۱- ل، ل، ق، ل، س؛ (نیز و، ب): تا بر؛ س: را تا؛ متن = ف (نیز ل، پ، آ) ۱۲- ق، س؛ برز؛ متن = ف، ل، س، ل؛ ۱۳-

س، ل؛ این ۱۴- ف، ل، ق: کی اند ۱۵- ل: کوه سر بر؛ س (نیز ل، ل، ل): تندبالا؛ ق: تیغ برد؛ ل، س؛ تیغ دز بر؛ متن = ف (نیز

ل، پ، و، آ، ب) ۱۶- ف، ل: چسپ اند (ق پساوند ندارد) ۱۷- س: ایدونکه ۱۸- ف: [و] ۱۹- س: بکوی ۲۰- ل:

آید سپارد؛ س: آید کشانش؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۱- ل: از آن بیم؛ ل: بدین ترس؛ س: بیارد ندارد ازین ترس؛ متن = ف، س؛ ق: این

بیت را ندارد

<p>که بشمرد خواهد سپه را نهان، فروهستن از کوه و بازآمدن که این کار بر ما نماند^۳ نهفت سر کوه یکسر به پای^۷ آورم پُراندیشه^۹ بنهاد سر سوی کوه که این کیست کامد چُنین خوارخوار^{۱۱} به تندی برآید به بالا همی به فتراک بر بسته دارد کمند که این را به تندی نباید^{۱۴} بسود^{۱۵} ز گودرز یانش گمانم همی یکی مغفر شاه^{۱۷} شد ناپدید ز ره با^{۱۹} میان خسروانی برش یکی لب به پرسش نباید گشاد بغرید برسان غرّنده میغ نیینی همی لشکر بی شمار؟ نترسی ز بیدار سالار^{۲۳} طوس؟ که تندی ندیدی، تو تندی مساز! میارای^{۲۶} لب را به گفتار سرد! برین^{۲۹} گونه بر من^{۳۰} نشاید^{۳۱} گذشت</p>	<p>۱۴۵ وَر ایدونک^۱ باشد ز کارا گهان همانجا^۲ به دو نیم باید زدن به سالار بهرام گودرز گفت شوم^۴ هر چه^۵ گفتی به جای^۶ آورم بزد اسپ و آمد ز پیش^۸ گروه چُنین گفت پس نامور با تُخوار^{۱۰} همانا نیندیشد^{۱۲} از ما همی یکی باره‌یی برنشسته سمند چُنین گفت پس رای زن^{۱۳} با فرود به نام و نشانش ندانم همی ۱۵۵ چو خسرو ز توران به ایران^{۱۶} رسید گمانی همی آن^{۱۸} برم بر سرش ز گودرز دارد همانا نژاد چو بهرام نزدیکتر شد به تیغ^{۲۰} چه مردی - بدو گفت - بر^{۲۱} کوهسار؟ همی نشنوی ناله‌ی بوق و^{۲۲} کوس؟ ۱۶۰ فرودش چُنین پاسخ آورد باز سَخُن گوی نرم^{۲۴} ای جوانمرد^{۲۵} مرد نه تو شیر جنگی و^{۲۷} من^{۲۸} گور دشت</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: ایدونکه ۲- ل: همانا؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

وگر در کمیندی مر سپاه
سبک باز گردد دهد آگهی

۳- ل: بر من نشاید؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س: ل: پس از این بیت افزوده است:

از آنجا برو تا سرتیغ کوه
ببین تا کیانند این هم گروه

- ۴- س: روم؛ ل: دوم ۵- ل، س: هرچ ۶- ل، ق: جا ۷- ل، ق: پا ۸- ل: به پیش؛ ل: ورائد از میان؛ متن = ف، س، ق، س: ۹- س: باندیشه ۱۰- ل، ل، ل: (نیز و): نخوار؛ س: (نیز ق، ل، ن): تخار؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، ل، ل، پ، آ، ب، بنداری) ۱۱- ق: خواستار؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س: (نیز ل-ب) ۱۲- ق، ل: نه اندیشد ۱۳- ل: نامور ۱۴- در ل، س حرف یکم نقطه ندارد؛ ق: نشاید؛ متن = ف، ل، ا، س: ۱۵- ق: سرود ۱۶- س: ز ایران به توران ۱۷- س: ماه ۱۸- ل: زان ۱۹- ل، ل، ل: (نیز ب، و، ل، ا): تا؛ س: با (نقطه ندارد)؛ ق: دره؛ متن = س: (نیز ل، ل، ل، آ، ب)؛ ف: این بیت را ندارد ۲۰- ل: بر شد به بالای تیغ؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س: ۲۱- ل: در ۲۲- س: بانک و آواز ۲۳- ل، ق: ز سالار بیدار؛ س: همی از سپهدار؛ متن = ف، ل، ا، س: ۲۴- ل، ل، س، س: (نیز ل، پ، و، آ، ب): نرم گوی (ل: گو)؛ متن = ف، ق، ل: (نیز ل، ق، ل، ل، ا، س، ل، ل، س: (نیز ل، ل، ل، آ، ب): جهان دیده؛ (و: سرافراز)؛ متن = ف، ل، ا ۲۶- ق (نیز ل): میالای؛ (پ: میازار)؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س: (نیز ل، ق، ل، و، آ، ب) ۲۷- س، س، س: نه؛ متن = ف، ل، ق، ل، ا ۲۸- ق: ما ۲۹- س: بدین ۳۰- ل، ل، س، ق، ل: ما؛ متن = ف، س: ۳۱- ل، ل، س: نباید

فرونی نداری تو ^۱ چیزی ز من سرودست و پای ^۳ و دل و مغز ^۴ و هوش نگه کن به من ^۷ تا مرا ^۸ نیز هست سَخُن پرسمت، گر تو پاسخ دهی بدو گفت بهرام: برگوی هین! فرود آن زمان گفت: سالار کیست؟	۱۶۵
بدو گفت بهرام: سالار طوس ز گردان چو گودرز و چون گرد گویو چو گسَتهَم و چون زنگه‌ی شاوران ^{۱۵} بدو گفت کز چه ز بهرام نام ز گودرزیان ما بدویم شاد بدو گفت بهرام کای شیرمرد چنین داد پاسخ مرو را فرود. مرا گفت: چون زی تو ^{۲۱} آید سپاه دگر نامداری ز گنداوران ^{۲۳} که آیند ^{۲۴} همشیرگان پدَرَت ^{۲۵} بدو گفت بهرام کای نیک‌بخت	۱۷۰ ۱۷۵ ۱۸۰
به ^۲ گردتی و مردتی و نیروی تن زبان ^۵ سراینده و چشم ^۶ و گوش، اگر هست، بیهوده ^۹ منمای دست! شوم شاد اگر رای فَرخ نهی ^{۱۰} تو بر آسمانی و من بر زمین به جنگ ^{۱۱} اندرون نامبردار ^{۱۲} کیست؟ که با اختر کاویانست و کوس ^{۱۳} چو شیدوش و فرهاد و گرگین ^{۱۴} نیو گرازه سر مرز ^{۱۶} گنداوران ^{۱۷} نبردتی و بگذاشتی کار خام؟ ^{۱۸} مرو را ^{۱۹} نکردی به لب هیچ یاد چنین ^{۲۰} یاد بهرام با تو که کرد؟ که این داستان من ز مادر شنود پذیره شو و نام ^{۲۲} بهرام خواه کجا نام او زنگه‌ی شاوران سَزَد گر نجویی بریشان گذرَت ^{۲۶} توی ^{۲۷} بار آن خسروانی درخت؟	

۱- ل: به ۲- س: ز ۳- ق: پا و دست؛ ل: پای و مغز؛ س: پای و دست؛ متن = ف، ل، س ۴- ل: دست ۵- ل: (نیز ب): روان (زوان) ۶- ف: مغز (!)؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۷- س، ق: مرا؛ متن = ف، ل، ل، س ۸- ق: بمن ۹- ل: سموده (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل- ب) ۱۰- ل: پس از این بیت افزوده است:

چو خواهی که بینی نژاد مرا
بپرسی بدانی نمای ترا
زدوتن چه ترسند چندین سوار
همه ساخته آلت کارزار

۱۱- ل، ق: رزم؛ متن = ف، س، ل، س ۱۲- س، ل، س (نیز ل، پ- ب): از در کار؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، س) ۱۳- س بیت‌های ۱۷۰-۱۷۲ را ندارد و بجای آنها افزوده است:

چو بشنید بهرام یکسر گفت
ز نام گوان پاک یک یک بگفت (!)

۱۴- س: گرگین و فرهاد؛ ل: چو گرگین و شیدوش و فرهاد؛ متن = ف، ل؛ ق: بیت‌های ۱۷۱ و ۱۷۲ را ندارد ۱۵- ف: و برته ز کنداوران؛ ل، س (نیز ل، ق، ل، و، ل، ب): گزدهم و جنگاوران؛ متن = ل (نیز ل، پ، آ)؛ ل ۱۷۲ ب- ۱۷۸ آ را انداخته و از ۱۷۲ آ و ۱۷۸ ب یک بیت ساخته است ۱۶- س (نیز ل): مرد؛ (ل، پ، ل، ن: تخم)؛ متن = ف، ل (نیز ل، و، آ) ۱۷- ف: جنگاوران؛ متن = ل، س (نیز ل، ل- آ) ۱۸- س: نام و کام ۱۹- ل، س: مرا زو؛ ق: چرا زو؛ متن = ف، س ۲۰- ق: همی ۲۱- ل: پیشت؛ س: بر تو؛ ق: برتر؛ متن = ف، س ۲۲- س: یاد؛ ق: روی؛ س: از راه؛ متن = ف، ل ۲۳- س: و گر نامداری ز جنگاوران ۲۴- ل: همانند؛ س: همینست؛ س: همویند؛ متن = ف، ق، ل ۲۵- ل- س (نیز ل- ب): پدر؛ متن = ف ۲۶- س (نیز ل، و، آ، ب): گذر؛ (ل، پ، ل، ن: خبر؛ ق: هنر)؛ س، ل: ازیشان گذر؛ ق: بدیشان گذر؛ ل: بریشان نجویی گذر (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف ۲۷- س، ق، ل، س: تویی؛ متن = ف، ل: بنداری؛ فقال بهرام: أنت فروذ ثمره ذلك الشجر الخسروانی؟ س پس از بیت ۱۸۰ افزوده است:

سیاوش که شد کشته بر بی گناه
وزان داغ دل گشت ایران سپاه

فرودی تو ای شهریار جوان^۱؟
 بدو گفت کاری^۴ فرودم درست
 بدو گفت بهرام: بنمای تن
 به بهرام بنمود بازوی^۵ فرود
 کزان گونه پیکر^۶ به پرگار^۷ چین^۸ ۱۸۵
 بدانست کو از نژاد قباد
 برو آفرین کرد و بردش نماز
 فرود آمد از اسپ شاه جوان
 به بهرام گفت: ای سرافرازمرد
 دو چشم من ار^{۱۶} زنده دیدی پدر ۱۹۰
 که دیدم ترا شاد و روشن‌روان
 بدان^{۱۹} آمدم من^{۲۰} بدین^{۲۱} تیغ کوه
 پیرسم ز گردی^{۲۲} که سالار کیست؟
 یکی سور سازم چنان چون توان
 از^{۲۴} اسپ وز شمشیر و گرز و کمر ۱۹۵
 و زان^{۲۶} پس گزاران^{۲۷} به پیش سپاه
 سزاوار این جستن کین منم
 سزد گر بگویی تو با پهلوان

که جاوید بادی^۲ و^۳ روشن‌روان!
 از آن سرو افکنده شاخی برُست
 برهنه نشان سیاوش به من
 ز عنبر به گل بر یکی خال بود،
 نداند نگارید کس بر زمین^۹
 ز تخم^{۱۰} سیاوخش^{۱۱} دارد نژاد
 به بالا برآمد به تندی فراز^{۱۲}
 نشست از بر سنگ روشن‌روان
 جهاندار^{۱۳} و^{۱۴} بیدار^{۱۵} شیر نبرد
 همانا نگشتی ازین شادتر^{۱۷}،
 هنرمند و بینادل^{۱۸} پهلوان
 که از نامداران ایران گروه،
 به رزم اندرون نامبردار کیست؟
 بینم به شادی^{۲۳} رخ پهلوان
 بیخشم ز هر گونه^{۲۵} بسیار مر
 به توران شوم داغ‌دل کینه‌خواه
 به جنگ آتش تیز برزین منم
 که آید^{۲۸} بدین^{۲۹} کوه^{۳۰} روشن‌روان^{۳۱}

۱- ل: جهان ۲- ل: باشی ۳- ل: به؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۴- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، لن): آری؛
 متن = ل (نیز لی، ب) ۵- ف، س، ق، ل، آ، س: بازو؛ متن = ل ۶- ل، ق، س، آ (نیز ل): بتگر؛ متن = ف، س، ل (نیز لی، پ، آ،
 ب) ۷- ف، ق: بترکان و (پیرگار؟): متن = ل، س، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، پ، و، آ، ب) ۸- (ق: ننگکاشت نقاش چین) ۹-
 (ل، و: برنگین)؛ س: نگاریدنش برنگین؛ (ب: نگاریدن اندر زمین)؛ ل: نگارنده ننگارد آن برنگین؛ متن = ف، ق (نیز ق، لی، پ، لن، آ،
 آ) ۱۰- س، ق (نیز لن، ل، لن، آ، ب): ز راه: متن = ف، ل، ل، آ، س، آ (نیز لی، آ) ۱۱- ف، ل، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ب): سیاوش (= سیاوش)
 ؛ متن = س، س، آ (نیز ق): ف پس از این بیت افزوده است:

بجست از بر باره بهرام شیر نمازآوران نزد شاه دلیر

۱۲- ل- س، آ (نیز لن، پ- ب): برآمد (ب: درآمد) به بالای تند و دراز (س: از فراز؛ لن، پ، لن: بیود از فراز)؛ (ق: برآمد به پیش گو سرفراز؛
 ل: همی گفت با اوزمانی دراز)؛ متن = ف؛ بنداری (۱۸۲-۱۸۷): فقال: نعم! أنا فروذ بن سیاوخش. فقال: أرنی العلامة الکیاتبه. فکشف له
 عن عضده فرأی شامة كأنها نقط عنبر تلوح علی الورد الأحمر. فعلم أنه من الجرثومة الکريمة. فأتی علیهِ وسجد له ثم صعد الیه ۱۳- س:
 جهانگیر ۱۴- ق: [و] ۱۵- ل: [و] ۱۶- س: دو چشمم اگر ۱۷- ق: ندیدی ازین خوبتر ۱۸- س، س: بیداردل؛
 متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، آ بران ۲۰- ل: آمدستم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۱- ل: برین؛ س این بیت را ندارد و پس از
 بیت ۱۹۱ بیت ۱۹۵ را آورده است ۲۲- ل: زمردی؛ س: ندانم؛ س: ز گردان؛ متن = ف، ق، ل، آ ۲۳- س: نشان ۲۴- ف- ل:
 ز؛ متن = س ۲۵- ل، س، آ (نیز لن، لی- ب): چیز؛ س، ق: بیخشم هر چیز؛ متن = ف (نیز ق): درس این بیت پس از بیت ۱۹۱ آمده
 است ۲۶- ف، ل، آ: از آن؛ متن = ل، س، ق، س، آ ۲۷- ل: گرایم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۸- ل، آ، س: که ایدر ۲۹-
 ل، ل، آ، س، آ: برین؛ متن = ف، س، ق ۳۰- ل: سنگ؛ ق: جشن؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۳۱- ل: نوشین روان

بباشیم یک هفته ایدرا^۱ بهم
 ۲۰۰ به هشتم چو برخیزد آوای^۳ کوس
 میان را ببندم به کین پدر
 که^۶ با شیر جنگ آشنایی دهد
 که اندر جهان کینه را^۷ زین نشان
 بدو گفت بهرام کای شهریار
 ۲۰۵ بگویم من این هر چه^{۱۰} گفتی به طوس
 ولیکن سپهبد خردمند نیست
 هنر دارد و خواسته، هم نژاد
 بشورید با^{۱۳} گیو و^{۱۴} گودرز و شاه
 همی گوید از تخمهی نوذرم
 ۲۱۰ سزد گر بیچد ز گفتار من؛
 جز از من هر آنکس که آید برت
 که خود کامه مردی ست بی تاروپود
 و دیگر که با ما دلش نیست راست
 مرا گفت: بنگر که بر کوه^{۲۳} کیست
 ۲۱۵ به گرز و به خنجر سَخُن گوی و^{۲۴} بس
 به مژده من آیم چنو^{۲۶} گشت رام
 و اگر جز ز من دیگر آید^{۲۷} کسی
 نباید^{۲۹} بر تو جز از^{۳۰} یک سوار
 چو آید بین^{۳۱} تا چه آیدت رای

سگالیم هر گونه از^۲ بیش و کم
 به زین اندر آید سپهدار طوس،
 یکی رزم^۴ سازم به درده^۵ جگر،
 ز بر پر کرگس گویایی دهد،
 نبندد میان^۸ کس ز گردنکشان
 جوان و هنرمند^۹ و گرد و سوار
 به خواهش دهم نیز بر دست بوس
 سر و^{۱۱} مغز او از در پند نیست
 نیاردهمی بر دل از شاه یاد^{۱۲}
 ز بهر فریبرز^{۱۵} و تخت و کلاه
 جهان را به شاهی خود^{۱۶} اندر خورم
 گر آید به^{۱۷} تندی و پیگار^{۱۸} من،
 نباید که بیند سر و مغفرت^{۱۹}
 کسی دیگر آید نباشد^{۲۰} درود
 که شاهی همی با^{۲۱} فریبرز خواست^{۲۲}
 چو رفتی پرسش که از بهر چیست
 چرا باشد^{۲۵} این روز بر کوه کس؟
 ترا پیش لشکر برم شاد کام
 نباید برو بودن این^{۲۸} بسی
 چنین ست آیین این نامدار
 در دز بگير^{۳۲} و مپرداز^{۳۳} جای

۱- ل: اینجا ۲- ق: از هرگونه (وزن ندارد) ۳- س: آواز ۴- ل: جنگ ۵- ق: خون ۶- س: چو ۷- س:
 کینه ۸- س، ق: کمر؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۹- ل، ل، س: خردمند ۱۰- ل، س: هرچ ۱۱- ل: سر ۱۲- س: ندارد
 بدل بر ز کس هیچ یاد؛ بنداری: و هو، علی ذلک، صاحب آید و قوه و أموال کثیره؛ ولا یلتفت الی الملک کیخسرو ذلک الالنفات ۱۳- س:
 ۱۴- ف، ل، س ۱ (نیز ل، پ، ل، ن، ب): طوس؛ متن = س، ق، ل ۱ (نیز ق، ل، ل، ل، و، آ)؛ بنداری: ولم یرض بخدمته حتی نابذه جوذرز و
 عزم علی قتاله ۱۵- س: ز پیروزی بخت ۱۶- ق: من ۱۷- ق، س: ز؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۸- ل: ز کردار؛ ق، ل، ل، س ۱
 (نیز ل، ل، ب): به پیکار؛ متن = ف، س (نیز ق) ۱۹- س، ق: افسرت؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۲؛ درق این بیت با بیت ۲۱۷ پس و پیش
 شده است ۲۰- ل: یارد (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۱- س: بر ۲۲- س: به شاهی فریبرز گوید سزاست ۲۳- س، ق، ل، ل،
 س ۲: تیغ؛ متن = ف، ل [و] ۲۴- ل: [و] ۲۵- س: باید ۲۶- ف، س، ق، س: چو او؛ ل: گراو؛ متن = ل ۲۷- ق: جز از من
 گر آید بنزدت ۲۸- ف، س، س ۲ (نیز ل، و، آ): بود آیین؛ ل: ترا بودن ایدر؛ متن = ق، ل ۱ (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن، ب)؛ درق این بیت با
 بیت ۲۱۱ پس و پیش شده است ۲۹- ل: ببااید؛ س، ل: نیاید؛ متن = ف، ق، س ۲ ۳۰- ل، ق، ل: ل: بجز؛ متن = ف، س،
 س ۱ ۳۱- س: کنون یک بیک؛ ل: چو آید برت ۳۲- ل: ببند؛ متن = ف، س، ق، س ۲ ۳۳- س، ق: بپرداز؛ متن = ف، ل، س ۲؛
 ل: درنگی مساز و میارای

- ۲۲۰ یکی گرز پیروزه دسته به زر
بدو گفت: گیر این^۲ ز من یادگار
چو طوس سپهبد پذیرد خرام^۳
جزه^۵ این هدیه‌ها باشد^۶ واسپ وزین^۷
- فرود آن زمان^۱ برکشید از کمر
همی دارتا خود کی آید به کار
بباشیم روشن دل^۴ و شاد کام،
به زر افسر و خسروانی‌نگین
- ۲۲۵ چو برگشت بهرام^۸ با طوس گفت
بدان کان^۹ فرودست، فرزند شاه
نمود آن نشانی که اندر نژاد
چنین داد پاسخ ستمگاره طوس
ترا گفتم: او را بنزد من آر
گر او شهریارست، پس من که ام^{۱۴}؟
- ۲۳۰ نینم ز خود کامه گودرزیان
بترسیدی از بی هنر^{۱۹} یک سوار
سپه دید برگشت سوی^{۲۱} فریب
- که با جان پاکت خرد باد جفت!
سیاوش، کجا کشته شد^{۱۰} بی گناه
ز کاوس دارند و از^{۱۱} کیقباد
که من دارم این لشکر و بوق^{۱۲} و کوس
سخن هیچ گونه مکن خواستار^{۱۳}
بر آن^{۱۵} دزچه گوید ز بهر^{۱۶} چه ام^{۱۷}؟
مگر آنک دارد سپه را^{۱۸} زیان
نه شیر ژیان بود بر کوهسار^{۲۰}
به خیره سپردی فراز و نشیب

گفتار اندر شدن ریونیز به جنگ فرود^{۲۲}

همانجایگه گفت با^{۲۳} سرکشان که ای نامداران^{۲۴} دشمن گشایان^{۲۵}،

۱- ل، ل، س: از میان؛ متن = ف، س، ق ۲- س: دار این؛ ل، س: (نیزلی، و، آ، ب): کین را؛ ل، ق (نیزلن، ل، پ، لن): بدو داد و گفت این؛ متن = ف ۳- ل: پذیره خرام؛ ل: شود بازام ۴- س: شادان دل ۵- ل: چو ۶- س: از؛ ق: هدیه باشد ز ۷- ل: ترا هدیه‌ها باشد از من جز این؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند؛ س: خشم گرفتن طوس نوذر بر بهرام گودرز از بهر فرود سیاوش؛ ق: بازگشتن بهرام از نزد فرود و سخن گفتن او با طوس ۸- ل، س: بهرام برگشت ۹- س، ق: کوه؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۰- ل: که شد کشته بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن - ب) ۱۱- ل، س، ق، ل: وز؛ متن = ف، س: ل (نیزل^۲) پس از بیت ۲۲۶ و ق پس از بیت ۲۳۷ افزوده‌اند:

ترا شاه کی خسرو اندرز کرد که گرد فرود سیاوش مگرد
بنداری (۲۲۴-۲۲۷): و جاء الی طوس و أخیره بأنه فروذین سیاوخش، و أنه أراه العلامة الکیانیة. فأغلظ له طوس و جاوبه بالعنف ۱۲-
س: لشکر کین ۱۳- س: سخن را مکن هیچ از او خواستار؛ ل: نه شیر ژیان بود بر کوهسار (= ۲۳۱ ب) ۱۴- ف- ل: کی ام؛ متن =
س: ۱۵- ل: برین؛ س، ق: بدان؛ س: بدین؛ متن = ف، ل، ۱۶- س: که من بر؛ ل: کوه گوید ز بهر؛ متن = ف، ق، ل، س:
س: ۱۷- ف- ل: چی ام؛ متن = س: ل (نیزل^۲) پس از این بیت افزوده‌اند:
یکی ترک زاده چوزاغ سپاه برین (ل: بدین) گونه بگرفت راه سپاه
۱۸- ل: مرازو؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- ل: نامور؛ س: پرهیز ۲۰- ل: نه اوژدها بود در کارزار ۲۱- ل، س: ازو بازگشتی
بمکرو؛ س این بیت را ندارد؛ در ل بیت های ۲۲۹-۲۳۲ درهم ریخته‌اند: ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۳۰- ۲۲- ف: گفتار اندر شدن ریونیز به
جنگ فرود و کشته آمدن او بزخم تیر فرود و زاری کردن طوس بروی؛ ل (چند بیت پایین تر): رزم فرود با ریونیز؛ متن = آغاز ف ۲۳- ق:
ابا ۲۴- س، ق، ل، س: نامداران و ۲۵- ل، س، ق، س: (نیزلن): گردنکشان (پساوند ندارند)؛ ل (نیزلی، آ): مردم کشان؛ (ق):
خسرو نشان؛ متن = ف (نیزلن، ل، پ، و، ب)

یکی نامور خواهم و ناجوی ^۱	
سرش را به خنجر ببرد ^۴ ز تن	۲۳۵
میان را بیست اندر آن ریوتیز	
بدو گفت بهرام کای پهلوان	
بترس از خداوند خورشید و ماه	
که گر یک سوار از میان سپاه ^{۱۰}	
ز چنگش ^{۱۲} رهایی نیابد به جان	۲۴۰
سپهد شد آشفته از گفتِ اوی ^{۱۴}	
بفرمود تا نامبردار چند	
ز گردان فراوان برون تاختند	
بدیشان چنین گفت بهرام گرد	
بر آن ^{۲۰} کوه سر ^{۲۱} خویش کیخسروست	۲۴۵
هر آنکس که روی سیاوش ندید ^{۲۳}	
چو بهرام داد از فرود این نشان	
بیامد دگر باره داماد طوس	
ز راه جرم بر سپد ^{۲۶} کوه شد	
چُن ^{۲۸} از تیغ بالا فرودش بدید	۲۵۰
چنین گفت با رزم دیده تُوخوار ^{۳۱}	
کز ایدر نهد سوی ^۲ آن ترک روی ^۳	
به پیش من آرد بدین ^۵ انجمن	
همی ^۶ ز آن نبردش سرآمد قفیز ^۷	
مکن هیچ بر خیره تیره روان ^۸	
دلت را به شرم آور از روی شاه ^۹	
شود نزد آن پُره‌ریور شاه ^{۱۱} ،	
غم آری همی در ^{۱۳} دل شادمان	
نُبد پند ^{۱۵} بهرام یل ^{۱۶} جفت اوی ^{۱۴}	
بتازند سر سوی ^{۱۷} کوه بلند ^{۱۸}	
نبرد وُرا گردن افراختند	
که این کار یکسر مدارید خرد ^{۱۹}	
که یک موی او بهتر از ^{۲۲} پهلَوست	
بباید به دیدار ^{۲۴} او آرمد	
ز ره بازگشتند گردنکشان	
همی کرد گردون برو ^{۲۵} بر فسوس	
دلش پُرجفا بود، نستوه ^{۲۷} شد	
ز ترکش ^{۲۹} کمانِ کیان ^{۳۰} برکشید	
که طوس آن سَخُن ها گرفته ست ^{۳۲} خوار	

۱- ق: ناجو ۲- س: که آرد سوی کوه ۳- ق: رو ۴- ل: ببرد به خنجر ۵- ل: آرد بر؛ س بیت های ۲۳۵-۲۴۳ را انداخته است ۶- س: همان ۷- ل: خرامد بشیر (!)؛ س^۲ (نیز پ، و) پر آمد قفیز؛ (لن، لن، ب: برآمد قفیز)؛ متن = ف- ق (نیز ل، آ) ۸- ← ۲۲۶ پ ۹- ل پس از این بیت افزوده است:

سواربست نام آور و جنگجوی

که پیونند لویست و همزاد اوی

۱۰- س: گروه ۱۱- س: شود پیش او تا سر تیغ کوه ۱۲- ل: حنگش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل، س: جنکش؛ متن = ف ۱۳- ل: بر؛ متن = ف، ق، ل، س: او ۱۴- ل، ق: او ۱۵- ف: نیز؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز لن- ب) ۱۶- ق (نیز لن، پ، لن): خود؛ س: را؛ متن = ف، ل، ل (نیزش دستنویس دیگر) ۱۷- ل: نزدیک ۱۸- س: آن فرمند؛ (لن، ل، پ، لن: آن ارجند)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ل، و، آ، ب) ۱۹- ق: را خرد نتوان شمرد ۲۰- ل، س، ل: بدان؛ متن = ف، ق، س: ۲۱- ق، س: بر؛ متن = ف، ل، س، ل ۲۲- ل: به زصد؛ (ب: تاره مویش به از؛ ق، ل: یکی موی او (ل: ازو) بهتر از)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزش دستنویس دیگر) ۲۳- ل، س، ل، س: (نیز لن): ندید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، لن: بدید)؛ متن = ف (نیز ق، ل، پ، آ، ب) ۲۴- ل، ل، ل، س: (نیز ل): نیارد ز دیدار؛ س (نیز لن، پ، لن): نخواهد ز دیدار؛ (ق، و: نباید ز دیدار)؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب)؛ ق این بیت و بیت سپین را ندارد ۲۵- ق: بدو؛ در ل این بیت را در کناره افزوده اند ۲۶- ف، ل، س: سبد؛ ل: زره باز یابید و بر؛ متن = س، ق ۲۷- س: نستوه؛ ل در اینجا سرنویس دارد: نبرد فرود با ریو و پهلوانان دیگر ۲۸- ل، س، ل، س: چو؛ متن = ف ۲۹- ل (نیز لن، ل، پ، لن): قربان؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ بنداری: فأخرج من ترکشه نشابه و رمه بها ۳۰- س، ل، ل، س: کیی؛ متن = ف، ل؛ ق این بیت را ندارد ۳۱- ل (نیز و، ل): نخوار؛ س (نیز ق): نخار؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۲- ل: سخنهای ما داشت

۲۵۵ که آمد^۱ سواری و بهرام نیست
 بین تا مگر یادت آید که کیست؟
 چنین داد پاسخ مرو را تُوخوار^۲
 چهل خواهرستش چو خرّم بهار
 فریبنده و ریمن و جابلوس^۳
 چنین گفت با مردِ بینا^۴ فرود^۵
 چُن ۱۳ آید^۶ به پیگار گنداوران
 برو^۷ ۱۶ گر کند بادِ کلکم گذار
 ۲۶۰ به تیر اسپ بی جان کنم گر^۸ سوار؟
 بدو گفت: بر مرد بگشای^۹ ۱۹ بر
 بداند که تو دل بیاراستی
 چنین^{۱۰} ۲۲ با تو بر خیره جنگ آورد
 چو با تیر^{۱۱} ۲۴ نزدیک شد ریونیز
 ز بالا خدنگی بزد بر برش^{۱۲} ۲۶
 ۲۶۵ بیفتاد و برگشت از او^{۱۳} اسپ نیز
 به^{۱۴} ۲۹ بالا چو طوس از میم^{۱۵} ۳۰ بنگرید
 چنین داستان زد یکی پُرخرَد

مرا دل درشتست^۱ و پدرام نیست
 سراپای^۲ در آهن از بهر چیست؟
 که این ریونیزست گُردی سوار^۳
 پسر خود جزین نیست^۴ اندر تبار
 جوان و دلیرست و^۵ داماد طوس
 که هنگام کین^۶ ۱۱ این نشاید ستود^۷ ۱۲
 به خوابش^۸ ۱۵ بر دامن خواهران
 اگر زنده ماند، به مردم مدار!
 چه گویی تو ای کاردیده تُوخوار^۹ ۱۸؟
 مگر طوس را زو^{۱۰} ۲۰ بسوزد^{۱۱} جگر
 که با او همی آشتی خواستی
 همی بر برادرت ننگ^{۱۲} ۲۳ آورد
 به زه برکشید آن خمانیده^{۱۳} ۲۵ شیز
 که بردوخت با ترگِ رومی سرش^{۱۴} ۲۷
 به خاک اندرآمد سرِ ریونیز
 شد آن کوه بر^{۱۵} ۳۱ چشم او ناپدید
 که از خوی بد کوه کیفر برد

۱- ق: بیامد ۲- ف-س ۳- (نیز لن، ق، پ-ب): درستست؛ متن = (ق، ل، ل) — بیت ۱۱۴۳ ۳- ق: سروپای؛ س این بیت را ندارد ۴- ل، ل، ل (نیز و): تُوخوار؛ (ق: تُوخار؛ ل: تُوخار)؛ متن = ف، ق، س ۵- (نیزشش دستنویس دیگر) ۵- ل، ق، ل، س ۶- (نیز لن، ق، ل، و، آ): گرد و سوار؛ (ل، پ، ل، ن: گرد سوار)؛ متن = ف (نیز ب)؛ س این بیت را ندارد ۶- ق: همینست؛ ل: جز او نیست؛ ل، س این بیت را ندارند ۷- ل: چابلوس؛ پ: چابلوس؛ و: چابلوس؛ ب: جابلوس)؛ متن = ف-س ۸- (نیز لن، ق، ل، ل، ن، آ) ۸- ق، س: [و]؛ ل: دلیر و جوانست و؛ متن = ف، س، ل ۹- س، ل، آ، س: دانا ۱۰- ق: بارزم دیده تُوخار ۱۱- ل، س، ق: جنگ؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل: شنود؛ ق: نیاید بکار ۱۳- س، ق، ل، آ، س: چو؛ متن = ف ۱۴- ل: آیند؛ س: آمد ۱۵- س: نشانمش؛ ل: بخوانمش؛ متن = ف، ق، س؛ ل این بیت را ندارد ۱۶- س، ق: بدو؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ق: ار؛ ل: از؛ س: یا؛ متن = ف، ل، س ۱۸- ل (نیز ب): تُوخوار؛ (ل: تُوخار)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزشش دستنویس دیگر) ۱۹- س، ق، س: بگشای بر مرد؛ متن = ف، ل، ل ۲۰- ق: خود ۲۱- س: بجوشد ۲۲- س، ل: چنو؛ ق: همی؛ س: چواو؛ متن = ف، ل ۲۳- س: جهان بر برادرت تنگ ۲۴- ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): تیغ؛ (و: کوه)؛ ل: از دور؛ متن = ف، س (نیز ق، ل) ۲۵- س: از جفا تند (آن خمانیده) ۲۶- ل، ق: سرش؛ س: براند از برش؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۷- ل: برش؛ ق: سرش (پساوند ندارد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۸- ل: زو؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چنین است کردار گردان فلک یکی برمه آرد یکی برسمک
 ۲۹- ق: ز ۳۰- س: جرم ۳۱- ق: از؛ ل این بیت را ندارد؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

گفتار اندر رفتن زرسپ پسر طوس به جنگ فرود^۱

چنین گفت پس پهلوان با زرسپ
 ۲۷۰ سلیح^۲ سوارانِ جنگی بپوش
 تو خواهی مگر کین آن نامدار
 زرسپ آمد و ترگ بر سر نهاد
 چنین گفت شیر ژیان با تُخوار^۳
 بین تا شناسی که این مرد کیست؟
 ۲۷۵ چنین گفت با شاه^۴ جنگی تُخوار^۵
 که این پسر طوس است، نامش زرسپ
 که جفت است با خواهر ریوتیز
 چو بیند بر و بازوی^۶ و مغفرت
 بداند سپهدار دیوانه^۷ طوس
 ۲۸۰ فرود سپهدار^۸ برانگیخت اسپ
 که با جوشن از بر^۹ تنش^{۱۰} را بدوخت
 بيفتاد و برگشت از وی^{۱۱} باد پای^{۱۲}
 خروشی بر آمد از^{۱۳} ایران سپاه
 دل طوس پرخون و^{۱۴} دیده پُر آب

که بفروز دل را چو آذر گشسپ
 به جان و تن خویشان دار گوش
 و گرنه نینم کسی خواستار
 دلی پُر ز کینه، سری^{۱۵} پُر ز باد
 که آمد دگرگون یکی نامدار^{۱۶}
 یکی شهریارست، گره^{۱۷} لشکریست؟
 که آمد گه گردش و کارزار^{۱۸}
 که از پیل جنگی نگرداند اسپ
 به کین آمده است این^{۱۹} جهانجوی نیز
 خدنگی نباید گشاد از برت
 که ایدر نبودیم ما بر فسوس
 یکی تیر زد بر^{۲۰} میان زرسپ
 روانش ز^{۲۱} پیکان خون^{۲۲} بر فروخت
 همی شد دمان و دنان^{۲۳} باز جای
 همه^{۲۴} برگرفتند گردان کلاه
 بپوشید جوشن هم اندر شتاب

۱- ف: گفتار اندر رفتن زراسب پسر طوس به جنگ فرود و کشته شدن؛ ل: رزم فرود با زراسب؛ ق: رفتن زراسب پسر طوس نزد فرود سیاوخش به کین خواستن ریو و کشته شدن زرسب؛ س: کشتن فرود زرسب را؛ متن = آغاز ف ۲- س، ق: سلاح ۳- ل: ز کین و لی؛ ق: دلیری پراز کین و سر؛ متن = ف، س، ل، س؛ ل، س؛ س: پس از بیت ۲۷۲ افزوده اند:

ل: خروشان به اسب اندر آورد پای
 س: خروشان و جوشان و دل پرشکیب

۴- ل (نیز آ): نخوار؛ (ل: نخار) ۵- س، ل، س؛ س: خواستار؛ متن = ف، ل، ق ۶- س، ل: اگر؛ س: یا، متن = ف، ل، ق ۷- س: شیر ۸- ل (نیز آ): نخوار؛ س: نخار ۹- ل، س: گردش روزگار؛ ق: گردش کارزار؛ س: که این گرد را خوارمایه مدار؛ متن = ف، ل ۱۰- ل، س: آن ۱۱- س، ق، ل: بازو؛ متن = ف، ل، س؛ ل، س: پس از این بیت افزوده اند:

ل: بدان تا بخاک اندر آید سرش
 س: دلم بی گمانست کایدش مرگ

۱۲- س: وارونه ۱۳- ل: دلاور ۱۴- س: در ۱۵- ل: کوهه زین؛ س، ق (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن): جوشن وزین؛ س: جوشن ازین؛ (و: زین و جوشن)؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۱۶- ل: که با جوشن از تن سرش (!) ۱۷- س: به ۱۸- ل، س (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ، ب): او؛ ق: همی؛ متن = ف، س: (نیز ق، آ، و)؛ ل: روانش زیکان جوان (!)؛ دل ۱۹- ل: زرسپ ۲۰- ق، ل: چارپای ۲۱- ل: دوان و دنان؛ س: دوان و دمان ۲۲- ل، ق، ل: ز ۲۳- ل: زرسپ؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۴- ل: ابر طوس خون دو دیده (!)؛ درس این بیت پس از بیت ۲۸۷ آمده است

۲۸۵ ز گردان جنگی بنالید سخت
نشست از برزین چو کوهی^۲ بزرگ
بلرزید برسان برگ^۱ درخت
که بنهند بر پشت پیلی سترگ
دلش پُر ز کین بود، سر^۳ پُر ز دود^۴
عنان را بیچید سوی فرود

گفتار اندر رفتن طوسِ نودر به جنگ فرود^۵

تُخوار^۶ سراینده گفت آن زمان
سپهدار طوس ست کامد به جنگ
۲۹۰ برو تا در دز بیندیم سخت
چو فرزند و داماد او را به رزم
فرود جوان تیز شد با تُخوار^{۱۱}
چه طوس و چه پیل و چه شیر^{۱۳} زریان
به جنگ اندرون مرد را دل دهند^{۱۶}
۲۹۵ چُنین گفت کار آزموده^{۱۸} تُخوار^{۱۹}
تو هم یک سُواری، اگر ز آهنی^{۲۲}
از ایرانیان نامور سی هزار
نه دز ماند ایدر^{۲۵}، نه سنگ و نه خاک
به کین پدَرَت اندر آید شکست
که آمد بر کوه، کوهی^۷ دمان^۸
نتابی تو با کار دیده نهنگ^۹
بینیم تا چیست فرمان^{۱۱} بخت
تبه کردی، اکنون میندیش بزم
که چون رزم پیش آمد و کارزار^{۱۲}،
چه جنگی نهنگ^{۱۴} و چه ببر بیان^{۱۵}
نه بر آتش تیز بر گِل نهند^{۱۷}
که شاهان سَخُن را^{۲۱} ندارند خوار^{۲۱}
همی کوه خارا ز بُن بر کنی^{۲۳}،
به جنگ^{۲۴} تو آیند بر کوهسار،
سراسر به پای^{۲۶} اندر آرند پاک^{۲۷}
شکستی که هرگز نشایدش^{۲۸} بست

۱- س: شاخ؛ ق این بیت را ندارد؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

زلشکر مرا گفت کس نیست بار

۲- س: کوه ۳- ل: بود و سر؛ ل، س، س: کین و سرش؛ متن = ف ۴- ل: پر درود؛ ق این بیت را ندارد؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت ۲۸۴ آمده است ۵- ل: رزم فرود با طوس؛ س: رفتن طوس به جنگ فرود و هزیمت شدن طوس از فرود؛ متن = ف ۶- ل، ل: نُخوار؛ س: تخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ل، لن، آ، ب): فرجام؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، پ، و) ۷- ق: ابر کوه پیل ۸- ل: روان ۹- س: درنگ (!) ۱۰- ل، ل، س، ل، س: (نیز لن، ل، لن، آ، ب): فرجام؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، پ، و) ۱۱- ل: نُخوار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ل، ب) ۱۲- ل: آید و کارزار؛ س: که شاهان سخن را ندارند خوار (= ۲۹۵ ب)؛ درس^۲ پس از این بیت، بیت ۲۹۶ آمده است ۱۳- ل: شیر و چه پیل ۱۴- ق: پلنگ ۱۵- س: دمان؛ س این بیت را ندارد؛ بنداری: بعد آن اضطرت الی المناذرة فلا أبالی بطوس ولا بغیره ۱۶- س: دهید ۱۷- س: نهید ۱۸- ل: با شاهزاده؛ س: با رزم دیده؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۹- ل: نُخوار؛ (ق: نخار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- س: ها ۲۱- س: که چون رزم پیش آمد و کارزار (= ۲۹۲ ب) ۲۲- س، ل، س: وگر ز آهنی؛ ق: گراز آهنی؛ متن = ف، ل ۲۳- س: بکنی؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و درس^۲ پس از بیت ۲۹۲ آمده است ۲۴- ل: رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۲۵- ل: اینجا؛ س: اکنون؛ متن = ف، ق، ل، س: ۲۶- ل: زجا؛ س: زیبای؛ متن = ف، ق، ل، س: ۲۷- ق: بلندی برو بوم گردد مگاک؛ ل (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

ز خسرو به (پ: به خسروز) دردش نژندی رسد

و گسر طوس را زین گزندی رسد

۲۸- ل: نشاید؛ ل، س: (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

به دز شومبر رنج (س: مده جان تو) برخیره خیر

بگردان عنان (س: لجام) و مینداز تیر

۳۰۰	سَخُن هر چه ^۱ از پیش بایست گفت ز بی مایه دستور ناکاردان	نگفت و همی داشت اندر ^۲ نهفت وُرا جنگ سود آمد و جان ^۳ زیان
۳۰۵	فرود جوان را دز آباد بود همه ^۶ باره بر ^۷ ماه نظاره بود ^۸ از آن بازگشتن فرود جوان عنان ^{۱۲} برگرایید و بفشارد ^{۱۳} ران چنین گفت با شاه جنگی ^{۱۵} تُخوار ^{۱۶} نگر نامورطوس را نشکنی ^{۱۷} کز ایران ^{۲۰} پیاده نسازند ^{۲۱} جنگ و دیگر که باشد که او را زمان ^{۲۴} چو آید ^{۲۶} سپهبد برین ^{۲۷} تیغ کوه ترا نیست در جنگ پایاب ^{۲۹} اوی ^{۳۰} فرود از تُخوار ^{۳۲} آن ^{۳۳} سَخُن ها شنید ^{۳۴} خدنگی بر اسپ سپهبد بزد	به دز بر ^۴ پرستنده هشتاد ^۵ بود ز ^۹ دیبای چینی ^{۱۰} یکی باره بود ^{۱۱} ازیشان همی بود تیره روان خدنگی نهاده به دست و کمان ^{۱۴} که گر جست خواهی همی کارزار، ترا آن به ^{۱۸} آید که اسپ افگنی ^{۱۹} اگر ^{۲۲} چه بود کار دشخوار ^{۲۳} و تنگ نیاید ^{۲۵} به یک چوبه تیر از کمان بیاید پیش بی گمانی گروه ^{۲۸} ندیدی بروهای پُرتاب ^{۳۱} اوی ^{۳۰} کمان را به زه کرد و اندر کشید ^{۳۵} چنان کز کمان سواران سزد

۱- ل: هرچ ۲- ل: ازوی؛ س: بیتهای ۳۰۰ و ۳۰۱ را ندارد ۳- ق، ل: سر ۴- ل: س: (نیز ق: ب): در؛ متن = ف (نیز لن) ۵- ل، ل: س: هفتاد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

به دز بر پرستنده رویان اوی ستاره ندیدی (→ ستاده بدنندی) پرازگفت و گوی

۶- ق: همی؛ متن ← ۷- ل: با؛ متن ← ۸- ل: همه ماه رویان بیاره بدنند؛ س: (نیز لن، پ، و، لن): همه (لن: یکی؛ لن: همی) بر سر باره نظاره بود؛ (ل: همه باره دز بنظاره بود؛ آ: همه باره بر باره نظاره بود؛ ب: همه باره بر مایه نظاره بود)؛ متن = ف، س: (نیز ق: ل) ۹- ل، ق: چو؛ متن ← ۱۰- (ب: جنگی)؛ متن ← ۱۱- ل: نظاره بدنند؛ (لن: یکی تاره بود)؛ متن = ف، س، ل: س: (نیز نهفت دستنویس دیگر)؛ در ق، ل: س: (نیز لن، ل، آ) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ق: کمان ۱۳- ف، ل، س، س: بفشارد؛ متن = ق، ل: ۱۴- س: (نیز پ): بدش در کمان؛ ق: بشست کمان؛ (لن، ل: بد اندر کمان؛ ق: ل، آ: بزه بر کمان؛ ب: بدشت کمان)؛ ل: نهادش بدست از کمان؛ متن = ف، س: (نیز و)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ف: با شاه توران (!)؛ ل، س، ل: س: (نیز ل): با شاه زاده؛ ق: (نیز ل، آ، ب): شاه جهان را؛ (ق: و: شاه جوان را؛ لن: با شاه خیلی → جنگی)؛ متن = (لن، پ) ۱۶- ل: (نیز لن، و): نخوار؛ س: (نیز ل): تخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، ق: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۱۷- ل: بشکنی (!) ۱۸- ق: ترا بهتر ۱۹- ل: ترا آن بهست کاسب او افگنی ۲۰- س، ق، س: (نیز لن، پ، لن): که شاهان؛ (ل، آ: که ایشان)؛ متن = ف، ل: (نیز ق: ب) ۲۱- ف: نجویند؛ متن = س، ق، ل: س: (نیز لن- ب) ۲۲- ق: وگر ۲۳- ف، س، ق، ل: (نیز لن- ب): دشوار؛ متن = س: ل این بیت را ندارد ۲۴- ل: مر او را زمان؛ س، ل: که وی را زمان؛ ق: نباید که او را زیان؛ س: که او را نباید زمان؛ متن = ف ۲۵- ق: نیاید؛ س: بیابد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چو آید برین کوه سالار نی بیاید پیش گرد رهام و گیبو

۲۶- ل، س: آمد؛ متن = ف، ق، ل: س: ۲۷- س: بر ۲۸- ق: بی گمان هر گروه؛ ل: بیاید کنون لشکرش همگروه؛ متن = ف، س، ل: س: ۲۹- ق: پایاب در جنگ ۳۰- ل، س، ق، ل: او ۳۱- ق: پرزنگ ۳۲- ل، ل: (نیز لن، و): نخوار؛ س: (نیز ل): تخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۳۳- ل، س، س: این؛ متن = ف، ق، ل: ۳۴- ل: شنود ۳۵- ل: اندر بود

<p>دل طوس پُرکین و سر پُر ز باد، پیاده پُر از گرد^۳ و آسیمه سر که این نامورپهلوان را^۴ چه بود، چگونه چمد^۵ در صف کارزار؟ همی از جَرَم نعره بگذاشتند^{۱۱} از^{۱۳} افزاز غلتان شد از بیم تیر برفتند گردان به انبوه بر^{۱۴} به آب مژه رخ نبایست^{۱۶} شست که آمد پیاده سپهدار^{۱۸} نیو رخ نامداران بدین^{۱۹} تازه نیست چه گیرد چُنین لشکر گشن خوار؟ ز هر گونه‌یی کوزند داستان^{۲۲} زمانه پُرآزار^{۲۵} گشت از فرود نباید^{۲۷} که این کین^{۲۸} فراموش کنیم^{۲۹} سُواری^{۳۰} سرافراز نوذرنژاد ازین بیش خواری چه جویم نیز؟^{۳۱} یکی در^{۳۳} به نادانی اندرگشاد^{۳۴}</p>	<p>نگون شد سر بارگی^۱، جان بداد؛ به لشکرگه آمد به گردن^۲ سپر گوازه همی زد پس او فرود که^۵ ایدون به پای^۶ آمد از^۷ یک سوار پرستندگان^۹ خنده^{۱۰} برداشتند که^{۱۲} پیش جوانی یکی مرد پیر سپهد فرود آمد از کوه سر که ایدر تو^{۱۵} بازآمدی تندرست بپیچید از آن^{۱۷} کار پُرماه‌گیو چُنین گفت کین را خود اندازه نیست اگر شهریارست با گوشوار^{۲۰} نشاید^{۲۱} که باشیم همداستان اگر طوس یکبار^{۲۳} تیزی^{۲۴} نمود همی^{۲۶} جان فدای سیاوش کنیم زرسپ گرانمایه زو شد به باد به خونست غرقه تن ریونیز گر او^{۳۲} پور جمست و مغز قباد ۳۱۵ ۳۲۰ ۳۲۵ ۳۳۰</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: تازی و ۲- س: بسریر ۳- س: درد؛ ل: شرم ۴- س: که ای نامداران پهلو ۵- ل: گر؛ متن ← ۶- ل: ستوه؛ متن ← ۷- س: نباید ازین؛ متن = ف، ق ۸- ل: جهد؛ س این بیت را ندارد ۹- ل: پرستنده گان ۱۰- س: نیزه؛ ق: نعره؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۱- ل: برداشتند (پساوند ندارد)؛ س، ق، ل، س: همی نعره از چرخ (ق، س: ابر؛ ل: اسب) بگذاشتند؛ متن = ف ۱۲- س: ز ۱۳- ل، ل: ز ۱۴- ل، س، ق، س: پُراندوه سر (ق، ب: بر)؛ ل: بر انبوه سر؛ (لن: بر انبوه بر؛ لی: به انبوه در؛ ل: به اندوه در؛ پ، آ: به انبوه سر)؛ متن = ف (نیزلن)؛ س، ق (نیزلن، ق، پ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بگفتند یکسر که ای پهلوان سرسرفرازان روشن روان

۱۵- ل: که اکنون تو؛ س، ق (نیزلن، پ، لن)؛ چه به زانکه (س: زانک)؛ (ق: که ایدون تو)؛ متن = ف، ل (نیزلی، ل، و، آ، ب) ۱۶- ل، س: نباید ۱۷- ل: زان ۱۸- س: سرافراز ۱۹- ل: برین ۲۰- ف (نیزلی، آ، ب): بر کوهسار؛ س: اگر یک سوار؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن، ل، پ، و، لن) ۲۱- ل: نباید؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۲- س: برآستان که دارند این داستان؛ ق، س: بدینسان (س: برینسان) که او آورد داستان؛ (لن، پ، لن: بدینسان که آورد او داستان؛ ق: زهر گونه‌یی کوزدم داستان؛ آ: زهر گونه‌یی تا زند داستان)؛ متن = ف، ل، ل (نیزلی، ل، و، ب: ل، و: به هر گونه‌یی) ۲۳- ل: یکباره ۲۴- ل، س: تندی؛ متن = ف، ق، ل، س ۲۵- س، ق: پر آشوب؛ متن = ف، ل، ل، س: پس از این بیت افزوده است:

ز گردان ایران دو آزاده کشت ز تیرش سپهدار بنمود پشت

۲۶- ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل، س ۲۷- ق: مبادا؛ ل، س: شاید ۲۸- ل: بد ۲۹- س: این را بدل خوش کنیم ۳۰- س، ق: سوار ۳۱- س: چیز؛ ل، ل (نیز ق)؛ چه بینم نیز؛ ق: چه باشد بنیر؛ (لی: نجویم نیز؛ آ: نجوانم نیز؛ ب: چه یابیم نیز)؛ س: چیزی چه باید بنیر؛ متن = ف (نیز ل، پ) ۳۲- س، ل: اگر ۳۳- ل: کین؛ متن ← ۳۴- ل: به نادانی این جنگ را برگشاد؛ متن = ف، س، ق، س

گفتار اندر رفتن گیو بنزد فرود^۱

همی گفت و^۲ جوشن همی بست گرم
 نشست از بر آژدهای^۳ دژم
 فرود سیاوش چُن^۴ او را بدید
 همی گفت کین لشکر رزمساز
 همه یک ز دیگر دلاورترند
 ۳۳۵ ولیکن خرد نیست با پهلوان
 نباشند پیروز ترسم به کین^۹
 به کین پدر پشت^{۱۱} پشت آوریم
 بگو^{۱۲} کین سوار^{۱۳} سرافراز کیست؟
 نگه کرد از^{۱۷} افراز بالا تُخوار^{۱۸}
 ۳۴۰ بدو گفت کین آژدهای دژم
 که^{۲۰} دست نیای تو پیران بست
 بسی بی پدر کرد فرزندی خرد
 پدر نیز ازو شد^{۲۷} بسی بی پسر
 ۳۴۵ به ایران برادرت را او کشید
 ورا گیو خوانند، پیلست و بس^{۲۹}
 چو بر زه به شست اندر آری گره
 سیلج^{۳۱} سیاوخش پوشد^{۳۲} به جنگ

همی بر تنش بر بدید چرم
 خرامان بیامد به راه جرم
 یکی باد سرد از جگر برکشید
 ندانند راه نشیب از^۵ فراز
 چو خورشید روشن به دوپیکرند^۷
 سر^۸ بی خرد چون تن بی روان
 مگر خسرو^{۱۰} آید به توران زمین
 مگر دشمنان را به مشت آوریم
 که بر^{۱۴} دست و تیغش^{۱۵} بیاید^{۱۶} گریست
 به بی دانشی بر چمن کشت خار^{۱۹}
 که مرغ از هوا اندر آرد به دم،
 سه^{۲۱} لشکر ز^{۲۲} توران^{۲۳} بهم^{۲۴} بر شکست
 بسی کوه و رود^{۲۵} و بیابان سپرد^{۲۶}،
 به پی^{۲۸} بسپرد گردن شیر نر،
 به جیحون گذر کرد و کشتی ندید،
 گه^{۳۰} رزم دریای نیلست و بس^{۲۹}
 خدنگت نیابد گذر بر زره
 نترسد ز ژوپین و^{۳۳} تیر خدنگ

۱- ل: رزم فرود با گیو؛ س: نبرد گیو با فرود سیاوش و کشته شدن اسب گیو؛ ق: گفتار در رفتن گیو به جنگ فرود و پیاده بازگشتن؛ متن =
 ف ۲- ل: [و] ۳- ق: آژدهایی؛ ل: این بیت را ندارد ۴- ل، س، ق، س: چو؛ ل: مر؛ متن = ف ۵- ل، س، س: و؛
 متن = ف، ق، ل ۶- ف: که؛ متن = ۷- ل: تابان بدو بنگرند؛ س، س: که بر (س: ابر) تارک افسران (س: لشکران) افسرند؛
 متن = ل، ق (نیز ق، و، ب) ۸- ل: دل ۹- س: بر رزم و کین ۱۰- ف: خسته؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۱- ل:
 جمله؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل- ب) ۱۲- ل: بین؛ س: نگر ۱۳- ف: دلاور؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۴-
 ف: ابر؛ ل: که در؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز ل- ب) ۱۵- س: دست و یالش؛ ل: دست تیغش ۱۶- ف: که خواهد؛ ل:
 خواهد؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز ل- ب) ۱۷- ل: ز ۱۸- ل، ل، ل: (نیز آ): نخوار؛ (ق: نخار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، س:
 (نیز ل، ل، پ، و، ل، ب، بنداری) ۱۹- ل، ف، ل: (نیز و، ب): گشت خوار؛ ل (نیز ق): رست خار؛ (ق: آ: بر سخن گشت خوار)؛ س،
 س: (نیز ل، ل، ب، ل، ن): بسوی نشیب اندرون خوار خوار؛ متن = ق ۲۰- س: دو ۲۱- ل: دو ۲۲- ق: به ۲۳- ل:
 ترکان ۲۴- ف: همه؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۲۵- س، ق: رود و کوه؛ س: کوی ورود؛ متن = ف، ل، ل: ۲۶- ل:
 شمرد ۲۷- س، س: پدر کرد نیز او؛ متن = ف، ل، ق، ل: ۲۸- ل: همی ۲۹- ق، ل: اوست بس ۳۰- ل: که در؛ متن =
 ف، س، ق، ل، س: ۳۱- س: سلاح ۳۲- ف، ل: (نیز ل، ق، ل، ل، ب، ل، آ، ب): سیاوش پوشد؛ ل، س، ق (نیز ل، و): سیاوش
 (= سیاوش) پوشد؛ متن = س: بنداری؛ و علیه الآن سلاح سیاوخش فلا یؤثر فیه شیء ۳۳- ل، ل، س، ل، ل، س: (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن):
 پیکان؛ ق (نیز ل، ب): پیکان و؛ متن = ف (نیز ل، آ): ژوپین

بکش غرق و پیکان^۱ سوی اسپ ران
پیاده شود، بازگردد مگر ۳۵۰
مگر خسته گردد هیون گران
گشان چون سپهد به گردن سپر

کمان را به زه کرد جنگی فرود
بزد تیر بر سینه‌ی اسپ گيو
ز بام سپدکوه^۵ خنده^۶ بخاست
برفتند گردان همه پیش^۹ گيو
که اسپ ست خسته^{۱۱}، تو خسته نه‌یی ۳۵۵
بر گيو شد بیژن تیزمرد^{۱۴}
که ای^{۱۵} باب شیراوزن^{۱۶} تیزچنگ
چرا دید پشت ترا^{۱۸} یک سوار؟
ز ترکی کنون^{۲۰} اسپ^{۲۱} خسته بدست
بدو گفت: چون خسته^{۲۲} شد بارگی ۳۶۰

همی‌گفت گفتارهای درشت
برآشفت گيو، از گشاد برش
بدو گفت: نشیدی از رهنمای
ترا نیست مغز و^{۲۵} نه رای و خرد^{۲۶}
چو بیژن چنان دید بنمود پشت
یکی تازیانه بزد بر سرش
که با جنگ^{۲۳} اندیشه باید به جای^{۲۴}؟
می‌رورد هر کو ترا پرورد^{۲۷}

۱- ق: غرق تیرت؛ ل: غرقه پیکان ۲- ل: پس آن قبضه؛ ل: (نیزب): برین خانه؛ س: بزین خانه؛ (لن، ق، آ، پ، ل: سوی خانه؛ لی: سرخامه)؛ متن = ف، س، ق (نیزل، و، آ) ۳- س، ق: بر کوه سود؛ ل: که بر بسود؛ س: (نیزو): بر که بسود؛ (لن، پ، ل: بر کوه بود)؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، بی، آ، ب): بسود ۴- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۵- ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ، ل): سپدکوه؛ (ب: بسدکوه) ۶- ق، س: نره؛ متن = ف، ل، ل ۷- ل (نیزلی، پ، و، آ): گيو؛ ق (نیزق، آ، ل، ب): مرد؛ ل: سر؛ متن = ف ۸- ل: بخاست؛ س: همی مغز مردم گوازه بخاست (!)؛ س این بیت را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:
بیامد به گردن سپر سوی دشت
از آن زخم آن تیر او تیره گشت

۹- س: بنزدیک ۱۰- س، ق، ل، آ، س: سرافراز؛ متن = ف، ل ۱۱- س: که اسبت بخت و ۱۲- ل، س، ق، س، آ: بار؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: رسته (!) ۱۴- ل، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، پ، و، ل، آ، ب): شیر مرد؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ)؛ س: پس از این بیت و ق پس از بیت ۳۵۳ افزوده اند:
چو آن دید بیژن بیامد چو باد
سخن‌های ناخوش همی کرد یاد
۱۵- ف: [ای] (وزن ندارد)؛ متن = ل-س ۱۶- ل، س، ل، آ، س: شیراوزن؛ متن = ف، ق ۱۷- س، ل، آ، س: نیاید؛ ق: نتابد؛ متن = ف، ل ۱۸- ق: تو این ۱۹- ل: بهر؛ س: در؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۲۰- ل، س، ق، س: چنین؛ متن = ف، ل (نیزلن-ب) ۲۱- س: گشته ۲۲- ل: کشته؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۳- ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن-ب، ل، آ، ب): جنگ؛ ل (نیزو): رزمت؛ متن = (ل) ۲۴- ل: بکار (پساوند ندارد) ۲۵- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، آ): نه تو مغز داری؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، و، آ، ب) ۲۶- ل: نداری خرد ۲۷- ل: چنین گفت را کس به کیفر برد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب)

۳۶۵	دل بیژن آمد ز تندی ^۱ به درد که زین را ^۲ نگردانم از پشت اسپ و زانجا بیامد دلی پُر ز غم ^۳ کز اسپان تو باره‌یی ^۴ دست‌گش بده ^۵ تا پیوشم سلیح ^۶ نبرد یکی تُرک رفته‌ست بر تیغ کوه گر ایدونک ^۷ از ایدر ^۸ بیاید گذشت مرا بارگی آنک ^۹ جوشن گشد نیام یکی ^{۱۰} نیز هستای او بدو گفت گُسته‌م کین ^{۱۱} نیست روی ^{۱۲}
۳۷۵	زرسپ سپهدار و ^{۱۳} چون ^{۱۴} ریونیز، پدَرَت آنک شیر ^{۱۵} ژیان بشکرد ازو بازگشتند ^{۱۶} دل پُر ز درد مگر پَر کرگس بود ^{۱۷} یا همای ^{۱۸} بدو گفت بیژن که مشکن دم یکی سخت ^{۱۹} سوگند خوردم به ماه ^{۲۰}
۳۸۰	به دادار ^{۲۱} دارنده سوگند خُورد، مگر گُشته آم به کین زرسپ ^{۲۲} سری پُر ز کینه بر گُسته‌م ^{۲۳} ، کجا برخرامد ^{۲۴} بر ^{۲۵} افراز خوش، یکی ^{۲۶} تا پدید آید از مرد مرد بدینسان ^{۲۷} نظاره بروبر گروه، جهان پُر فراز و نشیب‌ست و دشت ^{۲۸} دومانده‌ست، ازین دو ^{۲۹} یکی را ^{۳۰} گُشد، به‌زهره، تگ و ^{۳۱} زور و ^{۳۲} بالای او تو بر خیره برگ بلا را مجوی ^{۳۳} سپهد که گیتی ندارد به چیز، به گردنده گردون همی‌ننگرد، کس آورد با کوه خارا نکرد و گرنه بر آن ^{۳۴} دز که پوید به پای ^{۳۵} کنون یال و بازوی ^{۳۶} زهم ^{۳۷} بگسله به دارای ^{۳۸} گیان و دیهم شاه،

۱- س، ق: تیزی؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۲- س: دارای ۳- ل: که من زین ۴- ف: زمانم سرآید مگر چون زرسپ (= ۳۸۱ ب): متن = ل-س (نیزلن-ب) ۵- ل: برگسته‌م ۶- ل: دلی پر زغم ۷- ل: بارگی ۸- س، ق: بر فرازد؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۹- ل: به؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۱۰- ف: برو؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۱۱- س: سلاح ۱۲- ف (نیزل): بین؛ ل، ل، س ۱۳- (نیز ق، ل، ب): بکین: (لی، آ: بدان): متن = ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، ل) ۱۴- ل: برینسان؛ متن = ف، ل ۱۵- س: ایدونکه ۱۶- ف، ق، س: زایدرد: ل: زینجا؛ ل: کزایدرد؛ متن = س ۱۷- ل: نشیب است پست؛ متن = ف، س، ق: در ل لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: در ل، ل (نیز ق، و) و بیتهای ۳۷۱-۳۷۳ پس از بیت ۳۸۲ آمده‌اند و در س بیت‌های ۳۷۱ و ۳۷۳ یکبار هم پس از بیت ۳۸۲ آمده‌اند و ق بیت‌های ۳۷۱-۳۷۳ را ندارد: پیایی بیت‌های متن = ف، س (نیزلن، لی، ل، پ، ل، ل، آ، ب) ۱۸- ل: اینک؛ س: آنکه؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۹- ل: آ: اگر زین؛ س (نیزلن، پ، و، ل): اگر او؛ س: این گر؛ (ق: ازین گر؛ ل: و گرزین؛ ب: زین گر): متن = ف، ل ۲۰- ل: تن ۲۱- س: دگر ۲۲- ل: برنگ و تک و؛ س (نیزلن، ب، ل، ل): برفتار و؛ ل: بزهره و یک؛ س (نیز ق، ب): بزهر و تک و (در س: با ضبط برفتار و پس از بیت ۳۸۲ آمده است): (لی، ل، آ: برفت و تک و؛ و: بشکل و تک و): متن = ف ۲۳- [و] ۲۴- ف: بدو گسته‌م گفت کین؛ ل: چنین داد پاسخ که این؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیزلن-ب) ۲۵- (لی، آ: مجوی؛ ل: مجوی): س: راه بلا را مجوی؛ س: ترگ بلا را مجوی؛ (ل، ب، ل، ل): پیش بلا در مه‌ایست؛ و: گرد بلا را نیست) ۲۶- ل، ق (نیز ب): ابر خیره (ق، ب: بخیره تو) گرد بلاها مجوی؛ متن = ف، ل (نیز ق) ۲۷- [و] ۲۸- ل، س، ق: پیل؛ متن = ف، ل، ل، س ۲۹- ف: باز گردید؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۳۰- س، ق، س: شود؛ متن = ف، ل، ل، ل ۳۱- ل: رهنمای؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیزلن-ب) ۳۲- س: بدان؛ ق: بدین؛ ل: چنین ۳۳- ل: که بیندیشای؛ س: نیوید پیای ۳۴- ف، س، ق، ل، ل، س: بازو؛ متن = ل ۳۵- ل: همه ۳۶- ل: گفت ۳۷- س: گاه ۳۸- ل-س (نیزلن-آ، ب): دادار؛ متن = ف، ل

زمانم سرآید مگر چون^۲ زرسپ
 خرد هیچ ازین^۵ تیزی آگاه^۶ نیست
 پیاده پیوم، نخواهم^۹ خود اسپ
 که مویی نخواهم ز ریش تو کم^{۱۱}،
 همه دُم^{۱۴} پُر از گوهر شاهوار
 بسازند، اگر^{۱۵} کشته آید رواست

کزین کوه من^۱ برنگردانم اسپ
 بدو گفت گُستهم^۳ کین^۳ راه^۴ نیست
 بدو^۷ گفت بیژن به کین زرسپ^۸
 چنین داد پاسخ بدو^{۱۰} گستهم
 و زان پس بود^{۱۲} بارگی صد هزار^{۱۳}
 ۳۸۵
 بفرمای تا زین بر آنکت هواست

کشیده زهار و بلند و سترگ
 برو برفگنندند برگستوان
 چو اندیشه کرد از گشاد^{۱۸} فرود
 بسی^{۲۱} داستان جوانی^{۲۲} براند
 همان خسروانی یکی میغفرش
 بپوشید بیژن^{۲۳} بکردار گرد
 چنان چون بود مردم جنگ جوی^{۲۵}

یکی رخس^{۱۶} بودش بکردار گرگ
 ز بهر جهان جوی مرد جوان
 دل گیو شد زان^{۱۷} سخن پُر ز دود
 فرستاد و مر^{۱۹} گُستهم را بخواند^{۲۰}
 ۳۹۰
 فرستاد درع سیاوش برش
 بیاورد گُستهم درع نبرد
 به سوی سپدکوه^{۲۴} بنهاد روی

گفتار اندر جنگ بیژن با فرود^{۲۶}

۱- ل: ترک من؛ س: کوه سر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ ۲- ل: مگر کشته آیم بکین ۳- ف: بدو گستهم گفت کین؛ ل: بدو گفت پس گستهم؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب) ۴- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ب): رای (ل، س، س، آ، لن، آ، ب پساوند ندارند)؛ متن = ف، ل^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۵- ف: زین؛ ل (نیز و، ب): خود ازین؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ ۶- ق: تیزیش پای؛ ل: تندی آگاه؛ درل، ل^۲ (نیز ق، و) پس از این بیت، بیت های ۳۷۱-۳۷۳ آمده اند (۳۷۱ پ) ۷- ل: چنین ۸- ف، ل (نیز ق، ب): که من چون زرسب؛ (و: چو آذرگشپ)؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۹- س: نجوم ۱۰- ق، ل، آ: ورا ۱۱- ل: ز تو بیش و کم؛ س، ق (نیز لن، پ، لن، آ): ز فرق (آ: جان) تو کمر (ق، آ، ل): من از تنت کم؛ لی: من از تو بکم)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز و، ب) ۱۲- ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): مرا گر بود؛ ل: و گر خود بود؛ (لی، آ: و گر زان بدی؛ لن، آ: وزانپس مرا)؛ متن = ف (نیز لن، پ، و) ۱۳- ل: ده هزار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب) ۱۴- ل: موی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب)؛ ل، س^۲ (نیز پ) پس از این بیت دو بیت وق (نیز ب) تنها بیت یکم را افزوده اند:
 ندارم بدین (پ، ب: بنیز؛ ق: ندارم نیز) از تو آنرا دریغ

نه گنج و نه جان و نه اسب و نه تیغ

کدامت به آید یکی برگزین

برو یک بیک بارگی ها بسین

ف، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ل) هیچیک از این بیت ها را ندارند ۱۵- س: وگر ۱۶- ق: اسب ۱۷- ق: زین ۱۸- س، ق: او ز کار؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۹- ف: فرستاده؛ ل: فرستاده شد؛ (لن، لن، آ: فرستاد کس)؛ متن = ۲۰- س، ق، س^۲ (نیز ق، لی، و، آ، ب): فرستاد و گستهم را پیش خواند؛ متن = ل ۲۱- س: همه ۲۲- ل: داستان های نیکو؛ س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ): داستان از جوانی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، و، ب) ۲۳- ل: جوشن ۲۴- ف- ل^۲ (نیز ق، لی، و، آ): سبد کوه؛ (لن، لن، آ: ب: سبد کوه)؛ متن = س^۲ (نیز ل^۳) ۲۵- س، ق، ل، آ: کینه جوی؛ متن = ف، ل، س^۲ ۲۶- ف: گفتار اندر جنگ بیژن با فرود و گریختن فرود از بیژن؛ ل: رزم فرود با بیژن؛ ق: گفتار در نبرد بیژن گیو و فرود سیاوخش؛ ل: رفتن بیژن دیو (گیو) بجنگ فرود؛ متن = آغاز ف

<p>۳۹۵</p> <p>چُنین گفت شاه جوان^۱ با تُخوار^۲ نگه کن بین تا وُرا نام چيست به خسرو تُخوار^۳ سراینده گفت که فرزند گیوست، مردی دلیر ندارد جز او گیو فرزند نیز^۴ تو اکنون سُوی بارگی دار دست وُدیگر که دارد هم او آن^۵ زره برو تیر و ژوپین^۶ نیاید به کار^۷ تو با او^۸ بسنده نباشی به جنگ بزد تیر بر اسپ بیژن فرود^۹ بیفتاد و^{۱۰} بیژن جدا گشت ازوی^{۱۱} یکی نعره زد کای سوار دلیر بدانی^{۱۲} که بی^{۱۳} اسپ مردان^{۱۴} جنگ ببینی مرا، گر بمانی بجای</p> <p>۴۰۰</p> <p>چو بیژن همی برنگشت^{۱۵} از فرود یکی تیر دیگر بینداخت شیر</p>	<p>که آمد به نَوی^۱ یکی نامدار^۲ برین^۳ مرد جنگی که خواهد گریست که این را از^۴ ایران کسی نیست جفت به هر جنگ^۵ پیروز باشد چو شیر گرامی ترست او ز جان و ز چیز^۶ دل شاه ایران نشاید^۷ شکست کجا گیو زد بر میانش^۸ گره سزد گر پیاده کند کارزار نگه کن که الماس دارد به چنگ تو گفتی به اسپ اندرون^۹ جان نبود سُوی تیغ^{۱۰} با تیغ بنهاد روی^{۱۱} بمان تا ببینی کنون^{۱۲} رزم شیر بیایند با تیغ هندی به چنگ^{۱۳} به پیگار از آن^{۱۴} پس نیایدت رای</p> <p>فرود اندر آن^{۱۵} نیز^{۱۶} تندی^{۱۷} نمود سپر بر سر آورد مرد دلیر</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س، ل، آ: جهان؛ ق: زمان ۲- ل (نیز آ): نخوار؛ س (نیز ل): تخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز شش دستنویس دیگر) ۳- ل، س، آ: نویی؛ متن = ف ۴- ل، آ: کینه دار ۵- ل: بدین ۶- ل، ل، آ: نخوار؛ س (نیز ل): نخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷- ل، ق: زه؛ ل، آ، س، آ: به؛ متن = ف، س ۸- ل، س: رزم؛ ل، آ: کار؛ متن = ف، ق، س ۹- س، ل، آ: نیز فرزند نیز (!)؛ ق: نیز فرزند چیز (!)؛ س (نیز ب): نیز فرزند گیو؛ متن = ف، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ف، ل (نیز ق، ل، پ، ل، ن): ز جان عزیز؛ ل: گرامی ترستش ز گنج و ز چیز؛ س، ق (نیز و): گرامی تر استش ز جان عزیز؛ س، آ: یکی سرفرازست هشیار و نیو؛ (لن: گرامی تر او را ز جان عزیز؛ ل، آ: گرامیش دارد چو جان عزیز؛ ب: که چون وی نبیند کسی نیز نیو)؛ متن تصحیح قیاسی است (۹۹۳) ۱۱- س: نیاید ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ): همی آن؛ س: به بر آن؛ س، آ: به تن بر؛ ل، آ: که وی دارد آن هم؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن) ۱۳- ل: میان بر؛ س، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): گریبان؛ متن = ف (نیز و) ۱۴- همه دستنویس ها: زوپین ۱۵- ل (نیز ل، آ): نیاید گذار؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، ل، آ، ل، ن، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارد ۱۶- ل، آ: وی ۱۷- ل، آ: چودود ۱۸- س، آ: اندرش ۱۹- ف، ق، س، آ: [و]؛ متن = ل، س، ل، آ ۲۰- ق: ازو ۲۱- ق: کوه ۲۲- ق: رو؛ س، آ: بنهاد با تیغ روی ۲۳- ل، آ، س (نیز و): یکی؛ متن = ف، ق (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: اصبر ساعة حتی تری قتال الأسود ۲۴- ل: ندانی؛ س: ببینی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۵- س، آ: بر ۲۶- س، ق: شیران به؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۷- ل، آ: چگونه بجنگ اندر آرنه چنگ؛ س، آ: نیاید زدن نیز تیر خدنگ؛ متن = ف، ل، س، ق، ف، ل (نیز با دگرگونی هایی ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ف: ندانی که نیز اسب مردان جنگ
ل: کسی کوفکنده شود ز اسب جنگ
نسیاید زدن کت بریزاد چنگ
بیاید ابا تیغ هندی بچنگ (= ۴۰۶)

۲۸- ل: ازین ۲۹- س: همان بازگشت ۳۰- س، ق: از برش؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۳۱- ل (نیز ب): کار؛ (لن، ل، ن): نیز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳۲- س، آ: تیزی

۴۱۰ سپر بردرید و زره را نیافت^۱
 از آن تندبالا چو بر سر کشید^۳
 فرود گرانمایه زو بازگشت
 دوان^۵ بیژن آمد پس پشت اوی^۶
 به برگستوان برزد و کرد^۸ چاک
 ۴۱۵ به دربند حصن اندرآمد فرود
 ز باره فراوان بیارید سنگ
 خروشید بیژن که ای نامدار
 چنین بازگشتی و شرمت نبود؟

بیامد بر طوس^{۱۱} از آن^{۱۲} رزمگاه
 ۴۲۰ سزد گر به رزم چنین یک سوار^{۱۳}
 اگر کوه خارا ز پیکان^{۱۵} اوی^{۱۶}
 سپهبد نباید که دارد^{۲۰} شگفت
 سپهبد به دارنده سوگند خورد
 به کین زرسپ گرامی سپاه^{۲۲}
 ۴۲۵ تن ترک بدخواه بی جان کنم
 چنین گفت کای پهلوان سپاه
 شود نامبردار یک دشت خوار^{۱۴}
 شود آب و^{۱۷}، دریا شود^{۱۸} کان^{۱۹} اوی^{۱۶}،
 ازین^{۲۱} برتر اندازه نتوان گرفت
 کزین دز برآرم به خورشید گرد
 برآرم، بسازم یکی رزمگاه^{۲۳}
 ز خونش دل^{۲۴} سنگ مرجان کنم

گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود^{۲۵}

چو خورشید تابنده شد ناپدید
 دلیران دزدار^{۲۸} مردی هزار
 شب تیره بر^{۲۶} چرخ لشکر^{۲۷} کشید،
 ز^{۲۹} سوی کلات اندرآمد سوار

۱- ل: بتافت ۲- ل، س (نیز ل): پستی؛ ق (نیز ل، پ، و، ل، ن، ب): سستی؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، آ) ۳- ف، س، س (نیز ق، آ، و، آ، ب): سربرکشید (بساوند ندارند)، ل (نیز پ، ل، ن، ا: بر سر رسید)؛ متن = ل (نیز ل، ن)؛ ق این بیت را ندارد ۴- س: همان ۵- س: دمان ۶- ل، س، ق، ل، ا: او ۷- س: برنده؛ ق: یکی کابل تیغ؛ متن = ف، ل، ل، س، ا ۸- ق: گشت ۹- ل- س (نیز ل، ل، آ، پ، ب): درد؛ متن = ف (نیز ق) ۱۰- ل، س: دلیر؛ متن = ف، ق، ل، س، ا ۱۱- ق: پیاده بیامد ۱۲- ل: زان ۱۳- ل- س (نیز ل- ب): دلیر؛ متن = ف ۱۴- ل- س (نیز ل- ب): شیر؛ متن = ف ۱۵- س: به پیکار ۱۶- ل، س، ق، ل، ا: او ۱۷- ف، س، ل، س، ا: [و]؛ متن = ل، ق ۱۸- ل، س، ل، س، ا: بود؛ متن = ف، ق ۱۹- س: کار ۲۰- ل: ماند ۲۱- س، س: کزین؛ ق: کزان؛ متن = ف، ل، ل، ا ۲۲- س، ق: سوار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل- ب) ۲۳- س، ق: کارزار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل- ب) ۲۴- ل: ز خون دلش؛ ف این بیت را ندارد ۲۵- ف: گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود و جنگ فرود با ایرانیان و کشته شدن بردست رهام؛ س: کشته شدن فرود سیاوش بر دست بیژن گیو؛ س: گفتار در کشته شدن فرود؛ متن = آغاز ف ۲۶- ل: از ۲۷- س: دامن ۲۸- ل: دلیران و دزدار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۹- س، ق، س، ا: به؛ متن = ف، ل، ل، ل

در دز بیستند ازین^۱ روی تنگ^۲
جریره^۴ به پای^۵ گرامی بخت
به خواب آتشی دید کز دز^۶ بلند ۴۳۰
سراسر سپدکوه^۷ بفروختی
دلش گشت پُر درد و بیدار^۹ شد^{۱۰}
به باره برآمد جهان^{۱۱} بنگرید
دلش^{۱۲} گشت پُر خون و سر^{۱۳} پُر زدود
بدو گفت: بیدار گرد ای پسر!
سراسر همه^{۱۷} کوه پُر دشمن ست^{۱۸}
به مادر چُنین گفت مرد جوان^{۲۱}
مرا گر زمانه شده ست اسپری
به روز جوانی پدر گُشته شد
به دست گروهی^{۲۵} آمد او را زمان ۴۴۰
بکوشم، نمیرم مگر غم وار^{۲۶}
سپه را همه ترگ^{۲۸} و جوشن بداد
میان زیر^{۳۰} خفتان رومی بیست

خروش جرس خاست و آوای^۳ زنگ
شب تیره با درد و غم بود جفت
برافروختی پیش آن ارجمند،
پرستنده و دز^۸ همی سوختی
روانش پُر از درد و تیمار شد^{۱۰}
همه کوه پُر جوشن و نیزه دید
بیامد دمان^{۱۴} تا بنزد^{۱۵} فرود
که ما را بد آمد از^{۱۶} اختر به سر
در دز پُر از^{۱۹} نیزه و جوشن ست^{۲۰}
که از غم چُنین چند باشی نوان^{۲۲}
زمانه ز بخشش فزون نشمری^{۲۳}
مرا روز چون روز او گشته شد^{۲۴}
سوی جان من بیژن آمد دمان
نخواهم از^{۲۷} ایرانیان زینهار
یکی ترگ پُرمایه^{۲۹} بر سر نهاد
بیامد کمائی^{۳۱} کیانی به دست

گفتار اندر رزم فرود با ایرانیان و کشته شدن فرود^{۳۲}

چو خورشید تابنده بنمود چهر خرامان برآمد به ختم سپهر،

۱- ل: وزین؛ س: ق: از آن؛ س: زین؛ متن = ف، ل ۲- س: روچوسنگ ۳- س: آواز؛ س، ق، س: (نیزلن، ق، پ، لن) پس از این بیت افزوده اند:

همان دخت پیران که مام فرود روان پرز تیمار و دل پرزدود

۴- س، ق: بیامد ۵- ل: به تخت؛ س، ق، ل: (نیزلن، پ، لن)؛ کبزد؛ (ق: به یاد؛ و، ب: به پیش)؛ متن = ف، س: (نیزلی، ل، آ) ۶- س: کرده (— کزدز) ۷- ف، ل، س، ل: (نیزق، ل، ل، پ، و، آ): سبدکوه؛ ق: (نیزلن، لن، ب): سبدکوه؛ متن = س: ۸- ل، ل، س: پرستندگانرا ۹- ل: بیمار ۱۰- ل، ل، ل، س: گشت؛ متن = ف، س، ق: ۱۱- ل: همی ۱۲- ل، ق: رخس؛ متن = ف، س، س: ۱۳- ل، ق: دل؛ س: پردرد و جان؛ ل: پردرد و سر؛ متن = ف، س: ۱۴- ق، ل: دوان؛ متن = ۱۵- ل: به بالین فرخ؛ متن = ف، س، س: ۱۶- ل، ق، س: ز؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷- ل: سبد ۱۸- ق: جوشنست ۱۹- س: همه ۲۰- ق: [و] دشمنست ۲۱- ل: جنگی فرود؛ متن = ۲۲- ل: چه داری دلت پرزدود؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیزلن- ب) ۲۳- ل: نسپری (پساوند ندارد)؛ س: (نیزلن)؛ فرونشمری ۲۴- س، ق: (نیزلن، پ، لن)؛ مرا همچو او روز برگشته شد؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: (نیزشش دستنویس دیگر) ۲۵- ف: گرو؛ س: پس از این بیت افزوده است:

میان مان کنون ریخته گشت خون به خون اندرون آتشی نیست نون

۲۶- ف، س، ق: (نیزلی، ب): غمروار (— غم وار؟)؛ ل: بمیرم مگر غم وار (!)؛ س: (نیزق، و، آ): بمیرم مگر مردوار؛ (لن، پ، لن): بمیرم به غم زاروار؛ متن = ل: (نیزل)؛ غم وار (— غمروار؟) ۲۷- ل: ز ۲۸- س، ق، ل، ل، س: گرز؛ متن = ف، ل ۲۹- ل: رومی؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: ۳۰- ل: را به؛ ل، ل، س: بسند؛ متن = ف، س، ق: ۳۱- ل، ل، س: کمان؛ متن = ف، ل، س ۳۲- ق: کشته شدن فرود بر دست رهام گودرز؛ ل: لشکر بردن طوس بدز و کشته شدن فرود؛ متن = ل

<p>گراییدن^۱ گرزهای گران دمِ نای سرغین^۴ و هندی درای^۵ دلیران ترکان هر آنکس که بود سر کوه شد همچو دریای قیر همی^۸ کوه و سنگ اسپ^۹ را خیره^{۱۰} کرد سپاهِ فرودِ دلاور بکاست سر^{۱۳} بختِ مردِ جوان گشته بود^{۱۲} که چون او ندیدند شیرِ ژیان ندید ایچ تنها رخ کارزار^{۱۵} ز بالا سویی دز شتابید تفت^{۱۶} فراز و نشیبش^{۱۷} همی تاختند - سبک شد عنان و گران شد رکیب^{۱۸} - بزد دست و گرز^{۱۹} از میان برکشید خروشان یکی تیغ هندی به مشت، فرومانند^{۲۳} از کار مردِ دلیر^{۲۴} همی تاخت اسپ و همی زد خروش شد آن نامور شیر^{۲۸} جنگی فرود</p>	<p>۴۴۵ ز هر سو برآمد خروش سران عَو^۲ کوس با ناله‌ی گره‌نای^۳ برون^۶ آمد از باره‌ی دز فرود ز گرد سواران و از^۷ گرز و تیر نُبد هیچ هامون و جای نبرد ازین گونه تا گشت خورشید راست ۴۵۰ فراز و نشیب هم^{۱۱} گشته بود^{۱۲} بدو خیره ماندند^{۱۴} ایرانیان ز ترکان نماند ایچ با او سوار عنان را بیچید و تنها برفت ۴۵۵ چو رُهام و بیژن کمین ساختند چو بیژن پدید آمد اندر نشیب فرودِ جوان ترگِ بیژن بدید چو رُهام گرد^{۲۰} اندر آمد به پشت بزد بر سر سُفت^{۲۱} آن مرد شیر^{۲۲} ۴۶۰ چنان که ش^{۲۵} جدا گشت بازو زدوش^{۲۶} به دز درشد و در^{۲۷} بستند زود</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س، ق: گراینده شد؛ ل، آ، س: گراینده؛ متن = ف، ل ۲- ف، س: همه؛ ل (نیز ق، آ، ی، ب): غو؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ل، پ، ل، آ، آ) ۳- ف، ل، س، س: کَر نای ۴- ل: سرغین؛ ق، س: روین؛ متن = ف، س ۵- ل: دم نای هندی و روین درای ۶- س، ق: فرود؛ متن = ف، ل، آ، س ۷- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س ۸- س: همه ۹- ل، آ، س: آب (!) ۱۰- ل: خرد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۱- س: همی ۱۲- ل، س: شد؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۳- س: سرو ۱۴- س: گشتند ۱۵- ق: نبد هیچ پیدا همی یک سوار (پساوند ندارد) ۱۶- ل: خرامید و تفت؛ ق: شتابیده رفت؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۷- ف (نیز ق، آ، ل): نشیبی (؟)؛ متن = ل- س (نیز ی، پ- ب) ۱۸- س این بیت را ندارد ۱۹- ف، ل، ل (نیز ق، آ): تیغ؛ متن = ق، س (نیز ی، ل، آ، و، آ، ب)؛ بنداری: فرغ الجرز علی بیژن؛ س این بیت را ندارد ۲۰- ق: تیر؛ س: چو بیژن بدید؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۱- ل، ق: کتف؛ ل، آ، س: دوش؛ متن = ف، س ۲۲- ل: مرد دلیر؛ ل، آ، س: آن نره تیر؛ متن = ف، س، ق ۲۳- ل، س، ل، آ، س: فرود آمد؛ متن = ف، ق ۲۴- ق، ل، آ، س: دسست دلیر؛ ل: از دوش دسستش بزیر؛ متن = ف، س ۲۵- ل: هم؛ متن ← ۲۶- ل: چوازوی جدا گشت بازوی و هوش؛ س، ق (نیز ل، ن، پ، ل، آ): جوان همچنان خسته بازو و دوش (س: هوش؛ ق: بازو و جوش)؛ س (نیز ق، آ، ی، ل، آ، و، آ، ب): جوان هم جدا گشته بازو و دوش؛ متن = ف؛ بنداری: ضرب رُهام کتفه ضربه اَبانست اِحدی دیده. و بقی کذلک علی ظهر الفرس یقاتل وی دفع عن نفسه بید واحد؛ ل (نیز ل، آ) پس از بیت ۴۶۰ افزوده اند:

به زخمی پی باره او برید
تبه گشته از جنگ کنداوران

بنزدیک دز بیژن اندر رسید
پیاده خود و چند زان چاکران

۲۷- ق: به دز رفت و در را ۲۸- ل، آ، س: مرد

بشد با پرستندگان مادرش
 به زاری فگندند بر تخت عاج
 همه غالیه جعد^۲ و مُشکین کمند
 ۴۶۵ همی کند جان آن گرامی فرود
 چُنین گفت - چون لب ز هم برگرفت -
 کنون اندرآیند ایرانیان
 پرستندگان^۸ را اسیران کنند
 دل هر که^{۱۱} بر من بسوزدهمی
 ۴۷۰ همه پاک بر باره باید شدن
 که تا بهر^{۱۴} بیژن نیاید^{۱۵} یکی^{۱۶}
 که گیرنده^{۱۸} پاک جان من اوست^{۱۹}
 بگفت این و رخسارگان کرد زرد

به بازیگری ماند این چرخ مست
 ۴۷۵ زمانی به خنجر^{۲۲}، زمانی به تیغ
 زمانی به دست یکی ناسزا
 زمانی دهد گنج و تخت^{۲۴} و کلاه
 همی خورد باید کسی را که هست
 اگر خود نزادی خردمند مرد
 ۴۸۰ بزاد و^{۲۶} به کوری و ناکام زیست

که بازی برآرد به^{۲۱} هفتاد دست
 زمانی به باد و زمانی به میغ
 زمانی خود آرد ز سختی رها^{۲۳}
 زمانی غم و خواری و بند^{۲۵} و چار
 نمم تنگ دل تا شدم تنگ دست
 ندیدی ز گیتی چُنین گرم و سرد
 بر آن^{۲۷} زیستن زار باید^{۲۸} گریست

۱- ل (نیزلن-آ، ب): روز؛ س، ق: روز؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲- ل: موی ۳- ل، س، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن^۲): ازین بکنند؛
 ل: از درد کنند؛ ق: مادرش را بکنند (!): متن = ف (نیزی، و، آ، ب) ۴- ل (نیزق^۲): مویه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزهشت
 دستنویس دیگر) ۵- ل، آ، س^۲: کاخ ۶- (ق^۲: مویه کردن) ۷- ق: تنگ ۸- ل: پرستنده گان ۹- ل: باره ۱۰-
 ف، ل، س، ق، س^۲ (نیزلن-ب): ویران؛ متن = ل ۱۱- ل: هرک ۱۲- ل، آ، س^۲: دلش؛ س: رخسانم ز غم؛ متن = ف، ل،
 ق ۱۳- ل، س: خویش را؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۴- ل: کجا بهر؛ ق (نیزب): مگر بهر؛ (ق^۲: که تا بهره): متن = ف، س، ل، آ، س^۲
 (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۵- ل (نیزی، و): نماند؛ ل^۲ (نیزب): نیاید؛ (لن، ل، آ، پ، لن^۲: نیاشد؛ ق^۲: نیابد؛ آ: بماند): متن = ف، س،
 ق، س^۲ ۱۶- ل: همی ۱۷- ل: یک دمی ۱۸- س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ-آ، ب): که برکنده؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز
 ل^۳) ۱۹- ل: کشنده تن و جان من درد اوست ۲۰- ل: پرستار و گنجم چه درخورد اوست ۲۱- س: ز ۲۲- ق: گرز؛ درس، ق
 لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۳- ل (نیزق^۲، ل): زمانی خود از درد و سختی رها؛ س: زمانی ز سختی خود آید رها؛ ل:
 گرفتار او کی تواند رها؛ (لن، پ، لن^۲: زمانی بدارد (ندارد، چو دارد) ز سختی رها؛ و: زمانی ز سختی دم آردها): متن = ف، ق (نیزب): س^۲ این
 بیت را ندارد ۲۴- ل، ق، ل، آ، س^۲: تخت و گنج؛ متن = ف، س ۲۵- ل: غم و رنج و خواری؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-
 ب) ۲۶- ل: بیاید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب) ۲۷- ل: برین؛ س^۲: بدان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۸- ل (نیزی،
 ل، آ): زندگانی بیاید؛ س (نیزلن، پ، لن^۲: ب): زیستن بر بیاید؛ (و: زندگی بر بیاید): متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق^۲)

دریغ آن دل و رای و آیین اوی^۱

همه خویشتن^۳ بر زمین برزدند
همه گنج‌ها را به آتش بسوخت
در خانه‌ی تازی اسپان بیست
همی ریخت از روی^۸ او خون و خوی^۹
بر جامه‌ی او یکی دشنه بود^{۱۱}
شکم بردرید از^{۱۳} برش جان بداد

به غارت بیستند یکسر^{۱۵} میان
از اندوه یکسر دلش پاره^{۱۶} شد
رخش پُر ز آب^{۱۷} و دلش پُر ز دود
همان^{۱۹} خوارتر مرد و هم^{۲۰} زارتر

سراخجام خاکست بالین اوی^۱

پرستندگان^۲ بر سر دز شدند
جریره یکی^۴ آتشی بر فروخت^۵
یکی تیغ بگرفت^۶ از آن^۷ پس به دست
شکشان بدرید و ببرید پی
بیامد به بالین فرخ‌فرود^{۱۰}
دو رخ را به روی پسر^{۱۲} بر نهاد

در دز بکنند^{۱۴} ایرانیان
چو بهرام نزدیک آن باره شد
بیامد بنزدیک فرخ‌فرود
به ایرانیان گفت کین^{۱۸} از پدر

۱- ل، ق، ل، س، ا؛ او؛ در س این بیت چنین آمده است:

خنک آنک جز تخم نیکی نکشت

سراخجام خاکست و بالین زخشت

ق پس از بیت ۴۸۱ افزوده است:

به گاه جوانی بسان پدر

که شد کشته و آمد زمانش بسر

۲- ل: پرستنده گان ۳- س: خویش را ۴- (و: سبک) ۵- ل: یکی آتشی خود جریره فروخت؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ا (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ق: الماس ۷- ل: زان ۸- ل: چشم؛ متن ← ۹- ل: از دیده خوناب خوی؛ س: بریال و بر خون و خوی؛ متن = ف، ق، س، ا ۱۰- ل: پسر ۱۱- ل: یکی دشنه با او چو آب کبود؛ ل: بیاورد او دشنه تیزس؛ س: به بالین او دشنه تیز بود؛ (لن، ل، پ، لن، ا، ب: رخس پر ز آب و دلش پر ز دود؛ ق: بر او یکی آبگون دشنه بود)؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، و، آ، ب): بر جامه (= پر جامه؟)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ابر جان فرزند و آن کشته تن

بیستاد و بگریست بر خویشتن

۱۲- ل: ابر روی او؛ س: بسوی پسر؛ بنداری: وضعت خدّها علی خدّ ولدها ۱۳- س، ق، و؛ متن = ف، ل، ل، س، ا؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بیفتاد کشته بر آن جوان

برآمد ازو نیز رخشان روان

گهی چون شبان است و گاهی رمه

چنین است گیتی سراسر همه

۱۴- س، ق: گشادند؛ متن = ف، ل، ل، س، ا ۱۵- س: همه پاک بسته؛ ف پس از این بیت چهار بیت (و تنها بیت چهارم را) افزوده‌اند:

ابا زنگه شاوران هم نبرد

بیامد همانگاه بهرام گرد

به دیدار آن برگزیده جوان

در دز گشادند و شد در زمان

بماندند هر دو چنان سوگوار

بدیدند او را چنان کشته زار

خود (و: که) از بهراودلش بدرام بود

نخستین که در رفته بهرام بود

۱۶- س: پیش دلش چاره (!) ۱۷- ل، ل، س، ا؛ ل: لبش پر ز باد (س: تاب)؛ ل (نیز لن، پ، لن، ا) این بیت را ندارند؛ ف پس از بیت ۴۹۰

افزوده است: همانگاه بهرام با درد و تاب دو رخساره زرد و دو چشمش پر آب

۱۸- ق: این ۱۹- ل، س، ق (نیز لن، پ، لن، ا، ب): بسی؛ (ل: همی)؛ متن = ف، ل، س، ا (نیز ق، ل، و، آ) ۲۰- ل، س، ا؛ س: خوارتر

کشته شد

گشنده سیاوخش^۱ چاکر نبود
 به کردار نی دز برافروخته^۲
 به ایرانیان گفت کز کردگار
 به بد بس درازست دست^۵ سپهر
 ۴۹۵ ز کیخسرو اکنون ندارید شرم؟
 به کین سیاوش فرستادتان
 ز خون برادر چو آگه شود
 ز زُهام و از^۸ بیژن تیزمغز

همانگه بیامد^۹ سپهدارطوس
 ۵۰۰ چو گودرز و چون گیو و^{۱۰} گنداوران
 سپهد به سوی سپدکوه^{۱۱} شد
 چو آمد^{۱۳} به بالین آن گشته زار،
 به یک دست بهرام پُر^{۱۴} آب چشم،
 ۵۰۵ به دست دگر زنگه‌ی شاوران،
 گوی چون درختی بر آن تختِ عاج،
 سیاوخش^{۱۶} بُد خفته بر تختِ زر،
 برو زار بگریست گودرز و گیو،
 رخ طوس شد پُر ز خون جگر

۱- ف، ل، ل، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، ل، ل، ل): سیاوش (= سیاوش)؛ (لن، لی، پ: سیاوش)؛ متن = س (نیز ق، آ، و، آ، ب) ۲- ل: همه دز سراسر برافروخته؛ س، ق (نیز لن، پ، ل، ل): بگردش همه کاخ افروخته؛ (ق: بگرد اندرش آتش افروخته)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۳- ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، ب): همه؛ س^۲: همی؛ متن = (نیز ق، ل، ل) ۴- ل- س^۲: وز؛ متن = ف ۵- ل، ل، س^۲: جنگ؛ متن = ف، س، ق، ل ۶- س^۲: گرم ۷- ل، آ، س^۲: خلعت و پندها ۸- ل- س^۲: وز؛ متن = ف ۹- ف: بیامد همانگه؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۰- ل (نیز لی، ل، آ، پ، و): [و] ۱۱- ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، لی، آ، پ، آ): سبدکوه؛ (لن، ل، ل، آ، ب: سبدکوه)؛ متن = س (نیز و) ۱۲- س، ق (نیز لن، پ، و، ل، آ، ب): بی اندوه؛ ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل): بانبوه؛ (لی، آ: دز انبوه)؛ ل: وزانجا بنزدیک انبوه؛ متن = ف (نیز ل، ل) ۱۳- س: بیامد ۱۴- س، ق: با؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۵- ق: بیپاکی؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ف، ل، س، ل^۲ (نیز ل، آ، و، ل، ل): سیاوش (= سیاوش)؛ س^۲ (نیز لن، پ، آ): سیاوش؛ متن = ق (نیز ق، ل، لی، ب) ۱۷- ل: تسیغ و گرز و کمر؛ ل، آ، س^۲: ترگ و گرز و کمر؛ س، ق: به دیبای زربفت و زربین کمر؛ متن = ف؛ س در اینجاست سرنویس دارد: آمدن ایرانیان به بالین فرود ۱۸- س: جزآن؛ ق: جز او؛ ل، آ، س^۲: همان؛ متن = ف ۱۹- ل: بزرگان چو گرگین و بهرام نیو؛ در برخی از دستنویس‌ها بیت‌های ۵۰۸-۵۱۵ درهم ریخته‌اند؛ ف پس از بیت ۵۰۸ افزوده است:

بگفتند یک با دگر پهلوان
 هز آنکس که بُد نامدار از گوان

۵۱۰ زا تندی پشیمانی آیدت^۲ بار
چنین گفت با طوس گودرز^۳ و گیو
که تیزی^۴ نه کار سپهد بود
جوانی برینسان^۵ ز تخم کیان
بدادی به تندی و تیزی^۶ به باد
۵۱۵ ز تیزی گرفتار شد ریونیز
هنر بی^{۱۳} خرد در دل مرد تند^{۱۴}

بفرمود تا دخمی شاهوار
نهادند زیر اندرش تخت زر
تن شاهوارش بیاراستند
۵۲۰ سرش را به کافور کردند خشک
نهادند بر تخت و گشتند باز

چنینست هر چند مانیم دیر
نه پیل سرافراز مانده، نه شیر

۱- س، ق؛ که؛ متن = ف، ل، آ، س ۲ - ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ): آردت؛ س ۲ (نیزل): آرد به؛ متن = ف (نیزو،
ب) ۳- ل، ل، آ، س ۲ (نیزلن، پ، لن، آ): گودرز با طوس؛ س، ق: خروشان پس آنگاه گودرز؛ متن = ف (نیزق) ۴- ق: جزاؤ؛
متن ← ۵- ف: بزرگان چو گرگین و بهرام نیو؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۲ (نیزی، آ، ب)؛ س، ق (نیزلن، پ، لن، آ) پس از این بیت
افزوده‌اند:

همه چشم پر آب و دل پر زهوی به طوس سپهد نهادند روی

۶- ل: تندی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۷- س، ق: تیزی؛ متن = ف، ل، آ، س ۸- ل، ق، ل، آ، س ۲: بدینسان؛ متن = ف،
س ۹- س: فر و بالای برز؛ ق: فر و بالا و زور؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۰- ل، س، ق: به تیزی و تندی؛ متن = ف، ل، آ، س ۲
۱۱- س: نماند؛ متن ← ۱۲- ل: از بد بخت ما مانده چیز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲ (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ): پیاپی بیت های
۵۰۸-۵۱۵ در دستنویس‌ها، ف: ۵۰۸، ۵۰۸، پ، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵؛ س، ق (نیزلن، پ): ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱،
۵۱۱، پ، ۵۱۰، ۵۱۲-۵۱۵؛ پیاپی بیت های متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیزی، و، آ، ب) ۱۳- ف، س، ق، ل، آ، س ۲ (نیزلن-ب): با (؟)؛
متن = ل ۱۴- س: کند (پساوند ندارد) ۱۵- ف: ژنگار (؟)؛ ل (نیزو) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو چندین بگفتند آب از دو چشم ببارید و آمد ز تندی به خشم

چنین پاسخ آورد کز بخت بد بسی رنج و سختی به مردم رسد

۱۶- ف: زرین (؟)؛ متن ← ۱۷- س، ق (نیزلن، پ، لن، آ): ابا جوشن و تیغ و گرز و کمر؛ متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیزی، ل، آ، و، آ،
ب) ۱۸- ل: رخس ۱۹- ف (نیزق، ل، آ، لن، آ، ب): دیق (!)؛ ل: عطر؛ س، ل (نیزلن): دیق (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (پ: ربی
(!))؛ متن = ق، س ۲ (نیزی، و، آ) ۲۰- س: بدق و بعبق و بقیر (حرف سوم واژه یکم نقطه ندارد و وزن هم نادرست است)؛ در ل ۲ این بیت
با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- ل (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ): شاه گردن‌فراز؛ ق: با کام و ناز؛ (ل: با نام و ساز)؛ متن = ف، س،
ل، س ۲ (نیز، آ، ب)؛ ل (نیز، پ، و) پس از این بیت افزوده‌اند:

زرسپ سرافراز با ریسونیز نهادند در پهلو شاه نیز

سپهد بر آن ریش کافورگون ببارید از دیده‌گان جوی خون

دل سنگ و سندان بترسد ز مرگ رهایی نیابد ازو بار^۱ و برگ

گفتار اندر رزم کاس رود و نبرد بیژن با بلاشان^۲ ترک

<p>چهارم برآمد ز شیپور دم زمین کوه تا کوه شد^۳ آبنوس بگشتی، تنش را فگندی به راه^۴ همی رفت ازین گونه^۵ تا کاس رود^۶ زمین گشت از^۷ خیمه ها ناپدید سوی کاس رود^۸ اندر آمد به راه^۹ بلاشان^{۱۰} بیدار دل پهلوان^{۱۱} درفش و سراپرده ها^{۱۲} بشمرد بلند و بیکسو از^{۱۳} انبوه بود همی رفت هر گونه از بیش و کم به دیدار ایشان برآمد ز^{۱۴} راه بزد دست و گرز^{۱۵} از میان برکشید یکی نامداری سوار و^{۱۶} دلیر گرش بسته آرم بدین انجمن مرا داد خلعت بدین کارزار، به رزم بلاشان^{۱۷} پرخاشخر که مشتاب در جنگ آن^{۱۸} نره شیر</p>	<p>سه روزش درنگ آمد اندر جرّم سپه برگرفت و بزد نای و کوس ۵۲۵ هر آنکس که دیدی ز توران سپاه همه مرزها کرد بی تاروپود برآن^{۱۹} مرز لشکر فرود آورید خبر شد به توران^{۲۰} کز ایران سپاه^{۲۱} ز ترکان بیامد دلیری جوان^{۲۲} ۵۳۰ بیامد که لشکر همه^{۲۳} بنگرد به لشکرگه اندر یکی کوه بود نشسته برو گیو و بیژن بهم درفش بلاشان^{۲۴} ز توران سپاه چُن^{۲۵} از دور گیو دلاور^{۲۶} بدید ۵۳۵ چنین گفت کامد بلاشان^{۲۷} شیر شوم گره^{۲۸} سرش را ببرم^{۲۹} ز تن بدو^{۳۰} گفت بیژن که گر شهریار به فرمان مرا بست باید کمر به بیژن چنین گفت گیو دلیر ۵۴۰</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س، ق؛ بیخ؛ متن = ف، ل، ل، ل، ل، ل؛ س؛ در س^۲ لت های این بیت پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز مرگ ارچه بیهوده کاریست بیم دل از ییاد او می شود بدو نیم

- ۲- ف: گفتار اندر رزم کاس رود و نبرد بیژن با بلاشان ترک و کشته شدن بلاشان بردست بیژن گیو؛ ل، س، ق، س؛ آ: رزم (س: نگ؛ س؛ آ: نبرد) بیژن با بلاشان (س: ق، س؛ آ: و کشته شدن بلاشان)؛ ل؛ آ: نبرد بیژن با بلاشان و کشتن بلاشان بدست او؛ متن = آغاز ف ۳- ل، س: گشت؛ متن = ف، ق، ل، ل، س؛ آ: چاه؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ل؛ آ: پیروز؛ ق: سپه را همی راند؛ متن = ف، س، ل؛ آ: س؛ ل- ل- س؛ آ: (نیز ل- ب): کاسه رود؛ بنداری؛ کاسه رود؛ متن = ف ۷- ل، س، ق؛ بدان؛ س؛ آ: در آن؛ متن = ف ۸- ل: زان؛ س، ل، ل؛ س؛ آ: از آن؛ متن = ف، ق ۹- ل: ترکان؛ س: ایران ۱۰- ق: براه؛ س: که توران سپاه ۱۱- ل، س، ق، س؛ آ: (نیز ل- ب): کاسه رود؛ متن = ف، ل؛ آ: سپاه؛ ل، ل، س؛ آ: ز راه ۱۲- ق: سپاه؛ ل، ل، س؛ آ: ز راه ۱۳- ل، ل، س؛ آ: ز توران بیامد سواری دلیر ۱۴- ل: بلاشان و؛ (ق: بلاشان؛ پ، ب: پلاشان) ۱۵- ل، ل، س؛ آ: بلاشان بنام و چوغزنده شیر ۱۶- ل، س؛ آ: همی؛ متن = ف، س، ق، ل؛ آ: ۱۷- ل: درفش سران را همی؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س؛ آ: ۱۸- ل، ل، س؛ آ: ز ۱۹- (ل، ل، س؛ آ: پلاشان) ۲۰- س؛ به ۲۱- ل، س، ق، ل؛ آ: چو؛ متن = ف، س؛ آ: دلیرش ۲۲- س: دلیرش ۲۳- س، ق؛ تیغ؛ متن = ف، ل، ل، ل، ل، س؛ آ: ۲۴- (ق: بلاشان؛ ب: پلاشان) ۲۵- ل، ق، ل، ل، س؛ آ: (نیز ل؛ س: سواری؛ س: (نیز ق؛ ل، ل، و، ب): سوار؛ متن = ف (نیز آ) ۲۶- ل، ل، س؛ آ: تا ۲۷- س، ل؛ آ: ببرم سرش را ۲۸- ل، ل، س؛ آ: چنین ۲۹- (ق: بلاشان؛ ب: پلاشان) ۳۰- ل، س؛ آ: این؛ متن = ف، ق، ل، ل، س؛ آ:

نباید که با او نتابی به جنگ
 چو شیرست و هامون وُرا^۴ مرغزار
 بدو گفت بیژن: مرا زین سَحُن
 سَلِیح^۵ سیاوش مرا ده به جنگ
 ۵۴۵ بدو داد گویو دلیر آن^۷ زره
 یکی^۸ بارهی تیزتگ^۹ برنشست
 بلاشان^{۱۱} یکی آهو افکنده بود
 همی خورد و اسپش چران و چمان^{۱۲}
 چُن^{۱۵} اسپش ز دور اسپ بیژن بدید
 ۵۵۰ بلاشان^{۱۷} بدانست کامد سوار
 یکی بانگ برزد به بیژن بلند
 بگوی^{۲۰} آشکارا که نام تو چیست
 دلاور بدو گفت: من بیژنم
 نیا شیر جنگی، پدر گویو گرد
 ۵۵۵ به روز بلا در دم کارزار^{۲۵}
 همی دود و^{۲۷} خاکستر و خون خوری
 بلاشان^{۲۹} به پاسخ نکرد ایچ رای^{۳۰}

کنی روز بر من بدین^۲ جنگ تنگ^۳
 جز از مرد جنگی نجوید شکار
 به پیش جهاندار ننگی مکن
 پس آنگه نگه کن^۶ شکار پلنگ
 همی بست بیژن زره را گره
 به هامون خرامید^{۱۰} نیزه به دست
 کبابش بر آتش پراکنده بود
 بلاشان^{۱۳} نشسته به بازوی^{۱۴} کمان
 خروشی برآورد و اندررمید^{۱۶}
 بیامد بسیچیده ی کارزار^{۱۸}
 منم - گفت - شیراوزن^{۱۹} دیوبند
 که^{۲۱} اختر همی^{۲۲} بر تو خواهد گریست
 به جنگ^{۲۳} اندرون گرد^{۲۴} روین تم
 هم اکنون بینی ز من دستبرد
 تو بر کوه چون^{۲۶} گرگ مردارخوار،
 گه آمد که جان^{۲۸} به هامون بری
 برانگیخت آن دیو جنگی ز جای^{۳۱}

۱- ل، ل، س، وی ۲- ل، س، برین؛ ق: درین؛ متن = ف، ل ۳- ل، ل، س، ۲: کارتننگ؛ س: پس آنگه ز من جوشکار پلنگ
 (س ۵۴۱ ب- ۵۴۴ آ را انداخته و از ۵۴۱ آ و ۵۴۴ ب یک بیت ساخته است) ۴- ل: بلاشان چو شیرست در؛ ق: که شیرست هامون ورا؛
 متن = ف، ل، س، ۲ ۵- س، ۲: سلاح ۶- س، ق: ز من جو (← ۵۴۱ پ)؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲ ۷- ف، ل، ق (نیزلی، ل، ۳):
 دلیران (= دلیر آن؟)؛ س، ۲ (نیزب): دلاور؛ ل: بدو گفت دادم برو آن (!)؛ متن = س (نیزلن، ق، آ، پ، و، ل، آ) ۸- ل، ل، س، ۲: همی ۹-
 ل: تیزرو؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س، ۲ ۱۰- ل، س، ۲: خرامید و ۱۱- (ق: یلاشان؛ ب: بلاشان) ۱۲- س، ۲: چمان و چران؛ ق:
 همی گشت اسپش چمان و چران؛ متن = ف، ل، س، ل، ۲ ۱۳- (ق: یلاشان؛ ب: بلاشان) ۱۴- ف، س، ق، ل، ل، س، ۲: بازو؛ متن =
 ل ۱۵- ف- ل، ۲: چو؛ متن = س، ۲ ۱۶- ل، ل، س، ۲: اندررمید؛ ق: اندرشمید؛ متن = ف، س، ۲ ۱۷- (ق: یلاشان؛ ب:
 بلاشان) ۱۸- ل، ل، س، ۲: بسیچیده آمد سوی کارزار (ل: مرغزار) ۱۹- ل، ل، س، ۲: شیراوزن و؛ س، ل، آ، س، ۲ (نیزلن- ب) شیراوزن؛ متن =
 ف، ق؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بلاشانم اندر جهان نامور نبینی به مردی چو من کس دگر
 ۲۰- ف، ل، س، ل، ل، س، ۲: بگو؛ متن = ق ۲۱- ف: از؛ متن = ل- ل، س، ۲ (نیزلن- ب) ۲۲- س: همان ۲۳- ل: رزم؛ متن = ف،
 س، ق، ل، ل، س، ۲ ۲۴- ل: پیل؛ س، ق: شیر؛ ل: کرک؛ متن = ف، س، ۲ ۲۵- ل، ل، س، ۲: مرا پیشه گشتست این کارزار ۲۶- ل، ل،
 س، ۲: ترا پیشه ۲۷- ف: [و] ۲۸- ل- ل، س، ۲ (نیزلن- ب، ل، ل، آ، ب): لشکر؛ متن = ف (نیزو) ۲۹- (ق: یلاشان؛ ب:
 بلاشان) ۳۰- ل، ل، ل، ل، س، ۲ (نیزلن، لی، آ، ب): یاد؛ متن = ف، س، ق (نیزق، آ، ل، آ، پ، و، ل، آ) ۳۱- ل، ل، س، ۲ (نیزلی، آ): چو باد؛ ل:
 پیل تن را چو باد؛ س (نیزلن، ق، آ، ب): پیل (ق: شیر) جنگی ز جای؛ ق: برانگیختند آن دو جنگی ز جای؛ متن = ف (نیزل، آ، و، ل، آ)؛ ق پس
 از این بیت افزوده است: وزین روی بیژن درآمد به پیش بکف نیزه و دل نهاده ز خویش

سواران به نیزه^۱ برآویختند
سینان‌های نیزه بهم برشکست
به زخم^۲ اندرون تیغ شد لخت لخت
به آب^۳ اندرون غرقه شد بارگی
عمود گران برکشیدند باز
برآورد بیژن همانگه^۷ خروش
بزد بر میان بلاشان^۸ گرد
ز بالای اسپ اندرآمد سرش^۹
فرود آمد از اسپ^{۱۲} بیژن چو گرد
سلیح^{۱۴} و سر و^{۱۵} اسپ آن نامجوی
دل گیو بُد زآن سخن پُر ز درد
خروشان و جوشان بدان دیدگاه^{۱۸}
همی آمد از راه^{۲۰} پور جوان
بیاورد و بنهاد پیش پدر
برفتند با شادمانی ز جای
بیاورد پیش سپهبد سرش
چنان شاد شد زآن سخن پهلوان
بدو گفت کین بود^{۲۲} پشت سپاه
۵۶۰
۵۶۵
۵۷۰
۵۷۵

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن لشکر ایران^{۲۴}

۱- ق: شرز؛ س این بیت را ندارد ۲- س، ل، آ، س: رزم؛ متن = ف، ل، ق ۳- س: به خوی ۴- ل: گشت ۵- س: سرافراز و ۶- ل: جنگ ساز ۷- ل، آ، س: بدانگه؛ ل، س، ق (نیزلن-ب): چنین تا برآورد بیژن؛ متن = ف ۸- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۹- ل، ل، آ، س: تنش؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، آ): سر؛ متن = ف، ل، س (نیزل، آ، و، ب) ۱۱- ل، ل، آ، س: مغفر و جوشنش؛ متن = ف، س، ق ۱۲- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۳- ل: باز؛ ق پس از این بیت افزوده است:

به اسب اندرآمد چو شیر ژریان به بازو کمند و کمر بر میان

۱۴- س، س: سلاح ۱۵- س: [و] ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل، آ، س: خیزد آن (س: از) ۱۸- ل، ق، ل، آ، س: دیده گاه ۱۹- ق، ل: به ۲۰- ل: دور ۲۱- ل، س: [و] با؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۲- س: کای پور و؛ ق: ای پور و؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۳- س: زمین شد ز پور سیاوش سیاه (س ۵۷۵-ب ۵۷۷-آ را انداخته و از ۵۷۵-ب یک بیت ساخته است)؛ ق پس از بیت ۵۷۵ افزوده است:

همیشه بزی شاد و برتر منش ز تو دور بادا بسد بد کنش

۳۴- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن طوس و لشکر ایران به کین خواستن و کشته شدن بلاشان؛ س، ل، آ، س: آگاهی (س: خبر) یافتن افراسیاب از آمدن لشکر (ل: آمدن ایرانیان؛ س: لشکر ایران به جنگ)؛ متن = آغاز ف

داستان فرود سیاوخش

۵۸۰ وُزآن^۱ پس خبر شد به افراسیاب
سوی کاس رود^۲ اندرآمد سپاه
سپهبد به پیران سالار گفت
مگر کین^۴ سَخُن را پذیره شوم
وُگرنه از ایران^۵ بیاید سپاه
برو لشکر آور ز هر سو فراز

۵۸۵ وُزآن سو^۶ برآمد یکی تندباد
یکی ابر تند اندرآمد^{۱۱} چو گرد
سراپرده و خیمه‌ها گشت^{۱۴} یخ
همه کشور از برف شد ناپدید
خور و خواب و آرامگه تنگ شد
کسی را نَبُد یادِ روزِ نبرد
تبه شد بسی مردم و چارپای
به هشتم^{۱۹} برآمد بلندآفتاب
سپهبد سپه را همه^{۲۱} گرد کرد
که ایدر سپه شد ز تنگی تبا^{۲۳}
مبادا برین بوم و برها درود
ز^{۲۹} گردان سرافرازه‌هرام گفت
تو ما را به گفتار خاموش کنی

که شد مرز توران چو دریای آب
زَمین شد ز کین سیاوش سپاه^۳
که خسرو سَخُن برگشاد از نهفت
همه با درفش و تبیره شوم
نه خورشید بینیم^۶ روشن، نه ماه^۷
سَخُن‌ها نباید که گردد دراز

که کس را از^۹ ایران نَبُد جنگ^{۱۰} یاد
ز سرما^{۱۲} همی لب بهم برفسرد^{۱۳}
کشید از بر کوه و در^{۱۵} برف نخ^{۱۶}
به یک هفته کس روی هامون^{۱۷} ندید
تو گفتی که روی زمین سنگ شد
همی اسپ جنگی بگشت و بخورد
یکی را نَبُد خنک جنگی به پای^{۱۸}
جهان شد سراسر^{۲۰} چو دریای آب
سَخُن^{۲۲} رفت چندی ز روز نبرد
سزد گر برانیم ازین رزمگاه^{۲۴}
کلات و^{۲۵} سپدکوه^{۲۶} گر^{۲۷} کاس رود^{۲۸}
که این بر سپهبد نماند^{۳۰} نهفت
همی رزم پور سیاوش کنی

۱- ل، ق: از آن؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب): کاسه رود؛ بنداری: کاسرود؛ متن = ف ۳- س: نه خورشید
بینیم روشن نه ماه (= ۵۸۰ ب) ۴- ق: این ۵- ل، ق: ز ایران؛ س، ل، آ: کز ایران؛ س: آ: گریزان؛ متن = ف ۶- س:
بینند ۷- س: زمین شد بکین سیاوش سپاه (= ۵۷۷ ب) ۸- ل: وزین روی؛ ل، آ، س: آ: وزانپس؛ متن = ف، س، ق ۹- ل: ز؛
س: به؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۰- ل، س: رزم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۱- س: تند ابر اندرآمد؛ ل، آ، س: آ: تند ابری برآمد؛ متن =
ف، ل ۱۲- س، ل، آ، س: سردی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: بدندان فسرد؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ-ب)؛ ق: این بیت را
ندارد ۱۴- ق: بست ۱۵- ل- س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ): کوه بر؛ (ق، آ، ب: کوه در)؛ متن = ف (نیز و) ۱۶- ق، س: آ:
یخ (پساوند ندارند) ۱۷- ف: گیتی؛ متن = ف- س^۲ (نیز لن-ب)؛ درل لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۸- ل: چنگ و
بازوی بجای؛ س، ق (نیز لن-آ، ب): چنگ (ق، ق: آ: اسب؛ پ: خنک) جنگی بجای (آ: بیای)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۹- ل: آ:
بهفتم ۲۰- س: بکردار ۲۱- ل: همی ۲۲- س، ق: همی ۲۳- س: تبه شد ز تنگی سپاه ۲۴- ق: از ایدر
سپاه ۲۵- ل: [و]؛ ق: کلا و؛ ل: کلاب و ۲۶- ف، ل، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ): سبد کوه؛ (لن، ل، آ، ب: سبد کوه)؛ متن =
س^۲ (نیز ل، و) ۲۷- ف: یا؛ س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ب): تا؛ ل، آ، س^۲ (نیز پ، و): با؛ متن = ل ۲۸- ل- س^۲ (نیز لن-آ،
ب): کاسه رود؛ متن = ف، ل، آ ۲۹- ق: به ۳۰- ق: نباشد؛ (لن، پ، لن، آ: نشاید)؛ ل: از سپهبد نشاید؛ س: کار بر ما نشاید؛ ل، آ،
س: آ: که کین سپهبد نشاید؛ متن = ف (نیز لی، و، آ)

<p>به یک جان ننگه کن که چندی بکاست^۲ به چرم اندرست این زمان گاو میش نبُد نامورتر ز جنگی زرسپ^۵ نبشته^۶ چُنین بود^۷، بود آنچه^۸ بود که بینی^۹ به مردی و دیدار نیز؟ جوان را ز^{۱۰} بالا سَخُن تیر بود به بیداد شد گشته او گر^{۱۱} به داد که آن کوه هیزم بسوزد به^{۱۳} راه، به^{۱۴} آتش سپهری برافروختن بیاشد^{۱۶} سپه را بروبر گذر^{۱۷} اگر^{۱۸} هست، هم رنج بی گنج نیست نباشم بدین^{۲۰} - گفت - همداستان به پیری^{۲۲} کمر^{۲۳} بر میان تو بست به گفتار هرگز نیازردیم نشاید تو با رنج و من با نشست بدین^{۲۷} کار گردن برافراختم^{۲۸} نه هنگام پیری و بخشایش^{۳۰} است که من کوه خارا بسوزم به دم</p>	<p>مکن کژ تو بر خیره پرگار راست^۱ هنوز^۳ از بدی تا چه آیدت^۴ پیش سپهبد چُنین گفت کاذرگشسپ نه بر بی گنه گشته آمد فرود به لشکر ننگه کن که چون ریونیز مرا جام ازو پر می و شیر بود کنون از گذشته نیاریم یاد چو خلعت سِتد گیو و بیژن^{۱۲} ز شاه کنون ست هنگام آن سوختن گشاده شود راه^{۱۵} لشکر مگر بدو گفت گیو: این سَخُن رنج نیست غمی^{۱۹} گشت بیژن بدین داستان مرا با جوانی بیاید^{۲۱} نشست به رنج و به سختی بیروردیم مرا بر باید بدین^{۲۴} رنج^{۲۵} دست بدو گفت: آنکه که^{۲۶} من ساختم هنوز^{۲۹} ای پسر گاه آرایش است ازین^{۳۱} رفتن من مدار ایچ غم</p>	<p>۵۹۵ ۶۰۰ ۶۰۵ ۶۱۰</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------

۱- ل (نیز ق): مکن کژ ابر خیره بر روزمگاه (ق: بر کار راست)؛ ل، س (نیز ل، آ): مکن هیچ بر خیره بر کار (آ: پرگار) راست؛ (لن، پ، لن: مکن گفتمت کین چنن نیست راست؛ ب: مگرد ایچ خیره تو از راه راست)؛ متن = ف، س (: پرگار)، ق (نیز ل، و) ۲- ل: بیکجا تبه گشت چندین سپاه؛ س، ق (نیز لن، پ، ل، آ): ننگه کن کزین کار چندی (س، لن: چندین) بکاست؛ ل، س (نیز ق، ل، و، آ): بیکجا ننگه کن که چندین (آ: چندی) بکاست (س، ل، آ: بلاست)؛ متن = ف (نیز ل، ب) ۳- ل، س، آ: کنون ۴- ق: آید به ۵- در ل، س، آ بیت های ۵۹۷-۶۰۰ درهم ریخته اند: ۵۹۹، ۶۰۰، ۵۹۷، ۵۹۸ ۶- ل، س: نوشته؛ متن = ف، ق، ل، س، آ ۷- س، ق، ل، س، آ: بود و؛ متن = ف، ل ۸- ق، ل، آ: آنچه؛ در ل این بیت یا بیت سپسین پس و پیش شده است ۹- س: نبینی ۱۰- ل: راد (→ راز؟ زاد؟) ۱۱- ف: گر او؛ ق: او یا؛ متن = ل، س، ل، س، آ ۱۲- س: گیو جنگی ۱۳- س، ق: ز ۱۴- س: بر؛ در ل، س، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- س: کام ۱۶- س، س، آ: نباشد؛ در ل حرف های یکم و دوم نقطه ندارند و در ف، ق تنها یک نقطه در زیر دارد ۱۷- س، ق: بروره گذر؛ ل، س، آ: بره بر گذر؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، ق، ل، آ، س، آ: وگر؛ متن = ف، س ۱۹- س، آ: غمین ۲۰- ل: بدو؛ ق: برین؛ متن = ف، س، ل، س، آ ۲۱- در ل حرف های یکم و دوم نقطه ندارند ۲۲- س: بسرما؛ ل، س، آ: بسختی؛ متن = ف، ل، ق ۲۳- ل، آ: کمان ۲۴- ل، آ: برین ۲۵- ل، ل، آ، س، آ: کار؛ متن = ف، س، ق ۲۶- ل (نیز و): گیو آنک؛ س (نیز لن، ق، آ): گیو آنچه؛ ق، ل، س، آ: گیو اینکه؛ (لن، آ، ب: گیو آنچه)؛ متن = ف ۲۷- س، آ: برین ۲۸- ل، آ: من افراختم ۲۹- ل، ل، س، آ: کنون؛ متن = ف، س، ق ۳۰- (پ، و: آسایش)؛ متن = ف- س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۱- س: برین؛ ق، ل، س، آ: بدین؛ متن = ف، ل

به سختی گذشت^۱ از بر^۲ کاس رود^۳ ۶۱۵
 چُن^۴ آمد بدان^۵ کوه هیزم فراز
 ز پیکان تیر^۶ آتشی برفروخت
 سه هفته بر آتش^۷ گذرشان نبود
 چهارم سپه برگزشتن^۸ گرفت
 سپهبد چو لشکر برو^۹ گرد شد
 سپاه اندر آمد^{۱۰} چنان چون سزد
 چنان چون ببايست برساختند
 ۶۲۰
 گروگرد^{۱۱} بودی نشست تژاو
 فسیله^{۱۲} بدان جایگه داشتی
 خبر شد که آمد از^{۱۳} ایران سپاه
 فرستاد گردی هم اندر شتاب
 کبوده^{۱۴} بدش نام و شایسته بود
 ۶۲۵
 بدو گفت: چون تیره گردد سپهر
 نگه کن که چندست از^{۱۵} ایران سپاه
 از^{۱۶} ایدر بریشان شبیخون کنیم

جهان را یخ و^۱ برف بُد تارو بود^۲
 ندانست پهنا و بالاش باز^۳
 به کوه اندرافگند و^۴ هیزم بسوخت
 ز تق^۵ زبانه، هم از باد و دود^۶
 همان آب و^۷ آتش بگشتن^۸ گرفت
 از آتش^۹ به راه گروگرد^{۱۰} شد
 همه کوه^{۱۱} و هامون سراپرده زد
 ز هر سو طلایه برون تاختند
 سواری که بودیش با شیر تاو
 جهان^{۱۲} کوه تا کوه بگذاشتی
 گله برد باید به یکسو ز^{۱۳} راه
 بنزدیک چوبان^{۱۴} افراسیاب
 به شایستگی نیز بایسته بود
 تو زاید بر و تیز و^{۱۵} منمای چهر
 ز گردان^{۱۶} که دارد درفش و کلاه^{۱۷}
 همه کوه در جنگ^{۱۸} هامون کنیم

۱- ل، س: برفت ۲- ل، س: (نیز لن، لی، پ-ب): از دره متن = ف (نیز ق، ل) ۳- ل، س، ق (نیز لن-ب): کاسه رود؛ متن = ف، ل، س ۴- س، ل: راهمه؛ متن ← ۵- ل: جهان راهمه رنج برف آب بود؛ متن = ف، ق، س ۶ (نیز نه دستنویس دیگر) ۶- ف- ل: چو؛ متن = س ۷- ل: بران ۸- ل: بالا و پهنانش باز؛ ق: بالا و پستیش باز؛ س: بدانست بالا و شیب و فراز؛ ل، س: ندانست بالای پهن و دراز؛ متن = ف ۹- س، ق: یکی؛ متن = ف، ل، ل، س؛ بنداری: فرمی فیه النار ۱۰- ف: [و] ۱۱- ل- س: بر (ل: ز) آتش سه هفته؛ متن = ف ۱۲- س، ق: زتق و؛ متن ← ۱۳- ل، ق، ل، س: زباد و زدود؛ س: ز تار و زپود؛ متن = ف ۱۴- ل: سپهبد گذشتن ۱۵- ق: چنان کوه؛ ل: همان اسب و ۱۶- ل (نیز ل): نشستن؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۱۷- ق: بدو ۱۸- ل (نیز پ، ب): ز آتش؛ س (نیز ق): ز لشکر؛ ل، س: از آنپس؛ (ل: پس آنگه؛ لن: به آتش)؛ متن = ف، ق (نیز و) ۱۹- س، ل، س: وروکرد؛ (ل: بروجرد)؛ بنداری: جیوکرد؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، لی، پ، و، لن، ب) ۲۰- ق: سپاه سپهبد ۲۱- س، ل، س: غار ۲۲- س، ل، س: (نیز لن، پ، و): وروکرد؛ (ل: بروجرد؛ لن: وروکرد)؛ بنداری: جیو کرد؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، لی، آ)؛ در ل این بیت و بیت سپسین در کناره آمده اند ۲۳- ل، س: گله را ۲۴- ق: چنان؛ در ف (نیز و) بیت های ۶۱۹-۶۲۲ درهم ریخته اند: ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۱۹، ۶۲۰؛ بیایی بیت های متن = س، ق، ل، س: (نیز ق، لی، ل، آ، پ، لن، ب) که با ترجمه بنداری نیز میخواند: فعبر طوس بالعساکر آخذا فی طریق جیو کرد. ولما انتهى الیهما نزل علیها، وخیم فی صحرائها، و فرق الطلائع حوالیها. و کان صاحب جیو کرد امیرا من الأتراك یسمى ثراو. فلما بلغه الخبر بإقبال عساکر ایران... ۲۵- ل، ق، ل، س: ز؛ متن = ف، س ۲۶- ف، س، س: (نیز ل، و): زیکسویه (؟)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، لی، ب، لن، ب) ۲۷- ف- س: (نیز لن- ل، آ، و- ب): چوبان؛ متن = (پ)؛ در س پس از این بیت، بیت های ۶۲۲ و ۶۲۳ دوباره آمده اند ۲۸- ل: که ویژه ۲۹- ل- س: (نیز لن- ل، آ، لن، ب): هیچ؛ متن = ف (نیز و) ۳۰- ل: ز ۳۱- ق: بین تا ۳۲- ف: سپاه (پساوند ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز لن، لی، ب)؛ س این بیت را ندارد ۳۳- س، ق: کز؛ متن = ف، ل، ل، س ۳۴- ل، س: چون غار و؛ س: همه جنگ در غار و؛ متن = ف، ل، ق

شب تیره نزدیک ^۳ ایران سپاه	کبوده ^۱ پیامد چو گردی ^۲ سیاه	
کمندش سر پیل را دام بود	طلایه شب تیره بهرام بود	۶۳۰
ز لشکر برافروخت بهرام گوش	برآورد اسپ کبوده ^۴ خروش	
برآمد ^۵ ز جای ^۶ آن هیون گران	کمان را به زه کرد و بفشارد ^۵ ران	
کبوده ^۸ نبود ایچ ^۹ بیدار شب	یکی تیر بگشاد و نگشاد لب	
همی گشت رنگ کبوده ^{۱۱} سیاه	بزد بر کمر بند چوبان ^{۱۰} شاه	
بدو گفت بهرام: برگوی راست،	از ^{۱۲} اسپ اندرافتاد و زنه از خواست	۶۳۵
که را خواستی زین ^{۱۳} دلیران ^{۱۴} بسود ^{۱۵} ؟	که ایدر فرستنده‌ی تو که بود؟	
بگویم ترا هر چه ^{۱۶} پرسی ز کار	به بهرام گفت: ار دهی زینهار	
بنزدیک او من پرستنده ^{۱۸} ام	تراوست شاهها ^{۱۷} فرستنده ^{۱۸} ام	
به جایی که او دارد آرامگاه ^{۱۹}	مکش مر مرا تا نمایمت راه	
چو با شیر درنده ^{۲۰} پیگار گاو	بدو گفت بهرام: با من تراو	۶۴۰
به فتراک زین کیانی بیست	به خنجر سرش را ^{۲۱} برید پست	
نه نام‌آوری بُد ^{۲۲} ، نه گردی سوار	به لشکرگه آورد و بفگند خوار	
	برآمد خروش خروس و چکاو ^{۲۴}	
کبوده ^{۲۵} نیامد همی با ^{۲۶} تراو ^{۲۷}	غمی شد سر ^{۲۸} مرد پرخاشجوی	
بدانست کو را بد آمد ^{۲۹} به روی	سپاهی که بودند با او ^{۳۰} بخواند	۶۴۵
و ز آن جایگه تیز لشکر براند		

۱- ل: کـیـسـرـو ث ۲- ل (نیزق، و، ب): گـرد؛ س، ق، ل، س^۱ (نیزلن^۱): دیـسـوی؛ (پ: دیـسـو): مـتـن = ف (نیزل^۲، آ)
 ۳- س: به کار آگهی شده ۴- ل: کویژه ۵- س: بفشارد ۶- ل: درآمد ۷- ل، ل، ق: جا؛ متن = ف، س، س^۱ ۸- ل: کویژه ۹- س، ق: نبیده سیچ: متن = ف، ل، ل، ل، س^۱ ۱۰- ف- س^۱ (نیزلن- ل، ل، ل- لن- ب): چوبان؛ متن = (پ، و) ۱۱- ل: کبودش: ل: کویزه ۱۲- ف، ل، ل، س^۱: زه: متن = س، ق ۱۳- ق: از ۱۴- ل: بسزرگان ۱۵- س: ریبود ۱۶- ل، س: هرچ: س^۱: تا چه: متن = ف، ل، ل^۱ ۱۷- س، ق (نیزلن، پ، لن^۲): شاه و: متن = ف، ل، ل، ل، س^۱ (نیزشش دستنویس دیگر) ۱۸- ق: یکی بنده ام ۱۹- ل، ل، س^۱: که وی دارد آیین و گاه ۲۰- ل، ل، س^۱: چوشیر درنده به ۲۱- ل- س^۱ (نیزلن، ق، ل، ل، پ، لن^۲): سرش را به خنجر: متن = ف (نیزل، آ) ۲۲- ل، ل، س^۱: و ۲۳- س: [و]: ل: از خروس و ۲۴- ف- س^۱ (نیزلن- ب): جـکـاـو ۲۵- ل: کویژه ۲۶- ل- س^۱ (نیزلن- لن^۲): بنزد: متن = ف ۲۷- بنداری: تراو: درف برخی جاها و در ل، ل بیشتر جاها این نام چنانکه در بنداری آمده است تراو نوشته شده است که میتوان آنرا تراو، تراویا تراو خوانند؛ درل بیت های ۶۴۳- ۶۴۶ درهم ریخته اند: ۶۴۴، ۶۴۳
 ۲۸- ل، ق: دل؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۲۹- ل، ل، س^۱: کامد و را بد: س این بیت را ندارد ۳۰- ل: وی

گفتار اندر آمدن تژاوه جنگ ایرانیان^۱

چو خورشید برزد ز گردون درفش
تژاو سپهبد بشد با سپاه
که آمد ز توران سپاهی^۳ به جنگ
ز گردنکشان پیش او رفت گيو
برآشفت و نامش پرسید ازوی^۴ ۶۵۰
بدین مایه مردم به جنگ آمدی؟
چنین داد پاسخ تژاو دلیر^۹
تژادم به گوهر از^{۱۱} ایران بدهست
کنون مرزبانم بدین جایگاه^{۱۴}
بدو گفت کین راز با کس^{۱۵} مگویی ۶۵۵
از ایران به توران که جوید^{۱۶} نشست؟
اگر^{۱۸} مرزبانی و داماد شاه
بدین مایه لشکر تو تندی مجوی
کزین^{۲۱} پُره‌نر نامدار^{۲۲} دلیر
گر ایدونک فرمان کنی با سپاه ۶۶۰
کنون پیش طوس سپهبد شوی

دم شب شد از خنجر او بنفش،
به ایران خروش آمد از دیدگاه^۲
سپهبد نهنگی درفشی به جنگ^۴
تنی چند با او ز گردان نیو
چنین گفت کای مرد^۶ پرخاشجوی^۷،
همانا به کام^۸ نهنگ آمدی
که من زور دل دارم و چنگ شیر^۹
ز گردان و از^{۱۲} تخم^{۱۳} شیران بدهست
نگین بزرگان و داماد شاه
که تیره شود زین سخن آب روی
مگر خوردنش خون بود^{۱۷} گر کبست
چرا بیشتر زین نداری سپاه؟
به تیزی^{۱۹} به^{۲۰} پیش دلیران میوی
سر مرزبان اندر آید^{۲۳} به زیر
به ایران خرامی بنزدیک شاه^{۲۴}،
بگویی و گفتار او بشنوی^{۲۵}

۱- ف: گفتار اندر آمدن تژاوه جنگ ایرانیان و پسند دادن گيو اورا و جنگ کردن با او و آوردن تاج یا کنیزک: ل: رزم گيو با تژاو: ق: (جندیت بالا تر):
گفتار در احوال تژاو با ایرانیان: متن = آغاز ف ۲- ل. ق. ل. ا. س: دیده گاه: س: این بیت را ندارد ۳- ل: سپاهی ز ترکان: ق: که ایدر سپاهی
بیامد: متن = ف. س. ل. ا. س: ۴- ل: (نیزو): درفشی پلنگ: ف: سپهبد درفشی نهنگی پلنگ (!): ل: ا. س: سپهبد پلنگی درفشی به جنگ: ل: ا:
نهنگ: متن = س. ق: (نیزل. ب. ل. ا. ب) ۵- ل: زوی: ق: ازو ۶- س: گرد ۷- ق: پرخاشجو ۸- ل: (نیزل. ل. و. آ. ب): زهامون
بکام: س: (نیزق): زهامون بچنگ: ق. ل. ا. س: خرامان بچنگ: (ل. ب. ل. ا. س: گرازان بچنگ (ل. بچنگ)): متن = ف ۹- ل: پیاسخ چنین گفت
کای نامدار: متن ← ۱۰- ل: بیینی کنون رزم شیرسوار: متن = ف. س. ق. ل. ا. س: پس از این بیت افزوده است:

بگویی تژاوست نام مرا به مردم برآرند کام مرا

۱۱- ق: ز: ل. ا. س: زگوه سریه: متن = ف. ل. س ۱۲- ف. ل. ق. ل. ا. س: وز: متن = س ۱۳- ل: پشت: متن = ف. س. ق. ل. ا. س:
۱۴- ل. س: (نیزل. آ): تخت و گاه: ق. ل. ا. س: (نیزل. ب. و. ل. ا): تختگاه: (ق: مرزو گاه: ل: رزمگاه): متن = ف: (نیزب): بنداری: و ان
اصلی کان من ایران غیرانی الیوم مرزبان هذا الإقليم ۱۵- ل. ق: (نیزل. ب. ل. ا. س): گویا این که گفتی: (ق: این را که گفتی): متن = ف. ل. ا. س: (نیز
ل. ل. و. آ): بنداری: فقال له جیو: لا تبیح هذا: س: بیت های ۶۵۵-۶۵۷ را ندارد ۱۶- ل: (نیزل): دارد: متن = ف. ق. ل. ا. س: (نیزهشت
دستنویس دیگر) ۱۷- ف. ل. ا. س: (نیزل. ب): یا: ق: یا: متن = ل ۱۸- ل. ا. س: وگر ۱۹- ل: تندی: متن = ف. س. ق. ل. ا. س:
۲۰- ف: تو: متن = ل. س: ۲۱- ل. س. ق: که این: متن = ف. ل. ا. س: ۲۲- س: نامور پهلوان ۲۳- ل: (نیزل): اندر آرد: ل. ا. س:
س: (نیزق): اندر آری: س: (نیزل. ب. ل. ا. س): مرزبانان در آرد: ق: مرزبانان اندر آرد (وزن ندارد): (و. ب: مرزبانی در آری): متن = ف: (نیزل. آ)
۲۴- س: بیت های ۶۶۰-۶۶۲ را ندارد ۲۵- ق: بگویی بگفتار او بگویی: درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

ستانمت ازوا خِلمت و خواسته
 ندیده‌ست کس ترک آزادمرد
 تژاو فریبنده گفت: ای دلیر
 مرا نیز ایدر^۴ نگین‌ست و گاه
 همان مرز و^۵ شاهمی چُن^۶ افراسیاب
 پرستار با مادیان و^۷ گله
 تو این اندکی لشکر من مبین
 من امروز با این^{۱۲} سپاه^{۱۳} آن کم

چنین گفت بیژن به فرخ‌پدر
 سرافراز و^{۱۶} بیداردل پهلوان
 ترا با تژاو این همه پند چیست؟
 همی^{۲۰} گرز و خنجر باید کشید
 برانگیخت اسپ و برآمد خروش
 یکی گرد تیره^{۲۳} از میان بردمید
 جهان شد چو از باد^{۲۵} بهمن سیاه
 به قلب سپاه اندرون گیو گرد
 نه پیش اندرون بیژن تیزچنگ

پرستنده و اسپ آراسته
 چه گویی بدین^۲ روز ننگ و نبرد^۳
 درفش مرا کس نیارد به زیر
 هم اسپ‌ست و هم گوسپند^۵ و سپاه
 به ایران کس این را^۸ نبیند به خواب
 به دشت گروگرد^{۱۱} کرده یله
 مرا جوی^{۱۱} با گرز بر پشت زین
 کزین^{۱۴} آمدنتان^{۱۵} پشیمان کم

که ای نامورگرد پرخاشخر،
 به پیری نه آتی^{۱۷} که بودی جوان
 به ترکی بر^{۱۸} این مهر^{۱۹} و پیوند چیست؟
 دل و مغز ایشان باید درید^{۲۱}
 نهادند گوپال^{۲۲} و خنجر به دوش
 برآسان^{۲۴} که خورشید شد ناپدید
 ستاره ندیدند روشن، نه ماه
 همی از هوا^{۲۶} روشنایی ببرد
 که هرگز نکردی به کاری درنگ^{۲۷}

۱- ف، ل، ق: زو؛ متن = ل، س، ۲- س، ل، س، ۲ (نیزو): چه گویی کیم؛ ق (نیزب): گراینده؛ (لن، ل، ب، ل، ن): چه گویم کنون؛ ل: چه گویم کیم؛ آ: نگوئی کیم؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد ۳- ل: روزگار نبرد ۴- ل، س (نیزلن- لن، آ، ب): مرا ایدرا کنون؛ (و: مرا اندر ایدر)؛ متن = ف ۵- ل: پرستنده و گنج و تاج؛ س، ق، ل، س (نیزلن، ل- ب): همان اسپ و هم گوسپند (س، ق، ل، ل، لن، ب: گوسپند)؛ (ق: هم از اسپ و هم گوسپند)؛ متن = ف پس از تصحیح گوسپند به گوسپند ۶- ل، س، ۷: [و]؛ س، ق: همان نیز؛ متن = ف، ل ۷- ف- ق: چو؛ متن = ل، س، ۸- س، ق (نیزلن، ب): کسی این؛ ل، ل، س (نیزلی، و، آ، ب): کس این (ل: کسی) را به (ل: ز) ایران؛ متن = ف ۹- ل، ل، س، ۲: وز (س: از) مادیانان؛ س، ق (نیزلن، ب، ل، ن): وز باد پایان؛ (لی، آ: وز چار پایان؛ ل، و، ب: و از مادیان و)؛ متن = ف (نیزق) ۱۰- ف: کنو کرد؛ س، ل، س (نیزلن، ب): و رو کرد؛ (ل: بروجرد؛ لن: وزو کرد)؛ متن = ل، ق (نیزق، لی، و، آ، ب) ۱۱- س، ق، ل، س، ۲ (نیزلن، ق، ب، ل، ن): بین تو؛ (لی، آ: بین ایا)؛ متن = ف، ل (نیزو، ب)؛ بنداری: لا تنظر الی قلة هذا العسکر، وانظر الی فتکات جرزی اذا استویت علی ظهر فرسی ۱۲- ل: آن ۱۳- س، ق، س، ۲: سپه؛ متن = ف، ل، ل ۱۴- ق: که از ۱۵- ل: آمدنشان ۱۶- ق: [و]؛ ل، س، ۲: سزاوار و ۱۷- س: توتیزی نمودی ۱۸- س: بدوبر؛ ق: بروبر؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲ ۱۹- ل، س، ق: چنین مهر؛ ل، س، ۲: این پسند؛ متن = ف ۲۰- س، ق: یکی؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲ ۲۱- س: برید؛ ق در اینجا سرنویس دارد: محاربت تژاو با ایرانیان و گریختن او از بیژن گیو ۲۲- ف- س (نیزلن، ق، آ، ل، ل، ب): کوبال؛ (ب، و، لن، آ: کوبال) ۲۳- ل- س (نیزلن- ب): تیره گرد؛ متن = ف (صحتاک، بیت ۴۰) ۲۴- ل، ق: بدانسان؛ متن = ف، س، ل، س، ۲ ۲۵- ل: چو ابار (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ل، س، ۲ (نیزلی، و، آ): چو آبان و؛ (ب: جوانان و)؛ س، ق (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن): جهان گشت چون ابر؛ متن = ف ۲۶- ل: جهان ۲۷- ل: همی بزمگاه آمدش جای جنگ؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۲

۶۸۰ وُرآن روی بُدا تاج بر سر تراو
 یلانن چو ارتنگ و مردوی^۲ شیر
 بسی برنیامد برین^۶ روزگار
 دو^۸ بهره ز توران سپه کشته شد
 همی شد گریزان تراو^{۱۱} دلیر
 خروشان و جوشان و نیزه به دست
 یکی نیزه زد بر میان تراو
 ۶۸۵ گراینده بُد بند رومی زره^{۱۶}
 بیفگند نیزه^{۱۸} پیازید چنگ
 برآنسان^{۲۰} که شاهین^{۲۱} رباید چکاو^{۲۲}
 که افراسیابش به سر برنهاد
 چُنین تا در دز همی تاخت اسپ
 ۶۹۰ چو نزدیکی دز رسید، اسپنوی^{۲۵}
 که بس خود چُنین روی^{۲۷} برگاشتی

که بودیش با شیر درنده تاو
 که هرگز نبُدشان دل^۳ از جنگ^۴ سیر^۵
 که ارتنگ^۷ سیر آمد از کارزار
 سر^۹ بخت آن کینه ور گشته^{۱۰} شد
 پیش بیژن نامبردار^{۱۲} شیر
 تو^{۱۳} گفتی که غرنده شیری ست^{۱۴} مست
 نماند آن زمان با^{۱۵} تراو ایچ تاو
 پیچید و نگشاد بند گره^{۱۷}
 چو بر کوه بر غرم^{۱۹} یازد پلنگ
 ربود آن گرانمایه تاج تراو،
 نبودی جدا زو^{۲۳} به خواب و به یاد^{۲۴}
 پس اندرُش بیژن چو آذرگشپ
 بیامد خروشان پُر از^{۲۶} آب روی
 بدین^{۲۸} دز مرا خوار بگذاشتی

۱- ق: [بد] (وزن ندارد)؛ ل: وزان سوی با؛ س: بیامد ابا؛ ل، آ، س: بران روی با؛ متن = ف ۲- ل: همه نیک مردان و؛ س، ق (نیز لن- آ، ب): چو ارتنگ و مردوی (س: شیروی؛ ق: مردان؛ ق: گردوی؛ ل، آ، آ: مردی چو)؛ متن = ف، ل، آ، س ۳- ل: نشدشان دل؛ س: نبودندی؛ ق: نبودند؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، و) ۴- ل: رزم ۵- س: پیش بیژن نامبردار شیر (= ۶۸۳ ب) ۶- س: بدین ۷- ل: که آن ترک؛ س، ق (نیز لن- آ، ب): که ارتنگ؛ متن = ف، ل، آ، س؛ درس ۱ بیت های ۶۸۱-۶۸۳ پس از بیت ۶۸۶ آمده اند ۸- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، و، آ): سه (؟)؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ بنداری: قتل فیه اکثر اصحاب تراو ۹- ل: سرو ۱۰- ل: ترک برگشته؛ ل، آ، س: نامور گشته؛ ق: کینه جو گشته؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ) ۱۱- ل: سوار ۱۲- ل: بیژن گیو برسان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۳- س، س، آ؛ که؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ ۱۴- ف: شد شیر؛ ل، ل، آ، س (نیز ل، آ، و، آ): شیرست؛ (ق: ییلست)؛ متن = س، ق (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۵- س (نیز لن، ل، ن، آ): نماند از تنش با (درس، لن حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ، س: نماند آج توش؛ متن = ف، ل، ق (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: نبرد بیژن با تراو و آوردن اسپنوی و تاج تراو ۱۶- س، ق: تنگ (س: تنگ و) بر بر گره؛ ل، آ، س: مرد و سنگی (س: تنگی) زره؛ (ق، آ، و، ب: مرد رومی زره)؛ ف: گرازیده شد مرد رومی زره؛ متن = ل (نیز ل، پ، آ) ۱۷- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ، ب): بجنبید (ف: بجنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، آ، پ، ل، آ: بجنبید؛ س، و، ب: بجنبید؛ ل، آ: بجنباند) و بگشاد (س: نگشاد) بند گره (س، ق: رومی زره)؛ متن = ل (حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

تراو دلاور برانگیخت اسب پیش تاخت بیژن چو آذرگشپ

۱۸- س: شکفتید بیژن ۱۹- ف: بر غرم بر کوه؛ س: در کوه بر غرم؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۲۰- ل، س: بدانسان؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۱- ف: گندم (؟)؛ س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): کرکس (؟)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۲۲- ف- س (نیز لن- ب): چکاو ۲۳- ل، آ، س: جز از وی ۲۴- ل، س، ق: بخورد و بداد؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۵- ف- س (نیز لن- آ): اسپنوی؛ متن = (ب) ۲۶- ل، آ، س: خروشان (ل: خرامان) و بر ۲۷- س: پشت؛ ل: که از کین چنین پشت؛ س (نیز ق، آ): که از من چنین روی؛ ق (نیز لن، ل، پ، ل، آ، ب): که بر من چنین پشت؛ (ل: که تو خود چنین اسب؛ ب: بگفتش که خود روی)؛ متن = ف، ل (نیز و) ۲۸- ل، آ، س: برین

سزد گر ز پس برنشانی ^۱ مرا	بدین ^۲ ره ^۳ به دشمن نمائی مرا
تژاو سرافراز را دل بسوخت	بکردار آتش رخس ^۴ برفروخت
فراز اسپنوی ^۵ و تژاو از نشیب	بدو داد در تاختن یک رکیب ^۶
همی تاخت چون باد ^۷ با اسپنوی ^۸	سوی راه توران نهادند روی
زمانی دوید اسپ جنگی تژاو	نماند ایچ با مرد و با اسپ ^۹ تاو
تژاو آن زمان با پرستنده ^{۱۰} گفت	که دشخوار ^{۱۱} کار آمد ای نیک جفت ^{۱۲}
فروماند ^{۱۳} این اسپ جنگی ز کار	پَسَم ^{۱۴} بدسیگال آمد و پیش غار
اگر دور از ایدر به بیژن ^{۱۵} رسم	به کام بداندیش دشمن ^{۱۶} رسم
ترا نیست ^{۱۷} دشمن بیکبارگی	بمان تا برانم من این بارگی
فرود آمد از پشت اسپ ^{۱۸} اسپنوی ^{۱۹}	تژاو از غم او پُر از آب روی ^{۲۰}
براند اسپ و شد نزد افراسیاب	پسش بیژن اندر ^{۲۱} گرفته شتاب
چو دید آن رخ ^{۲۲} ماهروی ^{۲۳} اسپنوی ^{۲۴}	فروهشته از مُشک تا پای موی ^{۲۵} ،
پس پشتِ خود ^{۲۶} اندرش جای کرد	سوی لشکر پهلوان رای کرد

۱- س، ق: گر پس اندر نشانی؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ ۲- ل، ل، س: برین ۳- ق، ل، ل، س: دز؛ متن = ف، ل، س ۴- ل: دل؛ دلس؛ ف (نیز ق^۲) پس از این بیت افزوده اند:

هانگه مر او را پس اندر نشانند

وز انجایگه اسپ را تیز (ق^۲: هم) براند

۵- ف- س^۲ (نیز لن- ل): اسپنوی؛ متن = (ب) ۶- س، س: رکاب (پساوند ندارند)؛ ل، ل، ل، س^۲ پس از این بیت افزوده اند:
ل: پس اندر نشانندش چو ماه دمان
ل، ل، س: چو بباد (س: پاک) اسپنوی از پیش برنشست
بگرد میانش برآورد دست (س: برآورد در گرد گاهش دو دست)
۷- ل، ق، ل، ل، س: گرد؛ متن = ف، س ۸- ف- س^۲ (نیز لن- آ): اسپنوی؛ متن = (ب) ۹- ل: با اسب و با مرد ۱۰- س، ق:
پرستار؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ ۱۱- ل- ل- س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل، پ- آ): دشوار؛ متن = ف (نیز ل، ل، ب) ۱۲- ل: خوب جفت ۱۳-
س، س: فرود آمد ۱۴- ل، ل، س، ق: ز پس؛ متن = ف، ل، ل، س: در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ف:
رسم (!)؛ س: دشمن؛ متن = ل، ق، ل، ل، س^۲ ۱۶- س: بیژن ۱۷- س: بر اینست (ترا نیست) ۱۸- ف: پشت او؛ ل، س (نیز ق^۲):
اسب او؛ متن = ق، ل، ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹- ف- س^۲ (نیز لن- آ) اسپنوی؛ متن = (ب) ۲۰- س، ل: فروهشته از
مشک تا پای موی (= ۷۰۴)؛ ل، ق، ل، ل، س^۲ (نیز ق، ل، پ، و، ب) پس از بیت ۷۰۲ افزوده اند:

سبک یار شد اسب و تنیدی گرفت

پسش (ل: همان) بیژن گیو کنیدی گرفت

س پس از بیت ۷۰۲، س^۲ پس از بیت ۷۰۳، ق (نیز ل، ل، پ، ل، ل، آ) پس از بیت ۷۰۴ افزوده اند:

رسید اندر آن جای (س: حال) بیژن فرافراز (س: اندر و بیژن سرفراز)

گگرفشش مر آن خوب رخ را به ناز

۲۱- س: پس اندرش بیژن؛ ل، ل این بیت را ندارند ۲۲- س: بمانده بر او ۲۳- س: ماهرخ ۲۴- ف- س^۲ (نیز لن- ب):
اسپنوی ۲۵- ف: تابان دو موی؛ (ل: تاتار موی؛ ل: تابنده موی؛ آ: تا پاش موی)؛ ل (نیز پ): ز گلبرگ روی و پراز (پ: بُد روی وز)
مشک موی؛ س: بیالا چو سرو و چو خورشید روی؛ متن = ق، ل، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل، ب)؛ ل ۷۰۲ ب- ۷۰۴ آ را انداخته و از ۷۰۲ آ و
۷۰۴ ب یک بیت ساخته است ۲۶- س، ق، ل، ل، س: خویش؛ متن = ف، ل؛ س پس از این بیت افزوده است:

بمانده بر آن ماهروی اسپنوی فروهشته از مشک تا پای موی (= ۷۰۲، پ، ۷۰۴) (پ)

ز درگاه برخاست آوای^۲ کوس
 دمان با شکار^۴ آمد از مرزار^۵
 به ویرانی دز نهادند روی
 کجا بود^۸ بر^۹ دشت ترکان^{۱۰} یله
 چنان چون بود ساز مردان جنگ
 بیاراست لشکر بیکبارگی^{۱۲}

به شادی بیامد^۱ به درگاه طوس
 که بیداردل شیر و^۳ جنگی سوار
 سپهدار و گردان^۶ پرخاشجوی
 وزان پس^۷ برفتند سوی گله
 گرفتند هریک^{۱۱} کمندی به چنگ
 به خم اندرآمد سر بارگی

تژاو غمی با دو دیده پُرآب
 چنین گفت کامد سپهدارطوس
 بلاشان^{۱۶} و آن نامداران مرد
 همه مرز و بوم آتش اندرزند
 چو بشنید افراسیاب این^{۱۸} سخن
 به پیران ویسه چنین گفت شاه
 درنگ آمدت کار با^{۲۱} کاهلی
 نه دز ماند اکنون، نه اسپ^{۲۳} و نه مرد^{۲۴}
 بسی خویش و پیوند ما برده گشت^{۲۶}
 کنون نیست امروز روز^{۲۷} درنگ

بیامد بنزدیک^{۱۳} افراسیاب
 یکی^{۱۴} لشکری گشن با پیل و کوس^{۱۵}
 به خاک اندرآمد سرانشان ز گرد
 فسیله سراسر بهم^{۱۷} برزدند
 غمی گشت و^{۱۹} پس چاره افکند^{۲۰} بُن
 که گفتم بیاور ز هر سو سپاه
 ز پیری گرانی و گر^{۲۲} بددلی
 نشستن برآورد ازین مرز گرد^{۲۵}
 بسی مرد نیک اختر آزرده گشت^{۲۶}
 جهان گشت بر مرد بیداد^{۲۸} تنگ

سپهدار^{۲۹} پیران هم اندر شتاب
 برون آمد از پیش افراسیاب

۱- س، ق: بیامد بشادی؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲- س: آواز؛ س: یکی لشکر آورد با پیل و؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۳- ل، ل، ل، س: [و]؛ س، ق: مرد؛ متن = ف ۴- س: آشکار ۵- س، ق: کارزار؛ متن = ف، ل، ل، س، ۶- س: سپهدار ترکان؛ س: سواران و گردان؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۷- ل: از انبیس؛ ق: وزان [پس] (وزن ندارد)؛ ل، ل، س: وزان دز؛ متن = ف، س، ۸- ل: که بودند ۹- س، ق، س: در؛ متن = ف، ل، ل، ۱۰- س، ق، ل: توران؛ متن = ف، ل، س، ۱۱- ل، ل، س: هرکس ۱۲- ل این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

نشستند بر جایگاه تژاو سواران ایران پر از خشم و تاو

۱۳- س: همی رفت تا نزد؛ ل، س: چو آمد بنزدیک؛ متن = ف، ل، ق ۱۴- ل: ابا ۱۵- ل: و پیلان کوس؛ ق: با بوق و کوس؛ س، ل، س: لشکر آورد با بوق (ل، س: پیل) و کوس؛ متن = ف ۱۶- (ق: یلاشان؛ ب: یلاشان) ۱۷- ل: یکایک همه ۱۸- ل: آن ۱۹- س: [و] ۲۰- ل: بر چاره افکند؛ ق: اندیشه افکند؛ ل: افکند یک چاره؛ متن = ف، س، س، ۲۱- ل: رای از؛ ل، س: رای با؛ س، ق: آوریدی توازه؛ متن = ف (نیز) ۲۲- ل: گران گشته و؛ س، ق: سبب پیری آمد اگر؛ متن = ف، ل، س، (نیز) ۲۳- ل: مرد ۲۴- س، ق، ل، س: (نیز)؛ مرز؛ متن = ف، ل (نیز) ۲۵- ل: نشاید بدین مرز کرد؛ س، ق، ل، س: (نیز)؛ ندارد (س: نیارد) بدین مرز (ق: بوم) ارز؛ متن = ف (نیز) ۲۶- س، ق: شد؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲۷- س: جای؛ ق: این جای جای؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲۸- ل، س، ق، س: (نیز)؛ ب: بیدار؛ ل: بر من بیکباره؛ متن = ف (نیز) ۲۹- ل: جهاندار

ز هر مرز مردان جنگی بخواند
 سُوی میمنه بارمان و تراو
 ۷۲۵ چو نستیهَن گرد بر میسره
 جهان شد پر^۳ از ناله‌ی گره‌نای^۴
 هوا سربسر زرد و سرخ^۵ و بنفش
 سپاهی و جنگی تنی صد هزار^۶
 ز دریا به دریا نبود ایچ^۷ راه
 ۷۳۰ همی کرد پیران به رفتن شتاب
 سپه را یکایک همه^۸ برشمرد
 چنان شادمان گشت و روشن روان
 که پیروز رفتی و شاد آمدی^۹
 همی رفت لشکر گروه‌ها گروه
 بفرمود پیران که بی‌ره^{۱۰} شوید^{۱۱}
 نباید که یابند خود^{۱۲} آگهی
 مگر ناگهان بر سر آن گروه
 برون کرد^{۱۳} کارا گهان ناگهان
 به تندی به راه اندر آورد روی

سلیح^۱ و درم داد و لشکر براند
 سواران که دارند با شیر تاو
 کجا شیر بودی^۲ به جنگش بره
 ز آواز کوس و ز زخم^۳ درای
 ز بس نیزه و گونه‌گونه^۴ درفش
 نهاده همه سر سُوی کارزار
 ز اسپ و ز پیل و هیون و سپاه
 از^۵ ایوان به دشت آمد افراسیاب
 که چندست از ایشان^۶ سرافراز گرد
 کجا آفرین خواند بر پهلوان
 میناد چشم تو هرگز بدی^۷!
 بُد دشت پیدا ز دریا و^۸ کوه
 از ایدر سُوی راه کوتاه^۹ شوید^{۱۰}
 ازین نامداران با فرهی
 فرود آرم^{۱۱} این گشن لشکر چو کوه^{۱۲}
 همی جُست بیدار کار جهان^{۱۳}
 به سوی گروگرد^{۱۴} و جای^{۱۵} گروهی

۱- س: سلاح؛ ل پس از این بیت افزوده است:

چو آمد زیهلویرون پهلوان
 همی نام زد کرد جای گوان

۲- ل: گشتی ۳- ل، س، ق، ل: پر شد؛ متن = ف، س^۱ ۴- ف، ل، س، س: کز نای ۵- ل، ل، ل، س: ز غزیدن (ل، ل، س: توفیدن) کوس (ل: بوق) و هندی؛ س، ق: ز توفیدن کوه و زخم؛ متن = ف (نیزلی، و، آ) ۶- ل، ل، س، ق، ل: سرخ و زرد؛ متن = ف ۷- س: ز بس گونه‌گون تیرها و؛ ق: ز بس گونه‌گونه درفشان؛ متن = ف، ل، ل (نیزق، آ)؛ س: این بیت را ندارد ۸- ف، ل: سی هزار؛ ل، س: سپاهی ز جنگاوران صد هزار؛ متن = ق، س (نیزلن، آ)؛ بیت‌های ۷۲۸-۷۳۳ در دستنویس‌ها درهم ریخته‌اند ۹- ف (نیز و): ندید ایچ؛ ق (نیزلن، ب، ل، آ)؛ بُد هیچ؛ متن = ل، س، ل (نیزب)؛ س: این بیت را ندارد ۱۰- ف، ل: ز؛ متن = س، ق، س: ل بیت‌های ۷۳۰-۷۳۳ را ندارد ۱۱- ق: همه یک بیک ۱۲- ف: ایران (!)؛ متن = ق، ل، ل، س (نیزق، ل، ل، و، آ، ب)؛ س بیت‌های ۷۳۱ و ۷۳۲ را ندارد ۱۳- س، ق: که رفتی به پیروزی و شادمان؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۱۴- س، ق: چشمت بلای زمان؛ ل: هرگز دو چشمت بدی؛ متن = ف، س: پیایی بیت‌های ۷۲۸-۷۳۳ در دستنویس‌ها، ف، و: ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۳؛ ل: ۷۲۸، ۷۲۹ (بیت‌های ۷۳۰-۷۳۳ را ندارد)؛ س: ۷۲۹، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳ (بیت‌های ۷۳۱ و ۷۳۲ را ندارد)؛ ق، ل، ل، س: ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳؛ س: ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳ (بیت ۷۲۹ را ندارد)؛ پیایی بیت‌های متن = ل (نیزق، ل، ل، آ، ب) ۱۵- ل، س (نیزل، ل، ب، ل، ل): نه دریا نه؛ متن = ف (نیزو) ۱۶- س: که چون ره ۱۷- ل، ل، س، ل: روید؛ متن = ف، ق، س^۱ ۱۸- ل: بیره (!) ۱۹- س: یابد ز خود ۲۰- س: آری ۲۱- ف، ق، ل: این لشکر همچو کوه (ل: هم گروه)؛ ق، ل، ل: آورده لشکری همچو کوه)؛ متن = ل، س، س (نیزلن، ل، ب، و، آ، ب) ۲۲- س: فرستاد ۲۳- ل: به پیران بگفتند یک یک نهان؛ ل ۷۳۸ ب- ۷۴۱ آ را انداخته و از ۷۳۸ آ و ۷۴۱ ب یک بیت ساخته است ۲۴- (ل، ب، ل، ل): و رو کرد؛ بنداری: جیو کرد؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، و، آ، ب، لغت شهنامه، شماره ۱۹۳۶) ۲۵- س، س: [و] جای؛ ق: [و] شهر؛ متن = ف، ل

<p>ز باورد برخاست آوای کوس به پیران بگفتند یک یک نهبان^۳ شب و روز با جام پُر می^۴ به دست نه اندیشه‌ی رزم^۵ توران سپاه ز لشکر فراوان سَخُن‌ها براند^۶ نبوده‌ست هرگز بر^۷ ایران سپاه</p>	<p>۷۴۰ میان سرخس ست و باورد^۱ طوس پیوست گفتار^۲ کارا گهان که ایشان همه می‌گسارند و مست طلایه سُواری^۳ ندیدم به راه^۴ چو بشنید پیران یلان^۵ را بخواند که در رزم^۶ ما را چُنین دستگاه</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

گفتار اندر شبیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس^{۱۲}

<p>سواران شمشیرزن سی هزار نه بانگ تبیره، نه بوق و جَلَب میان یلان هفت فرسنگ ماند کجا بود بر^{۱۵} دشت ایشان^{۱۶} یله نبود^{۱۸} از بد بخت مانند چیز سر^{۱۹} بخت ایرانیان گشته شد برفتند برسان گرد^{۲۰} سیاه گروهی نشسته، گشاده میان سپهدار گودرز هشیار بود سراسیمه شد گِیو پَرخاشخر یکی اسپ بَرگَسْتَوان ور به پای به ره بر ندیدند یک کس سوار^{۲۴}</p>	<p>گزین کرد از آن^{۱۳} لشکر نامدار برفتند نمی گذشته ز شب چو سالار بیدار^{۱۴} لشکر براند نخستین رسیدند پیش گله گرفتند بسیار و کشتند^{۱۷} نیز گله دار و چوبان بسی گشته شد و ز آنجایگه سوی ایران سپاه همه مست بودند ایرانیان به خیمه نَدرون^{۲۱} گِیو بیدار بود خروش آمد و بانگ زخم^{۲۲} تبر سپه بود بر^{۲۳} پیش پرده سرای ز خیمه بیامد سُوی کارزار</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: [و]: ل: سرخست نزدیک: متن = ف، س، ق ۲- س: رسیدند آنگاه: ق: خبر شد به پیران ز: متن = ف، ل، س ۳- ف (نیز ب): مهان: س: کار جهان: ق: یکسر مهان: متن = ل، ل، ل، س (نیز ل، ل، آ) ۴- س، ق: باشند بامی: ل: با جام و بامی: س: با جام و می بر: متن = ف، ل ۵- ل، س (نیز ق): سواری طلایه: (ل، ب، ل، ن: سوار طلایه): متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۶- س، ق: ندارند راه: ل، س: ندارد براه: متن = ف، ل ۷- س: از رزم: س، ق: بی (ق: نه) اندیشه از کار ۸- س: سران ۹- س: مهان را بخواند ۱۰- س، ق، ل، س: جنگ: متن = ف، ل ۱۱- ل، س، ق، ل: به: متن = ف، س ۱۲- ف: گفتار اندر شبیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس و گودرز و کشته شدن گودرز (!) با پهلوانان: س: شبیخون آوردن و یسه بر سر طوس و ایرانیان: ق: شبیخون کردن پیران بر ایرانیان و تباهی ایرانیان: ل: شبیخون کردن پیران و بهزیمت شدن: متن = آغاز ف ۱۳- ل: زان ۱۴- ل: چوپیران سالار: متن = ف، س، ق، ل، س ۱۵- س: ل، ل، س: در ۱۶- ل، س، ق (نیز ل، ب، ل، ن): توران: ل (نیز ل، آ): از ایشان: (ل، ب): از ایران: متن = ف، س (نیز و) ۱۷- س، ق: بردند: متن = ف، ل، ل، س ۱۸- ق: نماند ۱۹- س: سرو: بنداری: وقتلوا کل من کان علیها من الجویانیة و المستحفظین ۲۰- ل: ابری: س: گردی ۲۱- ل، س، ق، س (نیز ل، ب): به خیمه درون: متن = ف، ل: به خیمه اندرون (ص ضحاک، بیت ۴۰) ۲۲- ل: زخم و: س، ق، س: زخم: متن = ف، ل ۲۳- س، ق: در: متن = ف، ل، س: ل این بیت را ندارد: بنداری: و کان علی باب خیمه فرس مجفف ۲۴- س، ق، ل، س (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب): بره (س، ل، آ، ب، ل، ن): برو) برشتابید (س: ستانیده: ل، آ: نشانید: ل: ستانید: ب: نشانند) جنگی (س، ل، ل، ل، آ: چندی) سوار: (ل: رسید اندر و مرد جنگی سوار: ق: برهنه بیفتاد جنگی سوار): متن = ف: ل این بیت را ندارد

- ۷۶۰ برآشفت با خویشتن چون^۱ پلنگ
مرا^۳ - گفت - بر خیره امشب چه بود
بیامد به اسپ اندرآورد پای
به پرده سرای سپهبد رسید
بدو گفت^۵: بر خیز کامد سپاه
و ز آنجایگه شد بنزد^۷ پدر
همی گشت برگرد لشکر چو دود
یکی جنگ با بیژن افگند پی
۷۶۵ سپاه اندرآمد به گرد سپاه
سراسیمه شد^{۱۴} خفته از داروگیر
به زیر سر مست بالین نرم
سپیده چو برزد سر از برج شیر
همه دشت از ایرانیان گشته دید
۷۷۰ همی کرد گودرز هر سو نگاه
بدان^{۲۱} اندکی برکشیدند نخ
سپهبد نگه کرد گردان ندید^{۲۳}
همه رزمگه سربسر گشته بود^{۲۵}
- ز شافیدن پای آمدش ننگ^۲
که مغزم ز پیگار شد پُر ز دود
بکردار باد اندرآمد ز جای
ز گرد و ز شب^۴ آسمان تیره دید
به خواب اندرند این دلیران شاه^۶
به چنگ اندرون گره‌ی گاوسر
برانگیخت آنرا^۸ که هشیار بود
که این دشت رزمست^۹ اگر^{۱۱} باغ^{۱۱} می
یکی^{۱۲} بانگ^{۱۳} برخاست از رزمگاه
برآمد یکی ابر و^{۱۵} بارانش تیر
ز بر تیغ و شمشیر و گویال^{۱۶} گرم
به لشکر نگه کرد گیو دلیر^{۱۷}
سر بخت بیدار^{۱۸} برگشته دید^{۱۹}
ز دشمن بیفزود هَرمان^{۲۰} سپاه
سپاهی ز ترکان چو^{۲۲} مور و ملخ
ز لشکر دلیران و مردان^{۲۴} ندید
زمین سربسر چون گل آغشته بود^{۲۶}

۱- س: با طوس همچون ۲- ف: بسودش بتندی بهم بر دو چنگ؛ س: ق: ز کار خود و غفلت آمدش ننگ؛ ل: ز بازو ز آشامیدن آمدش ننگ (!)؛ س: ز پای و ز شافیدنش آمد ننگ (!)؛ (ق: ز بهر بیفتادن آمدش ننگ؛ ل: و: آ: که مغزم ز پیگار شد پر ز ننگ (= ۷۵۹ ب)؛ ل: آ: بیای اندرآمد سوی نام و ننگ؛ پ: ل: ز کار خود پیش آمدش ننگ؛ ب: که این جای خواست یا دشت جنگ)؛ متن = ل (نیز لغت شهنامه، شماره ۱۶۲۰؛ ل: ز سافیدن ...) ۳- ق: ورا؛ ل این بیت را ندارد و در ق پس از بیت ۷۶۱ آمده است ۴- ف: ز گردون ز شب؛ ل (نیز ق: آ، ل، ی، آ): ز گرد سپه؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، ب، و، ل، آ، ب)؛ در ق پس از این بیت، بیت ۷۵۹ آمده است ۵- ق: بگفتا که؛ ل: برو گفت ۶- س: اندرید ای دلیران شاه؛ ل: یکی گرد برخاست ز آوردگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ ۷- ل: رفت نزد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۸- ل، آ، س: آنکس ۹- س، ق، ل، آ، س: جنگست؛ متن = ف، ل ۱۰- ف، س، ق، س (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ، ل، آ، ب): یا؛ ل: گر؛ ل: با؛ (ل: نه)؛ متن = (و) ۱۱- س، ق: جای؛ (ل، ن، ی، ب، ل، آ، جام: ق: سور و؛ ل: باغ و)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و، ب) ۱۲- ق: همی ۱۳- س: گرد؛ ل بجای این بیت افزوده است:

وزان پس بسیامد سوی کسارزار

بره برشتابید چندی سوار (← ۷۵۷ پ)

۱۴- س، ق: مست؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۵- ل، س، ق: [و]؛ متن = ف، ل، آ، س؛ در ل بیت های ۷۶۷-۷۷۵ درهم ریخته اند: ۷۷۲، ۷۷۱، ۷۶۷، ۷۷۰، ۷۷۵، ۷۷۳، ۷۷۴ ۱۶- ف- س: کوبال؛ ل: گرز و کوبال و شمشیر ۱۷- ف این بیت را ندارد ۱۸- س: بدخواه ۱۹- ق: زمین سربسر چون گل آغشته دید (= ۷۷۴ ب)؛ در ق بیت های ۷۷۰-۷۷۵ درهم ریخته اند: ۷۷۰+۷۷۴ ب، ۷۷۵، ۷۷۱، ۷۷۲ (۷۷۳ را ندارد) ۲۰- ق: هر دم ۲۱- ل، آ، س: بران ۲۲- س: سپاهی بکردار ۲۳- س: سپه را نگه کرد و هر سو بدید ۲۴- س: گردان؛ ق، ل، آ، س این بیت را ندارند ۲۵- ل، آ، س: سپاهش نگه کرد و کشته بدید ۲۶- ل، آ، س: دید (پساوند ندارند)؛ ل: تئانشان به خون اندر آغشته بود؛ متن = ف، س، ق

<p>رخ زندگان^۲ تیره^۳ چون آب‌نوس همه لشکر گشن زیر و زیر</p> <p>گهی شادمانی دهد، گاه درد سراپرده و خیمه بگذاشتند همه میسر خسته^۸ و میمنه برفتند بی مایه و تاروپود روان پُر ز کین و زبان پُرفسوس^{۱۲} پس پشت پُر^{۱۵} جوشن و خود و گبر^{۱۶} همه کوه کردند گردان حصار یکی را بُند هوش و توش و درنگ^{۲۰} شده مانده از رزم و راه^{۲۲} دراز ز پیگار ترکان بی‌اندوه شد برآمد خروشی به درد از میان شد آن گُشته، بر خسته باید گریست نه اسپ و نه مردان جنگی^{۲۹} به جای نه آن خستگان^{۳۱} را کسی خواستار وُزآن خستگان چند^{۳۳} بریان^{۳۴} شده</p>	<p>دریده دِرفش و نگون کرده^۱ کوس پسر بی‌پدر بُد^۴ پدر بی‌پسر^۵</p> <p>چُنین آمد^۶ این گنبد تیزگرد به بیچارگی پشت برگاشتند نه کوس و نه لشکر^۷ نه بار و بُنه ازین^۹ گونه لشکر سُوی کاس رود^{۱۰}</p> <p>سواران ترکان^{۱۱} پس پشتِ طوس همی گرز بارید گفتی^{۱۳} از^{۱۴} ابر بُند کس به جنگ^{۱۷} اندرون پایدار فروماند^{۱۸} اسپان و مردان جنگ^{۱۹}</p> <p>سپاه از بُن کوه^{۲۱} گشتند باز ز هامون سپهد چو بر^{۲۳} کوه شد فراوان کم آمد از^{۲۴} ایرانیان^{۲۵} همه خسته و بسته^{۲۶} بود^{۲۷} آنک^{۲۸} زیست نه تاج و نه تخت و نه پرده‌سرای نه آباد بوم و نه پروردگار^{۳۰}</p> <p>پدر بر پسر^{۳۲} چند گریان شده</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل. س: نگوئسار؛ متن = ف، ق، ل، ا، س^۱ ۲- ل: زنده گان ۳- س، ق، س، ا: گشته؛ ل: کرده؛ متن = ف، ل ۴- ل، س: شد؛ متن = ۵- ق، ل، ا، س، ا: پدر بی پسرید (ق: شد) پسری پدر؛ متن = ف ۶- ل، ا، س، ا: است؛ در ل این بیت پس از بیت ۷۸۰ آمده است ۷- س: نه لشکر نه خیمه؛ ق: بلشکر نه کوس و؛ متن = ف، ل، ل، ا، س، ا ۸- ل، ا، س، ا: کشته ۹- س: کزین ۱۰- ل، س، ق (نیز ل، ب): کاسه رود؛ بنداری؛ کاسرود؛ متن = ف، ل، ا، س، ا ۱۱- ل، ق: توران؛ متن = ف، س، ل، ا، س، ا ۱۲- دلان پرز کین و سران پرفسوس؛ ق: رخ زندگان گشته چون آب‌نوس (= ۷۷۵)؛ متن = ف، س، ل، ا، س، ا ۱۳- ل: گویی؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س، ا ۱۴- ل، ق، س، ا: ز؛ متن = ف، س، ل، ا ۱۵- ل: نشسته برو؛ س: سر بسته بر ۱۶- س: بر ۱۷- ل: رزم ۱۸- ل: مانده؛ س: فرود آمد ۱۹- ف (نیز و): ز کار؛ ل، ا، س، ا (نیز ل، ل، ا، پ، ل، ن، ا، ب): مردان و اسپان ز (ل: به) جنگ؛ (ق: یکی را بُند صبر و جای درنگ)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، آ) ۲۰- ل: توش نهنگ (!)؛ ل، ا، س، ا: هوش و با توش رنگ؛ (ل، ن، ب، ل، ن: هوش و نه توش و رنگ؛ ل، آ: هوش و بوی و نه رنگ؛ ل: هوش و رای و درنگ؛ ب: توش با هوش و رنگ)؛ ف (نیز و): بُند خستگان را کسی خواستار (= ۷۹۰)؛ (ق: یکی را بتی در بُند تاب جنگ)؛ متن = س، ق ۲۱- س، ق (نیز ل، ق، ا، ب، ل، ن، ا): بر کوه؛ ل، ل، ا، س، ا (نیز ل، ل، ا، آ): سپاهی ازین گونه؛ متن = ف (نیز و، ب) ۲۲- ق: راه و رزم ۲۳- ل: سوی؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س، ا ۲۴- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، ا، س، ا ۲۵- ل: گودرزیان؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س، ا (نیز ل، ن، ب): بنداری؛ فعدم اکثر ایرانیان ۲۶- ل: کشته (= گشته؟) ۲۷- ل- س، ا: بد؛ متن = ف ۲۸- ل، س، ا: هرک؛ متن = ف، س، ق، ل، ا ۲۹- ل: نه اسب و نه زین و نه مردان؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س، ا ۳۰- ل: مردان کار؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س، ا (نیز ل، ق، ا، ل، ن، ا، ب) ۳۱- ف (نیز و): بستگان؛ س (نیز ل، ن، پ، ل، ن، ا): کشتگان (= گشتگان؟)؛ متن = ل، ق، ل، ا، س، ا (نیز ق، ل، ا، ب) ۳۲- س: پسر بر پدر ۳۳- س: نیز ۳۴- ل، ا، س: بیجان

چنین ست رسم سرای^۱ جهان
 همه^۲ با تو در پرده بازی کند
 به رنج^۴ درازیم در چنگ آز
 ز باد آمدی^۷ رفت خواهی به گرد^۸ ۷۹۵

دو بهره از^۹ ایرانیان گشته بود^{۱۰}
 سپهد ز پیگار^{۱۲} دیوانه گشت
 به لشکرگه اندر می و خواب^{۱۳} و بزم
 جهاندیده گودرز با پیرسر
 نه آن خستگان را خورش یا^{۱۷} بزشک ۸۰۰
 جهاندیدگان پیش او^{۱۸} آمدند
 یکی دیدبان^{۲۰} بر سر کوه کرد
 طلایه همی گشت^{۲۲} بر هر سوی^{۲۳}
 یکی نامداری از^{۲۶} ایرانیان
 دهد شاه را آگهی زین^{۲۷} سخن ۸۰۵
 چه روز بد آمد به ایرانیان
 رونده^{۲۹} بر شاه بُرد^{۳۰} آگهی
 چو شاه دلیر آن^{۳۲} سخن ها شنید

که کردار خویش از تو دارد نهان
 ز پُری و از^۳ بی نیازی کند
 چه دانیم^۵ باز آشکارا ز^۶ راز
 چه دانی که با تو چه خواهند کرد

دگر خسته از جنگ^{۱۱} برگشته بود^{۱۰}
 دلش با خرد همچو بیگانه گشت
 سپاه آرزوی^{۱۴} کرد بر جای رزم^{۱۵}
 نه پور و نبیره، نه بوم و نه بر^{۱۶}
 همه جای غم بود و خونین سرشک
 شکسته دل و راه جوی^{۱۹} آمدند
 کجا دیدگان^{۲۱} سُوی انبوه کرد
 مگر یابد آن درد را^{۲۴} داروی^{۲۵}
 بفرمود تا تنگ بندد میان
 که سالار لشکر^{۲۸} چه افگند بُن
 سران را ز بخشش سرآمد زیان
 که تیره شد آن روزگار بهی^{۳۱}
 بجوشید و از^{۳۳} غم دلش بردمید

۱- ل، س: جهان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۲- ل- ل- س^۲ (نیز ق^۲- و، آ، ب): همی؛ (لن، ل: کجا)؛ متن = ف ۳- ل: ز بیرون ترا؛ ق: ز تندی وز؛ (لن، ق، آ، لی، آ، ب: ز تیزی و از؛ و: ز پیری و از؛ ل: وزان پس ترا)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۴- ل: بندد؛ س، ق: بشغل؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۵- ل: ندانیم؛ س: چه داریم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۶- س: و؛ ل: آشکارش ز؛ س: با آشکاراش؛ متن = ف، ق؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷- س، ل، آ، س^۲: آمده ۸- ل، آ، س^۲: درد؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۹- ل: ز ۱۰- ل: شد ۱۱- ل: رزم ۱۲- ف: رَیگانه (؟)؛ ق: بیکبار؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی- ب): ز بیکار (- بیکبار؟ بیکبار؟) ۱۳- ل (نیز ق^۲): خوان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی- ب) ۱۴- ف: آرزو؛ متن = ل ۱۵- س: سپاه آورد کرد با خواب رزم (!)؛ ل، آ، س^۲: سپاه این دو کی کرد با خواب رزم (!)؛ ق این بیت را ندارد؛ ف (نیز ق، لی، ب، و، لن، آ، ب) پس از این بیت و س پس از بیت سپسین افزوده اند:

چه خوانی که چندین زمان برگذشت نخبید (ف: نه جَمید؛ ق: نخبید و؛ ل: نخبسید) یک تن نه بیدار گشت
 ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل) این بیت را ندارند ۱۶- س: نه پای و نه پیر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۷- ل، ل، آ، س^۲: نه؛ متن = ف، ق؛ س بیست های ۸۰۰-۸۰۲ را ندارد ۱۸- ل، ل، آ، س^۲: او ۱۹- ل، ل، آ، س^۲: جو ۲۰- ل، ل، آ، س^۲: دیده بان ۲۱- ل: دیده گان؛ ل، آ، س^۲: دیده را ۲۲- ل: فرستاد ۲۳- س: سویی؛ ل، آ، س^۲: بر گرد دشت؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- ف: از درد او؛ متن = ل- س^۲ ۲۵- س: دارویی؛ ل، آ، س^۲: جای پست (!)؛ متن = ف، ل، ق ۲۶- ل: ز ۲۷- ق: دهد آگهی شاه را زان ۲۸- ل: ایران ۲۹- ف (نیز و): دونده؛ ل، آ، س^۲ (نیز ق، لی، آ، ب): چمنده؛ متن = س، ق (نیز لن، ل، آ، ب، لن^۲) ۳۰- ل: چو آمد بر شاه این؛ بنداری: فلما وصل الرسول الی الملك ۳۱- ل: مهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۳۲- ل: این ۳۳- ل، س، ق، ل، آ؛ وز؛ متن = ف، س^۲

ز کار برادر پُر از درد بود بر آن دردبر درد لشکر فرود^۱
 زبان کرد گویا به نفرین طوس شب تیره تا گاه بانگ خروس ۸۱۰

گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس^۲

دیر خردمند^۳ را پیش خواند دل^۴ آگنده بودش همه^۵ برفشانند
 یکی نامه بنبشت^۶ پُر آب چشم^۷ ز سوگ^۸ برادر پُر از درد و خشم^۹
 به سوی فریبرز کاوس شاه یکی نزد^{۱۰} پُرمایگان سپاه
 سر نامه بود از نخست آفرین چنان چون بود ساز و آیین^{۱۱} دین
 به نام خداوند خورشید و ماه که او داد بر نیک و بد^{۱۲} دستگاه ۸۱۵
 هم او کرد پیروز و هم زو^{۱۳} شکست
 جهان و مکان و زمان آفرید
 خرد داد و جان و تن زورمند
 رهایی نیابد سر^{۱۷} از بند او^{۱۸}
 یکی را دگر شوربختی دهد^{۲۱} ۸۲۰
 ز رخنده خورشید تا تیره خاک
 بشد طوس با کاویانی درفش
 به توران فرستادمش با سپاه
 به ایران^{۲۳} چنو^{۲۴} نیز^{۲۵} مهر مباد

به نیک و به بد زورسد کام دست^{۱۴}
 پی مور و کوه^{۱۵} گران آفرید
 بزرگی و دیهم و بخت^{۱۶} بلند
 یکی را بود^{۱۹} فر و اورند^{۲۰} او^{۱۸}،
 نیاز و غم و درد^{۲۲} و سختی دهد^{۲۱}
 همه داد بینم ز یزدان پاک
 ز لشکر چهل مرد زرینه کفش
 برادر شد از کین نخستین تباه
 و زین^{۲۶} گونه سالار لشکر مباد

۱- س: غم و درد لشکر بر آن بر فرود ۲- ف: گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس و گودرز و گیو و خواندن طوس را بنزدیک خویش؛ ل، س: نامه نوشتن شاه کیخسرو بنزد فریبرز (س: فریبرز کاوس شاه)؛ ق: نامه کیخسرو با ایرانیان و خشم گرفتن او بر طوس؛ ل: نامه کیخسرو نزد فریبرز و لشکریان؛ س: نامه کیخسرو بنزدیک فریبرز؛ متن = آغاز ف ۳- س، ق: جهان دیده؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: ۴- س: در ۵- ل: ز غم؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۶- ل- س: ۷- س، ق: دل پر ز خشم؛ متن = ف، ل، ل، س ۸- ل: ز بهر؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۹- س: درد چشم (!)؛ ق: آب چشم؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- ل، س: سوی؛ متن = ف، ق، ل، ل، س ۱۱- ل: رسم آیین و؛ س: رسم و آیین؛ س: راه و آیین و؛ متن = ف، ق، ل ۱۲- ل: کجا داد بر نیکویی؛ (ق: که او راست بر بهتری؛ و: که او راست بر نیک و بد)؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۱۳- ل: او؛ متن = ف، س، ل، ل، س ۱۴- ل: شدم کام دست؛ س، ل، ل، س: (نیز ل، ق، آ، پ، لن)؛ بود (ل، ل، س: شود؛ ق: رسد) کام و دست؛ متن = ف (نیز ب)؛ ق این بیت و بیت سپسین را ندارد ۱۵- ل (نیز ل)؛ پیل؛ ف: چه مور و چه کوه؛ متن = س، ل، ل، س ۱۶- ل: (نیز ل)؛ س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ل پس از این بیت افزوده است:
 از ویست پیروزی و زو شکیب به نیک و به بد زورسد کام و زیب
 ۱۶- ل، س، ل، ل، س: تخت؛ متن = ف، ق ۱۷- ق: یکی را رهایی نه ۱۸- ل، س، ق، س: او؛ متن = ف، ل ۱۹- ل: همه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۲۰- س، ق: ارونند؛ ل، ل، س: شاهی از بسند؛ متن = ف، ل ۲۱- س، ل، ل، س: بود؛ متن = ف، ل ۲۲- س: رنج؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: ایوان (— ایران)؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۲۴- ل: (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، لن، ب) ۲۵- ل: هیچ؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۲۶- ق: وزان

- ۸۲۵ دریغ آن^۱ برادر فرود جوان
ز کین^۲ پدر زار و گریان بدم
کنون بر برادر بیاید گریست
مشو^۴ - گفتم او را - به^۵ راه جرم
کزان^۹ ره فردوست و^{۱۰} با لشکرست^{۱۱}
نداند که این لشکر از بُن^{۱۴} که اند^{۱۵}
- ۸۳۰ دریغ آن چنان گرد خسرو نژاد
اگر پیش ازین او سپهد بدهست
به رزم اندرون نیز خواب آیدش
هنرها همه هست نزدیک اوی^{۲۱}
- ۸۳۵ چو این نامه برخوانی^{۲۲} اندر شتاب
سبک طوس را بازگردان به^{۲۳} جای
سپهدار و سالار و^{۲۴} زرینه کفش
سرافراز^{۲۷} گودرز زان^{۲۸} انجمن
مکن هیچ بر^{۲۹} جنگ جستن شتاب
- ۸۴۰ به تندی مجوی ایچ^{۳۱} رزم از نخست
ترا پیشرو گویو باید به جنگ^{۳۲}
- سر نامداران و پشت گوان
پُر از^۳ درد یکچند بریان بدم
ندانم مرا دشمن و دوست کیست
مزن بر کلات^۶ و^۷ سپدکوه^۸ دم
یکی^{۱۲} کی نژادست و گنداورست^{۱۳}
از ایران سپاهند اگر خود^{۱۶} چه اند^{۱۷}
که طوس فرومایه دادش به باد
ز^{۱۸} کاوس شاه اختری^{۱۹} بد بدهست
چو بی می نشیند شتاب آیدش^{۲۰}
مبادا چنان جان تاریک اوی^{۲۱}!
زدل دور کن خورد و آرام و خواب
ز فرمان مگرد و مزن هیچ رای
تو باشی و بر^{۲۵} کاویانی درفش^{۲۶}
به هر کار باشد تو را رای زن
ز می دور باش و مپیمای خواب^{۳۰}
همی باش تا خسته گردد درست
که با فر و برزست^{۳۳} و چنگ^{۳۴} پلنگ

۱- ل: دریغا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ ق پس از این بیت افزوده است:

- دریغ آن فرود سیاوش دریغ
۲- س، ق: ز کار؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ۳- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ ۴- ل، ق، ل، آ، س؛ مرو؛ متن = ف، س، ۵-
س، ق: ز [و] ۶- ق: کلاۃ ۷- ل: [و] ۸- ف- ل (نیز ق- و، آ): سبدکوه؛ (لن، لن، آ، ب: سبدکوه)؛ متن = س، ۹- ل: بران
۱۰- ل: [و] ۱۱- س، ل، آ، س؛ ۱۲- ل: همان؛ س، ق: کیسی؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ۱۳- ق: پرنژادست و با گوهرست ۱۴- س، ق: لشکران ۱۵- ف- ق، س؛ کی اند؛ متن = ل، ۱۶- ل، آ، س؛ یا
خود؛ س: بدین ره برای؛ ق: برین ره ز بهر؛ متن = ف، ل؛ ل پس از این بیت افزوده است:

- از آن کوه جنگ آورد بی گمان
فرآوان سمران را سرآرد زمان
۱۷- ف- ق، س؛ چی اند؛ متن = ل، ۱۸- ق، ل؛ به ۱۹- س، ق: اختر؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ۲۰- ف این بیت را ندارد؛
متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۱- ل، س، ق: او؛ ل، آ، س؛ تو؛ متن = ف ۲۲- ل: نامه خوانی هم؛ س، ق: چونامه بخوانی هم؛ متن =
ف، ل، آ، س؛ ۲۳- س، ق: ز؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ۲۴- س: [و] ۲۵- س: ابا؛ ق: ابر؛ ل، آ، س؛ (نیز پ): بر آن؛ ل (نیز ل)،
آ: تسومی باش با؛ متن = ف ۲۶- بنداری: الدرفش الجاویانی (= گاویانی درفش → کاویانی درفش) ۲۷- ل، آ، س؛
سپهدار ۲۸- ل، س: وان؛ ق: با؛ ل: از آن؛ س: از؛ متن = ف ۲۹- ل: در ۳۰- ل: زدل دور کن خورد و آرام و خواب (= ۸۳۵ ب)؛
درس پس از این بیت، بیت ۸۳۴ دوباره آمده است ۳۱- ف، س؛ مجو هیچ؛ ل: مجو ایچ؛ متن = س، ق، ل، ۳۲- س: ترا
بایدت بیشتر کرد جنگ؛ بنداری: واجعل علی مقدمتک جیوبن جوذرز ۳۳- س: برزی ۳۴- ف (نیز و): زور؛ ل- س؛
(نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): جنگ؛ (ل، آ، س): جنگی؛ متن = (پ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رسیدن نامه کیخسرو بنزدیک
کاوس شاه

<p>سر نامداران و پشت گوان پُر از^۳ درد یکچند بریان بدم ندانم مرا دشمن و دوست کیست مزن بر کلات^۶ و سپدکوه^۷ دم یکی^{۱۲} کی نژادست و گنڈاورست^{۱۳} از ایران سپاهند اگر خود^{۱۶} چه اند^{۱۷} که طوس فرومایه دادش به باد ز^{۱۸} کاوس شاه اختری^{۱۹} بد بدهست چو بی می نشیند شتاب آیدش^{۲۰} مبادا چنان جان تاریک اوی^{۲۱}! زدل دور کن خورد و آرام و خواب ز فرمان مگرد و مزن هیچ رای تو باشی و بر^{۲۵} کاویانی درفش^{۲۶} به هر کار باشد تو را رای زن ز می دور باش و مپیمای خواب^{۳۰} همی باش تا خسته گردد درست که با فر و بُرزست^{۳۳} و چنگ^{۳۴} پلنگ</p>	<p>دریغ آن^۱ برادر فرود جوان ز کین^۲ پدر زار و گریان بدم کنون بر برادر ببايد گریست مشو^۴ - گفتم او را - به^۵ راه جرم کران^۹ ره فردوست و^{۱۰} بالشکرست^{۱۱} نداند که این لشکر از بُن^{۱۴} که اند^{۱۵} دریغ آن چنان گرد خسرو نژاد اگر پیش ازین او سپهد بدهست به رزم اندرون نیز خواب آیدش هنرها همه هست نزدیک اوی^{۲۱} چو این نامه برخوانی^{۲۲} اندر شتاب سبک طوس را بازگردان به^{۲۳} جای سپهدار و سالار و^{۲۴} زرینه کفش سرافراز^{۲۷} گودرز زآن^{۲۸} انجمن مکن هیچ بر^{۲۹} جنگ جستن شتاب به تندی مجوی ایچ^{۳۱} رزم از نخست ترا پیشرو گیو باید به جنگ^{۳۲}</p>	<p>۸۲۵ ۸۳۰ ۸۳۵ ۸۴۰</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------

۱- ل: دریغا؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س؛ ا؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دریغ آن فرود سیاوش دریغ که شد آفتابش همی زیر میغ

۲- س، ق: ز کار؛ متن = ف، ل، ا، س؛ ۱-۳- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س؛ ۴- ل، ق، ل، ا، س؛ ا؛ مرو؛ متن = ف، س، ۵- س، ق: ز ۶- ق: کلاة [و] ۷- ل: [و] ۸- ف- ل (نیز ق- ا، و، آ): سپدکوه؛ (لن، لن، ب: بسدکوه)؛ متن = س؛ ۹- ل: بران ۱۰- ل: [و] ۱۱- س، ل، ا، س؛ ا؛ مادراست؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- ل: همان؛ س، ق: کیسی؛ متن = ف، ل، ا، س؛ ۱۳- ق: پرنژادست و با گوهرست ۱۴- س، ق: لشکران ۱۵- ف- ق، س؛ ا؛ کی اند؛ متن = ل؛ ۱۶- ل، ا، س؛ ا؛ یا خود؛ س: بدین ره برای؛ ق: برین ره ز بهر؛ متن = ف، ل؛ ل پس از این بیت افزوده است:

از آن کوه جنگ آورد بی گمان فراوان سران را سرآرد زمان

۱۷- ف- ق، س؛ ا؛ چی اند؛ متن = ل؛ ۱۸- ق، ل؛ به ۱۹- س، ق: اختر؛ متن = ف، ل، ل، ا، س؛ ۲۰- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س؛ ا (نیز لن- ب) ۲۱- ل، س، ق: او؛ ل، ا، س؛ ا؛ تو؛ متن = ف ۲۲- ل: نامه خوانی هم؛ س، ق: چونامه بخوانی هم؛ متن = ف، ل، ا، س؛ ۲۳- س، ق: ز؛ متن = ف، ل، ل، ا، س؛ ۲۴- س: [و] ۲۵- س: ابا؛ ق: ابر؛ ل، ا، س؛ ا (نیز ب): برآن؛ ل (نیز ل، آ): تومی باش با؛ متن = ف ۲۶- بنداری: الدرفش الجاویانی (= گاوایانی درفش - کاویانی درفش) ۲۷- ل، ا، س؛ سپهدار ۲۸- ل، س: وان؛ ق: با؛ ل؛ از آن؛ س؛ ا؛ راز؛ متن = ف ۲۹- ل: در ۳۰- ل: زدل دور کن خورد و آرام و خواب (= ۸۳۵ ب)؛ درس ۲ پس از این بیت، بیت ۸۳۴ دوباره آمده است ۳۱- ف، س؛ ا؛ مجو هیچ؛ ل: مجو ایچ؛ متن = س، ق، ل؛ ۳۲- س: ترا بایدت بیشتر کرد جنگ؛ بنداری: واجعل علی مقدمتک جیوبن جودرز ۳۳- س: برزی ۳۴- ف (نیز و): زور؛ ل- س؛ ا (نیز لن، ق، ل، ل، ا، آ، ب): جنگ؛ (ل؛ جنگی)؛ متن = (ب)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رسیدن نامه کیخسرو بنزدیک کاوس شاه

فرازآورا^۱ از هر سُوی ساز رزم
 مبادا که آید ترا رای^۲ بزم
 نهادند^۳ بر نامه‌بر مُهر شاه
 فرستاده را گفت: برگیر راه^۴
 ز رفتن شب و روز ماسای هیچ
 به هر منزلی اسپ دیگر بسیج
 بیامد فرستاده هم زین نشان
 بنزد فریبرز شد نامه‌دار^۵
 فریبرز طوس و یلان^۸ را بخواند
 همان نامورگیو و^{۱۰} گودرز را
 بخواند آن زمان^{۱۲} نامه‌ی شهریار
 بزرگان و شیران ایران زمین
 بیاورد طوس آن گرامی‌درفتن
 بنزد فریبرز بُرد و بگفت^{۱۴}
 همه ساله بخت تو پیروز باد!
 برفت و ببرد^{۱۸} آنک بُد نودری
 بنزدیک شاه آمد از دشت جنگ
 زمین را ببوسید در پیش شاه
 به دشنام بگشاد لب شهریار
 و زانپس^{۲۳} بدو گفت کای^{۲۴} بدنشان
 نترسی همی از جهاندارِ پاک؟
 بنزدیک آن نامور سرکشان^۵
 بداد آن زمان^۷ نامه‌ی شهریار
 ز کار گذشته فراوان^۹ براند
 سواران و گردان^{۱۱} آن مرز را
 جهان را درختی نو آمد به بار
 همه شاه را خواندند آفرین^{۱۳}
 ابا کوس و پیلان و زرینه‌کفش
 که آمد سزا با^{۱۵} سزاوار^{۱۶} جفت
 همه روزگار تو نوروز باد^{۱۷}!
 سوارانِ جنگاور و^{۱۹} لشکری
 به رهبر نکرد ایچ‌گونه^{۲۰} درنگ
 نکرد ایچ خسرو بدو^{۲۱} در نگاه
 بر^{۲۲} آن انجمن طوس را کرد خوار
 که کم باد نامت ز گردنکشان،
 ز گردان نیاید ترا شرم^{۲۵} و باک؟

۱- ل: آ؛ ۲- ل: یاد؛ س این بیت را ندارد ۳- ل، ل، س: ۲؛ نهاد از: متن = ف، س، ق ۴- ل- س: ۲ (نیز لن، لی- ب): برکش
 براه؛ (ق: ۲؛ بردار راه)؛ متن = ف ۵- ق: پهلوان؛ س: بنزد فریبرز و گردنکشان؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲ ۶- ف (نیز لی، آ، ب): نامدار؛
 متن = ل- س: ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۷- ل: بدو داد پس؛ ل، ل، س: ۲؛ بدادش بدو؛ متن = ف، س، ق ۸- س: گوان ۹- س:
 سخن‌ها ۱۰- ف (نیز لی، آ، ب): [و]؛ متن = ل، س، ل، س: ۲ (نیز ق، ل، پ، و) ۱۱- س: مردان؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-
 ل، ل، س: ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): بداد آن زمان؛ س، ق (نیز لن، ق، ل، لن): چویرخواند آن؛ متن = ف (نیز ل، و)؛ بنداری: وقراً الکتاب
 علیهم ۱۳- درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ل (نیز ل): بردند گفت؛ س: رفتند و گفت؛ ق (نیز لی، آ، ب):
 بردند و گفت؛ (و: آورد و گفت؛ لن، پ، لن: بدست فریبرز سپرد و گفت)؛ متن = ف (نیز ق، آ)؛ بنداری: فتلقی طوس الأمر بالسمع والطاعة، و
 سلم تلک المراتب الی فری برز ۱۵- ل- س: ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب): را؛ متن = ف (نیز لی، و، آ) ۱۶- ل: سرافراز ۱۷- ف
 پس از این بیت افزوده است:

همانگه سپاه گزیده براه بسیجید و پس کرد آهنگ شاه

۱۸- ل: بشد طوس و برد ۱۹- س، ق، ل: [و]؛ متن = ف، ل، س: ۲؛ ق در اینجا سرنویس دارد: بازگشتن طوس از لشکر و رفتن به بارگاه
 کیخسرو ۲۰- س: نکردی زمانی؛ ق: که برره نکرد او فراوان؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲ ۲۱- ل: درو ۲۲-
 س، ل، س: ۲؛ در: متن = ف، ل، ق ۲۳- ل: ازانسپس ۲۴- ق: ای ۲۵- ل: بیم؛ ل، ل، س: ۲؛ تـسـرس؛ متن = ف، ل، ق

<p>برفتی و دادی مرا دل^۲ به غم نژاد^۳ سیاوخش^۴ را کاستی^۵ که چون او کس اندر^۶ زمانه نبود چو تو لشکری خواستی^۸ روز کار^۹ نبودت بجز رامش و بزم راه^{۱۱} رزه باید و بند و^{۱۳} بیمارستان^{۱۴} ترا داد بر زندگانی امید بداندیش کردی به دور^{۱۶} از برت همان گوهر بد نگهبان توست به بند از دلش بیخ^{۱۷} شادی بکند</p>	<p>۸۶۰ بگفتم^۱ مرو سوی راه جرم نخستین به کین من آراستی برادر^۶ سرافراز جنگی فرود بگشتی کسی را که در کارزار و زانپس که رفتی بدان^{۱۰} رزمگاه ۸۶۵ ترا جایگه نیست در شارستان^{۱۲} نژاد منوچهر و ریش سپید^{۱۵} و گرنه بفرمودمی تا سرت برو جاودان خانه زندان توست ز پیشش براند و بفرمود بند</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوذر^{۱۸}

<p>که هم پهلوان بود و هم پور شاه که پیدا کند با گهر نام را بگوید فراوان و هم بشنود^{۲۳} یکی خوب نزدیک او^{۲۵} بر پیام همیشه چنین بود پُر^{۲۶} درد و مهر یکی را کند خوار و زار^{۲۷} و نژند</p>	<p>۸۷۰ فریبرز بنهاد بر سر کلاه و زانپس^{۱۹} بفرمود^{۲۰} رهام را از آن^{۲۱} کوه نزدیک پیران شود^{۲۲} بدو گفت: رو پیش^{۲۴} پیران خرام بگویش که کردار گردان سپهر ۸۷۵ یکی را برآرد به چرخ بلند</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل، ق: بگفتم (حرف یکم نقطه ندارد): س، س: نگفتم: متن = ف، ل^۲ ۲- ل- س: (نیز ل، ق، ی، ب- پ): دل من: (ل: دل را):
متن = ف ۳- ل، ل: س: فرود ۴- ف- ل: (نیز ل، ل، آ، و- ب): سیاوش (= سیاوش): (نیز ل، ی، ب): سیاوش: متن =
(ق) ۵- ل، ل، س: خواستی ۶- س: دریغا ۷- س: کسی در: ل: کجا هم چنودر: متن = ف، ق، ل، ل، س: ۸- س: آ:
خولستی لشکری ۹- س: بی شماره: ق: صد هزار: متن = ف، ل، ل، ل، س: ۱۰- ل: پیران ۱۱- س: ق: (نیز ل، ل، آ): بزمگاه: ل،
س: (نیز ل، ل، آ): جز آرامش (س: آرایش) و بزمگاه: متن = ف، ل: (نیز ب، و، ب) ۱۲- ق: شارستان ۱۳- ل: بزید ترا بندو: س،
ق: (نیز ل، ب، ل، آ): ترا بند بهتر به: ل، ل، س: (نیز ل، آ): ترا بند و زنجیر و: متن = ف: (نیز ق، ل، آ، و، ب: در ق، ل، آ، و: زره ...): ۱۴- ق:
بیمارستان: ل: (نیز ل، ب، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کجا مرترا رای هشیار نیست

نه درخور (ی، آ: نه اندر خور) تاج و دیهم و مل

۱۷- ل، ل، س: زبیداردل شاخ: ف پس از این بیت افزوده است:

گهی کارزار و گهی کار زار

ترا پیش آزادگان کار نیست

سزاوار مساماری و بند و غل

۱۵- س: سفید ۱۶- ل، ل، س، ق: جدا: متن = ف، ل، ل، س: ۱۷- ل، ل، س: زبیداردل شاخ: ف پس از این بیت افزوده است:

چنین باشد آیین این روزگار

۱۸- ف: گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوذر و فرستادن رهام با گودرز را برسوی: س: پیغام فریبرز بنزد پیران و رفتن رهام برسوی:

ق: فرستادن فریبرز کاوس رهام را برسوی نزد پیران: متن = آغاز ف ۱۹- ل: زانپس ۲۰- ف: فرستاد: متن = ل- س: (نیز ل-
ب) ۲۱- س: وزان: ق: کزان: س: ازین: متن = ف، ل^۲ ۲۲- ل، ل، س: شوی: متن = ف، س، ق ۲۳- (ق، آ، ی، و، آ: وزو
بشنود): س، ق: (نیز ب، ل، آ): فراوان بگوید وزو بشنود: ل، ل، س: بگویی و گفتار او بشنوی: متن = ف: (نیز ل، ب): ل این بیت را
ندارد ۲۴- ق: نزد ۲۵- ل، ل، س: (نیز ق، ل، آ): ز من نزد آن پهلوان: متن = ف، س، ق: (نیز ل، ل، آ، ب، و، ل، ب) ۲۶- س:
باد با: ق: است با: متن = ف، ل، ل، ل، س: ۲۷- ل: زار و خوار

شیخون نه از کار^۲ مردان^۳ بود
کسی کو گراید به گرز گران
گرت^۵ رای جنگست، جنگ آوریم

کسی کو بلا جست گردا آن بود
شیخون نبینند گنداوران
تو گر با درنگی، درنگ آوریم

برون رفت و پیغام او را^۶ ببرد
پرسیدش از نام و از جایگاه^۷
هنرمند^۸ و بیدار و سنگی منم
به پیران رسانم بدین رزمگاه^۹

ز پیش فریبرز رهام^{۱۰} گرد
بیامد طلایه بدیدش به راه
بدو گفت: رهام جنگی منم
پیام فریبرز کاوس شاه

۸۸۰

بیامد سخن‌ها همه یاد کرد
بیامد سوی^{۱۱} پهلوان سپاه
گشاده دل^{۱۳} و تازه روی^{۱۴} آورند
به ترس از نهان بداندیش او^{۱۵}
پرسید و بر تخت بنشاختش
پیام فریبرز با او بگفت
که این جنگ را خرد^{۱۶} نتوان شمرد
ندیدیم با طوس^{۱۷} رای و^{۱۸} درنگ
همی گشت ناباک^{۲۰} خرد و بزرگ
بد و نیک این مرز یکسان^{۲۱} شمرد

ز پیش طلایه سواری چو گرد
که رهام گودرز از آن^{۱۰} رزمگاه
بفرمود تا پیش او^{۱۲} آورند
سراینده رهام شد پیش او^{۱۵}
چو پیران^{۱۱} و را دید بنواختش
برآورد رهام راز از نهفت
چنین گفت پیران به رهام گرد
شما را بد این پیش دستی به جنگ
به مرز اندرآمد چو گرگ^{۱۹} سترگ
چه مایه بگشت و چه مایه ببرد

۸۸۵

۸۹۰

۱- س: مرد ۲- ل، ل، ل، ل، س^۱ (نیز، ل، پ، ل، ن)؛ نه کردار: س، ق (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ نه بیکار: (ق: نه آیین)؛ متن = ف ۳- س: گردان ۴- ل، ل، ق، س^۲ (نیز، ب)؛ نساژند: (ق: ندیدند؛ ب: نجویند)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز، آ) ۵- ل، ل، س: اورت؛ ف (نیز، ق^۲) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی ماه باید زمان و درنگ که تا خستگان باز یابند رنگ (ق: جنگیان را بود رای جنگ)

۶- ل، س، ق، س^۲ (نیز، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب)؛ پیغام و نامه؛ متن = ف (نیز، ق، ل)؛ ل^۱ این بیت را ندارد ۷- ل: وز جایگاه؛ ل: نامور (→ نام وز) جایگاه؛ س: پرسید از آن نامور نیکخواه؛ ق: پرسید از نام وز جایگاه؛ متن = ف، س؛ ل^۱ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۸- ق: [و]؛ س: هشیوار و ۹- س: بارگاه ۱۰- ل، ل: زبان ۱۱- س، ق: بر؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ ۱۲- ل، ل، ل، او: ۱۳- ل: رخ ۱۴- ل: رو ۱۵- ل، ل، او: ۱۶- س: خوار ۱۷- ف: طوس و ۱۸- ق: جای؛ س: رای ۱۹- ق: گرگی ۲۰- ل، ل، س: بی باک؛ متن = ف، ق، ل، ل، س؛ ل^۱ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- س: آسان؛ در ل، ل^۱ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ق پس از بیت ۸۹۲ افزوده است:

بخواهد ز سالار توران سپاه
که نه کام بادا مرو را نه فر
دریغا فرود و دریغا فرود

بیامد که خون سیاوش شاه
پسر را بکشت از پدر زارتر
براندم من از غم چنین دل بدود

مکافات این بد ^۱ کنون یافتید ^۲	اگر چند ناگاه ^۳ بشتافتید ^۴
کنون گر ^۵ توی ^۶ پهلوان سپاه	چنان چون ترا باید از من بخواه
گر ایدونک یک ماه خواهی درنگ	ز لشکر نیاید سواری ^۷ به جنگ
و گر جنگ جویی منم بی‌کیار ^۸	بیاری و برکش صف کارزار ^۹
چو یک ماه بر ^{۱۰} آرزو بشمرید ^{۱۱}	گر از ^{۱۲} مرز ^{۱۳} توران زمین بگذرید ^{۱۴}
برانید ^{۱۵} لشکر سوی مرز خویش	بدانید یکسر همه ^{۱۶} ارز خویش
و گرنه به جنگ اندرآیم روی ^{۱۷}	برانیم از خون لشکر دو جوی ^{۱۸}
یکی خلعت آراست رُهام را	چنان چون بود درخور نام را
بنزد فریبرز رُهام گرد	بیاورد نامه چنان چون ببرد ^{۱۹}
فریبرز چون یافت روز درنگ	ز ^{۲۰} هر سو بیازید چون شیر چنگ
سر بدره‌ها را گشادند بند ^{۲۱}	ز هر سو سنان و کمان و کمند ^{۲۲}
چو این ساز ^{۲۳} لشکر بیاراستند	ز هر جای مردم همی خواستند ^{۲۴}

گفتار اندر جنگ پشن و لاون^{۲۵}

۹۰۵ چو آمد سر ماه و^{۲۶} هنگام جنگ ز پیمان بگشتند و^{۲۷} از^{۲۸} نام و ننگ

۱- ل، ا، س: کین ۲- ل، ا، س: یافتی ۳- ل: با کینه؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س ۴- ل، ا، س: بشتافتی ۵- ق: چون ۶- س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل ۷- س، س: سواری نیاید؛ ق: نیارم سواران؛ ل: سواری نیارم؛ متن = ف، ل ۸- ل: برکنار (بی کیار)؛ س (نیز ل، پ، ل، ن): جنگخواه؛ ق (نیز ب): پایدار؛ ل: بیقرار؛ س: بی گذار (بی کیار)؛ (ل، آ): جنگ ساز؛ ل: خواستار؛ ف (نیز ق، و): جنگ جویی و پیگار کار؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س: رزمگاه ۱۰- ل: مه بدین؛ ل، ا، س: مه برین؛ متن = ف، س ۱۱- س: بشمرد؛ ل: برین کینه گه بشمرند ۱۲- ل: که از؛ س: کزین؛ س: که بر؛ متن = ف (نیز ق، و، ب) ۱۳- س: بوم ۱۴- س: نگذرد؛ س: توران کسی نسپرد؛ ل: که زی من بتوران زمین بگذرند؛ ق بیت های ۸۹۷- ۸۹۹ را ندارد ۱۵- س: دوانید؛ ل: برآیند ۱۶- ل، ل: بدانید (ل: ببینید) ببنادل و: س، س: (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب): ببینید (س، ب: بدانید) بیدار دل؛ (ق: ببینید یکسر همه)؛ متن = ف (نیز و) ۱۷- ل (نیز ب): اندرآید چنگ؛ س: پلنگ اندرآید به جنگ؛ س: هیدون درآیی به جنگ؛ ل: خود هم اکنون درآیی بجنگ؛ (ل، پ، ل، ن): دگر اندرآیم به جنگ؛ ل، آ: هم اکنون برآرای جنگ؛ ل: من اکنون درآیم به جنگ؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۸- ل، ل، س، ل، ا، س: (نیز ل، ل، آ، ب): نخواهد ازین (ل: زین؛ س: نخواهد ازین) پس زمانی (ل، س، ل: زمان و) درنگ؛ (ل، پ، ل، ن): نخواهد بدنستان زمانی درنگ؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۹- س: چنان چون بیاورد نامه ببرد؛ متن = ف، ل، ل، ا، س ۲۰- ل، ل، س، ق، ل: به؛ متن = ف، س ۲۱- ل: گشادان گرفت؛ ل: سر بندها را کشیدند بند؛ متن = ف، س، ق، س ۲۲- ل: نهاده همه رای دادن گرفت؛ س: ق: زهر سو کشان شد کمان و کمند؛ متن = ف، ل، ا، س ۲۳- ل: س: (نیز ق، ل، آ، ب): کشیدند و؛ (ل، پ، ل، ن): بگشتند و؛ ل: بدین گونه؛ و: چنین ساز؛ متن = ف ۲۴- (و: بسی خواستند؛ ق: مردان بسی خواستند؛ ل: مردان همی خواستند)؛ ل، س، ق، ل: (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): زهر چیز (ل، پ، ل، ن: سوی) لختی بیاراستند؛ متن = ف، س ۲۵- ف: گفتار اندر رزم بشن و لادن جنگ فریبرز کاوس با پیران ویسه و شکسته شدن فریبرز و لشکر ایرانیان؛ ل: رزم لشکر ایران و توران بانبوه؛ س: جنگ ایرانیان با تورانیان و هزمت شدن ایرانیان؛ ق: رزم فریبرز با پیران و هزمت فریبرز کاوس؛ ل: جنگ پیران با فریبرز و گودرزیان؛ س: رزم ایرانیان با تورانیان بانبوه؛ متن = آغاز ف (پس از تصحیح لادن به لاون) ۲۶- ل، س، ق: [و]؛ متن = ف، ل، ل، س ۲۷- ف: کشیدند و؛ ل: بگشتند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ا، س: (نیز ل، و، ل، ن): بگشتند و (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: نگشتند؛ (ق، ل، پ، آ: نگشتند و)؛ متن = س: (نیز ل، ب) ۲۸- س، ل، ا، س: ز؛ متن = ف، ل، ق

خروشی برآمد ز هر دو سپاه
 ز بس ناله‌ی بوق و کوس و درای^۲
 هم از^۳ یال اسپان و دست و عنان
 تو گفתי جهان چون دم^۴ آژدهاست^۵
 ۹۱۰ بُد پشه را روزگار گذر
 سُوی میمنه گیو گودرز بود
 سُوی میسره آشکش^{۱۱} تیزچنگ
 یلان با فریبرز کاوس شاه
 فریبرز با لشکر خویش گفت
 ۹۱۵ یک امروز چون شیر جنگ آورد^{۱۷}
 کزین^{۱۸} ننگ تا جاودان بر سپاه
 یکی تیرباران بکردند سخت
 تو گفתי هوا پر^{۲۰} کرگس شده‌ست
 بُد مرغ پرنده را^{۲۳} جایگاه
 ۹۲۰ درخشیدن^{۲۴} تیغ الماس گون
 تو گفתי زمین روی زنگی شده‌ست
 ز بس نیزه و گرز و^{۲۶} شمشیر تیز
 ز قلب سپه گیو شد پیش صف
 ابا نامدارانِ گودرزبان

برفتند یکسر سُوی رزمگاه^۱
 همی آسمان اندرآمد ز جای
 ز گویال^۴ و تیغ و کمان و سِنان
 و گر آسمان با^۷ زمین گشت راست^۸
 ز بس زخم گرز و سِنان و تبر^۹
 رد و موبد و مهتر^{۱۰} مرز بود
 که دریای خون بود^{۱۲} هنگام جنگ^{۱۳}
 درفش از پس پشته بر^{۱۴} قلبگاه
 که از ما^{۱۵} هنرها شد^{۱۶} اندر نفت
 جهان بر بداندیش تنگ آورد^{۱۷}
 بخندد همی گرز و رومی کلاه
 چو باد خزان بگذرد بر^{۱۹} درخت
 زمین از پی پیل^{۲۱} پامس^{۲۲} شده‌ست
 ز تیر و ز گرز و ز گرد سپاه
 بکردار آتش به گرد اندرون
 ستاره دل پیل^{۲۵} جنگی شده‌ست
 برآمده همی از جهان رستخیز
 خروشان و بر لب برآورده کف^{۲۷}
 کزیشان بُدی راه سود و زیان

۱- درق بیت‌های ۹۰۶-۹۰۸ درهم ریخته‌اند: ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸ ۲- ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ق. ۳- ل. ل. س. ق. (نیز ل. ب. ل. ن.) : همه: ل. ل. س. (نیز ل. ب. و. ب.) : همان: متن = ف (نیز ق) ۴- ف- س: کویال ۵- ل: دام‌نر: س. ق. (نیز ل. ب. ل. ن.) : دردم: س. (نیز ق. ب.) : کام‌نر: متن = ف ۶- ل: یکسر از آهن است ۷- ل: بر: متن = ف، س. ق. ل. س. ۸- ل: دشمن است ۹- ل. ل. ل. (نیز ل. آ.) : گرز و تیغ و سنان و سپر: س. (نیز ل. ب. ل. ن.) : گرد و گرز و کماند (س. ل. کمان) و تبر: متن = ف (نیز و.) : س. ق. این بیت را ندارند ۱۰- س: مهتر و موبد: در س. این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱- ف (نیز ل. ب.) : اسکش: ل. ق. (نیز و. ل. ن. آ. بنداری) : اشکس: متن = ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ب.) ۱۲- ق. (نیز ل. ب. ل. ن.) : راند: س. بد به: متن = ل. ل. ل. (نیز ل. ب. آ. ب.) ۱۳- ف (نیز ق) : که در جنگ بودی بسان پلنگ: س. بیت‌های ۹۱۲-۹۱۴ را ندارد ۱۴- ل. ل. ق. ل. س. (نیز ل. ب. و. آ. ب.) : در: متن = ف (نیز ل. ن.) ۱۵- ل: که ما را: متن = ف. ق. س. ۱۶- ل: که ما از (ما) هنرهاست ۱۷- ل. ل. ل. س. ل. س. ل. س. ق. ۱۸- ق: کزان ۱۹- ل: خزانی که ریزد: ل. بریزد بر: متن = ف، س. ق. س. ۲۰- ق: پرز ۲۱- س: ستاره همی رنگ ۲۲- ف: جامس: ل: نامس (حرف یکم نقطه ندارد): س. (نیز و.) : اطلس: ق. (نیز ل. ب. ل. ن.) : املس: ل. (نیز ل. آ.) : چون خس: س. ل. برخس: (ب. نامس (حرف یکم نقطه ندارد)): متن تصحیح قیاسی است ۲۳- ل. ق: نبد بر هوا مرغ را: ل. نبد بر پرند همی: متن = ف (نیز ب.) : این بیت را ندارد: س. بیت‌های ۹۱۹-۹۲۱ را ندارد ۲۴- ل: درفشیدن: ق. درخشان همی: ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. ق. : درخش سر: متن = ف: در س. بیت‌های ۹۲۰-۹۲۲ درهم ریخته‌اند: ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲ ۲۵- ل: سنان سواران ۲۶- ق: تیر و گرز و ز ۲۷- س: خروشان شد و بر لب آورد کف

<p>همی ز آهن آتش فروریختند چو نهصد تن از تخم پیران بکشت، که از لشکر گشن برخاست گرد^۲، بر آن گرزداران و شیران نیو بر آن نامداران^۱ جوشن و ران به گرز و به شمشیر در یک زمان^۵ ز بس کشتگان، شد زمین^۷ ناپدید بنگداشت^۹ آن جایگه را^{۱۰} که داشت که با^{۱۲} قلبگه جُست باید نبرد گریزان بیاید^{۱۵} ز پشت^{۱۶} سپاه به چنگ آید آن رزمگاه و^{۱۸} بُنه به جنگ فریبرز کاوس شاه شکست اندر آمد به رزم گوان نبودند^{۲۰} گستاخ با رای^{۲۱} خویش ز گردان ایران بُد کس به پای ز پیگار شد دیده هاشان^{۲۴} بنفش از آن کارزار انده آمد^{۲۵} به مشت نبود ایچ^{۲۶} پیدا رکیب از عنان ز خون دشت و کوه و در^{۲۸} آغشته بود فریبرز بر^{۳۰} دامن کوه شد</p>	<p>به تیغ و به نیزه برآویختند چو شد^۱ رزم گودرز و پیران درشت چو دیدند لَهاک و فرشیدورد یکی حمله بردند^۳ بر سوی گیو ببارید تیر از کمان سران فگندند از آن پس به بازو کمان چنان شد که کس روی کشور^۶ ندید یکی پشت بر^۸ دیگری برنگاشت چنین گفت هومان به^{۱۱} فرشیدورد فریبرز باید کز آن^{۱۳} قلبگاه^{۱۴} پس آسان بود^{۱۷} جنگ با میمنه برفتند پس تا به قلب سپاه ز هومان^{۱۹} گریزان بشد پهلوان بدادند گردنکشان جای خویش یکایک به دشمن سپردند جای ندیدند^{۲۲} بر جای کوس^{۲۳} و درفش دلیران به دشمن نمودند پشت نگون گشت کوس و درفش و سنان گذرشان به^{۲۷} پیگار برگشته بود چو دشمن ز هر سو پُر^{۲۹} انبوه شد</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س، ق: بید؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ بنداری: قتل فیها تسعمائة نفس من أقارب هومان ۲- ق: چنان پایداری از آن شیرمرد ۳- ق: همه حمله کردند ۴- ف، س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، ی، پ، و، ل، ن): نامداران و؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، ب) ۵- س، ق: به شمشیر بردند دست آن زمان؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، ی، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل: هامون؛ س: لشکر ۷- س: جهان ۸- ل: روی از آن؛ س: روی از ۹- ل، س (نیز ل، و، آ، ب): نه بگذاشت؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، پ، ل، ن) ۱۰- ل: از آن جایگاهی ۱۱- س: و ۱۲- ل: بر؛ س: در ۱۳- س: که از ۱۴- ل: رزمگاه ۱۵- ق: بسپوید؛ ل: براند ۱۶- س: ز قلب؛ ق: ز پیش؛ س: به پیش؛ (ل، آ، و، ب: به پشت)؛ متن = ف، ل، ل (نیز ل، ی، پ، ل، ن، آ) ۱۷- س: شود ۱۸- س، س: بجنگ اندرون رزمگاه و؛ ل: بجنگ اندر آرم سپه با ۱۹- ق: ترکان ۲۰- ق: نبودند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س ۲۱- س: با رای گستاخ؛ ق: گستاخ بر پای؛ متن = ف، ل، ل (این بیت را ندارد) ۲۲- ل: بماندند؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز ل- ب) ۲۳- ل: بیل ۲۴- ل: ز پیکارشان دیده شد؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ۲۵- س، ق: کار (ق: رزم) باد اندر آمد؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۲۶- س، س: نبد هیچ؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۷- س، ق، ل (نیز ق، ل، ی، آ، ب): که دلشان (ل: دها) ز؛ س (نیز و): که سرشان ز؛ متن = ف (نیز ل، پ، ل، ن) ۲۸- س: ز خونشان در و دشت؛ ل (نیز و): ز خون سران (و: گوان) دشت؛ س (نیز ق): ز خون دشت همچون گل: (ل، پ، ل، ن: ز خون دشت و کوه اندر)؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۲۹- ل: به ۳۰- ق: تا

<p>برآن^۲ زندگانی ببايد^۳ گريست ز لشکر بسی نامداران^۴ نیو درفش فریبرز کاوس شاه، بکردار آتش دلش بردمید برآمد ز گودرزیان رستخیز بسی دیده‌یی^۷ گرز و گوپال^۸ و تیر ببايد به سربر^۹ مرا خاک ریخت^{۱۰} دلیران و از کار دیده^{۱۱} مهان درنگی تر از مرگ پتیاره نیست ترا روی بینند بهتر که پشت^{۱۲} نیاریم بر خاک^{۱۵} کشواد ننگ که برگوید از گفته‌ی باستان، تن کوه را خاک^{۱۹} ماند به مش ز دوده^{۲۰} بسی نیز شیران نرا^{۲۱}، و گر کوه باشد ز بُن^{۲۲} برکنیم</p> <p>بدید آن سر و ترگ خویشان^{۲۴} نیو، بیفشارد^{۲۵} بر جایگه پای خویش ابا برنه و زنگه‌ی یل بهم^{۲۶} که پیمان شکستن نبود اندر آن^{۲۷}</p>	<p>۹۴۵ برفتند از ایرانیان هر که زیست همی بود بر جای گودرز و گیو چو گودرز کشواد بر^۵ قلبگاه ندید و یلان سپه^۶ را ندید عنان کرد پیچان به راه گریز بدو گفت گیو: ای سپهدار پیر اگر تو ز پیران بخواهی گریخت نماند کسی زنده اندر جهان ز مردن مرا و ترا چاره نیست چو پیش آمد این روزگار درشت نیچیم ازین^{۱۳} جایگه سرز^{۱۴} جنگ ۹۵۵ ز دانا تو نشنیدی این^{۱۶} داستان که گر دو برادر نهد^{۱۷} پشت پشت^{۱۸} تو باشی و هفتاد جنگی پسر به خنجر دل دشمنان بشکنیم</p> <p>۹۶۰ چو گودرز بشنید گفتار^{۲۳} گیو پشیمان شد از دانش و رای خویش گرازه برون آمد و گُستهم بخوردند سوگندهای گران</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: ز؛ ل: [از]؛ س: برهنه از ۲- ق: بدان ۳- ف: زندگی زار ببايد؛ (ب: زندگان بر ببايد)؛ متن = ل- س^۲ (نیز ل- پ، لن، آ) ۴- ل: نام بردار ۵- س: در ۶- ل: درفش یلان؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز ل- ب) ۷- ل: دیده از ۸- ف- س: کوبال ۹- ق: بسر بر ببايد ۱۰- س، س: س^۲ (نیز ل، ق، ل، ی، پ، ل، ن، ب)؛ بیخت (ق)؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ل، و، آ) ۱۱- ل: و کار آزموده؛ ق، ل، س: س^۲؛ وز کار دیده؛ متن = ف، س؛ در ل^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ف، ل: ز پشت؛ س، س: ننگ کن که چون بهتر آید به مش؛ ق (نیز ل، پ، ل، ن، ب)؛ بریزند خون بهتر آید ز پشت؛ متن = ل (نیز ق، ل، ی، و، آ) ۱۳- س: از آن؛ متن = ۱۴- ل: نیچیم زین جایگه سوی؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ ۱۵- ل: تخم ۱۶- ف، ل: آن؛ متن = س، ق، ل، س^۲ ۱۷- ق: دهد؛ ل، س: نهد؛ متن = ف، ل، س ۱۸- ل: پشت به پشت (!) ۱۹- ل (نیز ب، راوندی، ص ۱۰۲، س ۱۵): سنگ؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ی، پ- آ) ۲۰- ل: ستوده؛ متن = ۲۱- ل: ستوده بسی نامور؛ س: بسی زنده یلان نر؛ ق: بسی پیل و شیران نر؛ متن = ف، س^۲ ۲۲- ق: باشند بن ۲۳- س: آواز ۲۴- ل (نیز ل^۲): بیدار؛ س، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ی، آ): گردان؛ ق (نیز ب): جوشان؛ متن = ف (نیز ل، پ، ل، ن، آ) ۲۵- س، ل، س: بیفشرد؛ متن = ف، ل، ق، ۲۶- ف: همان اشکش و برنه و کزدهم؛ س: ابا زنگه و برته هر دو بهم؛ ل، س^۲ (نیز ق، ل، ی، آ): ابا برته (س: بوته) و زنگه آمد بهم؛ (ل، پ، ل، ن): ابا برته و گرد زنگه بهم؛ ل: ابا زنگه و برته و ابرهم؛ و: ابا و بزرگان زنگه آمد بهم؛ متن = ل، ق (نیز ب) پس از تصحیح برته به برنه؛ بنداری: فانضم الیم زنگه بن شاوران و گُستهم و جماعة من مقدمی الایرانیین ۲۷- س: نباید در آن

گر از تیغ ^۱ خون اندرآید به جوی	کزین رزمگه برنتابیم روی	
به رزم اندرون گرز بگزارند ^۴	از آن ^۲ جایگه ران بیفشاردند ^۳	۹۶۵
زمانه همی ^۶ بر بدی گشته شد	ز دشمن بسی نامور ^۵ گشته شد	
کز ایدر برو تیز ^۷ با گرز و ^۸ تیر ^۹	به بیژن چنین گفت گودرز پیر	
به پیش من آر اختر کاویان	به سوی فریبرز برکش میان	
بیاید کند روی دشمن بنفش	مگر ^{۱۰} خود فریبرز با آن درفش	
بیامد بکردار آذرگشپ،	چو بشنید بیژن برانگیخت اسپ	۹۷۰
که ایدر چه داری سپه در ^{۱۲} نهفت؟	بنزد فریبرز با او ^{۱۱} بگفت	
سواران و این ^{۱۴} تیغهای بنفش	اگر ^{۱۳} تو نیایی به من ده درفش	
تو در کار تندی و در جنگ ^{۱۵} نو	یکی بانگ برزد به بیژن که رو	
همین ^{۱۷} پهلوانی و تخت و کلاه ^{۱۸}	مرا شاه داد ^{۱۶} این درفش و سپاه	
نه اندر جهان سربسر نیو نیست	درفش ازدر بیژن گویو نیست	۹۷۵
بزد ناگهان بر میان درفش ^{۱۹}	یکی تیغ بگرفت بیژن بنفش	
یکی نیمه برداشت گرد ^{۲۱} از میان	به دو نیم ^{۲۰} کرد اختر کاویان	
چو ترکان بدیدند اختر به راه ^{۲۳} ،	بیامد که آرد ^{۲۲} بنزد سپاه	
همه سوی بیژن ^{۲۵} نهادند روی	یکی شیردل لشکری ^{۲۴} جنگ جوی	
به پیگار آن کاویانی درفش	کشیدند گویال ^{۲۶} و تیغ بنفش	۹۸۰
که نیروی ایران بدان ^{۲۸} اندرست	چنین گفت هومان که آن ^{۲۷} اخترست	
جهان پیش کاوس ^{۲۹} تنگ آورم	درفش بنفش ار به چنگ آورم	

۱- ل، ق، ل، آ، س؛ ۲- گرز؛ متن = ف، س؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

همه یکسره پشت پشت آورم مگر نام رفته (لی، آ: دشمنان را) به مشت آورم

ف، ل (نیز و ب) این بیت را ندارند ۲- ل، آ: وزان؛ س، س؛ آ: بدان؛ ق: بران؛ متن = ف ۳- س، ق، ل، آ، س؛ ۴- پای (ق: پشت)

بفشاردند؛ متن = ف، ل ۴- ل، آ، س؛ بگزارند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ ۵- ل: زهر سوسپه بی کران؛ س: ز ایران بسی نامور؛ متن =

ف، ق، ل، آ، س؛ ۶- ق: همه ۷- ف، ل: رود؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۸- ل: برسان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛

(نیز ل، لی- ب) ۹- (ق: که بشتاب از ایدر بکردار تیر) ۱۰- ق: همه ۱۱- ل: رفت و ۱۲- ل: سراندر؛ س این بیت و

بیت سپین را ندارد؛ ل، ق (نیز لی، آ، ب) پس از بیت ۹۷۱ افزوده اند:

عنان را چو گردان یکی برگرای برین کوه سربرفزون زین (ق، لی، آ: فزونی) میبای

۱۳- ق: وگر ۱۴- ل، آ، س؛ آن ۱۵- س: کار (!) ۱۶- س: داد شاه ۱۷- ل: همان ۱۸- س: و هم تخت و

گاه ۱۹- ف، س: به پیکار آن کاویانی درفش (= ۹۸۰ ب)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب)؛ بنداری (۹۷۶-۹۷۸)؛ فغضب بیژن و

استشاط وسل سیغه و ضرب الدرفش فقطعه بنصفین، وأخذ أحد النصفین وأقبل به الی المعترک ۲۰- ل: نیمه ۲۱- س، ق (نیز ل، ب،

لن)؛ زبر نیمه برداشتش؛ ل، آ، س (نیز لی، آ)؛ برین نیمه برداشت گرد؛ متن = ف، ل (نیز ق) ۲۲- س، ل، آ: آید ۲۳- ق: چو دیدند

ترکان بنفش سپاه؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- ف، س: لشکر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۲۵- س: بیشه (بیژن) ۲۶- ف- س؛

کویال ۲۷- س: این ۲۸- س: بدو؛ ل این بیت را ندارد ۲۹- س، ل، آ، س (نیز لی، آ)؛ ابر دشمنان کار؛ ق (نیز ل، ب،

لن)؛ جهان جمله بر شاه؛ (ق: جهان پیش خسرو به)؛ متن = ف (نیز و ب)؛ ل این بیت را ندارد

داستان فرود سیاوخش

<p>بریشان یکی تیرباران بکرد همی گرگ درنده را سور کرد^۲ سواران که بودند با او بهم ربودن ازیشان همه^۵ تاج و گاه] برفتند بسیار نيزه‌وران^۶ بیامد به ره^۹ بیژن نامدار^{۱۰}] گرامایگان برگرفتند راه^{۱۱}] به دست اندرون اختر کاویان] هوا شد ز گرد سواران بنفش برآن دشت رزمی نو آراستند^{۱۲} که کاوس را بود فرزند نیز^{۱۳} نیاز فریبرز و جان پدر بسی نامور جامه کردند چاک که ای نامداران و گردان نیو، به پیش فریبرز^{۱۷} کاوس شاه^{۱۸} سه تن کشته شد زار بر خیرخیر^{۲۱} ز^{۲۳} گیتی فزون زین شگفتی چه چیز؟ به دشمن رسد شرم دارد روان^{۲۶} شکست اندرآید به ایران سپاه^{۲۸} به ترکان رسد در صف کارزار</p>	<p>کمان را به زه کرد بیژن چو گرد سپه را به تیر از برش دور کرد^۱ بگفتند با گیو و با گُستهم [که مان^۳ رفت باید به^۴ توران سپاه ز گردان ایران دلاورسران [بگشتند ازیشان^۷ فراوان سوار^۸ [و ز آنجایگه تا بنزد سپاه [همی رفت بیژن چو شیر ژیان سپاه اندرآمد به گرد درفش دگر باره از جای برخاستند به پیش سپه گشته شد ریونیز یکی تاجور شاه^{۱۴} کهتر پسر سر و تاج او اندرآمد به خاک از آن^{۱۵} پس خروشی برآورد گیو چُن اویی^{۱۶} نبود اندرین رزمگاه نبیره پسر پیش^{۱۹} کاوس پیر^{۲۰} فرود و سیاوخش و^{۲۲} چون ریونیز اگر تاج آن^{۲۴} نورسیده^{۲۵} جوان اگر من بجنبم ازین رزمگاه^{۲۷} نباید که آن^{۲۹} افسر شاهوار^{۳۰}</p>	<p>۹۸۵ ۹۹۰ ۹۹۵ ۱۰۰۰</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------

۱- ل: سپه یکسر از تیر او دور شد؛ متن = ف، س، ق، س، ۲- ل: شد؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: جنگ بیژن با ترکان از بهر اختر کاویان و آوردن آن بنزد گیو ۳- س: کنون؛ س: که ما؛ متن = ف، ل ۴- ق: که از ما برفتند ۵- ل: همی؛ ق: ربودن کنند آرزو؛ ل^۲ (نیز و، ب) این بیت را ندارند ۶- ق: با گرزهای گران ۷- ل: بریشان ۸- س: سران ۹- ل: زره؛ س: بر؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س: ایدر دمان؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۱۱- ل: آ بیتهای ۹۸۹ و ۹۹۰ را ندارند ۱۲- ف، س، س: (نیز ل، پ، و، ل، ن، ب): بیاراستند؛ متن = ل، ل، ل، ل، ق (نیز ل، ق، آ، لی، آ) ۱۳- ف- س: (نیز ق، ل، لی، و، آ): بُد چو جان عزیز؛ (ل، ل، ن): بود فرزند و چیز؛ ب: به گیتی شگفتی فزون زان چه چیز (= ۹۹۹)؛ متن = (پ) ۳۹۸؛ بنداری (۹۹۳-۹۹۵): فقتل ریوبن کیکاوس. و هو اصغر بنیه، فهوی الی الأرض صریحا و تعفرتاجه ۱۴- س، ل: شاه و؛ ق: بود؛ متن = ف، ل، س، ل: ۱۵- س، ل: ۱۶- ل: چنوی؛ س: چنوکس؛ ق، س: چنویی؛ ل: جز او خود؛ متن = ف ۱۷- ف، ق: فریبرزو؛ متن = س، ل: ۱۸- ل، س: جوان و سرافراز و (س: [و]) فرزند شاه ۱۹- ل: نبیره جهاندار ۲۰- س: کاوس شاه ۲۱- ل: خیره خیر؛ س: اندرین رزمگاه؛ ق: کشته گشتند بر خیرخیر؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲۲- ف: فرود سیاوش (= سیاووش) و؛ ل: فرود سیاوش (= سیاووش)؛ س: فرود سیاوخش و؛ متن = ق ۲۳- ل، س: به؛ متن = ف، ق؛ س، ل: این بیت را ندارند ۲۴- س: این ۲۵- ل (نیز ل): نارسیده؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ق، و، آ، ب) ۲۶- ق: از آن ۲۷- ق: وگرمین بیچم ز ایران سپاه ۲۸- ف: بابر سیاه (!)؛ ق: بدین رزمگاه؛ س: به پیش فریبرز کاوس شاه (= ۹۹۷)؛ متن = ل، ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۹- ف، س، ل، س: این؛ متن = ل، ق ۳۰- ل- س: (نیز ل- پ، آ): شهریار؛ متن = ف (نیز و، ب)

فزاید برین^۱ ننگ‌ها ننگ نیز ازین^۲ افسر و گشتن ریونیز^۳

چنان بُد که بشنید آوای^۴ گیو
 ۱۰۰۵ برآمد به نَوی^۵ یکی کارزار
 فراوان ز هر دو سپه کشته شد
 برآویخت چون شیر بهرام^۶ گرد
 به نوک سِنان تاج را برگرفت
 همی بود از آن^۷ گونه تا تیره گشت^۸
 ۱۰۱۰ چُنین^۹ هر زمان نو^{۱۰} برآشوفتند^{۱۱}
 ز گودرزیان هشت^{۱۲} تن^{۱۳} زنده بود
 هم از تخمهی گیو چون^{۱۴} بیست و پنج^{۱۵}
 هم از تخم کاوس هشتاد^{۱۶} مرد
 جز از^{۱۷} ریونیز آن گو نامدار^{۱۸}
 ۱۰۱۵ ز خویشان^{۱۹} پیران چو نهصد سوار^{۲۰}
 چو سیصد تن از تخم افراسیاب
 همان^{۲۱} دست پیران بُد و روز^{۲۲} اوی^{۲۳}
 بُد روز پیگار ایرانیان
 از آوردگه روی برگاشتند

سپهبد سرافرازیران نیو^۱
 ز لشکر بر آن افسر نامدار
 سر^۲ بخت گردنکشانشان^۳ گشته شد
 به نیزه بریشان یکی حمله برد
 دو لشکر بدو مانده اندر^۴ شگفت
 همی^۵ دیده از تیرگی^۶ خیره گشت^۷
 همی بر سر یکدگر کوفتند^۸
 بر آن^۹ رزمگه، دیگر افکنده بود
 که بودند زیبای دیهم و گنج
 سواران و شیران روز نبرد
 سزد گر نیاید یک اندر^{۱۰} شمار
 کم آمد برین^{۱۱} روز در کارزار^{۱۲}
 کجا بختشان اندر آمد به خواب
 دل و^{۱۳} اختر گیتی افروز اوی^{۱۴}
 از آن رزم کردن^{۱۵} سرآمد زیان
 تن^{۱۶} گشتگان خوار بگذاشتند

۱- ق: بدین؛ س: ازین؛ متن = ف، ل، س، ل^۱ ۲- ق: از آن ۳- س: سه تن کشته شد زار بر رستخیز ۴- ل، ل، س: آواز؛ س: چو لشکر شنودند آواز؛ ق: چو این گفته بشنید از آواز؛ متن = ف، ل ۵- س: سپهبد سرافراخت ز آواز نیو ۶- ف- س: نوبی؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- س: سرو ۸- س: ایرانیان؛ ق: بسیار کس؛ متن = ف، ل، ل، س: درق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س: رهام؛ بنداری؛ فیادره بهرام ۱۰- س، س: بدو در بمانده؛ ل: بمانده از در؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- ل: زان؛ س: ازین؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۲- س: شد ۱۳- س: همه ۱۴- ل: تیره گی؛ درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- س، س: چنان؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۶- ل، س، ل: زمانی؛ متن = ف، ق، س ۱۷- ل: برآویختند ۱۸- ل: ریختند ۱۹- ل (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن): هفت؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب): بنداری؛ حتی لم یبق من ثمانیه و سبعین إصهبذا من أولاد جودرز غیر ثمانیه أنفس ۲۰- ف: کس؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۱- ق: بدان ۲۲- (و: گیوگان) ۲۳- س، س (نیزو): شصت و پنج؛ (ق، ل، شست و پنج)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: هفتاد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق- ب) ۲۵- ف (نیزو): بجز؛ متن = ل- س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: سر تاجدار؛ س، س: شه نامدار؛ (ل، ل، پ، ل، ن): گو تاجدار؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، ل، و، آ، ب) ۲۷- ل، س: کسی در؛ ل، س (نیز ل، آ): یکی در؛ متن = ف، ق (نیزلن، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب) ۲۸- ل: پیوند ۲۹- درف به زبریکم ۳۰- س، ل: درین؛ ق: در آن؛ س: ازین؛ متن = ف، ل ۳۱- س: رزم و آن روزگار؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۲- س: همه ۳۳- س: روی (پساوند ندارد) ۳۴- ل، س، ق، ل: او؛ متن = ف، س ۳۵- ل: از آن؛ ق (نیزلن، پ، ل، ن): همان؛ س: پی؛ متن = ف، س، ل (نیزلی، ل، و، آ) ۳۶- ل: جنگ جستن؛ س (نیزب): سود جستن؛ ق، ل، س (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن، آ): رزم جستن؛ متن = ف (نیزق، ل، و)؛ س در اینجا سرنویس دارد: هزمت شدن ایرانیان از لشکر تورانیان ۳۷- ل: همی؛ ق: همان؛ متن = ف، س، ل؛ س این بیت را ندارد

۱۰۲۰ بدانگه کجا^۱ بخت برگشته شد
 پیاده همی رفت^۲ نیزه به دست
 چو بیژن به گُستَهَم نزدیک شد
 بدو گفت: هین برنشین از پسم
 نشستند هر دو بر آن^۵ بارگی
 ۱۰۲۵ همه سوی آن دامن کوهسار
 سواران ترکان همه شاددل
 به لشکرگه خویش بازآمدند
 ز گردان ایران برآمد خروش
 دمان باره‌ی گُستَهَم^۲ گشته شد،
 ابا جوشن و خود برسان مست
 - شب آمد رخ^۴ روز تاریک شد -
 گرامی تر از تو نباشد کسم
 چو^۶ خورشید شد^۷ تیره یکبارگی،
 گریزان برفتند برگشته^۸ کار
 ز تندی و^۹ غم گشته آزاد دل
 گرازنده^{۱۰} و بزمساز^{۱۱} آمدند
 همی کر شد از ناله‌ی کوس^{۱۲} گوش

گفتار اندر داستان بهرام گودرز^{۱۳}

۱۰۳۰ دوان رفت بهرام پیش پدر
 بدانگه که آن تاج برداشتم
 یکی تازیانه ز من گم شده‌ست
 به بهرام بر چند باشد فسوس
 نبشته بر آن^{۱۷} چرم نام من ست
 شوم تیز^{۱۹} تازانه بازآورم
 ۱۰۳۵ مرا این بد از اختراید^{۲۲} همی
 بدو گفت گودرز و گیو^{۲۳}: ای پسر
 که ای پهلوان کیان^{۱۴} سربسر
 به نیزه به ابر اندر افراشتم^{۱۵}،
 چو گیرند بی‌مایه ترکان به دست،
 جهان پیش چشمم شود آب‌نوس^{۱۶}
 سپهدار پیران بگیرد به دست^{۱۸}
 اگر^{۲۰} چند رنج^{۲۱} دراز آورم
 که نامم به خاک اندرآید همی
 همی^{۲۴} بخت خویش اندرآری به سر

۱- ق: وز آنجایگه؛ ل: بدانجایگه ۲- ق: که گستم را بارگی
 ل: پ، ل، آ، ب: همی؛ س: همان؛ (ق: همه)؛ متن = (نیزو)
 ق: شد روز ۸- س، ق، ل، آ، س: و برگشت؛ متن = ف، ل
 فرازنده؛ (ق: گرازنده)؛ متن = ل- س^۲ (نیزهشت دستنویس دیگر)
 (نیز ل، ب)؛ بنداری؛ وانصرف بیران مع أصحابه الی مضارهم بالظفر والسرور ۱۲- ق: ناله و آه؛ ل، آ، س: ناله زار؛ متن = ف، ل،
 س ۱۳- ف: گفتار اندر داستان بهرام گودرز و رفتن او بطلب تازیانه و کشته شدن بردست تراو؛ ل: داستان بهرام با تراو و کشته شدن بهرام؛
 س (چند بیت پایین تر)، ق، س: رفتن بهرام گودرز بطلب تازیانه و کشته شدن او (س: کشته شدنش بردست تراو)؛ ل: رفتن بهرام بطلب
 تازیانه؛ متن = آغاز ف ۱۴- ل، ل، آ، ق (نیز ل، آ، ب): یلان؛ س، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ): جهان؛ متن = ف ۱۵- س: به
 بالا برافراشتم؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- س این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت افزوده است:
 درآید مرا نام مردی به خاک
 ازین غم کم جامه بر خویش چاک
 ۱۷- ف: از (— آن)؛ متن = ق، ل، آ، س^۲ ۱۸- ق: بگیرد سپهدار ترکان بدست؛ متن = ف، ل، آ، س^۲؛ ل، س این بیت را ندارند؛ بنداری:
 حتی یقع فی ید بیران او غیره من أصحابه ۱۹- ق: زود و؛ ل: تیرو؛ س: زود؛ س: روم پیش و؛ متن = ف، ل، ۲۰- س، س: آ:
 وگر ۲۱- ف، س، س^۲ (نیز ق، آ، و، ب): رزم (؟)؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ) ۲۲- ف، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ،
 ل، ل، آ، ب): این به (ل، ل، آ، ز؛ س، س: از؛ ل: بد) اختر بد آید (پساوند ندارند)؛ متن = ق (نیز ل، پ، و، ل، آ) ۲۳- س: بدو پیر گودرز
 گفت؛ ق: بدو گفت گودرز پیر؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۲۴- س: همه

ز بهر یکی چوب بسته دَوال
چنین گفت بهرام جنگی که من
به جایی^۳ توان مُرد کاید زمان^۴
بدو گفت گیو: ای برادر مشو
۱۰۴۰ یکی شوشه‌ی^۷ زر به سیم^۸ اندرست^۹
فریگیس^{۱۱} چون گنج بگشاد سر
من این^{۱۴} درع و تازانه^{۱۵} برداشتم
یکی نیز بخشید کاوس شاه
۱۰۴۵ دگر پنج دارم همه زرنگار
ترا بخشم این هفت^{۲۰} از^{۲۱} ایدرمرو
چنین گفت با گیو بهرام گرد
شما را ز رنگ^{۲۳} و نگارست گفت
گر ایدونک^{۲۵} تازانه بازآورم
۱۰۵۰ برو^{۲۹} رای یزدان دگرگونه بود
هر آنکه که بخت اندرآید به خواب

بزد^{۳۲} اسپ و آمد بدان^{۳۳} رزمگاه
درخشان شده روی گیتی ز ماه

۱- س: شوم ۲- س: بد به فال؛ ق: بدنال؛ س: نیک فال؛ متن = ف، ل، ل، ل ۳- ل: بدانجا؛ متن = ۴- ف، س: (نیز ق، و) اگر آمدستم (و: ماندستم) زمان این (ق: بدانجا) زمان؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ی، پ، آ، ب) ۵- ل: چنان ۶- ف، س: (نیز ل، آ): راند؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز و، ب) ۷- ف (نیز ق): شمس؛ (شفشقه؟): ق، س (نیز ب): شفشقه؛ (ل، پ، ل: دسته را): متن = ل، س، ل (نیز ل، ل، آ، و، آ، لغت شهنامه، شماره ۷۷۹) ۸- س: زر و سیم؛ ل: سیم و زر ۹- ف، س، ل (نیز ل، ل، ل): ایدرست؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، ق، ل، ی، آ، لغت شهنامه) ۱۰- ف: دو شیش (→ شیش): س (نیز ل، آ): دو شوشه؛ ل: دو شیشش (→ شیشش)؛ س: دو دستش؛ (ل، پ، ل: دو دسته؛ ق: دوالش؛ و: دو شفشقه): متن = ل، ق (نیز ل، ب، لغت شهنامه) ۱۱- ف، ل، س، س (نیز ل، ل، ی، و): فریگیس (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیز ق، ل، پ، ل، آ، ب): فریگیس؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۲- س: چندین ۱۳- س: سلاح؛ ف، س (نیز ق): پس از این بیت افزوده اند:
فریگیس بخشید آن سر مرا
سیاوخش (ف: سیاوش) را بُد چو جان (ق: شه داشتی آن) عزیز
که آن سیاوش بُد (س: بد آن) مهترا
۱۴- ل: من آن؛ س، ل: یکی؛ متن = ف، ق، س ۱۵- س: هر دو زان جای ۱۶- س: ترکان ۱۷- س، ل: در ۱۸- ق: ز گوهر بسان فروزنده ماه ۱۹- س: این بیت و بیت سپین را ندارد ۲۰- ل: پنج ۲۱- ل: ز ۲۲- ل، ل، ل، ل، س: خرد؛ متن = ف، س، ق ۲۳- س: نقش ۲۴- س: شدننگ با نام؛ ق: یاننگ شدن نام؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۵- س: ایدونکه ۲۶- س: وگرنه ۲۷- س، ق: به ۲۸- س: کوشش فراز ۲۹- ف، س: بر آن؛ (ق: بدان؛ ب: بدو)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۰- ف، س (نیز ق): همان بخت بهرام؛ ل: همان بخشش و بخت؛ (ل، ل، پ، ل، آ، همه): همان (گردش چرخ)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، و، ب) ۳۱- ف، ق: باب؛ س، س، ل (نیز ق، ل، ی): بر آب؛ (آ: پر آب؛ ب: صواب)؛ ل: ترا گفت دانا نیاید صواب؛ (ل، ل، آ، پ، و، ل): بگوشش سخنها نیاید صواب (ل: بر آب؛ و: جواب)؛ راوندی، ص ۳۴۲، س ۱۳: بگوشش نباشد سخنها بداب)؛ متن = ف، ق پس از تصحیح باب به بداب ۳۲- ق: براند ۳۳- ل، س: بر آن؛ متن = ف، ق، ل، ل، س

<p>همی زار بگریست بر گشتگان تن ریونیز اندر آن خون و خاک همی^۲ زار بگریست بهرام شیر چه تو کشته اکنون چه یک مشت خاک به گیرد برادر^۳ یکایک بگشت از آن^۴ نامداران یکی خسته بود همی^۱ باز دانست بهرام را بدو گفت کای^{۱۲} شیر من زنده ام سه روزست تا نان و آب آرزوست بشد تیز بهرام تا پیش^{۱۶} اوی^{۱۷} برو گشت گریان^{۲۰} و رخ را بخت بدو گفت: مندیش کین^{۲۲} خستگی ست چو بستم کنون سوی لشکر^{۲۴} شوی یکی تازیانه بدین^{۲۷} رزمگاه چو آن بازیام^{۳۰}، پیام برت و زانجا سوی قلب لشکر شتافت میان تا^{۳۵} گشتگان^{۳۶} اندرون</p>	<p>بر آن داغ دل بخت برگشتگان شده غرق و خفتان برو^۱ چاک چاک که زار ای سوار جوان^۳ دلیر بزرگان به ایوان^۴ و تو در^۵ مفاک که بودند افکنده بر پهن^۷ دشت به شمشیر و زیشان^۹ به جان رسته بود بنالید و پرسید از او^{۱۱} نام را بر گشتگان ایدر^{۱۳} افکنده ام مرا بر^{۱۴} یکی جامه^{۱۵} خواب آرزوست به دل^{۱۸} مهربان و به جان^{۱۹} خویش اوی^{۱۷} همه گزیده بدرید و^{۲۱} او را بیست تبه بودن این^{۲۳} ز نابستگی ست و زین^{۲۵} خستگی زود بهتر^{۲۶} شوی ز من گم شده ست از پی^{۲۸} تاج شاه^{۲۹} رسام بزودی^{۳۱} بر^{۳۲} لشکرت همی گشت^{۳۳} تا تازیانه بیافت^{۳۴} برو ریخته^{۳۷} خاک و بسیار^{۳۸} خون</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: خفتان و بره: ق: خفتان بره: ل: غرقه خفتان و بره: متن = ف، ل، س^۲ ۲- ق: برو ۳- ل: جوان سوار: ق: سوار و جوان: ل: که زارا سوار جوان: س: بزاری سوار جوان: متن = ف، س ۴- ق: ایران (→ ایوان) ۵- ل، ق: تواندر: متن = ف، ل، س: س این بیت را ندارد ۶- ل: بر آن گشتگان بره: متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۷- س: بر روی ۸- س: ازین ۹- ل: ازیشان ۱۰- س: چو او ۱۱- ل، ل، ل: زو ۱۲- ق، ل، س: ای ۱۳- ف، س، ق، ل، س (نیز ق- و، آ، ب): اندر: ل: خوار: (لن: هم بر): متن تصحیح قیاسی است ۱۴- ق: خود: متن ← ۱۵- س (نیز و): به گیتی یکی جای: متن = ل، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر): ف این بیت را ندارد ۱۶- س: نزد ۱۷- ل: او ۱۸- ق: جان ۱۹- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن): تن: متن = ف، ل، س (نیز ق، و، ب) ۲۰- ق: ازو گشت بریان ۲۱- ف (نیز آ): همه قرطه بدرید و: ل: بدرید پیراهن: س، ل (نیز ق، لی): همه قرطه ببرید و: ق (نیز ل، ب): همه جامه ببرید و (ب: بدرید): س: همه فوطه (→ قرطه) بدرید و: متن = (و) رزم یازده رخ: بیت (۲۳۵۱) ۲۲- ل: کز: (و: ازین): متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ل: این را ۲۴- ف (نیز و، ب): زود بهتر: ل: سوی بهتر: س: پیش لشکر: (ق: نزد بهتر): متن = س، ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ) ۲۵- ق: ازین ۲۶- ف (نیز و): رزمگاه پیش (و: نزد) لشکر: متن = ل- س (نیز لن-ب، لن، آ) ۲۷- ق: درین ۲۸- س: از در ۲۹- ف، س (نیز لن، ق، لی، ل، آ، ب): تاج و گاه (؟) ← ۹۸۶: متن = ل، س، ق، ل (نیز ب، لن، آ) ۳۰- ق: تازیانه ۳۱- ق: بزودی رسام ۳۲- ل، ق، ل، س: سوی: متن = ف، س ۳۳- ل- س (نیز ق، لی، ل، آ): جست: (و: بود): متن = ف (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳۴- ق، ل، س: تازانه (ل: تازیانه) تا باز یافت: (ق: تازانه و باز یافت: ل: وان تازیانه نیافت): متن = ف، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۵- س، ل، س: یکی: ق: تن: متن = ف، ل ۳۶- س: گشتگان ۳۷- ل: برآمیخته ۳۸- ل، س، ق: خاک بسیار: متن = ف، ل، س

۱۰۷۰	فرود آمد از اسپ و آن برگرفت ^۲ خروش ^۴ دم مادیان یافت اسپ سوی مادیان روی بنهاد ^۶ تفت همی ^۸ شد دمان تا رسید اندروی چو بگرفت هم در ^{۱۱} زمان برنشست ^{۱۲}	و زیشان ^۳ خروشیدن اندرگرفت بجوشید ^۵ برسان آذرگشسپ غمی گشت بهرام و از ^۷ پس برفت ز ترگ و ز جوشن ^۹ پُر از آب روی ^{۱۰} یکی تیغ هندی گرفته به دست ^{۱۳} سوار و تن باره پُر خاک ^{۱۶} و خوی که شمشیر زد بر پی ^{۱۸} بارگی بیامد، بیمود ^{۲۰} چون باد راه زمین چون ^{۲۱} گل و ارغوان کشته دید برین ^{۲۲} دشت بی باره و ^{۲۳} راه جوی؟ سواری صد از قلب بشتافتند برندش بر پهلوان سپاه ببارید تیر از کمان ^{۲۵} دلیر به پیرامنش کس کجا ماندی پیاده نتابید ^{۲۸} و ننمود پشت ^{۲۹} بنزدیک پیران نهادند روی ز هر سو بسی تیر گرد آورید بگفتند با او سراسر گوان ^{۳۱} ز پیگار او آشکارا و راز ^{۳۴}
۱۰۷۵	چو بفشارد ^{۱۴} ران هیچ نگزارد ^{۱۵} پی چنان ^{۱۷} تنگ دل شد به یکبارگی و ز آنجایگه تا بدین ^{۱۹} رزمگاه سراسر همه دشت پُر گشته دید همی گفت کاکنون چه سازیم روی ازو سرکشان آگهی یافتند که او را بگیرند از آن ^{۲۴} رزمگاه کمان را به زه کرد بهرام شیر چو تیر یلی در ^{۲۶} کمان راندی ازیشان فراوان بخت و بگشت ^{۲۷}	
۱۰۸۰	سواران همه بازگشتند ازوی چو لشکر ز بهرام شد ناپدید چو لشکر بیامد بر ^{۳۰} پهلوان فراوان سخن رفت از آن ^{۳۲} رزمساز ^{۳۳}	
۱۰۸۵		

- ۱- ل: باره ۲- س: او را گرفت ۳- ل: وزانجا ۴- ق، ل، آ، س: خروش و؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۵- س: خروشید؛ ل: بخورشید ۶- ل (نیز لی، ل، آ، پ): بنهاد و ۷- س: وز؛ ق: [و] از؛ درل لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف بجای این بیت افزوده است: سوی مادیان رفت اسبش دوان خروشان و جوشان و شبه زنان
- ۸- ف: غمی (ه-همی)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۹- ل، ق: خفتان؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۰- ل، آ، س: تنش همچو جوی ۱۱- ق: اندر ۱۲- س: زمانش بدست ۱۳- س: خروشید و هم در زمانش بیست ۱۴- س، س: آ: بفشرد ۱۵- س (نیز لی): نهاد؛ (ب: نگشاد)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ-آ) ۱۶- س: تن و باره پر خون ۱۷- ل: جوان ۱۸- س، ق: سر ۱۹- ق: بدان ۲۰- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، ب): پیاده بیمود؛ متن = ف، س، س (نیز لن، پ، لن، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- س: پیر؛ ق، ل: بیتهای ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ را ندارند ۲۲- س: کزین ۲۳- ل: بی بارگی؛ س: بی باره؛ متن = ف، س ۲۴- ل: زان ۲۵- ل: کمانش؛ س: کمان آن ۲۶- ف (نیز و): چویل (و: یک) تیر را در؛ ل: چوتیری یکی در؛ (لن، پ، لن: چویک تیر اندر؛ ق: چو او تیرش اندر)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب) ۲۷- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ-ب): بگشت و بخت؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل) ۲۸- ف: بازید (؟)؛ ل: بیچید؛ (ق: باستاد)؛ متن = (ل) ۲۹- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ): چو شیر ژیان پیش (پ: بدز) دشمن نخست (بجست؛ ق: بیست)؛ (و: چنان لشکری را بهم بر شکست؛ ب: ز تیر و ز پیکان او کس نرست) ۳۰- ق: سوی ۳۱- ل، آ، س: جمله گوان؛ (لن، پ، لن: ز کار جوان)؛ س (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): او را (ق: رزمش) جمله (و: سراسر) گوان؛ ق (نیز ل): ازوی (ل: او را) یکایک گوان؛ ف: جمله بگفتند او را گوان؛ متن = ل ۳۲- ل: زان ۳۳- س: پهلوان ۳۴- س: آشکار و نهان

- بگفتند کاین^۱ هزبر^۲ دلیر
 ۱۰۹۰ پرسید پیران که این مرد کیست؟
 یکی^۵ گفت: بهرام شیراوزن^۶ است
 به روین چنین گفت پیران که خیز!
 مگر زنده او را به چنگ آوری
 ز لشکر^{۱۰} کسی را که باید بر
 ۱۰۹۵ چو بشنید روین بیامد دمان
 بر تیر^{۱۴} بنشست بهرام شیر
 یکی تیرباران بریشان^{۱۶} بکرد
 چو روین یکایک ز تیرش بخت^{۱۸}
 به مُستی^{۲۰} بر پهلوان آمدند
 ۱۱۰۰ که هرگز چنین یک پیاده^{۲۱} به چنگ
 چو بشنید پیران^{۲۲} غمی گشت سخت
 نشست از بر باره‌ی تندباز^{۲۴}
 بیامد بدو گفت کای نامدار
 تو تا^{۲۸} با سیاوش به توران بُدی
 ۱۱۰۵ مرا با تو نان و نمک خوردن است
 نباید که با این نژاد و گهر
 ز بالا به خاک اندرآید سرت
- پیاده نگردد خود از جنگ^۳ سیر
 از آن^۴ نامداران وُرا نام چیست؟
 که لشکر سراسر بدو روشن است
 که بهرام را نیست جای^۷ گریز
 دو لشکر^۸ برآساید^۹ از داوری
 کجا^{۱۱} نامدارست و پرخاشخ
 نبودش خود^{۱۲} اندیشه از^{۱۳} بدگمان
 نهاده سپر بر سر و چرخ^{۱۵} زیر
 که شد ماه تابنده چون لاژورد^{۱۷}
 یلان را همه گند شد پای^{۱۹} و دست
 پُر از درد و تیره‌روان آمدند
 به دریا ندیدیم جنگی نهنگ
 بلزید برسان برگ^{۲۳} درخت
 همی رفت^{۲۵} با او^{۲۶} بسی^{۲۷} رزمساز
 پیاده چرا ساختی کارزار؟
 همانا به پرخاش و سوران^{۲۹} بُدی
 نشستن، همان مهر پروردن است
 بدین^{۳۰} شیرمردی و چندین هنر،
 بگرید ترا دوده و کسورت^{۳۱}

۱- ل، آ، س: کایک ۲- س: هزبری ۳- س: رزم ۴- س، س: از این؛ ق: وزان؛ متن = ف، ل، ل ۵- س: آ؛
 بدو ۶- ل، س، ق، ل (نیز ق ۲- ب): شیراوزن؛ متن = ف، س (نیز لن) ۷- س: راه ۸- ل، ق (نیز لن، پ، ل، ن): زمانه؛ (ق ۲: دو
 کشور)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۹- ل، آ، س: بیاساید ۱۰- ف: زگردان؛ متن = ل- س (نیز لن-
 ب) ۱۱- ف، س، ق (نیز لن، ل، پ، ل، ن): که او، ل، آ، س: گوی؛ (آ: که وی)؛ متن = ل (نیز ق، آ، ل، و، ب) ۱۲- ل- س (نیز
 لن، ل، پ، ل، ن، آ): بس؛ (ب: پس؛ ق، و: بدل بودش)؛ متن = ف ۱۳- ل، ق (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن): اندیشه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز
 نیز ل، و، آ، ب) ۱۴- س: چو بر تیر؛ ل: بزانی ۱۵- ق: ترگ ۱۶- ل: بروین؛ ق (نیز ل): بروبر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز
 ق، آ، ل، و، ب) ۱۷- ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، س (نیز و) ۱۸- ل: چو آن دید روین بیازید
 دشت ۱۹- ل: پا ۲۰- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): بستنی؛ (آ: زبیشش)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل) ۲۱-
 س: ندیدم پیاده؛ ق: چنین کس نیامد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۲- ق: چوپیران شنید آن ۲۳- س: شاخ ۲۴- س، ق، س (نیز
 لن- پ): تندتاز (در ق حرف چهارم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر)؛ ل (نیز ب): تندساز؛ (ل: تندباز)؛ متن = ف، ل (نیز و، آ، لغت
 سه‌نامه، شماره ۶۲۹) ۲۵- ف: ناخت؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۶- ق، ل، آ، س: وی ۲۷- س: پسر؛ ل: آ؛
 کسی ۲۸- ل، ل (نیز ل): نه تو؛ (ق: تو خود؛ و: تو هم)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۹- س، ق، ل، آ (نیز
 ب): پرخاش سوران؛ س (نیز ق، آ، ل، و، آ): پرخاش شیران؛ متن = ف، ل ۳۰- ل: برین؛ متن = س، ق، ل، آ، س؛ ف این بیت را
 ندارد ۳۱- ل: دیده و کسورت؛ ل: بسوزد دل مهربان مادرت؛ متن = س، ق، س (نیز لن- ب)؛ ف این بیت را ندارد

۱۱۱۰ بیا تا بسازیم سوگند و بند
 وُزان^۳ پس یکی با تو^۴ خویشی کنیم^۵
 پیاده تو با لشکری^۷ نامدار
 بدو گفت بهرام کای پهلوان
 سه روزست تا ناچریده لبان
 مرا حاجت^{۱۱} از تو یکی بارگی ست
 برد مر مرا سوی آزادگان
 بدو گفت پیران که ای نامجوی^{۱۵} ۱۱۱۵
 ترا آن^{۱۶} به آید که گفتم سخن
 بین تا سواران این^{۱۷} انجمن
 که چندین تن^{۱۸} از تخمهی مهتران
 ز پیکان^{۲۰} تو خسته و گشته^{۲۱} شد
 که جوید گذر سوی^{۲۳} ایران کنون؟ ۱۱۲۰
 بگفت این و برگشت و شد باز جای
 برفت او و آمد^{۲۶} ز لشکر^{۲۷} تژاو^{۲۸}
 ز پیران پرسید و پیران^{۳۰} بگفت

به راهی^۱ که آید دلت را پسند^۲
 چو خویشی بود رای بیشی کنیم^۶
 نتابی، مخور بر تنت^۸ زینهار
 خردمند و بینا^۹ و روشن روان
 همی رزم سازم^{۱۰} به روز و شبان
 وُگرنه^{۱۲} مرا جنگ^{۱۳} یکبارگی ست
 بنزدیک^{۱۴} گودرز گشوادگان
 ندانی که این رای را نیست روی؟
 دلیری و بر خیره تندی مکن
 نهند این چُنین ننگ بر خویشان؟
 ز دیهم داران و گنداوران^{۱۹}،
 بدان رزم تا کارمان گشته^{۲۲} شد
 مگر آنک جوشد^{۲۴} وُرا مغز و خون
 دلش پُر ز مهر^{۲۵} و سرش پُر ز رای
 به پیش وی اندر یکی نیک زاو^{۲۹}
 که بهرام را از یلان نیست جفت

۱- ف: بر آن ره؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، ی، پ-ب) ۲- ل، س، ق: چن آیی که ایدر ترا (ل: که آیی بایدربوی) سودمند ۳-
 ل: از آن ۴- س: نیز ۵- ق: کم ۶- ق: چو خویشی کم عهد را نشکنم؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: گفتار پیران با بهرام
 و پاسخ دادن بهرام او را؛ ق: سخن گفتن با بهرام و جواب بهرام و آمدن تراو ۷- ق: لشکر ۸- ل، ل، ل: (نیز لن، ق، و، ل، آ): با تنت؛
 س: نیابی بخون یافتن؛ متن = ف، س، ق (نیز لی، پ، ب) ۹- س، ق: بیدار؛ متن = ف، ل، ل، س، آ ۱۰- س: جوم؛ ل این بیت را
 ندارد ۱۱- (پ: آرزو) ۱۲- ل: اگر نه ۱۳- ق: کار ۱۴- س، ق، ل، س، آ (نیز لن، لی، پ-آ): بر پیر؛ متن = ف (نیز ق، آ،
 ب)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- س: رزجوی ۱۶- ل، ق، س، آ: این؛ متن = ف، س، ل، آ ۱۷- ل، س، آ: متن = ف، ق، ل، آ،
 س ۱۸- ل، آ، س: گو ۱۹- ق: جنگاوران ۲۰- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، ی، پ، و، ل، آ): پیکار؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز ل، آ،
 ب) ۲۱- ل: کشته و خسته ۲۲- س: کارشان گشته؛ س: کارتان گشته؛ ل (نیز ق، ل، آ، ب): چنین رزم ناگاه (ل، آ، ب: ناکام)
 پیوسته؛ ق (نیز لن، پ، ل، آ): بدان حال (لن: خاک؛ پ: گونه) از رزم برگشته؛ ل: بدین رزم تا کار تو گشته؛ (لی، و، آ: بدان رزم با خاک
 آغشته)؛ متن = ف ۲۳- س: پیش ۲۴- س: جوید؛ ل، ق (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

اگر نیستی رنج (ق: بیم؛ ب: ترس) افراسیاب

که گردد سرش زین سخن پرشتاب (ق: پرزتاب)

ترا بارگی دادمی ای جوان

بدان تات بردی بر (ق: سوی) پهلوان

۲۵- ل: کین؛ (ق: باد)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن-ب) ۱۱۲۴-۱۱۲۶ ۲۶- ف: بر او د[ر] آمد؛ (ق: به پیش اندرآمد؛
 متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۷- ق: برفت او ز لشکر به پیش ۲۸- بنداری: تراو ۲۹- س: یکی شیر و گاو؛ ل
 (نیز ب): سواری که بودیش با شیرتاو؛ ق (نیز لن، ل، آ): که در پیش (لن: تنش) بودی گه-بنگ و تاو (لن: جنگ تاو)؛ ل، آ، س: به پیش وی
 آمد بسان جکاو (س: تکاو)؛ (ق: آ: که در تنش بودی همی پیچ و تاو؛ لی، آ: بزیر وی اندر یکی تیرتاو؛ ل: به پیش اندرآمد پراز کین و تاو؛ و:
 ورا بیش بود از یکی پیل تاو)؛ متن = ف ۳۰- ق: پرسید وی را

۱۱۲۵ به مهرش بدادم بسی پند خوب
 سَخُن را نَبُد بر دلش هیچ راه
 به پیران چُنین گفت جنگی تراو
 شوم، گر پیاده به چنگ آرمش

۱۱۳۰ چو بهرام را دید نیزه به دست
 بدو گفت: ازین لشکر نامدار
 بدایران^۵ گرازید^۶ خواهی^۷ همی؟
 سران را سپردی سر، ایدر بمان!^۸
 به یارانش فرمود^۹ کاندرنهید!
 برو انجمن شد گشن^{۱۳} لشکری
 کمان را به زه کرد بهرام گُرد
 چو تیر اسپری شد سُوی نیزه گشت
 چو نیزه قلم شد به گرز و به تیغ
 چو رزمش بدین^{۱۹} گونه پیوسته شد
 چو بهرام یل گشت بی توش و تاو
 یکی تیغ زد بر سر^{۲۲} کتف^{۲۳} اوی^{۲۴}

۱۱۳۵ یکی برخروشید چون پیلِ مست
 پیاده یکی مرد و چندین سوار،
 سرت برفرزید خواهی^۷ همی؟
 گه آمد که بر تو سرآید^۹ زمان
 به تیر و به ژوپین^{۱۱} و خنجر^{۱۲} دهید!
 هر آنکس که بود^{۱۴} از دلیران سری
 به تیر از جهان^{۱۵} روشنایی ببرد
 چو دریای خون شد همه^{۱۶} خاک و^{۱۷} دشت
 همی خون چکانید بر^{۱۸} تیره میغ
 به تیر^{۲۰} دلاور بسی خسته شد
 پس پشت او اندرآمد تراو^{۲۱}
 که شیر اندرآمد ز بالا به روی^{۲۵}

۱- ق: [و]: ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: جنگ تراو با بهرام و کشته شدن بهرام ۲- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب): بایران؛ متن = ف: ل این بیت را ندارد ۳- ق: هم: ف (نیزلن، پ، لن^۲) پس از بیت ۱۱۲۷ افزوده اند: بیامد خروشان (لن، پ، لن^۲: شتابان) بدان رزمگاه دلی پرز کینه سری کینه خواه (لن، پ، لن^۲: کجا بود بهرام یل بی سپاه)

ق پس از بیت ۱۱۲۷ افزوده است:

پس از پیش پیران بیامد دمان بشد سوی بهرام آن بدگمان

۴- س: و جنگی سوار: ق: [و] در کارزار: متن = ف، ل، ل، آ، س^۲: ف پس از این بیت افزوده است:

فراوان بکشتی و انداختی بسی چاره از هر دری ساختی

۵- ل-س^۲ (نیزق، لی، و، آ، ب): بایران: (ل^۲: بر ایران): متن = ف ۶- س، ل، آ، س^۲: گذارید: ق (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب): گرایید: متن = ف، ل (نیزق^۱) ۷- ل، س، آ: خواهد: متن = ف، س، ق، ل ۸- ل (نیزل^۳): اندر زمان: ق (نیزب): اندر زیان: (لی، و، آ: اندر غمان: لن، ب، لن^۲: بریدی سر ایدر بمان): متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۹- ف، ل، آ: آرد: متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، ب-ب) ۱۰- ل: پس آنگه بفرمود: متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب) ۱۱- ف-س^۲ (نیزلن-آ): زوپین ۱۲- ق: گرزش: ل، ل، آ، س^۲: به گرز و به زوپین: متن = ف، س ۱۳- ل، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب): یکی: ل: گشت گشن: س^۲: گشن شد: متن = ف (نیزلی، آ): س این بیت را ندارد ۱۴- ق: بد ۱۵- ل، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، لی، آ): هوا: متن = ف (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن^۲): س این بیت را ندارد ۱۶- ل، ل، آ، س^۲: همی: متن = ف، س، ق ۱۷- ل-س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، لن^۲): کوه و: (ل^۲: غار و: و: خاک: ب: روی): متن = ف (نیزلی، آ) ۱۸- ل، ل، آ، س^۲: چون ۱۹- ل، ل، ق، ل، آ، س^۲: برین: متن = ف، س ۲۰- س، ل، آ، س^۲: تیغ: ق: تیغش: متن = ف، ل ۲۱- س^۲: جکاو (!): بنداری: تراو ۲۲- س: برو: س^۲: سرو: متن = ف، ل، ق، ل ۲۳- ف، س: کتف: متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ ۲۴- ق: او ۲۵- ق: برو

۱۱۴۰ جدا شد ز تن^۱ دست خنجرگزار^۲
تژاو ستمگاره را دل بسوخت
فروماند^۳ از رزم و برگشت کار^۴
بکردار آتش دلش^۵ برفروخت
به جوش آمدش در جگر خون گرم
بیچید^۶ ازو روی پُر درد و شرم

گفتار اندر رفتن گیو و بیژن پس بهرام گودرز^۷

۱۱۴۵ چو خورشید تابنده بنمود پشت
به بیژن چُنین گفت کای رهنمای^۹
بیاید شدن تا وُرا کار چیست
دل گیو گشت از برادر^۸ درشت
برادر نیاید^{۱۰} همی باز جای
نباید که بر رفته باید گریست

۱۱۵۰ دلیران برفتند هر دو چو گرد
[همه^{۱۲} خسته و گشته جستند باز^{۱۳}
همه دشت پُر خسته و گشته بود
دلیران چو بهرام را یافتند
به خاک و به خون اندرافکنده خوار
همی ریخت آب از بر چهر او^{۱۶}
چو باز آمدش هوش^{۱۸} و بگشاد^{۱۹} چشم
چُنین^{۲۱} گفت با گیو کای نامجوی
تو کین برادر بخواه^{۲۲} از تژاو^{۲۳}
۱۱۵۵ مرا دید پیران و یسه نَخست^{۲۵}
همه^{۲۷} نامداران و گردان^{۲۸} چین
بدان جای پرخاش و جای^{۱۱} نبرد
به دیدار بهرامشان بُد نیاز[
جهانی به خون اندر^{۱۴} آغشته بود
پُر از آب و خون دیده^{۱۵} بشتافتند
فتاده ازو دست و برگشته کار
پُر از خون دو تن دیده از مهر^{۱۷} او^{۱۶}
تنش پُر ز خون و دلش^{۲۰} پُر ز خشم،
مرا چون پیوشی به تابوت روی،
ندارد مگر گاو با شیر^{۲۴} تاو
که با من بُدش روزگاری نشست^{۲۶}
نَجستند با من از آغاز^{۲۹} کین

۱- ق: گشت ازو ۲- ل: خنجرگزار ۳- ل، ل، س: فرود آمد ۴- ل، س: و از (ل: وز) که از زار؛ متن = ف، ق، ل، س.
۵- ل، س (نیز ل، ب، و، آ، ب): رخس؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، ۳) ۶- ل، ل، س: پیوشید ۷- ف: گفتار اندر رفتن
گیو و بیژن پس بهرام گودرز و یافتن او را و کین خواستن او از تژاو: ل- س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۸- س: دلیران برفتند هر دو
(= ۱۱۴۶ آ) ۹- ق (نیز ل، ب، ل، ن): دلگشای؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۰- ل، ل، س (نیز ق، و):
نیامد؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۱- ل (نیز و): ننگ و؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس
دیگر) ۱۲- ل (نیز و): همی؛ (ب: هم از): متن ← ۱۳- (ل: گشتند باز؛ آ: دیدند باز)؛ ل، ل، س: همه رزمگه را نجستند باز؛ (ل،
ب، ل، ن: بهر سو بگشتند دو رزمساز)؛ متن = ق (نیز ق، ل، ۳)؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف، س این بیت را ندارند ۱۴-
ل، ل، س: دل ۱۵- س: آب دو دیده؛ ق: آب رخ هر دو؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۶- ل، س، س: او؛ متن = ف، ق، ل، ل ۱۷-
(ل، ن: دید از مهر؛ ب: دید در مهر؛ ل، ن: دید وز مهر؛ ق: خون تن و دل پر از مهر؛ ل: خون دل و دیده از بهر)؛ متن = ف- س (نیز ل، و، آ،
ب) ۱۸- ل، س، ق: [و]؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۹- ل: بگزارد ۲۰- ل، ق: بود و دل؛ متن = ف، س، ل، ل، س ۲۱-
ل: چنان ۲۲- ق: تو کین همی باز خواه ۲۳- بنداری: تژاو ۲۴- س: شیر با گاو؛ ق: نیارد همی شیر با گاو ۲۵- ف، ق
(نیز ق، و): نَجست؛ (ل، ن: نَجست؛ ب، ل، ن: پیران و کینه نَجست)؛ متن = ل، س، ل، ل، س (نیز ل، ل، آ، ب) ← بیت ۱۱۵۷ آ ۲۶-
ف (نیز ل، ب، و، ل، ن): درست؛ ق: چو رویه که ترسد ز من کین نَجست؛ (ق: نکرد ایچ یاد از یرو بود و رُست)؛ متن = ل، س، ل، ل، س (نیز
ل، ل، آ، ب) ← بیت ۱۱۵۷ ب ۲۷- ق: همی ۲۸- ل: ترکان ۲۹- ل: باغزه؛ ق: از آغاز با من نجستند؛ متن = ف، س، ل، ل،
س

نکرد ایچ یاد از نژاد و نشست
ببارید گیو از مژه آب زرد
به خورشید روز^۲ و شب لاژورد^۳
مگر کین بهرام بازآورم

یکی تیغ بگرفت هندی^۵ به دست
تزاو طلایه بیامد^۶ به^۷ راه
عنان را بیچید و دم درکشید
ز گردان و گردنکشان دور گشت^۹،
میان تزاو اندرآمد^{۱۱} به بند
بر آسانش^{۱۴} از پشت زین برگرفت^{۱۵}
فرود آمد و دست کردش^{۱۶} به بند
پس اندر همی برد چون بیهشان
که با من نماند ای دلیر ایچ تاو
شب تیره دو رخ نمودی به من؟
بدو گفت کین^{۱۹} جای گفتار نیست
که درباغ کین^{۲۰} تازه کشتی^{۲۱} درخت،
تنش خون خورد، بار او سر شود^{۲۲}؟
بینی کنون زنده کام^{۲۳} نهنگ

تن من تزاو جفایشه خست
چو بهرام گرد این سخن یاد کرد
به دارای^۱ دارنده سوگند خورد
که جز ترگ رومی نبیند سرم ۱۱۶۰

پُر از درد بر زین کین^۴ برنشست
بدانگه که شد روی گیتی سیاه
چُن^۸ از دور گیو دلیرش بدید
چو دانست کز لشکر اندرگذشت
ز فتراک بگشاد^{۱۰} پیچان کمند ۱۱۶۵
به ران اندرآورد^{۱۲} و بنمود کفت^{۱۳}
به خاک اندرافکند خوار و نژند
نشست از بر اسپ و او را گشان
چنین گفت با او^{۱۷} به خواهش تزاو
چه کردم کزین بی شمار^{۱۸} انجمن ۱۱۷۰
بزد بر سرش تازیانه دویست
ندانی همی ای بد شوربخت
که بالاش با چرخ همبر شود^{۲۲}،
شکار تو بهرام باید به جنگ؟

۱- ل، س، ق (نیز لن، لی-ب): دادار؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق) ۲- ل، س (نیز لی، ل، آ، و، آ): بروز سپید (و: سفید)؛ ق، س (نیز لن، ب): به خورشید و روز؛ ل (نیز ق)؛ به خورشید و ماه؛ متن = ف (نیز ب، لن) ۳- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ل، آ، لن-ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز ب، و) ۴- ل: و بر کین بزین؛ ق (نیز لن، ب، لن)؛ و بر (پ، لن، آ: پر) کین سبک؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۵- ل-س (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب): یکی تیغ هندی گرفته؛ (لن، پ، لن، آ: گرفته یکی تیغ هندی)؛ متن = ف ۶- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن)؛ برآمد؛ متن = ف، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷- ل، آ، س: ز؛ بندگان؛ فجاء تراو علی الیزک ۸- ل، س، ق، ل (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف، س ۹- ق: برگذشت؛ ل در اینجا سرنویس دارد: در آمدن گیو و گرفتن تزاو و خون بهرام خواستن ۱۰- ل (نیز و): سوی او بیفکند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، آ، س: بیفکند و آمد میانش ۱۲- ل، آ، س: اندرافکند؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ل، آ، ب) ۱۳- (لن: و برگشت زود؛ ق، آ، ب: و بنمود و کفت؛ پ: و بنمود زود؛ لن: و بنمود زود)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۴- ق (نیز ب): باسانی؛ (ق: بدان سانش)؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۵- (لن، پ، لن، آ: بس آسانش از پشت زین در ربود)؛ ل، س (نیز لی، و، آ) این بیت را ندارند؛ بندگان؛ واجتره الیه، و آسره و کتفه ۱۶- ل، آ، س: کرد دستش؛ متن = ف، ق (نیز لن-ب) ل، س این بیت را ندارند ۱۷- ل، آ، س: وی ۱۸- ق: بی کران ۱۹- ق: گیو (وزن ندارد)؛ س: بگفتا که این؛ متن = ف، ل، آ، س؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۱۷۴ آمده است؛ در ق این بیت یا بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: دین ۲۱- س: نوبکشتی ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بود؛ متن = ف، س (نیز ق، ل) ۲۳- ل: زخم کام؛ س: کام و کین؛ ق (نیز ب): رنگ کام؛ (لن، پ، لن، آ: ننگ و کام؛ و: تن بکام)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، آ)؛ درس این بیت پس از بیت ۱۱۷۱ آمده است

۱۱۷۵	چنین گفت با گیو جنگی تراو ز ^۲ بهرام بر بد نبردم گمان که من چون ^۳ رسیدم سواران چین بر آن بُد که بهرام بی جان شده‌ست گشانش بیاورد گیو دلیر
۱۱۸۰	بدو گفت کاینست سر ^۴ بی وفا سپاس از جهان آفرین کردگار که پشت ^۵ روان بداندیش تو ^۶ همی کرد خواهش بدیشان ^{۱۱} تراو همی گفت: ار ایدونک کار تو ^{۱۳} بود
۱۱۸۵	یکی بنده باشم روان ترا به گیو آنگهی گفت بهرام گرد ^{۱۶} گر ایدونک زو بر تنم ^{۱۸} بد رسید سر پُر ^{۲۱} گناهش روان داد من برادر چو بهرام را ^{۲۲} خسته دید
۱۱۹۰	خروشید و ^{۲۳} بگرفت ریش تراو خروشی برآورد کاندر جهان
	که تو چون عقابی و من چون چکاوا نه او را به دست من آمد زمان وُرا گشته بودند بر دشت کین ز دردش دلِ گیو پیچان شده‌ست به پیش جگرخسته بهرام شیر مکافات سازم جفا راه ^۵ جفا که چندان ^۶ زمان دیدم ^۷ از روزگار، پیرانم اکنون ز تن پیش تو ^{۱۰} همی خواست از گشتن خویش داو ^{۱۲} سر من به خنجر درودن چه سود ^{۱۴} ؟ پرستش کنم گوربان ^{۱۵} ترا که هر کو بزاید ببایدش مُرد ^{۱۷} همان روز ^{۱۹} مرگش نباید ^{۲۰} چشید بمان تا کند در جهان یاد من تراو جفایشه را بسته دید، سر از تن بریدش ^{۲۴} بسان چکاوا ^{۲۵} که دید این ^{۲۶} شگفت آشکار و نهان

۱- ف-س^۱ (نیزلن-آ): جکاوا ۲- ق: به؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س^۱ (نیزلن-ب) ۳- س، ق، ل: که چون من؛ متن = ف، ل، س^۱ ۴- ل، ل، ل^۱ (نیزلن، ل، ی، پ، لن، آ، ب): کاینک سر؛ س: کای بدرگ؛ ق، س^۱ (نیزق، آ، ل): اینک سر؛ (و: بهرام کای)؛ متن = ف ۵- س: مکافات بد را ندانم؛ ق مکافات را ساختم من؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ ۶- س: چندین ۷- ق: بودم؛ ل: دادت؛ س: دادم؛ متن = ف، ل، س ۸- ل، ق (نیزو، ب): تیره؛ متن ← ۹- ل، آ، س: که پیش از (ل: پیش) روانت کنون پیش تو؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ی، ل، پ، لن، آ) ۱۰- ل: پیردازم اکنون من از پیش تو؛ س، ق (نیزب): پیرانم از تن کنون پیش تو؛ ل، آ، س: بیرم سر آن (ل: این) بداندیش تو؛ (لن: برآرم از تنش پیش تو؛ ق: بیالایم از خون او ریش تو؛ ل، آ: بریم از تن کنون پیش تو؛ ل: پیردازم این لحظه در پیش تو؛ پ، لن: برآرم کنون از پس و پیش تو؛ و: بیرم ز تن هم کنون پیش تو)؛ متن = ف ۱۱- ل: بریشان ۱۲- ل، آ، س، ق، ل: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): تاو؛ متن = ف، س^۱ (نیزلی، و) ۱۳- س: این کار ۱۴- ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیزب، لن): بریدن چه سود؛ س: نباید درود؛ متن = ف (نیزق، آ، ی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۵- ق (نیزب): گوروان؛ (ق، آ، و: دودمان؛ ل: گورسان)؛ متن = ف، ل، س، ل^۱ (نیزلن، پ، لن، آ)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۶- ل: چنین گفت با گیو بهرام شیر؛ متن = ف، ق، س، ل^۱ (نیزلن-ب) ۱۷- ل: که ای نامور نامدار دلیر؛ متن = ف، ق، س، ل^۱ (نیزلن-ب)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۸- ل: از وی به من؛ س: گر ایدون کزوبر تنم؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ ۱۹- ق: درد ۲۰- ف-س: بیاید (برای هر دو حرف نخستین تنها یک نقطه در زیر) ۲۱- ل، ق: بی؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ ۲۲- ق: برادر برادر چنان ۲۳- ق: [و] ۲۴- ل، س، ل، آ، س^۱ (نیزلی، آ): بریدش سر از تن؛ متن = ف، ق (نیزق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ف-س^۱ (نیزلن-ب): جکاوا؛ ل پس از این بیت افزوده است:

دل گیوزان پس بریشان بسوخت روانش ز غم آتشی برفروخت

۲۶- ف (نیزلی): آن؛ متن = ل-س^۱ (نیزق، ل، آ-ب)

که گر من گُشم یا کسی پیش^۱ من
بگفت این و بهرام یل جان بداد
عنان بزرگی هر آنکس که جُست^۲
اگر خود کشد گر^۳ گُشندش به درد ۱۱۹۵

خروشان بر^۴ اسپ تراوش^۵ بست
بیاوردش^۶ از جایگاه نبرد
بیاگند^۷ مغزش به مُشک و عبیر
بر آیین شاهانش بر^۸ تخت عاج
در^۹ دَخمه را کرد^{۱۰} سرخ^{۱۱} و کبود ۱۲۰۰
شد آن لشکر^{۱۲} نامور سوگوار

گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از پیش پیران و یسه^{۲۰}

چو برزد سر از کوه تابنده^{۲۱} شید
سپاه پراکنده گردد آمدند
که چندین از^{۲۲} ایرانیان^{۲۳} گشته شد
برآمد سر^{۲۴} تاج روز سپید^{۲۵}،
همی هر کسی داستانها زدند
سر بخت سالار ما گشته^{۲۶} شد

۱- ل (نیز ب): (و: یا کسی پیش: س: گر کسی خویش: (و: یا کسی پیش: ق: که گرم کشم یا کسی پیش): متن = ف. ق. ل. س. * (نیز شش دستنویس دیگر) ۲- ل: گر کسی خویش: س: کشته در پیش: (ق: خسته یا خویش: ل: یا بود خویش: ل: * کشته خویش): متن = ف. ق. ل. س. * (نیز شش دستنویس دیگر) ۳- ل. س. * رسم ۴- ل: نجست: متن = ف. س. ق. ل. س. * (نیز ل- ب) ۵- ل- س. * (نیز ل- ب): بخون (و: ز خود): متن = ف: ز خود (و: بخون): ۶- ف. ق. ل. س. * (نیز ل- ب): یا: متن = ل. س. ۷- ل. ل. ل. به ۸- ق: اسپش هم بر: ل پس از این بیت افزوده است:

بیاوردش از جایگاه تراوش بنزدیک ایران دلش پرتاوا

۹- ل: چو شد دور ۱۰- س. ل. س. * ایران یکی: ق: ایرانیان: متن = ف. ل. س. * پراکند ۱۱- س. * پراکند ۱۲- ف (نیز و): خزو: متن = ل- س. * (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۳- س: شاهان ایر ۱۴- ل. س. * (نیز ق. ل. ی. آ): نشانند و برآویخت: س: * کشاند و برآویخت: (لن. پ. ل. ب): بخواباند و آویخت: ل: نهاده بیاویخت: و: نشانند و بیاویخت: ب: نهاد و برآویخت: متن = ل. ق. ۱۵- ل (نیز ق): سر: (ل: همه): متن = ف. س. ق. ل. س. * (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل. ق. (نیز لن. ب. ل. ب): دخمه کردند: متن = ف. س. ل. س. * (نیز ق. ل. ی. و. آ) ۱۷- ق: زرد: ف (نیز و) پس از این بیت افزوده اند:

برادر که بهرام را دیده (و: خسته) بود همه خستگی هاش را (و: های او) بسته بود
بیاوردش او را از آن رزمسگاه به لشکرگه آمد از آن جایگاه

۱۸- ل: شد از لشکر آن: متن = ف. س. ق. ل. س. * ۱۹- ل- س. * (و: متن = ف ۲۰- ف: گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از پیش پیران و یسه و رفتن بنزدیک شاه کیخسرو و شادی کردن: س (چند بیت پایین تر): هزمت شدن لشکر ایرانیان از پیران و یسه: ق (چند بیت پایین تر): گفتار در مراجعت ایرانیان از توران: متن = آغاز ف ۲۱- س: رخشنده ۲۲- ف. س. ل. س. * سرو: متن = ل. ق. س. * ۲۳- س. * سفید ۲۴- ل: ز ۲۵- ق: ایران سپه ۲۶- ل (نیز لن. پ. و. ل. ب): سالار برگشته: ل (نیز ق) سالارمان گشته: (ب: بیدار ما گشته): ق: سر تخت (و: بخت) ایرانیان گشته: متن = ف. س. س. * (نیز ل. ل. آ)

سپه را کنون نیست ^۳ جای درنگ بینیم تا بر چه گردد زمان مرا و ترا جای ^۴ آهنگ نیست شده ^۶ گشته و، زنده خسته ^۷ جگر بسازد یکی لشکر ^۸ نامدار، کنیم این جهان بر بداندیش تنگ ^{۱۱}	۱۲۰۵ چنین ^۱ اچیره ^۲ شد دست ترکان به جنگ بر شاه باید شدن بی‌گمان اگر شاه را دل پر از جنگ نیست پسر بی‌پدر شد، پدر بی‌پسر ^۵ اگر جنگ فرمان دهد شهریار بیاییم ^۹ دل‌ها پر از کین و جنگ ^{۱۰}
همه دیده پُر ^{۱۴} خون و دل پُر گداز ^{۱۵} زبان‌شان ز خویشان پُر از یادکرد ^{۱۶} زوانشان ^{۱۸} از آن کشتگان ^{۱۹} پُر درود	۱۲۱۰ برین ^{۱۲} رای از آن ^{۱۳} مرز گشتند باز برادر ز خون برادر به درد برفتند یکسر سُوی کاس رود ^{۱۷}
کسی را ندید اندر آوردگاه ^{۲۱} کز ایرانیان گشت گیتی تهی به هر سو پراگند ^{۲۴} کارآگاهان سپهبد روان را از انده بشت همی‌گشت بر گرد آن رزمگاه سراپرده و خیمه بُد ^{۲۷} بی‌شمار ^{۲۸}	۱۲۱۵ طلایه بیامد ^{۲۰} به پیش سپاه به پیران فرستاد از آن ^{۲۲} آگهی چو بشنید پیران سبک در نهان ^{۲۳} چو برگشتن سرکشان ^{۲۵} شد درست بیامد به شبگیر خود با سپاه همه کوه و در، دشت و هامون و غار ^{۲۶}

۱-س: همی ۲-ل، ل: خیره (!) ۳-س: نبد هیچ ۴-س: نیز ۵-ق: پدر بی پسر شد پسر بی پدر ۶-ل: بشد ۷-س: خسته مانده؛ در س این بیت پس از بیت ۱۲۱۱ آمده است ۸-ل: لشکری ۹-س، ق، س: [و]؛ متن = ف، ل، ل: ۱۰-ف (نیز ل، آ): کین کنیم؛ متن = ۱۱-ف (نیز ل، آ): جهان بر بدان (ل، آ): همه بوم و بر) پر ز نفرین کنیم؛ متن = ل-س: ۱۲-س، ق: بدین؛ متن = ف، ل، ل، آ: س ۱۳-ل، س: زان ۱۴-ق: در: ل: همه دل پر از؛ متن = ۱۵-س، ق (نیز ل، پ): در گداز، ل: جان برگداز؛ (ل: تن برگداز؛ آ: تن برگداز)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۶-س، ق، ل، و، ل: ب؛ ف، س، آ، ق، و: بر)؛ س پس از این بیت افزوده است:

ز شومی قتل فرودست این که بر طوس نوذر مباد آفرین

۱۶-س: زبانها زخونش پر از باد سرد ۱۷-ل، س، ق، ل: ۱۸-ف، ل، ل: ۱۹-س: ۲۰-ل، ل: ۲۱-ل: اندر آن جایگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ۲۲-ل-س: ۲۳-ف (نیز ب): سخن در نهان؛ ل (نیز ق): هم اندر زمان؛ متن = س، ق، ل، آ، س: ۲۴-ل (نیز ل): فرستاد؛ س، ل: ۲۵-ل: مهتران؛ س: چو برگشت کارآگاهان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲۶-ف: همه کوه و در دشت هامون و غار؛ ل: همه کوه و هم دشت و هامون و راغ؛ س: که و دشت و صحرا و هامون و غار؛ ق (نیز ل، پ، ل): همه کوه و هامون همه دشت و غار؛ ل: همه دشت و کوه و بیابان و غار؛ س: ۲۷-س: ۲۸-ل: همه کوه و هامون و غار؛ ق: همه کوه و هامون و صحرا و غار؛ ل: همه کوه برگشت و هامون و غار؛ و: بکوه و بدشت و هامون و غار؛ ب: همه کوه و صحرا و هامون و غار؛ متن = ف با افزون یک و ۲۷-س: شد ۲۸-ل: همچو باغ

ز کار جهان مانده اندر شگفت	۱۲۲۰	به لشکر بخشید و خود برگرفت
گهی شاد دارد، گهی با نهیب ^۲		که روزی ^۱ فرازست و روزی نشیب
همی بگذرانیم ^۴ روزی به روز ^۵		همان به که با خام یابیم سوز ^۳
هیونی برافکنند هنگام ^۶ خواب		بدان آگهی نزد افراسیاب
ز تیمار و دردش دل ^۸ آزاد گشت ^۷		سپهد بدن آگهی شاد گشت ^۷
بیستند آذین ^۹ ره ^{۱۰} پهلوان	۱۲۲۵	همه لشکرش گشت روشن روان
درم بر سر او ^{۱۲} همی ریختند		همه بام و در جامه ^{۱۱} آویختند
سپهد پذیره شدش با سپاه		چُن ^{۱۳} آمد به نزدیکی شهر شاه
که از پهلوانان ترا نیست جفت		برو آفرین کرد بسیار و ^{۱۴} گفت
همی برشد آوای ^{۱۶} چنگ و رباب		دو هفته از ^{۱۵} ایوان افراسیاب
که با شادکامی ^{۱۸} شود باز جای	۱۲۳۰	سیم ^{۱۷} هفته پیران چنان کرد رای
که گر بر شمارمت گیرد ^{۱۹} شتاب		یکی خلعت آراست افراسیاب
ز زرین ^{۲۰} کمرهای گوهرنگار		ز دینار و ز گوهر شاهوار
ز شمشیر هندی به زرین نیام		از ^{۲۱} اسپان تازی به زرین ستام
ز پیروزه مهد و ز بیجاده تاج،		یکی تخت پُرماه ^{۲۲} از عاج و ساج ^{۲۳}
پُر از مُشک و عنبر ز پیروزه جام ^{۲۵}	۱۲۳۵	پرستار چینی و رومی ^{۲۴} غلام
و زان ^{۲۶} پس بسی پندها ^{۲۷} داد نیز		بنزدیک پیران فرستاد چیز

۱- ل: روز ۲- ل، ل، س: گهی شادمانیست و گاهی نهیب ۳- ل: که با جام ما نیم روز (پساوند ندارد): س: که یابیم با سورو جنگ: ق: که جامی بنوشیم روز (پساوند ندارد): (ق، و): که با جام گیتی فروز: ل، آ: که با جام باشیم و رود (پساوند ندارند): ل: که ما جام ما نیم و سوز: ب: که با جام باشیم و روز (پساوند ندارد): متن = ف، ل، ل، س: (نیز ل، ب، ل، ن، آ) ۴- ف: نگذرانیم: ل، س (نیز و): بگذرانیم (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ق، ل، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- س: بتنگ: (ل، آ: برود): متن = ف، ل، ق، ل، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ق: نزدیک ۷- ل، ل، س: (نیز ل، ب): شد: متن = ف ۸- ل: و درد دل: ق (نیز ل، ل، و زرنج: ل، ل، س: (نیز و): وز درد: (ل، ن: و ازرنج: ل، ل، ب: و از درد): متن = ف، س (نیز ق، ل، آ) ۹- ل: آیین: ل (نیز ل، ل، ل، ل، ب): آذین: متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، ق، آ، ب، و) ۱۰- س: بر ۱۱- ل: همه جامه زینت: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز ل، ل، ب) ۱۲- ق، ل، ل، س: درم از بر (ل: پس) سر: متن = ف، ل، س ۱۳- ل، س، ق، ل، آ: چو: متن = ف، س، ل، ل، ل، ل، ب) ۱۴- ف، ل، ل، س: کرد و بسیار: متن = ف، ل، ق ۱۵- ل: ز ۱۶- ل، س، ق: آواز: متن = ف، س، ل، ل، ل، ب) ۱۷- ف، س، ق (نیز ق، ل، ب، ل، ل، آ): سوم: ل (نیز ل، و، ب): سیوم: متن = ل، س، ل ۱۸- ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، ب): شادمانی: متن = ف ۱۹- ل (نیز و): برشماری بگیرد: س: برشمارم بگیرد: ق: برشمارند بگیرد: ل، ل، س: برشماردت گیری: (ل، آ: برشماری گیری: ل، ل، آ: برشماریت گیرد): متن = ف (نیز ق، ل، ب) ۲۰- ف: برزین: س: برزین و: متن = ل، ق، ل، ل، س ۲۱- ف، ق، ل، ل، س: ز: متن = ل، س ۲۲- ل: پیروزه: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز ل، ب) ۲۳- ل، ل، س: ساج و عاج ۲۴- س، ق: پرستار رومی و چندی: متن = ف، ل، ل، ل، س: ۲۵- ف: به پیروزه جام: ل (نیز ب): پر از عود خام: (ل، ل، آ: دو پیروزه جام): متن = س، ق، ل، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب): در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و پس از آن افزوده است:

سپهد چو برگشت از پیش شاه بدو گفت شاه: ای گونیکخواه

۲۶- ل، ل، ل، ل، س: از آن: متن = ف، س، ق ۲۷- س، ق: هدیه ها: متن = ف، ل، ل، ل، س

<p>سپه را ز دشمن نگهدار باش! پراگنده^۵ بفرست هر سو نهان^۶ به داد و دهش گیتی^۷ آراسته ست چو شد گیرد ازین بیش چیزی نخواه زمان تا زمان آگهی خواه^۸ نو تو ایمن بخسپی، بیچد روان که سالار او بود و پیوند او^۹ نهادند سر سوی راه^{۱۰} ختن</p>	<p>که^۱ با موبدان باش و بیدار^۲ باش! نگه کن^۳ خردمند^۴ کار آگهان که کیخسرو امروز با خواسته ست نژاد^۵ و بزرگی و تخت و کلاه ز برگشته دشمن بس ایمن^۶ مشو به جایی که رستم بود پهلوان پذیرفت^۷ پیران همه پند او^۸ سپهدار پیران^۹ و آن انجمن</p>
<p>کنون رزم کاموس باید سرود^{۱۱}</p>	<p>به پای آمد^{۱۲} این داستان فرود ۱۲۴۵</p>

۱- ق: تو ۲- ق: هشیار ۳- ق: بهرسو ۴- س، ل، آ، س: خردمند و ۵- ل: بهر جای: متن = ف، س، ق، ل، آ، س: نیز (نیز-لن ب) ۶- ل، س، ق (نیز ق، آ، ب): گرد جهان؛ (ل: هر سونوان؛ پ: چندی نهان؛ و: جای نهان): متن = ف، ل، آ، س: نیز (نیز، ل، آ، ل، آ) ۷- س، ق، ل، آ، س: نیز (نیز، ل، آ، ب): کشور: متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل) ۸- ل، آ، س: نهاد ۹- (لن، ق، آ، ب، لن: تو ایمن)؛ ل (نیز ل): ز برگشته دشمن ایمن؛ ل، آ، س: ز برگشته دشمن؛ متن = ف، س، ق، (نیز ل، و، ب) ۱۰- ق: یاب ۱۱- ل-س: نیز (نیز-لن ب): پذیرفت؛ متن = ف ۱۲- ل-س: او؛ متن = ف ۱۳- ق: توران ۱۴- ق: بوم: ل (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

ز هر سو بیرون کرد کار آگهان که هزمان بداند ز رستم نهان (ب: نشان)

۱۵- ل: بیا آمده؛ س: نیز (و): پایان شده؛ متن = ف، س، ق، ل: نیز (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- ق (نیز ل، آ، ب، لن): شنود؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س: نیز (نیز هشت دستنویس دیگر)

داستان کاموسِ گشانی^۱

به نام خداوند خورشید و ماه
 خداوند هستی و هم راستی
 خداوند کیوان و بهرام و شید^۳
 ستودن مرو را ندانم^۵ همی
 ۵ ازو گشت^۷ پیدا مکان و زمان^۸
 ز گردنده خورشید تا تیره خاک^۹
 به هستی یزدان گویایی^{۱۱} دهند
 سوی آفریننده^{۱۲} بی نیاز
 ز دستور و گنجور^{۱۴} و ز تاج و تخت
 ۱۰ خود او^{۱۶} بی نیازست و ما بنده ایم
 که^{۱۷} جان و خرد بی گمان کرده اند
 که دل را به نامش خرد داد راه
 نخواهد ز تو^۲ کژی و کاستی
 ازومان نوید و بدومان امید^۴
 از اندیشه جان برفشام^۶ همی
 پی مور بر هستی او نشان
 سر گوهرا^۱ن آتش و آب پاک^{۱۰}
 روان ترا آشنایی دهند
 تو در پادشاهیش ناز و گراز^{۱۳}
 ز کمی و بیشی و از کام و بخت^{۱۵}
 به فرمان و رایش سر افکنده ایم
 سپهر و ستاره برآورده اند

۱- ف: گفتار اندر رزم کاموس کشانی و ستایش ایزد جل و علا و فرستادن طوس را بچنگ توران و گریختن بکوه؛ ل: داستان کاموس با رستم و ایرانیان؛ س، ق: داستان کاموس کشانی با رستم زال؛ ل: گفتار اندر آمدن رستم بخواشش ایرانیان؛ بنداری: ذکر وقعه کاموس الکشانی؛ متن = س^۱ ۲- س: همی ۳- ل، ل، ل، ل، س: بهرام و کیوان و شید؛ س: بهرام و کیوان و هور؛ متن = ف، ق ۴- ل، ق (نیز ل، پ، و، ل، ل، ب): ازوم نوید و بدوم امید؛ س: خداوند پیل و خداوند هور؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ ۵- س: ندانم مرا او را؛ ل: من او را ندانم ۶- س: جان رافشام ۷- ل: گشته؛ ق: ازو یست ۸- س، ق، ل، ل، س: زمان و مکان؛ متن = ف، ل ۹- ق: تیره مغاک ۱۰- ل: دگر باد و آتش همان آب پاک؛ س، ق، ل، ل، س^۲ (نیز ل): همه گوهرا^۱ن (س: گوهرا از) آتش و باد پاک (ق: آب و خاک)؛ (ق، ل، ل، ب، آ، ب: همه گوهرا^۱ن (ق: سر گوهرا از) آتش و آب پاک؛ ل: همان آب و هم آتش تابناک)؛ متن = ف (نیز و، ب) ۱۱- س، س: گواهی (پساوند نادرست است) ۱۲- ل: ز هرچ آفریدست او؛ ق (نیز ب): جهان آفریننده؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ل، پ، و) ۱۳- ل: گردن فراز؛ ق، ل: ناز و گداز؛ س: یار و کراز؛ (ل: گرم و گداز؛ ق: همی ره نیایی تو ایدر ممتاز)؛ متن = ف، س (نیز ل، ب) ۱۴- ل: ز خواب و ز آرام؛ متن = س، ق، ل، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، ل، ب- پ) ۱۵- ل: وز ناز و بخت؛ ق (نیز ل، آ، ب): و نا کام و بخت؛ ل، ل، س: کم بیش نام و ز کام و ز بخت؛ متن = س (نیز ل، پ، ل، ل)؛ ف (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۶- ل، ق (نیز ل، پ، ل، ل، ب): همه؛ (ل، آ: همان)؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۲ (نیز و) ۱۷- س، ق: چو؛ متن = ف، ل، ل، س: ل این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت ۱۵ آمده است

جز او را میدان کردگار بلند
خوره و خواب و تندی و مهر آفرید
به خشکی چوپیل و به دریا نهنگ
چنین آمد این گنبد تیزگرد ۱۵
شگفتی به گیتی زه رستم بس ست^۶
سر مایه‌ی مردی و جنگ ازوست
کنون رزم کاموس پیش آوریم^{۱۱}
کزو شادمانی و زو مستمند^۱
شب و روز و گردان سپهر آفرید^۲
خردمند^۳ بینادل و مرد سنگ
گاهی شادمانی دهد، گاه درد^۴
کزو^۷ داستان در^۸ دل هر کس ست^۹
خردمندی و سنگ و فرهنگ^{۱۰} ازوست
ز دفتر به^{۱۲} گفتار خویش آوریم^{۱۱}

آغاز داستان^{۱۳}

چو لشکر بیامد به^{۱۴} راه جرم
همی یاد کردند رزم فرود ۲۰
همه دل پُر از درد از بیم^{۱۷} شاه
چنان^{۱۹} شرمگین نزد شاه آمدند
برادرش را گشته بر بی‌گناه
همه داغ‌دل^{۲۲} دست کرده به گش
بدیشان نگه کرد خسرو به خشم^{۲۳} ۲۵
به یزدان چنین گفت کای کردگار^{۲۵}
کلات^{۱۵} از بر و زیر آب میم،
پشیمانی و درد و تیمار بود^{۱۶}
دو دیده پُر از خون و تن^{۱۸} پُر گناه،
جگرخسته و پُر^{۲۰} گناه آمدند
به دشمن سپرده نگین و کلاه^{۲۱}،
برفتند پیشش پرستارفش
دلش پُر ز درد و پُر از خون دو چشم^{۲۴}
تو دادی مرا دانش و بخت یار^{۲۶}

۱- ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ س: گهی شادمانی دهد گاه درد (= ۱۵ ب): درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲-
در ل، ق (نیز ل-ب) ل: های این بیت پس و پیش شده اند؛ پیایی ل: های این بیت در متن = ف، س، ل، آ، س ۳- ل، س، ق، ل: ازو دردمند و؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۴- ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۵- س: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۶- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۷- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۸- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۹- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۰- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۱- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۲- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۳- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۴- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۵- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۶- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۷- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۸- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۱۹- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۰- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۱- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۲- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۳- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۴- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۵- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۲۶- ل: ازو دردمند؛ ل: ازو شادمانی و زو دردمند؛ ل: این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است

کنون رزم کاموس باید سرود (= فرود ۱۲۴۵ ب)

۱۳- ق: گفتار در آغاز داستان؛ متن = ف، ل، س، س ۱۴- س: ز ۱۵- ق: کلاه ۱۶- ف: سود؛ ل، س، آ (نیز ب): زیشان (ب: از آنپس؛ ل: از ایشان) چه سود؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب) ۱۷- ق: پراز بیم فرخنده ۱۸- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، و): دل؛ (ب: سر)؛ متن = ف، ل ۱۹- ق: رخسان ۲۰- ل، آ، س، آ، ب ۲۱- در ل: های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲- ل: یکسره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۳- ل: چشم ۲۴- س: پراز آب چشم؛ ل: دو دیده پراز آب و دل پرز خشم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۵- ل (نیز ق): دادگر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب) ۲۶- ل (نیز ق): هوش و رای (ق: بخت) و هنر؛ س: دشمن و بخت یار؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، ب-ب)

همی شرم دارم من از تو کنون
 و گرنه بفرمودمی تا هزار
 تن طوس را دار بودی نشست
 ز کین پدر بودم اندر خروش
 کنون کینه نو شد به کین^۵ فرود
 بگفتم^۶ که سوی کلات و^۷ جرّه
 کزان ره فرودست و^۸ با مادرست
 نداند که طوس فرومایه کیست
 از^۹ آن کوه جنگ آورد بی گمان
 دمان طوس نامرد ناهوشیار
 کنون لاجرم کردگار سپهر
 بد آمد به گودرزیان بر^{۱۵} طوس
 همی^{۱۷} خِلعت و پندها دادمش
 جهانگیر چون پور^{۱۸} نودر مباد!
 دریغ آن^{۲۱} فرود سیاوش^{۲۲} دریغ^{۲۳}
 بسان پدر گشته شد بی گناه
 به گیتی نباشد کم^{۲۶} از طوس کس
 نه در سرش مغز و نه در تنش رگ

تو آگه تری بر چه و چند و چون^۱
 زدندی به میدان پیگار دار^۲
 هر آنکس^۳ که با او میان را بست
 دل داشت با^۴ غم و درد و جوش
 سر طوس نودر بیاید درود
 مرو گر فشانند بر سر^۸ درم
 سپهدنژادست و^{۱۰} گنداورست
 چنان^{۱۱} ساخته لشکر از بهر چیست
 فراوان سران را سرآید^{۱۳} زمان
 چرا برد لشکر به سوی^{۱۴} حصار؟
 ز طوس و ز لشکر ببرید مهر
 که نفرین برو باد و^{۱۶} بر پیل و کوس
 به جنگ برادر فرستادمش
 چنو^{۱۹} پهلوان پیش لشکر مباد!^{۲۰}
 که با زور دل بود و با گرز و تیغ^{۲۴}
 به دست سپهدار من با سپاه^{۲۵}
 درست از در پای وندست^{۲۷} و بس
 چه طوس فرومایه پیشم^{۲۸} چه سگ

۱- ف، ل، ق (نیز ب): بی شک از چند و چون: ل، س، ا (نیز ل، لی، ل، ا، ب): بی شک از چه و چون: (ق: ای ای رهنمون): متن =
 س ۲- س (نیز ل، ب، ل، ا، ب): زدندی بر آن (ل، ن، ب: بدین: ل، ن: برین) مرد ناهوشیار: ق: زدندی مرآن دار ناهوشیار (!): (ق: ل، ل، و: زدندی بدان مرز (ل: بدین دشت) پیکار دار: آ: زدندی برین مرز نالرزدار): متن = ف، ل، ل، س: بنداری: لولا الحاء من الله لأمرت بصلب ألف منك مع طوس خالف أمری وأفتدی أخی ۳- س: و بیژن ۴- ل، ل، س، ل، س، ا (نیز ل، و): بر: (ب، ل، ن، ب: بر): متن = ف، ق (نیز ق، ل، ا، آ) ۵- ل، ل، س: ز کین: ل: ز درد: س: دوشد جنگ: متن = ف، ق ۶- ف: نه گفته: ل، س: بگفتم (حرف بکم نقطه ندارد): ق: نگفتم: متن = ل، س، ا (نیز ل، ب) ۷- ل: ل، ا، ب ۸- ل: و فشانای بسریب ۹- ل، ق: ا، و ۱۰- س: یکی لشکری گشن: ق، ل، س، ا: یکی کی نژادست و: متن = ف، ل ۱۱- ل: چنین: ل (نیز ق) این بیت را ندارند ۱۲- ل، ل، س: بر ۱۳- س: آمد: ل این بیت را ندارد ۱۴- س: چو آورد لشکر بنزد ۱۵- س: هم به: بنداری: حتی سری شود فعله الی الجودرزیین ۱۶- ل: بند باد: ل: بند باد و ۱۷- س، ق (نیز ل، ق، ب، ل، ن، ب): همه: متن = ل، س، ا (نیز ل، ل، و، آ): ف این بیت را ندارد ۱۸- ل، ل، س (نیز ل): طوس: متن = ف، ق، ل، س، ا (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹- ف (نیز ل، ب، ل، ا): چو او: س: چو آن: (ق: چنان): متن = ل، ق، ل، س، ا (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- س: هر دو را را سرو تن مباد ۲۱- ل، ل، دریغا ۲۲- س: دلاور ۲۳- ق: نژاد ۲۴- ق: که طوس فرومایه دادش مباد ۲۵- س: بر تپه ۲۶- س: نیند جز: ل، س: نیند کم: متن = ف، ل، ق ۲۷- ق، ل، س، ا (نیز ل، ب، ب): پای بندست: ل (نیز ق، ل، ا): که او (ق: همی) از در بند و چاهست: س: دو دست از در پای بندست: (ن، آ: درست از در دریای بندست → از در پای بندست: ل: درست از در دریای بندست → از در پای بندست): متن = ف ۲۸- ل: نژاد: ق (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

اگر پیش ازین او سپهدنژادست بکاوین شده خستری بند بندست (= فرود ۸۳۲) ←

۴۵ ز خون برادر، به کین پدر
سپه را همه خوار کرد و^۳ براند
در بار دادن بریشان بیست
بزرگان^۷ ایران به ماتم شدند
به پوزش که این بودنی^۸ کار بود
بدانگه^{۱۱} کجا کشته شد پور طوس
همان نیز^{۱۲} داماد او ریونیز
که دانست نام و نشان^{۱۴} فرود
تو خواهشگری کن که برناست شاه
نه فرزند کاوس کی ریونیز
که کهتر پسر بود و پرخاشجوی
چنینست^{۱۹} فرجام و انجام^{۲۰} جنگ

چو شد روی کشور ز^{۲۱} خورشید زرد
تهمن بیامد بنزدیک^{۲۳} شاه
به خم اندرآمد شب لاژورد^{۲۲}،
برآمد خروش از در بارگاه^{۲۴}

۱- ل: غمی گشت ۲- س: گریان ۳- ل: زدر خوار کرده ۴- ق: په ۵- ق، ل، آ، س: خون دل؛ س: همان خون دل؛ متن = ف، ل ۶- ل: بمرگ ۷- س: دلیران ۸- س: (نیز ق، پ، و، لن، آ، ب): ایزدی؛ متن = ف- ل: (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بنداری: هذا الأمر کان شیئا قد کتب الله علينا و جری به سابق القضاء ۹- ف، ل، آ، س: (نیز پ): کزو؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر): کرا ۱۰- ل (نیز ق): رزم؛ (ل: جان)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ل، آ، س: (نیز و) پس از این بیت افزوده اند: درین کار ما را نید خود (ل: نبوده؛ و: چوما را درین کار نبود) گناه چرا دارد از ما دل آزرده شاه ۱۱- ف (نیز و): بدانجا؛ متن = ل- س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: مرد ۱۳- بنداری: وانه لما قتل ابن طوس و ختنه احترق قلبه فکان منه ما کان. و الآن فقد وقع المحذور، و مضی المقدور ۱۴- ل، ل، آ، س: نژاد؛ متن = ف، ق (نیز لن- ب) ۱۵- ف، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی، ل، پ- ب): کزو؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، ب)؛ س بیت های ۵۲- ۵۴ را ندارد ۱۶- ل، آ، س: از ستیز ۱۷- ل: دریغ آن؛ (ق: دریغ)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ف، ل، آ، س: ناچوی (پساوند ندارند)؛ متن = ل، س، ق (نیز نه دستنویس دیگر) ۱۹- ق: چنین باشد ۲۰- ل، س، ق: انجام و فرجام؛ ق، ل در اینجا سرنویس دارند، ق: خواهش کردن رستم طوس را و گناه پهلوانان از شاه؛ ل: آمدن رستم نزد کیخسرو و خواهشگری ۲۱- ل: گیتی ز؛ س، ق (نیز لی، آ، ب): چو برزد سر از برج؛ ل، آ، س: (نیز لن، پ، و، لن، آ): چو برزد سر از کوه؛ متن = ف (نیز ق) ۲۲- ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، س، آ (نیز پ، و) ۲۳- ل: بدرگاه ۲۴- ل (نیز ل): بیوسید خاک از در (ل: اندران) پیشگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ف پس از بیت ۵۸ افزوده است: خبر شد بنزدیک شاه جوان که آمد ز ره رستم پهلوان ز در پرده برداشت سالار بار تهمتن در آمد بر شهریار چنین گفت مرشاه را پیلتن که بادا سرت برتر از انجمن همان از بی طوس و بهر سپاه بخواشگری آمدم نزد شاه

گرفت آنچه انجان کار دشخوار (ب: دشوار) خوار
تسن طوس خستی بیکیکبارگی
که نفرین برو باد آن برفسوس (ب: و بر پیل و کوس)

→ چه سود آنک آن ناهنرور نخوار
وگرنه بجای تن بارگی
زمانه برستی ز آسب طوس

بدو گفت کای مهتر باقرین^۱ ز طوس و ز لشکر بیازرد شاه
 ۶۰ چو فرزند و داماد^۴ را گشته دید یکی آنک تیزست و^۸ هشیار نیست
 چو در پیش او گشته شد ریونیز گر او^{۱۰} برفروزد نباشد شگفت
 ۶۵ و دیگر از آن بدگمان شد^{۱۲} سپاه چنان دان که او بی‌زمانه^{۱۴} نمود
 چه بیرون شود جان، چه بیرون کنند، بدو گفت خسرو که ای پهلوان
 کنون پند تو چاره‌ی^{۱۸} جان بود به پوزش بیامد سپهدارطوس
 ۷۰ ببخشید خسرو گناه سپاه

چو خورشید برزد سنان از نشیب بدرید پیروزه پیراهنش
 سپهد بیامد بنزدیک شاه همی آفرین خواند^{۲۴} بر شهریار
 ۷۵ شتاب آمد از رفتن اندر وُریب^{۲۱}، پدید آمد آن^{۲۲} لعل رخشان‌تنش،
 ابا گیو^{۲۳} و گردان ایران‌سپاه کانشه^{۲۵} بزی^{۲۶} تا بود روزگار

۱- ق: ای شاه ایران زمین ۲- س: ق: تخت و تاج؛ ل، س: ۲: بتو (س: ۲: بدو) شادمان باد تاج؛ متن= ف؛ ل این بیت را ندارد ۳- (لن، پ، لن: ۲: بدشان؛ و، ب: هستش؛ ق: هر چندشان بد) متن= ف، س، س: ۲: (نیزلی، آ)؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند ۴- ل: ۲: سپهد چو فرزند ۵- ل: ۲: زمغزش ۶- ل، س: ۲: دل و ۷- س: پژمرده دید (پساوند ندارد)؛ ق، ل، س: ۲: (نیزلن، لی- ب): شد ناپدید؛ متن= ف (نیزق: ۱)؛ ل این بیت را ندارد ۸- س: ۲: تیزست؛ س، ق: تندست و؛ ل: همان طوس تندست و؛ متن= ف، ل؛ در ل بیت های ۶۲- ۶۴ پس از بیت ۶۶ آمده اند ۹- س: سرافراز با رای و داماد نیز ۱۰- ق: اگر ۱۱- ل: جهانجوی ۱۲- ل: ۲: بد؛ ل: کزان بدگمان بد؛ متن= ف، س، ق، س: ۱۳- س: پیش ۱۴- ل: (نیزل، و): که کس بی‌هانه؛ ق: (نیزق: ۲، پ، ب): که کس بی‌زمانه؛ س: ۱: که بی او زمانه (که او بی‌زمانه)؛ متن= ف، س، ل: ۲: (نیزلن، لی، لن، آ) ۱۵- ل: ازین در سخنها بیاید شمرد؛ س: (نیزلن، لی، ل، پ، لن، آ): دلت راه غم را نباید سپرد؛ (ق: ۲: دلت را ز هر غم بیاید سترد)؛ متن= ف، ق، ل، س: ۲: (نیزو، ب؛ ق: دل ای؛ ل، س، آ، و، ب: دل) ۱۶- س، ل، س: ۲: وگر ۱۷- ل، س: ۲: (نیزلن- لن، آ، ب): افسون؛ متن= ف، س: (نیزآ): ق: نیاید بتن گرسد افسون؛ ل این بیت را ندارد ۱۸- ل، ق، ل، س: ۲: (نیزلن، ق، آ، لی، پ- ب): داروی؛ متن= ف، س ۱۹- ق: (نیزب): خاک بوس: (ل: ۲: جابلوس؛ پ: جابلوس)؛ ل: (نیزو): به پیش سپهد زمین (و: زمی) داد بوس؛ متن= ف، س، ل، س: ۲: (نیزلن، ق، آ، لی، لن، آ) ۲۰- ل این بیت را ندارد ۲۱- ف، س، ق، ل، س: ۲: (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): رفتن اندر (لن: ۲: ایدر) فریب (ق: ۲: نیب)؛ ل: (نیزل: ۲): رفتن (ل: ۲: رفتنش) با نیب؛ متن تصحیح قیاسی است (رفتن گیوبه ترکستان، بیت ۶۹۶؛ نیز- راوندگی، ح ۱۴۹، س ۲)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۱۰ پ آمده است ۲۲- ل، س: ۲: از؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- ق: (نیزلی، آ): طوس؛ متن= ف، ل، س، ل، س: ۲: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۱۰ پ آمده است ۲۴- ل: (نیزل: ۲): کرد؛ متن= ف، س، ق، ل، س: ۲: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۵- ل، س، ل، س: ۲: (نیزلن- ل، و، آ): که نوشه؛ (لن: ۲: که نوشه)؛ متن= ف، ق: (نیزب، ب) ۲۶- ل، ق: بدی؛ متن= ف، س، ل، س: ۲: (نیزلن- ب): بزی- بدی= بادی؟

زمین بنده‌ی^۱ تاج و تخت^۲ تو باد! فلک مایه‌ی زور و بخت^۳ تو باد!
 منم دل پر از غم ز کردار خویش جگرخسته از درد و^۴ تیمار خویش
 همان^۵ نیزه^۶ جانم پُر از شرم^۷ شاه زبان پُر ز پوزش، تم^۸ پُر گناه
 ز پاکیزه‌جان فرود و زرسپ همی برفروزم چو آذرگُشسپ
 اگر من گنهارم از انجمن همی پیچم از کرده‌ی خویشان
 بویره ز بهرام و از ریوینز همی جان خویشم نیاید به چیز^۱
 اگر شاه خشنود گردد ز من و زین نامور پُرگناه^{۱۱} انجمن،
 شوم کین این ننگ بازورم سرانشان به پست از^{۱۲} فراز آورم
 همه رنج لشکر به تن برنهم اگر جان ستانم، و گگر^{۱۳} جان دهم
 ازین^{۱۴} پس به تخت و کله^{۱۵} ننگرم جز از ترگِ رومی نبیند سرم
 ۸۰
 ۸۵
 ز گفتار او شاد شد شهریار دلش تازه شد چون گل اندر بهار
 بسی رای زد با تهمتن برآن^{۱۶} چه با نامداران و گنداوران^{۱۷}
 چو تاج خورِ روشن^{۱۸} آمد پدید سپیده ز خمّ کمان^{۱۹} بردمید،
 سپهبد بیامد بنزدیک^{۲۰} شاه بهم با^{۲۱} بزرگان ایران سپاه
 بدیشان^{۲۲} چنین گفت شاه جهان که هرگز پی کین نگردد^{۲۳} نهان
 ز تور و ز سلم اندرآید^{۲۴} سخن از آن کین پیشین و روز^{۲۵} کهن
 چنین ننگ بر شاه ایران نبود
 ۹۰

۱- (ل: پایه؛ لن: مایه) ۲- تحت عاج ۳- ف: پایه روزبخت؛ ل، ق: (نیزو، ب): مایه فرّ و بخت؛ س: پایه بخت و تاج؛ ل: مایه روز و بخت؛ س: پایه و روزبخت؛ (لن، آ: پایه زور و بخت؛ ق: مایه پرور زبخت؛ لی، لن: پایه روز و بخت؛ پ: پایه دور و بخت؛ متن = (ل) ۴- ل: به غم بسته جان راز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن- ب) ۵- ف: همین؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۶- ف: بر (نقطه ندارد)؛ ل، ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تیره؛ متن = س، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۷- ف، ق: درد (ق در بالا افزوده است: شرم)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیزلن- ب) ۸- ل: روان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ- ب) ۹- ف- ل: وز؛ متن = س ۱۰- س، ق (نیزو، ب): نیززد بچیز؛ س: نیززد پیشتر؛ (پ، لن: نباشد بچیز)؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ق، لی، ل، آ) ۱۱- ل، س، ق، ل (نیزلی، آ): بی گناه؛ س: بی گناه نامور؛ متن = ف (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل: سرو پشت را بر؛ س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ): سرشیب را بر؛ ل، آ، س (نیزق، ل، آ، و): سرپست را بر؛ (ب: سر از پست سوی)؛ متن = ف ۱۳- ل، س، ق، س (نیزلی، پ، لن، آ، ب): آگر؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، آ، ل، و) ۱۴- س: از آن؛ ل، آ، س: وزین ۱۵- ف: بگه؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۶- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب): در آن؛ (ق: برآز- بران)؛ متن = ف ۱۷- (ق: گردنفرآز)؛ ل این بیت را ندارد (۱۱۰ پ) ۱۸- س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): چو خورشید تابنده؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، و) ۱۹- ف: زمان (؟)؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۰- س: ز نزدیک ۲۱- ل، ق (نیزب): ابا او؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن- آ) ۲۲- ف: بلشکر؛ س: بریشان؛ (ق: بایشان؛ ب: بگردان)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۳- ق: نماند ۲۴- ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب) آمد؛ متن = ف، ق (نیزلی، پ، و) ۲۵- ل (نیزلن، ق، آ، ل): رزم؛ ل، آ، س: روز پیشین و کین؛ متن = ف، س، ق (نیزلی، پ، و، لن، آ، ب)

همه کوه ازین پس چو ایرانیان^۱
 همان^۳ مرغ و ماهی بریشان بزار
 ۹۵ از ایران همه^۶ دشت تورانیان
 شما را همه شادمانیست رای

به زَنار خونین ببندد^۲ میان
 بگرید به دریا و بر^۴ جویبار^۵
 سرودست و پایست و پشت و میان
 به کینه نجنبدهمی دل ز جای

دلیران همه دست کرده به گش
 همه همگنان خاک دادند بوس
 چو خَراد با^۹ زنگه ی شاوران
 ۱۰۰ که ای شاه نیک اختر^{۱۱} شیردل
 همه یک‌بیک پیش تو بنده‌یم
 اگر جنگ فرمان دهد شهریار
 نبیند ز ما هیچ مانید^{۱۳} شاه
 سپهدار پس^{۱۵} گیو را پیش خواند
 ۱۰۵ فراوانش بستود و بنواختش
 بدو گفت کاندز جهان رنج^{۱۸} من
 نباید که بی‌رای تو پیل و کوس
 ندیدی مگر سهمگن کارگرد^{۲۳}
 ز گفتار بدگوی و ز نام‌ونگ

به پیش جهاندار^۷ خورشیدفش،
 چورُهام و گرگین و گودرز^۸ و طوس،
 دگر بیژن گیو و^{۱۰} گنداوران،
 به دل بُرده از شیر و^{۱۲} شمشیر دل
 ز تشویر خسرو سرافکنده‌یم
 همه سرفشانیم در کارزار
 مگر^{۱۴} تیره گردد رخ هور و ماه
 به تخت گرانمایگی^{۱۶} برنشاند
 بسی خلعت و نیکوی^{۱۷} ساختش
 توجویی^{۱۹} و بی‌بهره^{۲۰} از گنج^{۲۱} من
 سُوی جنگ^{۲۲} راند سپهدارطوس
 که روشن روان رادبهرام^{۲۴}،
 جهان کرد بر خویشان تار و تنگ

۱- ل، ق (نیز ق، ل، ی، و، آ، ب): همه (ق، ب: همی) کوه بر (ق، ق، ل، ی، آ، از: و، پر) خون گودرزبان؛ س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن): همی کوه از این (لن، ل، آ، پ، لن): از خون (س، ل، آ: کین) ایرانیان؛ متن = ف ۲- ل (نیز ق، آ، و): بیسته؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۳ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- س: همی ۴- س^۴ (نیز لن، ل، ی، پ، و، آ): دره؛ متن = ل، س، ق، ل، آ، ل، لن، آ، ب) ۵- ل: کوهسار؛ (ق، آ، و، مرغزار)؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۶ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ق (نیز و): از ایرانیان؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۷ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۷- ل: خداوند ۸- ف: و فرهاد؛ ل: چو گودرز؛ ل، آ، س: چو گودرز و چون گیو و گرگین؛ (و: و گستم)؛ متن = س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- ف: خرداد و چون؛ (ق: فرهاد با؛ آ: خَراد و چون)؛ متن = ل- س^{۱۰} (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: [و] ۱۱- ل: اختر و ۱۲- س، ل، آ، س^{۱۲} (نیز ل، آ، ب): از تیغ و؛ (ق: از تیرو)؛ ل: ببرده ز شیران به؛ ق: ر بوده ز دشمن به؛ متن = ف (نیز لن، پ، و، لن، آ)؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر پوزش نمودن طوس و گودرز و پهلوانان ایران پیش شاه کیخسرو و سخن گفتن رستم ۱۳- س: ماسد (نقطه ندارد)؛ ل^{۱۴} (نیز لن، پ، لن، آ): مانده؛ س: ماسده (نقطه ندارد)؛ (ل، آ: تاخیر؛ ل، آ، ب: مانده؛ و: داننده)؛ متن = ف، ق ۱۴- ق: وگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ل: شه؛ س: مر ۱۶- ل، ل، س، ل، آ، س^{۱۶} (نیز ق، ل، ی، و، آ): گرانمایگان؛ متن = ف، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۷- ف، ل، س: نیکویی؛ ل، آ، س: پندها؛ متن = ق ۱۸- س: گنج ۱۹- ل (نیز ل، و، ب): بردی؛ ق: دیدی؛ (ق: جستی؛ ل، آ: بینی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^{۲۰} (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۰- ل- س^{۲۰} (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بی‌مهتری؛ متن = ف (نیز ق، ل، ی، آ) ۲۱- س: رنج ۲۲- س: رزم ۲۳- (لن، پ، لن، آ: دست برد)؛ ل، ق، ل، آ، س^{۲۳} (نیز ق، ل، ی، و، آ، ب): بتندی مکن سهمگن (ل: سهمگین) کار خرد؛ متن = ف، س ۲۴- ل- س^{۲۴} (نیز لن- ب): باد بهرام گردد (س: مرد)؛ متن = ف

گفتار اندر رفتن طوس و گودرز به جنگ پیران^۱

۱۱۰	درم داد و روزی دهان را بخواند از ^۳ اختر یکی روز فرخ بجُست همی بود با کوس و پیلان به ^۴ دشت بدو داد شاه اختر کاویان	بسی با سپهدار چرنی ^۲ براند که بیرون شدن را کی آید درست چنین تا سپهد برو برگذشت ^۵ بدانسان ^۶ که بودی به رسم ^۷ کیان
۱۱۵	برو آفرین کرد و برشد خروش یکی ابر بست از پی ^۹ گرد سُم ز بس جوشن و کاویانی درفش تو خورشید گفتی به آب ^{۱۰} اندرست	جهان آمد از بانگ ^۸ اسپان به جوش برآمد خروشیدن گاو دُم شده روی گیتی سراسر بنفش سپهر و ستاره به خواب ^{۱۱} اندرست
۱۲۰	نهاد از بر پیل ^{۱۲} پیروزه ^{۱۲} مهّد هیونی بگردار باد دمان که من جنگ را گردن افراخته چو بشنید پیران غمی گشت سخت	همی رفت ازین ^{۱۳} گونه تا رود شَهد بشد نزد پیران هم اندر زمان، سوی رود شَهد آمدم ساخته که بر بست بایست ناکام ^{۱۴} رخت
	برون رفت با نامداران خویش که ایران سپه را ببیند که چیست رده برکشیدند از آن ^{۱۶} سوی ^{۱۷} رود	گزیده دلاور سواران خویش سرافراز چند دست و ^{۱۵} با طوس کیست فرستاد نزد سپهد درود

۱- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر رفتن طوس و گودرز بجنگ پیران و پیام فرستادن به پیران و جنگ ساختن سران؛ ق: فرستادن کیخسرو دوم نوبت لشکر را به توران؛ ل^۲ (چند بیت پایین تر): درآمدن طوس بجنگ پیران و پیغام دادن؛ متن = آغاز ف ۲- ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، و، لن^۲): خوبی؛ ل (نیز ل^۲): با سپهد سخنها؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، آ، ب)؛ ل پس از این بیت، بیت زیر را و پس از آن بیت های ۷۲ و ۷۴ و ۱۱۳ را آورده است:

همان رای زد با تهمتن بران (= ۱۸۷ آ) چنین تاریخ روز شد در نهان
بنداری: فأطلق للمسكر أرزاقهم و خلع عليهم وأعظامهم، واختار لخروجهم يوماً مبارکاً. فبرز طوس وخیم بالصحراء، واجتمعت إليه الإصبهیدية فی جموع ضاق بهم الفضاء، ولم یأت عليهم الإحصاء ۳- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۴- ف: با پیل و لشکر به؛ (ق): با پیل بر پهن؛ لی، آ: با پیل و کوسان به؛ ل: همی رفت با کوس خسرو به؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۵- ل: چنان تا سپهد بدو برگذشت؛ ق (نیز و، ب): چنین تا سپه جمله بروی گذشت؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ل پس از این بیت، دو بیت وق (نیز لی، و، آ) تنها بیت دوم را افزوده اند:

یکی لشکری همچو کوه سیاه
پس لشکر اندر سپهدار طوس
گذشتند بر پیش بیدار شاه
بیامد بر شه زمین داد بوس

۶- ل، ل، آ، س: برانسان؛ متن = ف، س، ق ۷- س: که بدرسم وراه ۸- ل: بیم (→ سم)؛ س: سم؛ پیاپی بیت های ۱۱۰-۱۱۴ در ل: ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۲، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴ ۹- ل، ل، آ، س: از بر؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س: خواب ۱۱- س: آب ۱۲- س، ل: نهاده ابر پیل رویینه (ل: پیروزه) ۱۳- ل: زین ۱۴- ق: ناگاه؛ (لن، ل، پ، لن^۲): باید بنا کلام؛ ل: فرو بست بر پیل ناکام؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لی، آ) ۱۵- ل، ق: [و] ۱۶- ل: زان ۱۷- ق: روی؛ س^۲ در اینجا سرنویس دارد: پیغام ایرانیان نزد پیران

<p>درفش همایون و پیلان و^۲ کوس ز ترکان فرستاد نزدیک اوی چه کردم ز^۷ خوبی به هر جایگاه چو بر آتش تیز جوشان بدم^۸ مرا زو^{۱۰} همه درد^{۱۱} بهر آمده‌ست بیچید از^{۱۳} درد گفتار^{۱۴} اوی^{۱۲} فراوان نشان‌ست بر چهر تو بند این در بیم^{۱۶} و راه زیان مکافات یابی به نیکی^{۱۷} ز شاه همان افسر^{۱۹} خسروانی دهد دلش رنجه گردد ز تیمار^{۲۱} تو بزرگان و^{۲۳} تیمارگش مهتران</p> <p>بنزدیک پیران ویسه‌نژاد ز طوس و ز گودرز روشن‌روان به یاد سپهد گشایم^{۲۶} دو لب، خردمند کو^{۲۸} بشنود پند من،</p>	<p>۱۲۵ و زین^۱ روی لشکر بیاورد طوس سپهدار پیران^۳ یکی چرب‌گوی بگفت آنک^۴ من با فریگیس^۵ و شاه^۶ ز درد سیاوش خروشان بدم^۸ کنون^۹ بار تریاک زهر آمده‌ست دل طوس غمگین شد از کار اوی^{۱۲} ۱۳۰ چنین داد پاسخ که از مهر تو سر آزاد کن دور شو زین^{۱۵} میان بر شاه ایران شوی با سپاه به^{۱۸} ایران ترا پهلوانی دهد چو یاد آیدش خوب کردار^{۲۰} تو ۱۳۵ همین^{۲۲} گفت گودرز و گیو و سران</p> <p>سراینده‌ی پاسخ آمد^{۲۴} چو باد بگفت آنک^{۲۵} بشنید با پهلوان چنین داد پاسخ که من روز و شب شوم هر که^{۲۷} هستند پیوند من، ۱۴۰</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: وزان ۲- ل: او؛ ق این بیت را ندارد؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است (← ۱۶۷ پ):

بدو گفت نیکو نکردی تو جنگ
ازین ننگ بر تننت تا جاودان
ترا خود هنر نیست و نه زوردست
چنان چون بود درخور شه‌پرست

۳- س: ترکان؛ ق این بیت را ندارد ۴- س: آنکه ۵- ف، ل، ل، س: (نیز ل، ی، و): فریگیس (حرف سه نقطه ندارد): ق (نیز ق، پ، ل، ن، آ، ب): فرنگیس؛ متن تصحیح قیاسی است ۶- س: چنین داد پاسخ که از مهر شاه ۷- س: به ۸- ل، ل، س: شد ۹- س: یکی ۱۰- ق: زان ۱۱- ل: رنج: س: زهر: متن = ف، ق، ل، س ۱۲- ل، س، ل: او ۱۳- ل: زان: س، ق: از آن: متن = ف، ل، س ۱۴- ل: درد و پیکار: س: سرد گفتار: ق: خوب گفتار: س: (نیز آ): درد و گفتار: ق: گرد گفتار: متن = ف، ل (نیز ل، ل، و، ب): ل، س^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: وزین روی گردان ایران سپاه

بیاورد طوس سپهد به راه

س: یکی پاسخ خوش داد آزاده وار

چنان چون بود درخور کارزار

۱۵- س: از ۱۶- ل: کین ۱۷- س: بخون: ق: بکیتی: س: نیکی بیابی: متن = ف، ل، ل ۱۸- ل: بر ۱۹- س: اختر: در س^۲ با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل: گفتار ۲۱- ل: کردار ۲۲- ل (نیز ل، و، ل، ن، آ): چنین: س (نیز ق): همی: متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، پ) ۲۳- ل: [و] ۲۴- ف: سراینده پاسخ بیامد: متن = ل- س (نیز ل- ب) ۲۵- ل، س (نیز ل): آنچه: ق، ل (نیز ق، ل، ن، ب): آنچه: (آ: آنکه): متن = ف، س (← سیاوخش، بیت ۱۵۲۲ پ: رزم یازده رخ، بیت ۸۴۴، ۱۱۱۶، ۱۲۴۴) ۲۶- ل: گشادم ۲۷- ل، س: هرچ: ل: هرچه: متن = ف، ق، س ۲۸- س: گر: ل: اگر

به ایران گذارم بروبوم و رخت؟
 و زین گفت‌ها بود مغزش تهی
 هیونی برافگند هنگام^۲ خواب
 کز ایران سپاه آمد و پیل^۴ و کوس
 فراوان فریبش فرستاده‌ام
 سپاهی ز جنگاوران برگزین
 مگر تخمشان^۱ از بُنه^{۱۰} برکنیم
 وُگرنه ز کین سیاوش سپاه

چو بشنید افراسیاب این^{۱۴} سَخُن
 بدیشان^{۱۷} بگفت آن^{۱۸} سَخُن‌ها که رفت
 یکی لشکری ساخت افراسیاب
 دهم روز لشکر به پیران رسید
 چو لشکر برآسود و^{۲۱} روزی بداد
 ز پیمان نکرد ایچ یاد و ز عهد^{۲۳}

سران^{۱۵} را بخواند او سراسر ز بُن^{۱۶}
 که بر کین ببايد همی رفت تفت^{۱۹}
 که تاریک شد چشمه‌ی آفتاب
 سپاهی کزو شد زمین ناپدید^{۲۰}
 سپه^{۲۲} برگرفت و بُنه بر نهاد
 بیامد دمان تا لب رود شهد

۱- ل، ق، س^۲ (نیز و): جست نو؛ ل: جست خود؛ (ب: جست از آن)؛ متن = ف، س (نیز ل، ی، پ، ل، آ)؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: پیغام پیران بنزد افراسیاب و آگاهی دادن از آمدن طوس؛ ق: آگاهی دادن پیران افراسیاب را از آمدن لشکر ایران ۲- ل، ق (نیز ل، ل^۱): نزدیک؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- ل: فرستاد نزدیک؛ س، ق (نیز ی، و): سراینده نزد؛ س^۲ (نیز ب): سراینده سوی؛ (ل، پ: سراینده شد پیش؛ ل^۲: سراینده شد نزد)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق، ل، آ) ۴- ل: بوق ۵- س: [و] ۶- ل: رهام؛ ق، ل، س^۲ (نیز ق، ل، و): گرگین؛ (ل، پ، ل: شیدوش)؛ متن = ف، س (نیز ی، آ) ۷- ل: س^۲ (نیز ل، ق): بندها؛ متن = ف (نیز هفت دستنویس دیگر) ۸- ل: گردان کین؛ ل، س، ق (نیز و): که برزین شتابش نباید (س، ق: نگیرد) به (ل: ز) کین؛ س: که تا من کنم رزم ایران زمین؛ (ل، پ، ل، ب: که برزین نگیرد (ب: بگیرد) شتابش (ل: سناش) بکین؛ ق: که برزین نشانش نماید ز کین؛ ل، آ: که برزین سناش بگیرد نکین)؛ متن = ف ۹- ل، س، ل^۲ (نیز ل، ق، ی، پ، آ): بومشان؛ ق (نیز ل، آ، ب): بیخشان؛ متن = ف، س^۲ ۱۰- س: از زمین ۱۱- ل: بتخت و بگنج؛ س (نیز ی، آ): بیار و بگنج؛ ق: بیار و بیخ؛ ل: بیار و بین؛ س^۲ (نیز ل، آ): بیوم و ببر؛ (ل، پ، ل، ویا سر بسر؛ ق: بکاخ و بگنج؛ و: بیار و ببرگ؛ ب: بگنج و بیار)؛ متن = ف ۱۲- س، ل، آ: رنج ۱۳- س: دو ۱۴- س: آن ۱۵- س: مهان؛ متن = ۱۶- ل: از همه انجمن؛ (ل، پ، ل: آن زمان ز انجمن؛ ق، ب: و سرسبزین)؛ س: بخواندش همه ز انجمن؛ ق: سراسر بخواند او سپه را زین؛ (و: سرانرا بخود خواند و کرد انجمن)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ی، آ)؛ س، ق، آ، ب) ۱۷- ل: بایشان ۱۸- س: این ۱۹- ق: تفت رفت (پساوند ندارد)؛ س: باید هم اکنون برفت؛ متن = ف، س، ل، آ؛ ل این بیت را ندارد ۲۰- ل (نیز ل^۲): شد جهان ناپدید؛ س: کوه شد ناپدید؛ (ب: بوم شد ناپدید)؛ س: که شد ز زمی ناپدید؛ ف: سر او ز شادی به کیوان رسید؛ متن = ق، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فانفذ الیه بعد عشرة أيام عسکرا عظما. فقوی به قلب بیران، واشتد آزره ۲۱- ل: بیاسود؛ س، ل، آ، س: بیاسود؛ و: متن = ف، ق ۲۲- س، ل، آ: درم؛ ل، س^۲ در اینجا سرنویس دارند، ل: رزم گودرز و پیران و این را جنگ بشن گویند؛ س: رزم طوس با ارژنگ ۲۳- س: نه عهد؛ ل: ز پیمان بگردید و زیاد عهد؛ متن = ف، ق، ل، آ

<p>که بریند بر کوهه‌ی پیل کوس^۱ چو داند^۲ که تنگ اندرآمد نشیب^۳ سپه بر لب رود صف برکشید به هامون کشیدند پیلان^۴ و کوس سواران ترکان و ایران گروه^۵ که آتش برآمد ز دریای آب^۶ تو گفتی شب اندر^۷ هوا لاله کشت ز جوش سواران زرین کمر همی بوسه داد از بر آبنوس^۸ چو سندان بُد و پُتک آهنگران^۹ ز نیزه هوا چون نیستان شده ست بسی خوار گشته تن ارجمند^{۱۰} تن نازدیده^{۱۱} به شمشیر چاک سپهر و ستاره پُر آوای^{۱۲} کوس</p>	<p>۱۵۵ طلایه بیامد بنزدیک طوس که پیران نداند سَخُن جز فریب^۱ درفش جفایشه آمد پدید بیاراست^۲ لشکر سپهدارطوس دو رویه سپاه اندرآمد چو کوه^۳ چنان شد ز گرد سپاه^۴ آفتاب درفشیدن^۵ تیغ و ژوپین^۶ و خشت ز بس ترگ زرین^۷ و زرین سپر برآمد یکی ابر چون سندروس^۸ سر سروران زیر گرز گران ز خون رود^۹ گفتی میستان شده ست ۱۶۵ بسی سر گرفتار دام کمند کفن جوشن و بستر از خون و خاک زمین ارغوان و هوا آبنوس^{۱۰}</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س بجای بیت ۱۵۵ افزوده است:

که کردار هر کس نشاید نَهفت

چو آگاهی آمد بگودرز گفت

ق (نیزلن، لی، لن، آ) بجای بیت ۱۵۵ (وب پس از آن) افزوده اند:

چنین گفت با طوس گودرز پیر

متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، ل، و، ب) ۲- س: دروغ ۳- ق: بیند ۴- ل، ق، ل، آ، س: نیب؛ س: فروغ؛ متن = ف (نیزلن- ب) ۵- ل: برآراست ۶- ل: [و]؛ س: که بریند بر کوهه پیل (= ۱۵۵ ب) ۷- س: گرد ۸- س: سواران و شیران روز نبرد؛ ق، ل، آ، س: سواران ایران و توران گروه؛ متن = ف، ل ۹- ل: نهان شد ز گرد سوار ۱۰- ف، ل: تو گفتی که آتش برآمد از آب؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ) ۱۱- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، لی، و، آ): درخشیدن؛ (لن): درفشنده شد؛ لن: درخشنده شد؛ متن = ف، ق (نیزل، ب) ۱۲- ف- س: زوپین ۱۳- س، ق (نیزلن، لی، لن، آ، ب): که شب در؛ ل: که روی؛ س: که اندر؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، و) ۱۴- س: روپین؛ در س، ق، ل: آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵- ل: آبنوس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۶- ل: سندروس؛ س: همی بوس داد از زمین آبنوس؛ ق: سپهر و ستاره پر آوای کوس (= ۱۶۸ ب)؛ (لن، لن، آ، ب): زمین گشت از ابر (لن: گرد) چون آبنوس؛ ق: ستاره همی از سرش داد بوس؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزل، آ، و)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۹۱ آمده است ۱۷- ل پس از این بیت افزوده است (← ۱۲۵ پ):

ز ترکان فرستاد نزدیک اوی
 دگر باره باز آمدی چون نهنگ
 تن خود بکام نهنگ آوری
 چنان چون بود درخور سینه شست (!)
 بگریسد همی مردم دوده تان
 مگردان سرآسیمه تن خویشتن (!)

سپهدار پیران یکی چرب گوی
 بدو گفت هر گه که کردی توجنگ
 از ایران که با من توجنگ آوری
 ترا خود هنر نیست نه زوردست
 5 ازین ننگ برتنت تا جاودان
 که دیدی یکی دست بردی ز من

۱۸- ق: دشت ۱۹- س: مستمند ۲۰- ل: نازه کرده (!) ۲۱- ل، س (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب): زمان سندروس؛ ق (نیز

ل): رخان سندروس؛ ل، آ، س^۲ (نیزق، آ): هوا سندروس؛ متن = ف ۲۲- س: آواز

- اگر تاج یابدا^۱ جهانجوی^۲ مرد
 ۱۷۰ گرایدون کجا رفت باید^۴ ز دهر
 ندانم^۸ سرانجام^۹ و فرجام^{۱۰} چیست
- وگر خاک آورد و خون نبرد^۳،
 چه زو^۵ بهره^۶ تریاک یابم^۷ چه زهر
 برین^{۱۱} رفتن اکنون بیاید گریست
- یکی نامداری بُد ارژنگ نام
 برانگیخت^{۱۳} از دشت آورد گرد
 چو از دور طوس سپهد بدید
 ۱۷۵ به پور زره گفت: نام^{۱۵} تو چیست؟
 بدو^{۱۸} گفت: ارژنگ جنگی منم
 کنون خاک را از تو جوشان^{۲۱} کنم
 چو گفتار پور زره شد به بُن
 به پاسخ ندید ایچ رای و^{۲۵} درنگ
 ۱۸۰ بزد بر سر و^{۲۶} ترگ آن نامدار
 برآمد از^{۲۷} ایران سپه بوق و کوس
 غمی گشت پیران و^{۲۹} توران سپاه
 دلیران توران و گنداوران
 که یکسر بکوشیم و جنگ آوریم
 ۱۸۵ چُنین گفت هومان که امروز جنگ
- به ابر اندر آورده از جنگ نام^{۱۲}
 از ایرانیان جُست جنگ و^{۱۴} نبرد
 بغرید و تیغ از میان برکشید
 ز مردان^{۱۶} جنگی ترا یار^{۱۷} کیست؟
 سرافراز^{۱۹} شیر^{۲۰} درنگی منم
 به^{۲۲} آورد گه بر سرافشان کنم
 سپهدار ایران شنید^{۲۳} آن^{۲۴} سخن،
 همان آبداری که بودش به چنگ،
 تو گفتی تنش سر نیاورد بار
 که پیروز باز آمد از رزم^{۲۸} طوس
 ز گردان^{۳۰} تپی ماند آرامگاه^{۳۱}
 کشیدند شمشیر و گرز گران
 جهان بر دل طوس تنگ آوریم
 بسازیم^{۳۲} و دلها نداریم^{۳۳} تنگ

۱- ل (نیز ب): جویید: متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، ن، آ) ۲- ق: جهان دیده ۳- (ق، آ، ب: و دشت نبرد): ل: وگر خاک گردد بروز نبرد: ق: وگر خاک و خون آورد هم نبرد: س: وگر خون آورد و دشت نبرد: (و: وگر خاک یابد ز خون نبرد): متن = ف، ل (نیز ل، ل، ل، ل، آ): س بجای این بیت افزوده است:

دورویه سپاه اندر آمد چو گردد
 سواران ایران و توران نبرد (← ۱۵۵)

۴- ف: رفتنی ام: ل، س: بنا کدام میرفت باید: س (نیز ق): از ایدون کجا رفت باید (ق: رفتنی ای): (ل، ب، ل، ن، آ: از ایدر کجا رفت باید (ل: خواهی): و: گرایدونک من رفتنی ام): متن = ق، ل (نیز ل، ل، آ، ب) ۵- س: گر ۶- ل: پیر ۷- ل، ل، ل (نیز ق، ل، آ): یابی: س: دارم: (آ: بیاید): متن = ف، ق، س (نیز ل، ل، ب، و، ل، ن، آ، ب) ۸- ف: نسیم: متن = ل، س (نیز ل، ب) ۹- ل، ل، س: [و] ۱۰- ل: انجام ۱۱- س: بدین ۱۲- ل: کام ۱۳- ل، ل، ل: بر آورد ۱۴- ل، ل، س (نیز ق، ل، ب): چندی: س، ل، ل (نیز ل، و، ل، ن، آ): تنگ و: ق: تنگ: (ل: جنگی): متن = ف (نیز ل، ب، آ) ۱۵- ل: کام: ق: بدو گفت پهلو که نام: متن = ف، س، ل، ل، س ۱۶- ل، ل، س (نیز ق، ل، ب، آ، ب): ترکان: (ل: گردان): متن = ف ۱۷- ل: کنون نام: س: کام: متن = ف، ق، ل، ل، س ۱۸- ق: چنین ۱۹- ف، س، ل، ل، س (نیز ل، و): سرافراز و: متن = ل، ق (نیز ل، ق، ل، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۰- ف: شیرو: متن = ل، ل، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل: رخشان ۲۲- س: دره: ل، ل، س: بره: متن = ف، ل، ق ۲۳- س: شنود ۲۴- ل، ق، ل، ل، س: ایسن: متن = ف، س ۲۵- ل، ل، س: رای: ق، س: گساره: ل: جای: متن = ف ۲۶- ل، ل، س: [و] ۲۷- ل، ق، ل، ل، س: ز ۲۸- ق: جنگ: ل: که پیروز ببادا سرافراز: متن = ف، س، ل، ل، س ۲۹- ل: ز ۳۰- ل، ل، ل، س: ترکان: متن = ف، س، ل، ق ۳۱- ل، ل، س، ل، ل، س (نیز ق، ل، و): آورد گداه: ق: آن جایگاه: متن = ف (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ) ۳۲- ق، ل (نیز ل، ب): نسازم: س: بسازیم (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ف، س (نیز ل، ق، آ، ب، و، آ) ۳۳- ل (نیز ل): بسازید و دل را (ل: ها) مدارید

گر ایدونک ازیشان^۱ یکی نامور پذیره فرستیم گردی دمان
 وُزیشان به تیزی بجویم^۳ جنگ بدانگه که لشکر بجنبد ز جای
 همه یکسره گرزها برکشیم ۱۹۰
 به انبوه رزمی بسازم سخت
 ز لشکر برآرد به پیگار سر،
 بینیم تا بر چه^۲ گردد زمان
 بیاید یک امروز کردن درنگ
 تبیره برآید ز پرده سرای^۴،
 یکی از لب رود برتر کشیم
 اگر یار باشد جهاندار و^۵ بخت

گفتار اندر نبرد طوس با هومان و یسه^۶

به اسپ عقاب اندر آورد^۷ پای تو گفتی یکی باره ی^۹ آهنست
 به پیش سپاه اندر آمد به جنگ بجنبید طوس سپهد ز جای ۱۹۵
 چنین گفت کز ویسه ی^{۱۳} شوربخت نمودم به ارزنگ^{۱۶} یک دستبرد
 تو اکنون همانا به کین آمدی به جان و سر شاه ایران سپاه
 به جنگ تو آیم بسان پلنگ ۲۰۰
 بینی تو پیگار^{۲۰} مردان مرد چنین پاسخ آورد هومان بدوی
 گر ایدونک^{۲۴} بیچاره یی را زمان
 برانگیخت آن بارکش^۸ را ز جای وُگر کوه البرز در جوشنست
 یکی خشت رخشان^{۱۱} گرفته به چنگ جهان شد پُر^{۱۱} از ناله ی گره نای^{۱۲}
 ز پالیز^{۱۴} کین کی برآید^{۱۵} درخت که بود از شاها نامبردار^{۱۷} گرد
 که با خشت بر پشت زین آمدی که بی جوشن و گرز و رومی کلاه،
 که از کوه یازد به نخچیر^{۱۸} چنگ^{۱۹} چُن^{۲۱} آورد گیرم به دشت^{۲۲} نبرد
 که بیشی نه خوبست، بیشی مجوی^{۲۳}! به دست تو آمد، مشو در گمان^{۲۵}

۱- ف، ل: زیشان؛ ق، س: گر ایدون کزیشان؛ متن = س، ل، آ ۲- ل، ق: که؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۳- ف: بجویم؛ س: بجویند؛
 ق: بنویی بجویم؛ ل: بتندی بجویم؛ ل: و ایشان بتندی بجویند؛ متن = س ۴- ل: زهر دوسرای ۵- ل، س، س: جهاندار؛ ل:
 خداوند؛ متن = ف، ق: در ل پس از این بیت، بیت ۱۶۳ آمده است ۶- ف: گفتار اندر نبرد طوس با هومان ویسه و مناظره کردن با یکدیگر
 اندر میان مصاف گاه و تیز شدن گیو گودرز؛ ل: رزم طوس با هومان ویسه؛ ق: گفتار در رزم طوس با هومان ویسه؛ س: نبرد طوس نوذر با هومان
 ویسه و گریختن هومان از طوس؛ متن = آغاز ف ۷- ق: بگفت و باسب اندر آورد؛ س: به اسب اندر آورد آنگاه؛ متن = ف، ل، س،
 ل ۸- ل، س، ل: (نیز ق، آ، لی، آ): بارگی؛ متن = ف، ق، س: (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ، ب) ۹- ق: باره از؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س:
 (نیز ل- ب) ۱۰- س: زرین ۱۱- ل، س، ق، ل: (نیز ل، لی، ل، پ، ل، آ): پر شد؛ متن = ف، س: (نیز ق، آ، و، آ) ۱۲- ف، ل،
 س: کرسای؛ متن = ق، ل، آ، س ۱۳- ل، س: به هومان چنین گفت کسای؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۴- س: بالین (ح)
 پالیز) ۱۵- ل: کین بر نیامد؛ ق: کین مان بر آمد؛ متن = ف، س، س ۱۶- ف: ارزنگ ۱۷- س، س: نامبردار و؛ ل: کنون
 پای دار ای سرافراز؛ متن = ف، ق، ل ۱۸- ف: نخچیر ۱۹- ل: رنگ؛ س: گراز ابر بارده می ترو سنگ ۲۰- ف، س،
 (نیز ل، پ، ل، آ): این کار (؟)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۱- ل، س، ل، آ: چو؛ ق: که؛ متن = ف، س ۲۲-
 ل: روز ۲۳- ف، ق، ل: (نیز ل، ل، آ): مگوی (؟)؛ متن = ل، س، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- س: ایدونکه ۲۵-
 ف، ق، ل: (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، ل، آ، ب): بد گمان (؟)؛ متن = ل، س، س: (نیز ل، و)

- ۲۰۵ به جنگ من^۱ ارژنگ^۲ روز نبرد
دلیران لشکر ندارند شرم؟
که پیگارگیشان سپهبد شده‌ست؟^۴
کجا بیژن گویو^۷ و آزادگان؟
تو گر پهلوانی ز قلب سپاه
خردمند بیگانه خواند^۹ ترا
۲۱۰ تو شو^{۱۱} اختر کاویان را^{۱۲} بدار
نگه کن که خلعت که را داد شاه
بفرمای تا جنگ شیر^{۱۵} آورند
اگر تو شوی گشته بر دست من
سپاه تو بی یار و بی جان^{۱۸} شوند
۲۱۵ و دیگر بگویم یکی^{۲۱} گفت^{۲۲} راست
که پُر درد^{۲۳} باشم ز^{۲۴} مردانِ مرد
پس از رستم زالِ سامِ سوار
پدر بر پدر نامبردار^{۲۶} شاه
تو شو تا ز^{۲۸} لشکر یکی نامجوی
۲۲۰ بدو گفت طوس: ای سرافراز^{۲۹} مرد
تو هم نامداری ز توران سپاه
دلت گر پذیرد یکی پند من
- کجا داشتی خویشتن را به مرد
نخوشد یکی را به رگ^۳ خونِ گرم؟
به رزم اندرون دستشان^۵ بد شده‌ست؟^۶
جهان گیر^۸ گودرز گشوادگان؟
چرا آمده‌ستی بدین رزمگاه؟
هشیوار دیوانه خواند^{۱۰} ترا
سپهبد نیاید سوی^{۱۳} کارزار
ز گردان که جوید^{۱۴} نگین و کلاه،
زبردست را دست زیر^{۱۶} آورند
بد آید بدین^{۱۷} نامدارانجمن
اگر^{۱۹} زنده مانند پیچان شوند^{۲۰}
روان و دلم بر زبانم گواست
که پیش من آیند^{۲۵} روز نبرد
ندیدم چو تو نیز یک نامدار
چو تو جنگ جویی چه باید^{۲۷} سپاه؟
بباید، به روی اندرآرم روی
سپهبد منم، هم سوار نبرد
چرا رای کردی به آوردگاه^{۳۰}؟
بجویی برین^{۳۱} پند^{۳۲} پیوند من،

۱-س: نخستین از ۲-ف: ارژنگ ۳-ق: بتن: ل: رگ و: س: برگ برنخوشد یکی: متن = ف، ل، س ۴-س: بدست: ل:
که پیگارایشان سپهبد کند: متن = ف، ق، ل، س ۵-س: روزشان: متن ← ۶-ل: کند: متن = ف، ق، ل، س ۷-ل: از:
ل: بیژن و گویو ۸-ل: جهاندار ۹-ق: داند: س: دانا خواند: متن = ف، ل، ل ۱۰-س: داند: س: بیت های ۲۰۹-۲۱۱ را
ندارد ۱۱-س: رو ۱۲-ل: کاویانی: متن = ف، ق، ل، س ۱۳-ق: نباید سوی: س: نباید ورا: متن = ف، ل،
ل ۱۴-ق: که جست از دلیران: متن = ف، ل، ل، س ۱۵-س: پیش ۱۶-س: یک امروز یا من درنگ (پساوند ندارد):
در ل پس از این بیت، بیت های ۲۲۲ و ۲۲۳ آمده اند ۱۷-ل، ل، س: ل: بدان: ق: بران: متن = ف، س ۱۸-ل: بیجان و بی تن: ل:
یکباره بیجان: س: بی نام و بیجان: متن = ف، س، ق ۱۹-س: وگر ۲۰-ل: بوند: متن = ف، س، ق، ل، س ۲۱-ل، ل، س:
(نیز ق، و): و دیگر که گر (س: اگر) بشنوی: (لن، ب، ل: دگر با تو گویم یکی: ل: وگر زانک تو نشنوی): متن = ف، س، ق (نیز ل، آ،
ب) ۲۲-ف: لفظ: متن = ل، س، ق، س (نیز ل-ب): ل: بیت های ۲۱۵-۲۱۷ را ندارد ۲۳-س: مهر ۲۴-ل (نیز ل):
باشند: متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ب-ب) ۲۵-ق: که آیند پیشم به ۲۶-ل، ق، ل: نامبردار و: متن = ف، س،
س ۲۷-ل، ل، ل: نباید: متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ب-ب) ۲۸-ل: باز ۲۹-ق: سپهدار ۳۰-ل، ل، س:
خرامان بیایی بنزدیک شاه (از ۲۲۱ و ۲۲۳ ب یک بیت ساخته اند: در ل: بیت های ۲۲۲ و ۲۲۳ پس از بیت ۲۱۲ آمده اند و در آنجا از ۲۲۳ و
۲۲۱ ب یک بیت ساخته است): س: چرا آمدستی چنین کینه خواه: متن = ف، ل، ق ۳۱-ل، ق، ل، س: بدین: متن = ف ۳۲-ل:
کار: متن = ف، ق، ل، ل، س: س: بیت های ۲۲۲-۲۲۵ را ندارد

- تو با نامورپهلوان سپاه
 کزین کینه تا زنده ماند یکی
 تو با خویش و پیوند و چندین سوار
 به خیره مده خویشتن را به باد
 سزاوار کشتن هر آنکس که هست
 کزین کینه^۵ مرد گنه کار هیچ
 مرا شاه ایران چُنین^۸ داد پند
 که او ویژه پروردگار من ست
 به بیداد بر خیره با او^۹ مکوش
 چُنین گفت هومان^{۱۱} که بیداد و داد
 برآن^{۱۴} رفت باید به^{۱۵} بیچارگی
 همه^{۱۷} جنگ^{۱۸} پیران نه بر آرزوست
- ۲۲۵
- ۲۳۰
- بدین گفت و گوی^{۱۹} اندرون بود طوس
 ز لشکر بیامد بکردار باد
 فریننده^{۲۲} ترکی^{۲۳} میان دو صف
 کنون^{۲۵} با تو چندین چه گوید^{۲۶} به راز
 سخن جز به شمشیر با او^{۲۸} مگوی
- ۲۳۵
- که شد گیو را روی چون سَنَدروس
 چُنین^{۲۰} گفت کای طوس فرخ نژاد^{۲۱}،
 بیامد دمان^{۲۴} بر لب آورده کف،
 میان دو صف گفت و گوی^{۲۷} دراز
 مجوی^{۲۹} از در آشتی هیچ روی^{۳۰}
- ۲۴۰
- چو بشنید هومان برآشفت سخت
 چُنین گفت با^{۳۱} گیو بیدار بخت

۱- ق: بیاید خرامان ۲- س: میادا ۳- ف: همان (!): س: همان: متن = ل، ق، ل، س، آ (نیزلن-ب) ۴- س، ق، س: تا بیازد
 بدین: متن = ف، ل، ل ۵- ف: وزین روی: س، ل، س، آ (نیزلی، آ): وزین گونه: متن = ل، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۶- ل: ل:
 نیاید ۷- ف، س: مپیچ (یا: بسیچ): ل: مپیچ: متن = ق، ل، آ، س، آ (نیزلن-ب) ۸- ف: چنان: متن = ل-س ۹- س: با او
 بخیره ۱۰- س: بگفت ۱۱- ف: پیران (!): متن = ل-س ۱۲- س، ق، ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ، ب): چو: متن = ف،
 ل ۱۳- ل: پیمان: متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ، ب) ۱۴- س، ق، ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، پ، ب): چو: متن = ف،
 ق: ز ۱۶- ل: مگردان بدان: در ل بیت های ۲۳۳-۲۳۶ را در کناره افزوده است ۱۷- س، ق، ل، س، آ (نیزلن-ب): همان: متن =
 ف، ل ۱۸- ل: رزید: متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (پس از این بیت افزوده است):

ولکن ز فرمان شاه جهان نیارد گذشت آشکار و نهان

۱۹- ف: گفت و گو: ق، ل: گفتگوی: متن = ل، س، س، آ ۲۰- ل: بدو ۲۱- ل: نودرتژاد ۲۲- س، ق، ل، س، آ (نیزلن، ل،
 ب، ل، آ، ب): فرستاده: متن = ف، ل (نیزق، ل، آ، و) ۲۳- ل: هومان: متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیزلن-ب) ۲۴- ق:
 چنین ۲۵- ل: چنین ۲۶- ف: بگوید: متن = ل-س، آ (نیزلن-ب) ۲۷- ل، ق: گفت گوی: متن = ف، س، ل، آ، س، آ (در ق
 لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ل: وی ۲۹- ل: مجو ۳۰- س: بجز جنگ مر هیچ منمای روی ۳۱- س:

کای

که ای^۱ گم شده بختِ آزادگان
 به لاون^۲ مرا دیده‌ی روز جنگ
 کس از تخمِ گشوادِ جنگی نماند
 ترا بخت چون روی آهرمن است
 ۲۴۵ اگرمن شوم گشته بر دست طوس
 به جایست^۶ پیران و افراسیاب
 تو اکنون به درد^۸ برادرِ گری
 بدو گفت طوس^{۱۱}: این چه آشفتن است
 بیا تا بگردیم و کین آوریم
 ۲۵۰ بدو گفت هومان که دادست مرگ
 اگر مرگ باشد همه^{۱۵} بی‌گمان
 به دست سُواری که دارد هنر

گرفتند هر دو عمودِ گران
 زمین^{۱۹} گشت گردان^{۲۰} و شد روزتار
 ۲۵۵ تو گفتی شب آمد بریشان^{۲۲} به روز
 از آن چاک‌چاک عمودِ گران

همی حمله برد آن برین، این برآن^{۱۸}
 یکی ابر بست از بر^{۲۱} کارزار
 نهان گشت خورشید گیتی فروز
 سرانشان چو سندان آهنگران^{۲۳}

۱- ل (نیز ل): ای؛ (ل، آ: که این → که ای)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲- ق: نبرد ۳- ل: باوردگه؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ ۴- ف، ل، س، ق، س^۱ (نیز ق^۱ - و ب): کوبال؛ (لن، آ: کوبال) ۵- ل: نه برخیزد آواز کوس از فسوس ۶- س: چوبایست ۷- ل: بخواهد شدن خون من رود آب؛ س، ق، ل، س^۱ (نیز ل، و، آ، ب): همی (ق: همان) خون بخواهد شدن رود (س، ل، س، آ، ب: روی) آب؛ متن = ف (نیز ق^۱): ل، س، پس از این بیت، دو بیت، ل، و تنها بیت یکم و ق، ب تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

نه گیتی شود پاک ویران ز (ل: به) من سخن راند باید بدین (ل: ازین) انجمن و گسرتوس گردد بدستم (ق: در این کین) تباه یکی ره نیابند (س: بیاید) ز ایران سپاه (ق: یکی سوی ایران نیابند راه)

۸- ل: برگ؛ (لن: جنگ؛ ق: خون)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ل، ق (نیز ق، ب، آ): چه؛ ل: که؛ متن = ف، س، س^۱ (نیز لن، ل، ل، لن، ب) ۱۰- ل، س، ق (نیز ل، ب، ل، لن، آ): نود: متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ب) ۱۱- س: بدو طوس گفت ۱۲- ل، س، ق: بدین؛ متن = ف، ل، س^۱ ۱۳- س: بکین ۱۴- ق: ابروان را به ۱۵- ل: مرا؛ ق، ل، س^۱ (نیز لن- ب): همی؛ س: خواهد بدن؛ متن = ف ۱۶- ف: برگزاید؛ س: بر نه آرد؛ س: بر که آید؛ (لن، ب، لن: بر سر آید؛ و: به که باشد؛ آ: خود به آید)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، ب) ۱۷- س: گرد و؛ ل، ق، ل (نیز لن، ق، ب، لن، ب): سپهد سر و گرد و؛ س: سپهد یکی گرد؛ (ل، آ: سپهد سر و گرد؛ ل: سپهد سزد گرد و؛ و: سپهد سری گرد)؛ متن = ف (← س): ل: در اینجا سرنویس دارد: نبرد طوس نوذر با هومان و یسه ۱۸- ق، ل: آن بدین این بدان ۱۹- ل: زمی ۲۰- س، س: لوزان؛ ق، ل: جنبان؛ متن = ف، ل ۲۱- س، ل: از در؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

یکی نیز خورشید روشن ندیدد بشد آفتاب از جهان نیابیدد

۲۲- س: از آسان ۲۳- ل، س: شد آهن بکردار جاحی کمان (= ۲۵۸ ب)

به ابر اندرون بانگ پولاد خاست
 خم آورد رویین^۲ عمود گران^۳
 تو گفتی که سنگست سر^۵ زیر ترگ
 گرفتند شمشیر هندی به چنگ
 ۲۶۰
 ز نیروی گردنکشان تیغ تیز
 چو شد کام پُر خاک و پُر آب^{۱۰} سر
 ز نیروی گردان بدان بُد^{۱۱} رکیب^{۱۲}
 کمر بند بگسست و^{۱۴} هومان بجست^{۱۵}
 ۲۶۵
 سپهبد سُوی ترکش آورد چنگ
 بر آن نامور تیرباران گرفت
 ز پیکان پولاد^{۱۷} و پَر عقاب
 جهان چون ز شب رفته^{۱۹} دو^{۲۰} پاس گشت
 ز تیر خدنگ اسپ هومان بخت

به دریای^۱ شهد اندرون باد خاست
 شد آهن بکردار چاچی^۴ کمان
 سیه شد ز چشم^۶ یلان روی^۷ مرگ
 فروریخت آتش ز پولاد^۸ سنگ
 خم آورد و از زخم شد ریز ریز
 گرفتند هر دو دوال کمر
 که آید یکی را^{۱۳} سر اندر نشیب
 یکی اسپ آسوده تر برنشست^{۱۶}
 کمان را به زه کرد و تیر خدنگ،
 چپ و راست جنگ سواران گرفت
 سپر کرد بر پیشش از^{۱۸} آفتاب
 تو گفتی که کشور پُر^{۲۱} الماس گشت
 تن بارگی گشت با^{۲۲} خاک پست

۱- ف، ق: دریا؛ متن = ل، س؛ س^۲ این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

ز خون بر کف شیر کفشیر بود همه دشت پربانگ شمشیر بود

۲- ل (نیزو): رومی؛ متن = ف، ق (نیزلن، لی، پ-ب) ۳- ف: رمان (؟)؛ متن = ل، ق (نیزلن، لی، پ-ب) ۴- ف، ل، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): چاچی؛ متن = (و)؛ ل، س^۲ ۲۵۶ ب، ۲۵۸ آرا انداخته و از ۲۵۶ و ۲۵۸ ب یک بیت ساخته اند ۵- ق، ل، ل: در ۶- ق، س^۲: جنگ؛ متن ← ۷- ل: روز؛ س: سیه گشت روی یلان روز؛ متن = ف، ل؛ در ل^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ق: پولاد و؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دو پهلو بر آسان بر آویختند همی خاک با خون بر آمیختند

۹- ل: و در؛ متن = ف، س، ق، س؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همان تیغ از دست بنداختند باورد گه بر همی تاختند

۱۰- س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): بی آب و پر خاک؛ (ل^۲: پر خاک و پر خاک؛ و: پر خاک و پرتاب)؛ ل، س: همه کام پر خاک و پر خاک (س: آ: آب)؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی زور کردند بر یکدگر همان طوس و هومان پر خاشخیر

۱۱- ل، ل^۲ (نیزب): گران شد؛ س: وران و؛ س^۲: بران دو؛ (لن، لن^۲: گران بد؛ ق: به ران و؛ ل^۲: بهر دو)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۲- س: رکاب (پساوند ندارد) ۱۳- ل (نیزق، ل^۲): یکی را نیامد؛ (ب: که آرد یکی را)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، لی، پ-آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل^۲ پس از این بیت افزوده است:

ز نیروی طوس سپهبد دوال گسست و جدا کرد از مورد یال

۱۴- ف: [و]؛ متن ← ۱۵- ل: و بند قبای؛ س^۲: بگرفت هومان نجست؛ متن = س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ-ب) ۱۶- س^۲ (نیزق، آ، پ، لن، آ، ب): آسوده را برنشست؛ ل: شدند آن یک زد دیگر ز پای (!)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، لی، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): ز پولاد پیکان؛ متن = ف، س^۲ (نیزل، و، ب) ۱۸- ل، ل^۲: بر پیش روی؛ س: پیش از بر؛ ق (نیزب): بر پیش ابر؛ س^۲: بر تنش بر؛ (ق، آ، ل^۲: بر پیش او؛ لی، آ: در پیشش از؛ و: بر پیش چشم؛ لن، پ، لن^۲: حجابی شدند از بر)؛ متن = ف ۱۹- ل (نیزب): چون شب تیره؛ س^۲: چون شب رفته؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن^۲) ۲۰- ل: سه ۲۱- ل، س^۲ (نیزق، و، ب): همه روی کشور (ب: گیتی) پر؛ س: تو گفتی همه کشور؛ متن = ف، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- س: بر

<p>نگهداشت جنگی سر از گرز^۱ اوی بدیدند گردان^۲ توران^۳ سپاه، ببرند پُرمایه بالای اوی^۴ یکی تیغ هندی گرفته^۵ به دست^۶، یکایک بدو^۷ درنهادند روی، ز جنگ یلان دست کوتاه گشت و زین^۸ رزم فرجام تو^۹ سور باد! سپهد بدو^{۱۰} راست کرده سنان خروشی برآمد ز توران^{۱۱} سپاه^{۱۲} چو^{۱۳} با طوس روی اندرآمد^{۱۴} به روی؟ جز ایزد نداند^{۱۵} که ما چون بُدیم که ای رزم دیده^{۱۶} سرانِ دلیر، که اختر به نیکی دل افروز^{۱۷} ماست مرا اختر و نیک نامی^{۱۸} بود شب تیره تا گاه^{۱۹} بانگ خروس</p>	<p>۲۷۰ سپر بر سر آورد و بنمود روی چُن^۲ او را پیاده بدان^۳ رزمگاه که پردخت ماندهمی^۴ جای اوی^۵ چو هومان برآن^۶ زین توری نشست^۷ همه^۸ نامداران پرخاشجوی که^۹ شد روزتاریک و بیگانه گشت ۲۷۵ ز تو چشم گردنکشان دور باد! بیچید هومان جنگی عنان بنزدیک پیران شد از رزمگاه که چون بود کار تو ای رزمجوی^{۱۱} ۲۸۰ همه پاک با^{۱۲} دل پُر از خون بُدیم به لشکر چُنین گفت هومان شیر چوروشن شود تیره شب^{۱۳}، روز ماست شما را همه شادکامی^{۱۴} بود ز لشکر همی برخروشید طوس</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س، س: ۲: تیر؛ متن = ف، ل، ق؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بلرزید بر خود چو برگ درخت

چنین گفت مانا که برگشت بخت

- ۲- ل- س: ۲: چو؛ متن = ف ۳- ل: بران؛ س: دران؛ متن = ف، ق، ل، س: ۴- ل: گفتند؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۵- س: ایران (در بالا به توران تصحیح کرده است) ۶- ل: کنون؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۷- ف- ل: او؛ متن = س: ۸- س: بدان ۹- ق: چو بنشست هومان بزین خدنگ ۱۰- ل، ل: (نیز ق، و): بگرفت (ق: بگرفته) هندی؛ س: گرفته یکی تیغ هندی؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ق: بچنگ؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

که آید دگر باره بر جنگ (ق، ب: دگر ره بیرخاش؛ ل، آ: دگر ره باورد) طوس

شد از شب جهان تیره (ل: گشته؛ ق، ب: اگر چه جهان بود) چون آبنوس

۱۲- ق: همان ۱۳- س: برو ۱۴- ل، س: چو؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۵- ل پس از این بیت افزوده است:

برفتند گردان همه پیش طوس سپه نعره برداشت و آوای کوس

- ۱۵- ل، س: درین؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۶- ل: فرجام جنگ ما؛ متن = ف، س، ق، ل، س: در ل این بیت پس از بیت ۲۷۸ آمده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

که امروز دادی تو در جنگ داد بدیدار روی تو هستم شاد

- ۱۷- ق: برو ۱۸- در ل پس از این بیت، بیت ۲۷۶ آمده است ۱۹- ل، س: نامجوی؛ ق: جنگجوی؛ متن = ف، ل، س: ۲۰- ف (نیز ل: ۲): که؛ متن = ل- س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل: رویت درآمد ۲۲- ل، س، ل، س: (نیز ل، آ): ما؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ): که داند ۲۳- ل: که داند ۲۴- ل: نام دیده ۲۵- س: شود روز آن ۲۶- س، ل، س: (نیز ل، ل، ب، و، ل، آ) به گیتی دلفروز؛ ل (نیز ل، آ): که این (ب: کجا) اختر گیتی افروز؛ متن = ف، ق (نیز ق) ۲۷- س، ق، ل، س: (نیز ل- ب): شادمانی؛ متن = ف، ل ۲۸- ل: خوبی و نیک نامی؛ س، ق، ل، س: (نیز ل- ب): اختر آسمانی؛ متن = ف ۲۹- ل:

زخم

<p>۲۸۵ همی گفت: هومان چه مرد من ست</p> <p>چو چرخ بلند از شبه تاج کرد ظلایه ز هر سو برون تاختند چو برزد سر از چنگِ خرچنگ^۳ شید تبیره برآمد ز هر دو سرای</p> <p>۲۹۰ هوا تیره^۶ گشت از فروغ درفش کشیده همه تیغ و گرز و سِنان^۱ تو گفتی سپهر و زمان و زمین به پرده درون شد^{۱۱} خور تابناک ز هرای اسپان و آوای^{۱۳} کوس سپهدار هومان^{۱۴} دمان^{۱۵} پیش صف</p> <p>۲۹۵ همی گفت: چون من برآیم به جوش شما یک یک تیغها برکشید مبینید جز یال اسپ و عنان به تیغ و عمود و به گرز گران</p> <p>۳۰۰ عنان پاک بر یال اسپان نهید</p>	<p>که پیل ژیان همنبرد من ست^۱</p> <p>شَمامه پراگند بر لاژورد^۲، به هر پرده یی پاسبان ساختند جهان گشت چون روی رومی سپید، جهان شد پر^۴ از ناله ی گره نای^۵ طبرخون به شنگرف برزد بنفش^۷ همه جنگ را گرد کرده عنان^۹ بپوشد همی^{۱۰} چادر آهنین ز جوش سواران و از^{۱۲} گرد و خاک همی آسمان بر زمین داد بوس یکی خشت رخشان گرفته به کف، برانگیزم اسپ و برآرم خروش، سپرهای چینی به سر درکشید نخواهم کمان و نخواهم سِنان^{۱۶} چنان چون بود رزم^{۱۷} گنداوران، برآسان^{۱۸} که آید^{۱۹} خورید و دهید</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ق پس از این بیت افزوده است:

نمای یلان را من اکنون هنر
 مگر خسته و جسته و روی زرد

سران را بیرم برین کینه سر
 نمایم به توران زمین نیز مرد

۲- ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن- ل، آ، لن- ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز پ، و) ۳- ف: چنگ خورشید؛ ل، ق، س^۲ (نیز ل، آ، ب): برج
 خرچنگ؛ س: برج خورشید؛ (لن، ب، لن: چرخ خورشید)؛ متن = ل^۴ (نیز ق، آ، و) ۴- س: پر شد ۵- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق،
 ل، س^۱ ۶- ل: جهان تازه ۷- ل- س^۱ (نیز لن- ب): طبرخون و شگون (ل: شنگرف؛ ل: زرخون) و زرد و (ق: درفش) بنفش؛
 متن = ف ۸- س: گرز گران؛ ق، ل، آ، س: گرز و تیغ و سنان؛ متن = ف، ل ۹- س: میان ۱۰- ل، آ، س: همه ۱۱- س،
 ق؛ بد؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۱۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- س، ل، آ:
 آواز ۱۴- ف، ل: پیران؛ ق (نیز لن، لی، ب، لن، آ): ایران؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۱۵- ف: دنان؛ متن = ل- س^۱
 (نیز لن، لی- ب) ۱۶- ق: نجوم سنان؛ (ق، آ، لی، ب، لن، آ، ب: نباید سنان)؛ ل، س: نشاید کمان و نباید سنان؛ ل: نخواهم کمان و نباید
 سنان؛ س (نیز لن): نخواهم کمند و کمان و (لن: نباید) سنان؛ متن = ف (نیز ل، آ، و) ۱۷- ق، س: رسم؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را
 ندارد ۱۸- ل، س: بدانسان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ ۱۹- س: باید؛ ف، ل، آ (نیز ق) پس از بیت ۳۰۰ افزوده اند:

چو بشنید هومان ازو این (ق: پیران ز هومان) سخن

مرآن گفته را پاسخ افکند بن (ل: برو تازه شد گفتهای کهن؛ ق: بدو گفت هر چی که دانی بکن)

ق (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) پس از بیت ۳۰۰ افزوده اند:

بیامد به پیش برادر چو شین

وزان روی (لن، ب، لن: چو این گفت) هومان سوار دلیر

ل، س، س^۱ (نیز ل، آ، و) هیچیک از این بیت ها را ندارند

به پیران چُنین گفت کای پهلوان
 تو با^۳ گنج دینار جفتی مکن
 که امروز گردیم پیروزگر

تو بگشای بند از^۱ سیلیح گوان^۲
 ز بهر سیلیح^۴ ایچ زفتی مکن
 بیابده^۵ دل از اختر نیک بر

۳۰۵
 ۳۱۰

۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷

۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱- ل: [از] ۲- ل، ل، س: گران: س: سلاح و میان ۳- ل، ق: ابا: متن = ف، س، س، س ۴- س: سلاح: ل این بیت را ندارد ۵- ل: بیاید ۶- س، ل: لشکر چو ۷- ل: ز هومان و یسه: متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل- ب) ۸- ل، ق: نیاید: متن = ف، س، ل، س ۹- ل: حیره (حرف یکم نقطه ندارد): ل، س (نیز ل، ق، ل، ی، پ، و، آ، ب): خیره: متن = ف، س، ق (نیز ل) ۱۰- س: زیند ۱۱- س، ل: بکنید: ق: همی از تن خویش غم بکنیم: متن = ف، ل، س ۱۲- ق، س: مان ۱۳- ل، ل: [و] ق (نیز ل، ی، پ، ل، آ، ب) پس از این بیت و س پس از بیت ۳۱۸ افزوده‌اند:

بدو گفت گودرز کای پهلوان
 ز دشمن نگر دل نمداری دژم
 که گردان ما دلشکسته شوند
 اگر اختر شاه روشن بسود
 5 که دادار نیکی دهش یار ماست
 تو ای پهلوان هیچ دل بد مکن
 بدو گفت طوس: ای جهان‌دیده مرد
 و دیگر که هومان به توری زبان
 که پیروز گردیم فردا به جنگ
 10 برآرم از ایشان سراسر دم‌مار

ف، ل، س، ل (نیز ق، ل، آ، و) هیچیک از این بیت‌ها را ندارند
 (ب): کوه‌پایه؛ (ل): کوه باید؛ (ل): گونه پایه؛ متن = ف، ل
 دستنویس دیگر) ۱۷- ل: گر: ق پس از این بیت افزوده است:

نیارد چخیدن به ما چرخ پیر
 جهان رام گردد به ما بر ز مهر

نه هرمنه ناهید و بهرام و تیر
 نبینی تو یکروز تاریک چهر

۳۱۵ به بیشی و کمی نباشد سَخُن
 اگر^۲ بد بود گردش^۳ آسمان
 دل و روزا ایرانیان بد مکن
 به پرهیز بیشی نگیرد^۴ زمان
 روان را مکن هیچ بشخودنی^۵

گفتار اندر نبرد دوم طوس با پیران^۶

بیاراست لشکر سپهدار طوس
 پیاده سویی کوه شد با بُنه
 ۳۲۰ رده برکشیدند^۱ همه یکسره
 ز نالیدن کوس با گره‌نای^{۱۱}
 دلِ چرخ گردان همی^{۱۲} چاک شد
 چنان شد که کس روی هامون ندید
 بیارید الماس از آن^{۱۳} تیره میغ
 ۳۲۵ سِنان‌های رخشان^{۱۵} و تیغ سران
 هوا گفتی از گرد^{۱۷} و از آهن ست
 چو دریای خون شد همه دشت و راغ
 ز بس ناله‌ی کوس و ز^{۲۱} گره‌نای^{۲۲}
 سپهد به گودرز گفت - آن زمان
 ۳۳۰ مرا گفته بود این ستاره شناس
 ز^{۲۴} شمشیر گردان چو ابر سیاه^{۲۵}
 سرانجام ترسم که پیروزگر

به^۷ پیلانِ جنگی و مردان^۸ کوس
 سپهدار گودرز بر^۹ میمنه
 چو رُهام گودرز بر میسره
 همی آسمان اندر آمد ز جای
 همه کام خورشید پُر خاک شد
 ز بس گرد کز رزمگه بردمید
 همی آتش افروخت از ترگ^{۱۴} و تیغ
 درفش از بر و زیر^{۱۶} گرز گران
 زمین یکسر^{۱۹} از نعل و از^{۲۰} جوشن ست
 جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
 همی سر ندانست گیتی^{۲۳} ز پای
 که تاریک شد گردش آسمان -
 که امروز تا شب گذشته سه پاس،
 همی خون فشاند بر^{۲۶} آوردگاه
 نباشد جز از^{۲۷} دشمن کینه‌ور

۱- ف، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): زور: ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، آ، و): مغز: متن = ل^۳ ۲- س: وگر ۳- ل، س^۴ (نیز ق، ل، آ): بخشش: متن = ف، ق، ل^۵ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل^۶ (نیز لی، ب): نگردد: ل، س^۷ (نیز ق، ل، آ): و بیشی نگردد: ق: و دانش نگردد: متن = ف (نیز لن، پ، و، لن، آ): س این بیت را ندارد ۵- ف، ل، س، س^۸ (نیز ق، آ): بشخودنی (بشخودنی): ق، ل^۹ (نیز ب): فرسودنی: متن = (لن) ۶- ف: گفتار اندر نبرد دوم طوس با پیران و نامزد کردن پهلوانان با یکدیگر و داستان بازور جادوی و آوردن برف و سرما: ق: لشکر آراستن طوس به جنگ تورانیان: متن = آغاز ف ۷- ف: که: متن = ل- س^۸ (نیز لن- ب) ۸- س، س^۹ (نیز لن، لی- آ): مردان و: ق (نیز ق، ب): مردان جنگی و پیلان و: متن = ف، ل، ل^{۱۰} در س^{۱۱} پس از این بیت، بیت‌های ۳۱۰ پ آمده است ۹- س: با ۱۰- ل- س^{۱۱} (نیز لن- ب): برکشیده: متن = ف: درق لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۱- ف، ل، س: کزنای: متن = ق، ل، ل، س^{۱۲} ۱۲- ل: بدو: س: همه: متن = ف، ق، ل، آ، س^{۱۳} ۱۳- ل، ل، ل: از [آن] ۱۴- ل، س، س^{۱۴} (نیز ق، آ): گرز: ق: تیر: متن = ف، ل^{۱۵} (لن، لی، ل، و، لن، ب) ۱۵- س: سپرهای چینی ۱۶- س: از بر تیغ و ۱۷- ل، س، ق (نیز ب): گرز: متن = ف، ل، س^{۱۸} (نیز لن، ق، آ، لی، و- ب) ۱۸- س، ق، ل: وز: متن = ف، ل، س^{۱۹} ۱۹- س: گفتی ۲۰- ف، ق، ل، آ، س^{۲۰} (نیز ب، لن^{۲۱}): وزه: ل: از تیغ در: س: از ترگ وزه: متن = (ق، ل، لی، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل، س: [و] با: متن = ف، س، ق، ل^{۲۲} ۲۲- ف، ل، س: کزنای: متن = ق، ل، آ، س^{۲۳} ۲۳- س (نیز ب، آ): کس را: (ل: گفتی -> گیتی): ل، ق، س^{۲۴} (نیز لن، پ، لن، آ، ب): همی کس ندانست سر را: متن = ف، ل^{۲۵} (نیز ق، و) ۲۴- س: که ۲۵- ل: توران سیاه ۲۶- ل، ق، س^{۲۶} (نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ، ب): به: ل: ز: (لی، آ، در): متن = ف (نیز و): س این بیت را ندارد ۲۷- ل: مگر: متن = ف، ق، ل، آ، س: س این بیت را ندارد

چو شیدوش و رُهَام و گُستَهَم و گیو^۱
 ز صف در میان سپاه آمدند
 ۳۳۵ به ابر اندرآمد ز هر سو غریو
 و زان روی هومان بکردار کوه^۵
 [ز بس گرز و گوپال^۸ و تیغ و سینان
]به انبوه رزمی بکردار کوه
 از آن^{۱۱} پس گزیدند مردانِ مرد
 ۳۴۰ گرازه سر^{۱۳} گیوگان با نَهَل^{۱۴}
 چو رُهَام گودرز و فرشیدورد
 ابا بیژن گیو گلباد را
 ابا شیطرج^{۱۹} نامورگیو را
 چو گودرز و هومان و پیران^{۲۱} و طوس
 ۳۴۵ چُنین گفت هومان که امروز کار
 تہی کرد باید ازیشان زمین
 به پیش اندرآمد سپهدارطوس

زره دار^۲ برزین و خَرَادِ نیو^۳،
 جگرخسته و کینه خواه آمدند
 بسان شب تار و انبوه^۴ دیو
 بیاورد^۶ لشکر همه همگروه^۷
 بُد هیچ پیدا رکیب^۹ از عِنان]
 بکردند گردان همه همگروه^{۱۰}]
 که بر دشت سازند^{۱۲} جای نبرد
 دو گرد^{۱۵} گرانمایه ی شیردل^{۱۶}
 چو شیدوش و لَهاک شد همبند^{۱۷}
 که بر هم زنند^{۱۸} آتش و باد را
 دو گرد^{۲۰} گرانمایه ی نیو را
 بُد هیچ^{۲۲} بیداد و رنگ و فسوس^{۲۳}
 نباید که چون دی بود کارزار^{۲۴}
 نباید که یازند^{۲۵} ازین^{۲۶} پس به کین
 پیاده بیاورد پیلان و^{۲۷} کوس

- ۱- ل: گستم گیو؛ س، س: گستم و رهام نیو (س: گیو)؛ ل: شیدوی رهام و گودرز و گیو؛ متن = ف، ق ۲- ق: چو گودرز و ۳-
 س: خراد و گیو؛ ل: خراد برزین نیو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س؛ ق پس از این بیت افزوده است:
 قفاشان ندیده کس اندر نبرد
 دل شیرمردان ازیشان بسدرد
 که بودند هریک یکی ازدها
 که دشمن ندیده ازیشان رها
- ۴- ل: اندوه؛ س: برفتند لشکر بکردار؛ متن = ف، ل، ق، س ۵- س: دیو ۶- ل: بکردند؛ متن ← ۷- س: برآورد چون شیر
 غران غریو؛ متن = ف، ل، ق، س ۸- ف، س، ق، س: (نیز لن، ق): کوبال؛ (ب، و، لن: کوبال) ۹- س: رکاب؛ ل، ل: (نیزی،
 ل، آ، ب) این بیت را ندارند؛ در س این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۳۳۹ آمده اند ۱۰- س، ق: (نیز لن، ب، لن): بکردند لشکر گروه
 گروه؛ متن = ف؛ ل، ل، آ، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۱- ل، س: وزان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۲- ق: که سازند
 بر دشت ۱۳- ف، س: (نیز لن، ب، لن): سوی (!)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۴- ل: (نیز لن): نهل؛ س،
 س: (نیز و): نهل (نقطه ندارد)؛ ق: نهل (یک نقطه هم در بالا و هم در پایین)؛ ل: نینگ؛ (ق: نل؛ ل: نل، ب، لن، آ، ب: نهل)؛ متن =
 ف ۱۵- س: مرد ۱۶- ل: گرانمایه دوشیر جنگ ۱۷- س: لهاک و شیر نبرد ۱۸- ل: زدی؛ س، س: زند؛ متن = ف، ق،
 ل: در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۹- ل، س: (نیز ل): شطرخ؛ س، ق: (نیزی، لن، آ، ب): شیرکج؛ ل: شیرکج؛
 (لن، ب: شیرکج؛ ق: شطرج؛ و: سبطر)؛ متن = ف ۲۰- س: مرد ۲۱- ل، ل، ب: پیران و هومان؛ س: هومان و گودرز و پیران؛ متن =
 ف، ق، س ۲۲- س: ایچ ۲۳- ل، ق، س: (نیز ب، لن، ب): پیدا درنگ و فسوس (یا: بیداد رنگ...)؛ (ل، و: پیدا ز رنگ و
 فسوس)؛ متن = ف، ل: (نیز لن، ق، ل، آ): بیداد و رنگ و فسوس → پیدا ز رنگ...؛ س: پیاده بیاورد پیلان و کوس (= ۳۴۷ ب)
 ۲۴- ل پس از این بیت افزوده است:

همه جان شیرین به کف برنهند چومن برخروشم دمید و دهید

- ۲۵- ل، س: (نیز ق، ل، و، آ): آیند؛ ق: تازند؛ ل: (نیز لن): یارند؛ متن = ف، س: (نیز لن، ب، ب) ۲۶- ل: زین ۲۷- ل: [و]؛
 س در اینجا ۳۴۴ ب- ۳۴۷ آ را انداخته و از ۳۴۴ آ و ۳۴۷ ب یک بیت ساخته و سپس پس از بیت ۳۴۹ از ۳۴۷ آ و ۳۴۴ ب یک بیت ساخته و به
 دنبال آن بیت های ۳۴۵ و ۳۴۶ را آورده است

۳۵۰ صفی برکشیدند پیش سوار
 مجنبد- گفت- ایچ بر جای خویش^۳
 سپردار و ژوپین ورا و نیزه دار^۲
 سپر با سنان اندرآرید پیش^۴
 چگونه گزارند^۵ گرز گران

گفتار اندر داستان بازور جادوی^۷

۳۵۵ ز ترکان یکی بود بازور^۸ نام
 پیامخته کژی و جادوی^{۱۱}
 چنین گفت پیران به افسون پڑوه
 یکی برف و سرما و بادی^{۱۴} دمان
 هوا تیره گون بود^{۱۷} از تیرماه
 چو بازور بر^{۱۹} کوه شد در زمان
 همه دست نیزه گزاران^{۲۰} ز کار
 از آن^{۲۲} رستخیز و دم زمهریر
 بفرمود پیران که یکسر سپاه
 چو بر نیزه بر^{۲۶} دست هاشان فسرده^{۲۷} ۳۶۰

به افسون^۹ به هر جای گسترده کام^{۱۰}
 بدانسته چینی و هم^{۱۲} پهلوی^{۱۳}
 کز ایدر برو تا سر تیغ کوه
 بریشان برآورد^{۱۵} هم اندر زمان^{۱۶}
 همی گشت بر کوه ابر^{۱۸} سیاه
 برآمد یکی برف و باد دمان
 فروماند از برف و از^{۲۱} کارزار
 خروش یلان خاست^{۲۳} و باران تیر
 یکی^{۲۴} حمله سازند ازین^{۲۵} رزمگاه
 ز هر سو سپاه اندرآرند^{۲۸} گرد

۱- ف (نیزلی): زوپین زن؛ ل، س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و-ب): زوپین وره؛ ق: نیزه وره؛ (پ: ژوپین ور) ۲- ق: خشت داره؛
 س: کینه دار ۳- ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، ن): از جای خوش؛ س: کس از جای؛ متن = ف، ق، ل، ل^۴ (نیز
 لی، و، آ، ب) ۴- س: سنان با سپر اندرآرید پای؛ س پس از این بیت، بیت زیر را افزوده و پس از آن بیت های ۳۴۵ و ۳۴۶ را آورده
 است:

به پیش اندرآمد سیهدار طوس (= ۳۴۷ آ)

نبد هیچ پیدا از رنگ آبنوس (= ۳۴۴ ب)

۵- س: نبرد ۶- ف، ل، س^۲: سرآرند؛ س (نیزلن، ق، آ، لی، و، ب): سرآید به؛ ق: گراید به؛ (ل، پ: گرایند)؛ متن = ل:
 گزارند ۷- س: رفتن بازور جادو بر کوه و برف بارید بر ایرانیان؛ ق: جادویی بازور بر ایرانیان و کشتن رها در کوه او را؛ متن = ف (←
 سرنویس پیشین) ۸- س: بازور و ۹- ل: زترکان ۱۰- س^۲ (نیزب): دام ۱۱- ل: کاستی ۱۲- ق، س^۲: بدانسته
 هم چینی و؛ متن = ف، ل، س، ل، ل ۱۳- ل: باستی ۱۴- ل، س، ق، س^۲ (نیزق، آ، ل، و، ل، آ): باد؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، لی،
 پ) ۱۵- ل (نیزو): بیاور؛ (ق: بایشان درآور؛ لی: بیاور بدیشان؛ ل: بدیشان بیاور؛ آ: بیاور بریشان)؛ متن ← ۱۶- ف: برآور یکی
 برف و بادی ژیان؛ س: برآور یکی تندبادی ژیان؛ ق (نیزب): به (ب: ز) افسون بیاور بایرانیان؛ متن = ل، س^۲ (نیزلن، پ، ل، ن) ۱۷- ل^۲
 (نیزلن-ب): بد خود؛ متن = ل، س^۲ ۱۸- ل (نیزلن، ب، ل، ن): ابری؛ ف، س، ق: این بیت را ندارند ۱۹- ل، س^۲: دره؛ متن = ل:
 (نیزلی، ل، و، آ، ب)؛ ف، س، ق: این بیت را ندارند؛ درلن، پ، ل، ن: این بیت به گونه ای دیگر آمده و پس از آن بیت های دیگری هم افزوده اند؛
 درل پس از این بیت، بیت ۳۶۰ آمده است ۲۰- ف: نیزه گزاران؛ ل: دست آن نیزه داران؛ متن = س، ق، ل، ل، س^۲ (نیز
 لن-ب) ۲۱- ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، ن، ب): [و] دره؛ متن = ف، ل، ل ۲۲- س، ل، س^۲: بدان؛ ق: بران؛ متن = ف،
 ل ۲۳- ل، س، ق، س^۲ (نیزلن-ب): بود؛ متن = ف، ل، ل ۲۴- ق: همی ۲۵- ف، ل، زین؛ س: آرد بدین؛ متن = ق، ل، ل،
 س^۲ ۲۶- س^۲: نیزه ها ۲۷- ل: فشرده؛ متن = ف، ل، س، ق، ل، ل، س^۲ (نیزق، آ، ل، پ، ل، ن، ب) ۲۸- ل (نیزل^۲): اندرآمد چو گردد؛
 س: اندرآورد گردد؛ ق: اندرآرید گردد؛ س^۲ (نیزق، آ، ب): اندرآمد بگردد؛ (لن، ب، ل، ن: نیارست بنمود کس دستبرد)؛ متن = ف، ل، ل: درل این
 بیت پس از بیت ۳۵۶ آمده و در س^۲ با بیت سپین پس و پیش شده است

یکی حمله آورد برسان دیو که دریای خون شده‌می در میان ^۴ سواران ایران فگنده ^۶ نگون ز برف و ز افگنده شد جای ^۸ تنگ به روی اندرافتاده ^{۱۰} برسان مست ^{۱۱} شده دست لشکر ^{۱۳} ز سرما تباه گرفتند زاری سوی آسمان نه برجای و در ^{۱۵} جای و نه زیر جای ^{۱۶} به بیچارگی دادخواه تویم ^{۱۸} جهاندار و بر داوران داوری توانا تر از آتش و زمهریر ^{۲۲} ندارم جز تو کسی را به کس ^{۲۶}	و زان ^۱ پس برآورد هومان غریو بگشتند چندان از ^۲ ایرانیان ^۳ در و دشت یکسر ^۵ پر از برف و خون ز گشته بُد جای گشتن ^۷ به جنگ سیه گشته بر دست شمشیر دست ^۹ بُد جای گردش بدان ^{۱۲} رزمگاه سپهدار و ^{۱۴} گردنکشان آن زمان که ای برتر از دانش و هوش و رای همه بنده‌ی ^{۱۷} پُرگناه تویم ^{۱۸} از ^{۱۹} افسون و از ^{۲۰} جادوی ^{۲۱} برتری تو باشی به بیچارگی دستگیر ازین ^{۲۳} سخت سرما ^{۲۴} تو ^{۲۵} فریاد رس!	۳۶۵
به رُهام بنمود بانگشت ^{۲۷} کوه به ^{۲۹} افسون و تنبل بر آن ^{۳۰} کوه بود برون تاخت اسپ از میان سپاه پیاده ^{۳۲} بیامد ^{۳۳} بر آن ^{۳۴} کوه سر ^{۳۵}	بیامد یکی مرد دانش پروه کجا جای بازور ^{۲۸} نستوه بود بجینید رُهام از آن ^{۳۱} رزمگاه ز ره دامنش را بزد بر کمر	۳۷۰ ۳۷۵

- ۱- ل: از آن ۲- ل: ز ۳- ل، س: (نیز ق، و، ب): ایران سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۴- س: همه در میان؛ س: (نیز ق، و، ب): همه (ب: همی) رزمگاه؛ ل: گشت آوردگاه؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۵- ل- س: (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، و): گشته؛ متن = ف (نیز لی، آ، ب) ۶- ل: فتاده ۷- ف: جا گذشتن (→ جای گشتن)؛ ل، ل: جای رفتن؛ متن = س، ق، س: (نیز لن- ب) ۸- ل: راه ۹- س: نیز؛ ل، ل، س: و دست؛ ل: سیه گشت در دشت و شمشیر و دست؛ متن = ف ۱۰- ل: برو اندرافتاد ۱۱- س: چون رستخیز؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- ل: در آن؛ ل: بر آن؛ متن = ف، س، ق، س: ۱۳- ل، س: یکسر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۱۴- ف: [و]؛ ق پس از این بیت افزوده است:
- بنالید هریک ز بیش وز کم
چنین گفت هریک ز درد وز غم
به یزدان داد داد آفرین
که او راست هفت آسمان وز زمین
- ۱۵- ل، س، س: نه در جای و بر؛ متن ← ۱۶- س: و در زیر جای؛ ق (نیز ب): و در جمله جای؛ س: و نه...؟ جای؛ (ل، آ، و): و برتر ز جای؛ متن = ف، ل: ۱۷- ف، ل: بنده و؛ متن = ل، س، ق، س: ۱۸- ف، ل، س، ل، آ، س: توایم؛ متن = ق ۱۹- ف، ل، س، ق، س: ز؛ متن = ل ۲۰- ل: وز ۲۱- ل، ل، ل، س: جادویی؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۲- ف، ل (نیز آ): آتش زمهریر؛ س: آتش و مهر و تیر؛ ق (نیز و): توانا ابر آتش و زمهریر؛ متن = س، ل: (نیز لی، ل، آ، ب) ۲۳- س: درین ۲۴- ف: ... سردی (واژه یکم ناخواناست)؛ ل: برف و سرما؛ ل: سخت سردی؛ س: برف و سردی؛ متن = س، ق (نیز لن- ب) ۲۵- س: به ۲۶- ل: ندارم فریاد رس جز تو کس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن- ب) ۲۷- ل، س: آن تیغ؛ (لی، آ): کانست → بانگشت؛ و، ب: بانگشت بنمود؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، و)؛ ف، ل: در اینجا سرنویس دارند: کشته شدن بازور جادو بر (ل: به) دست رهام گودرز ۲۸- س: کجا نام آن مرد ۲۹- ل، س: بر؛ متن = ف، س، ق، ل: ۳۰- ق: بدان ۳۱- ل: زان ۳۲- ل، س: خرامان؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن- ب) ۳۳- س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب): برآمد؛ متن = ف، ل، ل: (نیز لی، ل، و، آ) ۳۴- س: (نیز لی، ل، آ، ب) بدان ۳۵- ل، س: بر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز لن- ب)

- ۳۸۰ چو جادو بدیدش بیامد^۱ به جنگ
 چو رهام نزدیک جادو رسید
 بیفکند دستش به شمشیر تیز
 ز روی هوا ابر تیره ببرد^۳
 یکی دست بازور^۵ جادو به دست
 هوا گشت از انسان^۶ که از پیش بود
 پدر را بگفت آنک^۸ جادو چه کرد^۹
- ۳۸۵ بدیدند از آن سر^{۱۰} دلیران شاه
 همه دشت یکسر^{۱۲} از^{۱۳} ایرانیان
 چنین گفت گودرز از آنپس^{۱۵} به طوس
 همه تیغها یکسر^{۱۸} برکشیم
 همانا که ما را سرآمد زمان
 بدو گفت طوس: ای جهاننیده پیر^{۲۰}
 چرا سر همی داد باید به باد
 مکن پیشدستی بو در^{۲۳} جنگ ما
 به پیش^{۲۵} زمانه پذیره مشو
- عمودی ز پولاد چینی به چنگ
 سبک تیغ تیز از میان برکشید^۲
 یکی باد برخاست چون رستخیز،
 فرود آمد از کوه رهام گرد^۴
 به هامون شد و بارگی برنشست
 فروزنده خورشید و گردون کبود^۶
 چه آورد بر ما به روز نبرد
- چو دریای خون گشته^{۱۱} آوردگاه
 تن بی سران بود و سر بی میان^{۱۴}
 که نه پیل باید^{۱۶} نه آوای کوس^{۱۷}
 برآرم جوش، ار گشند، ار گشیم
 نه روز نبردست و^{۱۹} تیر و کمان
 هوا گشت پاک از دم زمهریر^{۲۱}
 چو فریادرس فرّه^{۲۲} زور داد؟
 کنند آن^{۲۴} دلیران خود آهنگ ما
 بنزدیک بدخواه خیره مشو

۱-س: آ: درآمد: س: بیامد بدیدش ۲-ف، ل: پس از این بیت افزوده اند:

- بزد تیغ بر دست جادو برآ
 به یک تیغ (ل: زخم) بپساید دست و سرا
 ۳-س: شد ناپدید ۴-س: رهام و دید ۵-س: آن مرد ۶-ف: شد بد انسان: ل، ق (نیز ل): گشت ز انسان: س، ل: شد
 بر انسان: متن = س (نیز ق، ل، ب) ۷-س: که بود - کببود: ل: خورشید را رخ نمود: متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، آ، و،
 ب) ۸-ل: آنچه: ق، ل: آنچه: متن = ف، س، س ۹-ق: بکرد ۱۰-ل، ق، س (نیز ل-ب): پس: س: سو: متن = ف،
 ل ۱۱-س: گشت ۱۲-س: کشته ۱۳-ل: ز ۱۴-س (نیز ل، ق، آ، ب): و بی سر تنان: ق: و بی سر میان: س (نیز
 ب، ل، ن): و سرتی تنان: ل: تن بی سران و سرتی تنان: (و: سرتی تنان و تن بی میان): متن = ف، ل، آ، س پس از این بیت افزوده است:
 چنین گفت گودرز کشوادگان
 بدان نامداران و آزادگان
 که نه پیل مانند نه آوای کوس
 نبود ای در همان بر فسوس
- ۱۵-ل، س: گودرز آنگه: متن = ف، س، ق، ل (نیز ل-ب) ۱۶-ل، ل، آ، س (نیز ب): مانند: متن = ف، ق (نیز هشت دستنویس
 دیگر) ۱۷-ق: از این پس نه کوس: س این بیت را ندارد (۳۸۵ پ) ۱۸-ل، ق، س: یکسر تیغها: متن = ف، ل، س این بیت
 را ندارد ۱۹-ف، س، ل (نیز ل، ب): نه زور (ل: روز) و نه بر (ب: در) دست: (ن: نه زور نبردست و: آ: نه روز کمندست و): متن =
 ل، ق، س (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، ن) ۲۰-ل: مرد ۲۱-ل: پاک و بشد باد سرد ۲۲-س: فر و هم ۲۳-س، س: آ: بر
 ۲۴-ل، س، ل: این: ق بجای این بیت افزوده است:

خرد را درین رزم بردل گمار
 زمانی درین کار بایسد درنگ
 تو مسپیر به خیره کنون دم مار
 خرد بایسد آنجا و مردی و سنگ

۲۵-س، ق، ل (نیز ل-ل، ب): زهر: س: ز پیش: متن = ل (نیز آ): ف این بیت را ندارد

تو در قلب با کاویانی درفش
سوی میمنه گیو و بیژن بهم
چو رهام و شیدوش بر^۳ پیش صف
اگر من شوم گشته زین^۵ رزمگاه
مرا مرگ نامی تر از^۷ سرزنش
چنین ست گیتی پُر از آرز^۹ و درد
فزونیش یک روز بگزایدت

۳۹۵

دگر باره برشد دم گره‌نای^{۱۱}
ز بانگ سواران پرخاشخر
زیپکان^{۱۲} و از^{۱۳} گرز و ژوپین و^{۱۴} تیر
همه دشت بی‌تن سر و یال بود
[چو شد رزم ترکان^{۱۶} برین^{۱۷} گونه سخت
همی^{۱۸} تیره شد روز و^{۱۹} اختر درشت^{۲۰}
چو طوس و چو گودرز و گیو^{۲۱} دلیر
همه بر نهادند جان‌ها^{۲۲} به کف

۴۰۰

خروشیدن زنگ و هندی‌درای
درخشیدن تیغ و زخم تبر
زمین شد بکردار دریای قیر
همه گوش بر زخم گوپال^{۱۵} بود
ندیدند ایرانیان روی بخت]
دلیران به دشمن نمودند پشت
چو شیدوش و بیژن، چو رهام شیر
همی رزم جستند بر^{۲۳} پیش صف

۴۰۵

۱- (لن، پ، ل، ن، ب، ل، ن، آ): تیغ بنفش؛ ل، س، آ (نیز آ): همی باش و (ل: دار) در چنگ تیغ بنفش؛ (ق: آ): همی باش با ییل و زربینه کفش؛ و: همی باش تا روز گردد بنفش؛ متن = ف، س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲- س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب): ابر؛ ق: آن؛ س، آ (نیز ل، آ): بر؛ (و: و بر) ل: نگه‌بانش بر؛ متن = ف، ل، آ، ل، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

شوم برکشم گرز کین از میان (س: آ: شوم گرز کین برکشم از نیام)
کم تن فدی (س: آ: جان فدا) پیش ایرانیان
ازین رزم‌گه برنگردانم اسب
مگر (س: آ: وگر) خاک جایم بود (س: آ: شود) چون زرسب

۳- س، ق، ل، آ، س، آ: در؛ متن = ف، ل، ل، آ، ز، ۴- ل، آ، ز، ۵- ق: در ۶- س: شهر؛ در س، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ل: مرا مرگ باشد ترا؛ س: مراننگ نامی به از؛ س، آ: مگر مرگ باشد به از؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۸- س، س، آ: بیغاره و ۹- ل، س، آ (نیز ق، ل، ن، آ، ب): آزار؛ متن = ف (نیز لن، آ) ۱۰- ل، آ: کینه؛ س: برو تا توانی بگردش ۱۱- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق، ل، آ، س، آ ۱۲- ف (نیز لن، پ، لن، آ، ب): پیکار؛ ل، آ: کوبال؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز ق، ل، ی، ل، آ، و، آ) ۱۳- ف، ل، ق، ل، آ، س، آ: وز؛ متن = س، ل، آ: وز زخم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ: زوپین؛ درس لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۴- ل، آ: وز پسر؛ س، آ: وز زخم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ: زوپین؛ درس لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۵- در پ، و، ب با سه نقطه ۱۶- ق: جنگ توران ۱۷- ق، ل، آ (نیز ق، ل، آ، و): ازین؛ (آ: از آن)؛ متن = ل، س، آ، ف، س (نیز لن، ل، ی، پ، لن، آ) این بیت را ندارند ۱۸- س: همه ۱۹- ف، ل، س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، و، لن، آ، ب): روی (روز و؟)؛ متن = ق، ۲۰- (لن، ب: درست؛ ل، آ: بدانگه که شد رزم ایشان درشت؛ آ: شده تیره گون بخت و اختر درشت) ۲۱- ل، آ: چو گودرز و چون گیو و طوس ۲۲- ل، ق، ل، آ، س، آ: جان را؛ متن = ف، س، ۲۳- س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن، آ): در؛ متن = ف، ل (نیز ب)

- هر آنکس که با طوس در جنگ بود
 به پیش اندرون خون همی ریختند
 یکی موبدی طوس یل را بخواند
 نباید که ت اندر میان آورند
 به گیو دلیر آن زمان طوس گفت
 که ما را بدین گونه^۴ بگذاشتند
 تو رو^۷ بازگردان سپه را ز راه
 بشد گیو و لشکر همه بازگشت
 سپهبد چنین گفت با مهتران
 کنون چون رخ روز شد تیره گون
 یکی جای آرام باید گزید
 مگر گشته یابد^{۱۲} به جای^{۱۳} مَعاک
- همه بازگشتند یکسر ز جنگ
 سر از کوه برزد همانگاه ماه
 سپهدار پیران سپه را بخواند
 بدانگه که دریای یاقوت زرد
 کسی را که زنده ست بی جان کنیم
 برفتند با شادمانی ز جای
 همه شب از^{۲۰} آوای^{۲۱} چنگ و رباب
- همه نامدار و گنارنگ^۱ بود،
 یلان^۲ از پس پشت بگریختند
 پس پشت تو - گفت - جنگی نماند
 سپه را سپهبد^۳ زیان آورند
 که با مغز آشکر خرد نیست^۴ جفت
 به سیری چنین روی^۵ برگاشتند
 ز پیغاره‌ی دشمن و شره شاه
 پُر از^۹ گشته دیدند هامون و دشت
 که اینت نبردی و جنگی سران^{۱۰}!
 همه روی کشور چو دریای خون،
 اگر^{۱۱} تیره شب خود توان آرמיד
 یکی بستر از ریگ و چادر ز خاک^{۱۴}
- ز خونشان^{۱۵} روان خسته و سرز ننگ^{۱۶}
 چو بر تخت پیروزه، پیروز شاه
 همی گفت: دشمن^{۱۷} فراوان نماند
 زند موج بر کشور لاژورد^{۱۸}،
 بریشان^{۱۹} دل شاه پیچان کنیم
 نشستند بر پیش پرده سرای
 سپه را نیامد بر آن^{۲۲} دشت خواب

۱-س: تاج دار و نکورنگ (!)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: گفتار در هزیمت ایرانیان از لشکر توران ۲-س: دگر؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی رفت چون رود در دشت خون
 چو ییلان فکنده گوان سرنگون
 از آن بیم شد روی خورشید زرد
 هراسان فرو ماند در زیر گرد

- ۳-ل: به جان سپهبد؛ (لن: سپه بر سپهبد؛ ل: سپهبد سپه را)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، پ، و، لن، ب) ۴-س: باد ۵-ق: کینه ۶-ل، س: چنین روی از جنگ؛ (لن، ق، آ، لی، و، لن: بتیزی (لن، لن: بروزی؛ و: بخیره) چنین روی)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز آ) ۷-ل: برو ۸-س، ق، س: (نیز لن، لی، پ، لن، ب)؛ به: متن = ف، ل، ل (نیز ق، آ، و، آ) ۹-ق: همه ۱۰-س: آ: گران؛ ل: که اینست پیکار جنگاوران؛ ل: که ای شیرمردان و کنداوران؛ متن = ف، س، ق ۱۱-س: مگر ۱۲-س: آ: آید ۱۳-س، ق: بجایی؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۱۴-س: یکی بستری باید از تیره خاک ۱۵-ل، س: خوشان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب)؛ خویشان؛ متن = ف، س (نیز لن، لی) ۱۶-س: بسی کشته در زیر سنگ؛ ق: روان خسته از شرم و ننگ؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۱۷-ل: زیشان؛ س: (نیز ق، آ، و، آ)؛ ازیشان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لی، آ، ب) ۱۸-ف، س، ل، آ، س (نیز لن-پ، آ، ب)؛ لا جورد؛ متن = ل، ق (نیز و، لن) ۱۹-س: بدیشان ۲۰-ف، ل، ل، آ: ز؛ متن = س، ق، س ۲۱-ف، س، ق، ل، آ، س: آواز؛ متن = ل ۲۲-ق: بدان

۴۳۰ ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰.
 ۴۳۵
 ۴۴۰
 ۴۴۱

۱- ف: بدین؛ (ل، پ، و: زان)؛ متن = ل- س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س: ایران ۳- س: پدر ۴- ف: زمان شسته بود؛ (ق^۲: زمین بسته بود)؛ س، ق: بسی خسته (ق: کشته) بود و بسی بسته بود (= ۴۳۲ ب)؛ متن = ل، ل، ل، ل، س^۲ ۵- س، س: بیت های ۴۳۲-۴۲۹ را ندارند ۶- ل: کشته ۷- ل: کشته ۸- (ق^۲: بشستند)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل، ب)؛ ف: بیت های ۴۳۱ و ۴۳۲ را ندارد ۹- ل: رسته؛ (ل: و نیز بسته؛ ل، ل، آ: و نیز نایسته)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ب) ۱۰- س: چو گودرز بشنید ۱۱- ل، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل)؛ برزد؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز و، آ، ب) ۱۲- ل، س، ق (نیز ق^۲، ل، ل، ب)؛ اسبان (➔ ایشان)؛ (و: ناله او؛ آ: بانگ و غلغل)؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۱۳- س: به پیری چنین ۱۴- س: بایدت؛ ق: مانده ام؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ ۱۵- س: بران ۱۶- ل: روزگاری کجا؛ س، ق (نیز ل، ل، ل، ب، ل، س، آ، ب)؛ روزیاری که من؛ ل: روزگاری که من؛ (ق^۲: روزتاری که من)؛ متن = ف (نیز و) ۱۷- ل، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل، و، آ)؛ پسر زانجمن؛ س (نیز ل، ل، ل، ب)؛ سراجمن؛ ق: پسر زان من؛ متن = ف، ل ۱۸- ل (نیز ل^۳)؛ چنین؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹- ق: سراجمن؛ س^۲ (نیز ق^۲) پس از این بیت چهار بیت، ل تنها بیت سوم، ل^۲ سه بیت نخستین و ودو بیت نخستین را افزوده اند:

ازین رزم ها هست بر من شکست (ل: برشکر من)

چه باید مرا اندرین جا نشست (ل: نباید مرا زنده این جان و تن)

بسه زیر زمین در سواران من

نسیره پسر نیز و (ل: هم ز) خویشان من

جدا گشته از من چو بهرام بود (ل، س: پور)

چنان نامورشیر خود کام بود (ل، س: مگر کشته شد مان بیکیار هور)

کنون اندرین رزم یکپاره بود (ق: کار با جنگ و هور)

که ماندست ما را ز خویشان که بود (ق: ماندست ما را ز خویشان و پور)

۲۰- ل: خروشی بر آورد آنگه بزار؛ س^۲: خروش و فغانی (➔ خروش مغانی) بر آورد زار؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل- ب) ۲۱- ل: در؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س^۲ (نیز ل- ب)

همی گفت: اگر^۱ نوذر^۲ پاک تن
 نبودی مرا رنج و تیمار و درد
 که تا من کمر بر میان بسته ام
 هم اکنون تن گشتگان^۳ را به خاک
 ۴۴۵ سران بریده سوی تن برید
 برانیم^۴ لشکر همه همگروه
 هیونی فرستم نزدیک شاه
 بدین من سواری فرستاده ام
 مگر رستم زال را با سپاه
 نکشتی پی^۳ و بیخ من بر^۴ چمن،
 غم گشته و گرم دشت^۵ نبرد
 به دل خسته ام، گر^۶ به جان رسته ام
 پوشید جایی که باشد مفاک
 بُنه سوی^۷ کوه هماون برید
 سراپرده و خیمه بر سوی کوه
 دلش بر فرزند، فرستد سپاه^۸
 ورا پیش ازین آگهی داده ام
 سوی ما فرستد بدین رزمگاه^۹

گفتار اندر گریختن طوس به کوه هماون^{۱۲}

سپه برنشست^{۱۳} و بُنه بر نهاد
 چو خورشید تابنده بنمود تاج
 همانا که فرسنگ ده رفته بود
 بدینسان^{۱۴} همی رفت روز و شبان
 همه دیده پُر خون و دل پُر زاغ
 چو نزدیک کوه هماون رسید
 ۴۵۵ چنین گفت طوس سپهبد به گيو
 و زان^{۱۵} کشتگان کرد بسیار یاد
 بگسترد کافور بر تخت ساج^{۱۶}،
 بداندیش از ماندگی^{۱۷} خفته بود
 پُر از غم دل و ناچریده لبان
 ز رنج زمان^{۱۸} گشته چون پَر زاغ
 بر آن دامن کوه لشکر کشید،
 که ای پُر خرد نامبردار^{۱۹} نیو،

۱- س: گر ۲- ف: تودرین (نوذر)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۳- ل: سن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل^۲: تن؛ و: بر؛ آ: بن)؛
 متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۴- س، ق (نیز ل، ل^۲: ب): در؛ متن = ف، ل، ل^۲: س^۲ (نیز شش دستنویس
 دیگر) ۵- س^۲: رنج درد ۶- ق: ار ۷- ف، س (نیز ل^۲: و): خستگان (!)؛ متن = ل، ق، ل^۲: س^۲ (نیز هفت دستنویس
 دیگر) ۸- ل^۲: سپه با به ۹- ف: چه رانیم؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۱۰- ق پس از این بیت افزوده است:

بدانند که ما را چه آمد بسر
 چنين بود بر ما نبشته قدر
 که گشتم بر دشت ما بی هنر
 قدر مرد را زود آرد بسر

۱۱- ل پس از این بیت افزوده است:

وگرنه ز ما نامداری دلیر
 نماند به آوردگه بر چوشیر

بنداری (۱۵۳ - ۴۴۹): فجرت بینهم وقائع كثيرة عظيمة في أيام متواليه. و كانت آثار الدبرة تظهرفي كل يوم على الایرانیين. فنفذ طوس فارسا الى
 الملك كیخسرو، و أنهی الیه الحال، و سأله أن یمده برستم و من یقدر علیه من الجنود ۱۲- ف (چند بیت بالاتر): گفتار اندر نوحه کردن
 گودرز بر کشتگان ایرانیان و گریختن طوس بکوه هماون و آمدن پیران از پس ایشان؛ ل (چند بیت پایین تر): خبر یافتن پیران از هزیمت شدن
 ایرانیان؛ س: هزیمت شدن ایرانیان از تورانیان و رفتن بکوه هماون؛ ق: رفتن ایرانیان بهزیمت بکوه هماون و رای زدن پیران بالشکر؛ س^۲: گریختن
 ایرانیان و رفتن بکوه هماون؛ متن = ف ۱۳- ل، س، س^۲ (نیز ل، پ، و): برنشاند؛ (آ: برگرفت)؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل^۲،
 ب) ۱۴- ل: از آن ۱۵- س، ق، ل^۲: س^۲ (نیز لن- ب): عاج؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد ۱۶- ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ل، پ، و،
 لن^۲: ب): خستگی (۴)؛ (ق: کار او)؛ س: ازین جنگیان؛ متن = س^۲ (نیز آ)؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ق، ل^۲: برینسان؛ س^۲: ازینسان؛
 متن = ف، س؛ ل این بیت را ندارد ۱۸- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن- آ): روان؛ (ب: زمانه بر او)؛ متن = ف، ل^۲ ۱۹- ل: نامبردار و

سه روزست تا^۱ زین نشان رفته‌یم^۲ به خواب و به خوردن نپردخته‌یم^۳
 بناز و بیاسای^۴ و چیزی بخور به آرامش و جامه^۵ بنمای سر
 که من^۶ بی گمانم که پیران به جنگ پس ما بیاید کنون بی درنگ
 کسی را که آسوده‌تر زین گروه به بیژن همان و تو برشو به کوه

همه خستگان را سویی دز کشید همه خستگان را سویی دز کشید
 چنین گفت کین کوه سرخان^۸ ماست چنین گفت کین کوه سرخان^۸ ماست
 طلایه ز کوه اندرآمد به دشت طلایه ز کوه اندرآمد به دشت
 [خروش نگهبان و^{۱۳} آوای زنگ] [خروش نگهبان و^{۱۳} آوای زنگ]
 همانگه برآمد ز چرخ آفتاب همانگه برآمد ز چرخ آفتاب
 ز درگاه پیران برآمد خروش ز درگاه پیران برآمد خروش
 چو آتش سپهدار ترکان^{۱۶} سپاه^{۱۷} چو آتش سپهدار ترکان^{۱۶} سپاه^{۱۷}
 به هومان چنین گفت کا کنون^{۱۸} به جنگ به هومان چنین گفت کا کنون^{۱۸} به جنگ
 سواران ایران^{۲۰} همه گشته‌اند سواران ایران^{۲۰} همه گشته‌اند
 بزد کوس و از^{۲۱} دشت برخاست عو^{۲۲} بزد کوس و از^{۲۱} دشت برخاست عو^{۲۲}
 رسیدند گردان^{۲۳} بدان رزمگاه رسیدند گردان^{۲۳} بدان رزمگاه

۱- ل: سه روز و سه شب ۲- ف، ل (نیزلی): رفته‌ام؛ ل: تاختی؛ س (نیزلن، لن): رنج‌ام؛ س: (نیزو): خسته؛ ل: خسته‌ایم؛ پ: تخته‌ایم؛ تفته‌ایم؛ آ: خسته‌ام؛ متن = ق (نیزق، ب) ۳- ف، س، ل (نیزلن، لی): نپردخته‌ام؛ ل: نپرداختی؛ س: نپردخته؛ (و): نپیوسته؛ آ: نپیوسته‌ام؛ ق: نخورده بنیز ایچ نغفته‌ایم؛ متن = (ق، ل، پ، لن، ب) ۴- ل (نیزل، و): بیا و بیاسا؛ س (نیزلی، آ): بیا و بیاسای؛ ق، س: زمانی بیاسای؛ ل (نیزب): بیار و بیاسای؛ (ق): بجایی بیاسای؛ لن: بیاز و بیاسا؛ متن = ف (نیزلن، پ) ۵- ف، ل، ق: آرامش جامه؛ س، ل (نیزلی، لن): آرامش جامه؛ س: آرامش جامه؛ س: آرامش جامه؛ (نیزلن، آ، ب): آسایش و جامه؛ ل: آسایش و خواب؛ پ: آرامش و جامه؛ متن = (ق، و)؛ بنداری: استرح ساعة و تناول شینا ۶- س: کزین ۷- ف، ل، ق، ل، ز؛ متن = س، س ۸- ل، س (نیزو، لن، آ): جای؛ (لی): خوان؛ ل: کوه سرخ آن (کوه سرخان)؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ب) ۹- ل: کارها ۱۰- س، ل، س: بران ۱۱- ف، س (نیزب): بدیشان؛ ل (ازیشان)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: نیاید شکست؛ س (نیزلی، ل): نیاید گذشت؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- س: بر؛ (ق): غودیده برخاست و؛ و: غودیده بان خاست و؛ متن = ل، ق، ل (نیزآ، ب)؛ ف، س (نیزلن، لی، ل، پ، لن): این بیت را ندارند ۱۴- س، ق (نیزلن، ق، لی، پ، لن، ب): سپهد (ب: طلایه) بیامد سوی رود آب؛ (و، آ): سر پهلوان اندرآمد بخواب؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۵- ف: جنگ؛ س (نیزق): آب؛ (آ): کوه؛ ق (نیزب): که هامون برآمد به؛ متن = ل، ل، س (نیزلن، لی، پ، و، لن): ق پس از این بیت افزوده است:

یلان سپه را یککایک بخواند فراوان سخنها بریشان براند
 بدیشان چنین گفت ای سرکشان نیاید که مانند ز لشکر نشان

۱۶- ق: توران؛ س: پیران ۱۷- س: براه؛ ل این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

همه رزمگه خیمه بد بی سپاه نبودند گردان ایران بگناه (۷۱)

۱۸- ف: اکنون؛ متن = ل-س ۱۹- ل: نیاید همانا؛ ل، س (نیزق، آ): نیاشد همانا؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، ب) ۲۰- ل: دشمن ۲۱- ف، ل، س، ق، س: وز؛ متن = ل ۲۲- (ق، ب): غو ۲۳- ل، س: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل

بشد پیش^۱ پیران یکی مژده‌خواه
 به شادی برآمد ز لشکر^۴ خروش
 سپهد چُنین گفت با بخردان
 چه سازم^۷ و این را چه آرم رای^۸ ۴۷۵
 سواران لشکر ز پیر و جوان
 که لشکر گریزان شد از پیش ما
 یکی رزمگاه‌ست پُر خون و خاک
 بیاید پی دشمن اندر گرفت
 گریزان^{۱۶} چو باد اندر آید^{۱۷} به آب^{۱۸} ۴۸۰
 چُنین گفت پیران که درگاه^{۲۰} جنگ
 سپاهی بکردار دریای آب
 بمولیم^{۲۲} تا آن سپاه گران
 و زان^{۲۴} پس به ایران نمائیم کس
 بدو گفت هومان که ای پهلوان^{۲۷} ۴۸۵
 سپاهی بدان جوش و آن زور^{۲۹} و دم
 کنون خیمه و گاه و پرده‌سرای
 چنان دان که رفتن ز بیچارگی‌ست

که کس نیست ایدر^۲ از^۳ ایران سپاه
 به فرمان پیران نهادند گوش^۵
 که ای پُرهنر نامور^۶ موبدان،
 که اکنون ز دشمن تهی ماند جای^۹
 همه^{۱۰} تیز گشتند^{۱۱} با پهلوان،
 شکست آمد اندر^{۱۲} بداندیش ما
 ازیشان نه هنگام ترس‌ست^{۱۳} و باک
 ز مولش^{۱۴} سزد گر بمانی^{۱۵} شگفت
 به آید ز مولیدن اندر شتاب^{۱۹}
 شود سست پای شتاب از درنگ
 شده‌ست انجمن نزد^{۲۱} افراسیاب
 بیایند گردان و گنداوران^{۲۳}
 چُنین‌ست^{۲۵} رای خردمند و^{۲۶} بس
 مرنجان بدین کار چندین^{۲۸} روان
 شدی^{۳۰} روی دریا ازیشان دُرم،
 همه مانده بر جای و رفته ز جای،
 نمودن به ما پشت یکبارگی‌ست

۱- ل، س، س: نزد؛ متن = ف، ق، ل، ۲- س: که ایدر کسی نیست ۳- ل، س، ل: ز؛ متن = ف، ق، س، ۴- ل: ز لشکر
 بشادی برآمد؛ س: بشادی ز ترکان برآمد؛ متن = ف، س، ق، ل، ۵- س: چنان شد که برخیزد از خاک جوش (= ۶۶۶ ب) ۶- ل،
 ل: نامور پُرهنر؛ س: با گهر نامور؛ ق: نامور با گهر؛ متن = ف، س، ۷- س: ببینید ۸- ل: دانید رای؛ س: رای آورم؛ ق (نیز و): ببینید
 رای؛ ل: دارم رای؛ س: سازید رای؛ (ق، ل، آ: دارید رای)؛ متن = ف (نیز ل، ل، پ، ل، ب) ۹- ق: گشت جای؛ س: که گیتی ز
 دشمن پبای آورم؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، ۱۰- س: همی ۱۱- ل (نیز ل): تیز گفتند (در ل حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ س: آ
 (نیز پ): تیره گشتند؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، و، ب) ۱۲- س، ل: اندر آمد ۱۳- ل: بیم است ۱۴- ل، و، ل: آ
 هولش) ۱۵- ف (نیز پ): نمائی؛ ل، س: بمائی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۶- ف، ل،
 س (نیز ل، و): کز ایران؛ ل: کزیران (گریزان؟ کزیران = کزیران؟)؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، آ، ب، ل، آ، ب) ۱۷- س:
 آمد ۱۸- س: ز آب؛ (لغت شهنامه، شماره ۲۳۷۸: گریزان ز خاک اندر آیی به آب) ۱۹- (لغت شهنامه: بسی به ز مولیدن ایدر
 شتاب) ۲۰- ل (نیز و): هنگام؛ س: (نیز ق): در کار؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، پ، ل، ب) ۲۱- ل، س، ق: پیش؛
 متن = ف، ل، آ، س ۲۲- ل (نیز ق، آ، ل، ب): بمائیم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، پ- ب) ۲۳- س: جنگاوران؛ ل: گردان
 جنگاوران؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۴- ل: از آن ۲۵- س: چنین باد ۲۶- ل: [و] ۲۷- س: کای پهلوان
 جهان ۲۸- ل: خسته؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همه خسته رفتند از آنجا سپاه
 نبردش یکی را به بودن توان
 غریوان و مویان بنزدیک شاه
 برفتند ازین دشت زار و نوان
 ۲۹- س: ایمن زور؛ ل، س: زور و آن جوش؛ متن = ف، ق
 ۳۰- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، و- ب): شده؛
 متن = ل

۴۹۰ بمولیم^۱ تا نزد خسرو شوند،
 ز زاوولستان^۳ رستم^۴ آید به جنگ
 کنون ساختن^۶ باید و تاختن^۷
 چو گودرز را با سپهدارطوس
 همه بی‌گمانی به چنگ آوریم
 چُنین داد پاسخ بدو پهلوان
 چُنان کن که نیک اختر و رای تُست ۴۹۵

پس لشکر اندر گرفتند راه
 به لَهاک فرمود کاکنون^{۱۲} مه ایست!
 بدو گفت: مگشای بند از میان
 همی رفت لَهاک برسان باد
 چو نیمی ز تیره شب اندرگذشت
 خروش آمد از کوه و آوای^{۱۶} زنگ
 بنزدیک پیران بیامد ز^{۱۷} راه
 که ایشان به کوه هماون برند^{۱۹}
 به هومان بفرمود پیران که زود
 ببر چند باید^{۲۱} ز لشکر سوار
 گرا^{۲۲} ایرانیان با درفش و سپاه^{۲۳} ۵۰۵

به درگاه او لشکری^۲ نو شوند،
 زیانی بود سهمگن زین^۵ درنگ
 فسون‌ها و نیرنگ‌ها باختن^۸
 درفش همایون و پیلان و^۹ کوس،
 از آن به که^{۱۱} ایدر درنگ آوریم
 که بیدار دل باش و روشن روان!
 که چرخ فلک زیر بالای تُست

سپهدارپیران و^{۱۱} توران سپاه
 برون کرد با او^{۱۳} سُواری دویست
 ببین تا کجایند^{۱۴} ایرانیان
 ز خواب و ز خوردن نکرد ایچ یاد
 ظلایه بدیدش به^{۱۵} تاریک دشت
 ندید ایچ لَهاک جای درنگ
 بدو آگهی داد از^{۱۸} ایران سپاه
 همه بسته بر پیش راه گزند
 عنان و رکبیت بیاید بسود^{۲۰}
 ز گردانِ گردنکش نامدار
 گرفتند کوه هماون پناه،

۱- ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل^۳): نمائیم؛ (لی، و: بمائیم)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، پ، ل^۲، آ، ب؛ لغت دری، ص ۱۷۵؛ لغت شهنامه، شماره ۲۳۷۹) ۲- س^۲: لشکر ۳- ل- س^۲ (نیز ق، ل، ل^۲، پ، ل^۲، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، و) ۴- ف، ل^۲: لشکر؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن- ب) ۵- س^۲: بی ۶- ف، ل^۲ (نیز آ): تافتن (درف حرفهای یکم و سوم نقطه ندارند)؛ س، ق، س^۲ (نیز لن، لی، پ، ل^۲، آ، ب): تاختن؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، و) ۷- س^۲: آختن؛ س (نیز لن، لی، پ، ل^۲، آ، ب): بایدم ساختن؛ ق: بایدت ساختن؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، آ، و، آ، ل) ۸- ف، ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): ساختن (س، لن پساوند ندارند)؛ متن = ق (نیز لی، پ، ل^۲) ۹- ل: [و] ۱۰- ل: بد آید چو؛ س، س^۲ (نیز ق، آ، و): به آید که؛ (ل^۲: آ: نباید که)؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، ل^۲، آ، ب) ۱۱- ل: [و] ۱۲- س: کایدر ۱۳- س، ق (نیز لن، لی، پ، ب): با وی؛ (ل^۲: باید)؛ ل: بگردان عنان با؛ س^۲: برون رو کنون با؛ (ل^۲: آ: هم اکنون بروبا)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز آ، و) ۱۴- ف، س، ق، ل^۲، س^۲: کجائند؛ متن = ل ۱۵- س^۲: ز ۱۶- س: آواز ۱۷- س، ق: به؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ ۱۸- ف، ل: ز؛ ل^۲: [از]؛ متن = س، ق، س^۲ ۱۹- ل، س (نیز ل^۲، آ، ب، ل^۲): درند؛ (لی: بوند)؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، آ، ب) ۲۰- س^۲: رکابت بیاید بسود؛ س: عنان تکاور بیاید ستود (بسود)؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲؛ ق پس از این بیت افزوده است:

هم اکنون بسایدت رفتن بچنگ
 نیاید که بر ما شبیخون کنند
 نیاید که سازی برین بر درنگ
 ز خون یلان دست گلگون کنند

۲۱- ل، ل، س^۲: با خود؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن- ب) ۲۲- ف (نیز لن^۲): کر؛ ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و): که؛ (ب: از)؛ متن = ق (نیز ق، ل، لی، پ، آ) ۲۳- ل: درفش سیاه

داستان کاموس کشانی

ازین رزم رنج آید اکنون به روی
گر آن مُردری^۳ کاویانی درفش
اگر دست یابی به شمشیر تیز
من اینک پس اندر چو باد دمان ۵۱۰

خرد تیز^۱ کن، چاره‌ی این بجوی^۲!
بیابی^۴، شود روز^۵ ایشان بنفش
درفش و همه نیزه کن ریزریز
بیایم، نسازم درنگ و^۶ زمان

گزین کرد هومان ز توران^۷ سوار
چو خورشید تابنده بنمود تاج
پدید آمد از دور^{۱۰} گرد سپاه^{۱۱}
که آمد ز ترکان سپاهی پدید
به ناورد^{۱۷} جوشن پیوشید طوس ۵۱۵
سواران ایران همه همگروه
چو هومان بدید آن سپاه گران
خروشان و جوشان چو شیر ژیان
چنین گفت هومان به گودرز و طوس
سوی شهر توران^{۲۲} به کین آختن ۵۲۰
کنون برگزیدی چو نخچیر^{۲۵} کوه
نیایدت^{۲۶} ازین^{۲۷} کارگه شرم^{۲۸} و ننگ

سپردار و شمشیرزن سی هزار^۸
بگسترد کافور بر تخت ساج^۹،
عو دیدبان^{۱۲} آمد^{۱۳} از دیدگاه^{۱۴}
به ابر سیه^{۱۵} گردشان برسید^{۱۶}
برآمد دم بوق و آوای کوس
رده برکشیدند بر^{۱۸} پیش کوه
گراییدن گرز و تیغ سران^{۱۹}،
میان سپاه اختر کاویان^{۲۰}،
کز ایران^{۲۱} برفتید با پیل و کوس،
بدان^{۲۳} زور^{۲۴} لشکر برون تاختن،
شده‌ستی ز گردان توران ستوه
خور و جنگ^{۲۹} و آرام بر کوه و سنگ^{۳۰}؟

- ۱- ف: تیره (!)؛ متن = ل-س (نیزلن-لن، ب) ۲- ل، س: کارجوی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق-لن، ب) ۳- ل (نیزل)؛
مرد با؛ ل: مرددی (مردری)؛ (لن: نوذری → مردری؛ لی: مژده → مردری)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ق، ب) ۴- ل، س: بیاری؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۵- ل (نیزق، ل)؛ روی؛ متن = ف، س، ق، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۶- س: بره بر ۷- ل، س: لشکر؛ س، ق (نیزق)؛ ترکان؛ متن = ف، ل (نیزلن، لی، پ، و، لن، ب) ۸- ل، س (نیزپ)؛ ز گردان (پ: دلیران) گردنکش نامدار؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ق، لی، ل، آ، و، لن، ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:
ز گردان توران تنی سی هزار همه جنگجوی و همه نامدار
- ۹- ل، س، ق، س (نیزلن-ب)؛ عاج؛ متن = ف، ل، س: در اینجا سرنویس دارد: آمدن تورانیان از بی ایرانیان بکوه هومان ۱۰- ل: کوه ۱۱- ل: سپاه ۱۲- ل، ل، آ، س: دیده‌بان ۱۳- ل: دیده برخاست ۱۴- ل، ل، آ، س: دیده‌گاه ۱۵- س: بایران سپه ۱۶- ل (نیزق)؛ برکشید؛ س، ق، س (نیزلی)؛ بردمید؛ متن = ف، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۷- ل، ق (نیزلن، لی، پ، لن، ب)؛ چوبشید؛ س: بفرمود و؛ ل، آ، س (نیزق)؛ بیاورد (بناورد؟)؛ (ل: بغزید و؛ و، آ: همانگاه)؛ متن = ف: بناورد (بناورد؟) ۱۸- س: در؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- (لن: وسنان؛ ل: بران)؛ ف (نیزآ)؛ تیغ و گرز گران (پساوند ندارد)؛ (ق: گرزهای گران (پساوند ندارد))؛ ل: تیغ و گرز سران؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلی، پ، لن، ب) ۲۰- ل این بیت را ندارد ۲۱- ف (نیزلن)؛ گریزان؛ (ق، و: از ایران)؛ متن = ل-س (نیزشش دستنویس دیگر) ۲۲- ل: ترکان ۲۳- س، س: بران؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۴- ف، س (نیزلی، پ، لن، آ)؛ روز؛ ل، س (نیزق)؛ روی؛ (و، آ: گونه)؛ متن = ق، ل (نیزلن، ل، ب) ۲۵- ف-س (نیزلن-ب)؛ نخچیر ۲۶- ق: نباشد ۲۷- ل: زین؛ ل، آ: از ۲۸- ل، س (نیزو، آ)؛ کار خود شرم؛ س: شرم و نه نام؛ ق (نیزلن-ب، لن، آ، ب)؛ کارتان شرم؛ متن = ف، ل ۲۹- ل، س، ق، س (نیزق، و، لن، آ)؛ خواب؛ (ل: خورد)؛ متن = ف، ل (نیزلن، لی، پ، ب) ۳۰- ل: کوه سنگ؛ س: در کوه و آرام و جنگ

۵۲۵ چو فردا برآید زکوه آفتاب،
بدانی^۲ که این چاره^۳ بیچارگیست
هیونی به پیران فرستاد زود
دگرگونه بُد زآنک^۴ انداختیم
همه کوه یکسر سپاهست و کوس
چُنان کن که چون بردمد چاک روز
تو ایدر بوی ساخته با سپاه

کنم زین حصار تو دریای آب^۱،
برین^۴ کوه خاراه^۵ بیاید گریست
کز اندیشه پیگار جزگونه بود^۶
بریشان همی تاختن^۸ ساختیم
درفش از پسِ پشتِ گودرز و طوس
پدید آید از^۹ چرخ گیتی فروزه،
شده روی هامون ز لشکر سپاه

گفتار اندر آمدن پیرانِ ویسه بنزدیک هومان^{۱۰}

۵۳۰ فرستاده نزدیک^{۱۱} پیران رسید
بیامد شب تیره هَنگام خواب
چو خورشید از آن^{۱۲} چادر نیلگون^{۱۳}
سپهبد به کوه هماون رسید
به هومان چُنین گفت کز رزمگاه
شوم تا^{۱۷} سپهدار ایرانیان
به کوه هماون که دادش نُوید؟
بیامد بنزدیک ایران سپاه
خروشید کای نامبردار طوس
کنون ماهیان اندرآمد به پنج

بجوشید چون گفتِ هومان شنید
همی راند لشکر بکردار آب
غمی شد^{۱۴}، بدرید و آمد برون،
ز گرد سپه شد زمین^{۱۵} ناپدید
مجنب و مجنبان زمانی^{۱۶} سپاه،
چه دارد به پای^{۱۸} اختر کاویان؟
بدین بودن^{۱۹} اکنون چه دارد امید؟
سری پُر ز کینه، دلی پُر گناه^{۲۰}
خداوند پیلان و گوپال^{۲۱} و کوس،
که تا تو همی رزم جویی به رنج

۱- ق (نیزی، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

فرود آرمت من ز کوه بلند
فرستم بنزدیک افراسیاب
دو دستت ببندم به خمِ کمند
جدا گشته از خورد و آرام و خواب

۲- س: ندانی ۳- ف: کار؛ ل (نیز ق، آ، ل، آ): جای؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۴- س: بران ۵- ق: به بیچارگان بر ۶- ف: پیگار چه گونه بود؛ س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): پیکار ما را (پ: ما بر) چه بود (س: سود)؛ ل، آ: پیکار برباد بود؛ ل، س (نیز ل، و، ب): که اندیشه ما دگرگونه بود؛ متن = ق (نیز ق، آ، آ) ۷- ل، س، س، آ: بود آنچه؛ ق، ل (نیز ل، آ): بد آنک؛ (ق: آ: بد آنکه؛ ب: بد زآنکه)؛ متن = ف (نیز لن، لی، و، ب) ۸- س: انجمن ۹- ف: آن (از) ۱۰- ف: گفتار اندر آمدن پیران ویسه بنزدیک هومان بکوه هماون پس گودرز و طوس و مناظره کردن او با طوس و گودرز؛ س: آمدن پیران ویسه بکوه هماون از پی ایرانیان؛ س: آمدن پیران بنزدیک هماون بایران (!)؛ متن = آغاز ف ۱۱- س: چون پیش ۱۲- ل، ل، آ: زان ۱۳- ل: قیرگون؛ ل، آ: آبگون؛ متن = ف، س، ق، س، آ ۱۴- س: همی شب ۱۵- ل: کوه شد؛ (ق: شد هوا؛ ل، آ: شد جهان)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۶- ل (نیز ل، آ): از ایدر؛ ق: زمانی مجنب و مجنبان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷- ق: با ۱۸- ل، س، آ: یا؛ ق: سخن گویم از ۱۹- ف، ل، آ: برین بود و؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز لن - ب) ۲۰- ق: کینه خواه ۲۱- (ل - ب: کوبال)؛ ق، ل، آ، س: کوبال و پیلان

<p>بدان رزمگه بر همه^۱ بی سرند پُر از داوری دل، پُر از کینه سر به دام اندرآیی همان^۲ بی گمان^۳ که من بر دروغ تو دارم^۴ فسوس ز بهر سیاوش میان مِهان^۵ بر مرد سنگی نگیری^۶ فروغ از آن بر هماون کشیدم سپاه بیاید زمان تا زمان ناگهان چو دستان و چون رستم پیل تن نمانم^{۱۲} به توران برویوم و رُست نه گاه^{۱۳} فریست و روز^{۱۴} کمین فرستاد و بر کوه بگرفت^{۱۶} راه سپهبد سُوی چاره‌ی جنگ شد که ما را پی کوه باید سپرد نبندند ازین پس به کینه^{۲۰} میان نکرده‌ست^{۲۲} با باد کس رزم یاد</p>	<p>۵۴۰ ز گودرزیان آنکجا مهترند تو چون غرم رفته‌ستی اندر کمر گریزان و لشکر پس اندر دمان چنین داد پاسخ سرافرازطوس پی کین تو افگندی اندر جهان بدین ساز و^۶ چندین فریب و دروغ^۷ ۵۴۵ علف تنگ بود اندر آن^۹ رزمگاه کنون آگهی شد به شاه جهان بزرگان لشکر شدند^{۱۰} انجمن چو جنبیدن شاه گردد^{۱۱} درست ۵۵۰ کنون کامدی کار مردان بین چو بشنید پیران، ز هر سو^{۱۵} سپاه بریشان چو راه علف تنگ شد چنین گفت هومان به پیران^{۱۷} گرد یکی رزم^{۱۸} سازیم کایرانیان^{۱۹} ۵۵۵ بدو گفت پیران^{۲۱} که بر ماست باد</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل، س^۲ (نیز ق، ل، آ)؛ رزمگاهت همه؛ ق: بدین رزمگه بیشتر؛ (ب: دو بهره بدان رزمگه)؛ متن = ف، س (نیز ل، ی، ب، و، ل، آ)؛ ل: این بیت را ندارد ۲- ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ)؛ همی؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ب) ۳- ق: ناگهان ۴- س، ل، آ؛ آرم؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

ز گفتار باوه نداری تو شرم	بدامت نیایم بگفتار نرم
مبادا بگیتی چو تو پهنوان	نزیبید ترا افسر خسروان

۵- ق: پس از این بیت افزوده است:

به سوگند او را بپسنداختی	جهانی به کینش برافراختی
ز بهر تو ماند او به توران زمین	از آن ماند اکنون جهان پرز کین

۶- ق: سان و؛ س: س؛ (و: رای)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ق، ی، ل، آ، ب) ۷- ل: برین گونه تا چند گویی دروغ ۸- س: (نیز ق، ل، ل، ل، ل)؛ نکیرد؛ ل: دروغت بر ما نکیرد؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، ی، ب)؛ س: بیت های ۵۴۵-۵۴۷ را ندارد ۹- ف: اندرین؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ ۱۰- س: شونید ۱۱- ل: کردم ۱۲- س: بمانم (!) ۱۳- س: کار ۱۴- س: گاه ۱۵- س: دو ۱۶- ل، س، س: بگرفت بر کوه؛ متن = ف، ق، ل، ل، س، ل، آ، س (نیز ل- ل، آ، و- ب) پس از این بیت و ق: پس از بیت سپسین افزوده اند (درس لت ها پس و پیش شده اند):

به (س، ق، ل، ق، آ، ی، ل، ب، ز) هر سوز توران (س، ل، ل، ل، سواران) بیامد گروه

سپاه انجمن گشت (ل، س، ق، س، س) کسرد) بزرگ گرد کوه

ف: این بیت را ندارد (و پ: در اینجا چند بیت افتادگی دارد) ۱۷- ق، س: پیران به هومان ← ۵۵۵ (آ) ۱۸- ل، س: جنگ؛ ق: کار؛ متن = ف، س، ل، آ ۱۹- س، ق، ل: سازیم که ایرانیان؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۰- ل: کمر بر ۲۱- س، ق: هومان ← ۵۵۳ (آ)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۲۲- ق: نیابورد

شود تیره^۳ دیدار^۴ پرخاشخر
کسی سنگ^۵ خارا ندارد نگاه
از آن^۶ پس نجویند^۷ پیگار ما
نه هنگام پیگار و آرایش^۸ ست^۹

به دست^۱ پیاده بیچند سر^۲
چو راه علف تنگ شد بر سپاه
همه صدصد آید^۳ به زهار ما
بریشان کنون جای بخشایش^۴ ست

سر سرکشان خیره^{۱۱} گشت^{۱۲} از فسوس
که ما را کنون جنگ شد ناگزیر
به^{۱۳} یکسو گشاده رهی بیش نیست
چنین چند باشد سپه گرسنه؟
پدید آید آن چادر لاژورد^{۱۴}،
ز بالا شدن سوی دشت نبرد
بسازیم تا چون بود یار^{۱۵} بخت
وگر تاج گردنکشان^{۱۶} برنیم
یکی خاک یابد، یکی تاج و گاه^{۱۷}
سرش بود^{۱۸} پُر درد و کین^{۱۹} کهن
دگر سو^{۲۰} به شیدوش و خراد^{۲۱} گرد
بسی پند و اندرزها کرد یاد

رسید این^{۱۰} سگالش به گودرز و طوس
چنین گفت با طوس گودرز پیر
سه روز ار بود خوردنی، بیش نیست
نه خیمه، نه خرگه^{۱۱}، نه بار و بُنه
کنون چون شود روی خورشید زرد
بباید گزیدن سواران^{۱۲} مرد
بسان شبیخون یکی رزم سخت
اگر یک بیک تن به کشتن^{۱۳} دهیم!
چنین ست فرجام آوردگاه
ز گودرز بشنید طوس این سخن
ز یکسوی لشکر به بیژن سپرد
درفش خجسته به گُسته^{۱۴} داد

۵۶۰

۵۶۵

۵۷۰

۱- ل: ز جنگ؛ س^۲ (نیز ل، و): ز دست؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ن، آ) ۲- ف بیچیده سر: ل، س: بیچید سر: ق (نیز ل): چو بیچد سپر: ل، س^۳ (نیز لن، ق، ل، ن، آ): بیچد سپر: متن = (ل، ب، و) ۳- ف، ق، س^۴ (نیز ل، و): خیره: ل، آ: دیده: متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ن، آ) ۴- س^۵: در جنگ؛ در ق پس از این بیت، بیت ۵۵۹ آمده است ۵- ل (نیز ل): کوه: متن = ف، س، ق، ل، س^۶ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ل، ق (نیز لن، ل، ب، ل، ن، آ): همه لشکر آید: ق: بیایند یک یک: و، ب: بیایند یکسر: متن = ف، ل، س^۷ ۷- ل، ق، س^۸: ازین: متن = ف ۸- ل: بیایند و جویند: س این بیت را ندارد: ق (نیز لن، ل، ب، ل، ن، آ) (ب) پس از این بیت افزوده اند:

برآسایند این کشور از داوری
نکوبند ازین پس در مهتری
به توران نیارد گذر کرد کس
به ایران نمائیم کس شاد پس

۹- س: آسایش است؛ در ق این بیت پس از بیت ۵۵۶ آمده است ۱۰- ل: آن ۱۱- ل: تیره ۱۲- ف: شد؛ متن = ل، س^{۱۳} ۱۳- ل: ز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^{۱۴} ۱۴- ل (نیز ق): نه خورد و نه چیز: متن = ف، س، ق، ل، آ، س^{۱۵} (نیز لن، ل، ب): درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ف، س، ق، ل، س^{۱۶} (نیز لن، ب، ب): لاجورد: متن = ل (نیز و، ل، ن، آ) ۱۶- ق: رای؛ س^{۱۷} (نیز آ): کار؛ ق: روز؛ متن = ف، ل، س، ل، س^{۱۸} (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷- س: نهم (بساوند ندارد) ۱۸- س: گردنکشی ۱۹- س، ق: چرخ و ماه؛ س: تخت و گاه: متن = ف، ل، ل، ل، س^{۲۰} ۲۰- ل: سرش گشت؛ س: دلش بود؛ ق: دلش گشت؛ متن = ف، س^{۲۱} ۲۱- س: پسر کین و درد؛ ق: پسر خون ز کین؛ س: پردرد کین؛ متن = ف، ل، ل، س^{۲۲} ۲۲- ف، ل، آ: ز یکسو: متن = ل، س، ق، س^{۲۳} (نیز لن - ب) ۲۳- ف: خرداد؛ س: رهام؛ ق (نیز ب): فرهاد؛ متن = ل، ل، س^{۲۴} (نیز لن - آ): س: خراد و شیدوش

گفتار اندر تاختن طوس و گیو و رهام بر سر ترکان^۱

<p>نهادند بر یال^۳ گرز گران چو آتش به قلب سپه برزدند^۴ خروشی برآمد بلند از سپاه دل رزجویان پر از بیم شد نشست از بر تازی اسپه سیاه^۵ بسی بیهش از رزم برگشته دید یکی بانگ زد تند بر لشکرش شما را ز کین هیچ^۶ مایه نبود؟ به آوردگه جای رفتن^۸ بدست سپرهای چینی به سر درکشید^{۱۱}</p>	<p>خود و گیو و رهام^۲ و چندی سران به سوی سپهدار پیران شدند چو دریای خون شد همه رزمگاه ۵۷۵ درفش سپهد به دو نیم شد چو بشنید هومان خروش سپاه پیامد ز لشکر^۷ بسی کشته دید فروریخت از دیده خون بر برش چنین گفت کاید رطلایه نبود؟ به هر یک از ایشان ز ما سیصدست ۵۸۰ بجوشید و^۹ گوپالها^{۱۰} برکشید</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ف: گفتار اندر تاختن آوردن طوس و گیو و رهام و پهلوانان ایران بر سر ترکان و گرفتن ترکان ایشان را؛ س: رزم ایرانیان و تورانیان در کوه هماون؛ ق، س: شیخون کردن ایرانیان بر تورانیان؛ ل: شیخون کردن گودرز و طوس بر پیران؛ متن = ف ۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب): گودرز؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز شش دستنویس دیگر) ۵۹۳ ۳- ف، س: بال؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز ل، ب) ۴- ق (نیز ل، ب، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

<p>جهان گشت چون روی زنگی سپاه مبارز همی خورد بر خود دریغ بتوفیید از درد بر خویشتن به تن لرز لرزان به قامت دوتاه کزین کارزارست مان کارزار سران را شده سربه تن بر گران</p>	<p>ز هم بردیدند آن قلبگاه چو برفی درفشان بدی عکس تیغ بلرزید بر کوه و دشت اهرمن هزیمت شد از بیم آن رزمگاه 5 بنفرید بر گردش روزگار ز بس تیغ گردان و تیر سران</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۵- در س این بیت پس از بیت ۵۷۳ آمده است ۶- س: چو هومان ز لشکر؛ ل: که از لشکر خود؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

<p>ز بس خون که بردشت دید اوروان ندارد چنین کاربزدان روا</p>	<p>فرومانند و گفتی برفتش روان که گشتی بر آن خون یکی آسیا</p>
--------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------

۷- ل: ایچ ۸- ل (نیز و): خواب و خفتن؛ ق: رفتن اکسنون؛ ل، س: بود غافل؛ ق، ل، آ: خواب و خوردن؛ متن = ف (نیز ل، ب، ل، ب)؛ س این بیت را ندارد؛ ق (نیز ل، ب، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

<p>نباید که گیرند ما از زبون چنین رزم هرگز که دارد بیاد کنون نیزه و گرز بسایند زدن ندانی چه گفستست مرد دیر 5 ز جان خیزد اندر جهان ترس و بیم مدارا نگر تا نداری بکار</p>	<p>نباید که خوانند بر ما فسون که دشمن ز ما گشت یک رویه شاد همه چشم دشمن به تیر آردن که جان را نگر تا نداری تویر (بیر، بویر) دل از بیم وز غم شود بر دو نیم مدارا نه نیکو بود کارزار</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۹- ل، ق، ل، س: (نیز ل، ب)؛ هلا تیغ و؛ متن = ف ۱۰- (و، ب، ل، آ، ب): کوپالها؛ ق: همه تیغ پولاد را) ۱۱- ق: برکشید

ز هر سو بریشان بگیرید راه
رهایى نباید که یابند هیچ
کنون کز ابره برکشد تیغ ماه،
بدیشان چه باید^۳ درنگی^۴ بسیج

برآمد خروشیدن گره‌نای^۵
گرفتندشان یکسر^۶ اندر میان
۵۸۵
چنان آتش افروخت از ترگ^۸ و تیغ
شب تار و^{۱۰} شمشیر و گرد سپاه^{۱۱}
ز جوشن تو گفתי به بار^{۱۲} اندرند
به لشکر چنين گفت هومان که بس!
همه پیش من دستگیر آورید
۵۹۰
چنين گفت لشکر به بانگ بلند
دهیم^{۱۵}، اربه گرز و به ژوپین^{۱۶} دهیم^{۱۷}،
چنين گفت با گيو و رهام^{۲۰} طوس
مگر کردگار سپهر بلند
۵۹۵
وگرنه^{۲۲} به پتر^{۲۳} عقاب اندریم
يکي حمله کردند^{۲۵} هر سه بهم
برآمد ز توران^{۲۶} سپه کوس و نای

۱- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، لی، لن، آ، ب): از؛ متن = ل (نیز ل، ب) ۲- ق: رهایى نباید که یابد سپاه (= ۵۸۳ آ)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

شب تار و شمشیر و گرد سپاه (= ۵۸۷ آ) کنون از بره برکشد تیغ ماه (= ۵۸۲ ب)
۳- ل: بدینسان چه باید؛ س (نیز لن، لی، ب، لن، آ): ازیشان که یابد؛ ق: برایشان چه باید؛ ل: برایشان که یابد؛ س: بدیشان که ماند؛ (ق، آ)
۴- ل: برایشان نباید؛ ب: ازیشان که باید؛ متن = ف (نیز و، آ) ۴- ل- س^۲ (نیز لن- ب): درنگ و؛ متن = ف ۵- ف، ل، س: کز نای؛
متن = ق، ل، آ، س^۲ ۶- ل، س، ق (نیز ق، آ، لی، ب، لن، آ، ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز آ) ۷- ف، ل، آ، س: جمله؛ متن = ل، س، ق
(نیز لن- ب) ۸- س: گرز ۹- س، ق، ل، آ، س: هـوا؛ متن = ف، ل ۱۰- ف: [و]؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۱- س (نیز ل): سپاه؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- ل: خواب؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی- ب) ۱۳- ل: بیت‌های ۵۸۹ و ۵۹۰ را ندارد ۱۴- ف، س، ل^۲ (نیز لن، ب): چیست بند؛ س: چیست پند؛ (لی: کیست بند)؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، ل، ب، و، آ) ۱۵- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، آ): دهید؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ب) ۱۶- س: خنجر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: زوبین ۱۷- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب): دهید؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز و، آ، ب) ۱۸- س: بر سر افسر ۱۹- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب): نهد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز و، آ، ب) ۲۰- ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ): با گيور رهام و؛ ق: با گيو گودرز و؛ (لن: رهام با گيو و)؛ متن = س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۱- ل، ق (نیز ق، آ، ب، آ، ب): زین؛ س (نیز لن، لی، ل، آ): از؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز و، لن^۲) ۲۲- ل: اگر نه ۲۳- ل، ل، ل^۲ (نیز و): چنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (آ: جرم)؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۴- س: وگرنه بدریای قار (بساوند ندارد) ۲۵- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، آ): بردند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۲۶- س (نیز لن، لن، آ، ب): ز بانگ؛ ق: ز قلب؛ (ق، آ، لی، ل، آ، ب، و، آ: ز هر دو)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲؛ ل این بیت را ندارد

ندیدند کس یال اسپ و عنان
چنین گفت هومان به آواز تیز
برانگیخت^۲ از جایان بخت بد ۹۰۰
ز تنگی به چشم اندرآمد سنان
که نه جای جنگست و راه^۱ گریز
که تا بر تن بدگش^۳ بد رسد

سه جنگاور و خوارمایه سپاه^۴
فراوان ز رستم گرفتند^۷ یاد
ز شیدوش و از^{۱۰} بیژن و گشته^{۱۱}
که باری کسی را از^{۱۱} ایران سپاه
نه ایدر به پیگار و جنگ آمدیم ۹۰۵
دریغ آن در و گاه شاه جهان
تهمن به زاولستان^{۱۵} است و زال
همی آمد آوای^{۱۷} گوپال^{۱۸} و کوس
چنین شیدوش و گشته^{۱۹} شیر
[به بیژن گرازه همی^{۲۱} گفت باز ۹۱۰
هوا قیرگون و زمین^{۲۳} آبنوس
برفتند گردان بر آوای^{۲۶} اوی
ز گردان نبد نیزه ور یک سوار^{۲۸}

بماندند بمیان آن^۵ رزمگاه^۶
کجا^۸ داد هر جای در جنگ^۹ داد
بسی یاد کردند بر بیش و کم
بُدی یار ما^{۱۲} اندرین رزمگاه
که خیره^{۱۳} به کام نهنگ آمدیم
که گیرند ما را مگر^{۱۴} ناگهان
شود کار ایران کنون تال و مال^{۱۶}
به لشکر همی دیر شد گیو و طوس
که شد کار^{۱۹} پیگار سالار^{۲۰} دیر
که شد کار سالار لشکر^{۲۲} دراز]
همی آمد از دشت آوای^{۲۴} طوس^{۲۵}
ز خون بود هر جای بر دشت^{۲۷} جوی
همه^{۲۹} گرزور بود و شمشیردار

۱- ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، لن، آ): جای (؟)؛ متن = ل، س (نیزق، آ، ل، پ، و، ب) ۲- ف: بسنگیخت؛ متن = ل، س (نیزلن-
ب) ۳- س: بدگمان ۴- س: سوار ۵- ل: یکسر بدین؛ س: خیره در آن؛ ق: در پیش آن؛ (و، آ: در قلب آن)؛ س: بماند چنین
اندرین؛ (لن، لی، پ، لن: بمانده میان چنان؛ ق: بماند از بزرگان آن)؛ متن = ف، ل (نیزب) ۶- س: کارزار ۷- س: ز رستم گرفتند
بسیار ۸- ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب): که او؛ متن = ل ۹- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل-ب): در جنگ هر جای؛ متن = ف،
ل، آ، س (نیزلی) ۱۰- ل-س: وز؛ متن = ف ۱۱- ف، ل، آ، س: ز؛ متن = س، ق ۱۲- ل: یارمان؛ ق: یاد ما؛ متن = ف،
س، ل، آ، س ۱۳- س: تازان ۱۴- س، ق (نیزل، ق، آ، پ، لن، آ، ب): کنون؛ ل، آ، س (نیزو): بی ما کنون؛ (ل: بر ما همی)؛
متن = ف ۱۵- س، ق (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، و) ۱۶- ق (نیزو): پایمال؛ س: آ: در
زوال؛ (ل: بی همال)؛ (ق: ایشان کنون پایمال)؛ س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): شهر ایران کنون بر (پ، لن، آ، ب: پر) و بال؛ ف، ل: کنند این
بر و بوم بر ما و بال (ل: ما همچو مال)؛ متن = ل (نیزآ) ۱۷- ف، س، ق، ل، آ، س: آواز؛ متن = ل ۱۸- (پ-ب):
کوپال) ۱۹- س، ل، آ، س: کارو؛ متن = ف، ل ۲۰- ق: که گردان ایران بماندند ۲۱- ق: همین ۲۲- ق: گیتی؛ ف (نیز
و) این بیت را ندارند ۲۳- ق: زمین قیرگون و هوا ۲۴- ق: آواز ۲۵- ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب): کوس؛ متن = ف (نیز
ق)؛ س این بیت را ندارد ۲۶- س، ل، آ، س: به آواز؛ ق: بر آواز؛ متن = ف، ل ۲۷- س: در دشت؛ ل، ق، ل: بر دشت هر جای؛
متن = ف، س؛ ل (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز گردان نیوز نیروی جنگ (ق: آوای زنگ؛ لن، لی، پ، لن، آ: همه همگروه تاختندی به جنگ)

تو گفتی برآمد ز دریا (لن، ق: ز دریا برآمد) نهنگ

ف، س، ق، ل، آ، س (نیزو، ب) این بیت را ندارند ۲۸- ل (نیزق): بدانست هومان که آمد سوار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-
ب) ۲۹- ل: هوا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب)

<p>همی برخروشید برسان^۱ کوس بلندی که دانست باز از نسیب چو پیدا شد از چرخ گیتی فروز، کشیدند لشکر سوی کوه و سنگ^۲ که از گردش هور^۳ تا زخم کوس، ز گنداوران هیچ^۴ نشنیده‌ام به دلش اندرون آتشی نو رسد ز شیران یکی نامدار^۵ انجمن به دیدار کیخسرو آید نیاز^۶ بگوم به پیروز^۷ شاه جهان بیایم یکسر بر از^۸ روزگار</p>	<p>چو دانست کامد ورا یار طوس سبک شد عنان و گران شد رکیب^۹ همی^{۱۰} رزم^{۱۱} جستند تا پاک^{۱۲} روز سپه بازخواندند گردان^{۱۳} ز جنگ به گردان چنین گفت سالارطوس سواری چنین کز شما دیده‌ام چو نامه بنزدیک خسرو رسد به یاری بیاید گو پیلتن به پیروزی و کام^{۱۴} گردیم باز سخن هر چه^{۱۵} رفت آشکار و نهان به خوی و خشنودی شهریار</p>	<p>۶۱۵</p> <p>۶۲۰</p>
<p>ز پیگار بی‌کام^{۱۷} دم برزدند، به دشت^{۱۸} دلیران پرخاشجوی ز گشته ندید ایچ^{۱۹} بر دشت راه</p>	<p>چو^{۱۶} لشکر به خیمه فرود آمدند طلایه برون آمد از هر دو روی چو هومان رسید اندر آوردگاه^{۲۰}</p>	<p>۶۲۵</p>

۱- س: مانند ۲- س: رکاب (پساوند ندارد) ۳- ل: یکی ۴- س: جنگ ۵- ل: (نیز ق، ل، آ، ۳): چاک؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۶- ل: بازگشتند یکسر؛ (ق: بازگشتند و گردان؛ ل: بازگردید یکسر؛ آ: بازرانند یکسر)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۷- ل: (نیز ل، آ): کوه تنگ؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): کوه سنگ؛ متن = ف (نیز ق، آ، پ) ۸- ل: مهر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، پ- ب) ۹- ق: ز گردنکشان نیز؛ ل: پس از بیت ۶۱۹ چهار بیت و ف، س^۲ تنها بیت چهارم را افزوده اند:

که چشم بدان دور دارد درست
شما را برون آمدن زان میان
پس ما بیایند لشکر چودود
که تا گویدش آشکار و نهان

ز یزدان پاکیزه خواهم نخست
پناهیم بدویست تا جاودان
امیدم بدویست هر چند زود
فرستاده‌ام نزد شاه جهان

ل (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ) پس از بیت ۶۱۹ افزوده اند:

یکسی نامه بناید که زی شه کنیم

ز کارش همه جمله (ل، ن، پ، ل، ن، آ: بگویم و از کارش) آگه کنیم

س، ق (نیز ل، ل، آ، و، ب) هیچیک از این بیت‌ها را ندارند ۱۰- س: نامور ۱۱- ل: از رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، ی، پ- ب) ۱۲- س: بیدار گردان گردن‌فراز ۱۳- ل، س: هرچ ۱۴- ق: یکایک بگوم به ۱۵- ف: برو؛ ل (نیز ق، آ): باشد بکام شاه؛ ق: بیایید یکسر برآز؛ س^۲ (نیز و، آ): گذارم یکچندگه؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، پ، ب)؛ ق (نیز ب، ل، ن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بگفتند و رفتند برسوی کوه
بنزد سواران ایران گروه

۱۶- ل، ق (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ): دو؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۷- ل (نیز ل، آ): یک بار؛ ق: ناکام؛ (ق، آ، ل، و: یک باره)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۸- ل: بدشت از؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۹- ل: اندر آن رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۲۰- ق: نبده هیچ

به پیران چُنین گفت کامروز گرد نه بر آرزو^۱ رفت گاه^۲ نبرد
چو آسوده گردند گردان ما ستوده^۳ سواران و مردان ما،
یکی رزم سازم که خورشید و ماه ندیده ست^۴ هرگز چُنان رزمگاه

گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر^۵

و زان^۶ پس که^۷ آمد به خسرو خبر که پیران شد از رزم پیروزگر،
- سپهبد به کوه هماون کشید ز لشکر بسی گرد شد ناپدید،
در کاخ گودرز گشوادگان تهی شد ز گردان و آزادگان،
ستاره بریشان^۸ بنالد^۹ همی به پالیز گلبن بنالد^{۱۰} همی،
ازیشان جهان پُر ز خاکست و خون بلند اختر طوس گشته نگون-
بفرمود تا رستم پیل تن خرامد به درگاه و آن^{۱۱} انجمن
برفتند از^{۱۲} ایران همه بخردان جهان دیده و نامور موبدان
سر نامداران زبان برگشاد ز پیگار لشکر بسی^{۱۳} کرد یاد
به رستم چُنین گفت کای سرفراز بترسم که این دولت دیر یاز،
همی سر گراید^{۱۴} به سوی نشیب دلم شد ز کردار^{۱۵} او پُر نهب
توی^{۱۶} پروراندهی تاج و تخت فروغ از تو گیرد جهاندار^{۱۷} بخت
دل چرخ در نوک شمشیر تُست سپهر و زمین و زمان^{۱۸} زیر تُست
بکندی^{۱۹} دل و مغز دیو سپید زمانه به مهر تو دارد امید
زمین گرد رخس ترا چاگَرست^{۲۰} زمان بر تو بر^{۲۱} مهربان مادرست

۱- ل: آرزوی ۲- ل: گشت کار؛ س: گشت کرد؛ ق (نیز لن، ق، پ، ل، ن، آ): گشت گاه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و) ۳- ق: نبرده
۴- ق: نبینند؛ بنداری (۵۳۲ - ۶۳۰): فوصل پیران فی جمیع عساکره عند غروب الشمس فنزلوا امام الجبل حتی أصبحوا. ففرق پیران العساکر، و وكلهم بحفظ الطرق علیهم، و سد المسالك الیهم. فأحدقوا بذلك الجبل، و قطعوا عنهم الماده و المیره. و كانوا ينزلون و یقاتلون العدو، و الحرب بینهم سجال ۵- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از طوس و گودرز و گودرز (!) و لشکر ایران و گریختن ایشان به کوه هماون؛ ل: خبر یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر؛ س: خبر یافتن کیخسرو از حال ایرانیان و فرستادن رستم بیاری ایشان؛ ق: آگاهی یافتن کیخسرو از شکسته شدن طوس و لشکر؛ س: خبر یافتن کیخسرو از حال ایرانیان و فرستادن رستم بمد ایشان؛ متن = ف، ل ۶- ل: از آن ۷- ل، س، آ، (نیز ل، و، آ، ل): چو؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ل، ب) ۸- ل: بدیشان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۹- ل: بنالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بنالد (نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۰- ف (نیز لن، آ، ب): بنالد؛ س: بنالد (نقطه ندارد)؛ ل: بنالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ل، ب، ب، ب، ب): کینه بنالد؛ ق: کینه بنالد؛ (ق: لبل بنالد)؛ ل: بیالیشان خون نالد (واژه پسین نقطه ندارد)؛ متن = س (نیز پ، لن، آ) ۱۱- ف: [و] آن؛ ل- س (نیز لن، ق، ل، و، آ، ب): [و] با؛ متن = ل (نیز پ، لن، آ) ۱۲- ل: ز ۱۳- س، ق، س، آ: همی؛ متن = ف، ل، ل، آ ۱۴- ل (نیز ق، آ): برگراید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵- ف: کردان؛ (ب: پیکار)؛ متن = ل- س (نیز لن- آ) ۱۶- س، ق، س، آ: تویی؛ ل: توانی؛ متن = ف، ل ۱۷- ل: جهاندار و ۱۸- ل، س: زمان و زمین؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۹- ل: تو کندی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۰- ل: زمین یاورست ۲۱- ل- س (نیز لن- پ، ل، ن، آ، ب): چون (آن نخست برداشته و آنرا به چون تصحیح کرده است)؛ متن = ف

ز گرز تو ناهید گریان ^۲ شود	ز تیغ تو خورشید بریان ^۱ شود	۶۴۵
به روز بلا گردد از جنگ سیر	ز پرّ و ز ^۳ پیکان ^۴ کِلکِ تو شیر	
به ایران نکرد ایچ دشمن ^۵ نگاه	تو تا برنهادی به مردی کلاه	
فراوان ازین مرز گنداوران،	کنون طوس و گودرز و گیو ^۶ و سران	
گریزان ز گردان ^۷ افراسیاب	همه دل پُر از خون و دیده پُر آب	
شده خاک، بستر ز ^۸ دشت نبرد	فراوان ز گودرزبان گُشته مرد	۶۵۰
به کوه هماون همه ^۹ خسته‌اند	هر آنکس کز ایشان به جان رسته‌اند	
سوی کردگار مکان و زمان،	همه سر نهاده سوی آسمان	
به نیروی یزدان و فرمان من	که ایدر بیاید مگر ^{۱۰} پیلتن	
بسی از جگر خون برافشاندم ^{۱۲}	شب تیره کین نامه برخواندم ^{۱۱}	
مگر ^{۱۳} پیش یزدان ^{۱۴} فریادرس	نگفتم سه روز این سَخُن را به کس	۶۵۵
دلم زین سَخُن پُر ز تیمار ^{۱۶} گشت	کنون کار از ^{۱۵} اندازه اندرگذشت	
که روشن‌روان بادی و تندرست!	امید سپاه و سپهبد به تُست	
تن زال دور از بدِ بدگمان!	سرت سبز باد و دلت شادمان!	
ز اسپ و سیلج ^{۱۸} و ز گنج و سپاه	ز من هر چه ^{۱۷} باید فزونی بخواه	
نشاید گرفتن چُنین ^{۲۱} کار سست	برو با دلی ^{۱۹} شاد و رای ^{۲۰} درست	۶۶۰
که بی تو مبادا نگین ^{۲۲} و کلاه	به پاسخ چُنین گفت رستم به شاه	
ندارد چو تو شاه گردون به یاد	که با فرّ و برزی و با رای و داد	
کلاه بزرگی به سر برنهاد ^{۲۳} ،	شنیده‌ست خسرو که تا کیقباد	
به آرام یک روز نشستام	به ایران به کین من کمر بسته‌ام	

۱-س: گریان ۲-س: بریان ۳-ل، س: ز نیروی؛ ل: ز برزوز؛ (لی: ز تیروز؛ پ: ز گرزوز)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، لن، آ، ب) ۴-س: پیکان و ۵-ل: نکرد ایچ دشمن به ایران؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۶-ل: گیو و گودرز و طوس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۷-ل: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۸-ل، س، ق، ل: (نیز ق، لی، و، ب): بدشت؛ س: (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): بروز؛ متن = ف ۹-س، ق: جگر؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۰-ل، س، ق (نیز ق، لی، ل، آ، و): گو؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۱-س (نیز ق، ل، آ): برخوانده‌ام؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۲-س: جوش بنشانده‌ام؛ ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ): خون دل راندم؛ (لن، پ، ب: جوش بنشاندم؛ ل، آ: خون برافشانده‌ام)؛ متن = ل، ق (نیز لی، و، آ)؛ ف (نیز لن) این بیت را ندارند ۱۳-س: بجز ۱۴-ل: دادار؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، و، آ، ب)؛ ف (نیز لن) این بیت را ندارند ۱۵-ل: ز ۱۶-ق: اندوه ۱۷-ل، س: هرچ ۱۸-س: سلاح ۱۹-ف: دل؛ متن = ل، س: (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۰-ف، ل: رای؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۱-ل، س، ق، ل، آ، س: (نیز لی، ل، آ، و، آ): گرفت این چنین؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن رستم شاه را و خلعت دادن کیخسرو او را ۲۲-ف (نیز لن، پ، لن، آ، ب): سپهر (۴)؛ (آ: سریر)؛ متن = ل، س: (نیز ق، لی، ل، آ، و) ۲۳-ف پس از این بیت افزوده است:

ز جان آفرین بر تو باد آفرین که از تُست نازنده تاج و نگین

۶۶۵ بیابان و تاریکی و پیل^۱ و شیر
بزرگان^۳ توران و مازندران
همان^۴ تشنگی‌ها و^۵ راه دراز
چُنین^۶ رنج و سختی بسی دیده‌ام
تو شاه جهان هستی و من^۹ رهی
از آن گشتگان شاه بی‌درد باد!
شوم با سپاهی^{۱۲}، کمر بر میان
به^{۱۴} گودزریان^{۱۵} خود جگرخسته‌ام
چو بشنید کیخسرو آواز^{۱۶} اوی
بدو گفت: بی‌تو نخواهم جهان^{۱۷}
فلک زیر خَم^{۲۰} کمند تو باد!

۶۷۰
۶۷۵

ز دینار و ز گنج و تاج و گهر^{۲۲}
بیاورد گنجور خسرو کلید
همه شاه ایران به رستم سپرد

کلاه و کمند و کمان و کمر^{۲۳}
سر بدره‌های درم بردرید^{۲۴}
چُنین گفت کای نامبردار^{۲۵} گرد

۱- ل (نیزلی): دیو؛ (و: بزر)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲- ل: جادوچه از؛ س، ق (نیزب): جادوزن و؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن-آ) ۳- ل: همان رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۴- ل (نیزل): هم از؛ س: همه؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزهشت دستنویس دیگر) ۵- ف، س، ق، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ): بستگی‌ها و (؟)؛ ل (نیزل): تشنگی هم ز؛ ل: مشکها و (!)؛ متن = (ق، و، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بسی بودن از رزم بی‌خواب و خورد
به گردون برآورده گرد نبرد

۶- س: جزاین ۷- ل: درد ۸- ف (نیزآ): به؛ متن = ل-س (نیزلن، لی-لن، ب) ۹- ل (نیزق): نوآین و من چون؛ ل، آ، س: جهانی و من چون؛ (لی: جهاننداری و من؛ ل، آ، و: آ: نوآینی و من)؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، لن، ب) ۱۰- س، ق، ل (نیزلن، لی، ل، و-ب): تاجچه؛ س: بر آن دل نهاده که؛ (ق: میان بسته دارم چو؛ پ: میان بسته تا خود چه)؛ متن = ف، ل ۱۱- ق: تو؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- س، ق: سپهد؛ ل: سپهری (!)؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل: بگردانم این بدز ایرانیان؛ ق (نیزلی): بنیدیم بر کین تورانیان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۴- ل، ق، س (نیزلن-آ): ز؛ متن = ف، ل (نیزب) ۱۵- س: از این درد من ۱۶- س: چوبشنید آواز و آن ۱۷- ف-س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، لن، ب): زمان؛ متن = (ل، آ، لغت دری، ص ۱۶۰) ۱۸- ف، ل، ل، آ: [و] (!)؛ متن = س، ق، س (نیزلن-ب) ۱۹- ل (نیزب): گرز و کمان؛ س (نیزل، آ): تخت مهان؛ (ق: تخت گوان؛ لی: گرز سران؛ و: تیر و کمان)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، لن، آ، ب)؛ (لغت فرس، ص ۱۰۶)؛ نه اورنگ و نه تاج و گرز گران؛ لغت دری: نه اورنگ نه گنج و تاج (شهان) ۲۰- ف: زخم؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۲۱- درف بجای این لت، ۶۷۱ ب و پس از آن بیت ۶۷۲ دوباره آمده است، ولی ضبط درست ۶۷۵ ب را نیز در میان ستون‌ها افزوده است؛ درق پس از بیت ۶۷۵، بیت ۶۷۹ آمده است ۲۲- س (نیزل، آ، و): کمر؛ ل: گنج سیم و گهر؛ س: ز دینار گنج و ز سیم و ز زر؛ ق (نیزلن، لن، آ): ز دینار و (ق: [و]) گنج و ز تاج و گهر؛ متن = ف، ل، آ (نیزق، آ، لی، پ) ۲۳- ل، آ، س (نیزق): سپر؛ (و: سنان و سپر)؛ ل (نیزلن، ل، آ): کمان و کمند و کمر (ل: سپر)؛ ق: کمند و کمان و کلاه و کمر؛ (پ: کمان و کمند و کلاه و کمر)؛ متن = ف، س (نیزلی، لن، آ) ۲۴- ق این بیت را ندارد ۲۵- ل: نامبردار و

جهان گنج و ، گنجور شمشیر تُست
 ۶۸۰ تو با گرزداران زاولستان^۱
 همی رو بکردار باد دمان
 ز گردان شمشیرزن صد هزار^۲
 فریبرز کاوس را ده سپاه^۳
 تهمتن زمین را ببوسید و گفت
 ۶۸۵ سران را^۴ سر اندر شتاب آوریم^۵

سپه را درم دادن آغاز کرد
 فریبرز را گفت: برکش پگاه^{۱۱}
 نباید^{۱۳} که روز و شبان بگویی^{۱۴}
 بگویی^{۱۵} که در جنگ تندی مکن
 ۶۹۰ من اینک بکردار باد دمان
 چو گرگینِ میلادِ کارآزمای
 چو خورشید تابنده بنمود چهر
 برآمد خروشیدن گره‌نای^{۲۰}
 پُر اندیشه جان جهاندار^{۲۲} شاه
 ۶۹۵ دو منزل همی کرد رستم^{۲۳} یکی

گفتار اندر خواب دیدن طوسِ نوذر سیاوخش را^{۲۴}

۱- ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزو) ۲- ل: شیران ۳- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، آ، ب): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است: س این بیت را ندارد ۴- ل، ل، س، ق، ل (نیزلن، لی، ل، آ، پ، و، ب): سی هزار؛ متن = ف، س (نیزق، آ)؛ بنداری: مائة آلف ۵- ف (نیزل، آ): ببرد؛ ل: بیار؛ س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): گزین؛ ل، آ: برد؛ (آ): گزین کن همه؛ متن = س (نیزق، آ، و) ۶- ف: با سپاه؛ ل، آ، س: گفت شاه؛ متن = ل، س، ق (نیزلن-ب) ۷- ف، ل، آ: باید؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۸- س: رکابست؛ س: رکاب و عنانست؛ ق، ق: رکیب و عنانست؛ متن = ف، ل ۹- س: سراسر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۱۰- ل، ل، ل، آ، س (نیزل، آ، و، آ): آورم؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۱- ق: براه؛ ل، آ: سپاه ۱۲- ق: پشت ۱۳- ل: ببايد ۱۴- ل: نغوی (= نغوی) ۱۵- ق: بگوش ۱۶- ف-ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): فریب زمان جوی (؟)؛ ل: فریب و زمانست؛ متن = س (نیزق، آ، ل، و، آ) ۱۷- ل، آ، س: بره بر نجوم ۱۸- ق این بیت را ندارد ۱۹- س: دلی با تنی ۲۰- ل، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، آ، س ۲۱- ق: در آورد؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن-ب)؛ ف این بیت را ندارد ۲۲- س: سپهدار؛ ق: سپهدار؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۳- س: رخشم ۲۴- ف: گفتار اندر خواب دیدن طوس نوذر سیاوش را و دلخوشی دادن او را و مژده دادن بآمدن رستم و فریبرز و لشکر؛ س: خواب دیدن طوس و مژده دادن بفیروزی؛ ق: گفتار در خواب دیدن طوس سیاوخش را؛ ل: اندر خواب دیدن طوس و آمدن رستم بمدد ایرانیان؛ س: بخواب دیدن طوس سیاوش؛ متن = آغاز ف

به خواب اندرآمد گه زخم کوس
 که رخشنده شمعی برآمد ز آب
 سیاوش برآن تخت با قر و تاج
 سوی طوس کردی^۲ چو خورشید روی
 که پیروز گردی تو در^۳ کارزار
 که ایدر یکی گلستانست^۴ نو
 ندانم چنین^۵ باده تا کی خوریم

شبی داغ دل پُر ز تیمار طوس
 چنان دید روشن روانش به خواب
 بر شمع رخشان یکی تخت عاج
 لبان پُر ز خنده، زبان چربگوی
 که ایرانیان را هم ایدر بدار
 به^۴ گودرزیان هیچ غمگین مشو
 به زیر گل اندر همی می خوریم

۷۰۰

ز درد و غمان گشته آزاد دل
 یکی خواب دیدم به روشن روان
 بیاید به یاری^۷ زمان تا زمان^۸
 بجنید بر کوه لشکر ز جای
 برافراختند اختر کاویان^{۱۰}
 شد از گرد خورشید تابان سیاه
 همی چشم خورشید شد خیرخیر^{۱۴}
 ز گردان نشد پیش کس جنگجوی^{۱۶}
 همی جست باید، چه داری^{۱۷} درنگ؟
 تن اسپ یا^{۲۰} زیر بار اندرست^{۱۹}
 نه گاه^{۲۲} شتابست و روز^{۲۳} سخن

ز خواب اندرآمد، شده شاددل
 به گودرز گفت: ای جهان پهلوان
 نگه کن که رستم چو باد دمان
 بفرمود تا برکشیدند^۹ نای
 ببستند گردان ایران میان
 بیاورد از آن^{۱۱} روی پیران^{۱۲} سپاه
 از آوای^{۱۳} گردان و باران تیر
 دو لشکر به روی اندرآورده^{۱۵} روی
 چنین گفت هومان به پیران که جنگ
 نه^{۱۸} لشکر به دشت شکار اندرست^{۱۹}
 بدو گفت پیران که تیزی^{۲۱} مکن

۷۰۵

۷۱۰

۱- س: چنین ۲- ف، س، ل (نیزی): کرد آن؛ (پ: کردش)؛ متن = ل، ق، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳- (ق: و؛ باشی تو (در)؛ ل: که پیروزگر باشی از؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۴- (لن-آ: ز)؛ متن = ف-س (نیز ب) ۵- ل، س: گلستانیم؛ متن = ف-ق (نیز لن-ب)؛ بنداری: ولا تهم بمقتل الجودرزین فان هاهنا حدیقه ورد ۶- ل: چه دانیم کین؛ (لن، پ، ل: ندانیم کین؛ ل: ندانم که این)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۷- ل، س (نیز لن-پ، ل، آ، ب): بیاید بر ما؛ س: بیاری بیاید؛ (و: بر ما بیاید)؛ متن = ف، ل، آ ۸- ق: بیاید نجوید بره بر زمان؛ بنداری: لا أشک أن رستم یلحقنا ۹- س: بردمیدند؛ (لن، پ، ل: دردمیدند)؛ متن = ف-ل (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۰- ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فرکب الفرسان وتأهبوا للحرب ورفعوا علم الدرفش المیمون ۱۱- ل: زان ۱۲- س: ایران ۱۳- ل-س: آواز؛ متن = ف ۱۴- ل، ق: خیره خیر؛ متن = ف، س، ل، س ۱۵- ق، ل، س: آورد؛ متن = ف، ل، س ۱۶- ل: کش جنگجوی؛ ل (نیز ق، آ، پ): هیچ کس جنگجوی؛ (لن، ل، آ، و لن، آ: پیش یک جنگجوی (آ: رزمجوی))؛ ف: ز گردان تنی چند شد کینه جوی؛ متن = س، ق، س (نیزی، ب)؛ بنداری: ولم یستقدم أحد من الطائفتین لمبارزة ولا محاربة ۱۷- ل (نیز لن، ل، ب، و لن، آ): جویی؛ س (نیز ق، ل، آ): سازی؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ب) ۱۸- س: که ۱۹- ل: اندرند ۲۰- ل: که اسبان ما؛ س (نیزی، ل، آ): تن واسب ما؛ ق، س: تن اسب و ما؛ ل (نیز ب): تن اسب ما؛ (لن: تن بارگی؛ ق: تن اسبها؛ پ، ل: تن ما همی)؛ متن = ف: یا → گر ۲۱- ل، ل، آ، س: تندی؛ متن = ف، س، ق ۲۲- ل، ل، س، ق: روز؛ ل: کار؛ متن = ف، س ۲۳- ل، ل، س، ق: گاه؛ متن = ف، ل، س

- ۷۱۵ سه تن دوش با خوارمایه سپاه
 چو شیران ناهار^۲ و ما چون رمه
 همه دشت چون^۵ جوی خون یافتم^۶
 یکی کوه دارند خارا و خشک
 بان تا بر آن سنگ بریان^{۱۰} شوند
 گشاده نباید که دارید^{۱۲} راه
 چو بی رنج دشمن به چنگ آیدت
 چرا جست باید همی کارزار؟
 بباشیم تا دشمن از آب و نان
 مگر خاک^{۱۶} گر^{۱۷} سنگ خارا خورند
- ۷۲۰ برفتند بیگانه ازین^۱ رزمگاه
 که^۳ از کوهسار اندرآرد^۴ دمه
 سر نامداران نگون^۷ یافتم^۶
 همی خار^۸ بویند ایشان چو^۹ مُشک
 چو بیچاره گردند گریان^{۱۱} شوند
 دو رویه پس و پیش این^{۱۳} رزمگاه
 به روزی کجا خود درنگ^{۱۴} آیدت،
 طلایه برین دشت بس ده^{۱۵} سوار
 شود تنگ و زنهار خواهد به جان
 چو روزی برآید^{۱۸} خورند و مَرند
- ۷۲۵ سُوی خیمه رفتند از آن^{۱۹} رزمگاه
 گشادند گردان سراسر کمر
 به لشکرگه آمد سپهدارطوس
 به گودرز گفت: این سَخُن تیره^{۲۱} گشت
 همه گرد بر گرد ما لشکرست
 سپه را خورش بس^{۲۵} فراوان نماند
- طلایه بیامد به پیش سپاه
 به خواب^{۲۰} و به خوردن نهادند سر
 پُر از خون دل و روی چون سَنَدروس
 سر بختِ ایرانیان^{۲۲} خیره^{۲۳} گشت
 خور بارگی خار گر خاورست^{۲۴}
 جزاز گرز و شمشیر درمان^{۲۶} نماند

۱-ل: زین؛ در س پس از این بیت، بیت ۷۱۸ آمده است؛ ل^۱ بیت های ۷۱۴-۷۱۶ را ندارد ۲-ل (نیزق^۲، و): جنگی؛ (ل^۲: آها ← ناهار؛ ل^۲: تاهااد → ناهار)؛ متن = ف، س، ق، س^۲ (نیزلن، لی، پ، آ، ب) ۳-ق: گر ۴-ل، س، ق، س^۲ (نیزلی-ب): اندرآید؛ (ق^۲: اندرآمد)؛ متن = ف (نیزلن) ۵-ل، س، ق (نیزق^۲، لی، ل^۲، و، آ): پر؛ متن = ف، س^۲ (نیزلن، ب، ل^۲، ب) ۶-ل: یافتیم ۷-ق: زبون ۸-ق (نیزلن، ق^۲، لی، و): خاک؛ متن = ف، ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزل، پ، ل^۲، آ، ب) ۹-لن، ق (نیزلن، ق^۲، لی، و، ل^۲): اسپان چو (→ ایشان چو)؛ س: بر جای؛ (آ: آسان چو؛ ب: برسان)؛ متن = ف، ل^۲، س^۲ (نیزل، ب) ۱۰-ل (نیزق^۲): بیجان؛ س: گریان (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن، لی، پ-ب) ۱۱-ل (نیزق^۲): بیجان؛ متن = ف، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن، لی، پ-ب)؛ در س این بیت پس از بیت ۷۱۴ آمده است ۱۲-ف: دارند (نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیزلن، ق^۲، پ، ل^۲، آ): دارند؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیزلی، ب) ۱۳-ل^۲: ازین؛ بنداری (۷۱۸-۷۱۹): فإنا قد سددنا عليهم الطرق، ومنعنا عنهم الميرة. وعن قليل يضطرون الى النزول الينا، ويستأسرون لنا ۱۴-ل: چو بشتابیش کارتنگ؛ س، ل^۲، س^۲ (نیزلی، و، ب): بروزی که (س: به) جای (و، ب: جایی) درنگ؛ ق: بجایی که روزی درنگ؛ (ق^۲، ل^۲: بروزی (ل^۲: بزودی) کجایی درنگ)؛ متن = ف ۱۵-ل، ق: صد؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ ۱۶-ق (نیزل^۲، پ، لسن^۲، آ، ب): خار؛ متن = ف، ل، س، ل^۲، س^۲ (نیزلی، و) ۱۷-ف، س، ق، س^۲: یا؛ ل^۲: یا؛ متن = ل ۱۸-ل (نیزل^۲، پ، ل^۲): سرآید؛ (ل^۲: برآمد)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلی، و، آ) ۱۹-ل: نزان ۲۰-ل: خوان؛ متن = ف، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن-ب) ۲۱-ل^۲، س^۲: خیره ۲۲-ل: سر و مغز ایرانیان؛ س: سر نامداران همه؛ متن = ف، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن-ب) ۲۳-ل، ل^۲، س^۲: تیره (ل^۲ پساوند ندارد) ۲۴-ف، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیزلن، ق^۲، لی، پ، ل^۲، آ، ب): خور بارکش مان (ل^۲: بارگی شان؛ ق^۲: بارگیریان؛ پ: بارگی مان) همه خاورست؛ (ل^۲: کنون گاو ما زیر چرم اندرست؛ و: خور و بارکش زیر ما خاورست)؛ متن = ل ۲۵-ل: بر؛ ق: هم؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیزلن-ب) ۲۶-ف: ناران (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل^۲: ب، ل^۲: خورمان)؛ متن = ل-س^۲ (نیزق^۲، لی، ل^۲، و، آ)

- ۷۳۰ به شبگیر شمشیرها برکشیم
اگر اختر نیک یاری دهد
وَر ایدون کجا داور آسمان
ز بخش جهان آفرین بیش و کم
مرا مرگ خوشتر به نام بلند
- همه دامن کوه لشکر کشیم
بریشان مرا کامگاری دهد
به شمشیر بر ما سرآرد زمان،
نباشد، میماید بر خیره دم!^۱
ازین زیستن با هراس و گزند
- ۷۳۵ برین برنهادند یکسر سَخُن
چو خورشید برزد ز خرچنگ چنگ
به پیران فرستاده آمد ز شاه
سپاهی که دریای چین را ز گرد
نخستین سپهدار خاقان چین
۷۴۰ یکی مهتر از ماورالنهر^۲ در^۳
تتش زور دارد به^۴ صد نره شیر
به بالا چو^۵ سرو و به دیدار ماه
سر سرفرازان و^۶ کاموس نام
ز مرز سیجانب^۷ تا دشت^۸ روم
- که سالار نیک اختر افگند بُن
بدرید پیراهن مُشک رنگ،
که آمد ز هر جای بی مر سپاه
کند چون بیابان به روز نبرد^۹
که تاجش سپهرست و تختش^{۱۰} زمین
که بگذارد از چرخ گردنده سر
سر زنده پیل اندرآرد به زیر
جهان گیر و نازان^{۱۱} بدو تاج^{۱۲} و گاه
برآرد ز گودرز و از^{۱۳} طوس^{۱۴} کام^{۱۵}
سپاهی که بردارد^{۱۶} آبادبوم

۱- س: سزد گر نباشی دژم؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آگهی فرستادن افراسیاب به پیران به رسیدن لشکرها ۲- ل، آ، س این بیت را ندلوند ۳- ل، ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ، و، آ): که تختش (ل: بختش) همی برنتابد؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، لی، لن، ل، ب)؛ بنداری: منهم خاقان ملک الصین فی عساکر لا تقلهم الأرض ۴- س^۱ (نیز لی، آ): ماورالنهر ۵- ل (نیز ل، لن، آ): بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، لی، ب)؛ و: ماوراء النهر؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۶- ل: چو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب)؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- ل، آ، س^۱: بیالای ۸- ف: تازان (!)؛ ل: یاران (!) ۹- ق: تخت (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۰- ل: [و] ۱۱- ف- ل: وز؛ متن = س^۱ ۱۲- ق: زطوس وز گودرز ۱۳- ل: نام؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب)؛ بنداری (۷۴۰-۷۴۳): و منهم بهلوان من أهل ماوراء النهر یسمى کاموس الکشانی. و هو فارس ما تمخضت أم الشجاعة بمثله ۱۴- ف: سبجانب (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: سبجانب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س: سبجانب (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ق، ل^۲ (نیز لن، ق، لی، ل، آ): سبجانب؛ س^۱ (نیز پ-ب)؛ سبجانب؛ متن = بنداری: اسفیجانب ۱۵- س، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ب)؛ مرز؛ (آ: حد)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ)؛ بنداری: و حکى أن أفراسیاب ما ترک من باب اسفیجانب الی حدود الروم فارسا إلا أتی به ۱۶- ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب)؛ که بود اندر؛ س: که بودند از؛ متن = ف؛ ل پس از بیت ۷۴۴ افزوده است:

فرستادم اینک سوی کارزار

برآرند از طوس و خسرو دهمار

س، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب) پس از بیت ۷۴۴ و ل پس از بیت ۷۵۷ افزوده اند (۷۳۹):

نخست اندرآیم (لن: آمد؛ پ، لن: آید) ز خاقان چین

که تختش همی برنتابد (ل، س، آ، ق، ل، آ، و، آ: که تاجش سپهرست و تختش) زمین

ف، ق هیچیک از این بیت ها را ندارند

- ۷۴۵ چو مَنثورا جنگی که با تیغ اوی^۲ به خاک اندرآید سرِ جنگجوی^۳
- کشانای^۴ چو کاموس شمشیرزن همه کارهای شِگرف آورد
چو خشنود گردد^۵ بهار آورد^۶ گل و سنبلِ جویبار آورد^۶
- چنین گفت^۷ پیران به توران سپاه بدین مژده‌ی شاه پیر و جوان
بباید کنون دل ز تیمار شُست پس از رنج و از درد^۹ کین خواستن
به ایران و توران و بر خشک و آب
- ز لشکرگه^{۱۱} پهلوان پیشرو بگفتند کای نامورپهلوان
به دیدار شاهان دلت شاد باد^{۱۲}! ز کشمیر تا برتر از^{۱۴} رود شَهد
ز سَقلاب چون^{۱۷} کُنڈر شیرمرد چوسگسار^{۱۹} غرچه^{۲۰}، چوشنگُل زهند
چغانی^{۲۱} چو فرطوسِ لشکرفروز ۷۵۰
- که ای سرفرازان و گردان شاه^۸ همه شاد باشید و روشن روان
به ایران نمانم بر و بوم و رُست برآسودن از^{۱۰} لشکر آراستن
نبینند جز کامِ افراسیاب
- به مژده بیامده‌می نو به نو، همیشه بزی شاد و روشن روان!
روانت از^{۱۳} اندیشه آزاد باد^{۱۲}! دَرفش و سپاهست^{۱۵} و پیلان^{۱۶} و مَه‌د
چو بیوردِ کاتی^{۱۸} سپهر نبرد هوا پُر درفش و زمین پُر پَرند
گهار^{۲۲} گهانی^{۲۳} گوِ گردسوز^{۲۴} ۷۵۵

۱- ل (نیزو، آ): منشور؛ متن = ف-س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- ق، س: ا، او ۳- ق: جنگجو؛ درل بیت‌های ۷۴۵-۷۴۸ پس از بیت ۷۵۷ آمده‌اند ۴- ل: دلاور ۵- ل (نیز ق، ل، آ، و، ب): باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، آ) ۶- ل (نیز ق، آ، و): آردت؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷- ل: چوبشنید؛ متن ← ۸- ل: چنین گفت کای سرفرازان شاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب) ۹- ف: وز درد؛ ل، آ، س: وز درد و؛ ل: سر از رزم و زرنج و؛ س (نیز لن، لی، آ): پس از درد و از رنج و؛ ق: سر از رنج و ز درد؛ (ق، آ، ب: سر از رنج و از درد و؛ ل، آ، پ: سر از درد و زرنج و؛ و: سر از درد و از رنج)؛ متن = ف پس از تصحیح زبه از ۱۰- ل، ق (نیز ل، آ): برآسود و؛ س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): برآسودن و؛ (ق، آ، ب: برآسود و از؛ و: بیاسود و از)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۱- ف، س: آ: گو؛ ل، س، ق (نیز لی-ب): بر؛ متن = ل ۱۲- ل: دار ۱۳- ل، س: آ: ز ۱۴- ق: تا بربر و ۱۵- س: سپاه است ۱۶- ل، س: آ: [و]؛ درل پس از این بیت نخست بیت ۷۴۴ پ و سپس بیت‌های ۷۴۵-۷۴۸ آمده‌اند ۱۷- ل: آ تا ۱۸- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): بیورد کانی؛ ل: پیروز کانی؛ (ل: کاموس جنگی؛ و: منشور کانی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- (ق: شکنی و؛ پ، لن: سکسارو) ۲۰- ف-س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): غرچه؛ متن = (و) ۲۱- ف-س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): چغانی؛ متن = (و) ۲۲- (لن: کمال) ۲۳- ف، ل، آ، س^۲ (نیز پ، لن، آ): کمائی؛ س (نیز لن، و): کشائی؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۲۴- (ق: آ: و گرد اسبوز)

شمیران^۱ شکنی^۲ و گرگویی^۳ وهر^۴
 تو اکنون سر افراز و رامش پذیر
 دل و جان پیران پُر از خنده گشت
 به هومان چنین گفت پیران که من
 که ایشان ز راه^۷ دراز آمدند
 ۷۶۵
 ازین آمدن بی نیازند سخت
 ندارند سر کم از^۹ افراسیاب
 شوم تا بینم که چند و چه اند^{۱۱}
 کم آفرین پیش خاقان^{۱۴} چین
 ۷۷۰
 ببینم سرافراز کاموس را
 چو بازآیم ایدر بیندم میان
 اگر خود ندارند پایاب جنگ
 کسی را که هستند از ایران^{۱۷} سران
 فرستم بنزدیک افراسیاب
 ۷۷۵
 ز لشکر هر آنکس که آید^{۲۰} به دست^{۲۱}
 بسوزم دهم^{۲۲} خاک ایشان به باد

پراکنده بر نیزه و تیغ زهر
 کزین مژده برنا شود مرد پیر^۴
 دل مرگ را مرده بده^۵ زنده گشت
 پذیره شوم پیش آن^۶ انجمن
 پُراندیشه و رزمساز آمدند
 خداوند تاج اند و زیبای^۸ تخت
 که با گنج و تخت اند^{۱۰} و با جاه و آب
 سپهبد کدامند^{۱۲} و گردان که اند^{۱۳}
 و گر پیش تختش ببوسم زمین
 برابر کم شنگل و طوس را
 برآرم دم و دود از^{۱۵} ایرانیان
 بریشان کم روز تاریک^{۱۶} و تنگ
 کم پای و گردن به بند گران^{۱۸}
 نه آرام جوم برین^{۱۹} بر، نه خواب
 سران شان بزم به شمشیر پست
 نگیرم از آن^{۲۳} بوم و بر نیز یاد

۱- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، پ، ب): شویران (در س، س^۲ حرف سوم نقطه ندارد)؛ (و: شمیران؛ لن^۲: سویران)؛ متن = ل، ق (نیز لی، آ)
 ۲- س: سنکی؛ ق، ل: شنکی؛ (لن^۲: سکنی؛ آ، ب: جنگی)؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و) ۳- ل: و کردوی
 وهر؛ س (نیز لن^۲): و کرکوز وهر؛ ق (نیز پ، آ، ب): و کرکوز وهر؛ ل^۲: و کوکوز وهر؛ س^۲: و کوکوز وهر؛ (لن: و کرکوز
 وهر؛ و: و کوهر وهر)؛ متن تصحیح قیاسی؛ (ق^۲: سواران سنگین دل کوه زهر)؛ ف (نیز ل^۲) این بیت را ندارند ۴- ل

پس از این بیت افزوده است:

ز لشکر توی پهلو و پیشرو همیشه بزی شاد و فرمانت نو

۵- ل: تو گفتی مگر مرده بد؛ س: دل مرد را زان سخن؛ ق (نیز پ): دل مرده اش زان (پ: زین) سخن؛ ل^۲: دل مرد را مرده بد؛ (لن، لی، لن، آ، ب: دل مرده را زین (لی: زان) سخن؛ ق^۲، و: دلش مرگ را مرده (و: بنده) بد؛ آ: دل مرده ها زان سخن)؛ متن = ف، س^۲ (?) ۶- ل، ق، س^۲: این؛ متن = ف، س، ل^۲ ۷- ل: راهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۸- ل: دیهم و؛ در س، ق
 این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹- ف، ل، آ، س^۲: ز؛ متن = س، ق ۱۰- س: تاج اند؛ ل، ق: تخت و گنج اند؛
 متن = ف، ل، آ، س^۲؛ در س، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- ل، ق: چینه؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۲- س^۲:
 کدامست ۱۳- ل، ق: کینند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۴- ل: کم بر سر و تاجشان آفرین ۱۵- ل: ز ۱۶- ف:
 [و] ۱۷- ق: از ایشان؛ ل: هر آنکس که هستند زیشان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۸- ف: کم پای گردن بگزر
 گران؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی- ب) ۱۹- ل، س: بدین؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۲۰- ق: آرم ۲۱- ل، س
 (نیز لی، لن، آ، ب): بدشت (پساوند نادرست است)؛ متن = ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، و)؛ ف این بیت را ندارد
 ۲۲- س، ل، آ، س^۲: همه؛ متن = ف، ل، ق ۲۳- ل: نگیرم زان؛ ق: نگیرم از آن؛ ل، آ، س^۲: نگیرم ازین؛ متن = س؛ ف این بیت را
 ندارد

سه بهره از آن سوا برانم^۲ سپاه
 یکی بهره زیشان^۵ برانم^۶ به بلخ
 دگر^۸ بهره بر سوی کاولستان^۹
 ۷۸۰ سیم^{۱۲} بهره بر^{۱۳} سوی ایران برم
 زن و کودک خرد و^{۱۵} پیر و جوان
 بروبوم ایران نمانم به جای
 کنم روز^۳ بر شاه ایران^۴ سپاه
 به^۷ ایرانیان بر کنم روز تلخ
 به کاول^{۱۰} کشم خاک زاوولستان^{۱۱}
 ز ترکان دلیران و شیران^{۱۴} برم
 نمانم که ماند^{۱۶} تنی با روان
 تو گر بخردی اندر ایران مپای^{۱۷}!

بگفت این و دل پُر ز کینه برفت
 به لشکر چُنین گفت هومان گُرد
 ۷۸۵ دو روز این یکی رنج برتن نهم^{۲۰}
 نباید که ایشان شبی بی درنگ
 کنون^{۲۴} کوه ورود و درودشت و راه
 چو پیران بنزدیک ایشان رسید
 جهان پُر سراپرده و خیمه بود
 ۷۹۰ ز دیبای چینی و از^{۲۹} پرنیای
 همی پوست بر تنش گفتی بگفت
 که دلها^{۱۸} ز کینه نباید^{۱۹} سِترد
 که^{۲۱} دیده به کوه هماون نهم^{۲۰}
 گریزان برانند^{۲۲} ازین کوه سنگ^{۲۳}
 جهانی شود پُر درفش سپاه^{۲۵}
 در و دشت از سم اسپان ندید^{۲۶}
 زده سرخ و زرد^{۲۷} و بنفش^{۲۸} و کبود
 درفشی ز هر پرده بی در^{۳۰} میان

۱- ل: از آن پس؛ ق: برایشان؛ (لی: آ: از آن رو)؛ س: بسه بهر از آن سو؛ ل، آ، س: (نیزو، ب): بسه بهره زان سو؛ متن = ف؛ بنداری: ثم أقسم
 العسکر ثلاثة أقسام ۲- ل: فرستم ۳- ل: دوده؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن-ب) ۴- ق: روشن برایشان ۵- س،
 ق: بهر ازیشان (بهره ازیشان)؛ متن = ف، ل، آ، س: ۶- ل، س، ق: (نیزلن-آ، ب): فرستم؛ متن = ف، ل، آ، س: ۷- س، ق: بر؛
 متن = ف، ل، آ، س: ۸- ق: سوم ۹- ف-س: کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف، ل، س، س: (نیزو، ب):
 بکابل؛ ق: بخلج؛ ل: (نیزلن، لی، لن، آ): یکایک (بکابل)؛ (لی، آ، ب: به توران)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل-س: زابلستان؛
 متن = ف؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ف: دگر؛ س، س: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): سوم؛ ق: دو؛
 ل: شوم؛ (لی، و: سیوم)؛ متن = ل؛ بنداری: وأنقض فی القسم الثالث الی بلاد ایران ۱۳- ق: همی ۱۴- ل، ق: بزرگان و شیران؛ س:
 بنزدیک شهر دلیران؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۵- س: از ایران سران نیز؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س: بنداری: فأخرها وأملک تاجها وتحتها
 وأقتل رجالها وأسبی ذرارها ونساءها ۱۶- ل: باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ۱۷- (ل: آ: سوی ایران مپای)؛ ل، ق، س: (نیزق، آ،
 ل، و): که مه دست بادا ازیشان (ق: از ایران) مه پای؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ ف، س، ل: در اینجا سرنویس دارند، ف:
 گفتار اندر آگاهی یافتن پیران و بسه از آمدن خاقان چین و کاموس و دیگر پهلوانان ترکان بیاری او و رفتن پیش ایشان؛ س: رسیدن کاموس
 کشانی و خاقان چین بیاری پیران؛ ل: بر رفتن پیران نزد خاقان چین و پوزش نمودن؛ ل: (نیزلن، ب، لن، آ) پس از بیت ۷۸۲ افزوده اند:

کنون تا کم کارها را بسیج
 شا جنگ ایشان مجوید هیچ

۱۸- ل، ل، آ، س: دل را؛ متن = ف، س، ق: (نیزلن، ق، آ، لی، پ-ب) ۱۹- ف، ق، ل: بیاید (تنها یک نقطه در زیر)؛ ل، س: (نیزلی، ل، آ،
 پ، آ، ب): بیاید؛ س: باید (حرف یکم و دوم نقطه ندارند)؛ (ق: از اندیشه باید)؛ متن = (و، لن، آ) ۲۰- ل، ق: (نیزل، ب): نهید؛ متن =
 ف، س، ل، آ، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۱- ل: (نیزق، آ، لی): دو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزهفت دستنویس
 دیگر) ۲۲- س: برآیند ۲۳- ل: جای تنگ ۲۴- س: از آن ۲۵- س، ق، ل، آ، س: و سپاه؛ متن = ف، ل، ۲۶- ف،
 س، ل، آ، س: (نیزلی، و، آ، ب): برسم اسپان بدید (ل: ندید)؛ (ق: جز سم اسپان ندید)؛ متن = ل، ق: (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۷- ق، س: آ:
 زرد و سرخ ۲۸- س: سپاه ۲۹- ق، ل، آ، س: وز ۳۰- ل: (نیزل، آ): ز هر گونه اندر؛ ق: بهر پرده اندر؛ (ب: ز هر گونه در)؛ متن =
 ف، س، ل، آ، س: (نیزهفت دستنویس دیگر)

فروماند و زان^۱ کارش آمد شگفت
 که تا این بهشت ست یا^۲ رزمگاه؟
 بیامد بنزدیک خاقان چین
 چو خاقان^۵ بدیدش به بر درگرفت
 ۷۹۵ پرسید بسیار و بنواختش
 بدو گفت بخ^۷ بخ که با پهلوان
 پرسید از آن پس کز^۸ ایران سپاه
 کدامت جنگی و گردان که اند^{۱۰}؟
 چنین داد پاسخ بدو پهلوان
 ۸۰۰ درود جهان آفرین بر تو باد
 به بخت تو شادانم و تندرست
 از ایرانیان پس پرسید^{۱۵} شاه
 بی اندازه پیگار جُستند و جنگ
 چو بی نام و بی کام^{۲۰} و بی تن شدند
 ۸۰۵ سپهدار طوس ست، مردی دلیر
 بزرگان چو گودرز کشوادگان
 به بخت سرافراز خاقان چین
 به هامون نیابند^{۲۴} هنگام صف
 بدو گفت: امشب بنزدیک^{۲۶} من

بسی با دل اندیشه اندرگرفت
 سپهر برین ست گر^۳ چرخ ماه^۴؟
 پیاده ببوسید روی زمین
 ماند از بر و یال پیران شگفت
 بر خویش نزدیک بنشاختش^۶
 نشستم چنین شاد و روشن روان
 که دارد نگین و که دارد^۹ کلاه؟
 نشسته برین^{۱۱} کوه سر بر^{۱۲} چه اند^{۱۳}؟
 که بیدار دل باش و روشن روان
 که کردی به پرسش دل بنده شاد
 روانم همه^{۱۴} خاک پای تو جُست
 نه تخت و کلاه ست^{۱۶} و نه مهر و گاه^{۱۷}
 ندیدند از آن^{۱۸} جنگ جز خار و سنگ^{۱۹}
 گریزان به کوه هماون شدند
 به هامون نترسد ز پیگار شیر
 چو گیو و چو رهام^{۲۱} از^{۲۲} آزادگان
 سپهد نیبند سپه را^{۲۳} جزین
 که جز سنگ خارا ندارند به^{۲۵} کف
 بباش و بیارای یک^{۲۷} انجمن

۱- ف، ل، ۲: وز؛ ق (نیزلی، ل، ۲، و، ب): و آن؛ س: ۲: واز؛ (آ: آن)؛ متن = ل، س (نیزپ، ل، ۲) ۲- ل، ۲: با ۳- ف، س، ق، س، ۲ (نیز
 ل-ب): یا؛ ل، ۲: یا؛ متن = ل ۴- ل (نیزق ۲): تاج و گاه؛ س، ل، ۲، س (نیزلی، ل، ۲، ل، آ): چرخ و ماه؛ متن = ف، ق (نیزلن، پ، و،
 ب) ۵- س: پیران (!) ۶- ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:
 بدو گفت بخ بخ که شاد آمدی ابا جشن و سور و خرام آمدی
 ۷- (آ: بخ بخ)؛ ق این بیت را ندارد ۸- ف، ل، ۲، س (نیزق ۲): که؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ل، ۲، پ، و، ل، ۲، ب) ۹- ل: نگین و
 درفش و؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲، س (نیزلن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و، ل، ۲، ب) ۱۰- ف، ل، ق: کینند؛ متن = س، ل، ۲، س ۱۱- س: بدین؛
 ق: بران؛ متن = ف، ل، ل، ۲، س ۱۲- س: بر سر ۱۳- ف، ل، ق: چینند؛ متن = س، ل، ۲، س ۱۴- ل، س، ق: همی؛ متن = ف،
 ل، ۲، س ۱۵- ل: هرچ پرسید؛ ل: آنکه پرسید؛ س: آنک پرسید؛ متن = ف، س، ق ۱۶- ق: [و]؛ متن ← ۱۷- ل، ۲، س: کلاه
 و نه مهر و نه گاه؛ ل: نه گنج و سپاهست و نه تاج و گاه؛ متن = ف، س ۱۸- ل، ۲: از؛ ل: ندارند از؛ متن ← ۱۹- س: خار و سنگ؛
 ق: ندارند جز جنگ و کینه بچنگ؛ متن = ف، س، ۲ ۲۰- ل: بی کام و بی نام ۲۱- ق: گرگین ۲۲- ل: ز؛ س: و؛ ل: [از]؛
 متن = ف، ق، س، ۲ ۲۳- ق: سپه را نبینند سپهد؛ در ل، ۲، س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- س: نیابند
 (حرف های یکم و دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ ق: نیاید به؛ س: نیابند به؛ متن = ف، ل، ۲ (نیزلن-و) ۲۵- س: باند به (حرف های یکم و
 دوم نقطه ندارند)؛ (آ: ندارند؛ ب: ندارد به)؛ ق، ل، ۲، س (نیزلن، ق، ل، ۲، پ، و، ل، ۲): ندارند جز سنگ (ق: کوه) خارا به؛ متن = ف (نیزلی)؛
 ل این بیت را ندارد ۲۶- ل: خاقان که نزدیک ۲۷- ل، س، ق (نیزلن-ب): بیارویکی؛ س: بیارایکی؛ متن = ف، ل، ۲

- ۸۱۰ یک امروز با کام دل می خوریم
بیاراست خیمه چو باغ بهار
- ۸۱۵ چو بر گنبد چرخ رفت آفتاب
که امروز ترکان چرا خاموش اند؟
اگر مستمندند اگر شادمان
اگرشان به پیگار یار آمده است
تو ایران سپه^۷ را همه گشته گیر
مگر رستم آید به یاری سپاه^۹
ستودان نیابیم یکسرا^{۱۱}، نه گور
بدو گفت گیو: ای سپهدار شاه
از^{۱۴} اندیشه‌ی ما^{۱۵} سخن دیگرست
۸۲۰ بسی تخم نیکی پراکنده‌یم
و^{۱۷} دیگر به بخت جهاندارشاه
ندارد جهان‌آفرین دست باز
چو رستم بیاید بدین رزمگاه
نباشد ز یزدان کسی ناامید
۸۲۵ به یک روز کز ما نجستند جنگ
نبتند بر ما در آسمان
- پی^۱ روز ناآمده نشمریم
بهشت‌ست گفتی به رنگ و نگار
- دل طوس و گودرز شد پُرشتاب،
به رای بداند، ارز می^۲ بیهش اند؟
شدم بدگمان^۴ از بید^۵ بدگمان
چنان دان که^۶ بد روزگار آمده‌ست
و^۸ گر زنده، از جنگ^۸ برگشته گیر
و^۹ گرنه بد آمد به ما بر ز شاه^{۱۰}
بکوبندمان سر به^{۱۲} نعلِ ستور
چه بودت که اندیشه کردی تباہ^{۱۳}؟
ترا کردگار جهان یاورست^{۱۶}
جهان‌آفرین را پرستنده‌یم
خداوند شمشیر و تخت و کلاه،
که آید به بدخواه ما را^{۱۸} نیاز
بدی‌ها سرآید همه بر^{۱۹} سپاه
اگر شب شود^{۲۰} روی روز سپید^{۲۱}
مکن دل از^{۲۲} اندیشه^{۲۳} بر خیره تنگ
مشو بدگمان از^{۲۴} بید بدگمان!

۱- ل، ق (نیز ق، آ، و)؛ غم؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ق در اینجا سرنویس دارد؛ آگاهی یافتن ایرانیان از آمدن خاقان و کاموس و لشکر ۲- ل، ق (نیز ل)؛ برای درند ارز می؛ س: برای بداندیشگان؛ ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ)؛ برای بد اندرزمی؛ (ق، آ، و: برای اندراند یا زمی)؛ متن = ف (نیز لن، پ، ل، ن، ب) ۳- ل: گر؛ ق: یا؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۴- ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب)؛ در گمان؛ ل، آ، س^۲؛ بی گمان؛ متن = ف (نیز و) ۵- ق (نیز ل)؛ شد اندرگمان این دل ۶- س: دانک ۷- ل، ق (نیز ل، آ، ب)؛ ایرانیان؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۸- ل- س^۲ (نیز ل)؛ رزم؛ متن = ف (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- ل (نیز ق، آ، ب)؛ بدین رزمگاه؛ س: بنزدیک شاه؛ ق: بیاری ز شاه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- س، ق: بر سپاه؛ ل: بد آید با زین سپاه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۱- ل: یک تن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۱۲- ق، ل: زیر؛ س: ما را به؛ متن = ف، ل، س^۲ ۱۳- ف: کز اندیشه گشتی تباہ؛ س (نیز لن، پ، لن)؛ خداوند شمشیر و تخت و کلاه (= ۸۲۰ ب)؛ ل: مبادا که بدخواه آید تباہ؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب)؛ در ف پس از این بیت، بیت‌های ۸۲۳ و ۸۲۴ آمده‌اند ۱۴- س: ز ۱۵- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب)؛ بد (؟)؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۱۶- س: داورست؛ در س بیت‌های ۸۲۰ و ۸۲۱ پس از بیت ۸۳۴ آمده‌اند ۱۷- ل، آ، س^۲؛ س: این بیت را ندارد ۱۸- ف، ل، آ، س^۲؛ که ما را به (ف: ز) بدخواه آید؛ متن = ل، س، ق (نیز لن- ب)؛ در ف بیت‌های ۸۲۳ و ۸۲۴ پس از بیت ۸۱۹ آمده‌اند؛ پیاپی بیت‌های متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن- ب) ۱۹- س: بی ۲۰- ل: بود ۲۱- س: سفید ۲۲- ل، س، ق، س: ز؛ ل: بر؛ متن = ف ۲۳- ل: از ۲۴- ل: پایان رسد هر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲

- اگر بخشش کردگار بلند
زا پرهیز و اندیشه‌ی نابکار
یکی کنده سازم پیش سپاه ۸۳۰
همه تیغ‌ها جنگ را^۳ برگشیم
ببینیم تا چیست آغازشان
از ایران بیاید^۶ همان^۷ آگهی
- چنان‌ست کاید به ما بر گزند،
نه برگردد از ما بد روزگار
چنان‌چون بود رسم و آیین و راه^۲
به سه روز دیگر گُشند^۴ ار گُشیم
برهنه شود بی‌گمان رازشان^۵
درخشان^۸ شود شاخ سرو سهی^۹
- برآمد^۱، برفت از میان گروه،
ز^{۱۱} بالا همی سوی خاور گذشت،
که شد کار گردانِ ایران تباه
سراسر بسان شب لاژورد^{۱۳}
ز بس پیل و^{۱۴} بر پشتِ پیلانِ درفش^{۱۵}
که جز خاک تیره ندارم جفت^{۱۸}
چنان شد کجا خسته گردد به تیر
مرا بهره کین آمد و کارزار
پراکنده بر جای تریاگ زهر
شده نامبردار هر کشوری
ز من^{۲۱} بختِ بیدار برگشته شد
سیه شد^{۲۳} مرا بختِ روز^{۲۴} سپید
نگشتی سپهر بلند از برم
که ای مرد بینای^{۲۷} روشن روان،
- سپهدارگودرز بر تیغ کوه
چو خورشید تابان ز گنبد بگشت
به زاری خروش آمد از دیدگاه^{۱۲}
سوی باختر گشت گیتی ز گرد
شد از خاک خورشید تابان بنفش
عَو^{۱۶} دیده بشنید گودرز^{۱۷} گفت
رخش گشت از^{۱۹} اندوه^{۲۰} برسان قیر
چنین گفت کز اختر روزگار
ز گیتی مرا شوربختی ست بهر
نبیره پسر داشتم لشکری
به کین سیاوش همه کشته شد
ازین زندگانی^{۲۲} شدم ناامید
نزادی مرا کاجکی^{۲۵} مادرم
چنین گفت با دیدبان^{۲۶} پهلوان

۱- ل، ق: به؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۲- ف، ل (نیز پ، ل ن): آیین راه؛ ل: رسم آیین و راه؛ س: راه و رسم سپاه؛ متن = ق، س^۲ (نیز ل ن، ق، آ، ل، و، ب) ۳- ل: همه جنگ را تیغ‌ها؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ ۴- ل، ق (نیز و): سه (ل: دو) روز دگر آرکشند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل ن، ق، آ، ل، ب) ۵- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل-س^۲ (نیز ل ن-ب) ۶- ف: بیابد (!)؛ ل: بیابد؛ س: بیابد (حرف‌های یکم و چهارم نقطه ندارند)؛ س^۲: بیابد؛ متن = ق، ل (نیز ل، ل، آ، پ، ل ن، آ) ۷- ق: همی ۸- (ق): درفشان) ۹- س: تاج و تخت مهی؛ (ب: تاج سرو سهی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل ن-آ) ۱۰- ق: بیامد؛ درس پس از این بیت، بیت‌های ۸۲۰ و ۸۲۱ آمده‌اند ۱۱- ق: به ۱۲- ل، ق، ل: دیده‌گاه ۱۳- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل ن-ب، آ، ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز و، ل ن) ۱۴- ل: [و] ۱۵- ق: زیلبان و درفش ۱۶- ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، ب): غو ۱۷- ل، س، ق، ل: گودرز و؛ متن = ف، س^۲ ۱۸- س: مبادت نهفت ۱۹- ل: ز ۲۰- س: اندیشه ۲۱- ق: ز بس ۲۲- ف: ز تن زندگانی (؟)؛ ل، آ، س^۲: ازین زندگان هم؛ متن = ل، س، ق (نیز ل ن-ب) ۲۳- ف: سه بهره (؟)؛ متن = ل-س^۲ (نیز ل ن-ب) ۲۴- ل (نیز پ): بخت و روز؛ س (نیز ق، آ، ل، ب): روی روز؛ آ: روز بخت (ل نیز نخست این ضبط را داشته است)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل ن، و، ل ن) ۲۵- ف-ل (نیز ق، آ): کاشکی؛ متن = س^۲ (نیز ل ن، ب) ۲۶- ل، ق، ل، آ، س^۲: دیده‌بان؛ متن = ف، س ۲۷- ف، ق: بینا؛ ل: بینا و؛ متن = س، ل، آ، س^۲

که آرام دارند از^۲ آوردگاه،
نگه کن چپ لشکر و دست راست
نیبم همی جنبش و جست و جوی^۵
فروریخت از دیدگان^۸ آب زرد
کزین^{۱۰} پس مرا خشت بالین کنید
بگیرم به بر گیو و شیدوش را
سواران جنگی^{۱۲} خودکام را
بیوسم، بیارم ز مرگان بسی^{۱۳}

خروش آمد از دیده^{۱۴} هم در زمان^{۱۵}،
ز تیمار و درد و غم آزاد باش
پدید آمد و روز شد لاژورد^{۱۶}
بر آمد^{۱۷} بکردار تابنده ماه
یکی ماه پیکر ز دور اندکی
پدید آمد و شیر زرین سرش
ز دیدار تو دور بادا^{۲۱} بدی!
برین بر^{۲۲} که گفتی به پاکیزه رای،
کز آن پس نباشد نیازت^{۲۳} بنیز^{۲۴}
بنزدیک شاه دلیران شوم^{۲۵}،
سرت برتر آرم^{۲۶} به جاه^{۲۷} از مهان

نگه کن به توران و ایران^۱ سپاه
درفش سپهدار ایران^۳ کجاست؟
بدو دیدبان^۴ گفت کز هر دو روی
ز فرزند^۶ شد پهلوان پُر ز^۷ درد
بنالید و^۹ گفت: اسپ را زین کنید
شوم پُر کنم چشم و^{۱۱} آغوش را
همان بیژن گیو و رهام را
به پدروید کردن رخ هر کسی
۸۵۰
۸۵۵

نهادند زین بر سمنید چمان
که ای پهلوان جهان شاد باش
که از راه ایران یکی تیره گرد
فراوان درفش از میان سپاه
به پیش اندرون گرگ^{۱۸} پیکر یکی
درفشی دگر^{۱۹} آژدها بیکرش
بدو گفت گودرز: انوشه^{۲۰} بدی!
چو گفتارهای تو آید به جای
بیخشم چندان گرانمایه چیز
و زان پس چو روزی به ایران شوم^{۲۵}
ترا پیش تختش برم ناگهان
۸۶۰
۸۶۵

۱- ق. ل. بایران و توران ۲- ل. ز ۳- ق: توران ۴- ل. ل. ل. س: دیده بان؛ متن = ف. س. ق ۵- ل (نیز و): گفت و گوی؛
ق (نیز ل): گفت گوی؛ متن = ف. س. ل. س. ل. آ. س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل: از آن کاربرد: ق (نیز ل): از آن گفته: متن = ف. س. ل. آ. س (نیز
ق. ل. ب. ب) ۷- ق: دل به ۸- ل: دیده گان ۹- ف: [و]: متن = ل. س (۱۰- س: ازین ۱۱- ف: [و]: متن = ل. س
۱۲- ل: جنگی و ۱۳- ق: این بیت را ندارد ۱۴- بنداری: دیدبان ۱۵- ق: بجای این بیت و بیت سپسین افزوده است:

خروش آمد از دیده هم در زمان (= ۸۵۶ ب) ز تیمار و درد و غم آزادگان (= ۸۵۷ ب)

۱۶- ف. س. ق. ل. آ. س (نیز ل. ق. ل. ل. آ. ب): لا جورد؛ متن = ل (نیز ب. و): ل در اینجا سرنویس دارد: آمدن رستم بدد ایرانیان
جنگ افراسیاب ۱۷- ق: بیامد ۱۸- یا: گرگ ۱۹- ل (نیز ق): بدید؛ ق (نیز و): ز دور؛ (ل: از آن): متن = ف. س. ل. آ. س (نیز
نیز شش دستنویس دیگر) ۲۰- ق. ل. ل. آ. نوشته: متن = ف. س (نیز ل. ب. و. ل. ب) ۲۱- ل. ق (نیز ق. ل. آ. و): چشم؛
متن = ف. س. ل. آ. س (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۲- ل. ق (نیز ل. ب. و. ل. ب) ۲۳- ل. ق (نیز ل. ب. و. ل. ب): برینسان؛ متن = ف. س. ل. آ.
س (نیز ق. ل. آ) ۲۴- ل. ق. ل. آ. ب: نیازت نیاید (س: آ: نیاید: ل: نیاید): س (نیز ب. ل. آ): نیازت نباشد؛
متن = ف (نیز ل) ۲۵- ق. ل. آ. س (نیز ل. آ. ب. و. ل. ب): شویه؛ متن = ف (نیز
ل) ۲۶- ل. س. ق (نیز ل. ل. آ): برفرازم؛ متن = ف. ل. آ. س (نیز ب) ۲۷- ف. س. ق. ل. آ. س (نیز ل. ل. آ. و. ب): قدر؛
متن = ل (نیز ب)

ز بهر من اکنون ازین دیدگاه^۱
 سَخُن^۲ هر چه^۳ دیدی بدیشان^۴ بگوی
 بدو دیدبان^۵ گفت کز دیدگاه^۶
 چو بینم که روی زمین تار^۷ گشت،
 ۸۷۰ بکردار سیمرخ ازین دیدگاه^۸،
 چنین گفت با دیدبان^۹ پهلوان
 دگر باره بنگر ز کوه بلند
 چنین داد پاسخ که فردا پگاه
 چنان شاد شد زآن سَخُن پهلوان
 ۸۷۵ و زآن روی پیران بکردار گرد
 سواری^{۱۰} جریده^{۱۱} بیامد ز پیش
 چو بشنید هومان/بخندید و گفت
 خروشی به شادی ز توران سپاه^{۱۲}
 ۸۸۰ بزرگان^{۱۳} ایران پُر اندوه^{۱۴} و درد
 به اندرز کردن همه همگروه^{۱۵}
 به هر جای کرده یکی انجمن
 که زار این^{۱۶} دلیران خسرو نژاد
 کفن شان کنون^{۱۷} کام شیران بود
 ۸۸۵ سپهدار با بیژن^{۱۸} گیو گفت

برو سوی سالار ایران سپاه
 سَبک باش و از^{۱۹} هر کسی پاره^{۲۰} جوی
 نشاید شدن پیش ایران سپاه
 بدین^{۲۱} دیدگه^{۲۲} دیده بیکار^{۲۳} گشت،
 برم آگهی سوی ایران سپاه
 که بیدار دل باش و^{۲۴} روشن روان
 که ایشان بنزدیک ما کی رسند
 به کوه هِماوَن رسد^{۲۵} آن سپاه
 که^{۲۶} بی جان شده بازیابد روان
 همی راند لشکر به دشت نبرد
 بگفت آن کجا رفته بُد کم و بیش
 که شد بی گمان بختِ بیدار جفت
 به ابر اندر آمد از آن رزمگاه^{۲۷}
 رخان زرد و لبها شده لاژورد^{۲۸}،
 پراکنده گشتند بر گرد کوه^{۲۹}
 همی مویه کردند بر خویشان
 کزیشان به^{۳۰} ایران نگیرند یاد
 زمین پُر ز خونِ دلیران بود
 که برخیز و بگشای راز از نهفت،

۱-ق. ل. ۲. س. ۲: دیده گاه؛ ل: چو باد دمنده از آن جایگاه؛ متن = ف. س. ۲-ل: همه؛ متن = ف. س. ق. ل. ۱. س. ۱-۳-ل. س: هرچ
 ۴-ف: بایشان؛ ل: برایشان ۵-ف. س. ق. ل. ۱. س. ۱: وز؛ متن = ل ۶-ف: یاره؛ ل. ق (نیز ق ۱): مژده؛ س. ل. ۱. س. ۱ (نیز
 ل. ن. پ. ل. ۲): چاره؛ (و: داره (نقطه ندارد)): متن تصحیح قیاسی است (← ۹۱۰، ۱۷۹۱) ۷-ل. ل. ۲. س. ۱: دیده بان ۸-ل. ق. ل. ۲.
 س. ۲: دیده گاه ۹-س: تازه ۱۰-ل: برین ۱۱-ق. ل. ۲: دیده گه ۱۲-ل: بیدار؛ س: گزاف زمانه بی اندازه؛ س ۱ این بیت را
 ندارد ۱۳-ل: رزمگاه؛ ق. ل: دیده گاه؛ س ۱ این بیت را ندارد ۱۴-ل. ق. ل. ۲. س. ۱: دیده بان ۱۵-ل. ق: که اکنون نگه کن
 به؛ متن = ف. س. ل. ۲. س. ۱ ۱۶-ل. ۲. س. ۱: بود؛ درق این بیت در کناره آمده است ۱۷-ل: چو؛ ق این بیت را ندارد ۱۸-ق: ۲:
 نوندی) ۱۹-ف: حریده؛ ل. ق (نیز ق. ل. ۲. و): همژده؛ س: همده (نقطه ندارد): ل: جرنده؛ س: جریده (حرف سوم نقطه ندارد): (ل: ن
 مبارزه؛ پ. ل. ۲: نبرده)؛ متن = (ل. آ. ب): س در اینجا سرنویس دارد: خریافتن ایرانیان از آمدن خاقان چین و کاموس کشانی بیاری
 پیران ۲۰-ل: از آن رزمگاه؛ متن = ف. س. ق. ل. ۱. س. ۱ ۲۱-ل: ز توران سپاه؛ متن = ف. س. ق. ل. ۲. س. ۱ ۲۲-ق: وزان
 روی ۲۳-ل: پیر از داغ؛ متن = ف. س. ق. ل. ۱. س. ۱ ۲۴-ف. س. ق. ل. ۱. س. ۱ (نیز ل. ق. ل. ۱. ل. آ. ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز
 پ. و. ل. ۲) ۲۵-ق: گرد کوه ۲۶-ق: گروهها ۲۷-ف. س: کز ایران؛ ل: کزین پس؛ (ق: که زارا؛ ل. آ: دریغ این؛ ل. ۲.
 ب: که زارای)؛ متن = ل. ق. س. ۱ (نیز ل. پ. و. ل. ۲) ۲۸-س: بر؛ ق: در؛ متن = ف. ل. س. ۱ ۲۹-ف: کفن تان کنون؛ ل. ق (نیز
 ق. ۲. و): کفن ها کنون؛ س (نیز ل. پ. ل. آ. ب): کنون گورها؛ (ل: کنون گورهان؛ ل: کفنشان همه)؛ متن = ل. ۲. س. ۱ ۳۰-ل:
 بیژن و

برو تا سر تیغ کوه بلند
 همی بر^۲ کدامین ره آید سپاه؟
 بشد بیژن گیو تا تیغ کوه
 همی کرد از آن کوه^۵ هر سو نگاه
 ۸۹۰ بیامد به سوی سپهد دوان^۷
 بدو گفت: چندان سپاهست و پیل
 درفش و سنان را^۹ خود اندازه نیست
 اگر بشمری نیست انداز و مر^{۱۱}
 سپهد چو بشنید گفتار او^{۱۳}
 ۸۹۵ سران سپه را^{۱۵} همه گرد کرد
 چنین گفت کز گردش روزگار
 بسی گشتم اندر^{۱۸} فراز و نشیب
 کنون چاره‌ی کارم ایدر^{۲۰} یکیست
 بسازیم و امشب شیخون کنیم
 ۹۰۰ اگر گشته آیم در کارزار
 نگویند: بی نام گردی ببرد
 برین^{۲۶} رام شد پهلوان و^{۲۷} سپاه

بین تا که اند و چه و چون^۱ و چند
 که دارد سراپرده و تخت^۳ و گاه
 برآمد از^۴ انبوه دور از گروه
 درفش سواران^۶ و پیل و سپاه
 دل از غم پُر از درد و خسته^۸ روان
 که روی زمین گشت برسان نیل
 خور از گرد بر آسمان^{۱۰} تازه نیست
 همی از تبیره شود گوش کر^{۱۲}
 دلش گشت پُر درد و پُر آب روی^{۱۴}
 بسی گرم و^{۱۶} تیمار لشکر بخورد
 نینم همی جز غم کارزار^{۱۷}
 نیامد به روم ازینسان^{۱۹} نهیب
 اگر چه سلیح^{۲۱} و سپاه اندکیست:
 زمین را ز خون همچو^{۲۲} جیحون کنیم
 سپهد بود، چون بود شهریار^{۲۳}
 مگر زیر خاکم نباید^{۲۴} سپرد^{۲۵}
 هر آنکس که بود اندر آن رزمگاه

۱- ف، س: تا که و چه و چونند و چند؛ ل: تا که و چون و چه اند؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب؛ درل، ق، لن، لی، لن، آ، ب: کینند و... س، پ: که اند و...) ۲- ق: نگر تا ۳- س: تاج؛ (ق: پیل) ۴- ل: بی؛ س (نیز لن، ل، آ، پ، و لن): ز؛ (ب: به)؛ ق: بیدار؛ متن = ف، ل، آ، س ۵- (لن، پ، لن، آ: گه به)؛ ل: از آن کوه سر کرد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، لی، و آ، ب) ۶- ل: سران دید ۷- ق: دمان ۸- س، ق: تیره ۹- ق: ها ۱۰- ق: از گنبد چرخ بس ۱۱- ق: اندازه مر ۱۲- ق: ز بس نامداران با زور و فر؛ ل: این بیت را ندارد ۱۳- س: او ۱۴- س: و تیمار او؛ ل، آ، س: و پرچین بروی؛ ق: بشد خیره چون دید دیدار او؛ متن = ف، ل؛ ف (نیز لن، ق، ل، آ، سن) پس از این بیت افزوده اند:

ز فرزند (ل: از آن گفته) شد پهلوان پرزرد

فرو ریخت از دیدگسان آب زرد (= ۸۵۱)

۱۵- ق: سپه را سراسر ۱۶- ل: [و] ۱۷- ف (نیز لن، پ، و لن، آ، ب): غم و کارزار؛ س: بد روزگار؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، لی، ل، آ، آ) ۱۸- ل: گشته ام بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۹- س: بدینسان؛ ل: بروم نیامد ازینسان؛ ق: نیامد بدینسان بروم؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۰- ل: کار ایدر؛ ق: چاره و کار ما خود؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۱- س، س: سلاح ۲۲- ل، س: ازیشان چو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۳- (لن، لی، پ، لن، آ، ب: روزگار)؛ ل: نکوهش نیابیم از شهریار؛ ق: سپهدار باشد درآید بکار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و) ۲۴- ل، س: نباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیز لی، ل، آ، ب): نباید؛ متن = ف، ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۲۵- س، ق (نیز لن، ق، لی، پ، ب): شمرد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل) ۲۶- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و): بدین؛ (ل: بدان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، آ) ۲۷- ف (نیز پ، و لن، آ، ب): [و]؛ ل: رام گشتند یکسر؛ س: رزم کم شد ز توران؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ)

گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن لشکر ایرانیان^۱

<p>چو شد روی گیتی بکردار^۲ قیر سر از بخش^۳ ماهی برآورد ماه بیامد دمان دیدبان^۴ پیش طوس چنین گفت کای پهلوان سپاه سپهبد بخندید با مهتران چو یار آمد اکنون نجویم^{۱۱} جنگ به نیروی یزدان گو پیلتن از آن دیدبان^{۱۳} گشت روشن روان طلایه فرستاد بر دشت جنگ</p>	<p>نه ناهید^۳ پیدا، نه بهرام و تیر، بدرید تا ناف شعر سیاه^۵، دمان^۶ و شده روی چون سندروس از^۸ ایران سپاه آمد از نزد شاه^۹ که ای نامداران^{۱۰} گنداوران، گهی با شتابم^{۱۲} و گه با درنگ به یاری بیاید بدین انجمن همه پاره دادند^{۱۴} پیر و جوان خروش آمد از کوه و آوای زنگ</p>	<p>۹۰۵</p>
<p>چو خورشید بر چرخ لشکر^{۱۵} کشید یکی انجمن کرد خاقان چین به پیران چنین گفت کامروز جنگ یکی با سرافراز گردنکشان^{۲۱}</p>	<p>شب تاز تازنده شد^{۱۶} ناپدید، به دیبا بیاراست روی زمین^{۱۷} نسازی^{۱۸} و^{۱۹} روزی بیاید^{۲۰} درنگ که با این^{۲۲} سواران دشمن کشان^{۲۳}،</p>	<p>۹۱۰</p> <p>۹۱۵</p>

۱- ف: گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن ایرانیان بیاری ایشان و آمدن ترکان بتماشا ایران سپاه؛ س: آمدن دیدبان پیش طوس و مژده دادن از لشکر ایران؛ ق: آمدن خاقان چین با احتیاط لشکر ایران؛ متن = آغاز ف ۲- ل، ق (نیز ق، ل، و): چو دریای؛ س: بمانند؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ل، ل، پ، ل، آ) ۳- ف: بهرام (!)؛ متن = ل، س^۲ (نیز ل، ب) ۴- ف: بخش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: محس (نقطه ندارد)؛ ق، ل^۲ (نیز ل، و، آ، ب): برج؛ (ل: موج → برج)؛ متن = س^۲ (س، ف، س) ۵- ق: تا قلب آوردگاه؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل، ق، ل، س^۲: دیده بان ۷- ل، ق: دوان؛ متن = ف، س، ل، س^۲ ۸- ف، س^۲: کز؛ (ل، ب: ز)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- گویا بیت های ۹۰۵ و ۹۰۶ در لغت دری (ص ۸۰)، لغت فرس (ص ۴۷)، معجم شاهنامه (ص ۲۶) و لغت شهنامه (شماره ۷۳۸) بدین گونه آمده است:

بیامد دوان (لغت شهنامه: همی) دیدبان از چکاد که آمد ز ایران سپاهی (لغت فرس: سواری) چو باد بنداری: فیما هم کذلک إذ جاء هم الیدیدبان بیشرهم بطلوع الرايات والأعلام وظهورها من ناحية ایران ۱۰- س، ق، ل، س^۲: نامداران و؛ متن = ف، ل ۱۱- ل: نسازم؛ س: بسازم؛ ل: بجویم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، س^۲ ۱۲- ف: [و] ۱۳- ل، ق، ل^۲، س^۲: دیده بان ۱۴- ل، ق (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، ن): مژده دادند؛ ل، آ، س^۲: تازه دیدند؛ (و: شاد گشتند؛ آ، ب: هدیه دادند)؛ متن = ف: باره (ص ۸۶۸، ۱۷۹۱)؛ س: بیتهای ۹۱۰-۹۱۲ را ندارد؛ بنداری (۹۱۰-۹۱۱): فأفاضوا علی الیدیدبان الخلع، ونثروا علیه الذهب والفضة، وأمر طوس برکوب الیزک لحفظ الطرق ۱۵- ل، ل^۲ (نیز ل): گنبد؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- ل (نیز ل): تار شد از (لی: در) جهان؛ ق: تیره از چشم شد؛ (پ: تاره تازنده شد؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر): ف، ق: بارنده) ۱۷- س: بزرگان و گردان توران زمین ۱۸- ل، ل^۲: بسازم؛ متن = ف، س، ق، س^۲ ۱۹- ق: [و] ۲۰- ل: بساید (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیاید؛ بنداری: وقال لبریران: نستعد للحرب ونجرب الایرانیین ونبصر طرائقهم ۲۱- ق: سواری رود تا بیارد نشان ۲۲- ل (نیز ق): خنیده؛ س (نیز ل، لی، ب-پ): ابا این؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲۳- س: مردم کشان؛ ق: از آن سرفرازان و گردنکشان؛ س پس از این بیت افزوده است: برآساید از رنج راه دراز هم از تاختن در نشیب و فراز

برین ^۳ رزمگاه ^۴ اندرون ^۵ باد ^۶ که اند ^۷	ببینیم کایرانیان ^۱ بر چه اند ^۲
خردمندشاهی ^۷ ست با آفرین	چنین گفت پیران که خاقان چین
که او بر سپه سربر ^۹ پادشاست	بر آن راند امروز دل که ش ^۸ هواس
همان ناله‌ی ^{۱۱} کوس با گره‌نای ^{۱۲}	خروشیدن آمد ^{۱۰} ز پرده‌سرای
بیاراست ده را ^{۱۴} به دیبای چین	ز ^{۱۳} پیلان نهادند بر پنج زین
ز دیبای ^{۱۵} زربقت پیروزه گون	ز برجد نشانده به زین اندرون
به زرین‌درای و جرس‌ها و زنگ ^{۱۹}	به زرین‌ستام ^{۱۶} و جنای ^{۱۷} پلنگ ^{۱۸}
همه پاک با طوق و با گوشوار	از ^{۲۰} افسر سر پیل‌بان پرنگار
چوبازار ^{۲۱} چین زرد و سرخ ^{۲۲} و بنفش	هوا شد ز بس پرنیانی‌درفش
کزیشان همی بازرو ^{۲۳} خواست بزم ^{۲۴}	سپاهی برفت اندر آن دشت رزم
ز بس رنگ ^{۲۵} و آرایش نای و کوس ^{۲۶}	زمین شد بگردار چشم خروس
هوا پُر شد ^{۲۸} از ناله‌ی گره‌نای ^{۲۹}	برفتند شاهان و ^{۲۷} لشکر ز جای
شده روی کشور ز لشکر سیاه	سینان‌ها درخشان ^{۳۰} و جوشان سپاه

۹۲۰

۹۲۵

۱- س: ببینم که ایرانیان ۲- ل، ق: چینند؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۳- ل، س، ل، آ: بدین؛ متن = ف، ق، س، آ ۴- س، ل، آ: رزمگاه؛ متن = ف، ل، ق، س، آ ۵- ق: خود ۶- ل، ق: کینند؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۷- ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، پ، ب): شاهست (در برخی شاهبیت هم میتوان خواند)؛ ق: بزرگ و سپهدار؛ متن = ل (نیز ل، آ، و، آ)؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

خردمندشاهست و گردن‌فرزاز نیاید به رای کس او را نیاز

۸- ف: دل کت؛ ق، ل (نیز ل): کش دل؛ ل (نیز ل): بران (ل: بدان) رفت باید که او را؛ (ق: بدان ره رود کش مراد و)؛ متن = س، آ (نیز ل، پ، و، ل، آ، آ) ۹- ل: که رای تو بر ما همه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب)؛ س: بیت‌های ۹۱۸-۹۲۰ را ندارد ۱۰- ل: وزان پس برآمد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۱- ل: خروشیدن؛ ق: ز نالیدن؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۲- ف، ل: کرنای؛ متن = ق، ل، آ، س: در ل پس از این بیت، بیت ۹۲۸ آمده است ۱۳- ق: به ۱۴- ل، ق، س، آ (نیز ل، پ): دیگر؛ (ق: لشکر - دیگر؛ ل، آ: بیاراسته ده)؛ متن = ف، ل (نیز ل، و، ل، آ، ب) ۱۵- ف: زدینار و (ل: زدیبای)؛ متن = ل-س (نیز ل-ب)؛ بنداری (۹۱۸-۹۲۱): فقال پیران؛ نحن کلنا تبع للملک متقادون لأمره، فلیفعل ما یرید. فأمر بدق الکوسات، و جاءها وبخمسه من الفیلة وأسرجوها بسروج علی أقدارها، مرصعة بالزبرجد، وغشوها بالدیاج المذهب ۱۶- ل: رکیب؛ ق: رکاب؛ متن = ف، س، ل، س ۱۷- ف، ق (نیز ل): جناح؛ ل: جناح؛ س: حناق؛ ل (نیز ل، پ، و، ب): جناح؛ س (نیز ل، آ): جناح؛ (ق: حنای)؛ متن = (ل) ۱۸- (ق، ل، آ، خدنگ) ۱۹- ل: جرسهای زنگ؛ س: جرسها ز زنگ؛ ف: به زین اندرون بُد جرس‌ها و زنگ؛ ل: بزین و سیمین جرسهای زنگ؛ س: بزین اندر آویخت ز زینه زنگ؛ (ق: آ: به سیمین دوال و جرسهای زنگ؛ ل، آ: بر آن بر بسته جرسها و زنگ؛ ل: بزین جرسهای و آوای زنگ)؛ متن = ق (نیز ل، و، ل، آ، ب) ۲۰- ف، ل، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = س ۲۱- ف: باران (بازار)؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۲۲- ل، س، ق، ل، آ: سرخ و زرد؛ متن = ف، س، آ ۲۳- ل، ق، س، آ (نیز ل، ق، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب): آرزو؛ ل: یارزد (بازرو)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۲۴- ق: خاست بزم؛ ل: جست بزم؛ س: از آنسان همی یار برخاست نرم (!) ۲۵- ل، س: زنگ (یا: رنگ)؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۶- ل: پیل و کوس؛ س: رنگ و کوس؛ ق: آرایش و بانگ کوس؛ ل، آ، س: آرایش و نای و کوس؛ متن = ف ۲۷- ل، ق: [و] ۲۸- س، ل، آ، س: شد یر؛ متن = ف، ل، ق ۲۹- ف، ل، س: کَرَنای؛ متن = ق، ل، آ، س ۳۰- س، ق، ل، آ (نیز پ، ب): درفشان؛ ل (نیز ق، ل، آ): سنان‌های رخشان؛ متن = ف، س، آ (نیز ل، ل، و، ل، آ، آ)؛ در ل این بیت پس از بیت ۹۱۹ آمده است

<p>سپاه^۲ آنچه^۳ بودش رده برکشید بیاورد گیو اختر کاویان از ایران سپه بُد^۴ گروه‌ها گروه چو بیورد و چون شنگل پیش‌بین^۵ نه^۶ بر آرزو^۷ پیش دشمن شدند خروش سواران ایران شنید^۸، سواران اسب‌افکن رزمخواه^۹! هنرهای^{۱۰} مردان^{۱۱} نشاید نهفت: برو اسب تازد به روز شکار، هنرهای دشمن کند زیر گرد^{۱۲} به گردی و مردانگی^{۱۳} زین نشان نگیرند یاد اندرین کارگاه^{۱۴} که اکنون چه سازیم ازین^{۱۵} دشت کین؟ سپردی و دیدی نشیب و فراز بباشیم و آسوده گردد سپاه سرآمد کنون روزگاران^{۱۶} بیم نبرده^{۱۷} سواران گیتی فروز</p>	<p>چُن^۱ از دور طوس سپهد بدید بپستند گردان ایران میان از آوردگه تا سر تیغ کوه چو کاموس و منشور^۲ و خاقان چین نظاره به کوه هم‌اون شدند چُن^۳ از دور خاقان چین بنگرید پسند آمدش گفت کاین^۴ سپاه! سپهدار پیران^۵ دگرگونه گفت: سپهد سر^۶ چاه پوشد به خار از آن به که بر خیره روز نبرد ندیدم سواران^۷ گردنکشان وُر^۸ گفت پیران کز ایران^۹ سپاه به پیران چنین گفت خاقان چین بدو گفت پیران که راهی^{۱۰} دراز بمان تا سه روز اندرین رزمگاه سپه را کنم^{۱۱} زآن سپس به دو^{۱۲} نیم بباشیم^{۱۳} شبگیر تا نیم‌روز</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل. س. ق. ل.؛ چو: متن = ف. س. ۲- ف. س. ل. ل. (نیز ل. ب. ل. ن. آ): سپه: متن = ل. ق. (نیز ق. ل. ی. ل. ب. و. ب) ۳- ل. ل. آنچه ۴- ل. ق. س.؛ سپه بود از (ل. ز) ایران: متن = ف. س. ل. ۵- (و: منشور): ق. چنین گفت کاموس ۶- ل. بافرین: س.؛ چو بیورد سکان و ایران زمین (!): ق. که اکنون چه سازیم بردشت کین (= ۹۴۱ ب): متن = ف. ل. س. (نیز ل. ی. ل. ب. و. ب) ۷- ف.؛ چو: متن = ل. س. (نیز ل. ق. ل. ی. ل. ب. و. ب) ۸- ل. آرزوی ۹- ف. ل.؛ چو: متن = س. ۱۰- س. بدید ۱۱- ف. س. ق. ل. ل. س. (نیز ل. ب.): اینست: متن = ل. ۱۲- ل. رزم‌آور و کینه‌خواه: ق. شیراوزن کینه‌خواه: ل. اسب‌افکن و رزمخواه: س. سواران و اسب‌افکن و رزمخواه: متن = ف. س. ل.؛ در اینجا سرنویس دارد: آمدن خاقان چین و کاموس بکوه هم‌اون ۱۳- ق. توران ۱۴- ف. س.؛ هنرها: متن = ل. ق. ل. ل. س. ۱۵- ل. دشمن ۱۶- ل. (نیز ل. ق.): سپهدار کو: متن = ف. س. ق. ل. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- ق. این بیت را ندارد ۱۸- ل. س. ق. س.؛ سواران و: متن = ف. ل. (درف به زبریکم) ۱۹- ق. مردی یکی ۲۰- س. ق. (نیز ل. ق. ل. ی. ل. ب. و. ل. ن. آ): مرا: (ب) بدو (در بالا افزوده است: مرا): متن = ف. ل. ل. ل. س. (نیز ل. آ) ۲۱- ل. س. (نیز ل. ب.): اندک: متن = ف. ۲۲- ل. س. (نیز ل. ب.): رزمگاه: متن = ف. در ل. این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است: بنداری (۹۳۰-۹۴۰): و جاءوا حتی صافوا طوسا فی جموعه و صفوفه ۲۳- ل. بر: س. زین: ق. از: متن = ف. ل. ل. س.؛ بنداری: ثم قال الخاقان لپیران: ما تری الآن؟ ۲۴- س. راه: ل. کشیدی چنین رنج و راه: متن = ف. ق. س.؛ ل. بیت‌های ۹۴۲-۹۴۴ را ندارد: بنداری (۹۴۲-۹۴۳): فقال: أیها الملک! قد طویت مراحل بعیده، و تحملت تعباً و مشاق کثیرة. وقد أبصرت العُدو، والرأی أن ینصرف الملک و ینسرح هو و عسکره ثلاثة أيام ۲۵- ق. کنی ۲۶- ق. (نیز ل. ی. ل. ب.): بر دو: س.؛ بسه: متن = ف. ل. س. (نیز ق. آ): بنداری: ثم یجعل العسکر قسمین ۲۷- ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ن. آ): روز بیکار و: ق. روز ناکام و: (ل. جای تیمار و): متن = ف. س. (نیز ل. آ. ب) ۲۸- ق. بیایند: س.؛ بمانیم: (ل. ب. بتازند: ل.؛ بیایند: و؛ بیاییم: ل.؛ بیارند: آ. ب. بتاییم): متن = ل. س. ل. (نیز ق. ل. ی) ۲۹- ل. ل. ل. س. (نیز ق. ل. ل. ن. آ. ب. بتازند): نبرد (در ل. نقطه ندارد): (ل. ل. ن. آ. ب. بتازند): متن = س. ق. (نیز ل. ب. و.): ف. این بیت را ندارد

<p>همی رزم جوییم^۳ با بدگمان بکوشیم^۵ تا شب برآید^۶ ز کوه برم تا بریشان شود کار^۸ تنگ سواران ما با سپاه و بسیج^۹ بدین مولش^{۱۱} اندر مرا پای^{۱۲} نیست چرا باید و چیست^{۱۷} چندین درنگ؟ بریشان^{۱۹} در و کوه^{۲۰} تنگ آوریم نمانیم^{۲۲} تخت و نه تاج^{۲۳} و نه شاه نه جنگ یلان^{۲۶}، جنگ شیران کنیم نه شاه^{۲۸} و گنارنگ و نه پهلوان نه کاخ و نه ایوان و نه چارپای غم و درد بیهوده تیمار^{۳۰} داشت؟ که ایشان برانند ازین^{۳۱} رزمگاه سپه جمله باید که اندر دمد^{۳۳} تو فردا ز گردان ایران گروه نبینند ازین پس مگر^{۳۶} مویه گر</p>	<p>به ژوپین^۱ و خنجر، به گرز و کمان^۲ دگر نیمه ی روز^۴ دیگر گروه شب تیره آسودگان را^۷ به جنگ نمانم که آرام گیرند هیچ چنین^{۱۰} گفت کاموس کین رای نیست بدین^{۱۳} مایه^{۱۴} مرده، بدین^{۱۵} گونه جنگ^{۱۶} بسازیم و یکباره^{۱۸} جنگ آوریم به ایران گذاریم از ایدرا^{۲۱} سپاه بروبوم یکباره^{۲۴} بیران^{۲۵} کنیم زن و کودک خرد و^{۲۷} پیر و جوان به ایران نمانم بروبوم و جای به بد روز چندین چه مایه^{۲۹} گذاشت؟ یک امشب گشاده مدارید راه چو باد سپیده دمان بردمد^{۳۲} تلی^{۳۴} کشته بینی به بالای کوه برآنسان^{۳۵} که ایرانیان سربسر</p>	<p>۹۵۰ ۹۵۵ ۹۶۰</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------

۱- ف، ل، س، ق، س، آ (نیز لن-ب): ژوپین ۲- ل: تیرو کمان؛ ق: گرز گران؛ متن = ف، س، س، آ ۳- ل، ق (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن): جویند؛ متن = ف، س، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل: دگر نیم روزان؛ ق: بنیسمی دگر روز؛ ل: دگر نیمه را روز؛ س: دگر نیمه از روز؛ (ق): دگر نیمه تساروز؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ-ب) ۵- ل، س، ق (نیز لن، پ، و، لن، آ): بکوشند؛ (ق، آ، لی): بکوشید؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب) ۶- ق: درآید ۷- ل: آسوده گان را؛ س: شب آسودگان را بیارم ۸- ق: تا شود کار بر خصم ۹- ف: سپاه بسیج؛ س: سوار و بسیج؛ ل (نیز ل): سواران من با سواران بسیج؛ ق: سواران همی کرد باید بسیج؛ متن = س، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ بنداری (۹۴۵-۹۴۹): فیحارب العدو من أول النهار الی وقت الزوال أحد القسمین، ویقاتلهم القسم الآخر بعد الزوال. فانه عند ذلك یضیق علیهم الأمر فنهجم علیهم فنقتل البعض ونستأثر البعض ۱۰- ل: بدو ۱۱- س: دانش؛ (ق): گفتن؛ ل: رزم؛ لن: موکش؛ متن = ف-ل (نیز لن، پ، ب) ۱۲- ل، ل (نیز ل): جای؛ متن = ف، س، ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۳- س: برین ۱۴- ل: گونه ۱۵- ق: بران؛ ل، آ، س: برین ۱۶- ق: کوه سنگ ۱۷- ل: چه باید بدین گونه؛ ق: چرا بایدت جست؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۸- ل: بسازیم یکبار و ۱۹- ف: وزیشان؛ متن = ل-س ۲۰- س: دشت ۲۱- ل: زاید؛ س، ق: از آنپس؛ متن = ف، ل، آ، س (س) نخست داشته است: ازین پس) ۲۲- س: نمانم نه ۲۳- ق: تاج و نه تخت ۲۴- ل: بروبومشان پاک؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ب) ۲۵- ف، ل، س، ق، س، آ (نیز لن-ب): ویران؛ متن = ل ۲۶- ق: یلی ۲۷- ق: نه خرد و نه کودک نه ۲۸- ف: [و] ۲۹- ل، ق (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب): باید؛ س: هرگز نباید؛ (لی): چند روزی نباید؛ آ: چند روزی چه باید؛ ل: بیکروز چندین چه باید؛ متن = ف، ل، آ، س ۳۰- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، ب): درد (ب: رنج) و تیمار بیهوده؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، آ) ۳۱- ل: زین؛ در ل بیت های ۹۵۸-۹۶۲ در هم ریخته اند: ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۰، ۹۵۸، ۹۵۹ ۳۲- س: بردمید ۳۳- ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ): اندر چمد؛ س: آید بدید؛ (ل، و، لن): اندر چمد؛ متن = ف، س، آ (نیز ب) ۳۴- س: بسی ۳۵- ل: بدانسان ۳۶- ف: زین پس مگر؛ ل: ازین پس نه بیند جز؛ س: نشینند ازین پس همه؛ متن = ق، ل، آ، س

بدو گفت خاقان: جزین^۱ راه نیست
همه نامداران برین^۲ هم سخن^۳
برفتند و از^۴ جای برخاستند
به گیتی به از جنگ کوتاه نیست
که کاموس شیراوزن^۵ افگند بُن
همه شب همی لشکر آراستند

گفتار اندر رسیدن فربرز کاوس به کوه هماون^۶

۹۶۵ چو خورشید بر کشور^۷ لاژورد^۸
خروشی^۹ بلند آمد از دیدگاه^{۱۰}
سپاه^{۱۱} آمد و راه نزدیک شد
بجنبید گودرز از^{۱۲} جای خویش
سوی گرد تاریک بنیاد روی
پیامد چو نزدیک ایشان رسید
۹۷۰ که او بود از ایرانیان^{۱۳} پیشرو
پیاده شد از اسپ گودرز پیر
گرفتند مر یکدگر را کنار
فربرز گفت: ای سپهدار^{۱۴} پیر
۹۷۵ ز کین سیاوش تو داری زیان
ازیشان ترا مزد بسیار باد!

۱- س: خاقان چین؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال خاقان: الرأی ما راه کاموس ۲- ل: بدین ۳- ل، ل، س: یک سخن: متن =
ف، ل، س، ق (نیز ل-ب) ۴- ل، ل، س، س: شیراوزن؛ ق، ل: شیرافکن؛ متن = ف ۵- ف- ل: وز؛ متن = س ۶- ف:
گفتار اندر رسیدن فربرز کاموس (!) بکوه هماون نزدیک گودرز و طوس و مژده دادن با آمدن رستم از پس او؛ س: رسیدن فربرز بکوه هماون
بنزد ایرانیان؛ ق: رسیدن فربرز بیاری لشکر ایران؛ ل، س: آمدن فربرز و رستم بمدد ایرانیان (ل: بکوه)؛ متن = آغاز ف ۷- ل، ل، س (نیز
ق، و): گنبد؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۸- ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ل، آ، ب): لاجورد؛
متن = ل (نیز ب، و) ۹- ل: خروش ۱۰- ل، ق، س: دیده گاه ۱۱- ف: سباسب (!): متن = ل- س (نیز ل-ب): بنداری: فجاء
الدیدبان صبیحة الغد الی جوذرز، و بشره بقرب العسکر الواصل من ناحية ایران ۱۲- ل، ل، س: بر؛ متن = ف، ل، ق ۱۳- ف:
پیوند و (پوینده)؛ متن = ل- س (نیز ل-ب): س از این بیت افزوده است:

از ایران سپه پیکری مهرچهر
همی بازدانش از بر و مهر (!)
چو بشنید گودرز دلشاد گشت
همان چنبری سرش آزاد گشت

۱۴- ل (نیز ق، ل، ی، آ): فربرز کاوس؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ، ب): بنداری: فلما خالطه رأی فرسان أهل ایران
مقبلین، و رأی فری برز بن کیکاوس قدام العسکر ۱۵- ل، ق (نیز ق، ل): بُد به (ق: ز) ایران سپه؛ ل، س (نیز ل، پ، و، ل، آ): بود از
ایران سپه؛ س: که بود او از ایران سپه؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۶- ف (نیز ق، آ): پسندیده خویش و؛ متن = ل- س (نیز هفت
دستویس دیگر) ۱۷- ل: همه ۱۸- (لن: در کنار)؛ ل: خروشی برآمد ز هر دو بزار؛ ق: جهاننیده گودرز شد اشکبار؛ متن = ف،
س، ل، س (نیز هشت دستویس دیگر)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز هفتاد خون گرامسی پسر
فکننده بر آن رزمگه سربسر

بنداری: فترجل له و تعانقا فعزاه فری برز عن أولاده وسایله ۱۹- ق: سرافراز ۲۰- ل: دریغا ۲۱- ل- س (نیز ل-ب): نگوئسار؛
متن = ف

- ۹۸۰ سپاس از خداوند خورشید و ماه
ازیشان ببارید گودرز خون
بدو گفت: بنگر که از بخت بد
ازین^۲ جنگ پور و نبیره نماند
فراشت شد^۴ کار آن کارزار
سپاهست چندان^۵ برین دشت و راغ
همه لشکر طوس با این^۶ سپاه
ز چین و ز سقلاب و هند و ز روم^۹
همانا نماندهست یک جانور
کنون تا نگوویی که رستم کجاست
فربرز گفت: او پس از من^{۱۲} ز جای
شب تیره را تا سپیده دمان
کنون من کجا گیرم آرامگاه؟
بدو گفت گودرز: رستم چه گفت؟
فربرز گفت: ای گرانمایه^{۱۵} مرد
بیاشید - گفت - اندر آن^{۱۶} رزمگاه
بباید بر آن^{۱۷} رزمگاه آرמיד
برفت او^{۱۹} و گودرز با او برفت
چو لشکر پدید آمد از دیدگاه^{۲۱}
- ۹۸۵
۹۹۰
۹۹۵
- که دیدم ترا زنده بر جایگاه
که بودند خفته به خاک اندرون
همی هر زمان بر سرم^۱ بد رسد
سپاه و درفش و^۳ تبیره نماند
کنونست رزم و کنونست کار
که روی^۶ زمین گشت چون پر زاغ
چو ابری سپاهست بر چرخ ماه^۸
ز ویران گیتی و آبادبوم،
مگر^{۱۱} بسته بر جنگ ما بر^{۱۱} کمر
ز غمها نگردد مرا پشت راست
بیامد، نبودش جز از رزم رای
بیاید، نجوید به رهبر^{۱۳} زمان
کجا رانم این خوارمایه سپاه؟
که گفتار او را نشاید نهفت^{۱۴}
تهمن نفرمود ما را نبرد
نباید شدن پیش روی سپاه
یکی^{۱۸} تا درفش من آید پدید
به راه هماون خرامید^{۲۰} تفت
بشد دیدبان^{۲۲} پیش توران سپاه

۱- ل، ق: بر سرم هر زمان؛ س: بر سرم بی گمان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۲- ل: درین ۳- ل: [و] ۴- ل، ق: (نیز ل، ب): فراموش شد؛ س: (نیز ل، لی، پ، لن، آ): فراموش شدم؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، و) ۵- س: چندین ۶- س: روشن؛ ل، آ، س^۲ این بیت را ندارند ۷- ق: آن ۸- س^۲ (نیز لی، آ): چرخ و ماه؛ (و: در برج ماه)؛ ل: چوتیره شبانست با نور ماه؛ ق: چوپرست از مرغ در چرخ ماه؛ (ل: چو گاوی سپاهست و موی سیاه)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: ان جمیع عساكر طوس بالنسبة اليهم كشعة بيضاء في جلد بقرة سواد (ل ۲) ۹- ل، س، ق: وز هند و روم؛ ل، آ، س^۲: ز چین و هند و سقلاب و روم؛ متن = ف ۱۰- ف، ل، آ، س^۲: همه؛ متن = ل، س، ق: (نیز ل، ق، آ، لی، پ-ب)؛ بنداری: و كأنهم ما خلوا من بلاد الصين و سقلاب و الهند و الروم ذا روح إلا وقد أتوا به إلینا ۱۱- ق: ایران ۱۲- ل: (نیز ل): از پس من؛ س، ق، ل: (نیز ل، لی، پ، لن، آ، ب): او پس من؛ (ق: آ: گفتا پس من)؛ متن = ف، س^۲ (نیز و) ۱۳- ل، س: بره بر نجوید؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۴- درس^۲ بیت های ۹۹۰-۹۹۳ درهم ریخته اند: ۹۹۰، ۹۸۴، ۹۹۱، ۹۹۲ ۱۵- ل، ق، س: آ: جهانندیده؛ متن = ف، س، ل، آ ۱۶- س: اندرین ۱۷- ل، س، ق، ل: آ: بدان؛ متن = ف، س^۲ ۱۸- س: آ: همی رفت ۱۹- س: همی رفت ۲۰- ل، س: آ: خرامید و ۲۱- ل، آ، س: آ: دیده گاه؛ ق: رزمگاه؛ متن = ف، س ۲۲- ل، ق، ل، آ، س: آ: دیده بان؛ متن = ف، س، ف، ل، آ، س^۲ (نیز ل، لی، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

که بر جنگ بنسیدید یکسر میان
به پیران چنین گفت پس دیده بان (ف: دیدبان)
ل، س، ق: (نیز ق، ل، آ، و، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۹۹۵-۹۹۶): فلما رأى دیدبان التورانية ورباياهم العسكر الذى جاء من صوب ایران، وانضوى الى أصحاب طوس أخبروا بيران بوصول المدد من صوب ایران

کز ایران یکی لشکر آمد به دشت^۱ سپهد بشد^۲ پیش خاقان چین
 بینم که چندست و^۳ سالار کیست بدو گفت کاموس جنگ آزمای^۴:
 ۱۰۰۰ بزرگان درگاه افراسیاب، تو دانی^۵ چه کردی بدین^۶ پنج ماه
 کنون چون زمین سربسر لشکرست، بمان تا هنرها کنیم آشکار
 گراز کاول^۷ و زاول^۸ و مای^۹ و هندی همانا به تنها تن من نه اند^{۱۰}
 ۱۰۰۵ تو ترسانی از رستم نامدار گرش یک زمان^{۱۱} اندر آرم به دام
 تو از لشکر سیستان خسته یی یکی بار^{۱۲} دست من اندر نبرد
 ۱۰۱۰ بدانی که اندر جهان مرد کیست بدو گفت پیران کانشه^{۱۳} بدی!
 به پیران چنین گفت خاقان چین به کردار پیش آورد هرچه^{۱۴} گفت

و زان روی^{۱۵} سوی هماون گذشت^{۱۶} که آمد سپاهی از^{۱۷} ایران زمین
 چه سازیم و درمان این کار چیست به^{۱۸} جایی که مهتر تو باشی به جای^{۱۹}،
 سپاهی بکردار دریای آب، برین^{۲۰} دشت با خوارمایه سپاه،
 چو خاقان^{۲۱} و منشور^{۲۲} و چون من سرست^{۲۳}، برین^{۲۴} دشت با لشکر نامدار^{۲۵}
 شود روی گیتی چو چینی^{۲۶} پرنده، نگوئی که ایرانیان خود چه اند^{۲۷}
 نخستین ازو من^{۲۸} بر آرم دمار نمانم که ماند به گیتیش نام
 دل خویش در خستگان^{۲۹} بسته یی نگه کن که برخیزد از دشت گرد
 دلیران کدامند و پیگار چیست همیشه ز تو دور دست بدی!
 که کاموس را راه دادی به کین که با کوه یارست و با پیل جفت

۱-س: پدید ۲-ل: از آن روی؛ ق: وزانپس ۳-س: شد از گرد لشکر زمین ناپدید ۴-س: از ایدر شوم ۵-ل، ل: ل: ز ۶-ل: ندانم چندست و؛ ق: شوم تا بینم که؛ ل، ل، س: چو بینم که چندست و؛ (ق، ل، و، ب: ندانم که چندست و)؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ)؛ بنداری (۹۹۷-۹۹۸): و ركب مذعورا الى الخاقان، وأعلمه بأن طوسا قد جاءه مدد من عساكر ايران، وأنه بعد لا يعرف مقدار عددهم ولا من المقدم عليهم ۷-ل: رزم آزمای ۸-ق، س: که ۹-ل، ق: بیای؛ متن = ف، س، ل، س: ۱۰-ق: باری ۱۱-س، ق: درین ۱۲-س، ق: بدین؛ ل: درین؛ بنداری (۹۹۹-۱۰۰۱): فقال له کاموس: فلدك أفراسياب سالارية جيشه، وسيرتحت رايتهك جميع عسكره، فما الذي كان بك حتى أقت في هذه الناحية خمسة أشهر تدور من جانب الی جانب لا تنجز عدوك. ولا تجد في قتاله؟ ۱۳-س: کاموس (!) ۱۴-(و: منشور) ۱۵-ل: کنداورست ۱۶-ق: بدین ۱۷-ق: بی شماره؛ متن = ف، ل، س: س بیت های ۱۰۰۳-۱۰۰۵ را ندارد؛ ل (نیز لن-ب) بجای بیت ۱۰۰۳ و ق، ل، س: پس از آن افزوده اند:
 بمان تا (ق، ل، س: بمردی) هنرها پدید آورم تو در بسته (ل: بست) و ما کلید آورم
 ف این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۰۰۲-۱۰۰۳): والآن حين امتلأت الأرض بالعساكر وأنجدك الخاقان والمنثور وغيرها من ملوك الأطراف ووجوه الأجداد والأجداد فاصبر ولا تقلق حتى يفتح ما أغلقته من الأمر ۱۸-ف، ل، ق، ل، س: (نیز لن-ب، بنداری): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ل، ل، ق، ل، س: (نیز لن-ب، بنداری): زایل؛ متن = ف ۲۰-ل، ل، ل، ل: ما ۲۱-ل، ل، ل: رومی؛ ق: روی؛ متن = ف، س: ۲۲-ل، ل، ل، س: نیند؛ متن = ف، ق ۲۳-ل، ل، س: کیند؛ ق، ل: که اند؛ متن = ف ۲۴-ق: من ازوی ۲۵-ق: بیینی که سرش ۲۶-ل، ق (نیز لن، ل، پ، لن): جنگشان؛ (لی، آ: ب: خستگی)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ق، و)؛ س بیت های ۱۰۰۸-۱۰۱۰ را ندارد ۲۷-ق: بدین بار؛ (ق، ل: یک انبار) ۲۸-س، ق، ل: که نوشه؛ متن = ف، ل، س: در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن تورانیان از مدد رسیدن ایرانیان ۲۹-ل، س (نیز لن): هرج؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ق-ب)

<p>دل جنگ‌جویان چُنین بد مکن! برآرم گرد از نشیب و فراز فرستم نزدیک^۲ افراسیاب و زیشان فراوان بریده^۳ سران نه شاه و نه گاه^۴ و نه تاج و نه تخت بر آن نامداران و خاقانِ چین برفتند گردان هم اندر زمان بزرگان و شیران روز نبرد^۵ یکی پیشرو با درفش سیاه برفت و بیامد هم اندر زمان سُواری^۶ سرافراز^۱ خسروپرست دم او برین زهر تریاک نیست همی پیلتن را ندارد به مرد، و گر چند^{۱۲} کاموس گردد^{۱۳} نهنگ فربرز را خاک و خون^{۱۵} ایدرست شدم دور^{۱۷} و بیزارم از هور و ماه^{۱۸} خرامید و آمد بدین^{۲۰} رزمگاه، برآمد یکی از دلم^{۲۳} بادِ سرد چرا باید از طوس و رستم گریست؟ میان اندرون باد را نیست راه^{۲۴} ز کیخسرو و طوس و رستم چه باک سُوی خیمه‌ی خویش جستند^{۲۶} راه</p>	<p>از ایرانیان نیست چندین سَخُن به ایران نمائیم یک^۱ سرفراز هر آنکس که هستند با جاه و آب همه پای کرده به بند گران به ایران نمائیم برگِ درخت بخدمت پیران و کرد آفرین به لشکرگه آمد شده^۵ شادمان چو هومان و لَهاک و فرشیدورد بگفتند کامد از^۷ ایران سپاه ز کارآگهان نامداری دمان فربرزِ کاوس گویند^۸ هست چو رستم نباشد ازو باک نیست ابا آنک کاموس روز نبرد مبادا که او ایدر آید^{۱۱} به جنگ نه رستم، نه از سیستان لشکرست^{۱۴} چُنین گفت پیران که از تختگاه^{۱۶} که چون^{۱۹} من شنیدم کز ایران سپاه بشد^{۲۱} جان و مغز و سرم^{۲۲} پُر ز درد بدو گفت گلباد کین درد چیست؟ ز بس گرز و شمشیر و پیل و سپاه چه ایرانیان پیش ما در، چه خاک پراکنده گشتند از آن^{۲۵} جایگاه</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ق، س: ۱. نمائیم یکی ۲- س: ببندم فرستم به ۳- ل: فکنده فراوان؛ ق، ل: بریده فراوان؛ متن = ف، س، س، ۴- ل: نه گاه و نه شاه؛ س: نه شاخ و نه کاخ؛ متن = ف، ق، ل، ل، س ۵- ل: دلی؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز ل-ب) ۶- درس بیت ۱۰۲۱ با بیت ۱۰۲۴ پس و پیش شده است ۷- ل، ق، س: ۲ ز ۸- س، ق: گویند که ۹- ل، ق، ل، ل، س: ۲ (نیز ل-ب)؛ سپاهی؛ (ل: سپاه)؛ متن = ف، س (نیز ق: ۱) ۱۰- ل: سرافرازو؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: ۲ (نیز ل-ب) ۱۱- ل: آید ایدر ۱۲- ل: جنگ؛ (ق: ل، ل، ب: جنگ)؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: ۲ (نیز ل-ب) ۱۳- ق: باشد ۱۴- ق: چو او نیست اگر چه بسی لشکرست ۱۵- ف: خاک خود؛ متن = ل-س: ۲ (نیز ل-ب) ۱۶- ل-س: ۲ (نیز ق: ب)؛ تخت و گاه؛ متن = ف (نیز ل-ب): تخت گاه ۱۷- ل (نیز ل: ۲)؛ سیر؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸- ل: تاج و گاه ۱۹- ل: چو ۲۰- س: ۲ برین ۲۱- ف، ل، ل، س: ۲ (نیز ق: ۲)؛ که شد (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل-ب) ۲۲- ل، ق، ل، ل (نیز ل-ب)؛ مغز سرم؛ س (نیز ل-ب)؛ مغز و دلم؛ متن = ف، س: ۲ (نیز ل-ب) ۲۳- س: برآوردم از دل یکی ۲۴- درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۵- ل: زان ۲۶- ل، س: کردند؛ متن = ف، ق، ل، ل، س

۱۰۴۰ ۱ وُزَانٴ پَس چو آگاهی آمد به ۲ طوس
از ایران بیامد گو پیلتن
بفرمود تا برکشیدند کوس
ز کوه هماون برآمد خروش
سپهد بریشان زبان برگشاد
که با دیو در جنگ رستم چه کرد
سپاه آفرین خواند بر پهلوان
بدین مژده گردیده خواهی رواست ۹
کنون چون همتن بیاید به جنگ
یکایک برین ۱۱ کوه رزمی کنیم
۱۰۴۵ درفش سرافرازخاقان و تاج
همان افسر پیل بانان به زر
همان زنگ زرین و زرین جرس
همان چتر کز ۱۶ دُم ۱۷ طوس نر
جزین نیز چندی ۱۹ به چنگ آوریم
۱۰۵۰ به لشکر چنین گفت بیدارطوس
همه دامن کوه پر لشکرست
چو رستم بیاید نکوهش کند
که شد روی کشور پرآوای ۳ کوس ۴،
فریرز کاوس و آن ۵ انجمن،
ز گرد سپه کوه گشت ۶ آبوس
زمین آمد از بانگ ۷ اسپان به جوش
ز مازندران کرد بسیار یاد
بریشان چه آورد روز نبرد ۸
که بیدار دل باش و روشن روان
که این مژده آرایش جان ماست
ندارند با این سپه پا نهنگ ۱۰
که این ننگ از ایرانیان بفکنیم
سپه‌های ۱۲ زرین و آن ۱۳ تحتِ عاج،
سِنان‌های ۱۴ زرین و زرین کمر ۱۵،
که اندر جهان آن ندیده ست کس،
برو بافته ستند چندان ۱۸ گهر،
چو جان را بکوشیم و ۲۰ جنگ آوریم
که هم پُر ۲۱ هراسیم و هم پُر ۲۲ فسوس
سر نامداران به بند ۲۳ اندرست
مگر ۲۴ کین سخن را پژوهش کند،

۱-ل: از آن ۲-ل: ز ۳-س: آواز ۴-ق: که گرد سپه کوه کرد آبوس (= ۱۰۳۸ ب)؛ ف: ل در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر شدن رستم بنزدیک گودرز و طوس و لشکر ایرانیان و شادی کردن ایشان و احوال گفتن به رستم زال؛ ل: آگاهی یافتن طوس از آمدن رستم ۵-ف، س: از آن؛ س (نیز ق، و)؛ [و] با؛ متن = ل (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق، ل این بیت را ندارند ۶-ق: کرد؛ س: شد؛ ل این بیت را ندارد؛ ق ۱۰۳۶ ب- ۱۰۳۸ آ را انداخته و از ۱۰۳۶ آ و ۱۰۳۸ ب یک بیت ساخته است ۷-ف: پای؛ ق (نیز ل): نعل؛ متن = ل، س، ل، س، ل؛ س ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸-ق پس از این بیت افزوده است:

ز اخبار خسرو بخواند او خبر

که مژده شما را همه سربس

۹-ف: تراست؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۰-ل: با نهنگ؛ ل، س، ق، س ۲ (نیز لن-ب)؛ پای (ل) یا (نقطه ندارد)؛ ل: پا؛ و: یا) این سپه با نهنگ (س، ق): بی درنگ؛ و: با پلنگ)؛ متن = ف ۱۱-ل: بران؛ س: از آن ۱۲-ف: سپرها ۱۳-س: این ۱۴-ق: همان خود ۱۵-س: سپر؛ ف این بیت را ندارد ۱۶-س: از؛ متن = ف، ل، ق، ل، س ۲ (نیز لن-ب) ۱۷-ق (پ، ل، آ: دنب) ۱۸-ق: چندین؛ س: بافته چند گونه ۱۹-ل: چیزی؛ س: چندان؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۰-ف (نیز ل): [و]؛ ق: ز جانرا بشوریم و؛ متن = ل، س، ل، س، ل؛ س ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱-ل، ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، و، ل، آ: ب)؛ با؛ متن = ف، س، س، س ۲ (نیز لن، ب) ۲۲-ل، ق (نیز ق، ل، ل، و، ل، آ: ب)؛ با؛ متن = ف، س، ل، س، ل؛ س ۲ (نیز لن، ب) ۲۳-س، ق (نیز لن-ب، ل، آ، آ: ب)؛ دام؛ متن = ف، ل، ل، ل؛ س ۲ (نیز و) ۲۴-ق: وگر

که چون مرغ پی‌خسته ^۱ بودم ^۲ به دام؟	۱۰۵۵
سپهبد همان بود و لشکر همان	
[یکی حمله آرم چون شیر نر	
سپه گفت کین برتری خود مجوی	
ازین ^۶ کوه کس پیشتر نگذرد	
باشیم بر ^۷ پیش رستم ^۸ به پای	
به فرمان دارنده‌ی هور و ماه	۱۰۶۰
چه داری به بد ^{۱۱} اختر خویش را	
به شادی ز گردان ایران‌گروه	
همه کار ناکام و هم مانده خام ^۳ ؟	
کسی را ندیدم ز گردان دمان ^۴	
شوند از بُن گه مگر زاستر ^۵]	
سَخُن زین نشان هیچ‌گونه مگوی	
مگر رستم این رزمگه بنگرد	
که اویست ^۹ بر نیک‌وبد ^{۱۰} رهنمای	
تهمن بیاید بدین رزمگاه	
درم بخش و دینار درویش را	
خروشیدن آمد ^{۱۲} ز بالای کوه	

گفتار اندر رزم کاموس با ایرانیان^{۱۳}

چو خورشید زد پنجه بر پشت گاو	
ز درگاه کاموس برخاست عو	
سپاه انجمن کرد و جوشن بداد	۱۰۶۵
زره ^{۱۷} بود بر تَش ^{۱۸} پیراهنش	
ز گردنکشان لشکری برگزید	
ز دیده به دیده ^{۲۰} ز گرد سپاه	
به ایران خروش آمد از دیدگاه ^{۲۱}	
درفش سپهبد گو پیلتن	۱۰۷۰
ز هامون برآمد خروش چکاوا ^{۱۴} ،	
که او بود اسپ‌افکن و ^{۱۵} پیشرو	
دلش پر ز رزم و سرش ^{۱۶} پُر ز باد	
گله ترگ بود و قبا جوشنش	
ز ^{۱۹} دیبا و آهن شده ناپدید	
ز شمشیر و جوشن ندیدند راه	
کزین روی تنگ اندر آمد سپاه	
پدید آمد اندر سر ^{۲۲} انجمن	

۱- ل (نیزو): پیچیده؛ ق (نیزل): پرکنده؛ (ق): که چون بی پروبال؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲- س (نیز) ق، آ، لی، پ، آ): مانده؛ ق (نیزل، آ، ب): بودی؛ (لن، پ، مانند)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو) ۳- ل، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و لن): و پیکار خام؛ ل: و هم کار خام؛ س: همه کارها خام و هم ناتمام؛ متن = ف، س (نیزلی، آ، ب) ۴- ل: زمان ۵- (لی، آ): از آنسو مگر؛ پ، لن: زان سر مگر؛ لن: کنند ازین کوه زانسو گذر؛ و شوم ازین که مگر زیرتر؛ متن = ل، ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، ل، ب) این بیت را ندارند ۶- ل: کزین ۷- ق: در ۸- س: رستم ۹- ف: او هست؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۰- ل، س: بر نیکی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن- ب) ۱۱- ل (نیزل): دژم؛ (لن، پ، لن، آ، ب: بلند؛ ق: نژند)؛ ق: چو دیدی بلند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلی، و، آ)؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ل: خروشی برآمد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ بنداری ۱۰۶۲-۱۰۱۱ را ندارد ۱۳- ل: رزم کاموس با ایرانیان؛ ق: رزم جستن کاموس کشانی از ایرانیان؛ ل: آمدن کاموس کشانی به جنگ ایرانیان؛ س: رزم کردن کاموس با ایرانیان؛ متن = ل ۱۴- ل، س، ق، س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، و لن، آ، ب): چکاوا؛ متن = ل (نیزپ) ۱۵- ل: [و] ۱۶- ق: دلی پر ز رزم و سری ۱۷- ف، س: رزه (داستان فرود، بیت ۸۶۵) ۱۸- ل، س، ق (نیزق، آ، و): در زیر؛ ل (نیزل، آ، لن): برپیش (برتش)؛ متن = ف، س (نیزلن، لی، پ، آ، ب) ۱۹- ق: به؛ ل این بیت را ندارد ۲۰- ق: زدیریا بدریا؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق، ل، آ، س: دیده‌گاه ۲۲- ل: آمد از دور با؛ ق: آمدست از پس؛ متن = ف، س، ل، آ، س؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

۱۰۷۵ و زان^۱ روی گیتی^۲ ز توران سپاه
 سپهد سوارى چو یک لخت کوه
 یکی گرز همچون سر گاو میش
 همی جوشده آن گرز از آن^۳ یال و کفت
 و زین^۴ روی ایران سپهدار طوس
 خروشیدن دیدبان^۵ پهلوان
 بنزدیک^۶ گودرز گشواد^۷ تفت
 که توران سپه سوی جنگ آمدند
 تو آن کن که از گوهر تو سزاست
 که گرد تهمتن برآمد ز راه
 فریبرز با لشکری^۸ گرد نیو
 بر^۹ کوه لشکر بیاراستند
 چو با میسره راست شد میمنه
 برآمد خروشیدن گره زای^{۱۰}
 ۱۰۸۵ چو کاموس تنگ اندر آمد به جنگ
 سپه را بکردار دریای آب
 بیاورد و پیش هماون^{۱۱} رسید
 چو نزدیک شد سر سوی کوه کرد
 که ایرانیان را گه کارزار
 کنون لشکری تیز^{۱۲} گنداورست
 ۱۰۹۰

هوا گشت برسان ابر سیاه
 زمین گشته از نعل اسپش^{۱۳} ستوه
 سپاه از پس و نیزه داران ز^{۱۴} پیش
 سزد گر بمانی بدو^{۱۵} در شگفت
 به ابر اندر آورده^{۱۶} آوای^{۱۷} کوس
 چو بشنید شد شاد و روشن روان
 سوارى به نزد فریبرز رفت
 رده برکشیدند و تنگ آمدند
 که تو مهتری و پدر پادشاست
 هم اکنون بیاید بدین^{۱۸} رزمگاه
 بیامد پیوست با طوس و گیو
 درفش خجسته پیراستند
 همان ساقه و قلب و جای^{۱۹} بته،
 سپه چون سپهر اندر آمد ز جای
 به هامون نبودش فراوان^{۲۰} درنگ
 که کشتی بدو اندر آید به خواب^{۲۱}،
 هوا نیلگون شد، زمین ناپدید
 پُر از خنده رخ سوی انبوه کرد
 هم آورد نامرد^{۲۲} بودی به کار
 نه پیران و هومان و آن لشکرست

۱- ل، ق، س: ۲. وزین: متن = ف، س، ل. ۲- ل (نیزو): دیگر؛ (لی: هامون): متن = ف، س، ق، ل، ۲. س (نیز لن، ق، ۲، ب، لن ۲): درس ۲
 لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۳- س: گرد پیلان؛ ق: سه اسپش؛ متن = ف، ل، ل، ۲، س ۴- ل: نامدارانش؛ س، ق (نیز لن،
 لی، پ، لن، ۲، آ): نیزه دارانش؛ متن = ف، ل، ل، ۲، س (نیز ق، ۲، و، ب) ۵- س: کوشد ۶- ل: از گرز آن؛ ق: از گرز او؛ متن = ف، س،
 ل، ۲، س ۷- ل: ازو ۸- ق: وزاین ۹- ل- س (نیز لن، ق، ۲، ل، و، لن، ۲، ب): آورد؛ متن = ف (نیز لی، ب، آ) ۱۰- ق:
 آواز ۱۱- ل، ل، ل، ۲، س: دیده بان؛ ق این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: آمدن دیدبان بنزد طوس و مژده دادن از آمدن
 رستم ۱۲- ل، ل، ل (نیزو): ز نزدیک؛ (ل: همانگاه): متن = ف، س، س ۱۳- ق: بنزدیکی گیو و
 گودرز ۱۴- س: برین ۱۵- س، ل، ۲، س: لشکر؛ متن = ف، ل، ق ۱۶- س: بر آن ۱۷- ل، ۲، س: ساقه و جایگاه؛ متن =
 ف، ل، ق؛ س این بیت را ندارد ۱۸- ف، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، ۲، س ۱۹- س، ق (نیز لن- و، آ، ب): زمانی؛ ل: زمانی
 نبودش؛ متن = ف، ل، ۲، س ۲۰- ف، س، ل (نیز ق، ۲، لی، و، آ، ب): که از که برود اندر آید بخواب (س، لی، آ: بتاب؛ ق، و: شتاب)؛ ل:
 که از کوه سیل اندر آید شتاب؛ ق: که کشتی در آید بدو در شتاب؛ (ل: که کشتی برود اندر آید بتاب)؛ متن = س (نیز لن، پ،
 لن ۲) ۲۱- س: تهمتن (!) ۲۲- س، ق: نامرد (نقطه ندارد)؛ ل (نیزو): ناورد؛ (لن، لی، پ، لن، ۲، آ، ب: نامرد؛ ق: ۲: امرود)؛ متن =
 ف، س، ل این بیت را ندارد ۲۳- س، ق (نیز لن، ل، ۲): گشن؛ س (نیز ق، ۲): تیزو؛ ل: که این لشکری گشن و؛ متن = ف، ل (نیز لی، پ،
 و، لن، ۲، آ، ب)

که دارید^۱ از ایران سپه^۲ جنگجوی^۳؟
 ببینند^۴ بالای^۵ و بُرز مرا
 چو بشنید گیو این^۶ سَخُن بردمید
 چو نزدیک تر شد به کاموس، گفت
 ۱۰۹۵ کمان برکشید و به زه برنهاد
 به کاموس بر تیرباران گرفت
 چو کاموس دست و^۷ گشادش بدید
 به نیزه درآمد بکردار کرگ^۸
 [چو آمد بنزدیک بدخواه او
 ۱۱۰۰ چو شد گیو جنبان به زین اندرون
 سبک تیغ را برکشید از نیام
 به پیش سوار اندرآمد دژم
 ز قلب سپه طوس چون بنگرید
 بدانست کو مرد کاموس نیست
 ۱۱۰۵ خروشان بیامد ز قلب سپاه
 عینان را پیچید کاموس تنگ
 بخت اسب طوس وزتگ بازماند^۹
 به نیزه پیاده^{۱۰} به^{۱۱} آوردگاه
 دو گرد گرانمایه و یک سوار

که با من^۱ به روی اندرآرند^۲ روی^۳،
 بر و بازوی^۴ و تیغ و گرز مرا
 برآشت و تیغ از میان برکشید
 که این را مگر زنده پیلست جفت
 ز یزدان^۵ نیکی دهش کرد باد
 کمان را چُن^۶ ابر بهاران گرفت
 به زیر سپر کرد سر ناپدید
 - زمین پُرز گرد^۷ و هوا پُرز مرگ^۸ -
 یکی نیزه زد بر کمرگاه او^۹]
 از آن آهنین^{۱۰} نیزه‌ی آبگون،
 خروشید و جوشید و برگفت نام
 بزد تیغ و شد نیزه‌ی او قلم
 غمی^{۱۱} شد چو^{۱۲} جنگ دلیران بدید
 چنو نیزه‌ور نیز جز^{۱۳} طوس نیست
 به یاری بر گیو شد کینه‌خواه^{۱۴}
 میان دو گرد اندرآمد به جنگ
 سپهد برو نام یزدان بخواند
 همی‌گشت با او به پیش سپاه
 گشانی^{۱۵} نشد سیر از آن^{۱۶} کارزار

۱- ل: دارند (نقطه ندارد)؛ س، ل، آ، س^۱ (نیزق، ل، آ)؛ دارند؛ متن = ف، ق (نیزب، ل، ب) ۲- ل (نیزلی)؛ ز ایرانیان؛ (آ، ب)؛ از
 ایرانیان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب، و، ل، ن^۱) ۳- ق: جنگجو ۴- ف: او؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن-ب) ۵- ف:
 اندرآرم؛ ل^۲: اندرآید به؛ (ق، ل، ن^۱: اندرآرد به؛ ب: اندرآرد)؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن، ل، ب، و، آ) ۶- ق: رو ۷- ل، س، ق، ل، آ (نیز
 ب، و، ب)؛ ببیند؛ متن = ف، س^۲ (نیزلی، ل، آ) ۸- ل، ل، آ: بالا و؛ س، ق: بالای؛ متن = ف، س^۲ ۹- ف، س، ق، ل، آ: بازو؛ متن =
 ف، س^۲ ۱۰- ف، ل، آ، س^۲: آن؛ متن = ل، س، ق ۱۱- ل: دادار ۱۲- ل-س^۲: چو؛ متن = ف ۱۳- ل: [و] ۱۴- ل:
 کرگ؛ ق (نیزق)؛ گرد؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، ب) ۱۵- س (نیزلن، ل، ب، ل، آ، ب): کرگ؛ متن ← ۱۶- ل: چو
 شیری بر افرازی پیل سترگ؛ ق: هوا پرز گرد و زمین لاجورد؛ (ق: زمین پرز مرد و هوا پرز گرد)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزل، آ، و، آ)؛ ف، س در
 اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر نبرد کردن کاموس کشانی با گیو و رفتن طوس بیاری او و کشته شدن اسب طوس و پیاده جنگ کردن؛
 س: نبرد کاموس کشانی با گیو و طوس ۱۷- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزل، آ، و) این بیت را ندارند؛ متن = ل، ق (نیزهفت دستنویس
 دیگر) ۱۸- ل: از دور شد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، ب-ب) ۱۹- س: غمین ۲۰- ل: نگه کرد و
 جنگ ۲۱- ل: از در؛ ق: هم آورد او نیز هم؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۲۲- ل: لشکر پناه ۲۳- ل (نیزل)؛ زتک اسب طوس
 دلاور بماند؛ (لن، ل، ب، ل، آ، نَحست (لی: بخت؛ آ: بخت) اسب طوس سپهد بماند (لی: نماند))؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، آ، و، ب)؛ س
 این بیت را ندارد ۲۴- ق: پیاده بنیزه ۲۵- ف، س: بر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ این بیت را ندارد ۲۶- ف، ل، آ، س^۲: سپهد؛
 متن = ل، ق (نیزلن، ل، ب، ل، آ، آ) ۲۷- ل: زان؛ ق: از؛ س: دو لشکر نظاره بر آن

- ۱۱۱۰ برین گونه تا تیره شد جای^۱ هور
 چو شد دشت بر گونه‌ی آبنوس
 سوی خیمه رفتند هر دو گروه
- همی بود بر دشت هر گونه^۲ شور
 پراکنده گشتند کاموس و طوس
 یکی سوی دشت و دگر^۳ سوی کوه
- چو گردون تپی شد ز خورشید و ماه
 از آن^۴ دیده‌گه^۵ دیده بگشاد لب
 ۱۱۱۵ پُر از گفت و گو یست^۶ هامون و راغ
 همانا که آمد^۷ گو پیلتن
 چو بشنید گودرز گشواد، تفت
 پدید آمد آن آژدها فاش درفش
 چو گودرز روی تهمتن بدید
 ۱۱۲۰ پیاده شد از اسپ و^۸ رستم همان
 گرفتند مر یکدگر را کنار
 از آن نامداران گودرز یان
 بدو گفت گودرز کای پهلوان
 همی تاج و تخت^۹ از تو گیرد فروغ
 ۱۱۲۵ تو ایرانیان را ز مام و پدر
 همی، هم ز گنج و ز تخت و کمر^{۱۰}

۱-س: روی ۲-ق: در دشت از آن گونه ۳-س: ق: یکی: متن = ف، ل، ل، ل، س: بنداری (۱۰۶۳-۱۱۱۲): ولما كان من الغد ركب كاموس في عساکره الى فضاء المعترك، وركب طوس من الجانب الآخر فقتلوا وشوا الحرب من أول النهار الى آخره. ولما جنحت الشمس للغروب رجع كلا الفريقين الى مضاربهم ۴-ل: برون شد: (ل: برآمد): متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵-ف، ل، ل، س: وزان: متن = ل، س، ق ۶-س: دیدگه ۷-ل، ق: (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن): که شد دشت پر: متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز ل، آ، ب) ۸-ف: گفت و گواست: متن = ل، س: (نیز ل، ب) ۹-ل: چندین: س: چندان: متن = ف، ق، ل، ل، س: ۱۰-ف: آید: (ق: هم اکنون بیاید): متن = ل، س: (نیز ل، ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۱-ل، ل، س: (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): زابل: ق: دمان و دنان با: متن = ف، ل، ل، س: (نیز و): بنداری (۱۱۱۳-۱۱۱۶): وكان جوذرز فوق الجبل فجاءه الديدبان في ناشئة الليل، وأعلمه بظهور جمع عظيم بين أيديهم الشموع المتقدة والمشاعل المشتعلة، وذكر أنه لا يشك في أنهم مواك رستم قد وصل ۱۲-ل: شب تیره گون کرده: ق: شب تیره شد روی: متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز ل، ق، ل، ل، پ، و، ل، ن، آ): س، ق، ل، ل، در اینجا سرنویس دارند: رسیدن (ل: آمدن) رستم بکوه هامون (ق: رستم زال) بیاری (ل: بندد) ایرانیان ۱۳-ف، س، س: (نیز ل، ل، ن، آ): [و]: متن = ل، ق، ل، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴-ل: ز هر دو برآمد خروشی: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز ل، ب) ۱۵-ل (نیز ق): که از کینه: ق، ل، ل، س: (نیز ل، پ، و، ب): کران سود: (ل، ن): وزان سود: ل، ل، آ: از آن سود: متن = ف، س، این بیت را ندارد ۱۶-ل: گاه: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز ل، ب) ۱۷-ل، س: هرچ ۱۸-ف، س، ل، ل، س: (نیز ل، ل، ب، و، ل، ن، آ): ز تاج و ز تخت و ز گنج (ل، ل، ل، پ، ل، ن، آ: گنج و) گهر: (ق: بهی و ز تخت و ز گنج و گهر: ب: بهی و ز تخت و کلاه و کمر): متن = ل، ق: این بیت را ندارد: ف، س، ل، ل، س: (نیز ل، ل، پ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزینها (س: وزایشان: ل، و: ازینها) همه برتر و بهتری (و: بهتری: ل: بهتر برتری: ل، پ، ل، ن: مهتر و بهتری)

که بی تو مبادا سر و سروری (ف، ل، ل: سر مهتری)

ل، ق: (نیز ق، ل، ل) این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست: إنك أنفع للایرانیین من التاج والتخت، وخیرهم من الأمام والأب (= ۱۱۲۵)

چنانیم بی تو که^۱ ماهی به خاک
 چو دیدم چُنین^۴ خوب چهر ترا
 مرا سوگ آن ارجمندان نماند
 بدو گفت رستم که دل شاد دار
 که گیتی سراسر فریبست^۸ و رنج^۹ ۱۱۳۰
 یکی را به بستر^{۱۳}، یکی را به جنگ
 همی رفت باید کزین^{۱۴} چاره نیست
 روان تو زآن^{۱۷} درد بی درد باد!

و زآن^{۱۹} پس چو^{۲۰} آگاه شد طوس و گویو
 که رستم به کوه هماون رسید ۱۱۳۵
 برفتند چون^{۲۲} باذگردان^{۲۳} ز جای
 چو آمد درفش تهمتن پدید
 سپاه و سپهبد پیاده شدند
 خروشی برآمد^{۲۶} ز لشکر به درد
 دل رستم از درد ایشان بخت ۱۱۴۰
 بنالید از آن^{۲۹} پس ز^{۳۰} درد سپاه
 بسی پندها داد و گفت: ای سران

از^{۲۱} ایران نبرده سواران نیو،
 مرو را جهاننیده گودرز دید،
 خروش آمد و ناله‌ی گره‌نای^{۲۴}
 شب تیره لشکر به رستم^{۲۵} رسید
 میان بسته و دل گشاده شدند
 از آن گشتگان زیر خاک نبرد
 به نوبی^{۲۷} به کینه میان را^{۲۸} بست
 چو آگه شد از کار^{۳۱} آوردگاه
 به پیش آمد^{۳۲} امروز رزمی گران

۱- ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلی، و، آ، ب): چو؛ متن = ق (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ) ۲- ل، آ (نیزلن، آ): تنگ ۳- ل، آ: شدتن؛ س، آ: تن سر؛ س: بست (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند) اندرون بس تن؛ متن = ف، ل، ق؛ بنداری: وقد کنا قبل مجیشک کالحیتان علی الییس ۴- ل، ق: کنسون؛ س: مرآن؛ متن = ف، ل، آ، س ۵- ل، س، ق: همین؛ متن = ف، ل، آ، س ۶- س: پرسش و خوب ۷- ف، ل، آ: بهتر؛ ل: زغمهای گیتی سر؛ س (نیزلن، لی، پ، لن، آ): زهر بند تن مهتر؛ (ل: زغمها سراسرتن)؛ متن = ق، س، آ (نیز ق، آ، و، ب) ۸- س، ق (نیزق، آ): فسوست ۹- ل: بند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۱۰- ق: گر ۱۱- س: نمادنت (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س (نیزلن، لی): نمادنت؛ (ل: نمادش؛ آ: سرآید)؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیزق، آ، پ، و، لن، آ) ۱۲- ف: رنج (پساوند ندارد)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن-آ)؛ ل: گهی سودمندی و گاهی گزند؛ (ب: بد آنکس که با غم زید در سپنج) ۱۳- س: به بیشی ۱۴- ل، س، ل، آ: کزان ۱۵- س: ترا ۱۶- ف: برس؛ ل، آ، س (نیزو، لن، آ): بدتر؛ (ق، آ، ل، آ: نیز-بتر؛ لی، آ: برتر)؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، پ، ب) ۱۷- ل: از؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۸- ف: بر؛ متن = ل، س، ل، آ، س؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- ل، س، ق: از آن؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۰- ف، ل: که؛ متن = ق، س، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۲۱- ل: ز ۲۲- ف: چن ۲۳- ل، س: لشکر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۴- ف، ل، س: کزنای؛ متن = ق، ل، آ، س ۲۵- ف، ل، آ (نیز ق، آ): رستم به لشکر؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، لی-ب)؛ بنداری (۱۱۳۴-۱۱۳۸): وبلغ الخبر طوسا وجیوا وغیرها من الملوک والأمرء، فرکبوا فی جنح اللیل لتلقیه. فلما رأوه نزلوا وخدموا ۲۶- س: بیامد؛ بنداری (۱۱۳۹-۱۱۴۱): وأجھشوا الیه بالبکاء والعویل علی من قتل منهم من السادة والکبراء فبکی رستم عند ذلک ۲۷- ف: بتیزی؛ ل- س (نیزلن-ب): بنویی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- س، آ: مر اورا (میانرا)؛ س (نیزو، ب): میانرا بکینه؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیزلن-پ، آ)؛ ل: بکینه بنویی میان را ۲۹- ل: زان ۳۰- ل، ل، آ: به؛ متن = ف، س، ق، س، آ ۳۱- ف: درد؛ ل، آ، س، آ: دشت؛ (ب: رنج)؛ متن = ل، س، ق (نیزلن-آ) ۳۲- ق: آرم

چنینست آغاز و فرجام رزم^۱ خرامش^۲ کمانست و شمشیر بزم^۳

سراپرده زد گرد گیتی فروز
 به کوه اندرون خیمه‌ها ساختند ۱۱۴۵
 نشست از بر تخت برآ پیلتن
 ز یک دست بنشست گودرز و گیو
 فروزان یکی شمع بنهاد پیش
 ز کار بزرگان و جنگ سپاه
 فراوان از آن لشکر بی‌شمار ۱۱۵۰
 ز کاموس و شنگل، ز خاقان چین
 ز کاموس خود جای گفتار نیست
 درختی ست بارش همه گرز و تیغ
 ز پیلان جنگی ندارد^{۱۶} گریز
 ز منشور^{۱۸} خود بر زمین جای نیست ۱۱۵۵
 ازین کوه^{۲۱} تا پیش دریای شهد
 ز ترگ و ز جوشن خود اندازه^{۲۳} نیست
 همه دشت خرگاه و پرده‌سرای

پس پشت او لشکر نیمروز
 درفش سپهبد برافراختند
 همه نامداران^۵ شدند^۵ انجمن
 به دست دگر طوس و گردان نیو
 سخن راند هر گونه از^۷ کم و بیش
 ز رخشنده^۸ خورشید و گردنده^۹ ماه
 بگفتند با^{۱۰} مهتر^{۱۱} نامدار
 ز منشور^{۱۲} جنگی و گردان^{۱۳} کین^{۱۴}
 که ما را بدو راه دیدار نیست
 نترسد اگر سنگ بارد ز میغ^{۱۵}
 سرش پُر ز کین و دلش^{۱۷} پُر ستیز
 چو گرگوی^{۱۹} یک^{۲۰} لشکر آرای نیست
 درفش و سپاهست و پیلان و مهد^{۲۲}
 برین^{۲۴} دشت^{۲۵} یک مرد را کازه^{۲۶} نیست
 ز دیبای چینست کرده به پای^{۲۷}

۱- ل، س (نیزق^۱): رزم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب) ۲- ف، س، س (نیزو): جوابش (حرف چهارم نقطه ندارد → خرامش)؛ ل: جوابش (→ خرامش)؛ (ل: چو آتش → خرامش)؛ متن = ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۳- س: حگ (نقطه ندارد)؛ ق: سنانست و شمشیر بزم؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب)؛ ل (نیزق^۲): یکی تاج یابد یکی گورتنگ ۴- س: زره؛ (ل: س)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: وقعد علی التخت ۵- ل (نیزق^۲): بزرگان لشکر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب) ۶- س: شده ۷- ل: رفت هر گونه بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۸- ق: گردنده؛ س: بخشنده؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س، ق: تسابنده؛ متن = ف، ل، آ، س، آ ۱۰- ف: کای؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۱۱- س: رستم ۱۲- (و: منشور) ۱۳- ل: مردان ۱۴- ل: همین؛ س: گیو (→ کین) ۱۵- ف: که بر سرش سنگست و بارانش میغ (!)؛ ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): که گریز سرش سنگ بارد ز میغ؛ (و: زیلان جنگی ندارد گریغ؛ ب: کند سبز برگش بکردار میغ)؛ متن = ل، ق (نیزل^۲)؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ق: نداند؛ متن = ل، ل، آ، س ۱۷- ل: سرش (!)؛ ل: کینست و دل؛ متن = ق، س، آ، ف، س (نیزو) این بیت را ندارند ۱۸- (و: منشور) ۱۹- ق: چو گرد ۲۰- ل: خود؛ ل، س این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۱۴۸-۱۱۵۴): وأخذوا طول لیلهم یحذثونه عن عساكر توران، وعن الذین أنجدوهم مثل خاقان الصین و کاموس الکشانی و منشور و غیرها من ملوک تلك الأقالیم ۲۱- ف، ل، آ، س (نیزلن، پ، لن، آ): گونه؛ متن = ل، س، ق (نیزق^۱، لی، آ، و، آ، ب) ۲۲- ق: سراپرده و پیل بینی و مهد ۲۳- (و: انداز) ۲۴- س، ق: بدین ۲۵- ق: مرز ۲۶- س، ق: خود تازه؛ ل: بی باره (نقطه ندارد)؛ س: آ: با کازه؛ (ل، آ: روتازه؛ پ، لن: رخ تازه؛ و: بی ساز؛ ب: بی کازه؛ ل: یکتا برخ تازه)؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، آ) این بیت را ندارند؛ در معجم شاهنامه، ص ۸۳ و لغت شاهنامه، شماره ۲۰۷۰ این بیت چنین آمده است:

سپه را ز بسیاری اندازه نیست بدین دشت یک مرد را کازه نیست

۲۷- ل این بیت را ندارد

اگر سوی ما پهلوان سپاه
سپاس از خداوند پیروزگر
تن ما به تو زنده شد بی‌گمان
۱۱۶۰
نکردی گذر، کار گشتی تباه
که آوردمان^۲ رنج و سختی به سر
نبود ایچ کس را از این پس زمان^۳

از آن گشتگان یک زمان پهلوان
وُزان^۵ پس چُنین گفت کز چرخ^۶ ماه
نبینی^۷ مگر گرم و تیمار و رنج
گرافست^۸ کردار گردان سپهر
اگر گشته گر^{۱۱} مرده هم بگذریم^{۱۲}
چنان رفت شاید^{۱۴} که آید زمان
جهاندار پیروزگر یار باد!
ازین^{۱۷} پس همه کینه بازآوریم
بزرگان برو^{۱۸} خواندند آفرین
همیشه بزی^{۲۰} نامبردار و شاد
۱۱۶۵
غمی گشت^۴ و گریان و تیره‌روان
برو تا سر تیره‌خاک سیاه،
برینست رسم سرای سپنج
که گه^۹ جنگ و زهرست^{۱۰} و گه نوش و مهر
سزد گر به چون و چرا ننگیم^{۱۳}
مشو تیز^{۱۵} با گردش آسمان
سر بخت دشمن نگوسار^{۱۶} باد!
جهان را به ایران نیاز آوریم
که ای افسر تیغ و تخت و نگین^{۱۹}،
در شاه پیروز^{۲۱} بی تو مباد

چو از کوه بفروخت گیتی فروز
از آن^{۲۲} چادر قیر^{۲۳} بیرون کشید
تیره برآمد ز هر دو سرای^{۲۵}
سپهدار هومان به پیش سپاه
که ایرانیان را که یار آمده‌ست
۱۱۷۵
دو زلف شب تیره بگرفت روز،
به دندان لب ماه در خون کشید^{۲۴}،
برفتند گردان لشکر ز جای^{۲۶}
بیامد همی کرد هر سو نگاه^{۲۷}
که خرگاه و خیمه به کار آمده‌ست

۱-س: بودی ۲-ل، ق (نیز ق، ل، و): که او آورد: متن = ف. ل. ل. س^۲ (نیز ل. ل. پ. ل. ن. آ. ب): س این بیت را ندارد ۳-ق، آ.
و: امید زمان؛ ب: بیودن زمان؛ ق: چو تو آمدی نیست ما را زمان؛ ل، آ، س: نبد هیچکس را امیدی بخوان؛ (ل. ل. آ. پ. ل. ن. آ): نبد هیچکس را
امید زمان؛ ل، آ: نبد هیچکس را از آن بد امان؛ متن = ف. ل. س این بیت را ندارند ۴-ل: بود: س این بیت را ندارد ۵-ل: از
آن ۶-س: آ: چرخ و ۷-س: نبینم ۸-س: چنین است: س: کرانیست: متن = ف. ل. ل. آ ۹-ل. س (نیز ل. ل. ی. ق. آ. ب-
ب): گهی؛ متن = ف. ل. ل. س^۲ ۱۰-ل: زهر و جنگست: (ق: جنگ بهرست): متن = ف. س. ل. آ. س^۲ (نیز ل. ل. ب-ب): ق این بیت را
ندارد ۱۱-ق: یا ۱۲-ق: بگذرد ۱۳-ق: ننگرد ۱۴-ل. س. ق (نیز ل. ل. پ. ل. ن. آ): باید: متن = ف. ل. ل. س^۲ (نیز و،
ب) ۱۵-ل، ل، س، ل^۲ (نیز ل. ل. ب): تیره: متن = ف. ق. س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶-ل-س^۲ (نیز ل. ل. ب): نگوسار:
متن = ف ۱۷-س: آ: وزان ۱۸-ل: همه ۱۹-س: مهر و نگین: ق: تاج و تخت و نگین: ل، آ، س: تخت و تیغ و نگین: ل: که بی
تو مباد زمان و زمین؛ متن = ف ۲۰-ل: بدی: س: آ: تویی: متن = ف. س. ق. ل^۲ (نیز ل. ل. ب) ۲۱-ل: فیروز ۲۲-س: س:
وزان ۲۳-ق: روز ۲۴-ق: چون خون مزید ۲۵-س: سپاه ۲۶-س: راه ۲۷-س: برفتند یکسر ز لشکر بره: س پس
از این بیت افزوده است:

سپهدار هومان بیامد ز راه بیامد همی کرد هر سو نگاه (= ۱۱۷۵ ب)

- ۱۱۸۰ ز پیروزه دیبا^۱ سراپرده دید
 درفش و سنان سپهد به^۳ پیش
 سراپرده‌یی دید دیگر سیاه
 فریرز کاوس با پیل و کوس
 بیامد پُر از غم به پیران بگفت
 از ایران دم و^{۱۰} داروبانگ و خروش^{۱۱}
 به تنها برفتم ز خیمه به گاه
 از ایران فراوان سپاه آمده‌ست
 ۱۱۸۵ ز دیبا یکی سبزپرده‌سرای
 سپاهی به گرد اندرش زاوی^{۱۷}
 گمانم که رستم ز نزدیک شاه
 بدو گفت پیران که بد روزگار!
 نه کاموس ماند، نه خاقان چین
- همانگه ز لشکرگه اندرکشید
 ۱۱۹۰ و ز آنجا دمان پیش^{۲۱} کاموس شد
 که شبگیر از^{۲۳} ایدر برفتم پگاه
 به یاری^{۲۵} فراوان سپاه آمده‌ست
 گمانم که آن رستم پیل‌تن
 ۱۱۹۵ برفت از در شاه^{۲۸} ایران سپاه
- بیامد سپه را همه^{۲۰} بنگرید
 بنزدیک منشور^{۲۲} و فرطوس شد
 بگشتم همه گرد ایران سپاه^{۲۴}
 بسی نامور کینه‌خواه^{۲۶} آمده‌ست
 که گفتم همی پیش این انجمن^{۲۷}،
 به یاری بیامد بدین رزمگاه

۱- ل: دیبه ۲- ل-س (نیزق، ل، آ، ب): اندرش؛ (پ: اندرا)؛ متن = ف (نیزلن، لی، و، آ) ۳- ف، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، لن):
 ز؛ متن = ل، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- س: گردش و ۵- ل، آ، س (نیزو): ز؛ (لن، لی، لن، آ: آمد به؛ پ: آمد ز)؛ ف، لن، لن^۱ پساوند
 ندارند؛ ق این بیت را ندارد ۶- ف: درخشان؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۷- ق: برگرد ۸- درل پس از این بیت، بیت ۱۱۸۴
 آمده است ۹- ل: کز؛ ق: ز؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۰- ف (نیزو): دم؛ ق (نیزق، لی، ل، آ): ده؛ متن = ل-س (نیزلن، پ،
 لن، آ، ب) ۱۱- ل: بانگ خروش؛ س: بانگ خروس ۱۲- س: همانا ۱۳- ف: بکردم بهر جا؛ ل، آ، س: بکردم زهر سو؛ س: بهر
 جای کردم بلشکر؛ متن = ل (نیزلن، ق، آ، لی، پ-ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- ف، ل، آ، س (نیزلن، پ): بدان؛ ل: برین؛ متن = (لن،
 ق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۵- س: بسی کینه‌ور رزخواه (= ۱۱۹۳)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۱۸۱ آمده است؛ ق بیت ۱۱۸۴ را ندارد؛ س
 ۱۱۸۴-ب ۱۱۹۳-آ را انداخته و از ۱۱۸۴-آ و ۱۱۹۳-ب یک بیت ساخته است ۱۶- س: درفشش ۱۷- ل، ق، آ، س (نیزلن-پ،
 لن، آ، ب): زابلی؛ متن = ف (نیزو) ۱۸- ل: سیردار و ۱۹- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب): کابلی؛ متن تصحیح قیاسی
 است ۲۰- ف، ل: سپهدار را؛ متن = ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۲۱- ل، ق: سوی؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۲- (و):
 منشور) ۲۳- ل: ز ۲۴- ق: ز لشکر بهر جای کردم نگاه ۲۵- ق: ز ایران ۲۶- ل، س: رزخواه؛ ف، ل: کینه‌ور ناخواه؛
 متن = ق، س (نیزق، لی، پ-ب) ۲۷- ل، آ، س: بیاری بیامد بدین انجمن؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۸- ف: گاه (؟)؛ س: شهر؛ متن
 = ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، لی، پ-ب)

بدو گفت کاموس کای پُرخردا
چنان دان که کیخسرو آمد^۲ به جنگ
ز رستم چه رانی تو چندین سَخُن
درفش مرا گر ببیند به جنگ
۱۲۰۰ برو لشکر آرای و برکش سپاه
که^۹ من با سپاه اندرآیم به جنگ
بینی تو پیگار مردان کنون
دلت یکسر اندیشه‌ی بد برد
مکن خیره دل را بدین کار تنگ^۳
ز زاوولستان^۴ یاد هرگز^۵ مکن
به دریا درون خون خروشد^۶ نهنگ^۷
درفش اندرآور به آوردگاه^۸
نباید که باشد شما را درنگ
شده دشت یکسر چو دریای خون

دل پهلوان زان سَخُن شاد گشت^{۱۰}
بیامد دلی شاد و رایی درست
۱۲۰۵ سپه را همه ترگ و جوشن بداد
و ز آنجایگه پیش خاقان چین
بدو گفت: شاهانوشه بدی!
بریدی^{۱۵} یکی راه دشخوار و^{۱۶} دور
برینسان^{۱۷} به آزرَم افراسیاب
۱۲۱۰ سپاه از تو دارد همی^{۱۹} پشت راست
بیارای پیلان به زنگ و درای
من امروز جنگ آورم با سپاه
نگهدار پشت سپاه مرا
چنین گفت کاموس جنگی به من
۱۲۱۵ بسی سخت سوگندهای گران^{۲۴}

از^{۱۱} اندیشه‌ی رستم آزاد گشت^{۱۰}
روان را به آب دلیری بشست^{۱۲}
همی کرد گفتار کاموس^{۱۳} یاد
بیامد ببوسید روی زمین
خرد را به اندیشه^{۱۴} توشه بدی!
خریدی چنین رنج ما را به سور
گذشتی به کشتی به^{۱۸} دریای آب
تو آن^{۲۰} کن که از گوهر تو سزاست
جهان پُر کن از ناله‌ی گره‌نای^{۲۱}
تو با کوس و با پیل^{۲۲} در قلبگاه،
به ابر اندرآور کلاه مرا
که تو پیشرو باش ازین^{۲۳} انجمن
بخورد و برآهیخت گرز از میان^{۲۵}

۱- ف. ل، س، آ؛ بی خرد (۹)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۲- س؛ که لشکرز خسرو ۳- س؛ بیامد بدل در مکن هیچ تنگ ۴- س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ زاوولستان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز و) ۵- ل؛ چندین؛ ق بیت های ۱۱۹۸-۱۲۰۱ را ندارد ۶- ل، ل، آ، س؛ چون خروشد؛ ل؛ بدریای چین برخروشد؛ (لن، پ، لن، آ؛ باب اندرون خون خروشد؛ ق؛ بدریای چین چون خروشد؛ لی؛ باب اندرون درخروشد)؛ متن = ف (نیز ب) ۷- س؛ دلش ماتم آرد بهنگام جنگ ۸- س بیت های ۱۲۰۰ و ۱۲۰۱ را ندارد ۹- ل، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ چو؛ متن = ف (بیت ۲۱۶۸؛ رزم یازده رخ، بیت ۵۰۴) ۱۰- ق؛ شد ۱۱- ل؛ ز ۱۲- ل این بیت را ندارد ۱۳- س؛ ناخوب ۱۴- ق (نیز ق)؛ بدبدار؛ ل (نیز ل)؛ روان را بدیدار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ-ب) ۱۵- ف، س (نیز لی، آ، ب)؛ برفقی؛ ل، آ، س (نیز و)؛ براندی؛ (لن، پ، لن، آ؛ بکردی)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، آ) ۱۶- ل، س (نیز ل، آ)؛ دشوار و؛ س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ)؛ دشوار؛ (ب؛ دشخوار)؛ متن = ف ۱۷- ل، س، ق، س؛ بدینسان؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، س (نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ)؛ ز؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۱۹- ق؛ همه؛ س؛ همی از تو دارد سپه؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۰- ل؛ چنان ۲۱- ف، ل، س؛ کرتای؛ متن = ق، ل، آ، س ۲۲- ل، س، ق؛ پیل و با کوس؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۳- ل؛ زین؛ س؛ با؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۴- (لن، پ، لن، آ؛ دراز) ۲۵- ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ گرز گران؛ (لن، پ، لن، آ؛ گرز از فرار؛ ق؛ نیغ از میان)؛ متن = ف، ل، آ، س

که امروز من جز بدین گرز جنگ
 نجومه^۱، و گر بارد از ابر سنگ
 چو بشنید خاقان بزد گره‌نای^۲
 ز بانگ تیره زمین و سپهر
 بفرمود تا مهره^۳ بر پشت پیل
 بیامد گرازان به قلب سپاه
 ۱۲۲۰ خروشیدن زنگ و هندی‌درای
 ز بس تخت پیروزه بر پشت پیل
 به چشم اندرون روشنایی نماند
 پُر از خاک^۴ شد چشم و کام^۵ سپهر
 ۱۲۲۵ چو خاقان بیامد به قلب سپاه
 ز کاموس چون کوه شد میمنه
 سُو میسره نیز^۶ پیران برفت
 چورستم بدید آنک^۷ خاقان چه کرد
 بفرمود تا طوس بر بست کوس
 ۱۲۳۰ چنین گفت رستم که گردان سپهر
 چگونه بود بخشش^۸ آسمان
 درنگی نبودم به راه اندکی

تو گفתי که دارد تن خاک پای^۳
 بپوشید جنگ^۴ و بیفگند مهره^۵
 بیستند و شد روی گیتی چو نیل
 شد از گرد گردون چو ابری سیاه^۶
 همی دل برآورد گفתי ز جای
 درفشان بگردار دریای نیل،
 همی با روان آشنایی نماند
 تو گفתי به قیرش براندود^۷ چهر
 به چرخ اندرون ماه گم کرد راه
 کشیدند بر سوی^۸ هامون بُنه
 برادرش هومان و گلباد تفت
 بیاراست در قلب جای نبرد
 بیاراست لشکر چو چشم خروس^۹
 بینیم تا بر که گردد به مهر
 که را زین بزرگان سرآید زمان
 سه^{۱۰} منزل همی کرد رخشم یکی

۱- ل. ق (نیز ل): نسازد؛ متن = ف. س. ل. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ی. ب. ب) ۲- ف. ل. س: کترتای؛ متن = ق. ل. ل. س. ۳- (ل. ل): که و پیل پایی؛ آ. تن از خاک پایی؛ ل: که کوه اندر آمد ز جای؛ س: همی دل برآورد گفתי ز جای؛ متن = ف. ق. ل. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ی. و. ب) ۴- ل: موسد کوه (حرف های یکم و دود نقطه ندارند)؛ ق: بتوفید کوه؛ (ل. ل. ل. ب: بپوشید گوش؛ ق. ل. ل. ب: بیفتید کوه؛ ل. آ: بپوشد جنگ؛ و بپوشید روی)؛ متن = ف. ل. ل. س. (نیز ب) ۵- ل: بیورد مهر؛ (و بپوشید مهر)؛ س: بیت های ۱۲۱۸-۱۲۲۱ را ندارد ۶- ل. ق (نیز ل. ل. و. آ): منهد؛ متن = ف. ل. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ب) ۷- (ل. ل. ب. و. ل. ب: ابر سیاه)؛ ل: خورشید تپان سیاه؛ ق: بجنگ اندرون ماه گم کرد راه (= ۱۲۲۵ ب)؛ (ل. آ: بپوشید گردون چو ابری سیاه؛ متن = ف. ل. ل. س. آ: ق ۱۲۲۰-۱۲۲۵ آ را نداشته و از ۱۲۲۰ آ و ۱۲۲۵ ب یک بیت ساخته است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر راست کردن خاقان چین و پیران و کاموس لشکر توران را بجنگ ایرانیان و ترتیب دادن رستم؛ ل: رزم اشکبوس با رستم زال؛ س: لشکر آراسن خاقان چین و رستم و ایرانیان و رزم رستم گودرز با اشکبوس ۸- ل: گود: متن = ف. س. ل. ل. س. (نیز ل. و. آ. ب) ۹- س: کام و چشم ۱۰- ل. س (نیز ل. و): بقیر اندر اندود؛ متن = ف. ل. ل. س. بنداری ۱۱۶۱-۱۲۲۴ را ندارد ۱۱- ف: بر کوه و؛ متن = ل. ل. س. (نیز ل. ب) ۱۲- ل (نیز ق. و. آ): نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل. ل.): نیز؛ (ب: گود)؛ متن = ف. ق. ل. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ل.) ۱۳- ق: آنکه ۱۴- در ل این بیت پس از بیت ۱۲۳۵ آمده است ۱۵- ل. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ب. ل. ب): (نیز ل. ل. ب. ل. ب): گودش؛ متن = ف. ل. س. ق (نیز ق. ل. ی. و. آ) ۱۶- ل. ل. س. ق (نیز ق. ل. ل.): دو؛ متن = ف. ل. ل. س. (نیز ل. ل. ی. ب. ب)؛ بنداری (۱۲۳۲-۱۲۳۳)؛ ان الشیخ قد تعجب فی هذا الطریق. فانی قد کثرت أسیر علیہ فی کل یوم مسیرة یومین من غیر ان أریحہ وأجہ.

<p>کنون سم آن^۱ بارکش^۲ کوفته ست نیاره برو کرد نیرو بسی یک امروز در جنگ یاری کنید</p> <p>۱۲۳۵</p>	<p>ز راه و ز رنج^۳ اندر آشوفته ست شدن جنگ جستن^۴ به پیش کسی برین^۵ دشمنان کامگاری کنید</p>
<p>سپهد بزد نای و روینه^۶ بیاراست گودرز بر میمنه فریبرز کاوس بر میسره به قلب اندرون طوس نوذر نژاد^۸ جهان شد به گرد اندرون ناپدید</p> <p>۱۲۴۰</p>	<p>خروش آمد و ناله‌ی گاودم فرستاد بر کوه خارا^۷ بینه جهان چون نیستان شده^۷ یکسره زمین پُر ز خاک و هوا پُر ز باد^۹ کسی از یلان خویشتر را ندید به دیدار خاقان و توران گروه ازیشان نمودی^{۱۲} چو یک^{۱۳} مهره موم دگرگونه جوشن، دگرگون کلاه گهانی و رومی و وهری و سند^{۱۷} درفشی نوآیین و نوتوشه‌یی همان یاره و^{۲۰} افسر و طوق و تاج، پدیدار ازیشان^{۲۱} چه خوب و چه زشت^{۲۲}</p>
<p>شد پهلوان^{۱۰} تا سر تیغ کوه سپه دید چندانک^{۱۱} دریای روم گشانی و چینی و از هر سپاه^{۱۴} چغانی^{۱۵} و شکنی^{۱۶} و سقلاب و هند زبانی دگرگون به^{۱۸} هر گوشه‌یی ز پیلان و آرایش^{۱۹} تحت عاج جهان بود یکسر چو باغ بهشت</p>	<p>۱- ل: این ۲- ل، س، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ): بارگی؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ب، ل، آ، ب) ۳- ل، س (نیز ق، لی، آ، ب): ز راه دراز؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیز لی، ل، پ، و، ل، آ) ۴- ل، ق (نیز ل): جنگ جویان؛ (ق: رزده جستن)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، لی، پ، ب) ۵- ق: بدین؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۲۲۹ آمده است و پس از آن افزوده است: که گردان سپهر جهان یار ماست مه و مهر گردون نگهبان ناست</p>

بنداری (۱۲۳۴ - ۱۲۳۵): و انا اُحشی علیه بسبب ذلک. فصابرُوا العَدُوَ هَذَا الیوم و دافعوهُم ۶- ل: یکسر ۷- س: شب تار شد ۸- ل (نیز ل): پیای؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، لی، پ، ب) ۹- (ق: آسمان پر زباد؛ ل: هوا پر زبانی)؛ ل: زمین شد پر از ناله کَرَئای؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، لی، پ، ب) ۱۰- ل: پیلان؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ب) ۱۱- ل: چندانکه ۱۲- س: نمودی ازیشان ۱۳- ل، س: یکی؛ متن = ف، ل، س، ق ۱۴- ف، س، ل، س: آ: گشانی و رومی و از هر (س: زهر سو؛ ل: وزهر) سپاه؛ ل: جهانی شده سرخ و زرد و سپاه؛ ق (نیز لن، ق، ل، آ): گشانی (ق: چغانی) و چینی (ل، ل، آ: شکنی) و وهری سپاه؛ (لی، و، آ، ب: گشانی و شکنی (و، ب: چینی) زهر سو سپاه؛ ل: گشانی و رومی و چینی سپاه؛ ب: گشانی و شکنی و از هر سپاه)؛ متن = ف، س، آ پس از تصحیح رومی به چینی؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ل (نیز ق، و): گشانی؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ چغانی ۱۶- ف، ق، ل، آ: شکنی؛ س (نیز لن، لی، ب، ل، آ): چینی؛ (ل، آ، ب: سنکی)؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق، و) ۱۷- ف، ل، س: گشانی و رومی و بهری زسند؛ ل: چغانی و رومی و وهری و سندن؛ س: از رومی و وهری و بهری زسند؛ ق (نیز ق، ل، آ): کهای (ق: چغانی؛ ل: کمانی) و بحری و رومی و سندن؛ (ل: کمان رومی و تیر بهری زسند؛ لی، آ، ب: ز رومی و دهری و بهری زسند؛ ب، ل، آ: کمانی و رومی و بهری (ل: نهری) زسند؛ و: نهانی و وهری و رومی و سندن)؛ متن = ل پس از تصحیح چغانی به گهانی ۱۸- ل: زه درق پس از این بیت، بیت ۱۲۵۰ آمده است ۱۹- ل (نیز لن، ب، آ): آرایش و؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز و، لن، ب) ۲۰- ل: جهان بان ایا؛ س: ز مردان و از؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل، س، ق، ل (نیز لن، ب): بیدار ایشان؛ متن = ف، س: بیدار ازیشان ۲۲- ل: شده خوب و زشت؛ (ق: شده خوب زشت)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، لی، ب)

<p>بر آن^۱ کوه سر ماند رستم شگفت که تا چون نماید به ما چرخ مهر^۲؟ ۱۲۵۰ فرود آمد از کوه و دل بد نکرد همی گفت: تا من کمر بسته‌ام فراوان سپه دیده‌ام پیش ازین</p>	<p>به برگشتن اندیشه اندرگرفت چه بازی کند پیرگشته سپهر؟ گذر بر سپاه و سپهد نکرد به یک جای یک سال نشست‌ام ندانم^۳ که لشکر بُدی بیش ازین</p>
<p>بفرمود تا برکشیدند کوس از آن کوه سر سوی هامون کشید ۱۲۵۵ همی نیمی^۴ از روز لشکر گذشت ز گرد سپه روشنایی نماند ز پیر^۵ و ز پیکان هوا^۶ تیره گشت خروش^{۱۲} سواران و اسپان ز دشت ز جوش^{۱۴} سواران و زخم تبر ۱۲۶۰ همه تیغ و ساعد ز^{۱۵} خون گشته^{۱۶} لعل دلِ مرد بددل گریزان ز تن برفتند از آن^{۱۹} خاک^{۲۰} شیرانِ نر نماند ایچ با روی خورشید رنگ به لشکر چُنین گفت کاموس گرد ۱۲۶۵ همه تیغ و گرز و کمند آورد</p>	<p>به جنگ اندرآمد^۴ سپهدارطوس همی نیزه^۵ از کینه در خون کشید کشیدند صف بر دو فرسنگ دشت^۷ ز خورشید شب را جدایی نماند همی آفتاب اندرو^{۱۰} خیره گشت^{۱۱} ز بهرام و کیوان همی^{۱۳} برگذشت همی سنگ خارا برآورد پر خروشان شده^{۱۷} خاک در زیر نعل دلیران ز خفتان^{۱۸} بریده کفن عقاب دلاور بیفگند^{۲۱} پر به جوش آمده خاک و بر کوه سنگ^{۲۲} که گر^{۲۳} آسمان را بیاید سپرد^{۲۴}، بدین رزمگاه بلند^{۲۵} آورد</p>

۱-س، ق: بدان ۲-س (نیز ق، آ، ب): چهر؛ ل: چرخ و مهر؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، لی، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۳-ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، لی، ب، پ): ندیدم؛ متن = ل (نیز ل) ۴-ف: اندرآید؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۵-س: تیر؛ ق: دامن؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ ۶-ل: بیک نیمه؛ ق: یکی نیمه؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ ۷-ق: همی آفتاب اندر آن خیره گشت (= ۱۲۵۷ ب) ۸-ل، ل، ل: تیر؛ متن = ف، س، ق، س^۱ ۹-س: همی ۱۰-ل، ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، ب، لن): اندر آن؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز لی، و، آ، ب) ۱۱-ق: کشیدند صف بر دو فرسنگ دشت (= ۱۲۵۵ ب) ۱۲-ق: ز جوش ۱۳-ق: همی نعره از شید و مه ۱۴-ق، ل، آ، س: خروش؛ متن = ف، ل، س ۱۵-ق: به ۱۶-ل: بود؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب) ۱۷-ل، ق (نیز ق، آ، ل، و): دل؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۸-ف: رخشان (حذف خفتان)؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۱۹-ل: زان ۲۰-ل، س، ق (نیز ل): جای؛ (و: گونه؛ ق: هر جای)؛ متن = ل، آ، س^۱ (نیز لن، لی، ب، آ، ب) ۲۱-ل، ق (نیز و): برآورد؛ (لن، پ: بگسترده)؛ متن = س، ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، لی، ب، لن)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن): خاک بر کوه سنگ؛ س (نیز لن، لی، ب، آ): خاک بر کوه و سنگ؛ (ق): خاک بر روی سنگ؛ ل: خاک در زیر سنگ؛ متن = ل، آ، س^۱ (نیز و، ب) ۲۳-ل: گرد ۲۴-ل (نیز لن): سترده؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق-ب) ۲۵-س (نیز ب): بارگاه بلند؛ (لی، آ: رزم دشمن ببند)؛ ل: بایرانیان تنگ و بسند؛ ق (نیز ل): بایرانیان روز تنگ؛ (ل: تنگ)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن)^۱

جهانجوی را نان^۱ به جنگ اندرست و گرنه سرش زیر سنگ اندرست

گفتار اندر رزم رستم با اشکیوس^۲

دلیری کجا ^۳ نام او اشکیوس ^۴	همی بر خروشید برسان کوس ^۵
بیامد که جوید از ^۶ ایران نبرد	سر همنبرد اندر آرد به گرد
بشد تیز رهام با خود و گبر	همی گرد رزم اندر آمد به ابر
بر آویخت ^۷ رهام با اشکیوس ^۸	بر آمد ز هر دو سپه بوق و کوس ^۹
۱۲۷۰ بر آن نامور تیرباران گرفت	کمانش کمین سواران گرفت
جهانجوی در زیر پولاد بود	به خفتانش بر ^{۱۰} تیر چون باد بود
نبد کارگر تیر بر گبر اوی ^{۱۱}	از آن تیزتر شد سر ^{۱۲} جنگجوی ^{۱۳}
به گرز گران دست برد اشکیوس ^{۱۴}	زمین آهنین شد، هوا آبنوس ^{۱۵}
۱۲۷۵ بر آهیخت رهام گرز گران ^{۱۶}	غمی ^{۱۷} شد ز پیگار دست سران ^{۱۸}
چو رهام گشت از گشانی ^{۱۹} ستوه	بیچید از ^{۲۰} روی و شد سوی کوه ^{۲۱}
ز قلب سپاه اندر آشت طوس	بزد اسپ کاید به جنگ ^{۲۲} اشکیوس ^{۲۳}
تهمن بر آشت و ^{۲۴} با طوس گفت	که رهام را ^{۲۵} جام باده ست ^{۲۶} جفت

۱- ل (نیزو): را دل؛ س: رستم؛ ل: س^۱ (نیز ل^۲): نامش؛ (لن، لی، پ، لن، آ: را جان؛ ق: تازان): متن = ف (نیز ب): بسنداری (۱۲۶۴-۱۲۶۶): وکان کاموس یخرض أصحابه و یا مرهم بیدل الوسع فی القتال ۲- ف: گفتار اندر آمدن اشکیوس میدان و مبارز خواستن و نبرد او با رهام گودرز و رفتن رستم بجنگ او و کشتن او؛ س: رزم رستم با اشکیوس و کشته شدن او؛ ق: نبرد رستم با اشکیوس و کشته شدن او؛ ل: ل (نیز ل^۲): و بتیر افکندن): متن = س، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): که بد؛ متن = ل، ق (نیز ل^۲ و) ۳- ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ل^۲): اشکیوس؛ (ق: ب: اشکیوس؛ بنداری: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۴- س: بر آمد ز هر دو سپه بوق و کوس (= ۱۲۷۰)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- ل، ل، ق: ز ۶- ف، س: برون تاخت؛ ل: همی تاخت؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، پ-ب) ۷- ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س: اشکیوس؛ (ب: اشکیوس)؛ متن = س، ق، ل^۱ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۸- س: بابر اندر آمد دم بوق و کوس؛ ق: زمین آهنین شد هوا آبنوس (= ۱۲۷۰)؛ ل: دگر بر خروشید برسان کوس؛ متن = ف، ل، س، آ، ق ۹- س: بابر اندر آمد انداخته و از ۱۲۷۰ و ۱۲۷۵ ب یک بیت ساخته است ۱۰- س (نیز ب): بخفتان برش ۱۱- ل: او ۱۲- ل: دل ۱۳- ل: جنگجو ۱۴- ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ل^۲): اشکیوس؛ (ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۱۵- س: یکی بر خروشید چون زخم کوس (= ۱۲۶۷)؛ ل: بر آمد ز هر دو سپه بوق و کوس (= ۱۲۷۰)؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۶- ل: گرز از میان ۱۷- س: غمین ۱۸- ف، ل، س: کنداوران؛ متن = ل، س، ق (نیز لن-ب)؛ س پس از این بیت افزوده است: چو پیلان جنگی بر آشوفتند همی بر سر یکدگر کوفتند

۱۹- ل همه جا: کسانی ۲۰- ف: از آن؛ ل: زو؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، لی، پ-ب) ۲۱- ق (نیز ل^۲): عنان را بیچید بر سوی کوه ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): بر؛ (ل: و: سوی)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لی، آ) ۲۳- ف، ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ل^۲): اشکیوس؛ (ق: ب: اشکیوس)؛ متن = س، ق، ل^۱ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ)؛ س پس از این بیت افزوده است: بدو گفت رستم تو ای در پسای مجنّب و مجنّبان سپه راز جای ۲۴- ل: [و] ۲۵- س، ق (نیز ل^۲ و، ب): با؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیز لن، لی، ق، پ، لن، آ) ۲۶- ل، ق، ل^۱ (نیز لی، ل، لن، آ): با دست؛ (لن: کوه قافست)

- ۱۲۸۰ به می‌درا همی تیغ بازی کند
کجا^۲ شد کنون^۳ روی چون سنْدروس؟
تو قلب سپه را به آیین بدار^۵
- میان یلان سرفرازی کند
سُواری بود کمتر از آشکوس^۴؟
من اکنون پیاده کنم کارزار
- ۱۲۸۵ کمان را به زهبر^۶ به بازو^۷ فگند
خروشید کای مرد جنگ آزمای^۹
گشانی بخندید و خیره بماند
بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
- به بند کمربر بزد^۸ تیر چند
هماوردت آمد مرو^{۱۰} باز جای
عنان را گران کرد و او را بخواند^{۱۱}
به بی‌تن سرت بر^{۱۲} که خواهد گریست؟
- ۱۲۹۰ تهمتن چُنین داد پاسخ که نام^{۱۳}
مرا مام من^{۱۵} نام «مرگ تو» کرد
گشانی بدو گفت: بی‌بارگی
تهمتن چُنین داد پاسخ بدوی
- چه پرسى؟ که هرگز^{۱۴} نبینی تو کام
زمانه مرا پُتک^{۱۶} ترگ^{۱۷} تو کرد
به کشتن دهی سر^{۱۸} به یکبارگی
که ای بیهده مرد پَرَخاشجوی،
سر سرکشان^{۱۹} زیر سنگ^{۲۰} آورد؟
- ۱۲۹۵ به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ^{۲۱}
هم‌اکنون ترا ای نبرده‌سوار
پیاده مرا زان فرستاد طوس
گشانی پیاده شود همچو من
- سوار اندرآیند^{۲۲} هر سه به جنگ؟
پیاده بیاموزمت کارزار
که تا اسپ بستانم از آشکوس^{۲۳}
به^{۲۴} دو روی خندان شوند^{۲۵} انجمن
بدین دست و این زور و این کارزار^{۲۷}

۱-ق: بر ۲-ل، ق (نیز ل): چرا؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳-ق: ورا؛ ل: چنان ۴-ف، ل: اشکوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل): اشکنوس؛ (ق، آ، ب: اشکوس)؛ متن = س، ق، ل (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۵-ل: آ: بدین جا بدار؛ س: بدین جای دار ۶-ل (نیز ل): کمان بزه را؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷-ل: بازوی ۸-ق: زد او ۹-ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب): رزم آزمای؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ) ۱۰-ل، ق (نیز ق، آ، ل، و): مشو؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۱-ل: و تیره بماند؛ ل: این بیت را ندارد ۱۲-ل، لن، آ: را؛ ل، ق (نیز ق، آ، ل، س، ق، ل، آ، ب، و، لن، آ): به بی سرتت بر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، پ، و، آ) ۱۳-س: تهمتن چنن پاسخ آورد نام؛ ق: چنن گفت رستم بیاسخ که نام؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۴-ل: کزین پس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب) ۱۵-ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، آ، ل، و، ب): مادرم؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۱۶-ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، لی): تنک (تنتک)؛ (ل: تنک - پتک؛ ب: نیک - پتک)؛ متن = ل، آ، س (نیز پ، و، لن، آ) ۱۷-ق: نام ننگ ۱۸-س: تن ۱۹-ف، ق (نیز ب): دشمنان؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، آ) ۲۰-ق، س (نیز لی، ل، آ، ب، و، لن، آ): چنگ؛ متن = ف، ل، س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ب، و، ب) ۲۱-ق، ل، آ، س: پلنگ و نهنگ ۲۲-س: پیاده نیابند؛ درس بیت های ۱۲۹۱-۱۲۹۴ درهم ریخته اند: ۱۲۹۳، ۱۲۹۱، ۱۲۹۴، ۱۲۹۲ ۲۳-ل: اشکوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل): اشکنوس؛ (ق، آ، ب: اشکوس)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۲۴-ل: ز ۲۵-ف: کند؛ ق (نیز ق): شود؛ (ب: کنند)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶-ل (نیز لی، ق، آ، لی، و، آ): از چون تو پانصد (لی، و، آ: سیصد) سوار؛ ق (نیز لن، پ، ب): از چون تو باشد سوار؛ ل: از تو چو پانصد سوار؛ متن = ف، س ۲۷-ل: بدین روز و این گردش کارزار؛ س (نیز و، ب): بدین زور و این دست و این کارزار؛ (لن، لن، آ: برین (لن: بدین) دشت و این زور (لن: روز) و این کارزار)؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز لی، پ، لن، آ)؛ س: این بیت را ندارد

کَشانی بدو گفت کویت^۱ سلیح^۲؟
 بدو گفت رستم که^۴ تیر و کمان
 چو نازش^۵ به اسپ گرانمایه دید
 یکی تیر زد بر بر^۷ اسپ اوی
 ۱۳۰۰ بخندید رستم به آواز گفت
 سزد گر بداری^۹ سرش بر^{۱۰} کنار

کمان را به زه کرد پس^{۱۲} آشکبوس^{۱۳}
 به رستم بر^{۱۵} آنکه بباید تیر
 همی رنجه داری تن خویش را
 ۱۳۰۵ کمان را بمالید رستم به چنگ

تنی لرلرزان، رخی^{۱۴} سَنَدروس
 تهمتن بدو گفت: بر خیرخیر^{۱۶}،
 دو بازوی^{۱۷} و جان بداندیش را
 نگه کرد یک تیر دیگر خدنگ^{۱۸}

۱-ل، ق (نیز ل^۲): باتسو؛ (و: برتسو)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲-س: سلاح ۳-س، س: مزاج ۴-ق: به ۵-ل: او را ۶-ق: بمالید ۷-ل (نیز ق^۲): سر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ب)؛ بنداری: فسدد رستم نشابه الی نحر فوسه فرماه بها ۸-ق: که بنشین و بگری بدین نیک جفت ۹-ق: بگیری ۱۰-ل، س، ق، ل، آ: در؛ متن = ف، س^۲ ۱۱-ف، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): برآساید؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۲-ل، ق (نیز لی، ل، آ): زود؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۳-ل: اشکسوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز ل^۲): اشکنوس؛ (ق، آ، ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۱۴-ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، لن، آ، ب): ورخ؛ (و: بتن لرلرزان برخ)؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، لی، پ) ۱۵-ق، ل، آ، س: پس؛ متن = ف، ل، س ۱۶-ل: خیره خیر ۱۷-ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ): بازو؛ متن = ل (نیز ق^۲، ل، آ) ۱۸-ل، ق (نیز ل^۲): بشست اندرآورد تیر خدنگ؛ ل^۲ (نیز لن، ق، لی، و): نگه (لن: گزین؛ و: طلب) کرد یک چوبه تیر خدنگ؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز پ، لن، آ، ب، پ، لن: گزین کرد...)؛ بیشتر دستنویس ها پس از این بیت، بیت هایی افزوده اند، س، لی، آ، ب هر شش بیت را دارند؛ لن، ق، آ، پ، و، لن آ بیت پنجم و ل^۲ بیت های دوم و پنجم را ندارند؛ س^۲ تنها بیت های سوم و ششم و ق تنها بیت ششم را دارند؛ ف، ل، ل^۲ هیچیک از این بیت ها را ندارند، ولی در ل در کناره به خطی نزدیک به خط اصلی بیت های یکم و سوم و چهارم و ششم را افزوده اند:

خدنگی برآورد (ق، آ، و: گزین کرد؛ ل: یکی تیر الماس) پیکان چوآب
 نهاده بر و چسار بر عققاب
 بمالید چساجسی کمان را بدست
 به چرم (لی، آ: شاخ) گوزن اندر افکند (لن، پ، و، آ: آورد) شست
 بد و راست خم کرد و چپ کرد راست (و، لن: ستون کرد چپ و خم آورد راست)
 خروش از خم چرخ چساجسی بخساست
 چوسوفارش آمد به پهنای گوش (ق: چوآورد سوفار نزدیک گوش)
 ز چرم (ل، ق، آ، لی، ل، آ: شاخ) گوزنان برآمد خروش
 5 [چوسوفار او گشت بسا گوش راست
 به چرخ انسدرون شور و آشوب خساست]
 چوسید پیکان سرانگشت (ق: چوسوفار بوسید انگشت؛ س: چوپیکان بوسید انگشت) او
 گنذر کسرد بر مهره پشت او

بزد بر بر و سینه‌ی آشکبوس^۱ کشانی هم اندر زمان جان بداد
 نظاره بریشان دو رویه سپاه نگه کرد کاموس و خاقان چین
 ۱۳۱۰ چو برگشت رستم هم اندر زمان کزان نامور تیر بیرون کشید
 همه لشکر آن تیر بگذاشتند^۷ چو خاقان چین^۸ پَرّ و پیکان تیر
 به پیران چنین گفت کین مرد کیست؟ تو گفتی که لحتی فرومایه‌اند،
 ۱۳۱۵ کنون نیزه با تیر ایشان یکیست، همی^{۱۳} خوار کردی سراسر سخُن
 بدو گفت پیران کز ایران سپاه کجا^{۱۴} تیر او بگذرد بر درخت
 از^{۱۷} ایرانیان گیو و طوس اند^{۱۸} مرد^{۱۹} برادر^{۲۱}م هومان بسی پیش طوس
 ۱۳۲۰ به ایران ندانم که این مرد کیست^{۲۲} شوم تا بینم^{۲۵} به^{۲۶} پرده‌سرای

سپهر^۲ آن زمان دست او داد بوس چنان شد که گفتی^۳ ز مادر نژاد
 که دارند پیگار گردان نگاه بدان^۴ بُرزیالا و آن زور و کین^۵
 سُواری فرستاد خاقان دمان، همه تیر تا پَرّ در^۶ خون کشید
 سراسر همه نیزه پنداشتند نگه کرد، برنادلش گشت پیر
 ز گردان ایران وُرا نام چیست^۹؟ ز^{۱۰} گردنکشان کمترین^{۱۱} پایه‌اند،
 دل کوه^{۱۲} در جنگشان اندکیست جز آن^{۱۴} بُد که گفتی، ز سر تا به بُن
 کسی را ندانم^{۱۵} بدین پایگاه، ندانم چه دارد به دل شوربخت
 که با فرّ و بُرزان روز نبرد^{۲۰} جهان کرد بر گونه‌ی آبنوس
 درین^{۲۳} لشکر او را هم‌اورد کیست^{۲۴} بیارند ناکام نامش به جای

۱- ل، س، ۲ (نیز ل، ۳): اشکنوس؛ (ق، ۴): ب: اشکبوس؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، لی، پ، و، ل، آ، ۲) - ۲- س، ۲: فلک؛ ل این بیت را ندارد؛ س، ق، س، ۲ (نیز ل، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

قضا گفت: گیر و قدر گفت: ده ملک (فلک) گفت: احسنت و مه گفت: زه

پ: ملک برفلک گفت: احسنت و زه

ف، ل، ل این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا به خطی نزدیک به خط اصلی در میان ستون‌ها افزوده‌اند ۳- ل، ۱: هرگز؛ ق: تو گفتی همانا؛ س، ۲: تو گفتی که هرگز؛ متن = ف، ل، س ۴- ل، س: بران؛ متن = ف، ق، ل، ۲ س ۵- ل، ۱: وزور و کمین ۶- ل: تا پَرّ پَرّ از؛ متن = ف، س، ل، ۲ س ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، پ، و، ل، ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ل، س (نیز ل، ۲، و، ب): برداشتند؛ (ل، لی، پ، ل، ۲، آ: میان سپه تیر بگذاشتند)؛ متن = ف، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ق، ۲) ۸- ل (نیز ب): بدان؛ س، ق (نیز ق، ۲، ل، ۲): بران؛ متن = ف، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ب، و، ل، ۲) ۹- س، ۲: وزین لشکر او را هم‌اورد کیست ۱۰- ف: به؛ متن = ل، س ۱۱- ف: بهترین؛ (پ، ل، ۲، آ: کهنترین)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، و، آ) ۱۲- ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲): شیر؛ متن = ف، س (نیز ل، لی، پ، و، ل، آ) ۱۳- ق: همه ۱۴- س: این ۱۵- ل: ندانم کسی را؛ ق بیت‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۱ را ندارد ۱۶- ف، ل، ۲، س، ۲: که تا؛ متن = ل، س (نیز ل، ب) ۱۷- س: ز ۱۸- ف (نیز ل، و): طوس است؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ف (نیز ل، لی، پ، ل، ۲، آ): گرد (در ف پساوند نادرست است)؛ س: لمرد (= گرد + مرد)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، ب) ۲۰- س، ۲: و با دار و برد؛ (ل، لی، پ، ل، ۲، آ: و با دستبرد)؛ س (نیز ب): که با گیر (ب: فرّ) و دارند روز نبرد؛ متن = ف، ل (نیز ق، ۲، ل، ۲، و)؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- س، ل، ۲، س، ۲: درآورد؛ متن = ف، ل ۲۲- ق: چنین گفت من می ندانم که کیست ۲۳- ل، ق: بدین؛ متن = ف، ل ۲۴- س، س، ۲: ز گردان ایران ورا نام چیست ۲۵- ل (نیز ل، ۲): باز پرسم؛ س، ق (نیز ل، ق، ۲، لی، پ، ب): تا پرسم؛ متن = ف، ل، ۲، س ۲۶- ق: ز

۱۳۲۵ بیامد پُراندیشه و روی زرد
به پیران چُنین گفت هومانِ گرد
بزرگان ایران گشاده دل‌اند
کنون تا بیامد از^۴ ایران سپاه
بدو گفت پیران^۶ که هر چند بار^۷
چو رستم نباشد مرا باک نیست
۱۳۳۰ چُنان دان که جنگی جز از طوس^{۱۲} نیست
سپه را دو رزم گرانست پیش

۱۳۳۵ و زانجا یگه نزد کاموس رفت
چُنین گفت کامروز رزمی^{۱۷} بزرگ
بینید نا چاره‌ی کار چیست
چُنین گفت کاموس کامروز جنگ
به رزم اندرون کشته شد آشکبوس^{۲۰}
دلم زین^{۲۲} پیاده به دو نیم شد
به بالای او بر زمین مرد نیست
کمانش تو دیدی و تیر ایدرست
همانا که آن سگزی جنگجوی
۱۳۴۰

بپرسید از آن^۱ نامدارانِ مرد
که دشمن ندارد خردمند خُرد
تو گفتی^۲ که آهن همی^۳ بگسیل‌اند
همی بر خروشید از آن^۵ رزمگاه
بباید بر طوس از^۸ ایران^۹ سوار،
به^{۱۰} گرگین مرا دل به دو چاک^{۱۱} نیست
فریرز و گرگین چو کاموس نیست
بجویند^{۱۳} هر کس برین^{۱۴} نام خویش^{۱۵}

بنزدیک مَنثور^{۱۶} و فرطوس رفت
برفت و پدید آمد از میش گرگ
برین خستگی‌ها تن آزار چیست^{۱۸}
چُنان بُد که نام اندر آمد^{۱۹} به ننگ
و ز آن^{۲۱} شادمان شد دل گیو و طوس
کزو لشکر ما پُر از بیم شد
درین لشکر^{۲۳} او را هم‌آورد نیست
به نیرو^{۲۴} ز پیل ژیان برترست
که چندان^{۲۵} همی بر شمردی تو زوی^{۲۶}،

۱- ل: زان ۲- ل، ق، ل، آ، ش: گویی؛ متن = ف، س ۳- س: زهم ۴- ل، س، ق: ز؛ س: به؛ متن = ف، ل ۵- ل: زان ۶- س: هومان ۷- ل، س، ل، آ، س: (نیز لن-ب): یار؛ متن = ف، ق (نیز لن، آ) ۸- ل: ز ۹- ف: ایشان؛ متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۱۰- ل، ق، ل: (نیز لن، ق، آ، پ، و لن): ز؛ متن = ف، س، س: (نیز لی، آ، ب) ۱۱- (لن: برو چاک)؛ س (نیز ب): دل پر از خاک؛ (و: دل من بدو چاک)؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ): گرگین و بیژن دلم چاک؛ (ق: گسهم و گرگین دلم چاک)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ب، لن) ۱۲- س: چو فرطوس؛ ل این بیت را ندارد ۱۳- ف: بگویند؛ (ل: که جویند؛ لن: نجویند)؛ متن = ل-س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- ل، ل: بدین؛ س: بدان؛ ق: ازین؛ متن = ف، س ۱۵- ق: مایه بیش ۱۶- (و: منشور)؛ ق بیت های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ را ندارد ۱۷- ف: زرمی (!) ۱۸- ل، ل، آ، س: (نیز لن، لی، پ، و لن، آ): برین (ل: بران؛ لی، آ: بدین) خستگیها بر (آ: پر) آزار کیست (ل، پ: چیست)؛ س (نیز ب): ازین دو سپه بر که باید گریست؛ ق: بدین خستگیها مرا یار کیست؛ (ق: کز ایرانیان را هم آورد کیست؛ ل: برین جنگها بر که باید گریست)؛ متن = ف ۱۹- ف (نیز و): اندر آید؛ متن = ل-س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ در ل پس از این بیت، بیت ۱۳۳۹ آمده است ۲۰- ل: اشکسوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س: (نیز ل): اشکنوس؛ (ق، آ، ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، لی، و لن، آ) ۲۱- ل: وزو ۲۲- ل، ق: زان ۲۳- ل، ق (نیز ل): بدین لشکر؛ س (نیز ب): بگیتی کس؛ (ق: وزین لشکر)؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، لی، پ، و لن، آ) ۲۴- ف، ل، آ، س: براو؛ ل، ق: (نیز ق، آ، ل): بزور او؛ (و: بزرگ او)؛ متن = س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۳۳۵ آمده است ۲۵- ل، س، س: (نیز لی، ل، آ): چسندین؛ ل: (نیز ق، آ، ب): چندی؛ متن = ف، ق (نیز لن، پ، و لن) ۲۶- ل، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ): ازوی؛ متن = ف، س (نیز ب، و لن، ب)

داستان کاموس کشانی

پیاده بدین رزمگاه آمده‌ست
 بدو گفت پیران^۲ که او دیگرست
 پرسید پس^۴ مرد بیداردل^۵
 ز پیران پرسید کین^۶ شیرمرد
 ز بازوی^۷ و زورش^۸ چه داری نشان؟
 چگونه‌ست مردی و دیدار اوی^{۱۱}؟
 گر ایدونک آید به توران سپاه^{۱۳}
 بدو گفت پیران که این^{۱۴} خود مباد
 یکی مرد بینی چو سرو سهی
 بسا رزمگاهها که افراسیاب
 یکی رزمسازست^{۱۶} خسروپرست
 به کین سیاوش کند کارزار
 سلیح^{۱۸} وُرا برنتابد کسی^{۱۹}
 به رزم اندرون چون ببندد میان
 نه برگیرد از جای گرزش نهنگ
 زهی بر کمانستش^{۲۴} از چرم شیر
 اگر سنگ خارا^{۲۶} به چنگ آیدش
 به رزم اندرآید بپوشد زره
 یکی جامه دارد^{۲۹} ز چرم پلنگ

۱۳۴۵
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۵

به یاری ایران سپاه^۱ آمده‌ست
 سُواری سرافراز^۳ گنداورست
 کجا بسته بود اندر آن کار دل،
 چگونه خرامد به دشت نبرد؟
 چه گوید^۹ به آورد با^{۱۰} سرکشان؟
 چگونه شوم^{۱۲} من به پیگار اوی^{۱۱}؟
 مرا رفت باید به آوردگاه
 که او ایدر آید^{۱۵} کند رزم یاد
 به دیدار با زیب و با فرهی
 ازو گشت پیچان و دیده پُر آب
 نخست او^{۱۷} برد سوی شمشیر دست
 کجا او پیروردش اندر کنار
 ز مردان^{۲۰} کنند آزمایش بسی^{۲۱}
 تنش زور دارد به پیل^{۲۲} ژیان
 اگر بفرگند بر زمین^{۲۳} روز جنگ
 یکی تیر^{۲۵}، پیکان او ده سِتیر
 شود موم و از^{۲۷} موم ننگ آیدش
 یکی جوشن از بر ببندد گره^{۲۸}
 بپوشد ز بر و اندرآید^{۳۰} به جنگ

۱- ل: با ایران سپاه؛ س: ز نزدیک شاه؛ متن = ف، ل، ق، س، ۲- س: هومان ۳- ل: سرافراز و؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲، س: بیتهای
 ۱۳۴۴-۱۳۴۵ را ندارند و بیت های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ را پس از بیت ۱۳۵۰ آورده‌اند ۴- س: از او ۵- ق: بسیار دل؛ ق در اینجا
 سرنویس دارد: یاد کردن پیران هنرهای رستم نزد کاموس کشانی ۶- ل، ق (نیز ق، ل، ۲، ب): کان؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ،
 ۷- ف، ل، ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ): بازو؛ س (نیز ق، ۲، ب): بالا؛ متن = ل، س، ۲ ۸- ل: برزش؛ (ق: رویش)؛ متن = ف، ل، ۲
 (نیز لن، لی، پ-ب) ۹- ف، ل، ۲، س: جویید؛ (آ: دارد)؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب) ۱۰- س: از؛ ق این بیت را
 ندارد ۱۱- ل، س: او ۱۲- ق: روم ۱۳- س: ز پیش سپاه؛ (لن، پ، و، لن، آ: بیاری سپاه؛ ق: بدین رزمگاه؛ لی: با ایران سپاه؛ آ:
 ز ایران سپاه؛ ب: پشت سپاه)؛ ل: اویست کامد ز راه؛ متن = ف، س، ۲، ق، ل این بیت را ندارند ۱۴- ل، ۲، س: آن ۱۵- ف، ل، ۲ (نیز
 لی): اندرآید؛ ل: آید ایدر؛ (ق: با سواری)؛ متن = س، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، ب) ۱۶- ل: رزمسازست و ۱۷- س:
 نخستین ۱۸- س، س: سلاح ۱۹- س: زمین ۲۰- ق: گردان ۲۱- س: چو او کس ندید اندر آورد کین؛ در ل ت های این
 بیت پس و پیش شده‌اند ۲۲- ق: چوپیل؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- ق: بر زمین بفرگند ۲۴- ل، س (نیز لن، ب): بر کمانش بر
 (لن: پر)؛ متن = ف، ل، ۲، س، ۲ ۲۵- ل: تیر و؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- ف: سنگ و سندان؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ل، لی،
 پ-ب) ۲۷- ف، ل، ۲: وز؛ متن = س، س، ۲، ل، ق این بیت را ندارند ۲۸- ق این بیت را ندارد ۲۹- ق: یکی
 جوشن استش ۳۰- ل: برو اندرآید؛ ق: وزان پس درآید؛ (لن، پ، لن، آ: بزیر اندرآید؛ ق، آ: ز بر اندرآید؛ لی: بر اندرآید؛ ل: پس او ایدر آید؛
 و: بزیر و درآید)؛ متن = ف، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ب)

۱۳۶۰ همی نام ببر بیان خواندش
نسوزد در آتش، نه در آب تر
یکی رخسار^۴ دارد به زیر اندرون
همی آتش افروزد از خاک^۶ و سنگ
ابا این شگفتی به روز نبرد
بدین شاخ و این^۷ یال و بازوی^۸ و کفت
۱۳۶۵

چو بشنید کاموس بسیار هوش
همانا خوش آمدش گفتار اوی^{۱۱}
به پیران چنین گفت کای پهلوان
بین تا چه خواهی ز سوگند سخت
خورم من فزون ز آن^{۱۳} کنون پیش تو
که زین را نگردانم^{۱۵} از پشت بور
مگر بخت تو شاد و^{۱۸} روشن کنم
بسی^{۲۰} آفرین خواند^{۲۱} پیران براوی^{۲۲}
به کام تو گردد همه کار ما

۱۳۷۵ و ز آنجای که گردد لشکر بگشت
بگفت این سخن پیش خاقان چین
به هر^{۲۴} پرده و خیمه یی^{۲۵} برگذشت
همی گفت با هر کسی همچین

۱- ق: به ۲- ل: از ۳- ل، ق، ل، س (نیز، ل): بره: (لن: براندیش بره: پ: بداندیش بره: لن: پیراندیش تر):
متن = ف، س (نیز آ) ۴- ق: اسب ۵- ل: توگفتی: متن = ف، س، ق، ل، س (نیز، ل-ب) ۶- ق، س: کوه:
متن = ف، ل، س، ل ۷- ف: آن؛ متن = ل، ق، ل، س ۸- ف، ل، س: بازو؛ متن = ل، ق؛ س: شاخ و بازوی و
این یال ۹- ل: ندارم؛ ل: نسدرد؛ (لن: نباشی): متن = ف، س، ق، س (نیز، ل، ل، پ، لن، آ، ب): در
ل این بیت پس از بیت ۱۳۷۳ آمده است ۱۰- ل (نیز، ل): چشم و گوش: س: هر دو گوش؛ ق: جان و گوش؛ ل:
(نیز، پ، و، لن، آ، ب): هوش و گوش؛ (ق: دل و جان و هوش): متن = ف، س (نیز، ل، آ) ۱۱- ل، س، ق: او ۱۲-
ل، س، ق (نیز، ل، آ، و): بازار؛ ل: پیکار؛ (لن، لن، آ) از (لن: زی) کار و پیکار؛ ق: از گفت بازار؛ ب: از آن کار بازار؛
متن = ف، س ۱۳- ق: فزون زان خورم من ۱۴- س، ق (نیز، ل، ب): دل ریش؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز، ل، ل، پ،
لن، آ، و، آ) ۱۵- ف، ل، س، س (نیز، ل، ل، و، آ، ب): نبرد؛ ل: نپردارم؛ متن = ق (نیز، ل) ۱۶- ف: نه (!) ۱۷-
ل (نیز، ل): نیروی یزدان (ق: یزدان و) کیوان و هور؛ ق (نیز، ل): نیروی یزدان و فرمان هور؛ (لن، ل، آ، نیرو و زور خداوند
هور؛ پ، لن، آ: نیروی زور خداوند هور): متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، ب: ف: نیرو) ۱۸- ل: بخت و رای تو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ،
س ۱۹- ق: بدیشان ۲۰- س: همی ۲۱- س، ق: کرد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۲- ل، ل، ل: بدوی؛ متن = ف، س،
ق، س ۲۳- ل: بینا دل و؛ س: روشن دل؛ متن = ف، ق، ل، ل، س: درل پس از این بیت، بیت ۱۳۶۵ آمده است ۲۴-
ل: همه ۲۵- ل: خیمه و پرده

ز خورشید چون^۱ شد هوا^۲ لعل فام
دلیران لشکر شدند انجمن
به خرگاه خاقان چین آمدند
شمیران^۴ شکنج^۵ و شنگل^۶ ز هند^۷ ۱۳۸۰
چو کاموس اسپ افکن^۷ شیرمرد
همی^{۱۰} رای زد رزم را هر کسی
و زان^{۱۳} پس برآن^{۱۴} رایشان شد درست
برفتند هر کس^{۱۶} به آرام خویش

ز تاریک زلف^{۱۸} شبان سیاه،
برآمد^{۲۱} به زراب^{۲۲} رخ را بشست،
به چرخ بلند اندرآمد خروش
نباید که چون دی^{۲۴} بود با درنگ^{۲۵}
نه بی او نشاید نبرد آزمود
به یاری ز راه دراز آمدیم ۱۳۹۰
همه نام جستن^{۲۷} به ننگ آوریم
سپاس اندرآیم و گیریم خواب^{۲۹}
شدن پیش لشکر بکردار^{۳۰} کوه

۱-س: تا ۲-ل (نیز ق): حیان؛ س: ل، س: زمین؛ متن = ق (نیز لن، لی-ب) ۳-ف، س، ق، ل، س: (نیز لن-و، آ، ب): بگذارد؛ ل: بگذاشت؛ متن = (لن) ۴-ف، ق، ل، س: (نیز ق، ل، و): سواران؛ ل، س (نیز ب): شویران (در ل حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = (لن، لی، ب، لن، آ) ۵-ف، ل، س: (نیز لی، لن): شکنجی؛ س: ز کشمیر؛ ق (نیز ل): رومی؛ (آ، ب: جنگی)؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ب، و) ۶-ق: شکنجی و هند؛ در ل، س، ق (نیز ق، ل، و، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده اند؛ پیایی بیت های متن = ف، ل، س: (نیز لن، لی، ب، لن، آ) ۷-س: پیل اوژن ۸-(و: منشور) ۹-ل (نیز ق): و فرطوس مرد (ق: روز) نبرد؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، لی، ب) ۱۰-ق: بسی ۱۱-ل، ق: ز ۱۲-ل، س: گفت؛ ق: کرد؛ متن = ف، ل، س: ۱۳-ل: از آن ۱۴-ق: بدان ۱۵-ق: خواهیم ۱۶-س، ق: یک؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۷-ل: بختنند در خیمه؛ بنداری (۱۳۲۴-۱۳۸۴)؛ و لم یزلوا فی تهنه اسباب الحرب حتی أصبحوا ۱۸-ف، ل: تاریک (جباریک)؛ ل: تاریک (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س، ق، س: (نیز لن، ق، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۹-ق: روی؛ ل: قسده؛ متن = ف، ل، س، س: ۲۰-ل: شاه (!) ۲۱-ق: بیامد ۲۲-ف: بزرآب و (!)؛ (لن، ق، ل، ب، لن: پیر ازآب؛ لی: بدان آب؛ آ: بران آب)؛ متن = ل، س: (نیز و) ۲۳-س: که امروز خاقان جنگ ۲۴-ق: [دی] (وزن ندارد) ۲۵-س: چنان بد که نیام اندرآمد بننگ (= ۱۳۳۵) ۲۶-ل، ق، ل: (نیز لن-آ): چون دی؛ س: راه؛ متن = ف، س: (نیز ب) ۲۷-ل (نیز ل): نام رازیر؛ ق: نام جستم؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، لی، ب-ب) ۲۸-ل، س: ز ۲۹-ل: گیرد شتاب؛ ل، س: (نیز لن، ق، آ، لی، ب-ب): اندر آرام گیریم (لن، لی، ب، لن، آ: جوییم؛ و: یاییم) و خواب؛ متن = ف، س: ق این بیت را ندارد ۳۰-در ل این بیت پس از بیت ۱۴۰۶ آمده است

<p>۱۳۹۵ ز ده کشور ایدرا سرافراز هست^۲ بزرگان ز^۵ هر جای برخاستند که بر لشکر امروز فرمان تراست یک امروز بنگر بدین رزمگاه</p>	<p>به خواب و به خوردن نشاید^۳ نشست^۴ به خاقان چین خواهش آراستند^۶ همه کشور چین و ترکان^۷ تراست که شمشیر بارد ز ابر سیاه</p>
<p>۱۴۰۰ و زین^۸ روی رستم به ایرانیان اگر کشته شد زین^{۱۰} سپاه اندکی چنین یکسره دل مدارید تنگ همه لشکر ترک از آن^{۱۳} آشکبوس^{۱۴} همه^{۱۶} یکسره دل پُر از کین کنید که من رخس را بستم امروز نعل بسازید کامروز روزی^{۲۰} نوشت میان را بیندید کز کارزار^{۲۲} ز من برده و هدیه^{۲۳} زاوی^{۲۴} بزرگان برو^{۲۷} خواندند آفرین</p>	<p>چنین گفت کاکنون سرآمد زیان^۹ نشد بیش کم از دو^{۱۱} سیصد یکی نخواهم تن^{۱۲} زنده بی نام و ننگ برفتند رخساره^{۱۵} چون سَنَدروس سواران بروها^{۱۷} پُر از چین کنید برو^{۱۸} کرد خواهم بر و تیغ^{۱۹} لعل زمین^{۲۱} سربسر گنج کیخسروست همه تاج یابید با گوشوار بیابید و هم شاره^{۲۵} کاوی^{۲۶} که از تو فرزند^{۲۸} کلاه و نگین</p>

۱- ف، س: آمد؛ ل، ل: (نیزب)؛ اندر (حندر)؛ (لن، ق، ل، آید)؛ متن = ق، س: (نیزب، و لن، آ) ۲- ف، س: هشت (ف) پساوند
ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب، و لن، آ، ب) ۳- ل: نباید ۴- س: گذشت ۵- ل: [از] ۶- س: پاسخ
آراستند؛ ق: همه پاسخ را بیاراستند؛ متن = ف، ل، ل، س: ۷- ل: (نیزق، ل، آ)؛ توران: س: (نیزب)؛ مکران: متن = ف، ق، ل، ل، س: (نیز
لن، لی، ب، و لن، آ) ۸- س: وزان ۹- س، ل، آ، س: زمان (حزبان)؛ متن = ف، ل، ق ۱۰- ق: زان ۱۱- ف: ازیشان
نماند ز ل، ق: (نیزلن، لی، ل، و لن، آ)؛ نشد (لن: بشد) بیش و کم از دو: س: (نیزب)؛ نشد هیچ کم از دو: ل، س: نشد بیشتر از دو: متن =
(ق، آ، ب) ۱۲- س: تنه ۱۳- ل: از ۱۴- ل: اشکسوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س: (نیزل)؛ اشکنوس: (ق، آ، ب)
اشکبوس)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیزلن، لی، ب، و لن، آ) ۱۵- ف، س، ل، س: رخشنده (؟)؛ متن = ل، ق: (نیزلن-ب) ۱۶- ل:
کنون ۱۷- ل: بروهای جنگی؛ متن = ف، س، ق، س: (نیزلن-ب، درل: بروها)؛ ل: بیت های ۱۴۰۲-۱۴۰۴ را ندارد ۱۸- ل: (نیز
ق، آ)؛ بخون: (ل: ز خون)؛ متن = ف، س، ق، س: (نیزلن، لی، ب، آ) ۱۹- ل: سرتیغ: ق: ز خون دست: (لی، آ: ز خون تیغ: ل، آ: بدو
دشت: و، ب: بخون تیغ)؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ)؛ بنداری: (لی، آ: بنداری)؛ و آب-اشر القتال بنفسی فی
هذا اليوم ۲۰- ف، ل، س: (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ)؛ روز: متن = س، ق: (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب) ۲۱- ق: جهان ۲۲- ق: شهریار:
(ل: کردگار: لن، ب، لن، آ: در کارزار)؛ متن = ف، ل، س، ل، س: (نیزق، لی، و، آ، ب) ۲۳- ل: هدیه و برده: س، ق: بدره و هدیه:
متن = ف، ل، س: ۲۴- ف، ل، ق، ل، س: (نیزلن-ب، لن، آ)؛ زابلی: س: (نیزب)؛ کابلی: متن = (و) ۲۵- ل: ساره: س، ل، آ:
بار: (ل: هدیه)؛ متن = ف، ق، س: (نیزلن، ق، آ، لی، ب، و، آ، ب) ۲۶- ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن-ب، لن، آ)؛ کابلی: س: (نیزب):
زابلی؛ متن = (و)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۳۹۳ آمده است ۲۷- ق: همه ۲۸- ل: فرزند؛ (ق، آ: فرزند؛
لن، لی، ب، لن، آ: که بی تو مبادا)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزو، ب)؛ س: پس از این بیت افزوده
است:

تویی پیهلوان زمان و زمین

بکاه تو گردد سپهر برین

گفتار اندر رزم رستم زال با کاموس^۱

بپوشید رستم سلیح ^۲ نبرد	به ^۳ آوردگه رفت با دارو برد ^۴
زره ^۵ زیر بُد جوشن ^۶ اندر میان	و زان ^۷ پس بپوشید ببر بیان
گسرا نمایه مغفر به سر بر نهاد	همی کرد بدخواه از مرگ ^۸ یاد
به فرمان ^۹ یزدان میان را بیست	نشست از بر رخس چون پیل مست ^{۱۰}
ز بالای او آسمان خیره گشت	زمین از پی رخس او تیره گشت
برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس	نماند ایچ راه فسون و فسوس ^{۱۱}
همه لرلرزان شده دشت ^{۱۲} و کوه	زمین شد ز نعل ستوران ^{۱۳} ستوه
و زان ^{۱۴} روی کاموس بر میمنه	پس پشت او زنده پیل و بُنه
ابر میسره ^{۱۵} لشکر آرای هُند	زره دار ^{۱۶} و در چنگ رومی پزند ^{۱۷}
به قلب اندرون جای خاقان چین	شده آسمان تار و جنبان زمین ^{۱۸}
و زین سو ^{۱۹} فریبرز بر میسره	چو خورشید تابان ز ^{۲۰} برج بره
سوی ^{۲۱} میمنه پور گشواد بود	که گفتی ^{۲۲} همه زیر ^{۲۳} پولاد بود
به قلب اندرون طوس نودر به پای	به پیش سپه کوس با گره نای ^{۲۴}
همی دود آتش برآمد ز آب	نبیند چنان جنگ ^{۲۵} جنگی به خواب
برآمد ز لشکر ز هر سو ^{۲۶} خروش	همی پیل را زان بدرید گوش
نخستین که اندر ^{۲۷} میان دو صف	ز خون جگر بر لب آورد کف،
سپهبد سرافراز کاموس بود	که با لشکر و پیل و با ^{۲۸} کوس بود
همی برخوردید چون پیل مست	- یکی گزهی گاوپیکر به دست - ،

۱- ف: گفتار اندر جنگ دوم طوس و گودرز و رستم و نبرد رستم با کاموس کشانی و گرفتن او را و کشته شدن کاموس؛ ل: رزم رستم زال با کاموس؛ س (چند بیت پایین تر): جنگ کاموس کشانی با الوای زابلی و کشته شدن الوای؛ ق (چند بیت پایین تر): رزم رستم با کاموس و گرفتار شدن او در کمند؛ س: جنگ رستم با کاموس کشانی؛ متن: ل-۲-س: سلاح-۳-س: ز-۴-ق: کرد-۵-ف، س، س:؛ رزه-۶-س: زیر و جوشن بُد-۷-ل: از آن؛ بنداری؛ ثم ظاهر بین درع و جوشن، و لبس فوقها عده آخری من جلد البیر-۸-ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و لن، ب): بدخواهش از مرگ؛ ق: بدخواه او رزم؛ ل، ل، س: از مرگ بدخواه؛ (ل، آ: بدخواه را مرگ)؛ متن = ف-۹-ل: نیروی-۱۰-س: و نیزه بدست-۱۱-ل: زمین آهنین شد سپهر آنوس؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن-ب) ۱۲-ل (نیز ق، ل، و): جهان (ل: هوا) لرلرزان شد و دشت؛ س: جهان کر شد و دشت لرزان؛ ل، ل، س: شده لرلرزان در و دشت؛ متن = ف (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۳-س: سواران؛ ق (نیز ل، لن، آ): گشته (ل: گشت؛ لن: آمد) از نعل اسبان؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و آ) ۱۴-ل: از آن؛ س پس از این بیت افزوده است:

ابر میسره لشکر آرای جنگ رزه دار و شمشیر هندی بیچنگ (۱۴۱۶)

۱۵-س: میمنه-۱۶-ف، س، س: رزه دار-۱۷-ل: با تیغ و هندی پزند؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۸-س: بیت های ۱۴۱۷-۱۴۲۲ را ندارند-۱۹-ل: روی؛ س: رو؛ متن = ف، ق، ل، آ-۲۰-ل: به-۲۱-ل: ابر-۲۲-ل (نیز ق، آ): کفتش-۲۳-س: مغز-۲۴-ف، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، ل-۲۵-ل: رزم-۲۶-ل، ق: زهر سوی لشکر؛ متن = ف، س، ل-۲۷-ل، ل: آمد؛ ق: شد در؛ متن = ف، س، س: ۲۸-ف، ل، ل، س: که با پیل و با لشکر و؛ متن = ل، س، ق (نیز لن-ب)

که آن جنگجوی پیاده کجاست
 بگو تا بیاید ببندد میان
 وُرا دیده بودند گردان نیو
 کسی را نیامده‌می رزم رای^۴
 که^۵ با او^۶ کسی را نبُد پای^۷ جنگ
 یکی زاوی^۱ بود الوای^{۱۱} نام
 بسی رنج برده به کار عنان
 به رنج و به سختی جگر سوخته
 بدو گفت رستم که هشیار^{۱۴} باش
 مشو غره^{۱۷} زآب هنرهای خویش
 چو چشمه^{۱۸} بر ژرف دریا بری
 چو^{۲۰} الوای^{۲۱} آهنگ کاموس کرد
 نهادند آوردگاهی بزرگ
 بزد نیزه و برگرفتش ز زین
 عنان را گران^{۲۴} کرد و او را به نعل
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۵
 ۱۴۴۰

که از نامداران همی^۱ رزم خواست؟
 به تیر و کمان بر سرآرد زمان^۲
 چو طوس سرافراز و رُهام^۳ و گیو
 ز گردان ایران تهی ماند جای،
 سواران^۸ چو آهو و او چون^۹ پلنگ
 سبک تیغ کین برکشید از نیام
 پیاموخته تیر و گرز^{۱۲} و سینان
 هنرها ز رستم^{۱۳} پیاموخته
 به آورد ازین^{۱۵} تُرک بیدار^{۱۶} باش
 نگهدار بر جایگه پای خویش
 به دیوانگی ماند آن^{۱۹} داوری
 که جوید به آورد با او نبرد^{۲۲}،
 کشانی پیامد بکردار گرگ
 بینداخت آسان وُرا بر^{۲۳} زمین
 همی کوفت تا خاک ازو گشت^{۲۵} لعل

۱- ل: چنین ۲- س^۲ بیت های ۱۴۲۷-۱۴۳۰ را ندارد؛ ل، ق (نیز ل^۳) بجای بیت ۱۴۲۷ افزوده اند:

کنون گریباید باوردگاه تهی ماند از تیر (ق: نام) او جایگاه

۳- س، ل: گودرز؛ متن = ف، ل، ق؛ بنداری: فعلم طوس و جیوو أصحابها أنهم لا طاقة لهم بمقاومته ۴- ل: یاد (پساوند ندارد) ۵- ق: چو ۶- ف (نیز لن، پ، لن^۲): وی؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز ق^۲، لی، ل^۲، و، آ، ب) ۷- ف (نیز لن، پ): جای (۴)؛ ل، س: تاو؛ ق (نیز ق^۲، ل^۲، و، ب): تاب؛ متن = ل^۲ (نیز لی، لن^۲، آ) ۸- ل، ق (نیز ل^۳): دلیران؛ ق^۲: که ایشان؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۹- س: آهو بُد و او ۱۰- ف-ل^۲ (نیز لن-پ، لن^۲، آ، ب): زابلی؛ متن = س^۲ (نیز و) ۱۱- ل^۲: الواد؛ بنداری: الواد؛ (لن^۲، پ: کیوان به)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ س، ق (نیز لن، ق^۲، لی، پ، لن^۲، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

کجا (ق: همسان) نیزه رستم او داشتی پس پشت او هیسج نگذاشتی

ف، ل، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲) و این بیت را ندارند ۱۲- ل: گرز و تیر؛ س^۲ بیت های ۱۴۳۲-۱۳۳۶ را ندارد ۱۳- ل، س: ز رستم هنرها؛ بنداری (۱۴۳۱-۱۴۳۳): و کان فی أصحاب رستم الزابلیین فارس یسمى ألواد قد أفنی عمره فی معالجه الحروب، و تعلم من رستم الفروسية و طرائق القتال ۱۴- ل: بیدار ۱۵- ل، ق: این ۱۶- ل: هشیار؛ س بجای این بیت افزوده است:

چه گفت آن سخنگوی دانای پیر سخن چون از او بشنوی یاد گیر

۱۷- ل: غرق؛ س، ق (نیز لن، لی، پ-ب): غرقه؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲)؛ درق بیت های ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ پس از بیت ۱۴۴۰ آمده اند ۱۸- ل، ق (نیز ق^۲، ل^۲)؛ قطره؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، لن^۲، آ، ب) ۱۹- س، ق، ل^۲: این؛ متن = ف، ل ۲۰- ل: شد ۲۱- ل، س^۲: الواد؛ (لن، پ، لن^۲): کیوان شد؛ ل^۳: السوا شد؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب) ۲۲- س: که با او جوید میدان نبرد ۲۳- ل، ل^۲: بروی؛ ق: نگونسار کرد و بزد بر ۲۴- ق: سبک ۲۵- ل: او کرد؛ ق: او گشت؛ متن = ف، س، ل^۲؛ س^۲ این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت های ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ آمده اند و پس از آن افزوده است:

بالوا چنین گفت کاموس شیر که ای مرد برنا و گرد دلیر

تَهْمَن ز الوای شد^۱ دردمند
 چو آهنگ مازندران^۲ داشتی
 بیامد بغرید چون پیل مست
 بدو گفت کاموس: چندین مَدَم
 چُنین پاسخ آورد رستم که شیر ۱۴۴۵
 نخستین بدین کین تو بستی^۵ کمر
 همی^۷ رشته خوانی کمند مرا^۸
 زمانه ترا از کشانی براند
 برانگیخت کاموس گرد^{۱۳} نبرد
 بینداخت^{۱۴} تیغ پرندآورش ۱۴۵۰
 سر تیغ بر گردن رخس خورد
 نیامد تن رخس را زآن^{۱۷} گزند
 بینداخت و افگندش اندر میان
 به ران اندرآورد و^{۱۹} کردش دوال
 سوار از دلیری بیفشارد^{۲۱} ران ۱۴۵۵
 همی خواست کان^{۲۳} خَم خام^{۲۴} کمند
 شد از هوش کاموس و نگسست خام
 عَنان را بیچید و او را ز زین

ز فتراک بگشاد پیچان کمند
 کمندی و گرژی گران داشتی
 کمندی به بازو و گرژی^۳ به دست
 به نیروی این رشته‌ی شست^۴ اَحَم
 چو نخچیر بیند بغرد دلیز
 از ایران تو گشتی یکی^۶ نامور
 بینی کنون^۹ تنگ و^{۱۰} بند مرا
 چو ایدر بُدت^{۱۱} خاک جایی^{۱۲} نماند
 همیاورد را دید با دارو برد
 همی خواست از تن گسستن^{۱۵} سرش
 که ببرید^{۱۶} برگسَوان نبرد
 گو پیلتن حلقه کرد آن کمند
 برانگیخت از جای^{۱۸} پیل ژیان
 عقابی شده^{۲۰} رخس با پر و بال
 گران شد رکیب و سبک شد عَنان^{۲۲}
 به نیرو ز هم^{۲۵} بگسلاند ز بند
 گو پیلتن رخس را کرد^{۲۶} رام
 نگون اندرآورد و زد بر زمین

۱- ل. آ. س. الوای شد؛ (لن: کیوان بشد؛ ب. لن: کیوان بد؛ ل. الوای بشد)؛ متن = ف. ل. س. ق. (نیز ق. آ. لی. و. آ. ب) ۲- ل. جنگ سران؛ (لی. آ. جنگ یلان)؛ متن = ف. س. ق. ل. (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ مازندران (؟)؛ س. این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ق. کمندی؛ ل. بیازوی کمانی؛ س. بیاورد و گرزش؛ (ق. فتراک و گرژی)؛ متن = ف. ل. آ. س. (نیز لن. لی. ب)؛ بنداری: ثم تقدّم الیه و فی إحدى یدیہ الجزو و فی الأخری الوهق ۴- ف. ل. س. شصت؛ متن = ل. س. ق. برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س. کشته شدن کاموس کشانی بر دست رستم زال؛ ق. رزم رستم با کاموس و گرفتار شدن او در کمند؛ ل. گرفتن رستم کاموس را بکشد و بشمشیر چاک کردن ۵- ل. برین کینه بستی؛ ق. تو بستی بدین کین؛ متن = ف. س. ل. آ. س. ۶- ل. بکشتی یکی؛ ق. بکشتی از ایران یل؛ متن = ف. س. ل. آ. س. ۷- ل. کنون ۸- س. ورا ۹- ل. همی ۱۰- ق. [و]؛ س. بینی تکاپوی و ۱۱- ل. بود ۱۲- ل. جایب ۱۳- ل. ل. آ. س. (نیز ق. آ. ل. آ.)؛ اسب؛ س. ق. (نیز لی. و. آ. ب)؛ خنگ؛ متن = ف. (نیز لن. لی. ب. لن)؛ بنداری: فثور کاموس فرسه ۱۴- ق. در انداخت ۱۵- ل. ل. ق. ل. (نیز ق. آ.)؛ بریدن؛ متن = ف. س. س. (نیز لن. لی. ب) ۱۶- ل. س. (نیز لن. لی. ب. ب)؛ ببریید؛ ق. ببریید؛ (ل. بدریید)؛ متن = ف. ل. آ. س. (نیز ق. آ.) ۱۷- ل. تن رخس را زان نیامد ۱۸- ل. جا چو ۱۹- ل. بزین اندرآورد ۲۰- س. شد آن؛ ق. این بیت را ندارد ۲۱- س. بیفشرد ۲۲- ف. س. آ. سبک شد رکیب و گران شد عَنان؛ (ق. آ. لی. آ. سبک شد عَنان و رکیبش گران)؛ متن = ل. س. ق. ل. (نیز لن. لی. ب. و. لن)؛ س. رکیب؛ بنداری: و ثور رخسه ۲۳- ف. (نیز ق. آ.)؛ کز: متن = ل. س. (نیز لن. لی. ب) ۲۴- س. ق. (نیز ق. آ. ل. لن)؛ خام خَم؛ متن = ف. ل. ل. ل. س. (نیز لن. لی. ب. و. آ. ب) ۲۵- ق. (نیز ل. آ.)؛ همی؛ (لن. لی. ب. لن. آ. بنیروی تن)؛ متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز و. ب) ۲۶- ف. کرد (!)

<p>بدو گفت کاکنون شدی بی‌گزند روانت بر دیو مزدور^۲ گشت به خَم کَمند اندرآورد چنگ^۳ به زیر گش اندر تن^۴ کینه‌خواه ز بس گیز و زور^۵ اندرآمد به روی گهی با فرازست و گه با^۶ نشیب گهی بر زمین، گه بر ابر بلند^۷ که بودی همیشه هم‌اورد شیر، بروبوم ما جای^۸ شیران کند، نه ایوان بود نیز و نه گلستان، مگر کم کند^۹ رستم زال را، ز خاک افسر و گور^{۱۰} پیراهنش که شد کار کاموس جنگی به^{۱۱} پای ز لشکر برفتند گنداوران، به خون غرقه شد زیر او سنگ و خاک که بر تو درازست دست زمان</p>	<p>بیامد بیستش به خَم کَمند ز تو تنبل و جادوی^۱ دور گشت دودست از پس پشت بستش چوسنگ پیاده بیامد^۲ به ایران‌سپاه به گردان چُنین گفت کین رزمجوی چُنین‌ست رسم سرای فریب ازو شادمانی و زو منستمند کنون این سرافرازمرد دلیر به ایران همی شد که ویران کند به زاوِلستان^{۱۰} و به کاوِلستان^{۱۱} ببندازد از دست گوپال^{۱۲} را کفن شد کنون مغفر و جوشنش شما را به گشتن چگونه‌ست رای؟ بیفگند بر خاک پیش سران^{۱۶} تنش را به شمشیر کردند چاک به مردی نباید شدن در^{۱۷} گمان</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل، س، ۲: جادویی ۲- س: رنجور؛ ل پس از این بیت سه بیت و س (نیز ل، آ، ب) تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

سرامد بتوبر همه روز(س: رزم و) کین

نبینی دگر ره (ل: زمین) کشانی و چین

گمان تو آن بُد که هنگام جنگ

کسی چون تو نگرفت خنجر به چنگ

مبادا که کین آورد سرفراز

که بس زود ببیند نشیب و فراز

۳- س: ببند کمر اندر آویخت چنگ؛ ق: نهادش بگردن یکی پاهنگ؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س ۴- ل، ق (نیز ل): بیامد خرامان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- ف: سر؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۶- ل: زورگیر؛ س (نیز ل، ل، ب-ب): کین و زور؛ ق (نیز ل): زور و کین؛ (ق: زور و گیر)؛ متن = ف، ل، آ، س ۷- ل: در فراز و گهی در؛ ق: بر فراز و گهی بر؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۸- ل بیت‌های ۱۴۶۵ و ۱۴۶۶ را ندارد ۹- ل: کنام پلنگان و؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب) ۱۰- ف-س (نیز ل، ق، آ، ل، ب، ل، آ، ب): زاوِلستان؛ متن = (ل، و آ) ۱۱- ف-س (نیز ل-ل، ل، ب): کاوِلستان؛ متن = (آ) ۱۲- ف-س (نیز ل، ق، آ، ل، ل، و): کوپال؛ (ب، ل، آ، ب): کوپال ۱۳- س: ببند کمر ۱۴- ل (نیز ق): گرد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، ب) ۱۵- ل: ز ۱۶- ل: هر آنکس که بودند جنگی سران؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل-ب): در لبت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ق بیت‌های ۱۴۷۲ و ۱۴۷۳ را ندارد ۱۷- ل: شدد اندر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س؛ س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، ب، ل، آ، ب) پس از بیت ۱۴۷۴ بیت‌های با پیایی‌های گونه‌گون افزوده‌اند: ل بیت 6، س آ بیت 2، ل بیت‌های 6 و 10، ق بیت‌های 6-9، ل، آ بیت‌های 6، 7، 10، و ب، ل بیت 10 را ندارند؛ پیایی و متن =

س ←

- ۱۴۷۵ کشانی و شکنی^۱ و^۲ گردان بلخ
همه یک به دیگر نهادند روی
چه مردست و این مرد را نام چیست؟
چنین گفت پیران به هومان^۴ شیر
دلیران ما چون فرازند چنگ^۷؟
۱۴۸۰ به گیتی چنو نامداری نبود
سزد گر سر پیل را روز کین
چو کاموس را^{۱۱} به خم کمند
- ز کاموس شان تیره شد روز و تلخ^۳
که این پُره‌نرمرد پَرَخاشجوی،
هماورد او در جهان مرد کیست؟
که امروز جانم شده از جنگ^۶ سیر
که شد گشته کاموس جنگی به جنگ^۸
و زو^۹ پیلتن تر سُواری نبود
بگیرد کسی برزند^{۱۰} ابر زمین،
به آوردگه بر توان کرد بند
- ز کاموس با درد و بریان^{۱۲} شدند
که ای برتر از گنبد لاژورد^{۱۴}،
سپه سربرسر پیش خاقان شدند
برو^{۱۳} آفرین کرد پیران به درد

۱- ف، ل، آ، س^۲ (نیزی، ب): سنکی؛ س: سنکی؛ متن = ل (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ) ۲- ق: همی چون بدیدند ۳- ل، ل، آ، س؛ روز تلخ؛ س: شد همه روز تلخ؛ ق: روز شد تار و تلخ؛ متن = ف ۴- ل: هومان به پیران ۵- س، ل: شد جانم ۶- ل، ق: رزم ۷- ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): گزینند جنگ (ف پساوند ندارد)؛ ق: بسازند جنگ؛ متن = ل (نیزق، ل، آ، و) ۸- ق، ل، آ، س؛ جنگی نهنگ؛ (لن، پ، لن، آ: امروز جنگی نهنگ)؛ س (نیزب): که امروز شد کشته جنگی نهنگ؛ (ل، آ: کزین گونه شد کشته جنگی نهنگ؛ و: که کشته شد امروز جنگی نهنگ)؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ) ۹- ف: ازو؛ متن = ل-س؛ س؛ س پس از این بیت افزوده است:

که دانست کان ازدهای دلیر به خم کمندش درآزند زیر

۱۰- ل، ق: برارد زند؛ متن = ف، س، ل، آ، س؛ آ: درل، ق (نیزلن، ق، آ، ل، ل، لن، آ) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): گورا؛ س: کس را؛ (ق، ل، آ، و: یل را؛ ل، آ: جنگی)؛ متن = ف، ل، ق؛ ل این بیت را ندارد ۱۲- ف: درد بریان؛ ل، س، ق (نیزی، ل، آ، و): درد و گریان؛ ل، س؛ درد و افغان؛ (لن، ق، آ، پ: پردرد و گریان؛ لن، آ: پردرد و بریان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- س: بدو ۱۴- ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، ل، ل، آ، لن، آ): لاجورد؛ متن = (لن، پ، و)؛ ل این بیت را ندارد

→ بپای آمد (ل، آ، س^۲: پایان شد) این رزم کاموس گرد
کنسون رزم خاقان چین آورم
همی شد که جان آورد جان نبرد
روان را برین بریقین آورم

داستان رستم با خاقان چین

کنون ای خردمند روشن روان
که اویست (س^۲: او هست) بر نیک و بد رهنمای
۵ همی بگذرد بر تو ایام تو
چنین است رسم جهان و زمان
همه درد و رنج است و تیمار و غم
تنت زیر بار گناه (س^۲: گران) اندرست
همی تا توانی به نیکی گرای
۱۰ که او (ل، آ، س^۲: هو) آفرید این روان و خرد
چوباشی برین گفته همداستان

بجز نام ایزد مگردان زبان
بدویست (س^۲: وزویست) گردون گردان بپای
سرایسی جز این باشد آرام تو
گهی با غم و درد (س^۲: رنج) و گه شادمان
بمردی نباشد ترا بیش و کم
روانت به تیمار و راه (ل، آ: چاه؛ س^۲: جان) اندرست
ستایش کن او را که او رهنمای
ستایش جز او را که (ل، آ، س^۲: نه) اندر خورد
که دهقان همی گوید از راستان

آغاز داستان

وزان پس خبر شد به خاقان چین
ف، ل، ق (نیزی، و) هیچیک از این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست
که شد کشته کاموس بر دشت کین (ل، آ، س^۲: با آفرین)

۱۴۸۵ تو آغاز و انجام^۲ این رزمگاه
 کنون چاره‌ی کار^۳ ما بازجوی
 به لشکر نگه‌کن ز کارآگاهان
 بیند که این^۵ شیردل‌مرد کیست
 و زان^۶ پس همه تن به گشتن دهم
 به پیران چُنین گفت خاقان چین
 که تا کیست از لشکر این پُرگزند
 ابا آنک^{۱۱} از مرگ خود چاره نیست
 ز مادر همه مرگ را زاده‌یم
 کس^{۱۵} از گردش آسمان نگذرد^{۱۶}
 شما دل مدارید ازو^{۱۷} مستمند
 ۱۴۹۵ من آن^{۱۹} را که کاموس ازو^{۲۰} شد هلاک
 همه شهر ایران کنم رود آب

ز لشکر بسی نامور گرد کرد
 چُنین گفت کین مرد جنگی به تیر
 نگه کرد باید که جایش کجاست
 ۱۵۰۰ هم از شهر پرسید و هم^{۲۷} نام^{۲۸} اوی^{۲۹}

سُواری سرافراز خسروپرست
 که چنگش^{۳۳} بُدش نام و جوینده بود

بیامد به بر زد برین^{۳۲} کار دست،
 دلیر و به هر جای^{۳۴} پوینده بود

۱- ل: که ۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): فرجام؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۳- س: درد ۴- ق، س: او
 با کس ۵- س: پرسید کین ۶- س: ز لشکر مراو ۷- ل: از آن ۸- ل، آ، س: درنهم؛ ل، ق: باورد که بر سر و تن نهم؛ متن =
 ف، س ۹- س: اینست و تیمار این؛ ل، آ، س: آن نیست تیمار این؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن-ب)؛ در ل بیت های ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲ پس از
 بیت ۱۴۹۴ آمده‌اند و بست ۱۴۹۱ را ندارد؛ درس آ بیت ۱۴۹۰ با ۱۴۹۱ پس و پیش شده است ۱۰- ل: پیل ۱۱- س: آ
 آنکه ۱۲- ف (نیزلن، و): ساره (نقطه ندارد)؛ ل (نیزق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): یاره؛ ق، س: آ: ساره؛ ل: ترس و پتیاره؛ متن =
 س ۱۳- ل، س، ل (نیزب): بنا کام؛ (لی، آ: بدین کار؛ ب: بسیکار)؛ متن = ف، ق، س (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ) ۱۴- س:
 ورا ۱۵- ق: گر ۱۶- ق، ل: بگذرد؛ در ل پس از این بیت، بیت های ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲ آمده‌اند ۱۷- س: ازین؛ ق:
 زو ۱۸- ل: زخم ۱۹- س، ل، آ: او؛ ق: این؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۰- ق: زو ۲۱- ق: کمرش ۲۲- ف، ل:
 خنجرگذاران؛ متن = س، ق، ل، آ، س، آ ۲۳- ل، ق: [و] ۲۴- ق: روز نبرد ۲۵- ل، س: کمندا فکن و ۲۶- ل، آ، س:
 بدست؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلن-ب) ۲۷- ل: پرسد هم از؛ س: پرسند و هم؛ ق: پرسند و از؛ ل، آ، س: پرسید و ز؛ متن = ف ۲۸-
 س: آ: مام ۲۹- ل- س: آ: او؛ متن = ف ۳۰- ل، س: از آن؛ ق: بدان؛ متن = ف، ل، آ، س ۳۱- ق: بسازم سرانجام ۳۲- ق:
 بدان ۳۳- همه جا حرف یکم با یک نقطه یا بی نقطه مگر یکجا در بیت ۱۵۲۹ با سه نقطه ۳۴- ل، ق: کار؛ متن = ف، س، ل، آ، س

به خاقان چُنین گفت کای سرفراز
 ۱۵۰۵ گر او شیر نرست^۲ بی جان کنم
 به تنها تن خویش جنگ آورم^۴
 ازو کین کاموس جوم نخست
 برو آفرین کرد خاقان چین
 بدو گفت: ار این^۸ کینه بازآوری
 ۱۵۱۰ ببخشم چندان گهرها ز گنج

جهان را به مهر تو آمد^۱ نیاز
 بدانگه که سر سوی میدان^۳ کنم
 همه نام او زیر^۵ ننگ آورم^۴
 پس از مرگ نامش بیارم^۶ درست
 به پیشش ببوسید چنگش^۷ زمین
 سوی من سر بی نیاز آوری
 کز آن پس نباید^۹ کشیدنت رنج

گفتار اندر رزم چنگش با رستم زال^{۱۰}

از آن دشت چنگش برانگیخت اسپ
 چو نزدیک ایرانیان شد به جنگ
 چُنین گفت کین جای جنگ من ست
 همی گشت هر سو^{۱۲} ز چپ و راست
 ۱۵۱۵ کمندافکن^{۱۴} آن مرد^{۱۵} کاموس گیر،
 کنون گر بیاید به آوردگاه
 بجنبید با گرز رستم ز جای
 منم^{۱۷} - گفت - شیراوزن^{۱۸} گردگیر
 هم اکنون ترا همچو کاموس گرد

همی رفت برسان آذرگشپ
 ز ترکش برآورد تیری^{۱۱} خدنگ،
 سر نامداران به چنگ من ست
 همی گفت کان^{۱۳} شیر جنگی کجاست،
 که گاهی کمند افکند گاه تیر،
 تهی ماند از تیر او جایگاه^{۱۶}
 همانگه به رخس اندرآورد پای
 کمند و کمان دارم و گرز و تیر^{۱۹}
 به دیده همی نعل باید سپرد^{۲۰}

۱- ل، س، ق: بادا؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل-ب) ۲- ل، ق: جنگست؛ س: ویژه شیرست؛ متن = ف، س، ل ۳- ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، ل ن): ایران (?); ل: بیجان (!); متن = س (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۴- س: آورم ۵- ف، ل، آ، س: این کین به (!); ل، ن، پ، ل ن: ایران به؛ ل، آ: اورا به؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۶- س (نیز ب): بجوم؛ ل، آ، س: نیارم؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن-ل ن) ۷- ف: جنگی؛ ق (نیز لن، ل، ل، آ): ببوسید جنگش به پیشش؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ب، و، ل ن، آ، ب) ۸- ف: آن؛ متن = ل-س ۹- ل: نباشد؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید گفتار خاقان چین برافکنند از خشم چین بر جبین

۱۰- ف: گفتار اندر آمدن جنگش ترک به مصافگاه و خواستن مبارزان و رفتن رستم بچنگ او و کشته شدن جنگش بردست رستم؛ ل: رزم جنگش با رستم زال؛ س، ق: جنگ (ق: نبرد) رستم با جنگش و کشته شدن جنگش؛ ل، آ، س: نبرد رستم با جنگش (ل: وقصه او)؛ متن ← ل ۱۱- ل، س، ق: تیر؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۲- س: همی رفت جنگش؛ (ق: همی رفت هر سو)؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۳- س: کین؛ ل، ق (نیز لن، ل-ب) این بیت را ندارند؛ درس این بیت پس از بیت ۱۵۱۶ آمده و در ق^۲ با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ل، ق (نیز ل): کجا رفت؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ-ب): گرد؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز ل) ۱۶- ل: تمام که مانند بنزد سپاه؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۵۱۴ آمده است ۱۷- ل، ف، ل: همی؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن-ب) ۱۸- ل، س (نیز ق، آ): شیراوزن و؛ ل: شیرافزن؛ س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، ب): شیراوزن؛ (ل، ن، پ، ل ن): گردافکن؛ متن = ف، ق ۱۹- ل: که گاهی کمند افکنم گاه تیر (۱۵۱۵ ب) ۲۰- ل^۲ (نیز لن): سترده؛ (ل ن: شمرد)؛ ل، ق (نیز ق، ل، آ): خاک باید سپرد (ق: سترده)؛ (پ: لعل باید شمرد؛ ل، آ: بدو دیدگان نعل باید شمرد)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز و، ب)

- ۱۵۲۰ بدو گفت چنگش که نام تو چیست؟
 نژادت کدامست و کام تو چیست؟^۱،
 بدان تا بدانم که روز نبرد
 که را ریخته خون، چو برخاست گرد
 بدو گفت رستم که ای شوربخت
 کجا چون تو در باغ بار آورد
 سر نیزه و نام من مرگ تُست
 بیامد همانگاه چنگش چو باد
 ۱۵۲۵ کمان جفایبشه چون ابر بود
 سپر بر سر آورد رستم چو دید
 بدو گفت: باش ای سوار دلیر
 نگه کرد چنگش^{۱۰} بدان^{۱۱} پیلتن
 بدان اسپ چون کوه در زیر کوه^{۱۴}
 ۱۵۳۰ به دل گفت چنگش که اکنون گریز
 برانگیخت آن بارکش^{۱۵} را ز جای
 بکردار آتش ز دریای قار^{۱۶}
 همانگاه رستم رسید اندروی
 دُم اسپ ناباک^{۲۱} چنگش گرفت
 ۱۵۳۵ زمانی همی داشت تا شد غمی
 بیفتاد ازو^{۲۵} ترک و زهار خواست
 همانگاه کردش سر^{۲۶} از تن جدا
 همه نامداران^{۲۸} ایران زمین
 ۱۵۴۰ وُزآن روی^{۲۹} خاقان غمی گشت سخت
- نژادت کدامست و کام تو چیست؟^۱،
 که را ریخته خون، چو برخاست گرد
 - که هرگز مبادا گلت بر درخت^۲،
 چُنین^۳ میوه اندر شمار آورد - ،
 تنت را نباید ز سر^۴ دست شست!
 دو زاغ کمان را به زه بر نهاد
 هماورد با جوشن و گبر^۵ بود
 که تیرش زره^۶ را بخواهد بُرید^۷
 که^۸ اکنون سرت گردد از جنگ^۹ سیر
 به بالای^{۱۲} سرو سهی بر^{۱۳} چمن
 نیامدهمی از کشیدن ستوه
 به از با تن خویش کردن ستیز
 سوی لشکر خویشان کرد رای
 برانگیخت اسپ^{۱۷} از پس^{۱۸} نامدار
 همه دشت ازیشان^{۱۹} پرازگفت و گوی^{۲۰}
 دو لشکر بدو مانده اندر^{۲۲} شِگفت
 ز تنگی^{۲۳} بزد خویشان بر زمی^{۲۴}
 تهمتن وُرا کرد با خاک راست
 همه کام و اندیشه شد بی نوا^{۲۷}
 گرفتند بر پهلوان آفرین
 برآشفت با گردش روز و بخت^{۳۰}

۱- ل. آ، س: آ: باب تو کیست؛ ق: تن بی سرت را که خواهد گریست (۱۲۸۵ ب)؛ متن = ف، ل، س ۲- ل، ق (نیز ق، آ، ل): گل آن درخت؛ س (نیز ل، آ، ب): گل زان درخت؛ (لن، پ، ل: آ: ترا کام و بخت)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و) ۳- ل، ق (نیز ل، آ): چوتو؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۴- ل: سرت را نباید زتن ۵- س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): بزه؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، پ، ل، آ)؛ در ل، آ پس از این بیت، بیت ۱۵۳۰ آمده است ۶- ف: زره ۷- س، ق: درید؛ متن = ف، ل، آ، س: آ: در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۸- س: هم ۹- ل، س: رزم ۱۰- در و در اینجا حرف یکم سه نقطه دارد و جز این همه جا با یک نقطه یا بی نقطه است ۱۱- ل: بران ۱۲- س، ق: ببالا چو؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: آ: در ۱۳- س، ل، آ: در ۱۴- ل: در زیر یک لخت کوه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن- ب)؛ در ل، آ این بیت پس از بیت ۱۵۲۶ آمده است ۱۵- س: بارگی ۱۶- ل (نیز ق، آ، و): دلاور سوار؛ ل، آ، س (نیز ب): زدریا سوار؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، آ، آ) ۱۷- ل: رخس ۱۸- ق: آن گو ۱۹- ل: زیشان ۲۰- ل، ق، ل، آ: گفت گوی ۲۱- ل، آ، ب: ناپاک ۲۲- س: نظاره بدو در ۲۳- ل: زبالا: (ق: آ: زتندی: ل: آ: پس آنگه)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ) ۲۴- ق: زمین (پساوند ندارد)؛ س: بنسیروی اسب اندر آمد کمی ۲۵- ل: زو ۲۶- ق: سر کردش ۲۷- س: ناروا ۲۸- س: گرزداران: بنداری بیت های ۱۵۰۲-۱۵۳۹ را ندارد ۲۹- س: آ: جای ۳۰- ل: تیره بخت؛ س، ق: شور بخت؛ ل: آ: روز بخت؛ س: آ: و روز و بخت؛ متن = ف

همی گشت^۱ رستم میان دو صف
 به هومان چُنین گفت خاقان چین
 مگر نام این نامورپهلوان
 بدو گفت هومان که سندان نیام
 به گیتی چو کاموس جنگی نبود ۱۵۴۵
 به خَمّ کمندش گرفت این^۶ سوار
 شوم^۸ تا چه خواهد جهان آفرین
 یکی خشت رخشان گرفته^۲ به کف
 که تنگست بر ما زمان و زمین
 شوی^۳ بازجویی چنان چون توان^۴
 به رزم اندرون^۵ پیل دندان نیام
 چُنو رزخواه و درنگی نبود
 تو این گرد^۷ را خوارمایه مدار!
 که پیروز گردد برین^۹ دشت کین

گفتار اندر رفتن هومان و یسه به ناشناخت بنزدیک رستم^{۱۰}

به خیمه^{۱۱} درآمد بکردار باد
 درفشی دگر جُست و اسپی دگر
 بیامد بنزدیک^{۱۳} رستم رسید ۱۵۵۰
 به رستم چُنین گفت کای نامدار
 به یزدان و^{۱۵} بیزارم از تخت شاه^{۱۶}
 که چون تو دگر^{۱۹} زین سپاه بزرگ^{۲۰}
 دلیری که چندین بجوید نبرد
 ز شهر و نژاد و از^{۲۳} آرام خویش ۱۵۵۵
 یکی ترگ دیگر^{۱۲} به سر برنهاد
 دگرگونه جوشن، دگرگون سپر
 همی بود تا شاخ و یالش^{۱۴} بدید
 کمندافکن و گرد و جنگی سوار،
 اگر چون تو دیدم^{۱۷} یکی رزخواه^{۱۸}
 نینم همی نامدار و سترگ^{۲۱}،
 برآرد همی از دل^{۲۲} شیر گرد
 سخن گوی^{۲۴} و از^{۲۵} تخمه و نام خویش

۱- ل: بود ۲- ل: گرفته یکی خشت رخشان ۳- س: روی
 مر آن نامورپهلوان را تو نام
 ۴- ق: باز پرسى بروشن روان؛ ل بجای این بیت افزوده است:
 شوی بازجویی فرستی پیام
 ۵- س: پلنگ افکن و ۶- ف، ق، ل: آن؛ متن = ل، س، س: ۷- ل، ل، س: مرد ۸- س: بود ۹- ل، ق: بدین؛ ل: برو؛
 متن = ف، س، س: ۱۰- س پس از این بیت افزوده است:
 مگر نام این پهلویرهنر
 ۱۱- ف: گفتار اندر رفتن هومان و یسه به ناشناخت بنزدیک رستم و مناظره کردن او با رستم و پاسخ شنیدن از رستم؛ ق: رفتن هومان بنزدیک رستم
 بدانستن نام او؛ متن = آغاز ف ۱۱- س: بخرگه ۱۲- ل: زرین؛ (ل، آ: رومی)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ: س (نیز هفت دستنویس
 دیگر)؛ بنداری (۱۵۴۸-۱۵۴۹): فخاف غیر لباسه، و رکب فرسا غیر الذی کان علیه ۱۳- ل، ق: چونزدیک؛ متن = ف، س، ل، آ،
 س: ۱۴- ل، س: یال و شاخش ۱۵- ل، ل، ل، آ، س: (نیز ق، ب): که؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، و، ل، آ، ب) ۱۶- ل: تاج و
 گاه؛ (ق: تخت و گاه؛ ل: تخت و شاه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز ل، ب-ب)؛ ق (نیز ل): بیزدان و پیروزگر پادشاه ۱۷- ل، ق (نیز
 ل): که چون تو ندیدم؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- س: دگر کینه خواه ۱۹- ل، س، ق (نیز ل، و): ز
 تو بگذرد؛ (ل، پ، ل، آ: چو تو سروری؛ ل: بخیمه دگر؛ آ: بخیره دگر؛ ب: بجز تو دگر)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق) ۲۰- ق: نامداری
 سترگ ۲۱- ل، س: نامداری سترگ؛ ق: زان سپاه بزرگ؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲۲- ف: سر؛ س (نیز ب): تو گفتی برآر (ب: گویی
 همی) از دل؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز ل-آ) ۲۳- ف، س، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ل ۲۴- ق: سخن گوید ۲۵- ف، ل، س،
 ق: [و] از؛ ل: وز؛ متن = س: ل-س: (نیز ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بدین تیزچنگی و چندین درنگ

تو گویی همی ننگ داری ز جنگ

ف (نیز هفت دستنویس دیگر) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست

جز از تو کسی را از ایران سپاه
 مرا مهربانیست بر مرد جنگ
 کنون گر بگویی مرا نام خویش
 سپاسی برین^۳ کار بر من نهی
 ۱۵۶۰ تهمتن چو بشنید گفتار اوی
 چه مردی و برگوی^۵ نام تو چیست؟
 چرا تو نگویی همی^۷ نام خویش؟
 چرا آمدهستی بنزدیک من
 اگر آشتی جست خواهی همی
 ۱۵۶۵ نگه کن که خون سیاوش که ریخت؟
 همان خون پرمایه گودزریان
 بزرگان کجا با سیاوش بُدند
 گنهکار خونِ سر بی گناه
 از اسپان و مردان^{۱۴} آراسته
 ۱۵۷۰ چو یکسر^{۱۵} سوی ما فرستید باز
 و زان پس بگویم^{۱۷} به کیخسرو این
 فرستم گنهکار را نزد شاه
 از آن^{۱۸} پس همه نیک خواه منید^{۱۹}

ندیدم که دارد دل رزمگاه
 بویژه که دارد نهاد پلنگ
 بروی و پیوند و آرام خویش^۱،
 کز اندیشه گردد دل من تهی
 بدو گفت کای مرد پیگارجوی^۱،
 برین^۶ پرسش خام کام تو چیست؟
 بر و کشور و جای^۸ و آرام خویش؟
 به چربی و نرمی^۹ و چندین سخن؟
 بکوشی و زین کین بکاهی^{۱۱} همی،
 چنین آتش کین به مابر که بیخت^{۱۱}؟
 بیفزود^{۱۲} چندین زیان بر زیان
 نکردند^{۱۳} پیگار و خامش بُدند
 نگر تا که یابی ز توران سپاه
 کز ایران بیاورد با خواسته،
 من از جنگ ترکان شدم^{۱۶} بی نیاز
 بشوم دل و مغزش از درد و کین
 مگر مهرش آید، ببخشد گناه
 سراسر بر^{۲۰} آیین و راه منید^{۱۹}

۱- ل-س: ۲؛ متن = ف ۲- ل این بیت را ندارد ۳- ق، ل، ۲، س: ۱؛ ازین؛ متن = ف، ل، س ۴- ل، ق (نیز ل، ل-ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ل، ۲، س: ۱ (نیز ق) ۵- ف: چه مردی بدو گفت و؛ ل، ۲، س: ۱؛ چه مردی تو و جای و؛ متن = س (نیز ق) ۶- س: وزین؛ ل، ق (نیز ل، ل-ب) بجای این بیت و س (نیز ق) پس از این بیت افزوده اند:
 بدو گفت رستم که (س، ق، ۲): که جستی و گفتی تو) چندی سخن که گفتی و (س، ق، ۱): زهر گونه) افکندی از مهرین
 ف، ل، ۲، س: ۱ این بیت را ندارند؛ بنداری: فقال له: ما الذي دعاك الى هذا السؤال وما مرادك منه؟ ولماذا دنوت مني ثلاثتي في الكلام وتلاطفتني في الخطاب؟ ۷- ل، ق: مرا؛ متن = ف، س، ل، ۲، س: ۱ (نیز ل-ب) ۸- ل، ق (نیز ل، ۲): بوه؛ ل، ۲ (نیز ل، آ): بروی و پیوند؛ (ق، ۱): هم از کشور و بوم؛ متن = ف، س، س، ۲ (نیز ل، پ، و، ل، ۲، ب) ۹- ل: نرمی و چربی؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲، س: ۱ (نیز ل-ب) ۱۰- ل: بکوشی که این کینه گاهی: س: بگویی کزین کین بکاهی؛ متن = ف، ق، ل، ۲، س: ۱ ۱۱- ق: مرین مرزباران آتش که بیخت؛ ل این بیت را ندارد ۱۲- ل، س، ق (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، آ، ب): که بیفزود؛ متن = ف، ل، ۲، س: ۱ (نیز ل، پ، ل، ۲): درل بیت های ۱۵۶۶-۱۵۸۵ درهم ریخته اند ۱۳- س (نیز ل، ب): نخستند؛ متن = ق، ل، ۲، س: ۱ (نیز ق، آ): ف، ل این بیت را ندارند ۱۴- س: از مرد؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- س: یک یک ۱۶- ل، ق، ل، ۲، س: ۱ (نیز ل-آ): شوم؛ متن = ف، س (نیز ب)؛ بنداری (۱۵۶۴-۱۵۷۰): فان كان الغرض طلب الصلح وإطفاء نائرة الفتنة فسلموا البنا قاتل سیاوخش و من سعی في دمه، وقتلة الجوذريين مع الخزان والحيل التي جاء بها سیاوخش الى بلادكم. فإن علمت ذلك صالحنا كم وأمسكنا عن محاربتكم ۱۷- ل: فرستم بگویم؛ س: ازین پس نویسم؛ متن = ف، ق، ل، ۲، س: ۱؛ بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ در دستنویس ها درهم ریخته اند؛ س (نیز ق، ۱): ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲؛ ق (نیز ل، ل-ب): ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۱؛ ل، ق (نیز ل، ل-ب) بیت ۱۵۷۲ را ندارند؛ بنداری بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ را ندارد؛ پایی بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ در متن = ف، ل، ۲، س: ۱ ۱۸- ق: وزان ۱۹- س: منند ۲۰- ل، ق: به؛ متن = ف، س، ل، ۲، س: ۱

نیارم سر سرکشان زیر گرد ^۱	نساژم کین و نجوه نبرد
که مه ^۲ نامشان باد و مه ^۲ کامشان!	به تو برشمارم کنون نامشان ۱۵۷۵
که درد دل و رنج ^۴ ایران بجست	سر کین ز گرسبوز ^۳ آمد نخست
که بر خیره کردند این آب ^۶ شور،	کسی را که دانی تو از تخم کور ^۵
نژادی که هرگز مباد آن ^۸ نژاد!	گروی زره و آنک آن کام داد ^۷
گروی آمد ^۹ این بند کین ^{۱۰} را کلید	ستم بر سیاوش ازیشان رسید
تبه کرد و خون خواست در ^{۱۱} جوی آب	کسی کو دل و مغز افراسیاب ۱۵۸۰
نبد کین و، بست اندرین کین میان	و دیگر کسی را کز ^{۱۲} ایرانیان ^{۱۳}
دورویند و با هر کسی پیسه اند،	بزرگان که از تخمهی ویسه اند
چو گلباد و نستیهن اندر نبرد ^{۱۴}	چو هومان و لَهاک و فرشیدورد
سر کینه جستن به پای آورید ^{۱۶}	اگر اینک گفتم ^{۱۵} به جای آورید ^{۱۶} :
به جوشن نپوشید باید برت ^{۱۷}	بیندم در کینه بر کشورت ۱۵۸۵
کنی ^{۱۹} تازه پیگار و ^{۲۰} کین گهن	ور ایدونک جزگونه ^{۱۸} باشد سخن
بسوزم همه مرز و بوم و برت ^{۲۲}	برانگیزم آتش ازین کشورت ^{۲۱}
نه هندی نه وهری نه ^{۲۳} خاقان چین	نمانم یکی زنده بر دشت کین
یکی نامداری از ایران ^{۲۶} منم	که ^{۲۴} خو کرده ی جنگ توران ^{۲۵} منم
که جز خاک تیره ^{۲۷} نبودش ^{۲۸} کفن	بسی سر جدا کرده دارم ز تن ۱۵۹۰

۱- ل این بیت را ندارد ۲- ل: نه؛ در ف این بیت دو بار آمده است ۳- (و، ل: کرشوز) ۴- س: درد دل شاه؛ ق: درد دل و داغ؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۵- (لن: تور)؛ متن = ف- س (نیزق، ل، ی، پ- ب) ۶- ل، س: این آب کردند؛ ل، ل، س: که کردند بر خیره این آب؛ متن = ف، ق ۷- ل، ق (نیزلی، ل، آ): و آنک (لی، آ: آنکه) از وی بزاد؛ س (نیزلن، پ، ل: آنک (لن: دانک؛ پ، ل: وانکه) از کام و داد؛ ل، ل، س: آنک (س: وانک) این راه داد؛ (ق: وانچ از کورزاد؛ ب: وانکه از کام زاد؛ و: کروی و دمور آنک از کام و داد)؛ متن = ف ۸- ل: مبادش؛ ف، س (نیزلن، پ، و، ل: ب): نژادند و (ف: نژادند؛ ل، پ، ل: نژادست و) هرگز مباد آن؛ متن = ق، ل، ل، س (نیزق، ل، ی، ل، آ) ۹- ل: کرو آمد؛ (لن، پ، ل: کزو آمد؛ لی، آ: دمور آمد؛ ل، و: کزیشان بد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق، ل، ب) ۱۰- ل، س، ق، ل (نیزلن- ل، و- ب): بد؛ متن = ف، س (نیزب) ۱۱- ل: بر ۱۲- س: از؛ ل، س: ز؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: تورانیان؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- ل، ق (نیزل: آن شوخ مرد؛ س (نیزلی، آ، ب): شیرمرد؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزلن، پ، و، ل: آن) ۱۵- ل، ل، س: این که گفتم؛ س: گرین هرچ گفتم؛ ق: گرین گفته من؛ متن = ف ۱۶- س: آوری؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ق: سرت؛ پیایی بیست های ۱۵۶۶-۱۵۸۵ درل: ۱۵۶۸، ۱۵۸۰، ۱۵۶۶، ۱۵۷۵-۱۵۷۹، ۱۵۸۱-۱۵۸۳، ۱۵۷۰، ۱۵۷۳، ۱۵۷۱، ۱۵۸۵ (بیست های ۱۵۶۷، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲، ۱۵۷۴، ۱۵۸۴، را ندارد) ۱۸- ل، ل: جز کینه- جز گونه؛ آ: خود کینه- جز گونه)؛ ف، ل، ل، س (نیزلن، پ، ل: و) و گز جز برین (لن، ل: بدین) گونه؛ متن = ل، س، ق (نیزق، ل، و، ب) ۱۹- ل، ق: کم ۲۰- ل: [و] ۲۱- س: کارزار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق) ۲۲- س: بسوزم برویوم و مرزو دیار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق)؛ ل، ق (نیزلن، ی، ل- ب) بیت های ۱۵۸۷ و ۱۵۸۸ را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۳- ف: [نه]؛ س: نه هندی و وهری و؛ ل: نه هندونه وهری نه؛ س: نه هندونه شکنی نه؛ (ق: نه سقلاب و شکنی نه)؛ متن تصحیح قیاسی است (ل: ل) ۲۴- س: چو ۲۵- ل: ترکان؛ ل: شیران؛ متن = ف، س، ق، س ۲۶- ل: ز گردان؛ ق: ز ایران؛ س: سر نامداران ایران؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزب): کام شیران؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیزلن، پ، ل، آ) ۲۸- ق (نیزق، ل، آ): نبیشان

همین‌ست رسم و همین‌ست راه
جز از^۳ کین نجسته ز سر تا به بُن
سَخُن‌های خوب اندر آغوش دارا!

مرا آزمودی^۱ بدین رزمگاه
ازین^۲ گونه هرگز نگفتم سَخُن
کنون هرچه^۴ گفتم ترا، گوش دارا!

بلرزید بر سان برگ^۵ درخت،
همه کینه از دوده‌ی^۷ خویش دید
که ای شیردل‌مرد^۸ پَرخاشجوی،
سر^۱ تخت ایران سَزدا^{۱۱} جای تو
و گر نامداری^{۱۳} از^{۱۴} ایران بزرگ^{۱۵}
به دل دیگر آمد ترا کام من
پدر یوسپاس^{۱۷} است پیری^{۱۸} چو شیر
سپاسی^{۲۰} بدین رزمگاه آمده
که پیدا کنم در جهان کام تو
شود شاددل سوی آرام خویش
یکایک بگویم به پیش^{۲۶} سپاه
بزرگان و گردان^{۲۸} توران‌زمین
ز من هرچه دیدی^{۲۹} بدیشان^{۳۰} بگوی
دل از مهر او^{۳۲} برفروزمی

چو بشنید هومان بترسید سخت
کز آن^۶ گونه گفتار رستم شنید
چنین پاسخ آورد هومان بدوی
بدین زور و این بُرزبالای^۹ تو
نباشی جز از پهلوانی سترگ^{۱۲}
پرسیدی از گوهر و نام من
مرا کوس‌گوش‌ست^{۱۶} نام ای دلیر
من از وهر با^{۱۹} این سپاه آمده
از آن^{۲۱} بازجوییم^{۲۲} همی نام تو
کنون گر^{۲۳} بگویی مرا نام خویش
همه هرچ^{۲۴} گفتم بدین^{۲۵} رزمگاه
همان پیش منشور^{۲۷} و خاقان چین
بدو گفت رستم که نامم مجوی
ز پیران مرا دل^{۳۱} بسوزدهمی

۱۵۹۵

۱۶۰۰

۱۶۰۵

۱- ق: مرا گر دیدی ۲- ل: برین ۳- ل: بجز: ل: جز این ۴- ل: س: هرچ: بنداری (۱۵۸۶-۱۵۹۳): و ان ایتمه ان تفعلا
أعدت علیکم الداء القديم، و ألقمت الحرب العقیم. وقد جربتمونی فی هذا المعركة، وشاهدتم آثار سطوقی و بأسی. فعد الی أصحابک، واحفظ ما
ذکرت لک ۵- س: ق: ل: ش: م: ف: ل: س: ۶- ق: چوزان ۷- ف: س: ل: (نیز ب): کرده (؟): س: کردش (؟):
متن = ل: ق (نیز ل- آ) ۸- ق: پیلتن شیر ۹- ل: س: ۱۰- س: مگر ۱۱- ل: شود ۱۲- ل: ق: س: ۱۳- ق: ویا کامکاری ۱۴- ل: س: ق: ز: متن = ف: ل: س: ۱۵- ل: س: ق:
س: سترگ: متن = ف: ل: ۱۶- ل: س: ق: س: (نیز ل: ل: و آ): کوه گوش است: ل: (نیز ب: ل: ل: کور کوهست: (ل: کوز کوهست:
ق: کوه کوهست: ب: کوه کوس است): متن = ف: ۱۷- ف: یوسپاس: ل: س: (نیز ل: ل: ل: یوسپاس (در برخی حرف یکم یا چهارم
نقطه ندارد): (ب: یوسپاس): متن = (آ) ۱۸- ل: ق (نیز ل: آ): مردی: س (نیز ب: ل: ل: گردی: متن = ف: ل: س: (نیز ل: ل: ب:
ل: ل: ۱۹- ل: ل: آرزو ۲۰- ق: بیاری: ل: س: (نیز ل: ق: ل: آ: ب: ل: آ): سیاهی: (و: بنویسی): متن = ف: ل: س: (نیز ل: ل: ب:
ب) ۲۱- س: ازین: ل: اگر ۲۲- ق: بازخواهم ۲۳- ق: اگر تو ۲۴- ل: س: هرچ ۲۵- ق: ل: س: بدان: متن =
ف: ل: س: ۲۶- ق: بگویم یکایک بنزد ۲۷- (و: منشور) ۲۸- ف: ترکان: س: (نیز و): شیران: س: بزرگان مکران و: (ب:
بزرگان پروان و): متن = ل: ق، ل: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۹- ل: هرچ دیدی: س: سخن چون شنیدی: ق: سخن
هرچه گفتم: متن = ف: ل: س: ۳۰- ف: بایشان: بنداری بیت‌های ۱۵۹۴-۱۶۰۶ را ندارد ۳۱- س: ق: جان:
ل: دل من: متن = ف: ل: س: ۳۲- ل: ز مهرش روان: (ل: آ: روان از غمش): متن = ف: س: ق، ل: ل: س: (نیز هفت دستنویس
دیگر)

- ز خون سیاوش جگرخسته اوست
سوی من فرستش هم اکنون دمان^۲
بدو گفت هومان که ای سرفراز
چه دانی تو پیران و گلباد را؟
بدو گفت: چندین چه پیچی^۳ سخن
نبینی که^۴ پیگار چندین سپاه
- ۱۶۱۰
- ز ترکان یکی مرد^۱ آهسته اوست
بینیم تا بر چه گردد زمان
به دیدار پیرانت آمد نیاز،
گروی زره را و پولاد را؟
سر آب را سوی بالا مکن
ز بهر تواند^۵ اندرین رزمگاه^۶
- ۱۶۱۵
- بشد تیز هومان هم اندر زمان
به پیران چنین گفت کای نیک بخت
که این^۸ شیردل رستم زاوی^۹ است
که ابلیس با او نتابد به جنگ^{۱۲}
سخن گفت و بشنید پاسخ بسی
نخست ای برادر مرا نام برد^{۱۵}
- ۱۶۲۰
- ز کار گذشته بسی کرد یاد^{۱۷}
ز بهرام و از^{۱۹} تخم گودرز یان
بجز بر تو^{۲۱} بر کس ندیدمش مهر
ازین لشکر اکنون ترا خواسته ست
برو تا بینیش نیزه به دست
- شده گونه از روی و آمد دمان
بد افتاد ما را بدین^۷ کار سخت
برین^{۱۱} لشکر اکنون^{۱۱} ببايد گریست
به خشکی پلنگ و به دریا نهنگ^{۱۳}
همی کرد یاد^{۱۴} از بد هر کسی
ز کین سیاوش همی برشمرد^{۱۶}
ز پیران و آباد و از کام و داد^{۱۸}
ز هر کس که آمد بریشان^{۲۰} زیان
فراوان سخن گفت^{۲۲} و نگشاد چهر
ندانم که بر دل چه آراسته ست
تو گویی ابر^{۲۳} کوه دارد نشست

۱- ل: کنون راد و: س (نیزلی، آ، ب): خردمند و: ق (نیزل^۲): ز توران زمین راد و: (ق: بتوران چوتوراد و): متن = ف، ل، س^۲ (نیزلی، ب، لن^۲): بنداری: من حیث إنه لم یخزن علی سیاوخش منکمه سواه، و لیس فی أهل توران صاحب رأی و تؤدده مثله ۲- ق: هم اندر زمان (پساوند ندارد) ۳- ل (نیزق^۲): گویی: (لن، ب، لن^۲: پرسی): متن = ف، ل، س، ق، س^۲ (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- ف، س^۲: تو: متن = ل، س، ل (نیزلن-ب) ۵- س: وی است: (لن، ب، و، لن، ب: تو است (؟)): ل، آ: که است: متن = ف، ل، س^۲ (نیزق^۲): تواند (؟) ۶- ل: بدویست و زو آمد این: ق این بیت را ندارد: بنداری بیت های ۱۶۱۰-۱۶۱۳ را ندارد ۷- ل: ازین ۸- ق: آن ۹- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب، لن، آ، ب، بنداری): زابی: متن = ف، س^۲ (نیزو) ۱۰- ق، ل: بدین ۱۱- ق: رزمگاه بر ۱۲- (لن^۲: نیاید بچنگ): ل، ق (نیزل^۲): که هرگز نتابند با او (ق: وی) بچنگ: متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- ل: باریا نهنگ و بچنگی پلنگ ۱۴- ل، س، ق، ل: یاد کرد: متن = ف، س^۲ ۱۵- س (نیزب): برد نام ۱۶- ل (نیزلن-ب، لن، آ): بسی برشمرد: س (نیزب): نیچد لگام: ق: ز کار گذشته بسی برشمرد (۱۶۲۰-۱۶۲۰): متن = ف، ل، س^۲ (نیزو) ۱۷- (ل، آ، ل، آ: یاد کرد): ق: ز کین سیاوش بسی یاد کرد (۱۶۱۹-ب) ۱۸- ف، س^۲: ز پیران و هومان (س^۲: کوهان) و ز کام و داد: ل: ز پیران و گردان و بسه نژاد: س: ز پیران و گردان و آن کار کرد: ق (نیزلی، ل، آ): روان (ل: ز کان: آ: ز کار) و سرما پیراز باد کرد: (ق: ز توران و کرسیوز کام داد: و ز پیران و از کار بیداد و داد: ب: ز پیران و کوران و از کام زاد): متن = ل (نیزلن، ب، لن^۲: ز ویران...) ۱۹- ف، ل، س، ق، س^۲: وز: متن = ل ۲۰- س: بدیشان: ق: بایشان: متن = ف، ل، ل، س^۲ ۲۱- ل: بجز تو ۲۲- س: سخن گفت بسیار ۲۳- ل، ل، س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، ل، ب): که بر: متن = ف: ق بیت های ۱۶۲۴-۱۶۲۶ را ندارد

<p>به زین^۱ اندرون زنده پیل^۲ ژیان همی گیرد آتش ز تیغش فروغ ز بهر تو مانده ست زآسان^۴ به پای برهنه مکن تیغ و نمای روی زمانه بترسم که آمد فراز^۷ برین^۹ دشت ما را گه ماتم ست^{۱۰} ندام چه کرد اختر شوم ما جگرخسته و دل پُر از داغ و خشم^{۱۲} که اکنون دگر گشت ما را سخُن^{۱۴}، همانگه دل من ببرد این گمان^{۱۷} که خام کمندش خم اندر خم ست کسی پشت او را نبیند به خواب^{۲۰} چه یک مرد پیشش^{۲۱}، چه یک دشت مرد سیاوخش^{۲۳} را آن زمان دایه بود جهان بر جهاندار^{۲۴} تنگ آورد ندام چه خواهد ز من پیلتن که از غم روانم بکاهدهمی</p>	<p>۱۶۲۵ ابا جوشن و گرز و بربیان بینی^۳ که من زین نجستم دروغ ترا تا نبیند نجبد ز جای چوینیش با وی^۵ سخُن نرم گوی چنین^۶ گفت پیران که ای رزمساز گر ایدونک این تیغزن^۸ رستم ست ۱۶۳۰ بر آتش برآمد^{۱۱} بروبوم ما بشد پیش خاقان پر از آب چشم بدو گفت کای شاه تیزی^{۱۳} مکن که^{۱۵} کاموس کی^{۱۶} را سرآمد زمان؛ ۱۶۳۵ که این باره ی آهنین رستم ست گر^{۱۸} افراسیاب آید ایدر به آب^{۱۹} ازو دیو سیر آید اندر نبرد به زاولستان^{۲۲} چند پُرمايه بود پدروار با درد جنگ آورد ۱۶۴۰ [مرا خواست زین^{۲۵} بی کران انجمن روم^{۲۶} بنگرم تا چه خواهدهمی</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

- ۱- ل، س، ل (نیزق، ل، ل، آ، و، آ، ب): بزیر؛ متن = ف، س (نیزلن، پ، لن، آ) ۲- ل: پیل ۳- ل: نه بینی؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- س: آنجا؛ ل: از آسان؛ س: زینسان؛ متن = ف، ل، ق ۵- ل، س، ل: او؛ متن = ف، ق، س ۶- ل، س، ق: بدو؛ متن = ف، ل، آ، س ۷- ل: بترسم که روز بد آید فراز؛ ل: بترسم که آمد زمانه فراز؛ متن = ف، س، ق، س ۸- س، ق: شیردل؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۹- ف: بران؛ ل، ل: بدین؛ متن = س، س، آ ۱۰- ق: که خام کمندش خم اندر خم ست (= ۱۶۳۵ ب)؛ ق: ۱۶۳۰ ب ۱۶۳۵ آ را انداخته و از ۱۶۳۰ آ و ۱۶۳۵ ب یک بیت ساخته است؛ ل پس از بیت ۱۶۳۰ افزوده است: چه افراسیاب ایدر اکنون چه آب نه بینند جز سهم او را بخواب (← ۱۶۳۶)
- ۱۱- ل: بسوزد ۱۲- ل: درد و خشم؛ س: آب چشم (بساوند ندارد)؛ ل: دل آکنده از کین و سرپر زخشم؛ متن = ف، س، آ ۱۳- ل: تندی؛ ل: بخاقان چنین گفت تیزی؛ متن = ف، س، س، آ ۱۴- ل: دگرگونه گشت این سخن؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۵- ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): چو؛ متن = ف ۱۶- س، ل (نیزلن، پ، لن، آ، ب): گو؛ (و: یل)؛ متن = ف، ل، س، آ (نیزق، آ) ۱۷- ل: هم آنگاه برد این دل من گمان؛ ل: دل من همانگه ببرد این گمان؛ متن = ف، س، س، آ ۱۸- س، آ: که؛ متن ← ۱۹- ل (نیزق، آ): آید اکنون چو آب؛ ل (نیزلن، پ): اندر آید بآب؛ (لن، آ): ایدر آید بخواب)؛ س (نیزق، ل، آ، و، آ، ب): چه افراسیاب ایدر (ب: آید) اکنون چه آب؛ متن = ف (ل، آ، س، لن، پ) ۲۰- ل (نیزق، آ، ل): نه بینند جز سهم (ق: آ: پشت؛ ل: نیمه بجز سهم) او را بخواب؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، ی، پ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق: با او؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۲- س، ق، ل، آ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل، س (نیزق، و، آ) ۲۳- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ، ب): سیاوش؛ (ل، ی): سیاوش)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ): بنداری؛ و هو الذی ربی سیاوخش ۲۴- ل، س، ل: جهانجوی؛ متن = ف، ل، ق، س، آ ۲۵- (ق: جست ازین)؛ متن = ف، ل، آ، س، ل، س، ق (نیزلن، ل، ی، ب) این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری آنرا داشته است؛ و قد أرسل یطلبنی ۲۶- ل: شوم؛ ق: این بیت را ندارد

بدو گفت کاکنون^۱ برو پیش اوی^۲ اگر آشتی خواهد و دستگاہ بسی هدیه بپذیر و پس^۳ بازگرد چو تن^۴ زیر چرم پلنگ اندرست همه یکسره تیزچنگ آورم همه پشت را سوی یزدان کنیم هم او را تن از آهن و^۵ روی نیست نه اندر هوا باشد او را نبرد^۶ چنان دان که او^۷ سنگ و آهن خورد به یک^۸ مرد از ایشان ز ما سیصدست همین^۹ زاولی^{۱۰} نامبردارمرد یکی پیل بازی^{۱۱} نمایم بدوی

سَخُن چون بپرسد همه چرب گوی^۳ چه باید برین^۴ دشت رنج سپاه سزد گر نجویم چندین نبرد همانا که رایش به جنگ اندرست برو^۵ دشت پیگار تنگ آورم به نیروی او^۶ رزم چندان^۷ کنیم جز از خون^۸ و از^۹ گوشت^{۱۰} و از^{۱۱} اموی نیست چه داری^{۱۲} دلت را^{۱۳} به تیمار و درد همان تیر و ژوپین برو نگذرد^{۱۴} برین^{۱۵} رزمگه غم کشیدن^{۱۶} بدست ز پیل فزون نیست اندر^{۱۷} نبرد که زآن^{۱۸} پس نیارد سوی جنگ^{۱۹} روی^{۲۰}

گفتار اندر آمدن پیرانِ ویسه بنزدیک رستم^{۲۹}

همی رفت پیران پُر آزار^{۳۰} و بیم^{۳۱} بیامسد بنزدیک ایران سپاه شنیدم کزین لشکر بی شمار

دل از کار رستم شده به دو نیم^{۳۲} خروشید کای مهتر رزمخواه^{۳۳} ز ترکان مرا کرده بی خواستار^{۳۴}

۱- ف. ل. س. (نیز لن. ب. ل. ن. آ): اکنون؛ ل. ق. (نیز ق. آ. لی. ل. آ. و. آ): خاقان؛ متن = س. (نیز ب) ۲- ل. او ۳- س. آ: جنگجوی (چرب گوی)؛ س. ل. آ (نیز لن. ب. و. ب): بیاید همه (لن. ب. همی) چرب گوی؛ ل. ق. (نیز ق. آ. لی. ل. آ): چنان چون بیاید سخن نره گوی (ل. ق. آ: همه خوب گو)؛ متن = ف. بنداری؛ فقال له الخاقان: امض الیه، وجامله فی الخطاب، ولاینه فی المقال ۴- ق. ل. آ: بدین؛ متن = ف. ل. س. س. ۵- س. س. وزو ۶- ل. (نیز ل. آ): وگر؛ ق. چسواو؛ متن = ف. س. ل. س. آ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷- س. س. بدو ۸- ف. س. آ (نیز لن. ل. ن. آ): بنبرو برو؛ ل. بنبرو همی؛ متن = ل. س. ق. (نیز لی. ب. و. آ. ب) ۹- ل. ق. شیران؛ س. ل. آ: خندان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س. آ: مردان؛ (لن. لی. ب. و. ب): خندان؛ متن = ف. (نیز لن. آ) ۱۰- س. از سنگ وز ۱۱- ل. آ: گوشت ۱۲- ل. ق. ل. آ: وز؛ متن = ف. س. س. آ ۱۳- ل. پوست ۱۴- س. آ: اندر نبرد؛ ل. ز پیل فزون نیست اندر نبرد (= ۱۴۵۲)؛ ل. آ ۱۴۴۹- آ ۱۴۵۲ را انداخته و از ۱۴۵۲ اب و ۱۴۴۹ اب یک بیت ساخته است ۱۵- س. ق. ل. آ: سوزی؛ متن ← ۱۶- ل. دلت را چه سوزی؛ متن = ف. س. آ ۱۷- ل. ق. گر؛ متن = ف. س. س. آ ۱۸- ل. س. بگذرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق. بگذرد؛ متن = ف. س. آ ۱۹- ل. ق. بر؛ متن = ف. س. س. آ ۲۰- ل. درین؛ س. ق. بدین؛ متن = ف. س. آ ۲۱- ق. چشیدن ۲۲- ل. همان ۲۳- ل. س. ق. (نیز لن. ق. آ. لی. ب. لن. آ. ب): زایل؛ متن = ف. س. آ (نیز و) ۲۴- ل. (نیز و)؛ گاه؛ ق. (نیز ق. آ. لی. آ): روز؛ متن = ف. س. ل. س. آ (نیز لن. ل. آ. ب. لن. آ. ب) ۲۵- ل. آ: نیک بازی → پیل بازی ۲۶- ل. س. آ: کران؛ متن = ف. ۲۷- ق. رزم ۲۸- ل. آ: نیاید بره جنگجوی ۲۹- ف. گفتار اندر آمدن پیران ویسه بمصاف گاه بنزدیک رستم و مناظره گرگین با و باز دانستن نام رستم؛ س. آمدن پیران بنزد رستم و مناظره ایشان؛ ق. رسیدن پیران و رستم بهمیدگر و محادثه ایشان؛ ل. آمدن پیران نزد رستم زال؛ س. آ: آمدن پیران بنزدیک رستم ۳۰- ل. پسر از درد؛ س. پسر از ترس؛ متن ← ۳۱- ق. و درد؛ ل. پسر او به بیم؛ متن = ف. س. آ ۳۲- ل. شد از کار رستم دلش به دو نیم؛ ق. تنی لرزان و رخساره زرد؛ متن = ف. س. ل. آ. س. آ ۳۳- س. ق. نیکخواه؛ متن = ف. ل. ل. آ. س. آ ۳۴- ل. مرا یاد کردی ببنگاد کز؛ متن = ف. س. ق. ل. آ. س. آ

<p>بدین انجمن تا بپرسی^۱ ز من که آمد ز ترکان یکی سرفراز^۲، به سربرنهاده از^۵ آهن کلاه بدین آمدن رای و کام تو چیست؟ سپهدار آن^۷ نامداران^۸ منم به خوبی زبان بر من آراستی^۹ کدامی نگویی ز گنداوران^{۱۱} ز رهپوش با^{۱۳} خنجر کاوی^{۱۴} فرود آمد از اسپ و بردش نماز^{۱۶} درودت ز خورشید روشن روان^{۱۸} که مهر^{۱۹} تو بیند همیشه^{۲۰} به خواب درودی ز یزدان بر آن انجمن^{۲۱}! فلک را گذر بر نگین تو باد! که دیدم ترا زنده بر جایگاه که او ماند از خسروان یادگار</p>	<p>خرامیدم از پیش آن انجمن چو آگاه شد رستم رزمساز^۲ بنزدیک او شد ز^۴ پیش سپاه بدو گفت کای ترک^۶ نام تو چیست؟ چنین داد پاسخ که پیران منم ز هومان^۷ ویسه مرا خواستی دلم تیز شد تا تو از مهتران^{۱۰} بدو گفت: من رستم زاوی^{۱۲} چو بشنید پیران از آن سرفراز^{۱۵} بدو گفت رستم که ای پهلوان^{۱۷} هم از مادرش دخت افراسیاب بدو گفت پیران که ای پیلتن ز نیکی دهش آفرین^{۲۲} تو باد! ز یزدان سپاس و بدویم پناه زواره فرامرز و زال سوار</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل، ل (نیز لن، پ، لن): چه خواهی؛ س: بترسی (پرسی)؛ ق، س (نیز لی، آ): چه پرسی؛ متن = ف (نیز ب) ۲- س: سرفراز؛ متن ← ۳- س: رزمساز؛ متن = ف، ل، ل، س، ل، ق این بیت را ندارند ۴- س: رفت ۵- س، ل: ز؛ متن = ف، س، ل، ق این بیت را ندارند ۶- ل: رستم که؛ ق، س: ای ترک؛ متن = ف، س ۷- ل، ق: این؛ متن = ف، س، ل، س ۸- ل (نیز لی، آ): شیرگیران؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب)؛ (ق: سپهدار و از گزگیران)؛ ف، س پس از این بیت و س پس از بیت سپسین افزوده اند:

گزین سپاه رد افراسیاب سرپهلوانان با جاه و آب

این بیت در هیچیک از دوازده دستنویس دیگر نیست ۹- ل: بخوی زبان را بیاراستی؛ ق: زبان را بخوی بیاراستی؛ متن = ف، س، ل، س ۱۰- ف: از پهلوان؛ (ق: ای پهلوان)؛ متن = ل-س (نیز لن، لی، ب) ۱۱- (ب: و کنداوران)؛ ل، ق (نیز ق، ل): کدامی ز گردان جنگاوران؛ ل (نیز لن، لی، پ، لن، آ): نگویی (آ: ندانم) کدامی (لن: کدامین) ز کنداوران؛ (و: کدامی و گردان و کنداوران)؛ متن = ف، س، س (ب)؛ ف، س، س پس از این بیت افزوده اند:

مرا خواستی تا چه خواهی ز من

چه پرسی و رایت بران (س: بدین) سوفکن (س: چه افکنند بن)

این بیت در دوازده دستنویس دیگر نیست ۱۲- ل، س، ق، ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): زابلی؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۳- ل: زره دار با؛ س: زره دارم؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۴- ف-س (نیز لن-پ، لن، آ، ب): کابلی؛ متن = (و) ۱۵- ل: رزمساز؛ ل: ز پیش سپاه؛ متن = ف، س، ق، س ۱۶- ل: بیامد بر رستم کینه خواه؛ (لی، آ: درودی ز خورشید خسرو بنماز)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فترجل بیران و قبل الأرض ۱۷- ق: خوش نهاد ۱۸- ق: خسرو نژاد ۱۹- ق (نیز لی، ل، آ): چهر؛ (ق، لن: مینه-بهر)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، پ، و، ب) ۲۰- س، ل (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب): همه شب؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لی، ل، آ) ۲۱- ل (نیز لن): بدان انجمن؛ ل، ق (نیز ق، ل، پ، و، لن): درودت ز یزدان وز (ق، ل، پ، لن، آ: وان؛ و: واز) انجمن؛ س (نیز ب): درود جهانسان بدان (ب: بران) انجمن؛ (لی، آ: درود فراوانست بر جان و تن)؛ متن = ف، س (ب-ل، لن) ۲۲- ل-س (نیز لن، ق، ل، لی، ل، لن، آ): آفرین بر؛ متن = ف (نیز ب، و، ب)

درستند و^۱ شادان دل و سرفراز
 بگویم ترا گر نداری گران
 بکیشتم درختی به باغ اندرون
 به دیده^۵ همی آب دادم به رنج
 ۱۶۷۵ مرا^۶ زو^۷ همه رنج^۸ بهر آمده‌ست
 سیاوش مرا چون پدر داشتی
 بسا رنج و سختی و دردا^{۱۱} که من
 گواه^{۱۴} من اندر جهان ایزدست
 ۱۶۸۰ که اکنون برآمد بسی روزگار
 که شیون نبرخاست از خان^{۱۶} من
 همی خون خروشم به جای سرشک
 ازین کار بهر من آمد گزند
 ز تیره شب و دیده‌ام نیست شرم
 ۱۶۸۵ ز کار سیاوش چو آگه شدم
 میان دو کشور دو شاه بلند
 فریگیس^{۲۰} را من خریدم به جان

کزیشان^۲ مبادا جهان بی‌نیاز
 گله کردن کهتر از مهتران^۳:
 که برگش کبست آمد و باراً خون
 بدو بُد مرا زندگانی و گنج
 همه^۹ بار تریاگ زهر آمده‌ست
 به پیش بدی‌ها سپر داشتی^{۱۰}
 کشیدم از آن^{۱۲} شاه و زان^{۱۳} انجمن
 — گوا خواستن دادگر را بدست —
 شنیدم بسی پند آموزگار^{۱۵}
 همی آتش افروزد از جان من
 همیشه گرفتارم اندر بزشک
 نه بر آرزو رفت چرخ بلند
 که چندین خروشیده‌ام^{۱۷} خون گرم
 ز نیک و ز بد دست کوتاه شدم
 چنین^{۱۸} خوارم و زار و دل مستمند^{۱۹}
 پدر بر سر آورده بودش زمان^{۲۱}

۱-ق، ل؛ [و] ۲-ق، ل؛ ازیشان؛ (ل۳: وزیرشان)؛ متن = ل، س، ق، ل؛ (نیزق۲، ل، پ-ب) ۳-ف: گله کردن از کهتر و مهتران (!)؛ متن = ل-س؛ (نیزلن-ب) ۴-ل: که بارش کبست آمد و برگ؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س۲ ۵-ل: بویژه: س: ز دیده؛ متن = ف، ق، ل؛ س۲ ۶-س: کنون ۷-س: ق: زان ۸-ق: دزد ۹-ل: کزو: س: گل و: ق: کنون: ل؛ بزو: متن = ف، س؛ ذرق لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۰-ق (نیزلی، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

گرامی پیوستمش دخترم

که رخشنده گردد ازو گوهرم (کشورم)

کنون آن گهر کم ازو بُد فرود

ز جان و ز دل دادم او را درود

بزاری بکشتند با دخترم

چنین بود گویی مگر درخورم

۱۱-ل: درد و سختی و رنج؛ س: رنج و دردا و سختی؛ ق: درد و رنجی و سختی؛ متن = ف، ل؛ س۲ ۱۲-ل؛ ازین: (ق۲: شنیدستم از) ۱۳-ف: شاه زان؛ س، ق، س؛ (نیزلن-ب): شاه و آن؛ متن = ل، ل؛ ۱۴-ل، س، ق (نیزلن، ق۲، ل، پ، و، لن؛): گوی: متن = ف، ل؛ س؛ (نیزلی، آ، ب) ۱۵-س: ز مرگ چنان نامور شهریار ۱۶-ق؛ لی: خوان ۱۷- (و: بیاریده‌ام): ل: که من چند خروشیده‌ام (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ س: که چندان خروشیده‌ام؛ متن = ف، ق، ل؛ س؛ (نیزلی، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۸-ق: همی ۱۹-س، ل؛ (نیزلن، پ، لن، آ): خوار و زار و چنین (آ: و دل) مستمند؛ س: خوار و زارند و دل مستمند؛ ق (نیزق۲): خوار و زارم همی (ق۲: بدل) مستمند؛ متن = ف، ل (نیزلی، و، ب) ۲۰-ف، ل، س (نیزق۲، لن؛): فرنگیس (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق، ل؛ س؛ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، آ، ب): فرنگیس؛ متن = بنداری: فری کیس ۲۱-ق: وگرنه پدر... (وزن ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند: ←

<p>۱ برو^۱ پشت هرگز نبرگاشتم^۲ سر بدگمان خواهد از من همی^۳ ز دو انجمن سر پُر از گفت و گوی^۵ نه جای^۷ دگر روی و^۸ آرام و خواب نینم همی روی رفتن ز جای^{۱۱} چنین خسته و بسته‌ی هر کسی نماند که چشم اندرآرم^{۱۲} به خواب^{۱۳} نشاید ز فرمان او آرمد سپاه اندرآوردن^{۱۴} آرایش ست ازین تخمه جز کشتن پیلسم</p>	<p>به خانه نهانش همی داشتم به پاداش جان خواهد از من همی پُر از دردم ای پهلوان از دو روی^۴ نه راه گریزست از^۶ افراسیاب غم^۹ گنج و بومست^{۱۰} و هم چارپای پسر هست و پوشیده رویان بسی اگر جنگ فرماید افراسیاب به ناکام لشکر بیاید کشید به من بر کنون جای بخشایش ست اگر نیستی بر^{۱۵} دلم درد و غم</p>	<p>۱۶۹۰ ۱۶۹۵</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------

۱- س، ق: بدو ۲- ف، س (نیزق، لن): هرگونه نگذاشتم (هرگز نه برگاشتم)؛ س: هرگونه برگاشتم (هرگز نه برگاشتم)؛ ل (نیزب): هرگونه بگذاشتم (هرگز نه برگاشتم)؛ ل: هرگز بنگذاشتم؛ آ: هرگز نبرداشتم)؛ متن = ل، ق (نیزلن، لی، و، ب) ۳- ق این بیت را ندارد ۴- ف: زرد روی (زرد دوروی؟)؛ س (نیزلی، آ، ب): پهلوان سپاه؛ متن = ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، و، لن) ۵- ق: گفتگوی؛ س (نیزلی، آ، ب): از آن سوز خسرو وزین سوز شاه؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل: ز ۷- ق: جایی ۸- ل: دارم؛ س (نیزلن، ب، لن): خورد و؛ ق: بنیم؛ ل: جای؛ (ق، آ، و، آ: روی؛ ل: یابم)؛ متن = ف، س (نیزلی) ۹- ل: هم؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ل، ب، ب) ۱۰- س: بوم و گنج است ۱۱- ل: به جای؛ ل: بدیشان تمام سزاوار جای؛ متن = ف، س، س، س (نیزلن، ق، آ، لی، ب، ب)؛ ق (نیزل) بیت های ۱۶۹۲-۱۶۹۴ را ندارند؛ بنداری: و آنه لولا طول اذنیاله، و کثرة عیاله، وانتشابه فی تلک البلاد بسبب علائقه واقاربه لتحوّل عنها لی غیرها ۱۲- ل (نیزق، لی): اندرآید؛ متن = ف، س، س، س (نیزلن، ب، و، لن، آ، ب) ۱۳- ل (نیزآ): نه جای دگر جای (آ: روی) آرام و خواب (= ۱۶۹۱ ب) ۱۴- س: اندر آرام و؛ ق: نه هنگام تیزی و؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۱۵- س، ق: در؛ متن = ف، ل، ل، آ، س

مرا دل ز دیدار او گشت شاد
خرد نیز کورهنمای منست
نسبتم ز گفتاریک لحظه لب
به گفت و به کرد من آمدرها
نخواهسی که آرام یابیم و خواب
همی نشنوی هیچ گونه سخن
بسان پسر سر ببااید برید
چه بندی دل اندر ستاره شمر
که اویست بر نیک و بدرهنمای
بصد حیلله زودست کوتاه کرد
شب و روز بر بنده پژمان (یکسان) گذشت
مرا خوار دارد بر انجمن
ز دورویه تخمم برآورده است
رد و انجمن سر پر از گفت و گوی
بسی انده کار او خورده ام

→
وزان پس چو خسروز مادر بزاد
گرو گربین بر (س: خداوند گیتی) گوی منست
که با شاه ترکان بروز و بشب
که تا خسرو از چنگ نراژدها
همی گفت با من رد افراسیاب
بفرجام آید ازو بد بمن
بدآید بفرجام از او بد پدید
بدو گفتم: ای شاه والا گهر
به یزدان پناه و به یزدان گرای
چو با گفت من رای همراه کرد
کنون تا که خسرو به ایران گذشت
همی گوید این بد تو کردی بمن
وزان روی خسرو دل آزرده است
پر آرام ای پهلوان از دوروی
ز خسرو بسی رنجها برده ام

5

10

15

- جزو نیز چندان^۱ دلیر و جوان^۲ ۱۷۰۰
 و زانپس^۳ مرا بیم جانست نیز
 به پیروزگر بر تو ای پهلوان
 ز خویشان من بد نداری نهان
 به روشن روان سیاوش که مرگ
 گر^۴ ایدونک جنگی بود همگروه
 کشانی و شکنی^۵ و سقلاب^۶ و هند
 ۱۷۰۵ ز خون سیاوش همه بی گناه
 مرا^۷ آشتی بهتر آید ز^۸ جنگ
 نگر تا چه بینی تو داناتری
 که در جنگ سیر آمدند از روان^۹
 سخن چند گویم ز^{۱۰} فرزند و چیز
 که از^{۱۱} من نباشی خلیده روان
 براندیشی از کردگار جهان^{۱۲}
 مرا خوشتر از جوشن و تیغ^{۱۳} و ترگ
 تلی گشته بینی به بالای کوه
 ازین مرز تا پیش^{۱۴} دریای سِند،
 سپاسی^{۱۵} کشیده بدین رزمگاه
 نباید^{۱۶} گرفتن چنین کار تنگ
 به رزم دلیران^{۱۷} تواناتری
 ز پیران چو بشنید رستم سخن
 بدو گفت: تا من بدین کینه گاه^{۱۸}
 ندیده ستم از تو جز از^{۱۹} راستی
 ۱۷۱۰ پلنگ این^{۲۰} شناسد که پیگار و جنگ^{۲۱}
 چو کین سر شهریاران بود
 کنون آشتی را دو راه^{۲۲} ایدرست^{۲۳}
 یکی آنک هر کس که از^{۲۴} خون شاه
 ۱۷۱۵ ببندی^{۲۵} فرستی بر شهریار^{۲۶}
- نه بر آرزو^{۱۸} پاسخ افگند بُن
 کمر بسته ام با دلیران شاه،
 ز ترکان همه راستی خواستی
 نه خوبست و داند همین^{۲۳} کوه و سنگ^{۲۴}
 سر و کار با تیرباران^{۲۵} بود
 نگر تا شما را چه اندر خورست:
 بگسترد بر خیره^{۲۹} این رزمگاه،
 سزد گر نفرماید این کارزار^{۳۲}

۱- ل، ق (نیز ق، و): چندی؛ متن = ف، س، ۱- ۲- س: سوار و دلیر؛ س، ل (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): فرود (ل: هم او؛ ب، لن: برو) و جزو (لن: جز از پیلسم) نیز چندان دلیر ۳- س، ل، ۱- س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): که هرگز نبودند (س، ل، ی، آ: نبودندی) از جنگ سیر؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، و) ۴- ل: ازین پس؛ س: وزین پس ۵- س: همان بیم گنج است و ۶- ل: بر؛ متن = ف، س، ق، ل، ۱- س ۷- ل این بیت را ندارد ۸- ق، س: خود؛ متن = ف، ل، س، ل، ۱- ۹- س، ق: ار ۱۰- ف، ل (نیز لی): شکنی؛ س (نیز ل): سنکی؛ ق: چینی؛ س: سندی؛ متن = ل (نیز لن، پ-ب) ۱۱- ل: سقلاب و شکنی ۱۲- ل: ازین پیش تا مرز ۱۳- ل، س، ل، ۱- س (نیز لن-ب): سپاهی؛ متن = ف، ق ۱۴- ل (نیز ل): ترا؛ متن = ف، س، ق، ل، ۱- س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ): که؛ متن = ف، س، ل، ۱- س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ب) ۱۶- س: چه باید ۱۷- س، ق، ل، ۱- (نیز لن، پ، لن، آ، ب): برزم و بمردی؛ (لی، آ: بچنگ دلیران)؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و) ۱۸- ل: آرزوی ۱۹- س: رزمگاه؛ ق: بهر رزمگاه؛ متن = ف، ل، ل، ۱- س ۲۰- ل، ل، ۱- س (نیز لی، ل، لن، آ، ب): بجز؛ (ق: مگر)؛ ف، س: ندیدم ز توجز همه؛ متن = ل (نیز لن، پ، و) ۲۱- ق، س: آن ۲۲- س: که هنگام جنگ ۲۳- ل، ق، ل (نیز لن-ب، لن، آ): همی؛ س: چنین؛ (ب: همه)؛ س: و هم داند این؛ متن = ف (نیز و) ۲۴- ل: کوه سنگ ۲۵- س: تیغ داران ۲۶- ق: کار ۲۷- س، ل، ۱- س: اندرست؛ متن = ف، ل، ق ۲۸- ل، س، ق (نیز پ، لن، آ): او؛ (لی، ل: بر؛ آ: با)؛ متن = ف، ل، ۱- س (نیز لن، ق، و، ب) ۲۹- س: هر گونه ۳۰- (لی، آ: نوندی - بوندی = ببندی؟) ۳۱- ف، س: بنزدیک شاه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن-ب) ۳۲- س: رزمگاه؛ ف: سزد کز تو آید چنین دستگاه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن-ب)

گنهکار خونِ سر بی‌گناه^۱ سزد گر نباشد بدین رزمگاه^۲
 و دیگر که^۳ با من ببندی کمر
 ز چیزی که ایدر^۵ بانی همی،
 به جای یکی، ده بیابی ز شاه

به دل^{۱۰} گفت پیران که زفتست^{۱۱} کار
 ۱۷۲۰ دگر چون گنهکار خواهد^{۱۲} همی
 بزرگان و خویشان افراسیاب
 چنین خود^{۱۸} کجا گفت یارم سخن
 چو هومان و لَهاک^{۲۰} و فرشیدورد
 همه زین^{۲۲} شمارند و این^{۲۳} روی نیست
 ۱۷۲۵ مرا چاره‌ی خویش باید گرفت

بدو گفت پیران که ای^{۲۶} پهلوان
 شوم بازگوم به گردان همین^{۲۷}
 همیشه جوان باش و روشن روان
 به منشور^{۲۸} و گُذُر، به^{۲۹} خاقان چین

۱- ف: شهریار؛ (ل، آ: گنه کار و خون...؛ ل^۳: گنه کار را چون سربینگاه؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ب) ۲- ف: درین کارزار؛ س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب): نریزد (س، آ، ب: بریزد) برین (ل: بدین) رزمگاه؛ (ل، ن، پ، ل، ن: بریزد همی خون بدین رزمگاه)؛ متن = ل (نیز ق، آ، ل^۳): ق (نیز و) این بیت را ندارند؛ درس (نیز ب) این بیت پس از بیت ۱۷۲۴ آمده است؛ بنداری (۱۷۱۳-۱۷۱۶): إن الصلح لا یتم بیننا إلا بأمرین: أن تنفذوا قتله سیاوخش، و من سعی فی دمه الی حضرة الملک کیخسرو ۳- ق: دگر آنک ۴- س: فیروزگر؛ ل: این بیت را ندارد ۵- ق: آنجا ۶- ل، س: تسو؛ ق، ل: که؛ متن = ف، س^۲ ۷- ل: دانی ۸- ف (نیز ب): پیکار (→ بنگاه)؛ (ل: هرگز ز؛ ل^۲: بیکاه → بنگاه)؛ متن = ل- س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، آ: درس حرف یکم و در ل حرف های یکم و دوم نقطه ندارند) ۹- (ب: با این سپه) ۱۰- ف، س^۲ (نیز ل^۲): بدو؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فافکر بیران فیما قال، و قال فی نفسه (→ بیت ۱۷۲۷) ۱۱- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): ژرفست؛ (ل: زشتست؛ پ، ل: زفتست- زفتست؛ و: صعبتست)؛ متن = ف، س^۲ (نیز ل؛ در ف به پیش یکم) ۱۲- ل: جوید ۱۳- س: که ۱۴- ل، آ، س: خون ۱۵- س: بکاهد؛ ل، آ، س: بکاهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق ۱۶- ل: دل از بیگناهان بشوید همی (= ۱۷۳۶ ب) ۱۷- س: تاج اند ۱۸- ل: ازین در؛ ق: ازین خود؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۱۹- ل (نیز و): این آرزو را نه بن؛ ق (نیز ل^۲): این گفت ها را نه بن؛ ل: این را پدید و نه بن؛ (ق: این را زرا و نه بن؛ ل، آ: بینم این گفت ها را نه بن)؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز ل، ن، آ، ب) ۲۰- ل، س، ل^۲ (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): کلباد؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ل^۲) و ۲۱- ل: زیشان؛ درس (نیز ب) پس از این بیت، بیت ۱۷۱۶ آمده است؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ق: زان ۲۳- ف (نیز ب، ل، ن: وزین؛ متن = ل- س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب) ۲۴- ق: به ایران مرا آب در ۲۵- ل، ق (نیز ل^۲): جست را؛ س (نیز و): جست؛ (ل، ن، پ، ل: خویش را؛ ق، آ، ل، آ: جنگ را)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ب)؛ س در اینجا سرنویس دارد: بازگشتن پیران از رستم و رفتن بنزد خاقان چین ۲۶- س: پس آنگه چنین گفت کای؛ ف، س^۲ پس از این بیت افزوده اند:

شوم بازگوم به گردان خویش سرافراز شیران و مردان خویش

ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل- ب) این بیت را ندارند ۲۷- ف، س^۲: به شاهان همی (س: چین) بازگوم همین؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل- ب) ۲۸- (و: منشور) ۲۹- ل، ق (نیز ل، ن، پ، ل، آ): شکل به؛ (ق: کردوی و)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ بنداری (۱۷۲۷-۱۷۲۹): فقال لرستم: أعود وأعرض ما أشار به البهلوان علی الخاقان و المنثور و غیرهما من الملوک الأکابر، وأنبی ذلک الی أفراسیاب

هیونی فرستم به افراسیاب	بگویم، سرش را برآرم ^۱ ز خواب
۱۷۳۰	کسی را که بودند ویسه نژاد، چنین گفت کامد نیشیب از فراز ^۳ مرین ^۵ رزمگاه ^۶ ازدر ماتمست ^۷ همان ^۹ نامداران کاولستان ^{۱۰} سواران گیتی ندارند پای به ناکام رزمی بود با فسوس ^{۱۳}
۱۷۳۵	دل از بی‌گناهان بشوید ^{۱۵} همی دل شاه ازو ^{۱۸} پُر ز تیمار نیست؟ به کام دلیران ایران شود نه گنج و سپاه و نه تخت و کلاه که چندین ^{۲۰} مدار ^{۲۱} آتش و باد را خرد سوخته ^{۲۴} ، چشم دل ^{۲۵} دوخته نه فرمان این نامدارانجمن ^{۲۷} نزد با دلیری ^{۲۸} خردمند رای نه پیلان جنگی، نه این تختِ عاج ^{۳۰} غم و درد بهر دلیران بود که با فرّ و برزند و ^{۳۱} با تاج و گاه
۱۷۴۰	و زآنجا بیامد به لشکر چو باد ^۲ یکی انجمن کرد و بگشاد راز بدانید کین ^۴ شیردل رستمست بزرگان و شیران زاولستان ^۸ چنوا ^{۱۱} کینه گش ^{۱۲} باشد و رهنمای چو گودرز کشواد و چون گیو و طوس
۱۷۴۵	ز ترکان گنهار جوید ^{۱۴} همی که دانی ^{۱۶} کز ^{۱۷} ایدر گنهار نیست؟ نگه کن ^{۱۹} که این بوم ویران شود نه پیر و جوان ماند ایدر نه شاه همی گفتم این شوم بیداد را که روزی شوی ^{۲۲} ناگهان ^{۲۳} سوخته نکرد این ^{۲۶} جفاییشه فرمان من بکند این گرانمایگان را ز جای بینی که نه شاه ماند، نه تاج ^{۲۹} بدین شاددل شاه ایران بود دریغ این دلیران و چندین سپاه

۱-ق: برآرم سرش را ۲-ل: بکردارباد ۳-ل، س، ق، ل: (نیزق، ل، ل، ل، آ): نشیب و فراز؛ متن = ف، س^۱ (نیزلن، ب، و ب) ۴-ق: کان ۵-س (نیزلی، آ، ب): چنین؛ ق: همین؛ ل: برین؛ (ق: کنون؛ ل: بدین؛ و: همه)؛ متن = ف، س^۲ (نیزلن، ب، ل، ل) ۶-ف، ل: (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ل، آ): رزمگه؛ متن = س، ق، س^۱ (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب) ۷-ل: جهانگیر و از تخمه نیرمست ۸-ل-س^۱ (نیزلن، ق، ل، ل، ب، ل، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف (نیزو) ۹-ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۱۰-ف-س^۱ (نیزلن، ق، ل، ل، ب-ب): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ف، ل، آ، س: چواو؛ متن = ل، س، ق ۱۲-ل: کینه ور ۱۳-ق این بیت را ندارد ۱۴-ل: خواهد ۱۵-ل: بکاهد؛ ل: نشوید؛ متن = ف، س، ق، س^۱ ۱۶-س (نیزق، ل، ل، آ، ب): داند؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س^۱ (نیزلن، ب، و، ل، ل) ۱۷-ل، س، ق، ل: (نیزق، ل، ل، آ، ب): که؛ متن = ف، س^۱ (نیزلن، ب، و، ل، ل) ۱۸-ق: زو ۱۹-ل: بینی ۲۰-س: که با هم ۲۱-ق: مدم ۲۲-ف (نیزل): شود؛ متن = ل-س^۱ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۳-ف، س: بی‌گمان؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن-ب) ۲۴-ل: بوخته (?) ۲۵-ف، ق، س: چشم و دل؛ (ب: چشم بد)؛ متن = ل، س، ل: (نیزلن-آ): ل پس از این بیت افزوده است: مکش گفتمش پور کاموس را

که دشمن کنی رستم و طسوس را

۲۶-ل، س، ق: آن؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۲۷-س: نامداران من ۲۸-ف: دلیر؛ ل: دلیرو؛ متن = س، ق، ل، ل، س^۱ ۲۹-ق: بخت؛ س، ل: نه تاج ماند نه شاه؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۳۰-ق: تاج و تخت؛ س، ل: نه تخت و کلاه؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۳۱-ل: [و]

به تاراج بینی همه زین سپس
بکوبند ما را به نعل ستور
ز هومان دل من بسوزدهمی
دل رستم آگنده از^۳ کین اوست
پُر از غم شوم پیش خاقان چین
۱۷۵۰

بیامد بنزدیک خاقان چو گرد^۶
سراپردهی او پُر از ناله دید
ز خویشان کاموس چندی^{۱۰} سوار
همی گفت هر کس که افراسیاب
چرا کین پی افگند که ش نیست مرد
سپاه کشانی سُوی چین شوم^{۱۵}
ز چین و ز بربر^{۱۷} سپاه آورم
ز برگوش^{۱۸} و سگسار و مازندران
که ایدر ز رستم برآرند هوش
اگر کین همی جوید افراسیاب
هم از دوده^{۲۱} چنگش و آشکبوس
همی از پی دوده هر کس به درد
۱۷۵۵
۱۷۶۰

نبرگردد از رزمگه شاد کس
شود آب این بختِ بیدار شور
ز رویین روان^۲ برفروزمی
بروهاش^۴ یکسر پُر از چین اوست
بگوم که بر من^۵ چه آمد ز کین

پُر از خون دل و میژه پُر آب زرد^۷
ز خون کشته بر زعفران^۸ لاله^۹ دید
بنزدیک^{۱۱} خاقان شده دادخواه
ازین پس نبیند بزرگی^{۱۲} به خواب^{۱۳}
که آورد سازند^{۱۴} روز نبرد؟
همه دیده پُر آب و با^{۱۶} کین شوم^{۱۵}
که کاموس را کینه‌خواه آورم
کس آرم با گرزهای گران
نه آواز یارد شدن زو به گوش^{۱۹}
نه آرام باید که جوید^{۲۰} نه خواب
خروشیدنی بود چون زخم^{۲۲} کوس
بیارید بر زعفران^{۲۳} آب زرد^{۲۴}

۱-س: نگرردد ازین ۲-ق: ز دردش رخم؛ ل: رخ از بهر او؛ متن = ف، ل، س، س ۳-س: آکنده ۴-درف به پیس یکم ۵-ل: ما را؛ ق: بر ما؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۶-س: بنزدیک خاقان شد او همچو گرد ۷-ل: رخ و دیده پر آب زرد؛ س (نیز ب): دل و لب پر از باد سرد؛ ق، ل، آ، س ۸-ل: دل و روی پر آب زرد؛ (لن، پ، ل، ن): دل و رخ پر از آب زرد (لن: سرد)؛ ق، آ، و: دل و چشم پر آب زرد؛ ل، آ، ق، آ: دل و دیده پر آب زرد؛ متن = ف ۹-ل: ارغوان ۱۰-ف: جنگی؛ س (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن): بنداری؛ فلما دخل سراقه رأی اکابر أصحاب کاموس قد اجتمعوا عنده ۱۱-ل: چندان؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۱۲-ل: بزرگی نبیند ۱۳-ل: نه آرام باید که یابد نه خواب (= ۱۷۶۱ ب)؛ در ل بیت های ۱۷۵۵-۱۷۶۶ درهم ریخته اند: بدرگاه ۱۴-ل: سازد به؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۵-ق: کشیم ۱۶-س: ق: بر؛ ل: پر؛ متن = ف، ل، س ۱۷-س (نیز ل، آ، ب): و کشانی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س ۱۸-ل: بنزدیک خاقان شد او همچو گرد ۱۹-ق (نیز ق، ل، آ، ب): یارد شنیدن بگوش؛ س: یارد شدن نشان بگوش؛ س (به خطی دیگر): بنفرین ز ایران برآید خروش؛ (لن، پ، ل، ن): نه آواز (لن: آوای) او کس نباشد بگوش؛ متن = ف، ل، آ (نیز ب): ل این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰-ل، ق (نیز ل، ق، آ، ب): یابد؛ س: مانند (یابد)؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۱-ق: همان از پی ۲۲-ق: برسان؛ ل این بیت را ندارد ۲۳-ل: ارغوان ۲۴-ل: بیارید خون بر رخ لا جور؛ ف، س پس از این بیت افزوده اند:

همی گفست ازین پس نجویم خواب

نه آرام خواهیم و نه نشان و آب

این بیت در هیچیک از سیزده دستنویس دیگر نیست

<p>بریشان شب و روز ناخوش کنیم برآرم بر سوگ آن نامدار همه^۴ برفشانیم پیش سرش^۵</p>	<p>که ما^۱ سیستان را پُر آتش کنیم سرِ رستمِ زاوی^۲ را به دار تنش را بسوزیم و خاکسترش</p>
<p>از^۷ آواز ایشان رخس تیره^۸ گشت پُر از درد و تیمار غمخوارگان^{۱۱} که ایدر شما را سرآید^{۱۴} زمان که جوشش چرم پلنگ آمده‌ست که این^{۱۷} رزم کوتاه ما شد دراز ز هر سو که بُد نامورمهری^{۱۹}، کجا خیزد از کار بیداد داد سیاوخش^{۲۲} بر دست او گشته شد سر^{۲۴} آژدها را کسی^{۲۵} بسپرد^{۲۶}؟ وَرأ رستمِ زاوی^{۲۸} دایه بود همی^{۳۰} آسمان بر زمین آورد نه کوه بلند و نه دریای نیل، چو آورد گیرد به پیش سپاه که گشتی خواهد به دریای خون^{۳۱}</p>	<p>چو بشنید پیران دلش خیره^۶ گشت به دل گفت کای^۹ زار و بیچارگان^{۱۰} ندارید^{۱۲} ازین^{۱۳} آگهی بی گمان ز دریا نهنگی به جنگ آمده‌ست بدین^{۱۵} سوگواران^{۱۶} چنین گفت باز ازین نامداران^{۱۸} هر کشوری بیاورد و این^{۲۰} رنج‌ها شد به باد سرِ شاهِ کشور چنین^{۲۱} گشته شد به فرمانِ گرسیوز^{۲۳} کم‌خرد سیاوش جهاندار^{۲۷} و پرمایه بود کنون هر گه او^{۲۹} جنگ و کین آورد نه جنگِ پلنگ و نه خرطومِ پیل بسندسته با او به آوردگاه یکی رخس دارد به زیر اندرون</p>

۱- ل: سگَر: س: همه: متن = ف. س. ق. ل. ۲- ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. آ. ب): زابلی: متن = ف. س. (نیزو) ۳- س. س. آ: این ۴- ق. ل. آ: همی ۵- ل (نیز ب): درش: (و: برش: ل: تنش): ل (نیز ل. آ): گرد سرش: (ل: س: کشورش): متن = ف. س. ق. س. آ (نیز ق. ل. آ. ب) ۶- ق. س. آ: تیره ۷- ق: وز ۸- س: خیره: ق: سرش خیره ۹- س: این: ق. ل. آ: س: آ: ای: متن = ف. ل. ۱۰- ل: بیدارگان (!) ۱۱- ل: غمخوار بیچارگان: ق: همه زار و ناخیز غمخوارگان: متن = ف. ل. س. س. آ ۱۲- ف: ندیدند: ل. س. س. آ: ندارد (حرف پنجم نقطه ندارد): ل: مدارید: متن = ق ۱۳- ف. ل. آ: از آن: س: زمین: متن = ل. ق. س. آ ۱۴- ف: سرآید: ق: درآید: س: سرآمد شما را: متن = ل. ل. آ: س. آ ۱۵- ل. س. ق: بدان: متن = ف. ل. آ: س. آ ۱۶- س: دردمندان: ل: بیامد بخاقان: متن = ف. ل. ق. س. آ ۱۷- س. ل. آ: آن ۱۸- س: سپهد سرافراز ۱۹- ق: زهر سو بلندی و کنداوری ۲۰- ف: آن: متن = ل. س. آ (نیز ل. ب) ۲۱- ق: همان ۲۲- ل. ق (نیز ل. آ): سیاوش (= سیاوش): (ل. ل. ب: سیاوش: ل: سیاوشن): متن = ف. س. ل. آ: س. آ (نیز ب) ۲۳- (و. ل: کرسیوز) ۲۴- ف: بیز: ق: پی: (ل. آ: دم): متن = ل. س. (نیز ل. و. آ. ب) ۲۵- ل. ل. آ: س. آ: کسی گردن آژدها ۲۶- ل: سپرد (حرف یکم نقطه ندارد): س. ق. س. آ (نیز ل. و. آ): نسپرد: متن = ف. ل. آ ۲۷- س: سپهدار ۲۸- ل. ل. س. ل. (نیز ل. ق. ل. ب. ل. آ. ب): زابلی: متن = ف. س. آ (نیزو): ق: این بیت را ندارد ۲۹- ل: هر آنگه که او: ل: کنون چون که او: (و: کنون هر زمان): متن = ف. س. س. آ (نیز ل. ق. ل. ب. ل. آ. ب) ۳۰- س: جنگ: ق: این بیت را ندارد ۳۱- ل. ق: که گویی روان شد گه بیستون: متن = ف. س. ل. آ: س. آ (نیز ل. ق. ل. آ. و. ل. آ): ب: درس پس از این بیت. بیت ۱۷۸۳ آمده است

کنون روزاً خیره نباید شمرد
یکی آتش آمد ز چرخ کبود
کنون سربسر تیزهش بخردان^۷
بینید تا چاره‌ی کار چیست؟
همه^{۱۱} رای باید که گردد^{۱۲} درست
مگر زین بلا سوی کشور شوم^{۱۷۸۵}

چو^۲ دیدید^۳ ازو هر کسی^۴ دستبرد
دل ما شد از درد^۵ او^۶ پُر ز دود
بخوانید^۸ با موبدان و ردان^۹
برین^{۱۰} رزمگه مرد پیگار کیست؟
از آغاز کینه نبایست جُست
اگر چند با بخت لاغر شوم

ز پیران غمی گشت خاقان چین
بدو^{۱۳} گفت: ما را کنون^{۱۴} چیست روی^{۱۵}
چنین^{۱۷} گفت شنگل که ای سرفراز
به یاری افراسیاب آمدم^{۱۷۹۰}
بسی پاره^{۱۹} و هدیه‌ها^{۲۰} یافتیم
به یک مرد سگری^{۲۱} که آمد به جنگ
برفتیم^{۲۴} چون شیر جنگی دمان^{۲۵}
ز یک مرد ننگست گفتن سخن
چنان دان که او زنده پیل ست مست^{۱۷۹۵}
اگر گردد^{۳۰} کاموس را زو زمان

بسی یاد کرد از جهان آفرین
چو آمد سپاهی چنین جنگجوی^{۱۶}؟
چه باید^{۱۸} کشیدن سخن‌ها دراز؟
ز دشت و ز دریای آب آمدم
ز هر کشوری تیز بشتافتیم
چرا شد چنین^{۲۲} بر شما^{۲۳} کار تنگ؟
به رهبر نخستیم جایی^{۲۶} زمان^{۲۷}
دگرگونه‌تر باید^{۲۸} افکند بُن
به آوردگه شیر گیرد به دست^{۲۹}،
بیامد، نباید شدن بدگمان

۱- ق: رزم ۲- ل: که ۳- ف: دیدیت؛ ل، ل: دیدند؛ س: دیدند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = س، ق، ف (۴- ل، ق: هر کس ازو؛ متن = ف، س، ل، ل: س ۵- ل (نیز ق ۲): تف؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۶- ق: آن ۷- ق، س: موبدان؛ متن = ف، ل، س، ل ۸- س: بخوانند؛ ل: بجوئید؛ متن = ف، ل، ق، س ۹- س: با نامور موبدان؛ ق: با نامور بخردان؛ س: با بخردان و ردان؛ متن = ف، ل، ل: درس ۱ این بیت پس از بیت ۱۷۸۰ آمده است ۱۰- ل، ل: بدین؛ ق: درین؛ متن = ف، س، س ۱۱- ل، ق: همی؛ متن = ف، س، ل، س ۱۲- س: کار باید که باشد؛ ل: کارها کرد باید؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۳- ف: چنین؛ متن = ل، س ۱۴- ل: چنین ۱۵- ف، س: راه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل- ب) ۱۶- ف، س: جنگ خواه؛ ل: کینه جوی؛ ق (نیز ل ۳): که آمد سواری بدین گفتگوی؛ متن = ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- س: بدو ۱۸- ق: نباید ۱۹- ف، ل (نیز ل، ل، ل): یاره؛ ل (نیز و): یاره (نقطه ندارد)؛ س (نیز ب): بدره؛ س (نیز ق ۲): یاره؛ متن تصحیح قیاسی است (۸۶۸، ۹۱۰) ۲۰- ق (نیز ل ۳): یاره‌ها و گهر؛ (ل، آ): بدره‌ها و دره؛ ب: یارها هدیا؛ در س لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۱- بنداری: سجزی ۲۲- ق: کنون ۲۳- س، س: چرا بر شما شد چنین؛ در س، ل این بیت پس از بیت ۱۷۹۳ پ آمده است ۲۴- س: براندم ۲۵- ق: ز جای ۲۶- س: روزی ۲۷- ق: جز از جنگ جستن نبود ایچ رای؛ ل این بیت را ندارد؛ س، ل، ل: س (نیز ق، ل، آ، ب) پس از این بیت و (ل، ب، ل) پیش از آن افزوده‌اند: بدین جای پیکار (ل، ب، ل): چو شیر آمدم و جو) رویه شدیم

ز پیکار گرس (س، ق، او: ب: اگر) دست کوتاه شدیم
ف، ل، ق (نیز ل ۲) و این بیت را ندارند ۲۸- ف، س: دگرگونه باید تر (س: بر)؛ س (نیز ب): دگرگون ترا باید؛ ل (نیز ل، ل): دگرگونه باید؛ ل (نیز ل ۲): دگرگونه زین باید؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۲۹- در ل این بیت پس از بیت ۱۸۰۶ آمده است ۳۰- ل، ق: زانک؛ (و، ل، ل: بود)؛ متن = ف، س، ل، ل: س (نیز ل، ق، ل، آ، ب)

چو^۱ پیران ز رستم بترسد همی
 ز گردان کسی دارد او را به کس
 نه پیل اندرون گشته^۶ با شیر جفت
 برین^۸ رای ها کرد باید درست
 ۱۸۰۰ سپیده دمان گرزها برکشیم^{۱۰}
 هوا را چو^{۱۳} ابر بهاران کنیم^{۱۴}
 ز گرد^{۱۶} سواران و زخم تبر
 شما یکسره چشم بر من نهید
 همانا ز^{۱۹} جنگاوران صد هزار
 ۱۸۰۵ ز یک تن چنیز زار و پیچان شدیم^{۲۱}
 چو من پیش سگزی شوم همبرد^{۲۲}
 نباید که یابند یک تن رها

چو بشنید لشکر ز شنگل سخُن
 بدو گفت پیران کانوشه بدی^{۲۶}
 ۱۸۱۰ همه نامداران و خاقان چین

جوان شد دلِ مزِد گشته کهن
 روان را به دیدار^{۲۷} توشه بدی^{۲۸}
 گرفتند بر شاه هند^{۲۹} آفرین

۱-س: که ۲-س (نیز لن، ل، پ، و، لن ۲): چون که: (ق ۲: کوجز): متن = ف، س ۲ (نیز ب) ۳-س (نیز ب): بترسد: س ۱-س (نیز ب)
 ق ۲، ب، لن ۲): بترسد: (ل ۳: نترسد): متن = ف (نیز و): ق: چرا رایت از وی هراسد: ل ۲ (نیز لی، آ): شب تیره زین غم نخسید: ل بیت
 ۱۷۹۷-۱۸۰۰ را ندارد ۴-ق (آ، لی، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س ۲ (نیز لن، ل، پ، و، لن ۲، ب) ۵-لن، ق، آ، لی، ب، لن، آ
 یازد): متن = ف، س، ق، ل، س ۲ (نیز ل، و، ب) ۶-ق (نیز ق، آ، ل ۳): نه پیل ژبان گشت: س ۲: که گر گشت با پیل و: (لن، ب، لن ۲)
 یکی پیل نر گشته: لی، آ: بنگ اندرون گشته: و: نه پیل دمانست): متن = ف، س، ل ۲ (نیز ب) ۷-س، ق، ل، س ۲: چندانکه: متن = ف،
 ل ۲ در اینجا سرتویس دارد: پذیرفتن شنگل نبرد رستم را ۸-ق، ل، آ: بدین: متن = ف، س، س ۲ ۹-س، ق (نیز لی، آ، ب): بیاید از دل
 (لی، آ: کین) او پاک شست: ل ۲: هنر نیست چندانکه پیران بگفت (= ۱۷۹۹ ب): (لن، پ، لن ۲: نباید دل از کین او پاک شست: ق ۲: کین
 از بیم او کرد مست: ل ۲: دل از بیم او پاک باید بشست: و: بیاید ز دها همه بیم شست): متن = ف، س ۲ ۱۰-س: برکشید ۱۱-س
 ازین: ل ۲: درو ۱۲-س: اندرکشید: در س، ل ۲ بیت های ۱۸۰۲ و ۱۸۰۴ پس و پیش شده اند ۱۳-س، ل ۲: هوا همچو ۱۴-س
 کنید ۱۵-ف: بدیشان: متن = ل، س ۱ ۱۶-ق: زخم ۱۷-س: دانند ۱۸-س ۱۹-ل: که ۲۰-ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ب): فزون باشد: متن = ف،
 لی، ل ۲، ب، آ، ب): چو من بر خروشم دمید: متن = ف (نیز لن ۲) ۱۹-ل: که ۲۰-ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ب): فزون باشد: متن = ف،
 س ۲ ۲۱-س: شدیده: در ل پس از این بیت، بیت ۱۷۹۵ و پس از آن بیت ۱۶۵۳ را افزوده است ۲۲-س، ل ۲ (نیز لن، ل، ب)
 حنگجوی: متن = ف، ق، س ۲ (نیز ق، آ، لی، ب، و، آ) ۲۳-ق (نیز ق، آ، ل، ب): باسماان: (لی، آ: بر هوا): متن = ف، س ۲
 (و) ۲۴-س، ل ۲ (نیز ب): شما جمله روی اندر آرید روی (ل ۲: آری بروی): (لن، لن ۲: در آرید یکسر شما رو بروی):
 بیت های ۱۸۰۷ و ۱۸۰۸ را ندارد ۲۵-س، ق، ل ۲ (نیز لن، ب): دل مرد بسدل (لن ۲: بسدل) ندارد (ق، ل، آ، و، آ:
 نیارد: لی، ل ۲: نیابد) بها: متن = ف، س ۲ ۲۶-ف، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، و، آ): که نوشه بدی: س، ق (نیز ب): انوشه بدی: (لی، ب،
 لن ۲: که توشه ادزی: لی: که نوشه بزی: ل ۳: انوشه بزی): متن = ل ۲۷-ف، ل، ل ۲ (نیز ل، و): پیکر را: (و،
 متن = س، ق، س ۲ (نیز ق، ب) ۲۸-لن، پ، لن ۲: از اندوه و اندیشه آزادی: لی، آ: همیشه ز تو دور دست بدی) ۲۹-ل:
 ل: بر پهلوان

چو پیران بیامد به^۱ پرده سرای
 چو هومان و نستیهن و بارمان
 بپرسید هومان ز پیران سخن
 همی آشتی را کند پایگاه^۵؟
 ۱۸۱۵ به هومان بگفت آنک^۷ شنگل چه گفت^۸
 غمی گشت هومان، به گفتار^{۱۰} سخت
 به پیران چنین گفت کز آسمان
 بیامد به ره پیش گلباد^{۱۱} گفت
 ۱۸۲۰ گر آن رستمست او که^{۱۲} من دیده‌ام
 [نه شنگل بماند برین دشت کین
 [نه این زنده پیلان آراسته
 نباید شدن یک زمان زین میان^{۱۶}
 ببینی کزین لشکر بی‌کران^{۱۷}
 ۱۸۲۵ دو بهره بود زیر خاک اندرون
 بدو گفت گلباد کای پاک تن^{۱۹}
 تن^{۲۱} خویش یکباره^{۲۲} ننگی^{۲۳} مکن
 ز ناآمده کار دل را به غم

برفتند پُرمایه ترکان^۲ ز جای
 که گه تیره بودند و گه شادمان^۳
 که گفتارتان^۴ بر چه آمد به بُن؟
 و گر جنگ^۶ جوید سپاه از سپاه؟
 سپه گشت با او به گفتار^۹ جفت
 برآشت با شنگل شوربخت
 گذر نیست، تا بر چه گردد زمان
 که شنگل مگر با خرد نیست جفت
 ز گردنکشان نیز بشنیده‌ام^{۱۳}،
 نه گنڈر^{۱۴} نه منشور و خاقان چین]
 نه این تخت و این تاج و این خواسته^{۱۵}]
 نگه کرد باید به سود و زیان
 جهان گیر و با گرزهای گران^{۱۸}،
 کفن جوشن و ترگ شسته به خون
 چنین تا توان فال بد را مزین^{۲۰}
 مگر کز گمان^{۲۴} دیگر آید سخن
 سزد گر نداری، نباشی دژم^{۲۵}

۱- ق: برآمد تبیره ز ۲- ق: لشکر؛ س: ترکان چینی ۳- ل: که با تیغ بودند گر با سنان؛ س: ل: (نیز ق، ل، پ، ب): که یا (تا، با) تیره
 (نیزه) باشند اگر شادمان؛ (لن، پ، ل): اگر غمگنان اند اگر شادمان؛ و: که بی او نبودند دل شادمان؛ متن = ف، س: (نیز ل، آ): ق این بیت
 را ندارد ۴- ف، س، س: (نیز لن، و، لن، ب): پیکارتان (؟)؛ ل: گفتارشان؛ ل: گفتارها؛ متن = ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۵- س:
 جایگاه ۶- ل: کینه ۷- ل، ل، س، ق، س: آنچ؛ متن = ف، س: ۸- ل: بگفت ۹- س: ق: پیکار ۱۰- ل، ل، ق (نیز ق، ل،
 ل، پ، و، ب): از آن کار؛ س: بدان کار؛ س: (نیز ل، آ): از این کار؛ (لن: بگفتا که؛ لن: از گفتار)؛ متن = ف، ل: ۱۱- س: کلباد
 و ۱۲- س: آنک ۱۳- ف، س: (نیز لن، و): بشنیده‌ام (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: (نیز ق، آ، ب): نشنیده‌ام؛ متن = س: (نیز ل، پ،
 لن آ): ل، ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۴- (ق: کردوی)؛ متن = ف، ل، س: ل، س، ق (نیز لن، ل، ب) این بیت را
 ندارند ۱۵- ل، ل، س، ق، ل: (نیز لن، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س: ۱۶- س: بیاید شدن زین میان بی‌گمان؛ ل: بیاید شدن
 بی‌گمان زین میان؛ متن = ف، ل، ق، س: ل، پس از این بیت افزوده است:
 ببینی کزین لشکر بی‌شمار

نباشد کسی نزد او پایدار

۱۷- ف: بی‌شمار؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۸- ف: جهان گیر و زیبای هر کارزار؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۹- ل، ل، ق (نیز
 لن، ل، ل، پ، ل، آ): پیل تن؛ س: (نیز و، ب): رای زن؛ ل: نیک تن؛ (ق: تیغ زن)؛ متن = ف، س: ۲۰- ق، ل: چنین فال بد تا توانی
 مزین؛ متن = ف، ل، س، س: ۲۱- ق: دل ۲۲- ف: یک روز؛ (ل، و، آ: خود بیک مرد)؛ متن = ل- س: (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ل، آ،
 ب) ۲۳- ل، ل، ق (نیز لن، ل، پ، ل، ل، آ): غمگین؛ (ب: تنگی - تنگی)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ) ۲۴- س: آ:
 ز آسمان ۲۵- ل این بیت را ندارد؛ س، ق، س: در اینجا سرنویس دارند: سخن گفتن رستم با ایرانیان (س: و رفتن بجنگ؛ ق: و جواب
 گودرز)

<p>سَخُن‌های بایسته^۲ چندی براند فریرز و گسَته^۳ و خَرادِ^۴ نیو چو بیژن فروزنده‌ی کارزار هشیوار و بیداردل موبدان^۵؛ سزاوار^۶ باشد وُرا تاج و تخت، نباید که یازد به بیداد چنگ^۷ برین^۸ تیره‌خاک اندرون بر چه‌ییم^۹ ره ایزدی باید و بخردی^{۱۰} نباید بدو^{۱۱} شاد بودن^{۱۲} بسی ز کتری بود کمی و^{۱۳} کاستی سَخُن گفت با داغ^{۱۴} دل یک زمان، چه آمد به رویش ز تیمار و درد، به گفتار او^{۱۵} بُد که آمد^{۱۶} رها، که پیران به کین^{۱۷} گشته آید نخست، بسی باگهر نامورخویش^{۱۸} او^{۱۹}، شود گشته، این دیده‌ام من^{۲۰} به خواب، مگر گشته افکنده^{۲۱} در زیر پای، شود گشته این پیر با^{۲۲} انجمن</p>	<p>وُزین^۱ روی رستم یلان را بخواند چو طوس و چو گودرز و رُهام و گیو چو گرگین کارآزموده‌سوار تهمتن چنین گفت با بخردان کسی را^۲ که یزدان کند نیک‌بخت جهان‌گیر و پیروز باشد به جنگ، ز یزدان بود زور^۳ و ما خود که‌ییم^۴ نباید کشیدن کمانِ بدی^۵ که گیتی نمانده‌می بر کسی هنر^۶ مردمی باشد و راستی چو پیران بیامد بر من دمان^۷ که از نیکوی^۸ با سیاوش چه کرد فریگیس^۹ و کیخسرو از^{۱۰} آژدها ابا آنک^{۱۱} نزد^{۱۲} دلم شد درست برادرش و^{۱۳} فرزند بر پیش^{۱۴} او^{۱۵} ابر دست کیخسرو افراسیاب چنان دان که یک تن نماند^{۱۶} بجای ولیکن^{۱۷} نخواهم که بر دست من</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱-ق: وزان ۲-ق: شایسته ۳-ف: خرداد؛ (ق: گردان)؛ متن = ل-س (نیز لن، لی-ب) ۴-ف: مهتران؛ (و: سروران)؛
متن = ل-س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵-س، ق، س: که آترا؛ متن = ف، ل، ل: ۶-س: سرافراز ۷-ف: یازدی و روی
جنگ (!)؛ ل: یازد سوی جنگ جنگ؛ ل، ق (نیز ل): نباید که بیند ز خود زور (ل: روز) جنگ؛ (لن، لن: نترسد زیبل و نینگ و پلنگ؛
ق: باید کشیدن به نیروی جنگ؛ لی، آ: نیبند همان روز تار یک و تنگ؛ ب: و نباید کشیدن به نیروی جنگ)؛ متن = س، س: (نیز
ب) ۸-س: روز ۹-ف، س، س: که ای؛ ل، ق، ل: کییم ۱۰-ل، ل، س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س: ۱۱-ف، س، س: (نیز
چه ای؛ ل، ق، ل: چیم ۱۲-ل، ق (نیز ق، ل، ل، ب، و، آ): نباید (ل: نباید؛ ق، ق، آ، ل: باید) کشیدن کمان (گمان) از بدی؛ متن =
ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لن، ب) ۱۳-س: بخردی باید و ایزدی ۱۴-ف، س (نیز لن، ب، لن، آ): همی؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز
ق، ل، لی، ل، و، آ، ب) ۱۵-ق: بودن این ۱۶-ل: بدو؛ ق: همه؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۱۷-ل: بود مرد را ۱۸-ف: بر
مردمان (!)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۹-ل، ق: درد؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۲۰-ل، ل، س: نیکویی ۲۱-ف، ل، س، س: (نیز
ق، ل، ل، آ، لن، آ): فرنگس (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق، ل، ل (نیز لن، لی، ب، و، ب): فرنگس؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲-ل: (نیز
فرنگس را از دم ۲۳-س: وی؛ متن ← ۲۴-ل: بگفتار و کردار او شد؛ ق: بفرمان و گفتار او شد؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲۵-ل: (نیز
آنکه ۲۶-ل-س (نیز لن، ل، ب، و، لن، ب): اندر؛ (ق: این بر)؛ متن = ف ۲۷-ق: پیران یل ۲۸-ل: او ۲۹-ل، س، ق: در پیش؛ ل: برادرش را نیز و فرزند؛ متن = ف، س: ۳۰-ل، ل، س، س، آ: او؛ متن = ف، ق، ل: ۳۱-س، ق: نامور با گهر
خویش؛ ل: نامور خویش و پیوند؛ متن = ف، ل، س: ۳۲-ق: من دیده‌ام این ۳۳-ل (نیز ق، لی، ب، آ): گنهار یک تن نماند؛ س،
(نیز ب): ز ترکمان نماند یکی تن؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیز ل، و، لن) ۳۴-ل: گشته و خسته؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز
لن-ب) ۳۵-ل: ولیکن ۳۶-ل (نیز ب): در؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ق، و، لن، ب)

<p>ز بد در دلش هیچ^۴ اندیشه^۵ نیست گناه گذشته بیاید^۶ نهفت سپارد به ما، کین نباید^{۱۱} فرود به از راستی در جهان کار نیست سپاهی چنین همچو^{۱۵} دریای نیل، ازیشان نباشیم از آن پس^{۱۸} به رنج ندارند با ما به پیگار تاو^{۲۰} که نیکی دهش را جزینست راه^{۲۲} نیاید همه بهر یک نیک بخت^{۲۴}</p>	<p>که این را^۱ جز از^۲ راستی پیشه^۳ نیست گر^۶ ایدونک بازآید^۷ این را که گفت گنکار^۹ با خواسته هرچه^{۱۰} بود از آن^{۱۲} پس مرا جای پیگار نیست ورین^{۱۳} نامداران که بر پشت^{۱۴} پیل فرستند^{۱۶} نزدیک ما تاج^{۱۷} و گنج پذیرند یک یک به^{۱۹} ما باژ و ساو نداریم کس را به گشتن نگاه^{۲۱} جهان پُرز گنج ست و پُر تاج و تخت^{۲۳}</p>	<p>۱۸۵۰</p>
<p>بدو گفت کای مهتر داد و^{۲۵} راست فروزان به تو تخت و تاج و کلاه^{۲۶} روانت همی از خرد برخوردار^{۲۷} نگه کن که گاوت به چرم^{۲۸} اندرست کنون بشنو از گفته‌ی باستان گریزد چو گردن^{۳۰} ز سنگ^{۳۱} گران بکوشد که آن راستی نشکند^{۳۳}</p>	<p>چو بشنید گودرز بر پای خاست ستون سپاهی و زیبای گاه سر مایه‌ی تست روشن خرد ز جنگ آشتی بی‌گمان بهترست بگویم یکی پیش تو^{۲۹} داستان که از راستی جان بدگوه‌هران ور^{۳۲} ایدونک بیچاره پیمان کند</p>	<p>۱۸۵۵</p>
		<p>۱۸۶۰</p>

۱- ل. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. آ.)؛ او را؛ س (نیز ب)؛ پیران؛ متن = ف. س. (نیز ل. پ. و. ل. ا) ۲- ل. بجز ۳- س. آ. چاره ۴- ل. ق. راه؛ س. به از راستی هیچ؛ متن = ف. ل. آ. س. ۵- س. پتیاره ۶- س. ویر ۷- ل. س. ق. (نیز ل. ل. آ. ب.)؛ بازآرد (؟)؛ (پ. یاد آرد)؛ متن = ف. ل. آ. س. (نیز ل. پ. و. ل. ا.)؛ بازآید (؟) ۸- ل. نباید ۹- ل. گنکار و ۱۰- ل. س. هرچ ۱۱- ق. نخواهد ۱۲- ل. از این ۱۳- ق. س. (نیز ل. ل. آ. و. آ.)؛ وزیرین؛ س. وزان؛ (ق. کزین؛ ب. از آن)؛ متن = ل. (نیز ب) ۱۴- ل. س. (نیز ب. و.)؛ که با تخت و؛ ق. (نیز ق. ل. آ. ب.)؛ با تخت و؛ (ل. آ. با تخت و)؛ متن = ف. س. آ. ۱۵- ل. س. ق. (نیز ق. ل. ل. آ. ب. و. آ. ب.)؛ بدینسان (ق. آ. و. برینسان)؛ چو؛ متن = ف. س. ل. این بیت را ندارد ۱۶- ل. فرستاد ۱۷- ق. باژ ۱۸- ل. زمین پس؛ س. چندین؛ ق. از آن پس؛ متن = ف. ل. آ. س. ۱۹- س. ق. نر؛ متن = ف. ل. آ. س. ۲۰- س. چو در جنگ با ما ندارند تاو؛ ل. این بیت را ندارد؛ س. پس از این بیت افزوده است:

وزین نامداران با آب و جاه
که با تاج و گنج اند و با تخت و گاه

۲۱- ف. راه (پساوند ندارد) ۲۲- ل. س. ق. (نیز ق. و. آ. ب.)؛ گیتی بکشتن نگاه؛ متن = ل. آ. س. (نیز ل. ل. آ.) ۲۳- س. ل. آ. که نیکی دهش مان خرد داد و راه؛ ق. که نیکی دهش چننست راه (!)؛ متن = ف. ل. س. آ. ۲۴- ل. ق. نیاید... س. نیاید... س. (نیز ل. ل. آ. ب.)؛ نیاید (ل. آ. نیاید) همه بهره یک ز بخت؛ ل. (نیز ل. ب. و.)؛ نیاید (ل. آ. ب. نیامد؛ و. نیاید) همه بهره یک نیکبخت؛ (ق. ل. آ. نیاید همی) (ق. آ. همه) بهره نیکبخت؛ متن = ف. ل. س. ق. س. ۲۵- ل. رادو؛ ق. داد؛ متن = ف. س. ل. آ. س. ۲۶- ل. آ. سپاه؛ ل. شاه و تخت و کلاه؛ س. ق. تاج و تخت و کلاه؛ س. تخت و شادان کلاه؛ متن = ف. ل. آ. س. ل. آ. پرورد ۲۷- ل. س. ل. آ. س. ۲۸- ق. گاوش بختگ ۲۹- س. ق. به پیشت یکی ۳۰- ل. س. ق. ل. (نیز ل. ل. آ. ب. و. ب.)؛ گردون؛ متن = ف. س. آ. (نیز آ) ۳۱- ل. ق. (نیز ل. ل. آ. ب.)؛ بار؛ متن = ف. س. ل. آ. س. (نیز ل. پ. و. ب.)؛ (ق. آ. گردون و سنگ؛ ل. آ. ز گردون چو سنگ) ۳۲- ل. ق. گر ۳۳- ل. س. شکند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق. بشکند؛ متن = ف. ل. آ. س.

<p>تومشنو سَخُن زو و^۱ کزّی بین^۲ سَخُن رفت زین کار و^۳ پرداختیم که بیزارم از جنگ و ز دشت کین^۴ نخواهم بروبوم و خرگاه را کزین پس نباشد مرا جنگ جفت به خویشان بگوم که ما را^۵ چه رفت بریشان بمانم^۶ سزاوار جای^۷ به توران^۸ ترا تخت و گنج و^۹ نواست ز تو آشکارا نگرده گناه شب تیره با دیو^{۱۰} انباز^{۱۱} گشت که لشکر بیارای کامد سپاه نه سر بود از آن^{۱۲} کار پیدا^{۱۳} نه بُن جهانی سراسر سپه گسترید^{۱۴} یکی دیگر افگند بازی^{۱۵} به راه ز دانش سَخُن برفشانند^{۱۶} همی روا بُد که ترسیده از دیده شد سپهبد چو مَنثور^{۱۷} و فرطوس بود</p>	<p>چو کز آفریدش جهان آفرین نخستین که ما رزمگه ساختیم ز پیران فرستاده آمد برین میان بسته ام بندگی شاه را بسی پند و اندرز بشنید و گفت شوم - گفت - بیسیچم این کار تفت^۱ مرا تخت و گنج ست^۲ و هم چارپای بگفتم: ایدر بیایی رواست^۳ یکی گوشه یی گیر تا نزد شاه بگفتم و پیران بدین^۴ بازگشت هیونی فرستاد نزدیک شاه تو گفتی که با او نرفت^۵ این سَخُن دهم روز لشکر به هامون کشید کنون با تو ای پهلوان سپاه جز از رنگ و^۶ چاره ندانده می کنون از کمند تو ترسیده شد همه پشت ایشان به کاموس بود</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: [و] ۲- ف، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و لن، ب): مبین (!): ق (نیز لی، ل، آ): همیشه دل از درد دارد بکین؛ متن = (پ): ق پس از این بیت افزوده است:

چو کهنتر بیآورد از آن سرشپاه

جهان گشت بر چشم او برسیاه

۳- س، ل، آ: زین کار؛ ق: و آن کار؛ س: وزین کار؛ متن = ف، ل: ق پس از این بیت دو بیت و ل پس از بیت سپسین تنها بیت دوم را افزوده اند:

پیامی فرستاده نزدیک من
که من دیده دارم همیشه پر آب
که از گفتنش خیره گشت انجمن
ز گفتار و کردار افراسیاب

۴- ل: از دشت و زرنج و کین؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ ۵- ق: بیسیچم همه کارها گفت و تفت ۶- ق: بر ما ۷- ق: گنج و تخت است ۸- ل، س، ق، ل: بدیشان بمانم؛ متن = ف، س^۲ ۹- ق: بیزارم ز جای ۱۰- ل: چو گفت این بگفتم کاری رواست؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب): بگفتم (ب: بگفتم) از (س، ل، آ، ب: ار) ایدر بیایی (ق: بخواهی؛ س، ق، آ، لن، ب: بیایی؛ پ: نباشی) رواست؛ (و: بدو گفتم ایدر نباشی رواست)؛ متن = ف (واژه سم تنها دو نقطه در زیر دارد: بیای) ۱۱- س: ایران ۱۲- ل: [و]: س، ق: گنج و تخت و: متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۳- ل، س، ق: برین؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ ۱۴- س، ق: باد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۱۵- س: آ: همباز ۱۶- ل: با ما نگفت؛ س: با وی نرفت؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ ۱۷- ل: از این؛ متن ← ۱۸- ل، س: آ: هرگز؛ ق: بود پیدا از آن و: متن = ف، س ۱۹- س: برگزید ۲۰- س، ق: یکی بازی افگند دیگر؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: درق بیت ۱۸۷۶ با ۱۸۷۸ پس و پیش شده است ۲۱- ل: [و]: ق: جنگ ۲۲- ق: بر برآید (!): ل: این بیت را ندارد ۲۳- ل- س: آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ- ب): سکسار؛ متن = ف (نیز ل^۲)

- ۱۸۸۰ سر بخت کاموس برگشته دید
در آشتی کوبد اکنون همی
چو داند که تنگ اندرآمد نشیب^۲
گنہکار با گنج و با خواسته^۴
تو بینی^۶ که چون بردمد زخم کوس
سپهدار پیران بود پیشرو
دروغست یکسر^۹ همه گفت اوی^{۱۰}
اگر بشنوی سربسر پند^{۱۲} من
سپه^{۱۳} را بدان چاره اندرخواست^{۱۴}
که تا زنده ام خون سرشک من ست
- ۱۸۸۵
۱۸۹۰ چو بشنید رستم به گودرز گفت
چنین ست^{۱۶} پیران و این راز نیست
ولیکن من از^{۲۰} خوب گفتار^{۲۱} اوی^{۲۲}
نگه کن که با شاه ایران چه کرد
گر از گفته ی خویش بازآید او^{۲۶}
۱۸۹۵ به فتراک بر بسته دارم کمند
ز نیکوگمان اندرآیم نخست
چنو^{۳۰} بازگردد ز پیگار^{۳۱} خویش
برو^{۳۳} آفرین کرد گودرز و طوس
که خورشید بر تو ندارد فسوس
- به خم کمند اندرون^۱ گشته دید
نیارد نشستن به هامون همی
به کار آورد بند و رنگ^۳ و فریب
که گفته ست^۵ پیش آرم آراسته،
به جنگ اندرآید فریبرز و طوس^۷،
که جنگ^۸ آورد هر زمان نو به نو
نشاید جز از^{۱۱} آهرمن جفت اوی^{۱۰}
نگه کن به بهرام فرزند من
ز گودرزبان گورستانی^{۱۵} بساخت
یکی تیغ هندی بزشک من ست
- که گفتار تو با خرد باد جفت!
که آن^{۱۷} پیر^{۱۸} با ما^{۱۹} هم آواز نیست
نجویم^{۲۳} همی نیز^{۲۴} پیگار^{۲۵} اوی^{۲۲}
ز کار سیاوش چه تیمار خورد
چنین نزد^{۲۷} ما رزمساز آید او^{۲۸}،
کجا زنده پیل اندرآرم به بند
نباید مگر جنگ^{۲۹} و پیگار جست
نبیند^{۳۲} ز ما درد و تیمار خویش

۱- ل، ق: اندرش؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ ۲- ل، ق (نیز ل، پ): نهیب؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- س، ق: رنگ و بند ۴- ق: ز ترکان و ز گنج و آن خواسته ۵- س: که گفتا ۶- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب): ببینی؛ (لن، لن: تودانی)؛ متن = ف، س، آ (نیز پ) ۷- ل، ق (نیز ل، ل، پ، و، آ): سپهدار طوس؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۳ (نیز لن، ق، ل، لن، ب) ۸- ق: رزم ۹- س: گفتن ۱۰- ف- ل: او؛ متن = س^۴ ۱۱- ف: بجز؛ ل: جز؛ متن = ل، س، ق ۱۲- ق: پند و اندرز ۱۳- ق: که او ۱۴- س: اندرخواست ۱۵- ق: گورستانی ۱۶- س: چنین گفت (!) ۱۷- س، ق، ل: این؛ س: او؛ متن = ف، ل ۱۸- ف، س، آ (نیز ق، ل، ل، آ، لن، ل، ل، آ): نیز (پیر)؛ ل، س، ق: نیز (تنها دو نقطه در زبرد دارد)؛ متن = ل (نیز پ، و، ب) ۱۹- س: من ۲۰- س: مرا ۲۱- ل، ق: کردار؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۲۲- ف، ل، س، ق، س: او؛ متن = ل^۲ ۲۳- ق: نخواهم ۲۴- ل (نیز پ، و): کین و؛ ق: جنگ و؛ ل: ژرف؛ س: آ (نیز ب): نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: نیز؛ ل: خوب؛ آ: زود)؛ متن = ف، س (نیز لن، لن): نیز (تیز؟) ۲۵- (ق: بازار) ۲۶- ق: بازآمدی ۲۷- ل: بنزدیک ۲۸- ق: بدیشان نبردم فراز آمدی ۲۹- ق: کین ۳۰- ف، س، س: او؛ متن = ل، ق، ل^۲ ۳۱- ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز ق، و، آ): گفتار؛ (ب: پیمان؛ پیکار)؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، آ) ۳۲- ف، ق: ببیند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بندد (!)؛ ل، ل، آ، س (نیز ق، و، آ، ب): ببیند؛ متن = (لن، لن): بنداری؛ فان عدل هو عن مقاله آریناه جزاء فعاله ۳۳- ق: بدو

بزدیک تو بند و رنگ و دروغ
مباد این جهان بی سرو^۲ تاج شاه^۳!

سَخُن‌های پیران نگیرد فروغ^۱
تو بادی همیشه وُرا پیشِ گاه^۴!

چُنین گفت رستم که شب تیره گشت
باشید^۵ تا نیمشب می خوریم
ببینیم تا کردگار جهان
به ایرانیان گفت کامشب به می

ز گفتارها مغز ما^۵ خیره گشت
دگر نیمه تیمار لشکر بریم
برین^۷ آشکارا چه دارد نهان
یکی اختری افگم نیک‌پی
که کردی به مازندران^{۱۰} کارزار،
بدانگه^{۱۳} کجا پای دارد نهنگ^{۱۴}؟
همان زنده‌پیلان و هم^{۱۶} تخت عاج،
اگر^{۱۷} تاختن را ببندم میان

که فردا من آن^۸ گرز سام^۹ سوار
به گردن برآرم^{۱۱} شوم سوی جنگ^{۱۲}
سراپرده و افسر و گنج^{۱۵} و تاج
بیارم سپارم به ایرانیان

برآمد خروشی ز جای نشست
سوی خیمه‌ی خویش رفتند^{۱۸} باز

از آن نامداران خسروپرست
به خواب و به آسایش آمد نیاز

چو خورشید بنمود^{۱۹} زرین^{۲۰} کلاه
بترسید ماه از پی گفت و گوی^{۲۲}
تیره برآمد ز درگاه طوس
زمین نیلگون شد هوا پُر ز گرد^{۲۶}
سوی میمنه پورِ کشواد بود

چو سیمین سپر دید^{۲۱} رخسار ماه،
به خم اندرآمد^{۲۳} بپوشید^{۲۴} روی،
شد از گرد^{۲۵} اسپان زمین آب‌نوس
بپوشید رستم سلیح^{۲۷} نبرد
که با جوشن و گرزِ پولاد بود

۱- ل: نگیرد سخ‌های پیران فروغ؛ ق بیت‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ را ندارد ۲- ل: [و] ۳- س: بی سرشهریار ۴- ل: پیشگاه؛ س: پیشکار؛ متن = ف، ل، س ۵- ل، ق (نیز پ، و): مغزها؛ (لی، آ: مغزمان)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، لن، ب) ۶- ل (نیز لن، ق، ل، ل، پ): بیاشیم و؛ ق، س^۲ (نیز لی، آ): بیاشیم؛ (و: همان به که)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، ب) ۷- ق، ل: بدین؛ متن = ف، ل، س، س^۲ ۸- ف (نیز پ): و؛ ل: این؛ ل^۱ (نیز ق، ل، لن): از؛ (ل: بدین)؛ متن = س، ق، س^۱ (نیز لن، لی، و، آ، ب) ۹- ف: سام و (!) ۱۰- س: بسکساریان؛ ل: بگردن برآرم کم؛ (لن، پ، لن): که کردم مازندران؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ بنداری: اِنی سَاحِلِ غِدا ذلک الجِزر الذی کان یقاتل به جدی سام بن نریمان فی وقائع مازندران ۱۱- ل: از ایدر برانسان ۱۲- س: جنگجوی ۱۳- ق: بدانجا ۱۴- س: کروی ۱۵- س، ق، ل، ل، س^۱ (نیز لن، ق، لی، و، لن، آ، ب): گرز؛ (ل: طوق)؛ متن = ف، ل (نیز پ): بنداری: ثم استبیح سِرادقات خاقان الصین، وأسلبه تاجه و تخته و فیلته و خيله ۱۶- ق، س: آن؛ متن = ف، ل، س، س^۱ ۱۷- ل: چو من ۱۸- ل: خیمه رفتند و گشتند ۱۹- س، ل: چو بنمود خورشید ۲۰- ل، س، س^۱ (نیز لن، ب): رخشان؛ متن = ف، ق، ل^۱ ۲۱- ف: گشت؛ متن = ل، س^۱ (نیز لن، ب) ۲۲- ل، ق: گفت گوی ۲۳- ف ناخواناست؛ متن = ل، س^۱ (نیز لن، ب) ۲۴- ل: بپسیدید؛ برخی از دست‌نویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ل، س: رزم رستم با خاقان چین و گرفتن خاقان (س: و گردان توران زمین)؛ ل: رزم رستم با گردان چین و ترکان و هندوان؛ س: لشکر آراستن خاقان چین ۲۵- س، ق: نعل؛ ل، س: خاک؛ متن = ف، ل ۲۶- س: لاجورد؛ ل: پر زرد (!) ۲۷- ف، س، س: سلاح؛ متن = ل، ق، ل^۱

دل نامداران ز ^۱ کینه بشست ^۲	فریبرز بر میسره جای جُست
نماند آن زمان بر زمین نیز جای	به قلب اندرون طوسِ نوذر به پای
که دارد یلان را ز دشمن نگاه	تهمتن بیامد به پیش سپاه
ز پیلان زمین ^۳ چون گُه بیستون	و زان روی خاقان به قلب اندرون
سُوری دلاور به شمشیر و تیر ^۴	ابر میمنه کُنڈر شیرگیر ^۵
زمین خفته در زیر نعلِ سوار ^۶	سوی میسره جنگ دیده ^۷ گهار
بیامد بر شنگلِ رزمخواه ^۸	همی گشت پیران به پیش ^۹ سپاه
ز توران به ^{۱۰} فرمان ترا ^{۱۱} تا به سِند،	بدو گفت کای نامبردار هند
ز هر سو به جنگ اندرآرم ^{۱۲} سپاه	مرا گفته بودی که فردا پگاه
سرش را ز ابر اندرآرم به گرد ^{۱۵}	و زانپس ^{۱۳} بجویم ز رستم ^{۱۴} نبرد
نگردم، نبینی ز من کم و بیش	بدو گفت شنگل: من از گفت خویش
تنش را کنم من مُغلبتر به تیر ^{۱۷}	هم اکنون شوم پیش این ^{۱۶} گردگیر
به ^{۱۹} ایرانیان بر کم کار ^{۲۰} تنگ ^{۲۱}	ازو کین کاموس جویم به جنگ ^{۱۸}
بزد کوس و از ^{۲۳} دشت برخاست گرد	همانگه سپه را به سه بهر ^{۲۲} کرد
سپه بود صف برکشیده دو میل	برفتند یک بهره با زنده پیل ^{۲۴}
همه پاک با افسر و گوشوار	سر پیل پُر نقش و رنگ و نگار ^{۲۵}
میان بند کرده به زرین کمر	بیاراسته گردن از ^{۲۶} طوقِ زر

۱-س، ق، س^۲ (نیز، لن، ق، آ، و، ب): به؛ متن = ف، ل (نیزی، ل، پ، لن، آ) ۲-ل: زمین را بخون دلیران بشست ۳-ل: زمی
 ۴-ل: شیرمرد ۵-ل: بگناه نبرد ۶-س: رزم دیده ۷-ل: استوار؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز
 لن-ب) ۸-ق: بقلب ۹-س، ل: نامخواه؛ س^۲: نیکخواه؛ متن = ف، ل، ق ۱۰-ل، ق (نیزی، ل، آ): ز بربره؛ س، س: ز
 قنوج؛ (لن، لن: ز شروان به؛ ب: ز پروان به)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز، و) ۱۱-ل، ق، ل: تو؛ متن = ف، س، س: ل (نیز، پ) پس از این
 بیت افزوده اند:

به ایران و توران ترا نیست (پ: نداری تو) یار زمانه نبیند چوتویک سوار

۱۲-ق: اندرآور؛ ف: ز جنگ اندرآرم بهر سو (!)؛ س، ل: چوهر سو بجنگ اندرآید؛ متن = ل، س^۲ (نیز، لن، ق، آ، پ) ۱۳-ل: از
 آپس ۱۴-ل: ز رستم بجویم؛ ق: ز رستم بجویی؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ ۱۵-س: سر همنبرد اندرآرم بگرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۲؛
 در ف بیت های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ دوبار آمده اند و یکبار در لت دوم بیت ۱۹۲۵ دارد: به ابر اندرآرم ز گرد (!) ۱۶-س، س: آن؛ ق: شوم من
 کنون پیش؛ ل: شوم هم کنون پیش آن؛ متن = ف، ل ۱۷-ل: کم پاره پاره بتیر؛ س: مغلبتر کم من بتیر؛ ق: کم رخنه برسان شیر؛ ل، س^۲
 (نیز، لن، ل، آ، پ، ب): کم من مغربل بتیر؛ (ق: کم خسته از زخم تیر؛ ل، آ: کم من بغربال تیر؛ و: بدوزم به پیکان تیر)؛ متن = ف (نیز، لن، آ)؛
 بندگان: فأغربل جسده بنوافذ السهام ۱۸-ف: نخست؛ متن = ل-س^۲ (نیز، لن-ب) ۱۹-س، ق، ل: بر؛ متن = ف، ل،
 س^۲ ۲۰-س، ل^۲ (نیز، لن، پ، و، لن، آ، ب): جای؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیز، ق، ل، آ) ۲۱-ف: سست؛ متن = ل-س^۲ (نیز
 لن-ب): بندگان: فأنتمم لکاموس منه، وأفجع الإيرانيین به ۲۲-س، ق، ل، س^۲: بهره؛ متن = ف، ل ۲۳-ف، ل، ق: وز؛ متن = س،
 ل، س^۲ ۲۴-ف، س: زند پیل؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ ۲۵-ف، ق، س^۲ (نیز، ل): پرنقش کرد و (ق، ل): کرده نگار؛ (لن، لن): پر
 رنگ (لن): زنگ و نقش و نگار؛ ل (نیز، ق، آ، پ، و): سر پیلبان پر (ق، آ): و پیلبانان (ق، آ): به رنگ و نگار؛ متن = س، ل^۲ (نیز
 ب) ۲۶-ف: بیاراست بر گردنش؛ س: بیاراسته گردنش؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز، لن، ق، آ، ل، پ-ب)

نهاده برو تخت و مهد زرین ^۱	فروهشته از پیل دیبای چین	
برفتند پیلان جنگی ز جای ^۳	برآمد دم و ناله‌ی گره‌نای ^۲	
سواران گردنکش ^۶ نیزه‌دار ^۷	بیامد سوی میمنه ^۴ سی هزار ^۵	۱۹۳۵
کمان برگرفتند ^{۱۰} و چینی سپر	سوی میسره ^۸ سی هزار ^۹ دگر	
همی برنوشتند روی زمین ^{۱۲}	به قلب اندرون پیل و ^{۱۱} خاقان چین	
یکی تیغ هندی گرفته به کف	همی رفت ^{۱۳} شنگل میان دو صف	
بسی مردم از دُنبَر ^{۱۴} و مرغ و مای ^{۱۵}	یکی چتر هندی به سربر به پای	
ابا او به جنگ اندرآورده روی ^{۱۷}	پس پشت و دست چپ و راست اوی ^{۱۶}	۱۹۴۰
ز رزم تهمتن تن ^{۲۰} آزاد کرد ^{۱۹}	چوپیران چنان ^{۱۸} دید دل شاد کرد ^{۱۹}	
به کام دل ما بود ^{۲۱} روزگار ^{۲۲}	به هومان چنین گفت کامروز کار	
سرافراز هر یک بکردار شیر	بدین ساز و چندین ^{۲۳} سوار دلیر	
یک امروز و فردا مکن رزم رای ^{۲۶}	تو امروز پیش صف اندر ^{۲۴} میای ^{۲۵}	
که داند ترا، با ^{۲۸} سواری دویست	پس پشت خاقان چینی بایست ^{۲۷}	۱۹۴۵
بیند ترا، کار گردد تباه	اگر زاوی ^{۲۹} با درفش سیاه	
چه بازی کند بخت بیدار ما ^{۳۰}	بینیم تا چون بود کار ما ^{۳۰}	

۱- ف: برین؛ ل، س، ل: مهدی زرین؛ س: مهدی بزین؛ (پ، ب: بهری بزین؛ و: شاه زمین)؛ ق: همی برنوشتند روی زمین (= ۱۹۳۷ ب)؛ (ل: نهاد از بر پیل تخت زرین)؛ متن = (لن، لی، لن، آ) ۲- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ل، آ، س ۳- ل: سپه چون سپهر اندرآمد ز جای؛ ق این بیت را ندارد ۴- ف، ل، ل: (نیزپ، و، ب): میسره؛ متن = س، ق، س: (نیزلن، ق، لی، ل، لن، آ) ۵- ف، س: (نیز ق)؛ صد هزار؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ فجعل فی المیمنة ثلاثین ألفا ۶- ل: گردنکش و ۷- ل: نامدار ۸- ف، ل: (نیزپ، ب): میمنه؛ متن = س، ل، آ، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ف، س: (نیز ق)؛ صد هزار؛ متن = ل، س، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و فی المیسرة ثلاثین ألفا ۱۰- س: کمان بر سر و دست؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- س: [و]؛ ل: اندرون بود ۱۲- ق: نهاد ابر پیل تخت زرین (← ۱۹۳۳ ب)؛ ل: (نیز پ) پس از این بیت افزوده‌اند:

جهان سر بر آهین گشته بود	بهر جایگه بر تلی کشته بود
ز بس ناله نای و بانگ درای	زمین و زمان اندر آمد ز جای
ز جوش سواران و ز داروگیر	هوادام کرکس بُد از پرتیر
کسی را نماند اندر آن دشت هوش	ز بانک تبیره شده کر گوش

۱۳- ل: (نیز پ): گشت؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ جعل ۱۴- ل: دیول؛ ق: ابا او بسی مردم)؛ متن ← ۱۵- ف، س: نگاریده بروی نگارهای؛ (و: بسی لشکر و مردم و چار پای)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن، لی، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۶- ل: او؛ ل، س: دست راست؛ ق: پس پشت او و چپ و دست راست؛ متن = ف، س ۱۷- ل: رو؛ س: راست (پساوند ندارد)؛ ل: بچنگ اندر آورده زانسو که خواست؛ ق: همی رفت با او از آنسان که خواست؛ متن = ف، س؛ درس ۲ پس از این بیت، بیت ۱۹۴۳ آمده است ۱۸- ق: ورا؛ س: چنین؛ متن = ف، ل، س، ل: ۱۹- س، ق: گشت؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: ۲۰- ل: (نیز ق، پ): دل؛ س، ق: (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): سر؛ متن = ف، س: (نیزلن، لن) ۲۱- ل: کند ۲۲- س، ق: کارزار؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: ۲۳- ل: چندان؛ درس ۱ این بیت پس از بیت ۱۹۴۰ آمده است ۲۴- ق: در پیش صف در ۲۵- ف: (نیز ق، ل، پ، ب): میای؛ س: (نیزلن، و): مای (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز لی، لن، آ) ۲۶- ق: یاد (پساوند ندارد) ۲۷- س: درایست ۲۸- ق: چون ۲۹- ل، س، ق، ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): که گرزایی؛ متن = ف، س: (نیز و) ۳۰- ق: مان

گفتار اندر باز آمدن پیران و یسه بار دوم^۱

و ز آنجایکه شد^۲ بدان^۳ انجمن
 فرود آمد و آفرین کرد چند
 ۱۹۵۰ مبادا که روز تو^۴ گیرد نشیب
 برقم ز نزد تو ای پهلوان
 بگفتم هنرها همه^۶ هر چه^۷ بود
 هم از آشتی^{۱۰} راندم^{۱۱} هم ز جنگ
 به فرجام^{۱۴} گفتند کین چون کنیم
 ۱۹۵۵ توان داد گنج و زر^{۱۵} و خواسته
 نشاید گنهکار دادن بدوی
 گنهکار جز خویش افراسیاب
 ز ما هر که^{۲۰} خواهی^{۲۱} همه مهترند
 سپاهی بیامد^{۲۴} ازینسان^{۲۵} ز چین
 ۱۹۶۰ همی^{۲۷} آشتی خواست^{۲۸} افراسیاب
 به پاسخ نکوهش بسی یافتم
 به جایی^۴ که بُد سایه‌ی پیلتن،
 که زور از تو گیرد سپهر بلند
 مبادا که آید به رویت نهیب
 پیامت بدادم به پیر و جوان
 ز^۸ گیتی ترا خود که یارد^۹ ستود
 سخن^{۱۲} گفتم از هریکی رنگ رنگ^{۱۳}
 که از رای او کینه بیرون کنیم؟
 ز ما^{۱۶} هر چه^{۱۷} او خواهد آراسته،
 براندیش و این رازها^{۱۸} بازجوی!
 که دانی؟ سخن را مزن در شتاب^{۱۹}!
 بزرگند و^{۲۲} با تخت و با افسرند^{۲۳}
 ز سقلاب و ختلان و^{۲۶} توران زمین،
 که چندین سپاه آرد^{۲۹} از خشک و آب؟
 ازیرا^{۳۰} سوی پهلوان تافتم

۱- ف: گفتار اندر باز آمدن پیران و یسه بار دوم بمصافگاه بنزدیک رستم و گزاردن پیغام ترکان بدو؛ ق: آمدن پیران دوم نوبت نزد رستم زال؛ متن = آغاز ف ۲- ل: و زانجا بیامد؛ س: در آن جایگاه شد؛ متن = ف، ل، س، ق ۳- س: از آن ۴- ق: بدانجا ۵- ف، ل: (نیز ل): روز از تو(؟)؛ (ل: آ: زور تو؛ و، ل: زور از تو)؛ متن = ل، س، ق، س ۶- نیز ق، ل: پ، ب: ل: (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند: دل شاه ایران بتوشاد باد همه کار توسر بسرداد باد
 ۶- ل، ق: (نیز ل، ق، آ، لی، ل، ل، آ، ل): هنرهای تو؛ ل: سخنها بگفتم همه؛ متن = ف، س، س ۷- ل، س: (نیز پ، و، ب) ۷- ل، س: هرچ ۸- ل، ق، ل: (نیز ل، آ): به؛ متن = ف، س، س ۹- نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ق، س: (نیز ل، آ، ب): داند؛ س: که داند ترا خود؛ متن = ف، ل، ل: (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل) ۱۰- ف: راستی؛ متن = ل- س ۱۱- ق: (نیز ق، آ، ل، پ، ل): راندم و؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س: (نیز ل، لی، و، آ، ب) ۱۲- ق: بسی ۱۳- ل، ق، ل: (نیز ق، آ، لی، ل، آ): هر دری بی درنگ؛ س، س: (نیز پ، و، ب): هر دری رنگ رنگ؛ متن = ف (نیز ل، ل، ل) ۱۴- ل: سرانجام ۱۵- ل، ق: (نیز پ): دل؛ (و: تن)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ق: من ۱۷- ل، س: هرچ ۱۸- ل: کار را ۱۹- ل: که چندین سپاه آرد از خشک و آب (= ۱۹۶۰ ب)؛ ل ۱۹۵۷ ب- ۱۹۶۰ آ را انداخته و از ۱۹۵۷ آ و ۱۹۶۰ ب یک بیت ساخته است ۲۰- ل: هرک؛ س: هر چه ۲۱- ل، س، ق: (نیز ل- ب): خواهد؛ متن = ف، س، س ۲۲- س: بزرگان ۲۳- س: با زیورند؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۹۶۰ پ آمده است ۲۴- س: برآمد؛ ق: بدینسان ۲۵- ل: بدینسان؛ س: برینسان؛ ق: نیامد ۲۶- ف: حنلان و؛ ل: (نیز و): حنلان و (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س: (نیز ق، آ): هند وز؛ ق: زمرز؛ (لی، آ: کیلان؛ ل: جیلان؛ ل: خندان)؛ متن = س: (نیز ل، پ، ب) ۲۷- ل، ق: (نیز لی، ل، آ): کجا؛ متن = ف، س، س ۲۸- ل: (نیز ل، آ، ل): خواهد؛ ق: جوید؛ متن = ف، س، س: (نیز ل، پ، و، ل) ۲۹- ل، ق: (نیز ل): آمد؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز ل، لی، پ، و، ل، آ)؛ ف، س: پس از این بیت و س پس از بیت ۱۹۵۸ افزوده اند:

چگونه سپارم و این کی توان ازین آرزو پیر گردد جوان

این بیت در هیچیک از دوازده دستنویس دیگر نیست ۳۰- ل: بدینسان؛ س، س: عنان را؛ ل: و زانجا؛ (پ، ب: از ایوان → ازیرا)؛ متن = ف، ق: (نیز ل، ق، آ، لی، ل، ل، آ)

ز ما پند چیزی نماندمی^۱ ترا جز که^۲ سگری نخواندمی^۳
 و زیشان^۴ سپاهی چو دریای آب
 نبرد تو خواهدهمی شاه هند
 مرا این درستست کز پیلتن ۱۹۶۵

چو بشنید رستم برآشفست سخت
 چه دانی جز از^۷ بند و چندین فریب
 مرا از دروغ تو شاه جهان
 بدیدم کنون دانش و رای تو
 بغلغتی^{۱۲} همی خیره در خون خویش ۱۹۷۰
 اگر دوزخستی بهستیت^{۱۴} جای
 مگر گفتم این خاک بیداد^{۱۶} شوم
 چنین زندگانی نیارد^{۱۸} بها
 ببینی مگر^{۲۰} شاه با داد و مهر
 ترا خوردن مار و^{۲۱} چرم پلنگ ۱۹۷۵
 ندارد کسی با تو زین^{۲۳} داوری
 به پیران چنین گفت کای شوربخت،
 کجا پای داری تو اندر^۸ نشیب^۹
 بسی یاد کرد آشکار و نهان^{۱۰}
 دروغست یکسر سراپای تو^{۱۱}
 بدست این و زین بتر آیدت^{۱۳} پیش
 ز بومی^{۱۵} که داری همی زیر پای
 گذاری بیایی^{۱۷} به آبادبوم
 که باشد^{۱۹} سر اندر دم آژدها
 جوان و نوازنده و خوبچهر
 همی خوشتر آید ز دیبای رنگ^{۲۲}
 ز تخم پراکنده^{۲۴} خود^{۲۵} برخوردار

۱- ف (نیز و): ز ما نیز چیزی نماندمی (و: نماند همی): س، ل (نیز ب): ز مانند چیزی نمانند (نماند) همی؛ ق: ز من بند و عشوه ندانند هیچ؛ س:
 ازین بندما می بماند همی: (لن: ز شنکل سخن خود نراند همی؛ ق: پسند توره جو بماندمی؛ ل: ز ما پند چیزی نخواهد همی): در س به خطی
 دیگر در کناره افزوده اند: مرا پیر و ترسنده خوانند نیز: متن تصحیح قیاسی است ۲- س، ل، س (نیز لن، و، لن، ب): که؛ متن = ف، ق (نیز
 ق، ل، آ) ۳- ق: نخوانند هیچ؛ ل، س (نیز لن، ل، و): نخواند همی؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، ب): س در کناره: ندانند نیز؛ ل (نیزی، ب،
 آ) این بیت را ندارند ۴- ل: ازیشان ۵- س: کینه؛ ف: این بیت را ندارد: در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده
 است ۶- س: چینی؛ ق، ل: رومی؛ متن = ف، ل، س ۷- س: تو این؛ ل، س (نیز لن، ل، آ): چنین؛ (ب: جز این)؛ ل، ق (نیزی، آ):
 توبا این چنین؛ (ق: چه رانی چنین؛ و: چه داری چنین؛ لن: چودانی چنین)؛ متن = ف (نیز ب) ۸- ل: بروز ۹- ل، ق، ل، س (نیز
 لن، ق، ل، ب، ل، آ): بیب؛ متن = ف، س (نیز ل، و) ۱۰- ل (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزانپس کجایر گودرز گفت همه بند و نیرنگت اندر نهفت

۱۱- ل بیت های ۱۹۶۹ - ۱۹۷۱ را ندارد ۱۲- س، ق، س، ق، س، ل: بغلطی؛ متن = ف، ل ۱۳- س: این و از بد بد آیدت: ق: این و این بد
 ببینی تو؛ متن = ف، ل، س ۱۴- ف: دوزخی را بهشتت؛ (لن، ل): دوزخستی بهشتت؛ ق، ل، ب: دوزخست ار (ب: از) بهشتت؛
 ل، و، آ: دوزخ و گر بهشتت؛ ب: دوزخستی بهشتت؛ متن = س ۱۵- س (نیز ب): تختی؛ (ق: تخمی)؛ متن = ف (نیز هفت دستنویس
 دیگر)؛ ل، ق، ل، س این بیت را ندارند ۱۶- س: بیداد و ۱۷- ف: بیای و (!): متن = ل، س (نیز لن، ب) ۱۸- ق:
 ندارد ۱۹- ل، ق، ل، آ: دارد؛ س: آرد؛ متن = ف، ل، س: در س این بیت پس از بیت ۱۹۷۵ آمده است ۲۰- س: رخ؛ ل: که باشد ترا؛
 متن = ف، ل، ق، س؛ ل (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

بندارد ترا چون پدربنی گسمان برآرد سرت برتر از آسمان

۲۱- ل، ق (نیز ل): ترا پوشش از خود (ل: خوگ) و؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۲۲- س، س (نیز ق، ل، ل،
 لن، آ، ب): دیبا برنگ؛ (ب: دیبا و رنگ)؛ ل: بسی خوشتر از دیبه رنگ رنگ؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ل، ب) ۲۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ،
 ب، و): این؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب) ۲۴- ل: پراکند ۲۵- س: هم

برومند و^۱ شادان^۲ و زیبادرخت^۳،
که از مهتران بر تو باد آفرین!
همیشه روانم گروگان تُست
بگویم^۵ سَخُن نیز با انجمن

بدو گفت پیران که ای نیک بخت
سَخُن ها که داند جز از^۴ تو چُنین؟
مرا جان و دل زیر فرمان تُست
یک امشب زخم رای با خویشتن ۱۹۸۰

دلش^۷ پُر دروغ و سرش^۸ کینه خواه^۹
زمین شد بکردار جوشنده^{۱۰} کوه
که من جنگ را بسته دارم میان^{۱۱}
بروهای^{۱۴} جنگی پُر از چین کنید
پدید آید اندازه‌ی گرگ و میش
- ازین روز^{۱۶} بودم دل اندر هراس -
جهان را بشوید به خون همگروه^{۱۸}
بدان^{۲۰} جنگ^{۲۱} بی‌مرد گردد جهان
شود گرز پولاد برسان موم^{۲۲}
شما دل مدارید ازین کار تنگ^{۲۴}
اگر بار باشد سپهر بلند
مباشید از آن^{۲۶} نامداران ستوه
نمیرم به بزم^{۲۷} اندرون بی‌گمان
نمانی همی، کار چندین مساز^{۳۰}

و زانجا بیامد به قلب سپاه^۶
چو برگشت پیران، ز هر دو گروه
چُنین گفت رستم به ایرانیان
شما^{۱۲} یک‌بیک سر^{۱۳} پُر از کین کنید
که امروز رزمی^{۱۵} بزرگست پیش
مرا گفته بود این ستاره‌شناس
که رزمی بود^{۱۷} در میان دو کوه
شود^{۱۹} انجمن کاردیده مهان
پی کین نهان گردد از روی بوم
هر آنکس که آید بر من^{۲۳} به جنگ
دو دستش ببندم به خَم کمند
شما سربسر، یک‌بیک، همگروه^{۲۵}
مرا گر به رزم اندر آید زمان
ترا^{۲۸} نام باید که ماند دراز^{۲۹} ۱۹۸۵

۱- ف، ل، [و] ۲- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، لی، پ، لن، آ، ب): شاداب؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، و) ۳- س، ق (نیز ب، ب):
زیبای تخت؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ق: بجز ۵- ف: نگویم؛ س، ق: نگویم (حرف یکم نقطه ندارد)؛
متن = ل، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۶- ل: پرده سرای ۷- ل (نیز ب): زبان؛ س (نیز ب): سرش؛ (ق: لیش)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز
لن، لی، و، لن، آ) ۸- ل: روان؛ س (نیز ب): دلش؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل- آ) ۹- س، ق (نیز ل، لن، آ، ب): پرگناه؛ ل:
پرزرای؛ متن = ف، ل، س (نیز ق- و، آ) ۱۰- ل، س، آ: رخشنده؛ متن = ف، ل، س، آ: ق این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد:
اندرز کردن رستم ایرانیان را و رفتن بجنگ ۱۱- س پس از این بیت افزوده است:

شما سربسریک بیک همگروه یکی رزم سازید برسان کوه

۱۲- س: همه ۱۳- ق: دل ۱۴- ف، ق، س: بروها؛ متن = ل، س، ل، آ، س: جنگی ۱۵- س: جنگی ۱۶- ل: رزم؛ س: ز امروز؛ ق:
وزین رزم؛ متن = ف، ل، س ۱۷- ق: که جنگی شود ۱۸- ق: خون گروه؛ ل، س (نیز ق، آ، ب، و، ب): جهانی شوند (س، و: شود)
اندر آن همگروه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، لی، ل، لن، آ) ۱۹- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب): شوند؛ متن = ف، س
(نیز آ) ۲۰- س: بدین ۲۱- س، ل: رزم ۲۲- ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: ما ۲۴- ل، ق: از آن کار تنگ؛ س: شما
یک بیک دل مدارید تنگ؛ ل: شما هیچ دل را مدارید تنگ؛ متن = ف، س، آ ۲۵- س: شما یک بیک نیز با همگروه؛ ق: شما یک بیک
سربسر همگروه؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۶- س: ازین ۲۷- س: رزم (!) ۲۸- ل: همی؛ ق: مرا؛ متن = ف، س، ل، آ،
س ۲۹- ق: بجای ۳۰- ق: دیر چندین میای

<p>۱۹۹۵ دل اندر سرای سپنجی مبند و گَر^۳ یار باشد روان و^۴ خرد خداوند تاج و خداوند گنج چُنین داد پاسخ به رستم سپاه چُنان رزم سازیم با تیغ تیز</p>	<p>که پُر خون شود^۱ از عَنّا و گزند^۲ به نیک و به بد روز را بشمرد نبندد دل اندر سرای سپنج که فرمان تو برتر از چرخ ماه^۵ که ماند ز ما نام تا رستخیز</p>
<p>۲۰۰۰ ز دو رویه^۶ تنگ اندرآمد سپاه که باران او بود^۷ شمشیر و تیر ز پیکانِ پولاد و پَر عقاب سنان‌های^۸ نیزه به گرد اندرون از آوردن^۹ گرزهی گاوچهر ۲۰۰۵ درفشیدن تیغ الماسگون به خون^{۱۳} او به مغز اندرون خار^{۱۴} و خاک چُنین گفت گودرز با پیرسر ندیدم که رزمی بود زین نشان که از گشته گیتی بدینسان^{۱۹} بود</p>	<p>یکی ابر گفתי برآمد سیاه، جهان شد بکردار دریای قیر سیه گشت رخشان رخ آفتاب ستاره بیالود گفתי به خون تو گفתי همی سنگ بارد سپهر^{۱۰} شده ابر و باران آن^{۱۱} پُر ز خون^{۱۲} شده غرقه ترگ از سرش^{۱۵} چاک چاک که تا من^{۱۶} به مردی بیستم^{۱۷} کمر، نه هرگز شنیدم ز^{۱۸} گردنکشان، یکی خوار و دیگر تن‌آسان بود</p>

گفتار اندر رزم رستم با سنگل^{۲۰}

۱-س، ق: شوی ۲-ل (نیزو): چون بیایدت کند؛ س (نیزب): چون نیاید ببندد؛ (ق، پ: زو بیایی گزند)؛ متن = ف، ق، ل، ل، س^۲ (نیزلن، لی، ل، ل، ل، آ) ۳-ل، س، ق، ل (نیزلن-لن، ل، ب): اگر؛ متن = ف، س^۲ (نیزآ) ۴-ل، ق: روان با؛ س: روانت؛ ل^۲ (نیزلن، ب، لن، ب): روان را؛ متن = ف، س^۲ (نیزق، ل، ل، و، آ) ۵-ق، ل، ل، س: چرخ و ماه؛ متن = ف، ل، س ۶-ل: دورویه به ۷-ق: گرزو ۸-ق، ل، ل، س: سنان‌ها؛ متن = ف، ل، س ۹-ف: کرا [و] ردن (ح- کز آوردن؟)؛ ل، س، ل^۲ (نیزق، ل، ب، و، لن، ل، ب): جرنگیدن؛ ق (نیزل^۲): زافکندن؛ متن = س^۲ (نیزلی، آ) ۱۰-ق: زمهر ۱۱-ق: او ۱۲-س، ل، ل، س^۲ (نیزلن، ل، ب، لن، ل، ب): ابرخون؛ متن = ف، ق؛ ل این بیت را ندارد؛ س، ل^۲ (نیزلن، لی، لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

گرائیدن گرزهای گران چنان چون بود پتک آهنگران

۱۳-ق: بکام ۱۴-س: گرد ۱۵-ل (نیزو): غرق و برکستوان؛ س (نیزب): خود و سرها همه؛ ق: غرق و ترگ از برش؛ ل^۲ (نیزق، ل، لن، ل): غرق و ترگ سران؛ س^۲ (نیزل^۲): غرق ترگ از سرش؛ (لن: غرق ترگ سر از؛ لی، آ: غرق و ترگ از سرش؛ ب: خود و ترگ سران)؛ متن = ف؛ ل (نیزب) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه دشت یکسر پر از جوی خون بهر جای چندی (ب: جنگی) فکنده نگون
 چوپیلان فکنده بهم میل میل برخ چون زریرو بلب همچونیل

۱۶-س: که من تا ۱۷-ل، ق: بیستم مردی ۱۸-س: میان دلیران و ۱۹-ل: برینسان ۲۰-ف: گفتار اندر آمدن شکل
 بمصافگاه و رزم رستم خواستن و رفتن رستم بجنگ او و برگریختن او از دست رستم؛ س، ل، ل، س: رزم رستم با شکل هند (س: هندو؛ ل: و گریختن شکل؛ س: و گریختن شکل از پیش رستم)؛ ق: نبرد شکل شاه هند با رستم زال

- ۲۰۱۰ بغرید شنگل به^۱ پیش سپاه
ببینم^۴ که آن مرد^۵ سگزی کجاست
چو آواز شنگل به رستم رسید
چنین گفت کز کردگار جهان^{۱۰}
که بیگانه‌یی زان بزرگ انجمن
نه سقلاب مام بدیشان^{۱۴} نه هند
۲۰۱۵ بر شنگل آمد به آواز گفت
مرا نام رستم کند زال زر
نگه کن که سگزی کنون مرگ توست
- منم - گفت - گرداوزن^۲ رزمخواه^۳
یکی کرد خواهم بدو^۶ دست^۷ راست^۸
ز لشکر نگه کرد و او را بدید^۹
نجستم جزین^{۱۱} آشکار و نهان^{۱۲}
دلیری کند، رزم جوید^{۱۳} ز من،
نه شمشیر چینی^{۱۵} نه خفتان^{۱۶} پزند
که ای بدنژاد فرومایه جفت،
تو سگزی چرا خوانی ای بدهنز^{۱۷}؟
کفن بی گمان جوشن و ترگ توست
- همی گشت با او به آوردگاه
یکی نیزه زد برگرفتش ز زمین
بروبر گذر کرد^{۲۰} و او را نخست^{۲۱}
برفتند از آن روی^{۲۴} گنداوران
- میان دو صف برکشیده سپاه
نگوسار^{۱۸} کرد و زدش بر^{۱۹} زمین
به شمشیر برد آن زمان^{۲۲} شیر دست^{۲۳}
به زهر آب داده پزنداوران

۱- ل، ق: زه متن = ف، س، ل، آ، س ۲- ل (نیزلی، آ): گرداوزن؛ س، ل، آ (نیزلن، ب، و، لن، آ): گرد افکن؛ ق (نیزل، ب): شیراوزن؛
(ق، آ: شیراوزن)؛ متن = ف، س، ل، آ ۳- ق: کینه خواه ۴- ل: بگوید؛ ق: ندانم؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۵- ل: کان مرد؛ س، ل، آ:
که این مرد؛ س، آ: که امروز؛ متن = ف، ق: بنداری؛ این ذلک الرجل السجزی؟ ۶- ل، س، ل، آ: برو؛ متن = ف، ق ۷- ل، ق (نیزل، آ):
نیزه؛ متن = ف، س، ل، آ (نیزلن، ق، ل، ب، و، آ، ب) ۸- س، آ: یکی گرز خواهم برآورد راست؛ (لن، آ: همانا بچنگم گرآید
رواست) ۹- ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت هان آمدم رزمخواه مگر تا نگیری به لشکر پناه

۱۰- ل: گفت رستم که از کردگار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب) ۱۱- ف: بجستم بجز (!)؛ (لی، آ: بجستم همی)؛ متن = ل، س، آ
(نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: آرزوی آشکار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب) ۱۳- ل، آ: خواهد ۱۴- ف:
بایشان؛ ل: از ایشان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۵- ل، س، آ (نیزق، ل، آ، و، آ، ب): هندی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزب) ۱۶- ل،
ق، س، آ (نیزق، ل، آ، و، آ): چینی؛ س: رومی؛ (ب: هندی)؛ متن = ف، ل، آ (نیزب)؛ ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

پی و بیخ ایشان نمائیم بجای نمائیم بترکان (ب: برایشان) سر و دست و پای

۱۷- س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، ل، آ، و، لن، آ، ب): بدگهر (س نخست بدهنز داشته است)؛ (ب: بی هنر)؛ متن = ف، ل (نیزلی) ۱۸- ل،
س، ق، ل، آ: نگونسار؛ متن = ف، ل، آ ۱۹- ل، ق، ل، آ: کرد و بزد بر؛ س، آ: برزد بروی؛ متن = ف، س، ق: بجوشن نگه
کرد ۲۱- ف، ل، س: نخست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ: نخست؛ س، آ: نخست؛ متن = ق ۲۲- ل: آنکهی ۲۳- س، آ: زره بود
و جوشن تنش را نخست (= ۲۰۲۳)؛ س، آ، ب ۲۰۲۱- ب ۲۰۲۳- آ، آ، انداخته و از ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ ب یک بیت ساخته است ۲۴- ل: زان
روی؛ ف: یکی حمله بردند؛ متن = س، ق، ل، آ (نیزلن، ب)؛ ل (نیزب) پس از بیت ۲۰۲۲ افزوده اند:

چو شنگل گریزان شد از پیلتن پراکنده گشتند زان انجمن

دو بهره ازیشان به شمشیر کشت دلیران توران نمودند پشت

س، ل، آ (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) پس از بیت ۲۰۲۲ دو بیت و (لی، آ) تنها بیت دوم را افزوده اند:

یکی حمله بردند بر پهلوان ز ترکان سقلاب و از هندوان

گرفتند چون گورش اندر میان ربودندش از پیش شیر ژریان

ف، ق، س، آ (نیزل، آ) هیچیک از این بیت ها را ندارند

<p>زره بود و جوشن تنش را نَحَسْت!^۱ به گیتی کس او را^۳ هم‌آورد نیست مگر رزم سازند جمله^۴ گروه نجوید، چو جوید^۷ نیابد^۸ رها دگر بود رای و دگر بود یاد^{۱۰} برانند^{۱۱} یکسر بکردار کوه تنومند را سر^{۱۳} زیان آورند^{۱۲} چپ لشکر چینیان برشکست همه ره تن بی سر^{۱۷} انداختی نه با خشم او پیل را جای^{۲۰} بود که خورشید تاریک^{۲۲} شد بر سرش^{۲۳} که شد ساخته بر دل^{۲۶} شیرگیر، ز خون روی کشور میستان شده‌ست خروشان و جوشان و دشمن دُرم به کینه دل آگنده و جنگجوی تو گفتی همی ژاله بارد ز میغ تن و دست^{۲۸} و سربود و ترگ و کلاه^{۲۹} فتاده به مغز اندرون^{۳۰} چاک چاک</p>	<p>به جان شَنگُل از دست رستم بَجَسْت چُنین گفت شَنگُل که این مرد نیست^۲ یکی زنده پیل‌ست بر پشت کوه به تنها کسی جنگ^۵ این^۶ آژدها بدو گفت خاقان: ترا^۹ بامداد سپه را بفرمود تا هم‌گروه سرافراز را در میان آورند^{۱۲} به شمشیر برد آن زمان شیر دست^{۱۴} هر آنکه^{۱۵} که خنجر برانداختی^{۱۶} نه با جنگ او کوه^{۱۸} را پای^{۱۹} بود بدانسان^{۲۱} گرفتند گرد اندرش ز بس^{۲۴} نیزه و خنجر و گرز^{۲۵} و تیر گمان برد کاندز نیستان شده‌ست به یک زخم ده نیزه کردی قلم دلیران ایران پس پشت اوی ز بس نیزه و گرز و گوپال^{۲۷} و تیغ ز گشته همه دشت آوردگاه بلندآسمان چون زمین شد ز خاک</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ف: بَجَسْت؛ ل: س، ل، آ، س؛ س: بَجَسْت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق: س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) پس از این بیت و ل: پس از بیت ۲۰۲۶ افزوده‌اند: گریزان و رخسارگان پرز چین همی رفت تا پیش خاقان چین
 ۲- ف (نیز ق، ل، ب): کیست؛ متن = ل: س (نیز لن، ل، آ)؛ بندازی: إن هذا الرجل ليس بانسان، وماله في الرجولية ثان ۳- ل: کس او را بگیتی ۴- ل: یکسر ۵- ل: س، ل: رزم؛ متن = ف، ق، س ۶- ف: آن؛ ل: ق، با؛ س، ل: نره؛ متن = س ۷- ق: نجوید ۸- ف، ق: نیابد؛ ل: نیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = س، ل، آ، س ۹- ق: که از ۱۰- ل: س، ل: باد (نقطه ندارد)؛ (ق: باد؛ آ: داد)؛ ق: دگرگونه بودی و دیگر نهاد؛ س: دگر بود و از او دگر بود باد؛ متن = ف (نیز ل، ب، و، لن، آ، ب) ۱۱- ل: برآزند ۱۲- ف: آورید؛ متن = ل: س (نیز لن، ق، ل، ب) ۱۳- ل (نیز ب): جان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۱۴- س: یکی جمله آورد چون شیر مست ۱۵- ق: بدانکه ۱۶- ف، ل (نیز لن): برافراختی؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ب) ۱۷- ل (نیز لن، لن، آ، ب): همه دشت بی تن سر؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، و، آ) ۱۸- ق: نه با او گه و دشت ۱۹- س: جای ۲۰- س: پای؛ ل: رای ۲۱- س: برانسان؛ ل: برینسان ۲۲- ل: باریک ۲۳- ل: ق: از برش؛ ق پس از این بیت افزوده است:

درفش تهمتن میان گروه بسان درفش از برتیره کوه

۲۴- ل: چنان ۲۵- ق: خنجر و نیزه و تیغ ۲۶- ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، آ): یل؛ ق (نیز ل): تن؛ س: گو؛ متن = ف، س، ل (نیز ب) ۲۷- درب، لن، با سه نقطه ۲۸- ل: پشت ۲۹- س: وی سر کلاه ۳۰- س (نیز لن، ل، لن، آ، ب): بسی گردن و بر شده؛ ق، ل (نیز ق، ل): زهر سوهمی تن (ل: بر؛ ق: بخنجر) شده؛ متن = ف، س، ل این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت افزوده است: چنن گفت لشکر همه هم‌گروه که از کشتگان گشته هامون چو کوه

ز چینی و شکنی^۱ و از^۲ هندوی^۳ سپه بود بر خاک و دریای و کوه^۴ که با او به جنگ^۵ اندرون پای نیست کسی کو زند^۶ زین سخن داستان که پرخاشخر^۷ نامور صد هزار ۲۰۴۵ نه بازارگانی ست آن^۸ جنگجوی یکی آنک ما را نکوهش^۹ کنند و دیگر که او را به خشم آوری ازین کین بد آمد به^{۱۰} افراسیاب چنین گفت رستم به ایرانیان ۲۰۵۰ هم اکنون به پیلان^{۱۱} و آن^{۱۲} خواسته نباشد جز ایرانیان شاد^{۱۳} کس یکی را ز سقلاب و شکنان^{۱۴} و چین که امروز پیروزی روز^{۱۵} ماست

ز سقلاب و وهری^{۱۶} و از^{۱۷} پهلوی^{۱۸}، ز یک مرد خسته شده همگروه^{۱۹} به گیتی چن او^{۲۰} لشکر آرای نیست نباشد خردمند همدستان: بسنده نبودند با یک سوار ز هر کشوری آمده^{۲۱} نزد اوی^{۲۲} چن^{۲۳} از رزم جایی پژوهش^{۲۴} کنند رهایی نیابد^{۲۵} سر از^{۲۶} داوری ز رستم کجا یابد آرام و خواب کزین جنگ ایشان سرآمد^{۲۷} زیان چنان^{۲۸} تخت و آن^{۲۹} تاج آراسته^{۳۰}، پی رخس و ایزد مرا یار بس نامم که پی برنهد بر زمین بلند آسمان لشکرافروز ماست

۱- ف، س، ل، ن (نیزلی، ب): شنکی؛ (ل: سنکی)؛ متن = ل، ق، س، ا (نیزلن، ق، ا، ب، ل، ن، آ) ۲- ل، س، ا: وز ۳- ق: پهلوی ۴- ل، ل، س، ا: [و] ۵- ق: سندی ۶- ل، ق، س، ا: وز ۷- ق: پهلوی (در بالا افزوده است: هندوی) ۸- ل: سپه بود چون خاک دریای کوه؛ ق: سپاهست چندانک دریا و کوه؛ متن = ف، س، ل، س، ا ۹- ل: سکری شده همگروه؛ س: بستوه شد همگروه؛ ق: همی آمد از جنبش اوستوه؛ متن = ف، ل، س، ا: س پس از بیت ۲۰۴۲ افزوده است:

بهم بازگفتند پیر و جوان
وزان پس چنین گفت خاقان چین
که اهرمن است این مردم مخوان
که بر ما بد آمد ز ایران زمین

س، ا پس از بیت ۲۰۴۲ افزوده است:

همی گفت هر کس که یکبارگی
رسند این دلیران به بیچارگی

۱۰- س: رزم ۱۱- ل، س، س، ا: چنو در جهان؛ متن = ف، ل، ا: ق این بیت را ندارد ۱۲- ل (نیزق، ا، ب): کند؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ا (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- ف: پرخاش با (!)؛ س (نیزلن، ق، ا، ب، ل، ن، آ): پرخاشجو؛ متن = ل، ق، ل، س، ا (نیزلی، و، آ)؛ ف (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند: بگفتند با یکدگر این و آن که اینت یکی هول و کاری (لی، آ: هول جای و) عیان ۱۴- (ق، ا، ل، ن، آ: این؛ لی، آ: خود) ۱۵- ل (نیزلی، آ، ب): آمدن ۱۶- س، ا: تنگ روی؛ ف، ل (نیزل، آ) و این بیت را ندارند ۱۷- ل: پژوهش ۱۸- س، س، ا: جز؛ ق، ل: چو؛ متن = ف ۱۹- ل: نکوهش؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ل (نیزو) بیت های ۲۰۴۷ و ۲۰۴۸ را ندارند ۲۰- س، ا: نیارد ۲۱- ق: ازین ۲۲- س، ا: بر؛ در ل بجای این بیت، بیت ۱۷۶۱ آمده است ۲۳- ل: دشمن کند جان؛ س (نیزل، آ، و، ب): ما را سر آمد؛ ق (نیزلن، ق، ا، ب، ل، ن، آ): ما را نیامد؛ متن = ف، ل، س، ا (نیزلی، آ) ۲۴- ل، س، س، ا (نیزق، ا، لی، ب، و، آ، ب): ز پیلان؛ ق: همه پیل؛ ل: بر این پیل؛ (ل: ازین پیل؛ ل: من آن پیل؛ ل: من این پیل)؛ متن = ف ۲۵- س، س، ا (نیزلن، لی، و، آ، ب): از؛ ل (نیزلن، آ): این؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ا، ل، ب) ۲۶- ف: چو این؛ ل، ق (نیزل، آ، ب): همان؛ س (نیزلن، و، ل، ن، آ، ب): چنین؛ (ق: همین؛ لی: هم از؛ آ: ز چین)؛ متن = س، ا ۲۷- ف، س (نیزلن، ق، ا، و، ل، ن، آ، ب): این؛ (لی، آ: از)؛ متن = ل، ق، س، ا (نیزل، آ، ب) ۲۸- ل: برین لشکر و گنج آراسته ۲۹- ف، س، ا: شاه (شاد)؛ متن = ل، س، ق، ل، ا (نیزلن، ب) ۳۰- ف، س (نیزلی، آ): شنکان؛ ل: ز ترک؛ س، ا: سکبان؛ (ل: سکساره؛ ل، ن: شنکل؛ ب: سنکان)؛ ل (نیزو، ب): ز شکنان (و: شنکان) و سقلاب؛ متن = (ق، ا)؛ ق این بیت را ندارد ۳۱- س، ا: وزور؛ (ل، لی، آ، ب: و روز)؛ متن = ف- ل (نیزق، ا، و، ل، ن، آ، ب)

۲۰۵۵	بریشان نشان کرد کردار بد گر ایدونک ^۲ نیرو دهد دادگر برین ^۳ دشت من گورستانی ^۴ کنم یکی از ^۵ شما سوی لشکر شوید بگوید ^۶ : چون من بجنب ز جای زمین ^{۱۰} را سراسر کنید ^{۱۱} آبنوس بگوید گوپال ^{۱۴} و گرز گران از ^{۱۶} انبوه ایشان مدارید باک بدرید صف‌های سقلاب ^{۱۸} و چین همه دیده بر مغفر من نهید	بد آمد به پیش اندر از کار بد ^۱ پدید آورد رخس رخشان هنر، برومند را شورستانی ^۵ کنم بکشید و با باد همبر شوید، شما ^۸ بفرزید سنج ^۹ و دری به ^{۱۲} گرد سواران و آوای ^{۱۳} کوس چو پولاد را ^{۱۵} پُتک آهنگران ز دریا به ابر اندر ^{۱۷} آید خاک نباید که بیند هوا را ^{۱۹} زمین چو من برخوشم دمید و دهید
۲۰۶۵	و زآنجایگه رفت چون پیل مست خروشان سوی میمنه راه جست همه میمنه پاک برهم درید	یکی گزهی گاوپیگر به دست ز لشکر سوی کُنڈر آمد نخست بسی ترگ و سر بُد که تن ^{۲۰} را ندید

گفتار اندر گشته شدن ساوه بر دست رستم زال^{۲۱}

۲۰۷۰	یکی خویش کاموس بُد ساوه نام بیامد به پیش تهمتن به جنگ بگردید دست ^{۲۲} چپ و دست ^{۲۳} راست به رستم چنین گفت کای زنده پیل ^{۲۵} بخواهم کنون ^{۲۷} کین کاموس خوار ^{۲۸}	سرافراز و هر جای گسترده کام یکی تیغ هندی گرفته به چنگ ز رستم همی ^{۲۴} کین کاموس خواست بینی کنون ^{۲۶} موج دریای نیل بینی مگر زین سپس کارزار ^{۲۹}
------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل (نیز ل، و) این بیت را ندارند ۲- س: ایدونکه ۳- ق: بدین ۴- ق (نیز ل، پ، ب): گورسانی؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س، ل (نیز ل، ق، و، آ) ۵- ل: شارستانی؛ ق (نیز ل، ل، پ، ب): شورسانی؛ متن = ف، س، ل، س، ل (نیز ل، ق، و، آ) ۶- ق: ره ۷- ق: بجنید ۸- ق: همان ۹- ف، ل، ق، س: (نیز پ، ب): صنع؛ متن = (ق، ل، آ)؛ ل (نیز ل، ل، و، ل) این بیت را ندارند ۱۰- س: هوا ۱۱- ل: سراز گنبد ۱۲- ق: ز ۱۳- س: آواز ۱۴- در ل، آ، ب با سه نقطه ۱۵- س: ل: بر؛ متن = ف، ل، ق، س، ل: س، ل: بر ۱۶- س، ل: ز ۱۷- ق: بکشور ۱۸- ل: [و] ۱۹- ق: دلبری ۲۰- ل: سر ۲۱- س: نبرد رستم با ساوه و کشته شدن ساوه کشانی؛ ق: رزم ساوه کشانی و کهار کهانی با رستم سیستانی؛ ل، ل، س، ل: سرتویس ندارند؛ متن = ف ۲۲- ل (نیز پ): گرد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ق: سوی ۲۴- ل: همین ۲۵- س: زند پیل ۲۶- ف: همی؛ متن = ل، س (نیز ل، ب) ۲۷- ق، س (نیز ق، ل، و، ل): ز تو؛ (و همی)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۲۸- ف: خواست؛ ق (نیز ل، ل، ب): باز؛ متن = ل، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۹- ف: کنم قد و زلف تو با خاک راست؛ ل: اگر باشدم زین سپس کارزار؛ س (نیز پ، ب): ازین پس توسیر آبی (ب: سرای تو) از کارزار؛ ق (نیز ل، ل): ز تو (کنون) ای ستمکاره رزمساز؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، و، ل، آ، و، ل، ل: بین)

چو گفتار ساوه به رستم رسید
برآورد و زد بر سر و مغزش
ببفگند و رخس^۳ از بر او براند
درفش کشانی^۴ نگوساره کرد
نبد نیز کس پیش او پایدار
و زآن میمنه^۵ شد سوی^۶ میسره
۲۰۷۵

بزد دست و گرز از میان^۱ برکشید
ندیده ست گفتی تنش را سرش^۲
ز ساوه به گیتی نشانی نماند
و زو جان لشکر پُرآزار کرد
همی^۳ خار مغز سر آورد بار^۴
غمی گشت لشکر همه یکسره

گفتار اندر گشته شدن گهار گهانی بر دست رستم^{۱۰}

گهار گهانی^{۱۱} بدان^{۱۲} جایگاه
برآشت چون ترگ رستم بدید
بدو^{۱۵} گفت: من کین توران و چین^{۱۶}
نبرد تو^{۱۹} از مهتران با من ست
برانگیخت اسپ از میان سپاه
ز نزدیک چون ترگ رستم بدید^{۲۰}
به دل گفت: پیگار با زنده پیل^{۲۲}
۲۰۸۵ تو گویی^{۲۳}: برآید^{۲۴}، دگر گفت^{۲۵}: نی^{۲۶}
گریزی^{۲۷} بهنگام با سر به جای^{۲۸}

گو^{۱۳} شیردل با درفش^{۱۴} سیاه،
خروشی چو شیر ژیان برکشید
ز سگزی^{۱۷} بخواهم^{۱۸} برین دشت کین
دل شیر و گرز گران با من ست
بیامد بر پیلتن کینه خواه
روانش تو گفتی ز تن بر پرید^{۲۱}
چو غوطه ست خوردن به دریای نیل:
دو گفتار کان با خرد جفت نی^{۲۶}
به از رزم جستن به نام و به رای^{۲۹}

۱- ل. س. ق. (نیز لن. ل. ب. ل. آ. ب): گرز گران: متن = ف. ل. ل. س. (نیز ق. ل. ل. و. آ): ل. (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:
بزد بر سر سرش گرز را پیلتن

که جانش بیرون شد بزاری ز تن

۲- ق: جدا شد تنش را سر... (واژه پسین پاک شده است) ۳- س: اسپ: در اولت های این بیت پس و پیش شده اند ۴- س:
درفشان: ل: کیانی ۵- ل. س. ق. س. (نیز لن. ل. ب. ب): ننگوساره: متن = ف. ل. (نیز ل) ۶- ل. ق: همه ۷- ف: خار و
مغزش برآورد خار (!): ل. (نیز ب): خار مغزش (ب: مغز) سر آورد بار: متن = س. ق. ل. س. (نیز ل. و. آ. ب): ل. ل. ل. همه نعل رخسش سر
آورد بار: ق: ز خار و ز خاور برآورد تاره: ل: همه ز منگه مغز آورد بار) ۸- ل: پس از میمنه: ل. س. آ: وزانجایگه: متن = ف. س.
ق ۹- ق: ابر ۱۰- س: نبرد رستم با کهار کشانی و کشته شدن کهار کشانی: ل: نبرد رستم با کهار کشانی و گریختن او: ل. ق. س. آ
سرنویس ندارند: متن = ف پس از تصحیح کشانی به گهانی ۱۱- ف. س. ل. س. (نیز لن. ل. و. آ. ب): کشانی: (لن: کشانی):
متن = ل. ق. (نیز ق. ل. ب) بیت ۷۶۰ ۱۲- ق: از آن ۱۳- ق. ل. س. آ: گوی ۱۴- ل: شرفش با درفش ۱۵- ق:
چین ۱۶- ل. ق: ترکان چین ۱۷- ل: شنگل ۱۸- س: بخواهم ز سگزی ۱۹- س. ل. (نیز لن. ل. ب): وی: متن = ف.
س. (نیز ق. ل. ب. آ): ل. ق. (نیز ل. و) این بیت را ندارند: در س. این بیت با بیت پسین پس و پیش شده است ۲۰- س: بنزدیک رستم
چو آمد رسید ۲۱- ل. س. (نیز ب): یکی باد سرد از جگر برکشید: (ل: غمی گشت و از جنگ دامن کشید: لن: بر خساره شد چون گل
شنبلیله): متن = ف. ق. ل. س. (نیز لن. ق. ل. و. آ) ۲۲- س: زنده پیل ۲۳- س. س. (نیز لن. ل. ب. آ. ب): گفتی: متن = ف.
ل ۲۴- س: برآمد ۲۵- س: [گفت] (وزن ندارد) ۲۶- س. (نیز ل. ب. آ. ب): نه: متن = ف. س. ل. (نیز لن. ل. ب): ق. (نیز
ق. ل. و) این بیت را ندارند ۲۷- س: گریزه: ل: گریزش: متر ← ۲۸- ق: بهنگام زنده شدن باز جای: متن = ف. ل.
س ۲۹- ق: به از رزم کزوی تمام بجای (پساوند ندارد): ل: به از نام جستن بر زده و برای: متن = ف. ل. س. س. آ

۲۰۹۰ گریزان بیامد سُوی قلبگاه
 دِرفش تهمتن میان گروه
 همی تاخت رستم پس^۳ او چو گرد
 یکی نیزه زد بر کمر بند اوی^۶
 بینداخت برسان برگ از درخت^۷
 نگوسار^۹ کرد آن دِرفش کبود
 بدیدند^{۱۱} گردان که رستم چه کرد
 ۲۰۹۵ دِرفش همایون ببردند و کوس
 خروش آمد از بوق^{۱۴} ایران سپاه
 بفرمود رستم کز ایران سوار
 هم اکنون من آن پیل و آن^{۱۶} تخت عاج
 ستام ز چین و^{۱۹} به ایران دهم
 ۲۱۰۰ از^{۲۰} ایران برآمد^{۲۱} دلاور هزار^{۲۲}
 چنین گفت رستم به ایرانیان
 به جان و^{۲۳} سر شاه و خورشید و ماه
 که گر نامداری^{۲۴} از^{۲۵} ایران زمین^{۲۶}،

۱- ق: دو ۲- ل (نیز لن، ق: آ، پ: ل، ن: آ): تیغ: متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۳- ل: ل: بر ۴- س: گشته: ق: گشت لعل ۵- ف، س، ق: س (نیز لن، ق: آ، ل، آ، ب): لاجورد: متن = ل (نیز پ، و): ل: دِرفش سپه را نگوسار کرد: ل (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

۵ پس او گسرفسته گسوپیلتن
 کههار(پ: چو دیدش) کهانی بترسید سخت
 برآورد یک بانک برسان کوس
 همی خواست تا کارزاری کنند
 چه نیکو بود هرک خود را شناخت
 که هان چاره گور کن گر(پ: یا) کفن

۶- ل، س، ق: او ۷- س، س (نیز لن-ب): برگ درخت: ل: بینداختش هم چو برگ درخت: متن = ف، ق، ل: آ ۸- س: بروزد ۹- ل-س (نیز لن-ب): نگوسار: متن = ف ۱۰- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، و، آ، ب): کشانی؛ (لن: آ: کماتی): متن = ل (نیز ق: آ، ل، پ) ← بیت ۷۶۰، ۷۶۹، ۲۰۷۹ ۱۱- س، ق: چو دیدند: متن = ف، ل، ل، آ، س ۱۲- ل: [و] ۱۳- ق: سپهدار ۱۴- ق: قلب: (لن: آ: بوق و): س (نیز ب): آمد و بانک: ل (نیز پ): خروشی برآمد ز: متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، لی، و، آ) ۱۵- س: آ: بجه ۱۶- ل: آ: این پیل و هم ۱۷- ل: یاره و تیغ: ق: سپرهای چینی: متن = ف، س، ل، آ، س ۱۸- ل: آ: هم ۱۹- ق: ز چینی ستام ۲۰- ق: ز ۲۱- ل، س، ق (نیز لن، ق: آ، لی، پ-ب): بیامد: متن = ف، ل، آ، س ۲۲- ل (نیز پ): همی صد سوار: ل: سواری هزار: متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق: آ، لی، و-ب) ۲۳- ل: [و]: ل (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

بسه یزدان دادار جان آفرین

که پیروزی آورد بر دشت (پ: او آورد روز) کین

۲۴- ل: نامداران ۲۵- ل، س، ق: ز ۲۶- ل: ایران سپاه ۲۷- ل: توران سپاه: ق: شود بددل از رزم ترکان و چین: متن = ف، س، ل: س (نیز لن، ق: آ، لی، پ-ب)

- ۲۱۰۵ بدانست لشکر که او شیرخوست همه^۴ سوی خاقان نهادند روی تهمتن به پیش اندرون حمله برد همی خون چکانید^۷ بر^۷ چرخ ماه ز بس گرد کز رزمگه بردمید
- ۲۱۱۰ ز بانگ سواران و زخم سنان تو گفتی که خورشید در پرده شد هوا^{۱۲} گشت^{۱۳} چون روی زنگی سیاه همه دشت^{۱۵} تن بود و خفتان و خود ز گرد سوار ابر پُر^{۱۸} باد شد
- ۲۱۱۵ بسی نامدار از پی^{۱۹} نام و ننگ برآورد رستم از آنسان^{۲۲} خروش چنین گفت کین پیل و این^{۲۵} تخت عاج به ایران سزاوار کیخسروست شما را چه کارست با تاج و فر^{۲۹} همه دست‌ها سوی بند آورید
- به سربر نهاده^۲ ز کاغذ کلاه به چنگش سرین گوزن^۳ آرزوست سپه داغ‌دل، شاه دیهم جوی^۵ عنان را به رخس تگاور سپرد ستاره نظاره برآن^۸ رزمگاه چنان شد که کس روی هامون ندید بُد هیچ^۹ پیدا رکیب^{۱۰} از عنان زمین زیر نعل اندر آزرده^{۱۱} شد ز گشته ندیدند بر دشت راه^{۱۴} تنان را^{۱۶} همی داد سرها^{۱۷} درود زمین پر ز آواز پولاد شد بدادند بر خیره^{۲۰} سرها به^{۲۱} جنگ که^{۲۳} گفتی زمانه برآمد^{۲۴} به جوش هم از^{۲۶} یاره و افسر و طوق^{۲۷} و تاج، که او در جهان شهریار نوست^{۲۸} بدین زور و این کوشش و این هنر^{۳۰} میان را به خم کمند آورید

۱-س: بند شاه ۲-ق، ل: نهاده بسربر؛ ل (نیزب) بجای این بیت افزوده‌اند:

سرش را ز تن برکم در زمان زخوئش کم جویای روان

- ۳-س (نیزب): سروی گوزن؛ ل: بجنگ گوزنش همی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، آ) ۴-ق: همی ۵-ق: شیر دیهم جوی؛ ل: بنیزه شده هریکی جنگجوی؛ ل: سواران و گردان پرخاشجوی؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۶-ق: برافشانند ۷-س: با ۸-ل: بدان؛ ق: نظاره ستاره بدان ۹-ل، س: نبود ایچ؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۰-س، س: رکاب ۱۱-ف: آورده (آزرده)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب)؛ ل (نیزب) این بیت را ندارند ۱۲-س: جهان ۱۳-ف، س: گشته؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب) ۱۴-ق: آوردگاه ۱۵-ل، س، ق (نیزب، ب): مرز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، آ) ۱۶-ق، س: سرانرا؛ ل: تاناشان؛ متن = ف، ل، س ۱۷-س: سر را؛ ق، س: تن‌ها؛ متن = ف، ل، ل ۱۸-درف به پیش یکم و درپ، آبا سه نقطه ۱۹-ق: نامداران بی (نامداران از پی) ۲۰-ل: بخیره بدادند ۲۱-ف: ز(؟)؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۲۲-ل، س: برانسان ۲۳-ق: تو ۲۴-ل، ل: برآمد زمانه ۲۵-ل: و با؛ ل، ق (نیزب): کان پیل و آن؛ س (نیزل، آ): کین تاج و این؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۲۶-ل، س، ق، س (نیزلن، ل، و، لن، آ): همان؛ ل (نیزق): همین؛ (ب: همی)؛ متن = ف ۲۷-ق: گرز؛ ل (نیزب) پس از این بیت افزوده‌اند:

سپرهای چینی و پرده‌سرای همان افسر و آلت و چار پای

۲۸-ل (نیزب) پس از این بیت افزوده‌اند:

که چون او بگیتی سرفراز شاه نبود و ندیدست خورشید و ماه

۲۹-ل (نیزب): تاج زر؛ متر ← ۳۰-ل (نیزب): روز و این کوشش و زور و فر؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر)

فرستم بنزدیک^۱ شاه زمین
شما را ز من زندگانی بس است
و گر نه من این خاک آوردگاه
به دشنام بگشاد خاقان زبان
۲۱۲۵ بدایران و آن^۲ شاه و آن انجمن
تو سگری که از هر کسی بتری^۳
نه منشور باید، نه^۴ خاقان چین
بدین^۵ رزمگاه این گمانی بس است^۶
به نعل ستوران^۷ برآرم به ماه
بدو گفت کای بدتن بدروان^۸
همی زینهاریت باید چو من
همی شاه چین بایدت لشکری

یکی تیرباران بکردند^۹ سخت
هوا را بیوشید پر عقاب
چو گودرز باران الماس دید
به رهام گفت: هین^{۱۰} درنگی مه ایست!
۲۱۳۰ کمان‌های چاچی^{۱۱} و تیر خدنگ
به گیو آنکھی^{۱۲} گفت: برکش سپاه^{۱۳}!
نه هنگام آرام و آسایش^{۱۴} است
بشو^{۱۵} با دلیران سوی دست راست
۲۱۳۵ تهمتن نگر پیش خاقان چین
بر آن^{۱۶} دیده^{۱۷} هرگز مباد آفرین
برآشت رهام همچون پلنگ
چو باد خزان برجهد^{۱۸} بر درخت
نیندچنان جنگ^{۱۹} جنگی^{۲۰} به خواب
ز تیمار^{۲۱} رستم دلش بردمید
برو با کمان و^{۲۲} سوار^{۲۳} دویست!
نگهدار پشت تهمتن به جنگ
برین دشت ازین^{۲۴} بیش دشمن نخواه!
نه نیز^{۲۵} ازدر رای و آرایش^{۲۶} است
نگه کن که پیران و هومان کجاست
همی آسمان برزند^{۲۷} بر زمین
که نفرین سگالد برو روز کین
بیامد به پشت^{۲۸} تهمتن به جنگ

۱- ف: فرستم نزدیک؛ ق (نیز ل): فرستم بر؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۲- س، ق (نیز ق، ل): مانم نه؛ س (نیز لن، آ، ب): مانند نه؛ ل (نیز پ): چه منشور و شکل چه؛ متن = ف، ل (نیز ی): در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- س: برین ۴- ل، ق (نیز ل): که تاج و نگین بهر دیگر کسست؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ی، ب-ب) ۵- ف: ستوران (!) ۶- ق، ل: بدگمان؛ متن = ف، ل، س، س ۷- ف: بایران و آن (!)؛ ل: مه ایران مه آن؛ س، ل، س (نیز لن، و، ب): بایران و آن؛ ق (نیز ل): مه ایران و مه؛ (ق): بایران بر آن؛ پ، لن: مه ایران و آن؛ متن = (ی، آ): در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۸- ق: بدتری ۹- س: گرفتند ۱۰- س، ل: برزند؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۱- ل: رزم ۱۲- س: شب کس ۱۳- ق: اندوه ۱۴- ل، س، ق (نیز ق، ل، ی، پ، لن، آ): گفت ای؛ س: گفتش؛ (لن، ل، و): گفتا؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۱۵- ف (نیز ق، ل، ی، آ): کمان و؛ (لن: وز): ق (نیز ل): بخندان عنان با؛ متن = ل، س، ل، س (نیز ب، و) ۱۶- س: چاچی؛ در دیگر دستنویسها: چاچی؛ در ق پس از این بیت، بیت ۲۱۳۶ آمده است: س پس از این بیت افزوده است:

بگبو آنکھی گفت برکش میان بر و بسا سواران گودزیان

۱۷- ل (نیز ی، ب، و، آ): آن زمان؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز لن، ق، آ، لن، ب) ۱۸- س: پس پشت رستم در آور سپاه ۱۹- ل: زین ۲۰- ل (نیز ق، و، لن): آرایش (ل پساوند ندارد) ۲۱- ق (نیز ل): روز ۲۲- ف: آرامش؛ (لن: بخشایش؛ ق، و، لن: آسایش)؛ ق: راه و آرامش؛ متن = ل، س، ل، س (نیز ی، ل، ب، آ، ب) ۲۳- ل، س، ق، ل (نیز ی، پ، لن، آ، ب): برو؛ متن = ف، س (نیز لن، و) ۲۴- ف (نیز و): رازند؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب) ۲۵- ل: بدان ۲۶- س (نیز ب): مرد؛ ق (نیز ل): دوده؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن، آ): ل (نیز و) این بیت را ندارند؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۱۳۱ آمده است ۲۷- س: پیش؛ ق پس از این بیت افزوده است:

سربرهشان تیر گردون سپرد (!) کمان و ر بی آورد صند مرد گردد

چنین گفت رستم به رُهام شیر
 چُنو^۳ سست گردد پیاده شوم
 یکی لشکرست این چو مور و ملخ
 ۲۱۴۰ همه پاک راه پیش خسرو بریم
 و ز آنجایگه برخروشید و گفت
 ایا گم شده بخت بیچارگان!
 شما را ز رستم نبود آگهی؟
 ۲۱۴۵ کجا^{۱۱} آژدها را ندارد به مرد
 شما را سر از رزم من سیر نیست
 ز فتراک بگشاد آنگه^{۱۳} کمند
 برانگیخت رخش^{۱۶} و برآمد خروش
 به هر سو که خام اندر انداختی
 ۲۱۵۰ نبودش جز از رزمِ چین^{۱۷} آرزوی
 هر آنگه که او مهتری را ز زین
 بدین^{۲۰} رزمگه بر^{۲۱} سپهدار^{۲۲} طوس
 بستی از ایران کسی دست اوی

که ترسم که شد رخشم^۱ از کار سیر^۲
 به خون و خوی آهار داده شوم
 ابا^۴ پیل و با پیل بانان مَجَخ!
 ز شکنان^۶ و چین هدیه‌ی نو بریم
 که با روم^۷ و چین آهرمن باد جفت!
 همه زار و پِچان^۸ و غمخوارگان!
 و گر مغزتان از خرد بُد^۹ تسی؟
 همی^{۱۱} پیل جوید به روز^{۱۲} نبرد
 مرا هدیه جز گرز و شمشیر نیست
 خم^{۱۴} خام در^{۱۵} کوهی زین فگند
 همی آژدها را بدرید گوش
 زمین از دلیران پرداختی
 به بازو خم خام و چین در بروی^{۱۸}
 ربودی به خم کمند گزین^{۱۹}،
 به ابر اندر افراختی^{۲۳} بوق^{۲۴} و کوس،
 ز هامون نهادی سوی کوه روی^{۲۵}

گفتار اندر پیغام فرستادن خاقانِ چین به رستم^{۲۶}

نگه کرد خاقان از آن پشت^{۲۷} پیل
 یکی پیل بر پشت کوهی^{۲۹} بلند
 ۲۱۵۵ زمین دید لرزان چو^{۲۸} دریای نیل
 به چنگ اندر از چرم شیران کمند^{۳۰}

۱- ل: که رخشم شد؛ س. ل: شود رخشم؛ متن = ف. س. ۲- ق: که از تک شود رخش سیر ۳- ف. س. ل. آ. س: چو او؛ متن = ل. ق ۴- ل. س. آ (نیز ل. آ): تو؛ (ب) چو (س)؛ متن = ف ۵- ل (نیز ل. ب. و): پاک در؛ س. ل. آ. س (نیز ل. ل. ب): پاکشان؛ (ق): تازه در؛ متن = ف (نیز ل. آ) ۶- ف (نیز ل. ل. ل. آ): شکنان؛ س: سیکان؛ (ل. ۳): سکسار؛ ب: سنکان؛ متن = ل (نیز ق. ب): این بیت را ندارد ۷- ل. آ: ترک ۸- ل: و بیاد درد؛ ق: و نا چیز؛ س: و بیچاره؛ متن = ف. س. ل. آ ۹- ل. ق: مگر مغزتان از خرد شد؛ متن = ف. س. ل. آ. س ۱۰- ف. س. ق. ل. آ. س (نیز ل. ب): که او؛ متن = ل ۱۱- س: همه ۱۲- ل. آ: دشت ۱۳- ل. س. ق. ل. آ (نیز ق. ل. ل. ب): پِچان؛ (ل. آ): زود آن؛ متن = ف. س. آ (نیز ل. ل. ب): همان ۱۴- س: همان ۱۵- ق: بر ۱۶- ق. ل. آ: اسب ۱۷- ل. آ: چیز؛ ق: رزم و کین؛ س: روم و چین؛ متن = ف. س ۱۸- ل. آ. س: بر چین بروی؛ متن = ف. س. ق. ل. این بیت را ندارد ۱۹- ل: از کمین ۲۰- س: بدان؛ ق. س: برین؛ متن = ف. ل. ل. آ ۲۱- ل: در ۲۲- ل. ق: سرفراز؛ متن = ف. س. ل. آ. س ۲۳- س: اندر افراشتی؛ ل. آ. س: اندر انداختی؛ متن = ف. ل. ق ۲۴- س: پیل ۲۵- ق: این بیت را ندارد ۲۶- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن خاقان چین بر رستم در مصاف گاه؛ س: پیغام خاقان بنزد رستم و پاسخ دادن رستم خاقان را؛ ل. ق. ل. آ. س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۲۷- ق: زنده ۲۸- ل. س. ق. (نیز ق. ل. ب. و. آ. ب): برسان؛ ل. آ (نیز ل. ل. آ): جنبان چو؛ متن = ف. س. آ ۲۹- ل (نیز ب. ل. آ): کوه؛ ف: بیشت کوهه؛ (و): کوه بر پشت پیل؛ متن = س. ق. ل. آ. س (نیز ل. ق. ل. آ. ب) ۳۰- ل (نیز ب): و را نام بد (ب): بانگ زد) رستم دیوبند

داستان کاموس کشانی

همی کرگس آورد از ابر سیاه
یکی نامداری ز لشکر بجست
بدو گفت: رو پیش این^۳ شیرمرد
چغانی^۴ و شکنی^۵ و چینی^۶ و وهر
یکی شاه خُتلان^۹، یکی^{۱۰} شاه چین
۲۱۶۰ یکی شهریارست افراسیاب
جهانی برین^{۱۵} گونه کرد انجمن
کسی نیست بی آزو^{۱۷} بی نام و ننگ

فرستاده آمد بر پیلتن
بدو گفت کای مهتر رزمجوی
۲۱۶۵ نداری همانا^{۲۱} ز خاقان چین
چون^{۲۲} بازگردد تو زو^{۲۳} بازگرد
که^{۲۵} کاموس بر دست تو گشته شد
چنین داد پاسخ که پیلان و تاج
۲۱۷۰ به تاراج ایران نهاده ست^{۲۷} روی
چه^{۲۹} داند^{۳۰} که لشکر به چنگ^{۳۱} من ست^{۳۲}
بیخشم^{۳۴} سرش، گنج^{۳۵} و تاجش^{۳۶} مراست

۱- ل: ز ۲- ل: نظاره بر آن اختر و چرخ ماه: ق: ستاره نظاره بر آن رزمگاه: متن = ف. س. ل. س. آ. س. ل. (نیز ل. لی. لن. آ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

چو خاقان از آن پشت پیل سفید ورا دید (ل: نگه کرد) ببرد از جان امید

۳- س. ق. ل. س. ل. آ. متن = ف. ل ۴- ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. پ. آ. لن. ب): چغانی: ل: چغانی: متن = (و) ۵- ف. ل. (نیز ل. لی. پ. آ): شکنی: س: شکنی: ق: چینی: متن = ل. س. (نیز ق. آ. پ. و. لن. آ. ب) ۶- ق: شکنی: (ق: آ): چغانی: لی: چندی: و: چندی: آ: هندی: متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز ل. پ. آ. ب) ۷- ل. ق: کریز ۸- س: اندک: ق: جستن: ل: کین جز اندک: متن = ف. ل. س. ۹- ل: ختلان: س: ختلان (حرف دوم نقطه ندارد): س: جیلان: (ق: آ): رود: و: لن: آ: جیلان: متن = ف. ق. ل. (نیز لن. لی. پ. آ. ب) ۱۰- ق: دگر ۱۱- ق: مسدار ایچ ۱۲- ل. س. ق: همی: متن = ف. ل. س. آ ۱۳- ق: برفشاند ۱۴- ف. ل: آ: ز آب: متن = س. آ ۱۵- ل. ق: بدین ۱۶- س: انجمن ۱۷- ف: بازو (حرف یکم نقطه ندارد): ل (نیز لی. آ): بازو: (ق: آ): و بی آب و ل: کسی در جهان نیست: متن = ل. س. ق. س. (نیز ل. پ. لن. آ. ب) ۱۸- ق: همی ۱۹- س: لب ۲۰- ق (نیز و): پرسخن: متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ق: همانا نداری ۲۲- ف. س: آ: چو او: متن = ل. س. ق. ل. آ ۲۳- ل. ل: آ: رود: ق: شو: متن = ف. س. س. آ ۲۴- س: سر آمد سپه را نبرد: س: که آمد سپه را سر اندر نبرد: متن = ف. ل. ق. ل. آ ۲۵- ل. س: (نیز ل. ب): چو: متن = ف ۲۶- ق: من ۲۷- ق: نهادند ۲۸- ل: گفت گوی: ق: گفتگوی ۲۹- ل. س: (نیز ل. ق. لی. پ. ب): چو: متن = ف ۳۰- ق: دانی: متن = ف. ل. س. ل. آ. س: (نیز ل. ق. لی. پ. ب) ۳۱- حرف یکم در ف. س: (نیز ل. ق. لی. و. لن. آ. ب) با یک نقطه یا بی نقطه: متن = (پ) ۳۲- ل: آمدست (۱) ۳۳- س. ل: زمان: متن = ف. ل. ق. س: آ: درق بیست های ۲۱۷۱ و ۲۱۷۲ پس از بیت ۲۱۷۶ آمده اند ۳۴- ق: ببره ۳۵- س: تخت: ق: تاج ۳۶- ق: تختش ۳۷- ق: بزرگی و اورنگ و بخشش مراست: ل این بیت را ندارد

فرستاده گفت: ای خداوندِ رخس
 همه دشت مردست و پیل و سپاه
 که داند که خود چون بود روزگار؟
 ۲۱۷۵
 چو بشنید رستم برانگیخت رخس
 تنی زورمند و به بازو^۵ کمند
 چه خاقان چینی کمند مرا
 به دشت آهوی ناگرفته بخش^۱!
 چو خاقان که با تاج و گنجست و گاه^۲
 که پیروز برگردد از کارزار؟^۳
 منم - گفت - شیراوزن^۴ تاج بخش
 چه روز فسوست^۶ و هنگام پند^۷
 چه شیرِ ژریان دست بند مرا

گفتار اندر گرفتن رستم خاقانِ چین را به کمند^۸

بینداخت آن تاب داده کمند
 بیامد^{۱۱} بنزدیک پیل سپید
 ۲۱۸۰
 چو از دست رستم رها شد کمند
 ز پیل اندرآورد و زد بر زمین
 پیاده همی راند تا کوه^{۱۴} شهد
 میان^۹ سواران همی کرد بند^{۱۰}
 شد آن شاه چین از روان ناامید^{۱۲}
 سر نامدار^{۱۳} اندرآمد به بند
 بیستند بازوی خاقانِ چین
 نه پیل و نه تخت و نه تاج^{۱۵} و نه مهد
 چُنین ست رسمِ سرای فریب
 چُنین بود تا بود گردان سپهر
 ۲۱۸۵
 گهی بر فراز و گهی بر^{۱۶} نشیب
 گهی جنگ^{۱۷} و کین^{۱۸} و گهی شهد^{۱۹} و مهر

۱- ل: منم گفت رو بین تن تاج بخش (= ۲۱۷۶ ب): ل نخست ۲۱۷۳ ب - ۲۱۷۶ آ را انداخته و از ۲۱۷۳ آ و ۲۱۷۶ ب یک بیت ساخته و سپس ۲۱۷۳ ب را در کناره برابر ضبط متن تصحیح کرده و در همانجا بیت های ۲۱۷۵ و ۲۱۷۶ را افزوده است ۲- ل: و با تخت و گاه: س: گنج و تاجست و گاه: ق: چو خاقان با تاج و تخت و کلاه: متن = ف: س: ل این بیت را ندارد ۳- ف: س: ل (نیز ق): گردد درین (ق: بدین) کارزار: ق (نیز ل): کرا تاج بر سر بند کردگار: متن = ل: س: ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل: ل: س: ل (نیز ق): شیراوزن: س: شیراوزن و: متن = ف: ق ۵- ل: بازوی ۶- ل (نیز ق): فریبست: (ب: و: آ: فسوست): متن = ف: س: ل: س: ل (نیز ل: ل: ب) ۷- ل: س: ل (نیز و: آ): بند (حرف یکم نقطه ندارد): س: ل (نیز ل: ق: ل: ب: ب): بند: متن = ف (نیز ل: ل: ن): ق این بیت را ندارد ۸- ف: گفتار اندر گرفتن رستم خاقان چین را بکنند از پشت پیل و فرستادن با لشکرگاه خویش و هزیمت شدن: س: ل: گرفتار شدن خاقان چین و تورانیان (ل: گردان) بر دست رستم: ق: گرفتار شدن خاقان چین در نبرد رستم و هزیمت تورانیان: ل: س: سرنویس ندارند: متن = آغاز ف ۹- ل: س: ل (نیز ل: ل: ب: ل: آ: ب): سران: متن = ف: س: ل ۱۰- ق: سر شاه چین اندرآمد به بند: ۲۱۸۱ ب: ل این بیت را ندارد ۱۱- ل: س: ق (نیز ق: ل: آ: و: ب): چو آمد: متن = ف: ل: ل: س (نیز ل: ل: ب: ل: ن: آ) ۱۲- ق: بیاید شاه چین از روان ناامید ۱۳- ل (نیز ل): شاه چین: س: ل (نیز ل: ل: ب: ب): شهریار: متن = ف: س: ل (نیز ق): ق این بیت را ندارد ۱۴- ل: س: ق (نیز ل: و): رود: متن = ف: ل: ل: س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵- ل: ق: تاج و نه تخت: س: گنج و نه تاج: متن = ف: ل: ل: س: ل ۱۶- ق: ل: س: آ: در: متن = ف: ل: س ۱۷- ق: زهر ۱۸- ل: زهرست ۱۹- ل: نوش: س: ل (نیز ق: ل: ب: و: آ: ب) پس از این بیت افزوده اند:

همورا کند سوگوار (ل: خوار و زار) و نژند
 پهر نسیک و بسد کاه نایافته
 تنی سر زلسرزان و دل پسر ز کین
 و زانجا یگه شد (ل: از آنجا بیامد) سوی رزمگاه

یکی را برآرد بچرخ (ل: بابر) بلند
 از و شاد مسانی و ز و تافته
 هم آن گه بیآورد خاقان چین
 سپردش بدان روز بانان شاه

ف. ل. ق: س: ل (نیز ل: ل: آ: ل: ن) این بیت ها را ندارند

از آن^۱ پس به گرز گران دست برد
چنان شد در و دشت آوردگاه
ز بس کشته و خسته^۴ شد جوی خون
چنان بخت^۵ تابنده تاریک شد
برآمد یکی باد و ابری^۷ سیاه ۲۱۹۰
سر از پای دشمن ندانست باز^۹
نگه کرد پیران بدان کارزار
به^{۱۲} مثنور و فرطوس و خاقان چین
درفش بزرگان نگوسار^{۱۵} دید
به نستیه^{۱۷} گرد و گلباد گفت ۲۱۹۵
نگوسار^{۲۰} کرد آن^{۲۱} درفش سیاه
همه میمنه گیو تاراج کرد
بجست از چپ لشکر و دست راست
چو او را ندیدند، گشتند باز
تبه گشته اسپان جنگی^{۲۶} ز کار ۲۲۰۰
برفتند با کام دل سوی کوه
همه ترگ و جوشن به خون و به خاک^{۳۰}
تن از جنگ خسته، دل از رزم^{۳۲} شاد

بزرگش همان و همان بود^۲ خرد
که شد تنگ بر مور و بر پشه^۳ راه
یکی بی سر و دیگری سرنگون
همانا^۶ به شب روز نزدیک شد
بشد^۸ روشنایی ز خورشید و ماه
بیابان گرفتند و راه دراز^{۱۰}
چنان تیره بُد گردش^{۱۱} روزگار
بدان^{۱۳} نامداران و مردان^{۱۴} کین
به خاک اندرون خستگان^{۱۶} خوار دید
که ژوین^{۱۸} و خنجر^{۱۹} بیاید نهفت
برفتند پویان^{۲۲} به بیراه و راه^{۲۳}
در و دشت چون پر دُراج کرد
بدان تا بداند که پیران کجاست
دلیران سویی^{۲۴} رستم کینه ساز^{۲۵}
همه رنجه^{۲۷} و خسته در^{۲۸} کارزار
تهمتن به پیش اندرون با گروه^{۲۹}
شده غرق^{۳۱} و برگستوان چاک چاک
جهان را چنین ست ساز و نهاد

۱- س. ق. وزان ۲- ف. س. ا. نیز؛ س. همان بود با مرد؛ متن = ل. ق. ل. (نیز لن-ب) ۳- ل. که از کشته جایی ندیدند راه؛ درف
این بیت دوبار آمده است ۴- ق. خسته و کشته؛ ف. ل. این بیت را ندارند، ولی در سیزده دستنویس دیگر هست ۵- ق. چو از تخت؛
(لن، ق. ل. ل. ل. ل. چو آن بخت؛ پ. چنان تخت) ۶- ل. که گفتی؛ ف. این بیت را ندارد، ولی در چهارده دستنویس دیگر
هست ۷- ل. ق. ابر و بادی ۸- ف. که شد؛ متن = ل. س. (نیز لن-ب، لن، آ، ب) ۹- ف. راست (؟)؛ متن = ل. س. (نیز
لن-ب) ۱۰- ف. گزیدند بر دست راست (؟)؛ (لی، آ: گزیدند و راه دراز)؛ متن = ل. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- س. شد
گردش؛ ل. نیز برگشتن؛ ق. (نیز ل. آ): تیره برگشتن؛ متن = ف. ل. س. (نیز لن، لی، پ. لن، آ، ب) ۱۲- ل. ق. ل. (نیز ل. ب): نه؛ س. نه
(نقطه ندارد)؛ متن = ف. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- ل. نه آن؛ (ل. نه از)؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز هشت دستنویس
دیگر) ۱۴- س. گردان ۱۵- ل. س. ق. ل. س. (نیز لن-ب)؛ نگوسار؛ متن = ف. ل. ۱۶- ق. کشتگان ۱۷- ل. [و]؛ ف.
به نستیه و گرد؛ متن = س. ق. ل. آ. س. ۱۸- در همه دستنویسها: زوین ۱۹- ل. که شمشیر و نیزه ۲۰- ل. س. ق. س.؛
نگوسار؛ متن = ف. ل. ۲۱- ف. این؛ متن = ل. س. ۲۲- ق. تازان ۲۳- س. بدان شاه راه؛ ف. پس از این بیت سرنویس دارد:
گفتار اندر هزیمت شدن لشکر ترکان از پیش رستم و ایرانیان و گریختن پیران و هومان و لهاک و فرشیدورد ۲۴- س. بر ۲۵- ل. سرفراز؛
ق. همه خسته و رنجه رزمساز (= ۲۲۰۰)؛ در س. پس از این بیت، بیت ۲۲۰۵ آمده است ۲۶- ق. اسب بزرگان ۲۷- ل. رجنه (→
رخته)؛ س. مانده؛ ق. س. آ. خسته؛ متن = ف. ل. ۲۸- ل. س. خسته؛ ق. رنجه؛ ل. آ. خسته از؛ س. رنجه در؛ متن = ف. ل. ۲۹- ل. این
بیت را ندارد ۳۰- ل. پر از خون و خاک؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز لن-ب) ۳۱- ف. س. آ. ترگ؛ متن = ل. س. ق. ل. (نیز
لن-ب) ۳۲- ق. کینه

<p>۲۲۰۵</p> <p>پُر از خون پر و پای و تیغ^۱ و رکیب^۲ چُنین تا ز شستن^۳ نپرداختند سر و تن بشستند و دل شسته بود چُنین گفت رستم به ایرانیان به پیش خداوند^۷ پیروزگر همه سر به خاک سیه برنپید^۹</p>	<p>ز گشته نه پیدا فراز از نشیب یکی از دگر^۴ بازشناختند که دشمن به بندِ گران بسته بود^۵ که اکنون^۶ باید گشادن میان نه گوپال^۸ باید، نه بندِ کمر از آن پس کجا^{۱۰} خاک^{۱۱} برسر نپید^{۱۲} که اکنون شده‌ستی دل ما دژم به من بازگفت این سخن در نهان^{۱۴}، ز پیران و هومان^{۱۶} ستوه آمده‌ست، برآمد ز پیگار مغزم به جوش دلم تیره‌تر گشت برسان شیز زمانی به جایی نکردم^{۲۰} درنگ بدان^{۲۲} نامداران و مردان کین^{۲۳}، چنان^{۲۶} یال و آن شاخ^{۲۷} و آن دست و گرز^{۲۸}، که تا من بیستم به مردی کمر، ندیدم به جایی به سال^{۲۹} دراز شب تیره و گرزهای گران</p>
<p>۲۲۱۰</p> <p>کزین نامداران یکی^{۱۳} نیست کم چو آگاهی آمد به شاه جهان که طوس^{۱۵} سپهد به کوه آمده‌ست از^{۱۷} ایران برفتم ابی^{۱۸} رای و هوش ز بهرامِ گودرز و ز ریونیز از^{۱۹} ایران همی تاختم تیزچنگ چو چشمه برآمد^{۲۱} به خاقان چین بویژه^{۲۴} به کاموس و آن فرّ و برز^{۲۵} به دل گفتم: آمد زمانم به سر ازین بیش مردان و زین بیش ساز رسیدم به دیوان مازندران</p>	<p>۲۲۱۵</p> <p>۲۲۲۰</p>

۱- س: آ: چنگ: ل، ق (نیز ق، آ، ل): بر و تیغ (ق: دست) و پای: متن = س (نیز ل، لی، پ-ب) ۲- س: رکاب؛ ف، ل این بیت را ندارند ۳- ل، ل، ل (نیز ل، لی، پ، و، آ): بشستن: (ق، آ، ل، ن: نشستن): س: چو از بازگشتن: متن = س ۴- ل، ل، س (نیز ق، آ، لی، آ): یک از دیگری؛ (و: یک از دیگران): متن = ل، ل، س ۵- ل (نیز ل، پ، لن، آ): ف، ق (نیز ب) این بیت را ندارند؛ در س این بیت پس از بیت ۲۱۹۹ آمده است ۵- در ق این بیت پس از بیت ۲۲۰۷ آمده است ۶- ل: کزین پس ۷- ل: جهاندار ۸- در پ-ب با سه نقطه ۹- ق: بر نهاد ۱۰- ل: کزین پس همه: (و: از آن به کجا): متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۱- ل، ل، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، پ، لن، آ): تاج: متن = ف، س، س ۱۲- ق: نهاد ۱۳- ل: کسی؛ ل، س پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: چُنین گفت رستم بگودرز و گپیو
س: چو خاقان چینی ببند منست
بدان نامداران و گردان نیو
سپاهش سراسر نژد منست

۱۴- س: ناگهان ۱۵- س: که اکنون ۱۶- ف: وزان ترک خاقان؛ ق (نیز ل): وزان مرز خاقان؛ (و: وزانبوه دشمن): متن = ل، س، ل، ل، س ۱۷- ل: ز ۱۸- ف: برفتم بی؛ ل (نیز لی، آ): برفتم با؛ س (نیز ب): براندم ابی؛ ق: از آن آگاهی شد مرا؛ س: برفتم از ایران ابی: متن = ل (نیز ل، پ، و، لن، آ) ۱۹- س: ز ۲۰- ق، س: آ: نکردم بجایی ۲۱- ق: بیامد ۲۲- ل، ل: بران ۲۳- ل، ل، س: برزبالا و آن زور کین: متن = ف، ل، ق، س ۲۴- ف (نیز ل، پ، و، لن، آ): بخاصه؛ متن = ل، س ۲۵- ل، ل، آ، ب) ۲۶- ل، ل، س: بران؛ ق: بدان: متن = ف، ل، آ، س ۲۷- س: شاخ و آن یال ۲۸- ل: آن فرّ و برز: ل پس از این بیت افزوده است:

که بودند هریک چو کوهی بلند
به زیر اندرون زنده پیل نژد

۲۹- ف، س (نیز ل، ق، آ، لی، پ، آ، ب): عمر: ق، ل: روز: س ۲ (نیز و، لن، آ): عمری: (ل: رزم): متن = ل

- ز مردی نیچیدا^۱ هرگز دلم بدین رزم^۵ تاریک شد روز من کنون^۶ گر همه پیش یزدان پاک سزاوار باشد، که او داد زور مبادا که این کار گیرد^۹ نشیب ننگه کن که کارآگهان ناگهان بیاراید آن نامور بزمگاه^{۱۱} ۲۲۲۵
- ببخشد به درویش بسیار^{۱۲} چیز کنون^{۱۳} جامه‌ی رزم بیرون کنید^{۱۴} غم و کام دل بی گمان بگذرد ۲۲۳۰
- همان به که ما^{۱۷} جام می بشکریم^{۱۸} سپاس از جهاندار^{۲۰} پیروزگر کنون می گساریم تا نیم شب سزد گر دل اندر سرای سپنج
- بزرگان برو خواندند آفرین^{۲۳} پسندیده باد آن^{۲۵} نژاد و گهر^{۲۶} کسی را که چون پیلتن کهرتست^{۲۸} ۲۲۳۵
- که بی تو مبادا کلاه و نگین^{۲۴} همان بوم کو چون تو آرد به بر^{۲۷} ز گردون گردان سرش برترست

۱-س: نترسید ۲-(پ، آ: بگفتم) ۳-ف: کزاز(؟)؛ س: آ: کراز(؟)؛ (لی، آ: اگرز(؟))؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، آ، پ، و لن، ب) ۴-ل: آرزوی ۵-س: مرز؛ ل بجای این بیت افزوده است: جز آن دم که دیدم ز کاموس جنگ

دلم گشت یکباره زین کینه تنگ

۶-ق: سزد ۷-س: (نیز لی، آ): بغلطم ۸-ف: [و] ۹-س: گردد ۱۰-ل: نزد ۱۱-ل، ق: (نیز ل، و): بارگاه؛ ل (نیز لن، ب، ل، آ): پیشگاه؛ متن = ف، س، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۲-ل، س: فراوان بدرویش؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۳-ق: همه ۱۴-ل: کنیم ۱۵-ل: باسایش آرایش؛ (ق: بارامش و رامش؛ ل: بارام و آسایش)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۶-درس با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۷-ل، س: (نیز لن، ق، آ): با؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، آ، ب، لن، ب) ۱۸-ل، ل: (نیز لن، ق، آ، ب، لن، ب) ۱۹-ل، س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س: درل بیت ۲۲۳۱ با ۲۲۳۳ پس و پیش شده است ۲۰-ق، ل: خداهند ۲۱-ق: گنج؛ درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲-س: نپسندیم ۲۳-ق: آفرین خواندند ۲۴-ق: ورا پهلوان زمین خواندند؛ ق پس از این بیت افزوده است:

که بی تو مبادا کلاه و نگین (= ۲۲۳۵ ب)

ز نیکی دهش بر تو باد آفرین

۲۵-ل، س، ق: این ۲۶-ق: هنر ۲۷-ف، س: (نیز لن، ب، لن، آ): پسر؛ ق: گهر؛ (لی، آ: آورد بر)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و ب): درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۸-س: مهترست

تو دانی که با ما بگردد^۱ به^۲ مهر
همه کشته^۳ بودیم و برگشته روز

۲۲۴۰ بفرمود تا پیل با تختِ عاج
می خسروانی بیاورد و جام
بزد گره‌نای^۶ از بر پشت^۷ پیل
چو خرم شد از می جهان^۹ پهلوان

چو پیراهن شب بدرید ماه
۲۲۴۵ طلایه پراگند^{۱۱} بر گرد دشت؛
پدید آمد آن خنجر تابناک
تیره برآمد ز پرده‌سرای
چنین گفت رستم به گردنکشان
بباید شدن^{۱۵} سوی آن رزمگاه
۲۲۵۰ بشد پیشرو^{۱۸} بیژن شیرمرد
جهان دید پُر گشته و خواسته
پراگنده کشور پُر از خسته^{۲۱} دید
ندیدند^{۲۳} زنده کسی را به جای
بنزدیک رستم رسید آگهی

نهاد از بر چرخ^{۱۰} پیروزه‌گاه،
چو زنگِ درنگی^{۱۲} شب اندرگذشت،
بکردار یاقوت شد روی^{۱۳} خاک،
برفتند گردان لشکر ز جای
که جایی نیامد ز پیران نشان^{۱۴}
ز^{۱۶} هر سو فرستاد بی‌مر^{۱۷} سپاه
به جایی کجا بود دشت نبرد،
به^{۱۹} هر سو نشستی بیاراسته^{۲۰}
به خاک اندر افکنده نابسته دید^{۲۲}
ز می بود و^{۲۴} خرگاه و پرده‌سرای
که شد روی کشور ز ترکان تهی

۱- ل، س، ق، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، پ، و، لن)؛ چه کردی؛ ل (نیزی، آ، ب)؛ نگردد؛ (ل: چه دارد)؛ متن = ف ۲- ق (نیز لن، لی، پ، و، لن)؛ ز؛ متن = ف، ل، س، ل، س، ۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۳- ل، س (نیز و، ب)؛ مرده؛ متن = ف، ق، ل، س، ۱ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ کشته = گشته؟ گشته؟ ۴- ق: شاد؛ س پس از این بیت افزوده است:

بر آن مهتران پهلوان زمین بسی آفرین خواند ازداد و دین

۵- ل- س ۲ (نیز لن، لی، ل، پ، لن، آ، ب)؛ طوق زرین و؛ متن = ف (نیز ق، آ، و) ۶- ف، س: کَرَناي؛ ل: کَرَناي؛ متن = ق، ل، آ، س ۷- ل: زنده؛ (ق: از پس پشت)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۸- ل، س، س ۱ (نیز لن، لی، ب)؛ آوازشان بر دو؛ ق: آواز آن بر دو؛ ل (نیز ق، آ)؛ آواز بر چند؛ متن = ف ۹- ل: رخ؛ ق: دل؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۰- ق: تخت ۱۱- ف: پراکنده؛ س: برافکنند؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۱۲- ل: زنگی دورنگ؛ ق (نیز لن، ق، آ، لن)؛ رنگ درنگی؛ (لی، آ: زنگی و زنگ؛ ل: زنگ دورنگ؛ ب: رنگ درنگ)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (درس، س ۲ حرف دو واژه یکم نقطه ندارد)؛ زنگ درنگی → زنگی درنگی؟ ۱۳- ف، س ۲: تیره؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن- آ) ۱۴- ل این بیت را ندارد ۱۵- ق: رونده رود ۱۶- ل- س ۱ (نیز لن، لی، ب)؛ به؛ متن = ف (نیز ق) ۱۷- ل- س ۱ (نیز لن- پ، لن، آ، ب)؛ باید؛ متن = ف (نیز و) ۱۸- س، ق (نیزی، آ، ب)؛ پیش او؛ (ق: در زمان)؛ ل، ل (نیز ل)؛ شد از پیش او؛ متن = ف، س ۱ (نیز لن، پ، لن) ۱۹- ل: ز ۲۰- ق: یکی گنج آراسته ۲۱- ق: کشته ۲۲- ل: پیوسته دید؛ س ۲: با بسته دید؛ ق: بخون و بجاک اندر آغشته دید؛ متن = ف، ل، س ۲۳- ق: ندید ایچ ۲۴- ل: زمین بود و؛ ق (نیز ل، آ، لن)؛ زمین بود؛ س، ل، آ، س ۱ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب)؛ زمین پر ز؛ متن = ف

<p>برآشفت برسان^۲ شیر ژیان که کس^۳ را خرد نیست با مغز جفت^۴ سپه چون گریزد ز ما همگروه^۵؟ در و راغ^۶ چون دشت^۷ و هامون کنید سپردید و دشمن به رنج و به راه^۸ چو رنج آوری^۹، گنج بار آورد ز تیمار^{۱۰} ایران هراسان شوم^{۱۱}، چو هومان و روین و^{۱۲} پولاد راه، تو در لشکر و^{۱۳} رستم از^{۱۴} کشوری، مرا زین سپس کی^{۱۵} به چنگ آورید؟ تبه شد همه کرده فرجام^{۱۶} کار که این جای خوابست گر^{۱۷} دشت جنگ؟ سراهنگ آن دوده را نام چیست؟ هم اندر زمان دست و پایش بکوب^{۱۸} نگه کن یکی پشت پیل^{۱۹} بلند مگر بخته^{۲۰} گردد بدان بارگاه ز دیبا^{۲۱} و از^{۲۲} افسر و گنج و تاج،</p>	<p>ز ناباکی^۱ و خواب ایرانیان زبان را به دشنام بگشاد و گفت برین^۲ گونه دشمن^۳ میان دو کوه ظلایه بگفتم که بیرون کنید شما سر به آسایش و خوابگاه تن آسان غم و رنج بار آورد چو گویی^۴ که روزی تن آسان شوم^۵ ازین پس تو پیران و گلبداد را نگه کن برین^۶ دشت با لشکری؛ اگر تا^۷ او^۸ دارید جنگ آورید چو^۹ پیروز برگشتم از کارزار برآشفت و با طوس^{۱۰} شد چون پلنگ ظلایه نگه کن که از خیل کیست؟ چو مرد ظلایه بیابی به چوب ازو چیز بستان^{۱۱} و پایش ببند برینسان^{۱۲} فرستش بنزدیک شاه ز دینار^{۱۳} و از^{۱۴} گوهر و تختِ عاج</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: [و] ۲- ل (نیز لن، ل، پ، لن): رسته چو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ی، و، آ، ب): ق در اینجا سرنویس دارد؛ عتاب کردن رستم با ایرانیان جهت پیران ۳- ل: آ: این ۴- ق: که مغز کسی با خرد نیست جفت ۵- ل، ق: بدین؛ س: بران؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، ل: لشکر؛ متن = ف، ل، ق، س، ل، س ۶- ق: سپه خواب جوید همه همگروه ۷- ل: س: راه ۸- ل، س: آ: راه ۹- ل، س: آ (نیز ق، ل، پ، و، ب): دشت؛ ق: پشت؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، ی، پ، لن، آ) ۱۰- ل (نیز ل): بسیجید راه؛ س (نیز ب): برفته راه؛ ق (نیز ل): نهادید و دشمن بسیجید راه؛ متن = ف، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ل: آورد ۱۲- ق، ل: گوم ۱۳- ل: شونده؛ س: آ: شوم ۱۴- ق: اندوه ۱۵- ل، ل، ل: [و]: س: نستین گرد و؛ ق: روین و هومان و؛ متن = ف، س، ل ۱۶- ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ی، ل، آ): بدین؛ س (نیز ب): درین؛ متن = ف، س، آ (نیز ب، و، لن) ۱۷- ل، س، ل (نیز لن، ب): کشوری؛ (ق: جنگ و؛ ل، ی، آ: لشکری)؛ س (نیز ب، لن): تو این (ب، لن، آ): کشوری؛ متن = ف، ق (نیز و) ۱۸- ق: رسته و؛ س: رسته آن؛ (ق: رسته دگر)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ل، ی، پ، ب) ۱۹- ق (نیز ق، ل، آ): تاب؛ (لن: پای)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۲۰- ف: گر؛ متن = ل، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۲۱- ل، س، س، س (نیز ل، ل، آ، ب): که؛ متن = ف (نیز لن، ق، ل، پ، لن) ۲۲- ل (نیز ق): نکو (ق: همه) کشته فرجام؛ س (نیز ل، آ، ب): همه کشته برجای؛ س: گشت هم کرده فرجام؛ متن = ف (نیز لن، پ): ق، ل، آ این بیت را ندارند ۲۳- ل، ل، ل، س (نیز و، ب): برآشفت با طوس و؛ ق: برآشفت با طوس؛ متن = ف، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ب): یا؛ متن = ل ۲۵- س این بیت را ندارد ۲۶- ف: مستان (!)؛ متن = ل، س (نیز لن، ب: درس، لن، و حرف یکم نقطه ندارد) ۲۷- ق، ل، آ، س: پیل ۲۸- ل، ل، ل، س (نیز لن، ل، ی، آ): بدینسان؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ل، ب) ۲۹- ف، ل، س (نیز ل، و): بخته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، س (نیز لن، ل، ی، آ): رام؛ (ق: سخت)؛ متن = ق (نیز ل، پ، ب): بخته = پخته؟ بخته؟ ۳۰- ل: یا قوت؛ س: دیبا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ ۳۱- ف، ل، س، ق، س: آ: وز؛ متن = ل، س ۳۲- ل، س: آ: دینار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ ۳۳- ل، ق: وز؛ متن = ف، س، ل، آ، س

نگر تا که دارد از ایران سپاه
برین^۳ دشت بسیار شاهان بُدند
ز چین و ز سقلاب و ز هند و^۵ وهر
ازین^۷ هدیه‌ی^۸ شاه باید نخست
۲۲۷۵

سپهبد بیامد همه گرد کرد^{۱۱}
کمرهای زرین و بیجاده تاج
ز تیر و کمان و ز برگستوان
یکی کوه شد^{۱۶} در میان دو کوه
کمان کش^{۱۸} سواری، گشاده‌بری^{۱۹}
۲۲۸۰

خندگی بیندختی چارپر
چو رستم نگه کرد^{۲۳} خیره بماند
چنین گفت کین روز ناپایدار
همی‌گردد^{۲۵} این خواسته زآن بدین^{۲۶}
یکی گنج ازینسان همی‌پرورد
۲۲۸۵
بر آن^{۳۰} بود کاموس و خاقان چین
بدین زنده‌پیلان^{۳۲} و این خواسته
به گنج و به انبوه بودند شاد

همه خواسته یکسره^۲ پیش خواه
همه نامداران گپان^۴ بُدند
همه گنج‌داران^۶ گیرنده شهر
پس آنگه مرا و ترا^۹ بهره^{۱۰} جست

برفتند گردان به دشت نبرد^{۱۲}
ز دیبای رومی و از^{۱۳} تخت عاج،
ز گوپال^{۱۴} و از^{۱۵} خنجر هندوان،
نظاره شده گردش اندر گروه^{۱۷}
به تن زورمندی و گنداوری^{۲۰}
ازین سر^{۲۱} بدان^{۲۲} سر^{۲۱} نکردی گذر
جهان‌آفرین را فراوان بخواند
گهی بزم سازد^{۲۴}، گهی کارزار
به نفرین دهد^{۲۷} گه، گهی بافرین^{۲۸}
کسی^{۲۹} دیگر آید کزو برخورد
که آتش برآرند از^{۳۱} ایران زمین
بدین^{۳۳} لشکر و گنج آراسته
زمانی ز یزدان نکردند^{۳۴} یاد

۱- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲- ل، س: ۲: یکسره خواسته؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۲۷۵ آمده است ۳- ل: بدان؛ س، ق: ۱- ل (نیز ل- پ، ل، ن، آ، ب): بدین؛ متن = ف، س، آ (نیز و، آ) ۴- ق: وپاکان ۵- ق: وهندوز ۶- ف، ق: نامداران: (لی): تاجداران؛ متن = ل، س، ل، آ، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل- ل، ن، آ، ب) ۷- ق: از آن ۸- س: هدیه‌ها ۹- ق: ترا و مرا ۱۰- ل، ل، ل: بهره؛ ق: هدیه؛ متن = ف، س، س، آ؛ درل این بیت پس از بیت ۲۲۷۲ آمده است ۱۱- ق: کرد یاد ۱۲- ق: از رزم شاد ۱۳- ف، ل، ق، س، آ: وز؛ متن = س، ل، آ ۱۴- درپ، و، ل، ن، آ، ب با سه نقطه ۱۵- ف، ل، س، ق، س، آ: وز؛ متن = ل، آ ۱۶- س، س، آ، ل: بد: متن = ف، ل، ق ۱۷- ق: بر آن‌ها نظاره گروه‌ها گروه ۱۸- س: کمان ور ۱۹- ق: بلنداختری ۲۰- ق: گشاده‌بری ۲۱- ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، ل، آ، و، ب): سو: (ل- ن، آ: رو): متن = ف، س، آ (نیز ل، لی، ب، آ) ۲۲- س: بران ۲۳- ل: کرد و ۲۴- ق: دارد؛ س (نیز لی، آ، ب) پس از این بیت دو بیت و ل پس از بیت سیسین تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

گهی شاده‌انه گهی تندرست
زمانه نماند بآرام خویش
گهی خشناک و گهی مرگ جست
چنین بود تا بسود آیین کیش

۲۵- س: داد ۲۶- ل: برین ۲۷- ل، ق: بود؛ متن = ف، س، ل، آ ۲۸- س: دهد گاه نفرین و گاه آفرین؛ در ل بیت های ۲۲۸۳-۲۲۸۶ دو بار آمده‌اند و ۲۲۸۴ ب دربار نخست برابر ف و دربار دوم برابر س است ۲۹- ل، س: یکی؛ متن = ف، ل، آ، س؛ ق این بیت را ندارد ۳۰- س: برین؛ ق: بدان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۳۱- ف: برآید از؛ ل: برآرد ز؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۳۲- ف، س: زند پیلان ۳۳- ف: برین؛ متن = ل- س ۳۴- ل: بکردند (!)

<p>بسی آشکار و نهان^۲ آفرید سگالش همه کار بیداد بود گزیده ز هر کشوری مهتری، همان تخت زرین و زرین کلاه، فرستم سزاوار چیزی که هست، درنگی نه والا بود مرد سنگ به کشور بماند^{۱۱} زبونی بود بدان را فنام که باشد نشست^{۱۳} تو تا جای ماند^{۱۴} بمانی به جای</p> <p>که با شاه گستاخ باشد نخست^{۱۷} که با شاه نزدیکی او را سزید هم از تخم^{۱۹} شاهی و هم^{۲۰} شهریار تو شادان و این گوهران^{۲۲} از تو شاد ببر نامه‌ی من بر شاه نو</p>	<p>که چرخ و سپهر و زمان^۱ آفرید سپه بود و هم^۳ گنج آباد بود کنون این^۴ بزرگان هر کشوری اباه زنده پیلان^۵ فرستم به شاه همان^۷ خواسته بر هیونان مست و زاید^۸ شوم تازنان^۹ تا به گنگ^{۱۰} کسی کو گنهکار و خونی بود جهان را به خنجر بشویم پست^{۱۲} بدو گفت گودرز کای نیک‌رای</p> <p>تهمن فرستنده‌ی^{۱۵} را بجست^{۱۶} فریبرز کاوس را برگزید چنین گفت کای نیک‌پی^{۱۸} نامدار هنرمند^{۲۱} با دانش و با نژاد یکی رنج برگیر و زاید برو</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ف. س. ا. زمان و سپهر (س. پساوند ندارد): س. (نیز ل. آ. ا.): زمان و زمین (پساوند ندارند): ل. زمین و سپهر (پساوند ندارد): (ل. ل. پ. و. زمین و زمان): م. ل. ق. (نیز ق. ل. ب. آ. ب.) ۲- ف. چو کیوان و ناهید و مهر: ل. بسی آشکارا نهان: س. همی آشکار و نهان: (و. پس از آشکارا نهان): م. ق. ل. س. (نیز ل. ب. ل. آ. ب.): ل. س. (نیز ق. ل. ب. آ. ب.) پس از این بیت افزوده‌اند:

زیزدان شناس و بییزدان سپاس
بدو بگرود مرد نیکی شناس
کز بودمان زور و فیر (س. فر و زور) و هنر

ازو دردمندی و هم زو گهر (س. سودمندی و زو برگذر)

۳- ف. بسنه بودش و: م. ل. س. (نیز ل. ب.) ۴- ل. ل. س. ل. س. (نیز ل. ب. آ. ب.): از: م. ف. ق. (نیز ل. ق. ل. آ. و. ل. ل. س. ق. (نیز ق. ل. ب. آ. ب.): بدین: ل. ا. مرین: س. (نیز ل. ل. ن. ا.): برین: (و. تن): م. ف. ۶- ف. زند پیلان ۷- ل. س. ل. س. ا. همه: م. ف. ل. ق. ۸- ق. وزانپس ۹- ل. س. س. (نیز ل. و.): تازسان (حرف چهارم نقطه ندارد): ل. (نیز ل. ا.): تازیان: م. ف. ق. (نیز ق. ل. ب. آ. ب.) ۱۰- ل. ق. (نیز ل. ب. ل. آ.): چون پلنگ: م. ف. س. ل. ا. س. (نیز و. ب.) ۱۱- ل. ق. (نیز ل. ل. آ. ب. ل. ن. ا.): بانی: م. ف. س. ل. س. (نیز ق. ل. ب. آ. ب.) ۱۲- ق. (نیز ل. ا.): بشوه بدست: (ق. ا. بشوه نخست: ل. آ. بشوه پشت: و. بشویم دست): ف. بدان را بخنجر بشوه ز کشت (!): ل. زمین را بخنجر بشوه ز کین: (ل. ب. ل. ا.): بخون یکایک بشویم دست): م. س. ل. س. (نیز ب.) ۱۳- ف. که یابند پشت: ل. همی بر زمین: ق. که یابد نشست: (ق. ا. که مانند درست: ب. که مانند نشست: و. فنام جای نشست): م. س. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. آ. ا.) ۱۴- ف. (نیز ل. ا.): باشد: م. ل. س. ل. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. آ. ب.): ق. این بیت را ندارد: ل. (نیز ب.) پس از این بیت افزوده‌اند:

بکام دل شاد بادی و راد (ب. شاه بادی و شاد)

بدین رزم دادی چو بایست داد

۱۵- ل. س. ق. س. (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ن. ا.): فرستاده: م. ف. (نیز ل. آ.) ۱۶- ل. فرستم فرستاده را نخست ۱۷- ل. س. ل. ا. س. ا. درست: م. ف. ل. ق. ۱۸- ل. س. ق. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. آ. ب.): مهتر: م. ف. ل. (نیز ق. ا.) ۱۹- ل. ا. تخت ۲۰- ق. و خود ۲۱- ل. س. ق. ل. ا. هنرمند و: م. ف. س. ۲۲- ل. و کاوس شاه: س. ل. (نیز ل. آ. ب.): شادی و این گوهران: (نیز ل. ا.): شادانی و کهتران: س. ا. شاهی و آن گوهران: (ل. ب. ل. ن. شادی و این دیگران): م. ف. (نیز ق. ا. و.)

ابا خویشتن بستگان را ببر
همان افسر و یاره^۲ و طوق^۳ و تاج
فریبرز گفت: ای هزبر ژیان^۴ ۲۳۰۵

هیونان و این^۱ خواسته سربسر
همان زنده پیلان^۵ و آن^۶ تحتِ عاج
منم راه را تنگ بسته میان

گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو^۷

دبیر جهان‌دیده را پیش خواند
به فرمانش بر نامه‌ی خسروان^۸
سر نامه کرد آفرین خدای
برآزنده‌ی ماه و کیوان و هور
سپهر و ستاده‌زمین آن اوست^۹ ۲۳۱۰
و زو^{۱۰} آفرین باد بر شهریار!
رسیدم به فرمان میان دو کوه
همانا که شمشیرزن صد هزار
گشانی^{۱۱} و شکنی^{۱۲} و چینی^{۱۳} و هند
ز کشمیر تا دامن کوه^{۱۴} شَهد ۲۳۱۵
بترسیدم^{۱۵} از دولت شهریار

سَخُن هر چه^{۱۶} بایست با او براند
ز عنبر نبشتند بر پرنیان^{۱۷}
کجا هست و باشد همیشه به جای
نگارنده‌ی فرّ و دیهم و زور
روان و خرد زیر فرمان اوست^{۱۸}
زمانه مماناد^{۱۹} ازو^{۲۰} یادگار!
سپاه سه^{۲۱} کشور شده^{۲۲} همگروه
ز دشمن فزون بود در کارزار
سپاهی ز چین تا به دریای سِند
سراپرده و پیل دیدیم و مَهد
کزین^{۲۳} رزمگاه اندرآرد نِهَار^{۲۴}

۱- ل: آن ۲- س، ل، آ، س: یاره و افسر ۳- ل، س، ق (نیز ق، و، ب): گرز؛ ل، آ، س: زره؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ، ب، لن) ۴- ف: زند پیلان ۵- ل، ل، آ، س: (نیز ل، آ): وهه؛ ق (نیز ق، آ، ب): و این؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، آ، و، لن، ب) ۶- ق: دمان ۷- ف: گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو و اندر فیروزی بر کاموس و خاقان چین و ترکان؛ ل: نامه رستم زال بشاه کیخسرو؛ س: نامه رستم بنزد شاه کیخسرو با ایران و خواسته؛ ق: نامه رستم بکیخسرو و رفتن فریبرز با اسیران؛ ل: اندر نامه رستم نزد کیخسرو به پیروزی؛ س: رفتن فریبرز نزد کیخسرو با اسیران؛ متن = آغاز ف ۸- ل، س: هرچ ۹- س (نیز ل، آ، ب): خسروی؛ ل: بفرمود تا نامه خسروی؛ ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ): بقرطاس بر نامه خسروی (ق، ل، آ: پهلوی)؛ (و: بفرمان او نامه خسروی)؛ متن = ف (نیز لن، ب، لن) ۱۰- ل، آ: بر پهلوی؛ ل، س: (نیز ل، و، آ): نوشتند بر پهلوی؛ س (نیز ب): نبشته خط پهلوی؛ ق (نیز ل، آ): نوشتند بر پهلوی)؛ متن = ف (نیز لن، ب، لن) ۱۱- ف (نیز و): سپهر و ستاره زمین آن تست (و: آفرید)؛ ل (نیز ق، ل، آ، ب): سپهر و زمان و زمین آفرید؛ س: سپهر و زمین و زمان آفرید؛ ق (نیز لن، ب، لن): سپهر و زمان و زمین آن اوست؛ ل، س: سپهر و ستاره زمان آن اوست؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۲- ف: تست (!)؛ ل (نیز ق، ل، آ، ب): روان و خرد داد (ل، آ، ب: را) و دین آفرید؛ س: خرد داد و توش و توان آفرید؛ متن = ق، ل، آ، س: (نیز لن، ب، لن) ۱۳- س، ق، ل، آ، س: ازو؛ متن = ف، ل ۱۴- ل، ق: مبادا؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۵- ف: زو؛ متن = ل، س ۱۶- ل (نیز لن، ب، لن، آ، ب): دو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، و، آ) ۱۷- س، ل، آ: همه؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۸- ق: کهانی ۱۹- ف، ل، آ، س: (نیز لن، ب): شنکی؛ س، ق: چینی؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ) ۲۰- س (نیز ل، آ، ب): شنکی؛ ق: شنکی؛ ل، آ، س: سقلاب؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ، ب) ۲۱- ل، ق: رود؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل، ب) ۲۲- ل: بترسیدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ب): بترسیدم؛ متن = ف ۲۳- س: کزان؛ ق: که آن ۲۴- ف: بهار (!)؛ ل: اندرآید نهار؛ ل (نیز ل، آ، ب): اندرآید بهار؛ س: اندرآید دمار؛ س، ق (نیز ل، آ): رزمگاهست یا نوهار؛ (لن، ب، لن): برآوردیم از بیخ ایشان دمار؛ ق: برآوردیم از رزمگهشان دمار)؛ متن تصحیح قیاسی است (ف + ل)

تو گفتی بریشان جهان تنگ بود
 نه بر باد، با بختِ لاغر بُدند^۲
 ز خون و ز گشته نشاید^۴ گذشت
 پراکنده از خون زمین زیر^۵ گِل
 سَخُن گوم این نامه گردد دراز
 ز پیلان گرفتم به خَم کمند
 مگر پیش گرز من آید گروهی
 سر^۱ چرخ گردان زمین^{۱۱} تو باد!

چهل روز بر هم^۱ همی جنگ بود
 همه شهریاران کشور بُدند
 میان دو کوه از برِ راغ و دشت^۳
 همانا که فرسنگ باشد چهل
 سرانجام ازین^۶ دولت دیرباز
 همه شهریاران^۷ که دارند بند
 سَوی کنگ^۸ داره کنون رای و روی^۹
 زبان‌ها پُر از آفرین تو باد!

۲۳۲۰

ببردش^{۱۲} فریبرز خسرو نژاد
 از آن رزمگه بر نهادند بار
 بنزدیک خسرو بسیجید^{۱۴} تفت
 بزرگان و گردان آن انجمن
 بیارید آب از غم شهریار
 چو جعد^{۱۶} دو زلف شب آمد پدید،
 به یک دست رود و به یک دست نی^{۱۸}

چو نامه به مُهر اندر آمد بداد
 ابا شاه و پیل و هیونی هزار^{۱۳}
 فریبرز کاوس شادان برفت
 همی رفت با او گو پیلتن
 به پدروود کردن گرفتش کنار
 و ز آنجایگه^{۱۵} سوی لشکر کشید
 نشستند با رامش و رود و می^{۱۷}

۲۳۲۵

۲۳۳۰

۱- ل: با هم: ق، ل، آ: در هم: متن = ف، س، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲- ف: نه بر باد با تخت و افسر بدند: س (نیز ب): زبیداد با بخت
 لاغر بدند: ق، ل، آ: س (نیز ل-آ): ابا (که با) تخت (تاج، گنج) و با تاج (تخت، تیغ) و افسر بدند: متن = ل (چهار واژه نخستین و حرف یکم
 واژه پنجم نقطه ندارند) ۳- ق: بیابان و راغ و بر کوه و دشت ۴- ف: نشایست: س (نیز ب): زبس کشتگان برنشاید: ق: ز کشته پراز
 خون نشاید: ل، آ: س (نیز ل، آ): ز خون سپه (لی، آ: کسان) برنشاید: متن = ل (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۵- ل: بود: س (نیز ل، لی، ل، آ، ب،
 ل، آ، ب): پرز: ل، آ: س (نیز ق): همچو: متن = ف، ق (نیز و) ۶- ل: زمین: ق: از آن ۷- ل، ل، آ: س: مران شهریاری: س، ق، ل، آ: س (نیز ق)
 پس از این بیت افزوده‌اند:

فرستاده اینک بر شهریار (ق، ل، آ: س: بنزدیک شاه)

ابا هدیه و گوهری شمار (ق، ل، آ: س: ابا افسر و تخت و گرز و کلاه)

۸- ف- س (نیز ل، لی، ل، آ، ب، ل، آ، ب): جنگ: متن = (ق، آ، و) بیت ۲۲۹۴ ۹- س: من ای شاه روی ۱۰- س:
 خم ۱۱- س، س، آ: نگی: ل، آ: بکین: متن = ف، ل، ق ۱۲- ل: بهتر: س: بدست: ق: بگرد: متن = ف، ل، آ: س ۱۳- ل: هیون
 دو هزار: (ل: هیونان هزار): ف: و پیلان و اشتر هزار: س، س (نیز ب): پیل و هیون بد هزار: (ق: و پیلان هیونی هزار): متن = ل، ق (نیز ل،
 لی، ب، ل، آ): در س پس از این بیت، بیت های ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ آمده‌اند ۱۴- ل: بسیجید و: س: ق: خرامید: س: خرامید و: متن = ف،
 ل ۱۵- ف (نیز ب): از آنجایگه: متن = ل- س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- ف: جعدو: متن = ل- س (نیز ق، لی، ل، آ، ب، ل، آ،
 آ، ب): در ف لت های این بیت پس و پیش شده‌اند: بیایی لت های این بیت در متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۷- ل: رود می: س، ل، آ،
 س: دست می: (لی: دست و می): متن = ف، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ل، ف، ل (نیز ب، ل، آ): می: ل، س (نیز و): دگر دست
 نی (س: می): ق (نیز ل): جام و به یک دست می: س (نیز ل، آ، ب): یکی مست رود و دگر مست می (لی: نی): (ق):
 همه نامداران فرخنده‌پی: متن = ف، ل (نیز ب، ل، آ): پس از تصحیح می به نی: ف، ق، ل، آ، س، ل، آ، ب، ل، آ: پس او پس
 ندارند

برفتند از آن پس^۱ به آرام خویش گرفته به بر هر یکی^۲ کام خویش

چو خورشید با زیب^۳ و دیبای زرد همانگه ز دهلیز پرده سرای
 ۲۳۳۵ تهن من میان تاخن را بیست بفرمود تا توشه برداشتند

بیابان گرفتند و راه دراز چنین گفت با طوس و^{۱۰} گودرز و گیو
 من^{۱۲} این بار^{۱۳} تنگ^{۱۴} اندر آیم^{۱۵} به جنگ که دانست کین چاره گر^{۱۷} مرد سِند
 ۲۳۴۰ من او را چنان مُست^{۱۹} و بیهش کنم که از هند و سقلاب و شکنان^{۲۰} و چین

بزد کوس و ز دشت برخاست گرد از آن نامداران پرخاشجوی
 ۲۳۴۵ دو منزل برفتند از آن^{۲۳} رزمگاه یکی بیشه دیدند و آمد فرود
 هر^{۲۵} آن چیز کان از در شاه بود

هوا پُر ز گرد و زمین پُر ز مرد به ابر اندر آمده می^{۲۱} گفت و گوی^{۲۲}
 که از گُشته بُد روی گیتی سیاه سیه شد ز لشکر همه دشت و رود^{۲۴}
 فریبرز را^{۲۶} دست کوتاه بود،

۱- ل: هر کس؛ م: متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز لن - ب) ۲- ل. ل. س. (نیز لن. ی. ب): کسی؛ م: متن = ف. (نیز ق) ۳- ل. ل. س. ل. آ. س. (نیز لن. ق. آ. ی. ب. و. آ. ب): بیارنگ؛ م: متن = ف. ق. (نیز ل) ۴- ف: دوده (؟)؛ س. ل. س. (نیز لن. ق. آ. ی. ب. ل. ن. آ. ب): پیرده؛ (و: کشوره. آ. مهره)؛ م: متن = ل. ق. (نیز ل) ۵- ف. س. ق. ل. آ. س. (نیز ق. آ. ی. ل. آ. ب): لاجورد؛ م: متن = ل. (نیز لن. و. لن. آ) ۶- ف. ل. س. کسرتای؛ م: متن = ق. ل. آ. س. ۷- ف. ل. س. ق. س. (نیز لن - آ): دشواره؛ م: متن = ل. (نیز ب) ۸- ل. ل. آ. دهان؛ س. آ. میان ۹- ل. ل. س. ق. لشکری؛ م: متن = ف. ل. آ. س. ۱۰- ل. ل. س. [و]: ۱۱- ق: مردان ۱۲- ف: گر؛ م: متن = ل. س. (نیز لن. ب. ل. ن. آ. ب) ۱۳- (ق. ل. ن. آ. ب. ل. آ. ب): ۱۴- ل: جنگ؛ م: متن = ف. ل. آ. س. ۱۵- ف: اندر آید؛ ل. ق. (نیز ق)؛ اندر آید؛ م: متن = س. ل. س. (نیز لن. ی. ل. آ. ب. ل. ن. آ. ب) ۱۶- ف (نیز لن. ب. ل. ن. آ. ب): جای (؟)؛ م: متن = ل. س. (نیز ق. آ. ی. ل. آ. ب) ۱۷- ل: چاره بر ۱۸- ق: سکسار ۱۹- ف. ل. س. (نیز لن. ی. و. لن. آ. ب): سست؛ (ق. آ. ب): م: متن = ل. س. ق. (نیز ل. ب) ۲۰- ل: توران؛ ل. س. سنکان؛ س: شکنان و سقلاب؛ ق: شکنان و زست؛ م: متن = ف. ۲۱- ل: یکی ۲۲- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۲۳- ل: زان ۲۴- س. ق. پس از این بیت افزوده اند:

س: بدان بشه بودند یکچند گه

بسر آمد لشکر هم از رنج راه

ق: وزان رو فسر بر ز و خاقان چین

همی رفت یزان بیسران زمین

۲۵- س: همه ۲۶- س. ل. آ. فریبرز از آن؛ م: متن = ف. ق. س. آ. ل. بت هی ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ را اندر آورده در س بیت های ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ پس از بیت ۲۳۲۶ آمده اند

ببخشید یکسر همه^۱ بر سپاه
همی بود با رامش و می به دست
فرستاده آمد ز هر مهتری^۶
بسی^۸ هدیه و ساز^۹ و چندی^{۱۰} نثار

نجنید یک تن^۲ از آن جایگاه^۳
یکی^۴ شاد و خرم، یکی^۴ خفته مست^۵
ز هر نامداری و هر کشوری^۷
ببردند نزدیک آن نامدار

چو بگذشت از آن^{۱۱} داستان روز چند
کس آمد بر شاه ایران سپاه
پذیره شد آن^{۱۲} شاه گنداوران^{۱۳}
فربرز نزدیک خسرو رسید
نگه کرد خسرو بدان^{۱۶} بستگان^{۱۷}
عنان را بیچید و آمد ز^{۱۹} راه
فرود آمد و پیش یزدان به خاک
ستمگاری کرد بر من ستم
تو از درد و سختی رهانیدیم
زمین و زمان پیش من بنده شد
سپاس از تو دارم، نه زان^{۲۵} انجمن

ز گردش نیاسود چرخ بلند
که آمد فربرز کاوس شاه
ابا بوق و کوس و سپاهی گران^{۱۴}
زمین را ببوسید کو را بدید^{۱۵}
هیونان و پیلان و آن خستگان^{۱۸}
ز سر برگرفت آن گیانی کلاه
بغلتید^{۲۰} و گفت: ای^{۲۱} جهاندار پاک
مرا بی پدر کرد و با درد و غم^{۲۲}
همی تاج را پروراندیم^{۲۳}
جهانی به^{۲۴} گنج من آگنده شد
یکی جان رستم تو مستان ز من

۱- س، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب): دیگر همه؛ ق: آن خواسته؛ (ل، آ، پ، س): خواسته؛ متن = ف (نیز ل، آ): بنداری؛ فامر رستم بقسمه بقایا
الغنیمة علی العسکر ۲- ق: یکچند ۳- س (نیز ل، پ، ل، آ): رزمگاه؛ ل، آ، س: از آرامگاه؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، آ، ب)
۴- ق: گهی ۵- س: می پرست ۶- ل، ل، آ: کشوری ۷- ل، ل، آ: مهتری ۸- س: ابا ۹- ق: ساو
۱۰- س: چندان؛ ق، ل، آ: چندین؛ متن = ف، ل، س، آ: س پس از این بیت افزوده است:

وزین سوز فربرز کاموس شاه

سوی شاه ایران بسپیمود راه

۱۱- ل، س (نیز ق، آ، و، ب): ازین؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): درق بیست های ۲۳۵۲-۲۳۹۲ پس از بیت ۲۴۲۸
آمده اند ۱۲- ل، س (نیز ق، آ، ل، آ، ب): شدش؛ متن = ف (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ، ب) ۱۳- ق: با سپاهی گران ۱۴- ق: همه
نامداران و کنداوران ۱۵- س، ق پس از این بیت، بیت هایی افزوده اند که برخی درق، ل، و، آ، ب نیز آمده اند:

س: بسی آفرین کرد بر شهریار

که شادان بدی تا بسود روزگار

سپهر بلند از تو خالی مباد

بدو داد پس نامه پهلوان

ق: بسی آفرین کرد بر شهریار

که از تو مبادا جهان یادگار

همیشه بماناد تختت جوان

بکام تو بادا سپهر روان

۱۶- ل: بران ۱۷- ل: خستگان ۱۸- ل: بستگان ۱۹- ف، ل (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ): به (؟)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز
ل، آ، و، آ، ب) ۲۰- ل، ل، آ، ب: بغلطید ۲۱- ق: پیش ۲۲- س: و دل پر زغم؛ ق: [و] بردرد و غم ۲۳- ل، آ این بیت را
ندارد ۲۴- ل، ل، ز؛ ل، آ، س: جهان زیر؛ متن = ف، س، ق ۲۵- ل، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب): نه از؛ س: نه آن؛ (ق: بهر)؛
متن = ف (نیز ل، آ)

بزد اسپ و زانجایگه^۱ بازگشت
بدان^۲ پیل و آن بستگان^۳ برگذشت
بسی آفرین کرد بر پهلوان
که او شاد بادا و روشن‌روان^۴

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی رستم از شاه کیخسرو^۵

۲۳۶۵ به ایوان شد و نامه پاسخ نبشت^۶
نخست آفرین کرد بر کردگار
خداوند کیوان^۸ و گردان سپهر
سپهری ازین^{۱۰} گونه بر پای کرد
یکی را چُنین^{۱۱} تیره‌بخت آفرید
غم و شادمانی^{۱۲} ز یزدان پاک^{۱۳}
رسید آنچه^{۱۵} گفتی^{۱۶} بدین^{۱۷} بارگاه
ز دیبای چینی و از^{۱۸} تختِ عاج
هیونان بسیار و افگندنی
همه آلت و ساز^{۲۱} سورست و بزم^{۲۲}
۲۳۷۵ مگر آن کسی که ش سر آید ز^{۲۴} پیش
و زان رنج بردن به^{۲۷} توران سپاه^{۲۸}

به باغ بزرگی درختی بکشت
کزو دید نیک‌وید روزگار^۷
کزویست پرخاش و پیوند^۹ و مهر
شب و روز را گیتی آرای کرد
یکی را سزاوار تخت آفرید
کزویست مردی و ناباک و پاک^{۱۴}
اسیران و پیلان و تخت و کلاه
از اسپان تازی و از^{۱۹} طوق و تاج
ز پوشیدنی، هم پراگندنی^{۲۰}
به^{۲۳} پیش تو زینسان که آید به رزم؟
برین^{۲۵} گونه سیر آمد^{۲۶} از جان خویش
شب و روز بودن به آوردگاه،

- ۱- ق: پس آنگاه از آنجایگه ۲- ل، س، ق، ل: بران؛ متن = ف، س ۳- ل: خستگان؛ س (نیزی، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند: بفرمودشان تا بزنندان برند ببردند و او شاد از آنجا براند
- ۴- ل، س، ق (نیزی، آ، ب): که او باد شادان و روشن (ب: نوشته) روان؛ ل، س: که او باد شاد و انوشه روان؛ (لن، پ، ل: که بی او مبادا زمین و زمان؛ ق، و: کزو بود شادان و روشن روان)؛ متن = ف ۵- ف: گفتار اندر پاسخ نامه شاه کیخسرو از آن رستم و فرستادن فریبرز کاوس را باز پس و ستایش کردن شاه؛ ل- س: پاسخ نامه رستم از (س: از نزدیک؛ ل: از نزد) شاه کیخسرو (ق: و باز آمدن فریبرز)؛ متن = ل، س ۶- ل، س، ل، س: (نیز ق: ب): نوشت؛ متن = ف، ق (نیز لن) ۷- ل: کزو بود روشن دل و بخت یار؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۸- ل: ناهید؛ س، ل، س: (نیز لن، لی، پ، آ، ب): فرمان؛ ق (نیز ل): خورشید؛ متن = ف (نیز ق، و) ۹- ل، ق (نیز و): آرام؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، س، ق: برین؛ ل: بدین؛ متن = ف، س ۱۱- س: چنان؛ ق: همی ۱۲- ل: شاد کامی ۱۳- ل- س: (نیز ق، ل، و، ب): شناس؛ متن = ف (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۱۴- ل- س: (نیز ق، ل، و، ب): کزو یست هر گونه بر ما سپاس؛ (لن، پ، ل): کزو یست مردی و هم ترس و پاک؛ متن = ف (نیزی، آ): پس از این بیت افزوده‌اند: وزان پس چنین گفت کای پهلوان که پاکیزه بادی (ق: تو پاکیزه تن باش) و روشن روان ۱۵- ق، ل: آنچه ۱۶- ل: دادی؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن- ب) ۱۷- ل: برین ۱۸- ق، ل، س: وز؛ متن = ف، س ۱۹- ق، ل: وز؛ متن = ف، س، س: ل (نیز لن) این بیت را ندارند ۲۰- ل، س، ق (نیز ق، ل، و، ب): ز گستردنی؛ ل، س: (نیز لن، لی، پ، آ): ز آگندنی؛ متن = ف (نیز لن) ۲۱- ل: آلت ناز ۲۲- ق، ل: بزمست و رزم؛ ل: رزمست و بزم؛ متن = ف، ل، س ۲۳- ف (نیزی، آ): ز (؟)؛ متن = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل (نیز ل، ب): به؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- ل، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س، س ۲۶- ل، ق، ل، س: (نیز لن- ب): آید؛ متن = ف، س ۲۷- ل، ل، س: (نیز و): ز؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۸- ق: از آن رنج دیدن ز چندان سپاه

ز کارت چه بردم به روز و به شب^۱
شب و روز بر^۲ پیش یزدان پاک
کسی را که^۳ رستم بود پهلوان
پرستنده چون تو نیارد^۴ سپهر ۲۳۸۰

نپسند^۷ پردخته^۸ شد ز آفرین
بفرمود تا خلعت آراستند
صد از جعدمویان زرین کمر
ده^{۱۰} استرا^{۱۱} همه بار دیبای چین
ز یاقوت رخشان ده^{۱۳} انگشتی ۲۳۸۵
ز پوشیدن^{۱۶} شاه دستی به زر
سران را همه هدیه ها ساختند
فریبرز را^{۱۸} تاج و تخت^{۱۹} و درفش
فرستاد و فرمود تا بازگشت
چنین گفت کز جنگ افراسیاب ۲۳۹۰
مگر کان سر شهریار اندکی^{۲۴}

فریبرز برگشت از آن جایگاه^{۲۶} به کام دل شاه ایران سپاه

۱-ل. س. ق. (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب.)؛ خبر بد مرار روز و شب؛ س.؛ همیشه بروز و شب؛ (ق.؛ غمی بوده ام روز و شب)؛ متن = ف. ل. (نیز ل. آ) ۲-س. در ۳-س. کش چو ۴-ق. کو همیشه بماند ۵-ل. س. (نیز ل. ل. ب.)؛ ندارد؛ (ق.؛ نداند)؛ متن = ف. ۶-ق. چهر ۷-ل. س. (نیز ل. ل. ب. و. ب.)؛ نویسنده؛ متن = ف. (نیز ب) ۸-ف. (نیز ق.؛ ل.)؛ پرداخت؛ متن = ل. س. (نیز ل. ل. ب.) ۹-ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ب. و. ل. ب.)؛ صد؛ متن = ف. (نیز ق.؛ و.)؛ بنداری؛ عشرة افراس ۱۰-ل. س. (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب.)؛ صد؛ متن = ف. (نیز ق.؛ و.) ۱۱-ل. ل. (نیز ق.؛ ل. ب. ل. ب.)؛ اشتر؛ متن = ف. س. ق. س. (نیز و. ب) ۱۲-ل. س. (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب.)؛ استر؛ متن = ف. ل. ق. س. (نیز ق.؛ ب. و.) ۱۳-ل. س. ق. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ب. و. ل. ب.)؛ دوه؛ متن = ف. ل. (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب.) ۱۴-ل. (نیز ب.)؛ و دره؛ س. [و] دره؛ ل. س.؛ نیز؛ متن ← ۱۵-ل. (نیز ق.؛ ل. ب. ل. ب. و. ل. ب.)؛ افسر برتری؛ ب. افسر سروری؛ ل. ز خوشاب یک افسر خسروی؛ ق.؛ ز خوشاب دو افسر برتری؛ ل. ز خوشاب و ز افسر برتری؛ ل. ز خوشاب و ز خسروی افسر؛ متن = ف. ق. (نیز ب. و. ل. آ) ۱۶-س. (نیز ل. ب.)؛ پوشیدنی؛ متن = ل. ق. ل. س.؛ ف. این بیت را ندارد ۱۷-ل. زینسان بپرداختند؛ ل. س.؛ پرمایه پرداختند؛ متن = ف. س. ۱۸-ل. بسا ۱۹-ل. س.؛ گرز؛ ق.؛ تیغ و گرز؛ ل. س.؛ گرز و تاج؛ متن = ف. ۲۰-ق. همان ۲۱-ل. ل.؛ نخست؛ س. ق.؛ تاج؛ س.؛ زین؛ متن = ف. ۲۲-ف. (نیز ل. آ)؛ از آنجا؛ متن = ل. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳-ل.؛ یابد ۲۴-ل. (نیز ل. ل. ب.)؛ گزند؛ متن ← ۲۵-ل. (نیز ل. ل. ب.)؛ ببینند؛ متن = ف. س. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ق. این بیت را ندارد ۲۶-ق. ل. (نیز ل. ل. ب. و.)؛ بارگاه؛ ل. زان بارگاه؛ س. (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب.)؛ از پیش شاه؛ ل.؛ تارزمگاه؛ متن = ف. (نیز ق.؛ ل. آ)

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر^۱

<p>که آتش برآمد ز دریای آب شکستی برآمد^۴ به توران زمین که شد چرخ گردنده راه^۵ تنگ شب و روز گیتی به یک رنگ^۶ بود چو بیدار بخت اندر آمد به خواب، سواری نماند از در کارزار ببستند یکسر به بند گران سپه بود گرد آمده بر دو میل^{۱۱} بشد با^{۱۴} یکی نامدارانجمن که منشور شمشیر رستم نخواند به پیش اندرون رستم^{۱۸} کینه خواه شود کوه هامون و هامون چو کوه^{۲۰}</p>	<p>پس^۲ آگاهی آمد به افراسیاب ز کاموس و منشور^۳ و خاقان چین از ایران یکی لشکر آمد به جنگ چهل روز یکسان همی جنگ بود ز گرد سواران نبود^۸ آفتاب سرانجام از آن^۹ لشکر بی شمار^{۱۰} بزرگان و آن نامور مهتران به خواری فگنند بر پشت پیل و زین^{۱۲} روی پیران^{۱۳} ز راه ختن کشانی و چینی^{۱۵} و وهری^{۱۶} نماند و زان^{۱۷} روی تنگ اندر آمد سپاه گر آید زی ما به جنگ^{۱۹} آن گروه</p>	<p>۲۳۹۵</p> <p>۲۴۰۰</p> <p>۲۴۰۵</p>
<p>دلش گشت پُردرد و سر پُر ز دود</p>	<p>چُن^{۲۱} افراسیاب آن^{۲۲} سخن^{۲۳} ها شنود</p>	<p>۲۴۰۵</p>

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر و گرفتن خاقان چین و کشته شدن کاموس کشانی؛ س، ق، ل، آ، س: آگاهی یافتن افراسیاب از حال خاقان چین و کاموس کشانی (ق: از حال شاهان و لشکر؛ ل: از شکست لشکر؛ س: از شکست توران)؛ متن = آغاز
۲- ل: ل: چو ۳- (پ، و: منشور) ۴- ل، ق، س، آ (نیز ل، و): نوآمد؛ س (نیز ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب): که آمد؛ (آ: درآمد)؛
متن = ف، ل ۵- ل، ل، آ، س: از ۶- ق: کار ۷- س: یکی رنگ ۸- ف: بند؛ س، ل، آ، س: بشد؛ متن = ل، ق ۹- ف:
ازین؛ ل: زان؛ متن = س، ق، ل، آ، س ۱۰- س، ق: نامدار؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۱۱- س، ق (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت، دو
بیت و ل، س (نیز و) تنها بیت دوم را افزوده اند:

بببرند از ایـدر بـایـران زمین

بزرگان و گردان (ق: دلیران جنگی) و خاقان چین

ز کشته چنان بد (س: شد) که در (س، آ: بر) رزمگاه

کسی را نبند جای رفتن بر راه

ف، ل (نیز ل، ق، ل، آ، پ، ل، ب، ل، آ) هیچیک از این بیت ها را ندارند ۱۲- ق، ل، آ، س: وزان؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل، س (نیز ل، ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب): به؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۴- ف: نشد تا (!)؛ متن = ل، س (نیز ل، ب): س پس از این بیت افزوده است:

بیامد بنزدیک افراسیاب سخنها بر او خواند یک یک چو آب

۱۵- ل: شکنی؛ ل: هندی ۱۶- ل: چینی؛ س: هندی؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

پراز خون همه مرز (س، ق: و مغزست) بیش از دو میل تهی شد زمین از بزرگان و پیل

ف، ل (نیز ب) این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق، س، آ: وزین؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، آ، س: همتن به پیش اندرون؛ متن = ف، ل، س، ق؛ در ق بیت های ۲۴۰۳ و ۲۴۰۴ پس از بیت ۲۴۱۲ آمده اند ۱۹- ل: رزد؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب) ۲۰- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب): تو هامون شمر کوه و چون دشت (ق: هامون چو؛ ل، آ، س: کوه را زان؛ ل، ب، ل، آ، ب): کوه بر گرد؛ ل، آ: کوه و

هم گرد) کوه؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، ب): ف این بیت را ندارد ۲۱- ل، س (نیز ل، ب): چو؛ متن = ف ۲۲- ل، س: این ۲۳- ف

نیز ل، آ): خبرها؛ متن = ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر)

همه موبدان و ردان را بخواند
 کز^۱ ایران یکی لشکری^۲ جنگجوی^۳
 شکسته شده‌ست^۴ آن سپاه گران
 ز اندوه^۵ کاموس و خاقان چین
 سپاهی چنان گشته^۶ و خسته شد
 ۲۴۱۰ به ایران کشیدند بر پشت پیل
 چه سازیم و این را چه درمان کنیم؟
 گر ایدونک رستم بود پیشرو
 که^{۱۳} من دستبرد ورا دیده‌ام
 ۲۴۱۵ که او با بزرگان ایران زمین^{۱۴}
 چه کرده‌ست با شاه مازندران

گرافمایگان پاسخ آراستند
 که گر نامداران^{۱۸} سقلاب و چین
 مهان^{۱۹} را به یاری چرا خواندند؟^{۲۰}
 ۲۴۲۰ نه از لشکر ما کسی^{۲۳} کم شده‌ست
 ز رستم چرا بیم داری همی؟
 ز مادر همه جنگ^{۲۷} وا زاده‌یم

۱-ق: که ز ۲-س: لشکر ۳-ق: جنگجو ۴-ل، س، س: نهادست: متن = ف، ق، ل ۵-ق: رو ۶-ل، ل، س: شدند: متن = ف، ل، س، ق ۷-ف، ل (نیز ق، ل): نیروی (?): متن = س، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۸-ق: گویی ۹-(ل: همه) ۱۰-ل: بسته ۱۱-ل، ل، س: بر: متن = ف، ل، س، ق ۱۲-ق (نیز ل، ل، آ): پس از این بیت افزوده‌اند (۲۵۳۷-۲۵۴۰):

گر آنست رستم که من دیده‌ام
 یکی کبودکی بود برسان فی
 بیامد تن من ز زمین برگرفت
 کمربند بگسست و بند قبای
 بسی از نبردش بسی چیده‌ام
 که من لشکر آرای بودم به ری
 دو لشکر بدو مانده اندر شگفت
 بیفتاده از چنگ او زیر پای

۱۳-ق: چو ۱۴-ق: مازندران (= ۲۴۱۵ + ۲۴۱۶) ۱۵-ل، ل، س، ل، س: نیکویی: متن = ف ۱۶-ق: چه کرد و چه آمد
 بآن مهتران (= ۲۴۱۵ + ۲۴۱۶ ب) ۱۷-س: بدان: ق، ل این بیت را ندارند ۱۸-ق: نامداری ز ۱۹-ق: جهانی ۲۰-ق، ل، ل، س (نیز لن، پ، و، لن): خواندی: (ق: خوانده): متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۲۱-س: همی ۲۲-ل، ل، س: برافشاندی:
 س: بر خیره افشاندند: ق (نیز و): بر خیره افشاندی: (ل، پ، ل: بر خیره بفشاندی: ق: بر خیره بفشاندی): متن = ف (نیز ل، آ، ب): ل این بیت را ندارد ۲۳-س: یکی: ق: نه از ما یکی لشکری ۲۴-ل: آن ۲۵-ل: خود (خون): ق: ما (!) ۲۶-ل: آدم
 ۲۷-ل، ق (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن): مرگ: متن = ف، س، ل، س (نیز ل، آ، ب) ۲۸-ل، ل، س: میان را بیستم و: متن = ف، ل، ق، س

اگر خاکی ما را به پی بسپرنده^۱ از آن کرده‌ی^۲ خویش کیفر برند^۳
به کین گرا^۴ ببندیم^۵ ازین پس^۶ میان نماند کسی زنده زایرانیان^۷

۲۴۲۵ ز پُرمایگان شاه پاسخ شنید
دلیران^۹ و گردنکشان را بخواند
در گنج بگشاد و دینار داد
چنان شد ز گردانِ جنگی^{۱۳} زمین

ز لشکر زبان‌آوران^۸ برگزید
ز خواب و ز آرام و خوردن بماند^{۱۰}
روان را به خونِ دل^{۱۱} آهار داد^{۱۲}
که گفتی سپهر اندرآمد به کین

۲۴۳۰ چو این بندِ بد را سر آمد^{۱۴} پدید^{۱۵}
به دل شاد با خلعت شهریار
از آن^{۱۸} شادمان شد گو پیلتن
گرفتند بر پهلوان آفرین
بدو^{۲۰} جانِ شاه جهان شاد باد^{۲۱}!

فریبرز نزدیک رستم رسید
بدو^{۱۶} اندرون تاج با گوشوار^{۱۷}
بزرگان لشکر شدند انجمن
که آباد بادا به رستم زمین^{۱۹}!
بروبوم ایران بس^{۲۲} آباد باد^{۲۱}!

۲۴۳۵ و زآجایگه تیز^{۲۳} لشکر براند
به نخچیر و گوی^{۲۴} و به می دست برد

بیامد به سغد و دو هفته بماند
از آن^{۲۵} گونه یکچند خورد^{۲۶} و شمرد

۱- س: بسپرد ۲- ل، س: ازین کرده؛ ق: زبید کردن؛ ل، آ، س: ز کرد بد؛ متن = ف ۳- س: برد ۴- ق: ار ۵- (ق، آ، ل، ل، پ، ل، ن، آ: ببندیم)؛ در دستنویس‌های دیگر حرف یکم نقطه ندارد ۶- ل: زین پس؛ ل، آ، س: یکسر ۷- ف، س (نیزلی، آ، ب): تا جاودان؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن) ۸- ل، س: (نیزق، آ، ل، آ): زبان‌آوری؛ متن = ف (نیزلن، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۹- س: فرستاد ۱۰- س: بخوان و بارام و خوردن نشاند ۱۱- س: بخوردن دل (→ بخون دل) ۱۲- ل: اندر نهاد ۱۳- ق: لشکر؛ ل، آ، س: پس از این بیت افزوده‌اند:

فریبرز چون ساز رفتن گرفت زمین سم (س: زیر) اسان نهفتن گرفت

۱۴- س: چنین بند بد را بد آمد ۱۵- ل، ق، ل، آ، س: (نیزق، آ، ل، ب): کلید؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن، آ): س پس از این بیت افزوده است:

تہمتن چوروی فریبسز دید فریبسز را آفرین گسترید

۱۶- ل: بگنج ۱۷- ل، س، ق (نیزب): تاج گوهرنگار؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلن - آ) ۱۸- س، س، آ: ازو ۱۹- س پس از این بیت افزوده است:

سران خلعت شاه برداشتند همی نعره از ابر بگذاشتند

۲۰- ل: ازو؛ س: کزو ۲۱- س: شد ۲۲- ل، س (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): ایرانش؛ ق، ل، آ، س: (نیزق، آ، و): آن کشور؛ متن = ف (نیزلی)؛ ل، س (نیزق، آ، و، ب) پس از بیت ۲۴۳۳ افزوده‌اند:

همه مرترا چاکرو ببنده‌ایم فرمان و رایت (رستم، و رایش) سر افکنده‌ایم

ق (نیزلی، ل، آ، پ) پس از بیت ۲۴۳۳ افزوده‌اند:

کجا چون تو خیزد از آن (از او) پهلوان هنرمند و بینا و روشن روان

۲۳- ل، س: شاد؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیزلن - ب) ۲۴- ل، س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب): به نخچیر گور؛ متن =

ف ۲۵- ل، س، ل، آ، س: ازین؛ متن = ف ۲۶- ل: یک یک بخورد؛ ق این بیت را ندارد

گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی^۱

و ز آنجایگه لشکر اندر کشید
 کجا نام آن شهر بیداد بود
 همه خوردنی‌ها^۴ ز مردم بُدی
 به خوان چنان شهریار پلید
 پرستندگانی که^۶ نیکو بُدی^۷ ۲۴۴۰
 ازو^۹ ساختندی به خوان بر^{۱۰} خورش
 تهمتن بفرمود تا سه هزار^{۱۲}
 بدان^{۱۴} دز فرستاد^{۱۵} با گُستهم
 مه شهر^{۱۶} را نام^{۱۷} کافور بود
 ۲۴۴۵ بپوشید کافور خفتان جنگ
 کمندافکن و زورمندان بُدند
 چو گُستهم گیتی بر آن^{۲۲} گونه دید
 بفرمود تا تیر باران کنند
 چُنین گفت کافور با سرکشان
 به یک منزلی بر یکی شهر دید^۲
 دزی بود کز مردم^۳ آباد بود
 پریچهره‌یی هر زمان گم بُدی
 نبودی جز از^۵ کودک نارسید
 به دیدار و بالا بی‌آهو^۸ بُدی^۷،
 بدین^{۱۱} گونه بُد شاه را پرورش
 زره‌دار و^{۱۳} برگُستوان و سوار،
 دو گرد خردمند با او بهم
 که او را بدان^{۱۸} شهر منشور بود
 همه شهر با او^{۱۹} بسان نهنگ^{۲۰}
 به رزم اندرون سنگ و سندان^{۲۱} بُدند
 جهان^{۲۳} در کفِ دیو وارونه دید
 بریشان کمین سواران کنند
 که سندان^{۲۴} نگیرد ز پیکان نشان

۱- ف: گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی و پادشاه ایشان را نام کافور بود و کشته شدن بردست رستم؛ ل: رزم رستم زال با کافور مهتر شهر بیداد؛ س، س: ۲: رزم رستم با کافور مردم خوار (س: و کشته شدن کافور مردم خوار)؛ ق: رزم رستم در قلعه کافور مردم خوار و گرفتن قلعه و کشتن او؛ ل: ۲: کشتن رستم کافور مردم خوار را و گرفتن دز؛ متن = آغاز ف ۲- ف: در یکی دزدید؛ متن = ل- س ۱ (نیز ل، ق، ل، ۳، ب، و، ل، ۲، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارند ۳- ف (نیز ل، آ): آنجا و؛ ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، و، ل، ۱): وز (ل، و، و از) مردم؛ متن = س (نیز ل، ۲، ل، ۳، ب)؛ در ف، س، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، آ، ب) لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پیایی لت های این بیت = ل، ق (نیز ل، ق، ل، ۳، ب، و، ل، ۲) ۴- ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ق، ل، ۳، پ، و، ل، ۱): خوردنشان؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب)؛ در ق پس از این بیت، بیت ۱۴۴۴ آمده است ۵- س، ق: بجز؛ ل، ۲، س ۲: مگر؛ متن = ف، ل ۶- س: پرستندگان؛ چو؛ ل: پرستنده آنرا که؛ س: پرستنده را؛ متن = ف، ل، ق ۷- ق: بدند ۸- س، ل: بالای آهو (!) ۹- ل، س: از آن ۱۰- ق: در ۱۱- س: برین؛ ل، ۲، س: ازین؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- ق: ده هزار؛ بنداری: ثلاثة آلاف ۱۳- ل: [و] ۱۴- ق: سوی ۱۵- ل، ۲، س ۲ (نیز آ): فرستند؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ل- ل، ۲، ب) ۱۶- ف، ل (نیز ل): مرین مرد؛ س (نیز ب): مران شاه؛ ل ۲ (نیز ب): همه (به شهر)؛ ل، ۲، آ: مران مرد؛ ل، ۲: مران شهر)؛ متن = س ۲ (نیز ل، و) ۱۷- ق: بدان دز یلی گرد ۱۸- ل: بران؛ س: که او خود در آن؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۴۳۸ آمده است؛ س پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید کامد ز ایران سپاه سپهبد یکی نامور کینه خواه

۱۹- س، ل، ۲، س: وی؛ متن = ف، ل، ق ۲۰- ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب، ل، ۱، آ، ب): پلنگ؛ متن = ف، س ۲ (نیز ل، ل، و) ۲۱- ل، س، ق (نیز ب): پیل دندان؛ س ۲: سنگ سندان؛ (ل: ۳: سنگ دندان)؛ متن = ف، ل ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ س (نیز ل، و) پس از این بیت افزوده اند:

برآویخت کافور با گسته
 یکی رزم کردند برسان شیر
 برآویختند آن دو لشکر بهم
 ز گردان ایران بسی کشته شد
 که پیش گوزن اندر آید دلیر
 سر رزمجویان همه گشته شد

۲۲- ق: بدان ۲۳- ق: هوا ۲۴- ق: آهن

<p>سر سرکشان را به بند آورید که آتش ز دریا برانگیختند به سر بر سپهر بلا گشته شد که لختی عنانت^۲ بیاید بسود بجنبان عنان با سواری دوئیست سخن بر تهمتن^۵ همه کرد یاد^۶ ندانست لشکر فراز از^۸ نشیب که باد اندرآید به^{۱۲} کوه سیاه بسی سرکش از جنگ برگشته دید کنون رزم و بزم تو آرم^{۱۵} بسر برآن بارور^{۱۶} خسروانی درخت که آید مگر بر^{۱۷} یل شیرگیر فروماند کافور پرخاشخَر برو کرد رستم فراوان فسوس^{۱۹} ابر^{۲۰} هم شکستش سرو^{۲۱} ترگ و یال بزرگان نبودند پیدا ز خرد^{۲۲} برآمد خروشیدن رستخیز^{۲۴} برین^{۲۷} گونه پیل پلنگینه پوش^{۲۸}،</p>	<p>همه تیغ و گرز و کمند آورید زمانی برآنسان برآویختند فراوان از ایرانیان گشته شد به بیژن چنین گفت گُستهم زود به رستم بگویی که^۳ چندین مه ایست بشد بیژن گیو برسان باد^۴ گران کرد رستم زمانی رکیب^۷ بدانسان^۹ پیامد^{۱۰} بدان^{۱۱} رزمگاه فراوان از^{۱۳} ایرانیان گشته دید به کافور گفت: ای بد بدهنر^{۱۴} یکی حمله آورد کافور سخت ببنداخت تیغی بکردار تیر به پیش اندرآورد رستم سپر کمندی ببنداخت بر سوی طوس^{۱۸} عمودی بزد بر سرش پور زال چنین تا در دز یکی حمله برد در دز بیستند و ز باره تیز^{۲۳} بگفتند کای^{۲۵} مرد با زور^{۲۶} و هوش</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل. س. ق. ز؛ متن = ف. ل. آ. س. ۲- ق. عنان تگاور ۳- ل. آ. س. بگویی برستم تو؛ متن = ف. ل. س. ق. ۴- س. دود ۵- س. ق. همی ۶- س. برگشود ۷- س. آ. رکاب (بساوند ندارند) ۸- س. ق. فرازو؛ متن = ف. ل. ل. آ. س. ۹- س. برانسان ۱۰- ل. آ. س. درآمد؛ (لن. ق. آ. ب. لن. آ. برآمد)؛ متن = ف. ل. س. ق. (نیزلی. ل. آ. و. آ. ب) ۱۱- س. ل. آ. بران ۱۲- ل. س. آ. (نیزلن. ق. آ. ل. آ. ب. و. لن. آ. ب)؛ ز؛ متن = ف. (نیزلی) ۱۳- ل. س. ق. ز؛ متن = ف. ل. آ. س. ۱۴- ل. (نیز ب)؛ سگ بد گهر؛ س. ل. آ. س. آ. (نیزلن. لن. آ. ب)؛ گویی هنر؛ (ق. سگ بی هنر؛ ل. آ. و. بد بد گهر)؛ متن = ف. ق. (نیزلی. آ) ۱۵- ل. ق. (نیز ل. آ)؛ رزد و (ل. آ. و) رنج تو آمد؛ س. ل. آ. س. آ. (نیزق. ب)؛ رزد تو بر تو آمد؛ (لن. ب. لن. آ. رزد را بر تو آمد؛ ل. آ. رزد و رزد تو آمد؛ و. رزد و رنج تو آمد)؛ متن = ف. ۱۶- ق. بدان نامور ۱۷- ف. (نیزب)؛ در؛ متن = ل. س. آ. (نیزلن. آ) ۱۸- ف. گیو؛ متن = ل. س. آ. (نیز ل. ب) ۱۹- ف. همی گشت در جنگ آن مرد نیو؛ ل. س. (نیزلن. ل. لن. آ. ب)؛ بسی کرد رستم (ل. بیژن) برو بر فسوس؛ (ب. تهمتن برو کرد چندی فسوس)؛ متن = ق. ل. آ. س. آ. (نیزق. آ. و) ۲۰- ل. س. آ. (نیزلن. ق. آ. ل. ب)؛ که بر؛ متن = ف. (نیزلی. آ) ۲۱- ق. همه ۲۲- س. پس از این بیت افزوده است:

چو دیدند ایشان چنین دستبرد از این نامور شیر با دارو برود

۲۳- ف. (نیزق. آ)؛ تیر؛ متن = ل. س. آ. (نیزب) ۲۴- ف. (نیزق. ل. ل. آ. و. آ)؛ دارو گیر؛ س. ل. آ. س. آ. و رستخیز؛ (ب. لن. آ. فرورختند از پی دارو گیر)؛ متن = ل. ق. (نیزب) ۲۵- ف. کسان (!)؛ متن = ل. س. آ. (نیزلن. ب) ۲۶- س. ق. رای ۲۷- ق. بدین ۲۸- ف. (نیزلی)؛ بیخی (پیل ؟) پلنگینه پوش (!)؛ ل. با ما بکینه مکوش؛ س. (نیزب)؛ هستی پلنگینه پوش؛ ق. شیر و پلنگینه پوش؛ (ق. آ. پیل پلنگینه پوش؛ و. کوهی پلنگینه پوش؛ آ. بوده پلنگینه پوش)؛ متن = ل. آ. س. آ. (نیزلن. ل. آ. ب. لن) (۲)

پدر نام تو چون بزادی چه کرد؟
 دریغست رنج اندرین شارستان^۲
 ۲۴۷۰ چو تور فریدون از^۴ ایران براند^۵
 یکی باره افگند ازین^۶ گونه پی
 برآورد ازینسان به افسون^۸ و رنج
 بسی رنج بردند مردانِ مرد
 بُد^{۱۰} کس برین شارستان^{۱۱} پادشا
 ۲۴۷۵ سلیحست بسیار و هم^{۱۳} خوردنی
 اگر سالیان رنج و رزم^{۱۵} آوری
 نیاید^{۱۷} برین^{۱۸} باره بر^{۱۹} مَنجَنیق

کمندافگنی گرا سپهر نبرد؟
 که داننده خواندش بیکارستان^۳
 ز هر گونه داندگان را بخواند
 زسنگ و زخشت و زچوب^۷ و زنی
 پیالود رنج^۹ و تهی کرد گنج
 کزین باره‌ی دز برآرند گرد
 برین^{۱۲} رنج بردن نیارد بها
 به زیر اندرون راه آوردنی^{۱۴}
 نباشد به دستت جز از^{۱۶} داوری
 از^{۲۰} افسون تور^{۲۱} و دم^{۲۲} جاثلیق

چو بشنید رستم پُراندیشه شد
 یکی رزم بود آن^{۲۴} نه بر آرزوی
 ۲۴۸۰ به یک روی گودرز و یک روی طوس
 به یک روی بر^{۲۶} لشکر زاوی^{۲۷}
 چو آن دید^{۲۹} رستم کمان برگرفت
 هر آنکس که از باره سر برزدی

دلِ رزم‌جویش چو یک بیشه^{۲۳} شد
 سپاه اندرآورد بر چارسوی
 پس پشت او پیل^{۲۵} با بوق و کوس
 زره‌دار با خنجر کاوی^{۲۸}
 همه دز بدو مانده اندر شِگفت
 زمانه سرش را همی سر^{۳۰} زد

۱- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب): یا؛ متن = ل ۲- ق: شارسان ۳- ق: بیکارسان؛ (ق: پیکرستان)؛ ل: خواند ورا کارستان؛
 متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، و، آ، ب)؛ ل، آ، س پس از این بیت افزوده‌اند:

چو تور فریدون از ایران بدند

دلاور مهان و دلیران بدند

۴- ل، س، ز؛ متن = ف، ق ۵- ل، آ، س: بدین مرز چون تور لشکر براند ۶- ل، س، ق: زین؛ متن = ف، ل، آ، س ۷- ق: زچوب
 و زخشت ۸- ل، آ، س: افسوس (!) ۹- ل، آ، س: چیز ۱۰- ق: نشد ۱۱- ل، آ، س، س: باره بر؛ ق: شارسان؛ متن = ف،
 ل ۱۲- ل-س (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیز ل، پ، ل، ن) ۱۳- ل (نیز ل، پ، ل، ن): سلیحست و ایدر بسی؛ س:
 سلاح اندرون هست و هم؛ ل: سلیحست اندرو هم (وزن ندارد)؛ (ق: سلیح اندرو هست و بس؛ ب: سلیح اندرو هست و هم)؛ متن = ف، ق،
 س (نیز ل، و، آ، ف، ل، سلاح) ۱۴- س: هم از چار پا هم ز گستردنی ۱۵- ل، آ، راه ۱۶- ق، ل، آ، س: بدست توجز؛ متن = ف،
 ل، س ۱۷- ف: نباید؛ ل: بیاید؛ س، ل (نیز ب): نکوبد؛ (ل: نیازد؛ پ، ل، ن: نیارد)؛ متن = ق، س (نیز ل، آ، و، آ) ۱۸- ق:
 بدین ۱۹- ل، آ، جز ۲۰- ف، س، ق: ز؛ متن = ل، ل، آ، س ۲۱- ل، س، ق: سلم؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۲- ل، آ:
 دل ۲۳- ف، ق: جفاییشه؛ ل، آ، س (نیز ب): پر از بیشه؛ (ل، آ: زغم بیشه)؛ ل: دلش از غم و درد چون بیشه؛ متن = س (نیز ل، ل، آ،
 و) ۲۴- ل: کرد آن؛ ل، آ، س: بودش؛ متن = ف، س، ق: درق این بیت پس از بیت ۲۴۸۱ آمده است ۲۵- ق، ل، آ، س (نیز ق، آ،
 ل): گیو؛ متن = ف، ل (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب): س بیت‌های ۲۴۸۰-۲۴۸۲ را ندارد ۲۶- س: بدر بر خود و ۲۷- ل، ق، ل (نیز
 ق، ل، پ، ل، آ، ب): زابلی؛ متن = ف، س (نیز ل، و) ۲۸- ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، آ، ب): کابلی؛ متن =
 (و) ۲۹- ق: کرد ۳۰- ل: بهم در؛ س، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): همی در؛ ق: همی بر؛ متن = ف (نیز ق، آ)

<p>۲۴۸۵</p> <p>ابا مغز پیکان همی راز گفت پس^۲ باره زان پس بکندن گرفت ستون‌ها نهادند^۳ زیر اندرش چو نیمی ز دیوار دز کنده شد فرود آمد آن باره‌ی تور^۵ گرد بفرمود رستم که جنگ آورید گوان^۶ از پی گنج و فرزند خویش همه سر بدادند یکسر به باد دلیران پیاده شدند آن زمان برفتند با نیزه‌داران^۹ به دم آتش تیز و باران تیر چُن^{۱۱} از باره‌ی دز به^{۱۱} بیرون شدند در دز بست آن زمان جنگجوی چه مایه بگشتند و چندی اسیر بسی زر و سیم^{۱۴} و گرانبایه چیز تهمن بیامد سر و تن بشست ز^{۱۷} پیروز گشتن نیایش گرفت</p>	<p>۲۴۹۰</p> <p>۲۴۹۵</p> <p>۲۵۰۰</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------

۱- ف: به بر؛ متن = ل، س، ل، س، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ-ب)؛ ق بجای این بیت و ل، س^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

بکنندن گرفتند آن باره را

شکستن گرفتند (ق: نهادند) آن خار (ل: چاره) را

۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ)؛ بن؛ س، س^۲ (نیزو)؛ یکی؛ ل (نیزلن، ق، آ، پ، ل، آ، ب)؛ پی؛ متن = ف ۳- س، ل، آ، س^۲: زدندی به؛ متن = ف،

ل، ق ۴- ف-س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ نلفظ؛ متن = (ل، آ) ۵- س^۲: تور ۶- ق: کنون ۷- س:

خون ۸- ل: سیرها گرفتند ۹- ل: تیرداران ۱۰- ل-س^۲: چو؛ متن = ف ۱۱- ق: شهر ۱۲- ل: گریزان و گریزان

(وزن ندارد)؛ س، ل، آ، س^۲ (نیزب، ل، آ، ب)؛ گریزان گریزان؛ (ل، آ: گریزان و دیگر)؛ متن = ف، ق (نیزق، آ، ل، و) ۱۳- ل: زان؛ س

(نیزب) پیش از این بیت و ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، پ، و، ل، آ، آ) بجای این بیت افزوده‌اند:

از ایشان بگشتند بهری بتیر دگر بهره کردند گردان اسیر

ف، ل، ق (نیزق، آ، ل) این بیت را ندارند ۱۴- ل: سیم و زر ۱۵- ق: پرستنده؛ ل در اینجا سرنویس دارد: ستایش کردن رستم پیش

یزدان پاک ۱۶- ق: جهاندار ۱۷- س^۲: به ۱۸- ل، آ، س^۲: بران نیکویی‌ها افزایش گرفت؛ متن = ف، ل، س، ق؛ ل-س^۲ (نیز

ق، آ، ل، آ، ب) پس از این بیت دو بیت و (پ، و، ل، آ) تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

به ایرانیان گفت با کردگار

نیاید (نیامد) نهان بهتر (بترتر)؛ ل: نهانی هم) از آشکار

بپیروزی اندر نیایش کنید

جهان آفرین را ستایش (ل: بران نیکوها افزایش) کنید

ف (نیزلن، ل، آ) این بیت‌ها را ندارند

بزرگان به پیش جهان‌آفرین
چُن^۲ از پاک‌یزدان برداختند
که هر کس^۳ که چون‌تو نباشد به جنگ
تن پیل و این زهره و چنگ شیر^۴
تَهْمَن چُنین گفت کین زور و فر
شما سربسر بهره دارید ازین^۵
بفرمود تا گيو با ده هزار^۶
شود تازنان تا به مرز خُتن

چو بنمود شب جعد^{۱۲} زلف سیاه
بشد گيو با آن^{۱۴} سوارانِ جنگ^{۱۵}
بدانگه که^{۱۷} خورشید بنمود تاج
ز توران بیامد سرفراز گيو

بسی خوب چهره بتان طراز
فرستاد یک بهره^{۲۰} نزدیک شاه
و زان پس چو گودرز و چون طوس و گيو^{۲۱}
ابا بیژن گيو برخاستند
چُنین گفت گودرز کای سرفراز
نشاید که بی‌آفرین تو لب
کسی کو بپیمود روی زمین

از اندیشه خمیده شد پشت^{۱۳} ماه،
سه روز اندر آن تاختن شد^{۱۶} درنگ
برآمد^{۱۸} نشست از بر تختِ عاج،
گرفته بسی نامداران^{۱۹} نیو
گرامنایه اسپان و هرگونه ساز
بخشید دیگر همه بر سپاه
چو^{۲۲} گُستهم و رُهّام و شیدوش نیو^{۲۳}
یکی آفرین از نو^{۲۴} آراستند
جهان را به مهر تو آمد نیاز
گشایم ازین پس^{۲۵} به روز و به شب^{۲۶}
جهان دید و آرام و پرخاش^{۲۷} و کین،

۱- ل، س، آ: نهادند یک رویه سر (س: رخ)؛ متن = ف، ل، س، ق ۲- ل، س (نیز ل-ب): چو؛ متن = ف ۳- ف: هر آنکس؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز ل، ل-ب) ۴- ل: با نام و ننگ؛ ل، س، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): به آید بنام و ننگ؛ (لن، پ، ل: آمدن به آید ز نام و ز ننگ)؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۵- س: چهره و چنگ شیر؛ ل، ق (نیز ل): تن پیل داری و چنگال شیر؛ ل: برین چنگ و بازو و این یال شیر؛ (ل، آ: تن پیل و این چنگ درنده شیر)؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب) ۶- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل-آ): نباشی؛ متن = ف، س (نیز ب) ۷- ل: زین ۸- ل: چه ۹- ق: سپاس و ستایش؛ س: بیت‌های ۲۵۰۶-۲۵۰۸ را ندارد ۱۰- ل: سه هزار؛ بنداری: عشرة آلف ۱۱- ل: زره دار ۱۲- ل: جعدو ۱۳- ق: خمیده [شد] پشت؛ ل، آ، س: باریک شد خم؛ س: شد از جعد خمیده بر پشت؛ متن = ف، ل ۱۴- ل: این ۱۵- ف، ل (نیز ق، ب): بجنگ؛ س: با سرفرازان جنگ؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل-آ) ۱۶- س: بد ۱۷- ل: چهارم چو ۱۸- ق، س: بیامد؛ ل: خرامان؛ متن = ف، ل، س ۱۹- ق: نامبردار؛ س: چو گُستهم و شیدوش و رُهّام (= ۲۵۱۵ ب) ۲۰- ل، س: یک نیمه؛ ل، آ، س: بهری به؛ متن = ف، ق ۲۱- ق: گيو و طوس؛ ل: چو طوس و چو گودرز و گيو؛ س: چو گودرز با طوس و گيو؛ متن = ف، ل، س ۲۲- ل: کجا ۲۳- ل، س: شیدوش و فرهاد نیو؛ ق: شیدوش و گردان کوس؛ ل: فریبرز کاوس و گرگین نیو؛ متن = ف، ل ۲۴- ل، س، ل، آ، س (نیز ل، ل-ب): آفرین نو؛ ق (نیز ق): آفرینی نو؛ متن = ف ۲۵- ل: زین پس ۲۶- ف: بشادی دولب؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل-ب)؛ ل این بیت را ندارد ۲۷- س، ق، س، آ: پرخاش و آرام؛ ل: جهان‌نیده و رام و پرخاش؛ متن = ف، ل

۲۵۲۰	به یک جای ^۱ ازین ^۲ بیش لشکر ^۳ ندید ز شاهان و از پیل ^۴ و از ^۵ تختِ عاج ستاره بر آن ^۶ دشت ^۷ نظاره بود بگشتم گورد ^۸ دز اندر ^۹ بسی خروشان ^{۱۰} بدیم از دم آژدها	نه از موبد ساخوردن شنید ز مردان و اسپان ^{۱۱} و از ^{۱۲} گنج و تاج ^{۱۳} ، که این ^{۱۴} لشکر از جنگ بیچاره بود ندیدیم جز گنده ^{۱۵} درمان کسی کمان ^{۱۶} تو آورد ما را رها سرافراز پیش تودر ^{۱۷} کهتران که چهر تو همواره خندان کند زبانان ^{۱۸} پُر از آفرین ست و ^{۱۹} بس هنرمند جنگ تو ^{۲۰} صد ^{۲۱} لشکرست که آباد بادا به گردان زمین دل روشنم بر زبانم گواست بباشیم شادان و گیتی فروز، برانیم و آتش بر آرم از آب ^{۲۲} به بز و به خوردن نهادند روی
۲۵۲۵	توی ^{۱۵} پشت ایران و تاج سران ^{۱۶} مکافات این کار ^{۱۷} یزدان کند به پاداش تو ^{۱۸} نیستمان دسترس بزرگیت هر روز ^{۱۹} بفزون ^{۲۰} ترست تهمن بریشان گرفت آفرین مرا پشت از ^{۲۱} آزادگانست راست و زآن ^{۲۲} پس چنین گفت کاید رسته روز چهارم سوی جنگ افراسیاب همه نامداران به ^{۲۳} گفتار اوی	
۲۵۳۰	پس آگاهی آمد به افراسیاب دلش ز آن سخن پُر ز تیمار گشت ^{۲۴}	
۲۵۳۵	که بود و بر زادش ^{۲۵} شد خراب همه پرنیان بر تنش خار گشت ^{۲۶}	

۱-ق: جا؛ س: ایکی جای ۲-ل: زین ۳-ل: ازین بیش لشکر یکجا ۴-ل، ل: ویسلان؛ ق: وز پیل؛ متن = ف، س، س ۵-ل، ل، ق: وز؛ متن = ف، س، س ۶-ل: ز اسپان و مردان ۷-ق: ز مردان و ز گنج و هر گونه تاج ۸-ل: بدان ۹-ق: جنگ ۱۰-س: بران ۱۱-ق: با درد ایدر ۱۲-ل: کینه؛ (ل: آ: راه)؛ ق: جز از تو ندیدیم؛ متن = ف، س، ل: س ۱۳-ل: که جوشان؛ متن = ف، س، ق، ل: س ۱۴-س: کمند؛ متن = ف، ل، ق، ل: ۱۵-س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل ۱۶-س: پشت کیان؛ (ل: ب) ۱۷-س: شیر با تاج و پشت کیان؛ متن = ف، ل، ق، ل: ۱۸-ل: سرافراز و ما پیش تو؛ متن = ف، ل، ق، ل: ۱۹-ل: پیاداشتن (→ پیاداشتن؟)؛ س: پیاداشتن؟؛ (پ: ب: پیاداشتن (→ پیاداشتن؟)) ۲۰-ل، ق، ل: زبانهها؛ متن ← ۲۱-ق: [د]؛ س، س: (نیز ب): مکافات ایزد توان کرد و؛ متن = ف (نیز ل، ق، پ، و، ل) ۲۲-ف: هر روز ۲۳-ل: بفرودن؛ ق: ل: بفرودن؛ متن = ف ۲۴-ف: توجنگ؛ ل: رخس تو؛ ق: جان تو؛ متن = ل (نیز ق، ل، و) ۲۵-ل: سر (→ سد = صد)؛ س (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب) بیت ۲۵۲۸ و س: بیت های ۲۵۲۸-۲۵۳۰ را ندارد ۲۶-ل: زه؛ ل: [ز] ۲۷-ل: از آن ۲۸-ل: ز آب؛ ف: برانیم لشکر چو دریای آب؛ متن = س، ق، ل: س ۲۹-ق: زه؛ س: این بیت را ندارد؛ برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند، س: خبر یافتن افراسیاب از کشته شدن سران لشکر؛ ق، ل، س: آگاهی یافتن (س: آگاه شدن) افراسیاب از آمدن رستم (ق: از وصول رستم و توجه او بحرب) ۳۰-ل، ق، ل: ل (نیز ل، و): از دشمنان؛ س، س: (نیز ب): زادشان؛ متن = ف (نیز ل، ق، ل، پ، ل، و)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

سراسر همه لشکرش کشته شد

وز و بخت بیدار برگشته شد

۳۱-ل-س: (نیز ل، ق، ل، پ، ل، و، ب): شد؛ متن = ف (نیز ل، و، آ)

به دل^۱ گفت: پیگار او کار کیست^۲؟
 گر آن^۳ رستم ست، آنک^۴ من دیده ام
 بیچید و زان^۵ پس به آواز گفت
 یکی کودکی بود برسان نی
 بیامد تن من ز زین برگرفت
 چنین گفت لشکر به افراسیاب
 تو آئی که از خاک آوردگاه
 سلیح ست^{۱۲} بسیار و مردان و گنج^{۱۳}
 ز^{۱۷} جنگ سواری^{۱۸} تو غمگین مشو
 چنان دان که او یکسر^{۲۰} از آهن ست
 سخن های کوتاه ازو شد^{۲۱} دراز
 مرو را ز زین^{۲۳} اندر آور^{۲۴} به خاک
 نه کی خسرو آباد ماند، نه تخت^{۲۷}
 نگه کن بدین لشکر نامدار
 ز بهر برو بود و فرزند^{۳۰} خویش
 سپاهست بسیار^۳، سالار کیست^۴؟
 بسی از نبردش بیچیده ام
 که با او که داریم در جنگ جفت؟
 که من لشکر آورده^۸ بودم به ری
 بدو مانده در لشکر^۹ اندر شگفت
 که چندین سر از جنگ رستم متاب
 همی جوش^{۱۱} خون اندر آری^{۱۱} به ماه
 دل از کار رستم^{۱۴} چه داری^{۱۵} به رنج^{۱۶}
 نگه کن بدین نامداران نو^{۱۹}
 اگر چه دلیرست، هم یک تن ست
 تو با لشکری رزم او را^{۲۲} بساز
 و ز آنپس^{۲۵} ز شاه و ز ایران^{۲۶} چه باک
 نه ایران، نه بوم و نه شاخ درخت^{۲۸}
 جوانان و^{۲۹} شایسته ی کارزار
 زن و کودک^{۳۱} خرد و پیوند^{۳۱} خویش،

۱-س.س.س. همی ۲-ق: خوار نیست: ل.آ: کین کار پیگار نیست: متن = ف.ل.س.س. ۳-ل.س.س. (نیز لن-ل.آ.و.ب): بسیار و؛
 متن = ف (نیز ب) ۴-ق.ل.آ: نیست ۵-س.س.س.آ: این: متن ← ۶-ل.آ: آنکه: ل (نیز و): گر آنست رستم که؛ (ل.آ): اگر رستم
 آنست که؛ متن = ف.ق (نیز لن.ق.آ) ۷-ق.ل.آ: از آن: س.ق پس از این بیت افزوده اند:
 س: ز ترکان ندادیم همستای او
 ق: که یار شدن پیش او رزمنخواه
 که در رزمگه گسردی جای او
 که از سق تیغش نگردد تباہ
 ۸-س.ل.آ.س. (نیز لن.ق.آ.پ.و.لن.ب): لشکر افزوز: ق: لشکر آری: متن = ف.ل (نیز ل.آ): در ق (نیز ل.آ.آ) بیت های ۲۵۳۹ و
 ۲۵۴۰ پس از بیت ۲۴۱۳ و بیت ۲۵۳۸ در هر دو جا آمده اند ۹-ل.آ.س. (نیز لن.و.لن.ب): آن لشکر: ل: فروماند زان لشکر: ق (نیز ق.آ)
 ل: دو لشکر بدو مانده: متن = ف: بنداری (۲۵۳۹ - ۲۵۴۰): و عهدی به علی باب الری و هو بعد طفل غریب قد أخذ بمعاهد منطقتی واختطفنی عن
 ظهر الفرس؛ س بیت ۲۵۴۰ را ندارد و از بیت ۲۵۴۱ - ۲۵۶۷ پس از بیت ۲۶۸۵ آمده است ۱۰-س: موج: متن ← ۱۱-س: دریا
 در آری: ل.ق (نیز ل.آ): همی خویشتن را بر آری: متن = ف.ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲-س: سلاحست ۱۳-ل.ق: مردان
 جنگ: س: مردان گنج: متن = ف.ل.آ.س (نیز لن-ب): بنداری: وعندک الأموال والعدة والرجال ۱۴-س (نیز ق.آ.و): جنگ رستم؛
 (لن.ب.ل.آ.ب: جنگ جستن: لی.آ: کار دشمن): متن = ف.ل.ق.ل.آ.س (نیز ل.آ) ۱۵-س: چه آری ۱۶-ل.ق: بستنگ؛
 متن = ف.س.ل.آ.س (نیز لن-ب) ۱۷-س.س.س.آ: به ۱۸-ل.ق.ل.آ.س (نیز ل.آ.و): سواران: متن = ف.س (نیز لن.ق.آ.پ.لن.آ.
 ب) ۱۹-س.س.س.آ: بدین کار در نوبتو: متن = ف.ل.ق.ل.آ ۲۰-ق: که آن مرد خود ۲۱-ل (نیز و): او شد؛ ل: شد زو؛ (ق.آ):
 زو شد؛ ق: سخن ها از هر گونه زو شد؛ متن = ف.س.س.س. (نیز لن.لی.پ.لن.آ.ب) ۲۲-ل.س.س. (نیز لن.ق.آ.ل.آ.پ.و.لن.آ.ب):
 جاره او: متن = ف (نیز لی.آ) ۲۳-س: زابره: ل: سرش را ز زین: ق.ل.آ.س (نیز لن.ق.آ.ل.آ.پ.لن.آ.ب): سر او ز ابر: متن = ف
 (نیز لی.و.آ) ۲۴-ل.آ.آری ۲۵-ل: از آنپس ۲۶-س: گردان: ل: خود از شاه ایران: ق (نیز ب): ز گردان ایران: متن = ف.ل.آ.
 س (نیز لن.ق.آ.ل.آ) ۲۷-ل: گنج: متن = ف.س.ق.ل.آ.س (نیز لن-ب) ۲۸-ل: ندادیم این رزم کردن برنج: س.س.س. (نیز ب،
 و.ب): نه آن بوم ایران نه شاخ (س.آ: و برگ) درخت: ق: نه ایران نه شاخ و نه برگ درخت: متن = ف.ل.آ (نیز لن.لی.ل.آ.لن.آ.
 آ) ۲۹-س.ق.ل.آ: [و] ۳۰-ل.ق.ل.آ: پیوند: متن = ف.س.س.س. ۳۱-ل.آ: اورند؛ ل.ق: خرد فرزند؛ متن = ف.س.س.س. ۳۱-ل.آ: اورند؛ ل.ق: خرد فرزند؛ متن = ف.س.س.س.

همه سربسرتن^۱ به کشتن دهیم
 چو بشنید افراسیاب این سخن
 بفرمود تا لشکر آراستند
 ز بوم نیاگان و از شهر^۴ خویش
 ۲۵۵۵ چنین داد پاسخ که من ساز جنگ
 نمانم که کیخسرو از بخت خویش
 سر زاو^۹ را به روز نبرد
 برو سرکشان آفرین خواندند
 سپهبد بسی جنگها دیده بود
 ۲۵۶۰ یکی شیردل بود فرغار^{۱۴} نام
 ز بیگانگان جای پرخته کرد
 هم اکنون برو سوی ایران سپاه
 سوارش^{۲۱} نگه کن که چندست^{۲۲} و چون

از آن به^۲ که گیتی به دشمن دهیم
 فراموش کرد^۳ آن نبرد گهن
 به کین نو از جای برخاستند
 یکی تازه اندیشه بنهاد^۵ پیش^۶
 به پیش آورم چون شود کار تنگ
 بود^۷ شاد و پدram بر^۸ تخت خویش
 به چنگ^{۱۰} دراز اندرآرم به گرد
 سرافراز را^{۱۱} سوی کین خواندند^{۱۲}
 ز هر کار بهری^{۱۳} پسندیده بود
 قفس^{۱۵} دیده و جسته چندی^{۱۶} ز دام
 به فرغار^{۱۷} گفت: ای گرانمایه مرد^{۱۸}،
 نگه کن بدان^{۱۹} رستم رزمخواه^{۲۰}
 که دارند^{۲۳} ازین بوم ما رهنمون^{۲۴}

۱- ل، ل؛ همه تن بتن سر ۲- ل: به آید؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۳- ل-س (نیز لن، ق، ل، ل، لن، آ، ب): فراموش کرد؛
 (ل، آ: فراموش شدش)؛ متن = ف ۴- س: بهر؛ ل: وز شهر؛ ل: وز جای؛ ق، س: ز بهر نیاگان وز شهر؛ متن = ف ۵- س، ل، ل، س: آ:
 افکند؛ متن = ف، ل ۶- ق: بود شاد و بدرام از بخت خویش (= ۲۵۵۶ ب) ۷- س، ل، س: آ: شود؛ متن = ف، ل ۸- ل، ل، ل، ل: از؛
 س: شاد کام از بر؛ متن = ف، س: آ: ق: بیت های ۲۵۵۵ و ۲۵۵۶ را ندارد؛ در ف بیت های ۲۵۵۳-۲۵۵۶ دره ریخته اند: ۲۵۵۵، ۲۵۵۶،
 ۲۵۵۳، ۲۵۵۴؛ پایی بیت های متن = ل، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۹- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): زایل؛
 متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، و) ۱۰- درب، و، لن آ با سه نقطه؛ س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) پس از این بیت دو بیت و
 ف (نیز و) تنها بیت دوم را افزوده اند:

نبیره ز اندیشه چون کم شود (ق، ل، ل، آ، ل: همی چنگ در خون زند (ق: کند؛ ل: زبید)

به مرز نیا هدیه رستم شود (ق: افزون کند؛ ل: کمر آن نه با هدیه اورا سزید)

نبیره نمانم (ف: نه تیزی نمانم) نه پر خاشا جوی

بشمشیر بنشانه (ق: بردارم؛ ل: بستانم) این گفت و گوی (ق، ل: آ: گفتگوی)

ف، ل، ل، و، آ بیت یکم را و، ل، آ بیت دوم را ندارند ۱۱- س: سرافرازان ۱۲- ق: ورا خسرو پاک دین خواندند؛ ل پس از این
 بیت افزوده است:

که جاوید و شادان و پیروز باش

بسکاه دلت گیتی افروز باش

۱۳- ق: بهر کار کردی؛ (ل: بهر کار شیر و)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۴- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن،
 لن: فرخار)؛ متن = متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ل، ل، آ، پ، و، آ، ب، بنداری) ۱۵- ل، ف، ل (نیز ل، آ، پ، آ): قفص ۱۶- ل: آ: چند
 جسته ۱۷- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ل، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۱۸- ق: سوار
 نبرد ۱۹- ل، ل، س، ق، ل: آ: بدین؛ متن = متن = ف، س، آ ۲۰- ل، ل، س: آ: کینه خواه؛ متن = متن = ف، ل، ل، آ ۲۱- ل: سواران ۲۲- ل:
 چنداند ۲۳- ل، ل، آ: دارد؛ متن = متن = ف، س، ق، س، آ ۲۴- ل، ل، س: برین (س: ازین) بوم و بر رهنمون؛ ق: این بوم ما را زیون؛ متن = ف،
 ل، آ، س: ل پس از این بیت دو بیت افزوده است که در (ق، ل، و، آ) نیز به گونه دیگری آمده اند:

ببینی که چندند بر چند روی

که آورد سازند روز نبرد

وزان نامداران پر خاشا جوی

ز گردان پهلو مانش چند مرد

<p>به کار آگهی شد به ایران سپاه، به بیگانگان نیز^۴ نمود روی بسی راز بایسته با او براند^۵ سپاه تو تیمار تو کی خورد که آمد برین^۸ مرز^۹ چندین سوار^{۱۰}، که از خاک^{۱۱} سازد به شمشیر گِل گهار و چو مَنثور^{۱۳} با آفرین^{۱۴}، سپاهی ز گشمیر تا رود^{۱۶} سند، بگشتند^{۱۸} و بردند چندی اسپر گهی رزم و گه روی^{۱۹} پرهیز بود ز پیل اندر آورد و کردش به^{۲۰} بند ز هر سو که بود^{۲۱} از بزرگان سری^{۲۲}، به ایران فرستاد با تخت^{۲۳} عاج همان^{۲۴} نامداران و^{۲۵} گردنکشان که گردان^{۲۷} شده ست اندرین کار^{۲۸} بخت^{۲۹} همان^{۳۱} طوق زرین و زرین سپر، نه هنگام بارست و تاج و درود^{۳۲} تن آسان که باشد^{۳۳} به کام نهنگ</p>	<p>چو فرغارا برگشت^۲ و آمد به راه، غمی شد دلِ مردِ پرخاشجوی^۳ فرستاد و فرزند را پیش خواند^۵ به شیده چُنین گفت کای پُرخرد چُنین دان که^۷ این لشکر بی شمار سپهدارشان رستم شیردل چو کاموس و گرگوی^{۱۲} و خاقانِ چین دگر کُنذر و شنگل آن^{۱۵} شاه هند به نیروی این^{۱۷} رستم شیرگیر چهل روز با لشکر آویز بود سرانجام رستم به خَم کمند سواران و گردان هر کشوری سلیح^{۲۳} و هیونان و اسپان و تاج بدین کشور آمد کنون زین نشان من ایدر نمانم بسی گنج و تخت^{۲۶} کنون هر چه^{۳۰} گنج ست و تاج و کمر فرستم همه سوی الماس رود هراسانم از رستم تیزچنگ</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل (نیز ق ۲)؛ فرغاد؛ (لن، لن؛ فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق، س ۲ (نیز لی، ب، و، آ، ب) ۲- ف (نیز لی، و)؛ بشنید؛ ل ۱؛ برگشت؛ (آ؛ بشنید و)؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز ق ۱، لن، ب، لن، ب) ۳- س، ق، ل ۱؛ دیم جوی؛ س ۲؛ پیکارجوی؛ متن = ف، ل ۴- ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، ب، و، لن، ب)؛ هیچ؛ متن = ف، ل ۱ (نیز ق ۱، لی، آ) ۵- ق؛ پس افراسیاب آنچنان پیش راند ۶- ق؛ که فرزند شایسته را پیش خواند ۷- س؛ دانک ۸- س، ق، ل ۱، س ۱؛ بدین؛ متن = ف، ل ۹- س، ل ۱؛ مرزو؛ س ۲؛ آزو (!) ۱۰- ل؛ هزار؛ متن = ف، س، ق، ل ۱، س ۲ ۱۱- ل ۱؛ جنگ؛ ل پس از این بیت افزوده است:

گو بیست رستم زابلیست بین تا مرا راه آورد کیست

۱۲- ل، س، س ۲؛ مَنثور؛ ق؛ جنگی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل؛ کرکوی؛ س، س ۲؛ فطوس؛ متن = ف، ل ۱۴- ق؛ کهار کهانی گو پیش بین ۱۵- س، س ۲؛ شنکل و؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۶- ل، ق، ل ۱ (نیز ل ۲)؛ پیش؛ (ق ۲؛ مرز)؛ متن = ف، س، س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷- س، س ۲؛ پیروزی؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۸- س؛ بگفتند ۱۹- ف؛ گهی تیر و گه رزم؛ ل؛ گهی رزم و گه بزم و؛ ق؛ گهی بزم و گه رزم و؛ ل ۱ (نیز ل ۲)؛ گهی رزم و گه جرم و؛ (ق ۲؛ گهی گرز و گه رزم و)؛ متن = س، س ۲ (نیز لن، ب، و، لن، ب) ۲۰- ل؛ و بنهاد؛ متن = ف، س، ق، ل ۱، س ۲ (نیز ق ۱، لی، ل، و، آ، ب) ۲۱- ق، س ۲؛ بد ۲۲- ق؛ از سران مهتری؛ ل ۱؛ از سواران سری؛ متن = ف، ل، س، س ۲ ۲۳- س؛ سلاح؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- س؛ ابا؛ ل ۲، س ۲؛ همه؛ متن = ف، ل، ق ۲۵- ل؛ تاجداران؛ متن = ف، س، ق، ل ۱، س ۲ (نیز لن-ب) ۲۶- ل؛ رخت ۲۷- ق؛ لشکر ۲۸- ف؛ چند؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن، ق ۱، ل ۱، ب، و، لن، ب) ۲۹- ق؛ سخت ۳۰- ل، س؛ هرچ ۳۱- س، س ۲؛ هم از ۳۲- ل؛ جامست و بزم و سرود؛ س، س ۲ (نیز ق ۱، لی، ب، آ، ب)؛ کاخست و نای (ق ۱؛ باد؛ ب؛ ناز) و سرود؛ ق؛ باز بست و باد و درود؛ (لن؛ نازست و فرو سرود؛ و؛ باده ست و سرود و سرود؛ لن ۱؛ نازست و سرود)؛ متن = ف، ل ۱ (درف بارست نقطه ندارد) ۳۳- ف؛ نباشد؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن-ب)

به مردم نماند به^۱ روز نبرد
 ز نیزه نترسد، نه از تیر و تیغ^۳
 تو گویی^۶ که از روی و از^۷ آهن ست
 ۲۵۸۵ سلیح ست^۹ چندان برو^{۱۰} روز کین
 زره^{۱۲} دارد و جوشن و خود و ببر^{۱۳}
 نه برتابد آهنگ او زنده پیل
 یکی کوه زیرش بکردار باد
 تگی آهوان دارد و هول شیر
 ۲۵۹۰ مرا با سوارش^{۱۹} بسی بود جنگ
 سلیح^{۲۱} نیامد^{۲۲} برو^{۲۳} کارگر
 کنون آزمون را یکی^{۲۵} کارزار
 گر ایدونک^{۲۷} یزدان بود یارمند^{۲۸}
 نه ایران بود نیز و نه شهریار^{۳۱}
 نیچد ز بیم^۲ و ننالد ز درد
 اگر^۴ گرز بارد بروبر ز میغ^۵
 نه مردم نژادست، کاهرمَن ست^۸
 که سیر آید از بار پشت^{۱۱} زمین
 بغرد بکردار غرتده^{۱۴} ابر
 نه گشتی سلیحش^{۱۵} به دریای نیل
 تو گویی^{۱۶} که از ابر^{۱۷} دارد نژاد
 به دریا چو دیو و به خشکی دلیر^{۱۸}
 یکی جوشن ستش^{۲۰} ز چرم پلنگ
 بسی آزمودم به گرز^{۲۴} و تبر
 بسازیم^{۲۶} تا چون بود روزگار
 بگردد^{۲۹} به بایست^{۳۰} چرخ بلند،
 سرآید^{۳۲} مگر بر من این روزگار^{۳۳}

۱- س، س: ۲؛ که؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲- س، ق، س: ۲ (نیز لن، پ، لن، ۲)؛ زخم؛ متن = ف، ل، ل، ۲ (نیزی، ل، ۲، و آ) ۳- ل: تیغ تیز؛ س، س: ۲؛ تیغ و تیر؛ ل: ۲؛ تیغ؛ متن = ف، ق ۴- س: دگر؛ ل، ل، ۲؛ وگر ۵- س، س: ۲؛ بدو (س: ۲؛ برو) چرخ پیر؛ ل: برآرد ز دشمن همی رستخیز؛ متن = ف، ق، ل، ۲ ۶- ل، س: گشتی؛ متن = ف، ق، ل، ۲؛ س: ۲ (نیز لن-ب) ۷- ل، ق، ل، ۲؛ س: ۲؛ وز؛ متن = ف، س ۸- ف، س، س: ۲ (نیزی، آ، ب): آهرمنست؛ ل: ۲ (نیز ق، ۲)؛ و: آهرمنست؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، ۲، پ، لن، ۲) ۹- ف، س: سلاحست؛ متن = ل، ق، ل، ۲؛ س: ۲ ۱۰- س: بربرش بر (هیچیک از حرفها نقطه ندارند)؛ ل: ۲؛ بسیار بر؛ س: ۲؛ چندان برش؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- س: اسبش؛ س: ۲؛ روی؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲ ۱۲- ف، س، س: ۲ (نیزی، پ): رزه (؟) ۱۳- ل، ق (نیز ل، ۲)؛ گبر؛ متن = ف، س، ل، ۲؛ س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۴- ف: تابنده (؟)؛ ق، ل، ۲ (نیزی، ل، ۲، و آ)؛ بارنده (؟)؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ، لن، ۲، ب) ۱۵- ف، س، ق: سلاحش؛ متن = ل، ل، ۲؛ س: ۲ این بیت را ندارد ۱۶- س: گشتی؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲؛ س: ۲ (نیز لن-ب) ۱۷- ل، ل، ۲ (نیز پ): باد؛ متن = ف، س، ق، س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ل: بناورد با شیر گردد دلیر؛ س، ق، س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، و لن، ۲، ب): بدریا ورود و بخشکی (س، ب: و بهرجا؛ ق، ل، ۲: اندرآید؛ س: ۲؛ او برمدی؛ و: بیابان) دلیر؛ ل، ۲: بدریا رود او بکردار تیر؛ متن = ف (نیزی، آ)؛ ل- س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و لن، ۲، ب) پس از این بیت افزوده اند:

سخن گوید (س، ب: دانند) ارزو کنی خواستار

بدریا چو کشتی بود برگذار (ل، ل، ۲، ق، ل، ۲: روز کار؛ ق: درگذار)

ف (نیزی، آ) این بیت را ندارند ۱۹- ل: دلاور ۲۰- ل: جوشنش بد؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- س: ۲؛ سلاحم ۲۲- ف: نیاید؛ متن = ل- س: ۲ ۲۳- س: بدو؛ س: ۲؛ برش ۲۴- س، س: ۲؛ تیغ؛ ق: تیر؛ متن = ف، ل، ل، ۲ ۲۵- س: یکی آزمون را کنون ۲۶- ق: ببینیم ۲۷- س: ۲؛ ایدونکه ۲۸- ف: زورمند؛ ق: نیرو دهد زورمند؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز لن-ب) ۲۹- ف (نیزی، آ): نگردد (!)؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، لن، ۲، ب) ۳۰- ق: همان هور و گردنده؛ ل: این بیت را ندارد؛ ف، س، ل، ۲؛ س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و لن، ۲، ب، لغت شهنامه، شماره ۱۸۸۷) پس از این بیت افزوده اند:
 همانا که یزدان به ما بر قفیز (ف: بنیز؛ ق: ۲؛ برو بر به تیز)

تمامی نکرده است این (از این) وعده نیز (ف: چیز)

ل، ق (نیزی، ل، ۲، آ) این بیت را ندارند ۳۱- ل: نه آن شهر مانند نه آن شهریار؛ متن = ف، س، س: ۲ ۳۲- ف: سرآرد (!)؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و لن، ۲، ب) ۳۳- ل: کارزار؛ ق، ل: این بیت را ندارند

۲۵۹۵	وُ گر ^۱ دست ^۲ رستم بود روز ^۳ جنگ شوم تا بدان روی ^۴ دریای چین	نسازم من ایدر ^۵ فراوان درنگ بدو مانم این مرز توران زمین
۲۶۰۰	بدو شیده گفت: ای خردمندشاه ترا فرّ و برزست و مردانگی ^۸ نباید ترا پند آموزگار چو پیران و هومان و فرشیدورد	انوشه بدی ^۶ تا بود تاج و گاه ^۷ تراَد و دل و بخت و فرزانیگی ^۹ نگه کن بدین گردش روزگار چو گلباد و نستیهن شیرمرد ^{۱۰}
۲۶۰۵	توبر باد این ^{۱۴} جنگ ^{۱۵} کشتی مران ز شاهان گیتی گزیده ^{۱۶} توی ^{۱۷} به جان و سر شاه توران سپاه که از کار کاموس و خاقان چین	ز بیم و ز غم هر زمان ^{۱۳} ابگیلند چو دانی که آمد سپاهی گران جهان دیده و ^{۱۸} کار دیده توی ^{۱۷} به خورشید و شمشیر و ^{۱۹} تخت و کلاه دل گشت پرخون ^{۲۰} و سر پُر ز کین ^{۲۱}
	شب تیره بگشاد چشم دژم	ز غم پشت ماه اندر آمد به خم ^{۲۲}

۱- ل: اگر ۲- ل: چیره ۳- س: تیز ۴- س: اینجا؛ س: من ایدر نسازم ۵- س: سوی؛ س: س: پس از این بیت افزوده‌اند:

بترسم من ای پور و جان پدر
ازین بی وفا چرخ بیداد گر
۶- س (نیز لن، لی، ب): بزنی؛ (ق: بوی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س ۷- س (نیز ب): چرخ و گاه؛ ق: پیشگاه؛ متن = ف، ل، آ، س ۸- ل: فرزانیگی ۹- ل: مردانگی ۱۰- س: اندر نبرد ۱۱- س: سلاح ۱۲- ل، ق، س ۱۳- س: س: تو گفتی؛ (س: گویی) که از غم همی؛ ق: ز تیمار (نیز لن، ب، ل، آ): گسسته؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، لی، ل، آ، ب) ۱۴- ل: آن ۱۵- ل: (نیز ب): خیل؛ متن = ل، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب، و، لن)؛ ف این بیت را ندارد ۱۶- س، ق، س: نبرده؛ متن = ف، ل، آ، س، ق، ل، آ، س: تویی؛ متن = ف، ل ۱۷- ل، آ، س، ق، ل، آ، س: (نیز ق، آ، ل، آ، ب، و، لن)؛ ف این بیت نشان دیده و: متن = ف، س، ق، ل ۱۸- ل (نیز لن، لی، ب، ل، آ): و ماه و به؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، آ، ب، و، لن)؛ ف این بیت را ندارد؛ س (نیز ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز توبه ندانم کس از مهتران
نه زین گرزداران و والاسران
ترا این چنین گفتمی روی نیست
که ما را به بخت تو این خوی نیست
۲۰- س: پردرد؛ متن ← ۲۱- ق: جان پر ز کین؛ س: دلش گشت پردرد و اندوهگین؛ متن = ف، ل، آ، س، س (نیز لن، لی، ب-ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

سوی کنک باید کشیدن سپاه
نبايد سوی رزم کردن نگاه
ز چین و ز خاقان سپه خواستن
وزان پس سوی جنگ برخاستن
چو این گفته شد رفت تا جای خواب
دل پر ز کین و سری پرشتاب (س: زتاب)
ف، ل، ق، ل (نیز ق، آ، ل) این بیت‌ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست
۲۲- س، س: (نیز ب) پس از این بیت و (لن، ب، لن) پس از بیت سپین افزوده‌اند:

فرستاده فرغار (لن، لن: فرخار) از آن رزمگاه

برفت و بیامد به توران سپاه

جهان گشت برسان مُشک سیاه
بیامد بنزدیک افراسیاب
چُنین گفت کز بارگاه بلند^۵
سرپرده‌یی سبز دیدم بزرگ
۲۶۱۰ یکی آژدهافش درفشی به پای
به خیمه درون زنده^{۱۰} پیل^{۱۱} ژیان
یکی بور ابرش به پیشش به پای
فروهشته از^{۱۵} کوهه‌ی زین لگام
۲۶۱۵ سپهدار چون طوس و گودرز و گیو
گرازه طلایه‌ست^{۱۸} با گُسته^{۱۹}

چو فرغارا^۲ ترکان^۳ از^۴ ایران سپاه^۵،
شب تیره هنگام آرام و خواب
برفتم بر^۶ رستم دیوبند^۷
سپاهی بکردار آرنده^۸ گرگ
زده خیمه بر پیش پرده‌سرای^۹
میان تنگ بسته به ببر بیان
نه آرام دارد^{۱۲} تو گفتی^{۱۳} نه جای^{۱۴}
به فتراک بر حلقه‌ی خم^{۱۶} خام
فریرز و شیدوش و گرگین^{۱۷} نیو
که با بیژن گیو باشد بهم

غمی شد ز گفتار فرغارا^{۱۹} شاه
بیامد سپهدارپیران چو گرد
ز گفتار فرغارا^{۲۱} چندی بگفت
بدو گفت پیران که ما را ز^{۲۲} جنگ
۲۶۲۰ ز بهر بروبوم و فرزند^{۲۴} خویش
چو پاسخ چُنین یافت افراسیاب

کس آمد بر^{۲۰} پهلوان سپاه
بزرگان و مردان روز نبرد
که تا کیست با او به پیگار جفت
چه چاره‌ست و از^{۲۳} جُستن نام و ننگ
بکوشیم و از بهر پیوند خویش^{۲۵}
گرفت اندر آن جنگ^{۲۶} جُستن شتاب

۱- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب، بندگان) ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن-ب): برگشت؛ متن = ف ۳- ل: ز ۴- ل: آن رزمگاه؛ س این بیت را ندارد ۵- ل: پلنگ (→ پلند) ۶- ل: سوی ۷- ل: تیزچنگ ۸- ف، ل، ق (نیز لن، ل، آ): درنده؛ س (نیز ق): غرنده؛ متن = ل، س (نیز ب) ۹- ف، ل (نیز لن، ل، آ): نه آرام دارد تو گفتی (لن: داند تو گویی) نه جای (= ۲۶۱۳ ب)؛ ق (نیز آ): تو گویی (آ: گفتی) همی اندر آید ز (آ: به) جای: ق: تو گویی که دارد مگر باد پای: ل: نه آرام گفتی که دارد نجای؛ و: تو گفتی نه آرام دارد نه جای؛ متن = س، س (نیز ب، لن، آ، ب): ل این بیت را ندارد؛ درل (نیز و) پس از این بیت، بیت ۲۶۱۴ آمده است ۱۰- ل: زنده ۱۱- ق، ل: پیل؛ ف، س (نیز ل، ل، آ): این بیت را ندارند ۱۲- س: داند؛ متن ← ۱۳- ق (نیز لن): گویی؛ متن ← ۱۴- (پ: ز جای): ل: تو گفتی همی اندر آید ز جای؛ (لن: زده خیمه در پیش پرده سرای؛ ق: یکی زنده پیلست گویی بجای؛ و: تو گفتی نه آرام دارد نه جای؛ آ: نه آرام گفتی که دارد بجای): متن = ل، س (نیز ب): ف (نیز ل، ل) این بیت را ندارند؛ ف ۲۶۱۱ ب - ۲۶۱۳ آ را انداخته و از ۲۶۱۱ آ و ۲۶۱۳ ب یک بیت ساخته است ۱۵- ل: بر؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۱۶- ق: بسته خمیده؛ ف این بیت را ندارد؛ درل (نیز و) این بیت پس از بیت ۲۶۱۱ آمده است ۱۷- ق: گردان؛ س: گرگین و شیدوش و ۱۸- ل، س، ق (نیز ل، و، ب): طلایه گرازست؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) ۱۹- ف: فرغانه؛ ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب) ۲۰- س: که آمد برش ۲۱- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در س بیت های ۲۶۱۹-۲۶۵۸ پس از بیت ۲۵۶۷ آمده است ۲۲- س: به ۲۳- ف (نیز ل، آ): چاره‌ست در: ن (نیز ل): چاره‌ست جز: ق: چاره‌ست و این: ل (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن): چاره‌ست وز؛ متن = س، س (نیز ب) ۲۴- س: پیوند ۲۵- ق: پیوند و خویش؛ س: بکوشیم چندی زیوند خویش؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را ندارد ۲۶- ل: کینه

۲۶۲۵ به پیران بفرمود تا با سپاه
 ز پیش^۲ سپهدار^۳ بیرون شدند^۴
 خروش آمد از دشت و آوای^۵ کوس
 سپه بود چندانک^۶ گفتی جهان
 تبیره زنان نعره برداشتند
 از^۷ ایوان به دشت آمد افراسیاب
 به پیران بگفت آنچه^۸ بایست گفت
 ز بیگانه خانه^۹ پرداختند
 دبیر جهاندیده را خواند و گفت
 یکی نامه نزدیک^{۱۰} پولادوند
 بگویش که ما را چه آمد به پیش^{۱۱}

بیامد^۱ بر رسته کینه خواه
 همه^۲ رزم را سوی هامون شدند^۳
 جهان شد ز گرد سیاه^۴ آبوس
 همی گردد از گرد اسپان^۵ نهان
 همی^۶ پیل بر پیل^۷ بگذاشتند
 همی کرد بر جنگ^۸ جستن شتاب
 ز دشت اندر آمد به سوی نهفت^۹
 پسندیده^{۱۰} را پیش بنشاختند
 که راز بزرگان^{۱۱} نباید نهفت
 بیارای و از رای بگشای^{۱۲} بند
 ازین نامور مرد بسیار کیش^{۱۳}

۱- ل. ق (نیز ق. ل. پ. و. ب): بیاید: متن = ف. س. ل. آ. س (نیز ل. ل. ل. آ. آ) ۲- ق: شهر ۳- ل: سپهبد به ۴- ل: کشید ۵- ل: همی ۶- س: آواز ۷- س. ل: سیه: س: آ: بنه ۸- ل: چندانکه ۹- س. س: لشکر ۱۰- س. س: همه ۱۱- ق (نیز ل): میل بر میل: متن = ف. ل. س. ل. آ. س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲- س: ز ۱۳- س: کینه ۱۴- ق: آنچه ۱۵- ل (نیز ل): که راز بزرگان نباید نهفت (= ۲۶۳۱ ب): ل این بیت را ندارد: متن = ف. س. ق. س (نیز هشت دستنویس دیگر): بنداری: فشیعه افراسیاب و جهره ثم عاد الی ایوانه ۱۶- س. س: آ (نیز ل. ق. آ. پ. و. ب): خیمه: متن = ف. ق. ل (نیز ل. ل. آ) ۱۷- س. ق. س (نیز ل. ق. آ. ل. و. ل. آ. آ. ب): نویسنده: ل (نیز پ): نویسنده: متن = ف: ل (نیز ل) این بیت را ندارند: بنداری: و خلا باصحاب رایه و خلاصائه: در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: نامه فرستادن افراسیاب بنزد پولادوند: ق: بردن شیده نامه پدرش افراسیاب نزد پولادوند و بمدد طلبیدن او را جهت مبارزت با رسته: س: نامه افراسیاب به پولادوند ۱۸- ل: که راز از بزرگان نباید: متن = ف. ل. س. ق. س: ل (نیز ل) ۲۶۲۹ ب - ۲۶۳۱ آ را انداخته و از ۲۶۲۹ آ و ۲۶۳۱ ب یک بیت ساخته اند ۱۹- ف: کن سوی: (لی: کن نزد): متن = ل. س. آ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- ف: وزین راز سر بسته بگشای: ل. ق. ل (نیز ل. و): بیارای و از رای بگشای: (ق: مگشای): س (نیز ل. ل. پ. ل. آ. آ. ب): بیارای و از رای: (س: پای) بگشای: س (نیز ق): بیارای و بگشای از رای (ق: دلرا): متن = ل. س. س (نیز ل. ل. پ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

نخست آفرین کن بدادار پناک
 خدایند کیوان و گردان سپهر
 کز ویست نیرو و هم زو هلاک
 وز او آفرین کن بر آن نیوچند
 خداوند ناهید و رخشنده مهر
 سپهدار فرخنده پولادوند

ف. ل. ق. ل (نیز ق. ل. ل. ق (نیز ل): بسر: (ق. و: بروی): متن = ف. س. ل. آ. س (نیز ل. ل. پ. ل. آ. آ. ب) ۲۲- ل. ق: گرد پر خاشخو: س (نیز ل. آ. ب): رسته تیره کیش: (ق. و: مرد پر خاشخوی: ل: نامدار گوشیر نر): متن = ف. ل. ل. س (نیز ل. پ. ل. آ): س. س (نیز ل. ل. پ. ل. آ. آ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزان (س: وزین) نامور پرهز مهتران

ز طوس وز گودرز و کیند اوران

ز کار نبیره بگوش همه

خدایند مرزست (س: آن مرز) و شاه رومه

بپروردم او را چو جان ارجمند

که از بساد نامد بر و بر گزیند

ف. ل. ق. ل (نیز ق. ل. و) این بیت ها را ندارند

بیاید بدین مرزا پولادوند نگوسار ^۲ و ویران ^۳ شدند اندرین سپهدارشان رستم پهلوان به ابر اندرآورده آوای کوس نیابد سپهر اندرین مرز ^۷ راه تو باش اندرین کار ^۹ فریادرس شود رام روی زمین بی گمان ^{۱۰} نبرگیرم از رنج یک نیمه بیش ^{۱۲} که امروز پیگار و رنج آن توست	اگر یارمندست چرخ بلند بسی لشکر از مرز سقلاب و چین سپاهست برسان کوهی ^۴ روان سپهبد ^۵ چو رستم، سپهدار ^۶ طوس چو رستم به دست تو گردد تباه همه رنج این مرز ازویست ^۸ و بس گر او را به دست تو آید زمان من از پادشاهی آباد ^{۱۱} خویش دگر تخت و ^{۱۳} دیهم و گنج آن توست	۲۶۳۵	۲۶۴۰
چو برزد سر از برج خرچنگ ماه ^{۱۴} ، فرستاده او بود و تیماربر ^{۱۷} بیامد بنزدیک پولادوند همه کار رستم برو کرد یاد ^{۱۸}	نهادند بر نامه بر مهر شاه کمر بست ^{۱۵} شیده ز پیش ^{۱۶} پدر بکردار آتش ز بیم گزند برو آفرین کرد و نامه بداد	۲۶۴۵	

۱- ل: دشت؛ ق: رزم؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ ۲- ل- ل- س^۲ (نیز لن- ب): نگونسار؛ متن = ف ۳- ل: حیران؛ س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب): بیجان؛ (لی، آ: ریزان)؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیز ل، و)؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س (نیز ق، آ، لی، ب) پس از این بیت سه بیت و (و) تنها بیت یکم را افزوده اند:

همه از دلیران ایران شدند
بکردند توران چو دریای قیر
ز لشکر فراوان و مردان گرد

بسی بوم و برها که ویران شدند
چو جمله بکردند لشکر اسیر
که ایشان بسی پهلوانان گرد

۴- ل، س، ق، ل، آ: کوه؛ متن = ف، س^۲ ۵- ل: سپه کش؛ متن ← ۶- س، س^۲: سپهبد چو گیو و سپهکش چو؛ ل^۲: سپهبد چو گودرز سپهبد چو؛ متن = ف، ق ۷- ق: رزم؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب)؛ ف (نیز لی، آ) این بیت را ندارند ۸- ل: مرد ازویست؛ ل: همه مرز را رنج زویست؛ متن = ف، س، ق، س^۲ ۹- ف (نیز لن، آ): مرز؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب) ۱۰- ق: شود نام و آواز از اندر جهان ۱۱- ل: آرام ۱۲- ف: از نیمه بی گنج خویش (پساوند ندارد)؛ ق (نیز ق، آ، لی، پ، آ): از گنج یک نیمه (ق: بهره) بیش؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب)؛ در س^۲ بیت های ۲۶۴۱ و ۲۶۴۲ پس از بیت ۲۶۶۲ آمده اند ۱۳- ل: گفت؛ س، س^۲ (نیز و، ب): تاج و؛ ق، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): نیمه؛ متن = ف (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۴- ف، ل، آ، ل در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آمدن شیده پسر افراسیاب بطلب پولادوند آوردن نامه افراسیاب بنزد پولادوند؛ ل^۲: داستان پولادوند با رستم زال ۱۵- ل، آ، س^۲: بسته ۱۶- س، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): به پیش؛ ق: بامر؛ متن = ف، ل (نیز لن، لی، ل، آ، آ) ۱۷- س (نیز ب): و هم راهبر؛ ق (نیز ل، آ): و پرخاشخر؛ ل^۲: تیمارخور؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸- س (نیز لی، و، آ، ب) پس از این بیت ده بیت، ل تنها بیت های یکم و سوم و پنجم و س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ) تنها بیت های هشتم و نهم و دهم (وق^۲ برخی از این بیت ها و چند بیتی دیگر) افزوده اند:

که رستم بیامد ز ایسران بچنگ

ابا او سپاهی بسان (س: بسان هز بردمان چون) پلنگ
که هرگز نکردش چنان آن سترگ
چو خاقان و منشور و فرطوس را
ببند آمد آن پاک خاقان چین ←

بتورانیان کرد کاری بزرگ
ببند اندر آورد کاموس را
بختم کمند اندر آمد بزرگ

ز هر گونه‌یی داستان‌ها براند
جهانگیر و^۱ برنا^۲ و خودکامه بود
سراپرده‌ی او به هامون برند
برآمد ز گردان لشکر غریو
سپردار^۸ با ترکش و با کمند
بیامد^۹ بنزدیک افراسیاب
پذیره شدندش سراسر^{۱۰} سپاه
ز کار گذشته بسی یاد کرد^{۱۱}
سراجم^{۱۲} درمان این کار چیست
به رای و به اندیشه‌ی نو شدند
ز کار درنگ و ز بهر شتاب^{۱۳}
چه آمد ز پرخاش و ز گفت و گوی^{۱۴}
گذشته سخن‌ها همه^{۱۵} برشمرد
که او را پلنگینه پیراهن‌ست

کنارنگ و جنگاوران^۱ را بخواند
بدیشان^۲ بگفت آنچه^۳ در نامه بود
بفرمود تا کوس بیرون برند
سپاه انجمن کرد گردان^۴ دیو
درفش از پس پشت^۵ پولادوند
فرود آمد از کوه و بگذاشت آب
تبیره برآمد ز درگاه شاه
به بر درگفتش جهان‌دیده‌مرد
بگفتش که^۶ تیمار ترکان ز کیست
خرامان به ایوان خسرو شدند
سخن راند هر گونه افراسیاب
ز خون سیاوش که بر دست اوی^۷
ز خاقان و کاموس و منشور^۸ گرد
بگفت آنک این رنج^۹ از یک تن‌ست

۱-س، س: آ: ناماوران ۲-ل: آ: بایشان ۳-ق، ل: آ: آنچه ۴-ل، ق، ل: آ: [و] ۵-ل: آ: پر کبر: س: بیت‌های ۲۶۴۸ و ۲۶۴۹ را ندارند ۶-ل، س، ق، ل: آ: (نیز ق، ل: آ): شد بکردار: س: آ: کرد مردان: متن = ف (نیز ل، ل، پ، ل: آ) ۷-ف، ل: آ: (نیز ل، ل، پ، آ): پس و پیش: متن = س، ق، ل: آ: س (نیز ق، ل: آ، و، ل: آ، ب) ۸-ف (نیز ل، آ): سپهدار: متن = ل-س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹-ق: خرامان بیامد (وزن ندارد) ۱۰-ل، ل، س، ل: آ: س (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل: آ، ب): یکایک: ق (نیز ل: آ): ز توران: متن = ف (نیز ل، آ): درل-س (نیز ل، ل، پ، و، ل: آ، ب) لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: پیاپی لت‌های این بیت در متن = ف (نیز ق، ل، آ): س: آ: پس از این بیت افزوده است:

رسیدند پس شاه و پهلوفراز
همان لشکر گرد گردن‌فراز
۱۱-درل پس از این بیت، بیت ۲۶۵۹ و درس پس از این بیت، بیت ۲۶۵۸ آمده است: س: آ: پس از این بیت افزوده است:
بگفتش که تیمار ترکان ز کیست (= ۲۶۵۵)
بسی گفت و با درد چندی گریست
۱۲-ل: بگفت آنک: ق: بگفتا که ۱۳-س، ق، ل: آ: س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل: آ): سراجم: و: متن = ف، ل: آ: (نیز ل، آ، ب)
۱۴-ل: بیت‌های ۲۶۵۷-۲۶۵۹ را ندارد ۱۵-ق: او ۱۶-ل: گفت گوی: ق: گفت گو: س: برفت و چه آمد مرا و را بروی: متن = ف، س، ل: آ: (نیز ل: ب: در برخی: واز): درس این بیت پس از بیت ۲۶۵۴ آمده است ۱۷- (و: منشور): ل، س، ق: منشور و کاموس: ل: ز کاموس و منشور و خاقان ۱۸-س: بسی: درل این بیت پس از بیت ۲۶۵۴ آمده است ۱۹-ل: رنج: س: بگفتا که این رنج: ق: همی گفت رنج من: متن = ف، ل، س، س: آ:

5 اسیران بسیر و پیلان رومه (س: همه)

فرستاد یکسر پیران همه (س: رومه)

درآورد آنکه هم او را بخم

درآمد ز بر آن کجا بود زیر

رسیده منش تا به چرخ بستند

نیود اندر آن روز (س: مرز): همتای او

سپاهش پستنگ و سپهبد هنگ

کنون کرد آهننگ آن زادشم

تبه کرد آن کار پور دلیر

یکی پادشا بسود پولادوند

بدان کوه چین اندرون جای او

ابا لشکری گشن و مردان جنگ

10

نیایدا سلیحہ^۲ برو^۳ کارگر
بیابان سپردی و راه دراز

پُراندیشه شد جان پولادوند
چُنین داد پاسخ بدافراسیاب^۸
گر آنست رستم^{۱۰} که مازندران
۲۶۶۵ بدرید پهلوی دیو سپید^{۱۲}
مرا نیست پایاب با^{۱۵} جنگ اوی^{۱۶}
تن و جان من پیش رای تو^{۱۸} باد
من او را بر اندیشه دارم^{۱۹} به جنگ
۲۶۷۰ تو لشکر برآغال^{۲۱} با^{۲۲} لشکرش
مگر چاره سازی^{۲۴}، و گرنه^{۲۵} به دست

ازو شاد شد جان افراسیاب
بدانگه که شد مست پولادوند
که من بر فریدون و ضحاک و جم
۲۶۷۵ برهنم بترسید از^{۳۱} آواز من

می روشن آورد و چنگ و رباب^{۲۷}
چُنین گفت با او^{۲۸} به بانگ^{۲۹} بلند،
خور و خواب و آرام کردم دژم^{۳۰}
و زین لشکر گردن افراز من

۱- ل، س، س، آ: نیامد؛ متن = ف، ق، ل، ۲- ف، س: سلاحم؛ متن = ل، ق، ل، ۳- ل، ل، ل، آ: بدو؛ س، آ: همی؛
متن = ف، س، ق ۴- ل، آ: بدان ۵- ق: خود و آن گبر ۶- ل، آ: رستم؛ س، آ: توبیا لشکری چاره او؛ درس ۲ پس از این بیت،
بیت های ۲۶۶۱ و ۲۶۶۲ آمده اند ۷- ل، آ: گفت ۸- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب): به افراسیاب؛ س: که افراسیاب؛ متن =
ف ۹- ل، آ: نباشد ۱۰- ف، س، س، آ (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): همانست رستم؛ ق (نیز ل، آ): اگر رستم آنست؛ (آ: که آنست رستم)؛ متن =
ل، ل (نیز ق، آ، ل، و)؛ بنداری (۲۶۶۵-۲۶۶۷): فَاِنَّ هَذَا الرَّجُلَ اِنْ كَانَ ذَلِكَ الرَّجُلَ الَّذِي فَتَحَ مَازَنْدَرَانَ، وَشَقَّ خَاصِرَةَ سَيْبِذِ دِيُو وَ قَتَلَ كَوْلَادَ
فَكَيْفَ اَطِيقُ مَقَاوِمَتَهُ اَوْ اَسْتَطِيعُ مَحَارِبَتَهُ؟ ۱۱- ل، آ، س، آ: شب تیره؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- س، س، آ: سفید ۱۳- ف، س، ق،
س (نیز ل، و، آ، ب): اولاد؛ ل، آ: غولاد و؛ (ل، آ: پولاد)؛ متن = ل، بنداری ۱۴- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ب): عندي؛ متن = ف، س، آ (نیز ل، آ،
و، آ) ۱۵- س، ق، در ۱۶- ل، س، س، آ: اوی ۱۷- س، آ: کرد ۱۸- ق: پیش تو بنده (پساوند ندارد) ۱۹- ف، س، س، آ
(نیز پ، و، ل، ن، آ، ب): یکی حبله (و: حمله) سازم؛ ق (نیز ل، آ): یکی چاره سازم؛ (آ: پر اندیشه دارم)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ق، آ، ل): بر اندیشه
دارم (?) ۲۰- ل: نگردم (!)؛ س، ق، س، آ: بگردم بگردش؛ متن = ف، ل، بنداری (۲۶۶۹-۲۶۷۱): وَلَكِنْ اَحْتَالَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِتَالِ فَاُحْبِسَهُ
فِي وَسْطِ الْعِجَاجِ، فَتَحَرَّشَ بِهٖ رَجَالُكَ فَلَعَلْنَا نَغْلِبُهٗ بِالْحَيْلَةِ ۲۱- ل (نیز ل، آ): برآغاز؛ ق: برآویز؛ (و: برآرای)؛ متن = ف، س، س، آ (نیز ل، ق، آ،
ل، پ، آ، ب) ۲۲- ل، س، س، آ (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب): بر؛ متن = ف، ق (نیز ق، آ) ۲۳- ل، ق (نیز ل، ل، آ، و، آ): به انبوه تا؛
(ق، آ: از انبوه تا؛ پ: ز انبوه تا)؛ متن = ف، س، س، آ (نیز ل، ل، ن، آ، ب؛ ل، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۴- ل، س، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، پ،
ل، ن، آ، ب): سازم؛ (ق، آ: سازم)؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۲۵- ل، وگرنی ۲۶- ق: ایشان ۲۷- ق: مشک و گلاب ۲۸- ف:
وی؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۲۹- س، ن، آ: یکایک؛ متن = ف، ل، ق، س، آ ۳۰- ق این بیت
را ندارد ۳۱- ل، س، ل، آ (نیز ل، ل، پ، ب): بترسد ز (از)؛ (ق، آ: بترشد از)؛ ق (نیز ل، آ): بترسد برهنم ز: متن = ف،
س

من این زاوُل^۱ را به شمشیرِ تیز^۲ آوردگه بر کنم ریزریز

گفتار اندر رزمِ رستم زال با پولادوند^۳

۲۶۸۰	چو خورشید بنمود ^۴ تابانِ درفش تیره برآمد ز درگاه شاه ز پیش سپه بود پولادوند چو صف برکشیدند هر دو سپاه	مُعَصَفَر شد آن پرنیانِ بنفش ^۵ به ابر اندر آمد خروش سپاه تی ^۶ زورمند و به بازو کمند ^۷ هوا شد بنفش و زمین شد سیاه
۲۶۸۵	تهمن بپوشید ببریان برآشت و بر میمنه حمله برد از آنپس غمی گشت ^۸ پولادوند برآویخت با طوس چون پیلِ مست کمربند بگرفت و او را ز زین به پیگار او گیو ^۹ چون بنگرید برانگیخت از جای شبذیز را برآویخت با دیو چون شیرِ نر کمندی بینداخت پولادوند	نشست از بر زنده پیلِ ژیان ز ترکان بیفگند بسیار گرد ^{۱۰} ز فتراک بگشاد پیچان کمند کمندی به بازو، عمودی ^{۱۱} به دست برآورد و آسان بزد بر زمین سر طوسِ نوذر نگوسار ^{۱۲} دید تن و جان بیاراست آویز را زره دار ^{۱۳} با گزهی گاوسر سر گیو گرد اندر آمد به بند ^{۱۴} بدان ^{۱۵} زور و آن گرز ^{۱۶} و آن دستگاه ببندند هر دو به خَم کمند ^{۱۷}
۲۶۹۰	نگه کرد رهام و بیژن ز ^{۱۸} راه برفتند تا دست پولادوند	

۱- ل، س، ق، س، (نیز ق، ل، ل، آ، ب، لن، و، آ) ۲- س، ق، به، س (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب) پس از این بیت یک بیت و س پس از بیت س پسین دو بیت افزوده اند:

چه رستم به پیشم چه یک مشمت خاک
چو خورشید بنمود بالای خویش

ز کیخسرو و طوس و گیوم (س): گیو و طوسم چه پاک
نشست از بر تنند بالای خویش

۳- ف: گفتار اندر نبرد پولادوند با پهلوانان ایران و افکندن چهار گرد را و آمدن رستم بچنگ او و گشتی گرفتن: ل: رزم رستم زال با پولادوند: س: داستان رزم رستم زال با پولادوند دیو: ل: اندر افکندن پولادوند طوس و گیورا بنزد رستم: س: رزم پولادوند با طوس و گودرز: متن ←

ل ۴- ل، ق، ل: بنمود خورشید: متن = ف، س، س ۵- ف: درفش (!): ل، ل، ل (نیز ق، ل، آ): پرنیانی بنفش: ق (نیز ب): پرنیانی درفش (!): (لن: پرنیانی درفش (!)): متن = س، س، س (نیز لن، ب، و) ۶- ل، ل، س (نیز لن، ب): به: متن = ف: ز (?): ۷- ل، ق، ل (نیز ل، ب، و، لن): متن = ف، س، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۸- ل: بیالا بلند ۹- س پس از این بیت افزوده است:

برانگیخت لشکر بیکجا بهم
مبارزه پیش اندرون بیش و کم

۱۰- س: چو آن دید: ل: وزان پس غمین گشت ۱۱- ل: گزری ۱۲- ل: به پیکارشان دیو ۱۳- ل، ق، ل، س (نیز لن، ب): نگوسار: متن = ف: س بیت های ۲۶۸۶-۲۶۸۸ را ندارد ۱۴- ف: زره دار (!) ۱۵- ل: ببندند هر دو بخت کمند (=

۲۶۹۱ ب) ۱۶- ل: به ۱۷- ق: بران ۱۸- س (نیز ب): یال: ق (نیز ق): بزر: س: کرد: ل: و بالا: متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر): در ل بیت های ۲۶۹۰ و ۲۶۹۲ پس و پیش شده اند ۱۹- ل: سر گیو گرد اندر آمد به بند (= ۲۶۸۹ ب): س پس از این

بیت افزوده است: بر او حمله کردند هر دو دلیر
بدان تا جهد گیوزود از کمند

برآویختند آن دو فررانه شیر
رها یابد از بند پولادوند

<p>برانگیخت اسپ و برآمد خروش سرافراز و شیر و^۲ گران سایه^۳ را، نظاره برآن دشت چندان سوار به خنجر به دو نیم^۷ کردش میان نماند ایچ گردد اندر آوردگاه^۹ چو دیدند^{۱۱} از آن^{۱۲} دیو جنگی نشان^{۱۳}، که پولادوند اندرین رزمگاه^{۱۴}، ز گردان لشکر سوار^{۱۷} نماند، به گرز و به خنجر، به تیر و کمند بدین کار فریادرس رستم ست ز قلب و^{۲۰} چپ لشکر و دست راست بنالید با داور دادگر، همی سر ز خورشید^{۲۲} بگذاشتم چنین اختر و روز برگشته^{۲۴} شد مرا شرم باد از کلاه و کمر</p> <p>بلرزید برسان برگ^{۲۷} درخت ورا دید برسان کوهی^{۲۹} بلند</p>	<p>بزد دست پولاد بسیار هوش دو گردد^۱ از دلیران پرمایه را به خاک اندرافکند و گشتند^۴ خوار بیامد^۵ بر اختر کاویان^۶ خوروشی برآمد از^۸ ایران سپاه فریبرز و گودرز^{۱۱} و گردنکشان بگفتند با رستم کینه خواه^{۱۴} به زین بر یکی نامداری^{۱۶} نماند که تفکند بر خاک پولادوند همه رزمگه سر بسر ماتم ست وز آن^{۱۸} پس خروشدن و ناله^{۱۹} خاست چو کم شد ز گودرز هر دو پسر که چندین نبیره^{۲۱} پسر داشتم به رزم اندرون پیش من^{۲۳} گشته شد جوانان من گشته، من^{۲۵} پیرسر</p> <p>چو بشنید رستم دژم^{۲۶} گشت سخت بیامد بنزدیک^{۲۸} پولادوند</p>	<p>۲۶۹۵ ۲۷۰۰ ۲۷۰۵</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------

۱- ق: مرد ۲- (لن: [و])؛ ل: گرد و؛ س: ل، س؛ (نیزلی، پ، لن، آ، ب): سرافراز شیر؛ ق (نیزق): سرافراز مرد؛ متن = ف ۳- ل، ق (نیزق): گرانمایه؛ ل، س؛ (نیزب، لن): گران پایه؛ متن = ف، س (نیزلن، لی، آ، ب) ۴- ل، ق (نیزق): ل، (و): بسپرد؛ ل: بستند؛ متن = ف، س، س؛ (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۵- ف: برآمد؛ متن = ل-س؛ (نیزلن-ب) ۶- بنداری: علم الدرفش الجاویانی ۷- س، س؛ نیمه ۸- ل، س، ق: زه؛ متن = ف، ل، س؛ ۹- ق: اندر آن رزمگاه ۱۰- س؛ گردان ۱۱- ل، ق، ل (نیزق): ل، (و): گرفتند؛ متن ← ۱۲- ل: زان؛ متن ← ۱۳- س، س؛ (نیزلن، ب): چو دیدند آن جنگی بدنشان؛ متن = ف (نیزلی، ب، لن، آ) ۱۴- ق: نامدار ۱۵- ق: اندر آن کارزار؛ ل: اندر آوردگاه ۱۶- ق: بر آوردگه بر سوار ۱۷- ق: ز گردنکشان نامداری ۱۸- ل: از آن ۱۹- س؛ آه؛ ل، س، ق: خروشدن ناله؛ متن = ف، ل، س؛ [و] ۲۰- ق: نبیره ۲۲- ق: به خورشید؛ ف: که چندین سر از ماه؛ متن = ل، س، ل، س؛ (نیزلن-ب) ۲۳- ف: سر بسر؛ متن = ل-س؛ (نیز لن-ب) ۲۴- ف، ل (نیزلن، لن): اختر روز برگشته؛ ل، س، ق (نیزق): لی، ل، (و، آ): اختر و روز من گشته؛ متن = س؛ (نیزب، ب): ق در اینجا سرنویس دارد: نبرد رستم زان با پولادوند در توران ۲۵- ق: با؛ ل، ل: جوانان و (ل): [و] من زنده باد؛ متن = ف، س، س؛ (نیزلن، ب، ل، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کمر برگشاد و کله برگرفت

خروشدن و ناله اندر گرفت

۲۶- ل: غمی ۲۷- ف، س؛ (نیزلن، لی، ب): شاخ؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزق) ۲۸- س: بنزدیک من (وزن ندارد) ۲۹- ف، ل: کوه؛ متن = س، ق، ل، س؛ پس از این بیت افزوده است:

چو دید آن کمند نبرده سوار بترسید و سیر آمد از کارزار

غمی گشت از آن کارا^۱ گرد دلیر
 سپه را همه سربسرا^۲ خسته دید
 ۲۷۱۰ به دل گفت کین روز ما تیره گشت
 همانا که برگشت پرگار^۳ ما
 بیفشارد^۴ ران رخس را تیز کرد
 بدو گفت کای دیو ناسازگار
 ۲۷۱۵ چن^۵ آواز رستم به گردان رسید
 چنین گفت با^۶ کردگار جهان
 مرا چشم اگر^۷ تیره^۸ گشتی به جنگ
 کزینسان برآمد از^۹ ایران غریو
 پیاده شده گیو و رهام و طوس
 ۲۷۲۰ تبه گشته اسپ بزرگان به تیر
 برآویخت با دیو پولادوند
 بدزدید یال آن^{۱۰} نبرده سوار
 بدو گفت پولادوند: ای دلیر
 که بگریزد از پیش تو زنده پیل^{۱۱}
 ۲۷۲۵ نگه کن کنون آتش جنگ من
 ازین^{۱۲} پس نیابی ز شاهت نشان

چو گوران و دشمن بکردار شیر
 و زان روی پرخاش^{۱۳} پیوسته دید
 سر نامداران ما^{۱۴} خیره گشت
 غنوده شد آن بخت بیدار ما
 برآشفت و آهنگ آویز کرد
 ببینی کنون گردش روزگار
 سپهد^{۱۵} یلان را پیاده بدید،
 که ای برتر از^{۱۶} آشکار و نهان،
 بهستی ز دیدار این روز ننگ^{۱۷}،
 ز پیران و هومان و آن^{۱۸} نره دیو،
 چو بیژن که بر شیر کردی فسوس^{۱۹}،
 پیاده^{۲۰} برآویخته خیرخیر^{۲۱}
 بینداخت آن تاب داده کمند
 بترسید و سیر آمد از کارزار
 جهاندیده و نامبردار و^{۲۲} شیر،
 ببینی کنون موج دریای نیل
 کمند و دل و زور^{۲۳} و آهنگ من
 نه از نامداران^{۲۴} گردنکشان

۱-س (نیز لن، پ، ل، آ، ب): چاره؛ (ل: با چاره)؛ ل، ل: دژم (ل: غمی) گشته زو چاره؛ ق: همی گشت و زو چاره؛ س: غمین گشت از آن چاره؛ (ل: آ: غمین گشت زو جان)؛ متن = ف (نیز ق: آ)؛ درل این بیت پس از بیت ۲۷۱۵ آمده است ۲-ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، آ، ل، پ-ب): بیشتر؛ متن = ف، ل: (نیز ل: آ) ۳-ق، ل: پییکار؛ متن = ف، ل، س، س: ۴-ق، ل: همه؛ متن = ف، ل، س، س: ۵-ل: بدکار؛ ق، ل: برگشته شد کار؛ متن = ف، س، س: (نیز لن-ب) ۶-ل، آ، س: بیفشرد؛ متن = ف، ل، س، ق ۷-ل-س: (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف ۸-ل، ق (نیز ق: آ، ل، آ): تهمتن؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۷۰۹ آمده است ۹-س، س: کای ۱۰-س: شناسنده؛ س: تویی برتر از؛ ق (نیز لن، ل، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند: بمن بازده زور لشکرشکن بمن دیولشکرشکن درشکن
 ۱۱-ق: گر ۱۲-ل، س (نیز ل، آ، ب): خیره؛ متن = ف، ق، س: (نیز لن، ق، آ-ل) ۱۳-ل (نیز ل، پ، لن، آ): تنگ؛ (ل، آ: نام و ننگ)؛ ق: ز تیمار این روز تنگ؛ ل: ازین روز دیدار ننگ؛ متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۱۴-ل، ق، س: ز؛ متن = ف، س، ل ۱۵-ل: وز؛ ق، ل، س: و این؛ متن = ف، س ۱۶-بیت های ۲۷۱۹ و ۲۷۲۰ در ف، ل: (نیز ل، آ) پس از بیت ۲۷۲۲ و در ل با ضبطی دیگر پس از بیت ۲۷۳۵ آمده اند؛ در ق بیت ۲۷۲۱ پس از بیت ۲۷۱۸ آمده است و بیت های ۲۷۱۹، ۲۷۲۰ و ۲۷۲۲ را ندارد؛ پیمایی بیت های ۲۷۱۹-۲۷۲۲ در متن = س، س: (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۷-ل: بدینسان ۱۸-ل، س: خیره خیر ۱۹-ل: سرزان؛ س، س: (نیز لن، ل، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:
 چو نامد کمند تهمتن صواب بدزدیدن یال آن زودیاب (نیوتاب)
 ۲۰-س، ق، ل، س: [و] ۲۱-س: زندییل؛ ق این بیت را ندارد ۲۲-ف: کمند دلفروز (!)؛ متن = ل-س: (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۳-ل، ق: کزین ۲۴-س، ق، ل، آ، س: نامداران و؛ متن = ف، ل

- ۲۷۳۰ نبینی زمین زین سپس جز به خواب
چنین گفت رستم به پولادوند
ز جنگاوران نیز گویا مباد
چو بشنید پولادوند این^۵ سَخُن
که هر کو به^۶ بیداد جوید نبرد
گر از دشمنت بد رسد گر^۷ زد دوست
همان رستم است این^۸ که مازندران
بدو گفت کای مرد جنگ آزمای^{۱۰}
- ۲۷۳۵ بگشتند و از^{۱۲} دشت برخاست گرد
عمودی بزد بر سرش پیلتن
چنان تیره^{۱۸} شد چشم پولادوند
بیچید از آن رفت بر^{۱۹} دست راست
تهمتن بدان^{۲۱} بُد که مغز سرش
چو پولادوند از بر زین بماند
- ۲۷۴۰ دو پیل^{۱۳} ژیان با^{۱۴} دو مرد^{۱۵} نبرد
که بشنید آواز^{۱۶} آن^{۱۷} انجمن
که دستش عنان را بُد کاربند
چنین گفت کین روز^{۲۰} روز بلاست
به دو گوش بجهد، شود بر برش^{۲۲}
تهمتن جهان آفرین را^{۲۳} بخواند

۱- س، س: سپاهت سپاره ۲- ل- س (نیز لن- ب): بافراسیاب؛ متن = ف ۳- ل: که تا چند ازین بیم و تهدید و بند؛ س، س: (نیز لن، لن، ب): که چندست این (لن: زاین) و تهدید و بند؛ ق (نیز لی، آ): که چندست ازین بیم و تهدید چند؛ ل (نیز ب): که چندت ازین بیم و تهدید و بند؛ ق: که چندست ازین بیم و بیکار و بند؛ ل: که چندست ازین بیم و چندی گزند؛ و: که چندت ازین گفت پیوده چند؛ متن = ف: تصحیح قیاسی: که چندست بیم و زلیفنت و بند ۴- س (نیز لن): تیزو؛ ق (لی، لی، آ، ب: تیز): در ل، س، ل: حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ف، ق (نیز پ، و، لن): س پس از این بیت افزوده است:

چو سیر آمد از جنگ افراسیاب
بسی دید ازین بیم و بند و شتاب
ترا نیز پیش آمد آن روزگار
که سیر آیی از بخشش کارزار

۵- ف: آن؛ متن = ل- س ۶- ق: کس که ۷- ف، س، ق، ل، س (نیز لی- ب): یا؛ متن = ل (نیز لن، ق) ۸- ل: همین رستمست آن ۹- س، ل، س (نیز ل، ب): تبه کرد و؛ متن = ف، ل، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: رزم آزمای ۱۱- ل: باشی ابر ۱۲- ف، ل، ق، ل: وز؛ متن = س، س ۱۳- س: بیز ۱۴- ل، س، س: او؛ ل: آن؛ متن = ف، ق ۱۵- ل، س، ق: شیر؛ متن = ف، ل، س: ل پس از این بیت افزوده است:

برانگیخت آن باره پولادوند
بندزدید یال آن نبرده سوار
ببنداخت پس تاب داده کمند (۲۷۲۱)
چو زین گونه پیوسته شد کارزار (۲۷۲۲)
بجا آمد آن بند بدر کسید

۱۶- ل: آوازش ۱۷- ل: او؛ در ل بیت های ۲۷۳۶ - ۲۷۳۸ درهم ریخته اند: ۲۷۳۶، ۲۷۳۷، ۱۸- ف، ق، ل (نیز ق، ل): خیره (۴)؛ متن = ل، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل: زان پس سوی؛ س، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب): از آن درد بر؛ ق (نیز ق، ل): ز آورد بر؛ ل: از رفت بر؛ (و از آن دست بر)؛ متن = ف: داستان رستم و سهراب، بیت ۱۷۲ ۲۰- ق، ل: کامروز؛ ل: بدانست کان روز؛ متن = ف، س، س ۲۱- ل، س، ق، س: بران؛ متن = ف، ل ۲۲- ل (نیز ل): ببندد پراز (ل: کنون) رنگ تیره برش؛ س، ل، س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): به (س، ب: ز) دو گوش بیرون جهد (س، ل، ب: شود؛ لن: شدش) بر برش؛ ق: ببیند همان زیر تیره برش؛ ق: زبینی برآید همی بر برش؛ و: برون جستش از گوش و شد بر برش)؛ متن = ف ۲۳- ق: همی نام یزدان

جهاندار و بینا^۱ و پروردگار،
روانم بدان^۲ گیتی آباد^۳ نیست،
روان مرا برگشاید ز بند
تو مستان ز من دست و زور^۴ و هنر
بدایران^۵ نماید یکی جنگجوی
نه خاک و نه کشور^۶، نه بوم و نه بر

دو گرد سرافراز^{۱۳}، دو کینه‌جوی^{۱۴}،
به یاری نیاید کسی کینه‌خواه

که ای برتر از گردش روزگار
گر این گردش^۲ جنگ من^۳ داد نیست
روا دارم ار دست پولادوند
ور^۶ افراسیاب ست بیدادگر
که گر^۸ من شوم کشته بر دست او
نه مرد کشاورز و نه پیشه‌ور^{۱۰}

۲۷۴۵

به گستی^{۱۲} گرفتن نهادند روی
به پیمان که از هر دو روی^{۱۵} سپاه

۱- س: دانا؛ ق: بیدار؛ متن = ف، ل، ل، ل، س، ۲- ل: گردش و ۳- ق: ما ۴- ل: برین ۵- س، ل، س، ۲ (نیز ق): آزاد؛
متن = ف، ل، ق (نیز ل، ل-ب) ۶- س: گر ۷- س: زور و دست؛ س: توش و دست ۸- ل: اگر ۹- ل-س، ۲ (نیز
ل-ب): بایران؛ متن = ف ۱۰- ل: پیشه‌گر ۱۱- ق: نه کشت؛ ل: درخت؛ س، س، ۲ (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ، ب) پس از بیت
۲۷۴۶ افزوده‌اند؛ تصحیح بر اساس س:

ز کینه بروی اندر آورده روی
ز الماس سازیده باریک و بند
پراز خون شده دیورا زو جگر
برآشفت درخیم ناسازگار
که پولاد داری همی یال و سفت
ببنداز و این مغفر تیره‌رنگ
دگر پوشم و پیشت آیم دمان
ره آب گردان بدین جوی نیست
تو این را که داری همیدون بدار
گرانمایه پولاد بسا پهلوان
بر آن پر و خفتان پولاد بر
بکشتی پدید آید از مرد مرد
بگیرم هر دو دوال کمر
که پیروز برگردد از کارزار
یکی سخت پیمان فکندند بن
به جنگ دلیران پرخاشجوی
زمانی ز پیکار دم برزدند

برینسان همی دو گوجنگجوی
یکی خنجر انداخت پولادوند
به بر بیان بر نبد کارگر
چو تیغش نیامد برستم بکار
غمین گشت و با رستم زال گفت
تو این مردری پر و خفتان جنگ
سلیح دگر پوش تا من همان
چنین گفت رستم که این روی نیست
نگردانم این آلت کارزار
10 بگشتند بار دگر هر دو ان
نیامد سلیح گران کارگر
بدو گفت پولاد جنگی نبرد
بکشتی بگردیم با یکدگر
بدان تا که را بر دهد روزگار
15 برین بر نهادند هر دو سخن
که یاری نیاید کس از هر دو روی
بگفتند و زاسبان فرود آمدند

ق پس از بیت ۲۷۴۶ افزوده است:

دگر باره هر دو بجنگ آمدند

هم از کینه و نام و ننگ آمدند

چو از هر سلیحی بکوشید سخت

بماندند هر دو از آن تیره‌سخت

پ نیز پس از بیت ۲۷۴۶ چند بیتی افزوده است: ف، ل، ل، ل، ۲ (نیز ل) هیچک از این بیت‌ها را ندارند ۱۲- ف، س، ۲ (نیز ل-ب): کشتی؛
متن تصحیح قیاسی است ۱۳- س: سرافراز ۱۴- ل، ق، ل: جنگجوی؛ متن = ف، س، س، ۱۵- س، ق، ل، ل، س، ۲ (نیز ل-
ب، ل، ل، ب): رویه؛ متن = ف، ل (نیز و، آ)

میان سپه نیم فرسنگ بود
 که^۲ پولادوند و تهمتن بهم
 ۲۷۵۰ همی دست سودند^۴ یک با دگر^۵
 چو شیده بر و یال رستم بدید
 پدر را چنین گفت کین^۶ زورمند
 هم اکنون بدین زور^۸ و این^۹ دستبرد
 ۲۷۵۵ نبینی ز گردان ما جز گریز
 چنین گفت با شیده^{۱۰} افراسیاب
 برو تا ببینی که پولاد گرد^{۱۱}
 چنین گفت شیده که پیمان شاه
 چو پیمان شکن باشی و تیره مغز^{۱۵}
 تو این^{۱۷} آب روشن مگردان سیاه
 ۲۷۶۰ به دشنام بگشاد خسرو زبان
 بدو گفت: اگر^{۱۸} دیو پولادوند
 نماند برین^{۲۱} رزمگه زنده کس
 میان سپه نیم فرسنگ بود
 که^{۲۲} پولادوند و تهمتن بهم
 ۲۷۶۵ همی دست سودند^{۲۴} یک با دگر^{۲۵}
 چو شیده بر و یال رستم بدید
 پدر را چنین گفت کین^{۲۶} زورمند
 هم اکنون بدین زور^{۲۸} و این^{۲۹} دستبرد
 ۲۷۷۰ نبینی ز گردان ما جز گریز
 چنین گفت با شیده^{۳۰} افراسیاب
 برو تا ببینی که پولاد گرد^{۳۱}
 چنین گفت شیده که پیمان شاه
 چو پیمان شکن باشی و تیره مغز^{۳۵}
 تو این^{۳۷} آب روشن مگردان سیاه
 به دشنام بگشاد خسرو زبان
 بدو گفت: اگر^{۳۸} دیو پولادوند
 نماند برین^{۴۱} رزمگه زنده کس
 میان سپه نیم فرسنگ بود
 که^{۴۲} پولادوند و تهمتن بهم
 ۲۷۷۵ همی دست سودند^{۴۴} یک با دگر^{۴۵}
 چو شیده بر و یال رستم بدید
 پدر را چنین گفت کین^{۴۶} زورمند
 هم اکنون بدین زور^{۴۸} و این^{۴۹} دستبرد
 ۲۷۸۰ نبینی ز گردان ما جز گریز
 چنین گفت با شیده^{۵۰} افراسیاب
 برو تا ببینی که پولاد گرد^{۵۱}
 چنین گفت شیده که پیمان شاه
 چو پیمان شکن باشی و تیره مغز^{۵۵}
 تو این^{۵۷} آب روشن مگردان سیاه
 به دشنام بگشاد خسرو زبان
 بدو گفت: اگر^{۵۸} دیو پولادوند
 نماند برین^{۶۱} رزمگه زنده کس

عنان برگرایید و آمد^{۲۲} چو شیر به آوردگاه^{۲۳} دو گرد^{۲۳} دلیر

۱-س: بدان؛ درق لت های این بیت پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ق: کشتی گرفتن رستم با پولادوند
 و گرفتن پولادوند؛ ل: کشتی گرفتن پولادوند با رستم و کیفیت آن ۲-ل، ق (نیز ل، آ): چو؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس
 دیگر) ۳-س: همی دست سودند بر پیش و کم ۴-ف: بردند؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۵-س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ،
 آ): با یکدگر؛ (ل، آ، پ، و: بریکدگر)؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۶-س: آن ۷-س، س، آ: ورا ۸-ل: بدین
 برزیالا ۹-ل: بدان زور و آن ۱۰-س: به شیده چنین گفت ۱۱-ل، س، ق، س (نیز ل-آ، و-ب): پولادوند؛ متن = ف،
 ل ۱۲-ل-س (نیز ل-آ، و-ب): کشتی؛ متن = ف ۱۳-ل، س، ق، س (نیز ل-آ، و-ب): دست بند؛ متن = ف، ل، آ؛ ق (نیز
 ل، ل، پ، ل، آ، آ) پس از بیت ۲۷۵۷ افزوده اند:

بترکی بیاموز و راهش نمای

مگ رروستم را درآرد زیبای

بگوش که چون او بزر آوری

بشمیر کن زین سپس داوری

ل پس از بیت ۲۷۵۷ افزوده است:

بکشتی درآویزش او چون کند کمر بند و نیزنگ و افسون کند

۱۴-ق: بدینسان نرفت آن ۱۵-س، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب): تیز مغز؛ متن = ف، ل ۱۶-ل، ق: زدست تو پیکار؛ ل (نیز ق، آ): ز
 دست تو یک کار؛ (ل: ز تو کار پیکار)؛ متن = ف، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷-ل: آن ۱۸-ف: گر؛ متن =
 ل-س ۱۹-ق: از آن ۲۰-س: بد به ۲۱-ل، ل، آ، س: بدین؛ ق: درین؛ متن = ف ۲۲-ل: برگرایید شیده ۲۳-ل،
 ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ): مرد؛ ف: بنزدیک آن هر دو گرد؛ (ل، و، آ: باورد گه رفت گرد)؛ متن = س (نیز ب)

- ۲۷۶۵ نکه کرد پیگار دو پیلِ مست^۱
به پولاد گفت: ای سرافرازشیر
به خنجر جگرگاه او را بکاف
خروشان چو رعد و بساویده دست^۲
به گُستی^۳ گر آری مرو را به زیر،
هنر باید از کار کردن، نه لاف
- ۲۷۷۰ نکه کرد گیو اندر افراسیاب
برانگیخت اسپ و بیامد^۴ دمان
به رستم چُنین گفت کای جنگجوی
نکه کن که پیمان^۵ افراسیاب
بیامد^۶ همی دل برافروزدش^۷
بدو گفت رستم که جنگی منم
شها را چرا^۸ بیم باید^۹ همی؟
۲۷۷۵ هم اکنون سر و یال^{۱۰} پولادوند
اگر^{۱۱} نیست این جنگ را زوردست^{۱۲}
گر ایدونک^{۱۳} این جادوی^{۱۴} بی خرد
شها را ز پیمان شکستن چه باک
گرفت آن بر و یال جنگی نهنگ
همی خواند بر کردگار آفرین
تیره زنان برگرفتند راه
- ۲۷۸۰ و زانپس بیازید چون شیر چنگ
به گردن برآورد و زد بر زمین
خروشی برآمد از^{۱۵} ایران سپاه

۱- س، س: آن (س: دو) پیل و شیر؛ متن = ف، ل، ق، ل^۱ ۲- س، س: آن دو مرد دلیر؛ ق (نیزلی، آ): و بساوان دو دست؛ ل: درآورده بر یکدگر هر دو دست؛ متن = ف، ل^۱ ۳- ل-س: (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف ۴- ل: برآمد ۵- س، س: آن؛ ق: همان؛ متن = ف، ل، ل^۱ ۶- س: چو ۷- س، س: بگردار؛ ل: که پیکار؛ متن = ف، ل، ق ۸- ل، ق (نیزق، ل، ی، آ): چو؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن) ۹- ق: بیامد ۱۰- ل (نیزآ): بیفروزدش؛ س، س^۲ (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): تا دل افروزدش؛ (و: دل برو سوزدش)؛ متن = ف، ق، ل^۱ (نیزق، ل، ی) ۱۱- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف، س ۱۲- ل: درون ۱۳- ل-س: (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف (لن، پ، لن: باشد)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیزق، ل، ی، و، آ، ب) ۱۴- ل، س: چرا؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ ۱۵- ل: من اکنون سردیو ۱۶- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ل، ی، آ): زابر بلند؛ س (نیزب): بچنگ دراز اندرآرم ببند؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، پ، و، لن، آ، ب، درل، ل^۲ پایی بیت های ۲۷۷۵-۲۷۷۸ دیگر است، ل: ۲۷۷۷، ۲۷۷۸، ۲۷۷۹؛ ل: ۲۷۷۵، ۲۷۷۶، ۲۷۷۷، ۲۷۷۸؛ ل^۲ پایی بیت های متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- س، س: وگر ۲۰- ل: نیستان جنگ را زور و دست؛ ق (نیزلی، ل، آ): نیستان چنگ و نیروی دست؛ ل: نیست آن جنگ با زور دست؛ متن = ف، س، س^۲ (نیزلن، ق، لن، آ، ب) ۲۱- ل: چه باید ۲۲- ل، آ، س^۲: ایدونکه ۲۳- ق: آن جادو ۲۴- ل، س، ق، س^۲ (نیزق، ل، ی، آ، و، آ، ب): گره؛ ل: چو؛ متن = ف (نیزلن، پ، لن، آ)؛ ل در اینجاست سرنویس دارد: کشتی گرفتن رستم و پولادوند ۲۵- ل-س: ز؛ متن = ف

<p>خروشیدن سنج و زخمِ درای^۳ ندارد به تن بر^۴ درست ایچ بند^۵ بماند آن تن^۶ آژدها را به جای نگه گرد پولاد برسان تیر، دلش پُر ز خون و رخس پُر ز آب^۸ زمانی بشد^{۱۰} هوش از آن^{۱۱} رزمساز^{۱۲} همه دشت لشکر^{۱۳} پراکنده دید، جهان دیده گودرز را پیش خواند هوا^{۱۵} را چُن ابر^{۱۶} بهاران کنند جهانجوی^{۱۸} رُهام و گرگین^{۱۹} نیو جهان را به خنجر همی سوختند که بی تخت و بی گنج^{۲۰} و نام بلند^{۲۱}، چرا کرد باید همی رزم یاد؟ ز رستم همی بندِ جانش بگفت که شد روی کشور^{۲۴} چو دریای آب نشاید برین^{۲۶} بوم^{۲۷} این نشست</p>	<p>بدابرا اندرآمد دم گزّه نای^۲ گمان برد رستم که پولادوند به رخس دلیر اندرآورد پای چو پیش صف آمد یل شیرگیر گریزان بشد پیش^۷ افراسیاب بخفت از بر خاکِ تیره دراز^۹ تهمتن چو پولاد را زنده دید دلش تنگ تر گشت^{۱۴} و لشکر براند بفرمود تا تیرباران کنند زیک دست بیژن، زیک^{۱۷} دست گیو تو گفتی که آتش برافروختند به لشکر چُنین گفت پولادوند چرا سر^{۲۲} همی داد باید به باد؟ سپه را به پیش اندرافکند و رفت چُنین گفت پیران بدافراسیاب^{۲۳} بگفتم^{۲۵} که با رستم شوم دست</p>	<p>۲۷۸۵ ۲۷۹۰ ۲۷۹۵</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------

۱- ل- س^۲ (نیزلن- ب): بابره؛ متن = ف ۲- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق، ل، س^۳ ۳- ل: نای و صنح و درای؛ ق: زنگ و
هندی درای؛ ل^۴ (نیزل ۲، پ، و، آ): صنح و هندی درای؛ متن = ف، س، س^۵ (نیزلن، ق، آ، ل، ل، ن، ب) پس از تصحیح صنح به سنج؛ ل (نیزق،
پ، و) پس از این بیت افزوده اند:

که پولادوند است بیجان شده

بر آن خاک چون ماری بیجان شده

۴- ل، ق: دره؛ ل: تنش بر؛ متن ← ۵- س، س: س^۶: همانند ایچ (س: نداردش) بردست و دریای بند؛ متن = ف: س (نیزلن، ل، ن، آ) پس از این بیت
افزوده اند:

همه استخوان در تنش بگسلید

رخ او شده راست چون شنبلیله

۶- ق: سر؛ ل: زمان؛ متن = ف، ل، س، س^۷ ۷- ق: نزد ۸- س، س: س^۸ (نیزلن، ل، ن): تاب؛ ق (نیزب، و): سرش پرشتاب؛ ل: رخس
پُر ز خون و دلش پر ز تاب؛ متن = ف، ل، ل^۹ (نیزلی، ل، آ، ب) ۹- ل: تیره روان ۱۰- س: شده ۱۱- ل: زان؛ ق: شد از خویش
آن ۱۲- ل: بدگمان؛ ف: این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و وقع علی الأرض مغشیا علیه، و بقی کذلک زمانا طویلا ۱۳- س، س: مردم؛
متن = ف، ل، ق، ل: در ف این بیت را به همان خط در میان ستون‌ها افزوده است ۱۴- ل: تنگ برگشت ۱۵- ل، ل، آ:
کمان) ۱۶- ل، ل، ق، ل، س: س^{۱۰} (نیزلن- آ): چو ابر؛ س (نیزب): چون تگرگ؛ متن = ف: س، ل: در اینجا سرنویس دارند، س: هزیمت شدن
افراسیاب با پولادوند از پیش رستم؛ ل: افتادن پولادوند در کشتی از دست رستم ۱۷- ل: دگر ۱۸- ل: جهان گیر ۱۹- س: ل:
گرگین و رهام ۲۰- ق: بی تاج؛ متن ← ۲۱- س: که بر گنج و تخت و بنام بلند؛ س: که بر تخت و بر گنج و نام و بلند؛ متن = ف، ل،
ل ۲۲- س: خرامان (→ چرامان؟) ۲۳- ل- س: س^{۱۱} (نیزلن- ب): بدافراسیاب؛ متن = ف ۲۴- ل: گیتی؛ متن = ف، س،
ق، ل، س^{۱۲} (نیزلن- ب) ۲۵- ل، ل، س، ل: بگفتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیزلن، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): نگفتم؛ متن = ف، س^{۱۳} (نیز
ق، ل، و) ۲۶- ل، ل، س، ل: درین؛ ق، س: بدین؛ متن = ف ۲۷- ل، ل، س: کشور؛ س: مرز؛ متن = ف، ل، ق

ز خون جوانی که بُد زآن گزیرا^۱ چه باشی که^۴ با توکس ایدر نماند
 همانا کر^۶ ایرانیان صد هزار
 به پیش اندرون^۸ رستم شیرگیر
 ز دریا و دشت و ز هامون^{۱۰} و کوه
 چو مردم نماند آزمودیم دیو
 چو^{۱۳} رستم بیاید ترا^{۱۴} پای نیست
 بیاید شدن تا^{۱۶} بدان^{۱۷} روی چین
 سپه را چُنین صف کشیده بمان!^{۱۸}

بخستی دل ما^۲ به پیکان تیر^۳
 بشد^۵ دیو پولاد و لشکر براند
 فرونست^۷ بَرگَسْتَوان و رُسوار
 زمین پُر ز خون^۹ و هوا پُر ز تیر
 سپاه اندرآمد همه^{۱۱} همگروه
 چُنین جنگ و پیگار و چندین غریو^{۱۲}
 جز از رفتن از پیش او^{۱۵} رای نیست
 گر^{۱۸} ایدونک گنجی خود اندر^{۱۹} زمین
 تو با^{۲۰} ویزگان^{۲۱} سوی دریا بران!

گفتار اندر گریختن افراسیاب از پیش رستم^{۲۲}

سپهبد چنان کرد کو راه^{۲۳} دید
 درفشش بماندند و او خود برفت
 سپاه اندرآمد به پیش^{۲۶} سپاه
 تهنن به آواز گفت آن زمان
 بکوشید و شمشیر و گرز^{۲۷} آورد
 پلنگ آن زمان پیچد از کین^{۲۹} خویش

همی^{۲۴} دست از آن رزم کوتاه دید
 سُوی چین و ماچین خرامید^{۲۵} تفت
 زمین گشت برسان ابر سپاه
 که نیزه مدارید و تیر و کمان
 هنرها ز بالای بُرز^{۲۸} آورد
 که^{۳۰} نخچیر بیند به بالین^{۳۱} خویش

سپه سربسر نعره برداشتند
 چنان شد در و دشت آوردگاه^{۳۴}

همی^{۳۲} نیزه بر^{۳۳} کوه بگذاشتند
 که از کُشته جایی ندیدند راه

۱- ل: گریزه؛ ل (نیز ق، ل، پ): بدناگزیر: متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ل، ب). ۲- ق: همی دل؛ ل: دلت را ۳- ل: تیر
 ۴- ل: چو ۵- ل: که شده؛ ق بیت های ۲۷۹۹-۲۸۰۱ را ندارد ۶- ل، ل، ل: از ۷- س: فزون بود؛ س آ بیت های ۲۸۰۰
 و ۲۸۰۱ را ندارد ۸- س: آمد و ۹- ل: خاک؛ ل: گبر؛ متن = ف، س ۱۰- س: و بیابان؛ ق: وز دشت و هامون؛ متن = ف، ل، ل
 ۱۱- ل: بسی ۱۲- درل پس از بیت ۲۸۰۳ بیت های ۲۸۰۶ و ۲۸۰۷ آمده اند؛ س پس از بیت ۲۸۰۳ افزوده است:
 همه کرد رستم بزر و زبر سپاه جهان را همه سربسر
 ۱۳- ل: که ۱۴- ل: مرا ۱۵- س: من ۱۶- ف: شدن مان؛ ل: شدن پس؛ متن = ل، س، ق، س (نیز لن، ل، آ) ۱۷- ل: بران
 ۱۸- ف: ق: اره؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن-ب) ۱۹- ل: گنجسد کسی در؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز
 لن-ب) ۲۰- س: س: آ: خود و؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۱- ف: خاصگان؛ متن = ل-س (نیز لن-ب): بنداری؛ خواصک؛ درل
 بیت های ۲۸۰۶ و ۲۸۰۷ پس از بیت ۲۸۰۳ آمده اند ۲۲- ف: گفتار اندر گریختن پولادوند از پیش رستم و هزیمت شدن ترکان و گریختن
 افراسیاب از پیش رستم؛ س: هزیمت شدن افراسیاب از نبرد؛ متن = ف ۲۳- س: رای (پساوند ندارد): ق نیز نخست رای داشته
 است ۲۴- س: همه ۲۵- ل، ل، س: خرامید و؛ س: شتابید ۲۶- ل: پشت ۲۷- ل: تیر ۲۸- ل: نهانی هنرها به پیش
 (پساوند ندارد) ۲۹- س: جای ۳۰- ق: چو ۳۱- س: بالای ۳۲- ل، ل، س، ل، س: همه؛ متن = ف، ق ۳۳- ل: ناله از
 ۳۴- س، ق، ل، س: آن رزمگاه؛ متن = ف، ل

<p>گریزان برفتند بهری^۱ به راه همه دشت تن^۳ بود بی دست و یال که زهر زمان بهره‌ی هر^۴ کس است زمانی ز^۵ تریاک بهر آورد همه خوب‌کاری^۷ بر^۸ افزون کنید که دانا نداند یکی را ز پنج^۹ زمانی عروسی پر از بوی و رنگ^{۱۱} که گوید که نفرین به از آفرین؟</p>	<p>۲۸۱۵ برفتند یک بهره زبهارخواه رمه از بی‌شبان^۲ شده تال و مال چنین گفت رستم که گشتن بس است زمینی همه^۵ بار زهر آورد همه جامه‌ی رزم بیرون کنید چه بندی دل اندر سرای سپنج^۹ ۲۸۲۰ زمان^{۱۰} چو آهرمن آید به جنگ بی‌آزاری و خامشی^{۱۲} برگزین</p>
<p>ز زرین^{۱۳} و از^{۱۴} گوهر نابسود غلامان و اسپان و تیغ^{۱۵} و کلاه همه افسر و مشک و عنبر گرفت ز چیزی که بود اندر آن رزمگاه ز^{۱۷} هر سو بجستند^{۱۸} بی‌راه و راه نه آگاهی آمد از^{۲۱} افراسیاب^{۲۲}</p>	<p>بجست اندر آن دشت چیزی که بود سراسر فرستاد نزدیک شاه ۲۸۲۵ و زان بهره‌ی خویشتن برگرفت بیخشد دیگر همه بر سپاه نشان خواست از شاه^{۱۶} توران سپاه نشانی ندادند^{۱۹} بر خشک و آب^{۲۰}</p>

گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان^{۲۳}

۱-س: دگر بهره را شد گریزان ۲-ل. س. ل. س. ۳-نیز لن. پ. و. لن. ب. شد از بی‌شبان^۲ رومه: ق. شده بی‌شبان^۲ گله: (ق: رومه بی‌شبان^۲ همه): متن = ف-ضحاک. بیت ۴۰ ۳-س. س. س. ۴-ل. ق. ل. ۵-ل. ق. (نیز ل): بهر دیگر: س. س. ۶-نیز لن. ق. ۷-ل. لن. آ. ب. (ب: زمان (لن. لن: زما) هر زمان بهر دیگر: متن = ف. ل. نیز ب. و) ۸-ل. ل. س. ل. س. ۹-ل. ق. (نیز ق. ل. و): زمانی همی: س. س. ۱۰-نیز لن. پ. لن. آ. ب. (ب: زمینی که هر: ل. زمانی جهان: متن = ف. ل. نیز ب. و) ۱۱-ل. ل. س. ل. س. ۱۲-ل. ق. (نیز ق. ل. و): به: متن = ف. ق. نیز و) ۱۳-ل. ل. س. ل. س. ۱۴-ل. ق. (نیز ب. و آ) ۱۵-ل. س. س. ل. س. ۱۶-ل. ق. (نیز ب. و آ): بهی را زرنج: ق. که گویی یکی را نداند ز پنج: ل. (نیز ق): که دانا سرش را نداند (ق: نداند سرش را) ز پای: متن = ف. ل. نیز و) ۱۷-س. این بیت را ندارد ۱۸-ف: جابکی (خامشی?): ل. نیز ب. و آ): جام می: ق. مردمی: ل. راستی: متن = س. س. نیز لن. ق. ب. لن. ب. ل پس از این بیت افزوده است:

بخور آنچه داری و آنده مخور
که گیتی سپنج است و ما بر گذر
می‌آزار کس را ز بهر مردم
مکن تا توانی بسکس بر رستم

۱۳-ل: زریننه ۱۴-ف. ل. ق. ل. ل. س. ۱۵-ل: گرز ۱۶-ف: رستم زه: متن = ل. س. نیز لن. ب) ۱۷-ل: به ۱۸-ف: بیخشد: س. همی جست: متن = ل. س. ق. ل. نیز لن. ب): بنداری: و بیث اصحابه فی طلب افراسیاب، و افرهم باقتفاء اثره ۱۹-ق. ل. ندیدند: متن = ف. س. س. ۲۰-ل: نشانی نیامد ز افراسیاب ۲۱-س. ق. س. ل: زه: متن = ف. ل. نه بر کوه و دریا نه بر خشک و آب ۲۳-ف: گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان و پذیره شدن شاه کیخسرو و لشکر راه: ل. بازگردیدن رستم از ترکستان: س. باز آمدن رستم از ترکستان با ایران زمین بفرودی: ق. خبر یافتن کیخسرو از آمدن رستم و استقبال فرمودن: ل. آگاهی یافتن کیخسرو از حال رستم: س. بازگشتن رستم از توران زمین: متن = آنزف

<p>که از بارگی شد سپه بی گله^۲ سلیح^۴ گرانمایه و گنج^۵ و تخت جرس برکشیدند و^۶ روینه^۷ خم سپاهی برآن^۸ گونه با رنگ و بوی^۹ خروش آمد از شهر و از^{۱۰} بارگاه^{۱۱} که آمد خداوند گوپال و بیر خنیده میان کیهان و میهان^{۱۳} همی خواند بر کردگار آفرین^{۱۴} بجنید کیخسرو از جای خویش^{۱۵} می و رود و رامشگران خواسته^{۱۶} پُر از مُشک بود و می و^{۱۷} زعفران ز گوش اندراویخته گوشوار ز بر مُشک و عنبر همی بیختند جهانی سراسر پُر آواز دید، پرسید خسرو ز راه دراز</p>	<p>شتر یافت چندان^۱ و چندان گله ۲۸۳۰ ز توران سپه برنهادند^۳ رخت خروش آمد و ناله ی گاودم سُوی شهر ایران نهادند روی چُن^۹ آگاهی آمد ز رستم به شاه از ایران تبیره برآمد ز^{۱۲} ابر یکی شادمانی بُد اندر جهان ۲۸۳۵ دل شاه شد چون بهشت برین بفرمود تا پیل بردند پیش جهانی به آیین^{۱۶} شد آراسته^{۱۷} همه یال^{۱۹} پیل از کران تا کران از افسر سر^{۲۱} پیلبان پُرنگار ۲۸۴۰ به پی^{۲۲} زعفران و درم ریختند تهمتن چو تاج سرافراز دید فرود آمد و برد پیشش^{۲۳} نماز</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱-س: بسیار ۲-ق: بریله؛ ل: بد سپه بی یله؛ متن = ف، ل، س، س، س، س^۲ (نیز لن-ب): لغت دری، ص ۲۲۲: بی خله (۴) ۳-ل: برنهادند و ۴-س: سلاح ۵-ل، ق (نیز ل، و): تاج؛ متن = ف، س، ل، ل، س، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶-س: [و] ۷-ق: بدان؛ ل: از آن؛ س: برین؛ متن = ف، ل، س ۸-ل: با گفت و گوی ۹-ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل-لن، ب): چو؛ ل (نیز ل، آ): پس؛ متن = ف ۱۰-ل، ق، ل: وز؛ متن = ف، س، س، س^۲ ۱۱-ق: و بازارگاه) ۱۲-ل-س^۲ (نیز لن-ب): به؛ متن = ف ۱۳-ف: میان همه مهتران و کیهان؛ س، ل، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب، ل، ل-لن، ب): میان کیهان و میان میهان؛ ق (نیز ق، و): میان خنیده کیهان و میهان؛ (ل، آ): میان همه کهتران و میهان؛ متن = ل (نیز لغت دری، ص ۲۱۰؛ لغت شهنامه، شماره ۸۸۴) ۱۴-ل: این بیت را ندارد ۱۵-س: پس از این بیت و ل، ل^۲ (نیز و) پس از بیت سپسین افزوده اند:

تبیره برآمد ز هر جای و بوق

براندرده بر روی پیلان (ل: زمین گشته پر تشتهای؛ ل: ز مشک و زمی طشتهای) خلوق

۱۶-ق: آذین؛ ل^۲ (نیز ق، آ، ل): آذین؛ متن = ف، ل، س، س، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷-ق: ل: بیاراستند؛ متن = ف، ل، س، س^۲ ۱۸-ق، ل: خواستند؛ ل: رامشگر و خواسته؛ متن = ف، س، س، س^۲ ۱۹-ل، ق: روی ۲۰-ف: بود و پیراز؛ (ق: مشک و می بود و پر)؛ س (نیز ب): براندرده مشک و می و؛ متن = ل، ق، ل، ل، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب، و، ل-ل) ۲۱-س: بزر افسر؛ ق: سرافسر؛ متن = ف، ل، ل^۲ (ف، ل، ز)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۲۲-ل (نیز ل، ل، آ، ب، ل-لن، آ): بسی؛ ق، ل (نیز ق): می و؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن، و، ب)؛ ل پس از این بیت دو بیت (و ق، و تنها بیت یکم را) افزوده اند:

همه شهر آوای رامشگران

نشسته ز هر سو کران تا کران

چنان بد جهانرا ز شادی و داد

که گیتی روانرا دوامست و شاد

۲۳-ل: از رخس و بردش؛ بنداری: ترجل و سجده

گرفتش بدآغوش ^۱ در شاه تنگ	
بفرمود تا پیلتن برنشست	۲۸۴۵
همی ^۳ گفت: چندین چرا مانده‌یی ^۴ ؟	
چو طوس و فریبرز و گودرز و گیو	
پس شاه ایران همی ^۸ رانددند	
ز ره سوی ایوان شاه آمدند	
نشست از بر تخت زر ^۹ شهریار	۲۸۵۰
فریبرز و گودرز و رهام و گیو ^{۱۱}	
چنین تا برآمد زمانی ^۲ درنگ	
گرفته همه راه دستش به دست	
که بر ما ز مهر ^۵ آتش افشاندی ^۶	
چو رهام و شیدوش و گرگین ^۷ نیو	
ز برشان همی گوهر افشاندند	
بدان ناموربارگاه آمدند	
بنزدیک او رستم نامدار ^{۱۰}	
نشستند با نامداران ^{۱۲} نیو	

۱- ل-س^۲ (نیز لن، ق-ل-ن، ب): باغوش؛ (لی، آ: در آغوش)؛ متن = ف
افزوده اند:

همی آفرین خواند شاه جهان

بر آن نامور پهلوان و مهان (ل: موبد و پهلوان)

۳- س: بدو ۴- ل-س^۲ (نیز لن، لی-ب): ماندی؛ متن = ف (نیز ق^۲) ۵- ل، ق، ل (نیز لی، آ، ب): همی ۶- ل-س^۲ (نیز لن، لی-ب): افشاندی؛ متن = ف (نیز ق^۲) ۷- ل، س، ل: گرگین و گردان؛ ق: فرهاد و رهام و گرگین؛ س^۲ (نیز ب): نشستند با نامداران (= ۲۸۵۱ ب)؛ متن = ف ۸- ل: همه؛ ف، ل، ق، س^۲ (نیز لن، ب، ل، آ، ب) بیت ۲۸۴۸ و ف، س^۲ (نیز لن، ب، ل، آ، ب) بیت های ۲۸۴۹-۲۸۵۱ را ندارند، ولی بنداری آنها را داشته است: و کان طوس و جودرز و جیو و غیرهم من الاکابر یسیون وراءهما. فلما قرب الملك من دار الملك نثرت الجواهر علی موكبه. ونثر علی العسکر المسک والعنبر والذهب والفضة. فدخل الملك بهم الی ایوانه فقعدها بین یدیه. وشرع فی الحدیث مع رستم... ۹- ق، ل: بر ۱۰- ل: تاجدار ۱۱- س: گردان نیو؛ ق: رهام و گودرز و گیو ۱۲- س: و گیو؛ س پس از این بیت ۵۰ بیت، لی ۳۷ بیت، آ ۳۸ بیت و ب ۴۲ بیت افزوده اند؛ تصحیح بر اساس س:

سوار جهانگیر روشن روان	ز ما آفرین باد بر پهلوان
به پیش نیاکان من ارجمند	جهان پهلوان سرور زورمند
فشاننده خون ابر آفتاب	رباینده شاه افراسیاب
جگرگه اولاد غندی و بید	دراننده چرم دیوسپید
که هشتاد کز بُد ز دم تا به دم	کشنده چنان ازدهای دژه
خورنده یکی گور کرده کباب	گزارنده جام ده من شراب
سه ره روه و ده بار توران زمین	گرفته به شمشیرش بار چین
به دست بشد کشته، هم جان نبرد	خم آورنده پشت کاموس گرد
فک آن زمان دست او داد بوس	به یک تیر کشته همی اشکیوس
گرفتار گشته در آن دشت کین	به خم کمند تو خاقان چین
چه گردان چین وجه جنگ اوران	زبون تو گشته همه سروران
به یک گرز تو کشته شد، جان نبرد	کننده سر و ترگ کافور خرد
ز بیمت گریزان شده مستمند	فکنده به کشتی چو یولادوند
ز بیم تو هستنند پر درد و تپ	همه پهلوانان افراسیاب
ندیده جهان چون خداوند رخس	تویی پهلوان و تویی تاج بخش
هم آورد تو نسبت در کارزار	به گیتی نباشد چو تو نامدار
به بال و به یدالت نیارد پدر	خنک زال کو چون تو دارد پسر



سَخُن گفت^۱ کیخسرو از رزمگاه
چُنین^۵ گفت گودرز کای شهریار
می و جام و آرام باید نَخست
وُزآن^۲ رنج^۳ و پیگار^۴ توران سپاه
سَخُن ها درازست ازین^۶ کارزار
پس آنگاه^۷ ازین کار پرسی درست

۱-ق: برسید ۲-ل: ل: از آن ۳-ل: روزه ۴-س: بردن ز ۵-ل: بدو ۶-ل: زین ۷-ف (نیزو):
آنگاه؛ مین = ل - س (نیزل، ق، ل، لی، لن، ب)



خوشا شهر ایران و فرخ گوان
وزین هر سه برتر سر بخت من
تو تا زادی از مادر با آفرین
20 زهی پهلوان و زهی رستم
هزار آفرین باد بر پهلوان
چو بشنید رستم ز شاه این چنین
هنرهای من جمله از فرست
تو شایسته بر چنین نیکویی
25 به فر تو روشن جهان شد همی
به خورشید مانی و هم ماه را
ز شاهان پیشین تو نیکوتری
فریدون فرخ چو زنده بدی
نیاشد چو تو شاه پیروز بخت
30 که شاه جهان جاودان شاد باد
فنک تا بود نقش بند زمین
به بخت تو باد اخترت ساخته
ترا این کلاه آسمان دوختست
35 خنک آنک دارد ترا یار و پشت
زمان تا زمان از سپهر بلند
جهان پیش خورد جوانیت باد
به کام تو بادا سپهر بلند
همیشه به دولت ترا یار باد
40 ترا شمع دولت فروزنده باد
به کام تو بادا زمین و زمان
چو تو شاه بادا همیشه بجای
که شاه نیکوکار باهش تویی
تویی شاه ما و تویی ماه ما
45 که دولت به تو شاه پاینده باد
تو بادی به ایران همی شهریار
هزار آفرین از جهان آفرین
رستم چو بشنید شاه این چنین
که ای سرفراز جهان و گوان
50 تویی از نیاکان ما یادگار

که دارند چون تویکی پهلوان
که چون تو پرستد همی تخت من
بر از آفرین شد سراسر زمین
ز کار تو شادان دل و بی غم
همیشه بزی شاد و روشن روان
به شه گفت کای شاه با آفرین
همایی همه سایه پرست
تو بایسته بر چنین خوش خوبی
دلت باد شادان مبادت غمی
ندیدیم چون تو شهنشاه را
ز خلق جهان هم تو خوش خوتری
ترا چاکر و نیز بنده بدی
سزاوار هستی تو بر تاج و تخت
همه بوم ایرانست آباد باد
به دولت ترا باد شاه گزین
به پیروزی اقبال آراسته
ستاره چراغ تو افروختست
بود این از روزگار درشت
به فتحی دگر باش پیروزمند
فرزون از همه زندگانیت باد
ز چشم بدانست مبادا گزند
شب و روزت ایزد نگهدار باد
دل دشمنان تو سوزنده باد
به فرمانت بادا همین و همان
بدین فر و دولت، بدین هوش و رای
همان یادگار سیاوش تویی
نیکوکار هستی، نیکوخواه ما
رخت همچو خورشید تابنده باد
به کام تو بادا همه روزگار
به جان تو بادا از جان آفرین
همی کرد بر پهلوان آفرین
همیشه بزی شاد و روشن روان
همیشه بهر کار بر پشت و یار

<p>که ناهار بودی همانا به راه^۱ به پرسش گرفت از کران تا کران ز کُستی^۳ و از^۴ تاب داده کمند ز مادر نژاید چو رستم سوار^۵ ز چنگ درازش نیابد رها بویژه برین^۸ شیردل نامدار که گفتی از^۹ ایوان^{۱۰} برآورد سر تو بیداری و باش^{۱۲} روشن روان نگه دارد این^{۱۳} گردش روزگار همه زندگانیش در^{۱۴} سور باد! ازو شادمان تاج و تحت نشست^{۱۶} بگفتند بر پهلوانی سرود همی بود با جام در پیشگاه^{۲۰} که ای پُرهنر نامور تاجدار، ولیکن مرا چهر زال آرزوست</p>	<p>نهادند خوان و بخندید شاه به خوان^۲ بر می آورد و رامشگران ز افراسیاب و ز پولادوند بدو^۵ گفت گودرز کای شهریار اگر دیو پیش آید ار^۷ آژدها هزار آفرین باد بر شهریار چنان شاد شد زآن سَخُن تاجور چنین داد پاسخ که ای^{۱۱} پهلوان کسی که ش خرد باشد آموزگار ازین پهلوان چشم بد دور باد! همی^{۱۵} بود یک هفته با می به دست سَخُن های رستم به نای و به رود تهمن^{۱۷} به یک ماه^{۱۸} نزدیک شاه^{۱۹} و زآن^{۲۱} پس چنین گفت با شهریار جهاندار با^{۲۲} دانش و نیک خوست</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- (نیز لغت دری، ص ۸۹؛ معجم شاهنامه، ص ۳۰؛ لغت شهنامه، شماره ۲۴۹۵) ۲- س: خان ۳- ل- س: (نیز لن، ق ۲- لن، ب): کشتی؛ متن = ف ۴- ل، ق، ل، س: ۲: وز؛ متن = ف، س ۵- ق: چنین ۶- ف: همه آفرین بر چنین نامدار (۲۸۶۰ ب)؛ (ق: بویژه برین شیردل نامدار = ۲۸۶۰ ب): متن = ل- س: (نیز لن، ل- ب) ۷- س، ق، س: (نیز لن، ب، لن، ب): دیو و شیر آید ار؛ ل: (نیز و): دیو آید و گره؛ متن = ل (نیز ل، آ): ف (نیز ق ۲): بیت های ۲۸۵۹ و ۲۸۶۰ را ندارند (ق ۲۸۵۸ ب، ۲۸۵۹، ۲۸۶۰ را انداخته و از ۲۸۵۸ آ و ۲۸۶۰ ب یک بیت ساخته است) ۸- س: بدین؛ ل پس از این بیت افزوده است:

<p>ز کشتی و نیرنگ و ز رنگ و بسند همان جنگ و پیکار کین جستش برآمد ز گردان دیوان خروش برآمد بناگاه زویک غریو همی بند جانش ز رستم بگفت</p>	<p>بگفت آنچه کرد او به پولادوند ز افکندن دیو و ز کشتش چو افتاد بر خاک زور رفت هوش چو آمد به هوش آن سرافراز دیو هم آنکه درآمد به اسب و بر رفت</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

بنداری: و شرع فی الحدیث مع رستم بسایله عمالاقاه من العدو و عما کابده من بولاذ الجنی فی مقاتلته و مصارعته، و سایر ما قاساه و عازاه. فاعترض جودرز فی الحدیث فطفق یصف رستم و حسن بلائه و کمال غذائه و ما تحمله من أعباء تلك الوقائع ۹- ل، س، ل، س: ۲: ز؛ متن = ف، ق ۱۰- س، ل، س: ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): کیوان؛ (لن، ب، لن، آ: ایران): متن = ف، ل، ق ۱۱- س (نیز ب): این ۱۲- ل، ق (نیز ق، و)، (و) توی پیر و (ق: شیر) بیدار و؛ س (نیز ب): قوی بیاد و بیدار و؛ ل: (نیز ل، ل، آ): جهانگیر (آ: جهاندار) و بیدار و؛ س: (نیز لن، ب، لن، آ): قوی باش و بیدار و؛ متن = ف ۱۳- ل، ق (نیز ل، ل، ب، آ): داردش؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، و، ب) ۱۴- س: روزگاران او ۱۵- ق: چنین ۱۶- ل: تحت و نشست؛ س: ابا پهلوانان خسرو پرست؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۷- س، س: چو ۱۸- ق، س: هفته ۱۹- س: در پیشگاه ۲۰- س: نزدیک شاه؛ س در اینجا سرنویس دارد: بازگشتن رستم از نزد کیخسرو و رفتن بزابلستان ۲۱- ل، س: از آن ۲۲- ق: بر

- ۲۸۷۰ در گنج بگشاد شاه جهان
 ز یاقوت و از تاج و انگشتری
 پرستار با افسر و گوشوار
 طبق های زرین پُر از مُشک و عود
 برو بافته گوهر شاهوار
 بنزد تهمتن فرستاد شاه
 چو خسرو غمی^{۱۱} شد ز راه دراز
 وُرا کرد پدرود و زایران برفت
 سراسر جهان گشت بر شاه راست
- ۲۸۷۵
 ز پُرمایه چیزی که بودش^۱ نهان،
 ز دینار^۳ و از جامه ی بربری^۴،
 صد اسپ و صد استر به زین و به بار^۵،
 دو^۶ نعلین زرین و جُفتی^۹ عَمود،
 چنان چون بود درخور شهریار^{۱۰}،
 دو منزل همی رفت با او به راه
 فرود آمد و برد رستم نماز^{۱۲}
 سُوی زاولستان^{۱۳} خرامید^{۱۴} تفت
 همی رفت^{۱۵} گیتی بر آنسان^{۱۶} که خواست
- سر آوردم این رزم^{۱۷} کاموس^{۱۸} نیز
 گر از داستان یک سَخُن کم بُدی
 دلم شادمان شد^{۲۱} ز پولادوند
- ۲۸۸۰
 درازست و نگشاد^{۱۹} ازو^{۲۰} یک پیشیز
 روان مرا جای ماتم بُدی
 که بفزود^{۲۲} بر بند پولاد بند

۱-ق: بُد در ۲-ف، ل، ق، ل: ۲: وز؛ متن = س، س، ۳-ل، ۲: س: ۲: دیا ۴-ل (نیزق، و): ششتری؛ س: برتری؛ (لن، لن: لؤلؤ بربری؛ پ: لؤلؤ برتری)؛ متن = ف، س، ق، ل: ۲ (نیزلی، ل، آ، ب) ۵-س: ۲: با اسب و با ۶-ف: چنان چون بود درخور شهریار (= ۲۸۷۴ب)؛ ل، ل: ۲ (نیزلی، ل، آ): همان (ل: همه؛ ل: هم از) جعدمویان جادوسوار (ل: سیمین عذار؛ ل: خلیخ سوار)؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ب: لن، پ: اشتر)؛ ق این بیت را ندارد ۷-ل: ۲: همه ۸-ل: چو؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲: س (نیز لن-ب) ۹-ل، ق: زرین؛ متن = ف، س، ل، ۲: س (نیز لن-ب) ۱۰-ق این بیت را ندارد ۱۱-ف: غمین؛ متن = ل-س ۱۲-س، س: فرود آمد از اسب و بردش نماز؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۳-ل، س، ق، س (نیزق، لی، ل، پ، لن، آ، ب، بنداری): زابلستان؛ متن = ف، ل (نیز لن، و) ۱۴-ل، س: خرامید و ۱۵-ل، س، ق، س (نیز لن، لی، ل، پ، لن، آ، ب): گشت؛ ل (نیز و): خورد؛ (ق: راند)؛ متن = ف ۱۶-ق: بدانسان ۱۷-ف: نام (ح نامه؟)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۸-س: پولاد ۱۹-ل: کم نیست؛ ل: بگشاد؛ (لن، ق، آ، ب، لن: نفتاد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۲۰-ل، ل: زو؛ بنداری: وهذا منتهی القصة المنسوبة الى کاموس الکشانی ۲۱-ق: هم؛ ل: بُد ۲۲-ل: (لن: نفزود)

داستان رستم و آکوان دیو^۱

تو بر^۲ کردگار روان و خرد
 بین^۳ ای خردمند روشن روان
 همه دانش من^۴ به بیچارگیست
 تو خستو شو آنرا که هست و یکیست
 ایا فلسفه دان^۵ بسیارگوی
 ستایش گزین تا چه اندر خورد
 که چون باید او را ستودن توان
 به بیچارگان بر بیاید گریست
 روان و خرد را جزین^۵ راه نیست
 بیوم به راهی که گفتی: میوی^۷

۱- ف: گفتار اندر رزم رستم با آکوان دیو و ستایش ایزد سبحانه و تعالی و نمودن اثبات صانع؛ ل: داستان آکوان دیو با رستم؛ س، ق: داستان رستم زال با آکوان دیو؛ ل: گفتار در داستان رستم با آکوان دیو؛ س: داستان آکوان دیو؛ بنداری: ذکر قصه رستم مع آکوان الجتنی ۲- ل: با ۳- ق: تونیز ۴- س، س: (نیز لن- ب): ما؛ متن = ف، ل، ق، ل ۵- ل: برین؛ س: جز آن؛ متن = ف، ل، س، ق ۶- ل: فیلسوفان ۷- ف، ل، ل: نیوم (درل حرف یکم نقطه ندارد) براهی که گویی (ف: گفتی) میوی؛ س، س: (نیز آ، ب): براهی نیوم (آ: بیوم) که گویی میوی (آ، ب: بیوی)؛ ق: براهی که هرگز نرفتی میوی؛ (لن، ق، ل، و، لن: نیوم (لن: بیوم) که گویی بیوی (ل، و: میوی))؛ متن = ف با تصحیح نیوم به بیوم؛ ف پس از این بیت افزوده است:

هنر پرور و زیرک و کاردان	کجا فیلسوفیست بسیار دان
سخن راند از هستی کردگار	چو بر اسب گفتار گردد سوار
مرا نیز ناچار قانع کند	به گفتار اثبات صانع کند

این بیت ها در هیچیک از چهارده دستنویس دیگر نیست

سَخُنُ هر چه با هست^۱ توحید نیست
 ترا هر چه^۳ بر چشم برنگذرد^۴
 تو گر سخته^۵ یی^۶ راه سنجیده گوی^۷
 به یک دم زدن رستی^۸ از جان و تن
 همی بگذرد بر تو ایام^۹ تو
 نخست از جهان آفرین یاد کن
 کز ویست گردون گردان به پای
 جهان پرشگفتست چون بنگری
 که جان شگفتست و^{۱۰} تن هم^{۱۱} شگفت

۱۰

به ناگفتن و گفتن او^۲ یکیست
 نگنجد همی در^۳ دلت با^۴ خرد
 نیاید به بُن هرگز این گفت و گوی^۵
 همی بس بزرگ آیدت خویشتن
 سرایی جزین باشد^۶ آرام تو
 پرستش^۷ برین^۸ یاد^۹ کن
 همویست بر نیک و بد رهنمای^{۱۰}
 ندارد کسی آلت داوری^{۱۱}
 نخست از خود^{۱۲} اندازه باید گرفت

۱- (لن، پ، لن؛ بایست)؛ ف: سخن در جهان هر چه؛ ل: سخن هرچ از باب؛ ل: سخن هر چنان (→ چه آن) هست و؛ متن = س، س، س (نیز ب) ۲- س: او را؛ ق این بیت را ندارد؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- ل: هرچ ۴- ل: چشم سر نگذرد؛ ق: چشم و سر نگذرد؛ ل: چشم تو نگذرد؛ متن = ف، س، س، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۵- س، ق: بر ۶- ق: جز ۷- (ل، ل، ل؛ شحنه) ۸- ل: شو سخن سخته گو؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن - ب) ۹- ل: گفت گو؛ ق: گفتگوی؛ س: نیایدت هرگز خود این گفت و گوی؛ متن = ف، ل، س، س ۱۰- ل: بیکدم برستی تو؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز روی خرد با خود اندیشه کن
 ببین کنز کجا آمدستی پدید
 نه از گنده آبی بدت مآده بود
 جهان بی تو بسیار بند دی و دوش
 نه فردا همان بی تو خواهد بدن
 چگونه دیک بودی نه فردا بوی
 چه سازی چه افزای این شهر و کاخ

۵

دمی بی کثری راستی پیشه کن
 نهاد ترا دهر چون پرورید
 گذرگاه بوی ترا جاده بود
 ز گیتی مگر بر نیامد خروش
 بسناکام از تو بخواهد شدن
 بیک روزه عمر این همه خسروی
 به نیکی بزی در جهان فراخ

این بیت ها در هیچک از چهارده دستنویس دیگر نیست ۱۱- (ب: این کام → هنگام؟)؛ متن = ف - س (نیز هشت دستنویس دیگر):
 آیا → هنگام؟ ۱۲- س: است ۱۳- ل: ستایش ۱۴- ق: ازین ۱۵- س: کار ۱۶- ف پس از این بیت افزوده است:

نگارنده گنبد نیلگون
 پدید آورنده ز ناچیز چیز
 ازو گشته پیدا مکان و زمان
 جهان پرشگفتست و این هم شگفت

۵

فزاینده دانش رهنمون
 همسان چیز را کرده ناچیز چیز
 وزو گشته پیدا یقین و گمان
 نخست از خود اندازه باید گرفت (= ۱۴)
 عجب از گرفت و گشاد تو است

جز بیت چهارم هیچیک از این بیت ها در چهارده دستنویس دیگر نیست ۱۷- س این بیت را ندارد؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۸- ف: جهان پرشگفتست و؛ (ق، و: روان پرشگفتست و؛ پ: که هم جان شگفتست و)؛ متن = ل - س (نیز لن، ل، ل، ل، ل، ل، آ، ب) ۱۹- ف، ق، س: این هم؛ (لن: هم زو؛ پ، لن: هم تن)؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۰- ق: تو؛ س: ز جان و تن؛ در ف این بیت بالا تر آمده است

۱۵ وُ دیگر که بر سرت^۱ گردان سپهر
همی نو نمایندت هر روز^۲ چهر
نباشی بدین^۳ گفته همدستان
که دهقان همی گوید از باستان
خردمند کین داستان بشنود
به دانش گراید، بدین^۴ نگرود
ولیکن چو معنیش یاد آوری
شوی^۵ رام و کوته شود^۶ داوری

آغاز داستان

۲۰ تو بشنو ز^۷ گفتار دهقان پیر
سَخُن گوی دهقان چُنین کرد یاد
بیاراست گلشن بسان بهار
چو گودرز و چون رستم و^۹ گُستَهه
چو گیو و چو زُهّام^{۱۱} کارآزمای
چُن^{۱۳} از روزیک ساعت اندرگذشت
که گوری پدید آمد اندر گگه
۲۵ یکی نرّه شیرست^{۱۶} گویی دژم
همان رنگ خورشید دارد درست
یکی برکشیده خط از یال اوی^{۲۰}
گر ایدونک باشد^۸ سَخُن دلپذیر
که یک روز کیخسرو از بامداد،
بزرگان نشستند با شهریار
چو برزین و کرشاسپ^{۱۰} از تخم جم
چو گرگین و خَرّاد فرخنده رای^{۱۲}
بیامد به درگاه چوبان^{۱۴} ز دشت،
چو دیوی^{۱۵} که از بند گردد یتله
همی بنگند^{۱۷} یال اسپان ز هم
سپهرش به زرآب^{۱۸} گویی^{۱۹} بشست
ز مُشک سیه تا به دنبال اوی^{۲۰}

۱- ل: دگر آنک این گرد: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب) ۲- ف: هر روز ۳- ل: برین: بنداری بیت های ۱-۱۷ را ندارد ۴- ل: همی ۵- ل، ق، ل، آ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، آ): شود؛ (لن: شوم)؛ متن = ف، س، س (نیزل، آ، و، ب) ۶- ل، ق (نیزق، آ، لی، آ): کند؛ (ل، آ، و: کنی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بنداری: قال صاحب الکتب: اسمع هذه القصة وإن كنت لا تصدق نافعها ولا تتلقى بالقبول قائلها، ولكن ينبغي للعاقل أن يغوص بنظر الفکر في معانيها ولا يسفه رأي راویها و حاکمها ۷- ق: چوبشنید ۸- س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب): اگر چه نباشد: متن = ف، ل ۹- ل: گیو و چون ۱۰- ق (نیزلن): کرشاسف: س (نیزو، لن، آ): گشتاسب؛ (ل: لهراسب)؛ ل، ق (نیزق، آ، لی): برزین کرشاسب؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزب، آ، ب) ۱۱- ف (نیزو): بهرام: ل: چوبهرام و چون طوس: متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۲- ق: و چون بیژن پاک رای: در ل آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف، ق، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

ف: چوشیدوش و چون طوس لشکر پناه
ق: همی خورد می را بیاد سران
ل: یلان پیش شاه اندرون شاد کام
چو فرهاد و چون بیژن رزمخواه
بدان کرده و کار کننداوران
به یاد شهنشاه خوردند جام

بنداری: مثل رستم و طوس و جودرز و جیو و غیرهم ۱۳- ل، س (نیزلن - ب): چو: متن = ف ۱۴- بنداری: الجوانبیه: ل، آ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت چوبان که ای شهریار
جهان را نیامد چو توتاجدار

۱۵- ل، ل، آ (نیزق، آ): شیری: متن = ف، س، ق، س (نیزلن، لی، ل، پ، و، آ، ب) ۱۶- س: گورست ۱۷- س، س، آ: بگسلند: در ل، ل این بیت پس از بیت ۲۹ آمده است ۱۸- س، زردآب ۱۹- س: گفتی ۲۰- ف، ل، س، ل، آ، س، آ: او: متن =

سمندی ^۱ بلندست ^۲ گویی به جای	به گردی سرون ^۳ و به دست و به پای ^۴
بدانست خسرو که آن نیست گور	که برنگذرد گور از ^۵ اسپی به زور
به رستم چنین گفت کین ^۶ رنج نیز	به پیگار بر خویشتن سنج نیز
برو خویشتن را نگهدار ازوی	مگر باشد آهرمن ^۷ کینه جوی
چنین گفت رستم که با بخت تو	نترسد پرستنده‌ی تخت تو
ز ^۸ دیو و ز ^۹ شیر و ز ^{۱۰} نراژدها	ز شمشیر تیزم نیابد رها
برون شد به نخچیر چون نره شیر	کمندی به دست، آژدهایی به زیر

۱- ق، ل، س؛ ۲- سمند؛ ۳- ف: بگردن ستون؛ س: بیال و سرین؛ (ل، آ: بگردن سرون؛ و: بیال و سرون)؛ متن = ق، ل، س؛ ۴- س (نیز ل، ق، ل، ب، ل، ن، ب)؛ ۵- ل: ورا چار گرزست آن دست و پای؛ در ل، ل این بیت پس از بیت ۲۶ آمده است؛ بنداری (۲۵-۲۹): وشکا أنه قد ظهر فی مراعی الخیل یعفور كأنه أسد هصور، ذهبی اللون كأنه خلق من نور الشهاب أو لطح بالعسجد المذاب، تمتد سائلا من كاهله الى منقطع ذنبه خط أسود كالمسك السحيق، ململم الكفل كالخصان الأشكال؛ ۵- ل، ق: ز؛ ل (نیز ق، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (در ونیز سه بیت نخستین هست):

و دیگر که خسرو جهان دیده بود	ز کارا گهان نیز بشنیده بود
که آن چشمه بُد که اکوان دیو	جهان گشت ازو پرغم و پرغریو
به چوبان چنین گفت کان گور نیست	بدانستم اکنون تو ایدر مه ایست
وزان پس به گردان چنین گفت شاه	که ای نامداران با فر و جاه
گوی باید اکنون چو شیر ژریان	که بندد ز گردان برین بر میان
نگه کرد خسرو به گردان بسی	نیامد ز گردان پسندش کسی
نشایست جز رستم زال کس	که باشد بران کار فریادرس
یکی نامه بنوشت پرمهر و داد	ز گردان به گرگین میلاد داد
بدو گفت خسرو به فرخنده فال	بیر نامه من بر پرور زال
شب و روز بایدت رفتن چو دود	به زاولستان در نیاید غنود
درودش ده از من فراوان به مهر	بگوش که بی تو مبادا سپهر
چو بر خواند این نامه من بگویی	که بخت من از نست با رنگ و بوی
یکی روی بنمای و خیز ایدر آئی	چون نامه بخوانی به زاول میای
چو گرگین به فرمان به زاول رسید	بیامد سپهبد یلان را بدید
همین چو بشنید فرمان شاه	گرازان بیامد بران بارگاه
بسوسید خاک و سر تخت اوی	همی آفرین خواند بر بخت اوی
بدو گفت شاه مرا خواستی	بگوت ارهسی را چه آراستی
میان بسته ام تا چه فرمان دهی	که جفت تو بادا پی و مپی
به رستم چنین گفت کای پهلوان	انوشه بسدی شاد و روشن روان
مرا روز فرخ به دیدار تست	همان بخت از جان و کردار تست
یکی کار پیش آمد ای پیلتن	ترا خواستم زین بزرگ انجمن
تو فرمان من گرننداری به رنج	ببندی میان از پی نام و گنج
چنین گفت چوبان که گوری یله	پدید آمد اندر میان گنه
چنان چون شنیدم ز چوبان سخن	ترا باز گفتم ز سرتا به بن

۶- ل؛ کنون ای همتن تو این ۷- ف، س، س (نیز ل، ب، ب): اهرمنی؛ (ق، و: اهرمن)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل، ن، ل، آ) ۸- ل، ل، ل، س (نیز ل، و): نه؛ س: چه؛ متن = ف (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال رستم: إن عبید الملک اذا تحصنوا بسعادته لم یفرعوا من جن ولا إنس

و زآن سو گذر داشت گور یله،
همی کرد بر گِرد اسپان شکار
چو باد شمالی^۳ برو برگذشت
به چرم اندرون زشت پتیاره بود^۴
چو تنگ اندرآمد دگر شد به رای
بباید گرفتن^۵ به خم کمند
برینسانش^۶ زنده برم نزد^۷ شاه
چنان^۸ خواست کارد سرش را به بند
شد از چشم او ناگهان^۹ ناپدید
ابا او^{۱۰} کنون چاره باید^{۱۱}، نه زور
ببایستش^{۱۲} ازباد تیغی زدن
شگفت این که^{۱۳} بستاند از گور پوست
دوانیدن خون بر آن زرد^{۱۴} زرد
سپهد برانگیخت آن تندباز
ببنداخت تیری چو آدرگشپ
دگر باره شد گور ازو ناپدید
چوسه روز و سه شب برو برگذشت^{۱۵}،
سر از خواب بر کوهی زین زنان
به پیش آمدش چشمه‌یی چون گلاب

به دشتی کجا داشت چوبان گله
سه روزش همی جست از آن^۱ مرغزار
چهارم بدیدش گرازان^۲ به دشت
درخشنده زرین یکی باره بود
برانگیخت رخس^۳ دلاور ز جای
چنین گفت کین را نباید فگند
نشایدش^۴ کردن به خنجر تباہ
ببنداخت رستم گیانی کمند
چو گور دلاور کمندش بدید
بدانست رستم که آن^۵ نیست گور
جز اکوان^۶ دیو این نشاید بُدن
ز دانا شنیدم که این جای اوست
به شمشیر باید کنون چاره کرد
همانگه پدید آمد از دشت باز
کمان را به زه کرد و از^۷ باد اسپ^۸
چنو آن^۹ کمان کیان^{۱۰} درکشید^{۱۱}
همی تاخت^{۱۲} اسپ اندر آن پهن دشت
به آتش^{۱۳} گرفت آرزو^{۱۴}، هم به نان
چو بگرفتتش از آب روشن شتاب

۱- ل (نیز ق)؛ در؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، پ-ب) ۲- ل؛ ل؛ گریزان ۳- (لی، آ؛ بهاری)؛ متن = ف-س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ شمالی (؟)؛ بنداری؛ فلما رأی رستم عبر علیه مازا فی سرعة الريح ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ل، س، ق، س؛ اسپ؛ متن = ف، ل؛ بنداری؛ فتورا رخس ۶- ق؛ گرفتش ۷- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، ب)؛ نبایدش؛ متن = ف، لی (نیز لی، آ) ۸- ل؛ بدینسانش؛ ق؛ چینش ۹- س، ق؛ برم زنده نزدیک ۱۰- ل، ق؛ همی؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۱- ل؛ در زمان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۱۲- ل؛ این ۱۳- ف؛ که با وی؛ س؛ ابا وی؛ (لی، آ؛ ابا خود؛ و؛ که با او)؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن) ۱۴- س (نیز ب)؛ کنون چاره باید ابا او ۱۵- ف؛ کنون-اکوان ۱۶- س؛ ببایدش؛ س؛ نبایدش ۱۷- س، س، آ (نیز لن، ب)؛ آنک؛ (پ، لن؛ آنکه)؛ ل (نیز ق، آ، لی، آ)؛ که گفتند؛ متن = ف (نیز و)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق، ل؛ بیت های ۴۷ و ۴۸ را ندارند ۱۸- ل (نیز لی، آ)؛ چرم؛ س (نیز لن)؛ روی؛ (ب؛ گور)؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۱۹- ل، ق، ل؛ وز ۲۰- ف؛ دست؛ متن = ل-س (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۲۱- ل، ق (نیز لی، لن، آ)؛ همان کو؛ س؛ چوباز آن؛ ل، آ، س (نیز ب)؛ چو او آن؛ (لن، آ؛ همان کان؛ ق، آ، و؛ همان چون؛ پ؛ همان که)؛ متن = ف ۲۲- ق، س؛ کبی ۲۳- س، س؛ برکشید ۲۴- ل؛ راند ۲۵- س؛ بر آن برگذشت؛ ق؛ برستم سه روز و سه شب درگذشت؛ متن = ف، ل، س، ل؛ آ؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دهان ناسچران و سرش پر ز خواب
رمان گور شد ناپدید اندر آب
۲۶- ق؛ بخوابش ۲۷- ل؛ آرزوی؛ بنداری (۵۲-۵۳)؛ وبقی یرکض خلفه ثلاثة أيام بلیالین فغلبه النوم واحتاج الی الطعام والشراب

۵۵ فرود آمد و رخس را آب داد
 ز زین کیانیش بگشاد تنگ
 چراگاه رخس^۴ آمد و جای خواب
 چو اکوانش از دور^۷ خفته بدید
 زمین گردد ببرید و برداشتش
 غمی گشت رستم^۹ چو بیدار شد
 چو رستم بجنید بر^{۱۱} خویشتن
 یکی آرزو^{۱۳} کن که تا^{۱۴} از هوا
 سوی آبت اندازم ار سوی کوه؟
 چو رستم به گفتار او بنگرید
 ۶۵ گر اندازدم - گفت - بر کوهسار
 به دریا به آید^{۱۷} که اندازدم
 چنین داد پاسخ که دانای چین
 که در آب هر کو برآورد هوش

هم از ماندگی چشم را خواب داد^۱
 به بالین نهاد آن^۲ جنای^۳ خدنگ
 نمدزین بیفگنده بر^۴ پیش آب
 یکی باد شد تا بر او رسید
 ز هامون به گردون برافراشتش^۸
 سر پُرخرد پُر ز پیگار^۱ شد
 چنین^{۱۲} گفت اکوان که ای پیلتن،
 کجات آید افگندن اکنون هوا^{۱۵}؟
 کجا خواهی افتاد دور از گروه؟
 هوا در کف دیو وارونه دید
 تن^{۱۶} و استخوانم نیاید به کار
 کفن سینه‌ی ماهیان سازدم
 یکی داستانی زده‌ست اندرین،
 به مینو نبیند روانش^{۱۸} سروش

۱- ل. س. ق. ل. ل. (نیز ق. ۲، ل. ۲، و. آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

کمندش (ق: کمندی) ببازو (ل: بازوی) و بر بیان

به تنش اندرون (ل: پوشیده و) تنگ بسته میان

ف. س. ۲ (نیز ل. ب. ل. ۲، ب) این بیت را ندارند ۲- ق: نهادش

ل. ۲: جناح؛ (ل. آ: کیانی؛ ب: جناح)؛ متن = ف (نیز ق. ۲، ل. ۳)؛ س. ۲ در اینجا سرنویس دارند، س: انداختن اکوان دیورستم را در دریا؛ س. ۲:

بردن اکوان رستم را در هوا ۴- ق: اسب ۵- ل: برافکند

۶- ل. ۲: در؛ ف پس از بیت ۵۷ افزوده است:

چورستم فروخفت اکوان دیو

ل (نیز ل. ل. ۲، آ) پس از بیت ۵۷ افزوده‌اند:

که ازرنج و زتساختن مانده بود

بدانجایگه خفت و خوابش ربود

۹- ل: غمی شد همتن؛ ق: همانگاه رستم؛ متن = ف. س. ل. ۱،

۷- ق: چو از دور اکوانش ۸- ق: بابر اندر افراشتش

۱۳- ل: آرزوی ۱۴- ق: تات ۱۵- س: اکنون فکندن هوا؛

س. ۱- ل. ۱۰- ل. ۱۰- س: تیمار ۱۱- ل: در ۱۲- ل: بدو

س. ۲: اکنون فکندن بجای؛ ق: اندر فکندن هوا؛ متن = ف. ل. ل. ۲ این بیت را ندارد ۱۶- ل. س: پی؛ متن = ف. ق. ل. ۱، س. ۲ (نیز ل. آ)؛ ل:

پس از این بیت افزوده است:

که بد نام بردار هر انجمن

چنین گفت با خویشتن پیلتن

مگر یار باشد خدای زمان

کزین بد رهایی نیام بجان

۱۷- س (نیز ل. ب): نیاید؛ در س (نیز ل. ل. ۲، ب) بیت ۶۶ پس از بیت ۶۹ آمده است؛ ل. ۲ بیت ۶۶ را ندارد؛ ل. ق (نیز ل. ۲، و) پس از بیت ۶۶

افزوده‌اند (ق. ۱، ل. ۲، و. آ در پس و پیش بیت ۶۶ بیت‌های دیگری هم افزوده‌اند):

بسکوه افکند بد گهر اهرمن

وگر گویم او را (ق: ولیکن چو گویم) بدریا فکن

که فریاد رس بساد کیهان خدیو

همه واژگونه (ق: باژگونه) بود کار دیو

ف. س. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ب. ل. ۲، ب) هیچیک از این بیت‌ها را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فأفکر رستم، وقال فی نفسه: أن طرحنی فی

الجبال والمواقع الوعرة تطایرت أوصالی وتقطعت أعضائی. والماء أسلم. لكن إن قلت له أقدفی فی البحر یخالفنی ولا یرمینی إلا علی الجبال و فی المخاربه

والشعاب. وعلم أنه یعمل بضد ما یختاره فی ذلك. فاحتال علیه ۱۸- ل: روانش نبیند؛ ل. ۲، س. ۲: روانش نبیند مینو

۷۰ به زاری بماند روانش^۱ به جای
 به کوهم برانداز^۲ تا ببر^۳ و شیر
 ز رستم چو بشنید آکوان دیو
 به جایی بخواهم فگندنت - گفت -
 به دریای ژرف اندر انداختش
 همان کز هوا سوی^۴ دریا رسید
 ۷۵ نهنگان که^۵ کردند آهنگ او^۶
 به دست چپ و پای کرد آشنای^۷
 ز^۸ کارش نیامد زمانی درنگ
 اگر ماندی کس^۹ به مردی به پای^{۱۰}
 ولیکن چنین ست گردنده دهر

۸۰ ز دریا به مردی به یکسو کشید
 ستایش گرفت آفریننده را
 برآسود و بگشاد گردی^{۱۱} میان
 کمند و سلیحش^{۱۲} بیفگند^{۱۳} نم
 بدان^{۱۴} چشمه^{۱۵} آمد کجا خفته بود
 ۸۵ نبد رخس رخشان در^{۱۶} آن مرغزار

۱- ق: هم ایدر؛ ل: ل: بزاری هم ایدر بماند؛ س: س: بماند بخواری (س: بزاری) روانش؛ متن = ف ۲- ف، ل: (نیز ق:): نیاید؛ ل: بناید (نقطه ندارد)؛ ق: س (نیز ل: ۳، و آ): نیاید؛ متن = س ۳- (نیز لن، پ، ل: ب): در س (نیز لن، ل: ب): بیت ۶۹ پس از بیت ۶۶ آمده است؛ بنداری بیت های ۶۷-۶۹ را ندارد؛ ل: پس از بیت ۶۹ افزوده است؛
 کنون ما ترا رای اینست خود (!)
 بدو گفت ای دیو درخیم بد
 ۳- ل: ق: بینداز؛ ل: ۲: س: در انداز؛ متن = ف، س ۴- ف، س: (نیز و): گرگ؛ ل: پیل؛ متن = س، ق، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: الیبر ۵- س: ۲: گرد ۶- ل: نمایی؛ س: این بیت را ندارد ۷- ق، ل: از کینه خور؛ متن = ف، ل، س، س: ۸- ل: ۲: روی ۹- ل: جنگ ۱۰- ف (نیز ق:): چو؛ متن = ل- س: (نیز لن، ل: ب) ۱۱- ل، س، ق، س: ۲: او؛ متن = ف، ل ۱۲- ق: بیچاره ۱۳- ق: او شنای ۱۴- ل، ق (نیز لن): به؛ متن = ف، س، ل: ۲: س: (نیز ق: ب) ۱۵- س، ل: ۲ (نیز ب): سنگ؛ متن = ف، ل، ق، س: ۲ (نیز لن- آ) ۱۶- س: کس بماندی ۱۷- ف، س، ق، ل: ۲ (نیز لن- پ، ل: آ): بجای (پساوند ندارد)؛ متن = ل، س: ۲ (نیز و ب) ۱۸- ل: زمانه نبردی؛ س: زمانه نبردی پی او؛ ل: ۲: زمانه پی او نبردی؛ متن = ف، ق ۱۹- ل: باشد ازو؛ ل: ۲ (نیز و): یابند ازو؛ (لی: آ: یابی ازو)؛ متن = ف، س، ق، س: ۲ (نیز لن، ق، ل: ب، ل: ب، ل: ب) ۲۰- ق: رها نیده؛ متن = ف، س، ل: ۲: س: ۲ (نیز ل، ل: ۲، پ، ل: آ، ب) ۲۱- ل: بسند؛ ق (نیز لن، ق، ل: ۲، پ، و لن): بسند از؛ (لی: آ: آنگه)؛ متن = ف، س، ل: ۲: س: ۲ (نیز ب) ۲۲- س: سلاحش ۲۳- ل- س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ب): چو بکند؛ متن = ف (نیز ق: ل) ۲۴- ف، ق: بیوشید (حرف یکم نقطه ندارد و حرف دوم یک نقطه دارد)؛ ل: بیوید (بیوید؟)؛ ل: ۲: خرامید؛ (لی: آ: بنومید!)؛ و: بیامد؛ س: (نیز لن، پ، ل: ب): زره را بیوشید؛ س: ۲: بیوشید رستم چو؛ (ق: ۲: از آن پس بیوشید)؛ متن = (ل) ۲۵- ق: بران ۲۶- س: جای؛ ق: بیشه؛ بنداری: شمشیر سلاحه و عاد الی العین التي کان قد نام عندها ۲۷- ل: بران؛ س، س: ۲: برو؛ ق: کجا؛ متن = ف، ل: ۲ ۲۸- ل: بر

- برآشفت و برداشت^۱ زین و لگام
 پیاده همی رفت جویان شکار
 همه بیشه و آب‌های روان
 گله‌دار^۳ اسپان^۴ افراسیاب
 ۹۰ دمان رخس با^۴ مادیانان^۵ چو دیو
 چو رستم بدیدش گیانی کمند
 بمالیدش از^۷ گرد^۸ و زین برنهاد
 لگامش به سر برزد و برنشست
 گله آن کجا بود^{۱۰} یکسر براند
 ۹۵ گله‌دار چون بانگ اسپان شنید
 سواران که بودند با او^{۱۳} بخواند
 گرفتند هر کس^{۱۴} کمند و کمان
 که یارد بدین^{۱۶} مرغزار آمدن؟
 پس اندر سواران برفتند^{۱۷} گرم
 ۱۰۰ چو رستم شتابندگان^{۱۹} را بدید
 بغرید چون شیر^{۲۰} و برگفت نام
 به شمشیر ازیشان دو بهره بکشت
 گریزان و رستم پس اندر دمان
 چو باد از شگفتی هم اندر شتاب^{۲۴}
 ۱۰۵ ابا باده و رود و گردان بهم
 به دیدار اسپ آمد افراسیاب
 بدان تا کند بر دل اندیشه کم^{۲۵}

۱-س: بگشاد ۲-ل، س (نیز، پ، آ): شام؛ ق (نیز، ل): ناکام و کام؛ ل: جویای نام؛ متن = ف، س (نیز، ل، ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۳-ق: نگهبان ۴-ل: بر ۵-س: بادپایان ۶-ق: و آمد سراو؛ س: و آمد میانش؛ متن = ف، ل، س، ل، آ ۷-ق: بیفشاند ازو ۸-ف: خاک؛ متن = ل-س (نیز، ل-ب) ۹-ق: بدان ۱۰-ل: دید؛ ف: زان کجا بود؛ ل: هر کجا دید؛ ق: هر کجا بود؛ (ل، آ: آنچه‌ان دید)؛ متن = س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱-ل، ق (نیز، ل): شد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ل، ل-ب) ۱۲-ل: در خواب و سردرکشید ۱۳-ف: وی؛ متن = ل-س ۱۴-ل: هریک؛ س: هرسو ۱۵-ف: بدلگام (!) ۱۶-ل: بدان ۱۷-س، ق: گرفتند ۱۸-ف: برو پشت شیران بدرید؛ ل: که بر پشت رستم بدرتند؛ س، س (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): که بر (ل، ن، پ، ل، ن) از شیر جنگی بدرید (ل، ن، پ، ب: بدرتند)؛ متن = ق، ل (نیز، ل، ل، آ، ق: بدرتند) ۱۹-ق: سراسیمگان ۲۰-ق: پیل؛ ل: دیو؛ متن = ف، ل، س، س ۲۱-بنداری: جوبانیة ۲۲-س: چنین ۲۳-ق: فکنده ببازو؛ ل این بیت را ندارد؛ ق (نیز، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکایک برفتند چون بیشان

چو دیدند ازو دستبرد و نشان

۲۴-س: آمد ز آب ۲۵-در ل این بیت پس از بیت ۱۰۶ پ آمده است

به جایی که هر سال چوبان گله
 چو نزدیک آن مرغزاران رسید
 یکایک خروشیدن آمد ز دشت
 ز خاک پی رخش بر سرکشان
 چو چوبان بر شاه توران رسید
 ۱۱۰ که تنها گله برد رستم ز دشت

ز ترکان برآمد^۸ یکی گفت و گوی^۹
 بپوشید باید^{۱۲} یکایک^{۱۳} سلیح^{۱۴}
 چُنین خوار گشتیم و گشته^{۱۶} زبون
 به تنها ز ما میرباید^{۱۷} گله
 ۱۱۵ که تنها به دشت^{۱۰} آمد این^{۱۱} کینه جوی
 که این کار ما برگذشت^{۱۵} از مزیح
 که یک تن سوی ما گر آید به خون،
 نشاید چُنین کار کردن یله

گفتار اندر رفتن افراسیاب از پس رستم^{۱۸}

سپهدار با چار پیل و سپاه
 چو گشتند^{۲۰} نزدیک، رستم کمان
 بریشان ببارید چون ژاله میغ
 پس رستم اندر^{۱۹} گرفتند راه
 ز بازو^{۲۱} برون کرد^{۲۲} و آمد دمان
 چه تیر از کمان و چه پولاد تیغ

۱- ق: بدان ۲- ل: و از؛ ق: و آن؛ متن = ف، س، ل، س، ل، س، ل (نیز ل) پس از این بیت افزوده اند (و در ل پس آن بیت ۱۰۵ آمده است):
 خود و دو هزار از یل نامدار

رسیدند تازان بدان مرغزار

۳- ف، ل، س، ق، س، ل: ز؛ متن = ل ۴- ف: یک یک به؛ س، ق، س، ل (نیز ل، ق، ل، ب، ب): بر یکدگر؛ ل: یک یک برو؛ متن =
 ل ۵- س: جایی؛ س بیت های ۱۰۹-۱۱۱ را ندارد ۶- ل: بدو بازگفت آن شگفتی که دید؛ ق: بگفت آن شگفتی بخسرو که دید؛
 متن = ف، ل، س، ل ۷- ف: درگذشت؛ ل: بازگشت؛ ل: و اندرگذشت؛ متن = ق (نیز ل، ل، ب، ل، ل، آ، ب)؛ س: بیت های ۱۱۱-۱۱۵
 را ندارد ۸- س: برآمد ز ترکان ۹- ل، ل، ل: گفت گوی ۱۰- ل: جنگ ۱۱- ف: این یل؛ متن = ل، س، س، ل (نیز ل-ب؛
 ق: آن)؛ ق بجای این بیت (ولی، آپس از آن) افزوده اند:

چو بشنید افراسیاب این سخن

برو تازه شد اندهان کهن

۱۲- ل، ق (نیز ق): ببايد کشیدن؛ (ل: ببايد بیستن)؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ب، و، ل، ب، ب) ۱۳- ق: سراسر ۱۴- س: سلاح
 (پس او ندارد) ۱۵- ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، آ): کار بر ما گذشت؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۶- ق: زارو؛ ل، ل: زار گشتم و
 خوار و؛ متن = ف، س، ل پس از این بیت افزوده است:

همی بفرکنند نام مردی ز ما به تیغ او برانند ز خون آسیا

۱۷- ل: همی بگذرانند یک تن؛ س، ل (نیز ل-ب، ل، ل، آ، ب): همی ننگ این (س، ب: آن) بگذرد بر؛ ق: همین ننگ کو بگذرانند گله؛ متن =
 ف ۱۸- ف: گفتار اندر رفتن افراسیاب از پس رستم بطلب گله اسب و شکستن رستم او را و کشتن اکوان دیو؛ س: رزم رستم با افراسیاب و
 کشتن اکوان دیورا؛ ل: کشتن رستم اکوان دیورا بگزر؛ متن = آغاز ف ۱۹- س: پس پشت رستم ۲۰- ل: رفتند ۲۱- ل:
 بازوی ۲۲- ل: در آورد؛ س: بیت های ۱۱۷-۱۲۰ را ندارد

۱۲۰ چُن^۱ افکنده شد شست^۲ گرد^۳ دلیر
چهل دیگر از نامداران^۷ بگشت
ازو بستد آن^۹ چار پیل سپید
پس پشتشان رستم گرزدار
همی گرز بارید همچون تگرگ
چو برگشت^{۱۳} برگاشت^{۱۴} پیل و رمه
به^۴ گرز اندرآمد ز^۵ شمشیر شیر^۶
غمی شد سپهدار و^۸ بنمود پشت
شدند آن سپاه^{۱۱} از جهان ناامید
دو فرسنگ برسان ابر بهار^{۱۱}،
همی چاک چاک آمد از خود و ترگ^{۱۲}
بُنه هر چه^{۱۵} آمد به چنگش همه^{۱۶}

۱۲۵ چُن آمد^{۱۷} گرازان^{۱۸} بدان^{۱۹} چشمه باز
دگر باره اکوان بدو بازخورد
برستی ز دریا و چنگ^{۲۲} نهنگ
تهمن چو بشنید گفتار دیو
ز فتراک بگشاد جنگی^{۲۴} کمند
۱۳۰ بیچید بر زین و گرز گران
بزد بر سر دیو چون پیل مست
فرود آمد و^{۲۹} آبگون خنجرش
همی خواند بر کردگار آفرین
دلش جنگجویان ز جنگ دراز^{۲۰}،
نگشتی^{۲۱} - بدو گفت - سیر از نبرد؟
به دشت آمدی باز بیچان به جنگ؟
برآورد چون شیر جنگی غریو^{۲۳}
بیفگند^{۲۵} و آمد میانش به بند
برآهیخت و^{۲۶} چون پُتک آهنگران،
سر و^{۲۷} مغزش از گرز رستم بخت^{۲۸}
برآهیخت و ببرید جنگی سرش
کزو دید^{۳۰} پیروزی روز^{۳۱} کین

تو مر دیو را مردم بد شناس کسی کو ندارد ز یزدان سپاس

۱- ل. س. ف. ل.؛ چو؛ متن = ف ۲- ف. ق. ل.؛ شست؛ متن = ل. س ۳- ل.؛ مرد ۴- ل.؛ ز ۵- ل.؛ به ۶- ل.؛ بگرز
گزان و به شمشیر و تیر؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۲۳ آمده است ۷- ل.؛ ازیشان چهل مرد دیگر؛ ق.؛ چهل مرد دیگر ازیشان؛ متن = ف.
س. ل. ۸- ف.؛ [و] ۹- س.؛ ازیشان ستد ۱۰- س.؛ میهان؛ س.؛ گوان؛ متن = ف. ل. ق. ل. ۱۱- س.؛ بیت های ۱۲۲ و
۱۲۳ را ندارد ۱۲- درل این بیت پس از بیت ۱۱۹ آمده است ۱۳- ق. ل.؛ (نیز ل. ق.؛ ل.؛) برگشت و ۱۴- ل. س.؛ س.؛ (نیز
ب. و ب.) برداشت؛ متن = ف. ق. (نیز ل. ق.؛ ل.؛ ل.؛ آ) ۱۵- ل.؛ هرچ ۱۶- ق.؛ به توران برآمد ز جنگش دمه ۱۷- ل. س.؛
بیامد؛ ق. ل.؛ س.؛ چو آمد؛ متن = ف ۱۸- س.؛ تهمن ۱۹- ل.؛ بران ۲۰- ل. س.؛ (نیز ل. و ب.)؛ جنگ دراز؛ (ل. ب. ل.؛ ل.؛
بجنگ گراز)؛ (ق.؛ گشت جویان براه دراز؛ ل.؛ آ؛ دل از جنگجویان چو چنگ گراز)؛ متن = ف ۲۱- ل.؛ بگشتی ۲۲- در همه
دستویسها حرف یکم با یک نقطه؛ س.؛ این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۲۶-۱۲۷)؛ فظهوره و قال: أما تسام من القتل و القتال؟ أبعده أن خلصت
من التماسيح و شدائد البحر عدت تطلب القتال؟ ۲۳- نیز؛ لغت دری. ص ۲۰۵ ۲۴- ل. س.؛ (نیز ل. آ)؛ بیچان؛ متن = ف (نیز ب)؛
جنگی (?) ۲۵- ل.؛ بینداخت ۲۶- ل. س.؛ (نیز ل. ب)؛ [و]؛ متن = ف ۲۷- ل.؛ [و] ۲۸- ل. ق. (نیز ل. ل.؛ آ)؛ او
گشت پست؛ س.؛ س.؛ (نیز ب)؛ مغز و یالش همه (س.؛ یال ورا) کرد پست؛ ل.؛ مغز او گشت از آن گرز پست؛ (ل. ب. و. ل.؛ مغز و یالش همه
و؛ همه) در (ل. و؛ بر) شکست؛ متن = ف ۲۹- ل.؛ آن؛ س.؛ پس از این بیت افزوده است؛

بزد بر سر دیو چون پیل مست (= ۱۳۱ آ) کمندی بسیار و کماتی بدست

۳۰- ل. (نیز ل. ل. ب. آ)؛ بود؛ (ق.؛ یافت)؛ متن = ف. س. ق. ل.؛ س.؛ (نیز ل. و. ل.؛ ب) ۳۱- ف (نیز ق.؛ ل.؛)؛ پیروزی و روز کین؛
ل. س. (نیز ل. ل. ب)؛ پیروزی و زور کین؛ متن = ق. ل.؛ س.؛ (نیز و. ل.؛ ل.؛)

<p>هر آن کو گذشت^۱ از ره مردمی^۲ ۱۳۵ خورد گر بدین^۳ گفت‌ها نگرود^۴ گو آن پهلوانی بود^۵ زورمند گوان خوان تو^{۱۲} اکوان دیوش^{۱۳} مخوان! چه گویی تو ای خواجه‌ی سالخورده که داند که چندین نشیب و فراز ۱۴۰ تگ^{۱۶} روزگار از درازی که هست</p> <p>ز دیوان شمر^۳ مشمرش ز آدمی^۴ مگر نیک^۵ معنیش می نشنود^۸: به بازو^{۱۱} ستر و^{۱۱} به بالا بلند نه بر پهلوانی بگردد زبان^{۱۴}? چشیده ز گیتی بسی گرم و سرد? به پیش آرد این^{۱۵} روزگار دراز? همی بگذرانند سخن^{۱۷}ها^{۱۷} ز دست</p>	<p>چو ببرید رستم سر دیو^{۱۸} پست به پیش اندرآورد یکسر گله همی رفت رستم ابا^{۲۲} خواسته ز ره چون به شاه آمد این آگهی ۱۴۵ از ایدر میان را بدان کرد بند کنون دیو و پیل آمده‌ستش به چنگ نیابد^{۲۷} گذر شیر بر^{۲۸} نیغ او پذیره شدن را بیاراست شاه</p>
<p>برآن باره‌ی پیل‌پیکر نشست^{۱۹} بُنه هر چه^{۲۰} کردند ترکان^{۲۱} یله و زو شد جهان یکسر آراسته که برگشت رستم بدین^{۲۳} فرهی، کجا^{۲۴} گور گیرد به ختم کمند، به خشکی پلنگ^{۲۵} و به دریا نهنگ^{۲۶}، همان دیو و هم مردم کینه‌جوی^{۲۹}، به سر برنهادند گردان کلاه</p>	<p>چو ببرید رستم سر دیو^{۱۸} پست به پیش اندرآورد یکسر گله همی رفت رستم ابا^{۲۲} خواسته ز ره چون به شاه آمد این آگهی ۱۴۵ از ایدر میان را بدان کرد بند کنون دیو و پیل آمده‌ستش به چنگ نیابد^{۲۷} گذر شیر بر^{۲۸} نیغ او پذیره شدن را بیاراست شاه</p>

۱-ق: بگشت: متن = ف. ل. س. ل. س. ل. س. ل. س. (نیز-لن-ب) ۲-ف: آدمی (پساوند ندارد): متن = ل. س. ل. س. ل. (نیز-لن-ب) ۳-ل: ل: تو دیوش ۴-ل. ل. س. (نیز ق): مشمر از آدمی: ق. ل. (نیز ل. پ. و. لن): مشمرش آدمی: متن = ف. س. ل. (نیز ل. لی. آ. ب) ۵-ل. ل. ل. ل.: برین ۶-س. ق. (نیز لی. آ.): بگرود: متن = ف. ل. ل. ل. س. ل. س. (نیز لن. ق. ل. ب. لن. ب) ۷-ل: آنک ۸-ف: س. ل. (نیز ق. لی. آ. ب): معنی (ل. ق: مغزش) همی (س: بدو: ل: آن) نشنود (ق. لی: بشنود: ق: نشمرد): (و: معنی نیک می نشنود): متن = (لن. ب. لن) ۹-ل: ل: یک پهلوان بد گو ۱۰-ل: بازوی ۱۱-ف. س. ل. ل. س. ل. (نیز لن. ل. پ. و. لن. آ. ب): قوی و: ق: و برزش: (ق: ل: سطر و: لی. آ: چوش و): متن = ل ۱۲-ل. ق. (نیز لن-ب. لن. آ): خوان و: متن = ف. س. ل. س. ل. (نیز و. ب) ۱۳-ل: ل: اورا و اکوان ۱۴-ل: بگردد زبان (حرف یکم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند): ق: بگردد زبان: س (نیز لی. آ): ابر پهلوی چون بگردد زبان (آ: زمان): ل: س (نیز لن. ب. لن. آ. ب): ابر (ل: تو بر) پهلوانی بگردان زبان: (ق: که بر پهلوانی بگردد زبان: ل: چو بر پهلوانی بگردد زمان): متن = ف ۱۵-ف: آن: ل: آورد: متن = ل. س. ق. س. ل. س. ل. ۱۶-ق: یکی ۱۷-ل: ل: پس از این بیت دو بیت و ل. س. ق. (نیز لن-لن) تنها بیت دوم را افزوده اند:

بسا روزگارا که بر کوه و دشت گذشتست و دیگر بخواهد گذشت
که داند کزین گنبد تیزگرد در و (در) سور (سود) چندست و چندی (چندین) نبرد

ف. س. ل. (نیز آ. ب) این بیت‌ها را ندارند: بنداری بیت‌های ۱۳۳-۱۴۱ را ندارد ۱۸-س: چو رستم سر دیو ببرید ۱۹-س. ل. س. ل. س. ل. (نیز ب): تیز و برنشست: متن = ف. ل. ق. (نیز لن-آ) ۲۰-ل: هرچ ۲۱-ف: ل: گردان: متن = ل. س. ق. س. ل. (نیز لن-ب) ۲۲-ل. ق. (نیز لن-آ): با پیل و با: متن = ف. س. ل. س. ل. (نیز ب) ۲۳-ل: بدان: س: ابا ۲۴-ف: س. ل. (نیز لن. ب. لن. آ. ب): که تا: متن = ل. ق. س. ل. (نیز ل. و) ۲۵-س: بخشکیش پیل: متن ← ۲۶-ل: ل. س. ل. (س: به) دریا نهنگ و ز (س: ل: به) هامون پلنگ: متن = ف. ل. ق ۲۷-ل: نیارد ۲۸-ف: (نیز ب): از: متن = ل. س. ل. (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۹-ق. س. ل.: جنگجوی

<p>۱۵۰</p> <p>درفش شهنشاه^۱ با گره‌نای^۲</p> <p>چو رستم درفش سرافراز^۴ شاه^۵</p> <p>فرود آمد و خاک را داد بوس</p> <p>پیاده شدندش ز لشکر سران^۶</p> <p>سر سرکشان^{۱۰} مهتر^{۱۱} تاج‌بخش</p> <p>۱۵۵</p> <p>و زانجا به میدان^{۱۲} شاه آمدند</p> <p>به^{۱۴} ایرانیان بر گله بخش کرد</p> <p>فرستاد پیلان بر پیل شاه</p> <p>به^{۱۹} یک هفته ایوان^{۲۰} بیاراستند</p> <p>به می رستم آن^{۲۲} داستان برگشاد</p> <p>۱۶۰</p> <p>که گوری ندیدم به خونی چُن او</p> <p>چو شمشیر ببرید^{۲۶} بر تنش پوست</p> <p>سرش چون سر پیل^{۲۹} و مویش دراز</p> <p>دو چشمش سپید^{۳۲} و لبانش سیاه</p> <p>بدان زور و آن تن^{۳۴} نباشد هیون</p>	<p>ببردند با زنده‌پیل^۳ و درای</p> <p>نگه کرد کامد پذیره به راه^۶،</p> <p>خروش سپاه آمد و بوق و کوس</p> <p>شهنشاه بر زین بیفشارد^۸ ران^۹</p> <p>بفرمود تا برنشیند به رخس</p> <p>گشاده‌دل^{۱۳} و نیک‌خواه آمدند</p> <p>نشست از در^{۱۵} خویشتن^{۱۶} رخس کرد</p> <p>که بر شیر پیلان^{۱۷} بگیرند^{۱۸} راه</p> <p>می و رود و رامشگران^{۲۱} خواستند</p> <p>و زاکوان همی کرد با شاه^{۲۳} یاد</p> <p>بدان خوب‌رنگی^{۲۴} و آن رنگ‌وبوی^{۲۵}</p> <p>برو^{۲۷} بر بیخشود دشمن نه^{۲۸} دوست</p> <p>دهان^{۳۰} پُر ز دندان‌های گراز^{۳۱}</p> <p>نش را نشایست کردن^{۳۳} نگاه</p> <p>همه دشت ازو شد چو دریای خون</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): سپهدار؛ ق: جهاندار؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل) ۲- ل، س: کَرَئای؛ ق: پاکیزه‌رای ۳- س: زنگ و پیل؛ ق: پیل و زنگ؛ متن = ل، ل، آ، س؛ ف: این بیت را ندارد؛ س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

پذیره شدندش دمام (ق، لی، آ: سراسر؛ ل: یک‌ایک) سپاه

بدان (س: از آن؛ لی، آ: شده) شادمانی جهاندار (ق: چه از مهتران و چه فرخنده) شاه

ف، ل این بیت را ندارند ۴- ل، ق: جهاندار؛ ل: سپهدار؛ متن = ف، س، س، آ ۵- ق: دید ۶- ق: فرود آمد و آفرین گسترید ۷- س: سران سپاه؛ ق: پیاده شده پیش او در سران؛ متن = ف، س، ل ۸- ف، س، ق (نیز لن، ب، لن، آ، ب): بیفشرد؛ متن = ل (نیز ق، لی، ل، و، آ) ۹- س: شهنشه همی رفت مانند ماه؛ ل این بیت را ندارد ۱۰- ق: سروران ۱۱- ل: رستم؛ س: این بیت را ندارد ۱۲- ل (نیز ق، آ، ل، و، ب): ایوان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ): بنداری؛ واجتمعا فی الميدان ۱۳- ل: لب ۱۴- س، ق، س: بر؛ متن = ف، ل، ل ۱۵- ل، ق (نیز ل): نشست تن؛ (ق، آ، لی، و، آ: نشست گه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۱۶- ق: خویش را ۱۷- ل: که با پیل و شیران؛ س: که بر پیل شیران؛ (لن، ب، لن، آ: که با شیر پیلان)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب) ۱۸- ف، ل، س، ل (نیز لن): نگیند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، س (نیز لن، لی، و، آ): نگینند؛ متن = (ق، آ، ب) ۱۹- س: چو ۲۰- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل): ایران (؟)؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): بنداری؛ رثه دخلوا الایوان ۲۱- ف (نیز و): میخوارگان (؟)؛ متن = ل-س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۲- ف، س، س: این؛ متن = ل، ق، ل ۲۳- ل، س، ق، س (نیز لن-ب): برشاه؛ ل: بسیار؛ متن = ف ۲۴- ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): سرفرازی؛ (لن، ب، و، لن، آ: یال و آن کتف)؛ متن ← ۲۵- س (نیز ب): بدان یال و آن کتف و آن روی و موی؛ س: بدان یال و وبال و بدان رنگ و بوی؛ متن = ف، ل، آ ۲۶- ل: خنجر بردید ۲۷- ق: بدو ۲۸- س: چو ۲۹- ق: ببر ۳۰- ل: دهن ۳۱- ل: بازار و پوشیر و برانها گراز ۳۲- ل: کبود؛ (لی، آ: چو خون)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۳- ل: نشایست کردن تنش را ۳۴- ق: زورمندی

- ۱۶۵ سرش چون بکردم^۱ به خنجر جدا
 چو باران ازو خون بُد اندر هوا^۲
- ازو ماند کیخسرو اندر شِگفت
 برآن کو چنان^۳ پهلوان آفرید
 که مردم بود خود بکردار اوی^۴
 همی گفت اگر^۵ کردگار سپهر
 نبودى به گیتی^۶ چنين كهترم ۱۷۰
- دو هفته بران^{۱۰} گونه خوردند^{۱۱} شاد
 سدیگر^{۱۲} تهمتن چنين^{۱۳} کرد رای
 مرا بویه^{۱۴} زال سامست - گفت -
 شوم زود و آیم به درگاه باز
 که کین سیاوش به اسپ^{۱۹} و گله ۱۷۵
- در^{۲۱} گنج بگشاد شاه جهان
 بیاورد پُر در جامی^{۲۳} ز گنج
 غلامان رومی به زرین کمر
 ز گستردنیها ر از^{۲۵} تخت عاج
- ز بگماز^{۱۲} و ز پند^{۱۳} کردند یاد
 که پیروز و شادان شود باز جای
 چنين آرزو را^{۱۷} نشاید نهفت
 بیاید همی کینه را کرد^{۱۸} ساز
 نشاید چنين خوار^{۲۰} کردن یله
- گرانمایه گوهر^{۲۲} که بودش نهان،
 به زر بافته جامه‌ی شاه پنج،
 پرستندگان نیز با طوق^{۲۴} زر،
 ز دیا و دینار^{۲۶} و پیروزه تاج،

۱- ل. س. (نیز ل. ب): کردم از تن؛ متن = ف. ۲- ل. (نیز ل. و): شد اندر هوا؛ (ل. آ: شد آورد گاه)؛ ق: ببارید خون از هوا؛ (ل. ب. ل. ن. آ: ازو خون همی رفت اندر هوا)؛ متن = ف. س. ل. آ. س. (نیز ب) ۳- ق: بدان کوچوتو ۴- ل. ق. ل. این؛ متن = ف. س. ۵- س. آ: بران آفرین کوچنان آفرید ۶- ل. س. او؛ ق: این بیت را ندارد ۷- ل. ق: گر ۸- س. س. آ: بگیتی نبودى ۹- ف. (نیز ل. آ): پیل و شیر؛ ق: نیک (پیل) و دیو؛ س. آ (نیز ل. آ): پیل و دیو؛ متن = ل. س. ل. آ (نیز ل. ق. آ. ب. و. ل. ن. آ. ب) ۱۰- س. بدان؛ ق: از آن؛ س. آ: برین؛ متن = ف. ل. ۱۱- ل. س. ق. (نیز ل. آ. ب): بودند؛ متن = ف. س. آ (نیز ل. ق. آ. ب. و. ل. ن. آ): ل. آ: بدو هفته خوردند از آن گونه ۱۲- ل. آکوان؛ ق. (نیز ل. آ. ب): بیکار؛ متن = ف. س. ل. آ. س. آ (نیز ل. ق. آ. ب. و. ل. ن. آ) ۱۳- ل. س. ل. آ (نیز ل. ق. آ. ب. و. ل. ن. آ): بزم؛ ق. (نیز ل. آ): بزم؛ س. آ (نیز ل. آ. ب): بزم؛ متن = ف. ل. ۱۴- ل. سه دیگر ۱۵- ق. ل. آ: چنان؛ س. آ بیت های ۱۷۲-۱۷۴ را ندارد ۱۶- ل. یوبه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س. یوبه؛ ل. آ (نیز ق. آ): یوبه؛ (ل. آ. و. آ: یوبه)؛ متن = ف. ق. (نیز ل. ل. ب. ل. ن. آ) ۱۷- ل. آرزوی را؛ ل. آ: آرزوها ۱۸- س. همی کرد بر کینه ۱۹- ل. پیل؛ متن = ف. س. ق. ل. آ. س. آ (نیز ل. ب) ۲۰- ف. ق. (نیز ل. آ): کار؛ متن = ل. س. ل. آ. س. آ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ فانا لا نرضی فی الإنتقام له بنهب الخیول والخیم وقتل الخول والحشم من ممالک أفراسیاب؛ ل. پس از بیت ۱۷۵ افزوده است:
 کروی زره را ببزم گلیوی
 زیزردان نخواهم جزین آرزوی

۲۱- ل. ل. آ: سر؛ متن = ف. س. ق. س. آ (نیز ل. ب) ۲۲- ل. ق: چیری؛ متن = ف. س. (نیز ل. ق. آ. ب. و. ل. ن. آ) ۲۳- ل. ده جام گوهر؛ ق. (نیز ل. آ): زرینه جامی؛ (ل. آ: پر کرد جامی)؛ متن = ف. س. (نیز ق. آ. و)؛ ل. س. آ این بیت را ندارند ۲۴- ق: ساز؛ س. آ: تاج؛ متن = ف. ل. س. ل. آ ۲۵- ق. ل. آ: وز ۲۶- ق: زردیای زربفت

۱۸۰ بنزدیک رستم فرستاد شاه
 یک امروز با ما بیایدا بدن
 بود و پیمود چندی^۳ نید
 دو فرسنگ با او^۶ بشد شهریار
 چو با راه رستم هم آواز گشت
 ۱۸۵ جهان پاک پُر مهر او گشت راست
 برین^۹ گونه گرددهمی چرخ پیر
 که این هدیه با خویشان بر به راه
 وُزانیس همی^۲ رای رفتن زدن
 به شبگیر جز^۴ رای رفتن ندید^۵
 به پدرود کردن گرفتش کنار
 سپهدار از آنجایگه^۷ بازگشت
 همی گشت^۸ گیتی برآسان که خواست
 گهی چون کمانست و^{۱۰} گاهی چوتیر

۱- ق: بشادی ۲- ل: ترا؛ س^۲ این بیت را ندارد ۳- ل: خسروه؛ س: پیمود و بنمود خسروه؛ (لن، ب، لن): بودند و خوردند یا هم: لی، آ: بودند و پیمود خسروه؛ ل: بودند و پیمود چندی؛ متن = ل، ق (نیز ق، و) ۴- ل: چون ۵- ل: بدید؛ س: دگر روز رخشنده آمد بدید؛ ف، س^۲ (نیز ب) این بیت را ندارند ۶- ف: وی؛ متن = ل، س، ق، ل: س^۲ این بیت را ندارد ۷- ل: ایران ازوه؛ متن = ف، س، ق، ل: س^۲ (نیز لن-ب) ۸- ل (نیز لی، و، آ): داشت؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ب، لن، ب): ق این بیت را ندارد ۹- ل: بدین ۱۰- ل: [و]؛ ف پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

ز گفتار داننده دهقان پیر

کنون داستان را بود ناگزیر

ل پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

از اکوان سوی کین بیژن شوی

چو این داستان سر بسر بشنوی

س، س^۲، لن، لی، ب، لن، آ، ب پس از بیت ۱۸۶ سه بیت، ل^۲ تنها بیت سوم و ق^۲، و تنها بیت های یکم و دوم را افزوده اند (لی، آ بیت های دیگری هم افزوده اند):

ایا رستم پهلوان پرهیز (س^۲: ایا پهلوان رستم زال زر)

برین کار اکوان سخن شد بسر

کز آن (این) رزم یکسر بیاید گریست

کنون رزم بیژن بگوم که چیست

بسوی گسرازش رفتن بسود

همی (کنون) زین سپس (ازین پس کنون) رزم (جنگ) بیژن بود

ل^۲ پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

که رستم ز تورانش چسبون آورد

وزین پس بگرگین و بیژن شود

ق هیچیک از این بیت ها را ندارد: بنداری: قال صاحب الكتاب: وإذا فرغت من قصة أكوان فاستمع لقصة بیژن بن جیو و ماجری علیه و ما انتهی أمره الیه

داستان بیژن و منیژه^۱

شبی چون شبه روی شسته به قیر
دگرگونه آرایشی کرد^۳ ماه
شده تیره اندر سرای درنگ
ز تاجش سه بهره^۸ شده لاژورد^۹
سپاه شب تیره بر دشت و^{۱۳} راغ
نه بهرام پیدا نه کیوان نه^۲ تیر
بسپج گذر کرد^۳ بر^۴ پیشگاه
میان کرده^۶ باریک و دل کرده تنگ^۷
سپرده^{۱۰} هوا را^{۱۱} به زنگار^{۱۲} گرد
یکی^{۱۴} فرش گسترده^{۱۵} از^{۱۶} پرزاغ

۱- ف، ل: گفتار اندر داستان بیژن و منیژه (ف: داستان بیژن گیو و جنگ گراز و خدیعت گرگین با بیژن و چگونگی حال بیژن با منیژه و افراسیاب؛ س: داستان بیژن با منیژه ۲- ل، ق، ل: و؛ متن = ف، س، س: بنداری: لا یری فیه بهرام ولا کیوان ولا عطارده: ف پس از این بیت افزوده است:

شبی همچو روز آسمان سیاه
به چاه فلک در چو خورشید و ماه
ز سعدان فلک یاره وانگشتری
هم از مه ربوده هم از دشتری

۳- س: کرده ۴- ل: از ۵- ل: شب ۶- ف: کوه (→ کرده) ۷- ل: سنگ ۸- ق (نیزق): دو بهره: ل: ز تاج سپهری؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، لی، پ-ب) ۹- ف، ق، ل، س: (نیزلن-پ، لن، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، س (نیز و) ۱۰- (لی، آ: سترده) ۱۱- ق (نیزق): هوا را سپرده (ق: بشسته) ۱۲- ل، ق، ل: (نیزق، آ، ب): زنگار و؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ) ۱۳- ل: [و] ۱۴- س: همی ۱۵- س، س: (نیزلن، ق، آ، ب، پ، لن، آ، ب): خلعت افکند (ب: افکنده)؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیزلی، و، آ) ۱۶- ل: چون

چو پولاد زنگار خورده سپهر
 نموده^۳ ز هر^۴ سو به چهر^۵ آهرمن
 هر آنکه که برزد یکی باد سرد
 چنان کرد^۶ باغ و لب جویبار^۷
 فرومانده^۹ گردون گردان به جای
 سپهر^{۱۱} اندر آن چادر قیرگون
 جهان را دل از^{۱۳} خویشان پُهراس
 نه آوای مرغ^{۱۴} و نه هُرّای دد
 بُد هیچ پیدا نشیب از^{۱۵} فراز
 بدان^{۱۷} تنگی اندر بجمتم ز جای
 خروشیدم و خواستم زو چراغ

تو گفתי به قیراندر اندود چهر^۲
 چو مار سیه باز کرده دهن
 چو زنگی برانگیخت ز انگشت گرد^۶
 کجا موج خیزد ز دریای قار
 شده سست خورشید را دست و پای^{۱۰}
 تو گفתי شده سستی به خواب^{۱۲} اندرون
 جرس برکشیده نگهبان پاس
 زمانه زبان بسته از نیک و بد
 دلم تنگ شد زان درنگ دراز^{۱۶}
 یکی مهربان بودم اندر سرای
 بیاورد شمع و بیامد به باغ^{۱۸}

۱- ف: ژنگار ۲- ل: براندود از قیر چهر؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- س، س: ۲ (نیز ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): نمودم؛ متن = ف، ل، ل (نیز ل، ل، آ) ۴- ل: آ: بهر ۵- ل، س، س: ۲ (نیز ل، ب): بچشم؛ متن = ف، ل، آ؛ ق: زهر سو نموده بدشت؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۶- در س^۲ لت های این بیت پس و پیش شده است؛ لغت فرس، ص ۱۲؛ لغت دری، ص ۴۷ ۷- ل، س، ق، س: ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): گشت؛ ل: آ: کرده؛ (ل، و: بود)؛ متن = ف (نیز ق، آ) ۸- ق: از درخت نار (!) ۹- ل، ل، ق: فروماند ۱۰- ق: تو گفתי که خورشید شد سست پای؛ بیت های ۱۰-۱۲ در برخی از دستنویس ها درهم ریخته اند، ف: ۱۱، ۱۲، ۱۰؛ ق، ل، آ: ۱۱، ۱۰، ۱۲؛ پیایی بیت های متن = ل، س، ل، آ، س: ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- س: زمین ۱۲- ق: بخون ۱۳- ف: زمین را دل از؛ ل: جهان از دل؛ متن = س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ب) ۱۴- ف (نیز ل، آ): مردم؛ متن = ل - ل - س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- ل: و ۱۶- ل، ق: شب دیر یاز؛ ل: زمان دراز؛ متن = ف، س، س: ۲ (نیز ل، ب) ۱۷- ق: بدل؛ س: آ: از آن ۱۸- ل: برفت آن بت مهربانم ز باغ؛ ق: بگفتا که از شمع و شعرت نباید فراغ (وزن ندارد)؛ ل: آ: بیامد بت مهربان سوی باغ؛ متن = ف، س، س: ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): بیت های ۱۶-۲۳ در دستنویس ها سخت درهم ریخته اند و بیشتر دستنویس ها شمار بزرگی بست های افزوده دارند و ما در تصحیح این بخش از ضبط س، ل، ل بیروی کردیم؛ ق پس از بیت ۱۶ افزوده است:

بگفتم نیاید همی خواب من
 چنین گفت بر خیز و دلشاد کن
 بماندیشه از داد فریادخواه
 سرانجام ما را همی بشکرد

ق پس از بیت های بالا و ف، ل، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، ن، آ) پس از بیت ۱۶ یا بیت ۱۸ افزوده اند:

بدو گفتم ای بست (ف: مه) نیم مرد خواب

بیاور یکی شمع (ل، ق، ل، و، آ: یکی شمع پیش آر) چون آفتاب

بنه پیشم (ف: بپیشم نه) و بزم را ساز کن

به چنگ آر چنگ و می آغاز کن

س، س: ۲ (نیز ل، آ، ب) این بیت ها را ندارند؛ ل، ق، ل (نیز ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، ن، آ) پس از بیت های بالا یک بیت دیگر هم افزوده اند:

برفت آن بت مهربانم ز باغ (ل: بیاورد شمع و بیامد بی باغ)

بیاورد (ل: برافروخت) رخشنده شمع و چراغ

ف، س، س: ۲ (نیز ل، آ، ب) این بیت را ندارند

می آورد و^۱ نار و تزیج^۲ و بهی
 مرا گفت شمعت چه باید همی؟
 بپیمای می^۴ تا یکی داستان
 پُر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ^۶
 ۲۰ بدان سروین گفتیم: ای ماهروی

ز دوده یکی جام شاهنشهی
 شب تیره خوابت نیاید همی؟^۳
 ز دفترت برخوانم^۵ از باستان
 همه از در مرد فرهنگ و سنگ
 مرا امشب این داستان^۷ بازگوی

۱- ل: می سرخ و ۲- ف: نارنج و سیب؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لن-ب)؛ ل پس از بیت ۱۷ افزوده است:

مرا گفت برخیز و دل شاد دار
 نگر تا که دل را نداری تباه
 جهان چون گذاری همی بگذرد
 خردمند مردم چرا غم خورد

ل پس از بیت های بالا و ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، ل، آ) پس از بیت ۱۷ افزوده اند:

گاهی می گسارید و گه چنگ ساخت
 تو گفتی که (ل: ز) هاروت نیرنگ ساخت

س، س (نیز ل، و، ب) این بیت ها را ندارند؛ بنداری (۱۵-۱۷): فصحت بالغلام و قلت: قد طال الظلام، و شرد عن عینی المنام. فقم و أشعل الشمعة و هبئ المجلس و أحضر الشراب و استنطق الجنک و الرباب. فقام و النعاس یرتق فی عینیه، و الترف یمیل بعطفیه. و جاء بشمعة کالذهب علی رأسها تاج من اللهب. ثم جاء برحیق، و رمان کصبر عقیق، و سفر جل کأنه سرر حیب، و أترج کأنه یفوح عن مسک سحیق و عنبر فتیق. فقعده بین یدئ ینقر الجنک و یترنم، و یسقی المدام و یزمرم ۳- ف، ق این بیت را ندارند و در برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۶ یا پایین تر آمده است؛ پیمای بیت های متن = س، س (نیز ل، ب)؛ ف، ق بجای بیت ۱۸ و ل، ل (نیز لن، ق، ل، و، ل، آ) پس از بیت ۱۸ یا پیش از آن افزوده اند:

دلم بر همه کار پیروز کرد
 که تازی شب خوشتر از (ل: ل) شبی چون رخ روز کرد
 ل، ق: که بر من شب تیره نوروز (ق: چون روز) کرد

س، س (نیز ل، ب) این بیت را ندارند؛ ف پس از بیت بالا افزوده است:

من از بهر آن نامه خسروان
 چو آن ماه رخ دلبر نازنوش
 مرا گفت کنز کار بیژن خبر
 شنیدی چه آمد به بیژن ز زن
 5 بدو گفتم ای مایه نیکوی
 مرا بر سرسان از ره راستی
 مرا گفت کاکنون مرا گوش کن

بدم در تفگر خلیده روان
 مرا دید بسته درین کار هوش
 چه داری تو ای خواجه نامور
 ازین قصه ام داستانی بزن
 اگر دانی این نامه خسروی
 چو روی سخن را بیاراستی
 حدیث دگر کس فراموش کن

۴- ق: بگفتا بپیمای (وزن ندارد) ۵- ق: ز دفتر بخوانت؛ ل بیت های ۱۹ و ۲۰ را ندارد ۶- س: رنگ ۷- ل، ل (نیز ل، و، آ): یکی داستان امشب؛ ق: چگونه بدان داستان؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، آ)؛ دوازده تا از دستنویس ها پس از این بیت، بیت هایی افزوده اند:

ف: منیژه کجا بود و بیژن چه کرد
 ل: که دل گیرد از مهر او فر و مهر
 مرا مهربان یار بشنو چه گفت
 بپیمای می تا یکی داستان
 پر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ
 5 بگفتم بیار ای بت خوب چهر
 ز نیک و بد چرخ ناسازگار
 نگر تا نداری دل خویش تنگ
 ندانند کسی راه و سامان او
 س: مگر طبع شوریده بگشاید

چه آمد به رویش ز تیمار و درد
 بدو اندرون خیره ماند سپهر
 از آن پس که با کام گشتم جفت
 بگویمت از گفته باستان (= ۱۹)
 همان از در مرد فرهنگ و سنگ (= ۲۰)
 بخوان داستان و بیارای مهر
 که آرد همرد ز هر گونه کار
 نیایی ازو چند جویی درنگ
 نه پیدا بود درد و درمان او
 شب تیره زانديشه خواب آیدم ←

مرا گفت: گر چون^۱ ز من بشنوی
 همت گوم و هم^۲ پذیرم سپاس
 به شعر^۲ آری^۳ از دفتر پهلوی،
 کنون بشنو ای یار^۴ نیکی شناس:

آغاز داستان^۶

۲۵
 چو کیخسرو آمد به کین خواستن
 ز توران زمین کم شد آن تاج^۹ و گاه
 بیبوست با شاه ایران سپهر
 زمانه چنان شد که بود از نخست
 به جویی که یک روز بگذشت^{۱۳} آب
 چو بهری ز گیتی بدو^{۱۴} گشت راست
 جهان ساز نو^۷ خواست^۸ آراستن
 برآمد به^{۱۰} خورشید بر تخت^{۱۱} شاه
 بر آزادگان بر بگسترد مهر
 به آب وفا روی^{۱۲} خسرو بشت
 نسازد خردمند ازو جای خواب
 که کین سیاوش همی بازخواست،

۱- ف: گرتو؛ ق: چون تو؛ ل: پس آنکه بگفت ار؛ متن = س. س. س^۲ ۲- س: بنظم ۳- ف: آرم (!): متن = ل- س: س: پس از بیت ۲۲ افزوده است:

بدو گفتم ای سرو پیراسته

ز تو گشت طبع من آراسته

ل: پس از بیت ۲۲ افزوده است:

بگویم ترا من یکی داستان
 که چون گوشت از گفتم من یافت برخ
 بگفتم بیار ای مه خوبچهر
 مرا مهربان یار دیگر چه گفتم
 که هر چون ز تو بشنوم در بدر

۴- ل: بگویم بشعر و ۵- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): جفت؛ (ل: مرد)؛ ل: (نیزی، ب، و، آ): ای مهربان یار (ب: جفت): متن = ف، ق، س: ق، ل: (نیزی، ب، و، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بخواند آن بت مهربان داستان
 به (ل: باز) آغاز شعر اندرون گوش دار

بنداری (۱۸ - ۲۳): ثم قال: إن كنت لا تنام فأصع الی حتی أقرأ علیک من الكتاب الفهلوی قصة لتنظمها. و كان یقرأ وأنا أنظم. ولما نظمت الحکایة قلت أری سمعک الی

واستمع شرح قصة خضت منها
 وحديث كالدرا ألفت منه
 فی فنون غریبة الألوان
 بین نظم الباقوت والمرجان

۶- ق: آغاز داستان بیژن ۷- س، س: (نیزی، آ، ب): جهانرا ز نو؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن) ۸- ف (نیز ق، ل، لن): ساخت (؟): متن = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ل: تخت ۱۰- ف: چو؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۱- ل، ل، س: تاج؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن- ب) ۱۲- س: تاج ۱۳- ق: بگذشت یک روز ۱۴- ل، ل، ل: برو؛ س، ق، س: چو گیتی دو بهره (س: سراسر) بر او (ق: بدو): متن = ف

→ ز تو طبع من گردد آراسته

ل: که بیدل ز مهرش شود فرومهر (!)

لن، ق، ل، ب- ب نیز برخی از این بیت ها و بیت های دیگری را دارند: ق، س، ل: هیچک از این بیت ها را ندارند

- ۳۰ به بگمار بنشست یک روزا شاد
 به دیبا^۳ بیاراسته گاه شاه^۴
 یکی جام یاقوت پُر^۷ می به چنگ
 به رامش نشسته بزرگان بهم
 چو گودرز گشواد و فرهاد و گیو^۹
- ۳۵ شه نودران طوس^{۱۰} لشکرشکن
 همه باده‌ی خسروانی به دست
 می اندر قدح چون عقیق^{۱۲} مین
 پریچهرگان پیش خسرو به پای
 همه بزمگه بوی و رنگ و نگار^{۱۶}
- ۴۰ ز^{۱۸} پرده ندر آمد^{۱۹} یکی پرده دار
 که بر در به پایند^{۲۰} ارمانیان^{۲۱}
 همی راه جویند نزدیک شاه
 چو سالار هُشیار بشنید رفت
 بگفت آنچ بشنید^{۲۶} و فرمان گزید
- ۴۵ به گش کرده دست وزمی^{۲۸} رابه روی
 که ای شاه پیروز جاوید زی!
 ز شهری به داد آمده ستم دور
- ز گردان لشکر همی کرد یاد^۲
 نهاده به سربر^۵ ز گوهر^۶ کلاه
 دل و گوش داده به آوای چنگ
 فریبرز کاوس با گُستهم^۸
 چو گرگین میلاد و شاپور نیو^۹
 چو رُهام^{۱۱} و چون بیژن رزم زن
 همه پهلوانان خسروپرست
 به پیش^{۱۳} اندرون دسته‌ی^{۱۴} نسترن
 سر زلفشان بر سمن مُشک‌سای^{۱۵}
 کمر بسته بر^{۱۷} پیش سالار بار
 بنزدیک سالار شد هوشیار
 سر مرز توران و ایرانیان^{۲۲}
 ز راه دراز آمده دادخواه^{۲۳}
 بر گاه^{۲۴} خسرو خرامید^{۲۵} تفت
 به پیش اندرآوردشان^{۲۷} چون سزید
 سپردند^{۲۹} زاری کنان پیش او،
 که خود جاودان زندگی را سزی!
 که ش^{۳۰} ایران ازین سو و زآن سوش^{۳۱} تور

۱- س. ق: یک روز بنشست ۲- ف: به گردان گردنکش آواز داد؛ (ب: ز لشکر همی کرد هر لحظه یاد)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- آ)؛ در لغت دری، ص ۱۱۲ و لغت شهنامه، شماره ۳۱۳ این بیت چنین آمده است:

بگمار از بنشست یک روز شاه
 همیدون بزرگان ایران سپاه

۳- ل: درفشان ۴- س: تاج و گاه ۵- ق: بسر بر نهاده ۶- ل: کیانی؛ (لی، آ: بزرگان)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷- ل، ق، ل: نشسته بگاه اندرون؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز لن، ق، لی، پ- ب) ۸- ف: کردهم؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب) ۹- ق: فرهاد نیو ۱۰- ق: شاپور گیو ۱۱- ف، س، س^۲: به راه (؟)؛ (لن، لی، پ، لن: آ: خداد)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، ب) ۱۲- ف: عقیقین (!) ۱۳- ل: بدست ۱۴- ل (نیز ق): لاله و؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، لی- ب) ۱۵- ق: پرشکن مشک‌سای؛ (لی: برچمن مشک‌سای)؛ ف: تو گفتی بهشتت گرد سرای؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل- ب) ۱۶- ف: حوریان نگار؛ ل: بوی رنگ و بهار؛ (لی: بود بزم و نگار؛ ل: بوی رنگ و نگار؛ آ: بوی بزم و نگار)؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ب) ۱۷- ق: در ۱۸- س، س^۲: به ۱۹- ل- س^۲ (نیز لن- ب) پرده درآمد؛ متن = ف: پرده اندرآمد (ضحاک، بیت ۴۰) ۲۰- ل: بیاند ۲۱- ل: رزمانیان ۲۲- ل، س^۲: ایران و تورانیان ۲۳- ف، ل پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفست خسرو که شوشان درآر
 چو می داد خواهند بر در مدار

۲۴- ل: بنزدیک؛ س^۲: بدرگاه؛ متن = ف، س، ل ۲۵- ل، س^۲: خرامید و؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- ل: بکرد آنچه گفتند ۲۷- س^۲: پیرده درآوردشان ۲۸- ل- س^۲ (نیز لن- ب): زمین؛ متن = ف ۲۹- ل: برفتند؛ س^۲: همی رفت ۳۰- ل، س، ق، ل: که؛ متن ← ۳۱- ق: از آن سوش؛ ل: سوی زان سوی؛ س: از آن سو وزین سوی؛ س^۲: کزین سوی ایران و زان سوی؛ متن = ف

- ۵۰ کجا خان^۱ ارمانش خوانند به نام^۲
 کانوشه^۳ زی ای شاه تا جاودان!
 به هر هفت کشور توی^۴ شهریار
- ۵۵ سر مرز توران در^۵ شهر ماست
 سوی شهر ایران^۶ یکی بیشه بود
 چه مایه بدو اندرون کشت و کار^۷
 چراگاه ما بود و فریاد ما
 گراز آمد^۸ اکنون فزون از شمار
 به دندان چوپیلان^۹، به تن همچو کوه
 هم از چارپای و هم از^{۱۰} کشتمند
 درختان که کشتن^{۱۱} نداریم یاد
 نیاید به دندانشان سنگ سخت
- ۶۰ چو بشنید گفتار فریادخواه
 بریشان بیخسود خسرو به درد^{۱۲}
 کزین^{۱۳} نامداران و گردان من
 شود سوی این^{۱۴} بیشه‌ی خوک خورد،
 ببرد سر این^{۱۵} گرازان به تیغ؟
- ۱ و زارمانيان نزد خسرو پیام
 به هر کشوری دسترس بر بدان!
 ز هر بد تو باشی به هر شهر یار
 و زیشان به ما بر چه مایه بلاست^۲
 که ما را از آن بیشه^۳ اندیشه بود
 درخت بر آور همه میوه‌دار^۴
 ایا^۵ شاه ایران^۶ بده داد ما!
 گرفت آن همه بیشه و جویبار^۷
 و زیشان همه شهر ارمان^۸ ستوه
 ازیشان به ما بر چه مایه گزند
 به دندان به دو نیم^۹ کردند ساد^{۱۰}
 مگرمان به یک لخت^{۱۱} برگشت بخت
- به درد دل اندر بیچید شاه
 به گردان گردنکش آواز کرد^{۱۲}
 که جویدهمی نام بر^{۱۳} انجمن،
 به نام بزرگ و به ننگ و نبرد،
 ندارم^{۱۴} ازو گنج^{۱۵} گوهر دریغ

۱- س: آ؛ خوان ۲- ل، س، س: آ (نیز لن- پ، لن، آ، ب): خوانسند نام؛ ق (نیز و): گویند نام؛ ل: آن ده بدش کل بنام؛ متن =
 ف ۳- ف، س، ق، ل، آ، س: آ (نیز لن، لی- آ): که نوشه؛ ق: انوشه؛ متن = ف (نیز ق) ۴- س، ق، س: آ؛ تویی ۵- ف: تورانیان؛
 س، س: آ (نیز لی، ب): توران زمین؛ ل: سرافراز توران بر؛ متن = ل، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- س، س: آ؛ بیک روی از ایشان ما بر
 بلاست؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ (ل: ازیشان): بنداری؛ این بلدنا علی رأس ممالک توران، و نحن قوه ضعفاء ۷- ف: ارمان؛ متن = ل، س، ق،
 س: آ (نیز لن- ب) ۸- ل (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ): بدان بیشه (= پیشه؟)؛ متن = ف، س، ق، س: آ (نیز ق، آ، ل، ب): ل این بیت را
 ندارد ۹- ل، س، ق (نیز ق، آ، و، ب): کشت زار؛ س: آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): کشته زار؛ متن = ف، ل (نیز لی، آ) ۱۰- ف: فراوان همه
 میوه‌دار؛ ق: برومند و هم میوه‌دار؛ س: آ؛ برآور همیشه بار؛ متن = ل، س، ل (نیز لن- ب): بنداری؛ و کانت لنا غیضة شجاء کثیرة الثمار و
 الزروع ۱۱- ل: آ؛ توای ۱۲- ق: ازین ظلم شاهها ۱۳- ق: [آمد] (وزن ندارد) ۱۴- ل- س: آ (نیز لن، لی، آ، پ، و، آ، ب):
 مرغزار؛ متن = ف (نیز ق، آ، لن) ۱۵- س: پیل و ۱۶- ل، س: آ؛ شده شهر ارمان؛ س: شد ارمانیان را؛ ق: شده خان ارمان؛ ل: شها
 هست بر ما؛ متن = ف ۱۷- ل: چار پایان و هم؛ ق (نیز ق، آ): همان چار پای و همان؛ متن = ف، س، س: آ (نیز لن، لی، ب): ل این بیت
 را ندارد ۱۸- ف: درختان کبشه(؟)؛ ل، ق (نیز ل، و): درختان کشته؛ ل: در آن بوم کشته؛ ق، آ، معجم شاهنامه، ص ۲۸، لغت شاهنامه،
 شماره ۱۳۸۹: درختان که کشته؛ متن = س، س: آ (نیز لی، آ، ب) ۱۹- س: آ؛ نیمه ۲۰- ف، ل، ل (نیز ق، آ، ب): شاد؛ متن = س، ق،
 س: آ (نیز لن)؛ معجم شاهنامه، لغت شاهنامه: بیاغ اندرون جمله گشتند ساد؛ درق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- ل (نیز لن،
 ق، آ، ب): بیکباره؛ س، ق (نیز لی- آ): بیکباره؛ متن = ف، ل، آ، س: آ ۲۲- س: آ؛ داد ۲۳- ل- س: آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): که ای؛
 متن = ف (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۴- ل: زین ۲۵- ل، ل، آ، س: آ؛ آن؛ س: شوند سوی (!)؛ متن = ف، ق ۲۶- ل، س، س: آ؛ سران؛
 متن = ف، ق، ل، آ ۲۷- ل: ندارم ۲۸- ق، ل: گنج و

یکی خوان^۱ زرین بفرمود شاه
 ز هر گونه گوهر برو ریختند^۴
 ده اسپ آوردند زرین لگام
 به دیبای رومی بیاراستند
 چنین گفت پس شهریار زمین
 که خرد به آرم من رنج خویش؟
 کس از انجمن هیچ پاسخ نداد
 نهاد از میان گوان پیش پای
 که خرم بوا مین و مان تو!^{۱۲}
 من آم به فرمان بدین^{۱۳} کار پیش^{۱۴}
 چو بیژن چنین گفت گیو از کران
 نخست آفرین کرد مر^{۱۶} شاه را
 به فرزند گفت: این جوانی چراست؟
 جوان گرچه^{۱۸} دانا بود با گهر^{۱۹}
 بد و نیک هر گونه باید کشید
 به راهی که هرگز نرفتی مپوی
 ۶۵
 ۷۰
 ۷۵
 ۸۰

۱-ق: جام ۲-ل: گنجور بنهاد ۳-ل، س، ق، ل: (نیزلن-لن، ب): در؛ متن = ف، س (نیزآ) ۴-ق: ریخته ۵-ق: برآمیخته؛ ل: پیامیختند ۶-ف: شاه (!) ۷-ل، ل: بسی زه متن = ف، س، ق، س ۸-س: بدان ۹-ق، ل: پهلوانان؛ س: پس از این بیت و س^۲ بجای آن افزوده اند:

بدان نامداران چنین گفت شاه
 که ای نامداران زرین کلاه

۱۰-ل: از آنپس؛ س: پس آنگه ۱۱-ل، س: پس از این بیت افزوده اند:

که جاوید بادی و (س: بمائی تو جاوید) پیروز و شاد

سرت سبزیباد و دلت پرز داد

گرفته بدست اندرون جام می
 شب و روز بریباد کاوس کی

۱۲-ل: که خرم مینو بود جان تو؛ ل: که با داخوره مین و مان تو؛ س: که خرم بزی تا بود جان تو؛ (لن، پ، ل، ب): که جز تو مینباد ایوان تو؛ ل: که خرم همیشه دل و جان تو؛ ل، و: منم گوش داده بفرمان تو؛ متن = ف، س: ق بجای این بیت و ل^۱ پیش از آن افزوده اند:
 که ای شاه بدهم من این کام تو

نجوم بگیتی (ل: بگیتی نجوم) بجز نام تو

۱۳-ل: این ۱۴-ل: بدین کار و فرمان من آم به پیش ۱۵-ل: زیان ۱۶-ف: بر؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۱۷-ق، س: بیازوی؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۸-س، ل، س: را چو؛ ق: ارچه؛ متن = ف، ل ۱۹-ف، س، س: (نیزلن، ق، ب، ل، ب): نامور؛ متن = ل، ق، ل (نیزلی، ل، و، آ) ۲۰-ل: ابا ۲۱-ق: شیرین؛ س: شور و تلخی؛ متن = ف، ل، س، ل ۲۲-ل، س: (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

نباید که گردی بدین روی زرد
 تو گویی سرانشان بزم بگاز
 گل زهر خیره چه بویی همی

بتنها که یارد چنین کار کرد
 یکی بیشه پر خوک گردن فراز
 تو یاره سخن چند (س: سخنها چه) گویی همی

ز گفت پدر پس برآشفت^۱ سخت
چنین گفت کای شاه پیروزگر
تو این گفت‌های^۴ من اندر پذیر^۵
سر خوک را بگسلانم ز تن
[چو بیژن چنین گفت شد شاه شاد
۸۵ بدو^{۱۰} گفت خسرو که ای پُرهنز
کسی را کجا^{۱۲} چون تو کهتر بود
به گرگینِ میلاد گفت آنگهی
تو با او برو تا سرِ آب‌بند

از آنپس^{۱۶} بسیچید بیژن به راه
بیاورد گرگینِ میلاد را
برفت از در شاه با یوز و باز
همی رفت چون پیل^{۱۸} کُفک افکنان^{۱۹}
ز چنگال یوزان همه دشت غُرم
۹۵ همه^{۲۲} گردن گور ختم^{۲۳} کمند
تذروان به چنگالِ باز اندرون^{۲۵}
برینسان^{۲۶} همی راه بگذاشتند

کمر بست و بنهاد بر سر کلاه
هم‌آواز^{۱۷} ره را و فریاد را
به نخچیر کردن به راه دراز
سر گور و آهو ز تن برکنان
دریده^{۲۰} برو دل^{۲۱}، پُر از داغ و گرم
چه بیژن، چه طهمورث^{۲۴} دیوبند
چکان از هوا بر سمن‌برگ خون
همه دشت^{۲۷} را باغ پنداشتند

۱- س: بیژن آشفت ۲- (لی، آ: پیروزبخت)؛ ل: جوان بود و هشیار و پیروزبخت؛ س، س^۲ (نیزب): جوان بود آن مرد هشیاربخت؛ ق: جوانم بگفتا و بیداربخت؛ (لن، لن^۲: جوانمرد بیدار هشیاربخت)؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق^۲، ل^۲، ب، و) ۳- س، س^۲: گمانی بستنی ۴- ل، س^۱ (نیزلن، ق^۲، ل^۲، ب، ل^۲): گفتها از؛ متر ← ۵- (آ: ایدرپذیر)؛ س، ل^۱ (نیزب): گفتها را (ل^۲: گفتنی‌ها) ز من درپذیر؛ متن = ف، ق (نیز لی، و) ۶- ل، ل^۲ (نیزلن، ق^۲، ل^۲، ب، و، لن^۱): جوانم ولیکن (ل^۲: جوانست لیکن) باندیشه پیر؛ ق: اگر چه جوانم باندیشه پیر؛ س^۲: جوانم بهشیار و کردار پیر؛ متن = ف، س (نیزلی، آ: ← رزم یازده رخ، بیت ۱۳۶۱) ۷- در ل لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۸- ق: بدو ۹- ل^۲: پاسخش؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیزلن-ب)؛ ف: این بیت را ندارد ۱۰- ف: چنین؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-ب) ۱۱- ل-س^۲ (نیزق^۲، لی، ل^۲، و، آ، ب): همیشه به پیش بدیها؛ متن = ف (نیزلن، ب، لن^۲) ۱۲- ف: که او؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-ب) ۱۳- ل^۲: پیرو شد ۱۴- ل، س، ق (نیزلن، لی، و، لن^۲، آ): بتوران نداند؛ ل^۲، س^۲ (نیزل^۲، ب، ب): نداند (ل^۲: بدانند) بتوران؛ متن = ف (نیزق^۲): بنداری؛ و امر جرجین بن میلاد آن سیر فی صحبته، بسبب آن بیژن لم یکن قد وطئ تلک الدیار، و هو جاهل بخارمها و طرفها و شعابها ۱۵- ل: [و] ۱۶- ل، س: از آنجا؛ ق، ل^۲، س^۲ (نیزل^۲): و از آنجا؛ (لن، لن^۲: فورانپس)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۷- س: هم آورد؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن بتوران زمین جنگ گزاران ۱۸- س، ق، ل^۲: شیر؛ متن = ف، ل، س^۲ ۱۹- س، ق: کف افکنان؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ ۲۰- س، س^۲: بریده؛ ل^۲: درنده ۲۱- ف: دل و بر؛ ل^۲: دل و دل؛ (ل^۲: برویال) متن = ک، س، ق، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۲- ق: همی ۲۳- ل، ل^۲: زخمه؛ س^۲ (نیزل^۲، ل^۲، آ): و ختم؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، ب) ۲۴- ل^۲ (نیزق^۲-ب): طهمورث؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیزلن) ۲۵- ق: بازان درون ۲۶- ل، ق: بدینسان ۲۷- ق، ل: راه

چو بیژن به بیشه برافکند^۱ چشم
 گرازان گرازان، نه آگاه ازین
 ۱۰۰ به گرگین میلاد گفت: اندرآی
 برو تا بنزدیک آن^۲ آبگیر
 بدانگاه کز^۳ بیشه خیزد خروش
 به بیژن چنین گفت گرگین گو
 تو برداشتی گوهر^۴ و سیم و زر
 ۱۰۵ چو بیژن شنید این سخن خیره شد
 به بیشه درآمد^۵ بکردار شیر
 چو ابر^۶ بهاران^۷ بغرید^۸ سخت
 برفت از پس خوک^۹ چون پیل مست
 بجوشید جوشن بروبر^{۱۰} ز خشم
 که بیژن نهادهست بر بور^{۱۱} زین
 و گرنه ز یکسو^{۱۲} پردازش جای،
 چو من با گراز اندرآیم به تیر،
 تو بردار گرز و به جای آ^{۱۳} هوش
 که پیمان نه این بود با شاه نو^{۱۴}
 تو بستی مرین رزمگه را کمر
 همه چشمش^{۱۵} از روی^{۱۶} او تیره شد
 کمان را به زه کرد گرد^{۱۷} دلیر
 چو باران فرو ریخت^{۱۸} برگ درخت^{۱۹}
 یکی خنجری آب داده به دست

۱-ق. س. ۲: درافکند ۲-ل (نیز ل): خونش بتن بره؛ ق: خونش بدل بره؛ (ق: ۲: خونش بروبر؛ ل: جوشن بربر)؛ متن = ف. س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. پ. ب) ۳-ف: تور (→ بور)؛ س (نیز ق. ۲. ل. و. آ) پس از این بیت افزوده اند:

رسیدند آنجا که آن بیشه بود
 یکی هول آتش برافروختند
 یکی جاده می داشتند آن زمان
 بکردند او را با آتش کباب
 5 گسارنده باده گشت آن زمان
 چو شد چیره بر هر دو تن مر شراب
 بدو گفت بیژن گه خواب نیست
 که ما همیشه کار رستم کنیم

۴-ق: دگرگونه یکسو ۵-س: نگهدار ۶-س (نیز ب): همدون برو تا دره؛ در ق. ل. ۲. س (نیز ل. پ. ب. ل. ۲) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده اند؛ ف. ل. ۲ (نیز ل. و. آ) پس از این بیت یا پس از بیت سپسین افزوده اند:
 هر آنچه (ف: آنچه؛ ل. و. آ: آنکو) نباشد (ل: آ: نیابد) ز چنگم (ل: ۲: حکم) رها

بیک زخم سرشان ز تن کن (ل: آ: از تن سرش کن؛ و: کن سرش از تن) جدا

۷-ل. س. ۲ (نیز ل. ب): بدانگه که از؛ متن = ف ۸-ق: بزین آر گرز و بدل دار ۹-ف پس از این بیت افزوده است:

چو بر گاه زر خسرو سرفراز
 ز شیران همی خواست رزم گراز

۱۰-س. ۱: س (نیز ل. آ) پس از این بیت افزوده اند:

کنون از من این یار مندی نخواه
 بجز آنک بنمایم جایگاه

۱۱-ف: همه چشم؛ ل: همی چشمش؛ س (نیز ل. پ. و. ل. ب): همان چشمش؛ متن = س. ۲ ۱۲-ق. ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. و. آ): تو گفتی که گیتی بر؛ س. ۲ در اینجا سرنویس دارد: جنگ بیژن با گراز ۱۳-درآمد (→ اندرآمد) ۱۴-ل. س. ۲: مرد؛ متن = ف. ق. ل. ۲ ۱۵-س: رعده ۱۶-ل: بهاری ۱۷-ل: بیارید؛ متن = ف. س. ق. ل. ۲. س (نیز ل. ب) ۱۸-ل: فرو ریخت پیکان چو؛ متن = ف. س. ق. ل. ۲. س (نیز ل. ب) ۱۹-ق. ل. ۲. س (نیز ل. ل. و. ل. آ): برگ از درخت؛ متن = ف. ل. س (نیز ق. ۲. ل. پ. و. ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

گراز اندر آمد ز دشت وز کوه
 نه یک یک که هر جای کرده گروه

۲۰-ف: دمان بیژن گیوه؛ متن = س. ق. ل. ۲. س (نیز ل. ب): ل این بیت را ندارد؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بشد بر پی خوک نعره زنان
 فرو زنده آتش ز نوک سنان

- ۱۱۰ همه جنگ را سوی^۱ او تاختند
ز دندان همی^۴ آتش افروختند
گرازی بیامد چو آهرمنا
چو سوهانِ پولاد بر سنگ سخت
برانگیختند^۹ آتش کارزار
بزد خنجری بر میان^{۱۲} بیژنش
۱۱۵ چو روبه شدند آن ددانِ دلیر
سرانشان^{۱۵} به خنجر^{۱۶} برید پست
که دندانان^{۱۷} نزد شاه آورد
به گردان ایران نماید هنر
به گردون^{۲۰} برافکنده^{۲۱} هریک چوکوه
- ۱۲۰ بداندیش گرگینِ شوریده^{۲۳} کیش^{۲۴}
همه پیشه آمد به چشمش کبود
به دلش اندرآمد از آن کار درد
- زمی^۲ را به دندان برانداختند^۳
تو گفتی که گیتی^۵ همی سوختند
زره^۶ را بدرید بر^۷ بیژنا
همی سود دندانها^۸ بر درخت
برآمد یکی^{۱۰} دود از آن^{۱۱} مرغزار
به دو نیم^{۱۳} شد پیل پیکرتنش
تن از تیغ خسته^{۱۴}، دل از جنگ سیر
به فتراکِ شبرنگِ سرکش بیست
تن بی سرانشان^{۱۸} به راه^{۱۹} آورد
ز پیلان جنگی جدا کرده سر
شده^{۲۲} گاومیش از کشیدن ستوه
- ز یکسوی^{۲۵} پیشه درآمد^{۲۶} به پیش^{۲۷}
برو^{۲۸} آفرین کرد و شادی نمود
ز بدنامی^{۲۹} خویش ترسید مرد

۱- س، س، آ: پیش ۲- س، ق، س، آ: زمین؛ متن = ف ۳- ل، ل، آ: تو گفتی جهان را برداختند؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل، ل: همه ۵- ل، ل: جهان را ۶- ف، س: رزه (→ زره) ۷- ف: پاره کرد او ابر؛ متن = ل-س، آ (نیز ل-ب): ف پس از این بیت افزوده است:

بدرید برگستوان نبرد همان جوشن بیژن شیرمرد
۸- ل، ق، س، آ: (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ن): دندان او؛ (ل، و، آ: دندانش را): متن = ف، س (نیز ق، آ، ب): ل بجای این بیت افزوده است:
چونناگاه بیژن چو شیر غرین برآمد ایبا تیغ و گداز کمین
۹- ق: برافروختند؛ ل، آ: برانگیخت تند ۱۰- ل، ل، س، آ: همی ۱۱- ل: زان ۱۲- ق: بزد بر میان خنجری ۱۳- ل، ل، س، س، آ: نیمه؛ متن = ف، ق، ل، ل، آ پس از این بیت افزوده است:
بزد بانگ چون زنده پیل ژیان
چو شیری که افتد میان روه
چو بیژن چنان دیدشان همچو ابر
برانگیخت آنگاه شبدیز را
۱۴- ل، ل، س، ل، آ، س، آ: (نیز ل، ق، آ، ل، ن، ب): پر خون؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۱۵- ل: سرش را ۱۶- ف: شمشیر؛ متن = ل-س، آ (نیز ل-ل، آ، و-ب) ۱۷- ل: دندانها ۱۸- ق، ل، آ: سرب تنانسان؛ متن ← ۱۹- ل، ل، آ: شاه؛ س، آ: بدان نامور بارگاه؛ متن = ف، ل، س ۲۰- ف: گردن (→ گردون)؛ متن = ل-س، آ (نیز ل-ب) ۲۱- ل-س، آ: (نیز ق، آ، ل، ی، ب، ب): برافکند؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ) ۲۲- ل: بشد؛ ل: که شد؛ (ب: تن)؛ متن = ف، س، ق، س، آ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ق: بیوده ۲۴- ف، ق، ل، آ، س، آ: (نیز ق، آ، و، ب): کش (؟)؛ ل: رفت؛ س (نیز ل، ن): هس؛ (ل، آ: بخت؛ ب: بش)؛ متن = (ل، ی، آ) ۲۵- ف (نیز ق، آ، ب): ز یکسویه؛ ل، آ: بیک روی؛ متن = ل، س، س، آ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- ق: چو از پیشه بیژن برآمد ۲۷- ف، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): بهش (س، ل، ن، پساوند ندارند)؛ ل: چوتفت؛ (ل: برافکند سخت)؛ متن = (ل، ل، ن، آ) ۲۸- ق: بدو ۲۹- ف: بی نامی؛ متن = ل-س، آ (نیز ل-ب)

دلش را بیچید آهرمنا
سیگالش چنین بُد، نبشته^۳ جزین^۴
۱۲۵ هراَنکو^۵ به ره بر کند ژرف چاه
ز بهر فزونی و از^۶ بهر نام
بدا انداختن ساخت^۲ بر بیژنا
نکرد ایچ یاد از جهان آفرین
سزد گر نهد در بُن چاه گاه
به راه جوان گسترانید^۷ دام

۱- ل: ز: ۲- ل: کرد؛ ف پس از بیت ۱۲۳ افزوده است:

نجمل شد ز نارفتن خود به جنگ
س (نیزق^۱، لی، و آ) پس از این بیت و ق، ل پس از بیت ۱۲۶ افزوده اند (ق بیت های ۱، ۳، ۵، ۱۴ و ل بیت های ۱۱، ۱۳، ۱۴ را ندارند):
بدل در گرفت آن زمان دشمنی
دگر باره کردش برو آفرین
بیرسم ترا یک سخن راست گوی
بگفتش که دندان این ریمانان
۵ بدین در چه جستی تو ای نامدار
بگفتا بدان کندم ای پرهیز
بدین گردن اسب بندم بلاف
بدینم بود جاه نزدیک شاه
چو گرگین شنید این سخن شد دژم
۱۰ بگفت ار بدینسان برد نزد شاه
بدین کار زی شاه والا بود
ازین روی باشد مرا زشت کار
ازین نام من در جهان که شود
ملا مت کنندم همه کس بدین
۱۵ مرا چاره ای کرد باید کنون

ف، ل، س^۲ (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ب) هیچیک از این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ل (نیزلن، و، ل، ن): نوشته؛ س^۲: بود
پیشه؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق^۱، لی، ل، آ، ب) ۴- ق، س: چنین؛ در س، س^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده
است ۵- ل- س^۲ (نیزلن- ل، و- ب): کسی کو؛ متن = ف: ف، س^۲ در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر مکر و حیلت ساختن
گرگین میلاد با بیژن گیو؛ س^۲: جنگ کردن گرگین با بیژن ۶- ل، ق: وز ۷- ل، ق: جوان بر بگسترد؛ متن = ف، س، س^۲: ل این
بیت را ندارد؛ ل، س (نیزق^۱، لی، و آ) پس از بیت ۱۲۶، ل پس از بیت ۱۲۵ و ق در دنباله بیت های ۱۲۳ پ افزوده اند (ل، ق، ل بیت های ۳
و ۴ را ندارند):

نکرتا چه بد ساخت آن بیوفا
بدو آن زمان مهربانی نمود
از آن بیشه هر دو به بیرون شدند
نشستند با یکدگر در شراب
۵ چو از جنگ و کشتن بپرداختند
نبد بیژن آگه ز کردار اوی
چو خوردند از آن سرخ می اندکی
بدو گفت چون دیدی این جنگ من
چنین داد پاسخ که ای شیرخوی
۱۰ بایران و توران ترایار نیست
دل بیژن از گفت او شاد گشت

س بجای بیت های ۸- ۱۱ افزوده است: ←

مرو را چه پیش آورید از جفا
بخوی مرو را فراوان ستود
بدان شاد کامی به هامون شدند
از آنپس که خوردند چندی کباب
نشستنگه رود و می ساختند
همه راست پنداشت گفتار اوی
بگرگین نگه کرد بیژن یکی
بدین گونه با خوک آهنگ من
بگیتی ندیده چو تو جنگجوی
چنین کار پیش تو دشوار نیست
بسان یکی سرو آزاد گشت

به بیژن چُنین گفت کای^۱ پهلوان
 برآمد ترا این چُنین کار چند
 کنون گفتی‌ها بگویم^۲ ترا
 چه با رستم و گیو^۳ و با گُستهم^۴
 چه مایه هنرها برین^۵ پهن‌دشت
 کجا نام ما زان^۶ برآمد بلند
 یکی جشنگاهست از^۷ ایدر نه دور
 یکی دشت بینی^۸ همه سبز و زرد
 همه بیشه و باغ و آبِ روان
 زمین پرنیان و هوا مُشک‌بوی
 خم آورده^۹ از بار شاخ^{۱۰} سمن
 خرامان به گرد گلان^{۱۱} بر^{۱۲} تدرو
 ۱۳۰
 دلِ کارزار و خرد را روان^{۱۳}،
 به نیروی یزدان و بخت بلند
 که من چند گه بوده‌ام ایدرا
 چه با طوسِ نوزر، چه با گُزدهم^{۱۴}
 که کردیم^{۱۵} و گردون بر آن سربگشت^{۱۶}
 بنزدیک خسرو شدیم ارجمند^{۱۷}
 به دو روزه^{۱۸} راه اندرآید به تور
 کزو شاد گردد دل زادمرد^{۱۹}
 یکی جایگاه^{۲۰} ازدرِ پهلوان
 گلابست گویی مگر^{۲۱} آبِ جوی
 صنم^{۲۲} گشته پالیز و گلبن شمن^{۲۳}
 خروشیدن^{۲۴} بلبل از شاخِ سرو

۱- ل: پس ۲- ل: که ای نامور گرد روشن روان: (ل: دلیر و بزرگ و خرد راروان): متن = ف. ق. ل. س. ا (نیز لن. ق. ل. ب. لن. آ. ب): س این بیت را ندارد ۳- ق: گفت‌ها باز گویم ۴- ف. ل. س. ا (نیز و): رستم نیو: متن = ل. س. ق (نیز هشت دستنویس دیگر): بنداری: وانی وصلت الیها مرارا مع رستم و طوس و کستم و جیو و غیرهم من الأكابر ۵- ل. ل. س. ا (نیز ق. و): گزدهم (با سه نقطه): متن = ف. س. ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل. ل. س. ا (نیز ق. و): گسته: متن = ف. س. ق (نیز هفت دستنویس دیگر): در ف نقطه ندارد، در س. ق. ب با یک نقطه و در ل. ب. ل. پ. لن. آ. با سه نقطه) ۷- س. ق. ل. س. ا: بدین: متن = ف. ل. ل. ۸- ل: بکرده: س: نمودیم ۹- ل. س. ا (نیز ق. ب. و. لن. ا): بر آن برگذشت: س. ل. ا (نیز ب): بر آنسان گذشت: ق: بدان برگذشت: (لن: بر آن نیز گشت: ل: بدو برگذشت: ل: بسر برگذشت: آ: برو برگذشت): متن = ف ۱۰- س. ل: ما را ۱۱- ل: شده ارجمند: س: بتبع و بتیزه بتیز و کمند ۱۲- ل: ز: ل: [از] ۱۳- ق. س: روز ۱۴- س: یابی ۱۵- ل: رادمرد ۱۶- ل: جایگه ۱۷- ق. ل: همه: ل. س. ق. ل. ا (نیز ل. و. آ) پس از این بیت افزوده است:

ز عنبرش خاک و ز یاقوت سنگ هوا مشک‌بوی و زمین رنگ‌رنگ

ف. س. ا (نیز لن. ق. ل. ب. لن. آ. ب) این بیت را ندارند ۱۸- ق: آورد ۱۹- ف: باغ سرو: س. ا (نیز لن. ب. لن. آ): باد شاخ: (ل. ب: باغ شاخ: آ: باد برگ): متن = ل. س. ق. ل. ا (نیز ق. ل. و) ۲۰- ل. ل. ا (نیز ل. آ): سمن ۲۱- ل. ل. ا (نیز ل. آ): چمن: ق: وطن: (پ. و. لن: سمن): متن = ف. س. س. ا (نیز لن) ۲۲- ل. س. ق. ل. ا (نیز ق. ل. و. آ. ب): گل اندر: متن = ف. س. ا (نیز لن. ل. ب) ۲۳- س: ز نالیدن

→ بدو گفت چون کردی این جنگ تو
 دل بیژن از گفت او شاد گشت
 بخوردند باده بشادی همی
 پس آنگاه گرگین به بیژن چه گفت
 دل شاه ایران بتوشاد باد 15

ل: پس از بیت ۱۱ افزوده است:

بخوردند باده دوسه هر کسی
 و گرگین بدو آفرین در گرفت
 بکردند باری و شادی بسی
 که از شیرمردیت مانده شگفت

ف. س. ا (نیز لن. ل. ب. لن. آ. ب) هیچیک از این بیت‌ها را ندارند: بنداری (۱۲۰-۱۳۲): فو کب جرجین و دخل الغیضة خلفه حتی انتهى الیه. فلما رأى ما ابلاه فی قتل تلك السباع عظم علیه صنیه، وحسده علیه حتی حمه الحسد علی قصد الغداله. ثم انه أخذ يستحسن فعله و بمدحه و یشی علیه و یصفه بالقوة و الشجاعة و الجرأة و الشهامة. ثم خرجا من الغیضة وقعدا معا يتحدثان و يتذاکھان، والحسد فی قلب جرجین یعمل عمله

- ۱۴۰ ازین پس کنون تا نه بس روزگار
 پری چهره بینی همی^۲ دشت و کوه
 منیژه کجا دختِ افراسیاب
 ستاره سپهداردختِ گزین^۵
 همه دختِ ترکان^۷ پوشیده روی^۸
 همه رُخ پُر از گل، همه چشم خواب
 ۱۴۵ اگر ما بنزدیک آن جشنگاه
 بگرییم ازیشان^{۱۴} پری چهره چند
- بجنبیدش آن^{۱۸} گوهر پهلوان
 جوان هم جوان وار برداشت گام^{۲۰}
 یکی آزیپشه، یکی^{۲۱} کینه ساز
 فرود آمد آن گرد لشکر پناه
 ۱۵۰ میان دو بیشه^{۲۲} به یک روزه^{۲۳} راه

۱- ل. [و]؛ س: آن چنان؛ ق: برین؛ س: آن برو؛ متن = ف، ل^۱ ۲- ل. س. ق. س: همه؛ متن = ف، ل^۱ ۳- ل: زهر سو نشسته
 بشادی؛ س، ق، ل، س: پیر (ل: زهر) سو بشادی نشسته؛ متن = ف ۴- ل. ل. س. ل: درفشان؛ متن = ف، ق، س: ۵- س (نیز ب):
 ستاده هم دخت تور گزین؛ ل^۲ (نیز و): ستاره زنج (و: زند) پاک دخت گزین؛ س: ستاره نه هم تور دخت گزین؛ (لن، ب، ل: ستاره دود
 دخت شاه زمین؛ ق: ستاره دهد نور دخت گزین؛ ل^۳: بیاید بدان دخت دخت گزین)؛ متن = ف: بنداری؛ ف: ضرب خیمه فی ارجائها، و تقود
 مستمتعة بطیبا ۶- س: همی یا؛ ل: هو بیا؛ س: فراوان؛ متن = ف: ل، ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۷- ل. ل. س. ق، س: (نیز ل،
 ل^۳، و، آ، ب): توران؛ متن = ف، ل^۴ (نیز لن، ق، ب، ل، ن) ۸- س. ق، ل: پاکیزه روی؛ متن = ف، ل، س: ۹- ل: سروبالا؛ ل:
 سرو قامت؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز لن، ب) ۱۰- س: مشک و ۱۱- س: ببانم (حرف های چهارم و پنجم نقطه
 ندارند) ۱۲- ف، ق: روزه؛ متن = ل، س، س: ۱۳- ل: شوم و بیایم ازو دستگاه؛ ف (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کجا خیمه اوست در مرغزار بگردش کنیزان همه پر (لی، آ: چون) نگار

۱۴- ف: ازین سان؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز لن، ب) ۱۵- ل. ل. س. ق، س: (نیز لن، لی، ل، ب، ل، ن، آ، ب): شوم؛ متن = ف (نیز ق،
 و) ۱۶- ق: شوم آنگهی نزد شاه بلند؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷- ق: گفت و بیژن؛ ل: چو بشنید گفتار گرگین ۱۸- ل:
 بخوشیدش آن؛ ق: بخوشید آن؛ ل: بخندید ازو؛ (ل: بخوشید از آن)؛ متن = ف، س، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ س (نیز ل، آ) پس از این
 بیت افزوده اند:

چو بشنید بیژن ز گرگین چنین ندانست کورا بدل هست کین
 خوش آمد مرا و را سخنها چنان که بُد مرورا میل نزد زنان
 بگفتا هلا هین بیاتاروم بیدار آن جشن خرم شوم

بنداری: فأخذ قوله بقلب بیژن و منعه الترف و غیرة الشباب عن التفضن لما أضمره جرجین من الداء الدفین. و كان مع ذلك شابا مولعا بالنساء
 شدید الميل الی مفاکھتھن ۱۹- ل. ق: اندران ۲۰- ف: جوان همچنان راست برداشت گام؛ ل، س: جوان هم جوان گرچه باشدش
 (ل: بر دست) نام: (لن، ب، ل: جوان بُد جوان وار برداشت گام؛ ق: جوان بود از مهر برداشت گام؛ لی، و، آ: جوان هر زمان نیز برداشت گام؛
 ل: جوان اندر آن کار برگشت رام؛ ب: جوان هم جوان نیز میجست کام)؛ متن = ل، س، ق (ل، ب، ل، ن) ۲۱- ف: از جوانی،
 یکی؛ ل: از نوشته دگر؛ س: از پی بیشه (آزیپشه؟ از نبشته؟) یک؛ ق، ل (نیز و): از پیشه دگر؛ (ق: راست پیشه یکی؛ لی، آ: از
 نبشته یکی)؛ متن = س (نیز لن، ب، ل، ب، ق، ل، و): آزیپشه → از نبشته؟ ۲۲- س: چشمه ۲۳- ق: روز

بدان مرغزارانِ ارمان^۱ دو^۲ روز
 چو دانست گرگین که آمد عروس
 به بیژن پس آن^۴ داستان برگشاد
 به گرگین چنین گفت پس بیژن
 شوم بزمگه را بینم ز دور
 ۱۵۵ و زانجا بتام همانگه^۷ عنان
 ز نیم آنگهی رای هشیارتر
 به گنجور گفت: آن کلاه^{۱۰} به زر
 که روشن شدی^{۱۲} زان^{۱۳} همه بزمگاه
 همان طوق کیخسرو و^{۱۵} گوشوار
 ۱۶۰ پوشید رخشنده رومی قبای
 نهادند بر پشت شبرنگ زین

همی شاد بودند با^۳ باز و یوز
 همه دشت ازو شد چو چشم خروس،
 و زان جشن و رامش همی^۵ کرد یاد
 که من پیشتر سازم این رفتنا
 که توران همی^۶ چون بسیچند سور
 به گردن^۸ برآرم زدوده سنان
 شود دل^۹ ز دیدار بیدارتر
 که در بزمگه برنهادی^{۱۱} به سر،
 بیاور که ما را کنون بزم گاه^{۱۴}
 همان یاره‌ی گیو گوهرنگار
 ز تاج اندراویخت پر^{۱۶} همای
 کمر خواست با پهلوانی نگین^{۱۷}

۱- ف (به خطی دیگر): دلیران؛ ل: دو تن در؛ (لن: زمان تا)؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق ۲- ب) ۲- ق: سه ۳- س: بی بودند شادان
 ابا؛ س (نیز ق ۲، لی، پ، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیامد منیژه بدان گاه نیز
 بتوران زمین زن نبد همچنوی
 بدو نازش جان افراسیاب
 ابا صد کنیزک پسان پری
 ۵ چهل تا عماری مفترق بزر
 فراوان خورش بُد فراوان شراب
 نشستند شادان بدان جایگاه
 که بد دختر شاه بروی عزیز
 ببالا و دیدار و فرهنگ اوی
 که افراسیابش ورا بود باب
 بیامد بدان جشن چون مشتری
 بیاورد آن لعبت سیمبر
 بسی جامه آوردش از بهر خواب
 گشادند آن روی های چسوماه

۴- ف: سر؛ (لی: مرآن؛ پ: پس این؛ آ: بر آن)؛ متن = ل-س (نیز لن، ق ۲، ل ۳، و، لن ۱، ب) ۵- ل: بسی؛ س (نیز ب): رامشگش؛ متن =
 ف، ق، ل ۱، س (نیز لن-آ) ۶- ل: ترکان همی؛ ل (نیز لن، پ، لن ۲): تورانیان؛ (لی: تا توریان)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ق ۱، ل ۳، و، آ،
 ب) ۷- ل: وزانجایگه پس بتام؛ س ۲: وزانجایگه باز تا؛ متن = ف، س، ق، ل ۲ ۸- س، س (نیز لن، پ، لن ۲، ب): گردون؛ متن = ف،
 ل، ق، ل (نیز ق ۱، لی، ل ۲، و، آ) ۹- ل: بد ۱۰- ل: گفتا کلاهی ۱۱- ل، ل، س (نیز لی، آ، ب): برنهادم؛ متن = ف، ق، ل ۱، س ۲
 (نیز لن، ق ۱- لن ۱) ۱۲- س، ق: رخشان شود؛ ل ۱، س ۲: رخشان شدی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل، ق، س (نیز لن-ب): زو؛
 متن = ف، س، ل ۱۴- ل، ق (نیز ل ۲، و، آ): کنونست گاه؛ س (نیز ب): که آمد کنون رزمگاه (ب: بزمگاه)؛ متن = ف، ل ۱،
 س ۲ ۱۵- ل: [و]؛ س ۲ بجای این بیت و س (نیز لن، لی، پ، لن ۱، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:
 بیاورد گنجور چونانک (س ۲: چیز که) گفت

بر بیژن پهلوان از نهفت

ف، ل، ق، ل (نیز ق ۱، ل ۳، و) این بیت را ندارند؛ بنداری: و لبس ثیاب الوشی و تمنطق بمنطقه الذهب و وضع علی رأسه تاجا کان یلبسه فی مجالس
 الأنس، فتوجه نحو المكان كالقمر الأهر ۱۶- ل، س، ل ۲، س (نیز ق ۲، ب): فر؛ متن = ف، ق (نیز لی، پ، و، لن ۱، آ) ۱۷- ق: با
 خسروانی نگین؛ ل: آن پهلوان گزین؛ متن = ف، ل، س، س ۲؛ س پس از این بیت افزوده است:
 به اسب اندر آورد پای و برفت

خرامان و یازان بدانجای تفت

بیامد به^۱ نزدیک آن بیشه شد
 به زیر یکی سرو ب^۲ شد^۳ بلند
 ۱۶۵ بنزدیک آن خیمه‌ی خوب چهر
 همه دشت آوای^۴ رود و سرود
 چ^۵ آن خوب چهره زخیمه به راه^۶
 به رخسارگان چون^۷ س^۸هیل یمن
 کلاه جهان پهلوان^۹ بر سرش
 ۱۷۰ به پرده^{۱۰} درون دخت پوشیده روی
 فرستاد مر دایه^{۱۱} را چون نوند
 نگه کن که آن ماه دیدار کیست
 پیرش^{۱۲} که چون آمدی ایدرا؟
 پری زاده یی گر^{۱۳} سیاوخشیا^{۱۴}؟
 دل کام جویش پ^{۱۵}ر اندیشه شد
 که تا ز آفتابش نیاید^{۱۶} گزند
 بیامد به دلش اندر آویخت^{۱۷} مهر
 روان را همی داد گفتی^{۱۸} درود
 بدید آن سهی قد پهلوسپاه^{۱۹}،
 بنفشه گرفته دو برگ^{۲۰} سمن،
 فروزان^{۲۱} ز دیبای رومی^{۲۲} برش،
 بجنبید مهرش، نپوشید ازوی^{۲۳}
 که رو زیر^{۲۴} آن شاخ سرو بلند،
 سیاوش گمانم که هست، ار^{۲۵} پرست
 نیایی بدین جشنگاه^{۲۶} اندرا؟
 که دل هاش^{۲۷} به^{۲۸} مهرت همی بخشیا^{۲۹}

- ۱- س، ق، س: چو: متن = ف، ل، ل: ۲- ف: دل و کام جویش پر: س: دل و دیده شان پرز: ل: ز کام و دل خود در: (لن، ق، آ، ل، ب، ل: دل از کام جویش پر (ل: به): لی، و: آ: دلش زان شنیده پر: ب: دل و کام هر دو پر): متن = ل، ق، س: س پس از این بیت افزوده است:
- ۳- س: سرو رفتش ۴- ل، س، ق (نیز لن- ب، ل، آ، ب): نباشد: ل: نیابد: (و: نماید) (حرف دوم و چهارم نقطه ندارند): متن = ف: س: بیت های ۱۶۴ و ۱۶۵ را ندارد ۵- ل: اندر فروخت: متن = ف، س، ق، ل (نیز لن- ب): س پس از این بیت افزوده است:
- همی کرد پنهان بدیشان نگاه
 زیان دید چون لعبت قندهار
 بیاراسته همچو خرم بهار
- ۶- ل: ز آوای: س: آواز: ق، س: (نیز لن، لی، ب، ل، آ، ب): از آوای: (ل: ز آواز): متن = ف، ل (نیز ق، و، ب) ۷- س: ردان را همی داد تن را (!): برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آمدن بیژن برابر خیمه منیژه و دیدن منیژه او [را] و عاشق شدن و رفتن به خیم او و با او خلوت ساختن: ل: در رسیدن بیژن بمنیژه دختر افراسیاب: س: آمدن دایه منیژه نزد بیژن و بردن او را... (۹) ۸- س، ل، س: (نیز لن- ب): چو: متن = ف ۹- ل، ق: منیژه چو از خیمه کردش نگاه ۱۰- ل، س، ق (نیز ق، آ، ب): لشکر پناه: ل، س (نیز لن، لی، ب، و، لن، آ): رخ پهلوان سپاه: متن = ف ۱۱- ل: درفشان بسان ۱۲- ل: بگرد ۱۳- ل، ق، ل (نیز ق، لی، آ، ب): تبه پهلوان: س، س (نیز ب): کیان پهلوان: متن = ف (نیز لن، ب، و، لن) ۱۴- ل، ق، ل (نیز و): درفشان: متن = ف، س، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- س: چینی: س پس از این بیت افزوده است:
- چو دیدش منیژه چنان روی او
 همان قد و بالا و آن موی او
- ۱۶- ف: خیمه: متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۷- ف: نپوشید مهرش، بجنبید ازوی: ل، ق، ل: نجوشید مهرش دگر شد بخوی (ق: بیبوند اوی: ل: بدان خوب روی): س (نیز ب): بجنبید مهرش نپوشید (پوشید) موی: س (نیز لن- آ): نجوشید مهرش نپوشید (پوشید) روی (ق، آ، ل: موی: لی، آ: ازوی): متن تصحیح قیاسی است (م: ف): در س پس از این بیت، بیت های ۱۶۹ و ۱۶۹ پ دوباره آمده اند و پس از آن افزوده است:
- بدل مهر آن پهلوان برگزید
 حیوان روی و آن موی او را بدید
- ۱۸- بنداری: و قالت لدایتها ۱۹- ل: که شونزد ۲۰- ل: مگربا: ل (نیز ق، آ، ل، و): مگر زنده شد یا (ل: گر): ق: شد زنده یا خود: س: زنده شدست ار: (لی: زنده شده یا: آ: خود زنده شد یا): س (نیز ب): سیاوخش زنده شدست ار: متن = ف (نیز لن، ب، لن) ۲۱- ل: بگوش ۲۲- ل: بزمگاه ۲۳- ف، س، ق، ل (نیز لن- ب): یا: متن = ل، س: ۲۴- ف: سیاوخش رد: ل (نیز ل): سیاوشیا: متن = س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۵- س (نیز لی، ب، لن، آ، ب): دل را ۲۶- ل: ز ۲۷- ل (نیز ل): جوشیا: متن = س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر): ف: که بر چهر تو ماه مهر آورد

- ۱۷۵ و گرا^۱ خاست اندر جهان رستخیز
که من سالیان تا بدین^۲ مرغزار
برین^۳ جشنگه^۴ بر ندیدیم^۵ کس
که بفروختی آتش مهر تیز؟
همی جشن سازم به هرنوبهار،
ترا دیدم ای سرو آزاد و^۶ بس
- ۱۸۰ چو دایه بر بیژن آمد فراز
پیام منیژه به بیژن بگفت
چنین گفت خودکامه بیژن بدوی^۸
سیاوش نیام، نزا^{۱۰} پریرادگان
منم بیژن گیو، از^{۱۱} ایران به جنگ
سرانشان بریدم، فگندم به راه
چو زین بزمگاه^{۱۵} آگهی یافتم
مگر چهره‌ی دُختِ افراسیاب
همی بینم این دشتِ آراسته
اگر نیک‌رایی کنی تاج زر
مرا سوی آن خوب‌چهر آوری^{۱۸}
- ۱۸۵ مگر چهره‌ی دُختِ افراسیاب
همی بینم این دشتِ آراسته
اگر نیک‌رایی کنی تاج زر
مرا سوی آن خوب‌چهر آوری^{۱۸}
- چو بیژن چنین گفت شد دایه باز
به گوش منیژه سرایید^{۲۰} راز

۱- س: و یا؛ ل: مگر ۲- ل: اندرین ۳- س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، ل، س ۴- ل: بزمگه ۵- ل: نبودست ۶- ف: مرد آزاد و؛ ل: سرو آزاده؛ ق، ل: (نیز ق، ل، آ، و)؛ آ: ماه دیدار؛ متن = س، س ۷- (نیز ل، پ، ل، آ، ب)؛ ف: (نیز ق، ل، آ، و، ل، آ) پس از این بیت دو بیت و لن تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

بگوش که تو مردمی یسا پری

برین (لی، ل: بدین) جشنگه بر همی بگذری (نگذری)

ندیدم چوتوهیچ ای (ل: هیچکس؛ و: هیچ‌گه) ماهروی

تواکنون کدامی چه نامی (ق، ل، آ، و: چه نامی کدامی) بگویی

ل، س، ق، ل، آ، س ۸- (نیز پ، ب) هیچیک از این بیت‌ها را و لن بیت دوم را ندارند ۷- ق: همان روی؛ س: دورخسار ۸- ف: به پاسخ چنین گفت لرزان بدوی؛ ل: چنین پاسخ آورد بیژن بدوی؛ (ل: چنین داد بیژن جوابش بدوی)؛ متن = س، ق، ل، آ، س ۹- (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- س: نیکخوی ۱۰- ل: نه ۱۱- ل: ز ۱۲- س: بجنگ؛ ق: بنزد ۱۳- س: آمده ۱۴- ل، ق: (نیز ل: بی درنگ؛ متن = ف، س، ل، آ، س) ۱۵- ل: جشنگاه؛ ق، ل: (نیز ل، ق، آ، ل، ب، ل، آ)؛ بزمگه؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۶- ق: گیو و ۱۷- ل: (بشتافتم!)؛ ل، س، ق: (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدین بزمگاه آمدستم (س، ل، آ: آمدم من) فراز

بپیاموده بسیار راه دراز

۱۸- س، ل: خوبچهره بری؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۹- ق: (نیز ق، ل، آ، و)؛ آ: ایدون؛ ل: با دل من؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۰- س، ل، آ، س ۲۰- (نیز ل، آ، و، ل، آ، ب)؛ رسانیده؛ ق: سراینده؛ متن = ف، ل: (نیز ل، ق، آ، ب)

<p>چنین^۲ آفریدش جهان آفرین که ت^۳ آمد به دست آنچ^۴ بردی گمان بفروزی^۵ این جان^۶ تاریک من دل و گوش^{۱۰} بیژن به پاسخ سرای^{۱۱} خرامید از آن^{۱۴} سایه‌ی سروین پیاده همی^{۱۵} گام زد بآرزوی میانش به زرین کمر کرده بند گشاد از میانش کیانی کمر که با تو که آمد به جنگ از گوان^{۱۸}؟ برنجانی^{۲۱} ای خوب چهره به گرز؟ گرفتند از آن^{۲۴} پس به خوردن شتاب همی ساختند از گمانی فزون ز بیگانه خانه^{۲۶} برداختند</p>	<p>۱۹۰ که رویش چنین ست و بالا چنین فرستاد پاسخ هم اندر زمان گره^۵ آبی خرامان بنزدیک من فرستاده آمد همین^۸ رهنمای^۹ نماند آن زمان^{۱۲} جایگاه^{۱۳} سخن ۱۹۵ سوی خیمه‌ی دُختِ آزاده خوی به پرده نذر آمد^{۱۶} چو سرو بلند منیژه بیامد گرفتش به بر پرسیدش از راه و ز کاروان^{۱۷} چرا این^{۱۹} چنین روی با فر و^{۲۰} برز بشستند پایش^{۲۲} به مُشک و^{۲۳} گلاب ۲۰۰ نهادند خوان و خورش گونه گون نشستگه^{۲۵} رود و می ساختند</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ل: [و] ۲- ف: چنان؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن-ب)؛ ل، ق پس از بیت ۱۹۰ افزوده اند:

چو بشنید از دایه او این سخن بفرمود رفتن سوی (ق: بر) سروین

س (نیز ق، ل، و آ) پس از بیت ۱۹۰ افزوده اند:

بدایه بگفتا مرا مادری میاسای تا نزد منش آوری

۳- س: ۲ که ۴- ل: ۲ آنکه؛ س: ۲ آنک؛ ق: بچنگ آنچه؛ متن = ف، ل، س ۵- ف: که؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن، ل-ب) ۶- ف (نیز و): کنی روشن؛ (پ، لن: ۲ برافروزی)؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن، ل، آ، ب) ۷- س: رای؛ س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدیدار تو چشم (روی) روشن کنیم (کم) برین (بدین) دشت و خرگاه گلشن کنیم (کم)

۸- ق: همان؛ ل: ۲ همی؛ س: ۲ هم این ۹- س (نیز ب): هم اندر زمان ۱۰- ل: ۲ هوش ۱۱- س (نیز ب): نوان؛ ل این بیت را ندارد؛ س، س ۲ در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن بیژن گویزند منیژه دختر افراسیاب؛ س: گرفتار شدن بیژن ۱۲- ل: آنگهی؛ ل: ۲ این زمان ۱۳- ف (نیز ق): هیچ جای؛ (ل، آ: پایگاه)؛ متن = ل-س ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، ب) ۱۴- ل: زان ۱۵- ل: ۲ ابا دایه می ۱۶- ل-س ۲ (نیز لن-ب): پیرده درآمد؛ متن = ف: پیرده اندرآمد ۱۷- ل: ورنج دراز؛ ق (نیز ل، و آ): وز کار و ساز؛ ل: ۲ از کار و ز راه و ساز؛ متن = ف، س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، ب) ۱۸- ل، ق، ل ۲ (نیز ل، و آ): بچنگ گراز؛ (ل: ۲ ز جنگاوران)؛ متن = ف، س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب)؛ س پس از بیت ۱۹۸ افزوده است:

چرا این چنین روی و این قد و موی برنج آری ای خوب چهره بروی (← ۱۹۹)

ف پس از بیت ۱۹۸ و ل، س، س ۲ پس از بیت ۱۹۹ افزوده اند:

توبا این چنین روی و قد (ل، س: برز) کیان

چرا در (ل، س: از) کمر رنجه کردی (ل، س، س: ۲: داری) میان

ق، ل ۲ (نیز لن-ب) این بیت را ندارند ۱۹- ل: با ۲۰- ل: روی و بالا و؛ س، س ۲ (نیز لن): قد و این روی؛ ل ۲ (نیز ب، و): روی و این قد و؛ (لن: قد و این یال و؛ ق، ل، ل، آ: روی و آن (این) فر و؛ ب: روی و بالای)؛ ق: بر روی و این قد و؛ متن = ف ۲۱- س: برنج آری ۲۲- س: دستش ۲۳- ف: بآب و؛ س: بروشن؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۲ (نیز لن-ب)؛ بنداری: بالمسک و ماء الورد ۲۴- ل: زان ۲۵- س: چونان خورده شد ۲۶- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، ب): خیمه؛ ل: ۲ مردم؛ س ۲ (نیز لن، پ، لن، آ): خرگه؛ (ل، آ: پرده)؛ متن = ف، س

پرستندگان ایستاده به پای
 به دیبا زمی^۲ کرده طاوسرنگ
 ۲۰۵ چه از مشک و عنبر، چه یاقوت و زر
 می سالخورده به جام بلور
 سه روز و سه شب شاد بودند^۶ بهم
 منیژه^۸ چو بیژن دژمروی ماند^۹
 چو هنگام رفتن فراز آمدش
 ۲۱۰ بفرمود تا داروی هوش بر
 عماری بسیجید^{۱۳} رفتن به راه^{۱۴}
 ز یکسو^{۱۷} نشستنگه کام را
 بگسترد کافور بر جای خواب
 چُن^{۲۱} آمد بنزدیک شهر اندرا^{۲۲}
 ۲۱۵ نهفته به کاخ اندرآمد به شب

ابا بربط و چنگ رومی سرای^۱
 ز دینار دیبا^۲ چو پشت پلنگ
 سراپرده آراسته سرسبر
 برآورد^۴ با بیژن گیو زور^۵
 گرفته برو خواب و مستی ستم^۶
 پرستندگان را بر خویش خواند^۸
 به دیدار بیژن نیاز آمدش^{۱۱}
 پرستنده آمیخت بر^{۱۲} نوش بر
 مرآن خفته را اندرو^{۱۵} جایگاه^{۱۶}
 دگر ساخته خواب و^{۱۸} آرام را
 همی ریخت^{۱۹} بر چوب صندل گلاب^{۲۰}
 پیوشید بر خفته بر چادر^{۲۳}
 به بیگانگان هیچ نگشاد لب

۱-س (نیزب): رومی درای؛ ل: رامی سرای؛ ل، ق، س (نیزلن-ب): چنگ و (و: چنگ) رامش سرای (س: گرای؛ ق: ل، ل: فزای): متن =
 ۲-ل-س (نیزلن، ق: ل، ب، ل، ب، ل، ب): زمین؛ (ل: آ: بدیبا؛ چین): متن = ف (نیزو) ۳-ل (نیزلن، ل: ب، و، ل، ل، آ): ز دینار
 و دیبا؛ س، س (نیزب): بدینار و درهم؛ ق (نیزق): بدینار و دیبا؛ ل: بدینار و گوهر؛ (ل: بدینار خرگاه): متن = ف ۴-ل، ل، ق: بر آورده؛
 س: بر آورده؛ متن = ف، س، ل ۵-ل (نیزلن): شور؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق-ب) ۶-ل، ل، س، ق، س (نیزلن، ل: ل، ل):
 بسوده؛ ل: با او؛ (ب: هر دو؛ آ: شادمانه): متن = ف (نیزق) ۷-ف: برو خواب و مستی گرفتش (!) ستم؛ س (نیزب):
 چه بیژن چه ظهمورث و شاه جم؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن-آ) ۸-ل: چهاره ۹-س: دید ۱۰-س:
 دید (پساونند ندارد): ل: منیژه پرستندگان را بخواند؛ در ل، ق این بیت پس از بیت ۲۱۰ پ آمده است؛ ف پس از بیت ۲۰۸ افزوده
 است:

بفرمود کورا بخوابید پست

بدستش بمالند خوش پای و دست

۱۱-س این بیت را ندارد ۱۲-ل، س، ق، س (نیزلن-ب): با؛ متن = ف، ل، ل، ق (نیزل، آ) پس از بیت ۲۱۰ بیت زیر را ول، ق پس
 از آن بیت ۲۰۸ را افزوده اند:

بدادند مریژن گیورا

مران نیکدل نامور نیورا

س، س (نیزلن-ب) پس از بیت ۲۱۰ (ل، آ پس از بیت بالا) افزوده اند:
 بدادند و چون خورد می گشت مست

ابر(لن: ابی) خویشتن(ق: همان خوردن و) سرش بنهاد پست(ل: آ: همانگه برو

خواب بگشود دست؛ و: بالین سرش باز بنهاد پست)

۱۳-ف: بسیجید و ۱۴-ل: بسیجید و بنمود راه ۱۵-ل، س، ق: اندران؛ متن = ف، ل، س ۱۶-س:
 خوابگاه ۱۷-ل: زیکرو؛ س: بیکسو ۱۸-ل، س: جای؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۹-س: براندود ۲۰-س: بیداری
 بیژنش بد شتاب (۲۱۳-ب) ۲۱۶-آ را انداخته و از ۲۱۳-آ و ۲۱۶-ب یک بیت ساخته است) ۲۱-ل، ق، ل، س (نیزلن-ب): چو؛ متن =
 ف ۲۲-ل: اندرای ۲۳-ل: چادرای؛ ق: ابا ماهرویی به بالین برا (۲۱۴-ب) ۲۱۸-آ را انداخته و از ۲۱۴-آ و ۲۱۸-ب یک بیت
 ساخته است)

چو یکچند بیژن همی بُد به خواب^۱ به بیداری بیژن آمد شتاب
 چو بیدار شد بیژن و هوش یافت نگار سمنبر در آغوش یافت،
 به ایوان افراسیاب اندرا^۲ همان ماهرویش به بالین برا^۳،
 بیچید بر خویشتن بیژنا^۴ به یزدان بنالید از^۵ آهرمنا^۶
 چنین گفت کای کردگار ار مرا^۷ رهایی نخواهد بُدن زایدرا^۸،
 ز گرگین تو خواهی^{۱۰} مگر کین من برو بشنوی درد و نفرین من
 که او بُد بدین بد مرا^{۱۱} رهنمون همی^{۱۲} خواند بر من هزاران^{۱۳} فسون
 منیژه بدو گفت: دل شاد دار! همه کار نابوده را باد دار!
 به مردان^{۱۴} ز هر گونه کار آیدا^{۱۵} گهی بزم و گه کارزار آیدا^{۱۵}
 نهادند هر دو^{۱۶} به خوردن سرا^{۱۷} که هم دار بُد پیش و هم منبرا^{۱۸}
 ز هر خرگهی^{۱۹} گل رخی خواستند به دیبای چینی^{۲۰} بیاراستند
 پریچهرگان^{۲۱} رود برداشتند به شادی همی^{۲۲} روز بگذاشتند^{۲۳}

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن^{۲۴}

۱- ل، س^۲ (نیز لن، لن^۲): بیاراسته (لن، لن^۲: بیاراستند) اندرو (س^۲: اندرون) جای خواب: (ق^۲: بیاراستندش یکی جای خواب؛ ل، و، آ: بایوان بیاراستش جای خواب؛ ب: بیاراست نیکویی جای خواب): متن = ف (نیز ب): ل (نیز ل^۲) این بیت را ندارند و س، ق در اینجا افتادگی دارند؛ ف، س، ل^۲ (نیز ق، ل، آ) پس از بیت ۲۱۶ افزوده اند:

بی آورد روغن مر او را بداد

جوان گشت در حال بیدار و (ل: گشت بیدار و فرخنده) شاد (س، ق، ل، آ: که تا گشت بیدار و چشمش گشاد)

ل، س^۲ (نیز لن، ل، ب، و، لن^۲) این بیت را ندارند و ق در اینجا افتادگی دارد؛ ب، و بجای بیت بالا افزوده اند:

درافکنند داروی هوشش بگوش

بدان تا بجای آمدی هوش و توش

۲- ل: اندرای ۳- ل (نیز ق^۲): ابا ماهرخ سر بالین برا (ل: برای): س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ل، ب): ابا ماهرویی (ل: ماهرویان؛ ل، و: ماهرویش) بالین سرا؛ متن = ف ۴- ف: خویشتن بر بدرد؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-ب) ۵- ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ب، لن^۲): پناهید؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز و، آ، ب) ۶- ل: ز ۷- ف: ز ایران و از دوستان یاد کرد؛ (ل^۳: که چون دید او کام اهرمنا) ۸- ف: دادفرمای پاک؛ س (نیز ل^۲) ب: کردگار جهان؛ ق: کردگار از منا؛ س^۲ (نیز لن، ل، لن^۲) آ: کردگار مرا؛ (ب: کردگار مرا): متن = ل (نیز ق، ل، و) ۹- ل: زایدرا؛ (ل^۳: بدن مان بجان): ف: مرا گرتوران زمین است خاک؛ س (نیز ب): رهایی توده مر مرا زین بدان؛ متن = ق، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ق، ل^۲: بخواهی ۱۱- ل: بد مرا بر بندی ۱۲- س: همو ۱۳- ل: فراوان؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۴- س: بمرده ۱۵- ل^۲: اوفتند ۱۶- ق، ل^۲ (نیز ق، ل، و): از آنپس؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ل، ب، لن^۲) آ، ب) ۱۷- ف: به خواب و بخوردن نهادند سر ۱۸- ف: برین کرد یکچند گردون گذر؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لن-ب): ل این بیت را ندارد ۱۹- س: خیمه ۲۰- ل-س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): رومی؛ متن = ف (نیز لن، ق، ل، ب، لن^۲): در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- ف (نیز ل، آ): پرستندگان؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۲- ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل^۲ ۲۳- س: رود می خواستند؛ س^۲ این بیت را ندارد ۲۴- ف: گفتار اندر آگه شدن دربان و گفتن او پیش افراسیاب و آمدن کرسیوز و گرفتن بیژن را و بردن؛ ل: آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن؛ س، س^۲: آگاهی یافتن افراسیاب از حال بیژن (س: با منیژه): متن = ل

چو بگذشت یک روزگاران چُنین^۱ پس آگاهی آمد به دربان ازین^۲
 نهفته همه کارها را بچُست^۳ به ژرفی نگه کرد کار از نخست
 کسی کز گزافه سخن راندا درختِ بلا را بجنباندا
 نگه کرد کو کیست و شهرش کجاست بدین آمدن سوی توران چه خواست^۴
 بدانست و ترسان شده^۵ از جان خویش شتابید^۶ نزدیک درمان خویش
 جز آگاه کردن ندید ایچ رای دوان^۷ از در^۸ پرده برداشت پای
 بیامد بر شاهِ توران^۹ بگفت که دخترت از^{۱۰} ایران گزیده‌ست جفت
 جهانجوی کرد از جهاندار یاد تو گفتی که بیدست هنگام باد^{۱۱}
 که را از پس پرده دختر بود اگر تاج دارد بداختر بود^{۱۲}
 ز کار منیره به خیره بماند^{۱۳} قراخانِ سالارهُش را بخواند^{۱۴}
 بدو گفت: ازین^{۱۵} کار ناباک‌زن هُشیوار با من یکی رای زن!
 چُنین داد پاسخ قراخان^{۱۶} به شاه که در کار هُشیوارتر کن نگاه!
 اگر هست خود جای گفتار^{۱۷} نیست ولیکن شنیدن^{۱۸} چو دیدار نیست^{۱۹}
 به گرسبوز اندر یکی بنگرید کز ایران چه دیدیم و خواهیم دید^{۲۰}

۱- ل، س، ق، س^۲ (نیز و): یک چندگاه این چنن؛ (لن، پ، ل، ن): یکرورگار اندرین؛ ل، آ: یک چندگاهی چنن؛ یکرورگار این چنن؛ ل: چو یک چندگاه اینچنین بگذرید؛ متن = ف ۲- ل: سخنشان یکایک بدریان رسید ۳- ل، ل: کارشان بازجست؛ س، س^۴ (نیز لن، ق، ل، ل، و، لن، آ): کارها (ق، ل، ن: رازها) بازجست؛ متن = ف (نیز پ، ب): ق بیت های ۲۲۹-۲۳۱ را ندارد ۴- ل، س، س^۵ (نیز لن، ل، پ، ل، ن): چراست؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، آ) ۵- ل: ترسید ۶- ل: بیامد به ۷- (ل: سبک) ۸- ل، س، س، ق (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، آ): از پس؛ ل: تا در؛ متن = ف، س^۹ (نیز ل، ل، ل، آ، ب): ف این بیت را ندارد؛ س، س^{۱۰} (نیز لن، پ، ل، ن، آ): پس از بیت ۲۳۵ افزوده‌اند: ز دیده برخ (لن، پ، ل، ن): بدست از مژه خون مژگان برفت برآشفست و این داستان بازگفت ۱۱- ل، ق، ل، ل، ق، ل، ل، و، لن، آ): این بیت را ندارند ۱۲- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س^{۱۳} (نیز لن- ب): ل، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: که را (س: اگر) دختر آید بجای پسر به از گور داماد نباید بدر (س: بر) ۱۴- ل، س^{۱۵} (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ن، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۳۵-۲۳۶): فعاظه ذلک وارتعد غضبا وقال: إن أبا البنات المتحوس الطالع والبخت، وإن صاحب التاج والتخت ۱۳- ل: دلش خیره ماند؛ ف: دل شاه ازین کار خیره بماند؛ متن = س، ق، ل، ل، س^{۱۶} (نیز لن- ب) ۱۴- ل، ل، ل، ل، س^{۱۷} (نیز ل، ل، آ، ب): سالار را پیش خواند؛ ق: بیدار هُش را بخواند؛ (لن، ق، ل، پ، ل، ن): سالار هُش را بخواند؛ متن = ف، س ۱۵- ق: زین ۱۶- ل: قراخان چنن داد پاسخ؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^{۱۸} (نیز لن- ب) ۱۷- ف: گرین هست خود جای پیکار؛ متن = ل- س^{۱۹} (نیز لن- ب) ۱۸- ف (نیز ق): شنیده؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، ب) ۱۹- س: شنیدن مر این را سزاوار نیست؛ س، س^{۲۰} (نیز لن، ل، ل، پ، ل، ن، آ): پس از این بیت افزوده‌اند:

چو پاسخ چنن یافت افراسیاب ز گفت قراخانش آمد شتاب

بنداری (۲۳۷-۲۴۰): واستدعی السالار المعروف بقراخان، وقال: أشر علىّ برأیک فی هذه الخبيثه. فقال: الرأی أن تستكشف حتى تطلع على حقيقة الحال ثم تری رأیک ۲۰- ف، ل: بزد دست وجامه زغم بردرید؛ (لن: تو گفتی میانش بخواد برید)؛ متن = س، س^{۲۱} (نیز ق، ل، ل، ن، آ، ب): ل، ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: فالتفت الی أحمیه کرسبوز وقال: انظر مالقینا من ایران، و ما تلقاه من بعد؛ ف، ل، ل، ق، ل، ل، آ) پس از بیت ۲۴۱ افزوده‌اند:

بکرسیوز آنگاه گفتش (ق: آنگه بگفتش؛ ف، ل: سخن برگشاد و بگفتش) بدر

س، س^{۲۲} (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) این بیت را ندارند

زمانه چرا بندد این بندِ بد^۱ غم شهر ایران^۲ و فرزندِ بد^۳
 برو با سواران هشیارسر ننگهدار مر کاخ را بام و در
 نگر^۴ تا که بینی به کاخ اندر^۵ بند و کشانش بیار ایدر^۶

۲۴۵ چو گرسیوز آمد بنزدیک در
 غریویدن^۹ چنگ و بانگ رباب
 سواران گرفتند گرد اندرش
 سواران در و بام^{۱۲} آن کاخ شاه
 چو گرسیوز آن کاخ در بسته دید
 ۲۵۰ بزد دست و بر کند بندش^{۱۶} ز جای
 بیامد بنزدیک آن خانه زود
 ز در چون به بیژن برافگند چشم
 در آن^{۲۰} خانه سیصد پرستنده دید^{۲۱}
 بیچید بر خویشتن بیژنا

از^۷ ایوان خروش آمد و نوش^۸ و خور
 برآمد از^{۱۰} ایوان افراسیاب
 چو سالار شد سوی^{۱۱} بسته درش
 گرفتند^{۱۳} و هر سو بچستند^{۱۴} راه
 می و غُلغُلِ نوش^{۱۵} پیوسته دید،
 بچست از در اندر میان^{۱۷} سرای،
 کجا پیشگه^{۱۸} مرد بیگانه بود
 بجوشید جوشن برو بر^{۱۹} ز خشم
 همه با رباب و سرود و نبید^{۲۲}
 که چون^{۲۳} رزم سازد^{۲۴} برهنه تن؟

۱- ل (نیزب): من: ق؛ که گیتی چرا جوید این کاربرد: (ق، ل، آ، و): بکیتی کرا بد چنین روزید؛ ل، آ: زمانه چرا گردد از بخت بد): متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ب، ل، ن) ۲- س، ق: شهریاران، متن ← ۳- ل (نیزب): من: (ق، آ، و): خود: ل: غم کین ایران و فرزند خود): متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، ب، ل، ن، آ) ۴- ف: بین: متن = ل-س^۱ (نیزلن-ب) ۵- ف (نیزل-آ): اندرون: متن ← ۶- ف (نیزل-آ): بیاور برون: متن = ل-س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر): در ف پس از بیت ۲۴۴ بیت های ۲۴۲ و ۲۴۳ دوباره آمده اند و بیت ۲۴۲ چنین آمده است:

که جام برآید ازین بند بد غم کین ایران و فرزند بد
 ۷- ق، ل، ز: ۸- س، آ: گیر ۹- ل: خروشدن ۱۰- ل-س^۱: ز: متن = ف: س، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:
 س: در کاخ او را سواران شاه بستند و هر سو گرفتند راه (= ۲۴۸)
 ل: بیامد بنزدیک آن خانه زود کجا بشته (!) مرد بیگانه بود (= ۲۵۱)

۱۱- ل: دید؛ در ل، ق این بیت پس از بیت ۲۴۹ آمده است: س پس از بیت ۲۴۷ افزوده است:

گرفتند دیوار و بام و درش بستند درها بران لشکرش

۱۲- ق: راه ۱۳- ل: نشستند ۱۴- ل، ق (نیزلن، ب، ل، ن، آ، ب): بستند: ل: گرفتند: متن = ف (نیزل-آ، و): س، س^۱ این بیت را ندارند (= ۲۴۶ پ) ۱۵- ف، ل (نیزلن، ل، ب، ل، ن، آ): غلغل و نوش: س: درو غلغل و بانک: ق: درو غلغل نوش: (ب: درون غلغل و بانک): متن = ل (نیز ق، آ، و): س^۱ این بیت را ندارد: در ل، ق پس از این بیت، بیت ۲۴۷ آمده است ۱۶- ف: و بندش بکند او: متن = ل-س^۱ (نیزلن-ب) ۱۷- ل: از میان در اندر: ل: از در آمد میان: ق: بناگه برست او میان: (ب: نخست اندر آمد میان): متن = ف، س، س^۱ (نیزلن-آ) ۱۸- س، ق، س^۱ (نیزلن، ل، ب، ل، ن، آ): اندر: ل: پیش آن: متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل) ۱۹- ل، ق: خوش برگ بر: ل: و جوشی (جوشن) برو بر: (ق، ل، و، آ: خوش برو بر: ل: خوش بقی در): متن = ف، س، س^۱ (نیزلن، ب، ل، ن، آ) ۲۰- ق: بدان ۲۱- ل-س^۱ (نیز ق، آ، ل): بود: متن = ف (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۲- ل، س، ق، ل (نیز ق، آ، ل): نبید و سرود: س: نبید و رباب و سرود: متن = ف (نیز هفت دستنویس دیگر): س پس از این بیت افزوده است:

و بیژن نشسته میان زنان بکف برمی سرخ شادی کنان

بنداری: فقلع الباب و دخل فرأی بیژن کالسر و الیاسق حوالیه تأثمائة وصفة القمر الشارق ۲۳- ل: کجا: متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل-ب) ۲۴- ل، س: سازد: متن = ف، ق، ل، آ، س^۱

۲۵۵ نه شیرنگ با من، نه رهوار^۱ بور
کجا گیو^۲ گودرز کشوادگان
به^۳ گیتی نبینم همی یار کس

همانا که برگشتم امروز هور
که سر داد باید همی رایگان
جز از^۴ ایزدم نیست فریادرس

۲۶۰ همیشه به یک پای^۵ موزه درون
بزد دست و خنجر کشید از نیام
که من بیژم پور^۶ کشوادگان
ندرد کسی پوست بر من، مگر
و گر خیزد اندر جهان رستخیز
به گرسیوز آنگاه^۷ آواز کرد
تو دانی نیاگان و شاه مرا
اگر جنگ سازی و من^۸ جنگ را
ز تورانیان من بدین خنجر^۹
گرم^{۱۰} نزد سالار توران^{۱۱} بری
تو خواهشگری کن مرا زو^{۱۲} به خون

یکی خنجری داشت^{۱۳} آبگون
در خانه بگرفت و برگفت نام،
سر پهلوانان^{۱۴} و آزادگان
همی سیر آمد تنش را ز سر^{۱۵}
نبیند کسی پشتم اندر^{۱۶} گریز
که با من بدین^{۱۷} بخت بدساز کرد
میان یلان پایگاه مرا
همیشه بشوم^{۱۸} به خون چنگ را -
ببرم فراوان سران را سرا^{۱۹}
بخوانم برو داستان، آوری^{۲۰}!
سزد گر به نیکی بوی^{۲۱} رهنمون

۲۶۵ ننگه کرد گرسیوز^{۲۱} آهنگ او^{۲۲}
بدانست کو راست گوید همی
۲۷۰ وفا کرد با او به سوگندها

به جنگ اندرون تیزی^{۲۳} چنگ او^{۲۴}
به خون ریختن دست شوید همی
به خوبی^{۲۵} بدادش بسی پندها

۱- ل: رهوار و؛ در س^۱ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲- ل، ق: گیو و؛ س، س: گرز؛ متن = ف، ل: درل، ق، ل: این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- ل، س، ق، ل: ز؛ متن = ف، س: ۴- ل، س، س: بجز؛ متن = ف، ق، ل: ۵- ل، س: (نیز لن-ب): ساق؛ متن = ف ۶- ق: همی داشتی خنجری ۷- ل: [و] ۸- ف: سرش رازتن (پساوند ندارد)؛ ل، ق (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن): همی سیری آید تنش (لن، پ: تم) راز سر؛ س (نیز ب): همی سیری آیدش از جان و سر؛ ل: که آید هم از خویشتن سیر سر؛ س: که سیری نماید تنش راز سر؛ متن تصحیح قیاسی است (ب) ۹- ف، ق، ل، س: (نیز لن-ب، لن، آ): پشت من در؛ متن = ل، س (نیز و، ب) ۱۰- س: آنگه وی ۱۱- ف: بدن (بدین؟ بدی؟)؛ س، ق (نیز ق، ل، آ، ب): چنین؛ س: (نیز ل، و، آ): بدی؛ متن = (لن، پ، لن): ل، ل: این بیت را ندارند ۱۲- ل، س، س: سازید مر؛ ق (نیز لن، ل، آ، ب): سازید من؛ ل: سازی تو من؛ (ق: جویند من؛ ب: چنگ سازید مر)؛ متن = ف ۱۳- ل: بشوم همیشه ۱۴- ف: من اکنون بدین خنجر آبگون؛ متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۱۵- ق: هم اکنون سرانرا سرا؛ ف: برانم به توران زمین جوی خون؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز لن-ب) ۱۶- ق: اگر ۱۷- ل: ترکان ۱۸- ف (نیز ق، و، آ): داستان پری؛ س: داستان داوری؛ (لن، پ، لن): برین داستان داوری؛ ل: بدو داستان داوری)؛ ل: بخوی برو داستان آوری؛ ق: برو بخوانم این داستان پری؛ (ل: بدو باز گویم همه داوری)؛ متن = س، ل، آ (نیز ب: ل: بدو) ۱۹- ل: بخواهم ۲۰- ق: شوی؛ ل: کنی ۲۱- ل: نکرد ایچ کرسیوز؛ ل: از آن پس نکردند؛ متن = ف، س، ق، س: ۲۲- ل، س، او ۲۳- س: تیزی و؛ ل: چو دید آن چنان تیزی؛ ل: چو دیدند شیری (!)؛ س: که دیدند آن تیزی؛ متن = ف، ق (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۴- س: بچری؛ س این بیت را ندارد

به پیمان جدا کرد ازوا خنجرا
 یکایک بیستش^۳ بکردار یوز
 چنینه ست گردنده ی گوژپشت^۵
 چن^۷ آمد بنزدیک شاه اندرا^۸ ۲۷۵
 برو آفرین کرد کای شهریار
 نه من بآرزو^{۱۲} جستم این^{۱۳} پیشگاه^{۱۴}
 از ایران به جنگ گراز آمدم
 ز بهر یکی باز گم بوده را
 به زیر یکی سرو رفتم به خواب ۲۸۰
 پری بی بیامد^{۱۹} بگسترد پر
 از^{۲۱} اسپم جدا کرد و شد تا به راه
 سواران پراکنده برگرد دشت

به چربی^۲ کشیدش به بند اندرا
 چه سود از^۴ هنرها چو برگشت روز
 چو نرمش بسودی بیابی درشت^۶
 گو^۹ دست بسته برهنه سرا^{۱۰}،
 گر از من کنی راستی خواستار^{۱۱}،
 نبود اندرین کار کس را^{۱۵} گناه
 بدین^{۱۶} بوم توران^{۱۷} فراز آمدم
 برانداختم میهن^{۱۸} و دوده را
 که تا سایه دارد مرا ز آفتاب
 مرا اندر^{۲۰} آورد خفته به بر
 که آمده می لشکر و دخت شاه
 چه مایه^{۲۲} عماری به من برگذشت

۱- ل، ق: زو ۲- ل، س: بخونی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۳- ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، و): بیاورد بسته؛ (لن، پ، ل، ن: سرپای
 بستش)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۴- ف: آن (از)؛ متن = ل، س (نیز لن-ب)؛ در ق، ل، آ، س این بیت با بیت سپین پس و
 پیش شده است؛ س (نیز ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:
 برانسان (بدانسان) بنزدیک افراسیاب

بببرند رخ زرد و دیده پیرآب

۵- ل: کردار این گوژپشت؛ (و: نداند کسی راز این گوژپشت)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ل، ل، آ، س: چو
 نرمی بسودی (س: بسایی) بسایی (ل: بساوی) درشت؛ س، ق (نیز لن، ل-ب): چونرمش بسودی بیاید (لن، پ، و، لن: بسایی بیابی؛ ل، آ:
 بسازی بیابی) درشت؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف بجای بیت ۲۷۴ و س، و پس از آن افزوده اند:
 چنینه است گردنده کار جهان

که ماتم کند سورهم (س، و: را) در زمان (و: نهان)

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، س: آوردن کرسیوز بیژن را بنزدیک (س: نزد) افراسیاب؛ ق: گرفتن بیژن بدست کرسیوز و
 بردن بنزد افراسیاب؛ ل: گرفتن بیژن و بردن نزد افراسیاب ۷- ف- ل (نیز لن-ب): چو؛ متن = س ۸- ل: چو آورد نزدیک شاه
 اندرش ۹- ل: گوی ۱۰- ل: سرش؛ ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت شاه ای سگ زشت کیش
 ترا نیست در تن رگ مردمی
 ز آهرمنی نزنیاکان خوش
 نژادت ز دیوست نزن آدمی

۱۱- ل، س، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بگوه ترا سر بسرداستان
 چو گردی بگفتار همداستان

۱۲- ل: بآرزوی؛ س: نه بر آرزو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۳- ق: آن ۱۴- ل، ق: جشنگاه؛ ل: جایگاه؛ (ل، آ: بیشه گاه؛ ل، آ، ب:
 رزمگاه)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن) ۱۵- ل: جایگاهم ۱۶- س: برین ۱۷- ل، س، ل، آ، س (نیز لن-ل، آ،
 ب): جشن توران؛ ق: جشنگه زان؛ متن = ف ۱۸- ل: مهربان؛ (ل: خانه و؛ ب: من همه)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت
 دستنویس دیگر)؛ س (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بماندم ز بس رنج و راه دراز
 بدین جشنگه من رسیدم فراز

۱۹- ل: پری در بیامد؛ س (نیز ق، و، ب): بیامد پری و؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، ل، ن) ۲۰- ق: ایدر؛ متن = ف، ل، س،
 ل، آ، س (نیز لن-ل، آ، ب) ۲۱- س، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، ل ۲۲- ف، س، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب): فراوان؛ (ل، آ: زهر
 سو)؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، ب) بیت های ۲۸۳-۲۸۵ را ندارد

- یکی چتر هندی^۱ برآمد^۲ ز دور
 یکی عودعماری اندر میان^۴
 بدو اندرون خفته بُت^۶ پیکری
 پری یک‌بیک زاهرمن کرد یاد
 مرا ناگهان در عماری نشاند
 که تا اندر ایوان نیامد^۹ ز خواب
 گناهی مرا اندرین بوده نیست
 پری بی‌گمان^{۱۱} بخت برگشته بود
- ۲۸۵
- ۲۹۰
- چنین داد پاسخ پس افراسیاب
 تو آتی کز ایران به تیغ^{۱۳} و کمند
 کنون چون زنان پیش من^{۱۵} بسته دست
 به کار^{۱۶} دروغ آزمودن همی
- ۲۹۵
- بدو گفت بیژن که ای شهریار
 گرازان به دندان و شیران به چنگ
 یلان هم به شمشیر و گرز و کمان^{۲۰}
 یکی دست بسته برهنه‌تنا،
 چگونه چخدا^{۲۱} شیر بی‌چنگ تیز
 اگر شاه خواهد که بیند ز من
- ۳۰۰
- گرفته ز هر سو^۳ سواران تور
 کشیده برو چادری^۵ پرنیان
 نهاده به بالیش^۷ بر افسری
 میان سواران درآمد^۸ چو باد
 برآن خوب‌چهره فسونی بخواند،
 نجبید و من دیده کرده^{۱۰} پُرآب
 منیژه بدین کار آلوده نیست
 که بر من همی جادوی آرمود
- که روز^{۱۲} بدت کرد بر تو شتاب
 همی رزم جُستی و نام^{۱۴} بلند
 همی خواب گویی بکردار مست
 بخواهی سر از من^{۱۷} ربودن همی
- سَخُن بشنو از من یکی هوشیار^{۱۸}؛
 توانند کردن به هر جای جنگ^{۱۹}
 توانند کوشید با بدگمان
 یکی را ز پولاد پیراهنا،
 اگر^{۲۲} چند باشد دلش پُرستیز
 دلیری نمودن به هر^{۲۳} انجمن،

۱-س (نیز، لن، پ، ل، ن، آ، ب): توری؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، و، آ) ۲-ف، س (نیزب): بیامد؛ متن = ل، ق، س (نیز لن-آ) ۳-ل، ق: زهر سو گرفته ۴-ل: یکی کرده از عود مهدی میان؛ ق: ز عود قُماری عماری میان: (لن، ل، ن): یکی نوعماری بد اندر میان؛ ق، و: یکی هودجی ساخته در میان؛ ل، آ: عماری یکی عودی (ل: حوری) اندر میان؛ متن = ف، س، س (نیز ب) ۵-س، س: چادر ۶-ل: بد ۷-ل: بیالین برش؛ ق: بیالین او؛ متن = ف، س، ل، س ۸-س: بیامد؛ ق این بیت را ندارد ۹-س: رسیدم ۱۰-ق، ل (نیزلن، ل): چشم کردم؛ (ل، آ: کرده چشمم؛ پ، لن: چشم کرده)؛ ل: نجبیدم این چشم کرده؛ س: نجبیدم و دیده کردم؛ متن = ف (نیزق، آ، و)؛ س این بیت را ندارد ۱۱-ق: بی سخن؛ ل، س، ق (نیزل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: چنین بد که گفتم کم و بیش نه

۱۲-ل، ق، س (نیزل، ل، آ، ب): بخت؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۳-س: گرز ۱۴-ل، س، ق، ل (نیزلن، ل-آ): بنام؛ متن = ف، س (نیزق، آ، ب) ۱۵-ل، آ، س: پیش من چون زنان ۱۶-س: بگفت ۱۷-ق: ز من سر؛ س: سر از تن (من) بخواهی ۱۸-ق: هوش دار؛ ل: گوش دار؛ متن = ف، ل، س، س ۱۹-نیزه لغت دری، ص ۱۱۰ ۲۰-س: تیرو کمان؛ ل، س: گرز گران؛ متن = ف، ل؛ ق این بیت را ندارد ۲۱-ل، س (نیزب): کند (!)؛ (ق: درد؛ ل: جکد (!)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ل، و، لن، آ) ۲۲-س: و گرز ۲۳-ل، س، ل، س (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب): بدین؛ (پ: برین؛ ل: بیان)؛ متن = ف، ق (نیزآ)

یکی اسپ فرمای و گزری گران
 به آوردگه^۳ بر یکی زآن^۴ هزار
 چو از بیژن^۵ این گفته بشنید، چشم
 به گرسیوز اندر^۶ یکی بنگرید^۷ ۳۰۵
 نبینی که^۸ این بدگنش^۹ رینا
 بسنده نبودش همین^{۱۰} بد که کرد
 بر همچین بند بر دست و پای
 بفرمای داری زدن پیش در
 نگون بخت را زنده بر دار کن ۳۱۰
 بدان تاز ایرانیان زین سپس

کشدندش از پیش افراسیاب
 چو آمد به در بیژن خسته دل
 همی گفت^{۱۷}: اگر بر سرم کردگار
 ز دار و ز کشتن نترسم^{۱۹} همی ۳۱۵
 که نامرد خواند مرا^{۲۱} دشمنم
 به^{۲۵} پیش نیاگان خسرومنش^{۲۶}

۱- ل: ترکان؛ س: گردان ۲- ل: گزین کن ز توران ۳- ف، ق: (نیز ق، ل، ن، ب): گر (!)؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز پ، و) ۴- ل، س، ل، آ: زین؛ متن = ف، ق، س ۵- ل: ز بیژن چو ۶- س: بر وبر بجوشید و آورد ۷- ف، س: (نیز ب): آنگه؛ (لن: آ: ایدر)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز لن- و، آ) ۸- س: چنین گفت شاه؛ س: همی بنگرید ۹- ل، ق، ل، آ: (نیز لن، آ): چه دیدیم و خواهیم دید؛ (لی: چه دیدی چه خواهیم دید)؛ س: که شد روزگاران ما را تباه؛ س (نیز پ، لن): بدو گفت چون این سخنها شنید؛ (ق، آ، و، ب): کز ایرانیان ما چه خواهیم دید؛ ل: تو گفتی میانش بخواهد برید)؛ متن = ف ۱۰- ق: تو ۱۱- س: بدرگ؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ف: همان؛ (لی: آ: همی؛ ب: چنین)؛ متن = ل- س (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، ب) ۱۳- ل، آ: (نیز لی، آ): که هم؛ (لن، ب، لن، آ: کنون)؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بیایی بیت های متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۴- ل، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ): بر ورهگذر؛ س: آ: بدو درگذر؛ (ب: بدو رهگذر؛ ل: بر وره زهر سو گذر)؛ س: بجایی که باشد زهر سو گذر؛ متن = ف (نیز ب) ۱۵- ل، آ: وزان ۱۶- س: توران نیارد ۱۷- ق: بگفتا ۱۸- ل: نوشتست ۱۹- (و: نترسم)؛ ل: من از دار و کشتن نترسم؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- (ق: بیچم همی؛ لی: شدستم غمی؛ آ: توران بتفسم همی)؛ س، س (نیز لن، ب): ازین (س، ل، ن: وزین) کار بر دل نیارد غمی؛ (لن: وز ایرانیان من بتفسم همی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ: (نیز ل، آ، ب، و؛ ف- پ: ساوند ندارند)؛ س (نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

وز ایرانیان من بتفسم همی ز گردان ایران بترسم همی

۲۱- ف، ق: همی؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن- ب) ۲۲- ق: چو ۲۳- س: نایسته ۲۴- ق: بیند ۲۵- س: ز ۲۶- ل، ق: (نیز ب): پهلومنش؛ س (نیز لن، ل، آ، و، آ): برترمنش؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، ن، ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ درس ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

روانم بماند^۱ هم ایدر به پای^۲ ز شرم پدر چون شود^۳ باز جای

گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب^۴

بخشود یزدان جوانیش را بهم بر شکست آن گمانیش را^۵

۱- ف: نیاید (!): متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ل^۳، پ، و، آ، ب) ۲- ل، ق (نیز ل^۳): بجای (پساوند ندارند): متن = ف، س، س^۲ (نیز ق^۳، پ، و، آ، ب) ۳- س^۲: رود: ل^۲ (نیز لن، ق^۳، لی، لن^۲) این بیت را ندارند: ل، ق، س^۲، ل^۲ (نیز لن، ق^۳، پ، و، لن^۲، ب) پس از بیت ۳۱۸ یا ۳۱۷ یا ۳۱۶ افزوده اند (ل^۲ بیت های یکم و دوم را ندارد):

دریغنا که شادان شود دشمنم

برآید همه کام دل روشنم (ق: برتم: س^۲: زنا کشته بردار کرده تم)

دریغنا ز شاه و ز مردان نیو (س^۲: شهنشااه و دیدار گیو)

دریغنا که دورم ز دیدار (ق: ز ایران و) گیو (س^۲: ز گردان نیو)

ایا بباد بگذر بایران زمین

پیامی بر از من بشاه گزین (ق: زمین)

بگوش که بیژن بسختی در است (ل^۲: به بند اندر دست)

چو آهو که در چنگ شیر نرس (ل^۲، س^۲: تنش را بچنگال بر اندر دست)

۴- ف: گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب و خواستن بیژن گیو را بخون و او را در چاه کردن: س: رسیدن پیران بنزد بیژن و احوال پرسیدن: ق: رسیدن پیران به بیژن در حالت آویختن او و رای زدن پیران با افراسیاب و نجس فرستادن بیژن: س^۲: بند کردن افراسیاب بیژن را بچاه: متن = آغاز ف ۵- س پس از این بیت افزوده است:

برآمد بسر بر نهاده کلاه

درین گفته بود او که پیران ز راه

س (نیز ل، آ) پس از بیت ۳۱۸ افزوده اند:

وزان پهلوانان بد راه من (!)

دریغنا جوانمردی و نام من

بماند بتیمار من ناتوان

دریغنا که باب من آن پهلوان

که مانندستم اینجای خسته جگر

دریغنا که ایران ندارد خبر

دریغنا که دورم ز دیدار نیو

دریغنا ز شاه و ز دیدار گیو

برآید همی کام دل بر من (!)

دریغنا که آگه شود دشمنم

چو آگه شوند از غم و جان من

دریغنا که هم سال و باران من

چو بر حال من زار و گریان شوند

بدر دل آوخ که بریان شوند

تن رزم جویم نفس رسایدا

گر ایزد من بر ببخشاید

شود زار و پر خون تن دشمنم

ببخشد جهان آفرین بر تم

پیامی بر از من بشاه گزین

ایا بباد بگذر بایران زمین

وزانجا بزابلستان در بدر

بگردان ایران رساند خبر

بطوس و فریبرز و رهام شیر

بگودرز و گستهسم و گیو دلیر

بدان تا ببیند بکینم کمر

برسته رسان زود از من خبر

چو آهو که در چنگ شیر نرس

بگوش که بیژن بسختی درست

گذشتم ز فرمان و گشتم نژند

پدر را بگویی که ای هوشمند

که از کار گرگین بشد آب روی

بگودرز کشواد از من بگویی

نبینم همی هیچ فریادرس

مرا در بلایی فکند او که کس

چه گویی تو با من بدیگر سرای

بگرگین بگو کای یل سست رای

که هرگز نکردست کس با کسی

که من با تو مردی نمودم بسی

ببدها بسلام درانسداختی ←

مکافات آن را بدی ساختی

- ۳۲۰ گننده همی کند جای درخت
 چو پیران ویسه بدانجا رسید
 یکی دار بر پای کرده بلند
 ز ترکان پرسید کین دارا چیست؟
 بدو گفت گرسیوز^۵: این بیژن است
 بزده^۶ اسپ و آمد بر^۷ بیژنا
 دو دست از پس پشت بسته چو سنگ
 پرسید و گفتش که چون آمدی؟
 همه^۱ داستان بیژن او را بگفت
 ببخشد^{۱۱} پیران ویسه بر او^{۱۲}
 بفرمود تا یک زمانش به دار
 ۳۳۰
- پدید آمد از دور پیران ز بخت
 همه راه تُرک کمر بسته دید
 کمندی برو بسته^۱ چون^۲ پای وند^۳
 در شاه را از در دار کیست؟
 از ایران، کجا شاه را دشمن ست
 جگرخسته دیدش برهنه تن
 دهان خشک و رفته ز روی آب و رنگ^۸
 به توران^۹ همانا به خون آمدی
 چنان چون رسیدش ز بدخواه جفت
 فرورخت آب از دو دیده به روی^{۱۳}
 نکردند و گفتش: هم ایدر^{۱۴} بدار!

۱- س. ق (نیز ق، ل، آ، ب): فروهشته؛ (ل: فرو بسته)؛ متن = ف. ل، ل، ل، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ل، ب، آ، ب): پای بند؛ ق: نای بند (!)؛ متن = ف (نیز و): ل پس از این بیت دو بیت و ف تنها بیت یکم را افزوده اند (ق نیز این بیت ها را دارد):

قضاراچن (ل: چو) آمد بنزدش (ق: فراز آمد آنکه) وزیر

که می خواست (ق: همی خواست) رفتن بنزد امیر

که پیران ویسه ورا نام بود

بباب سواری عجب رام (ق: کام) بود

۴- ق: کار؛ ل، آ، س: بتورانیان گفت این (س: کین) دار؛ متن = ف. ل، ل، س ۵- ف: بگفتند او را که: متن = ل-س (نیز ل-ب): بنداری؛ فسأل فأعلم بالحال؛ س (نیز ل، آ، ب) پس از بیت ۳۲۴ افزوده اند:

پسر گیسو گودرز کشوادگان

گوزین سواران و آزادگان

۶- س: براند ۷- س: سوی ۸- ل، ق (نیز ب): زرخساره رنگ؛ (لن، لن: زرخ آب و رنگ)؛ س (نیز ب): و گشته دورخ آب رنگ؛ ل: نهاده بگردنش بر پاهنگ؛ متن = ف. س (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۹- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ): از (ل: ز) ایران؛ متن = ف. س (نیز ل، و): س (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

از ایران چرا آمدی سوی تور

۱۰- ل: همان؛ س (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

که گرگین چه کردست با من بدی

۱۱- س: چو بشنود ۱۲- ق: بدوی ۱۳- ل: آب دو دیده بجوی؛ ل: ز مرگان سرشکش فروشد بروی؛ متن = ف. س، ق، س، ق، س ۱۴- ف: و گفتند هم ایدر؛ ل، ل، ل: و گفتا زمانی؛ س، ق (نیز لن، ل، ل، ب، آ، ب): و گفتا هم ایدر؛ متن = س (نیز و، لن)

→ گمان تو این بُد که من کار تو

ز نامردی خویش ترسیدیا

کنون گوی چون حال من بشنود

که بیژن بتوران گرفتار شد

بریده کنند نامت اندر جهان

۲۵

بگوه بگردان ز کردار تو

ز جان و روانه تو ببردیا

بسال دراز از تو می نگرود

برآن الحمن خسته و زار شد

نیارند گفتن ز بهرت مهان

ف (نیز ل) هیچک از این بیت ها را ندارند

بدان تا^۱ بینم یکی روی شاه
نمایم بدو^۲ اختر نیک خواه^۳

به کاخ اندرون شد^۴ پرستارفش
بر شاه با^۵ دست کرده به گش
پیاده دوان^۶ تا بنزدیک تخت^۷
بر افراسیاب آفرین کرد سخت^۸
همی بود بر^۹ پیش تختش^{۱۰} به پای
سپهدار دانست^{۱۱} کز آرزوی
چو دستور پاکیزه‌ی رهنمای^{۱۲}
بخندید^{۱۴} و گفتش^{۱۵} چه خواهی بگوی
به پایست پیران و از نیک خوی^{۱۳}
اگر زر خواهی و گر گوهرا^{۱۶}
ندارم دریغ از تو من گنج خویش
چو بشنید پیران خسروپرست
که جاوید بادا ترا تخت^{۲۰} جای^{۲۱}
ز شاهان گیتی ستایش تراست
مرا هر چه^{۲۱} باید ز^{۲۴} بخت تو هست
مرا این نیاز^{۲۷} از پی^{۲۸} خویش نیست

۱-س: که تا من ۲-ف: برو: متن = ل-س (نیزل-ب) ۳-ل: نیک و راه: س (نیزل، و.آ): نیک راه: متن = ف.ل.س.ق (نیزل ق.ل.لی.ل.پ.ل.آ.ب): س (نیزل، ل.ن): پس از این بیت افزوده‌اند (بیت سه در لی.ب. آنیز هست):

ز فرمان پیران نبودش گزیر

بده گفت کی پنهانوان هژیر

بداریم او را همیدون پیانی

مگر بداشدش پنهانوان رهنمای

بزد اسب پیران و بسه برفت بر شاه توران خرامید تفت

۴-ل-س (نیزل.ق.لی.ل.آ.ب): اندر آمد: متن = ف (نیزل، پ) ۵-ق: شد ۶-س (نیزب): چندان: ق: توان: ل: بیامد
دمان: متن = ف.ل.آ.س (نیزل، ق.لی.ل.آ.ب.آ) ۷-ق: شد بنزدیک شاه ۸-ق: بدو گفت نیکیت بادا از ماه ۹-ل.س
س.ل (نیزق.آ.پ.و.ب): در: متن = ف.ق.س (نیزل، لی.ل.آ) ۱۰-ف (نیزق): خسرو: س: او بر: متن = ل.س.ق.ل (نیزل، لی-ب) ۱۱-ف: نیک رای: ل.ل (نیزل.ب): پاکیزه و رهنمای: متن = س.ق.س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۲-ل: سپهد
بدانست: (ق): جهاندار دانست: لی.آ.شه ترک دانست: متن = ف.س.ق.ل.س (نیزل، ل.پ.و.ل.آ.ب) ۱۳-ل-س (نیزل، ق.ل.لی.پ.ب): پیران آزاده خوی: متن = ف ۱۴-س: پیرسید: متن = ف-ل (نیزل-ب) ۱۵-س.ق.ل: گفتا: متن = ف.ل.س
۱۶-ل: گوهری ۱۷-س: اگر ۱۸-ل-س (نیزل-ب): پادشاهی: متن = ف ۱۹-س.ق (نیزق.ل.آ.ب):
کشور: ل: لشکری: ل: هر کشور: متن = ف.س (نیزل، لی.پ.و.ل.آ) ۲۰-ل.ل.آ: تخت و جای: س: گنج و تخت: متن = ف.ق.
س ۲۱-ل.ق: مبادا ز تخت تو پر دخته جای: س: نیاید به تخت تو جز جای بخت: ل: نیاید بفر تو جز بخت و رای: متن = ف.س (نیزل، پ)
۲۲-س: نور و نمایش: ل: پروین نیایش: س: گردان نیایش: (ق): تابان نیایش: لی.آ: گیتی نمایش: و: تابان نمایش: ب: فر و
نمایش: ل.ق: ز خورشید برتر نمایش: (ل.ل.آ.ب.ل): ز خورشید تابان نیایش (ل): نمایش: ل.ن: ستایش: ((: متن = ف ۲۳-ل: هر چ ۲۴-ل-س (نیزل-ب): بسه: متن = ف ۲۵-ل.ق.ل: وز ۲۶-س: از
اسبان و مردان ۲۷-س: مرا حاجتی ۲۸-ل: از در ۲۹-س: بندگان: ل: پس از این بیت و س پس از این بیت و س پس از
بیت ۳۴۵ افزوده‌اند:

بداند شه نشه بر تر منش ستوده بر کازی سر زش

من از پادشاهیت آبادما ^۱	بزرگان ^۲ فرخنده بنیادما ^۳
همی غم خورم تا بدآرام ^۴ من	نخبیده کسی کم کند نام من (؟)
که من شاه را پیش ازین چند ^۵ بار	همی دادمی ^۶ پند بر چند کار ^۷
به فرمان ^۸ من هیچ نامد فراز	بدو ^۹ داشتم کارها دست باز
مکش گفتمت پور کاوس را	که دشمن کنی رستم و طوس را
- سیاوش که بود ^{۱۰} از نژاد کیان	ز بهر تو بسته کمر ^{۱۱} بر میان-
کز ایران به پیلان بکوبندمان	ز هم بگسلانند پیوندمان ^{۱۲}
[بگشتی به خیره سیاوش ^{۱۳} را	به زهر اندرآمیختی نوش را]
ز چشمت بشد رستم نیو را	سر پهلوان نامور ^{۱۴} گیو را
ندیدی ^{۱۵} بدی های ایرانیان	که کردند با شهر تورانیان؟
ز توران ^{۱۶} دو بهره به پای ستور	ببردند ^{۱۷} و شد بخت را آب شور
هنوز آن ^{۱۸} سر تیغ دستان سام	همانا نسوده ست بر تن ^{۱۹} نیام
که رستم همی سر فشاند ازوی ^{۲۰}	به خورشید بر خون چکاند ازوی ^{۲۱}
بر ^{۲۲} آرام بر، کینه جویی همی	گل زهر خیره بیویی ^{۲۳} همی
اگر خون بیژن بریزی برین ^{۲۴}	ز توران برآید همان ^{۲۵} گرد کین ^{۲۶}

۱- (لن، ل)؛ پادشاهی تو آبادما؛ ی، و، آ؛ پادشاهی بس آبادما؛ س (نیز ب)؛ پس از پادشاهی آبادما؛ ل؛ ترا پادشاهیت آباد باد؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، ب) ۲- س، ق؛ بزرگان و؛ متن ← ۳- ل؛ بهر کار فرخنده و داد باد؛ (و؛ بتن زورمند و بدل شادما)؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، ق، ی، لن، آ، ب)؛ ل (نیز ل)؛ این بیت را ندارند ۴- س (نیز ل، ل، ب، ل)؛ بارام؛ (ی، آ؛ بر آرام)؛ س (نیز ب)؛ متن = م، ب؛ همی (غم خورم تا در ایام؛ ق؛ بسی غم خورم تا ز آرام؛ ل؛ همی غم خورم من کز آرام؛ متن = ف ۵- س (نیز ب)؛ بختند؛ س؛ نخسید؛ (لن، ب، لن؛ نیچند)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ی، ل، آ) ۶- س؛ کوبرد؛ ل (نیز ق، و)؛ این بیت را ندارند ۷- ل، ل، س (نیز ب، لن)؛ اند ۸- س، ل؛ دادمش ۹- ل؛ بار ۱۰- س؛ بگفتار ۱۱- ل؛ ازو؛ ق؛ بدان؛ متن = ف، س، ل، س ۱۲- ق، ل، ل، س؛ که هست ۱۳- س؛ کمر بسته از مهر تو؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- س (نیز ق، ی، ل، آ)؛ پس از بیت ۳۵۰ افزوده اند؛

بسی کس درین کینه بی جان کنند

بسی تن که در خاک پنهان کنند

بسی زن که بی شوی گورد دژم

بسی شیر مردان که گردند کم

ای شاه یمند مرا کار بنند

بترسم کزین کار گردی نژند

۱۵- ف- س (نیز ل، ل، و، لن، ب)؛ سیاوش (= سیاوش)؛ متن = (ق، ل، ب، آ) ۱۶- س، ل، س (نیز ل، ل، ب، لن، آ، ب)؛ زنگه و؛ متن = ف، ق؛ ل (نیز و)؛ این بیت را ندارد ۱۷- ل، ل، س (نیز ل، و، لن)؛ بدیدی؛ متن = ف، ق، س (نیز ل، ق، ل، ب، آ، ب) ۱۸- ل؛ ترکان ۱۹- ل، ق (نیز و)؛ سپردند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ب، لن، ب) ۲۰- س، س (نیز ل، لن)؛ اندر؛ ل؛ دست و؛ ل، ق (نیز ق، ب، و)؛ نیاسود اندر؛ (ل؛ نکردست آرام اندر)؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۲۱- ل، ل، س؛ ازو؛ س؛ بدوی ۲۲- ل، ل، س؛ ازو؛ س؛ برآوی ۲۳- ل، ل، س، ق، ل (نیز ب)؛ به؛ متن = ف، س (نیز ل، ق، ل، ب، لن) ۲۴- ل، ل، س، ق، ل (نیز ب)؛ بی؛ متن = ف، س (نیز ل، ق، ل، ب، لن) ۲۵- ل، ل، س؛ بر خیره بیویی؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۶- ل؛ بدین ۲۷- ل؛ همی ۲۸- س؛ یکی گرد خیزد ز ایران زمین

- ۳۶۰ خردمندشاهی و ما کهترا^۱
نگه کن کزین^۳ کین^۴ که گستردیا^۵
همان را^۷ همی خواستار آوری
چو کینه دو گردد ندارم پای
به^۹ از تو نداند کسی گیو را
چو^{۱۱} گودرز کشواد پولادچنگ
- ۳۶۵ چو برزد بر آن آتش تیز آب
که بیژن ندانی^{۱۴} که با من چه کرد
نبینی کزین بدگنیش^{۱۶} دخترم^{۱۷}
همه^{۱۹} نام پوشیده رویان من
ازین^{۲۰} ننگ تا جاودان بر سرم^{۲۱}
چُن^{۲۳} او یابد از من رهایی به جان
به رسوایی اندر بمانم به درد
- ۳۷۰ چُنین داد پاسخ پس^{۱۳} افراسیاب،
به توران و ایران^{۱۵} شدم روی زرد
چه رسوایی آمد به پیران سرم^{۱۸}
ز پرده بگسترد بر انجمن
بخندد همه^{۲۲} کشور و لشکرم
گشایند بر من ز هر سو زبان^{۲۴}
پیالایم از دیدگان^{۲۵} آب زرد
- بسی^{۲۶} آفرین کرد پیران بر او^{۲۷}
که ای شاه نیک اختر راست گوی^{۲۸}،

۱-ق (نیز لن): کهترا (نیز لن): مهتر: ق (نیز لن): بنگر آن: (ب، آ، ب: بنگرا): ل، ل (نیز ق): تو (ق): دو) چشم خرد باز کن بنگرا (ل: مهتر): متن = ف، س (نیز لن، ل، و) ۳-ل، ل، س، ل، س: از آن: ق: که این: متن = ف ۴-ل، ل: پس ۵-ف: گسترده بی: (ب: گسترده): متن = ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶-ب: خورده): ف: ایا شهر ایران چه بر خوردیدی: س (نیز ق): ل، ب: دم از شهر توران بر آوردی: س: ایا پهلوان جهان کدخدای (= ۳۶۲ ب): متن = ل، ق، ل (نیز لن، ل، ب، و، ل، آ) ۷-ف (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب): همانا (؟): ل: جهانرا (!): متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ل، و): درس آ بیت های ۳۶۱ و ۳۶۲ پس از بیت ۳۶۴ آمده اند ۸-ل (نیز آ): [و]: ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، ل، ل): ایا پهلوان: س: ایا شهریار: ق (نیز و): ایا فرخجسته: (ب: ایا پهلوان و: ب: ایا پهلوان ای): متن = ف ۹-ل، ل: جز ۱۰-ل، ق (نیز ل): بلا: متن = ف، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر): س پس از این بیت افزوده است:

همانست ای شاه گیسو سترگ

که کوچک سخن کرد بر ما بزرگ

۱۱-ل، ل: ز ۱۲-ف، ق: ز بهر نییره گراید (ق: بیاید): متن = ل، س، ل، س (نیز لن، آ) ۱۳-ل: پاسخش ۱۴-ل، ق (نیز ل، آ، ب): نبینی: س، ل: ندیدی: متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن) ۱۵-ل، ل، ق، ل: بایران و توران ۱۶-ل، ل: س (نیز ب): بد هنر: (لن، ق، آ، ب، لن، آ: بی هنر): متن = ف (نیز ل، ل، و، آ) ۱۷-س: دخترا ۱۸-س: ز بیژن مرا ۱۹-ل: همان ۲۰-ل، ق، ل، س: کزین: متن = ف، س ۲۱-س، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب): درم: متن = ف، ل، ق (نیز ل، آ) ۲۲-ل، ل: همی ۲۳-س: گر: ق، ل، س: چو: متن = ف، ل ۲۴-ل: ز هر بند گمان: س: زبان برگشایند بر من مهان ۲۵-ل، ل: دیده گان: س: این بیت را ندارد ۲۶-ل، ق، س (نیز و): دگر: ل: شنید: (ل، آ: یکی): متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب، لن، آ، ب) ۲۷-ل، ل، س، ل (نیز ل، ل، ل، آ، ب): بدوی: متن = ف، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و) ۲۸-ف: راه جوی: (ل: نسکجوی): متن = ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر)

چنین ست^۱ کجا^۲ شاه گوید همی^۳ جز از نام نیکی نجوید همی^۴،
 ولیکن برین^۵ رای هُشیار من یکی بنگرد ژرف سالار من:
 ۳۷۵ ببندد مرو را به بند گران کجا دار و گشتن گزیند برآن
 ازو پند گیرند ایرانیان نبندند ازین^۶ پس بدی^۷ را میان
 هر آنکو^۸ به زندان تو^۹ بسته ماند ز دیوانها نام او کس نخواند^{۱۰}

چنان^{۱۱} کرد سالار کو راه^{۱۲} دید دلش با زبان شاه یکتاه^{۱۳} دید
 ز دستور پاکیزه^{۱۴} و راهبر^{۱۵} درفشان^{۱۶} شود شاه را گاه و فر^{۱۷}

به گرسیوز آنکه بفرمود^{۱۷} شاه که بند گران ساز و تاریک چاه
 ۳۸۰ دو دستش به زنجیر برکش^{۱۸} به غل یکی بند^{۱۹} رومی^{۲۰} بکردار پُل^{۲۱}
 پیوند^{۲۲} مسمارهای گران ز سر تا به پایش ببند اندر آن^{۲۳}
 نخستین^{۲۴} نگون اندرافکن به چاه چو^{۲۵} بی بهره گردد ز خورشید و ماه،
 بر پیل و آن سنگ اکوان دیو که از ژرف دریای گیان خدیو^{۲۶}،
 ۳۸۵ فگنده ست بر^{۲۷} بیشه ی چینستان بیاور، ز بیژن بدان^{۲۸} کین ستان!

۱- ف: چنانست؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-ب) ۲- ل (نیز ل-آ): کین: ق. ل (نیز لن): چون: متن = ف. س. س^۱ (نیز هفت دهنستویس دیگر) ۳- ق: جن: ل: جوید همی: س (نیز ب): همه راستست این که گوئی همی ۴- ف: بجز نام نیکی نجوم همی (پساوند ندارد): ل. ق (نیز ق): جز از نیک نامی نجوید همی (ق: ز من): س. ل (نیز ب): جز از نام نیکو (ل: پاکی) نجویی همی: (ب: هم از نام نیکی جوید همی: و: بجز نام نیکی نجوید همی): متن = س^۱ (نیز لن. ل. لن) ۵- ل. س. ق. ل (نیز ق. ل. ل. و. آ): بدین: (لن. ب. لن: ازین): متن = ف. س^۱ (نیز ب): س پس از این بیت افزوده است:

اگر ببیند این رای شاه بلند

در این راه کشتن نباید درنگ (!)

۶- ل: زین: س: از آن: متن ← ۷- ف: ازین پس نبنند: متن = ق. ل (نیز لن-آ): س^۱ این بیت را ندارد: درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ل: که هر کو ۹- س: بزندان تو گر کسی ۱۰- س: بگیتی کسی نام او را نخواند: ق این بیت را ندارد: س^۱ پس از بیت ۳۷۷ و س پس از بیت ۳۷۹ افزوده اند:

چو بشنید افراسیاب این سخن بباد آمدش کارهای کهن

۱۱- ل: چنین ۱۲- ل. س (نیز لن. ق. ل. ب. لن. آ. ب): رای: متن = ف. ل (نیز ل. و) ۱۳- ل: بر جای: س (نیز لن. ق. ل. ل. ب. لن. آ. ب): یکتای: متن = ف. ل (نیز ل. و): ق. س^۱ این بیت را ندارند ۱۴- ل. س. ق (نیز لن. ل. ب): پاکیزه: (ق: شایسته): متن = ف. ل: درخشان ۱۵- س: درخشان ۱۶- (ل: کار و فر: ب: گاه و در: ب: گاه بر): ل. س. ق: شاه بر گاه بر: ل: کار این گاه و فر: متن = ف (نیز لن. ق. ل. و. لن. آ): س^۱ این بیت را ندارد: س در اینجا سرنویس دارد: در چاه کردن افراسیاب بیژن گبورا ۱۷- س: آنگاه فرمود ۱۸- ل: و گردن ۱۹- س: قفل ۲۰- س: چینی ۲۱- ف. س: پیل: ل (نیز ل. و): فل (درل) به پیش یکم): س. ق (نیز لن. ق. ل. ب): بل: ل: پیل: (ب. لن. آ: پیل) ۲۲- ل. ق: بندش به: متن = ف. س. ل (نیز لن-ب) ۲۳- س: گران (پساوند ندارد): س^۱ این بیت را ندارد ۲۴- ف: بیازش: ل. ق (نیز ل. و. آ): چو بست: س (نیز ق. ب): پس آنکه: س: نخستش: متن = ل (نیز لن. ل. ب. لن) ۲۵- س: که: در س^۱ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- س: دریا بر آورد دیو ۲۷- ل. ق. ل: در: متن = ف. س. س^۱ ۲۸- ل: برو: س: بران: متن = ف. ق. ل. ل. س^۱

۳۹۰ به پیلان گردونکش آن سنگ را
 بیاور سبک^۲ چاه او را پیوش
 وُزآجا به ایوان آن بدهنر^۴
 برو با سواران و تاراج کن
 بگوی^۸ ای بنفرین شوریده بخت
 به ننگ از کیان پست کردی سرم
 برهنه کشانش ببر تا به چاه
 بهارش توی^{۱۳}، غمگسارش توی^{۱۴}

۳۹۵ خرامید گرسیوز از پیش او^{۱۶}
 کشان بیژن گیو را زیر^{۱۸} دار
 ز سر تا به پایش بدآهن^{۲۰} بیست
 به پولاد خایسک^{۲۲} آهنگران
 نگوئش به چاه اندر انداختند
 وُزآجا بدایوان^{۲۵} آن دخترش
 بکردند^{۱۷} کام بداندیش او^{۱۶}
 بردند بسته بدان^{۱۹} چاهسار
 به رومی میان و به زنجیر دست^{۲۱}
 فروبرده^{۲۳} مسمارهای گران
 سر چاه را سنگ^{۲۴} بر ساختند
 بیاورد گرسیوز آن لشکرش

۱- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن-ل، ب): ارزنگ؛ ل: ارنگ (!)؛ متن = ف ۲- ل-س^۲ (نیز لن-ل، ب): سر؛ متن = ف: بنداری: وسد به
 رأس البئر ۳- س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب): بمان؛ (ل: چنین)؛ متن = ف، ل، ق، ل ۴- ل، س^۲ (نیز لن، ل، ب، لن، آ):
 بی هنر؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، ب، و، ب) ۵- ف: سنگ (!)؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن-ب) ۶- ق، س^۲ (نیز ل، ب، لن، آ): دارد؛
 (ق: بسند)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ل، و، آ، ب) ۷- ق: سرش را ابی؛ ل: راسرش بی؛ درس پس از این بیت، بیت های
 ۳۹۷-۳۹۹ دوباره آمده اند ۸- ق: بگو ۹- ل: بگرید ۱۰- س: که ننگی تو بر کشور و ۱۱- ل، س (نیز ل، ب): افسرم؛
 متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ب، و، لن، آ) ۱۲- (و: بجاه؛ ب: بجاه؛ ل: آنچه دیدی براه؛ ل: آنکه دیدی براه)؛ ف: که در خانه بین
 آنک دیدی براه (؟)؛ متن = ل-س^۲ (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۳- س، ق، ل، س^۲ (نیز لن-ب): تویی؛ متن = ف، ل ۱۴- س،
 ل، س^۲ (نیز لن-ب): تویی؛ ق (نیز لغت فرس، ص ۴۸): تو باش؛ متن = ف، ل ۱۵- ل: درین ۱۶- ل: او ۱۷- ل: بگریده؛
 (لن، ل، ب، و: بکردید؛ آ: بکردار)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ب، لن، ب): ف این بیت را ندارد، ولی بنداری نیز شاید آنرا داشته است:
 فیادر کرسیوز الی امثال ما أمره به الملک؛ س، س^۲ (نیز لن، ب، لن، آ) پس از بیت ۳۹۴ افزوده اند:

بیاورد سنگ آنک (س: سنگی که) فرمود شاه

بسه پیلان گردون کشان تا بچاه

۱۸- ل، ق، س^۲ (نیز لن، ل، ب، و، لن، آ): از پیش؛ س، ل (نیز ل، آ، ب): از زیر؛ متن = ف (نیز ق) ۱۹- ل: بران ۲۰- ل-س^۲ (نیز
 لن-ب): باهن؛ متن = ف ۲۱- ل: برو بازوی و گردن و پای و دست؛ ق: برو بازو و پا و گردن بخت؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز
 لن-ب) ۲۲- ف: بیولاد و با پتک؛ س^۲ (نیز آ): بیولاد و خایسک؛ (ل: بیولاد و مسمار)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، ب،
 لغت شهنامه، شماره ۸۲۲) ۲۳- ل، س: فروبرد؛ س: برو بسته؛ متن = ف، س، ل ۲۴- ل (نیز ل، ب): بند؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲
 (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و عظمی رأسه بذک الحجر ۲۵- ل-س^۲ (نیز لن-ب): دایوان؛ متن = ف: س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) پس
 از این بیت افزوده اند:

خبر زو بنورد منبیره رسد

شد از آب دیده رخسار نایب دیده

- ۴۰۰ همه گنج او را به^۱ تاراج داد
ازین بدره بستد، بدان^۲ تاج داد
منیژه بیامد به یک^۳ چادرا
بَرهنه دو پای^۴ و گشاده سرا
کشیدش^۵ دوان^۶ تا بدان چاهسار^۷
دو دیده پر از خون و رخ جویبار^۸
بدو گفت: اینک ترا خان و مان
غریوان همی گشت بر گرد دشت
بیامد خروشان^{۱۲} بنزدیک چاه
۴۰۵ چُن^{۱۵} از کوه خورشید سر برزدی
همی گرد کردی به روز دراز
به بیژن سپردی و بگریستی
چویک روز و یک شب برو^{۱۰} برگذشت^{۱۱}،
یکی دست را اندرو^{۱۳} کرد^{۱۴} راه
منیژه به^{۱۶} هر در همی نان چیدی
به سوراخ چاه آوریدی فراز
بدین^{۱۷} شوربختی^{۱۸} همی زیستی

گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن به ایران^{۱۹}

- چویک هفته گرگین به ره بر به پای
ز هر سوش پویان بچستن گرفت
۴۱۰ پشیمانی آمدش^{۲۱} از آن^{۲۲} کار^{۲۳} خویش
بشد تازنان^{۲۶} تا بدان جایگاه^{۲۷}
که بیژن نیامدهمی باز جای^{۲۰}،
رخان را به خوناب شستن گرفت
که چون بد سگالید با^{۲۴} یار^{۲۵} خویش
کجا بیژن گیو گم کرد راه

۱- ل، ق، ل، س، آ: گنج و گوهر؛ (ق: آ: گوهر و گنج؛ ل: کاخ او را به)؛ متن = ف، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س، آ: از آن بدره بستد بدین؛ بنداری (۳۹۹-۴۰۰)؛ و دخل علی ابنة أخیه، و هب جمیع ما عندها و استلبها تاجها و زینتها، و جزها بقرونها ۳- ل، ل، ل: برهنه بیک؛ ق: بیاورد بی؛ (ق: آ: بماندش ابی؛ و: بیامد ابی)؛ متن = ف، س، س، آ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل: پا ۵- ق: ببردش ۶- س: همی ۷- ل: آ: چاه سر؛ س: آ: کشیدندش از پیش تا چاهسار ۸- ق: چون بهار؛ ل: از خون دو دیده دو رخساره تر ۹- ل، ل، س، ق: برین؛ متن = ف، ل، آ، س، آ؛ س، س، آ (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب) پس از بیت ۴۰۳ افزوده اند:

چو کرسیوز از چاه او باز گشت
منیژه ابا درد انباز گشت

ق، آ، ل، و، آ پس از بیت ۴۰۳ افزوده اند:

بدر دل اندر (لی، آ: بشد کرسیوزو) منیژه بماند

زدل بر در رخ قطره خون فشاند

ف، ل، ق، ل، آ، ل هیچیک از این بیت ها را ندارند ۱۰- س: برین ۱۱- ل: درگذشت ۱۲- ل: خروشان بیامد ۱۳- س: اندرون ۱۴- ل: کرده؛ بنداری: و کانت فی الحجر ثقبه تدخل فیها الید ۱۵- ل، ل، س، آ (نیز ل، ب): چو؛ متن = ف ۱۶- ل، ل، س، آ (نیز ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): زه؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ) ۱۷- ل: بران؛ ل، آ، س: بدان؛ متن = ف، س، ق ۱۸- ل: سخنی اندر ۱۹- ف: گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن بایران و پرسیدن شاه و گیو احوال بیژن از و دروغ [گفتن]؛ متن = آغاز ف ۲۰- ل، ل، س، آ (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): همی بود و بیژن نیامد بجای؛ س (نیز ق، آ، ل): نبود و نیامدش بیژن بجای؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز ل، و، آ، ب؛ ق: چویبژن...؛ ل، آ، ب: و بیژن...) ۲۱- ق: آمد ۲۲- ف، ل، زان؛ ل: از؛ متن = س، ق، س، آ ۲۳- ق، ل: گفت ۲۴- ل، ل، س، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب): بر؛ متن = ف، ق، س، آ (نیز آ) ۲۵- ق، ل، ل: جفت ۲۶- ل، ل، س، س، آ: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: تازیان؛ متن = ف (نیز ل، ل، ب، آ، ب) ۲۷- ل، ل، ل، ل (نیز و): جشنگاه؛ متن = ف، س، س، آ (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد

- همه بیشه برگشت و کس را ندید^۱
همی گشت بر گرد آن^۳ مرغزار
یکایک ز دور^۵ اسپ بیژن بدید
گسسته لگام و نگون کرده^۸ زین
بدانست کو را تباهست کار
اگر دار دارد و گرا^{۱۱} چاه و بند
کمند اندرافکند و برگاشت روی^{۱۳}
از آن^{۱۵} مرغزار اسپ بیژن براند
وز آنجا^{۱۷} سوی شهر ایران شتافت
- ۴۱۵
- ۴۲۰
- چُن آگاهی^{۱۹} آمد ز گرگین به شاه
بگفت این^{۲۰} سخن گیو را شهریار
پس آگاهی آمد همانگه به گیو
ز خانه^{۲۱} بیامد دوان تا به کوی
همی گفت: بیژن نیاید^{۲۴} همی
- ۴۲۵
- نه نیز اندرو بانگِ مرغان شنید^۲
همی یار کرد^۴ اندرو خواستار
که آمد از آن^۶ جویباران^۷ پدید
فرورده لَفج و برآورده کین^۹
به ایران نیاید بدین^{۱۱} روزگار
از^{۱۲} افراسیاب آمدهستش گزند
ز کرده پشیمان دل و جفت جوی^{۱۴}
به خیمه نذر آورد^{۱۶} و روزی بماند
شب و روز آرام و خفتن^{۱۸} نیافت
- که بیژن نبودهست با او به راه،
بدان تا ز گرگین کند خواستار
ز گم بودن رزدن پور نیو
دل از درد^{۲۲} خسته، پُر از آب روی^{۲۳}
به ارمان ندانم چه پاید^{۲۵} همی

۱- ل: ۲: و اسبش بدید ۲- ل: ۲: که آمد در آن مرغزاری پدید (= ۴۱۵ ب): س: این بیت را ندارد ۳- ل: ۳: گسسته لگامش بر
آن ۴- ل: ۲: همی کرد یار ۵- ل: ۵: درو ۶- ق: بدان: ل: در آن ۷- ف: ل: (نیزق: ل): جویباری (?): ل:
مرغزاران: متن = س: ق: س: (نیزلن: ل: ب) ۸- س: ق: ل: س: (نیزلن: ق: ل: ب: ل: آ: ب): نگوئسار: متن = ف: ل: (نیزلی،
و) ۹- (ل: ۲: چین): ل: (نیزق: ۲): فرومانده بر جای اندوهگین: متن = ف: س: ق: ل: س: (نیزهفت دستنویس دیگر): برآورده
کین (?): ۱۰- س: ق: بدان ۱۱- ل: س: اگر ۱۲- ف: ل: س: ۱۳- س: ق: و اسبش
گرفت ۱۴- ل: س: (نیزلن: ق: ل: و: ب): پشیمان و دل جفت جوی: ق: ل: پشیمان شده جفت جوی: (ل: آ: پشیمان بدل جست و
جوی: ل: ۳: پشیمان و دل جست و جوی): س: ۱۵- ف: س: ۱۶- س: (نیزلن: ب): بخیمه درآورده: متن = ف: بخیمه اندر آورد ۱۷- ل: پس آنگه ۱۸- ل: (نیزلن: ق: ل:
ل: ۳): خوردن: متن = ف: س: ق: ل: س: (نیزلی: و: ل: آ: ب): س: (نیزق: ل: و) پس از بیت ۴۱؛ افزوده اند:

همی کرد اندیشه (ق: ل: و: همی رفت با وسوسه) راه را

چه گسوه چسبیم رخ شاه را

س: پس از بیت ۴۲۱ افزوده است:

چنین است کار جهان ای عجب	تن آسان بوی گاه و گاه با تعب
نه شادی همانند نه اندوه و غم	نه بیداد همانند نه داد و ستم
ز زهر گونه بگذرد روزگار	بدل تا توانی تسوانده مدار

۱۹- ل: س: (نیزلن: ب): چو: متن = ف: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن گیو پذیرد گرگین و پرسیدن حال بیژن: ق:
آگاهی یافتن کیخسرو از مراجعت گرگین بی بیژن و فرستادن گیو بتفحص بیژن و آمدن گیو و گرگین نزد شاه: ل: ۲: اندر آمدن گرگین بایران و
آگاهی دادن از بیژن: س: ۲: بازگشتن گرگین بایران زمین ۲۰- س: آن: درس این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱-
س: ۲: یکایک ۲۲- س: دل آزرده ۲۳- ل: ۲: برخ آجوی ۲۴- س: ل: نیامد: متن = ف: ل: ق: س: ۲۵- ف: ل: ل: آ،
س: ۲: باید: ق: چرا دربیاید: متن = س

- بفرمود تا بورا^۱ کشواد را
سبک^۳ برنهند زین خدنگ^۴
همانگه بدوی^۷ اندر آورد پای
پذیره شدش تا کند خواستار
به دل^۹ گفت: گرگین بدو^{۱۰} ناگهان
شوم گر بینمش بی بیژنم
بیامد، چو گرگین مرو را بدید
همی رفت^{۱۳} غلتان^{۱۴} به خاک اندر^{۱۵}
پرسید و گفت: ای گزین سپاه
پذیره بدین^{۱۸} راه چون آمدی؟
مرا جان شیرین نباید همی
چو چشمم به روی تو آمد^{۲۰}، ز شرم
کنون هیچ مندیش کو را به جان
چو اسپ پسر دید گرگین به دست
چو گفتار گرگینش آمد به گوش^{۲۴}
به خاک اندرون شد سرش ناپدید
همی کند موی^{۲۵} سر و ریش^{۲۶} پاک
همی گفت کای^{۲۷} کردگار سپهر
- کجا داشتی روز فریاد را^۲،
گرفته به دل^۵ گیو کین پلنگ^۶
بکردار باد اندر آمد ز جای
که بیژن کجا ماند و^۸ چون بود کار؟
همانا بدی ساخت اندر نهان
همانگه سرش را ز تن^{۱۱} برکنم
پیاده شد و پیشش اندر دوید^{۱۲}
شخوده رخان و برهنه سرا^{۱۶}
نگهبان پهلوی، سپهدار شاه^{۱۷}،
که با دیدگان^{۱۹} پُر ز خون آمدی
کنون خوارتر گر برآید همی
همی روی شویم به خوناب گرم^{۲۱}
نیامد گزند و بگویم نشان
- پُر از خاک و^{۲۲} آسیمه^{۲۳} برسان مست،
ز اسپ اندرافتاد و زو رفت هوش
همه جامه‌ی پهلوی بردرید
خروشان به سر بر همی ریخت خاک
تو گستردی اندر دلم هوش و مهر^{۲۸}

۱- ف، ل (نیز پ، لن)؛ پور (بور)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س: که بگذشتی روز تک باد
را ۳- ل، س^۲ (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ برو: (لن، لی، پ، لن، آ: بدو)؛ متن = ف ۴- س، س، س: پلنگ: ل: ز رین پلنگ: متن = ف،
ل، ق ۵- ق: چو بگرفته (!) ۶- س، س، س: ننگ: متن = ف، ل، ق، ل ۷- ل، س، ق، س: آ: بدو: متن = ف، ل، ق: ۸- ق:
مانده: ل، س: آ: بود: متن = ف، ل، س ۹- ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب)؛ همی: (آ: بدو بدل)؛ متن = ف (نیز لی) ۱۰-
(ق: مگر: لی، آ: زید) ۱۱- س: زین ۱۲- ل: پیش او در دوید: س: پیش اسبش دوید: متن = ف، ق، ل، س ۱۳- ل:
روی: س، ق، ل (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ گشت: متن = ف، س^۲ (نیز لن، پ، لن) ۱۴- (ق، لی، پ، آ: غلطان) ۱۵- ف (نیز
ل)؛ اندرون: متن = ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- (ل: برهنه سرو): ف: چنان چون بود مرد رنگ و فسون: متن = ل، س^۲
(نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- ل، ق (نیز ل): سپهدار و (ل: [و]) سالار و خورشیدگاه (ل: و ماه): ل: مهین پهلوان و سپه را پناه:
س: سپهدار ایران و شه را تبه: (لن، پ، و، لن: سپهدار ایران و سالار شاه: ق: سپهدار ایران نگهبان گاه: لی: نگهبان راه و سپهدار شاه): متن
= ف، س (نیز ب) ۱۸- ق: درین: ل: برین ۱۹- ل: دیده گان ۲۰- ل، س^۲ (نیز ل): آید: متن = ف، س، ق، ل (نیز
هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ): بیالایم (لی، و، آ: بیالودم) از دیدگان آب گرم: متن = ف، س، ق، ل (نیز
(نیز ق، ل، ب) ۲۲- ل، ل، ل: [و] ۲۳- س: عنان کوتاه استاده: ق: بیفتاد بر خاک ۲۴- ل: بخوش (!) ۲۵- ل، ل، ل:
موی از: متن = ف، س، ق، س^۲ ۲۶- س: سرخویش ۲۷- س: آ: ای ۲۸- ل، ق، ل: تو گستر کنون در دلم هوش (ل: داد) و
مهر: متن = ف، ل، س، س^۲

۴۴۵ چُن^۱ از من جدا ماند فرزند من
روانم بدان^۲ جای نیکان^۳ بری
مرا خود ز^۴ گیتی همین بود و^۵ بس
کنون بختِ بدِ کردش از من جدا
ز گرگین همانگه^۶ سَخُن بازجست
زمانه به جایش کسی برگزید؟^۷
ز بدها بدوبر چه آمد^۸؟ بگوی
چه دیو آمدش پیش در مرغزار^۹؟
تو این مُردری اسپ^{۱۰} چون یافتی؟

۴۵۰ بدو گفت گرگین که بازار آرزو
بدان پهلوانا و آگاه باش!
که این کار چون بود و کردار چون
برفتیم^{۱۱} از ایدر به زخم^{۱۲} گراز
یکی بیشه دیدیم کرده چو دست^{۱۳}

سَخُن بشنو و پهن بگشای گوش
— همیشه فروزنده‌ی گاه باش^{۱۴}! —
بدان^{۱۵} بیشه با خوک پیگار چون:
رسیدیم نزدیک ارمان فراز^{۱۶}
درختان بریده^{۱۷}، چراگاه پست^{۱۸}

۱- ل (نیزل ۲): گره: س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ب، ب): چو: متن = ف ۲- س: بران ۳- ل: نیکی: ل: پس از این بیت افزوده است:

مرا کشتن این بسی کار نیست

سندان مرا پیش دیوار نیست (= ۴۸۸)

۴- ق: به ۵- ف (نیزلی، ل، ب، آ): بود: ل: هم او بود: ق: هم او بود و: ل: همان بود و: متن = س، س^۱ (نیزلن، ل، و، ل، ب) ۶- س، س^۱ (نیزلن، ب، ل، آ، ب): اندردم ازدها: ق: دردم ازدها: ل: اندر بلا مبتلا: (ق: مانده‌ام در جهان مبتلا: و: مانده اندر جهان مبتلا): ل: هماندم چنین در جهان مبتلا: متن = ف (نیزل، آ): مبتلا (۹): در ل: پس از این بیت، بیت ۴۵۰ دوباره آمده است ۷- ل، ل، ل^۱ (نیزلن، ل، آ، ب): پس آنگه: متن = ف، س، ق، س^۱ (نیزق، ل، ل، آ، ب) ۸- ل (نیز ل، آ): روزگار نخست: ف: این کار را از نخست: س: این روزگار از نخست: ل: پس روزگار نخست: (و: بودتان کارزار از نخست): متن = ق، س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، آ، ب) ۹- س: که را برگزید: ق: بگیتی بجانش یکی بد رسید: متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ ۱۰- س، ق، ل: ویا: متن = ف، ل، س^۱ ۱۱- ل: چه آمد مرا ورا: س (نیزلن، ق، ل، ل، آ، ب): برو بر چه آمد: ق: چه آمد برویش: ل^۱ (نیزلی، و، آ): چه آمد برو (لی: بدو) بر: متن = ف، س^۱ (نیزل، آ، ب) ۱۲- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، آ، ب): که: متن = ف، ل (نیزلی، ل، آ) ۱۳- ف: زور سپهری: ل، ق (نیزل ۲): بسند سپهرش: متن = س، ل، آ، س^۱ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۴- س: براوی: ل: بدوی: متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزلن - ب): بروی (= به روی؟ براوی؟) ۱۵- ق: چه پیش آمدش دیو در کارزار ۱۶- ق: تو این اسب بی مرد: ل: تو ای مرد این اسب ۱۷- در ل - س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) این بیت یا بیت سپین پس و پیش شده است: آ این بیت را ندارد: پیایی بیت های متن = ف (نیزلی) ۱۸- ق: در آن ۱۹- ق: بدر رفت ۲۰- ل، ق، س^۱ (نیزلن - ب): جنگ: متن = ف، س، ل^۱ ۲۱- ق: همه شهر مانده از آن در کنار (۷۵) ب - ۵۹ آ را انداخته و از ۵۷ آ و ۵۹ ب یک بیت ساخته است) ۲۲- ف، ل، ل، س^۱ (نیزلن، ق، آ): دشت (در ف، ل، س، آ) آ پساوند نادرست است: متن = س، ل^۱ (نیزلی، ب، و، ل، آ، ب) ۲۳- س: بکنده ۲۴- (ل: و گشت: ق: گشت)

همه جای گشته گنام^۱ گراز
 چو ما^۲ جنگ را نیزه^۳ برگاشتیم^۴ ۴۶۰
 گراز اندر آمد بکردار کوه
 بکردیم جنگی بکردار شیر
 چو پیلان به هم بر فگندیمشان
 از آنجا بدایران^{۱۱} نهادیم روی
 برآمد^{۱۱} یکی گور از آن^{۱۲} مرغزار ۴۶۵
 بکردار گلگون^{۱۳} گودرز موی
 چو سیمرخ پای و^{۱۶} چو پولاد سُم
 به گردن چو شیر و به رفتن^{۱۹} چو باد
 بر بیژن آمد چو پیل بلند^{۲۰}
 فگندن همان بود و بردن^{۲۳} همان ۴۷۰
 ز تازیدن^{۲۴} گور و گرد سوار
 بکردار دریا زمین بردمید^{۲۷}
 پی اندر گرفتیم همه دشت و کوه
 ز بیژن ندیدیم به گیتی^{۳۰} نشان

همه شهر مانده از آن در گراز^۲
 به بیشه درون بانگ^۶ برداشتیم^۷،
 نه یک یک، چه^۸ هر جای گشته گروه^۹
 بشد روز و نامد دل از جنگ سیر
 به مِسمار دندان بکندیمشان
 همه راه شادان و نخچیرجوی
 کز آن خوب تر کس نبیند نگار
 چو جنگ^{۱۴} شباهنگ فرهاد روی^{۱۵}
 چو شبرنگ^{۱۷} بیژن سرو گوش^{۱۸} و دُم
 تو گفتی که از رخس دارد نژاد
 به سرش^{۲۱} اندرافگند^{۲۲} بیژن کمند
 دوان گور و بیژن پس اندر دمان
 برآمد یکی^{۲۵} دود از آن^{۲۶} مرغزار
 کمندافگن و گور شد ناپدید
 که^{۲۸} از تاختن شد سمندم^{۲۹} ستوه
 جزین^{۳۱} اسپ و زین از پس اندر^{۳۲} گشان

۱- ف: جَراء (= چرای؟): س (نیزق، ب): همه خار گشته ز جنگ (ق: ز بیم): ل، ا، س: همه خاک گشته کنام
 (س: ز سَم): متن = ل (نیزلن، لی، پ، و، لن)^۱ ۲- ق (نیزب): کداز: س: کزاز: (و: کداز): ف: ازین در نیاز: (لن، ل، ل،
 لن، ب: از او در نیاز): ل: ارمان از آن در کزاز: س (نیزلی، آ): از او مانده اندر نیاز: ل: از آن مانده اندر کداز: (ق:
 گشته بدو در کداز): متن تصحیح قیاسی است: گراز (یا: کزاز؟ گداز؟) ۳- س: بر ۴- ل: نیز (حرف یکم نقطه
 ندارد) ۵- س (نیزب): بفراشتیم: ق، ل (نیزق، لی، و، آ): برداشتیم: س (نیزلسن، ب): بفراشتیم: متن = ف،
 ل ۶- س، س: نعره ۷- ق، ل: بفراشتیم ۸- ل: به: س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب): که:
 متن = ف، س (نیزلی، آ): رفتن گویو، بیت (۲۵۸) ۹- ق، ل (نیزل، و، آ، ب): هر جا (ب: آمد) گروها گروه: متن = ف،
 ل، س، س (نیزلن، ق، لی، پ، لن)^{۱۰} ۱۰- ل، س (نیزلن، ب): وز آنجا بایران: متن = ف ۱۱- س: بره بر ۱۲-
 ل: زان ۱۳- ق: شبرنگ ۱۴- ف: اسپ: (ب: رنگ): متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن)^{۱۵} ۱۵- ل:
 موی (پساوند ندارد) ۱۶- س، س (نیزلن، آ): بال و: ل (نیزو): پَرَو: (لن، پ، ب: یال و: ق، ل، بال): ل: چوسیمش دوپا و:
 متن = ف، ق (نیزلی) ۱۷- ل: شبیدیز ۱۸- ف: موی: ل (نیزق، ل، و): پسای: متن = ل، س، ق، س (نیزلسن،
 لی، پ، لن، آ، ب) ۱۹- ق: جستن ۲۰- ل، ق: نژند: متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ب) ۲۱- ل: برو:
 متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، لی، ب) ۲۲- ق: درافکنند (وزن ندارد) ۲۳- ل، ق، ل (نیزق، ل، آ): رفتن: متن =
 ف، س، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۴- س، س (نیزلن، ق، ل، لن، ب): تابیدن: ل: تابنده:
 متن = ف، ل، ق (نیزو، آ) ۲۵- س، ق، ل، س (نیزلسن، ق، ل، پ، لسن، ب): همسی: متن = ف، ل (نیزلی، ل، و،
 آ) ۲۶- ل: زان ۲۷- ل، س (نیزق، آ): بردرید: متن = ف، ل، س، ق (نیزلن، لی، ب): درق پس از این بیت،
 بیت ۴۷۷ آمده است ۲۸- ق: چو ۲۹- (و: نوندم) ۳۰- ل: جایی: متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ب) ۳۱-
 س: بجز ۳۲- ف، ل، س (نیزو، آ): اندر (نقطه ندارد، اندر؟ ایسدر؟): س (نیز (نیزق، ب): او: متن = ق، ل (نیزلن، لی، ل،
 ب، لن)^۱

۴۷۵ بماندم فراوان بدان^۱ مرغزار
از آن^۲ بازگشتم^۳ چنین ناامید
دلم شد پُر آتش ز تیمار اوی^۴
همی کردمش هر سُوی خواستار
که گور ژیان بود دیو سپید
که چون بود با گور پیگار اوی^۴؟

۴۸۰ چو بشنید گیو این^۵ سَخُن، هوشیار
ز گرگین سَخُن سربسره^۶ خیره دید
رخش گشته از بیم او همچو کاه^{۱۱}
چو فرزند را گیو گم بوده^{۱۳} دید
ببُرد آهرمن گیو را دل ز جای^{۱۵}
بخواهد^{۱۷} ازو کین پور گزین
پس اندیشه کرد اندر آن^{۱۹} بنگرید
چه آید مرا - گفت - ازین گشتنا^{۲۰}؟
به^{۲۲} بیژن چه سود آید از جان اوی^{۲۳}؟
بیاشیم^{۲۵} تا زین^{۲۶} سَخُن نزد شاه
ازو^{۲۷} کین کشیدن بسی کار نیست

به گرگین یکی بانگ برزد بلند
که ای^{۲۸} بدگُشش ریمین پُر گزند،

۱- ل: بر آن؛ ق، ل (نیز ل، ی، ل، ب، ل، ن)؛ در آن؛ متن = س، س (نیز و، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد و در ل^۱ پس از بیت ۶۹ آمده است
۲- ل (نیز ل، ی، ب، ل، ن، آ)؛ ازو؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، و، ب) ۳- س: پس چو گشتم؛ ف این بیت را ندارد و در ل^۱ پس از بیت ۷۳ آمده است؛ بنداری (۴۷۳-۴۷۶)؛ فرکضت خلفه اطلبه فلم أقب له علی أثر. و صادفت فرسه مقطوع العذان منکوس السرج. فأنخلع فؤادی من الهم والحزن، و بقیة أدور فی تلک الصحراء. فلما أیست منه أقبلت راجعا ۴- ل: او ۵- س: آن ۶- ف: خیر سربسره؛ ق: سخن ها همه؛ متن = ل، س، ل، س (نیز ل، ب) ۷- س، س: تیره ۸- ل: جشن (!) ۹- ق: خود ۱۰- س، س: جهان پیش گرگین (س: چشمش) همی خیره ۱۱- ل- س (نیز ق، ل، ب، ب)؛ رخس زرد از بیم سالار (ق، ل: سالارو) شاه؛ (ل، ن، ب، ل، ن)؛ رخس زرد گشته هم از بیم شاه؛ ل، آ: رخس گشت از بیم هرننگ کاه؛ متن = ف (ب، ل، آ) ۱۲- س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ی، ب، ل، ن، آ، ب)؛ تنش؛ متن = ف، ل، ل (نیز ل، و) ۱۳- س: کرده ۱۴- س، ق، ل، س: بدان؛ متن = ف، ل ۱۵- س (نیز ب، ل، ن)؛ ز راه (س نخست زجای داشته است) ۱۶- ف: او را... زیادی (پاک شده است)؛ س (نیز ل، ب، ل، ن، ب)؛ او را بره بر تپاه (ل، ن، ب، ساوند ندارند)؛ ق (نیز ل)؛ بره زیر پای؛ ل: بره بر پای؛ (ق، ل، ی، آ: آن تیغ زن راز پای)؛ ل: همی خواست او را درآرد زیادی؛ متن = س (نیز و) ۱۷- س: بخواهم ۱۸- ل، ق (نیز ل، ب، ل، ن، ب)؛ ازین؛ س: تنگست بر ما زمین؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل، و، آ) ۱۹- ق: اندرو؛ س: کرد و درو ۲۰- ف (نیز ل)؛ کشتش؛ ل: از کشتنا؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ف (نیز ل)؛ اهرمنش؛ س (نیز ق، و)؛ اهرمن؛ متن = ل، س، ق، ل، ل (نیز ل، ی، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۲- س: ز ۲۳- ل، ل، س: او؛ بیت های ۴۸۶-۴۸۸ در دستنویس ها درهم ریخته اند، ف، س، س (نیز ل، آ، ب)؛ ۴۸۷، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۸۷؛ ق، و، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۸۷؛ پیایی بیت های متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل، ب، ل، ن) ۲۴- ل: بیایم ۲۵- س: این ۲۶- ف، س، س (نیز آ، ب)؛ ازین؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل، ن) ۲۷- ف: این (ای)

- ۴۹۰ تو بردی^۱ ز من شید^۲ و ماه مرا
فگندی مرا در تگ و پوی پوی
پس اکنون^۳ به دستان و بند^۴ و فریب
نباشد ترا بیش ازین^۵ دستگاه
پس آنکه به خنجر^{۱۱} ز تو کین خویش
- ۴۹۵ وُز آنجا بیامد بنزدیک شاه
برو آفرین کرد کای شهریار
آنوشه^{۱۴} جهاندار^{۱۵} نیک اخترا
تر گیتی یکی پور بودم جوان^{۱۷}
به جانش بر از بیم گریان^{۲۰} بُدم
کنون آمد ای شاه گرگین ز راه
بد آگاهی آورده^{۲۶} از پور من
یکی اسپ دیده نگوسار^{۲۸} زین
اگر داد^{۳۰} بیند بدین^{۳۱} کار ما
ز گرگین دهد داد من شهریار
- ۵۰۰ دو دیده پُر از خون و دل کینه خواه^{۱۳}
همیشه جهان را به شادی گذارا
نبینی^{۱۶} که بر سر چه آمد مرا؟
شب و روز بودم بروبر^{۱۸} نوان^{۱۹}
ز بیم^{۲۱} جدایش بریان^{۲۲} بُدم
زبان^{۲۳} پُر ز یافه^{۲۴}، روان^{۲۵} پُر گناه
از آن^{۲۷} نامور پاک دستور من
ز بیژن ندارد^{۲۹} نشانی جزین
یکی بنگرد ژرف سالار ما
کزو گشتم^{۳۲} اندر جهان خاکسار^{۳۳}
- ۵۰۵ غمی^{۳۴} شد ز درد دل گویو شاه
برآشفت و بنهاد فرخ^{۳۵} کلاه

۱- ق، ل: ببردی ۲- س: پور ۳- ل: [و]: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۴- س: آ، جوی جوی ۵- س: آ، آنکه ۶- ف (نیز ل، ل، آ): مکر: (ل: آ: پند-بند): متن = ل، س (نیز ل، ق، آ، پ، و، ب) ۷- ل: آ، یاب: س: آ، مانند ۸- ق: صبر و: ل: آ، جای ۹- ق: از آن ۱۰- س، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ن، ب): که تا: متن = ف، ل، ق (نیز ل، ل، آ) ۱۱- ل (نیز ق، آ): بخوایم: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب) ۱۲- ل: ز بهر گرامی: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب) ۱۳- ف (نیز ل، آ): پرگناه: متن = ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- س: آ، همیشه ۱۵- ف (نیز ق، آ، و): جهاندار و: متن = ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل: آ، ببینی ۱۷- ل: آ، گرگین ۱۸- ل: بدو بر ۱۹- ل: آ، برین (!) ۲۰- ف (نیز ق، آ): بریان: متن = ل، س (نیز ل، ل، ب) ۲۱- ل، س، س (نیز ق، آ): درد: متن = ف، ق، ل، آ، ل (نیز ل، ل، ب) ۲۲- ف (نیز ق، آ): گریان: متن = ل، س (نیز ل، ل، ب): ف پس از این بیت افزوده است:

فرستادی ای شاه گردن فراز
ورایار کردی به جنگ گزار

۲۳- ل: آ، زفان: (و: روان-زوان؟) ۲۴- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب): یاوه: (ق: آ: پرگرافه): متن = ف، ل، ل، آ (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، ب، آ، ب) ۲۵- ل، آ، س: آ، دلی ۲۶- ل، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، ن، ب): آورده: متن = ف (نیز ل، آ) ۲۷- س: وزان ۲۸- ل، س (نیز ل، ب): نگوسار: متن = ف ۲۹- ل: آ، ندیدم ۳۰- ق: شاه ۳۱- س، ل، آ، برین ۳۲- ل: آ، که گشتم من ۳۳- س، س (نیز ق، آ، ب): سوگوار: (پ، ل، آ: خواستار): متن = ف، ل، ق، ل، آ (نیز ل، ل، و، آ) ۳۴- س: آ، غمین ۳۵- س: بر سر: س: آ، از سر: متن = ف، ل، ق، ل، آ

رخ شاه بر گاه بی رنگ^۱ شد
 به گیو آنگهی گفت: گرگین چه گفت؟
 ز گفتار^۳ گرگین پس آنگاه گیو
 چُن^۶ از گیو بشنید خسرو سَخُن
 که بیژن به جایست^۷، خرسند باش!
 ۵۱۰ که ایدون شنیده ستم^۹ از موبدان
 که من با سوارانِ ایران به جنگ
 به کین سیاوش کشم لشکر^{۱۲}
 بدانجای با من^{۱۵} بود بیژنا
 تو دل را^{۱۸} بدین کار غمگین مدار!
 ۵۱۵ بشد گیو یک دل پُر^{۲۲} اندوه و درد

ز گِردان در شاه پردخته دید
 ز درگاه با گیو رفته نوان^{۲۶}
 پُر از شرم جانِ بداندیش اوی^{۲۸}
 بوسید و بر شاه کرد آفرین
 ۵۲۰ چو گرگین به درگاه خسرو رسید
 ز^{۲۴} تیمار بیژن همه پهلوان^{۲۵}
 برفت از در کاخ^{۲۷} تا پیش اوی^{۲۸}
 چو در پیش کیخسرو آمد زمین

۱- س: شاه ایران همی زرد (پساوند ندارد) ۲- ل: از: س: (نیز لن، ب): مانند از: (لن، ی، ب، و، آ: مانند آن): متن = ف، س، ق، ل: (نیز ق، ل، آ) ۳- س: کردار ۴- س، ل، ل، س: (نیز ق، ب): راند: متن = ف، ل، ق (نیز لن، ی، آ) ۵- ق: پیر ۶- ل: س: (نیز لن، ب): چو: متن = ف ۷- ل: بجایست: س: بجایست و: متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ب) ۸- س، ق، ل، ل، س: (نیز لن، ب): امید: متن = ف، ل ۹- ف، س، س، س: (نیز ب): شنیدم من: متن = ل، ق، ل: (نیز لن، آ) ۱۰- س، س، س: (نیز ب): بخرگاه ترکان: متن = ف، ل، ق، ل: (نیز لن، آ): بنداری: اُنی أقود العساكر الى توران ۱۱- ف: روده: متن = ل، ل، س: (نیز لن، آ) ۱۲- س: لشکرش: (ق: سیاوش لشکر کشم) ۱۳- ف (نیز ی، آ): آرم: متن = ل، ل، س: (نیز لن، ل، ب، ل، س، ب) ۱۴- س: کشورش: (ق: بوردی از آنجا بگه بر کشم) ۱۵- ل (نیز ل): بدان کینه (ل: جنگ) اندر: س، ق، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ی، ب، ب): بدان کینه گه بر (ق، ل، ل، ی، ل، ب، ب، گ): متن = ف: بنداری: و یکون معی بیژن ۱۶- ل، س: (نیز لن، ب): زرد: متن = ف ۱۷- س: اهرمنا ۱۸- س، ق، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ب، ل، ب): توشودل: متن = ف، ل (نیز ی، ل، و، آ) ۱۹- ق: او ۲۰- س: بوم: س: رازبزدان کنم ۲۱- ل: غمگسار ۲۲- س: با یک دل ۲۳- ف (نیز ی، آ): ورخ (ی): دل: آ: لب (لاجورد: س (نیز ق، ب): خون و رخساره زرد: ل (نیز لن، و): پیر آب و دور رخساره زرد: متن = ل، ق، س: (نیز ل، ب، لن) ۲۴- س: به ۲۵- ل، س، ق، ل: (نیز ل، ب): مهتران: متن = ف، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: سران: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز لن، ب): ل، س پس از این بیت افزوده اند:

همه پَر زرد و همه پَر زرنج
 پراکنده رای و پراکنده دن
 همه همچو گه کرده (س): همه گرد کرده (دو) صد گونه گنج
 همه خاک ره زانک (س): رنگ) کرده چو گنل
 وزین روی گرگین شوریده رفت (س): سوی گرگین پیر از کینه سر)

بسنزدیک ایوان درگاه تفت (س): دلی کرده پیر درد و آشوب بر)

۲۷- ق: گاه: ل: اوز درگاه: متن = ف، س، س ۲۸- س، ل، ل، ل، او: ل این بیت را ندارد

بر تخت بنهاد و بردش نماز،
 همه روزگارانش^۲ نوروز باد!
 بریده، چنان کین سران^۴ گراز!
 پرسید و گفتش که^۵ چون بود راه؟
 بدوبر^۶ چه بد ساخت آهرمنا^۷؟
 فروماند خیره همیدون به پای
 تنش لرزلرزان شد^{۱۲} از بیم شاه
 برآشت و از پیش تختش^{۱۳} براند
 به دشنام بگشاد خسرو زبان
 که دستان زده ست از گه باستان؟
 بخُسد^{۱۷} تنش را سرآید زیان
 دگر سوی^{۱۹} یزدان^{۲۰} سرانجام بد،
 بکندی بکردار مرغ آهرمن^{۲۱}

که بند گران ساز و مِسمار^{۲۲} سر
 که از بند^{۲۳} گیرد بداندیش پند

چو الماس دندان‌های گراز
 - که خسرو به هر کار پیروز^۱ باد!
 سر دشمنان تو باد^۳ به گراز
 به دندان‌ها چون نگه کرد شاه
 کجا ماند از تو جدا بیژن^۸؟
 چو خسرو چنین^۸ گفت گرگین به جای
 زبان^۹ پُر ز یافه^{۱۰}، روان^{۱۱} پُر گناه
 چو گفتارها یک به دیگر نماند
 همش خیره سر دید و هم بدگمان
 بدو گفت^{۱۴}: نشیدی این^{۱۵} داستان
 که گر شیر با کین^{۱۶} گودرزیان
 اگر^{۱۸} نیستی از پی نام بد
 بفرمودمی تا سرت را ز تن

بفرمود خسرو به پولادگر
 هم اندر زمان پای کردش به بند

۱- س: فیروز ۲- ل، ل، ل، س (نیزلن، ل، ب، ل، س): روزگارش چو: متن = س، ق (نیزق، ل، ی، و، آ، ب): ف این بیت را ندارد ۳- ل: شهنش: ق: دشمن پادشا را: متن = ل، س، س (نیزلن - ب) ۴- ل (نیزلن، ل، ن): کان سران: (ل: چون سران): س، س (نیزب): بکنده چو دندان‌های: متن = ق، ل (نیزق، ل، ی، و، آ): ف این بیت را ندارد ۵- ل: گفتا: ف: پرسیدش و گفت: متن = ل، س، ق، س (نیزلن - ب) ۶- ل، ل، ل، ل: بروبر ۷- ل، ل، س: آهرمنا: س پس از این بیت افزوده است:

چه افتاد کز تو بماند او جدا
 مرا بازگوی از نحواهی بلا

۸- ق، ل: چو شاه این سخن (ل: چنین): متن = ف، ل، س، س، س، ل، س، ق پس از این بیت افزوده‌اند:
 ندانست پاسخ چه گوید بدوی

فروماند بر جای بر (ق: وشد) زرد روی (س: با رنگ و بوی)

۹- ل: زفان ۱۰- س، س (نیزلن، ب، ل، ن، ب): یاوه: ق: وایه (در بالا افزوده است: یافه): (ق: پر گرافه): متن = ف، ل، ل (نیزلی، ل، و، آ) ۱۱- ف، ل (نیزلی، آ): دلش: س، س (نیزق، ل، ب): دل: متن = ل، ق (نیزلن، ل، ب، و، ل، ن: ← ۵۰۰): ۱۲- ل، ل- س (نیزلن، ق، ل، ل، ب، و، ل، ن، ب): رخش (ل: رخان: ق، ل، ل، ق، ل، ل، و: دورخ: ب: برخ) زرد و لرزان تن (ب: لرزنده): (لی، آ: دورخ لرزلرزان): متن = ف: س (نیزق، ل، ی، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

سخن چند بر گفت ناسازوار

از آن بیشه و گور (س: خوک) و آن مرغزار

۱۳- ق، ل: وز پیش خویشش ۱۴- ل: بگفتش تو ۱۵- ف، ق، س: آن: ل: از (حآن): متن = ل، س ۱۶- ق: جنگ ۱۷- ل، ل، ق: بسیجد: س، س (نیزق، ل، ی، ب، ب): بکوشد: ل: چخداو: متن = ف ۱۸- س: که گر ۱۹- ل: وگر پیش: س: وگر سوی: ق، ل، ل، س (نیزلن، ل، ب): ویا سوی: (ق: ویا پیش): متن = ف ۲۰- س، س: آیزد ۲۱- (ل: از بدن) ۲۲- ف: بر پای بر: س، ق، س (نیزب): و (ق: [و]) پولاد سر (ب: بر): ل: که بند آرو و مسمار پولادسر: متن = ل (نیزلن، ق، ل، ل، ب، ل، آ، آ، آ، بیت ۳۸۲) ۲۳- س که اندرز (!)

به گیو آنگهی گفت: بازار هوش!
 من اکنون ز هر سو سواران هزاراً
 ز بیژن مگر آگهی^۶ یابما
 وگر^۸ دیر یابم ازو^۹ آگهی
 ۵۴۰ همان تا بیاید مه فوردین^{۱۰}
 بدانگه^{۱۳} که بر گل نشانَدت باد^{۱۴}
 زمی^{۱۶} چادر سبز برپوشدا^{۱۷}
 به هرمنز^{۱۹} شود پاک فرمان ما^{۲۰}
 بخواهم من آن جام گیتی نمای
 ۵۴۵ کجا هفت کشور بدوی^{۲۲} اندرا
 کنم آفرین بر نیاگان ما^{۲۴}
 بگویم ترا هر کجا بیژن ست^{۲۷}
 چو بشنید گیو این سخن شاد شد
 بخندید و بر شاه کرد آفرین
 ۵۵۰ به کام تو بادا سپهر بلند!

بجویش^۱ به هر جای^۲ و هر سو^۳ بکوش!
 فرستم همه درخور کارزار^۵
 بدین^۷ کار^۷ هشیار بشتابما
 تو جای خرد را مگردان تهی!
 که بفزاید^{۱۱} اندر جهان هوز دین^{۱۲}،
 به سربر^{۱۵} همی گل فشانَدت باد،
 هوا بر گلان زار^{۱۸} بخروشدا،
 پرستش که فرمود یزدان ما،
 شوم پیش یزدان، باشم^{۲۱} به پای
 بینم^{۲۳} بروبوم هر کشورا
 گزیده جهاندار^{۲۵} و^{۲۶} پاکان ما^{۲۴}
 به جام این سخن^{۲۸} مرا روشن ست^{۲۹}
 ز تیمار فرزندش^{۳۰} آزاد شد
 که بی تو مبادا زمان و زمین^{۳۱}!
 به جان تو هرگز^{۳۲} مبادا گزند!

۱- س: بجوش و ۲- ف، ق (نیزق، ی، پ): جا؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ، آ، ب) ۳- س: در ۴- ل، ل، ق: فراوان سپاه؛ ل^۱ (نیزلن، ی، پ، لن، آ، آ): فراوان سواره؛ س، س^۱ (نیزق، آ، ب): فراوان زهر سو سوار؛ (و: زهر جا فراوان سوار): متن = ف ۵- (ق: ازدر کارزار؛ لن، پ، لن، آ: هم اندر خور کارزار): ل، ق: فرستم بجویم بهر جایگاه؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیزلی، و، آ، ب) ۶- س: آ: کاگهی ۷- س: آ: برین؛ ف (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

دگر گیورا گفت کای (لی، آ: توای پهلوان گزین) پرهز

مکش خویش از بهر (لی، آ: خویشتن راز) درد پسر

۸- س، س: آ: اگر ۹- ل: یابیم زو ۱۰- (لی، ل، آ: فوردین) ۱۱- ل، ل، آ (نیزق، آ): بفروزد؛ متن = ف، س، ق، س^۱ (نیزلن، لی- ب) ۱۲- س: آ: هورودین ۱۳- ل: برآنکه ۱۴- ل (نیزق، آ): فشانَدت باد (پساوند ندارند): س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، آ، ب): بدانگه که از (لن، پ، لن، آ: بر؛ ب: پ) گل شود باغ شاد؛ متن = ف، ل، ق، س، آ (نیزل، و) ۱۵- ل (نیزل، آ): چو بر سر؛ س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، پ- ب): ابر سر؛ ل، آ، س: و بر سرش؛ متن = ف ۱۶- ل- س^۱ (نیزلن- ب): زمین؛ متن = ف ۱۷- ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن، لی- آ): در پوشدا؛ متن = ف، س^۱ (نیزق، آ، ب) ۱۸- س: آ: باد (!) ۱۹- ل (نیزلی، آ): بهر سو؛ س: بهر جا؛ متن = ف، ق، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۲۰- س: من؛ س^۱ این بیت را ندارد ۲۱- س، س: آ: پیش جهاندار باشم؛ متن = ف، ل، ق، ل^۱ ۲۲- ل- س^۱ (نیزلن- ب): بدو؛ متن = ف ۲۳- ق: بجویم ۲۴- ل (نیزق، آ): خویش؛ س، ل، آ: من؛ متن = ق، س^۱ (نیزلن، لی- ب) ۲۵- س: آ: بزرگان ۲۶- س، ق: [و]: ف این بیت را ندارد ۲۷- س: بیژن ۲۸- ف: اندرون مره- ل- س^۱ (نیزق، آ، و، ب): اندرون این؛ متن = (لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، آ) ۲۹- س: روشنا ۳۰- ل، ل، ق، س^۱ (نیزق، آ، لی، ل، آ، پ، و، آ): فرزند؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیزلن، لن، آ، ب) ۳۱- ف: که ای پهلوان جهان آفرین (!): س (نیزب): که از تو فرزند کلاه و نگین؛ ق (نیزلن، پ، لن، آ): که بی تو مبادا کلاه و نگین؛ ل: که بر تو برآزد کلاه و نگین؛ (ق: یکی پاک دل خسرو پاک دین؛ لی، آ: که باد آفرینت ز جان آفرین؛ و بدو گفت کای شهریار زمین؛ متن = ل (نیزل، آ): س^۱ این بیت را ندارد ۳۲- (لن، لی، پ، لن، آ: ز چشم بدانَدت): متن = ل، ق (نیزق، و، ف، س، ل، آ، س^۱ (نیزق، ل، آ، ب) این بیت را ندارند

ز نیکی دهش بر تو باد آفرین!^۱ که بر تو برازد^۲ کلاه و نگین^۳

چو گیو از بر گاه خسرو برفت^۴ بچستن^۵ گرفتش به^۶ گرد جهان همه بوم ایران و توران به پای^۷

۵۵۵ چو نوروز خرم^۸ فراز آمدش بیامد پراومید^۹ دل^{۱۰} پهلوان چو خسرو رخ^{۱۱} گیو پزمرده دید بیامد پوشید رومی قبای خروشید پیش جهان آفرین^{۱۲}

۵۶۰ ز فریادگر^{۱۳} زور و فریاد خواست خرامان از آنجا بیامد^{۱۴} به گاه یکی جام بر کف نهاده^{۱۵} نبید نشان و نگار^{۱۶} سپهر بلند ز ماهی به جام^{۱۷} اندرون تا بره

ز هر سو سواران فرستاد^{۱۸} تفت که یابد مگر زو به جایی^{۱۹} نشان سپردند و نامد نشانش به جای^{۲۰}

بدان جام فرخ^{۲۱} نیاز آمدش ز بهر پسر کوز^{۲۲} گشته^{۲۳} نوان دلش را به درد اندر^{۲۴} آزرده دید، بدان تا بود^{۲۵} پیش یزدان به پای به رخشنده بر چند^{۲۶} کرد^{۲۷} آفرین از^{۲۸} آهرمن^{۲۹} بدگنش داد خواست به سر بر نهاد آن خجسته کلاه بدوی^{۳۰} اندرون هفت کشور پدید^{۳۱} همه کرده^{۳۲} پیدا چه و چون و چند نگاریده پیکر همه یکسره

۱- ف: که از تو بنیازد؛ س (نیز ب): ای (ب: که بی) تو مبادا؛ (لن، پ، لن: که از تو فرزند): متن = ل ۲- (لی، آ: معین تو ببادا جهان آفرین: و: که زبید بتو تاج و تخت و نگین): ق، ل، س، (نیز ق، ل، آ) این بیت را ندارند ۳- س، ل، (نیز لن، لی، پ، ب): په: متن = ف، ل، س، (نیز ق، ل، آ) فرستاد: و: ق این بیت را ندارد ۴- س: نخستین (بجستن) ۵- ل: گرفتند ۶- س: بگیتی: س: بگیتی مگر زو: متن = ف، ل، ق، ل، (ل، ق، ل، آ): همه شهر ارمان (ق: ایران) و تورانیان؛ (لن، پ، و: همه شهر ایران (و: ارمان) و توران بیای): متن = ف، س، س، (نیز ق، ل، آ، ب) ۷- ل، ق، ل، (نیز ق، ل، آ، ب) ۸- ل، س، س، (نیز ق، ل، آ، ب) ۹- ل، ق، ل، (نیز ق، ل، آ، ب): فرخ: متن = ف، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۰- ل، ل، س، ق، ل، (نیز ق، ل، آ، ب): خسرو: متن = ف، ق، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۱- ل، ل، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بیامد پراومید دل (س، ب، آن): متن = ف ۱۲- ل، ل، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): گیو: متن = ف، ق، ل، (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۳- ل، ل، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بدو دل (!) ۱۴- س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بدو: متن = ف، س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بیازد از آنجا: س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): فریادگر: ق، فریادرس: ق: فریاد بخش: (لی، آ: فیروزگر): متن = ف (نیز ق) ۱۵- ف: ز: ق، ل، (نیز ق، ل، آ، ب): وز: متن = ل، س، س، (نیز ق، ل، آ، ب): اهریمن ۱۶- س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بیامد از آنجا: س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بدید ۱۷- س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): نشان نگار: ل: زمان و نشان: س، ق (نیز لن، ق، ل، لی، پ، ب): ز کار و نشان: ل: کار (حرف یکم نقطه ندارد) و نشان: (ل: ز کار شمار): متن تصحیح قیاسی است (س، ف، ل، آ) ۱۸- س، ق: کرد: س، (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): این بیت را ندارد ۱۹- س (نیز ب): بآب

<p>چو^۲ ناهید^۳ و تیر از بر و ماه زیر بدیدی جهاندار^۴ افسونگرا بدید اندرو^۵ بودنی‌ها ز بیش^۶ که یابد ز بیژن نشانی پدید^۷ به فرمان یزدان مرو را بدید به^{۱۳} سختی همی مرگ جست اندر آن^{۱۴} ز بهر زوارش بسته^{۱۵} میان بخندید و رخشنده شد پیشگاه^{۱۶}: ز هر بد تن مهتر آزاد دار^{۱۷}! از آنپس که بر جانش نامد^{۲۲} گزند زوارش یکی ناموردخترست^{۲۳} پُر از درد گشتم من از کار^{۲۴} اوی^{۲۵} که هزمان بگرید بروبر زوار^{۲۸}</p>	<p>چو کیوان و بهرام و هرمزد و شیر^۱ همه بودنی‌ها بدوی^۴ اندرا نگه کرد و^۶ پس جام بنهاد پیش به هر هفت کشور همی^۹ بنگرید سُوی^{۱۱} کشور گرگساران رسید در آن چاه بسته^{۱۲} به بند گران منیره کجا بود دُخت^{۱۵} کیان سُوی گيو کرد آنگهی روی شاه به جایست^{۱۸} بیژن تو دل^{۱۹} شاددار! نگر غم نداری به^{۲۱} زندان و بند که بیژن به توران به بند اندرست ز بس سختی و رنج^{۲۴} و تیمار اوی^{۲۵} بدانسان گذارد^{۲۷} همی روزگار</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

- ۱- ف: شید (یساوند ندارد): ل: ناهید شیر: س: هرمزد شیر: (ل: هرمزد پیر): ق: چو کیوان و هرمز چو بهرام شیر: ل: چه کیوان و هرمز چه بهرام و شیر: (لن، ب، ل، ن): ل: چو کیوان چه هرمز چه بهرام و شیر: ل: آ: چو کیوان و هرمزد و بهرام و شیر: ب: چه بهرام و هرمز چه کیوان و شیر: متن = (ق، و)، یا = ف پس از تصحیح شید به شیر، یا = س پس از افزودن حرف و ۲- ل: (نیز لن، ب، ل، ن، آ، ب): چه ۳- ل: خورشید: متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ب): س: این بیت را ندارد: درس (نیز لن، آ، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- ل، ل، س، س: (نیز لن، ب): بدو: ق: بدو بودنی‌ها بدید: ل: همه بود پیدا بنجام: متن = ف ۵- ل: سپهدار: متن = ف، س، ل، ق، س: (نیز لن، ب): در ل: این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است: ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر آن که شاه روز نوروز بر تخت نشست و جام جهان‌نمای پیش بنهاد که بیژن کجاست ۶- ل: [و] ۷- ف: بدید او همه: (ق: بدید اندرون: ل: بدان اندرون: آ: بدو اندرون): متن = ل، س: (نیز لن، ل، ب، و، لن، آ، ب) ۸- س، ق (نیز لن، ل، و، لن، آ): بودنی کم و بیش: س: بودنی‌ها و بیش: (ب: بودنی‌های خویش): متن = ف، ل، ل: (نیز ق، آ، ل): بودنی‌ها ز بیش (؟) ۹- ف (نیز ق، آ): همه: متن = ل، س: (نیز لن، ل، ب) ۱۰- ل: ز بیژن بجایی نشانی ندید: س (نیز ق، آ، ل، ب): نیامد (آ: که ایذر) ز بیژن نشانی ندید: س: بدو اندرون بودنی‌ها بدید: (لن، ب، ل، ن): نشانش (ب: نشانی) ز کم بوده نامد پدید: متن = ف، ل: (نیز لن، آ) ۱۱- س: چو در ۱۲- ل، ل، ق، ل: (نیز و): بجاهی بسته: س، س: (نیز ق، آ، ب): بدان چاه بسته: (لن: بدانجا بسته: ب، لن: بدان چاه بسته): متن = ف (نیز لن، آ) ۱۳- ل، س: (نیز لن، ب): ز: متن = ف ۱۴- ق (نیز ق، آ): جست بر آن: ل: جست در آن: س: جست مرگ اندر آن: متن = ف، ل، س (نیز لن، ل، ب) ۱۵- ق: هست دخت: س، س: (نیز لن، ق، آ، ل، ب، لن، آ، ب): یکی دختری از نژاد: متن = ف، ل (نیز ل، و): بنداری: و رأی منیره علی رأسها تقوم بأمره ۱۶- ل، ل، س، ق، س: (نیز لن، ب): زوارش بسته: متن = ف: ل: این بیت را ندارد ۱۷- ف پس از این بیت افزوده است: چنین گفت با گيو کای شرز شیر خردمنند و بسیدار و گرد و دلیر
- ۱۸- ل، س: (نیز لن، ب): که زندست: متن = ف: بنداری: طیب قلبک فان اینک فی الحیة ۱۹- ل (نیز ل، آ): دلت ۲۰- ل: ز بیژن کنون بهترین یاد دار: (ل، و، آ: از اندیشه جان و دل آزاد دار: ل: همه کار نابوده را یاد دار: د) دار: متن = ف، ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۱- ق: ز ۲۲- س: که نامد بجانش ۲۳- س: مهترست ۲۴- ل، س: (نیز لن، ق، آ، ل، ب، لن، آ، ب): رنج و سختی: متن = ف (نیز لن، و، آ) ۲۵- ل، س: او ۲۶- ق: ز بارز: ل، آ: دل از کار: ق: پر اندیشه گشتم زیبکار: ل: (نیز و): پر اندیشه گشتم دل از کار: متن = ف، ل، س، س: (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب) ۲۷- س: برانسان گذارد: س: گذارد برسان ۲۸- س (نیز و، آ): برو زار زار: ق، س: (نیز ب): برو بر بزار: (ل: بدو زار زار): ل: برو بر بگرید زوار: (ق: برو بر بگرید بزار: ل: بدو باز گردد زوار: لن، ب، لن: آ: که هر دم بگرید چو ابر بهار): متن = ف، ل: ۲

ز پیوند و خویشان شده ناامید
 دو چشمش پُر از خون و دل پُر ز درد
 ۵۸۰ چو ابر بهاران^۵ به بارندگی
 بدین^۷ چاره اکنون که جنبد ز جای^۸؟
 که دارد^{۱۰} بدین کار ما^{۱۱} را وفا؟
 نشاید^{۱۳} مگر^{۱۴} رستم تیزچنگ
 کمر بند^{۱۵} و برگش سوی نیمروز
 ۵۸۵ بر نامه‌ی من سوی^{۱۷} رستم^{۱۸}

گیارنده^۱ برسان^۲ یک شاخ بید
 زبانش ز خویشان^۳ پُر از یادکرد^۴
 همی مرگ جوید بر آن^۶ زندگی
 که خیزد میان بسته این را به پای^۹؟
 که آرد مرو را ز سختی^{۱۲} رها؟
 که از ژرف دریا برآرد نهنگ
 شب از رفتن راه ماسای و^{۱۶} روز
 مَرَن - داستان را - به ره بر دما^{۱۹}

۱- ل: گزارنده (→ گذارنده)؛ ق (نیز آ): گزارنده (→ گذارنده)؛ ل (نیز و، ب): گزارنده (→ گذارنده)؛ س: گزارنده (→ گذارنده)؛ (لی): گزارنده (→ گذارنده)؛ ل: گزارنده)؛ متن = ف: گیارنده (= گذارنده) ۲- س: گزاران و لرزان چو؛ (لن، پ، ل، ن): گزاران و لرزان چو؛ ق: گزارد ابرسان) ۳- ق: زیپهلو؛ (لی، و، آ: ز خسرو)؛ س (نیز ب): زیپهلو زبانش؛ متن = ف، ل، س: زیپهلو زبانش؛ (نیز لن، ق، ل، پ، لن) ۴- ف: باد سرد؛ متن = ل، س، ق، س: ل: این بیت را ندارد ۵- ل: بهاری ۶- ل، س، ق، ل: (نیز لن - پ، لن، ب): بدان؛ س: بدین؛ متن = ف (نیز و، آ) ۷- س: برین ۸- ل: جا ۹- ل: پا؛ س: بسته و تیزیای ۱۰- س: آرد ۱۱- ف: مرین ازدها (؟)؛ س: (نیز لن - پ، لن، آ): بدین (لی، آ: مرین) راز ما؛ متن = ل، س، ق، ل: بنداری: فن بنهض الآن بکشف هذا الخطب الفادح فیسمی فی خلاصه ویتلا فی حشاشته؟ ۱۲- ل، ل، ل، س: (نیز ق، و): ز سختی مرا و را؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، ل، پ، لن، آ)؛ س: ل: پس از بیت ۵۸۲ (و پس از بیت ۵۸۴ و ب پس از بیت ۵۸۱) افزوده اند:

بباید هم اکنون بزودی (ل: بیاردش از آنجای زود و) نه دیر

رسیده بکام و بدشمن دلیر (ل: حسیر؛ و: زحیر)

بختید گیو و بکرد آفرین
 اگر روی بیژن نمایی (س: نماید) مرا
 ستایش کم شنید و هم ماه را
 5 ز گرگین میلاد آن بدکنش
 چو بشنید گیو این سخن شاد شد
 ببوسیدش اندر زمان روی تخت
 بگفت ای خدای جهان آفرین (س ندارد)
 نه بردارم از سجده هرگز سرا
 بخوهم زاو (ل: زشه) کین بدخواه را
 بجووه از او کین اهرم نش
 روانش از اندیشه آزاد شد (ل ندارد)
 بکرد آفرینی ابر شاه سخت (ل ندارد)

شهب گفت ازین پس (ل: اکنون) مدار ایچ غم

نویسم یکی نامه نزدیک عم (ل: برروستم)

بخوانمش ازین کار (ل: بخوانم وزیر کارش) آگه کم

سخن بر تو ای گیو کوتاه کم

۱۳- ف: گشاید (؟)؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ): جزا؛ (ل: بجز)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، پ، لن، ب)؛ س (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

تو بشنوز من سر بر گفت من

ببرافراز سر از همه انجمن

۱۵- ف: مگو بند (→ کمربند)؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب): کمربند (→ مگو بند) ۱۶- ف، ل (نیز ل): ماسا؛ س، س: (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): ره میاسای (لی: میاسا) و؛ متن = ق، ل (نیز و) ۱۷- ل - س: (نیز لن - ب): بر؛ متن = ف ۱۸- س:

پهلوان ۱۹- س: تو بر کس دما؛ س: مگر نزد ما؛ س: داستانی بره تاتوان؛ س، س: (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چو بشنید گیو این (س: آن) سخنها چنین

ابر شاه کردش هزار آفرین

گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به رستم^۱

۵۹۰ ترا داد ^{۱۰} گردن ^{۱۱} به مردی ^{۱۲} پلنگ دل شهر ایران ^{۱۴} و پشت گیان ^{۱۵} جهان را ز دیوانِ مازندران همه جادوان را بستنی به گرز ^{۱۹} چه مایه سر تاجداران ^{۲۲} ز گاه ۵۹۵ بسا دشمنان ^{۲۴} کز تویی جان شده است ^{۲۵} سر پهلوانی و ^{۲۸} لشکریناه ^{۲۹} چه ^{۳۰} افراسیاب و چه ^{۳۰} شاهان ^{۳۱} چین هر آن بند کز دست تو بسته شد گشاینده ی بند بسته توی ^{۳۵}	۳ وزیر ^۳ داستان چند با او براند نبشتن ^۴ ز مهر سویی ^۵ نیک خواه ز گردان لشکر ^۷ برآورده سر، همیشه کمر بسته ی کارزار به دریا ز بیمت ^{۱۳} خروشان نهنگ به فریاد ^{۱۶} هر کس کمر بر میان بستی، بکندی ^{۱۷} بدان ^{۱۸} را سران بفروختی تاج ^{۲۰} شاهان به برز ^{۲۱} ربودی و برکندی از پیشگاه ^{۲۳} بسا بوم و برکز ^{۲۶} تو ویران شده است ^{۲۷} بنزدیک شاهان ترا دستگاه نبشته ^{۳۲} همه ^{۳۳} نام تو بر نگین گشایندهگان ^{۳۴} را جگر خسته شد گیان را سپهر خجسته توی ^{۳۵}
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ف: گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به رستم و خواندن او را تا چاره کار بیژن بسازد؛ ل، س: نامه نوشتن کیخسرو به رستم زال؛ س، ق: نامه شاه کیخسرو بر رستم و رفتن گیوینزابلستان (ق: بزابل)؛ متن = آغاز ف ۲- ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، آ، ی، ل، آ، و، لن، آ، ب): نویسنده؛ متن = ل (نیز ب) ۳- س، ق: وزان؛ (لن، ب، لن، آ: ازین)؛ متن = ل، آ، س: (نیز ق، آ، ی، ل، آ، و، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فاستحضر الکاتب ۴- ل (نیز لن، ل، آ، ب): نوشتن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز ق، آ، ی، ل، آ، و، آ، ب) ۵- س: ز بهر دل؛ س: سوی مهر ۶- ل: پهلوان بیجه ۷- ق: بایران و توران؛ درل پس از این بیت، بیت ۵۹۱ آمده است ۸- س، ق، س: آ: تویی؛ متن = ف، ل، ل، آ ۹- ل، ق، ل (نیز لن، ی، ل، آ، پ، آ): مرا؛ س (نیز ق، آ، ب): من؛ متن = ف، س: (نیز و) ۱۰- س: آ: داده ۱۱- ل، س: آ: گردون (گردن)؛ (لن، لن، آ: گردی - گردن)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، آ، ی، ل، آ، و، آ) ۱۲- س: ترا دادگر داد زور ۱۳- ق: زبیمت بدریا؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل (نیز لن، ی، ل، آ، ب): شهریاران؛ س: شهریار؛ ق (نیز ل): شاه ایران؛ ل: در شهر ایران؛ س: (نیز ق، آ، و): سر پهلوانان؛ متن = ف ۱۵- ف: کوان؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۱۶- ل: فرمانت؛ درل پس از این بیت، بیت ۵۸۹ آمده است ۱۷- ل - س: (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): بستی و کندی؛ متن = ف (نیز ی، آ) ۱۸- س: سران ۱۹- س (نیز و): بخستی بگرز؛ ق: شکستی بگرز؛ (لن: بستنی ببند؛ ی، پ، لن، آ، ب: بکشتی بگرز)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیز ق، آ، ل) ۲۰- ق: جان (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۱- ل: شاهان و برز؛ (لن: تاج و تخت بلند)؛ درل، ق، ل، آ، لن، ل، آ، پ، لن، آ: این بیت پس از بیت ۵۹۶ و درو پس از بیت ۵۹۵ آمده است؛ بیایی بیت های متن = ف، س، س، ق، آ، ی، آ ۲۲- س: دشمنان را ۲۳- س: ربودی بتنها فکندی بچاه ۲۴- ل، س، س: (نیز ی، و، لن، آ): دشمنان؛ متن = ف، ق (نیز ق، آ، ب، آ، ب) ۲۵- ل: بدست تو دشمن بسی کم شدست ۲۶- ق: برو بوشان از ۲۷- ل: درو بوشان از تو با غم شدست ۲۸- ق: پهلوانان و؛ س: پهلوانان؛ متن ← ۲۹- س: سر شهریار و گردان شاه؛ متن = ف، ل، ل، آ: درس آ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۰- ل: آ: چو ۳۱- س: خاقان ۳۲- ل (نیز ی، ل، آ، و، آ): نوشته؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۳۳- س: آ: همی ۳۴- ل: گشایندهگان ۳۵- ف، س، ق، ل، آ: تویی؛ متن = ل؛ س: آ این بیت را ندارد

<p>۶۰۰</p> <p>ترا ایزد این زور پیلان^۱ که داد بدان داد تا دست فریادخواه کنون این یکی کار شایسته^۴ پیش به تو دارد اومید^۶ گودرز و گیو شناسی بنزدیک من^۸ جاهشان سزد گر تو این را نداری^{۱۱} به رنج که هرگز بدین دودمان غم نبود نبد گیو را خود جزین^{۱۵} پور کس^{۱۶} فراوان بنزد منش^{۱۸} دستگاه به هر سو که جویش یابم^{۲۰} به جای چو این نامه‌ی من بخوانی مپای! بدان تا بدین کار با ما^{۲۳} بهم</p>	<p>۶۰۵</p> <p>دل شیر^۲ و فرهنگ و^۳ فرخ نژاد، بگیری برآری ز تاریک چاه فراز آمد و هست بایسته خویش^۵ که هستی به هر کشور امروز^۷ نیو زوان^۹ و دل و رای^{۱۰} یکتاهشان بخواه آنچه^{۱۲} باید ز مردان و گنج فروزنده تر زین چنان^{۱۳} که م شنود^{۱۴} چه فرزند بودش^{۱۷}، چه فریادرس مرا و تبار مرا^{۱۹} نیک خواه به هر نیک و بد پیش من بر^{۲۱} به پای سبک باش! با گیو خیز ایدر آ^{۲۲}! زنی رای فرخ به هر بیش و کم</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- س: زور مردی؛ درل دربالا افزوده است؛ و بازو ۲- ل: دل و هوش؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۳- ف، ل، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ [و]؛ متن = ق ۴- ل: بایسته؛ ل: آ؛ بسته به؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۵- ل: آمد و است شایسته خویش؛ س: آمدست ز شایسته خویش؛ ق: آمدست آن نه بر جای خویش؛ ل: آمدست آن شایسته خویش؛ س (نیز ق): آمد اینست بایسته (ق: شایسته) خویش؛ (لن: آمد ای گرد شایسته کیش؛ ل: آمدست نه بر کام خویش؛ پ، لن: آمدست اینست شایسته خویش؛ ب: آمدست و نیب است پیش)؛ متن = ف؛ س، ل، آ، ب پس از این بیت چهار بیت و ق، ل، تنها بیت یکم را افزوده اند (لی، آنیز این بیت ها و بیت های دیگری را افزوده اند):

چنین کار نامد بگودرز بیان
از آن گرگساران و (ق، ل، ل، آ): گرگ چهران تورانیان
بدین روزها مرد فریادگر (ل: بردل ما رسول)
بدین بارگاه آمد ای نامور (ل: ز راه دراز آمد اندر دخول)
از ارمانان آمده دادخواه
که بیشه شد از خوک یکسر (ل: شده از گرازان) تباه
همه گفته یک بیک (ل: گفتنی ها درو) باز گفت
نموده بر آن حال بیژن نهفت (ل: بنامه دراز بیژن نیک جفت)

۶- ل- س (نیز لن- ب): امید؛ متن = ف ۷- ف: کشوری مرد؛ ل (نیز ق، و): کشور و مرز؛ متن = ل، س، ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۸- ق، ل، آ: تودانی بنزدیک من ۹- ف: روان (زوان)؛ ل- س (نیز لن- ب): زبان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف: جان؛ (لی، آ: راه-ج رای)؛ متن = ل- س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- س: تو نیز اندر آیی؛ س: نداری تو این راه؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ ۱۲- س: آنچه ۱۳- س: چنین ۱۴- ل: نبود ۱۵- ل: جز او ۱۶- ف: نیز کس؛ س (نیز ب): پور و بس؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن- آ) ۱۷- ل: بود و؛ ق: چه انده گسار و؛ س این بیت را ندارد ۱۸- س، س، س: بنزدیک من ۱۹- س: مرا و ترا هر دو ان ۲۰- س: که پوم ایشان ۲۱- ق: در؛ س: هست پیشم ۲۲- س (نیز و): اندر آیی؛ (لی، آ: زود اندر آیی)؛ ف: سبک باز (حسبار؟ باش؟) با گیو خیز ایدر آیی؛ ل: بزودی تو با گیو خیز اندر آیی؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): سبک باش و با گیو خیز اندر (لن، آ، ب: ایدر) آیی، ق، ل (نیز ل): سبک خیز و (ق: خیز) با گیو نزد من آیی؛ متن = ف پس از تصحیح باز به باش ۲۳- ل: کار ما را (!)

ز مردان و از گنج و از خواسته^۲ بیارم به پیش تو آراسته^۳
 به فرخ‌پی و^۴ برشده نام تو مگر بیژن از بند یابد^۵ رها

۶۱۵ چو بر نامه بنهاد خسرو نگین
 وُر آنجا پیامد سوی خانه رفت^۹
 سواران دوده همه بر نشانند
 چو نخچیر از آنجا که برداشتی^{۱۳}
 بیابان گرفت و ره هیرمند
 به گورابد اندر نهادند^{۱۷} روی
 چو از دیدگه دیدبانش^{۱۸} بدید^{۱۹}
 که آمد سواری سوی^{۲۱} هیرمند
 درفش درفشان^{۲۳} پس پشت او^{۲۴}
 عو دیده^{۲۶} بشنید دستان سام

سِتد^۸ گیو و بر شاه کرد آفرین
 ره^{۱۰} سیستان را بسیچید و تفت^{۱۱}
 به یزدان پناهد و نامش بخواند^{۱۲}
 دو^{۱۴} روزه به یک روز^{۱۵} بگذاشتی
 همی رفت پویان بسان نوند^{۱۶}
 همی شد خلیده دل و راهجوی
 سوی زاولستان^{۲۰} فغان برکشید
 سواران به گرد اندرش نیز^{۲۲} چند
 یکی کاوی^{۲۵} تیغ در مشت او^{۲۴}
 بفرمود بر چرمه کردن لگام

- ۱- ل، ق، ل، آ، س، آ: وز ۲- ف، س (نیز ب): گنج آراسته؛ ل، ق، ل، آ، س (نیز ل): گنج وز خواسته؛ (ب: گنج پیراسته)؛ متن = (ق، ل، ل، آ، و، آ) ۳- ف: تو از خواسته؛ س (نیز ب): بیارمت در پیش با خواسته؛ س (نیز ق): بیارم در پیش آراسته؛ (ب، ل، ن، آ، و): بیارم پیش تو آراسته؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، آ، آ) ۴- ل: پی؛ س (نیز ب): پی؛ (ل، آ، ب: پی)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، و، ل، آ) ۵- ف: ز ترکان برآید؛ ل (نیز و): برآید ز توران؛ متن = ل، س، ق، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، آ، آ، لغت فرس، ص ۶، لغت شهنامه، شماره ۲۴۳۵): بیاید بسازی؛ س (نیز ب): بیایی بسازی (درس حرف چهارم واژه یکم نقطه ندارد)؛ (ل: بیاید بشادی)؛ متن = ف: بای (حرف دوم نقطه ندارد، بیایی؟ بیایی؟) ۷- س، ق، ل، آ، پ، ل، آ، ب، لغت دری، لغت شهنامه): گردد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، و، آ)؛ س، ق، ل، آ، ل، ی، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:
 نویسنده نامه را پیشگاه (نامه نیکخواه)
 سپید و عنوان نوشتش بدان (بزر)
 چو خسرو همان ساعت انگشتی
 ۸- ق: بشد (ستد) ۹- ل: تفت ۱۰- س: سوی
 تفت)؛ متن = ف، ق، س (نیز ل، پ، ل، ن، آ)؛ ل این بیت را ندارد
 چو بنوشت نامه بفرمان شاه (سپردش بشاه)
 سپردش بدان نامور پهلوان (رهبر نامور)
 نهادش بران نامه از مهستری
 ۱۱- س: بسازید تفت؛ ل: بسیچید و رفت؛ (ل، ق، آ، آ، ب: بسیچید
 ۱۲- ل: و لشکر براند؛ ق: و امیش براند؛ ف: بیزدان و ناهید (ب
 پناهد) و نامش بخواند؛ س (نیز ب): بیزدان بنالید و نامش بخواند؛ متن = ل (نیز ل، آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۳- (ب: برداشتی؛
 ق: از آنجایی که داشتی) ۱۴- ق: سه ۱۵- ف، ل (نیز ق، آ، ل، ن، آ): روزه (؟)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، ی، پ، و، آ،
 ب) ۱۶- ق: سواران بگرد اندرش تایی چند (۶۱۹ ب- ۶۲۲ آ را انداخته و از ۶۱۹ آ و ۶۲۲ ب یک بیت ساخته است)؛ ل: همی کوفت
 راه و همی ساخت بند؛ متن = ف، ل، س، س، آ ۱۷- ل: بکوه و بصحرا نهادند؛ س (نیز ب): بکوه و بیابانش بنهاد؛ ل: بگورابه اندر نهادند؛
 س: بکوه و بیابان نهادند؛ (ل، پ، ل، ن، آ: بتنها بران ره در آورد؛ ق، و: سوی سیستان زود بنهاد؛ ل، آ: براه بیابان نهادند)؛ متن = ف (ب
 ل) ۱۸- ل، س (نیز ق، ل، ی، پ، و، ل، ن، آ): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب) ۱۹- ل: دیده بان بنگرید ۲۰- ل، س
 (نیز ل، ل، ی، پ، ب، بنداری): زاوستان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ) ۲۱- ل: بر ۲۲- ق: نای؛ ل: بای (!) ۲۳- ل: آ:
 درفشان درفش ۲۴- ل، س: او ۲۵- ل: زابلی؛ س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): کابلی؛ (ق: پهلوان)؛ متن = ف (نیز
 ل، و، آ) ۲۶- س: نمودند و (عودیده)؛ ق، ل، آ: چو از دیده؛ متن = ف، ل، س

۶۲۵ بزد اسپ و^۱ آمد پذیره به راه
 به^۳ ره گیو را دید پژمرده روی
 به دل گفت: کاری^۴ نوآمد به شاه^۵
 چو نزدیک شد پهلوان سپاه^۶
 پرسید دستان از^۹ ایرانیان
 ۶۳۰ درود بزرگان به دستان بداد
 همه درد دل پیش دستان بخواند^{۱۲}
 همی گفت: رویم نبینی به رنگ
 وُزآن^{۱۳} پس نشان تهمتن بخواست
 بدو گفت: رستم به نخچیر گور
 شوم - گفت - تا من^{۱۵} بینمش روی
 ۶۳۵ بدو گفت^{۱۷} دستان کز^{۱۸} ایدر مرؤ
 تو تا رستم آید به خانه^{۲۰} پپای

چو گیو اندرآمد به ایوان ز راه^{۲۳} تهمتن پیامد ز نخچیرگاه

۱- ل. ق. ل. (نیزو) براندیشه: س. بزد دست (حاسب) و: متن = ف. س (نیز هشت دستویس دیگر): بنداری: فرکب و تلقاهم ۲-
 ل: مگر ۳- ل. س. ق (نیز لن. ل. ب. ل. ن): ز: متن = ف. ل. ل. س (نیز ق. ل. و. آ) ۴- ف: کاره: متن = ل. س (نیز لن. ب)
 ۵- س (نیز ب): شکفت ۶- ل: فرشته (فرسته) براه: ل: فرستاده گیوست کامد براه: س (نیز ب): که گیوست از نزد شاه
 از بخت: (ل: که گیوست فرستاده ز ایران براه: و: که گیوار نشانی فرستد براه): متن = ف. ق. س (نیز لن. ق. ل. ب. ل. ن. آ): س. ب پس
 از این بیت دو بیت ولی آتیا بیت یکم را افزوده اند:

فرود آمد از اسب گسیودلیر

همان زال زرنامه بر دار شیر

گرفتند مریکدگر در کنار

بپرسیدش از خسرو نامدار

۷- ل: چو گرد آمدند آن دو پهلوان دو شاه ۸- ل. س (نیز لن. ق. ل. ب. و. ل. ن. ب): نیایش کنان: متن = ف. ق. ل. س (نیز لی. آ)
 ۹- ل. س: ز ۱۰- ل: ز نیکان و وزانیان (!) ۱۱- س. س. آ: و بزرگان ۱۲- ق: بگفت (پساوند ندارد) ۱۳-
 ل (نیز ق. ل): از آن: متن = س. ق. ل. ل. س (نیز لن. ل. ب): ف بیت های ۶۳۳-۶۳۵ را ندارد، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: وسایله عن رستم
 فقال: إنه ركب لصيد، والساعة يعود (= ۶۳۳ و ۶۳۴) ۱۴- س. ل. س (نیز لن. ل. ب): بشبگیر: ق: که بریست: (آ: چو برگشت):
 متن = ل (آ): ف این بیت را ندارد: در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س. س. آ: پس تا ۱۶- ق: بروی:
 ف این بیت را ندارد ۱۷- س. س. آ: بفرمود: ق: چنین گفت: متن = ف. ل. ل. آ ۱۸- ق: از ۱۹- ل: کنون ۲۰- ق
 (نیز ق. ل): هم ایدر: ل: بخانه: متن = ف. ل. س. س (نیز لن. ل. ب. ب) ۲۱- س: یکی روز ۲۲- ف. س (نیز ق. ل. و. ب): من: متن = ل. ق. ل. ل. س (نیز لن. ل. ب. ل. ن. آ): س (نیز لن. ب. ل. ن) پس از این بیت افزوده اند:

برفتند هر دو بسایوان زال

نشستند هر دو سخن را سگال

۲۳- ق. ل. س: ز ایوان براه: متن = ف. ل. س

۶۴۰ پذیره شدش کز ره آمد فرازا
 پر از آرزو دل^۳، پر از رنگ^۴ روی
 چو رستم دل گویو را خسته دید
 به دل^۷ گفت: باری^۸ تبا هست کار
 از^{۱۱} اسپ اندر آمد گرفتش به بر
 ز گودرز و از^{۱۳} طوس و از^{۱۳} گزدهم^{۱۴}
 ۶۴۵ ز شاپور و فرهاد^{۱۵} و از^{۱۶} بیژن
 چو آواز بیژن رسیدش به گوش
 به رستم چنین گفت کای^{۲۱} بافرین
 چنان شاد گشتم به دیدار تو
 درستند این هر که^{۲۶} بردی تو نام
 ۶۵۰ نبینی که بر من به پیران سرم^{۲۹}
 چه چشم^{۳۲} بد آمد به گودرز یان
 ز گیتی مرا خود یکی پور بود
 پیاده شد و برد پیشش نمازا^۲
 به رخ بر نهاده ز دیده^۵ دو جوی
 بدآب^۶ مژه روی او شسته دید،
 بدایران^۹ و بر شاه و بر^{۱۰} روزگار
 پیرسیدش از^{۱۲} خسرو تاجور
 ز گردان لشکر همه بیش و کم
 ز رهام^{۱۷} و گرگین^{۱۸} و از^{۱۶} هر تن
 بر آمد به ناگاه^{۱۹} ازویک^{۲۰} خروش
 گزین^{۲۲} همه خسروان^{۲۳} زمین
 بدین^{۲۴} پرسش و خوب^{۲۵} گفتار تو
 وزیران^{۲۷} سوی تو درود و پیام^{۲۸}
 چه آمد ز^{۳۰} بخت بد اندر خورم^{۳۱}
 کزان^{۳۳} سودها مایه آمد^{۳۴} زیان
 که هم^{۳۵} پور و هم پاک دستور بود

۱- ق: پدید؛ ل (نیز، ل، ل، ب، ل، ن)؛ گویو کامد (ل: و آمد) فراز؛ متن = ف، س، ل، ل، س، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛ ۲- ف: شد و پیش
 بردش نماز؛ ل، ل، ل (نیز، ل، ل، ب، ل، ن)؛ شد از اسب و بردش نماز؛ س، ل (نیز)؛ شدش پیش و بردش نماز؛ ق: شد از اسب کورا بدید؛ (ق: آ):
 فرود آمد و برد پیشش نماز؛ متن = س، ل (نیز، ل، و، آ) ۳- ل: آرزوی دل؛ س (نیز)؛ خون دو دیده؛ ق: درد دل (وزن ندارد)؛ ل، ل: پر
 آزار جان و؛ متن = س، ل (نیز، ل، آ) ۴- ل: پر آژنگ؛ س، ل (نیز، ل، ل، ب، و، ل، ل، آ): پر از آب؛ (ل: پر از اشک)؛ متن = ل، س، ق (نیز
 ق، آ، ب) ۵- ل: بر نهاد از دو دیده؛ س (نیز، ل، ل، ب، ل، ل، آ، ب): ز دیده نهاده برخ بر؛ (ق: نهاده ز دیده برخ بر)؛ متن = ق، ل، ل، س، ل، س، ل، ب، ل، ن)؛
 (نیز و)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ل: س، ل (نیز، ل، ب)؛ باب: متن = ف ۷- ل، س (نیز)؛ بدو؛ متن = ف، ق، ل، ل، س، ل، ل، ن)؛
 (آ)؛ بنداری؛ فقال فی نفسه ۸- س، ل: کاری ۹- ل: س، ل (نیز، ل، ق، ل، ل، ب، و، ل، ل، ب)؛ بایران؛ متن = ف ۱۰- ف: بز
 (؟)؛ ل، ق (نیز و)؛ [و] بد؛ (ل: [و] به)؛ متن = س، ل، ل، س، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛ در این بیت پس از بیت ۶۴۶ آمده
 است ۱۱- ف: ل: ز؛ متن = س، ل (نیز، ل، و) ۱۲- ل: پیرسید از آن ۱۳- ل، ق، ل، ل، س، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛ وز؛ متن = ف، س ۱۴- ل
 - س، ل (نیز، ل، ب)؛ گشتم؛ متن = ف، بنداری (حرف دوم در ف نقطه ندارد و در ترجمه بنداری یک نقطه دارد) ۱۵- س (نیز، ل، ل، ب،
 ل، ن)؛ رهام؛ (ل، آ: گرگین؛ و: شیدوش؛ ب: بهرام)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، ب، ل، ن)؛ (نیز، ل، آ) ۱۶- ل، ق، ل، ل، س، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛
 ف: بهرام (؟)؛ س: گرگین؛ (ل، ل، ب، ل، ن: فرهاد)؛ متن = ل، ق، ل، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛ (نیز، ل، آ، ب)؛
 بنداری: ثم سأل به عن الملك وأحوال المملكة ثم عن جودرز و طوس و كزدهم و سابور و بیژن و فرهاد و جميع الأكابر و السادة ۱۹- ل، ق (نیز
 ل، ن، ق، ل، ل، ب، ل، ن)؛ بنا کام؛ س (نیز)؛ زناگه؛ س، ل: زناگه؛ متن = ف (نیز، ل، آ) ۲۰- س، ل: صد؛ ل: بناگاهش از دل برآمد؛ در
 س پس از این بیت، بیت ۶۴۲ آمده است ۲۱- س، ل: [کای] (وزن ندارد) ۲۲- ف: نگین (؟)؛ متن = ل، س، ل (نیز، ل، ل،
 ب) ۲۳- ل: پهلوان ۲۴- ف: وزین؛ متن = ل، س، ل (نیز، ل، ب) ۲۵- ل، س، ل، ل، س، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛ پرسش خوب و؛ متن = ف، ق
 (نیز، ل، و) ۲۶- ل: ازین هرک؛ س (نیز، ب)؛ اینها که؛ ق، ل، ل (نیز، ل، و)؛ ازین هرکه؛ س، ل: پرسش خوب و؛ متن = ف، ق
 ازینها که؛ ل: ازین هرچه)؛ متن = ف ۲۷- ل: ازیشان ۲۸- ل: فراوان درود و پیام؛ س، ل (نیز، ل، ب، ل، ن)؛ درود و سلام
 و پیام؛ ق: ازینسان درود و پیام؛ ل: درود و پیام و سلام؛ (ق: بتو بر درود و سلام؛ ل: و، بر تو درود و سلام)؛ متن = ف ۲۹- س، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛
 سرا ۳۰- س، ل: به ۳۱- س، س، ل: اندر خورا ۳۲- ق: بخت ۳۳- ف: وزان؛ (ل، ل، ب، ل، ن: کزین)؛ متن = ل، ل، س، ل، ل، ب، ل، ن)؛
 (نیز، ل، ل، و، آ، ب) ۳۴- ل: دارم؛ ل: سود ما را سرآمد؛ (ل، ل، ب، ل، ن: سود جستن سر)؛ (ب: بر) آمد؛ ق: سود سرمایه آمد؛ متن
 = ف، س، ق، س، ل (نیز، ل، و، آ، ب) ۳۵- ل، ل، س، ق، ل، ل (نیز، ل، ل، و، آ، ب)؛ هم؛ متن = ف، س، ل (نیز، ل، ل، ب، ل، ن)؛

شد از چشم من در جهان^۱ ناپدید
 چُنینم که بینی به پشت ستور
 ۶۵۵ ز بیژن شب و روز چون بی‌هشان
 کنون شاه با جام گیتی‌نمای
 چه مایه خروشید و کرد آفرین
 پس آمد ز آتشکده باز گاه^{۱۰}
 همان جام رخشنده بنهاد پیش
 ۶۶۰ به توران نشان داد ازو^{۱۳} شهریار
 چو در جام کیخسرو ایدون نمود
 کنون آمدم با دلی پُر امید
 ترا دیدم اندر جهان چاره‌گر

همی‌برکشید از جگر باد سرد
 ۶۶۵ وُزآنپس که^{۱۷} نامه به رستم بداد^{۱۸}
 ازو نامه بستند دو دیده پُر آب
 پس از بهر بیژن خروشید زار
 به گیو‌آنگهی گفت: مندیش ازین
 مگر دست بیژن گرفته به دست
 ۶۷۰ به نیروی یزدان و فرمان شاه

وُزآنجا به ایوان رستم شدند
 چُن^{۲۳} آن نامه‌ی شاه رستم بخواند
 به ره‌بر همی رای^{۲۲} رفتن زدند
 ز گفتار خسرو به خیره بماند:

۱- س: برکنون؛ ل: ناگهان؛ س: چشمم اندر جهان؛ متن = ف، ل، ق ۲- س: براین ۳- س: جزین ۴- ل، س، س: (نیزب): بتاریک هور؛ (لن، ق: و تاریک هور؛ ل، آ: بنزدیک هور)؛ ل: تاریک و تاریک هور؛ متن = ف، ق (نیزلن) ۵- ل: بچستم پرسو ۶- ق، ل: سو ۷- ل، س، ق، س: (نیزلن، پ، لن، ب): شد؛ ل: (نیز و): بد؛ متن = ف، ق: (نیزلی، ل، آ) ۸- ل، آ، س: هرمزو ۹- (ل، ل: فرودین) ۱۰- ف، ل، ق، ل: (نیزلی، و، آ، ب): تابگاه؛ متن = س، س: (نیزلن، پ) ۱۱- س: از ۱۲- ل: ز ۱۳- ل: زو ۱۴- ق: بر ۱۵- (لن: فرستاد)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما وقف علی ذلک أرسلنی الی حضرتک ۱۶- س، س: (نیزلی، آ، ب): کرد ۱۷- ق: چو؛ ل: از آنپس که؛ س: پس آنگاه؛ متن = ف، ل ۱۸- س: و زانپس بر رستم همی نامه داد ۱۹- ل، ق، س: (نیزق، ل): بدو؛ متن = ف، س، س: (نیزل، و، آ، ب) ۲۰- ف، س: ترکان؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن- ب) ۲۱- ل: این ۲۲- ف: راه؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۲۳- ل- س: (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف

ز بس^۱ آفرین جهاندارشاه
 به گیو آنگهی گفت: بشناختم^۴
 بدانستم این رنج و^۷ کردار تو
 چه مایه ترا نزد ما^{۱۰} دستگاه
 چه کین سیاوش، چه مازندران
 بدین^{۱۲} آمدن رنج برداشتی
 به^{۱۴} دیدار تو سخت شادان شدم
 نبایستی کین چنین سوگوار^{۱۶}
 من از بهر این نامه‌ی شاه را
 ز بهر ترا خود^{۱۸} جگرخسته‌ام
 بکوشم بدین^{۲۰} کار اگر جان من
 من از بهر بیژن ندارم به رنج
 به نیروی یزدان ببندم کمر
 بیارم^{۲۶}ش از آن^{۲۷} بند و تاریک^{۲۸} چاه
 سه روز اندرین خان ما^{۳۰} شاد باش!

در آن^۲ نامه بر^۳ پهلوان سپاه
 به فرمان او^۵ راه را ساختم^۶
 کشیدن به هر کار^۸ تیمار^۹ تو
 به هر کینه‌گاه اندرون کینه‌خواه
 کمر بسته در^{۱۱} پیش جنگاوران
 چنین راه دُشخوار^{۱۳} بگذاشتی
 ولیکن ز بیژن غریوان^{۱۵} شدم
 ترا دیدمی خسته‌ی روزگار
 به فرمان به سر بسپرم راه را^{۱۷}
 بدین^{۱۹} کار بیژن کمر بسته‌ام
 ز تن بگسلد پاک‌یزدان من
 فدی^{۲۲} کردن جان^{۲۳} و مردان^{۲۴} و گنج
 به بخت شهنشاه پیروزگر^{۲۵}
 نشانمش با شاه در^{۲۹} پیشگاه
 می و نوشته پیش آر و^{۳۱} آزاد باش!

۱- س: پس از ۲- ل: بدان؛ س: برین؛ ق، س: (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): بران؛ متن = ف، ل: (نیزلی، و، آ) ۳- س، س: (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): نامور؛ متن = ف، ل، ق، ل، (نیزلی، ل، و، آ) ۴- ف: نشناختم (!): ل (نیزو، ل، ن): نشناختم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزب): بشناختم؛ متن = ق، ل، س: (نیزلن، پ، آ)؛ بنداری: ثم دخل به الی ابوانه ففتح الکتاب و قرأه ثم أقبل علی حیو و قال: قد وقفت علی الحال ۵- ق، ل، آ: شه ۶- س: یافتم ۷- ل: [و] ۸- ل: گونه ۹- س، س: (نیزل، ب): پیکار ۱۰- ل، ق، (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن): من؛ متن = ف، س، ل: (نیزلی، و، آ، ب)؛ س: این بیت را ندارد ۱۱- ل (نیزلی، و، آ): بر؛ س: بسته‌ای؛ متن = ف، ق، ل، (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب)؛ س: این بیت را ندارد ۱۲- ف: بدان؛ ل: برین؛ (ل: ازین)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ی، و، آ، ب) ۱۳- ل- س: (نیزق، ل، ی، و): دشوار؛ متن = ف (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۴- س: ز ۱۵- س (نیزلی، آ، ب): هراسان؛ متن = ف، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ن، آ، پ، و)؛ ق، ل: این بیت را ندارند؛ بنداری: و فرحت بمقدمک ۱۶- ق: کارزار ۱۷- درس پس از این بیت، بیت ۶۷۵ دوباره آمده است ۱۸- س (نیزب): من؛ ق (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن): تو من خود؛ س: تو خود من؛ (ل، آ: من از بهر تو خود)؛ متن = ف، ل، ل: (نیزق، و) ۱۹- ف (نیزآ): برین؛ متن = ل- س: (نیزلن- ل، ن، ب) ۲۰- س: برین ۲۱- ف، ل، ق (نیزق، ل، ن): کارگر؛ ل: برمگر؛ متن = س، س: (نیزلن، ل، ی، پ- ب)؛ ف، س (نیزلی، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

وگر نه ازین برنگردم مگر

دهم من بدست تو دست پسر

ل، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب) این بیت را ندارند ۲۲- س، س: (نیزق، ل، ب): فدا؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیزلن) ۲۳- س، س: مال ۲۴- س: گردان ۲۵- س: فیروزگر ۲۶- (ق، و: برآرمش) ۲۷- ل: زان ۲۸- ل: بند تاریک و؛ ق (نیزل، ن): تنگ تاریک؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۹- (ل، ن، پ، ل، ن): بر نامور ۳۰- ل، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ن، آ): من؛ متن = ف، س (نیزق، ل، ی، و، آ، ب) ۳۱- ل: زرنج و زانندیشه؛ س: می و رود بردارو؛ ق، ل: (نیزلی، و، آ): می نوش خوروزغم؛ س: (نیزلن، ق، ل، ن، آ، ب): می (ل: زمی؛ پ: بسی؛ ل، ن، ب: می و) نوش بردارو؛ (ل: همی خورمی و ازغم)؛ متن = ف؛ درس این بیت پس از بیت ۶۸۸ آمده است

که این خانه زآن خانه بخشیده^۱ نیست
سه روز اندرین خانه^۲ باشیم شاد
چهارم سوی شهر^۳ ایران شویم
چورستم چنین گفت برجست گیو
برو آفرین کرد کای نامور
بماناد بر تو چنین جاودان
ز^{۱۱} هر نیکی بهره‌ور بادیا^{۱۲}
چو رستم دل گیو پدرام دید
به سالار خوان گفت: پیش آر خوان^{۱۶}!
زواره فرامرز و دستان و^{۱۸} گیو
نوازنده‌ی رود با میگسار
همه دست لعل^{۲۰} از می لعل فام

مرا^۲ با تو گنج و تن و جان یکیست
ز گردان و از شاه گیریم یاد
به فرمان^۶ شاه دلیران^۷ شویم
ببوسید دست و بر و پای^۸ نیو
به نیروی و مردی و^۹ بخت و هنر،
دل و زور پیل و هُش موبدان^{۱۱}!
چنان^{۱۳} کز دلم زنگ بز دادیا^{۱۴}!
و زآن بد به نیکی^{۱۵} سرانجام دید،
بزرگان و فرزنانگان را بخوان^{۱۷}!
نشستند بر خوان سالار نیو
بیامد به^{۱۹} ایوان گوهرنگار
غریونده^{۲۱} چنگ و درخشنده^{۲۲} جام

۱- (ل: بخشوده) ۲- س: مگر؛ س^۲ (نیزق^۲) این بیت را ندارند؛ درس (نیز ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و پس از آن بیت زیر و سپس بیت ۶۸۷ آمده است:

کجا بودشان خویشی از دیرباز
زن گیو بُد خواهر سرفراز
۳- س: چاره ۴- ل: وز؛ ل، س^۲ (نیزل^۳) این بیت را ندارند ۵- ل (نیزل^۳): شاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیزهشت
دست نویس دیگر) ۶- ل (نیزق^۲، لی، پ، آ): بنزدیک؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۷- ل: جهانبان؛ س
پس از این بیت (ولن، لی، پ، لن، آ) چند بیت بالاتر افزوده اند:

پس از بهر بیژن خروشید زار
بدش بیژن از خواهر پیلتن
هنرهای بیژن از آن بیش بود
ز دیده ببارید خون بر کنار
جوان و سرافراز با زور تن
که با رستم زایل خویش بود

۸- ل، ق: سرو پای؛ (لی، آ): سر پای؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، ب) ۹- ل: مردی و نیروی و؛ س: بنیرو و مردی و؛ ق:
مردی و پیروز؛ ل: مردی و نیروی و؛ متن = ف، س^۲ ۱۰- س، س^۲ (نیزلن، پ، ب): بخردان؛ ل: تن پیل و هوش و دل موبدان؛ متن = ف،
ق، ل^۲ (نیزق^۲، لی، و، لن، آ) ۱۱- ل: آ: به ۱۲- س، ل، س^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بودیا؛ متن = ف، ل، ق (نیزق^۲، لی، ل، آ،
آ) ۱۳- ل: چنین ۱۴- س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): بزودیا؛ متن = ف، ل (نیزلی، آ) ۱۵- ف: بگیتی
(بنیکی)؛ ل، س: از آن پس بنیکی؛ (لن، لن، آ): وزان خود بنیکی؛ ق، آ، ل: وزان پس بنیکی؛ ب: وزان خوب نیکی؛ متن = س، ق، ل، آ
(نیزلی، و، آ، ب) ۱۶- ل: [گفت] خوان آر پیش ۱۷- ل: خوان پیش ۱۸- س: [و؛ ل، س، ل^۲ (نیزق^۲) پس از این بیت
افزوده اند:

بخوردند نان (ل: خوان) و بپرداختند (ل: و سه روز آنزمان)

نشستنگه خرمی (ل: رود و می) ساختند (ل: همی شاد بودند و رامشگران)

۱۹- ف: ز؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ل، آ، پ، ب) ۲۰- ف: روی لعل؛ (لن، پ، لن، آ): دست جام؛ لی، ل، آ: دشت لعل؛ متن = ل، س،
ق، س^۲ (نیزق^۲، ب) ۲۱- س، س^۲: خروشنده؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- ل، ق: خروشنده؛ س، س^۲: گسارنده؛ متن = ف؛ ل^۲ این
بیت را ندارد؛ س (نیزق^۲، لی، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیاورد نسرین و عود و گلاب
برینسان چورستم بسازید بزم
سربهلوانان چوبگرفت جام
بیاورد نقل و نبید و گلاب (شراب)
گسارنده بزم و بسازنده رزم
همان سرخ می رستم زال سام ←

<p>همی بود شادان و خندان دو لب^۲ چو آمدش^۳ هنگام رفتن فرار، سوی شهر^۴ ایران بسیچند^۵ کار همه راه را ساخته بر درش^۶ کمر بسته، پوشیده^۷ رومی قیای پُر از جنگ سر، دل پُر از کیمیا ز خورشید برتر سر تاج بخش^۸ ز لشکر گزید آذر کارزار به^۹ زال و فرامرز بگذاشتند^{۱۰} همه راه پویان و دل کینه جوی^{۱۱}</p>	<p>[چنین تا برآمد^۱ سه روز و سه شب به روز چهارم گرفتند ساز بفرمود رستم که بندند^۲ بار سواران گردنگش از کشورش^۳ بیامد به رخس اندرآورد پای به زین اندرافگند گرز نیا به گردون برافراخته گوش رخس خود و گیو با زاولی^۴ صد سوار که نابردنی بود برگاشتند^۵ سوی شهر ایران نهادند روی</p>	<p>۷۰۰</p> <p>۷۰۵</p> <p>۷۱۰</p>
<p>سر کاخ^{۱۲} کیخسرو آمد پدید^{۱۳}</p>	<p>چو رستم بنزدیک ایران رسید</p>	<p>۷۱۰</p>

۱- س (نیز ق، ل، ی، و، آ): بیودند شادان؛ متن = ف ۲- س: ابا شادی و آفرین هر دو لب؛ (ق، ل، ی، آ): ابا شاد کامی و لهو و طرب؛ و: ابرباد خسرو گشاده دو لب؛ متن = ف؛ ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، ب) این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت و س^۲ (نیز لن، پ، ل، ن، ب) بجای آن افزوده اند:

سه روز اندر ایوان رستم شراب

بخوردند و کردند رفتن (پ: از آنپس؛ ب: بر رفتن؛ س: رفتند برره؛ لن، ل، ن: بخورد و نکرد او بر رفتن) شتاب
ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر بیرون آمدن رستم از زاوولستان با گیو و از پیش بیامدن گیو بنزدیک شاه کیخسرو و خبر دادن ۳- ف،
س، ل^۱ (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ، ب): آمد به (؟)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ی، آ)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۴- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، ل، ی، پ،
لن، آ، ب): بندید؛ متن = ف، س^۱ ۵- ل: شاه؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ س^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، پ، ب) ۶- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن،
ق، ل، ی، پ، لن، آ، ب): بسیچید؛ متن = ف، س^۱ ۷- س^۱: گردنگش آواز کرد ۸- س^۲: که اکنون بسیچند کار نبرد ۹- ل،
ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ب، و، لن، آ): کمر بست و پوشید؛ (ل: بیوشید رخسند)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب): درس (نیز ب) بیت های
۷۰۹-۷۰۴ درهم ریخته اند: ۷۰۸، ۷۰۴، ۷۰۹، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷ ۱۰- ل این بیت را ندارد ۱۱- ل، س، ق (نیز ل، آ، پ، و، لن،
ب): زابلی، متن = ف، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ی، آ): ل این بیت را ندارد ۱۲- ف: که نابردنی (حرف یکم نقطه ندارد) بود برداشتند؛ س^۱:
چو از بردنی بود برداشتند؛ (ل، پ: که تا بردنی جمله برداشتند؛ ق، ل، و: کجا بودنی بود برداشتند؛ ل، آ: که تا بودنی بود برگاشتند؛ ل: چه تا بودنی
بود برداشتند؛ لن: که تا بودنی جمله برداشتند؛ ب: که تا بودنی بود برداشتند)؛ متن = ل، س ۱۳- س: چو ۱۴- ف، ل، س (نیز و،
آ): نگذاشتند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ س^۱ پس از این بیت افزوده است:

بگیو آنگهی گفت توشاد شو
برو آفرین کرد دگر باره گیو
که بیژن سپارم بتو روز نو
چه پیروز مردی بتوشاد نیو

۱۵- ف: پویان دل و کینه جوی؛ س (نیز ب): پویان و نجیر جوی؛ س^۱: گویان و دل کینه جوی؛ (لن: جویان و دل کینه جوی)؛ متن
= ل، ق، ل^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل، ل، آ، س^۱ (نیز لن): سر تخت؛ (ل، آ: همه کاخ)؛ متن ← ۱۷- ل، ق (نیز
ل): بنزدیک شهر دلیران رسید؛ متن = ف، ق، (نیز لن، ق، آ، پ، و، ب)

→ همی گفت از فرآن شهریار
۵ چو گفت این سخن خورد او جام می
بخور باده و غم فراموش کن
کم دشمنان را همه سوگوار
بگیو آنگهی گفتش ای نیک پی
مر آزاده را بس بود یک سخن

یکی بادِ نوشین درود^۱ سپهر
 بر رستم آمد پس^۳ آنگاه گيو
 بدین مژده، وآگه^۶ کنم شاه را
 چو نزدیک کیخسرو آمد فراز
 ۷۱۵ پس از گيو گودرز پرسید شاه
 بدو گفت گيو: ای شه نامدار
 نتابید^{۱۰} رستم ز^{۱۱} فرمان تو
 چُن^{۱۲} آن^{۱۳} نامه‌ی شاه دادم بدوی
 عِنان با عِنان من ایدون^{۱۶} بیست
 ۷۲۰ برفتم^{۱۸} من از پیش تا نزد^{۱۹} شاه
 به گيو آنگهی گفت: رستم کجاست؟
 گرامیش کردن سزاوار هست
 بفرمود خسرو به فرزندگان
 پذیره شدن پیش او با سپاه

به رستم رسانید شادان^۲ به مهر
 که رفتم بدایران^۴ من از پیش نیوه،
 که پیمود رخس تهم راه را
 ستودش فراوان^۷ و بردش نماز
 که رستم کجا ماند و^۸ چون بود راه؟
 برآید به بخت تو هرگونه کار
 دلش بسته دیدم به پیمان تو
 بمالید بر نامه بر^{۱۴} چشم و روی^{۱۵}
 چنان چون بود مرد^{۱۷} خسروپرست
 بگویم که آمد تهمتن ز^{۲۰} راه
 که پشت بزرگی^{۲۱} و تخم وفاست
 که نیکی نمایست و خسروپرست^{۲۲}
 به خسرو نژادان^{۲۳} و مردانگان^{۲۴}،
 که آمد به فرمان خسرو ز^{۲۵} راه

- ۱- ق، ل، آ، س (نیزو): درود از: (ق: آ، بسان: ل: آ، دمید از: ب: بروی): متن = ف، ل، س (نیزلن، لی، ب، لن، آ) ۲- (لن: شادی):
 س: آ: رسانیده بودش ۳- ل- س (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ، ب): هم: متن = ف (نیزق، آ، ب، لن) ۴- س، ق (نیزلن، ب، لن، آ، ب):
 بایران: متن ← ۵- ل (نیزل): کز ایدر بیاید شدن پیش نیوه: ل (نیزو): که باید مرا رفتن از پیش نیوه: س: که بایدم رفتن من از پیش نیوه:
 (ق، آ، لی، آ: که رفتم من (ق: آ: من رفتم) از پیش سالار نیوه): متن = ف ۶- ل، ل، س، ل (نیزلن، لی، ل، آ، ب): شوم گفت وآگه: ق، س (نیزق، آ، ب، و، لن، آ): شوم گفت آگه: متن = ف: ل، ق، ل، آ پس از بیت ۷۱۳ بیت زیر را افزوده اند که در لی، ل، آ، و، آ نیز هست:
 چو رفت از بر رستم (ق: رستم آن) پهلووان بیامد بدرگاه شاه جوان (ل: جهان)
 س پس از بیت ۷۱۳ سه بیت افزوده است که بیت یکم در و، بیت یکم و دوم در لی، ق، آ، و، آ و بیت سوم در ب نیز آمده است:
 بدو گفت رستم برو شاد باش بگوشاه را کز غم آزاد باش
 مژده بشد گيو نزدیک شاه که پاکیزه دل بود و پاکیزه راه
 برفت آن زمان گيو شادان شهر دلش یافته از همه کار بهر
- ۷- ق: برو آفرین کرد ۸- ل: [و] ۹- ق: که چون ماند آن رستم نیکخواه ۱۰- س: شتابید: ق، ل: نیچید: متن = ف، ل، س: آ ۱۱- س: به ۱۲- ل- س (نیزلن- ب): چو: متن = ف ۱۳- ق: من ۱۴- ف: او: ل، آ، س (نیزلن، ب، و، لن، آ، ب): آن نامه بر: متن = ل، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ) ۱۵- ق: بر نامه شاه روی ۱۶- ل، ق (نیزق، آ، ل، آ، ب): اندر: (لن: ایدر): متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی، و، آ، ب) ۱۷- ل، ل، ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ): گورد: متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ب، لن، آ، ب) ۱۸- (ل، آ، ب، لن: براندم) ۱۹- ل (نیزل): از پیش تا با تو: س، س (نیزب): از نزد او پیش: متن = ف (نیزق، آ، لی، ب، لن، آ) ۲۰- س، س، س: به: ق، ل، آ این بیت را ندارند ۲۱- س، س، س: بزرگان: ل، آ این بیت را ندارد ۲۲- ل، آ این بیت را ندارد: س (نیزق، آ، لی، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:
 چنین گفت گيو آنگهی شاه را چنين گفت گيو آنگهی شاه را
 که من راندمت دو منزل به پیش که من راندمت دو منزل به پیش
 سزاوار و بیسننده گاه را با گاه کردن سوی شاه خویش
- ۲۳- ل، ق، ل، آ: بمهتر نژادان: متن = ف، س، س (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ) ۲۴- ق، ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، آ): وآزادگان (پساوند نادرست است): متن = ف، ل، س، س (نیزلن، لن) ۲۵- ل- س (نیزل، لن، آ، ب): به: متن = ف (نیزلی، آ)

۷۲۵	بگفتند گودرز کشواد را ^۱	شه نوزدان ^۲ طوس و فرهاد را ^۳
	دو بهره ز لشکر ز گردنکشان ^۴	چه از گرزداران و ^۵ مردمکشان ^۶
	بر ^۷ آیین کاوس ^۸ برخاستند	پذیره شدن را بیاراستند
	جهان شد ز گرد سواران بنفش	درخشان سنان ^۹ و درفشان درفش
	چو نزدیک رستم فراز آمدند	پیاده به رسم نماز آمدند ^{۱۰}
۷۳۰	از ^{۱۱} اسپ اندر آمد جهان پهلوان ^{۱۲}	کجا ^{۱۳} پهلوانان به پیشش نوان ^{۱۴}
	پرسید مر هر یکی را ز شاه	ز گردنده خورشید و ز بخش ماه ^{۱۵}
	نشستند گردان و رستم ^{۱۶} بر ^{۱۷} اسپ	بکردار رخشنده آذرگشسپ

گفتار اندر ستایش کردن رستم بر شاه کیخسرو^{۱۸}

۷۳۵	چو آمد ^{۱۹} بر شاه کهنرنواز	نوان ^{۲۰} پیش او ^{۲۱} رفت و بردش نماز
	ستایش کنان پیش خسرو دوید	که مهر و ^{۲۲} ستایش مرو را ^{۲۳} سزید
	بر آورد سر آفرین کرد و گفت:	مبادا بجز نیک و خوبیت جفت ^{۲۴} !

۱- س: ^۲ گودرز و کشوادگان ^۲- ل: نوزدان ^۳- س: طوس و آزادگان؛ بنداری: و أشار علی طوس و جودرز و فرهاد ^۴- ف: دوم بهره لشکر ز گردنکشان؛ ل، ق، ^۵ (نیز لن، ق، ^۶ پ، و، لن ^۷): دو بهره ز گردان و (ل: [و]) گردنکشان؛ س (نیز ب): دو بهره ز گردنکشان برگزید؛ متن = س^۸ (نیز ل، آ) ^۵- ل: [و] ^۶- (ل، و: دشمن کشان)؛ س (نیز ب): چنان کز در نامداران سزید؛ (ق: از آن سرفرازان و دشمن کشان)؛ متن = ف، ق، ل، ^۷ س^۸ (نیز لن، پ، لن، آ)؛ س (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

دو بهره ز لشکر همه سرکشگان

ز نیزه گزاران (ب: هم از گرزداران) و دشمن کشان

۷- س، ق، ل، ^۸ به؛ متن = ف، ل، س ^۸- س: پیشینه ^۹- ف: خروشان سنان (؟)؛ س، س^{۱۰} (نیز ب): خروشان سپاه؛ ق، ل، ^{۱۱} ل: خروشان سوار؛ (لن، پ، لن، آ، خروشان ستور؛ ق: خروش یلان؛ ل: درفشان سنان؛ و: فروزان سنان)؛ متن = ل ^{۱۰}- س (نیز ق، آ) پس از این بیت افزوده اند:

یکایک ببردند او را نماز چو آن دیدش آن پهلوسر فرزاز

۱۱- ف- ل: ^{۱۲} ز؛ متن = س ^{۱۲}- ل: سر پهلوان ^{۱۳}- س: همه ^{۱۴}- س: دوان؛ ل: ^{۱۵} ز پیش نوان (!) ^{۱۵}- ل، ق (نیز ل: ^{۱۶}): و تابنده ماه؛ س: ^{۱۷} و رخشنده ماه؛ (آ: و از تخت و گاه)؛ س (نیز ب): هم از فرو دیهم و از تاج و گاه؛ (لن، پ، لن: ^{۱۸} ز تابنده (لن): ^{۱۹} رباینده) خورشید و رخشنده ماه؛ متن = ف، ل، ^{۲۰} (نیز ق، و)؛ س (نیز ق، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

همی گفت هر کس که (درستست گفتا و) شاد آمدی

که از جان تو دور مبادا بدی

۱۶- ق، ل، ^{۱۷} پهلوان ^{۱۷}- س: به ^{۱۸}- ف: گفتار اندر ثنا گفتن رستم بر شاه کیخسرو بماه پارسیان و شراب خوردن کیخسرو با رستم؛ س: آمدن رستم بایران زمین و ستایش کردن بر کیخسرو؛ ق: رسیدن رستم نزد کیخسرو و ستایش کردن شاه را؛ ل: اندر آفرین کرد رستم بر کیخسرو؛ متن = آغاز ف ^{۱۹}- ق، ل، ^{۲۰} خرامان ^{۲۰}- س: دوان ^{۲۱}- ق: شه؛ درق لست های این بیت پس و پیش شده اند ^{۲۲}- ل: [و]؛ س: ^{۲۳} که مهر ^{۲۳}- ف: بدوبر؛ متن = ل- س^{۲۴} (نیز لن، ق، ل، ب)؛ ل، س، ق پس از این بیت افزوده اند:

یکسوی آفرین کرد رستم بشاه که هرگز نکرد آن کس از دیرگاه (س: زیرگاه)

۲۴- ل: مبادت جز از بخت پیروز جفت؛ س، س^{۲۵} (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ که بادی هه ساله با بخت جفت؛ ق (نیز ل): مبادا بجز نیک نامیت جفت؛ (ق: مبادا جز از مهر و خوبیت جفت)؛ متن = ف (؟)؛ ل، این بیت را ندارد؛ بنداری بیتهای ۷۳۵-۷۴۲ ولی بیتهای ۷۲۸-۷۴۸ را ندارد

که هرمز دهادت به دین پایگاه!^۱ وُ بهمن^۲ نگهبان فرخ‌کلاه!^۳
 همه ساله^۴ اردیبهشت هژیر^۵ نگهبان شده بر هُش و رای پیر^۶!
 و شهریورت باد^۷ پیروزگر!^۸ به نام بزرگی و فر و هنر^۹
 سیندارمذ^{۱۱} پاسبان تو باد!^{۱۰} خرد جای^{۱۲} روشن روان تو باد!
 ۷۴۰ ز خرداد باش از برویوم شاد!^{۱۳} تن چارپایانت مرداد باد!^{۱۴}
 [دی و اورمزدت خجسته بواد!^{۱۵} در هر بدی بر تو بسته بواد!^{۱۵}]
 [ترا باد فرخنده‌تر شب ز روز^{۱۶}!^{۱۶} تو شادان و تاج تو^{۱۷} گیتی فروزا!^{۱۷}]

۱- ل: بیدین جایگاه؛ ل (نیز ق، ل، پ، و): چو (ق، ز، ب، و: که) هرمزد بادت بدین پایگاه (و: بارگاه)؛ س، س، س: چو (س، ز) هرمز دهادت برین (س: بیدین) پایگاه؛ ق: چو هرمز دهد برترین جایگاه؛ (آ: و هرمز بوادت بدین پایگاه)؛ متن = ف (نیز ل، ل، ب): بیدین پایگاه ۲- ف، ل، س، ق (نیز ل): چو بهمن؛ (ب، ل، آ: بهمن)؛ متن = ل، ل، س (نیز ل، و، آ، ب: ۷۳۸، ۹۴۴، ۱۲۰۲) ۳- س، ق (نیز ل، و، ل، آ، ب): تخت و کلاه؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ب، آ): س (نیز ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

مه فور دینت خجسته بواد در هر بدی بر تو بسته بواد

۴- ق، ل، آ: چنان هم که ۵- ل: هجیر؛ (ل، ب: اردیبهشت هژیر) ۶- ل: نگهبان تو با؛ س (نیز ب): نگهبان تو بر؛ ق: نگهبان شد بر؛ ل: نگهبان شد با؛ (و: نگهبان جان و): متن = ف، س (نیز ل، ب، ل، آ) ۷- س، ل: رای و ویر؛ س: هُش رای و تیر؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب، و، ل، آ، ب) ۸- ف: ز، ل، س، ق: چو؛ متن = ل، ل، س (نیز و، ب: ۷۳۶، ۹۴۴، ۱۲۰۲) ۹- ل: شهریرگر باد؛ ق: شهریر بادت؛ متن = ف، س، ل، س (نیز و، ب) ۱۰- ف: گهبر؛ متن = ل، س (نیز ق، ب، و، ب): ل، ل، ل، آ، ل، آ این بیت را ندارند ۱۱- ف، ل، س، ق، س (نیز ب، و، ل، آ): سفندارمذ؛ ل: سفندارمذ؛ (ل، ب: سفندارمذ؛ ق: سفندارمه؛ آ: سفندارمذ)؛ متن = ل، ل، آ ۱۲- ل، ل، ل (نیز ل، ل، ب، ل، آ): جان؛ متن = ف، س، ق، س (نیز و، آ، ب): در س پس از این بیت، بیت ۷۴۱ آمده است ۱۳- ل: چو خردادت از یاوران بردهاد؛ س (نیز ل، ب، ل، آ، ب): تن (س، ب: همه: آ، ب): چارپایانت مرداد (س، ب: خرداد) باد (۷۴۰)؛ ق (نیز ل، و): به (و: ز) خرداد بادت برویوم شاد؛ متن = ف، ل، ل ۱۴- ل: ز مرداد باش از برویوم شاد (۷۴۰)؛ س (نیز ب): همه یوم و شهر تو آباد باد؛ ق (نیز ل، ل، ب، ل، آ): همیشه تن و جانت (ل، ب، ل، آ: تخت) آباد باد؛ (و: هر آنچت مرداست اینزد دهاد؛ آ: همیشه برو تخت آباد باد)؛ متن = ف، ل، ل؛ س این بیت را ندارند؛ ف پس از بیت ۷۴۰ افزوده است:

خور و ماه فرمان تو شاه باد سرایت ز تو پیر خور و مساه باد
 همه ساله تیوتو از روز تیر بزرگی و شاهی و تاج و سریر
 چو مهر سپهر آورد دی به مهر ترا تازه تر باد هر روز چهر
 همیشه سروشت به روز سروش نگهبان و افزون تیرت رای و هوش
 جوان باد بخت تو در فور دین چو در فور دین ماه روی زمین
 ترا روز رام از جهان رام باد همان باد را با تو آرام باد

این بیت ها در هیچیک از دستنویس های دیگر نیست؛ س (نیز ق، و، ب) پس از بیت ۷۴۰ افزوده‌اند (بیت سوم تنها در آمده است):

تو هرچت بکام است اینزد دهاد

ز خرداد باش از برویوم شاد (= ۱۷۴۰)

بستو خان و مسانست چو مرداد باد

همه ساله تخت تو آباد باد

در آبانست هر کار فرخنده باد

سپهر روان پیش تو بنده باد

۱۵- س: دل بدسگالت گسسته بواد؛ در س (نیز ل، ق، ب، و، ل، آ، ب) این بیت پس از بیت ۷۳۹ آمده است؛ س (نیز ل، آ) این بیت را

ندارند ۱۶- ل: دیت آذر فروز و فرخنده روز؛ س (نیز ق، ب): دی از دیت فرخنده تر شب ز روز؛ ق: دی از تیر فرخ تر و شب ز روز؛ ل:

ترا باد فرخنده همواره روز؛ (و: از آذرت رخشنده شب همچو روز)؛ متن = ف (نیز ل، ب، ل، آ) ۱۷- ل: تاج از تو؛ س (نیز ل، آ) این بیت

را ندارند

چو این^۱ آفرین کرد، خسرو بیای^۲
 بدو گفت خسرو^۴: درست آمدی
 ۷۴۵ توی^۵ پهلوانِ گیانِ جهان
 گزینِ گیانی و پشت سپاه
 مرا شاد کردی به دیدار خویش
 زواره فرامرز و دستانِ سام
 فروبود^{۱۱} رستم ببوسید تخت
 ۷۵۰ به بخت تو هر سه درستند و شاد

به سالارِ نوبت بفرمود شاه
 در باغِ بگشاد سالارِ بار
 بفرمود تا تاج زرین و تخت
 همه دیبه^{۱۵} خسروانی به باغ
 ۷۵۵ درختی زدند از بر^{۱۷} گاهِ شاه
 تنش سیم و شاخش^{۱۸} زیاقوت و زر
 عقیق و زمرد همه برگ و بار^{۲۱}
 همه بارِ زرین تُرنج و بهی
 بدوی^{۲۴} اندرون مُشکِ سوده به می

که گودرز و طوس و گوان را بخواه!
 نشستن گهی ساختش^{۱۳} شاهوار
 نهادند زیر گل افشان درخت^{۱۴}
 بگسترده شد گلستان چون^{۱۶} چراغ
 کجا سایه گسترد بر تاج و گاه
 برو^{۱۹} گونه گون شاخ های^{۲۰} گهر
 فروهشته از شاخ^{۲۲} چون گوشوار
 میان تُرنج و بهی را^{۲۳} تهی
 همه سفته پیکرش^{۲۵} برسان نی

۱- س، ق، س: چنین ۲- ل، س (نیز لن، پ، و، لن، ب): رستم بیای؛ ق، س: و خسرو بیای؛ (ق: خسروستای)؛ متن = ف، ل: بنداری (۷۳۳-۷۴۳): فلما دخل رستم علی الملک خرساجدا فرقع رأسه و مثل بین یدیه واقفا یدعو ویشی . و الملک ایضا واقف یصغی الی کلامه ۳- ل، ق: و کردش؛ متن = ف، س، ل، س: ۴- ل: پرسید و گفتش ۵- س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل ۶- س، س: نگاهان ۷- ل: تخت و سپه را پناه ۸- ف (نیز پ، لن، آ): برین؛ (ق: ازین)؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، و، ب) ۹- ق (نیز ل، و): هشیار؛ س (نیز ق، ب): پرسش خوب و گفتار؛ ل: فرخی برزور خسار؛ س: پرسش و خوب گفتار؛ متن = ف، ل (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۱۰- ل، س، ق، س: ازیشان؛ متن = ف، ل ۱۱- ل، س: فروبرد؛ متن = ف، ل، س، ق ۱۲- ل، ق، ل، س (نیز و، آ): خسرو نیک بخت؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) ۱۳- ل: بود بس؛ س، ق، ل: ساخته؛ (ل: ساخت بس؛ ب: ساختن)؛ متن = ف، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س (نیز لن، ب)؛ بنداری: و نقل الیه تخت الملک و تاجه ۱۵- ل، ق (نیز لن، ب، ب): دیبه ۱۶- س: باغ همچون؛ س در اینجا سرنویس دارد: صفت بزمگاه کیخسرو در زیر درخت گوهر نگار ۱۷- ل: از در ۱۸- ق: بارش ۱۹- س: بدان؛ ق: برون ۲۰- ل، س، ق، ل (نیز ل، و، آ، ب): خوشهای؛ (ق: گونه گونه نشانده؛ ل: بافته خوشهای)؛ متن = ف، س (نیز لن، پ، لن، آ)؛ بنداری: و نصب فی المجلس شجرة تظل علیه أصلها من الفضة و أغصانها من الذهب، قد تبدلت منها شماریح من اللؤلؤ و الیاقوت ۲۱- س: عقیق و زبرجد بروبر نگار ۲۲- ل: تاج؛ ل: بار؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، و، آ، ب) ۲۳- ل، ق (نیز و): ها؛ ل: با؛ س (نیز ق، ل، آ): بد؛ (ل: نا)؛ س (نیز ب): ترنج و بهی را میانش (ب: میانه)؛ متن = ف (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۴- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): بدو؛ متن = ف ۲۵- ل، س (نیز لن، ل، ب، ب): پیکرش سفته؛ (ق: پیکرش سوده)؛ متن = ف

۷۶۰ که را شاه بر گاه بنشاندی
همه^۳ میگساران به پیش اندرا^۴
ز دیبای زربفت چینی^۵ قبای
همه طوق^۶ بر بسته و گوشوار
همه رخ چو دیبای رومی به رنگ
همه دل پُر از شادی و می به دست
۷۶۵

نشت از بر گاه زیر درخت
که ای نیک پیوند^{۱۱} به روزگار^{۱۱}،
همیشه^{۱۳} چو سیمرخ گسترده پر
همه بر در^{۱۷} رنج بندی میان
به فر گیان^{۱۹} و به گرز گران
بر آسانی^{۲۰} و رنج و سود^{۲۱} و زیان
همیشه به نیکی مرا رهنمای
ز هر بد سپر بود^{۲۳} بر^{۲۴} پیش من
غم از درد فرزند برتر چه چیز^{۲۶}؟
۷۷۰

۱- ف: بسدو؛ متن = ل. س^۱ (نیز لن. ب) ۲- ل، س: ازو؛ ل: بر ازو؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ل، آ، ب) ۳- ق: همی ۴- ل: اندرش ۵- ق: همه بر سر از گوهران افسرا؛ ل: همه افسران بر سر از گوهرش؛ متن = ف، ل، س؛ س: این بیست را ندارد ۶- ل: ورومی ۷- ل: طرف؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن. ب، بنداری) ۸- ف: جام؛ ل، ق، ل: بریشان همه جامه؛ (لن، پ، و، لن: بدست اندرون جام)؛ متن = س، س^۱ (نیز ل، آ، ب) ۹- در ف، ل، آ، س^۱ (نیز لن. ب، لن، آ، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل، س، ق (نیز و، آ، بنداری)؛ بنداری (۷۶۵-۷۶۱): واصطفت الوصائف والسقاة علی رءوسهم الأكابیل المرصعة وعلیهم الملابس المذهبة، بالأطواق والأقراط، کالأقار الطالعة والشموس المشرقة، فی حجورهم المزاهر، و فی أیدیهم المعازف، تشرق فی أکفهم الأقداح وتقهقه فی أوجههم الراج ۱۰- ل، ق، ل (نیز ل، آ، ب): پیوند و؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن) ۱۱- س: که مردی دلیری بهر کارزار ۱۲- س، ق، ل: تویی؛ س: تودر؛ متن = ف، ل ۱۳- ل (نیز و): خجسته ۱۴- ف: تو؛ متن = ل. س^۱ (نیز لن. ب) ۱۵- ل: گاه؛ ق، ل (نیز آ): کار؛ (ل: رزم)؛ متن = ف، س، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ف: چوپشت؛ ل: زپیش؛ (ق، آ، ل: چه پشت)؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ل، پ، ب) ۱۷- ل: از پی ۱۸- ل، س (نیز لن، آ، ب): بکندم؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن، ل، آ، و، آ) ۱۹- ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): کیانی؛ متن = ف، س، س^۱ (نیز ق، آ، و، ب)؛ این بیت در ل، لن، آ، پ، لن پس از بیت ۷۸۳، در س، س^۱، ب پس از بیت ۷۸۴ و در ق^۱ پس از بیت ۷۸۵ آمده است؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ پیاپی این بیت در متن = ف، ل، و، آ ۲۰- ل، ل، ق، ل (نیز آ): باسانی؛ س: تن آسودی؛ (لن، ق، آ، ل، آ، و: تن آسانی؛ ب: در آسانی)؛ متن = ف، س (نیز پ، لن) ۲۱- س: سود ورنج ۲۲- ل، س^۱ (نیز لن. آ): کز؛ س (نیز ب): از آن؛ ق: بند؛ ل: یکی گیو بند؛ متن = ف ۲۳- ل، آ، س: بوده ۲۴- ل. س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، ب): در؛ متن = ف (نیز ل) ۲۵- ق: نباید ۲۶- ل (نیز ل): بتر چه چیز؛ س^۱ (نیز و): بدتر چه چیز؛ (ق: برتر که دید)؛ ل: غم درد فرزند برتر ز چیز؛ (لن، ل، پ، لن): غم از بهر فرزند برتر چه چیز؛ متن = ف، س، ق (نیز آ، ب)

<p>۷۷۵ بدین کار اگر^۱ تو نبندی میان^۲ کنون^۳ چاره‌ی کار بیژن بجوی از^۴ اسپ و سلیح و زمردان و گنج^۵</p>	<p>نیاید پذیره هزبر ژیان^۳ که او را ز توران^۴ بد آمد به روی بهر هر چه^۵ باید، مدار این به^۶ رنج!</p>
<p>۷۸۰ چو رستم ز کیخسرو ایدون شنود^۱ برو^۲ آفرین کرد کای نیک‌نام ز تو دور باد آرز و خشم و نیاز^۳ توی^۴ بر گیان^۵ شاه و سالار^۶ گئی که چون تو ندیده‌ست یک شاه‌گاه بدان را ز نیکان تو کردی^۷ جدا مرا مادر از بهر رنج تو زاد منم گوش داده به فرمان شاه^۸ جز آن کز پی گیو گر^۹ بر سرم رسیده^{۱۰} به مژگانم اندر سندان</p>	<p>زَمین را ببوسید و برجست زود^{۱۱} چو خورشید هر جای گسترده کام^{۱۲} دل بدسگالت به گرم و گداز گیان جهان مر ترا خاک پی نه تابنده^{۱۳} خورشید و گردنده^{۱۴} ماه تو داری^{۱۵} به افسون و بند آرزوها تو باید^{۱۶} که باشی به آرام و شاد بدان سو روم کو نماید کلاه^{۱۷} هوا بارد^{۱۸} آتش بدو^{۱۹} ننگرم نتابم ز فرمان خسرو^{۲۰} عنان</p>

۱- ف، ل (نیز ق)؛ گر؛ متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ل، ب-ب) ۲- س، س (نیز ل، ق، و، ب)؛ کمر؛ ل، ل؛ بِنَدی میان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ل، آ)؛ بِنَدی میان؛ (پ) بِنَدی کمر؛ ل؛ اکنون تو بِنَدی میان؛ متن = ف ۳- (ل) دمان؛ ل، ق، ل (نیز آ)؛ پذیره نیایدت (ق) نیایدت (شیر ژیان؛ س، س (نیز ب)؛ نبینی بگیتی یکی چاره گر؛ (ل، ق، آ، پ، و؛ نبینم بگیتی دگر چاره گر؛ ل، ل؛ پذیرت نیاید هزبر ژیان)؛ متن = ف ۴- ل؛ چنین ۵- س؛ ترکان ۶- ف-ل؛ ز؛ متن = س ۷- ل، ق، ل (نیز ل)؛ ز گردان و اسبان و شمشیر و گنج؛ متن = ف، س، س (نیز هشت دستنویس دیگر؛ س، ل، آ؛ سلاح) ۸- ل؛ هرچ ۹- س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ب، ل، آ، آ، ب)؛ مدار ایچ؛ (ل، ل؛ مبر هیچ)؛ متن = ف، ل، س (نیز و) ۱۰- ل؛ شنید؛ متن ← ۱۱- ل؛ و دم درکشید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل-ب) ۱۲- ق؛ بدو ۱۳- س؛ نام؛ ق؛ گسترده بهر جای کام (وزن ندارد) ۱۴- ل؛ خشم نیاز؛ س؛ بادا همه خشم و آرز ۱۵- س، ق، س؛ تویی؛ ل؛ توای؛ متن = ف، ل ۱۶- ل، ل؛ جهان؛ ق (نیز آ)؛ شهان؛ متن = ف، س، س (نیز ل، ل-ل، آ، ب) ۱۷- ل، ق، ل (نیز ل، ل، آ، ب)؛ سالار و؛ متن = ف، س، س (نیز ل) ۱۸- ل؛ رخشنده ۱۹- س، ق؛ رخشنده؛ ل؛ تابنده؛ متن = ف، ل، س ۲۰- ف؛ تو کردی ز نیکان؛ متن = ل-س (نیز ل-ل، آ، و-ب) ۲۱- ق؛ بندی؛ ل؛ دادی؛ درل، ل، ل، آ، پ، ل؛ پس از این بیت، بیت ۷۷۰ آمده است ۲۲- ل؛ بادا؛ درس، س، آ، ب پس از این بیت، بیت ۷۷۰ آمده است ۲۳- ل (نیز و)؛ تو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۴- ق؛ کم نمایی توراه؛ (ل، ل، پ، ل)؛ کو نمایم راه؛ ق، آ؛ کم نمایند راه؛ ل؛ کم نماید کلاه؛ س (نیز ب)؛ شوم کم نمایی توراه؛ ل (نیز و)؛ نگردم بهر سان (و) زمانی نگردم) ز پیمان تو؛ ل؛ بدان سرورم کم نماند (سرورم کم نماید) کلاه؛ متن = ف، س (ل، آ، ل)؛ ل (نیز و) پس از این بیت افزوده‌اند:

دل و جان نهاده بسوی کلاه (و) وگر آتش آید به پیشم براه

بران (و) بدان ره رود کم بنفرمود شاه

۲۵- ل، ق (نیز ق، آ، و)؛ و نیز (ق، و) همان؛ ق؛ دگر) از پی گیو اگر؛ س؛ چنانم که گر از هوا؛ ل (نیز ل)؛ چنانم بدین کارگر؛ س (نیز ل، ل، پ، ل، آ)؛ چنان کز پی گیو (پ) کاد) اگر (س)؛ (آ) جز آن کز پی تو اگر؛ ب؛ چو ابر از پی اگر)؛ متن = ف ۲۶- س؛ باشد؛ متن ← ۲۷- ل؛ برو؛ س؛ بیارند آتش بدان؛ متن = ف، ل، ق ۲۸- س، س؛ گر آید؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۹- ل؛ ز فرمان خسرو نتابم

برآرم به کام^۱ تو این کارکرد^۲ سپهبد نخواهم ز^۳ مردانِ مرد

چو رستم چنین گفت گودرز و گیو
بزرگان لشکر برو آفرین
به می^۶ دست بردند با شهریار
فریبرز و فرهاد و شاپور^۴ نیو،
همی خواندند^۵ از جهان آفرین
گشاده به شادی^۷ در نوبهار^۸

گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری^۹

چو گرگین نشان تهمتن^{۱۰} شنید
فرستاد نزدیک رستم پیام
درخت بزرگی و گنج وفا
گرت رنج ناید ز گفتار من
یکی کز پرگار این^{۱۹} کوز پشت^{۲۰}
به تاریکی اندر مرا ره نمود^{۲۳}
بدانست کامد غمش را کلید
که ای^{۱۱} تیغ بخت و وفا^{۱۲} را نیام^{۱۳}
در زادمردی^{۱۴} و بند بلا^{۱۵}
سخن گسترانم^{۱۶} ز بیکار^{۱۷} من^{۱۸}:
به^{۲۱} خیره چراغ دلم را^{۲۲} بکشت
نباشته^{۲۴} چنین بود و^{۲۵} بود آنچه^{۲۶} بود

۱- ل، ق (نیزلی، آ): بخت؛ س، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب): فر؛ متن = ف، ل^۲ (نیزل^۳) ۲- ف، ق، ل (نیزلی، آ): زین کارکرد (کرد = گرد؟)؛ متن = ل، س، س^۱ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳- ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب): نه؛ (آ): نخواهم سپاه (وز)؛ متن = ف (نیزلی)؛ ل، س، ق، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

کلید چنین بند باشد (س^۲: باید) فریب (← ۸۴۰ آ)
نه هنگام گرزست و جنگ و (ل: روز؛ س^۱: جنگست و گرزو) نهب (← ۸۴۱ ب)

۴- س: شاپور و فرهاد و ۵- ل: بخواندند می؛ س، س^۱ (نیزلن، ب، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:
همی دست بردند و مستان شدند

بستی همی (س^۱: همه) می پرستان (لن، ب، لن^۲: زیاد سپهبد بدستان) شدند
۶- س: بسی ۷- ق، ل: بشادی گشاده ۸- س: نوش بار؛ س^۱ بجای این بیت و س (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:
بشادی همی خورد می شهریار گشاده مجلس در نوبهار

۹- ف: گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری و پاسخ دادن رستم گرگین را؛ س: پیغام گرگین میلاد بنزدیک رستم زال؛ ق: التماس گرگین از رستم شفاعت او نزد کیخسرو؛ ل: پیغام فرستادن گرگین نزد رستم و خواهشگری کردن؛ متن = آغاز ف ۱۰- س: بدانسان خیرها ۱۱- ق: این ۱۲- ف (نیزآ): تیغ و تخت وفا (!)؛ ل، س: تیغ و بخت (حرف یکم نقطه ندارد) وفا؛ س، ق، ل: تیغ بخت (حرف یکم نقطه ندارد) وفا؛ ل: تیغ بخت وفا؛ ل: تخت و تیغ وفا؛ و: تیغ بخت (حرف یکم نقطه ندارد) و وفا؛ ب: تیغ و بخت وفا؛ متن = (ق^۱) ۱۳- (لن، ب، لن^۲): که ای نیک پی فرخ نیک نام) ۱۴- ل (نیزلن، ل^۳): رادمردی؛ س^۱: رادمردان؛ (پ، لن^۲): زادمردان؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزق^۱، لی، و، آ) ۱۵- س (نیزلی، ب): بند و بلا؛ ل: تاج سخا؛ س^۱: رنج و بلا؛ (ق^۲: کان سخا)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ل، آ) ۱۶- ل، ق (نیزق^۱-لن^۲): گسترانی؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ب) ۱۷- ل، س، ق، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، و، لن، ب): کردار؛ (ل: گفتار)؛ متن = ف ۱۸- ل (نیزآ): گشایم یکی بر تو کردار من ۱۹- ل (نیزل^۳): نگه کن بدین گنبد (ل: گردش)؛ س، ق، ل^۲ (نیزآ، ب): نگه کن بکردار این؛ س^۱ (نیزلن، لی، پ، و، لن^۲): نگه کن تو در کار این؛ (ق^۲): که این کز پرگار این؛ متن = ف (← ق^۲) ۲۰- ل (نیزلن-ب): کوز پشت؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ ۲۱- ل: که ۲۲- ل: چراغ دلم را بخیره ۲۳- ف (نیزآ): رهنمود (درف به پیش سوم)؛ متن = ل، س^۱ (نیزلن-لن^۲، ب؛ درس^۱ به پیش ن) ۲۴- ل، س، س^۱ (نیزل^۲، و، آ، ب): نوشته؛ متن = ف، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، لی، پ، لن^۲) ۲۵- ل، س^۱: [و] ۲۶- ق، ل، س^۱: آنچه

بر آتش نهم خویشتن^۱ پیش شاه
مگر بازگردد ز بد^۲ نام من
مرا گر بخواهی ز شاه جهان^۵
شوم پیش^۷ بیژن بغلم^۸ به خاک

۸۰۰
چو پیغام گرگین به رستم رسید
بیچید از آن درد پیغام اوی^{۱۰}
فرستاده را گفت: رو^{۱۲} بازگرد
تو نشیدی آن^{۱۴} داستان پلنگ
۸۰۵
که چون^{۱۷} بر خرد چیره گردد^{۱۸} هوا
خردمند کارد^{۲۱} هوا را به زیر
نبایدش بُردن به نخچیر بوی^{۲۳}
تو دستان نمودی چو روباه پیر
۸۱۰
نشاید برین بیده^{۲۶} کام تو
ولیکن کنون بس^{۲۸} به بیچارگی

یکی بادِ سرد از جگر برکشید
غم آمدش از آن بیده کام^{۱۱} اوی^{۱۰}
بدو گوی کای^{۱۳} خیره ناباک مرد،
بدان^{۱۵} ژرف دریا که زد با^{۱۶} نهنگ،
نیابد^{۱۹} ز چنگ^{۲۰} هوا کس رها؟
بود داستان^{۲۲}ش چو شیر دلیر:
نه نیز از ددان رنجش آید بر اوی^{۲۴}
ندیدی همی^{۲۵} دام نخچیرگیر
که^{۲۷} من پیش خسرو برم نام تو
فرومانده‌یی تو به یکبارگی^{۲۹}،

۱- (ل: ۲) تو یادآور از من کنون) ۲- (لی، پ: که) ۳- ل، س، ق (نیز ق، ل، ب): آرد؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن: ۲)؛ این بیت در ف، آ چنین آمده است:

ف: بخواهم ز خسرو تو ای نیکخواه
بر آتش نهم خویشتن پیش شاه (= ۱۷۹۸)
آ: بخواهم ز خسرو تو ای نیکخواه
گر آمرزش آید مرا زین گناه (= ۷۹۸ ب)
مگر عفو یام بجان زین گناه
مگر رسته گمدم بجان زین گناه

۴- س: زمن؛ ل: بدین ۵- ل، س: جوان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۶- ق: دمان ۷- ق: نزد ۸- (ق: ۱، لی، پ: بغلظم) ۹- ق، ل، س: این ۱۰- ل، س، ق: او ۱۱- س: گم شده نام ۱۲- ق، ل (نیز لن، ل، پ، لن: ۲): شو ۱۳- ل- س (نیز لن- ب): بگویش که ای؛ متن = ف ۱۴- س، س: این ۱۵- ل: در آن ۱۶- ف: چه کرد با؛ س: که بد با؛ س: ز دریا (!)؛ (لن: و کام؛ پ، لن: بکام؛ آ: که یازد)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، لی، ل، و، ب) ۱۷- ل- س: (نیز لن- ل، و- ب): که گر؛ (پ: اگر)؛ متن = ف ۱۸- س: چیره گردد خرد بر ۱۹- ف: نیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۰- ف- س (نیز لن- ل، ل، آ، ب): جنگ؛ متن = (پ، و) ۲۱- س: آرد؛ س: و کار (!) ۲۲- ف: با ستایش؛ س: دانش او؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۲۳- ل: روی؛ س (نیز ب): گاه؛ س (نیز ق، آ): بودن بنخچیر بوی؛ ف: نیایدت بودن بنخچیر بوی (!)؛ متن = ل (نیز لی، ل، و): بوی = پوی؟ ۲۴- س: آرد براه؛ (ب: آید براه)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ق، لی، ل، و، آ، ب): بروی؛ ق (نیز لن، پ، لن: ۲) این بیت را ندارند ۲۵- س: خود آن؛ ل: تو آن ۲۶- ل: کزین بیده؛ س (نیز ب): بر آوردن این؛ ق، ل (نیز لن، پ، لن: ۲): بدین بیده؛ (لی: بدن بیده)؛ متن = ف، س (نیز ق، و) ۲۷- س: نه ۲۸- ل، ق (نیز و): چو اکنون؛ ل (نیز آ): تو اکنون؛ (ق: کنونت؛ ل: کنون چون؛ پ: کنون پس)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، لی، لن: ۲، ب) ۲۹- ف: فروماندگی تو یکبارگی (فروماندگی تو یکبارگی)؛ ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ): فرومانده گشتی (ق: بینم) یکبارگی؛ س، س (نیز لن، پ، لن: ۲، ب): فرومانده (س: فرومایه) بینمت یکبارگی؛ متن = (لی؛ ف)

ز خسرو بخواهم گناه ترا^۱ اگر بیژن از بند یابد^۲ رها رها بودی^۵ از بند و رستی به جان وگر بر جزین^۷ روی گردد سپهر نخستین من آیم بدین^۸ کینه‌گاه^۹ وگر من نیام^{۱۰} نه^{۱۱} گودرز و گوی

برآمد برین بر دو روز و دو شب^{۱۳} سیم^{۱۷} روز چون شاه^{۱۸} بنمود تاج بیامد تهمتن^{۱۹} بگسترد پیر^{۲۰} ز گرگین سخن گفت^{۲۱} با شهریار بدو گفت شاه: ای سپهدار من که سوگند خوردم به تخت و کلاه که گرگین نبیند ز من جز بلا جز این آرزو^{۲۸} هر چه^{۲۹} خواهی^{۳۰} بخواه پس آنکه چنین گفت رستم به شاه

۸۱۵
۸۲۰
۸۲۵

بفرورزم این^۲ تیره‌ماه ترا^۱ به فرمان دادار گیهان‌خدا^۳ ز تو دور شد کینه‌ی پهلوان^۶ ز جان و تن خویش بردار مهر به نیروی یزدان و فرمان شاه بخواهد^{۱۱} ز تو کینه‌ی^{۱۲} پور نیو؟

۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲

۱- س: ۲. تومن ۲- س: برافروزم این: ل: ۲. درفشان کم ۳- ف (نیز لن، پ، و، لن ۱): گردد؛ متن = ل- س ۲ (نیز ق، ۲، ل، ل، ۲، آ، ب) ۴- ل: ۲. ما ۵- ل (نیز و): گشتی: (ق: ۱: گردی): متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل (نیز ل: ۳): بدگمان: متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷- ل، ق، س ۲ (نیز ق، آ، پ، و، لن ۱، آ): جز برین: س (نیز لن، ب): جز بدین: متن = ف، ل ۲ (نیز ل، ل ۲) ۸- ق: بدان ۹- ل، ق (نیز و): کینه‌خواه: متن = ف، س، ل، آ، س ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ف: به (حینه ۹): ل (نیز لن، پ، و، لن ۱): چو: ق، ل: نیامت: س (نیز ب): دگر آنک آیند: (ل: ۳): وگرنه بیایند: متن = س ۲ (نیز ق، ۲، ل، ل) ۱۱- س: ۲. بخواهند ۱۲- س: کین آن ۱۳- ف- س ۲ (نیز لن، ق، آ، پ- ب): برین (ق، ل، لن، آ: بدین) کاریک روز و شب: متن = (ل، ل ۲) ۱۴- س: ازین ۱۵- ل، ق، ل ۲ (نیز آ): گفته: (و: گونه): متن = ف، س، س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل: ۲. بگشاد ۱۷- ف: سوه: ل، س، ق، ل: ۲. دود: (ل، ب: سیوه: ل، آ، پ: سیوه: و: سیوه: آ: سوم): متن = س ۲ (نیز لن، ق، آ، لن ۱) ۱۸- س: ۲. ماه (!): ق، ل ۲ در اینجا سرنویس دارند، ق: شفاعت کردن رستم به کیخسرو جهت گرگین میلاد: ل: ۲. خواستن رستم گرگین میلاد را از خسرو ۱۹- ق: تهمتن بیامد ۲۰- ل، ق، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و): بر: س (نیز ب): بران (ب: بدان) باره بر: ل: ۲. بگسترد بر مهر (!): متن = ف (نیز ل، ۲، لن، آ) ۲۱- س: رفت ۲۲- س: ۲. وزان ۲۳- س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن ۱، ب): [و]: متن = ف، ل ۲۴- ق: همه ۲۵- ل، ف، ل: ۲. بند زتار (۹): س: ۲. بند و زتار (۹): (ل): بند زتار: لن: ۲. بند و زتار: متن = ل، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: بهرام: س (نیز ب): بخرداد و هرمزد: ق، ل ۲ (نیز پ، و): بدادار هرمزد: (ل، لن، ل: ۲. ز دادار هر داد (بخرداد): ق: ۱: بناهید و بهرام: ل: ۲. بدادار گیهان: ل: ۲. بخورشید و بهرام: آ: بدادار خرداد): متن = ف، س ۲ ۲۷- ق (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن ۱، ب): گردد: متن = ف، ل، س، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ل، آ) ۲۸- ل: آرزوی ۲۹- ل، ل، س: هرچ ۳۰- ل (نیز لن، پ، لن ۱): باید: (ق: ۱: داری): متن = ف، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۳۱- س: ز تیغ و ز مهر و ز تخت: س ۲ این بیت را ندارد ۳۲- ل (نیز ل ۲): پرهز نامور: س (نیز ب): نامور پرهز: ق، ل ۲ (نیز ل، و، آ): نامور با گهر: متن = ف (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۱): س ۲ این بیت را ندارد

اگر بد سگالید پیچده‌امی
گر آمرزش شاه نایدش^۳ پیش
هر آنکس که گردد ز راه خرد
سزد گر کنی^۷ یاد کردار اوی^۸ ۸۳۰
به^{۱۰} پیش نیاگانت بسته کمر^{۱۱}
اگر شاه بیند به من بخشدش
به رستمش بخشید^{۱۵} پیروز شاه

ز رستم پیرسید پس شهریار
چه خواهی^{۱۸} ز گنج و ز لشکر؟ بخواه! ۸۳۵
بترسم ز بدگوهر افراسیاب
یکی بادسارست و دیوی^{۲۱} نژند
بجنباندهش یک زمان^{۲۳} دل ز جای^{۲۴}
چنین گفت رستم به شاه جهان
کلید چنین بند باشد^{۲۸} فریب ۸۴۰

که چون راند خواهی بدین کینه^{۱۷} کار؟
که باید که با تو بیاید به راه؟
که از^{۱۹} جان بیژنش گیرد^{۲۰} شتاب
بدو داده افسون اکوان و بند^{۲۲}
بگرداند^{۲۵} آن تیغزن را ز پای^{۲۶}
که جز کار نبسیچم^{۲۷} اندر نهان
نباید برین^{۲۹} کار کردن نهیب^{۳۰}

۱- س: بدسگالی بیچد ۲- ل، س، ل، آ، س (نیزق، و، آ)؛ متن = ف، ق (نیزلن، ل، ب) ۳- س: باید ز؛ س: بایدش؛ (لن، پ، لن، ب: ناید به)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزق، ل، ل، و، آ) ۴- ق: نیندش؛ (ل، آ: بسیچدش؛ ق: جان و نیرد؛ و: جان و بیچد ز)؛ ل: نبودش نام و برآید ز؛ ل: بیزید نامش بیزید؛ س: نبردش نام و نبردش؛ (لن: نیرزدش دین و نیرزدش؛ ل: نبودش نام و نبودش؛ پ، لن، آ: بیزد ز دین و بیزد ز)؛ متن = ف، س (نیزب) ۵- ق: بیند ۶- ل، ق (نیزلن، ل، ب، پ، لن، آ)؛ خود؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، ل، ل، و، آ، ب) ۷- ف: کند (!)؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۸- ل، س، ق، او ۹- ف: یک بود یار (!)؛ س، س، آ (نیزق، ل، ل، و، آ، ب)؛ جنگ پیکار؛ ق، ل (نیزلن، پ، لن، آ)؛ کارپیکار؛ متن = ل (نیزلی، ل، آ) ۱۰- س، س، آ: ز ۱۱- س: میان ۱۲- س: بریکی پهلوان؛ س: کینه برترزیک کینه ور ۱۳- ل: اخترنیک؛ س (نیزب)؛ بخت تاریک؛ (لن، پ، لن، آ: بخت یکباره)؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، ل، ل، و، آ) ۱۴- س: گناهی که کردست پرو ناردش ۱۵- ل (نیزلن)؛ رستم بیخشید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، ل، ب) ۱۶- ق: رها کردش؛ ل: رهانید ۱۷- ق، ل (نیزل، آ)؛ گونه؛ ل: برین گونه؛ س: برین کینه؛ متن = ف، س (نیزلن، ل، ب، پ) ۱۸- ل: باید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب)؛ درق لت های این بیت پس و پیش شده است ۱۹- ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب)؛ بر؛ متن = ف (نیزلی، و، آ) ۲۰- ل، س، ق (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ بیژن بگیرد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ل، ل، و، آ) ۲۱- ل، س، ق، ل (نیزق، ل، ل، و، آ)؛ [و] دیو؛ س: دیوو؛ (لن، پ، و: و دیو؛ ب: [و] دیوو)؛ متن = ف ۲۲- ل: بسی خوانده افسون و نیرنگ و بند؛ س: بدو داده اکوان فسونها و بند؛ ق: ز اکوان رسیدستش افسون و بند؛ ل: برو خواند افسون گران نیز بند؛ س: بدو داده افسونش اکوان بند؛ (لن، پ، لن، آ: بدو داده اکوانش افسون و بند؛ ل: بدو داده افسونش اکوان و بند؛ و: بدو داده دستان و افسون و بند؛ متن = ف (نیزب) ۲۳- ل، ق، ل (نیز و): اهرمن؛ متن = ف، س، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: جا ۲۵- ل (نیزب)؛ بیندازد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: پای؛ س: از تیغ هندی زبای ۲۷- ل، ق، ل (نیزلی، و، آ)؛ که این کار ببسیچم؛ س، س، آ (نیزق، ل، ب)؛ که این کار را سازم؛ (لن، پ، لن، آ)؛ که ببسیچم این کار؛ ل: که این را ببسیچد؛ متن = ف ۲۸- ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ)؛ باید؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۹- س، س (نیزلن، ل، ل، آ، ب، لن، آ، ب)؛ بدین؛ ل: درین؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل) ۳۰- (و: نه هنگام جنگست و گرز و نهیب)

پرسید زنگه که خسرو^۱ کجاست؟ چه آمد به رویش^۲ که ما را بخواست^۳؟

گفتار اندر رفتن رستم با هفت گُرد ایران به ترکستان^۴

چو سالارِ نوبت پیامد به در سپاه^۵ از پسِ پشت و گردانِ زپیش همه نیزه و تیر بار هیون^۶ سپیده‌دمان گاه بانگِ خروس تهمتن پیامد چو سرو بلند برفت از در شاه با لشکرش چو نزدیکی مرز توران رسید به لشکر چُنین گفت پس پهلوان مجنبد از ایدر مگر جان من بسیچیده باشید مر جنگ را سپه را بدان^{۱۵} مرز^{۱۶} ایران^{۱۷} بماند همه جامه برسان^{۱۸} بازاریان^{۱۹} گشادند گردان کمرهای سیم سُوی شهر توران نهادند روی گرانمایه هفت اسپ با^{۲۱} کاروان

به شبگیر بستند یکسر^۷ کمر نهاده به کف بر همه جان خویش همه جنگ را دست شسته^۸ به خون بیستند بر کوهه‌ی پیل کوس به چنگ^۹ اندرون گرز و برزین کمند همی^{۱۰} آفرین کرد^{۱۱} بر کشورش سران را ز لشکر همه برگزید که ایدر باشید روشن روان^{۱۲} ز تن^{۱۳} بگسلد^{۱۴} پاک‌یزدان من همه تیز کرده به خون چنگ را خود و سرکشان سوی توران براند پوشید و بگشاد بند از میان پوشیدشان جامه‌های گلیم یکی کاروانی^{۲۰} پُر از رنگ و بوی یکی رخس و دیگر نشست گوان

۱- ف، س^۲ (نیز لن، آ): خسرو که زنگه؛ س (نیز ب): هر کس (ب: یک) که خسرو؛ (پ: زانکه که خسرو)؛ متن = ل، ل، ل (نیز ق، آ، لی، ل، ل، ل، ل؛ در لی با نشان خ و م در بالای زنگه و خسرو به ضبط ف تصحیح کرده‌اند) ۲- س (نیز ب): بروبر ۳- ف، ل (نیز آ): بخواست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز لی): بخواست؛ متن = ل، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ب، ل، آ، ب): ق (نیز و) این بیت را ندارند ۴- ف: گفتار اندر رفتن رستم با هفت گُرد ایران بترکستان بطریق بازارگانان بطلب بیژن؛ ل: رفتن رستم زاک بترکستان بشکل بازارگانان؛ س: رفتن رستم بتوران زمین بطلب بیژن گیو؛ ق: رفتن رستم و پهلوانان بتوران جهت خلاص بیژن؛ ل: رفتن رستم بتوران و آوردن بیژن؛ متن = آغاز ف ۵- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ب، و، و، ل، آ، ب): گردان؛ متن = ف، ل (نیز لی، آ): ل (نیز لی، ب، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: همه نسیزه داران جنگ اوران همه مرزبانان نام اوران

۶- س^۲: سپه؛ در ل این بیت پس از بیت ۸۶۲ آمده است ۷- س: تبع کرده برون ۸- ق: همه دست را رنگ کرده ۹- س: بدست؛ در ل پس از این بیت، بیت ۸۵۹ آمده است ۱۰- ل: بسی؛ ل: همه ۱۱- ل، ل، س، ق، ل (نیز لن، ب): خواند؛ متن = ف، س^۲ ۱۲- ف، ل: نوشته روان (؟)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ب) ۱۳- ف، س^۲ (نیز لن): زمین؛ (ل: ازین → رتن)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- ف (نیز لن): نگسلد؛ ل، س (نیز و): نگسلد (نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵- ل (نیز و): بران؛ (ل، ب، ل، ن: بدین)؛ ل، س، س^۲ (نیز ل، ب): سپه بر سر؛ متن = ف، ق (نیز ق، لی، آ) ۱۶- ق: بوم ۱۷- س، ق (نیز ل، ب): توران ۱۸- ف: جامه‌ها همچو؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، ب) ۱۹- ل، س، ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب): بازارگان؛ متن = ف، س^۲ (نیز ق، و) ۲۰- ل: کاروان ۲۱- س: در

صد اُشتر همه بار بُدا گوهرها
 از آن هوی هوی و جَرَنگِ ۴ دَرای
 همه دشت از آواز او می‌خنید^۷ ۸۷۵
 بُند پهلوان و سُواری به جای^{۱۰}
 چو پیرانِ ویسه ز نخچیرگاه
 یکی جام زرین پُر از گوهرها
 دو^{۱۴} اسپ گرانمایه با گوهرش^{۱۵}
 به فرمانبران داد و خود پیش رفت^{۱۷} ۸۸۰
 برو آفرین کرد کای نامور
 صد آستر^۲ همه جامه‌ی لشکر^۳
 بکردار طهمورتی^۵ گره‌نای^۶،
 همی رفت تا شهر^۸ پیران^۹ رسید
 بُد پیش میدان او بر^{۱۱} به پای
 بیامد، تهمتن بدیدش^{۱۲} به راه،
 به دیبا پوشید رستم سرا^{۱۳}،
 به دیبا بیاراست اندرخورش^{۱۶}،
 سُوی گاه^{۱۸} پیران خرامید تفت^{۱۹}
 بدایران^{۲۰} و توران به بخت و هنر^{۲۱}

۱- ل، س، ق، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): بار او؛ ل: بارها؛ (لن، پ، لن، ۲: بارشان): متن = ف ۲- ل (نیز لن، پ، و): اشتر؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۳ (نیز لی، ل، آ، لن، آ، ب) ۳- س، س، ۳ (نیز ب): جامه و زیور؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۴ (نیز لن - آ) ۴- ق: درنگ؛ ل: زبس های وهوی درنگ و؛ س (نیز ب): زبس های و بس هوی و بانگ؛ ل، آ، س، ۵ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، ۱): زبس (س، آ، ل، ۲: از آن) های و (ل، آ، و: هوی) هوی و جرنگ؛ متن = ف (نیز لی، آ) ۵- (ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، ۱، آ: طهمورتی): متن = ف - س، ۶ (نیز لن، ب) ۶- ف، ل، س: کرتای؛ ق: رهنمای (در بالا به کره‌نای تصحیح کرده است): (لن، ۲: کردنای (۴)) ۷- (و: می حمید!)؛ لن: آوازشان می شنید؛ ق: از آواز آن می حمید (!): ل: از آوای او می حمید؛ پ، لن، لغت شهنامه، شماره ۷۹۹: از آوازشان می خنید؛ ل، ق: همی (ق: همه) شهر بر شهر هودج کشید؛ س (نیز ب): زمین جنب جنبان هوا ناپدید؛ ل: همه شهر از آوازشان می حمید (!): س، ۸: همه شهر آوای آن می دوید؛ لی، آ: در و دشت از آوای او می خنید؛ متن = ف ۸- س، ۹ تا پیش ۹- ف، ل، ۱ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): توران؛ لغت شهنامه: پیلان - پیران): متن = س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ): بنداری؛ و امر بتعلیق الأجرام علی الدواب، و سار فی هیئة الفواقل حتی وصل الی مدینة بیران؛ ق (نیز لی، آ) پس از بیت ۸۷۵ افزوده‌اند:

در آن مرز توران یکی شهر بود
 که پیران در آن شهر با پیر (ق: بارز) بود
 ل پس از بیت ۸۷۵ و ق پس از بیت بالا (ولی، پ، آ پس از بیت ۸۷۶) افزوده‌اند:
 چو آمد بنزدیک شهر ختن
 نظاره بیامد برش مرد و زن
 س (نیز ب) پس از بیت ۸۷۵ افزوده‌اند:

همه پهلوانان ایران بی پای
 شده سوی توران بفسرهای

۱۰- س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ): سواران بجای؛ ل: همه پهلوانان توران بجای؛ س (نیز ب): برفته بدان روز پیران ز جای؛ ل: همه پهلوان و سواران بجای؛ (پ: بشد پهلوان و سواران بجای): متن = ف ۱۱- (لن، پ، لن، ۲: میدان پیران): ل: شده پیش پیران ویسه؛ ل: شده پیش میدان پیران؛ لی، آ: نه کس پیش درگاه او بر؛ و: نبند کس میدان پیران): متن = ف، س، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۱۲- ل، ل، ۱: پذیره ۱۳- (ب: برا): ف: بیاراست اندرخورا؛ (و: پوشید اندرخورا): متن = ل - س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- ل، ل، ۱ (نیز و، ب): ده؛ متن = ف، س، ق، س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵- ف: تیزتک؛ ل: با زیورش؛ س: گوهرین (پساوند ندارد): (لی، آ: بالشکرش؛ و: زرین ستام): متن = ق، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۶- س، س، ۲ (نیز ب): بیاراسته درخورش؛ ف: سیه چشم و کوچک سر و سخت رگ؛ (و: برقتن چو باد و بالّت تمام): متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر): بنداری (۸۷۸-۸۷۹): و أخذ جاما مرصعا بالجواهر و أهده الی بیران مع فرسین مجملین بالددیاج و الحریر ۱۷- ل، ۲: پیشرو؛ س (نیز ب): بفرمان یزدان پیروز بخت (پساوند ندارند): ق: بفرمان یزدان بخود پیش رفت؛ متن = ف، ل، س، ۲ ۱۸- ل، ق، ل، ۱ (نیز و): بدرگاه؛ (لن، پ، لن، ۱: برگاه): متن = ف، س، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ، ب) ۱۹- ل، ۱: گو؛ س، ۲ (نیز ل، آ، پ، لن، ۱): و تفت ۲۰- ل، ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بایران؛ متن = ف ۲۱- س (نیز ب): ترا کام و فر؛ س، ۲ این بیت را ندارد؛ ف پس از بیت ۸۸۱

افزوده است:
 یکی مرد بازارگان پیشه‌ام
 ز سواد و زیانست اندیشه‌ام
 ز ایران زمین باصل و نژاد
 همی تازم اندر جهان یک نهاد
 س پس از بیت ۸۸۱ افزوده است: ابی توج جهان روز روشن مباد
 دل و جانست از داد آباد باد

چنان کرد روشن جهاندار ساز
پیرسید و گفت^۲: از کجایی^۳ بگوی؟
بدو^۵ گفت رستم: ترا کهترم
به بازارگانی از^۷ ایران به تور
فروشنده‌ام، هم^۹ خریدار نیز
به مهر^{۱۲} تو دادم روان را^{۱۳} نوید
اگر پهلوان گیرم زیر پَر^{۱۶}
هم^{۱۸} از داد^{۱۹} تو کس نیازدارم
پس آن جام زرین کز اندازه بیش^{۲۱}
گرامیایه اسپانِ تازی نژاد^{۲۳}
بسی^{۲۵} آفرین کرد و آن خواسته
چو پیران بدان گوهران بنگرید
برو^{۲۸} آفرین کرد و بنواختش
که شو^{۳۰} شاد و امین^{۳۱} به شهر اندر آئی^{۳۲}
کزین^{۳۵} خواسته بر تو^{۳۶} تیمار نیست

که پیران مرو را ندانست باز
چه مردی و^۴ چون آمدی پوی پوی؟
به شهر تو^۵ کرد ایزد آبخورم
بیمووم این راه دُشخوار^۸ دور
چه دارم، چه خرم^{۱۰} زهرگونه چیز^{۱۱}
کنون^{۱۴} چیره^{۱۵} شد بر دلم بر امید
خرم چارپای^{۱۷} و فروشم گهر
هم از بهر^{۲۰} مهتر گهر باردم
درو بود گوهر نهادش به پیش^{۲۲}
که بر مویشان گرد نشانند باد^{۲۴}،
بدو داد و شد کار پیراسته^{۲۶}
کز آن جام رخشنده آمد پدید^{۲۷}،
بر آن تخت پیروزه بنشاختش^{۲۹}
کنون^{۳۳} نزد خویشت بسازم جای^{۳۴}
کسی را بدین با تو پیگار نیست

۱- س^۱ این بیت را ندارد؛ س (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بپرسید گفتا که چون آمدی

زدو (چه) کشور اکنون برون آمدی

- ۲- س: چه مردی کنون ۳- س: گفتش که جای ۴- س: بدین شهر: ف (نیزلی) این بیت را ندارند ۵- ل: چنین ۶- س: بدین شهر: ف این بیت را ندارد ۷- ل، س، ق: زه متن = ل، س ۸- ل، ق، س: (نیزلی، ق، آ، ل، و، ل، آ): دشوار و؛ متن = س، ل (نیز، ب)؛ ف (نیزلی) این بیت را ندارند ۹- ل: فروشنده‌ام و ۱۰- ل، س، ق (نیز، ب): فروشم بخرم؛ ل (نیزو): چه بهتر که خرم؛ (لن): که دارم ز خرم؛ ل، آ: فروشم خرم من؛ متن = ف (نیزلی، ل، ل، ل، آ): زردارم و چیز ۱۲- ف (نیزو): بفر؟؛ س: همز: متن = ل، ق، ل، س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۳- ل، س (نیزلی، ل): دارم روان را؛ (لن، ب، ل): دارد روانم؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیزلی، و، آ، ب) ۱۴- ل، ق (نیزلی، آ): چنین؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۵- ف، ل، س: (نیزلی، ل، ب، ل، آ): خیره؟؛ ل، س، ق (نیزلی، و، آ، ب): خیره (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ل) ۱۶- ل، س: (نیزلی، ق، آ، ل، آ): بسر؛ (و، فسر): متن = ف (نیزلی، ب، ل، آ، ب) ۱۷- ل، ق: چارپا ۱۸- س: گر ۱۹- ل: بهر ۲۰- ل، ق، ل، س: (نیزلی، ق، آ، ل، ب، و، ل، آ): ایر؛ س (نیز، ب): چهر (بهر)؛ متن = ف (نیزلی، ل): بهر؟؛ ل، س، ق، ل (نیزلی، ب): جام پر گوهر شاهوار؛ س: پس از (آن) جام زرین کرار اندازه (بهر) کر اندازه) بیش؛ متن = ف (س) ۲۲- ل، س، ق، ل (نیزلی، ب): میان کیان (ق): گوان؛ ل: کسان؛ ل، ب، ل: مهان؛ س، ق، ل، و، آ، ب: نیایش کسان؛ ل: ستایش کسان) کرد پیشش نثار؛ س: پر از گوهر آورد و نهاد پیش؛ متن = ف (س) ۲۳- س (نیز، ب): گزید؛ ل: گوهر نژاد ۲۴- ل: نشانند باد؛ ل: بنشانند باد؛ س (نیز، ب): کزان جام رخشنده آمد پدید (= ۸۹۳ ب)؛ متن = ف، ق، س: (نیزلی، آ) ۲۵- س، ق، س: برو؛ متن = ف، ل، ل ۲۶- ل، ق (نیزلی، ل، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلی، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۲۷- س (نیز، ب): بدل مهر و پیوند او برگزید؛ س: این بیت را ندارد ۲۸- س، س: بسی ۲۹- س: بنشانندش ۳۰- س، ق، ل (نیزلی، ق، آ، ل، ب، و، ل، آ): رو؛ متن = ف، ل، س: (نیزلی، ب) ۳۱- س: روشن ۳۲- ل، ق: اندر آ ۳۳- ل، ق: که ما ۳۴- ل، ق: جا؛ س: بنزدیکی خویش سازمت جای ۳۵- س، س: ازین؛ ق: وزین؛ متن = ف، ل، ل ۳۶- ل: ترس و؛ س: با تو؛ متن = ف، ل، س، ق

منیره خبر یافت از کاروان
 ۹۱۰ برهنه نوان^۱ دُخت افراسیاب
 برو آفرین کرد و پرسید و گفت
 که بر خوردی از جان و از^۵ گنج خویش
 به کام تو بادا سپهر بلند!
 هر اومید^۷ دل را که بستی میان
 همیشه خرد بادت آموزگار!
 ۹۱۵ چه آگاهی ست^۹ ز گردان و شاه^{۱۰}؟
 نیامد به ایران ز بیژن^{۱۲} خبر؟
 که چونان^{۱۴} جوانی ز گودرزیان
 بسودست پایش^{۱۵} به^{۱۶} بند گران
 کشیده به زنجیر و بسته^{۱۷} به بند
 ۹۲۰ نیام به^{۲۰} درویشی خویش خواب^{۲۱}

بترسید رستم ز گفتار اوی یکی بانگ برزد، براندش به کوی^{۲۲}

۱- س: دوان ۲- س: [آمد] (وزن ندارد) ۳- ل، ل، ل (نیز ل، ق، ل، ی، پ، و، ل، آ): باستین خون؛ س^۲ (نیز ل): باستین خون ز؛ متن = ف ۴- س (نیز ب): باب مژه هر دو رخ را بشست (پساوند ندارد)؛ ق این بیت را ندارد ۵- ل، ق، ل، س: آ: وزه متن = ف، س ۶- س: گنج (پساوند ندارد) ۷- ل، س (نیز ل، ب): آقید؛ متن = ف ۸- ل: بود؛ ق (نیز ل، ل، پ، ل، آ): شهر؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، و، ب) ۹- ل، ل، ل (نیز ل): آگاه داری؛ متن = ف، س، ق، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ب): گردان شاه؛ ل: گردنکشان؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، و، ل، آ) ۱۱- ل (نیز ل، پ، ل، آ): ز گیو و ز گودرز و ایران سپاه؛ ق: ز گیو دلیر پهلوان سپاه؛ ل (نیز و): ز گیو و ز گودرز و شاه و سپاه؛ ل: ز گودرز و از گیو آزادگان؛ آ: ز گیو و ز گودرزیان و سپاه؛ متن = ف، س، س (نیز ق، آ، ی، ب؛ ف، ل؛ ز ایران؛ س: و ز پهلوان)؛ بنداری: أخبرنی عن ایران وعن الملک وعن البهلوان؛ ف پس از بیت ۹۱۶ افزوده است:

ز گیسو و ز گودرز و رهام شیر ز شیدوش و طوس و هجیر دلیر

۱۲- س، ق، ل، آ: نیامد (س: چه آمد) ز بیژن بایران؛ متن = ف، ل، س ۱۳- س: نمی جویدش آن گرامی پدر؛ س: ورا کس نیاید بدین چاره گر؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، آ ۱۴- ل (نیز ل): چون او؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): چونین؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، ل، ی، و، آ، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نه روزش قرار و نه آرام شب بمانده از اندوه و رنج و تعب

۱۵- س: بسوده میانش ۱۶- ل، س، ل: ز؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ب) ۱۷- ل، س، ل، آ، س (نیز ل، ب): کرده؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، آ) ۱۸- ل، س، ق، س (نیز ل، ق، پ، ب): چاه؛ متن = ف، ل (نیز ل) ۱۹- ل، آ: بتک بند (!)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

پس از خون دلم مانده از کار او دژم گشته از ناله زار او

۲۰- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ): ز؛ متن = ف ۲۱- س (نیز ب): نیارم ز دردش شب هیچ خواب؛ ل: نیام شب و روز آرام و خواب؛ و: نیام ز تیمار او هیچ خواب ۲۲- ل، س (نیز ق، ل، آ): ز روی؛ ل: ز کوی؛ ل: بروی؛ متن = ف (نیز آ، ب)

- ۹۲۵ بدو گفت کز پیش من دور شو
نداره ز گودرز و گیو آگهی
به رستم نگه کرد و بگریست زار
چنین^۳ گفت کای مهتر پُرخرد
سخن گر نگوئی، مرانم ز پیش
چنین باشد آیین ایران مگر
بدو گفت رستم که ای زن چه بود؟
همی برنوشتی^۶ تو بازار من
۹۳۰ بدین تندی^۸ از من میازار بیش
و دیگر به جایی^{۱۰} که کیخسروست
ندانم ز بُن^{۱۲} گیو و گودرز را
بفرمود تا خوردنی هر چه^{۱۴} بود
۹۳۵ یکایک سخن کرد ازو خواستار
چه پرسی ز گردان^{۱۵} و از تخت شاه^{۱۶}؟
منیژه بدو گفت کز کار من
کز آن^{۱۹} چاه سر با دلی پُر ز درد
زدی بانگ بر من چو جنگاوران
۹۴۰ منیژه منم دختِ افراسیاب
نهادند در پیش درویش زود
که با تو چرا شد دُژم روزگار؟
چه داری همی راه ایران نگاه؟
چه جویی^{۱۷}، ز بدبخت و تیمار^{۱۸} من
دویدم بنزد تو ای زادمرد^{۲۰}
نترسیدی^{۲۱} از داور داوران
برهنه ندیدی مرا^{۲۲} آفتاب

۱- ل: سالار و گو ۲- ق: ز دیده ۳- ل: بدو ۴- ق: که من دلخسته دارم بازار خویش (وزن ندارد) ۵- س، ق، س ۶- س (نیز، ب): نپرسد؛ متن = ف، ل، ل (نیزی، و، آ) ۷- س، ل: بدین؛ ق: ازین؛ متن = ف، ل، س ۸- ل، ل: بدتو؛ متن = ف، س، ق، س (نیز، ل - ب) ۹- ق: من ۱۰- س: که آنجا؛ ل: ولیکن بدانجا ۱۱- ل: در آن شهر خود من ۱۲- ل: همی؛ ل: من این؛ متن = ف، س، ق، س (نیز، ل، آ، و، ب) ۱۳- ل: این ۱۴- ل، س: هرچ ۱۵- ق (نیز، آ): گودرز؛ (لن، ب، لن): ایران؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز، ق، ل، لی، آ، و، ب) ۱۶- ل: و شاه و سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز، ل - ب؛ ف، ق، ل، آ، س، آ، ل، ل، ل، ل، آ: وز): بنداری: مالک و للسؤال عن ملوک ایران؟ ۱۷- ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل - ب): پرسی؛ متن = ف ۱۸- ق: بیدار؛ ل: و بدبخت و تیمار؛ س (نیز، ب): و (ب: تو) ازرنج و تیمار؛ (لن، ق، ل، ب، لن: زرنج و تیمار؛ و: و ازبخت و تیمار)؛ متن = ف، ل (نیز، ل، ل، آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۹- ل: از آن ۲۰- ل (نیز، ل، لی، و): زادمرد؛ (ب: شیرمرد)؛ ل، آ، س: ازین در بدان در دورخساره زرد (= ۹۴۱ ب)؛ متن = ف، ق (نیز، ق، ل، آ، ب، لن، آ)؛ س این بیت را ندارد ۲۱- س: نترسی تو؛ س، ل این بیت را ندارند؛ س بجای بیت های ۹۳۷ - ۹۳۹ (وب پس از بیت ۹۳۶) افزوده اند:

چنین داد پاسا سَخ و را دخت شاه

که ای نامورمرد با دستگاہ

۲۲- ل: رخه؛ متن = ف، س، ق، س (نیز، ل - ب)

کنون دیده پُر خون و دل^۱ پُر ز درد
همی نان کشکین فرازآورم
ازین زارتر چون بود روزگار؟
و^۵ بیچاره بیژن بدان ژرف چاه^۶
به غلّ و به مسمار و بندِ گران
۹۴۵
ما درد بر درد بفرود از آن^۹
کنون گزّت باشد به ایران^{۱۱} گذر
به درگاه خسرو مگر گیو را
بگویی که بیژن به سختی درست^{۱۳}
گرش^{۱۶} دید خواهی میاسای دیر^{۱۷}
۹۵۰
بدو گفت رستم که ای خوب چهر
چرا نزد باب تو خواهشگران
مگر بر تو بخشایش آرد پدر
گر آزار بابت نبودی ز پیش

۹۵۵ به خوالیگران^{۲۳} گفت کز هر خورش
یکی مرغ بریان بفرمود گرم
که او را ببايد بیاور^{۲۴} برش^{۲۵}
نوشته^{۲۶} بدو اندرون نانِ نرم^{۲۷}

۱- س: از آن چاه سربا دلی (= ۹۳۸ آ) ۲- ل (نیزلی): دوان (لی: شده) گردگرده؛ س: دویده بنزد توای رادمرد (= ۹۳۸ ب)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب)؛ ل ۹۳۸ ب- ل ۹۴۱ آ را انداخته و از ۹۳۸ آ و ۹۴۱ ب یک بیت ساخته است؛ درس ۹۳۸ ب و ۹۴۱ ب پس و پیش شده اند؛ س پس از بیت ۹۴۱ افزوده است:

کنون دیده پرخون و دل پر ز درد (= ۹۴۱ آ)
دویدم بنزد تسوای شیرمرد
۳- ل، س، ق (نیزل، و، آ، ب): رانده؛ ل: گشت؛ (لن، ق، آ، ب، لن، آ: کرد)؛ متن = ف، س، ل (نیزلی) ۴- ل، س، ق (نیزلن، ب):
قضا؛ س: مگر؛ متن = ف، ل ۵- ف، س (نیزلن، ب، لن، آ، ب): ز؛ ل (نیزل): چو؛ ق، س (نیزق، آ، لی، و): که؛ متن = ل ۷۳۶،
۷۳۸، ۱۲۰۲) ۶- ل: تنگ چاه ۷- س (نیزو، لن، آ): روزو ۸- ل، آ: در آن؛ ف پس از این بیت افزوده است:
همی خویش از دیده بیرون شود
وزو سنگ را دل پر از خون شود
۹- ل، ق: زین؛ (لی، ل، آ، و، لن، آ، آ: ازین)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب) ۱۰- ل (نیزو): [از]؛ متن = ف، س، ق، ل،
س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- ق: گر بایرانت باشد ۱۲- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب): یا؛ متن = ف، ل (نیز
ق) ۱۳- ق: ببند اندرست ۱۴- س، ل، آ، س: وگر ۱۵- ق: یابی ۱۶- ف، ل (نیزق، آ، لی): اگر؛ س، س (نیز
ب): وگر؛ متن = ل ۱۷- (لن، ب، لن، آ): چو خواهی که بینیش ماسای دیر؛ و، آ: اگر دید خواهیش ماسای دیر)؛ ق این بیت را
ندارد ۱۸- س (نیزق، آ، ب): چرا ریزی؛ (لن، ب، لن، آ: چرا باری؛ ل، آ: چه ریزی تو)؛ متن ← ۱۹- ل: که مهتر میراد از وی
سپهر؛ ق (نیز آ): که بند است بر چهر تو آب مهر؛ س: که هرگز ترا زو میراد مهر؛ (لی: که از دیده ریزی همی آب مهر)؛ متن = ف، ل (نیز
و) ۲۰- ل: نه انگیزی؛ (ل، آ، ب: نه بنگیزی؛ لن، آ: بنگیزی؛ ب: نباشند) ۲۱- س، ل، آ، س: سویی؛ متن = ف، ل، ق ۲۲-
ل: ز ۲۳- ل (نیزق، آ، ل، آ): خوالیگرش؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب، و، لن، آ، ب) ۲۴- ق: بیارش ۲۵-
ل: سرش؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند؛ س: پنهان کردن رسم انگشتی در مرغ و فرستادن بنزد بیژن؛ ل: فرستادن رسم انگشتی را
بدست منبژه ۲۶- (لن: نبشته) ۲۷- س: گرم (بساوند ندارد)

بدو در نهران کردا انگشتی
که بیچارگان را توی راهبر

سَبک دست رستم بسان پری
بدو داد و گفتش: بدان^۳ چاه بر

دوان و خورش‌ها گرفته به بر
چنان هم که بستد^۷ به بیژن سپرد
از آن چاه خورشیدرخ را بخواند
خورش‌ها کزین دست^۸ بشتافتی؟
ز بهر من ای دختر راهجوی^۹
یکی مایه‌ور^{۱۰} مرد بازارگان،
کشیده ز هر گونه بسیار غم^{۱۱}،
ز هر گونه با او فراوان گهر،
یکی کلبه سازیده بر^{۱۲} پیش کاخ،
که بر من جهان‌آفرین را بخوان
دگر گر بخواهد^{۱۳} ببر نو به نو^{۱۴}

منیژه بیامد بدان^۵ چاه‌سر
نوشته^۶ به دستار چیزی که بُرد
نگه کرد بیژن به خیره بماند
که ای مهربان از کجا یافتی
بسا رنج و سختی که ت آمد به روی
منیژه بدو گفت کز کاروان
از^{۱۱} ایران به توران ز بهر درم
یکی مرد^{۱۳} پاکیزه باهوش و فر
گشن‌دستگاهی و کاری^{۱۴} فراخ
به من داد ازین^{۱۶} گونه دستار خوان
بدان چاه نزدیک آن بسته^{۱۷} رَو^{۱۸}

۹۶۰

۹۶۵

پُراومید^{۲۲} دل، گاه با ترس و باک^{۲۳}
بدید آن نهران کرده انگشتی
ز شادی بخندید و خیره بماند

بگسترد بیژن پس^{۲۱} آن نان پاک
چو دست خورش برد از آن^{۲۴} داوری
نگینش نگه کرد و نامش بخواند

۹۷۰

۱- ف، س، س، س (نیز ل، آ، ب): نهفتش بمرغ اندر؛ (لن، پ، لن، آ: نهران کرد در مرغ؛ و: نهفت اندر آن مرغ): متن = ل، ق، ل (نیز ق، ل، لی) ۲- س: گفتا ۳- ل: بر ۴- س، ق، ل، آ، س: تویی؛ متن = ف، ل: س (نیز ق، ل، و، ب) پس از این بیت افزوده‌اند: چو دیگر بسباید بر ما خرام که از توندارم دریغ این مدام
۵- ل: آ: بر ۶- (ق، آ: بسته؛ ل: نهفته) ۷- س: هم بسته ۸- ل، س، ق (نیز لن، ل، ب): گونه؛ (آ: دشت - دست)؛ متن = ف، ل، آ، س ۹- س: دلبر نیکخوی؛ س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): مهربان پوی پوی؛ (لی: مهربان چاره‌جوی؛ آ: دختر چاره‌جوی؛ ب: دلبر خوب روی)؛ ل (نیز ل، آ): منی در جهان پوی پوی؛ ق: منی در جهان چاره‌جوی؛ ل: منی درد را چاره‌جوی؛ (و: منی روز و شب پوی پوی)؛ متن = ف ۱۰- س: نامور ۱۱- ف: ز: متن = ل، س ۱۲- ل: بسیار و کم ۱۳- ق: پیر: س پس از این بیت افزوده است: که من مرد چون او ندیدم بتن چنو کم بود در همه انجمن
۱۴- ل: نهاده؛ (ق، آ، ل: کاخی؛ لی: گاهی)؛ س، س، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): عیش دستگاه است و کاخی (س: آ: گاهی؛ لن، ب، لن، آ: وهم دل؛ ب: گاه)؛ ق، ل: بگسترده گاهی و کاری (ل: کاخی)؛ (و: سرو دستگاهی و گاهی)؛ متن = ف (نیز آ) ۱۵- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، پ، لن، آ، ب): در: متن = ف، ل (نیز لی) ۱۶- ل: زین: ل این بیت را ندارد ۱۷- ف: بیشه؛ متن = ل، س، ق، س (نیز لن، ب) ۱۸- ل: بر: (لی، آ، ل، آ: شو)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب) ۱۹- ف: بخواهی؛ متن = س، ق، س (نیز لن، ب) ۲۰- ل: دگر هر چه باید بر سر بر سر: ل این بیت را ندارد ۲۱- ق (نیز آ): مر ۲۲- ف: پُراومید؛ ل: بر او امید؛ س، ق، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، پ، و): پراومید؛ (لی، آ: بامید)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳- ل: یزدان دل از بیم و باک؛ ل: دل کرده وز بیم پاک؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ب) ۲۴- ل: زان

<p>نشته بدآهن^۲ بکردار موی بدانست کامد غمش را کلید چنان کامد آواز بر^۵ چاهسار از آن چاه تاریک^۶ بسته تنش، که دیوانه خندد ز کردار^۷ خود^۸ که شب روزی^۹ همی، روز شب؟ مگر بخت نیکت نموده ست روی^{۱۰} بر اومید^{۱۱} آنم که بگشاد بخت چو با من به سوگند^{۱۲} پیمان کنی، چو باشی به سوگند همداستان زنان را زبان هم نماند^{۱۳} به بند که بر من چه آمد ز بدخواه بخت^{۱۴} دل خسته و چشم باران من^{۱۵} کنون گشت بر من چنین بدگمان</p>	<p>یکی مهر پیروزه رستم بر او^۱ چو بار درخت وفا را بدید بخندید^۲ خندیدنی شاهوار^۳ منیره چو بشنید خندیدنش شگفت آمدش، داستانی بزد چگونه گشایی^۴ به خنده دو لب چه رازست؟ پیش آرا^۵ و بامن بگوی^۶ بدو گفت بیژن کزین کار سخت کنون گر^۷ وفای مرا نشکنی^۸ بگویم ترا سربر^۹ داستان که گر لب بدوزی^{۱۰} ز بهر گزند منیره خروشید و نالید سخت^{۱۱} دریغ آن^{۱۲} شده روزگارانی من بدادم به بیژن تن و خان و مان^{۱۳}</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- ق، ل، آ: بدوی ۲- ل، ل، ل (نیزلی): نشته باهن؛ س، س، آ (نیزق، ل، آ، ب، ل، آ، ب): باهن نوشته؛ ق: نشته بر آن هم؛ (لن: باهن نشته؛ و: نوشته باهن؛ آ: نوشته همیدون): متن = ف ۳- س، س، آ: بخندید و ۴- س، س، آ (نیز آ، ب): شادوار ۵- س، س، آ (نیز لن، ل، آ، ب، ل، آ، ب): آواز از: متن = ف، ل (نیزق، آ، لی، آ): ق، ل، آ این بیت را ندارند ۶- ل، آ: تاریک و؛ ل، ق (نیز لن، لی، ب، و، لن، آ، آ) پس از بیت ۹۷۶ و ل، آ پس از بیت ۹۷۷ افزوده اند:

منیره (ل: زمانی) عجب (ل، لی: فرو) مانند از آن (زان، ازین) کار سخت

بگفت این چه خندست ای نیکبخت (لن: بامید آنم که بگشاد بخت = ۹۸۰)

ف، س، س، آ (نیزق، ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۷- (ق: گفتار) ۸- ف، ل، ل، ل (نیزلی، آ): بد (۴): متن = س، ق، س، آ (نیز هفت دستنویس دیگر): ف، س، آ (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند: پس آنکه منیره بدو گفت باز

بگو تا چه بودت کنونی بناز (س: آ: چه دیدی چه داری براز: آ: چه داری بدل در تو راز: لی: نگر تا چه کردی چه دیدی براز) ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب) این بیت را ندارند؛ س، ق، آ بجای آن افزوده اند:

س: وزان پس بدو گفت کای مستمند
ق: بدو گفت ای بیژن پر خرد
بمانده بخواری و زاری و بنند
چه خندیدنست اندرین روز بد

۹- ل، س، ق، ل، آ (نیزلی، ل، آ، ب، آ، ب): گشادی؛ متن = ف، س، آ (نیز لن، ق، آ، و) ۱۰- ل، آ: دانی ۱۱- س، آ: بگشای ۱۲- س: بگو ۱۳- س: رو ۱۴- س، ل، آ (نیزق، آ، و، ب): بر امید؛ ق، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، ل، آ، آ): بامید؛ متن = ف، ل، آ: همانا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن - ب) ۱۶- ل، آ: بشکنی ۱۷- س، س، آ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): بسوگند با من تو؛ (لی: ابا من بسوگند؛ ل، آ: تو با من بسوگند)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ (نیز آ): در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل: سراسر ترا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، ب - ب) ۱۹- ق: که تولب بندی ۲۰- ل: کم بماند؛ ق: هم نیاید؛ ل، آ (نیزق، آ): هم نباشد؛ (ل، آ: هم نیاید؛ و: می نماند؛ لن، آ: هم نماید)؛ متن = ف، س، آ (نیز لن، لی، ب، آ، ب) ۲۱- ل: زار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن - ب) ۲۲- ل: بدر روزگار؛ ق: زبیداد بخت؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز لن - ب) ۲۳- س، آ: دریغا ۲۴- س (نیزق، آ، ب): گریان من؛ ف: برهنه دوان بر سر انجمن (= ۹۸۸ ب)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی - آ) ۲۵- س، آ: خان مان

به تاراج دادم همه سربسر
 برهنه دوان بر سر انجمن
 جهانم سیاه و دو دیده سپید
 تو آگه‌تری^۷ ای جهان‌آفرین
 ز من کار تو پاک^۹ بر کاستی ست^{۱۰}
 ایا^{۱۲} مهربان پاک و^{۱۳} هُشیار جفت،
 که مغزم به رنج اندرون شد تهی
 که خوالیگرش مر ترا داد نوش،
 وگرنه نبودش به گوهر^{۱۴} نیاز
 بینم مگر پهن روی زمین
 ترا زین تگاپوی و^{۱۵} گرم و گداز^{۱۶}
 که ای پهلوانِ گیانِ جهان،
 اگر تو خداوندِ رخی بگویی!

ز بیژن^{۱۹} به رستم پیامش^{۲۰} بداد
 از آن^{۲۲} راه دور آمده^{۲۳} پوی پوی^{۲۴}،
 گشاده ست بر سیم رخ^{۲۵} سرو بُن

همان گنج^۱ دینار و تاج^۲ گهر
 پدر گشته بیزار و خویشان ز^۳ من
 وز^۴ اومیده^۵ بیژن شده^۶ ناامید
 پوشدهمی راز بر من چُنین
 بدو گفت بیژن: همه راستی ست^۸
 چُنین گفت م^{۱۱} اکنون نایست گفت؛
 سزد گر به هر کار پندم دهی
 تو بشناس کان مرد گوهر فروش
 ز بهر من آمد به توران فراز
 ببخشد بر من جهان‌آفرین
 رهاند مرا زین غمان دراز
 بنزدیک او شو بگوش نهان
 به دل مهربانی^{۱۷}، به تن چاره جوی

بیامد منیژه^{۱۸} بکردار باد
 چو بشنید گفتار آن خوب روی^{۲۱}
 بدانست رستم که بیژن سخن

۱- ق، ل، س^۲ (نیز لن، پ، آ): در گنج؛ (ق^۲: در و گنج و؛ لی: در تاج و؛ ل، و، لن^۱: در گنج و؛ ب: همان گنج و)؛ متن = ل، س ۲- س، ق (نیز لن، ل، پ، و، آ، ب): تاج و؛ س^۲: در و؛ (ق^۲: زرز: لی: تخت و؛ لن^۱: گنج و)؛ متن = ل، ل، ل^۱؛ ف این بیت را ندارد؛ در لن، پ، لن^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- ق: [ز]؛ ف ۹۸۵، ب، ۹۸۷، ۹۸۸ آرا انداخته و از ۹۸۵ و ۹۸۸ ب یک بیت ساخته است ۴- ل، ق (نیز لن): ز؛ (ق^۱: بر؛ پ: از)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ل- ل- س^۲ (نیز لن- ب): امید؛ متن = ف ۶- ل، ق (نیز لن، ل، پ، آ): شدم؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۲ (نیز ق، ل، ی، و، لن، ب) ۷- ل (نیز ق، ل، آ): دانستری؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، ب) ۸- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن- ب): راستست؛ متن = ف، ل، ل، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ): جمله؛ س: ز تو کار من پاک؛ (لن، پ، لن^۱: زمزگان تو آب؛ ق^۲: زمین جمله کار تو؛ و: زمین کارهای تو)؛ متن = ف، ل، ل (نیز ب) ۹- ل، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ): جمله؛ س: ز تو کار من پاک؛ (لن، پ، لن^۱: زمزگان تو آب؛ ق^۲: زمین جمله کار تو؛ و: زمین کارهای تو)؛ متن = ف، ل، ل (نیز ب) ۱۰- ل، س، ق، س^۲ (نیز لن- ب): بر کاستی ست؛ متن = ف، ل، ل ۱۱- ق: گفته؛ ل، س^۲ (نیز لن، پ، لن^۱): گفت؛ (و: گفتن)؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب): گفتم ۱۲- س: ابا (نقطه ندارد)؛ س^۲: ابا؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل (نیز لن- ب) ۱۳- ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن^۱، آ، ب): یار (پاک؟)؛ س، ق، ل (نیز لی، و): یار و (پاک و؟)؛ متن = ف: پاک و (پیار و؟) ۱۴- ق: بگوهر نبودش ۱۵- ل: تکاپو و؛ س^۲: تکاپوی ۱۶- ف: نیاز؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیز لن- آ) ۱۷- ل، ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ل، ب): مهربان و؛ متن = ف، س، ل (نیز لی) ۱۸- س، ق (نیز لن، و، لن، ب): زیبشه ۱۹- ق، ل: منیژه ۲۰- س: سراسر پیامش برستم ۲۱- س: خوب چهر ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): کزان؛ متن = ف ۲۳- س: باز آمده؛ ق: دور آمد او ۲۴- س: بدانست که دارد بدل پاک مهر؛ ل (نیز ق، ل، ی، ب) این بیت را ندارند ۲۵- ل: لاله؛ س (نیز ق، ل، آ): سیم تن؛ ق (نیز لی): لاله رخ؛ (لن، پ، لن^۱: ماه رخ؛ آ: گلرخ؛ و: یکسر بر آن)؛ متن = ف، ل، ل، س^۲

بخشود و گفتش^۱ که ای خوب چهر
بگویش که آری خداوند رخس
ز زاول^۴ به ایران، از^۵ ایران به تور
۱۰۰۵ چو با او^۷ بگویی^۸، سخن راز دارا!
ز بیشه فراز آرز هیزم به روز

منیره ز گفتار او شاد شد
پیامد دوان تا بدان^{۱۱} چاهسار
۱۰۱۰ بگفتش که^{۱۲} دادم سراسر پیام
چنین داد پاسخ که آنم درست
تو با داغ دل چند پویی همی
بگویش که ما را بسان پلنگ
کنون چون درست آمد از تو نشان
۱۰۱۵ زمین را بدرانم اکنون به چنگ
مرا گفت: چون تیره گردد هوا
بکردار کوه آتشی بر فرور
بدان تا بینم سر^{۲۱} چاه را

که یزدان^۲ ترا زو مبراد مهر،
ترا داد یزدان فریاد بخش^۳
ز بهر تو پیمودم این^۶ راه دور
شب تار^۹ گوشت به آواز دارا!
شب آید بلند^{۱۱} آتشی بر فرور

دلش زاندهان یکسر آزاد شد
که بودش به چاه اندرون غمگسار
بدان نیک پی فرخ^{۱۳} نیک نام^{۱۴}
که بیژن به نام و نشانم بجست
که رخ را به خوناب شویی همی^{۱۵}
بسود از پی تو کمرگاه و چنگ^{۱۶}
بینی سر تیغ مردم کشان
به پروین^{۱۷} براندازم آسوده سنگ^{۱۸}
شب از چنگ خورشید یابد^{۱۹} رها،
که سنگ و درو^{۲۰} چاه گردد چوروز،
بدان روشنی بسپرم راه را

۱- (لن، ب، ل، ن، ب، بدو (ب: چنین) گفت رستم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س، آ (نیزق، ل، ل، و، آ) ۲- س، آ: این بیت را ندارد؛ در ل پس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۳- ق: پیرو بخش؛ ل: این بیت را ندارد؛ در س، ب پس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۴- س، ق (نیزلی، ب، ب): زایل؛ متن = ف، ل، س، آ (نیزق، ل، ل) ۵- ل، س، ق، س، آ: ز: متن = ف ۶- ف: کوبد همی؛ (لن: پیمود این: ب: پوید همی)؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیزل، و، آ)؛ ل: این بیت را ندارد؛ در ل، ق، س، آ، ل، ب، آ پس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۷- س: چو او را ۸- ل: بگفتی ۹- ل، س، ق، س، آ (نیزل، آ): تیره؛ متن = ف، ل، ل (نیز ب) ۱۰- ل، ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، ل، ل، ب): یکی؛ متن = ف (نیزلی، و، آ)؛ در س پس از این بیت، بیت ۱۰۱۸ آمده است ۱۱- ق: پیش آن ۱۲- ل: بدو گفت ۱۳- ف: فرخ و؛ ل، ق: بدان مرد فرخ پی؛ ل: بدان نیک فرخ پی؛ س، آ (نیز ل، آ): بدان پی فرخ پی؛ متن = س (نیزلن، ق، آ، ل، ب): کمرگاه جنگ؛ (و: کمرهای جنگ)؛ متن = ل، س، آ (نیزل، آ): جنگ؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۰۰۳، در س پس از بیت ۱۰۰۴ و در ل، ق، س، آ، ل، ب، آ پس از بیت ۱۰۰۵ آمده است؛ پیایی بیت های متن = ف، ل، ق، ل، ل، و، لن ۱۷- (لن، لن، ل: بگردون)؛ متن ← ۱۸- ل: آن سوده سنگ؛ ف: برون آره او را من از زیر سنگ؛ متن = ل، س، ق، ل، ل (نیز ق، ل، ل، آ، آ)؛ س، آ (نیزب، و) این بیت را ندارند ۱۹- ل: گردد ۲۰- ل، ق (نیزل، آ): که سنگ و سر؛ س، س، آ (نیزلن، ق، و، ب): که دشت و سر؛ ل: که آن سنگ و بر؛ (ل: که شب بر سر؛ آ: که سنگ درو)؛ متن = ف ۲۱- س: من آن؛ در س این بیت پس از بیت ۱۰۰۷ آمده است؛ ف، س، ب پس از بیت ۱۰۱۸ و س پس از بیت ۱۰۱۷ و آ پس از بیت ۱۰۱۵ افزوده اند:

همی کرد با دل (آ: خود) زهر گونه یاد
زشادی غمان بردلش شد کهن

ف، آ: چو بشنید بیژن دلش گشت شاد
س، س، آ، ب: چو بیژن شنید از منیره سخن

- ۱۰۲۰ بفرمود بیژن^۱ که آتش فروز
سوی کردگار جهان کرد سر
ز هر غم توی بنده را^۳ دستگیر
بده داد من زآنک بیداد کرد
مگر بازینم^۶ برو^۷ بوم را
تو ای دخت^۹ رنج آزموده ز من
بدین رنج کز من تو برداشتی
۱۰۲۵ بدادی به من گنج و تاج^{۱۳} گهر
اگر یابم^{۱۵} از چنگ این آژدها
بکردار نیکان یزدان پرست
بسان پرستار پیش گیان
- ۱۰۳۰ منیژه به هیزم شتابید سخت
به خورشیدبر چشم و هیزم به بر
چُن^{۲۲} از چشم خورشید شد ناپدید
بدانگاه کارام^{۲۵} گیرد جهان
که لشکر کشد تیره^{۲۶} شب پیش روز
- که رستم هر دو ز تاریک روز
که ای پاک و رخشنده و^۲ دادگر،
توزن بر دل و پشت^۴ بدخواه تیر
تو دانی غمان من و داغ و درد^۵
بمانم به سنگ^۸ اختر شوم را
فدی^{۱۰} کرده جان و دل^{۱۱} و چیز و تن،
غمان مرا شادی انگاشتی^{۱۲}
جهاندار و^{۱۴} خویشان و مام و پدر
بدین روزگار جوانی^{۱۶} رها،
نپوم^{۱۷} به پای^{۱۸} و نیازم^{۱۹} به دست،
به پاداش نیکت^{۲۰} ببندم میان
- چو مرغان برآمد به شاخ درخت
که تا کی برآرد شب^{۲۱} از کوه سر
شب تیره بر کوه^{۲۳} دامن^{۲۴} کشید،
شود آشکارای گیتی نهان،
بگردد سر^{۲۷} هور گیتی فروز،

۱- ف: او را؛ ق (نیز لن، آ): بدو گفت بیژن؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز لی، ل، آ، ب) ۲- ل: و بخشند و؛ س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ، ب): [و] بخشند؛ ق، آ، و: [و] رخشند؛ آ: و بخشند؛ متن = ف (ه ق، آ، و)؛ ل، س^۱ این بیت را ندارند ۳- ل، س، ق (نیز لن - ب): زهر (ق: ازین) غم (ل، ق، لن، پ، لن، آ: بد) تو باشی مرا (ق: همی)؛ متن = ف ۴- ل، ق (نیز لن، پ، لن، آ): جان؛ س (نیز ب): چشم؛ متن = ف (نیز ق، لی، ل، آ، و)؛ ل، س^۱ این بیت را ندارند ۵- ف، ل، س^۱ این بیت را ندارند ۶- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): باز یابم؛ متن = ف (نیز ق، لی، و، آ) ۷- ل، آ: من آن ۸- ف (نیز ب): بماند بسنگ؛ س: نماید بسگ (!)؛ (لن، پ: بمانم من آن؛ لن: بمانم من این)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۹- س: جفت ۱۰- ل، س، ق، س^۱ (نیز ق، لی، ل، آ، ب): فدا؛ متن = ف، ل، آ (نیز لن، آ) ۱۱- س: تن (!) ۱۲- ل، ق، ل، آ (نیز ل، آ): زیان مرا سود پنداشتی؛ (لن، ق، لی، ل، پ، و، لن، آ: همه رنج من شادی انگاشتی)؛ متن = ف، س (نیز ب)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۳- ف، ل، س، ل، آ (نیز ب): تاج و؛ ق (نیز لن - لن، آ): تاج و گنج و؛ متن = (آ: بیت ۹۸۷) ۱۴- ل، ق: [و]؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۵- س: مام ۱۶- ق: بروز جوانی همی من ۱۷- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن - ب): پیوم (در ل، ق، آ دو حرف نخستین تنها یک نقطه در زیر و در و، آ حرف نخستین نقطه ندارد)؛ متن = ف ۱۸- ل: بیا ۱۹- ل: سارم (نقطه ندارد)؛ س، ل، آ: بیازم؛ ق: بیارم؛ (لن: مازم (دو حرف نخستین نقطه ندارند)؛ ق: بیارم؛ ل، آ، پ، آ: بیازم؛ و: بیارم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ب: بتازم)؛ متن = ف؛ س^۱ این بیت را ندارد ۲۰- س: رنجت ۲۱- ل: خور (!)؛ س (نیز ب): سر (!)؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز لن، ق، لی، ل، پ، و، لن، آ)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۲۲- ل، س^۱ (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف ۲۳- ل، آ: روز ۲۴- ق: لشکر ۲۵- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، لی، ل، پ، و، لن، آ): بدانگه که آرام؛ متن = ف (نیز ل، آ)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۲۶- ل، آ: تاز (!)؛ ق، ل، آ: تاز؛ ف: کشد لشکر تاز؛ ق (نیز آ): چو لشکر کشد تاز؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۷- ف: بکه در شود؛ ق: بگردد سراز؛ (لن، پ، لن، آ: بگیرد سر گاه)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ س^۱ این بیت را ندارد

۱۰۳۵ منیژه سَبک^۱ آتشی بر فروخت
که چشم شبِ قیرگون^۲ را بدوخت^۳
به دلش اندرون بانگ^۴ رویینه خُم
که آید ز ره رخسِ پولاد^۵ سُم

گفتار اندر رفتن رستم به سر چاه بیژن^۶

تہمتن بپوشید رومی زره^۷
برافکنند بندِ زره را گره^۸
بشد پیش یزدان^۹ خورشید و ماه
بیدین^{۱۰} کار بیژن مرا زور باد!
همی گفت: چشم بدان کور باد!
به گردان بفرمود تا همچین^{۱۱}
بر^{۱۳} اسپان نهادند زینِ خدنگ^{۱۴}
تہمتن به رخشنده بنهاد روی^{۱۶}
چو آمد بدان^{۱۸} سنگِ اکوان فراز
چنین گفت رستم بدان^{۲۲} هفت گرد
بباید شما را کنون ساختن
پیاده شدند آن سرانِ سپاه
بسودند با سنگ بسیار^{۲۷} چنگ
چو از نامداران پپالود خوی
از^{۲۹} اسپ^{۳۰} اندر آمد گو^{۳۱} شیرنر^{۳۲}

۱۰۴۰
۱۰۴۵

۱- ف، س، س^۱ (نیز لن، ق، پ، ل، ب): بشد؛ ق (نیز آ): شد و؛ (لی، ل، آ، و: بلند)؛ متن = ل، ل، ل^۲ ۲- ف (نیز ق^۲): تیره گون؛ متن = ل
- س^۱ (نیز لن، لی - ب) ۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ): بسوخت؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، لی، و، ب) ۴- س، س:
زخم ۵- س، س، س: رویینه ۶- ف: گفتار اندر رفتن رستم با هفت گرد بسر چاه بیژن و بینداختن سنگ و بیرون آوردن بیژن از چاه؛
س: از چاه بر آوردن رستم بیژن گورا؛ ق: رفتن رستم بسر چاه بیژن جهت خلاص او و شفاعت کردن رستم به بیژن از هر گناه گرگین؛ س:
بر آوردن رستم بیژن را از چاه؛ متن ← آغاز ف ۷- ل: بدانگه که رستم به بر بر گره؛ متن ← ۸- ل: برافکنند و زد بر گره بر زره؛ متن =
ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب) ۹- س (نیز ب): دادار؛ (ق: هر مزده؛ ل: آ: هر مزده و)؛ ف: بکشش آورد و سده (= بکشش آورد
ویژه (!))؛ ق: باقید یزدان؛ س^۱ (نیز لن، پ، ل، ن، آ: پیش خداوند؛ لی، و: بنبروی دادار)؛ متن = ل، ل، ل^۱ ۱۰- س: برین ۱۱- س:
همچنان ۱۲- ف: تنگ (بند) کین؛ (ل، آ، پ، و: گره گه بند کین؛ ب: بندگه بند کین)؛ س: ببندند کو بسته دارد میان؛ (ق، آ، لی:
ببندند بر گره گه بند کین)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، آ) ۱۳- س: به ۱۴- س، ق، ل، آ: پلنگ؛ متن = ف، ل،
س^۱ ۱۵- ق: همه راه را تیز کرده دو چنگ؛ س: همه چنگ را تیز کرده بچنگ؛ متن = ف، ل، س، ل، ل^۱ ۱۶- ق: برخشنده زین
بر نهاد ۱۷- ق: همچو باد ۱۸- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، آ): بر؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق، لی، و، ب) ۱۹- ل:
جای ۲۰- ل: [و] ۲۱- س: درد ۲۲- ف: بدین؛ ل، ق، ل، آ (نیز لی، آ، آ): با نامور؛ متن = س، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ب، و،
ل، ن، آ، ب) ۲۳- (ل، ن، آ، ب: سترد) ۲۴- ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ل، ن، آ، ب): از؛ ق: زین؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز و،
آ) ۲۵- ق، ل، آ: که از ۲۶- س، ل، آ: پردخته مانند؛ ق: پردخته دارند؛ متن = ف، ل، س^۱ ۲۷- ل (نیز لی، و): بسیار با (ل:
بر سنگ؛ لن: بر سنگ بسیار)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۸- ق: بشد ۲۹- ف، ل، ق، ل، آ:
زه متن = س، س، س^۱ ۳۰- ل: رخس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب) ۳۱- ل: گوان ۳۲- ق: شیرفسر؛ س:
شیرگیر ۳۳- س: حریر (!)

۱۰۵۰ ز یزدان زورآفرین^۱ زور خواست
 بینداخت بر^۲ بیشه‌ی شیرچین^۳
 ز^۴ بیژن پیرسید و نالید زار
 زگیتی همه نوش بودیت^۵ بهر
 بدو گفت بیژن ز تاریک‌چاه
 ۱۰۵۵ مرا چون خروش تو آمد به گوش
 بدینسان^{۱۱} که بینی همی^{۱۲} خان‌ومان
 بکندم^{۱۴} دلم زین^{۱۵} سرای سپنج
 بدو گفت رستم که بر جان تو
 کنون^{۱۸} ای خردمند آزاده‌خوی^{۱۹}
 ۱۰۶۰ به من بخش گرگین میلاد را
 بدو گفت بیژن که با^{۲۳} یار^{۲۴} من
 چه دانی^{۲۷} تو ای نیک‌دل^{۲۸} شیرمرد
 گر آید^{۲۹} بروبر جهان‌بین من
 چنین^{۳۰} گفت رستم که گر بدخوی^{۳۱}

بزد دست و آن سنگ برداشت راست
 بلرزید از آن سنگ^۴ روی زمین
 که چون بود کارت^۶ به بدروزگار^۷؟
 ز دستش^۹ چرا بستدی جام زهر؟
 که چون بود بر پهلوان رنج راه؟
 همه زهر گیتی شدم پاک^{۱۰} نوش
 از^{۱۳} آهن زمین و ز سنگ آسمان
 ز بس سختی و درد^{۱۶} و اندوه و رنج
 ببخشود روشن^{۱۷} جهانبان تو
 مرا^{۲۰} ماند زی^{۲۱} تو یکی آرزوی
 ز دل دور کن جنگ^{۲۲} و بیداد را
 چه دانی^{۲۵} که چون بود پیگار^{۲۶} من؟
 که گرگین میلاد با من چه کرد؟
 برو رستخیز آید از کین من
 بسازی^{۳۲} و گفتار من نشنوی^{۳۳}،

۱- ل: جان آفرین: (ق، ل، آ، و، نیکي دهش): متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب، لن، آ، آب) ۲- ل، ق، ل، آ، (نیزآ): در: متن =
 ف، س، س، آ (نیزلن، لن، آ، ب) ۳- ف (نیزل، آ): شیرچین: ل، س، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، آ، لی، ب، ب): شیرچین: ق: شاه‌چین: بیت
 ۳۸۵ ۴- ف: کوه: متن = ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، آ، ب) ۵- ل: به ۶- س: حالت ۷- ق: بدین روزگار ۸- ل،
 ل: همه نوش بودی ز گیتیت: متن = ف، س، ق، س، آ (نیزلن، ب) ۹- ف: ز دشمن: متن = ل، س، آ (نیزلن، ب) ۱۰- ل: مرا
 گشت: (ل: شده پاک): متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۱۱- ف: بدین جا: (ق: برینسان): متن = ل، س، آ
 (نیزلن، لی، آ، و، لن، آ، آب) ۱۲- ل، ل، س، آ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، آب): مرا: متن = ف (نیزلی، و) ۱۳- ف، ل، ق، ل، آ، ز: متن
 = س، س، آ ۱۴- ل، س، بکنده: متن = ف، ق، ل، آ، س، آ ۱۵- ل: دل از این ۱۶- ل، س، آ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ، آب):
 درد و سختی: متن = ف ۱۷- ف: برتوبو: متن = ل، س، آ (نیزلسن، ل، آ، و، ب) ۱۸- س، آ: مرا ۱۹- ف:
 آزاده‌جوی (!) ۲۰- س، آ: کنون ۲۱- ق، ل، آ (نیزلن، لن، آ): از: (ل: با): ل: هست با: متن = ف، س، س، آ (نیزق، آ، لی، و، آ،
 ب) ۲۲- ل، س، ق، س، آ (نیزلن، لی، آ، لن، آ، آب): کین: متن = ف، ل، آ (نیزق، آ، و) ۲۳- ل، س، ل، آ، س، آ (نیزق، آ، لن، آ،
 ب): ای: متن = ف (نیزو) ۲۴- س (نیزق، آ، ل): خال: ق: پس آنگه بگفت ای جهانبان ۲۵- ل، س (نیزل، آ، و): ندانی: متن
 = ف، ق، ل، آ، س، آ (نیزق، آ، ب) ۲۶- س (نیزل، آ): احوال: ق: پیمان: (ق: خود حال) ۲۷- ل، ل، آ (نیزلن، لی، آ، و، آ):
 ندانی: متن = ف، س، ق، س، آ (نیزق، آ، ب): ضبط ف را چودانی هم میتوان خواند) ۲۸- ل، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، لی، آ، و، آ): مهتر: متن
 = ف، س (نیزق، آ، ب): س (نیزلی، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز کردار گرگین چه آمد بسد پیش

ز فعل بسد وی دلم گشت ریش

۲۹- ل: افتد: متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، آ، لی، آ، آب) ۳۰- ل، ق، ل، آ (نیزلن، لی، آ، و، آ): بدو: متن = ف، س، س، آ
 (نیزق، آ، ب) ۳۱- س، آ: بدخویی ۳۲- ل (نیزل، آ): بسیاری: ل، آ (نیزق، آ): نسازی: متن = ف، س، ق، س، آ (نیزلن، و،
 ب) ۳۳- ل، آ: بشنوی: س، آ: نشنوی

<p>۱۰۶۵ به رخسار^۲ اندرآرم شوم باز جای از آن تنگ زندان برآمد^۶ خروش زگردان و از^۷ دوده و^۸ انجمن بدین^{۱۰} روز نیزم بیاید کشید^{۱۱} زکینه دل من^{۱۲} بیاسود^{۱۳} ازوی</p>	<p>بمانم ترا بسته^۱ در چاه پای چُن^۳ آواز^۴ رستم رسیدش^۵ به گوش چنین داد پاسخ که بدبخت من زگرگین بُد این بد^۹ که بر من رسید کشیدیم و گشتیم خشنود ازوی</p>
<p>۱۰۷۰ برآوردش از چاه با پای وند^{۱۴} گذازنده^{۱۷} از درد و رنج و نیاز^{۱۸} از آن^{۱۹} بند و^{۲۰} زنجیر زنگارخورد^{۲۱} همه تن از^{۲۳} آهن شده ناپدید جدا کرد از^{۲۵} حلقه‌ی پای وند^{۲۶} به یک دست بیژن، به دیگر زوار همی راز^{۲۸} کردند با^{۲۹} پهلوان یکی جامه پوشید^{۳۰} اندرخورش^{۳۱} بیامد بمالید بر خاک روی، پیچید از آن^{۳۳} خام‌گفتار^{۳۴} خویش،</p>	<p>فروهشت رستم به زندان کمند برهنه سر و^{۱۵} موی و^{۱۶} ناخن دراز همه تن پُر از خون و رخساره زرد خروشید رستم چُن^{۲۲} او را بدید بزد دست و بگسست زنجیر و^{۲۴} بند سوی خانه رفتند از آن^{۲۷} چاهسار پُر از غم دل و جان هر دو جوان تهمن بفرمود شستن سرش از آنپس که^{۳۲} گرگین بنزدیک اوی زکردار بد پوزش آورد پیش</p>

۱- س: زنده ۲- ل: اسب ۳- ل- س: (نیز- ل، آ، ب): چو: متن = ف ۴- ل، ق، ل: (نیز- ل، ل، آ): گفتار: متن = ف، س، س: (نیز- ل، آ، ب) ۵- ف: کشیدش؛ متن = ل- س: (نیز- ل، آ، ب) ۶- ق: برآورد از آن تنگ زندان ۷- ل، ق، ل، آ، س: وزه: متن = ف، س ۸- ل: دوده ۹- ف، س، ل: (نیز- ب): بدین بد؛ ل: بدان بد؛ ق: همان بد؛ س: (نیز- ل، و): بد این بد؛ (ق، آ): چنین بد؛ ل: برین بد؛ ل: (ازین بد): متن = س، آ، ل، و ۱۰- ل: چنین؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز- ل، ل، آ، ب، ل، آ، آ، ب) ۱۱- ق: ازین روز زهرم بیاید چشید؛ (ق، آ): نه چشمی بدید و نه گوشی شنید ۱۲- س: آ: ما ۱۳- ق: (نیز- ل، ل، ب، آ): بیالود؛ ل: نیاسود؛ (و: برآسود): متن = ف، ل، س، س: (نیز- ل، آ، ل، ب) ۱۴- ل- س: (نیز- ل، ق، آ، ل، ب): پای بند؛ متن = ف ۱۵- ل: (نیز- ل، ل، ب، و، ل، آ): تن و؛ س، ق، س: (نیز- ل، آ، ب): شده؛ ل: بشاکنده بد (؟): متن = ف ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل: گذازیده؛ ق: گذاریده؛ ل، آ، س: (نیز- ل، آ، ب): گذازنده (ل نخست: گذازنده)؛ (ق، آ): گذازیده؛ و: گذازیده)؛ متن = ف (نیز- ل، ب) ۱۸- ل: (نیز- ل، ل، آ، آ): از رنج و درد و (ل: [و]) نیاز؛ س: (نیز- ل، آ): از رنج و گرم (س): کرد) و گداز؛ (ل: از گرم و رنج و گداز؛ ب: از درد و رنج دراز)؛ متن = ف، ق، ل: (نیز- ب، و): س: گدازان ز درد و رنج و نیاز ۱۹- ل: بدان ۲۰- ل، س: [و] ۲۱- ف: زنگارخورد؛ (ق، آ): پولادخورد ۲۲- ف- س: (نیز- ل، ل، آ، ب): چو: متن = (آ) ۲۳- ل، ق، س: (نیز- ل، ق، آ، ل، آ): در؛ س، ل: (نیز- ل): ز؛ (ب: به): متن = ف ۲۴- ل: [و] ۲۵- ف: (نیز- آ): کرده زو؛ متن = ل- س: (نیز- ل، ل، آ، ب) ۲۶- ل- س: (نیز- ل، ب): پای بند؛ متن = ف ۲۷- ل: زان ۲۸- س، ق، ل، آ، س: (نیز- ل، ل، ل، آ، ل، آ، ب): یاد (آ، آ، ب): یاد (آ، آ، ب): متن = ف: راز (آ، آ، ب): بر؛ (ل: از: ق، آ، ب، و: کدان آفرین هر دو بر)؛ متن = ف، س: (نیز- ب)؛ ل این بیت را ندارد ۳۰- ف: فرمود؛ متن = ل- س: (نیز- ل، ب) ۳۱- ل، ق، ل: (نیز- و): نو بر برش؛ س، س: (نیز- ل، ل، آ، ب، ل، آ، آ، ب): نو بر برش؛ متن = ف (نیز- ل) ۳۲- ل، ل، آ، س: (نیز- ل، ل، آ، ب): چو: س: (نیز- ل، آ، ب): پس آنگاه؛ ق: (نیز- ل، آ، و، آ): وزانپس چو؛ متن = ف ۳۳- ل: زان ۳۴- ل: (نیز- ل، ب، ل، آ): کرداره؛ (ق، آ): بیده کار)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز- ل، آ، و، آ، ب)

۱۰۸۰ دل بیژن از کینش آمد^۱ به راه مکافات ناورد پیش^۲ گناه

شتر بار کردند و اسپان به زین
نشست از بر رخس و ناماوران^۴
گسی کرد بار و برآراست^۶ کار
بشد با بُنه آشکش تیزهوش
به بیژن بفرمود رستم^۹ که شو^{۱۰} ۱۰۸۵
که ما امشب از کین افراسیاب
یکی کار سازم کنون^{۱۳} بر درش
بدو گفت بیژن: منم^{۱۶} پیشرو

پوشید رستم سلیح^۳ گزین
کشیدند شمشیر و گرز گران^۵
چنان چون بود درخور^۷ کارزار
که دارد سپه را به هر جای گوش^۸
تو با آشکش و با منیژه برو
نیایم آرام^{۱۱} و نه خورد و خواب^{۱۲}
که فردا بخندد برو^{۱۴} کشورش^{۱۵}
که از من همی^{۱۷} کینه سازند^{۱۸} نو

گفتار اندر شیخون آوردن رستم و بیژن^{۱۹}

۱- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب): آمد ز کینش؛ متن = ف، ل (نیز لن، پ، و، ل، ن^۱) ۲- ل، آ: پیش از؛ (ق، آ: پیشش؛ و: آورد پیش از) ۳- س: سلاح ۴- ف (نیز آ): رخس ناماوران؛ س (نیز ق، آ، ب): رخس و گرز گران؛ ل: اسب و ناماوران؛ ل (نیز لن، پ): نشستند بر باره (پ: اسب) ناماوران (لن: کنداوران)؛ متن = ق، س^۲ (نیز ل، آ، و، ل، ن^۱) ۵- س (نیز ق، آ، ب): کشیدند گردان و (ق، آ: شمشیر) ناماوران ۶- ق، ل، آ: بیاراست؛ متن = ف، ل، س، س، س^۱ ۷- س: بُد اندر خور؛ ل، آ: برآید ز خور(!) ۸- س^۲ (نیز لن، پ، ل، ن^۱) پس از این بیت افزوده‌اند:

به پیش اندرون کاروان و بنه سپه را همی برد او یک تنه

۹- ق: گفتا ۱۰- س^۲: برو (پساوند ندارد) ۱۱- ل: نیایم آرام؛ س (نیز ب): نه آرام گیریم؛ (پ، ل، ن^۱): نه آرام یابیم؛ متن ← ۱۲- ق: و خورد و نه خواب؛ (ل، آ): و خوردن نه خواب؛ ل، آ: نخواهیم کرد ایچ آرام و خواب؛ س^۲: بهنگام مستی و آرام و خواب (= ۱۰۹۱ ب)؛ (ل، ن، ق، آ): نه آرام یابم (ق، آ: گیرم) نه خورد و نه خواب؛ ل، آ: نیایم خورد و نه آرام و خواب؛ متن = ف (نیز و) ۱۳- ل، آ، س^۲: ما ۱۴- ق: همه؛ ل، آ: بسدو ۱۵- ق، س^۲ (نیز لن، پ، ل، ن، آ): لشکرش؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز و، ب)؛ س، ق، ل، آ، پ، آ، ب پس از بیت ۱۰۸۷ افزوده‌اند (ق، ل، آ، ب، آ، بیت چهارم ولی، آ، بیت پنجم را ندارند؛ پ تنها بیت چهارم را دارد):

کم روز روشن بر سر سیاه سرانشان بیژم برم نزد شاه
تو رو با منیژه که من رستخیز برآرم ز توران بشمشیر (س، ب: کم چنگ) تیز
بسی رنج دیدی تو از بند و چاه نیایدت بودن بدین (س، ب: بزاری نیم ترا) رزمگاه
سرانرا بریزم چو برگ درخت بفر جهاندار پیروز سخت

5 چو بیژن ز رستم شنید (شنود) این سخن

که رو با منیژه دوستی مکن (س، ب): که بشنوزمن این و فرمان بکن

۱۶- ق: که من ۱۷- ف (نیز ل، آ): همه؛ متن = ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ق، ل، آ: (نیز ق، آ، ب): سازید؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ س پس از این بیت دو بیت ولی، پ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

بدیدارت ای پهلوان سپاه تن من قوی گشت و دل کینه خواه

تودانی همتن که من بیژم یلان را همه سرزتن برکم

۱۹- ف: گفتار اندر شیخون آوردن رستم و بیژن و او (جان) هفت گرد ایران بدر سرای افراسیاب و گریختن افراسیاب؛ ق: رفتن رستم با پهلوانان بناگاه بایوان افراسیاب و گریختن شاه؛ متن = آغاز ف

برفتند با رستم^۱ آن^۲ هفت گرد
 ۱۰۹۰ عنان‌ها فگنند بر پیش^۳ زین
 بشد تا به درگاه^۵ افراسیاب
 برآمد خروش ده و دار و گیر^۷
 سران را جدا شده‌ی سر^۱ ز تن
 ز دهلیز او^{۱۳} رستم آواز داد
 ۱۰۹۵ بخفتی تو بر گاه و بیژن به چاه
 منم رستم زاوولی^{۱۶} پور زال
 شکستم همه^{۱۸} بند و زندان تو
 رها شد سر و پای بیژن ز بند
 بُنه اشکش تیزهش را سپرد
 کشیدند گردان^۴ همه تیغ کین
 به هنگام مستی و آرام و^۶ خواب
 درفشیدن^۸ تیغ و باران تیر^۹
 پُر از خاک سر بُد^{۱۱}، پُر از خون دهن^{۱۲}
 که خواب تو خوش باد و گردانت شاد!
 مگر باره دیدی از^{۱۴} آهن به راه^{۱۵}؟
 نه هنگام خوابست و گاه نِهال^{۱۷}
 که سنگِ گران^{۱۹} بُد^{۲۰} نگهبان تو
 به دامادبر کس نسازد گزند!

۱- ق: بیژن ۲- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب): این؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، لی، ب، و) ۳- ق: پشت ۴- ل، ل، ل (نیز و): یکسر؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب، ل، آ، ب) ۵- ف: شتابان بدرگاه؛ س (نیز ب): بشد اندر ایوان؛ ل (نیز لی): شدند تا بدرگاه؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۶- ف، ل: سستی و آرام و؛ (لن، ب، ل، آ): آسایش و گاه؛ لی: آرام و مستی؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، و، آ، ب): مستی = مُستی؟؛ س (نیز لن، لی، ب، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:
 بزد دست و بگسست مسمار (س: بشکست زنجیر و) بند

چو شیر ژبیان خویشتر در فک کنند

۷- ل، ل: برآمد که بندد ده و گیر و دار (ل: داروگیر)؛ س (نیز لن، لی، ل، آ، ب، آ، ب): برآمد ز درگه (لن، ب: زهر سو؛ ل، آ، آ: زنا گه؛ ب: فغان) ده و داروگیر؛ (ق: در آمد گه خنجر و داروگیر؛ لن: برآمد زهر دو سپه داروگیر)؛ متن = ف، س (نیز و) ۸- س، س (نیز ق، ل، ل، ب، ل، آ، آ): درخشیدن؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، لی، و، ب) ۹- ل: چنان چون بود رسم در کارزار؛ بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ در ل پس از بیت ۱۰۸۹، درس، لن، لی، ب، ل، آ، پس از بیت ۱۰۹۱، درو پس از بیت ۱۰۹۵، در ق پس از بیت ۱۱۰۴ و در ف پس از بیت ۱۱۰۶ آمده‌اند؛ ق بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ را ندارد؛ پیاپی بیت‌های متن = ل، ل، آ، س، آ، ب که با س، لن، لی، ب، ل، آ پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۰۹۱ پ و با ل پس از افزودن بیت‌های ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ نیز برابر است و با ترجمه بنداری هم میخواند: ولبس رستم سلاحه و تدجج مظاهرا بین جُتنه، و رکب معه بیژن و أصحابه الآخرون فاستلوا أسیاقهم و هجموا علی باب افراسیاب، و قتلوا کل من کان علیه من الحرس، و صاح الہلوان و قال: أنا رستم بن دستان، و قد أخرجت بیژن ۱۰- س (نیز ب): بسی سر؛ ل (نیز آ): همه سر؛ ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، ل، آ): همه (ل، لی: بسی؛ س: همی) سر جدا شد؛ متن = ف ۱۱- ل، ل، ل، آ: ریش و؛ س (نیز ل، لی، آ، ب): روی و؛ س (نیز لن، ق، آ، لی، و): چنگ و؛ (ب: چشم و)؛ متن = ف ۱۲- ف: کفن؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۱۳- ل، ق: در؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن - ل، آ، ب)؛ ل پس از این بیت افزوده است:

من آم که گیرم یکف تیغ جنگ

بگردانم از رنگ کهسار رنگ

وگر من کمانرا بدست آورم

سمک را ز گردون بشست آورم

چو خود را ستود آن یل نامدار

بزد بانگ و گفتش که ای شهریار

۱۴- ل، ق: ز ۱۵- س: کلاه؛ درو پس از این بیت، بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است ۱۶- ل، س، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب، ل، آ، ب): زایل؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، و) ۱۷- ق (نیز ل، آ): جای نِهال؛ ل (نیز ق، آ، لی، و): و آرام و همال (لی: حال)؛ س: ندیده ز گردان کسی را همال؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۸- ل (نیز ل، و، ل، آ): در؛ س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب): درو؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۱۹- ق: سیه ۲۰- ف: شد؛ متن = ل، س (نیز لن - ل، آ، و - ب)

- ۱۱۰۰ ترا رنج و^۱ کین سیاوخش^۲ بس! که^۴ بر جان بیژن نباید^۵ شتاب همیدون^۷ برآورد بیژن خروش براندیش^۹ از آن^{۱۰} تخت^{۱۱} فرخنده جای^{۱۲} همی رزم^{۱۵} جستی بسان پلنگ کنوم گشاده به هامون بین
- به من برغم و رنج این رخس^۳ بس! دلت خیره بینم همی، سر^۶ به خواب که ای ترک بدگوهر تیره هوش^۸، مرا بسته، در^{۱۳} پیش کرده به پای^{۱۴} مرا دست بسته بکردار^{۱۶} سنگ که با من نجوید ژیان شیر کین^{۱۷}
- ۱۱۰۵ بزد دست بر^{۱۸} جامه افراسیاب بریشان زهر سو بگیرید راه^{۲۰}! زهر سو خروش و^{۲۲} تگاپوی خاست هر آنکس که آمد ز توران سپاه^{۲۳} گرفتند بر کینه . جستن شتاب
- ۱۱۱۰ به کاخ^{۲۵} اندرآمد خداوند رخس پریچهرگان سپهبدپرست گرانمایه اسپان به^{۲۸} زین خدنگ^{۲۹}
- که جنگاوران را بسته ست^{۱۹} خواب؟ که جوید زگردان نگین و کلاه^{۲۱} زخون ریختن بر درش جوی خاست زمانه تهی ماند ازو^{۲۴} جایگاه از آن خانه بگریخت افراسیاب همه جامه و فرش^{۲۶} او کرد بخش گرفته همه دست گردان^{۲۷} به دست، نشانده گهر در جُنای^{۳۰} پلنگ^{۳۱}

- ۱- ل، ق، س^۲ (نیزلن - ل، آ، و - ب): رزم و؛ س، ل، آ: رزم؛ متن = ف ۲- ق، س^۲ (نیزل): سیاوش (= سیاووش)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ (نیزلن، ق، آ، لی، و - ب) ۳- ل، ل، ل (نیزب): بدین (ب: برین) دشت گردیدن رخس؛ س، س^۲ (نیزلن، ل، ن، آ): برین (س: بدین) دشت گرد پی (س: سم) رخس؛ ق (نیزل): ترا از من ای بی هنر هوش؛ (ق، آ، و: ابر من همین رنج و بر رخس؛ لی: ابر من بینی برین رخس)؛ متن = ف ۴- ق: تو ۵- ف: نماید (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): نگیری (درلن، پ حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: گرفتی؛ ل^۱ (نیزلی، ل، آ، آ): نکریدی؛ (ب: بگیری؛ ق، آ، و: بیژن آمد)؛ متن = س^۲ ۶- س^۲: تن؛ ل این بیت را ندارد ۷- ف، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، ل، ن، آ): چنین هم؛ (ل: ل و زانپس)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیزلی، ب) ۸- ل: خیره هوش ۹- ف: نگه کن؛ متن = ل - س^۲ (نیزلن - ب) ۱۰- ل: زان ۱۱- ق: تخت و ۱۲- ل: جا ۱۳- ف: بر؛ متن = ل - س^۲ (نیزلن - ب) ۱۴- ل: بپا؛ س^۲: تخت پپای ۱۵- س: جنگ ۱۶- ف: ابرسان؛ متن = ل - س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، ل، ن، آ، ب) ۱۷- درق آ پس از این بیت، بیت های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است؛ س (نیزلی، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:
- چو بشتنید افراسیاب این سخن برو (بدو) تازه شد روزگار (اندهان) کهن
- ۱۸- ل: در ۱۹- ف، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، و، آ، ب): بیستند؛ (لی، ل، آ، ل، ن، آ: ببردست)؛ متن = ل، س، ق، س، آ ۲۰- ل، س: فرمود زان (س: از آن) پس که گیرند راه؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیزلن، ق، آ، لی، و، ل، ن، آ، ب) ۲۱- ل: بدان نامداران جوینده گاه؛ س^۲: که جویند از ما نگین و کلاه؛ س^۲ (نیزلن، ل، ن، آ، ب): که جوید نگین و که جوید (لن: خواهد) کلاه؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق، آ، لی، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ درف پس از این بیت، بیت های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است ۲۲- ل: [و]؛ ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:
- برایشان زهر سو گرفتند راه و زان پس بیامد سراسر سپاه
- ۲۳- س، ق (نیزق، آ، ل، آ، و، آ، ب): ز ترکان براه؛ س^۲: ز ایوان براه؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیزلن، لی، ل، ن، آ) ۲۴- ل، ل، آ: زو ۲۵- س: آ: گاه ۲۶- ل: فرش و دیبای؛ س (نیزلن، ق، آ، پ - ب): فرش و آلات؛ ق، ل^۲ (نیزل): فرش دیبای؛ س^۲: فرش و آلابی؛ متن = ف ۲۷- س: ترکان ۲۸- ف، ل، ل^۲ (نیزلی، و): و؛ متن = س، س^۲ (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۹- ل (نیزق، آ، لی، ل، ن، آ): پلنگ؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۳۰- ف: جناح؛ ل (نیزق، آ): حنای؛ س: جناح؛ ل، آ، س^۲ (نیزلی): جناح؛ (لن: حنای؛ و: جناح؛ لن: جناح؛ ب: جناح)؛ متن = (ل، ن، آ، ب) ۳۱- ل (نیزق، آ، لی، ل، ن، آ): خدنگ؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد

از ایوان برفتند و بستند^۱ بار
 ز بهر بُنه تاخت اسپان به زور^۲
 چنان رنجه شده رستم از رنج راه^۶ ۱۱۱۵
 سواران ز بس رنج و اسپان زتگ
 به لشکر فرستاد^{۱۰} رستم پیام
 که من بی‌گمانم کزین پس به کین
 گشن^{۱۱} لشکری سازد افراسیاب
 برفتند یکسر سواران جنگ ۱۱۲۰
 همه نیزه‌داران زدوده^{۱۴} سنان
 نگهبان دیده برآمد ز دور
 منیژه نشسته به خیمه‌اندرون^{۱۶}
 یکی^{۱۹} داستان زد تهمتن بر او^{۲۰}
 چنیزست کار^{۲۲} سرای سپنج ۱۱۲۵

گفتار اندر رزم رستم زال با افراسیاب^{۲۴}

چو خورشید سر برزد^{۲۵} از کوهسار
 سواران توران^{۲۶} بیستند بار
 بتوفید^{۲۷} شهر و^{۲۸} برآمد خروش
 تو گفتی همی کر کند نعره^{۲۹} گوش

۱- س (نیزق، و): بیستند و بردند؛ ل (نیزلن، لن): پیران بیستند؛ (آ، ب: بردند و بستند)؛ ل (نیزلی، پ): ازان (لی: وزان) پس ز (پ: از) ایوان بیستند؛ متن = ف، ق، س (نیزل^۲) ۲- س: تاخت افراسیاب ۳- ل: بدان ۴- س: تا نگیرد کسی را شتاب ۵- ل: بد؛ س: آمد؛ س (نیزآ، ب): خسته شد؛ متن ← ۶- س: ز لشکر براه؛ (ق، آ، لی: پهلوان سپاه)؛ ف: رنج نامد بلشکر ز راه؛ ق (نیزل^۳): تفته آمد بنزد سپاه (ل: بنزدیک شاه)؛ متن = ل (نیزلن، پ، و، لن^۴) ۷- ل: بر درد بود؛ ل (نیزلن، پ، لن^۵): بر رنج بود؛ (ق، آ، و: کجا بر سرش رنج بود)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۸- س: ز ۹- ل، س، ل، آ، س (نیزلی، پ، ب): بر؛ متن = ف، ق (نیزق، آ، و، آ) ۱۰- ق: چنین داد ۱۱- ق (نیزل^۳): کنون؛ (لی: ز پس؛ ب: که شد) ۱۲- ل، ق، ل (نیزق، آ، و، آ): پیو شد؛ متن = ف، س، س (نیزلن، لن، آ، ب) ۱۳- ل: رزم ۱۴- ل: دوده (!)؛ س: ستوده؛ درس، ق، ل، آ، ق، لی، ل، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ل این بیت را ندارد ۱۶- ل، س (نیزلن، لی، ب): بخیمه درون؛ (ق: بخیمه نشسته درون)؛ متن = ف: بخیمه اندرون ۱۷- ل، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، لن^۲): در؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، آ، و، آ، و، ب) ۱۸- ل، س، ق، ل (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، ب): او؛ س (نیزلن، پ، لن^۲): با؛ متن = ف ۱۹- ل، آ، س (نیزق، آ، و، لن، آ، آ): همی؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، ب) ۲۰- ق، ل (نیزل، لن، آ): بدوی ۲۱- ق: نگردهش؛ ل (نیزآ): بریزدش؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): که گر مشک ریزد (س، ب: ریزی) نریزدش؛ (ق: که مشک اربریزد نریزدش؛ و: که گر گل بریزد نریزدش)؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، ل، آ، پ) ۲۲- ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): رسم؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، آ، و) ۲۳- ف: نوش و ناز؛ (و: ناز و شادی)؛ متن = ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: رزم رستم زال با افراسیاب؛ درس، ق، ل، سرنویس پایین تر آمده است؛ متن ← ل ۲۵- س، ل، آ، س: برزد سر؛ متن = ف، ل، ق ۲۶- ف: ایران (!)؛ ل، ق (نیزق، آ، ل، آ): ترکان؛ متن = س، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۷- ف: بجنید؛ س (نیزل، آ، ب): بجوشید؛ متن = ل، ق، ل (نیزلن، پ، و، لن، آ، آ) ۲۸- س: ز گردان توران ۲۹- س: که کر شد ز آواز

<p>کمر بستگان بر درش^۱ صف زدند دل از بوم و بر پاک^۲ پرداخته^۳، به^۴ پیش سپهدار بر خاک سر، همه دل پُر از کین ایرانیان، چه افگند باید بدین کار^۵ بُن، بماند ز کردار بیژن نشان^۶ زبانِ کمر بسته خوانندمان</p>	<p>به درگاه افراسیاب آمدند همه جنگ را یکسره^۷ ساخته^۸ بزرگانِ توران^۹ گشاده^{۱۰} کمر همه جنگ^{۱۱} را پاک بسته میان کز اندازه بگذشت ما را سخن کزین^{۱۲} ننگ بر^{۱۳} شاه تا جاودان^{۱۴} به ایران به مردان^{۱۵} ندانندمان^{۱۶}</p>
<p>از آن ننگ را ساز فرمود جنگ^{۱۸} کزین پس ندارند بر ما فسوس^{۱۹} بجوشید در شهر توران سپاه خروش آمد از بوق^{۲۰} و هندی درای که روی زمین^{۲۱} جز به دریا نماند^{۲۲} زمین را چو دریای جوشنده دید^{۲۳} که گیتی سیه شد ز گردِ سوار</p>	<p>برآشفت مهتر^{۱۷} بسان پلنگ به پیران بفرمود تا بست کوس بزد نای رویین به درگاه شاه یلان صف کشیدند^{۲۴} بر دسرای^{۲۵} سپاهی ز توران بدان^{۲۶} مرز راند چو از دیدگه^{۲۷} دیدبان^{۲۸} بنگرید بر رستم آمد که بیسیج کار</p>

۱- ل: پیش در: ف پس از این بیت افزوده است:

بجوشید از آن شهر توران سپاه
بزد نای رویین به درگاه شاه

- ۲- ل. س. ق. ل (نیز لن، لی، ب، ل، آ، ب): یکسره جنگ را: متن = ف، س (نیز ق، و) ۳- ف، س (نیز آ): ساختند؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، لی، ب، و، ل، آ، ب) ۴- ل: بوم و آرام: س (نیز لن، ب، ل، آ، ب): بوم و از جای؛ ل: بوم و ز خانه؛ (لی: بوم توران): متن = ف، ق، س (نیز ق، و، آ) ۵- ف، س (نیز آ): پرداخته؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، ب، و، ل، آ، ب) ۶- س: ترکان ۷- س: بیسته ۸- س: ز: ق این بیت را ندارد ۹- س: سوگ: ل این بیت را ندارد ۱۰- ل: برین کار: س: ز پیکار ۱۱- س (نیز ب): ازین: ق، س (نیز آ): که این: ل (نیز ق، لی، ب، و): وزین: متن = ف، ل (نیز لن، ل، آ، ل) ۱۲- ف: ای: متن = ل، س (نیز لن، ب) ۱۳- ل: شاه و گردنکشان: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب) ۱۴- ق: گفتار نابخردان: ل، س (نیز لن، ب، ل، آ): ز کردار نابخردان: متن = ف، ل، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۵- ق: بردان ایران ۱۶- س، ق (نیز ق، و، ل، آ، ب): ندانندمان: ل: بدانندمان: متن = ف، ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب) ۱۷- ل (نیز لی): پس شه: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب) ۱۸- ل (نیز لی، ب): از آن پس بفرمودشان ساز جنگ: متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، و، ل، آ، ب): ل در اینجا سرنویس دارند، ق: گفتار در محاربت افراسیاب با رستم و هزیمت شاه: ل: آمدن افراسیاب با پیران بجنگ رستم ۱۹- ل، ل، آ، س (نیز لن، ب، و، ل، آ): که بر ما ز (ل، آ، س): از ایران همین بس (ل: بد) فسوس: س (نیز آ، ب): که بر ما ندارند ازین پس فسوس: ق (نیز ق، لی، ل، آ): کزان کارش آمد شگفتی فسوس: متن = ف (س، آ، ب) ۲۰- ل: بیستند ۲۱- ق (نیز ق، و): پیش سرای: (لی: و پسرده سرای: ل: چون دید رای): متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ب، ل، آ، آ، ب) ۲۲- س: نای: ف این بیت را ندارد ۲۳- ف (نیز لی): بدین: (ب: بران): متن = ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ق: زمی ۲۵- ل: زمین ز اسب دریای جوشنده ماند ۲۶- ف- ل (نیز لن، ب): دیده گه: متن = س، آ، ب- ۲۷- ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ): دیده بان: متن = ف، س (نیز لن، ب) ۲۸- ل: جوشان بدید: ل: جوشیده دید: ف: همه راه ترک کمر بسته دید: (ل، ب، ل، آ، خروشی جوشیر زبان برکشید = ۱۱۴۴ ب): متن = س، ق، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، آ، ب)

<p>بدو گفت: ما زین نداریم باک بُنه با منیژه گُسی کرد و بار به بالا برآمد سپه بنگرید^۳ یکی داستان زد سوار دلیر به گردان جنگاوره آواز کرد کجا تیغ و ژوپین^۶ آهن‌گذار^۸؟ هنرها کنون کرد باید پدید</p>	<p>۱۱۴۵</p>
<p>همی^۱ جنگ را برفشانیم^۲ خاک پوشید خود جامه‌ی کارزار خروشی چو شیرِ ژیان برکشید^۴ که روبه چه سنجد به چنگالی شیر؟ که پیش آمد آن روزگار نبرد^۶ کجا نیزه^۹ و گرزهی گاوسار؟ برین دشت بر کینه باید^{۱۰} کشید</p>	<p>۱۱۵۰</p>
<p>برآمد خروشیدن گره‌نای^{۱۱} از آن^{۱۳} کوه سرسوی هامون^{۱۴} کشید کشیدند لشکر بر آن^{۱۶} پهن جای بیاراست رستم یکی رزمگاه ابر میمنه آشکش و گُستهم چو فرهاد^{۲۲} و چون زنگه بر^{۲۳} میسره خود و بیژن گیو در قلبگاه پس پشت لشکر گه بیستون^{۲۵} چو افراسیاب آن سپه را بدید</p>	<p>۱۱۵۵</p>
<p>تهمتن به رخش^{۱۲} اندرآورد پای چو لشکر به تنگ اندرآمد^{۱۵} پدید به^{۱۷} هر سو بیستند از^{۱۸} آهن سرای^{۱۹} که از گرد اسپان جهان^{۲۰} شد سیاه سواران بسیار^{۲۱} با او بهم بدو داد مردان همه^{۲۴} یکسره نگهدار گردان و پشت سپاه حصاری ز شمشیر^{۲۶} پیش اندرون که سالارشان رستم آمد پدید،</p>	

۱- ف: که ما؛ س، ق، س، ا (نیزلی، ل، آ، ب): همه؛ متن = ل، ل، ا (نیزلن، ق، ا، پ، و، لن، ا) ۲- (آ: چه ترکان به پیشم چه یک مشت) ۳- ل- ل- س^۲ (نیزق، ا، ل، آ، و، آ، ب): سپه را بدید؛ متن = ف (نیزلن، پ، لن، ا) ۴- (لن، پ، لن، ا): جهان را چو دریای جوشنده دید (= ۱۱۴۰ ب)؛ متن = ف- س^۲ (نیزق، ا، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۵- س، ق، س^۲ (نیزق، ا، لی، ل، آ، و، آ، ب): گردنکش؛ ل^۲ (نیزو): لشکر پس؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ، لن، ا) ۶- ل (نیزلی، آ): امروز ننگ و نبرد؛ ق، س^۲: آن روز جنگ و نبرد؛ ل^۲ (نیزو): آن (ل: از- آن) روز ننگ و نبرد؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ا، پ، لن، آ، و، آ، ب): این ۷- همه دستویس ها: ژوپین ۸- ل: زهرآبدار؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س^۲ (نیزلن- لن، آ، ب) ۹- ق: همان جوشن ۱۰- س: بدین دشت کینه بیاید؛ ق: بدین رزمگه کین بیاید؛ متن = ف، ل، ل، ا، س، ا؛ س در اینجا سرنویس دارد: رزم رستم با افراسیاب و هزیمت شدن افراسیاب ۱۱- ف، ل، س: کزنای؛ متن = ق، ل، ا، س^۲ ۱۲- ف (نیزل، آ): اسب؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن، لی، پ- ب) ۱۳- ف: وزان؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن، لی، ل، آ، ب) ۱۴- س^۲ (نیزلن، پ، لن، ا): کوه رستم بهامون؛ متن = ف- ل^۲ (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۵- ف: بتنگی درآمد؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۱۶- س، ق، س^۲ (نیزلی، ل، آ، و، آ، ب): بدان؛ ل^۲: بدین؛ متن = ف، ل (نیزلن، لن، ا) ۱۷- (ل، آ، و، لن، ا): ز ۱۸- ل، ل، ل: ز؛ متن = س، س^۲ (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۱۹- ق: مردان برای (آ: سرای؟ سرای؟): (ل: از آهن قبای؛ آ: پرده سرای)؛ متن = ل، ل، س، ل، ا، س^۲ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب)؛ ف: بیستند هرکس از آهن قبای ۲۰- ل: هوا؛ ق، س^۲ (نیزلی، و، ب): زمین؛ (آ: زمی)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ل، آ، ب) ۲۱- س، ل، ا: هشیار ۲۲- ل- ل- س^۲ (نیزلن، لی، پ- ب): رهام؛ متن = ف (نیزل، آ) ۲۳- ل^۲: وزنگه ابر ۲۴- ل، ل، ل (نیزلی، آ): بخون (ل، آ: زیون) داده (آ: کرده) مر جنگ را؛ س: سنان آب داده بخون؛ ق: زیون کرد آن قوم را؛ س^۲ (نیزلن، ل، آ، و، لن، ا): زیون داشت آن (س: داشته) جنگ را؛ (و: بیاراسته جنگ را؛ ب: توان داده آن جنگ را)؛ متن = ف ۲۵- ق: بیطون (!) ۲۶- ف: ز آهن به؛ متن = ل- ل- س^۲ (نیزلن، لی، ب)

غمی گشت و پوشید^۱ خفتان جنگ
 برابر به آیین صفی^۳ برکشید
 ۱۱۶۰ چپ لشکرش را به پیران سپرد
 به گرسیوز و شیده بر قلبگاه^۷
 تهمتن همی گشت گرد سپاه^۹
 فغان کرد کای ترک شوریده بخت
 ترا چون سواران دل جنگ نیست
 ۱۱۶۵ که چندین ز^{۱۴} پیش من آیی به کین
 چو در جنگ لشکر^{۱۵} شود^{۱۶} تیزچنگ
 ز دستان تو نشندی آن^{۱۸} داستان
 که شیری نترسد ز یک دشت گور
 بدرد دل و گوش^{۲۱} غُرم سترگ
 ۱۱۷۰ نه روبه شود از ستودن^{۲۳} دلیر
 چُن^{۲۵} اندر هوا باز گسترد پر
 دلیر و^{۲۷} سبکسار خسرو^{۲۸} مباد!

سپه را بفرمود^۲ کردن درنگ
 هوا نیلگون^۴ شد، زمین ناپدید
 سوی راستش^۵ جای هومان^۶ گرد^۷
 سپرد و همی کرد هر سو نگاه^۸
 از^۹ آهن بکردار کوهی سپاه^{۱۱}
 که ننگی تو بر لشکر^{۱۲} و تاج و تخت،
 به جنگ دلیرانت آهنک^{۱۳} نیست،
 به مردان و اسپان پیوشی زمین،
 همه پشت یام^{۱۷} ترا سوی جنگ
 که آرد^{۱۹} به یاد از گه باستان،
 ستاره فراوان نتابد چو^{۲۰} هور
 اگر بشنود نام^{۲۲} چنگال گرگ
 نه گوران بساوند^{۲۴} چنگال شیر
 نترسد ز چنگال او شیر^{۲۶} نر^{۲۶}
 چو باشد^{۲۹} دهد پادشاهی به باد

۱- ل، س، آ (نیز لن، ب، و، ل، و): غمی شد پوشید ۲- ف، ل: بفرمود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لی: بفرمود)؛ متن = س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۳- س: ز توران سپه؛ س: بر آیین صفی؛ ل: ز آیین توران صفی؛ متن = ف، ل، ۴- ف: قیرگون؛ متن = ل، س، ل، س، آ (نیز لن، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۵- ل: راست پس ۶- س: شمرد ۷- ل، ل، آ (نیز و): قلب سپاه؛ ق (نیز آ): آن قلبگاه؛ (ق، آ، لی: فرمود شاه)؛ س، س، آ (نیز لن، ب، ل، آ، ب): به (س، ب: چو) کرسیوز (ب، ل، آ: کرسیوز) و سرخه (س: جهن؛ ب: نیک) سالارگاه؛ متن = ف: بنداری؛ فوفف هومان فی المیمنة، و بیران فی المیسره، و وقف شیده و کرسیوز فی القلب ۸- ق: نکودار توران و گردان شاه؛ ل: همی داشت لشکر دشمن نگاه؛ (ق: که هر دو سوی قلب دارید راه؛ لی: سوی قلب دارید یکسر نگاه)؛ متن = ف، ل، ل، س، س، آ (نیز لن، ب، ب) ۹- ل: تاخت در قلبگاه ۱۰- ل: زه؛ ق: وزه؛ متن = ف، س، ل، س، آ ۱۱- س: بسر بر نهاده کلاه ۱۲- س، س، آ (نیز لن، ب، ل، آ، ب): کشور؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، لی، و، آ) ۱۳- ل، ل، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، آ، ب): ز گردان لشکر تراننگ؛ متن = ف ۱۴- ل، ل، س، آ (نیز لن، ب، ب): به؛ (لی، آ، ل، تو)؛ متن = ف ۱۵- ل، آ: کشور ۱۶- س: جنگ تو من شوم ۱۷- ل، ل، س، آ (نیز لن، لی، آ): بین؛ متن = ف ۱۸- س، ق: این؛ ل: نشینده؛ متن = ف، ل، س، آ ۱۹- ل، ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): دارد؛ س: یارد (حآرد؟)؛ متن = ف ۲۰- ل، ل، ق (نیز ل، آ): ستاره نتابد فراوان چو؛ ل: نتابد ستاره فراوان چو؛ ب: هزاران ستاره نتابد چو؛ (لن، ب: نتابد فراوان ستاره چو؛ لی، و، لغت دری، ص ۱۹: ستاره نتابد هزاران چو؛ لن: نتابد ستاره فراوان چو؛ ب: هزاران ستاره نتابد چو)؛ متن = ف، س (نیز ق، آ، آ) ۲۱- ل: هوش؛ س: کوس و ۲۲- ل: نام و ۲۳- ل، س، آ (نیز لن، ب): ز آرمودن؛ متن = ف ۲۴- ل (نیز لن، ل، آ، ب، ل، آ): بسایند؛ ق: بتابند؛ (ق: بکاوند)؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز و، آ، ب)؛ در ل، س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، ب، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ف ۲۵- ل، س، ل، س، آ (نیز لن، ق، لی، ب، ب): چو؛ متن = ف ۲۶- ل، ل، س، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، لی، ب، ب): بترسد ز چنگال او کیک نر؛ متن = ف؛ ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۲۷- ل، ل، ق، ل، آ (نیز آ): چو تو کس؛ (ب: دلیر)؛ متن = ف، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۲۸- ل: سبکسار و خیره ۲۹- ف: که بی شک؛ متن = ل، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، ب، ب)؛ س (نیز لی) پس از این بیت افزوده اند: نوب بیژن بسچاه اندران باشتی نسدانستی ای ترک شوریده بخت نمانم بزندان توب بیژن را مرا کشته گر (لی: یا) مرده پنداشتی که بنده میان پیر این کار سخت بیره سرو گردن دشمن (لی: ز شهرت برده جمله مردوزنا)

برین ^۱ دشت ^۲ هامون تو از دست من	رهایی نیابی به جان و به تن
چو این گفته بشنید ترک ^۳ دژم	بلرزید ^۴ و برزد یکی تیزدم
برآشفت کای ^۵ نامداران تور	که این ^۶ دشت جنگست ^۷ گر ^۸ جای ^۹ سور؟
چو گفتار سالارشان شد به گوش	زگردان لشکر ^{۱۰} برآمد خروش
چنان تیرهگون ^{۱۱} شد زگرد آفتاب	که ^{۱۲} گفتی همی غرقه گردد به ^{۱۳} آب
ببستند بر ^{۱۴} پیل روینه ^{۱۵} خم	دمیدند شیور ^{۱۵} با ^{۱۶} گاودم
ز جوشن ^{۱۶} یکی باره ی آهنین	کشیدند گردان به روی زمین ^{۱۷}
بجوشید ^{۱۸} دشت و بتفسید ^{۱۹} کوه	ز بانگ سواران هر دو گروه
درفشان ^{۲۰} به گرداندرون تیغ تیز	تو گفتی برآمد ^{۲۱} همی ^{۲۲} رستخیز
همی ^{۲۳} گرز پولاد ^{۲۴} همچون تگرگ	بیارید بر جوشن و ^{۲۵} خود و ترگ
وَران رستمی آژدهافش درفش	شده روی خورشید تابان بنفش
پوشید روی هوا گرد پیل ^{۲۶}	به خورشید گفتی براندود نیل ^{۲۷}
به هر سو که رستم برافگند ^{۲۸} رخس	سران را سر از تن ^{۲۹} همی کرد بخش
به چنگ اندرون گزهی گاوسار	بسان هیونی گسسته مهار ^{۳۰}

۱- ل- س^۱ (نیزی، ل، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن^۲) ۲- ف، ل، آ، س^۱ (نیزب): دشت و؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳- ل: آمد ۴- س: برآشفت ۵- س: چنین گفت با ۶- ف، ق، س^۱ (نیزلن، پ، آ): بدین؛ ل^۲ (نیزی): درین؛ (ق، آ، لن^۱: برین؛ ل^۲: درو)؛ متن = ل، س (نیزب) ۷- س: رزم است ۸- ل- س^۱ (نیزلن، پ، لن^۱: آ، ب): یا؛ متن = ل ۹- ق: خان؛ (لن، پ، لن^۱: بزم)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س^۱ (نیزق، آ، لی، ل، آ، ب): ل، س، ل^۱ (نیزی، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسیار کشیدن درین (بدین) رزم (جنگ؛ کار) رنج

که بخشم شما را بسی تاج و (کام و؛ ازین رنج) گنج

۱۰- ل: توران ۱۱- ق (نیزآ): نیلگون ۱۲- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، پ، لن^۱: آ، ب): تنو؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، ل، و، آ) ۱۳- ل: ماند در؛ (ق: ماند به؛ ل: ماند اندر)؛ س (نیزب): همه (ب: همی) غرقه گردد در؛ ق، ل (نیزو، آ): جهان غرقه گشت (ل، و؛ ماند) اندر؛ س^۱: همه غرقه ماند به؛ (لن: همی ماند غرق اندر؛ پ، لن^۱: همی غرق ماند اندر)؛ متن = ف ۱۴- ف: دمیدند از؛ س (نیزلن، پ، لن^۱: آ، ب): فرو کوفت بر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیزی، ل، آ، و، آ) ۱۵- ف: خروش آمد و ناله؛ (لی: خورشیده شیور با)؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن، ل، آ- ب) ۱۶- ل: دو حصن و ۱۷- س: برآن دشت کین ۱۸- س: بجنبید ۱۹- ل، ل، آ، س^۱ (نیزلن، پ، لن^۱: آ، ب): بتوفید؛ س (نیزب): بجنبید؛ (لی: بغرید)؛ متن = ف (نیزق، آ، و؛ ونخست داشته است: بتوفید)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ق، س: درخشان ۲۱- ل، آ، س^۱ (نیزآ): برآید؛ متن ← ۲۲- س، ق (نیزلن، آ): یکی؛ ف (نیزق، آ): برآید (ق: برآمد) تو گفتی همی؛ متن = ل (نیزی، ل، آ، پ، و، لن^۱) ۲۳- ل: زبس ۲۴- ل، س (نیزآ): بیارید؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، لن^۱: آ، ب) ۲۵- ل: ابر جوشن و بیروبر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، پ، لن^۱: آ، ب) ۲۶- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، لی، پ، لن^۱: آ، ب): هوا را بتیر؛ متن ← ۲۷- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، لی، پ، لن^۱: آ، ب): قیر؛ (آ: رخ شید تابان شده چون زریز)؛ متن = ف، ل (نیزو)؛ ق (نیزق، آ، ل) این بیت را ندارند ۲۸- ق: برانگیخت ۲۹- س: بن؛ س: زلشکر ۳۰- ل، س (نیزی) پس از این بیت افزوده‌اند:

همی کشت و می بست (س: می خست) در رزمگاه چو بسیار کرد از بزرگان تباہ

<p>پراکنده کرد آن سپاه بزرگ^۴ زگرسوز تیغ زن کینه خواست چپ لشکر شاه ترکان^۷ ببرد همی^۹ بزنگاه آمدش جای جنگ فروریخت از بار^{۱۱} و برگشت^{۱۲} بخت درفش سواران^{۱۳} ترکان نگون دلیران توران^{۱۷} همه گشته دید، یکی اسپ آسوده تر^{۱۸} برنشست کز ایرانیان کام و کینه نیافت^{۲۱} بیارید بر لشکرش گور و تیر همی مردم آهخت ازیشان^{۲۴} به دم گرفتند زنده پس از کارزار که بخشش کند خواسته بر سپاه^{۲۷} به پیروزی آمد بر^{۲۹} شهریار</p>	<p>زاقلب اندرآمد بکردار^۲ گرگ^۳ برآمد^۵ چو باد آشکش از دست راست چو گرگین و فرهاد و رهام^۶ گرد به^۸ قلب اندرون بیژن تیزچنگ سران سواران چو برگ از درخت^{۱۰} همه رزمگه سربر جوی خون جهاندار^{۱۴} چون بخت^{۱۵} برگشته^{۱۶} دید بیفگند شمشیر هندی زدست ز ترکان جدا^{۱۹} سوی توران شتافت^{۲۰} برفت از پیش رستم گردگیر^{۲۲} دو فرسنگ چون آردهای^{۲۳} دژم سواران جنگی ز توران هزار^{۲۵} به لشکرگه آمد از آن رزمگاه^{۲۶} ببخشید و بنهاد بر پیل^{۲۸} بار</p>	<p>۱۱۹۰ ۱۱۹۵ ۱۲۰۰</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------

گفتار اندر باز آمدن رستم با بیژن از توران به ایران زمین^{۳۰}

۱- ل (نیز لن، آ، ب): به (بیت ۱۱۵۵) ۲- ف: چنان پیر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۳- ل: گرد ۴- ل: چپ
 لشکر شاه توران ببرد (= ۱۱۸۹ ب)؛ س این بیت را ندارد؛ ل (نیز لی) پس از این بیت افزوده اند:
 برآمد چو باد آن سران را (سواران) ز جای همان (همه) باد پایان فرخ همی

۵- ل، ق، س (نیز ق، آ، ل): در آمد؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لی، ب - ب)؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۶- ل، س (نیز و، ب): رهام و فرهاد؛ متن = ف، ق، س (نیز لن - ب، لن، آ) ۷- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ): توران؛ متن = ف، س (نیز لی، و، ب)؛ ل ۱۱۸۷ ب و ۱۱۸۹ آ را انداخته و از ۱۱۸۷ آ و ۱۱۸۹ ب یک بیت ساخته است ۸- ل: ز ۹- ق: همه ۱۰- ل، س، س (نیز لن - ب، لن، آ): برگ درخت؛ متن = ف، ق، ل (نیز و، ب) ۱۱- ل: باد (ببار؟)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن - ب): از بار (باز باد = بزودی؟) ۱۲- ل: فروریخت وان برگ را رفت ۱۳- ل، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و): سپهدار؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، آ، لن، آ، آ، ب) ۱۴- ل، ل، س، ق، س (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): سپهدار؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ) ۱۵- ل: بخشش چو ۱۶- ف: سرگشته (ببرگشته)؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۷- ل، ل، ق، س: ترکان؛ متن = ف، س، ل (نیز لن - ب) ۱۸- ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب): آسوده را؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق، آ، و) ۱۹- ل (نیز آ): خود و ویژگیان؛ س، ق، س (نیز لن، لی، ب، و، لن، آ): خود و سرکشان؛ ل: خود و شیده را؛ (ق: هزیمت شد و)؛ متن = ف (نیز ل) ۲۰- س: براند ۲۱- س: نراند (بساوند ندارد) ۲۲- س: شیرگیر ۲۳- س: آردها ۲۴- ق: زیشان؛ (لی: آمیخت زیشان)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۵- ل، ق (نیز آ): ز ترکان هزار؛ ف: پس جنگ اسیران توران هزار؛ (ب: سواران توران تنی دو هزار؛ و: ز جنگی سواران ترکان هزار)؛ متن = س، س (نیز لن، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: بعد آن أسر منهم ألف فارس ۲۶- ق: کارزار ۲۷- ق: سوار ۲۸- س: ببخشید هوار و بر بست ۲۹- س: سوی ۳۰- س: باز آمدن رستم با بیژن از توران بایران زمین؛ ق: آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن رستم با بیژن و منیژه؛ ل: گریختن افراسیاب از رستم و رفتن بتوران؛ س (چند بیت پایین تر): باز آمدن رستم بنزد کیخسرو؛ ف، ل سرنویس ندارند؛ متن ← س

۱۲۰۵ چو آگاهی آمد به شاه دلیر
 و بیژن شد^۳ از بند و زندان رها
 سپاهی ز توران بهم بر شکست^۶
 به^۸ شادی به پیش جهان آفرین
 چو گودرز و گیو^{۱۰} آگهی یافتند
 برآمد خروش و بیامد سپاه
 دمنده دمان^{۱۲} گاودم بر درش
 سیه کرده اسپانش گیهان به سم^{۱۴}
 جهان از سواران^{۱۶} دمان و دنان
 به^{۱۸} پیش سپاه اندرون^{۱۹} بوق و کوس
 به یک دست بر بسته شیر و پلنگ
 پذیره شدش پهلوان سپاه^{۲۱}
 برفتند لشکر گروه ها گروه
 چو آمد از انبه پدیدار^{۲۵} نیو
 ۱۲۱۵ و زان سو^{۲۷} بزرگان ایران به راه^{۲۸}

که پیروز برگشت از بیشه^۱ شیر،
 ز دست^۴ بداندیش نراژدها،
 همه کامه‌ی دشمنان^۷ کرد پست،
 بمالید روی و گله^۹ بر زمین
 سوی شاه پیروز^{۱۱} بشتافتند
 تیره زنان برگرفتند راه
 برآمد خروشدن از^{۱۳} لشکرش
 همه شهر آوای^{۱۵} روینه خم
 به دندان زمین زنده پیلان^{۱۷} گنان
 درفش از پس پشت گودرز و طوس
 به^{۲۰} زنجیر و دیگر سواران جنگ
 برین^{۲۲} گونه فرمود هشیارشاه^{۲۳}
 زمین شد زگردان بگردار کوه^{۲۴}
 پیاده شد از اسپ^{۲۶} گودرز و گیو
 پیاده برفتند خود با سپاه^{۲۹}

۱- ل، س (نیز لن - ب): که از بیشه پیروز برگشت؛ ق، ل، آ، س: که از بیشه برگشت پیروز؛ متن = ف ۲- ل، ق: چو؛ (ل، آ، لن: که)؛
 متن ← ۳- (ق: شدش بیژن؛ و: شده بیژن)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، لی، ب، آ، ب: ← ۷۳۶، ۷۳۸، ۹۴۴) ۴- ل: بند؛
 متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن - ب) ۵- ل: توران شها ۶- ق، ل: تهمتن بست؛ متن = ف، ل، س، س، آ ۷- ل: لشکر
 دشمنان؛ (ق: بند و زندان او)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی - ب) ۸- س، ل، آ، س: (نیز لن - ب): ز؛ متن = ف، ل،
 ق ۹- س: (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ن): بیامد (ق: فراوان) بمالید رخ؛ متن = ف - ل (نیز لی، و، آ، ب) ۱۰- ف: طوس؛ متن = ل - س: آ
 (نیز لن - ب) ۱۱- ف: شهر پیروز(؟)؛ ق: پذیره شدن نیز؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز لن - ب) ۱۲- س: آ؛ دم؛ ق: دمیدندشان؛
 متن = ف، ل، س، ل، س: آ [از] ۱۳- س: آ [از] ۱۴- ل، س (نیز لن، لی، ب، و، ل، آ، ب): کرده (لن، لی، و، ل، آ، ب: کرد) میدانش اسپان
 بسم؛ ق (نیز آ): گشت میدان از انبوه سم؛ ل (نیز ل): کرد میدان از اسپان بسم؛ س: (نیز ق): زمین را سیه کرده (ق: دید از) اسپان بسم؛
 متن = ف ۱۵- س، ل: آواز؛ ق: از آواز؛ متن = ف، ل، س: آ ۱۶- ل (نیز لی): گزازان سواران؛ س (نیز ب): و ز آنجا بجمله؛ ق (نیز آ):
 کوان و سواران؛ ل (نیز لن، ب، ل، ن): کیان و سواران؛ س: میان سواران؛ متن = ف (نیز ق، آ، ل) ۱۷- ف، س: زنده پیلان؛ ق: بمیدان
 چو پیلان زمانرا (در بالا: زمین را)؛ درل بیت های ۱۲۰۹ و ۱۲۱۱ پس و پیش شده اند ۱۸- ل: آ؛ ز ۱۹- ف: سپهدار در؛ (ق: آ؛
 اندرون ناله)؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۲۰- ل: آ؛ ز ۲۱- ل (نیز ل): شدن پیش (ل: نزد) پهلوسپاه؛ س (نیز ب): شدن از در
 پهلوان؛ ق (نیز لن، ب، و، ل، آ): سوی پهلوان سپاه؛ ل: شد آن پهلوان سپاه؛ س: شدش پهلوان و سپاه؛ متن = ف ۲۲- ل، س، ق، ل، آ
 (نیز ل، آ، لن، آ): بدین؛ متن = ف، س: (نیز لن، ب، و، ب) ۲۳- ل: بیدارشاه؛ س (نیز ب): شاه جوان؛ س: (نیز لن، ب، ل، ن):
 پیروز شاه؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز ل، و، آ) ۲۴- ق: ز گرد سواران ستوه ۲۵- ل - س: (نیز لن - ب): بیدار از (ق، ل، آ): انبوه؛
 متن = ف ۲۶- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن - ب) ۲۷- س: وزین سو؛ ق: وزینسان؛ س: آ؛ وزانپس؛ متن = ف،
 ل ۲۸- ق: ایرانیان ۲۹- س: پوریان براه؛ ق: بسته میان؛ (ل، ب، ل، ن): یکسر براه؛ ل: جمله سپاه؛ و: حتی براه؛ آ: نازان براه؛
 متن = ف، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، ب): ل این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

چو بر پهلوان چشمشان بسرفتاد

به پیش یکسایک زمین بسوسه داد

از اسپ اندرآمد جهان پهلوان^۲ به پرسیدن^۳ رنج دیده گوان
 برو آفرین کرد گودرز و گيو
 ترا جاودان باد یزدان پناه
 دلیر از تو گردد به هر کار^۷ شیر
 همه بنده کردی تو این دوده را
 ز درد و غمان رستگان تویم^۸ ۱۲۲۰
 به ایران کمر بستگان تویم^۸

بر اسپان نشستند یک یک^۹ مِهان
 چو^{۱۲} نزدیک شهر جهاندار شاه^{۱۳}
 پذیره شدش^{۱۶} شهریار^{۱۷} جهان
 چو رستم به فر جهاندار شاه
 پیاده شد و برد پیشش^{۲۰} نماز
 جهاندار خسرو گرفتش به بر
 به خورشید ماند همه^{۲۵} کار تو: ۱۲۲۵

گرازان بنزدیک^{۱۰} شاه جهان^{۱۱}
 فراز آمد آن گرد لشکر پناه^{۱۵}،
 نگهدار گردان و پشت مِهان^{۱۸}
 نگه کرد کامد پذیره به راه^{۱۹}،
 غمی^{۲۱} گشته^{۲۲} از رنج و^{۲۳} راه دراز
 که ای بیخ مردی و کان هنر^{۲۴}،
 به نیکی به هر جای دیدار^{۲۶} تو!

۱- ل، س، ل: ز؛ متن = ف، ق، س، ۲ - ۲- ف: گزین پهلوان؛ متن = ل. س (نیز لن - ب) ۳- ل، ل، ل: (نیز ل): بی رسیدش از؛ ق (نیز و): بی رسید از آن؛ (ق، آ: بی رسید از؛ لی: بی رسید آن)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۴- ل، ل، ل: نامبردار و ۵- ف: بنام؛ متن = ل. س (نیز لن - ب) ۶- س: گردنده؛ درل، س، ق، ل (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پایایی بیت های متن = ف، س (نیز ق، لی، و) ۷- ل، ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): جای؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، و) ۸- ف - س (نیز لن، ق، لی، پ، و، لن، آ، ب): توایم؛ (ل: توایم؛ ب: تویم) ۹- ل، ل، س (نیز لن، لی، آ): یکسر؛ ق: باین برفتند یکسر؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، آ، ب) ۱۰- س: بدرگاه ۱۱- س: بر شهریار زمان ۱۲- ف: که؛ متن = ل. س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۱۳- ل، ل، س: شاه جهان شد سپاه ۱۴- س: فرود؛ متن ← ۱۵- ف (نیز ق): نگه کرد کامد (ق: و آمد) پذیره براه (= ۱۲۲۵ ب)؛ ل: پذیره برون آمد از گاه شاه؛ (و: رسید آن سرافراز لشکر پناه؛ متن = ل، س، ق، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب)؛ س: فرود) ۱۶- ق: شد آن ۱۷- ف، ل، س، ق (نیز ب): نامدار؛ (آ: نیز شاه)؛ متن = (لن، لی، پ، و، لن، آ) ۱۸- ف: شاه کهان؛ (لن، پ، لن، آ: تاج مِهان)؛ ل (نیز لی، آ): ایران و شاه (لی، آ: پشت) مِهان؛ ق: نگه کرد گردان بشاه جهان؛ متن = س (نیز و، ب)؛ ل، آ، س (نیز ق، ل، آ) این بیت را ندارند ۱۹- ق: نگه کرد و آن خسروانی کلاه؛ س: این بیت را ندارد ۲۰- ل: پیاده شدش پیش و بردش ۲۱- ف (نیز لی): غمین؛ متن = ل. س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۲- ف، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، ب، و): گشت؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۳- س: [و]؛ ل: از آن رنج و ۲۴- ف: پشت مردان و کان هنر؛ ل. س (نیز ق، ل، آ، و، آ): دست (س، ق، ل: اصل؛ ق، آ: کان؛ و: هوش) مردی (ل: مرد!) و جان (ق، آ: گنج؛ س، ل، آ: کان) هنر (آ: و گهر)؛ لی: دست برده بهر جای در؛ لن، پ، لن، آ: همی گفت کای پهلوی پرهیز؛ متن = (ب)؛ س پس از این بیت، بیت زیر را که با بیت های دیگری درلن، پ، لن، آ، ب نیز آمده است، افزوده است:

برآرنده بیژن از چاه تنگ

کننده سرچاه خالی ز سنگ

۲۵- ل، س، ق، ل (نیز لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): همی؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، ب) ۲۶- (لی، آ: بازار)؛ ل، س، ق، ل (نیز ل، آ، ب): بگیتی پراکنده کردار؛ (و: بهر جای مردی و گفتار)؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، لن، پ، لن، آ)؛ درل، ق، ل، آ، س، آ، ق، لی، لن، آ، ب این بیت پس از بیت ۱۲۳۷ و درس پس از بیت ۱۲۳۶ و درلن، پ پس از بیت ۱۲۳۴ پ آمده است؛ پایایی بیت های متن = ف، و

چنان که ش ز شاه و پدر بیذرفت ^۱ ، چنان ^۲ بخت ^۳ خمیده را کرد راست بیاورد بسته بر شهریار که جاوید بادا به کامت ^۶ سپهر! که بی تو نخواهیم هرگز جهان ^۷ بماند به گیتی ^۹ ترا ^{۱۰} یادگار همی پروراند گیان ^{۱۳} دلیر که دارند چون تو یک پهلوان که چون تو پرستدهمی تخت من که نیکست با کردگارت نهان، به تو داد پیروز پور گزین ^{۱۸} که شادان بزی تا بود روزگار! دل زالی قرخ بدو باد شاد ^{۲۱} !	تهمن سبک دست بیژن گرفت بیاورد و بسپرد و برپای خاست ۱۲۳۰ وژان ^۴ پس اسیران توران ^۵ هزار برو آفرین کرد خسرو به مهر سرت سبز باد و دلت شادمان! خُنک زال که ش ^۸ بگذرد روزگار ۱۲۳۵ خجسته برو بوم ^{۱۱} زاول ^{۱۲} که شیر فری ^{۱۴} شهر ایران و قرخ گوان وژین ^{۱۵} هر سه برتر سر ^{۱۶} بخت من به گیو آنگهی گفت شاه جهان که بر دست رستم جهان آفرین ^{۱۷} گرفت آفرین گیو ^{۱۹} بر شهریار ۱۲۴۰ سر رستم جاودان ^{۲۰} سبز باد!
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۱- (لی: بد شگفت؛ لن، پ، لن: ز شاه جهان بیذرفت؛ ب: بشاه و بگودرز گفت؛ س: بر شاه ایران بیاورد و رفت؛ متن = ف- ل: (نیزق، آ، ل: و، آ)؛ بنداری: فأخذ رستم بيد بیژن و قدمه الى الملك، و سلمه اليه محافظة منه على ما سبق من وعده لجيو بذلك ۲- ق، س: آ: چو آن ۳- ق: پشت ۴- ل، ق، ل: از آن ۵- ل: ترکان ۶- س: که از جان تو شاد بادا ۷- س (نیزو، ب): نخواهیم زمین (و: سپهر) و زمان؛ ق: ابی تومبادا جهان و زمان؛ (لن، لی، پ، لن: تن زال دور از بد بنگمان؛ آ: تنت دور باد از بد بنگمان)؛ متن = ف: ل، ل: س: آ (نیزق، آ، ل) این بیت را ندارند ۸- ق: چون؛ ف: چو از توبسی؛ متن = ل، س، ل، آ، س: آ (نیزلن- ب) ۹- س، س: آ: بگیتی بماند؛ ل: بمانی بگیتی ۱۰- ف: ز تو؛ ق (نیزق، آ، ل، و): چو تو؛ ل: ازو؛ متن = ل، س، س: آ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ ف، آ پس از بیت ۱۲۳۴، لن، پ، لن آ پس از بیت ۱۲۳۷ و لی پس از بیت ۱۲۳۳ افزوده اند:

همان (ف: کجا) نیمروز از تو خالی مباد

که چون تو ندید دست گیتی بداد (لی، آ: هرگز نژاد؛ ف: که جای دگر چون تو هرگز نژاد)
ل- س، آ، ق، آ، ل، آ، و، ب این بیت را ندارند ۱۱- ل: بروم ۱۲- ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): زابل؛ متن = ف، ل، آ، س: آ (نیزق، آ، و) ۱۳- ل: کوان و؛ س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): بلان؛ ل: یلان را؛ س: کوان؛ (ق، آ، ل: سواره: آ: بزرگ و)؛ ق: چو تو پروراند بزرگ و؛ متن = ف: کیان (؟) ۱۴- ف: فر؛ ل، س، ق، س: آ (نیزلی، و، آ، ب): خنک؛ ل: آ: فره؛ (لن، پ، لن: آ: خوشا)؛ متن تصحیح قیاسی (س، ف، ل، آ)؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۲۲۸ آمده است ۱۵- ف: ازین؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: آ (نیزلن- ب) ۱۶- ف: بود؛ ل، ق: سرو؛ متن = ل، آ، س: آ (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد؛ درل، ق، ل، آ، س، آ، ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، آ، ب پس از این بیت، بیت ۱۲۲۸ آمده است؛ بنداری (۱۲۳۲- ۱۲۳۷): فشرکه الملك و دعالة و أثنی علیه، و قال: ما أعلی جدالایرانیین و أرفع شأنهم و أحمی حریمهم ما دمت پهلوانهم و طوبی لزال إذکان مثلک له خلفا و ولدا (۱۲۳۴) و أنا أعلاهم جدا و أورا هم زندا حیث أصبحت خادما لتختی و حامیا لحوزتی ۱۷- ف: جهان پهلوان؛ متر ← ۱۸- ف: جوان؛ متن = ل- س: آ (نیزلن- ب)؛ بنداری (۱۲۳۸- ۱۲۳۹): ثم قال لجيو: إن أمرک لمستقیم عند الله سبحانه و تعالی حیث یسر رجوع ولدک الیک؛ س، س: آ (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) پس از بیت ۱۲۳۹ افزوده اند:

زمین را ببوسید گید دلیر که گیتی مبادا زرای تو سیر

۱۹- س، س: آ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بسی (پ: همی) آفرین کرد؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیزق، آ، لی، ل، آ، و، آ) ۲۰- س: آ: زرستم سرت جاودان ۲۱- ل: نرباد (!)؛ ق: بتو شاد باد (پساوند ندارد)؛ س (نیزلی) پس از این بیت افزوده اند:

ابرس شاه بر آفرین کرد باز گزین رستم زال بردش نماز

- بفرمود خسرو که بنیهد^۱ خوان!
 چو از خوانِ سالار برخاستند
 فروزنده‌ی مجلس و میگسار
 همه بر سران^۶ افسرانِ گران^۷ ۱۲۴۵
 رخان همچو^۹ دیبای رومی به رنگ
 طبق‌های زرین^{۱۱} پراز مشک ناب
 همی تافت آن^{۱۴} فر شاهنشهی
 همه پهلوانانِ خسروپرست
- بزرگان برترمنش^۲ را بخوان!
 نشستن‌گه می بیاراستند^۳
 نوازنده‌ی چنگ با^۴ پیشکار^۵
 به زراندرون پیکر از گوهران^۸
 خروشان ز چنگِ پری‌زاده^{۱۰} چنگ
 به^{۱۲} پیش‌اندرون آنگیر^{۱۳} گلاب
 چو ماه دو هفته ز سرو سهی
 برفتند از^{۱۵} ایوان^{۱۶} سالار^{۱۷} مست
- به شبگیر چون رستم آمد به در^{۱۷} ۱۲۵۰
 به دستوری بازگشتن به^{۱۸} جای
 یکی دست جامه بفرمود شاه
 یکی جامِ پُرگوهرِ شاهوار
 دوپنجه پری‌روی بسته‌کمر
 همه پیش شاه^{۲۴} جهان‌کدخدای ۱۲۵۵
- گشاده‌دل و تنگ بسته کمر،
 همی زد هُشیوار با شاه رای
 گهر^{۱۹} بافته بر^{۲۰} قبا^{۲۱}ی و کلاه،
 صد اسپ به زین و صد استر به بار^{۲۲}،
 دوپنجه پرستار با تاج^{۲۳} زر،
 بیاورد و کردند پیشش^{۲۵} به پای

۱- س: آ: بنهد ۲- ق: دولت منش: ف پس بیت ۱۲۴۲ دو بیت و آ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

ببیاورد سالار و بنهادند خسوان (!)

طعام آورید و نهادند نان

نشستند و خوردند یکسر طعام (آ: و جمله بخوردند نان)

بشستند دست آنگهی شادکام (آ: شادمان)

س پس از بیت ۱۲۴۲ افزوده است:

نشستند با رستم و شهریار

کسب بخشش فزون باد و دولتش یار

- ۳- ف: نشستن گه و می بیاراستند؛ س^۲ (نیز لن، ب، لن): نشستن گه مجلس آراستند؛ (ب: نشستن گه رود و می خواستند): متن = ل، س، ق، ل^۲
 (نیز ق، ل، لی، ل، آ، و، آ) ۴- ق: در ۵- س: گوشوار ۶- ل، ل، س: سراز (حسیران) ۷- س: افسراز گوهران ۸-
 س: پیکران گران ۹- ل، ل، ل (نیز لن، ب، لن): همه رخ چو: متن = ف، س، س، س (نیز ق، ل، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۰- س: پریزاد: ق
 این بیت را ندارد ۱۱- ل، س (نیز لی): سیمین: متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب) ۱۲- ل: ز ۱۳- ل: آنگیری:
 ق: مجمری با ۱۴- ل، ق، ل (نیز ق، ل، لی، ل، آ، ب): از: س، س، س (نیز لن، ب، لن): زو: (ب: ازو): متن = ف (نیز و) ۱۵- ل:
 ز ۱۶- ق: بز ۱۷- ق: شبگیر رستم برآمد زدر ۱۸- ف، ق، س: ز: متن = ل، س، س، س (نیز لن - ب): بنداری: استأذنه
 فی الرجوع الی بلاده ۱۹- (ق، ل، ب: بز) ۲۰- ل، ق، س (نیز لن - ب، لن، ب): با: متن = ف، س، ل (نیز و، ب) ۲۱- ل،
 س، ل، س (نیز لن، لی، لن، ب): قبا: متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ، ب): بنداری: فأمر له الملك بخلعة منسوجة بالجواهر ۲۲- ل، س (نیز ق، لی،
 ل، و، آ، ب): صد (س: ده) اسپ و صد استر (ق: اشتر) یزین و بیار (ل: بزین فسار): متن = ف (نیز لن، ب، لن، ب، لن، آ، ب: اشتر): بنداری:
 و جام مملوء من البواقیب واللآلیء، و مائة فرس و مائة بغل ۲۳- ف، ل، ق، س (نیز لن - ب، لن، آ، ب): طوق: متن = س، ل (نیز و، ب):
 بنداری: و مائة وصیف بالمناطق الذهبیة، و مائة وصیفة بالأکالیل المرصعة ۲۴- ل: همه در به پیش (!) ۲۵- ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل،
 ب، لن): یکسر: متن = ف، س، س (نیز لی، و، آ، ب)

همه رستم زاولی^۱ را سپرد
به سر برنهاد آن^۳ کلاه گیان
ابر شاه کرد آفرین و برفت
بزرگان که بودند با او بهم
بر اندازه‌شان یک به یک^۶ هدیه داد ۱۲۶۰

چو از کار گردان پیرداخت^۸ شاه
بفرمود تا بیژن آمدش^{۱۰} پیش
و زان^{۱۳} تنگ زندان و رنج زوار^{۱۴}
چُن از^{۱۷} گردش روزگاران بد
پیچید^{۱۹} و بخشایش آورد سخت ۱۲۶۵
بیاورد^{۲۴} صد جامه دیبای روم
یکی تاج و ده^{۲۵} بدره دینار نیز^{۲۶}
به بیژن بفرمود کین خواسته
به رنجش مفرسای^{۳۲} و سردش مگوی
تو با او جهان را به شادی گذار ۱۲۷۰
یکی را برآرد به چرخ بلند

زمین را بوسید و برجست^۲ گرد
بیست آن گیانی کمر بر میان
ره سیستان را بسیچید و^۴ تفت
به رنج و به شادی و تیمار و غم^۵،
از^۷ ایوان خسرو برفتند شاد

به آرام بنشست بر^۹ پیشگاه
سخن گفت از آن^{۱۱} رنج و تیمار^{۱۲} خویش
فراوان سخن گفت^{۱۵} با شهریار^{۱۶}
همه^{۱۸} داستان پیش خسرو بزد،
به^{۲۰} درد و غم^{۲۱} دخت^{۲۲} گم بوده^{۲۳} بخت
همه پیکرش گوهر و زر بوم
پرستنده و فرش^{۲۷} و هرگونه چیز^{۲۸}
ببر سوی^{۲۹} ترک^{۳۰} روان کاسته^{۳۱}
نگر تا چه آوردی^{۳۳} او را به روی!
نگه کن بدین گردش روزگار:
ز تیمار و رنجش^{۳۴} کند بی‌گزند

۱- ل، س، ق (نیزلی، ل، آ، ب، ل، آ، ب): زابلی؛ س: پهلوان؛ (و: شیردل)؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق) ۲- ل: برخاست؛ ق (نیزلی، آ): برگشت؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳- ف: برنهاد؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۴- س: [و] ۵- ل (نیزو): برزم و بیزم (و: برنج) و بشادی و غم؛ س (نیزل، آ، ب): برنج و بجنگ و بشادی و غم؛ ق: برنج و بآسانی و درد و غم؛ ل: بجنگ و بشادی برنج و بغم؛ س (نیزلن، ق، آ، ل، ب، ل، آ، ب): بجنگ (پ: بگنج) و برنج (لی: بیزم) و بشادی و غم؛ متن = ف ۶- ق، ل، آ: سرسیر ۷- ل، آ: ز ۸- ل، ق (نیزق، آ، لی): پیردخت؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ل، آ، ب) ۹- ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب، و، ل، آ، آ): دره؛ متن = ل، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، ب) ۱۰- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب، ل، آ، ب): آمد به؛ متن = ف، ل (نیزو، آ) ۱۱- ل: زان؛ س، ق، ل، آ: از؛ متن = ف، س ۱۲- س: آرام ۱۳- ل، س (نیزق، آ، ب): از آن؛ متن = ف (نیزلن) ۱۴- س: دراز ۱۵- س، ق، ل، آ (نیزلن، ب، ل، آ، ب): راند؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، و) ۱۶- س: باشه براز ۱۷- ل، س، ل، آ (نیزب): وزان؛ ق (نیزلی، ل، آ، و، آ): چو از؛ س (نیزق، آ): چه از؛ (لن، ل، آ: همان؛ پ: همه)؛ متن = ف ۱۸- س: بسی ۱۹- ق: بخشید ۲۰- ل، س (نیزلن، ب): ز؛ متن = ف ۲۱- ق: درد دل ۲۲- ل، آ: مرد؛ (ل: جفت؛ ب: ترک) ۲۳- ف: برگشته؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۲۴- ل، س، ق، ل، آ (نیزلن، لی، ب): بفرمود؛ متن = ف، س (نیزق، آ، ل)؛ بنداری (۱۲۶۶-۱۲۶۷): و آمرالحازن فجاء بمائة ثوب منسوج بالذهب، وعشر بدر و تاج من الذهب ۲۵- س: صد ۲۶- ل، آ: زر ۲۷- ق: پرستنده چند؛ س: فرستاد فرش ۲۸- ل، آ: با گاه و فر ۲۹- س: پیش؛ ق: نزد ۳۰- س: دخت ۳۱- س: آن ترک پیراسته؛ ل، آ: بر پیش زوار نا کاسته؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، ل، آ) ۳۲- ل: مفرسا؛ س، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، ل، آ، ب، ل، آ): مفرمای؛ (لی: مفرماد؛ و: میفرای)؛ متن = ف (نیزلن، ب، آ) ۳۳- ل، آ: آورد؛ بنداری (۱۲۶۹-۱۲۷۹): و عاشرها بالمعروف و لا تخاشها و لا تحف علیها، و عیاشا معا فی راحة و سرور، و غبطة و جبر، و وعظه و نصحه ۳۴- ل، س (نیزلن، لی، ب، ل، آ، آ): دردش؛ متن = ف، س، ق، س (نیزق، آ، ل، آ، و، ب)

۱۲۷۵ و ز آنجاش گریان برد^۱ زیر^۲ خاک
همان را که پرورد بر بر به ناز^۳
یکی را ز چاه آورد سوی گاه
ز کردار بد بر جهان^۴ شرم نیست
همیشه^۵ به هر نیک و بد دسترس
چنین ست کار سپنجی سرای^۶
ز بهر درم تا نباشی به درد
همه جای ترس ست^۷ و تیمار و باک
ببفکنند^۸ خیره به چاه نیاز^۹
نهد بر سرش بر ز گوهر کلاه
بنزدیک او شرم^{۱۰} و آرم نیست
ولیکن نجوید خود آرم کس
بد و نیک را او بود رهنمای^{۱۱}
بی آزار بهتر^{۱۲} دل زادمرد^{۱۳}

بدین^{۱۴} کار بیژن سخن ساختم^{۱۵} به پیران و گودرز پرداختم^{۱۶}

۱- ل، س، س، س (نیزق، ب، و، ل، ب): گردان برد؛ ل: گرداند او؛ ق (نیزلی، ل، آ): وز آنجایگاهش برد؛ متن = ف (نیزلن) ۲- ل، ل، س، س (نیزلن، ق، ل، ب، ل، آ، ب): سوی؛ متن = ف، س، ق (نیزو) ۳- ل: بیم است؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س (نیزلن - ب) ۴- ق (نیزل): در بر بناز؛ ف، ل: پرورده باشد بناز؛ ل: همانا که پرورد در عز و ناز؛ متن = س، س، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۵- س، ل، س، ل، س: در افکند ۶- ل: بگره و گذار؛ در س این بیت پس از بیت ۱۲۷۶ آمده است ۷- ق (نیزل): با جهان؛ ل (نیزلن، ل، ن): را جهان؛ ل، س (نیزلی، ب، و، آ، ب): جهان را ز کردار بد؛ متن = ف، س، س ۸- س: هیچ؛ ل: کسی را برش آت و؛ س، ق، ل (نیزلن، ل، ب، ل، آ، ب): کسی را بنزدیکش؛ متن = ف (نیزلی، و، آ) ۹- ق: همورا؛ ف (نیزلن): این بیت را ندارند؛ در س این بیت پس از بیت ۱۲۷۳ آمده است ۱۰- ل: سرای سپنج؛ متن = س، ق، ل، س، س (نیزلن - ب) ۱۱- ل: آید او رهنمای؛ س: داور رهنمای؛ ل: گهی ناز و نوش و گهی درد و رنج؛ متن = س، ق (نیزلن - ب)؛ ف این بیت را ندارد؛ ق (نیزآ) پس از این بیت افزوده اند:

چو دیدی همیدون سرای سپنج که گاهی ازو راحت و گاه رنج

۱۲- س (نیزب): که آزاد بهتر؛ ق، ل (نیزلی، آ): میازار هرگز؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ن) ۱۳- ل، س (نیزلن، ل، ب): زادمرد؛ متن = س، ق، ل (نیزق، ل، و، ل، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد؛ س پس از بیت ۱۲۷۸ چهار بیت و ل، ب، ل، ب تنها دو بیت نخستین را و تنها بیت سوم را افزوده اند:

ز بهر درم تنند و بدخو مباحش تو باید که باشی دره گو مباحش
کسی کو بگنج و دره ننگرد همه روز او بر خوشی بگذرد
ز فردوسی این داستان یاد گیر که هم غمگسارست و هم دلپذیر
چو گشت این گزین داستان اسپری دگر داستان را بنظم آوری

س، ل، ب، ل، ب، ل، ب پس از بیت های بالا و ف پس از بیت ۱۲۷۵ افزوده اند:

تمامی بگفتم من این داستان بر آستان که بشنیده از باستان

ل، ق، ل، س (نیزق، ل، ل، و، آ) این بیت را ندارند ۱۴- ف: برین؛ ق: چوبر؛ (آ: چوانز)؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن - ب، ل، ب) ۱۵- ف، س (نیزق): ساختیم؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ب، ل، آ، ب) ۱۶- ف، س (نیزق): پرداختیم؛ ل (نیزل، آ، ب): بکین سیاوش (آ، ب: سیاوخش) پرداختیم؛ (ل: به برزوی سهراب پرداختیم)؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ب)؛ و این بیت را ندارد؛ ل (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بگویم کین سیاوخش نیز (لی: ازین پس یکی حرب فرخ بود)

نمانیم ازو هیچ ناگفته چیز (لی: کجانام او یازده رخ بود)

زبان انستدر آرد بشعر دری

که (لی، آ: چو) گشت این گزین داستان اسپری

در ل، آ پس از بیت ۱۲۷۹ داستان برزوی سهراب (برزونامه) آمده است

فہرستاہا

فهرست نام کسان

اشکس ← اشکش
 آشکش ← عرض کردن کیخسرو ۳۰۶ فرود
 سیاوخش ۹۱۲ بیژن و منیژه ۸۵۳،
 ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۱۵۳،

۱۱۸۸

افراسیاب - عرض کردن کیخسرو ۷۵، ۷۸،
 ۸۲، ۱۱۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۲۳۱ فرود
 سیاوخش ۴۶، ۵۷۶، ۶۶۶، ۶۸۹،
 ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۶، ۷۲۲، ۷۳۰،
 ۱۰۱۶، ۱۲۲۳، ۱۲۲۹، ۱۲۳۱
 کاموس کشانی ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۱،
 ۲۴۶، ۴۸۲، ۶۴۹، ۷۵۳، ۷۶۷،
 ۷۷۴، ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۲۰۹، ۱۳۵۰،
 ۱۳۹۲، ۱۴۴۱، ۱۴۹۷، ۱۵۸۰،
 ۱۶۳۶، ۱۶۶۷، ۱۶۹۱، ۱۶۹۴،
 ۱۷۲۲، ۱۷۲۹، ۱۷۵۵، ۱۷۶۱،
 ۱۷۹۰، ۱۸۴۴، ۱۹۵۷، ۱۹۶۰،
 ۲۰۴۹، ۲۱۶۱، ۲۳۹۰، ۲۳۹۳،

آذرگشسپ ← فهرست نام جای ها.
 آزادگان (← گیو) - کاموس کشانی ۲۰۷،
 ۲۴۱، ۸۰۶، ۲۵۳۰

آرتنگ - فرود سیاوخش ۶۸۰، ۶۸۱ بیژن و
 منیژه ۳۸۶

آرتنگ - کاموس کشانی ۱۹۷ پ، ۲۰۴ پ
 آرتنگ - فرود سیاوخش ۶۸۰ پ، ۶۸۱ پ،
 کاموس کشانی ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۹۷،
 ۲۰۴

اسپنوی - عرض کردن کیخسرو ۱۹۶ فرود
 سیاوخش ۶۹۱، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۲،
 ۷۰۴

آشکبوس - کاموس کشانی ۱۲۶۷، ۱۲۷۰،
 ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۸۰، ۱۲۹۳،
 ۱۳۰۲، ۱۳۰۶، ۱۳۳۶، ۱۴۰۱،
 ۱۷۶۲

اسکس ← اشکش

سیاوخش ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۹،	۲۵۴۱، ۲۵۳۴، ۲۵۳۲، ۲۴۰۵
۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۷، ۵۶۴، ۷۱۴	۲۶۲۸، ۲۶۲۲، ۲۶۰۸، ۲۵۵۲
بور ^۱ (اسب کشواد و گیو) - بیژن و منیژه	۲۶۷۲، ۲۶۶۴، ۲۶۵۷، ۲۶۵۲
۴۲۸	۲۷۶۸، ۲۷۵۶، ۲۷۴۴، ۲۷۲۷
بور ^۲ (اسب بیژن) - بیژن و منیژه ۹۹، ۲۵۵	۲۸۲۸، ۲۷۹۶، ۲۷۸۶، ۲۷۷۱
بور ^۳ (اسب کاموس) - کاموس کشانی	۲۸۵۷، اکوان دیو ۸۹، ۱۰۴، بیژن و
۱۳۷۱	منیژه ۱۴۱، ۱۸۵، ۲۱۸، ۲۴۶، ۲۹۲،
بور آبرش (رخش رستم) - کاموس کشانی	۳۱۲، ۳۳۳، ۳۶۵، ۴۱۸، ۵۹۷،
۲۶۱۳	۶۶۶، ۸۳۶، ۹۱۰، ۹۴۰، ۱۰۸۶،
بوسباس ← یوسپاس	۱۰۹۱، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۹،
بهرام (- گودرز) - عرض کردن کیخسرو ۵۵	۱۱۲۸، ۱۱۵۷
فرود سیاوخش ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۸،	اکوان دیو - اکوان دیو ۴۶، ۵۸، ۶۱، ۷۱،
۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷،	۱۲۶، ۱۳۸، ۱۵۹، بیژن و منیژه ۳۸۵،
۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۴،	۸۳۷، ۱۰۴۳
۲۲۴، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷،	الواد ← الوای (بندهاری همه جا الواد دارد)
۲۵۲، ۴۸۹، ۵۰۴، ۵۹۳، ۶۳۰،	آلوی - کاموس کشانی ۱۴۳۱، ۱۴۳۷
۶۳۱، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۴۰، ۱۰۰۷،	اولاد ← کولاد غندی
۱۰۲۹، ۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۷،	
۱۰۵۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲،	بارمان - فرود سیاوخش ۷۲۴ کاموس
۱۰۸۲، ۱۰۸۶، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲،	کشانی ۱۸۱۳
۱۰۹۶، ۱۱۱۱، ۱۱۲۳، ۱۱۲۸،	بازور - کاموس کشانی ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۷۴،
۱۱۳۴، ۱۱۳۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۸،	۳۸۱
۱۱۶۰، ۱۱۷۴، ۱۱۷۶، ۱۱۷۸،	برته ← برنه؛ فرود سیاوخش ۱۷۲ پ
۱۱۷۹، ۱۱۸۶، ۱۱۸۹، ۱۱۹۳،	برزین - کاموس کشانی ۱۴۴، ۳۳۳، اکوان
۱۲۰۰، ۱۲۰۱ کاموس کشانی ۸۱،	دیو ۲۲
۱۰۸، ۱۳۲۸، ۱۶۲۱، ۱۸۸۷، ۲۲۱۴	برنه - عرض کردن کیخسرو ۱۵۰ فرود
بیژن و منیژه ۳۵ پ، ۶۴۵ پ	سیاوخش ۹۶۲
بهل ← نهل	برهمن - کاموس کشانی ۲۶۷۵
بید - کاموس کشانی ۲۶۶۶	بلاشان - عرض کردن کیخسرو ۱۷۵ فرود

،۵۴۷ ،۵۳۸ ،۵۲۵ ،۵۱۸ ،۵۱۴
 ،۶۴۵ ،۶۱۴ ،۵۷۵ ،۵۷۳ ،۵۶۸
 ،۶۷۹ ،۶۶۹ ،۶۶۷ ،۶۵۵ ،۶۴۶
 ،۸۱۳ ،۸۰۱ ،۷۷۶ ،۶۸۴ ،۶۸۲
 ،۹۴۹ ،۹۴۴ ،۹۱۷ ،۸۳۶ ،۸۲۴
 ،۹۸۶ ،۹۸۰ ،۹۷۰ ،۹۶۱ ،۹۶۰
 ،۱۰۰۸ ،۱۰۰۲ ،۱۰۰۰ ،۹۹۱ ،۹۸۹
 ،۱۰۵۲ ،۱۰۳۹ ،۱۰۱۹ ،۱۰۱۱
 ،۱۰۸۰ ،۱۰۷۵ ،۱۰۶۱ ،۱۰۵۴
 ،۱۰۹۸ ،۱۰۹۵ ،۱۰۸۸ ،۱۰۸۵
 ،۱۱۵۵ ،۱۱۳۳ ،۱۱۰۱ ،۱۱۰۰
 ،۱۲۶۲ ،۱۲۲۹ ،۱۲۰۲ ،۱۱۹۰

۱۲۷۹ ،۱۲۶۸

بیورد کاتی - کاموس کشانی ۷۵۸ ، ۹۳۲

پشنگ - عرض کردن کیخسرو ۱۵۱

پلاشان ← بلاشان

پولاد - کاموس کشانی ۱۶۱۱ ، ۲۲۶۲

۲۶۷۹

پولاد ← کولاد غندی

پولادوند - کاموس کشانی ۲۶۳۲ ، ۲۶۳۴

،۲۶۷۳ ،۲۶۶۳ ،۲۶۵۱ ،۲۶۴۵

۲۶۹۲ ،۲۶۹۱ ،۲۶۸۹ ،۲۶۸۳

(پولاد)، ۲۶۹۸ ، ۲۷۰۰ ، ۲۷۰۸

،۲۷۳۰ ،۲۷۲۸ ،۲۷۲۳ ،۲۷۲۱

،۲۷۵۰ ،۱۷۴۳ ،۲۷۴۰ ،۲۷۳۷

۲۷۵۷ (پولاد)، ۲۷۶۲ ، ۲۷۶۶

(پولاد)، ۲۷۷۵ ، ۲۷۸۳ ، ۲۷۸۵

(پولاد)، ۲۷۸۸ ، ۲۷۹۳

بیژن (- گیو) - عرض کردن کیخسرو ۱۷۸

،۱۸۷ ،۱۹۹ فرود سیاوخش ۱۳۰

،۳۸۲ ،۳۷۹ ،۳۶۵ ،۳۶۱ ،۳۵۶

،۴۱۰ ،۴۰۸ ،۴۰۴ ،۴۰۳ ،۳۹۲

،۴۵۶ ،۴۵۵ ،۴۴۰ ،۴۱۷ ،۴۱۳

،۵۳۸ ،۵۳۳ ،۴۹۹ ،۴۷۱ ،۴۵۷

،۵۵۱ ،۵۴۹ ،۵۴۵ ،۵۴۳ ،۵۴۰

،۶۰۲ ،۵۶۹ ،۵۶۶ ،۵۶۳ ،۵۵۳

،۶۹۰ ،۶۸۳ ،۶۷۸ ،۶۷۰ ،۶۰۶

،۹۷۰ ،۹۶۷ ،۷۶۵ ،۷۰۳ ،۷۰۰

،۹۸۳ ،۹۷۹ ،۹۶۶ ،۹۷۵ ،۹۷۳

۱۱۹۶ ،۱۱۴۴ ،۱۰۲۳ ،۹۹۰ ،۹۸۸

کاموس کشانی ۹۹ ، ۲۰۷ ، ۳۴۲

،۶۰۳ ،۵۷۰ ،۴۶۰ ،۴۰۶ ،۳۹۴

،۱۸۳۱ ،۸۸۸ ،۸۸۵ ،۸۵۴ ،۶۱۰

،۲۴۹۳ ،۲۴۵۵ ،۲۴۵۳ ،۲۲۵۰

،۲۷۱۹ ،۲۶۹۰ ،۲۶۱۶ ،۲۵۱۶

،۲۷۹۱ بیژن و منیره ۳۵ ، ۷۱ ، ۷۵ ، ۷۶

،۹۹ ،۹۸ ،۹۵ ،۹۰ ،۸۸ ،۸۵ ،۸۴

،۱۲۳ ،۱۱۴ ،۱۱۱ ،۱۰۵ ،۱۰۳

،۱۷۹ ،۱۷۸ ،۱۵۴ ،۱۵۳ ،۱۲۷

،۲۰۶ ،۱۹۳ ،۱۸۹ ،۱۸۲ ،۱۸۰

،۲۱۹ ،۲۱۷ ،۲۱۶ ،۲۰۹ ،۲۰۸

،۳۰۴ ،۲۹۶ ،۲۶۰ ،۲۵۴ ،۲۵۲

،۳۵۸ ،۳۲۸ ،۳۲۵ ،۳۲۴ ،۳۱۱

،۴۰۹ ،۴۰۸ ،۳۹۵ ،۳۸۵ ،۳۶۶

،۴۲۶ ،۴۲۲ ،۴۲۰ ،۴۱۵ ،۴۱۲

،۴۶۹ ،۴۶۷ ،۴۵۳ ،۴۳۲ ،۴۳۰

،۵۱۰ ،۵۰۲ ،۴۸۶ ،۴۷۴ ،۴۷۰

،۱۸۴۲ ،۱۸۳۹ ،۱۸۱۸ ،۱۸۱۴	۲۷۷۹ (پولاد)، ۲۸۵۷، ۲۸۸۱
،۱۸۹۱ ،۱۸۸۵ ،۱۸۷۲ ،۱۸۶۵	پیران (- وِسِه) - فرود سیاوخش ۳۵، ۷۶،
،۱۹۶۶ ،۱۹۴۱ ،۱۹۲۲ ،۱۸۹۹	،۳۴۲ ،۵۷۸ ،۷۱۷ ،۷۲۲ ،۷۳۰
،۲۱۹۲ ،۲۱۳۴ ،۱۹۸۲ ،۱۹۷۷	،۷۳۵ ،۷۴۱ ،۷۴۴ ،۸۷۲ ،۸۷۳
،۲۴۰۱ ،۲۲۶۲ ،۲۲۴۸ ،۲۲۱۲	،۸۸۲ ،۸۸۷ ،۸۸۹ ،۹۲۶ ،۹۵۱
،۲۶۲۳ ،۲۶۲۰ ،۲۶۱۸ ،۲۶۰۰	،۱۰۰۴ ،۱۰۱۵ ،۱۰۱۷ ،۱۰۳۳
،۲۶۲۹ ،۲۷۱۸ ،۲۷۹۶ بیژن و منیژه	،۱۰۸۵ ،۱۰۹۰ ،۱۰۹۲ ،۱۱۰۱
،۳۳۹ ،۳۳۴ ،۳۲۹ ،۳۲۱ ،۳۲۰	،۱۱۱۵ ،۱۱۲۳ ،۱۱۲۶ ،۱۱۵۵
،۳۷۲ ،۸۷۵ ،۸۷۷ ،۸۸۰ ،۸۸۲	،۱۲۱۵ ،۱۲۱۶ ،۱۲۳۰ ،۱۲۳۶
۱۲۷۹، ۱۱۶۰، ۱۱۳۶، ۹۰۷، ۸۹۳	،۱۲۴۳ ،۱۲۴۴ کاموس کشانی ۱۱۹،
پیلتن (رستم) - عرض کردن کیخسرو ۲۶،	،۱۲۱ ،۱۲۶ ،۱۳۷ ،۱۵۲ ،۱۵۶
فرود سیاوخش ۳۳۵، ۴۱، ۳۶، ۳۴	،۱۸۲ ،۲۲۹ ،۲۳۴ ،۲۴۶ ،۲۷۷
،۱۰۷۰ ،۱۰۳۷ ،۱۰۲۶ ،۶۵۳ ،۶۲۱	،۳۰۱ ،۳۴۴ ،۳۵۳ ،۳۵۹ ،۴۲۲
،۱۴۵۷ ،۱۴۵۲ ،۱۱۴۶ ،۱۱۱۶	،۴۵۹ ،۴۶۶ ،۴۷۲ ،۴۷۳ ،۴۸۱
،۲۱۶۴ ،۲۰۸۳ ،۱۹۴۸ ،۱۶۴۰	،۴۹۶ ،۵۰۲ ،۵۰۴ ،۵۲۵ ،۵۳۰
،۲۷۳۶ ،۲۴۳۱ ،۲۳۲۸ ،۲۲۳۷	،۵۵۱ ،۵۵۳ ،۵۵۵ ،۵۷۳ ،۶۲۸
۲۸۴۵ اکوان دیو ۶۱	،۶۳۱ ،۷۰۸ ،۷۱۱ ،۷۱۳ ،۷۳۷
پیل دندان - کاموس کشانی ۱۵۴۴	،۷۴۹ ،۷۶۳ ،۷۶۴ ،۷۸۸ ،۷۹۴
۲۴۴۶ پ	،۸۷۶ ،۹۱۴ ،۹۱۷ ،۹۳۶ ،۹۴۰
۱۶۹۷ - کاموس کشانی	،۹۴۱ ،۹۴۲ ،۱۰۱۱ ،۱۰۱۲ ،۱۰۱۹
تاج بخش (رستم) - کاموس کشانی ۲۱۷۶	،۱۰۲۹ ،۱۰۹۰ ،۱۱۸۱ ،۱۱۸۸
اکوان دیو ۱۵۴ بیژن و منیژه ۷۰۶	،۱۲۲۷ ،۱۳۱۴ ،۱۳۱۸ ،۱۳۲۵
تجاو ← تراو	،۱۳۴۲ ،۱۳۴۴ ،۱۳۴۸ ،۱۳۶۶
تخار ← تخوار	،۱۳۶۸ ،۱۳۷۳ ،۱۳۸۹ ،۱۴۷۸
تُخوار - فرود سیاوخش ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸	،۱۴۸۴ ،۱۴۹۰ ،۱۶۰۷ ،۱۶۱۰
،۲۵۱ ،۱۵۰ ،۱۳۷ ،۱۱۹ ،۱۱۰	،۱۶۱۱ ،۱۶۱۵ ،۱۶۲۹ ،۱۶۵۴
،۲۸۸ ،۲۷۵ ،۲۷۳ ،۲۶۰ ،۲۵۴	،۱۶۶۱ ،۱۶۶۵ ،۱۶۶۸ ،۱۷۰۸
،۳۴۰ ،۳۱۲ ،۳۰۶ ،۲۹۵ ،۲۹۲	،۱۷۲۰ ،۱۷۲۷ ،۱۷۶۷ ،۱۷۸۷
	،۱۷۹۷ ،۱۷۹۹ ،۱۸۱۰ ،۱۸۱۲

۱۱۲۴ ، ۱۰۷۷ ، ۱۰۴۲ ، ۱۰۳۷	۳۹۶ ، ۳۹۴
۱۲۲۹ ، ۱۱۶۲ ، ۱۱۵۹	تزاو ← تزاو
تراو ← تزاو (بنداری همه جا تراو دارد)	تزاو - عرض کردن کیخسرو ۱۸۵ ، ۱۹۳ ، ۲۰۸
جریره - فرود سیاوخش ۶۹ ، ۷۳ ، ۹۷	فرود سیاوخش ۶۲۱ ، ۶۳۸ ، ۶۴۰ ، ۶۴۳ ، ۶۴۷ ، ۶۵۲ ، ۶۶۴
۴۸۳ ، ۴۲۹	۶۷۲ ، ۶۷۹ ، ۶۸۳ ، ۶۸۵ ، ۶۸۸
جم - عرض کردن کیخسرو ۲۰ فرود	۶۹۴ ، ۶۹۵ ، ۶۹۷ ، ۶۹۸ ، ۷۰۲
سیاوخش ۳۳۰ کاموس کشانی ۲۶۷۴	۷۱۲ ، ۷۲۴ ، ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۶ ، ۱۱۳۸
اکوان دیو ۲۲	۱۱۴۱ ، ۱۱۵۴ ، ۱۱۵۷ ، ۱۱۶۲
چنگش ← چنگش	۱۱۶۵ ، ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۵ ، ۱۱۸۳
چنگش - کاموس کشانی ۱۵۰۳ ، ۱۵۰۸	۱۱۸۹ ، ۱۱۹۰ ، ۱۱۹۶
۱۵۱۱ ، ۱۵۲۰ ، ۱۵۲۵ ، ۱۵۲۹	تور (- فریدون) - عرض کردن کیخسرو ۳۵۹
۱۵۳۱ ، ۱۵۳۵ ، ۱۷۶۲	کاموس کشانی ۹۱ ، ۲۴۷۰ ، ۲۴۷۷
خاقان (- چین) - کاموس کشانی ۷۳۹	تهل ← نهل
۷۶۹ ، ۷۹۳ ، ۷۹۴ ، ۸۰۷ ، ۹۱۳	تهمتن (رستم) - عرض کردن کیخسرو ۴۲
۹۱۷ ، ۹۳۲ ، ۹۳۴ ، ۹۴۱ ، ۹۶۲	۱۳۱ ، ۲۴۰ ، ۳۵۲ کاموس کشانی
۹۹۷ ، ۱۰۰۲ ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۱۹ ، ۱۰۴۶	۵۹ ، ۸۷ ، ۶۰۷ ، ۶۸۴ ، ۶۹۳ ، ۹۹۱
۱۱۵۱ ، ۱۱۸۹ ، ۱۲۰۶ ، ۱۲۱۷	۱۰۴۴ ، ۱۰۶۰ ، ۱۰۸۰ ، ۱۱۱۹
۱۲۲۵ ، ۱۲۲۸ ، ۱۲۴۱ ، ۱۳۰۹	۱۱۳۷ ، ۱۲۷۸ ، ۱۲۸۶ ، ۱۲۸۹
۱۳۱۰ ، ۱۳۱۳ ، ۱۳۷۶ ، ۱۳۷۹	۱۳۰۳ ، ۱۴۴۱ ، ۱۵۳۷ ، ۱۵۶۰
۱۳۸۸ ، ۱۴۱۷ ، ۱۴۸۳	۱۸۳۲ ، ۱۹۱۸ ، ۱۹۴۱ ، ۲۰۶۹
۱۴۹۰ ، ۱۵۰۴ ، ۱۵۰۸ ، ۱۵۴۰	۲۰۸۹ ، ۲۱۰۷ ، ۲۱۳۱ ، ۲۱۳۷
۱۵۳۷ ، ۱۵۸۸ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۳۲	۲۲۰۱ ، ۲۲۹۷ ، ۲۳۳۵ ، ۲۴۴۲
۱۷۲۸ ، ۱۷۵۱ ، ۱۷۵۲ ، ۱۷۵۴	۲۴۵۵ ، ۲۴۹۹ ، ۲۵۰۵ ، ۲۵۲۹
۱۷۸۷ ، ۱۸۱۱ ، ۱۸۲۱ ، ۱۹۱۹	۲۶۸۱ ، ۲۷۳۹ ، ۲۷۴۰ ، ۲۷۵۰
۱۹۳۷ ، ۱۹۴۵ ، ۲۰۲۷ ، ۲۱۰۶	۲۷۸۸ ، ۲۸۱۰ ، ۲۸۴۲ ، ۲۸۶۷
	۲۸۷۵ اکوان دیو ۱۲۸ ، ۱۷۲ بیژن و
	منیره ۶۳۳ ، ۶۳۸ ، ۷۱۳ (تهم) ، ۷۲۰ ، ۷۹۲
	۸۲۰ ، ۸۴۷ ، ۸۶۲ ، ۸۷۷

،۱۱۴۹ ،۱۱۱۰ ،۱۰۹۹ ،۱۰۸۲	،۲۱۵۴ ،۲۱۳۵ ،۲۱۲۴ ،۲۱۲۱
۱۱۸۵	،۲۱۸۲ ،۲۱۷۸ ،۲۱۷۴ ،۲۱۶۶
رستم (نیز ← پیلتن، تاج بخش، تهمتن، خداوند رخش) - عرض کردن کیخسرو	،۲۳۹۴ ،۲۲۸۶ ،۲۲۱۶ ،۲۱۹۳
،۲۴۲ ،۹۶ ،۹۵ ،۷۴ ،۵۷ ،۴۷ ،۴۳	۲۶۵۹ ،۲۶۰۵ ،۲۵۷۰ ،۲۴۰۹
،۲۵۳ ،۳۳۱ ،۳۳۶ ،۳۵۷ ف - رود	خداوند رخش (رستم) - کاموس کشانی
سیاوخش ۴۴ ،۱۲۴۲ کاموس کشانی	،۲۱۷۳ بیژن و منیژه ۹۹۹ ،۱۰۰۴
،۵۴۸ ،۴۹۰ ،۴۴۹ ،۲۱۷ ،۴۸ ،۱۶	۱۱۱۰
،۶۷۸ ،۶۶۱ ،۶۳۹ ،۶۳۶ ،۶۰۲	خرّاد کاموس کشانی ۹۹ ،۳۳۳ ،۵۷۰
،۶۹۵ ،۷۰۵ ،۸۱۷ ،۸۲۴ ،۹۸۶	۱۸۳۰ اکوان دیو ۲۳
،۱۰۳۲ ،۱۰۲۸ ،۱۰۲۵ ،۱۰۰۶ ،۹۹۰	خرداد ← خرّاد (ف بیشتر خرداد دارد)
،۱۰۵۸ ،۱۰۵۳ ،۱۰۴۱ ،۱۰۳۴	خسرو ← کیخسرو
،۱۱۳۷ ،۱۱۳۵ ،۱۱۲۹ ،۱۱۲۰	دستان (- سام) - عرض کردن کیخسرو ۷۴
،۱۱۹۴ ،۱۱۸۸ ،۱۱۸۷ ،۱۱۴۰	۵۴۸ کاموس کشانی ۳۳۷ ،۳۳۶ ،۹۵
،۱۲۳۰ ،۱۲۲۸ ،۱۲۰۳ ،۱۱۹۸	اکوان دیو ۱۰۱ بیژن و منیژه ۳۵۵
،۱۳۰۳ ،۱۳۰۰ ،۱۲۹۷ ،۱۲۴۸	،۶۳۱ ،۶۳۰ ،۶۲۹ ،۶۲۴ ،۵۳۰
،۱۳۹۸ ،۱۳۲۹ ،۱۳۱۰ ،۱۳۰۵	۱۱۶۷ ،۷۴۸ ،۶۹۷
،۱۴۴۵ ،۱۴۳۴ ،۱۴۳۳ ،۱۴۰۸	دیو سپید - کاموس کشانی ۶۴۳ ،۲۶۶۶
،۱۵۲۷ ،۱۵۲۲ ،۱۵۱۷ ،۱۴۶۹	بیژن و منیژه ۴۷۶
،۱۵۵۱ ،۱۵۵۰ ،۱۵۳۶ ،۱۵۳۴	رخش - کاموس کشانی ۶۴۴ ،۱۲۳۲
،۱۶۳۰ ،۱۶۱۶ ،۱۶۰۶ ،۱۵۹۵	،۱۴۱۲ ،۱۴۱۱ ،۱۴۰۳ ،۱۳۶۲
،۱۶۶۴ ،۱۶۵۸ ،۱۶۵۴ ،۱۶۳۵	،۱۴۵۷ ،۱۴۵۴ ،۱۴۵۲ ،۱۴۵۱
،۱۷۵۰ ،۱۷۳۲ ،۱۷۰۸ ،۱۶۶۶	،۲۰۷۵ ،۲۰۵۲ ،۱۷۸۰ ،۱۵۱۷
،۱۷۹۷ ،۱۷۷۶ ،۱۷۶۵ ،۱۷۶۰	،۲۱۷۳ ،۲۱۴۸ ،۲۱۳۸ ،۲۱۰۷
،۱۹۰۱ ،۱۸۹۰ ،۱۸۲۹ ،۱۸۲۰	،۲۱۷۶ ،۲۷۱۳ ،۲۷۸۴ اکوان دیو ۴۰
،۱۹۸۳ ،۱۹۶۶ ،۱۹۲۵ ،۱۹۱۴	،۱۵۴ ،۱۰۹ ،۹۰ ،۸۶ ،۸۵ ،۵۷ ،۵۵
،۲۰۲۳ ،۲۰۱۷ ،۲۰۱۲ ،۱۹۹۸	بیژن و منیژه ۴۶۸ ،۶۶۸ ،۷۰۴ ،۷۰۶
،۲۰۷۱ ،۲۰۷۰ ،۲۰۵۰ ،۲۰۴۹	،۱۰۶۵ ،۱۰۰۴ ،۹۹۹ ،۸۷۲ ،۷۱۳
،۲۰۹۰ ،۲۰۸۴ ،۲۰۸۰ ،۲۰۷۳	

،۸۷۸ ،۸۴۹ ،۸۴۵ ،۸۳۹ ،۸۳۴	،۲۱۱۶ ،۲۱۰۱ ،۲۰۹۷ ،۲۰۹۴
،۹۲۵ ،۹۲۲ ،۹۱۰ ،۸۹۹ ،۸۸۴	،۲۱۷۶ ،۲۱۴۴ ،۲۱۳۸ ،۲۱۲۹
،۹۷۳ ،۹۵۷ ،۹۵۱ ،۹۴۸ ،۹۲۹	،۲۲۴۸ ،۲۲۰۷ ،۲۱۹۹ ،۲۱۸۱
،۱۰۶۴ ،۱۰۵۸ ،۱۰۴۴ ،۱۰۰۲	،۲۳۶۲ ،۲۲۸۲ ،۲۲۶۳ ،۲۲۵۴
،۱۰۸۱ ،۱۰۷۳ ،۱۰۷۰ ،۱۰۶۶	،۲۴۱۳ ،۲۴۰۳ ،۲۴۰۲ ،۲۳۷۹
،۱۰۹۶ ،۱۰۹۴ ،۱۰۸۹ ،۱۰۸۵	،۲۴۵۴ ،۲۴۳۲ ،۲۴۲۹ ،۲۴۲۱
،۱۱۵۲ ،۱۱۴۱ ،۱۱۱۷ ،۱۱۱۵	،۲۴۷۷ ،۲۴۶۳ ،۲۴۶۲ ،۲۴۵۶
،۱۲۲۵ ،۱۱۹۶ ،۱۱۸۵ ،۱۱۵۷	،۲۵۴۱ ،۲۵۳۷ ،۲۴۸۹ ،۲۴۸۲
۱۲۵۶،۱۲۵۰،۱۲۴۱،۱۲۳۹	،۲۵۷۲ ،۲۵۶۹ ،۲۵۶۲ ،۲۵۴۳
،۱۰۹۵،۱۰۹۲ فرود سیاوخش	،۲۶۰۹ ،۲۵۹۵ ،۲۵۸۱ ،۲۵۷۴
۱۰۹۸ کاموش کشانی ۱۷۴۹،۲۲۶۲	،۲۶۳۸ ،۲۶۳۷ ،۲۶۳۶ ،۲۶۲۳
رُهّام (- گودرز) - عرض کردن کیخسرو	،۲۷۰۱ ،۲۶۹۸ ،۲۶۶۵ ،۲۶۴۸
،۲۹۰، ۲۹۴ فرود سیاوخش ۴۵۵،	،۲۷۳۳ ،۲۷۲۸ ،۲۷۱۵ ،۲۷۰۷
،۸۸۱ ،۸۷۹ ،۸۷۱ ،۴۹۹ ،۴۵۸	،۲۷۵۲ ،۲۷۵۳ ،۲۷۵۷ پ (روستم)،
۹۰۱، ۹۰۰، ۸۸۹، ۸۸۸، ۸۸۶، ۸۸۴	،۲۷۹۵ ،۲۷۸۳ ،۲۷۷۳ ،۲۷۷۰
کاموس کشانی ۹۸، ۳۲۰، ۳۳۳،	،۲۸۱۷ ،۲۸۰۴ ،۲۸۰۱ ،۲۷۹۷
،۳۸۰ ،۳۷۸ ،۳۷۵ ،۳۷۳ ،۳۴۱	،۲۸۶۶ ،۲۸۵۸ ،۲۸۵۰ ،۲۸۳۳
،۸۰۶ ،۵۹۳ ،۵۷۲ ،۴۰۶ ،۳۹۵	،۲۸۷۶ اکوان دیو ۲۲، ۳۱، ۳۳، ۴۳،
،۱۲۷۶، ۱۲۷۵، ۱۲۷۰، ۱۲۶۹، ۸۵۴	،۴۵ ،۶۰ ،۶۱ ،۶۴ ،۷۱ ،۹۱ ،۱۰۰،
،۲۱۳۰ ،۱۸۳۰ ،۱۴۲۸ ،۱۲۷۸	،۱۱۷ ،۱۱۶ ،۱۱۱ ،۱۰۳ ،۱۰۱،
،۲۶۹۰ ،۲۵۱۵ ،۲۱۳۸ ،۲۱۳۷	،۱۴۵ ،۱۴۴ ،۱۴۲ ،۱۳۱ ،۱۲۲
کوان ۲۸۵۱، ۲۸۴۷، ۲۷۹۱، ۲۷۱۹	،۱۵۱، ۱۵۲ بیژن و منیژه ۱۳۰، ۱۳۰، ۳۴۸،
،۸۵۳، ۶۴۵، ۳۵، ۲۳ بیژن و منیژه	،۵۸۵ ،۵۸۳ ،۳۶۳ ،۳۵۶ ،۳۵۲
۱۱۸۹	،۶۴۱ ،۶۳۷ ،۶۳۴ ،۶۳۳ ،۵۸۷
ریونیزا ^۱ (داماد طوس) - فرود سیاوخش	،۶۷۲ ،۶۷۱ ،۶۶۸ ،۶۶۵ ،۶۴۷
،۲۷۷ ،۲۶۶ ،۲۶۴ ،۲۵۴ ،۲۳۶	،۷۱۱ ،۷۱۰ ،۷۰۲ ،۶۹۵ ،۶۹۱
کاموس ۵۹۹، ۵۱۵، ۳۷۵، ۳۲۹	،۷۲۹ ،۷۲۱ ،۷۱۷ ،۷۱۵ ،۷۱۲
کشانی ۵۱، ۶۳	،۷۷۸ ،۷۶۷ ،۷۶۶ ،۷۴۹ ،۷۳۲
ریونیزا ^۲ (پسر کیکاوس) - فرود سیاوخش	،۸۳۳ ،۸۲۶ ،۸۰۲ ،۷۹۳ ،۷۸۹

سمیران ← شمیران	۹۹۳، ۹۹۹، ۱۰۰۲، ۱۰۱۴، ۱۰۵۴
سویران ← شمیران	کاموس کشانی ۵۴، ۸۱، ۲۲۱۴
سیاوخش (نیز ← سیاوش) - فرود سیاوخش	زادشم - کاموس کشانی ۲۵۳۴
۸۵ (پساوند)، ۱۸۶، ۳۴۸، ۴۹۲،	زال (- زره - سام نریمان؛ نیز ← دستان) -
۵۰۷، ۸۶۱، ۹۹۹ کاموس کشانی	عرض کردن کیخسرو ۲۴، ۲۶، ۳۸،
۱۶۳۸، ۱۷۷۴ بیژن و منیژه ۱۷۴،	۴۵ کاموس کشانی ۶۵۸، ۱۶۷۱،
۱۰۹۹ (پساوند)	۲۰۱۷، ۲۴۶۴، ۲۸۶۹ اکوان دیو ۱۷۳
سیاوش (نیز ← سیاوخش) - عرض کردن	بیژن و منیژه ۷۰۸، ۱۰۹۶، ۱۲۳۴،
کیخسرو ۴۴، ۴۸، ۷۶، ۱۰۶، ۲۱۷،	۱۲۴۱
فرود سیاوخش ۳۴، ۶۹، ۷۸، ۱۰۰،	زرسپ - عرض کردن کیخسرو ۱۴۲ فرود
۱۸۳، ۲۲۵، ۲۴۶، ۳۲۷، ۳۹۱،	سیاوخش ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۰،
۴۹۷، ۵۴۴، ۵۷۷، ۵۹۴، ۱۱۰۴،	۳۲۸، ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳،
کاموس کشانی ۱۲۸، ۱۴۸، ۵۴۴،	۴۲۴، ۵۱۴، ۵۹۷ کاموس کشانی
۶۹۸، ۸۴۴، ۹۷۵، ۱۳۵۲، ۱۵۶۵،	۷۹، ۶۳
۱۵۶۷، ۱۶۰۸، ۱۵۷۹، ۱۶۱۹،	زره - کاموس کشانی ۱۷۵، ۱۷۸
۱۶۷۷، ۱۶۸۵، ۱۷۰۲، ۱۷۰۵،	زنگه (- شاوران) - عرض کردن کیخسرو
۱۷۲۱، ۱۷۷۴ پ (سیاوشن)، ۱۷۷۶،	۳۲۳، ۳۲۷ فرود سیاوخش ۹۸، ۱۲۸،
۱۸۴۰، ۱۸۹۳، ۲۱۰۲، ۲۳۴۱،	۱۷۲، ۱۷۸، ۵۰۵، ۹۶۲ کاموس
۲۶۵۸ اکوان دیو ۱۷۵ بیژن و منیژه	کشانی ۹۹ بیژن و منیژه ۸۵۱، ۸۵۷،
۲۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۳۴۹، ۵۱۳، ۶۷۷،	۱۱۵۴
سیاوش - بیژن و منیژه ۳۵۱ (پساوند؛ در	زواره - عرض کردن کیخسرو ۲۴۱ کاموس
میان مصراع همه جا به ← سیاوخش	کشانی ۱۶۷۱ بیژن و منیژه ۶۹۷، ۷۴۸،
تصحیح شد)	
سیمرغ - کاموس کشانی ۸۷۱ بیژن و منیژه	سام - کاموس کشانی ۱۹۰۵
۷۶۸، ۴۶۷	ساوه - کاموس کشانی ۲۰۶۸، ۲۰۷۳،
	۲۰۷۵
شاپور - بیژن و منیژه ۳۴، ۶۴۵، ۷۸۹،	سلم - عرض کردن کیخسرو ۳۵۹ کاموس
شباهنگ (اسب فرهاد) - بیژن و منیژه ۴۶۶،	کشانی ۹۱، ۲۴۷۷ پ
شبدیز (اسب گیو) - کاموس کشانی ۲۶۸۷	

فرود سیاوخش ۱۲، ۱۹، ۲۳، ۲۷،
 ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۷۱، ۱۲۲، ۱۳۸،
 ۱۷۰، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۲۴،
 ۲۲۷، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۶۱،
 ۲۶۷، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۹،
 ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۲۶، ۴۱۹،
 ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۱، ۶۶۱،
 ۷۰۶، ۷۱۳، ۷۸۱، ۸۱۰، ۸۲۲،
 ۸۳۱، ۸۳۶، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۵۷، ۸۹۰،
 کاموس کشانی ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶،
 ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۶۰، ۷۰،
 ۹۸، ۱۰۷، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۸،
 ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۴،
 ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۵،
 ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۴، ۳۰۴،
 ۳۱۸، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۸۶، ۳۸۹،
 ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۳۹،
 ۴۵۶، ۴۹۲، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۷،
 ۵۳۸، ۵۴۳، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۸،
 ۵۹۳، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۸،
 ۶۳۵، ۶۴۸، ۶۸۸، ۶۹۶، ۶۹۹،
 ۷۲۶، ۷۴۳، ۷۷۰، ۸۰۵، ۸۱۲،
 ۹۰۵، ۹۲۹، ۹۸۳، ۱۰۳۲، ۱۰۳۴،
 ۱۰۳۶، ۱۰۵۱، ۱۰۷۵، ۱۰۸۱،
 ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۷، ۱۱۱۱،
 ۱۱۳۴، ۱۱۴۷، ۱۱۸۰، ۱۲۲۹،
 ۱۲۳۹، ۱۲۵۳، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸،
 ۱۲۹۳، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۸،
 ۱۳۳۶، ۱۴۲۰، ۱۴۲۸، ۱۷۳۵

شبرنگ (اسب بیژن) - بیژن و منیژه ۱۱۶،
 ۲۵۵، ۴۶۷

شطرچ ← شیطرچ

شطرخ ← شیطرچ

شمیرانِ شِکَنی - کاموس کشانی ۷۶۱،
 ۱۳۸۰

شنگل - کاموس کشانی ۷۵۹، ۷۷۰، ۹۳۲،

۱۱۵۱، ۱۱۸۹، ۱۳۸۰، ۱۷۸۹،

۱۸۰۹، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۹،

۱۸۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۱۹۳۸،

۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۶، ۲۰۲۳،

۲۰۲۴، ۲۵۷۱

شویران ← شمیران

شیدوش - عرض کردن کیخسرو ۲۹۲ فرود

سیاوخش ۱۳۲، ۱۷۱ کاموس کشانی

۳۳۳، ۳۴۱، ۳۹۵، ۴۰۶، ۵۷۰،

۶۰۳، ۶۰۹، ۸۵۳، ۲۵۱۵، ۲۶۱۵،

۲۸۴۷

شیده - کاموس کشانی ۲۵۶۷، ۲۵۹۷،

۲۶۴۴، ۲۷۵۲، ۲۷۵۶، ۲۷۵۸ بیژن و

منیژه ۱۱۶۱

شیرکج ← شیطرچ

شیروی ← مردوی

شیطرچ - کاموس کشانی ۳۴۳

ضحاک - کاموس کشانی ۲۶۷۴

طوس (- نوذر) - عرض کردن کیخسرو ۳۱،

۳۵، ۵۵، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۲، ۳۶۳،

۲۵۷، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۰۲،
 ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۳۳،
 ۳۵۱، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۵،
 ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۷،
 ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۰۹،
 ۵۹۸، ۸۲۵، ۸۲۹، ۸۶۲، ۹۹۹،
 ۱۲۴۵ کاموس کشانی ۲۰، ۳۱، ۳۳،
 ۴۱، ۴۹، ۵۲، ۷۹

فرنگیس ← فریگیس

فرهاد - عرض کردن کیخسرو ۱۵۴، ۳۱۴
 فرود سیاوخش ۱۳۴، ۱۷۱ بیژن و منیژه
 ۳۴، ۴۶۶، ۶۴۵، ۷۲۵، ۷۸۹، ۸۵۳،
 ۱۱۵۴، ۱۱۸۹

فربرز (- کاوس) - عرض کردن کیخسرو

۱۴۰، ۲۸۱ فرود سیاوخش ۱۲۴،
 ۲۰۸، ۲۱۳، ۸۱۳، ۸۴۶، ۸۴۷،
 ۸۵۲، ۸۷۰، ۸۷۹، ۸۸۲، ۸۸۸،
 ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۳۴،
 ۹۳۶، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۶۸، ۹۶۹،
 ۹۷۱، ۹۹۴، ۹۹۷ کاموس کشانی
 ۶۸۳، ۶۸۷، ۹۷۰، ۹۷۴، ۹۸۷،
 ۹۹۱، ۱۰۲۴، ۱۰۲۸، ۱۰۳۷، ۱۰۷۷،
 ۱۰۸۱، ۱۱۸۰، ۱۲۳۸، ۱۳۳۰،
 ۱۴۱۸، ۱۸۳۰، ۱۸۸۴، ۱۹۱۶،
 ۲۲۹۹، ۲۳۰۵، ۲۳۲۵، ۲۳۲۷،
 ۲۳۴۷، ۲۳۵۳، ۲۳۵۵، ۲۳۸۸،
 ۲۳۹۲، ۲۴۲۹، ۲۶۱۵، ۲۶۹۷،
 ۲۸۴۷، ۲۸۵۱ بیژن و منیژه ۳۳، ۷۸۹

فربدون - عرض کردن کیخسرو ۲۰، ۳۵۹

۱۸۳۰، ۱۸۸۴، ۱۸۹۸، ۱۹۱۳،
 ۱۹۱۷، ۲۰۹۵، ۲۱۵۲، ۲۲۱۲،
 ۲۲۶۶، ۲۳۳۸، ۲۴۶۳، ۲۴۸۰،
 ۲۵۱۵، ۲۶۱۵، ۲۶۳۶، ۲۶۸۴،
 ۲۶۸۶، ۲۷۱۹، ۲۸۴۷ بیژن و منیژه
 ۳۵، ۱۳۰، ۳۴۸، ۶۴۴، ۷۲۵، ۷۵۱،
 ۱۲۱۰

طهمورت - بیژن و منیژه ۹۵

طهمورث ← طهمورت

غولاد ← کولاد غندی

فرامرز - عرض کردن کیخسرو ۳۹، ۲۴۱

۲۵۶، ۳۲۶، ۳۳۴ کاموس کشانی
 ۱۶۷۱ بیژن و منیژه ۶۹۷، ۷۰۸، ۷۴۸

فرخار ← فرغار

فرشیدورد - فرود سیاوخش ۹۲۷، ۹۳۳
 کاموس کشانی ۳۴۱، ۱۰۲۱، ۱۵۸۳،
 ۱۷۲۴، ۲۶۰۰

فرطوس - کاموس کشانی ۷۶۰، ۱۱۹۱

۱۳۳۲، ۱۸۷۹، ۲۱۹۳، ۲۵۷۰ پ

فرغاد ← فرغار

فرغار - کاموس کشانی ۲۵۶۰، ۲۵۶۱،
 ۲۵۶۴، ۲۶۰۷، ۲۶۱۷، ۲۶۱۹

فرغانه - کاموس کشانی ۲۶۱۷ پ

فرود (- سیاوش) - فرود سیاوخش ۵۹، ۶۹

۷۰، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۵۳،
 ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲،
 ۱۸۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۴۷، ۲۵۰

سیاوخش ۲۲۶، ۸۳۲، ۹۸۲، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۱۳، ۱۰۴۴ کاموس کشانی ۵۴ بیژن و منیژه ۶۷، ۳۴۸، ۷۲۷	کاموس کشانی ۲۶۷۴ فریگیس - فرود سیاوخش ۱۰۴۲ کاموس کشانی ۱۲۷، ۱۶۸۷، ۱۸۴۱
کاوس شاه ← کاوس کاوس کی ← کاوس کاووس ← کاوس	قباد ← کیقباد قراخان - بیژن و منیژه ۲۳۷، ۲۳۹
گبوده - فرود سیاوخش ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۴۳	کافور - کاموس کشانی ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۹، ۲۴۵۹، ۲۴۶۰، ۲۴۶۲
گرسیوز - کاموس کشانی ۱۵۷۶، ۱۷۷۵، بیژن و منیژه ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۶۳، ۲۶۹، ۳۰۵، ۳۲۴، ۳۸۰، ۳۹۴	کاموس - فرود سیاوخش ۱۲۴۵ کاموس کشانی ۱۸، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۷۰، ۹۳۲، ۹۵۰، ۹۶۳، ۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۶۴، ۱۰۸۵، ۱۰۹۴، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۶، ۱۲۶۴، ۱۳۰۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۶۶، ۱۳۸۱، ۱۴۱۵، ۱۴۲۴، ۱۴۳۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۹، ۱۴۵۷، ۱۴۷۱، ۱۴۷۵، ۱۴۷۹، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۹۶، ۱۵۰۷، ۱۵۱۵، ۱۵۱۹، ۱۵۴۵، ۱۶۳۴، ۱۷۵۴، ۱۷۵۸، ۱۷۹۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۹۲۸، ۲۰۶۸، ۲۰۷۰، ۲۰۷۲، ۲۱۶۸، ۲۲۱۷، ۲۲۸۶، ۲۳۹۴، ۲۵۷۰، ۲۶۰۵، ۲۶۵۹، ۲۸۷۹
گرشاسپ - اکوان دیو ۲۲ گرشاسف - اکوان دیو ۲۲ پ کرشیوز ← کرشیوز (و) لن ^۲ همه جا کرشیوز دارند) کرکوی ← گرگوی گشواد - فرود سیاوخش ۹۵۵ کاموس کشانی ۲۴۳، ۱۴۱۹، ۱۹۱۵	
کلباد ← گلباد کمای - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷ پ گنڈر - کاموس کشانی ۷۵۸، ۱۳۸۰، ۱۷۲۸، ۱۸۲۱، ۱۹۲۰، ۲۵۷۱	
کوانه ← نوایه کور(?) - کاموس کشانی ۱۵۷۷، ۲۴۰۹ کوزکوه ← کوس گوش کوس گوش - کاموس کشانی ۱۶۰۰ کولاد غندی - کاموس کشانی ۲۶۶۶ کوه کوس ← کوس گوش	
	کاوس - عرض کردن کیخسرو ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۹۸، ۱۰۸، ۱۳۹، ۲۴۶ فرود

کیورث ← کبوده	کوه گوش ← کوس گوش
گرازه (- گیوگان) - عرض کردن کیخسرو	کویره ← کبوده
۱۵۵، ۳۱۹، فرود سیاوخش ۱۷۲،	کویژه ← کبوده
۹۶۲ کاموس کشانی ۳۴۰، ۳۹۵،	کهار ← گهار
۶۱۰، ۲۶۱۶ بیژن و منیژه ۸۵۲	کهال ← گهار
گردوی ← مردوی	کیخسرو - عرض کردن کیخسرو ۱۴، ۱۸۹،
گرسوز ← کرسیوز	۳۱۲، ۳۱۴ فرود سیاوخش ۴۵، ۷۴،
گرگویی وهر - کاموس کشانی ۷۶۱،	۱۵۵، ۲۴۵، ۳۳۷، ۴۹۶، ۵۷۸،
۱۱۵۵، ۲۵۷۰	۸۵۶، ۱۲۳۹ کاموس کشانی ۲۵،
گرگین (- میلاد) - عرض کردن کیخسرو	۶۸، ۷۱، ۱۰۱، ۴۸۹، ۶۲۰، ۶۲۲،
۵۵، ۱۴۸، ۲۳۳ فرود سیاوخش ۱۷۱	۶۳۱، ۶۶۳، ۶۷۳، ۶۷۷، ۱۰۲۴،
کاموس کشانی ۹۸، ۶۹۱، ۱۳۲۹،	۱۰۳۴، ۱۱۹۷، ۱۴۰۴، ۱۵۷۱،
۱۳۳۰، ۱۸۳۱، ۲۶۱۵، ۲۷۹۱،	۱۸۴۱، ۱۸۴۴، ۲۱۱۸، ۲۱۴۱،
۲۸۴۷ اکوان دیو ۲۳ بیژن و منیژه ۳۴،	۲۳۲۷، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۸۱،
۸۸، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۴۷،	۲۵۴۸، ۲۵۵۶، ۲۸۳۷، ۲۸۴۳،
۱۵۲، ۱۵۴، ۲۲۱، ۴۰۹، ۴۲۲،	۲۸۵۲، ۲۸۷۶ اکوان دیو ۲۰، ۳۰،
۴۲۳، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۱،	۱۶۶ بیژن و منیژه ۲۴، ۲۷، ۳۸، ۴۳،
۴۴۹، ۴۵۴، ۴۷۹، ۴۸۷، ۴۸۹،	۴۸، ۶۱، ۸۶، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۶۰،
۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۷،	۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۲،
۵۲۶، ۶۴۷، ۶۶۵، ۷۹۲، ۸۰۲،	۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۵۲، ۵۵۷،
۸۲۱، ۸۲۴، ۸۵۱، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲،	۶۱۵، ۶۳۵، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۷۲،
۱۰۶۸، ۱۰۷۸، ۱۱۸۹	۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۳۴،
گروی (- زره) - فرود سیاوخش ۴۴۰، ۷۳۹،	۷۴۳، ۷۴۴، ۷۷۸، ۷۸۷، ۸۱۰،
کاموس کشانی ۱۵۷۸، ۱۵۷۹،	۸۱۲، ۸۴۵، ۸۵۷، ۹۲۳، ۹۳۲،
۱۶۱۱	۹۴۸، ۱۲۲۷، ۱۲۳۲، ۱۲۴۲، ۱۲۶۰،
گژدهم - عرض کردن کیخسرو ۱۴۷، ۳۰۰،	۱۲۶۴
فرود سیاوخش ۵۶ بیژن و منیژه ۱۳۰،	کیقباد - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷ پ فرود
۶۴۴	سیاوخش ۱۸۶، ۲۲۶، ۳۳۰ کاموس
	کشانی ۶۶۳

،۱۱۲۳ ،۱۱۱۹ ،۱۱۱۷ ،۱۰۷۷
 ،۱۷۲۴ ،۱۲۳۷ ،۱۱۴۷ ،۱۱۳۵
 ،۱۸۹۰ ،۱۸۵۶ ،۱۸۳۰ ،۱۷۳۵
 ،۲۱۲۹ ،۲۰۹۵ ،۲۰۰۷ ،۱۸۹۸
 ،۲۵۱۵ ،۲۴۸۰ ،۲۳۳۸ ،۲۲۹۷
 ،۲۷۰۳ ،۲۶۹۷ ،۲۶۱۵ ،۲۵۱۷
 ،۲۸۵۳ ،۲۸۵۱ ،۲۸۴۷ ،۲۷۸۹
 ،۲۸۵۸ اکوان دیو ۲۲ بیژن و منیژه ۳۴
 ،۷۲۵ ،۶۴۴ ،۶۰۳ ،۴۶۶ ،۳۶۴
 ،۹۳۳ ،۹۲۴ ،۸۱۷ ،۷۸۹ ،۷۵۱
 ،۱۲۱۶ ،۱۲۱۴ ،۱۲۱۰ ،۱۲۰۵ ،۹۴۷
 ۱۲۷۹

گهار گهانی - کاموس کشانی ۷۶۰

۲۵۷۰ ،۲۰۹۳ ،۲۰۷۹ ،۱۹۲۱

گیو (- گودرز - آزادگان) - عرض کردن

کیخسرو ۳۱ ، ۳۵ ، ۵۵ ، ۵۸ ، ۲۱۰ ،
 ۲۲۲ ، ۲۹۰ ، ۲۹۳ ، ۲۹۹ ف—رود
 سیاوخش ۱۷۱ ، ۲۰۸ ، ۳۲۲ ، ۳۴۶ ،
 ۳۵۲ ، ۳۵۴ ، ۳۵۶ ، ۳۶۲ ، ۳۸۹ ،
 ۳۹۷ ، ۴۰۰ ، ۵۰۱ ، ۵۰۸ ، ۵۱۱ ،
 ۵۳۳ ، ۵۳۵ ، ۵۴۰ ، ۵۴۵ ، ۵۵۴ ،
 ۵۶۸ ، ۶۰۲ ، ۶۰۵ ، ۶۴۹ ، ۶۷۷ ،
 ۷۵۴ ، ۷۵۵ ، ۸۴۱ ، ۸۴۸ ، ۹۱۱ ،
 ۹۲۳ ، ۹۲۸ ، ۹۴۶ ، ۹۵۰ ، ۹۶۰ ،
 ۹۸۵ ، ۹۹۶ ، ۱۰۰۴ ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۳۶ ،
 ۱۰۴۰ ، ۱۰۴۷ ، ۱۱۴۳ ، ۱۱۵۳ ،
 ۱۱۵۸ ، ۱۱۶۳ ، ۱۱۷۵ ، ۱۱۷۸ ،
 ۱۱۷۹ ، ۱۱۸۶ کاموس کشانی ۷۴ ،
 ۱۰۴ ، ۱۳۶ ، ۱۴۴ ، ۲۳۵ ، ۲۴۰

گُستهَم (- گزدهم) - عرض کردن کیخسرو

،۵۵ ،۱۴۷ ،۳۰۰ ،۳۰۶ فرود سیاوخش
 ،۱۲۶ ،۱۷۲ ،۳۶۷ ،۳۷۴ ،۳۸۲ ،
 ،۳۸۴ ،۳۹۰ ،۳۹۲ ،۹۶۲ ،۹۸۵ ،
 ،۱۰۲۰ ،۱۰۲۳ کاموس کشانی ۳۳۳ ،
 ،۳۹۴ ،۵۷۱ ،۶۰۳ ،۶۰۸ ،۱۸۳۰ ،
 ،۲۴۴۲ ،۲۴۴۷ ،۲۴۵۳ ،۲۴۹۳ ،
 ،۲۵۱۵ اکوان دیو ۲۲ بیژن و
 منیژه ۳۳ ، ۱۳۰ ، ۸۵۱ ، ۱۱۵۳

گشواد ← گشواد

گلباد - کاموس کشانی ۳۴۲ ، ۱۰۳۲

،۱۲۲۷ ،۱۵۸۳ ،۱۶۱۱ ،۱۸۱۹ ،
 ۱۸۲۶ ،۲۱۹۵ ،۲۲۶۲ ،۲۶۰۰

گلگون (اسب گودرز) - بیژن و منیژه ۴۶۶

گودرز (- گشواد، - گشوادگان) - عرض

کردن کیخسرو ۳۱ ، ۳۵ ، ۵۵ ، ۱۳۱ ،
 ۱۴۴ ، ۲۸۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ف—رود
 سیاوخش ۵۲ ، ۱۵۷ ، ۱۷۱ ، ۲۰۸ ،
 ۵۰۱ ، ۵۰۸ ، ۵۱۱ ، ۷۵۴ ، ۷۷۱ ،
 ۷۹۹ ، ۸۳۸ ، ۸۴۸ ، ۹۲۶ ، ۹۴۶ ،
 ۹۴۷ ، ۹۶۰ ، ۹۶۷ ، ۱۰۳۶ ، ۱۱۱۴ ،
 کاموس کشانی ۹۸ ، ۱۳۶ ، ۱۳۸ ،
 ۱۴۴ ، ۲۰۷ ، ۲۴۱ ، ۳۰۷ ، ۳۱۴ ،
 ۳۱۹ ، ۳۲۹ ، ۳۴۴ ، ۳۸۶ ، ۴۰۶ ،
 ۴۳۳ ، ۴۳۹ ، ۴۹۲ ، ۵۱۹ ، ۵۲۷ ،
 ۵۶۰ ، ۵۶۱ ، ۵۶۸ ، ۶۳۳ ، ۶۴۸ ،
 ۷۰۴ ، ۷۲۷ ، ۷۴۳ ، ۸۰۶ ، ۸۱۲ ،
 ۸۳۴ ، ۸۳۹ ، ۸۶۲ ، ۹۶۶ ، ۹۶۸ ،
 ۹۷۲ ، ۹۷۳ ، ۹۷۸ ، ۹۹۰ ، ۹۹۴

،۱۳۳۲ ،۱۱۹۱ ،۱۱۵۵ ،۱۱۵۱
 ،۱۸۲۱ ،۱۷۲۸ ،۱۶۰۵ ،۱۳۸۱
 ،۲۳۹۴ ،۲۱۹۳ ،۲۱۲۱ ،۱۸۷۹
 ۲۶۵۹،۲۵۷۰

منشور ← منشور (و همه جا منشور دارد)

منوچهر - عرض کردن کیخسرو ۲۴۴ فرود
 سیاوخش ۲۳، ۸۶۶

منیژه - بیژن و منیژه ۱۴۱، ۱۷۹، ۱۸۹،
 ،۱۹۷ ،۲۰۸ ،۲۲۳ ،۲۳۷ ،۲۹۰
 ،۳۸۸ ،۴۰۱ ،۴۰۶ ،۵۷۱ ،۹۰۹
 ،۹۳۷ ،۹۴۰ ،۹۵۹ ،۹۶۴ ،۹۷۶
 ،۹۸۴ ،۱۰۰۰ ،۱۰۰۸ ،۱۰۳۰ ،۱۰۳۵
 ۱۱۴۳،۱۱۲۳،۱۰۸۵

میلاذ - عرض کردن کیخسرو ۱۴۸

نستیهن - فرود سیاوخش ۷۲۵ کاموس
 کشانی ۱۵۸۳، ۸۱۳، ۲۱۹۵، ۲۶۰۰

نخار ← نخوار

نخاور ← نخوار

نخوار ← نخوار

نوابه ← نوابه

نوابه - عرض کردن کیخسرو ۱۴۹

نوذر - فرود سیاوخش ۲۰، ۲۰۹، ۳۲۸، ۵۱۴
 کاموس کشانی ۴۰، ۴۴۱

نَهَل - کاموس کشانی ۳۴۰

نیرم - عرض کردن کیخسرو ۳۳۶

ویسه - کاموس کشانی ۱۹۶، ۱۵۸۲

،۳۳۳ ،۳۴۳ ،۳۹۴ ،۴۰۶ ،۴۱۲
 ،۴۱۵ ،۴۵۶ ،۵۷۲ ،۵۹۳ ،۶۰۸
 ،۶۴۸ ،۸۰۶ ،۸۱۹ ،۸۵۳ ،۹۳۰
 ،۱۰۸۱ ،۱۰۹۳ ،۱۱۰۵ ،۱۱۳۴
 ،۱۱۴۷ ،۱۳۲۰ ،۱۳۳۶ ،۱۴۲۸
 ،۱۷۳۵ ،۱۸۳۰ ،۲۱۹۷ ،۲۳۳۸
 ،۲۵۰۷ ،۲۵۱۰ ،۲۵۱۲ ،۲۵۱۵
 ،۲۶۱۵ ،۲۶۸۶ ،۲۶۸۹ ،۲۷۱۹
 ،۲۷۶۸ ،۲۷۹۱ ،۲۸۴۷ ،۲۸۵۱ اکوان
 دیو ۲۳ بیژن و منیژه ۳۴، ۷۵، ۱۳۰،
 ،۱۶۰ ،۱۸۴ ،۲۵۶ ،۳۵۲ ،۳۶۳
 ،۴۲۳ ،۴۲۴ ،۴۲۸ ،۴۷۸ ،۴۸۱
 ،۴۸۲ ،۵۰۵ ،۵۰۶ ،۵۰۷ ،۵۰۹
 ،۵۱۶ ،۵۱۸ ،۵۳۶ ،۵۴۸ ،۵۵۲
 ،۵۵۷ ،۵۷۲ ،۶۰۳ ،۶۰۷ ،۶۱۰
 ،۶۱۵ ،۶۲۶ ،۶۲۷ ،۶۳۸ ،۶۴۱
 ،۶۶۸ ،۶۷۴ ،۶۹۱ ،۶۹۵ ،۶۹۷
 ،۷۰۷ ،۷۱۲ ،۷۱۵ ،۷۱۶ ،۷۲۱
 ،۷۷۳ ،۷۸۶ ،۷۸۹ ،۸۱۷ ،۹۲۴
 ،۹۳۳ ،۹۴۸ ،۱۲۰۵ ،۱۲۱۴ ،۱۲۱۶
 ۱۲۴۰، ۱۲۳۸

لواده ← نوابه

لَهَاک - فرود سیاوخش ۹۲۷ کاموس

کشانی ۳۴۱، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱

۱۷۲۴، ۱۵۸۳، ۱۰۲۱

مردوی - فرود سیاوخش ۶۸۰

منشور - کاموس کشانی ۷۴۵، ۹۳۲، ۱۰۰۲

فهرست نام کسان

،۱۴۷۸ ،۱۳۲۵ ،۱۳۲۱ ،۱۲۲۷	همای - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷
،۱۵۹۴ ،۱۵۸۳ ،۱۵۴۴ ،۱۵۳۷	هومان (- ویسه) - فرود سیاوخش ۹۳۳،
،۱۶۶۲ ،۱۶۱۴ ،۱۶۱۰ ،۱۵۹۶	،۹۳۷ ۹۸۱ کاموس کشانی ۱۸۵،
،۱۸۱۴ ،۱۸۱۳ ،۱۷۴۹ ،۱۷۲۴	،۲۶۴ ،۲۵۰ ،۲۴۰ ،۲۳۲ ،۲۰۲
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۲۸۵ ،۲۸۱ ،۲۷۷ ،۲۷۳ ،۲۶۸
،۲۲۱۲ ،۲۲۶۲ ،۲۶۰۰ ،۲۷۱۸ بیژن و	،۳۴۵ ،۳۴۴ ،۳۳۶ ،۳۰۶ ،۲۹۵
منیژه ۱۱۶۰	،۵۱۱ ،۵۰۴ ،۴۸۵ ،۴۶۸ ،۳۶۱
یلاشان ← بلاشان	،۵۷۶ ،۵۵۳ ،۵۳۴ ،۵۱۹ ،۵۱۷
یوسپاس - کاموس کشانی ۱۶۰۰	،۷۶۴ ،۷۱۱ ،۶۲۷ ،۵۹۹ ،۵۸۹
	،۱۱۷۵ ،۱۰۹۰ ،۱۰۲۱ ،۸۷۸ ،۷۸۴

فهرست نام جای‌ها

۹۳۴، ۹۸۱، ۹۸۷، ۱۰۰۱، ۱۰۲۸،
 ۱۱۲۰، ۱۱۲۵، ۱۱۳۰ کاموس
 کشانی ۴۸، ۷۴، ۸۹، ۹۲، ۹۵،
 ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۴،
 ۱۵۹، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۹، ۲۲۹،
 ۳۹۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۸۴، ۵۰۲،
 ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۳۷، ۵۸۵، ۶۰۴،
 ۶۰۷، ۶۳۷، ۶۶۴، ۶۷۸، ۷۰۷،
 ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۸۰،
 ۷۸۲، ۷۹۷، ۸۱۶، ۸۳۶، ۸۴۸،
 ۸۴۹، ۸۵۸، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۹،
 ۸۷۱، ۸۸۰، ۸۸۳، ۹۰۶، ۹۳۰،
 ۹۳۴، ۹۴۰، ۹۵۳، ۹۵۶، ۹۶۰،
 ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۲۲،
 ۱۰۳۰، ۱۰۳۷، ۱۰۶۲، ۱۰۶۹،
 ۱۰۷۵، ۱۰۹۱، ۱۱۳۴، ۱۱۶۹،
 ۱۱۸۲، ۱۱۸۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵،
 ۱۲۶۸، ۱۳۱۴، ۱۳۱۸، ۱۳۲۲،
 ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۴۱،
 ۱۳۸۲، ۱۴۲۹، ۱۴۴۶، ۱۴۶۲،
 ۱۴۶۷، ۱۴۹۷، ۱۵۳۹، ۱۵۵۶،
 ۱۵۶۹، ۱۵۷۶، ۱۵۸۹، ۱۵۹۷

آذربادگان - عرض کردن کیخسرو ۶۶
 آذرگشسپ (آتشکده، ایزد آتش) - عرض
 کردن کیخسرو ۶۷، ۱۱۳ فرود
 سیاوخش ۲۶۹، ۵۹۷، ۶۹۰، ۹۷۰،
 ۱۰۷۱ کاموس کشانی ۷۹، ۱۵۱۱
 اکوان دیو ۵۰ بیژن و منیژه ۷۳۲
 آبرشهر - عرض کردن کیخسرو ۱۵۳، ۳۱۴
 فرود سیاوخش ۱۳۴
 ارمان - بیژن و منیژه ۴۸، ۵۶، ۱۵۱، ۴۲۶،
 ۴۵۷
 اسفیجاب ← سیجاب
 الماس رود - کاموس کشانی ۲۵۸۰
 ایران (- زمین) - عرض کردن کیخسرو ۶۰،
 ۷۶، ۷۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۷۱، ۲۱۹،
 ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۴۶، ۲۴۹، ۳۰۵ فرود
 سیاوخش ۳۸، ۶۱، ۷۱، ۷۴، ۹۴،
 ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۹۲، ۲۸۳،
 ۳۰۸، ۳۴۵، ۳۹۶، ۳۹۹، ۵۲۹،
 ۵۸۰، ۵۸۲، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۹،
 ۶۴۷، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۶۰، ۶۶۶،
 ۷۴۵، ۷۵۲، ۸۲۴، ۸۳۰، ۸۵۰

بسد کوه ← سپد کوه	،۱۷۴۵ ،۱۷۳۸ ،۱۶۵۵ ،۱۵۹۸
بلخ - کاموس کشانی ۱۴۷۵، ۷۷۸	،۲۰۹۷ ،۲۰۹۶ ،۲۰۳۷ ،۱۸۹۳
بیداد - کاموس کشانی ۲۴۳۷	،۲۱۱۸ ،۲۱۰۳ ،۲۱۰۰ ،۲۰۹۹
	،۲۱۷۰ ،۲۱۵۷ ،۲۱۵۳ ،۲۱۲۵
پروان - کاموس کشانی ۱۹۲۳ پ	،۲۲۷۲ ،۲۲۶۱ ،۲۲۱۵ ،۲۲۱۳
	،۲۳۹۲ ،۲۳۸۹ ،۲۳۵۳ ،۲۲۸۶
توران (- زمین) - عرض کردن کیخسرو	،۲۴۱۵ ،۲۴۱۱ ،۲۴۰۷ ،۲۳۹۵
۱۰۴ ، ۱۶۱ ، ۲۱۹ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸ ، ۲۵۲	،۲۵۲۵ ،۲۴۷۰ ،۲۴۳۳ ،۲۴۱۸
فرود سیاوخش ۶۱ ، ۱۵۵ ، ۱۹۶	،۲۵۶۴ ،۲۵۶۲ ،۲۵۴۸ ،۲۵۴۷
۳۳۷ ، ۳۴۲ ، ۵۲۶ ، ۵۲۹ ، ۵۳۴	،۲۶۹۶ ،۲۶۰۷ ،۲۵۹۴ ،۲۵۷۶
۵۷۶ ، ۶۴۸ ، ۶۵۶ ، ۶۸۲ ، ۶۹۶	،۲۸۳۲ ،۲۷۸۱ ،۲۷۴۵ ،۲۷۱۸
۷۴۳ ، ۸۲۳ ، ۸۹۷ ، ۹۸۶ ، ۱۰۴۳	،۲۸۳۴ ،۲۸۴۸ ،۲۸۷۷ بیژن و منیژه
۱۱۰۴ کاموس کشانی ۱۸۲ ، ۱۸۳	،۱۸۱ ،۱۱۸ ،۵۴ ،۵۲ ،۴۷ ،۲۶
۲۲۱ ، ۲۷۱ ، ۲۷۸ ، ۴۹۶ ، ۵۱۱	،۲۷۸ ،۲۴۲ ،۲۴۱ ،۲۳۴ ،۱۸۲
۵۲۰ ، ۵۲۱ ، ۵۴۹ ، ۵۹۷ ، ۶۶۶	،۳۶۰ ،۳۲۴ ،۳۱۵ ،۳۰۵ ،۲۹۳
۷۴۹ ، ۷۵۳ ، ۸۴۸ ، ۸۷۹ ، ۹۹۵	،۵۱۲ ،۴۶۴ ،۴۲۱ ،۴۱۷ ،۳۶۶
۱۰۷۱ ، ۱۰۷۸ ، ۱۱۸۹ ، ۱۲۴۱	،۶۹۰ ،۶۴۲ ،۶۲۷ ،۵۹۱ ،۵۵۴
۱۳۴۷ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۸۹ ، ۱۶۰۵	،۷۴۶ ،۷۱۲ ،۷۱۰ ،۷۰۹ ،۷۰۲
۱۷۱۹ ، ۱۷۲۰ ، ۱۸۷۰ ، ۱۹۲۳	،۸۸۵ ،۸۸۱ ،۸۶۸ ،۷۶۹ ،۷۶۸
۱۹۵۹ ، ۲۰۸۱ ، ۲۱۰۲ ، ۲۳۷۶	،۹۱۷ ،۹۱۶ ،۹۱۵ ،۹۰۵ ،۸۹۹
۲۳۹۴ ، ۳۵۱۲ ، ۲۵۹۶ ، ۲۶۰۴	،۱۰۰۵ ،۹۶۵ ،۹۴۷ ،۹۳۶ ،۹۲۸
۲۸۲۷ ، ۲۸۳۰ ، ۲۸۵۲ اکوان دیو ۱۱۰	۱۲۳۶ ،۱۲۲۱ ،۱۲۱۵ ،۱۱۲۹
بیژن و منیژه ۲۵ ، ۴۱ ، ۴۷ (تور) ، ۵۱	
۱۳۳ (تور) ، ۲۳۱ ، ۲۳۴ ، ۲۶۷ ، ۲۷۸	باورد - فرود سیاوخش ۷۴۰
۲۸۴ (تور) ، ۳۰۲ ، ۳۱۱ ، ۳۲۷ ، ۳۵۴	بربر - کاموس کشانی ۱۷۵۸
۳۵۸ ، ۳۶۶ ، ۵۱۲ ، ۵۵۴ ، ۵۷۵	برزین (آتشکده) - فرود سیاوخش ۱۹۷
۶۶۰ ، ۶۷۰ ، ۷۷۶ ، ۸۴۳ ، ۸۶۴	برگوش - کاموس کشانی ۱۷۵۹
۸۶۸ ، ۸۷۱ ، ۸۸۱ ، ۸۸۵ (تور) ، ۹۶۵	بروجرد ← گروگرد
۹۹۵ ، ۱۰۰۵ (تور) ، ۱۱۰۸ ، ۱۱۱۳	بزگوش ← برگوش

دریای روم - کاموس کشانی ۱۲۴۲	۱۱۲۲ (تور)، ۱۱۲۶، ۱۱۳۰، ۱۱۳۷،
دریای (رود) سند - کاموس کشانی	۱۱۳۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۵، ۱۱۹۸،
۲۵۷۱، ۲۳۱۴، ۱۷۰۴	۱۲۳۱، ۱۲۰۳
دریای نیل - عرض کردن کیخسرو ۲۶۸	تورگرد - کاموس کشانی ۲۴۸۸
فرود سیاوخش ۶۰، ۳۴۶ کاموس	
کشانی ۱۷۷۸، ۱۸۵۱، ۲۵۸۷	جرم - فرود سیاوخش ۴۸، ۵۴، ۶۸، ۲۴۹،
دنبیر - کاموس کشانی ۱۹۳۹	۳۱۸، ۳۳۲، ۵۲۴، ۸۲۸، ۸۶۰
دیول - کاموس کشانی ۱۹۳۴ پ	کاموس کشانی ۱۹، ۳۲
	جیحون - فرود سیاوخش ۳۴۵ کاموس
روم - کاموس کشانی ۷۴۴، ۹۸۴، ۲۱۴۲	کشانی ۸۹۹
ری - کاموس کشانی ۲۵۳۹	جیلان - کاموس کشانی ۱۹۵۹ پ،
	۲۱۶۰ پ
زابل ← زاول	جیوگرد - گروگرد
زابلستان ← زاولستان	
زاول - کاموس کشانی ۱۰۰۴، ۱۱۱۶ بیژن	چین - کاموس کشانی ۹۲۶، ۹۸۴، ۱۱۵۸،
و منیژه ۱۲۳۵	۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۹۳۳، ۲۰۵۳،
زاولستان - عرض کردن کیخسرو ۲۴۳	۲۰۶۳، ۲۰۸۱، ۲۰۹۹، ۲۱۰۳،
کاموس کشانی ۶۰۷، ۶۸۰،	۲۱۲۶، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۵۰،
۷۷۹، ۱۱۹۸، ۱۴۶۸، ۱۶۳۸، ۱۷۳۳،	۲۱۶۰، ۲۱۸۰، ۲۲۷۴، ۲۳۱۴،
۱۸۷۷ بیژن و منیژه ۶۲۱، ۱۰۰۵	۲۳۴۰، ۲۳۴۲، ۲۴۱۸، ۲۶۳۵،
	۲۸۰۵، ۲۸۰۸ بیژن و منیژه ۱۸۶، ۵۹۷،
سبد کوه ← سپد کوه	چین ستان (← شیر چین) - بیژن و منیژه
سبد کوه - فرود سیاوخش ۶۶، ۲۴۹، ۳۵۳،	۳۸۵
۳۹۳، ۴۳۱، ۵۰۲، ۵۹۲، ۸۲۸	
سبجباب ← سپجباب	حنلان ← ختلان
سبجباب - کاموس کشانی ۷۴۴	
سرخس - فرود سیاوخش ۷۴۰	ختلان - کاموس کشانی ۱۹۵۹، ۲۱۶۰
سغد - کاموس کشانی ۲۴۳۴	ختن - کاموس کشانی ۲۴۰۱، ۲۵۰۸
سقلاب - کاموس کشانی ۷۵۸، ۹۸۴،	دریای چین - کاموس کشانی ۷۳۸، ۲۵۹۶

کشانى ۱۹۲۳ پ	،۱۹۵۹ ،۱۷۰۴ ،۱۳۸۰ ،۱۲۴۴
	،۲۰۶۳ ،۲۰۵۳ ،۲۰۴۱ ،۲۰۱۵
کابل ← کاول	،۲۴۱۸ ،۲۳۴۲ ،۲۳۴۰ ،۲۲۷۴
کابلستان ← کاولستان	۲۶۳۵
کاس رود - عرض کردن کيخسرو ۲۱۷،	سکبان ← شکنان
۲۲۰ فرود سیاوخش ۵۲۷، ۵۲۹،	سگسار - کاموس کشانى ۷۵۹ (سگسار
۱۲۱۳، ۷۸۰، ۶۱۳، ۵۹۲، ۵۷۷	غرچه)، ۱۷۵۹، ۲۰۵۳ پ، ۲۱۴۱ پ
کاسه رود ← کاس رود	سند - کاموس کشانى ۱۲۴۴، ۱۳۸۰،
کاول - عرض کردن کيخسرو ۲۴، ۳۳۰	۱۹۲۳
کاموس کشانى ۷۷۹، ۱۰۰۴	سنکان ← شکنان
کاولستان - کاموس کشانى ۶۸۰، ۷۷۹،	سيستان - کاموس کشانى ۱۰۰۸، ۱۰۲۸،
۱۷۳۳، ۱۴۶۸	۱۷۶۴ بیژن و منیره ۶۱۶، ۱۲۵۸
کشانى - کاموس کشانى ۱۴۴۸	
کشمير - عرض کردن کيخسرو ۳۳۰ کاموس	شروان - کاموس کشانى ۱۹۲۳ پ
کشانى ۷۵۷، ۲۳۱۵، ۲۵۷۱	شِکَنان - کاموس کشانى ۲۰۵۳، ۲۱۴۱،
کلات (دز) - فرود سیاوخش ۳۳، ۳۷،	۲۳۴۲
۴۸، ۵۴، ۴۲۷، ۵۰۰، ۵۹۲، ۸۲۸	سنکان ← شکنان
کاموس کشانى ۱۹، ۳۲	شَهد (رود) - کاموس کشانى ۱۱۸، ۱۲۰،
گنگ - کاموس کشانى ۲۳۲۳	۱۵۵۶، ۷۵۷، ۲۵۷، ۱۵۴
کنوگرد ← گروگرد	شَهد (کوه) - کاموس کشانى ۲۳۱۵
کورابه ← گورابد	شيرچين (← چين ستان) بیژن و منیره ۱۰۵۱
کيلان - کاموس کشانى ۱۹۵۹ پ	
	طراز - کاموس کشانى ۲۵۱۳
گرگساران - بیژن و منیره ۵۶۹	طوس - فرود سیاوخش ۷۴۰
گروگرد - فرود سیاوخش ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۶۸،	
۷۳۹	غرچه ← سگسار
گورابد - بیژن و منیره ۶۲۰	
لاون - کاموس کشانى ۲۴۲	قندهار - بیژن و منیره ۱۶۵ پ
	قَنوج - عرض کردن کيخسرو ۳۳۷ کاموس

وزوگرد ← گروگرد	ماچین - کاموس کشانی ۲۸۰۸
وهر - کاموس کشانی ۷۶۱، ۱۶۰۱،	مازندران - کاموس کشانی ۶۶۶، ۱۰۴۰،
۲۲۷۴، ۲۱۵۹	۱۴۴۲، ۱۷۵۹، ۱۹۰۵، ۲۲۲۰،
	۲۴۱۶، ۲۶۶۵، ۲۷۳۳ بیژن و منیژه
هماون (کوه) - کاموس کشانی ۴۴۵،	۷۷۰، ۶۷۷، ۵۹۲
۴۵۵، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۳۳، ۵۳۶،	ماورالنهر - کاموس کشانی ۷۴۰
۵۴۶، ۶۳۲، ۶۵۱، ۷۸۵، ۸۰۴،	مای - کاموس کشانی ۱۰۰۴، ۱۹۳۴
۸۷۴، ۹۳۳، ۹۹۴، ۹۹۶، ۱۰۳۹،	مرغ - کاموس کشانی ۱۹۳۹
۱۱۳۵، ۱۰۸۷	میم - فرود سیاوخش ۵۴، ۶۸، ۲۶۷ کاموس
هند - کاموس کشانی ۷۵۹، ۹۸۴، ۱۰۰۴،	کشانی ۱۹
۱۲۴۴، ۱۳۸۰، ۱۴۱۶، ۱۷۰۴،	
۱۸۱۱، ۱۹۲۳، ۱۹۶۴، ۲۰۱۵،	نیل ← دریای نیل
۲۲۷۴، ۲۳۱۴، ۲۳۴۰، ۲۳۴۲،	نیمروز - عرض کردن کیخسرو ۲۳، ۳۳۰،
۲۵۷۱	بیژن و منیژه ۵۸۴
هندوستان - عرض کردن کیخسرو ۳۳۷	
هیرمند - بیژن و منیژه ۶۱۹، ۶۲۲	وروگرد ← گروگرد

7-45 SB 105

-1,3

The old series of Persian Texts nos. 1-48 were published by Bongah-e Tarjama va Nashr-e Ketab. Tehran, 1959-77.

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Firdawsī

Shāhnāmāh.

(Majmū'ah-'i mutūn-i Fārsī; silsilah-'i nū,
shumārah-'i 1)

(Persian Text Series; New Series, no. 1)

In Persian.

Includes intro. in English (v. 1)

Title on added t.p. (v.1): The Shahnameh (The Book of Kings).

Includes bibliographical references and indexes.

I. Khaleghi-Motlagh, Djalal. II. The Shahnameh.

III. The Book of Kings. IV. Title. V. Series.

PK6455.A1 1987

89'.5511

87-30927

Copyright © 1992 by Djalal Khaleghi-Motlagh.

All rights reserved. Except for brief passages quoted for criticisms, no part of this publication may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, or any information storage and retrieval system, without permission from the publisher. For information, address Mazda Publishers, P. O. Box 2603, Costa Mesa, California 92626 U.S.A.

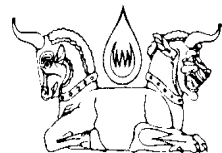
ISBN:0-88706-770-0 (Vol. 1)

ISBN:0-939214-65-2 (Vol. 2)

ISBN:0-939214-86-5 (Vol. 3)

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

Published by the Persian Heritage Foudation under the imprint of Bibliotheca Persica,
and in association with Mazda Publishers.



انتشارات مزدا



Persian Text Series
General Editor, Ehsan Yarshater
New Series, no. 1

Abu'l-Qasem Ferdowsi

THE SHAHNAMEH
(The Book of Kings)

Edited by
Djalal Khaleghi-Motlagh

Volume 3

Mazda Publishers
In Association With
Bibliotheca Persica

Costa Mesa, California and New York